



سانتریفیوژها باید
بچرخد اما چرخ زندگی
مردم هم باید بچرخد

امروز روزی است که همه
قدرت های بزرگ اعلام
کردندکه همه تحریم ها
برداشته خواهد شد

همه تحریم ها چه مالی،
اقتصادی و بانکی در همان روز
اجرای توافق لغو خواهد شد

سراب برجام

جامع ترین اثر در نقد و بررسی برجام و پیامدهای آن از منظر نخبگان کشور

با مقدمه: دکتر فؤاد ایزدی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

به کوشش: حسین ایزدی، منصور شریفی

سراب برجام

جامع ترین اثر در نقد و بررسی برجام و پیامدهای آن از منظر نخبگان ک

انقلاب اسلامی

۱۵

۵

۷۶

کاغذ
ایرانی

کسانی که امید می بندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه‌ی توافقی برسیم... از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهّدهای خود عمل کنیم [امّا] طرف مقابل با طُرق مختلف، با شیوه های مختلف، با خدعه، با تقلّب سرباز می زند و به تعهّدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می بینیم؛ یعنی **خسارت محض**.

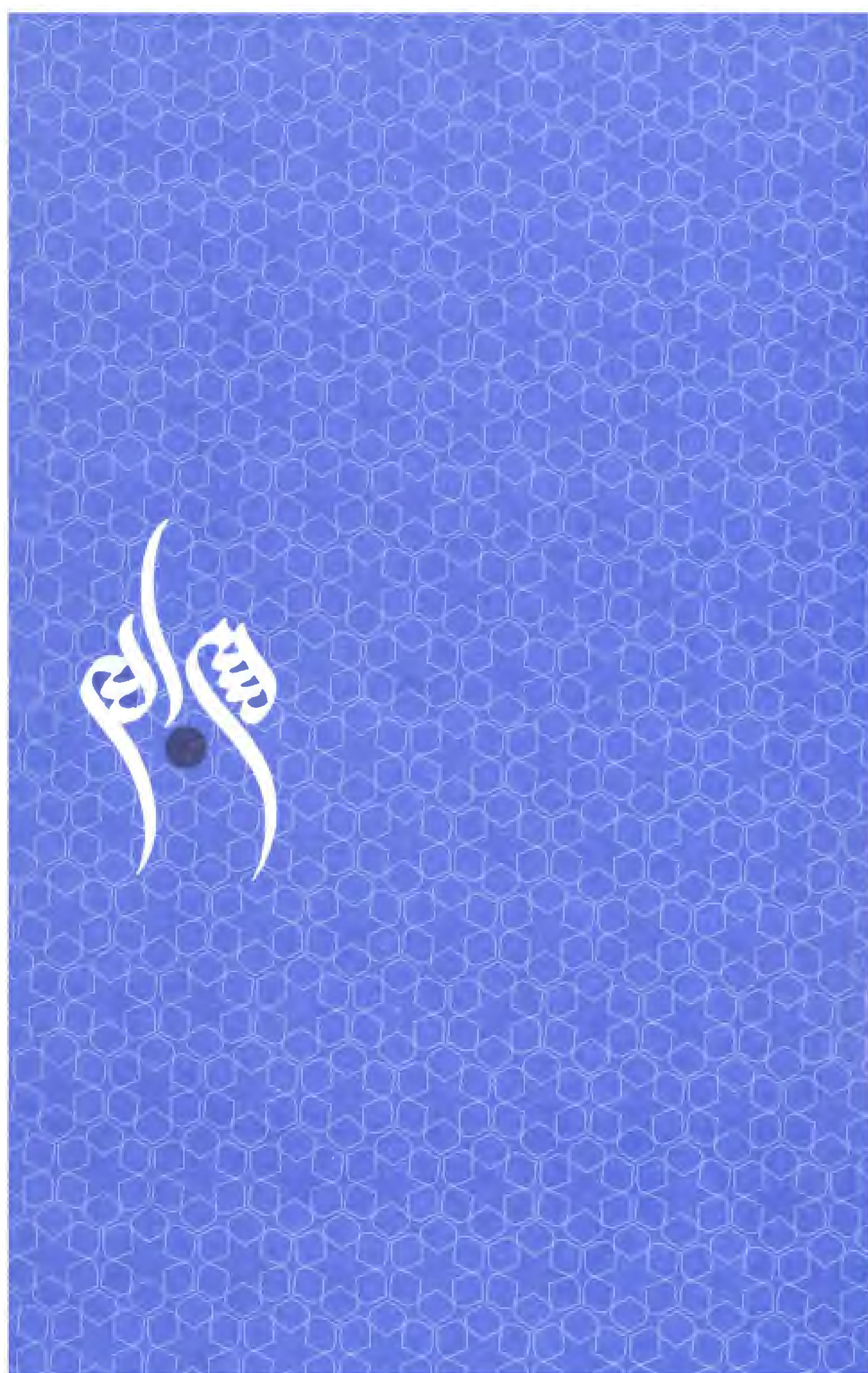




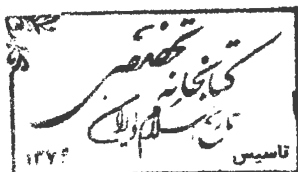
www.
manvaketab.ir
۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶



قیمت: ۲۲۵۰۰ تومان


سلام





سرابِ برجام

جامع‌ترین اثر در نقد و بررسی برجام
و پیامدهای آن از منظر نخبگان کشور

به کوشش: حسین ایزدی، منصور شریفی
کاری از دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی




سرابِ برجام

سرشناسه: ایزدی، حسین، ۱۳۶۵ -، گردآورنده | **عنوان و نام پدیدآور:** سراب برجام: جامع‌ترین اثر در نقد و بررسی برجام و پیامدهای منفی آن از نظر نخبگان کشور/ به کوشش حسین ایزدی، منصور شریفی؛ کاری از دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. | **مشخصات نشر:** قم: نشر شهید کاظمی، ۱۳۹۵. | **مشخصات ظاهری:** ۷۳۲ ص.: مصور، عکس؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س‌م. | **شابک:** ۲۲۵۰۰۰ ریال : ۰-۵۵-۸۲۰۰-۶۰۰-۹۷۸ | **وضعیت فهرست نویسی:** فیپا | **یادداشت:** کتابنامه: ص. ۷۳۱ - ۷۳۲. **عنوان دیگر:** جامع‌ترین اثر در نقد و بررسی برجام و پیامدهای منفی آن از نظر نخبگان کشور. | **موضوع:** برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵م. ۱۴ ژوئیه | **موضوع:** Joint Comprehensive Plan of Action, ۱۴ July ۲۰۱۵ | **موضوع:** انرژی اتمی -- ایران -- سیاست دولت | **موضوع:** Nuclear energy -- Government policy -- Iran | **موضوع:** حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی | **موضوع:** Pacific settlement of international disputes | **موضوع:** ایران -- روابط خارجی -- قرن ۱۴ | **موضوع:** Iran -- Foreign relations -- ۲۰th century | **موضوع:** ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ | **موضوع:** Iran -- Politics and government -- ۲۰th century | **رده بندی دیویی:** ۳۲۷/۱۷۴۷۰۹۵۵ | **رده بندی کنگره:** ۱۳۹۵ ۴س۹۳الف/KZ۵۶۷۵ | **شناسه افزوده:** شریفی، منصور، ۱۳۶۴ -، گردآورنده | **شناسه افزوده:** دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی | **شماره کتابشناسی ملی:** ۴۴۴۸۸۴۱

نویسنده: حسین ایزدی، منصور شریفی — انتشارات: شهید کاظمی
نوبت چاپ: اول، زمستان ۹۵ — شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۲۲۵،۰۰۰ ریال — شابک: ۰-۵۵-۸۲۰۰-۶۰۰-۹۷۸
چاپ و صحافی: مجتمع چاپ [illegible]
مدیریت هنری و آماده‌سازی: موسسه شهید کاظمی

دفتـر مرکزی نشـر و پخش: قـم، خیابـان معلم، مجتمع ناشـران،
طبقه اول، فروشـگاه ۱۳۱ | شـمارهٔ تمـاس: ۶-۳۷۸۴۰۸۴۴-۰۲۵
www.manvaketab.ir | سامانهٔ پیام‌کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱


عضویت در باشگاه مخاطبان


http://instagram.com/nashre_shahidkazemi


https://telegram.me/Nashreshahidkazemi





تقدیم به شهدای عزیز هسته‌ای کشورمان

[illegible] ...نگر دیرین‌مان، دیده‌بان نفوذ، مجاهد عرصه‌ی روشنگری،

طلبه شهید حاج مهدی مطلبی

که در راه اعتلای انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن

از جان خویش گذشت...

فهرست اجمالی

فهرست تفصیلی

مقدمه

مقدمه ی دکتر فؤاد ایزدی

۱. برجام، امروز به یکی از واژه‌های پرتکرار در ادبیات سیاسی کشور بدل شده است. واژه‌ای که از نخبگان سیاسی کشور گرفته تا مردم کوچه و بازار بارها و بارها آن را تکرار می‌کنند. قرار بود برجام نام دیگر یک «دستاورد و فتح تاریخی» باشد؛ که مایه‌ی دلگرمی توده‌های مردم و بازشدن بندها و زنجیرها از پای اقتصاد ایران باشد تا همه شیرینی آن را تا سال‌های سال در کام خود حس کنند؛ قرار بود برجام بیاید تا هم چرخ سانتریفیوژها بچرخد، هم چرخ کارخانه‌ها و زندگی مردم؛ قرار بود برجام بیاید تا مشکل آلودگی هوا و صنعت و تکنولوژی و کارخانه‌های تعطیل و اشتغال جوانان و حتی آبِ خوردن مردم نیز حل شود؛ قرار بود برجام بیاید تا رابطه‌ی ما با دنیا (بخوانید آمریکا) بهتر شود و دنیا با ما بهتر سخن بگوید و... .

برجام یک «تجربه‌ی بزرگ تاریخی» است که اگر از آن درس نگیریم، ملت ایران دچار «خسارت‌های محض» فراوانی خواهد شد.

۲. برجام چیست؟ برجام نمود و بروزی از یک تفکر است که در تعامل با فضای بین‌الملل خود را نشان می‌دهد. برجام مبتنی بر «اشتباه در محاسبه‌های کلان» است. برجام تفکری است که «پیشرفت و رشد ملی» را وابسته به بیرون از مرزهای کشور می‌داند. برجام تفکری است که در آن «ظرفیت‌های داخلی» از جایگاه چندانی برخوردار نیستند. برجام تفکری است که به «ما نمی‌توانیم» بیش از «ما می‌توانیم» اعتقاد دارد. شاید بهتر است بگوییم به «ما بدون خارجی‌ها نمی‌توانیم» اعتقاد دارد. برجام تفکری است که دنیا را تنها چند کشور غربی می‌داند؛ و برای ارتباط با آن‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. پس برجام تفکری است که دنیای کوچکی دارد، زیرا دنیای آن، دنیای چند کشور استعمارگر و غارت‌گر بیشتر نیست و صد و اندی کشور دیگر از کشورهای جهان را دنیا نمی‌داند. برجام تفکری است که «عافیت‌طلبی و امتیازدهی گزاف» را بر «مقاومت و کار و تلاش و مجاهدت» مقدم می‌دارد. برجام تفکری است که «پیشرفت» را در «توسعه» با تعریف غربی آن می‌داند؛ پس اساساً در پی «توسعه» است، نه «پیشرفت».

اگر برجام این‌ها است که هست، برجام تفکری خطرناک و پر از آسیب و تهدید برای آینده انقلاب اسلامی است. برجام تفکری است که با مبانی مکتب امام راحل (س) سازگاری ندارد. چرا که بسیاری از اصول این مکتب را نفی می‌کند. با این اوصاف تکرار برجام و سخن از برجام‌های ۲ و ۳ و ۴ و... سخن از «خسارت‌های محض» دیگری است.

۳. هدف دشمن از پیشنهاد و تحمیل «برجام‌های جدید» ایجاد تغییر نرم در رفتار جمهوری اسلامی ایران است. استکبار و در رأس آن امریکا تحمل دیدن کنش گری جدید در دنیای معاصر را ندارد. کشوری که با ادبیات دینی و انقلابی به دیگر ملت‌ها، درس عزت مداری و ایستادگی و استقلال می‌دهد و شعارهای استکبارستیزی را بر سر دست گرفته است؛ هیچ‌گاه برای آن‌ها قابل تحمل و پذیرش نیست. استکبار جهانی، ایرانی را می‌پسندد که اساساً تهی از مبانی و رفتار مکتبی و انقلابی باشد. ایرانی بی‌خطر، عاری از شعارها و عملکرد انقلابی، همسو و همراه یا حداقل غیر معترض به سیاست‌های استکبار جهانی. برجام برای دشمن مدلی کم‌هزینه با دستاوردهای بسیار بالایی است؛ زیرا تنها با مذاکره و بدون لشکرکشی، سنگرهای بزرگی را فتح می‌کند. برجام و مذاکره برای دشمن، ابزاری برای نفوذ و تحمیل خواسته‌ها و در نهایت تغییر رفتار ایران انقلابی و اسلامی است.

۴. برجام، حاکی از یک تفکر است. تفکری که با مبانی انقلاب اسلامی و امام راحل فاصله دارد. تفکری که اگر به آن تن دهیم و دست از مکتب امام برداریم به تعبیر مقام معظم رهبری «سیلی محکم» می‌خوریم. از سوی دیگر عده‌ای در داخل و خارج در پی تحمیل برجام‌های جدید به کشور هستند. در این شرایط باید با برخوردهایی غیر احساسی، برجام، مبانی و پیامدهای آن را شناخت و نخبگان این وظیفه‌ی سنگین را دارند که به تبیین زوایای گوناگون تفکر برجامی و روند برجامیزه‌سازی در کشور بپردازند و توده‌های مردم را از آن آگاه کنند.

ملت ایران باید بداند تنها راه پیشرفت، اتکا به ظرفیت‌های درونی کشور و اجرای دقیق سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» است. چشم دوختن به بیرون از این مرزها هیچ‌گاه مشکلی را حل نکرده و نمی‌کند. نگاهی گذرا به تاریخ معاصر ایران و جهان نشان می‌دهد اساساً غرب هیچ‌گاه به دنبال پیشرفت و تعالی ما و دیگر ملت‌ها نبوده است و هر تعاملی را بر پایه‌ی منافع خود می‌پسندد.

۵. کتاب پیش روی، به سان یک کتاب مرجع پیرامون برجام است که نه تنها سندی تاریخی برای آیندگان به شمار می‌آید که می‌تواند منبعی مناسب برای تحقیق و پژوهش پیرامون برجام قلمداد شود.

فؤاد ایزدی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

پائیز ۱۳۹۵

پیشگفتار

اعتدال و ما أدراک ما الاعتدال ...

با روی کار آمدن دولت یازدهم، انقلاب اسلامی دوران جدیدی را تجربه کرد. دورانی که سخن از تغییر و اعتدال در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ به میان آمد. اعتدال یا همان میانه‌روی شعار بسیار زیبایی است و کسی نمی‌تواند به نفی و انکار آن برخیزد، اما اگر در اعتدال، افراط شود و از مبانی و ارزش‌ها به نام اعتدال فاصله گرفته شود، دیگر این لفظ از معنای خود تهی شده است.

در روزگار اعتدال، از گوشه و کنار عالم سیاست زمزمه‌های فاصله گرفتن از مبانی انقلاب خمینی (ره) به گوش می‌رسید. برخی به نام اعتدال انقلابی بودن را تخطئه کردند و نیروهای انقلابی را افراطی برشمردند. انقلابی بودن با افراطی بودن و غیرمعقول بودن مساوی شمرده شد؛ گویا عده‌ای از مسیری که انقلاب در پیش‌گرفته بود ابراز ندامت و پشیمانی داشتند.

رهبری نظام اسلامی که بر اساس قانون اساسی وظیفه تعیین خط کلی و جهت اصلی حرکت نظام را بر عهده دارد، برجسته‌ترین دیده‌بان شرایط کشور و اوضاع جهانی است. این دیده‌بان و راهبر بیدار که تا چند سال پیش‌ازاین دولت افق‌های رسیدن به «تمدن اسلامی» را ترسیم می‌کرد و از «پیچ تاریخی» سخن به میان می‌آورد و ایران و جهان را در آستانه یک تحول تمدنی قلمداد می‌کرد و هرروز قطعه‌ای جدید از قطعات پازل شکل‌گیری تمدن اسلامی را معرفی می‌کرد و سخن از سبک زندگی ایرانی- اسلامی، تحول در علوم انسانی، اسلامی سازی علوم انسانی، تدوین سند بنیادین آموزش‌وپرورش، طراحی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و... به میان می‌آورد، در این دوران به حفظ بنیان‌ها، اساس و اصول انقلاب هشدار می‌دهد و سخن از «تحریف مکتب امام راحل» و خطر و پروژه‌ی پیچیده «نفوذ» به میان می‌آورد؛ نه اینکه آن آرمان‌های بلند را فراموش کرده باشد، بلکه شرایط را به‌گونه‌ای می‌بیند که ریشه‌ها و اساس‌ها درخطر است و بدون حفظ مبانی و اصول انقلاب رسیدن به قله‌ها ناممکن خواهد بود.

این تغییر در ادبیات سیاسی و اولویت‌های اساسی نشان از تغییر در شرایط کلان کشور داشت. در سال‌های پیش، حرکت به‌سوی تمدن اسلامی چنان پرشتاب و انقلابی و شاداب بود که هرروز گام‌های بلندی در این راستا برداشته می‌شد و رهبری راه‌ها و راهبردهای جدید برای رسیدن به قله را معرفی می‌کردند؛ اما ناگهان شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که بنیان‌ها و حداقل‌های حرکت انقلاب نیز موردتردید، خدشه و خطر قرار گرفت. اگر روزی سخن از رسیدن به تمدن اسلامی بود، امروز سخن از حفظ مبانی انقلاب اسلامی و اعتقاد به اصول مکتب امام راحل (ره) در میان است.

خطر بازگشت از نیمه‌ی راه ...

در این دوران رهبری بارها سخن از «تجربه‌ی تاریخی جنگ احد» به میان آوردند که مسلمان در آن روزگار جنگ برده را به دلیل خطای در محاسبه و ضعف در ایمان باختند. گویی شرایط امروز کشور و برخی وادادگی‌ها و خطاهای محاسباتی چنین خطری را گوشزد می‌کند. گویی انقلاب در لحظه‌های حساسی از تاریخ که در حال شکست دادن نظام سلطه است، در درون خود با عناصری سست‌عنصر، ضعیف و گاهی خائن روبرو است. عناصری که می‌توانند اراده‌های مستحکم ملت را ضعیف و امیدهای بلند آن‌ها را ناامید کنند و انقلاب را در میانه‌ی راه به ناکامی بکشانند. ایشان در این زمینه فرمودند:

«وقتی انسان مبتلا است به گناه، در یک نقطه‌ی حسّاس و بزنگاه کم می‌آورد. آیه‌ی قرآن می‌فرماید که: «اِنَّ الَّذینَ تَوَلّوا مِنکُم یَومَ التَقَی الجَمعانِ اِنَّمَا استَزَلَّهُمُ الشَّیطانُ بِبَعضِ ما کَسَبوا»[1] در جنگ اُحد، آن‌کسانی که نتوانستند طاقت بیاورند و دلشان در هوای غنیمت آن‌چنان تپید که فراموش کردند چه مسئولیّت حسّاسی در اختیار آن‌ها و برعهده‌ی آن‌ها است و جنگ پیروز را به جنگ مغلوب تبدیل کردند، «اِستَزَلَّهُمُ الشَّیطانُ بِبَعضِ ما کَسَبوا»؛ این‌ها قبلاً خطاهایی انجام دادند، آن خطاها اینجا خودش را نشان داد. این یک مرحله است؛ یعنی گناه ما موجب می‌شود که در یک نقطه‌ی حسّاس، در یک نقطه‌ی بزنگاه، نتوانیم تاب بیاوریم، نتوانیم مقاومت کنیم. خب، ما مسئول کشور هستیم؛ از این بنده‌ی حقیر گرفته تا مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوّه‌ی مقنّنه و همین‌طور سلسله مراتب مسئولیت‌ها، همه مسئولیم؛ اگر چنانچه کاری بکنیم که نتیجه آن باشد که «اِنَّمَا استَزَلَّهُمُ الشَّیطانُ» و پایمان بلغزد و نتوانیم طاقت بیاوریم در آنجایی که باید تاب آورد و طاقت آورد، خطر بزرگی ما را تهدید می‌کند. این یک مرحله است.

۱- سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۵

مرحله‌ی بالاتر از این و بدتر از این، آن است که ما گاهی خطائی می‌کنیم، آن خطا موجب می‌شود که ما دچار نفاق بشویم؛ یعنی دلمان با زبانمان اختلاف پیدا کند. آیه‌ی شریفه [می‌گوید]: فَاَعقَبَهُم نِفاقًا فی قُلوبِهِم اِلی یَوم یَلقَونَهُ بِما اَخلَفُوا اللهَ ما وَعَدوه؛[1] [اگر] انسان با عهد خدایی در یک‌جا وفادار نمانَد و تعهّدی را که پیش خدا کرده عمل نکند، این موجب می‌شود که «فَاَعقَبَهُم نِفاقًا فی قُلوبِهِم»؛ البتّه این یک سازوکار کاملاً منطقی هم دارد که حالا وقت نیست من شرح بدهم که چطور می‌شود یک گناه در یک انسان به نفاق منتهی می‌شود.

از این بالاتر، گاهی اوقات گناه ما و خطای ما و کج‌روی ما موجب می‌شود که -پناه بر خدا- به تکذیب ماانزل‌الله مبتلا بشویم؛ ثُمَّ کانَ عاقِبَةَ الَّذینَ اَساءُوا السّوأیٰ اَن کَذَّبوا بِآیاتِ الله.[2] راه علاج هم مراقبت است؛ باید مراقبت کنیم؛ باید نظارت کنیم بر خودمان، بر مجموعه‌مان، انگیزه‌مان را افزایش بدهیم، کارمان را متراکم‌تر کنیم، پُرکاری، پرهیز از لغزشگاه‌ها، خلاصه در یک جمله تقوا؛ تقوا. تقوا -که در ماه رمضان [به‌عنوان] فلسفه و غایت روزه شناخته شده- به همین معنا است».[3]

بااینکه سال‌های پیش سخن از «پیچ تاریخی» بود، یعنی جهان در آستانه‌ی یک تحول تمدنی قرارگرفته است، اما امروز سخن از «پیچ تاریخی» دیگری است. گویی ملت ایران برای تعیین مسیر آینده‌ی خود در یک دوراهی یا پیچ تاریخی قرارگرفته است و دشمن درصدد است بر روی این انتخاب اثر مستقیم بگذارد تا آن‌ها را از نیمه‌ی راهی که در پیش‌گرفته بودند، بازگردانند. دشمن می‌خواهد بگوید انتخاب سال ۵۷ شما اشتباه بود. برای آسایش و رفاه باید دست از آرمان‌خواهی بردارید. باید با نظام سلطه کنار بیایید. این جملات آشنا است. در دوران اعتدال این تحلیل‌های به‌ظاهر عقلایی را از چهره‌های موجه داخلی نیز شنیدیم؛ یعنی اکنون دور آن هم‌صدایی است، هم‌صدایی با استکبار و امریکا. مقام معظم رهبری به‌خوبی جریان را رصد می‌کنند و می‌گویند:

«امّا ملّت باید بیدار باشد، بدانند چه اتّفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های مواجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و مواجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیّه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات

۱- سوره مبارکه توبه، آیه ۷۷

۲- سره مبارکه روم، آیه ۱۰

۳- بیانات در جمع کارگزاران نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵

اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند. البتّه تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط می‌دهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیّت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیّه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابلِ طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند این‌ها حل خواهد شد؛ این خطا است.»[1]

همچنین در بیاناتی دیگر فرمودند:

«در این مقطع زمانی، سیاست‌های استکبار و بخصوص و به‌طور خاص سیاست‌های آمریکا اقتضا می‌کند که یک تفکری تزریق بشود در میان ملّت ما؛ اوّل در میان نخبگان جامعه و بعدازآن به‌تدریج به افکارعمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصّی تزریق بشود به افکارعمومی. آن سیاستی که موردنظر آن‌ها است این است که وانمود کنند ملّت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به‌طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمّل کنند؛ یکی از این دو را ملّت ایران باید انتخاب کند؛ این چیزی است که آن‌ها می‌خواهند. [البتّه] کنار آمدن با آمریکا به معنای کنار آمدن با هیچ دولت دیگری نیست. چون دولت آمریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع، دارای سلاح‌های خطرناک و دارای امکانات بسیاری است، کنار آمدن با دولت آمریکا ناگزیر، به معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است. طبیعت توافق با آمریکا همین است؛ همه‌جا همین‌جور است؛ کشورهای دیگر هم که در هر مسئله‌ای با آمریکا توافق می‌کنند، معنایش این است که از مواضع خودشان به نفع طرف مقابل عقب‌نشینی می‌کنند بدون اینکه طرف مقابل به نفع آن‌ها یک عقب‌نشینی قابل‌توجهی انجام بدهد.»[2]

اما اگر در این پیچ تاریخی دچار اشتباه شویم، خسارت‌های بسیاری گریبان گیر ما خواهد شد. رهبری دراین‌باره به‌صراحت فرمودند:

«اگر ملّت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملّت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای‌نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملّت ایران سیلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲

۲- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱۳۹۵/۱/۱

کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده‌ی در یک چهارراه حسّاس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. این‌ها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛ فقط آن‌وقتی عقب خواهند نشست که شما ملّت ایران آن‌چنان قدرتی پیدا کنید، آن‌چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند.»[۱]

برجام اسم رمز تغییر...

امروز «برجام» به کلیدواژه و اسم رمز مشترک دشمن و غرب پرستان داخلی تبدیل‌شده است. اسم رمز تغییر رفتار جمهوری اسلامی و هرروز سخن از برجام تازه‌ای به میان می‌آورند. اتفاقی که با انتقاد شدید مقام معظم رهبری در سخنرانی نورزوی سال ۱۳۹۵ در حرم مطهر امام رضا (ع) روبرو شد.

برجام تنها یک رخداد سیاسی در عرصه‌ی هسته‌ای نیست، برجام، محصول یک تفکر است. تفکری که به‌گونه‌ای خاص به سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ می‌نگرد. تفکری که اگر ریشه‌های بنیادین و مبنایی آن موردبررسی قرار گیرد، سر از برداشت‌های خاص، حداقلی و گاه غلط از دین درمی‌آورد.

پس اهمیت برجام تنها از منظر یک توافق هسته‌ای نیست، بلکه برجام یک نمونه از مدل امید بستن و اعتماد به غرب و امریکا است. برجام تجربه‌ای است از دست کشیدن از خط قرمزها و فراموشی انقلابی گری و تبدیل‌شدن به کشور مطلوب نظام سلطه. برجام نمونه‌ای است از دادن امتیازهای نقد به‌طرف مقابل و دریافت وعده‌های نسیه که به تعبیر رهبری چیزی جز «خسارت محض» نیست. برجام، کلید نفوذ است. به تعبیر رهبری فرزانه انقلاب: مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواست‌ها است.[۲]

دیپلماسی اعتدالی، دیپلماسی انفعالی

در همین دوران که سیاست ایستادگی، مقاومت و عزت کنار گذاشته شد و رویکرد اعتدال و کرنش در برابر استکبار در پیش‌گرفته شد، اعتدال نیز دچار افراط شد و خسارت‌های فراوانی برای کشور به بار آورد. دولتمردانی که از بی‌تدبیری‌های دولت پیشین در قطع رابطه با دنیا

۱- بیانات مقام معظم رهبری در بیست و ششمین مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴

۲- بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۸

سخن می‌گفتند و بر این باور بودند که تنها ایشان زبان سخن گفتن با دنیا را می‌دانند، تجربه‌های دردناکی برای سیاست خارجی ایران رقم زدند. در این دوران حتی کشورهای کوچکی مانند جیبوتی و مالدیو و بسیاری از کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس با ایران قطع رابطه کردند. در همین دوران بود که در عربستان سعودی قریب به ۵۰۰ حاجی ایرانی کشته شدند ولی این کشور نه‌تنها عذرخواهی نکرد که رابطه خود با ایران را نیز قطع نمود. در همین دوران بود که برای اولین بار پس از ۳۰ سال زائران ایرانی از حضور در حج تمتع محروم شدند. در این روزگار بود که ایران نه‌تنها در برابر بی‌حرمتی‌ها و توهین‌های دیگر کشورها اعتراض نکرد که در بسیاری از موارد خضوع و کرنش نیز از خود نشان می‌داد. حتی در برابر کشته شدن صدها زائر ایرانی و رفتارهای وقیحانه سعودی علیه ایران مشی انفعال در پیش‌گرفته شد که در همین دوران بود که دولت‌های مختلف دنیا مانند امریکا و کانادا به خود اجازه غارت دارایی‌های ایران به بهانه‌های واهی را دادند و اموال ایران را رسماً مصادره نمودند. در اجلاس همکاری‌های اسلامی در ترکیه با حضور رئیس‌جمهور ایران، بیانیه‌ای علیه ایران قرائت شد. در این دوران بود که اقتدار سال‌های قبل در عرصه‌ی بین‌الملل جای خود را به انفعال و التماس داد. شاید بی‌راه نباشد دیپلماسی اعتدال را دیپلماسی انفعال و التماس بخوانیم.

برای اولین بارها پس از انقلاب در بیان مسئولین دولتی سخن از شکستن تابوی ارتباط با امریکا و باز شدن سفارت آن‌ها در ایران به میان آمد. برای اولین بار رئیس‌جمهور ایران با رئیس‌جمهور جنایتکار امریکا تلفنی گفتگو کرد و وی را فردی مؤدب و باهوش خواند. برای اولین بار وزیر امور خارجه با وزیر خارجه امریکا قدم زدند و در راهروی سازمان ملل به‌صورت اتفاقی با رئیس‌جمهور امریکا دست دادند.

ایران انقلابی که روزی رهبر آن سودای محو کامل نظام سلطه را در سرمی پروراند و در سپهر سیاست فریاد می‌زد، امروز مسئولین دولتی آن با آمریکایی‌ها دور یک میز می‌نشینند و می‌گویند و می‌خندند و عکس یادگاری باهم می‌گیرند. باهم برای صلح جهانی غصه می‌خورند و گریه می‌کنند. امریکا آن‌ها را تهدید می‌کند و ایران را حامی تروریست و خطری برای صلح جهانی می‌خواند و مسئولین ایرانی تنها لبخند می‌زنند و ابراز امیدواری می‌کنند که امریکا دست از رفتارهای غیر سازنده بردارد.

گویی ورق سیاست در ایران برگشته و کسانی در پی تغییر همه‌چیز از آرمان و استقلال گرفته تا عزت و غیرت و اندیشه دینی هستند.

همه‌ی این رویدادها و اتفاق‌های ناگوار در سپهر سیاست خارجی ایران، محصول تغییر رویکرد در برداشت‌های دینی و عدول از انقلابی گری بود. دشمن این را خوب فهمیده بود و خطر

انقلاب زدایی دیگر نهادهای مهم کشور را نیز تهدید می‌کرد. مقام معظم رهبری بارها به دولت تذکر دادند نباید نیروهای انقلابی از صحنه طرد شوند. تأکید بر انقلابی ماندن به ترجیع‌بند بیانات رهبری در سال‌های اخیر تبدیل شد تا جایی که در دیدارهای گوناگون فرمودند:

حوزه علمیه باید انقلابی باقی بماند...

مجلس خبرگان باید انقلابی بماند...

مجلس شورای اسلامی باید انقلابی بماند...

قوه قضائیه باید انقلابی بماند...

و...

مسیر پایان‌ناپذیر واگذاری امتیاز به غرب و عقب‌نشینی از موضع عزت و قدرت تا جایی پیش رفت که رهبری در جمله‌ای صریح فرمودند:

«من این حرف را شاید با کم‌وزیاد دَه‌ها بار گفته‌ام، بازهم تکرار می‌کنم: ما هر جا به انقلاب تکیه کردیم، به روحیه‌ی انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا از ارزش‌ها کوتاه آمدیم، انقلاب را ندیده گرفتیم، از این گوشه‌اش زدیم، از آن گوشه‌اش زدیم، تأویل و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظام‌اند، مدام حرف را جویدیم، حرف را خوردیم، عقب ماندیم؛ قضیّه این‌جوری است. راه پیشرفت ایران اسلامی، احیاء روحیه‌ی انقلابی و احیاء روحیه‌ی مجاهدت است.»[1]

سخن از «احیای روحیه‌ی انقلابی و مجاهدت» برای اولین بار بود که به این صراحت مطرح می‌شد. تأکید بر احیای روحیه‌ی انقلابی یعنی این روحیه و مشی در فضای اداره کشور رنگ‌باخته است و فقدان آن در همه‌جا لمس می‌شود و آثار منفی‌اش پیامدهای نامبارک بسیاری به همراه داشته است.

تمام این اتفاق‌ها ریشه در رویکردهای بنیادین و قرائت‌های این جریان فکری از اسلام و انقلاب داشت. گزاره‌های زیر تنها بخشی کوچک از نگرش این دولت به سیاست خارجی است:

حسن روحانی ابراز داشت: آمریکا یک واقعیت در دنیای امروز است که نمی‌توانیم آن را انکار کنیم. چون یک ابرقدرت است. قدرت اول اقتصادی و علمی و نظامی را در دنیا دارد و در مجامع بین‌المللی تأثیرگذار است.[2]

حسن روحانی در دانشگاه شریف گفت: آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن

۱- بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، ۱۳۹۵/٤/۵

۲- سایت انتخاب، کد خبر: ۱۰۵۴۲۶

راحت‌تر است.[۱]

وی در صحبتی دیگر گفت: یک روز این سفارت‌ها بازگشایی خواهد شد اما آنچه مهم است، نوع رفتار است. در این خصوص، کلید در دست آمریکایی‌هاست.[۲]

سخنان بسیاری که بوی تغییر رویکرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌داد و درحالی‌که رهبری معظم انقلاب مذاکره با امریکا را تنها در موضوع هسته‌ای مجاز اعلام نمودند، رئیس‌جمهور و دیگر اعضای دولت به‌روشنی سخن از مذاکره هسته‌ای برای هدفی دیگر یعنی عادی‌سازی روابط با امریکا به میان می‌آوردند. دولت یازدهم برای توجیه رفتار غیر مکتبی و غیرانقلابی خود به تفسیر غلط از تاریخ اسلام و سیره معصومین (ع) نیز روی آورد که در نوع خود امری بی‌سابقه بود.

تفسیر تاریخ اسلام در خدمت برجام ...

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۳ در آستانه ماه محرم بود که حسن روحانی در سفر استانی خود در اجتماع مردم زنجان گفت:

درس و پیام امام حسین (ع) درس برادری، وحدت، گذشت و قبول توبه از یکدیگر است و درس کربلا هم درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین هست. روحانی افزود: در شب تاسوعا امام حسین (ع) خیمه‌ای برپا کرد و عمر سعد را به مذاکره دعوت نمود؛ امامی که آگاه است که فردا او و یارانش توسط همین عمر بن سعد و یاران نادانش به شهادت خواهند رسید، اما خواست که با دنیا اتمام‌حجت کند و از همین رو در آن شب، ساعت‌ها با عمر سعد مذاکره کرد تا نتیجه رویارویی آنان به جنگ ختم نشود.

این سخنان با واکنش صریح رهبری روبرو شد؛ ایشان نیمه مهرماه امسال و در دیدار فرماندهان نیروی دریایی سپاه پاسداران هدف طرح موضوع مذاکره از طرف جبهه استکبار را «نفوذ» دانستند. رهبر انقلاب عنوان کردند که ما با اصل مذاکره حتی با دشمن مخالف نیستیم اما برخلاف همه‌ی کشورهای اروپایی و غیره، با مذاکره با آمریکا مخالفیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند:

«وقتی صحبت مذاکره می‌شود، میگویند آقا شما چرا با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفت می‌کنید؟ خب امیرالمؤمنین هم مذاکره کرد با فلان کس، امام حسین هم مذاکره [کرد]. خب این‌ها نشان‌دهنده‌ی سهل‌انگاری است، نشان‌دهنده‌ی نرسیدن به عمق مسئله است. این‌جور

۱- سایت انتخاب، کد خبر: ۱۹۱۶۱۶۱

۲ - سایت انتخاب، کد خبر: ۲۶۸۱۵۳

نمی‌شود مسائل کشور را تحلیل کرد؛ با این نگاه عامیانه و ساده‌اندیش نمی‌شود به مصالح کشور رسید. اولاً امیرالمؤمنین که با زبیر یا امام حسین که با ابن‌سعد حرف میزند، او را نصیحت می‌کند؛ بحث مذاکره‌ی به معنای امروزی نیست؛ مذاکره‌ی امروزی یعنی معامله، یعنی یک‌چیزی بده، یک‌چیزی بگیر. امیرالمؤمنین با زبیر معامله می‌کرد که یک‌چیزی بده، یک‌چیزی بگیر؟ امام حسین با ابن‌سعد معامله می‌کرد که یک‌چیزی بده یا یک‌چیزی بگیر؟ [هدف] این بود؟

تاریخ را این‌جور می‌فهمید؟ زندگی ائمّه را این‌جور تحلیل می‌کنید؟

امام حسین رفت نهیب زد، نصیحت کرد، گفت از خدا بترس؛ امیرالمؤمنین زبیر را نصیحت کرد، خاطره‌ی زمان پیغمبر را یادش آورد و گفت از خدا بترس؛ اتفاقاً اثر هم کرد، زبیر خودش را از جنگ کنار کشید. امروز مذاکره به این معنا نیست؛ برای اینکه ما با آمریکا که شیطان بزرگ است، باید مذاکره کنیم یک عدّه‌ای واقعاً با نگاه سهل‌انگارانه و عوامانه و بدون فهمِ حقیقتِ حال مثال می‌آورند و در روزنامه می‌نویسند، در سایت می‌نویسند و در سخنرانی میگویند که چرا امیرالمؤمنین با زبیر مذاکره کرد، شما با آمریکا مذاکره نمی‌کنید؟ یعنی این‌قدر اشتباه در فهم مسئله [وجود دارد]. این‌که حالا به این معنا مذاکره نبود.»

اگرچه طرح ناقص اسلام در قالب اسلام رحمانی از دوران اصلاحات شروع شد اما در این دولت یازدهم و توسط شخص حسن روحانی نیز این مسئله بارها بازگو شد. روحانی در همایش بین‌المللی وحدت اسلامی به تکرار دوباره این مفهوم پوچ آن‌هم برای شرکت‌کنندگان بین‌المللی این همایش اهتمام داشت. او کوشید تا اسلام رحمانی را سیره پیامبر اعظم معرفی کند:

«اگر ما امروز می‌خواهیم به ندای پیامبر اسلام (ص) پاسخ مثبت دهیم، همه باید در حد خودمان در این شرایط فریادمان فریاد وحدت و پایان خشونت و معرفی اسلام رحمانی و سیره پیامبر برای جهانیان باشد و درنهایت باید به یکدیگر نزدیک شده و برای آینده دنیای اسلامی که به نفع همه ملت‌های اسلامی باشد کارکنیم.»

این سخنان واکنش رهبر انقلاب اسلامی را به دنبال داشت:

«گاهی یک شعارهایی داده می‌شود، شعارهای به‌ظاهر اسلامی که باطناً اسلامی نیست؛ ازجمله‌ی چیزهایی که اخیراً خیلی رایج شده و انسان می‌شنود در نوشته‌ها و در گفته‌ها، «اسلام رحمانی» [است]؛ خب، کلمه‌ی قشنگی است، هم اسلامش قشنگ است، هم رحمانی‌اش قشنگ است؛ امّا یعنی چه؟ تعریف اسلام رحمانی چیست؟ اسلام رحمانی که گفته می‌شود، قضاوتش در مورد مؤمن، در مورد غیر مؤمن، در مورد کافر، در مورد دشمن، در مورد

کافرِ غیر دشمن چیست؟ همین‌طور پرتاب کردن یک کلمه بدون عمق‌یابی، کاری است غلط و احیاناً گمراه‌کننده. بعضی‌ها که در حرف‌ها و نوشته‌ها و اظهارات این تعبیر «اسلام رحمانی» را به کار می‌برند، انسان مشاهده می‌کند و خوب احساس می‌کند که این اسلام رحمانی یک کلیدواژه‌ای است برای معارف نشئت گرفته‌ی از لیبرالیسم، یعنی آن چیزی که در غرب به آن لیبرالیسم گفته می‌شود.»

دو دیدگاه کلان، دو مسیر برای ادامه انقلاب ...

اولین بار مقام معظم رهبری بودند که به‌طور صریح پرده از وجود جریان و تفکری متمایز از جریان و تفکر امام در عرصه‌ی سیاست خارجی برداشتند. ایشان در سخنرانی نوروزی ۱۳۹۴ در حرم مطهر امام رضا (ع) فرمودند:

«در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد. من خواهش می‌کنم بخصوص صاحب‌نظران و همچنین جوانان و عامه‌ی مردم عزیزمان به این نکته توجّه کنند که دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد»[۱]

«یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده‌نشده است یا درست استفاده‌نشده است؛ از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه‌ی خود و مادّه‌ی خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این‌یک نگاه است که میگویند برای رونق اقتصادی نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آن‌ها را به‌درستی به کار بگیریم، [آن‌وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این‌یک نگاه.»[۲]

«نگاه دوّم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزها است؛ می‌گوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوّم است. امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوّم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. ... امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرت‌های مستکبر می‌خواهند همین نگاه دوّم را در مردم ما تقویت کنند. من پیام رئیس‌جمهور آمریکا را که به مناسبت عید نوروز خطاب به مردم ایران

---

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱
۲. بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱

کرده است دیدم؛ او در این پیام می‌گوید که شما بیایید حرف‌های ما را قبول بکنید؛ درواقع محتوا و محصول حرف او این است می‌گوید در مذاکرات هسته‌ای آن چیزی را که ما به شما دیکته می‌کنیم این را شما قبول بکنید تا در کشور شما کار به وجود بیاید، تا سرمایه به وجود بیاید تا فعّالیّت اقتصادی در کشور شما راه بیفتد؛ یعنی همین نگاه دوّم. این نگاه، نگاهی است که هرگز به نتیجه نخواهد رسید؛ باید نگاه کنیم به درون کشور، ظرفیت‌های درونی بسیار است.»[1]

این رویکرد هرچند اکنون از بستر دغدغه‌های اقتصادی و در جهت بهبود و رونق اقتصادی، تغییر سیاست خارجی را توجیه می‌کند، اما گویای وجود تفکری متفاوت در لایه‌های پیشین و پیچیده‌ی دیگر است. اساساً توافق هسته‌ای هم برای این جریان داخلی بهانه بود و هم برای دولت‌های غربی و به‌خصوص امریکا. فارغ از اینکه برجام دارای چه نقاط آسیب و ضعفی است باید دید چه رویکرد کلانی بر آن حاکم بوده و اساساً چه تحلیل‌های کلانی پیرامون آن وجود داشته است.

نمونه‌هایی که گذشت همه نشان می‌دهد جریانی در کشور وجود دارد که دارای قرائتی متفاوت از اسلام و انقلاب است. قرائتی که با مکتب امام راحل که ما آن را اسلام ناب می‌دانیم دارای تفاوت‌های صریح و روشن و نگران‌کننده است. این تفکر است که برجام می‌سازد، عقب‌نشینی می‌کند و به‌جای فتح الفتوح، خسارت‌های محض به بار می‌آورد.

درباره این اثر:

در فصل اول می‌کوشیم از منظری کلان به تحلیل مذاکره هسته‌ای، اهداف پشت پرده دشمن از مذاکرات و نیز تحلیل راهبردی مناسبات ایران و نظام سلطه و امریکا بپردازیم. اساساً مسئله‌ی اصلی ما مذاکره‌ی هسته‌ای نیست، بلکه نگرانی فراتر از انرژی هسته‌ای است، نگرانی امروز مقام معظم رهبری، خارج شدن انقلاب از ریل اصلی و صراط مستقیم مکتب امام است. مسئله‌ی هسته‌ای تنها بهانه‌ای در این مسیر و گام اول از یک پروژه‌ی بلندمدت است.

در فصل دوم به بررسی برجام از منظر مقام معظم رهبری می‌پردازیم. معظم له طی سه سال مذاکرات هسته‌ای از زوایای گوناگونی به تحلیل این پدیده و تبیین مسیر صحیح پرداختند. حجم و اهمیت این گفتارها تا آنجا است که فصلی مستقل می‌طلبید. بیانات رهبری، چارچوب‌های کلانی برای تحلیل سیاسی و فهم صحیح شرایط کنونی به دست می‌دهد. البته تنظیم و تدوین همه بیانات معظم له پیرامون مذاکرات هسته‌ای، کتابی مستقل می‌طلبد.

---

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱

در فصل سوم به بررسی نقص‌ها و کاستی‌ها و آسیب‌های برجام از زاویه‌ی فنی، سیاسی، راهبردی، امنیتی و حتی فقهی می‌پردازیم. این توافق بی‌تردید در تاریخ سیاسی ایران ماندگار خواهد شد و آیندگان از منظری واقع‌بینانه به تحلیل آن خواهند پرداخت. هرچند امروز دولت یازدهم اجازه نقد آزاد و بررسی همه‌جانبه این توافق را نمی‌دهد و یکسره آن را توافقی تاریخی و فتح الفتوح و آفتاب تابان می‌نامد و با سیطره‌ی رسانه‌ای واقعیت را به‌گونه‌ای دیگر نشان می‌دهد، و «دانستن حق مردم است» و «زنده‌باد مخالف من» طنزهای گریه‌آور این دوران شده‌اند، اما روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها کنار می‌رود و واقعیت از پس آن نمایان می‌شود که چگونه منافع ملی در معرض خطرهای جدی قرار گرفت.

در این فصل کوشیده‌ایم بیشتر مقالات تولیدشده از سوی صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگون پیرامون برجام را گردآوری کنیم تا این سرمایه‌ی فکری عظیم در تاریخ سیاسی ایران ثبت و ماندگار شود تا آیندگان بدانند که ایران اسلامی دلسوزان بسیاری داشت که در خلال این مذاکرات و قبل و بعدازآن مشفقانه و از سر دردمندی تذکراتی به دولت دادند ولی انتقادناپذیری دولت مانع از شنیدن واقعیت‌ها گردید. جوانان این مرزوبوم باید بدانند برجام که امروز پیروزی بزرگ تاریخ ایران نامیده می‌شود، چه لطمه‌های جبران‌ناپذیر و خسارت‌های بزرگی را در پی داشته است. ما نیز (مانند دولت یازدهم) بر این باوریم که باید برجام در مدارس تدریس شود و در آینده درس‌نامه‌ای با همین عنوان تولید خواهیم نمود تا جوانان میهن بدانند انحراف از خط اصیل انقلاب اسلامی، چه آفاتی در پی خواهد داشت.

در فصل چهارم به بررسی برجام از منظر آمریکایی‌ها می‌پردازیم، زیرا در بین سخنان آن‌ها می‌توان به‌صراحت خصومت و دشمنی را دید و اهداف خصمانه آن‌ها را بدون هیچ سانسوری مشاهده کرد. این فصل نشان می‌دهد خوش‌بینی مفرط و غیرمنطقی دولت یازدهم به امریکا و غرب، هیچ‌گونه پایه‌ی واقعی نداشته و سرابی بیش نبوده است.

فصل پنجم، فرجامِ برجام است. پرونده‌ی این فصل همچنان گشوده باقی خواهد ماند، زیرا گذر زمان است که آثار و پیامدهای منفی و پرشمار برجام را نمایان خواهد کرد. آنچه تاکنون از برجام و آثار آن پدیدار شده است، در این فصل به تصویر کشیده می‌شود. آمریکایی‌ها کمتر از یک روز پس از امضای برجام به تحریم‌های جدید علیه ایران پرداختند و هرروز بر رفتارهای خصمانه خود افزودند تا ملت ایران بداند لبخند به دشمن و اعتماد به آن نتیجه‌ای جز خسارت و تحقیر در پی نخواهد داشت. در این فصل فهرستی از اقدامات امریکا در پسابرجام ارائه می‌گردد.

در پایان کتاب، یادداشتی به‌عنوان ضمیمه آورده شده است. کتابشناسی نقد مذاکرات

هسته‌ای در دولت یازدهم عنوان این ضمیمه است که می‌کوشد کتاب‌های تولیدشده در موضوع مذاکرات در سال‌های اخیر را معرفی اجمالی نماید.
این کتاب، سندی برای ثبت در تاریخ سیاسی کشور است تا منبعی برای تحلیل‌های مستند و دقیق از برجام باشد. بر اساس این کتاب می‌توان متن‌های درسی نقد و بررسی برجام برای سطوح گوناگون دانشجویان، طلاب و اساتید و مدیران کشور فراهم آورد.
بررسی کارنامه دولت یازدهم در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ و اقتصاد و خسارت‌های جبران‌ناپذیری که در این عرصه‌ها پدید آمده است، چندین جلد کتاب و پژوهش و مقاله می‌طلبد که در سال‌های بعد کارشناسان به ارائه‌ی آن‌ها خواهند پرداخت. در این مجال کوتاه، تنها برگی از این دوران خسارت‌بار را باهم ورق می‌زنیم تا عبرتی برای آیندگان باشد.

حسین ایزدی / منصور شریفی
حوزه علمیه قم
تابستان ۱۳۹۵

فصل اول: فراتر از برجام

تحلیل هایی راهبردی پیرامون مناسبات «ایران و امریکا» و برجام

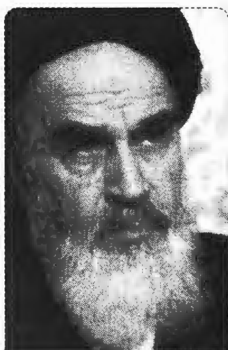


اشاره:

مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم را می‌توان از زوایای گوناگونی موردبررسی و تأمل قرارداد. یک روش بررسی برجام، روش درون‌متنی و ناظربه نقص‌ها و اشکالات و پیامدهای منفی آن است، اما روش دیگربررسی برجام از منظری کلان و به‌اصطلاح فرا توافقی است.

همان‌طور که در مقدمه گذشت، برجام محصول یک تفکرو نگاه است که در عرصه‌های گوناگون ازجمله سیاست خارجی، آثار و پیامدهای خاص خود را به همراه دارد. فارغ از متن برجام و پیامدهای فنی آن، باید دید این توافق دارای چه آثار و پیامدهای استراتژیکی برای دشمن است؟ امریکا از این مذاکرات چه اهداف راهبردی و بلندمدتی را دنبال می‌کند؟ آیا مکتب امام خمینی (ره) اجازه اعتماد و تعامل سازنده با استکبار جهانی را می‌دهد؟ آیا می‌توان سخن از دوستی و رفع کدورت با استکبار به میان آورد؟ آیا مبارزه با کفرو طاغوت پایان می‌پذیرد؟ آیا می‌توان سخن از پایان آرمان و تن دادن به آسایش و رفاه به میان آورد و درعین حال ادعای مکتبی بودن و انقلابی بودن داشت؟ آیا برجام با منافع کلان نظام اسلامی همسو است یا دارای زاویه‌ای اساسی است؟ آیا در عرصه سیاست خارجی می‌توان به امریکا اعتماد کرد؟ آیا تجربه تاریخی ایران در اعتماد به امریکا مثبت و مثمرثمر بوده است؟

در این فصل می‌کوشیم از سویی به بازخوانی خطوط اصلی سیاست خارجی در مکتب امام خمینی (ره) پرداخته و از سوی دیگربه بازخوانی اهداف کلان امریکا از این مذاکرات و آسیب‌های بنیادین و بلندمدت برجام بپردازیم. باید دانست که برجام تنها یک هدف نبود، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی بالاترو مهم‌تربود که آن هدف در یک جمله عبارت است از تغییر ماهیت ایران انقلابی و اسلامی به ایرانی بی‌خطرو دارای اسلام آمریکایی. هدفی که در بیانات غربی‌ها و آمریکایی‌ها پیدا و آشکار بود و به آن تصریح می‌کردند و اتفاقات پس از برجام نیزشاهدی محکم و گویا براین ادعا گردید.



جام زهر

▫ پیام حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت قبول قطعنامه ۵۹۸

پیام جام زهر امام خمینی (ره) یکی از پیام‌های تاریخی آن مرد بزرگ و تاریخ‌ساز است. این پیام، در حقیقت نشان‌دهنده مسیر و افق حرکت جریان انقلابی است. ازاین‌روی مرور آن در این مقطع حساس نشان می‌دهد که مبارزه با استکبار یک تعارف یا اقتضای تاریخی و تاریخ‌مصرف گذشته نیست تا عده‌ای بر اساس سلیقه‌ی خود آن را کنار بگذارند، بلکه استکبارستیزی و تلاش برای استقرار حکومت عدل الهی در گستره زمین، وظیفه‌ای دینی و الهی است.

پیام جام زهر نشان می‌دهد، سازش با دشمن چون سمّ مهلک است و مسیر ملت انقلابی ما از مبارزه با استکبار جهانی و در رأس آن امریکا می‌گذرد. مبارزه با استکبار یک تکلیف الهی و ادامه مسیر پیامبران الهی است، چراکه پیامبران برای نفی طاغوت و شرک از جهان قیام کردند و ما نیز گام در این مسیر گذاشته‌ایم. این رویکرد امام خمینی (ره) دارای پیامی روشن برای کسانی است که گمان می‌کنند سیاست استکبارستیزی امری مقطعی است و با مذاکرات هسته‌ای گامی در مسیر ارتباط ایران و امریکا برداشته‌شده است. دوستی بین ایران و امریکا امری محال است زیرا دوستی بین کفر و اسلام محال است. امریکا با اصل وجود جمهوری اسلامی مخالف است و خوش‌بینی به امریکا از ساده‌لوحی است.

مرور پیام جام زهر، مرور آرمان‌ها و اهداف ثابت و متعالی امام راحل و مکتب انقلابی ایشان است که کهنه و قدیمی نشده است تا عده‌ای بتوانند به بهانه‌های واهی ارتباط سازنده با جهان از آن عبور کنند. مرور این پیام پرده‌های غفلتی را که دستگاه‌های تبلیغاتی تلاش می‌کنند بر چهره مبانی اصیل انقلاب بپوشانند را کنار می‌زند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

لَقَد صَدَقَ اللهُ رَسولَهُ الرُّءيا بِالحَقِّ لَتَدخُلُنَّ المَسجِدَ الحَرامَ إن شاءَ اللهُ آمِنِينَ.[۱]

انتقام بی‌رحمانه نوکران آمریکا از بت‌شکنان

علیرغم گذشت یك سال از کشتار فجیع و بی‌رحمانه حجاج بی‌دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرت‌اند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاك و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه‌تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت. مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - که ده‌ها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه‌جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به‌سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سال‌ها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از بت‌شکنی برمی‌گشتند، شاه را شکسته بودند، شوروی و امریکا را شکسته بودند، کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همان‌ها که پس از طی آن همه راه‌ها با فریاد: وَأَذِّن فِی النّاسِ بِالحَجِّ یَأتُوكَ رِجَالاً[۲] پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند و عطش خویش را

۱- سوره فتح، آیه ۲۷: هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتماً شما (مؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد.

۲- بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به انجام مناسك حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به سوی تو گرد آیند»

در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت‌پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه‌تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همان‌ها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه‌تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچکس جز خدا نروند.
آمده بودند که دوباره به محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به‌خوبی می‌دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه‌اند. آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریبی نو. آن‌ها می‌دانند که امروز حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین لبیک، اللهم لبیک معطر سازد.
آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد و مفتی‌ها[1] و مفتی زادگان این نوادگان بلعم باعوراها،[2] به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه - علیهم لعنة‌الله - برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنیسفیان به درآید و گلوی پاك و مطهر یاوران حسین - علیه السلام - را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرك و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند، که انشاءالله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد؛ اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولت‌ها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل

۱- فتوا دهندگان
۲- از علمای بنی‌اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

سعود برای پرده پوشی جنایات هولناك سال گذشته خود و همچنین توجیه صدعن سبیل الله (۵) و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد و آخوندهای درباری و مفتی‌های خودفروخته –لعنة‌الله‌علیهم - در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایش‌ها و سخنرانی‌ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درك فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است.

بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درك نکرده‌اند و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به‌صورت یك عبادت خشك و یك حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است.

فلسفه حج تمرین زندگی توحیدی

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.

چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به‌عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یك عبادت دسته جمعی و یك سفر زیارتی - سیاحتی است.

به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به‌عنوان یك نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند.

بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیك شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشك، انسان به خدا نمی‌رسد حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است.

حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یك انسان و یك جامعه متکامل در دنیاست.

و مناسك حج مناسك زندگی است و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیك شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است.
و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب‌های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاك کج فکری‌های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچکس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد - علیهماالسلام - که بودند و چه کردند، هدفشان چه بود، از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی روح و بی تحرك و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرك بر نیاید، حج نیست.
خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگیشان کوشش کنند و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

توطئه‌ی آل سعود برای حفظ سیاست‌های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یك مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده و ایران و رهبران آن را به‌عنوان کسانی که هوس رسیدن به یك امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت‌ها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است.

البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریك غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرك این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می‌شود.

از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آن‌ها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به‌عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند! واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق باهمه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند.

اما در بخش قرنطینه سیاسی که متاسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود؛ و متاسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت‌هایی را که حاکمان کشورشان بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصائب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن

الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یك مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.
حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است و اینجاست که با اطمینان می گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت و انشاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاست‌های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جَان اسلام و مسلمین دارد.
پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متاسفانه با سیاست‌های غلط حاکمان دست نشانده به خاك مذلت نشسته‌اند مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتلعام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟

وهابیت، مروج اسلام آمریکایی و سرمایه داری

مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یك طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنه‌ها و در یك کلمه اسلام امریکایی را ترویج می‌کنند و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند.
مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادمالحرمین به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود.

اگر این‌ها یك جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یك چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‌شدند.
آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچیشدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یك میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیست‌ها بگذارند و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آن‌ها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.

گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران هدف سیاست خارجی ما

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصددِ گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم.
ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم؛ و دیر یا زود ملت‌های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. انشاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرك نواخته شود و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه‌تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.
مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است و گلستان ملت‌ها رخ نموده است و امیدوارم همه

مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به درآییم و به‌سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده ها آلوده شده است با اشك چشم خویش شستشو دهیم.

عزت مسلمین در سایه مبارزه با سلطه کفر و شرك جهانی، خصوصاً امریکا

مسلمانان تمامی کشورهای جهان! از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرك جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است.

دروازه‌های مدینة الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به‌سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به‌سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علیرغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها با ترتیب کنفرانس‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود و هرروز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند.

راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به‌صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یك کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاك یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس

راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً امریکا را شکست و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آن‌ها پیروزی است، که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهان خواران و نیز جسارت ایجاد داربست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

فلسفه اصرار جمهوری اسلامی بر راهپیمایی برائت از مشرکین

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به‌خوبی درك نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود و چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به‌اصطلاح متمدن جهانخواران نه‌تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد و دلیل این مدعا اجازه راهپیمایی‌هایی است که در کشورهای به‌اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیمایی‌ها هیچگونه ضرری برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ندارد.
راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد. ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانینماها خواهد بود.
و با اینکه بیشتر از یك سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاك شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یك پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود

فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، این‌ها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند؛ و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل گفت و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید.

آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب دریه فلسطین از شجره مبارکه لاشرقیة ولاغربیة ما برافروخت و امروز به همانگونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرك در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این تنها یك نمونه از پیشرفت انقلاب است و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این‌ها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آن‌هایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیك می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.

تحمل مشکلات از سوی ملت ایران برای حفظ اسلام و اصول انقلاب

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می بوسم و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است و قلب‌ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی‌تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختی‌ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام

و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آن‌ها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج‌فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی‌ها و قایق‌ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی‌های سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشکباران مناطق مسکونی و بمباران‌های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال‌ها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیله مقدس مابان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یك از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترك نگوید.
ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به‌خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند؛ و آن‌هایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمك می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی‌شوند.
و تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند.

لزوم تأسیس بسیج بزرگ سربازان اسلام برای جنگ بدون مرز

ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می‌خوانند از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در

نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمك به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. این‌ها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می‌کنند. باید از شر این‌ها به خدا پناه بریم و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناك را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است.

و مسلمانان در یك تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ‌ها و موشک‌های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درك شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.

انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند.

و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یك صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده‌اند و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه‌تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آن‌هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین - علیه السلام! اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوك در عالم معنویت است.

تداوم مبارزه‌ی ما با شرک و کفر تا نابودی آن‌ها

نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی این‌ها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می گوییم تا شرك و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم.

ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.

پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که این‌ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت. پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آن‌ها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسل‌های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است و دیروز خدا آنگونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم.

و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است و استکبار از همه کمینگاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است.

جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.

و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که‌ای خواب رفتگان! ای غفلتزدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید

که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت.
راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرات اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگ‌ترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج‌فارس صف آرایی نمود.
و اینجانب به نظام‌های امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج‌فارس بیرون روید.
و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب‌های خلیج‌فارس بفرستند. به دولت‌ها و حکومت‌های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می‌آفریند شریك جرم خواهید بود و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم.
ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید.
خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید. بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

اساس سیاست ما در برابر بیگانگان

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند.
به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه دار نمایند.

بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند و با دلسوزی‌های بیمورد و اعتراض‌های کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی‌ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده شود که ملت‌های جهان سوم و مسلمانان و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی‌ها و شرقی‌ها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی اعتبار شده‌اند! آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن‌وقت ممکن است جهانخواران او را به‌عنوان یك ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آن‌ها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آن‌ها، نه یك ایران با هویت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کنند، ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه‌تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست، ولی این نیز یك فریب قدیمی است و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آن‌ها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهان مالکیت‌های بی حد و مرز سرمایه داران است.

جمهوری اسلامی پناهگاه مسلمانان آزاده جهان و دژ نظامی و آسیب ناپذیر سربازان اسلام

ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی باهمان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرت‌های شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش‌های معنوی قابل ذکر نمی‌باشند. من به‌صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران

برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به‌عنوان یك دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرك آشنا می‌سازد.

اقتدای ملت‌ها و آیندگان به راه شهیدان جنگ ما

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود؛ اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود. من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم.

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد.

این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و ما برای درك كامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست و این ملت‌ها و

آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود و همین تربت پاك شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.
خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آن‌هایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.

لزوم جلوگیری از بازگشت ساکتین و قاعدین دوران جنگ به صحنه

خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آن‌هایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند! آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگ‌تری را در پیش رو داریم.
آن‌هایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.
که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.
اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست.
با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به‌طور قطع و جدی پیشبینی نمود و هنوز دشمن از شرارت‌ها دست برنداشته است

و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیك جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به ماموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را باهمان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعدازآن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به‌طور جد از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینی‌ها دور کنند و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

قبول قطعنامه کشنده‌تر از زهر! صحبت از چراها در وقتی دیگر

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هرچند این مسئله به خودی خود یك ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آن‌هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به‌ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز باهمان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند و جیره خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند و ملی گراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.
من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند.

و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

توصیه به جوانان: در سینه داشتن بغض و کینه انقلابی و آمادگی برای مبارزه بزرگ

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می دانم و شما می دانید که من به شما عشق می‌ورزم و شما را می‌شناسم، شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود.

شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا، تو می دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة‌الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می دانم که به شما سخت می‌گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است.

بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست و تاکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند.

آن‌ها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که انشاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یك مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید؛ و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر

شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.

مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به‌اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به‌جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم. انشاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.

مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است

لزوم بهره گیری از هدایت روحانیت متعهد

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچگاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند، بر بالای دار رفته‌اند و محرومیت‌ها چشیده‌اند، زندان‌ها رفته‌اند و اسارت‌ها و تبعیدها دیده‌اند و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردم‌اند و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی-علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی

است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یك کلمه خلاصه می‌کند.

سازش ناپذیری روحانیت واقعی در برابر استکبار

علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاك و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاك و غیرمتعهد وجود دارد.

و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاك دیگر بیشتر است و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دینفروش زده‌اند و می‌زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگ‌ها متنفر و گریزان بوده‌اند.

من به‌صراحت می گویم ملی گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست ذلت و سازش به‌طرف دشمنان دراز می‌کردند و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند.

کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن‌ها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرك است. که اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرك را امضا نمی‌کنیم.

توصیه‌هایی مهم به روحانیت متعهد

علما و روحانیون انشاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و

تاکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی‌مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید.

و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شك انداخت. این‌ها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. این‌ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه ای است که خود فکر می‌کنند. به‌جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید.

در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست.

وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم و از اشتباهات و خطاهای کوچك آنان بگذریم و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم.

فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه ای به‌صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی.

باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه‌تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی‌های بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به‌طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان‌ها و انجمن‌ها و تشکیلات سیاسی و غیر آن‌ها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به

حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند.
البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه‌هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم. در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم.
و از محضر مقدس بقیة‌الله - ارواحنا فداه - عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید.
خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند.
خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی.
انَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته
پنجم ذیحجه ۱۴۰۸ - ۶۷/۴/۲۹
روح الله الموسوی الخمینی



تحلیل راهبردی مقام معظم رهبری از مناسبات ایران و امریکا

■ حسین ایزدی
نویسنده و پژوهشگر

رهبر معظم انقلاب با شروع به کار دولت یازدهم، در مقاطع مختلف به طرح برخی واقعیات موجود در کشور و همچنین جهان پرداختند و توجه به این واقعیات را در جهت فائق آمدن بر مشکلات و خنثی نمودن برنامه‌ریزی‌های دشمنان ضروری دانستند. ایشان معتقدند واقعیت‌هایی وجود دارد که اگر در محاسباتمان لحاظ نکنیم، قطعاً در قضاوت و انتخاب راه دچار اشتباه خواهیم شد؛ لذا باید این واقعیت‌ها را دید و مورد توجه قرارداد. در این میان نیز باید توجه داشت تا به دام لغزشگاه‌هایی چون «واقعیت‌های پنداری» نیفتاد. اینکه انسان چیزهائی را که واقعیت ندارد، دارای واقعیت تصور نماید. باید مواظب باشیم دچار واقعیت‌سازیهای خلاف واقع نشویم. همچنین باید توجه داشت که واقعیات می‌تواند در خدمت آرمان‌ها باشد. لذا ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه‌ی ساز و کارهای معقول و منطقیِ رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است و آن‌ها را در حد شعار باقی خواهد گذاشت؛ لکن وقتی مسئولان کشور آرمان‌ها را به‌صورت منطقی و متین دنبال نمایند، مردم همراهی خواهند نمود و اینجاست که واقعیت‌های جامعه با آرمان‌ها هماهنگ می‌شود.

یکی از واقعیت‌هایی که امروز تلاش می‌شود از نظر دور داشته شود، وجود دشمن و تجلی آن در ایالات متحده امریکا است. عده‌ای در کشور نمی‌خواهند باور کنند که امریکا دشمن است و حرص و ولع دوستی و ایجاد رابطه با امریکا دارند. از سویی یکی از عناصر تشکیل دهنده هویت مکتب امام خمینی (ره) استکبارستیزی است و امروز مصداق اصلی استکبار، امریکا است. اگر از این منظر به امریکا نگاه کنیم، مسئله‌ی هسته‌ای تنها بهانه‌ای از سوی آن‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی است؛ اما خوش باورها گمان می‌کنند حل هسته‌ای، گامی در

راستای ایجاد ارتباط سازنده با امریکا است.

مقام معظم رهبری در سخنان گوناگون خود در دوران دولت یازدهم تلاش می‌کنند از مسیر غلطی که عده‌ای در پیش‌گرفته‌اند، نهی کنند و نسبت به آن هشدار دهند؛ زیرا اگر واقعیت‌هایی چون دشمنی امریکا با ایران اسلامی نادیده گرفته شود، فرجامی ناگوار در پی خواهد داشت. در ادامه به تحلیل‌های راهبردی ایشان پیرامون امریکا، مذاکرات هسته‌ای و دشمن شناسی در سال‌های اخیر می‌پردازیم.

شناخت دشمن، نیاز امروز کشور

«امروز کشور به شناخت دشمن نیاز دارد. دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به‌وسیله‌ی انواع و اقسام اقلام آرایشیِ رسانه‌ای و تبلیغاتی بزک می‌کنند و در مقابل چشم قرار می‌دهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. در همین چند روز مشاهده کنید: فردا هفتم تیر است، حادثه‌ی حزب اتّفاق افتاده است؛ در سال ۶۶ در همین روز هفتم تیر، حادثه‌ی بمباران شیمیایی سردشت اتّفاق افتاده است؛ بله، صدّام آن کار را کرد، امّا پشت سر صدام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمب‌های شیمیایی را به او دادند، چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل‌عام عجیب سکوت هم کردند؛ در روز یازدهم تیر - چند روز بعد - ترور شهید صدوقی است که این هم کار همین جنایتکاران است؛ در روز دوازدهم تیر - چند روز بعد از این - حادثه‌ی اسقاط هواپیمای ایرباس بر روی خلیج‌فارس است. از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل‌عام و کشتار [انجام شد]؟ [چقدر] زن، کودک، عالِم، سیاستمدار، به‌وسیله‌ی عوامل آمریکا آماج این جنایت‌ها قرار گرفتند؟ اگر طرّاح این حوادث هم سرویس‌های امنیّتی آمریکا و غرب نبودند، حدّاقل کمک‌کننده بودند؛ حدّاقل تشویق‌کننده بودند. این دشمن‌ها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته‌ی «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم. واقعاً حقوق بشر آمریکایی در این چند روز در کشور ما یک چیز واضح و بارزی است و از این قبیل الی ماشاءالله. پس احتیاج داریم دشمن را بشناسیم.»[1]

هدف اساسی دشمن ایجاد اختلال در نظام محاسباتی ما

«اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمی‌تواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمی‌تواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج این است

۱- بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای ۷ تیر، ۱۳۹۴/۴/۶

که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال می‌کنند؛ می‌دانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، می‌تواند؛ می‌خواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آن‌ها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگرآن هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند. محاسبات ما را نمی‌توانند عوض کنند؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اوّل بر اساس منطق عقلانی بوده است؛ بر اساس یک قوّهی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل می‌داده این‌ها است: اوّل، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوّم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او.»[1]

«هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید.

خب، شما نگاه کنید در کشور خود ما، برخورد غربی‌ها و دست‌اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده. ما این‌همه تجربه‌ی ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور - روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دلباخته‌ی غرب - این تجربه‌ها در مقابل چشم آن‌ها است، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند. خب، آن‌ها دیدند که غربی‌ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوریِ عجیب‌وغریب رضاخانی، به‌وسیله‌ی انگلیس‌ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصرِ قلدرِ بی‌منطقِ بی‌اعتنای به اصالت‌های کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم در دهه‌ی ۲۰، همان قدرت‌ها آمدند ایران را اشغال کردند، درواقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همان‌ها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همان‌ها کودتای بیست‌وهشت مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه‌ی عیوبی که داشت بالاخره برخاسته‌ی از آراء مردم بود - ساقط کردند و نابود کردند؛ همان‌ها نهضت ملیِ نفت را به انحراف کشاندند و مجدداً سلطه‌ی بر منابع طبیعی و مادیِ ما را به دست گرفتند؛ همان‌ها در یک مدت طولانی، دیکتاتوریِ محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه‌ی وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی‌وچند ساله‌ی محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر

۱- بیانات در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶

نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه‌چیز را درواقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایتِ همین دولت‌های غربی بود؛
در مقابله‌ی با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند - بااینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند - همین غربی‌ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه: بمب شیمیایی دادند، امکانات گوناگون نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب این‌ها تجربه‌های ما است. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال‌یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.»[1]

سیاهه‌ی اعمال آمریکا نشانگر جنایت و خباثت

«یک عده سعی نکنند چهره‌ی آمریکا را بزک کنند، آرایش کنند، زشتی‌ها و وحشت‌آفرینی‌ها و خشونت‌ها را از چهره‌ی آمریکا بزدایند در مقابل ملت ما، به‌عنوان یک دولت علاقه‌مند، انسان‌دوست معرفی کنند؛ اگر سعی هم بکنند، سعی‌شان بی‌فایده است. در طول تاریخِ اقلاً هفتاد هشتاد سال اخیر - البته قبل هم خیلی حرف‌ها در تاریخ آمریکا هست [که] نمی‌خواهیم حالا وارد آن حرف‌ها بشویم - شما نگاه کنید در دنیا، ببینید آمریکا چه‌کار کرده؟ جنگ‌هایی که آمریکا به راه انداخته است، انسان‌های بی‌گناه و غیرنظامی‌ای که در این جنگ‌ها و در غیر این جنگ‌ها به خاک و خون کشانده است؛ دیکتاتورهایی که در شرق و غرب دنیا مورد حمایت آمریکا قرارگرفته‌اند - یکی از آن‌ها محمدرضای پهلویِ ایران بود و ده‌ها نفر از قبیل او در کشورهای آسیایی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آمریکای لاتین، از نظامی و غیرنظامی - و سال‌های متمادی به مردم خودشان ظلم کردند، خون مردم را به شیشه کردند، ثروت‌های مردم را غارت کردند، پدر مردم را درآوردند. حمایت از این‌ها در کارنامه‌ی عمل آمریکا وجود دارد. حمایت از تروریسم بین‌الملل و حمایت از تروریسم دولتی؛ این دولت جعلی جنایتکار صهیونیستی که غاصب فلسطین است، ده‌ها سال است که موردحمایت آمریکا است؛ مردم را می‌کشد، خانه‌ها را خراب می‌کند، ظلم می‌کند، جوان‌ها را، زن‌ها را، مردها را، کودکان را به زندان و حبس می‌کشاند؛ به بیروت حمله کردند، صبرا و شتیلا را نابود کردند، چه، چه؛ همه مورد حمایت آمریکا است. این‌ها در سیاهه‌ی اعمال آمریکا ثبت است. حمله‌ی

۱- بیانات در دیدار دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱

به عراق و کشتن ده‌ها هزار انسان - آمارها را ما دقیق نمی‌دانیم، بلکه گفته می‌شود تا حدود یک میلیون عراقی را در طول این چند سال این‌ها مستقیم و غیرمستقیم از بین بردند؛ حالا من نسبت نمی‌دهم، اقلاً ده‌ها هزار، [در صورتی که] یکی‌اش هم زیاد است - انسان‌ها را در عراق از بین بردند. در افغانستان یک جور دیگر، شرکت‌های آدم‌کشی و ترور را - که من یکی [از آن‌ها] را یک‌وقتی در یک سخنرانی، اسم آوردم: شرکت معروف «بِلَک‌واتِر» آمریکایی که کار آن آدم‌کشی است، ترور است - انداختند به جان مردم؛ همین گروه‌های تندروِ افراطیِ آدم‌کشِ تکفیری را اول این‌ها راه انداختند که حالا در یک‌جاهایی کمانه کرده و به خودشان هم دارد می‌خورد. آمریکا یک‌چنین دولتی است.

بحث سر ملت آمریکا و مردم آمریکا نیست، آن‌ها هم مثل بقیه‌ی مردم‌اند؛ بحث سر رژیم آمریکا است، بحث سر دولت آمریکا است. چطور می‌شود این چهره را با بزک و آرایش تغییر داد در مقابل چشم ملت ایران؟ خود ما ملت ایران چه کشیدیم؟ ... این‌ها از اول انقلاب تحریم را شروع کردند. در اوایل انقلاب هرکس خواست علیه انقلاب یک کاری بکند، آمریکایی‌ها از او حمایت کردند. چپ بود، راست بود، نظامی بود، غیر نظامی بود، برایشان فرقی نمی‌کرد؛ هر کسی علیه نظام جمهوری اسلامی انگیزه‌ای داشت - در شکل قومیت‌ها، در شکل آدم‌های گوناگون - هرچه توانستند، کمک کردند؛ آخریِ آنچه مردم به چشمشان دیدند، فتنه‌ی سال ۸۸ است. رئیس‌جمهور آمریکا با کمال وقاحت ایستاد و از فتنه‌گران در تهران حمایت کرد؛ حالا هم اخیراً دارند حمایت می‌کنند. فهرست بدکاری‌های این دولت این‌ها است. امروز هم خیلی از نیت‌های شومی که این‌ها پشت پرده داشتند و مکتوم نگه می‌داشتند، دارد به‌تدریج آشکار می‌شود.»[۱]

«آن کسانی که امروز سعی می‌کنند از این هیولا - که سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های بعضی از دنباله‌روان آمریکا است - یک چهره‌ی موجّهی معرّفی کنند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند؛ این‌ها دارند جنایت می‌کنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان می‌کنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه می‌پوشانند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند به این ملّت. کشور ما و ملّت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد.[۲]»

توهم حل همه مشکلات اقتصادی با تسلیم در قضیه هسته‌ای!

«امّا ملّت باید بیدار باشد، بداند چه اتّفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های

۱- بیانات در دیدار مردم آذربایجان در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۸

۲- بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای ۷ تیر، ۱۳۹۴/۴/۶

مواجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و مواجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیّه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند. البتّه تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط می‌دهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیّت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیّه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابلِ طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند این‌ها حل خواهد شد؛ این خطا است.»[1]

تداوم مبارزه با استکبار در همه عرصه‌ها

رهبر انقلاب تأکید کردند: مبارزه با استکبار جزء مبانی انقلاب و از کارهای اساسی است، بنابراین، خودتان را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید.[2]

«در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعّالیّت‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست‌گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامه‌ی مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت می‌کنیم؛ این را باید بدانیم. این بایستی مثل یک تفکّر گسترده‌ای بر تمام فعّالیّتهای ما حاکم باشد، هر کاری می‌کنیم، این بایست در ضمن آن ملحوظ باشد.»[3]

«ما با آمریکا به‌عنوان یک مجموعه‌ی جغرافیایی یا به‌عنوان یک ملّت، به‌عنوان یک مجموعه‌ی انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیّه‌ی کشورها؛ مسئله‌ی ما با آمریکا، مسئله‌ی استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبّرند، زورگویند، زیاده‌طلب‌اند.»[4]

«نظام اسلامی با استکبار با این خصوصیّات طرف است؛ نظام اسلامی با ملّت‌ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان‌ها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده: جبهه‌ی حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله‌ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیّاتی که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی‌ای مثل نظام

۱- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲

۲- بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۱۳

۳- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۰۴

۴- بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

جمهوری اسلامی ایران را تحمّل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به‌وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. [استکبار] نمی‌تواند تحمّل کند، مگر وقتی که مأیوس بشود.»[1]

تصور غلط (امکان آشتی با امریکا)

«یک تصوّر غلطی در اینجا وجود دارد و آن این است که «ما با آمریکا می‌توانیم کنار بیاییم؛ با آمریکا کنار بیاییم و مشکلات را حل کنیم»! خب این تصوّر، تصوّر درستی نیست. ما نمی‌توانیم به توهّم تکیه کنیم، باید به واقعیت‌ها تکیه کنیم. اولاً همان‌طور که گفتیم، از لحاظ منطقی، نظامی مثل جمهوری اسلامی ایران هرگز مورد محبّت و ملاطفت نظامی مثل آمریکا قرار نمی‌گیرد؛ امکان ندارد. ثانیاً رفتارهایشان؛ از پنجاه سال پیش، شصت سال پیش، از بیست‌وهشتم مرداد، بعدازآن در دوران رژیم طاغوت، بعدش از اوّل انقلاب تا امروز، شما نگاه کنید ببینید رفتار آمریکا با ما چگونه بوده. در رژیم طاغوت، آمریکا به‌عنوان یک ثروت نگاه می‌کرد به رژیم پهلوی، درعین‌حال ضرباتی که در همان دوران از سوی آمریکا به ایران وارد شده ضربات کاری و مؤثّری است که کسانی که با تاریخ آشنایند، با زندگی آن دوران آشنایند، کاملاً این را می‌فهمند و تصدیق می‌کنند؛ بعد از انقلاب هم که خب معلوم است؛ از روز اوّل شروع کردند به خباثت و عناد و تا امروز هم ادامه دارد؛ [پس] بحثِ سوء تفاهم نیست. یک‌وقت بین دو دولت سوء تفاهم هست، خب با مذاکره حل می‌شود؛ یک‌وقت اختلاف سر یک منطقه‌ی ارضی است، مثلاً فرض کنید که این قسمتِ مرز این قدرش مال من است، این قدرش مال تو است، خب این را با مذاکره می‌توانند حل کنند، پنجاه پنجاه تمامش کنند؛ اینجا مسئله‌ی پنجاه پنجاه نیست؛ مسئله‌ی اصل موجودیّت جمهوری اسلامی است و با مذاکره حل نمی‌شود، با رابطه حل نمی‌شود؛ این تصوّر، تصوّر درستی نیست. آنچه قدرت و استقلال و پیشرفت ناشی از اسلام و منطبق با اسلام در دنیا به‌عنوان یک پدیده به وجود آورده، برای استکبار -مظهر استکبار، آمریکا است- قابل قبول نیست؛ این یک تصوّر غلطی است که ما خیال کنیم حالا می‌شود بنشینیم با آمریکایی‌ها، بگوییم آقا بیایید یک جوری باهمدیگر مصالحه کنیم. مصالحه به این است که شما از حرف‌های خودتان بگذرید.

من دو سه سال قبل از این در اوایل این قضیّه‌ی مذاکرات هسته‌ای، (۱۴) گفتم آمریکایی‌ها از همین الان به ما بگویند اگر جمهوری اسلامی تا کجا عقب‌نشینی کند، آن‌ها دیگر دشمنی

۱- بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲۹

نمی‌کنند؛ این را بگویند. اگر مسئله‌ی هسته‌ای حل شد، دیگر قضیّه تمام است؟ خب حالا قضیّه‌ی هسته‌ای حل شده، ببینید تمام است قضیّه؟ قضیّه‌ی موشک‌ها پیش آمد؛ قضیّه‌ی موشک‌ها حل بشود، قضیّه‌ی حقوق بشر است؛ قضیّه‌ی حقوق بشر حل بشود، قضیّه‌ی شورای نگهبان است؛ قضیّه‌ی شورای نگهبان حل بشود، قضیّه‌ی اصل رهبری و ولایت فقیه است؛ قضیّه‌ی ولایت فقیه حل بشود، قضیّه‌ی اصل قانون اساسی و حاکمیّت اسلام است؛ این‌ها است، دعوا سر چیزهای جزئی نیست؛ بنابراین این تصوّر، تصوّر غلطی است.

با بنده زیاد صحبت شده و افرادی بوده‌اند از دوستانی که از روی عقیده و علاقه فکر می‌کردند که این کار می‌شود، در طول این سال‌ها نشستیم و صحبت کردیم، [امّا] بعد خود آن‌ها اعتراف کردند -نه پیش من، [بلکه] در غیاب و در جلسات رسمیِ تصمیم‌گیر- که استدلالی که فلانی می‌کند جواب ندارد؛ راست هم میگویند؛ استدلالی که بنده در این زمینه می‌کنم جواب ندارد. در مورد ما که این‌جوری است، در مورد خیلی از کشورهای دیگر هم آمریکایی‌ها سرِ سازگاری ندارند. این را توجّه داشته باشید و بدانید؛ سیاست اساسی آمریکا هضم قدرت‌ها و سیاست‌های دنیا در معده‌ی سیاست‌های آمریکایی است، این مخصوص [ما نیست]. حالا ما از جهت دشمنی یک خصوصیّتی داریم که با ما یک دشمنی خاصّی وجود دارد امّا حتّی نسبت به کشورهای دیگر هم همین‌جور است. در زمینه‌ی سیاسی این‌جوری است، در زمینه‌ی اقتصادی این‌جوری است، در زمینه‌ی فرهنگی [هم] این‌جوری است. [الان] کمپانی‌های فیلم‌ساز اروپایی دادشان بلند است از تسلّط هالیوود؛ سلطه‌ی فرهنگی. فرانسه که دیگر جمهوری اسلامی نیست. سیاست آمریکا این است. این حرف را بارها هم گفته‌اند، دائم هم میگویند، الان هم همین نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا، این دو نفر، (۱۵) باهم مسابقه گذاشته‌اند سر اینکه بگویند آمریکا آقای جهان است، سَرور جهان است، همه‌کاره‌ی جهان است. قبل از این‌ها بوشِ پدر، آن‌وقتی که شوروی از بین رفته بود، روی همان غرور و این حرف‌ها گفت ما امروز قدرت منحصربه‌فرد دنیا هستیم، باید خودشان را با ما [هماهنگ کنند]، نظم جهانی را ما باید تعیین بکنیم؛ ببینید، سیاست این است. خب، این دشمن است دیگر، با این چه‌جور می‌شود کنار آمد؟

این را هم عرض بکنم: بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم این‌ها کرده‌ایم، [لذا] این‌ها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصوّر غلطی است. ما شروع‌کننده نبوده‌ایم. اوّل انقلاب آمریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چند روزی نگه داشته شده بودند، امام فرمود با کمال مراقبت بروند به محلّ خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از اینکه

مسئله‌ی تسخیر سفارت پیش بیاید -که آن هم عواملی داشت، مقدّماتی داشت- [آمریکایی‌ها] در کمال امنیّت اینجا زندگی می‌کردند؛ راحت می‌رفتند، می‌آمدند؛ و البتّه بدجنسی می‌کردند. ما شروع نکردیم، آن‌ها شروع کردند؛ آن‌ها از همان اوّل شروع کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملّت ایران؛ شروع‌کننده آن‌ها بودند. وانگهی فقط آمریکا که نیست، کشورهای دیگر [هم هستند]؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید جمهوری اسلامی نسبت به فرانسه چه ستیزه‌گری‌ای کرده؟ کشور فرانسه چون امام مدّتی در آنجا بود، حتّی مورد تمجید نیروهای انقلابی هم بود امّا خب می‌بینید که چه‌کار می‌کنند. دیدید در قضیّه‌ی هسته‌ای که فرانسوی‌ها نقش پلیس بد را اجرا کردند -البتّه مدیریّت برنامه با آمریکایی‌ها بود، معلوم بود لکن در قضیّه‌ی هسته‌ای بدترین موضع را فرانسوی‌ها [گرفتند]- ما با فرانسوی‌ها چه‌کار کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ حال یک کشور کوچکی مثل هلند مثلاً؛ در هر قضیّه‌ای که شما نگاه کنید از قضایایی که پای جمهوری اسلامی به میان است، در آن لیست و فهرست دشمن‌ها، یکی‌اش هلند است! حالا ما با هلند چه‌کار داشتیم؟ چه ستیزه‌گری‌ای؟ کشور کوچکی که در گوشه‌ی اروپا افتاده [است]. بحث این نیست که ما با آن‌ها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم. مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ قضیّه این نیست، قضیّه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آن‌ها دشمنی نکنند»؛ نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است که حالا یک مقداری را شرح دادیم.[1]»

امریکا کامل‌ترین مصداق استکبار

وضعیت مبارزه با استکبار پس از مذاکرات هسته‌ای سؤالی بود که در دیدار دانشجویان با رهبری از سوی یکی از دانشجویان مطرح شد. رهبر انقلاب در پاسخ تأکید کردند: مبارزه با استکبار و نظام سلطه، براساس مبانی قرآنی، هیچ‌گاه تعطیل‌پذیر نیست و امروز آمریکا کامل‌ترین مصداق استکبار است.

ایشان افزودند: به مسئولین مذاکره‌کننده نیز گفته‌ایم که فقط در موضوع هسته‌ای حق دارید مذاکره کنید و بااینکه طرف آمریکایی گاهی مسائل منطقه، ازجمله سوریه و یمن را پیش می‌کشد، مسئولین ما می‌گویند در این مسائل مذاکره نمی‌کنیم.[2]

۱- بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵

۲- بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۱۳

آشتی ناپذیری با مستکبرین منطق اسلام و امام

«امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. این است که امام در مقابله‌ی میان قلدران و مستکبران و قدرت‌های زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیّه این را بیان می‌کرد. طرف‌دار جدّیِ مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سرِ آشتی نداشت. واژه‌ی «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار می‌برد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت.

در مقابل از اوّل انقلاب کسانی بودند که توجّه نمی‌کردند که آمریکا عقبه‌ی تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوتی است که به‌وسیله‌ی ملّت ایران برافتاد. ملّت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، امّا کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعّالیّت آن‌ها - حتّی فعّالیّت برخی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمده‌ی دولت موقّت با امام بزرگوار سر این قضیّه بود؛ ما از نزدیک می‌دیدیم. آن‌ها توجّه نمی‌کردند که آمریکا تغذیه‌کننده‌ی رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حالا برافتاده است امّا آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعّال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجّه نمی‌کردند. امام این را می‌دید، لذا موضع‌گیری امام در زمینه‌ی مسئله‌ی لانه‌ی جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجّه نکردند و ضربه‌اش را خوردند که حالا نمی‌خواهیم کسانی را شماتت و ملامت کنیم؛ امّا این ضربه‌ای است که بعضی خوردند، به‌خاطر اینکه رژیم‌های مرتجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه‌ی آن‌ها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اوّل دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیّتی آمریکا موضع داشت.

متقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، بااینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت که این موضع قاطع را حتّی بعضی از دولت‌هایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند امّا امام بزرگوار

بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملّت افغانستان حمایت کرد، از ملّت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیّت مورد حمایت خودش قرارداد. این منطق امام است در مورد مقابله‌ی با استکبار. با این منطق امروز می‌شود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را می‌شود فهمید. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه‌ی جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه‌ی پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - این‌ها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره‌ی غزّه که محاصره‌ی ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزّه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به‌وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرف‌دار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع‌گیری‌ای است که امام بصراحت انجام می‌داد و این‌یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ این را همه بدانند. مسئله‌ی فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله‌ی فلسطین، عرصه‌ی یک مجاهدتِ واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله‌ی فلسطین جدا نمی‌کند. ممکن است کسانی در صحنه‌ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آن‌ها جدا است امّا مردم فلسطین، ملّت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند.»[۱]

«گفتمان اسلامی، طرف‌دار عدالت است، طرف‌دار آزادی بشر است، طرف‌دار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرف‌دار نابودی نظام سلطه در همه‌ی جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شما است. نقطه‌ی مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبّرانه و خودخواهانه است از سوی قدرت‌های انحصارطلب عالم، قدرت‌های سلطه‌گر عالم که متّکی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جهانند؛ همیشه‌ی دنیا بوده‌اند، امروز هم هستند؛ در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان می‌دادند؛ امروز در پوشش‌های گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال این‌ها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می‌برند؛ امّا چشمان تیزبین ملّت‌ها می‌تواند تشخیص بدهد؛ می‌تواند این دو گفتمان را در مقابل هم ببینند. این دو گفتمان باهم آشتی نمی‌کنند،

۱- بیانات در بیست و ششمین مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴

این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند؛ نمی‌توانند آشتی کنند. یک گفتمان گفتمان ظلم و ستیزه‌گری با مظلومان و ملّت‌ها است؛ یک گفتمان گفتمان حمایت از مظلومان و مقابله‌ی با ظالمان است؛ این‌ها چطور می‌توانند دست به هم بدهند؟ چطور می‌توانند به هم نزدیک بشوند؟ و امروز دنیا این را می‌داند، دنیا این را می‌فهمد.»[۱]

اگر راه امام را کنار بگذاریم، ملت سیلی خواهد خورد

«اگر ملّت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملّت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای‌نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملّت ایران سیلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع‌شده‌ی در یک چهارراه حسّاس جهانی، برای قدرتمندان دغل‌باز عالم خیلی مهم است. این‌ها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛ فقط آن‌وقتی عقب خواهند نشست که شما ملّت ایران آن‌چنان قدرتی پیدا کنید، آن‌چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجا است که خطر تحریف امام اهمّیّت پیدا می‌کند.»[۲]

راز ماندگاری انقلاب صراحت در برابر دشمنان

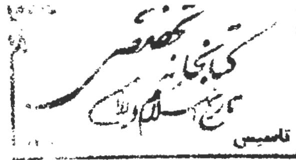
«راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بر ریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار، همین صراحت بوده است؛ هیچ نبایستی این شفّافیّت را، این صراحت را از دست داد. در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، مواضع جمهوری اسلامی باید مواضع شفّافی باشد. تاکتیک‌ها را می‌توانند عوض کنند، شیوه‌های کار را می‌توانند عوض کنند، [امّا] اصول، همچنان مستحکم باید بماند؛ این راز استحکام انقلاب و راز پیشرفت کشور است.»[۳]

«امام در قضیّه‌ی مقابله‌ی با شبکه‌ی صهیونیستیِ خطرناکی که بر دنیا می‌خواهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه‌ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند، صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت. امام در مقابل رژیم صهیونیستی که یک رژیم جعلی و غاصب است که بر منطقه‌ی فلسطینِ مظلوم حکومت می‌کند، صریحاً موضع گرفت؛ هیچ ملاحظه و پرده‌پوشی

۱- بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع)، ۱۳۹۴/۲/۳۰

۲- بیانات در بیست و ششمین مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴

۳- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۹



نکرد؛ ببینید این‌ها اصول و پایه‌ها است. امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشی نکرد. نظام سلطه یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که متّکی است به تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسّم و تجسّد پیدا می‌کند در رژیم و دولت کنونی ایالات متّحده‌ی آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت.»[۱]

تئوری سازی برای نفی استقلال کشور!

«یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکّر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری است؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملّت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند امّا علیه استقلال کشور حرف بزنند، این‌یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردیِ اشخاص محترم باشد امّا آزادی یک ملّت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسّفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی می‌کنند و حرف می‌زنند؛ این حرف‌ها هم در بین جامعه پخش می‌شود. کسانی این‌جوری حرکت می‌کنند. این‌یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به ردّ سلطه‌ی [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سال‌ها، بسیاری از فعّالیّتهایی که علیه کشور ما و ملّت ما کرده است برای این بود که خدشه‌ی در استقلال به‌وجود بیاورد؛ چه تحریم، چه تهدید، این‌ها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدف‌های دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.»[۲]

مأیوس کردن دشمن از خود تنها راه رفع مزاحمت

«آنچه برای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تجربه‌ی دائمی در طول این ۳۵ سال وجود دارد، این است که تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از اقتدار ملّت و ایستادگی ملّت؛ این تنها عاملی است که می‌تواند دشمن را عقب بزند. البتّه دشمن، دشمن

۱- همان

۲- بیانات در بیست و ششمین مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴

است؛ از همه‌ی ابزارها استفاده می‌کند؛ همان‌طور که گفتیم از ابزار تحریم هم استفاده می‌کند و استفاده کرده است. ما بایستی بدانیم آن راهی که ما را می‌تواند به مقصود برساند، چیست.»[1]

«نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به‌وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. [استکبار] نمی‌تواند تحمّل کند، مگر وقتی که مأیوس بشود.»[2]

«این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان‌شاءالله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد.»[3]

«بنده اصرارم بر حضور حدّاکثری و عمومی ملت ایران به‌خاطر این است که می‌بینم و میدانم که حضور یکپارچه‌ی مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه‌ی مردم موجب می‌شود که دشمن مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد. اینکه ملاحظه می‌کنید دشمن در عرصه‌های مختلف، از زاویه‌های مختلف، گاهی تعرّضی، تجاوزی، پیش‌رفتی انجام می‌دهد، به‌خاطر این است که کسانی به او چراغ سبز می‌دهند، دشمن را امیدوار می‌کنند. بعضی از حرف‌ها دشمن را امیدوار می‌کند؛ بعضی از قیافه‌گرفتن‌ها و رفتارها دشمن را امیدوار می‌کند. وقتی دشمن امیدوار شد، بر فشار خود می‌افزاید؛ وقتی دشمن ناامید شد، طبعاً خواهد دید فشار فایده‌ای ندارد، راه دیگری را دنبال می‌کند.»[4]

اعتماد به صدق وعده الهی از اصول مکتب امام

«یکی از اصول امام اتّکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتّکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را

۱- بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲۹
۲- همان
۳- بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰
۴- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۲

باور ندارند در کلام خودِ خداوند لعن شده‌اند: وَ لَعَنَهُمُ الله،[۱] وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیهِم،[۲] آن کسانی که «اَلظّآنّینَ بِاللهِ ظَنَّ السَّوءِ عَلَیهِم دائِرَةُ السَّوءِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیهِم وَ لَعَنَهُم وَ اَعَدَّ لَهُم جَهَنَّمَ وَ ساءَت مَصیرًا»[۳] اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است «اِن تَنصُروا اللهَ یَنصُرکُم»[۴] - یکی از ارکان تفکّر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اتّکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به دل‌خوش‌کُنَک‌های دشمنان، مستکبران، قدرت‌های جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اتّکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب می‌شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحت صحبت می‌کرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان می‌کرد، چون اتّکاء به خدا داشت، نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید، نه اینکه نمی‌دانست آن‌ها عصبانی می‌شوند، می‌دانست امّا به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودربایستی نشد؛ به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحت تمام، مطلب را جواب داد که همان‌وقت در صداوسیمای جمهوری اسلامی پخش شد. البتّه امام مؤدّبانه حرف می‌زد امّا مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و این توکّل خود را امام مثل خونی در شریان ملّت جاری کرد؛ ملّت هم اهل توکّل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می‌شد که به وعده‌های آن‌ها اعتنائی نکند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقتدری هم بود - به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتنائی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتنائی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولت‌های وابسته‌ی به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتنائی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمی‌شود به وعده‌ی مستکبرین اعتماد کرد، به حرف‌هایی که در جلسه‌ی خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم. امام آن را جزوِ خطوط اصلیِ کار خود قرارداد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البتّه به

۱- سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۸
۲- از جمله سوره‌ی مجادله، بخشی از آیه‌ی ۱۴
۳- سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۶
۴- سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷

معنای قطع رابطه‌ی با دنیا نبود، [چون] سران کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آن‌ها جواب می‌داد. ارتباط این‌جوری، در حدّ معمول، مؤدّبانه و محترمانه وجود داشت امّا هیچ‌گونه اعتمادی به مستکبرین و قلدران و تبعه و دنباله‌روان آن‌ها وجود نداشت.»[۱]

مشکل اصلی دشمنان باذات جمهوری اسلامی و تمدن سازی نه توان هسته‌ای

«یک مسئله این است که دشمنی آمریکا با ملّت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطاست اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ما سرِ قضیّه‌ی هسته‌ای است؛ نه، قضیّه‌ی هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله‌ی هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفت‌ها از اوّل انقلاب بود؛ اگر یک روزی هم مسئله‌ی هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان‌که آن‌ها می‌خواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه‌ی دیگر را به‌تدریج پیش می‌کشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیّت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه‌ی به قول خودشان خاورمیانه حمایت می‌کنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟»[۲]

«هدف دشمنان ملّت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملّت به‌جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدّنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریمها به‌خاطر این است. بله، بنده هم عقیده‌ام این است که هدف تحریم‌ها مسئله‌ی هسته‌ای فقط نیست، مسئله‌ی حقوق بشر هم نیست، مسئله‌ی تروریسم هم نیست. گفتند چرا فلانی برای روضه‌ی علی‌اصغر که روضه‌خوان خواند، گریه نکرد؟ گفت آن بنده خدا خودش صد علی‌اصغر سر بریده؛ این برای روضه‌ی علی‌اصغر گریه می‌کند؟ این‌ها خودشان تروریست‌پرورند، این‌ها خودشان ضدّ حقوق بشرند؛ این‌ها دنبال این هستند که برای حقوق بشر به یک کشوری فشار بیاورند؟ مسئله این نیست؛ مسئله یک محاسبه‌ی بسیار بالاتر و فراتر از این حرف‌ها است؛ یعنی یک ملّتی، یک حرکتی، یک هویّتی به‌وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به‌جایی برسد؛ ما در یک‌چنین موقعیّتی هستیم؛ ما در یک‌چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم. تحریم‌ها هم البتّه

۱- بیانات در بیست و ششمین مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۳/۱۴

۲- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲

زحمت‌هایی ایجاد می‌کند امّا می‌تواند مانع پیشرفت نشود؛ [باید] از ظرفیّتهایمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ و وزارت علوم و وزارت‌های مربوط به مسئله‌ی دانش، نقشهای اساسی و مهمّی دارند؛ این نقش‌ها را قدر بدانید و دنبال کنید و ان‌شاءالله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه‌ی شریفه را هم که دوستان خواندند -اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم- این وعده‌ی بی‌تخلّف الهی است.»[1]

«دشمنیِ دشمنان ما به‌خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بدِ تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه‌ی چیزها بهانه است. امروز بهانه، مسئله‌ی هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است. آن‌ها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و باج‌بگیرها و زورگویان عالم منصرف کنند؛ البته این اتفاق نخواهد افتاد. ملت ایران توانایی خود را در میدان‌های مختلف اثبات کرده است.»[2]

«دشمنیِ آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اوّل شروع شد؛ این را جوان‌ها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعاً هیچ کاری که یک دولتی مثل آمریکا بتواند با یک ملّتی، با یک کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هر کاری توانسته‌اند تا امروز انجام داده‌اند. دشمنیِ آن‌ها با «انقلاب» بود و هست؛ دشمنیِ آن‌ها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند. این غلط است که بعضی این‌جور وانمود کنند که دشمنیِ آمریکا و رژیم مستکبر با اشخاص است - با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه‌ای دشمن‌اند - این‌جور نیست؛ دشمنیِ آن‌ها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهت‌گیریِ توأم با ایستادگی و استقلال‌طلبی و عزّت‌طلبی است و با ملّتی که این‌ها را پذیرفته است و دارد عمل می‌کند؛ دشمنی با این‌ها است. و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملّتی که پای این حرف ایستاد در طول این سالهای متمادی و مشکلات آن را تحمّل کرد، برایشان مبغوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از دهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملّت ایران دشمن‌اند؛ با ملّت ایران مخالف‌اند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران

۱- بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴/۴/۱۳

۲- بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۱

است.»[1]

هدف امریکا، ریشه کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای

«هرکس روند مطالبات آمریکایی‌ها را در این مدّت مطالعه کند و کیفیّت حرفهای این‌ها را نگاه کند، به این نتیجه می‌رسد؛ یکی از دو نکته‌ی اساسی این است: هدف این‌ها ریشه‌کن کردن و از بین بردن صنعت هسته‌ای در کشور است؛ هدف این است، دنبال این هستند؛ قصدشان این است که ماهیّت هسته‌ای کشور را از بین ببرند؛ ولو حالا یک اسمی، یک تابلوی بی‌محتوایی، یک چیز کاریکاتوری‌ای وجود داشته باشد، امّا این‌ها قصد دارند که نگذارند این حرکت هسته‌ای کشور، صنعت هسته‌ای یک کشور با اهدافی که نظام جمهوری اسلامی دارد تحقّق پیدا کند. ما اعلام کردیم تا یک سررسید معیّنی بایست بیست‌هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشیم، این نیاز کشور است؛ بیست‌هزار مگاوات برق هسته‌ای نیاز ضروری کشور است؛ این محاسبه‌شده‌ی دستگاه‌های محاسبه‌کننده‌ی کشور است که البتّه در حاشیه‌ی آن، منافع زیاد و برآوردن نیازهای فراوان دیگر هم وجود دارد؛ این‌ها می‌خواهند این اتّفاق نیفتد. البتّه در عین اینکه این صنعت را می‌خواهند نابود کنند، فشار را هم می‌خواهند حفظ کنند، قصد برداشتن تحریم‌ها به‌صورت کامل را هم - همین‌طور که ملاحظه می‌کنید - ندارند، تهدید هم می‌کنند که تحریم‌های بیشتری را تحمیل خواهیم کرد. این‌یک نکته است.»[2]

تجربه‌ی تاریخی، علت بدبینی و غیرقابل اعتماد بودن آمریکا

«هر ملّتی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتّی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. حالا در کشور ما دکتر مصدّق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ برای اینکه بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد، به آمریکایی‌ها متوسّل شد؛ آمریکایی‌ها به‌جای اینکه به دکتر مصدّق که به آن‌ها حسن ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند اینجا و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند. مصدّق اعتماد کرد، کتکش را [هم] خورد؛ حتّی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند، ضربه‌اش را خوردند. روابط رژیم طاغوتی سابق با آمریکا خیلی صمیمی بود، درعین‌حال زیاده‌خواهیِ آمریکا آن‌ها را هم به ستوه آورده بود؛ همین کاپیتولاسیونی را که گفتیم - مصونیّت قضائی

۱- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۹ /۱۱ /۱۳۹۳
۲- بیانات در دیدار با مسئولین نظام، ۲ /۴ /۱۳۹۴

مأموریـن آمریـکا - تحمیـل کردنـد بـر آن‌هـا؛ آن‌هـا هـم پشـتوانه‌ای جـز آمریکا نداشـتند، مجبـور شـدند قبـول کردنـد.»[۱]

«ملّت‌هـا و حتّـی دولت‌هـا بـه آمریـکا بی‌اعتمادنـد بـه خاطـر همیـن رفتـار و رویکـردی کـه در سیاست آمریکایی‌ها هست. هرکسی اعتماد کرد به آمریکا، ضربه‌اش را خورد؛ لذا امروز در میان ملّت‌ها شاید بشود گفت منفورتریـن قدرت‌های دنیا آمریکا است. اگر یک نظرسنجی عادلانه و سالمی در دنیا بیـن ملّت‌ها انجام بگیـرد، گمان نمی‌کنـم نمره‌ی منفی هیچ دولتی به پای نمره‌ی منفی دولت آمریکا برسد؛ در دنیا امـروز وضع این‌ها این‌جوری است؛ می‌شنوید دیگر حرف‌هایـی کـه اروپایی‌ها امـروز دارنـد علیـه آمریکایی‌هـا می‌زننـد.»[۲]

«مـن البتّـه هیچ‌وقـت نسـبت بـه مذاکـره‌ی بـا آمریکا خوش‌بیـن نبـودم. نـه از بـاب یـک توهّـم بلکه از باب تجربه؛ تجربـه کردیـم. حـالا اگـر یک روزی - ما کـه در آن روز قاعدتاً نخواهیـم بـود - شـماها ان‌شاءالله در جریـان حـوادث و جزئیّـات و یادداشـت‌ها و نوشـته‌های ایـن روزهـا قـرار بگیریـد، خواهیـد دیـد کـه ایـن تجربـه‌ی مـا از کجـا حاصـل شـده؛ تجربـه کردیـم. لکـن بـا وجـود اینکه مـن خوش‌بیـن نبـودم بـه مذاکـره‌ی بـا آمریـکا، بـا ایـن مذاکـرات مـوردی، مخالفـت نکـردم، موافقـت کـردم؛ از مذاکره‌کنندگان هـم باهمـه‌ی وجـود حمایت کـردم، الان هـم حمایت می‌کنـم. از رسـیدن بـه یک توافقی که منافـع ملّـت ایـران را تأمیـن کنـد و عـزّت ملّـت ایـران را حفـظ کنـد، صددرصـد مـن حمایـت می‌کنـم و اسـتقبال می‌کنـم.»[۳]

عدم تغییر سیاست ما در برابر امریکا

«با این مذاکرات و با متنی که تهیّه شده است (متن توافق جامع)، در هر صورت سیاست ما در مقابـل دولـت مسـتکبر آمریکا هیـچ تغییـری نخواهـد کـرد. همان‌طور کـه بارهـا تکـرار کردیـم، مـا بـا آمریکا در مـورد مسـائل گوناگـون جهانـی و منطقـه‌ای مذاکـره‌ای نداریـم؛ در مـورد مسـائل دوجانبـه مذاکـره‌ای نداریـم؛ گاهـی در مـوارد اسـتثنائی مثـل ایـن مـورد هسـته‌ای، براسـاس مصلحـت، مذاکـره کرده‌ایم؛ ایـن مورد هـم فقط نبـوده اسـت، قبـل از ایـن هـم مـواردی بـوده اسـت کـه مـن در سـخنرانی‌های عمومـی قبلـی بـه آن‌هـا اشـاره کـرده‌ام. سیاسـت‌های آمریـکا در منطقـه بـا سیاسـت‌های جمهـوری اسـلامی ۱۸۰ درجـه اختـلاف دارد. آمریکایی‌هـا حـزب‌الله را و مقاومـت لبنـان را -کـه فداکارتریـن نیروهـای دفـاع ملّـی در یـک کشـورند- متّهـم بـه تروریسـم می‌کننـد، از

۱- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲
۲- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲
۳- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

این بی‌انصافی بالاتر نمی‌شود. آن‌وقت در مقابل، دولت تروریست صهیونیستیِ کودک‌کُش را مورد حمایت خودشان قرار می‌دهند، با یک‌چنین سیاستی چگونه می‌شود معامله کرد، چگونه می‌شود مذاکره کرد، چگونه می‌شود به توافق رسید؟ حالا موارد دیگر هم هست که من تفصیلش را می‌گذارم برای جای دیگر.[۱]»

اسرائیل روز به روزناامن‌تر می‌شود!

«بعد می‌گوید امنیّت اسرائیل باید حفظ شود. اولاً اسرائیل روزبه‌روز ناامن‌تر خواهد شد؛ چه توافق هسته‌ای بشود، چه نشود؛ این را بدانید امنیّت اسرائیل تأمین نخواهد شد چه توافق هسته‌ای بشود و چه نشود.»[۲]

«امّا اینکه حالا شما (آمریکا) میگویید امنیّت اسرائیل باید حفظ بشود، من میگویم این حرف هم حرف صادقانه‌ای نیست. برای دولت‌مردان و دولت‌زنانِ آمریکا، امنیّت اسرائیل مسئله‌ی اصلی نیست، مسئله‌ی اصلی چیز دیگری است. مسئله‌ی اصلی برای این حضرات، راضی نگهداشتن شبکه‌ی سرمایه‌داران صهیونیست است که رگِ حیات این‌ها را در دست گرفته‌اند. مسئله‌ی آن‌ها این است؛ والّا اسرائیل باشد یا نباشد، چه اهمّیّتی برای این‌ها دارد؟ آنچه برایشان مهم است این است که رگِ حیاتشان را داده‌اند به دستِ شبکه‌ی سرمایه‌داران صهیونیست؛ آن‌هایی که هم به این‌ها رشوه می‌دهند، هم این‌ها را تهدید می‌کنند؛ رشوه می‌دهند - رشوه‌ی پولی، پول به آن‌ها می‌دهند - [آن‌ها هم] پول می‌گیرند؛ رشوه‌ی مقامی و وعده‌ی مقام می‌دهند و اگر با آن‌ها که نبض اقتصاد آمریکا را در دست دارند ساخت و پاخت نکنند، از رسیدن به مقامات عالی - مثل ریاست جمهوری، مثل وزارت و مانند این‌ها - خبری نیست؛ مسئله برایشان این است.»[۳]

۱- بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۴/۴/۲۷

۲. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶

۳- بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۹/۶



نابودی ما، هدف دشمن از مذاکرات هسته‌ای![1]

▪ حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان

نکتهٔ ۱- وجود دشمن را باور کنیم!/ برخی اساساً وجود دشمن را منکر هستند!/ در این ۳۵ سال، کمترین اقدامات فرهنگی ما ناظر به دشمن‌شناسی بوده است.

نکتهٔ اول دربارهٔ مذاکرات، «باور کردن دشمن» است؛ ما یک واقعیت را باید بپذیریم و آن‌هم اینکه «ما دشمن داریم» متاسفانه برخی از افراد نادان و ساده‌اندیش-البته اگر بیمار نباشند و مغرضانه این‌گونه نباشند- وجود دشمن را باور نمی‌کنند. می‌گویند: «اصلاً چرا شما به آمریکا می‌گویید: دشمن! اصلاً چرا شما این‌قدر تعبیر دشمن به‌کار می‌گیرید!» واقعاً جز حماقت چه اسمی می‌شود روی این گذاشت؟!

بعضی‌ها اساساً وجود دشمن را منکر هستند. متاسفانه در این ۳۵ سال نیز، کمترین اقدامات فرهنگی ما ناظر به دشمن‌شناسی بوده است. نبینید که ما حزب‌اللهی، مذهبی و اهل‌بیتی هستیم؛ متاسفانه دشمن‌باوری و دشمن‌شناسی ما بسیار ضعیف است؛ و تاکنون هم بارِ دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری ما را خود دشمنانِ ما به دوش کشیده‌اند؛ یعنی آن‌قدر جنایت کرده‌اند و به جنایت‌های درشت دست زده‌اند که نشده است ما دشمنی آنان را فراموش کنیم و الا خیلی‌ها دوست داشته‌اند که دشمنی آن‌ها را فراموش کنیم.

جامعه‌ای که این‌قدر دشمن دارد، باید هفته‌ای یک فیلم و سریال در موضوع دشمن‌شناسی داشته باشد. آیا پرداخت به دشمن روحیه‌ها را ضعیف می‌کند؟

دشمنان ما آن‌قدر خبیث بوده‌اند و آن‌قدر جنایت‌کار و خباثت‌آمیز رفتار کرده‌اند که-الحمدلله- نشده است ما دشمن را فراموش کنیم و الا دستگاه‌های فرهنگی در کشور ما به قدر کافی در

۱- رجانیوز، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۰، کد خبر: ۲۱۸۴۶۰/ این بیانات در مراسم چهلم عروج حجت‌الاسلام شهید مهدی مطلبی در مسجد تهرانسر ایراد گردیده است.

این زمینه تلاش کرده‌اند که ما در دشمن‌شناسی ضعیف باشیم. جامعه‌ای که به‌اندازهٔ جامعهٔ ما دشمن دارد، باید هفته‌ای یک فیلم یا سریال سرگرم‌کننده در شبکه‌های مختلف تلویزیون در موضوع دشمن‌شناسی داشته باشد.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که پرداختن به موضوع دشمن، روحیه‌ها را ضعیف می‌کند! اتفاقاً خیلی هم روحیه را شاد می‌کند؛ چون ما الان در زمینهٔ درگیری با دشمن، مدام داریم پیروز می‌شویم. ما ۳۰ سال است که داریم رو به جلو حرکت می‌کنیم. غربت ما در دوران دفاع مقدس، با الان قابل مقایسه نیست. حتی غربت ما نسبت به ۱۰ سال پیش هم قابل مقایسه نیست.

متأسفانه نهادهایی که نان انقلاب اسلامی را می‌خورند، در این زمینه بسیار مقصر هستند. انسان وقتی می‌بیند که این نهادها این‌گونه ضعیف عمل می‌کنند، دیگر از بقیه چه انتظاری دارد؟! نهادهایی که بعد از انقلاب تأسیس شده‌اند و مأموریتشان این است که اسلام انقلابی را تبلیغ کنند؛ اما می‌بینید که کمترین کارها و فعالیت‌های شایسته در زمینهٔ دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری در پروندهٔ آن‌ها هست.

الآن در فضای بعد از بیانیهٔ توافق، خیلی‌ها دوست دارند بر طبل «ندیدن دشمن» بیشتر بکوبند این-دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری- اولین موضوعی است که باید حل شود. اتفاقاً الآن که در فضای بعد از بیانیهٔ توافق هستیم-چون هنوز نمی‌شود گفت «توافق»- خیلی‌ها دوست دارند بر طبل حذف دشمن و ندیدن دشمن، بسیار بیشتر بکوبند! لذا خیلی باید به این موضوع حساس بود.

کسی که نسبت به دشمن خواب باشد، طبیعتاً زیر لگدهای دشمن از این خواب بیدار خواهد شد. «امیرالمؤمنین (ع): مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَايِد»[1] و «مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِهِ انْتَبَهَ بِوَطْأَةِ عَدُوِّه»[2] آن‌هم در این زمانی که می‌بینید دشمنان ما در اطراف ما چقدر دندان تیز کرده‌اند!

سه تفاوت دشمنی‌های فعلی علیه ما، با شرایط دفاع مقدس

دشمن دارد «تمام مرزهای ما» را تهدید می‌کند.

۱- دشمنان ما الآن دوست دارند فضایی را برای کشور ما ایجاد کنند-و دارند اقدامات لازم را در این زمینه انجام می‌دهند و مقدماتش را فراهم می‌کنند به حدّی که هرروز در این‌باره یک خبر می‌شنویم- و دارند کاری می‌کنند که دیگر شما شبیه دوران دفاع مقدس درگیر نباشید؛

۱- غررالحکم، حدیث ۸۶۷۲
۲- غررالحکم، حدیث ۸۶۷۳

بلکه خیلی بیشتر درگیر باشید.
در دوران دفاع مقدس، اگر صدام می‌خواست شهرهای ما را بزند، یک مقدار به خودش می‌پیچید و بعداً می‌زد! بعد هم توجیه می‌کرد که چرا یک شهر ما را هدف قرار داده است و چرا مردم بی‌پناه و بی‌گناه را مورد هجمه قرار داده است. اما دشمنانی که الآن توسط دوَل استکباری دارند در اطراف ما چیده می‌شوند، اساساً نذر کرده‌اند دانه دانه زن و بچه‌های ما را بی‌گناه بکشند! این اصلاً جزء ایمان و دین تحریف‌شدهٔ آن‌هاست!
۲- ضمن اینکه دیگر مثل دوران دفاع مقدس نیست که صدام عضوی از سازمان ملل باشد و لااقل به برخی از مقررات بین‌المللی مقید باشد. الآن دیگر با آن دشمن مواجه نیستیم، بلکه با یک دولت خودساخته و یک دین تحریف‌شده‌ای مواجه هستیم که هیچ‌کسی نمی‌تواند جلودارِ او باشد.
۳- تفاوت دیگری که مهم‌تر از دو تفاوت قبلی است، این است که این جریانی که دشمنان دارند در اطراف ما و برای یورش آوردن به ما می‌چینند، تمام مرزهای ما دارند تهدید می‌کنند؛ افغانستان از یک‌طرف، پاکستان از یک‌طرف و عراق از یک‌طرف. اصلاً دارند لشکرسازی می‌کنند؛ و در مسیر لشکرسازی‌های خودشان دارند جریان تکفیری‌ها را یکپارچه می‌کنند.
در چنین شرایطی خیلی حماقت است که انسان فعالیت‌های نظامی دشمنان خودش را که تحت حمایت استکبار هستند، در اطراف خودش ببیند و بعد دشمن‌شناسی را یک موضوع فرعی قرار دهد و به دشمن‌باوری نپردازد.

نکتهٔ ۲- ما داریم با «دشمنان خود و بشریت» مذاکره می‌کنیم/ ما با بزرگ‌ترین دروغ‌گویان تاریخ بشر مذاکره می‌کنیم

نکتهٔ دوم دربارهٔ مذاکرات این است که ما داریم با «دشمنان خودمان» مذاکره می‌کنیم. ما با کشورهای قدرتمند مذاکره نمی‌کنیم، بلکه با دشمنان خودمان و دشمنان بشریت مذاکره می‌کنیم. اینکه ما آنان را دشمن خود ندانیم، نه‌تنها حماقت است، بلکه تحمیق جامعه است که آنان را با تعابیری غیر از «دشمن» یاد کنیم.
البته اشکالی ندارد که انسان با دشمنان خودش مذاکره کند. ولی لااقل باید این را بگوییم که: «ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم» ما داریم با دزدها و جنایتکاران بین‌المللی و نمایندگان ارشدِ جنایتکاران بین‌المللی مذاکره می‌کنیم. ما با بزرگ‌ترین دروغ‌گویان تاریخ بشریت داریم مذاکره می‌کنیم. ما داریم با آمریکای جنایتکاری مذاکره می‌کنیم که هیچ عهدی را در طول تاریخ، در مذاکرات وفا نکرده است. وقتی که ما داریم با دشمنان خودمان

مذاکره می‌کنیم، معلوم است که حساسیت در جریان مذاکره با دشمن، خیلی باید بالا برود. در نظرسنجی‌ای که چندی پیش از مردم ما انجام داده بودند، اکثریت مردم - بالای هفتاد درصد- اعتماد نداشتند به اینکه دوَل استکباری به عهد خودشان وفادار باشند. این برداشت عمومی است، نه‌تنها مردم ما بلکه همهٔ مردم دنیا این را می‌دانند.

آقای مطلبی، کسی بود که هم دشمن‌باوری و دشمن‌شناسیِ خوبی داشت و هم حواسش جمع بود که ما داریم با دشمنان خودمان مذاکره می‌کنیم؛ و ما به این‌نوع نگاه‌ها نیاز داریم. این نگاه‌ها، نگاه عموم مردم ماست. برخی باید پرچم بگیرند و جلو بیفتند و از شماتت‌ها هم نباید بترسند. البته در فضای تبلیغی باید با کلام مؤثرِ تبلیغی، واردِ عمل شوند تا به امور دیگری در عرصهٔ سیاسی متهم نشوند.

وقتی که شما به صحبت‌ها و روشن‌گری‌های آقای مطلبی دقت می‌کنید، می‌بینید که این فضا را در دلِ مخاطب بیدار می‌کند که «ما داریم با دشمن خودمان مذاکره می‌کنیم» و این سخن درستی است که باید به آن پرداخته شود.

مذاکره‌کنندگان ما اگر در این مذاکرات، به نتیجهٔ مطلوب برسند، جایزهٔ بزرگ‌تری از جانب ملت دریافت خواهند کرد و در تاریخ هم نامشان بهتر ثبت خواهد شد، چراکه «ما با کلّاش‌ها و کلاهبردارهای عالم مذاکره کردیم و بُردیم» و الا مذاکره کردن با یک آدمِ منصف و رسیدن به حقّ خود که هنر نیست. دولتمردان ما بیش از هر کسی باید بر مستکبر بودن و متفرعنانه عمل کردنِ دشمنان، تأکید بورزند، این امتیازشان را بالا می‌برد. نباید این‌قدر بگویند: ما با دولت‌های بزرگ داریم مذاکره می‌کنیم؛ این‌ها فقط دولت‌های بزرگ نیستند، بلکه این‌ها دزدهای بزرگ هستند.

دولتمردان ما بیشتر از بدنهٔ مردم و بیشتر از انقلابیون، باید این سخن را تکرار کنند. آن‌ها وقتی که این سخن را تکرار کنند، بسیاری از عوارض سوئی که ممکن است متوجه این ملت شود را خواهند کاست.

نکتهٔ ۳- هدف ما و هدف دشمن ما از مذاکره چیست؟ هدف واقعی ما از مذاکرات، تأمین منافعمان است

نکتهٔ بعدی که باید در مذاکرات، به آن توجه کنیم این است که «ما اگر داریم مذاکره می‌کنیم، چه هدفی داریم و دشمنان ما از این مذاکره چه هدفی دارند؟» بنده تعجب می‌کنم که چرا این مسئله به‌روشنی گفته نمی‌شود؟ این را می‌توان بر اساس مستندات بیان کرد.

هدف واقعی ما از مذاکرات، تأمین منافعمان است. پنهان‌کاری در این‌طرف وجود ندارد. این

هدف روشن ماست و همهٔ ما این را می‌خواهیم. ما هرچقدر با زخم کمتر، در این میدان پیروز شویم، عاقلانه‌تر، هوشمندانه‌تر و بهتر است. ما همان‌طوری که جنگ را ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم، مذاکره را هم ابزار دفاع مقدس خودمان می‌دانیم و در هر دو حالت، می‌خواهیم از خودمان دفاع کنیم. این‌یک روی سکه است.
اما باید دید که دشمنان ما با چه هدفی دارند مذاکره می‌کنند؟ آیا دشمنان ما واقعاً برای اینکه جهان را امن‌تر کنند، دارند مذاکره می‌کنند؟! آن‌ها اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که داعش را نمی‌ساختند! دشمنان ما اگر می‌خواستند جهان را امن کنند که این‌قدر از اسرائیل خون‌آشام دفاع نمی‌کردند و این‌قدر خودشان مستقیماً جنایت نمی‌کردند! پس دشمنان ما در این مذاکرات، دنبال چه هدفی هستند؟ آن‌ها به دنبال نابود کردن ما هستند.
دشمنان ما سرِ میز مذاکره نشسته‌اند که این مذاکره به نابودی ما بینجامد، ولی ما سرِ میز مذاکره نشسته‌ایم که به دفاع از خودمان بپردازیم. باید حواسمان باشد که آن‌ها هدفشان این است که با این مذاکره ما را نابود کنند. آن‌ها پیش خودشان این را می‌گویند و گاهی نیز این را علنی بیان می‌کنند. مثلاً آن‌ها چنین عبارت‌هایی را می‌گویند: «ما می‌خواهیم با این مذاکره، توان نظامی ایران را به‌گونه‌ای تضعیف کنیم تا وقتی به آن‌ها حمله کردیم، بتوانیم پیروز شویم!» یعنی خودشان علناً می‌گویند در این مذاکرات -که ظاهراً دربارهٔ مسائل هسته‌ای است- درواقع دارند با هدفِ نابودی ما مذاکره می‌کنند.
واقعیت مذاکره این است که ما داریم برای دفاع از خودمان مذاکره می‌کنیم، ولی آن‌ها دارند برای تسلط بر شریان‌های حیاتیِ ما، تضعیفِ ما و نابود کردن ما مذاکره می‌کنند.
صدام وقتی که در جبهه‌ها نمی‌توانست پیشروی کند، مدام طلبِ مذاکره می‌کرد. ولی حضرت امام (ره) قبول نمی‌کرد. وقتی که امام (ره) مذاکره را قبول کرد، معلوم شد که صدام برای چه از مذاکره دم می‌زد! تا امام (ره) قطعنامه را قبول کرد، صدام نیروهای شومی را با پشتیبانی‌های سنگین توپخانه‌ای، موشکی و هوایی، فرستاد که به قلب تهران حمله کنند! تا وقتی که مذاکره نبود، دنبال خرمشهر بودند، اما وقتی که ما مذاکره را پذیرفتیم، به دنبال نابودی تهران بودند. البته رزمندگان ما آن‌ها را نابود کردند.

بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ تمام نشد، بلکه دشمن حمله کرد و یورش بیشتری آورد

معمولاً در بیان تاریخ دفاع مقدس می‌گویند: «هشت سال دفاع مقدس، منجر به پذیرش قطعنامه شد و با پذیرش قطعنامه جنگ به پایان رسید!» درحالی‌که این‌یک دروغ بزرگ است. تاریخ دفاع مقدس را باید این‌گونه بیان کرد: «مردم هشت سال دفاع کردند و دشمن را تا حدِ زیادی از خانه بیرون کردند، بعد، وقتی که قطعنامه پذیرفته شد، دشمن جلو آمد و آن‌جاهایی

را که قبلاً تصرف کرده بود و از دست داده بود، دوباره طیِ یک‌ماه تصرف کرد؛ اما بعد دوباره مردم دفاع هشت‌سالهٔ خودشان را چند ماه دیگر ادامه دارند، و بعداً جنگ تمام شد.» واقعیت جنگ این است.

نباید این‌طور تصور شود که: «دیدید آن‌دفعه، وقتی که قطعنامه را پذیرفتیم، جنگ به پایان رسید و جوان‌های کمتری از دست دادیم!» درحالی‌که واقعیت این است که وقتی ما قطعنامه را پذیرفتیم، بلافاصله دشمن حمله کرد و مناطق قبلی را دوباره تصرّف کردند. امروز نباید کسی برای جوان‌های ما، این تاریخ را تحریف کند.

وقتی ما قطعنامه را پذیرفتیم، دشمن یورشِ بیشتری آورد. وقتی عملیات مرصاد را نگاه می‌کنید، می‌بینید که داستانش چیست؟ آن‌ها جرأت نمی‌کردند در آن زمان علیه ما عملیات انجام دهند، اما وقتی قطعنامه را پذیرفتیم، بلافاصله حمله کردند.

آن‌ها هر چیزی را که ما بپذیریم، مقدمهٔ نابودی ما قرار می‌دهند. لذا باید آماده باشیم. الان اگر بخواهیم از تاریخ درس بگیریم، باید بگوییم: «هر توافقی که با دشمنانمان انجام دهیم، بعدش باید برای حضور در جبهه‌ها آماده باشیم» البته این آمادگی ما ممکن است دشمن را عقب بزند، ولی باید بدانیم که دشمن از این مذاکرات، هدفی جز یورش آوردن ندارد.

باید بدانیم که ما داریم با «دشمنان خودمان» مذاکره می‌کنیم و هدف دشمنان ما نابودی ماست و هدف ما دفاع از خودمان است. لذا وقتی وارد مذاکره می‌شویم، باید بدانیم که همهٔ نقشه‌های دشمن، با هدف نابودیِ ماست و الا دشمن که برای دادنِ منافع ما نقشه نمی‌کشد و مذاکره نمی‌کند!

نکتهٔ ۴- شاید تنها فایدهٔ مذاکرات برای ما اعترافاتی است که دشمنان بعد از بیانهٔ توافق انجام دادند/ دشمن: اگر به توافق نمی‌رسیدیم، تحریم‌ها فرو می‌پاشید

نکتهٔ بعدی که در مذاکرات باید به آن دقت کرد، اعترافاتی است که «شاید» تنها فایدهٔ این مذاکرات برای ما باشد. شاید تنها فایدهٔ مذاکرات برای ما اعترافاتی است که دشمنان ما بعد از بیانهٔ توافق انجام دادند و رییس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجهٔ آمریکا به این اعترافات تصریح کردند. شاید تنها فایدهٔ ما در مذاکرات این بود که سخنان حقی که آقای مطلبی بیان می‌کردند، به زبان رییس جمهور و وزیر امور خارجهٔ آمریکا جاری شد. آن‌ها صریحاً گفتند: «اگر ما مذاکره نمی‌کردیم و به توافق نمی‌رسیدیم، تحریم‌ها فرو می‌پاشید.»

تحریم‌ها خودش-خودبه‌خود- داشت فرو می‌پاشید و این را رییس جمهور آمریکا گفت. آیا این سخن درست است؟ اگر این سخن درست باشد، سیاستمداران برجستهٔ کشور ما دو سال

است که دارند اشتباه می‌کنند و به مردم، سخن اشتباه می‌گویند. حالا نکند ما با امضای خودمان آن را تثبیت کنیم؟ چون ما تا به‌حال مبانی تحریم‌ها را قبول نکرده بودیم و آن‌ها یک‌سویه این تحریم‌ها را بر ما تحمیل کرده بودند. نکند نمایندگان محترم مجلس و شورای عالی امنیت ملی، یک‌طوری این توافق را امضا کنند که مِن‌بعد اگر قرار شد تحریمی علیه ما صورت بگیرد، با امضای خودمان باشد! چون تا به‌حال ما امضا نکرده بودیم و خود به خود تحریم‌ها داشت از بین می‌رفت، ولی از این به بعد دیگر از بین نمی‌رود، چون می‌گوید: «خودتان امضاء کرده‌اید!»

دشمنان ما اعتراف کردند ایران کشور قدرتمندی است

یکی دیگر از اعترافات آن‌ها این بود که اعتراف کردند ایران کشور قدرتمندی است، نقش ایران در خاورمیانه کلیدی است و آن‌ها دیگر نمی‌توانند بدون حضور قدرتمندانهٔ ایران، نَفَس بکشند. اعترافات سنگینی انجام داده‌اند، مثلاً اینکه دیگر نمی‌شود علم هسته‌ای را از ایرانی‌ها بازپس گرفت. به زبان بی‌زبانی دارند می‌گویند که دانشمندانشان را هم کشتیم اما این سانتریفیوژها از چرخش نایستادند!

مردم ایران پای انرژی هسته‌ای ایستاده‌اند. هرچه مؤسسات غربی و مؤسسات نظرسنجی داخلی در طی این دو سال، از مردم نظرسنجی کردند، تیپ‌های مختلف مردم، مخالف این بودند که فعالیت‌های هسته‌ای تعطیل شود. شاید آن‌ها روزانه در جریان مذاکرات، نبض افکار عمومی ملت ایران را می‌گرفتند که مردم ایران چه می‌گویند؟ و اگر مردم ما این‌طوری پای بحث انرژی هسته‌ای مقاوم نبودند، مگر آن‌ها در مذاکرات کوتاه می‌آمدند؟! شما فکر می‌کنید آن‌ها برای چه کوتاه آمدند؟ آن‌ها از محبوبیت مقام معظم رهبری در ایران خبر دارند و می‌دانند که وقتی ایشان یک سخنی را محکم بیان کرد، آن‌قدر منطق دارد و آن‌قدر محبوبیت دارد که نمی‌شود با آن کاری کرد، لذا سرِ یک هفته کوتاه می‌آمدند.

مهم‌ترین بُرد ما در مذاکرات، اعتراف دشمن به برخی حقایق بود/ اگر کوتاه نیاییم دشمنان بیش از این‌ها هم کوتاه خواهند آمد

مهم‌ترین بُردی که در این مذاکرات صورت گرفت، این بود که برخی از حقایقی که امثال مرحوم مهدی مطلبی، در جریان مذاکرات بیان می‌کردند، به زبان دشمن به آن اعتراف شد و البته ما معتقدیم که سخنان درستی است. دشمنان ما الان در اوج ضعف قرار دارند؛ و ما الان در اوج اقتدار هستیم و مذاکرات باید مقتدرانه انجام بگیرد. اصلاً نباید کوتاه بیاییم. یقین بدانید-که اگر ما کوتاه نیاییم- دشمنان ما بیش از این هم کوتاه خواهند آمد.

اگر مجلس بندهای مشکوک را نپذیرد، دشمنان کوتاه خواهند آمد

بنده یقین دارم که اگر مجلس شورای اسلامی در این زمینه محکم عمل کند و بندهای مشکوک این توافق‌نامه را نپذیرد، دشمنان ما کوتاه خواهند آمد، چون آن‌ها در اوج ضعف هستند و خودشان به این مسئله اعتراف کرده‌اند. حتی اگر آن‌ها هم اعتراف نکرده باشند، تمام صحنهٔ بین‌المللی دارد این را نشان می‌دهد.
ما در اوج اقتدار هستیم و نباید این قدرت خودمان را از دست بدهیم. اگر ما در اوج اقتدار نبودیم، سران دوَل استکباری این‌طوری برای آمدن به ایران اسلامی ما از هم سبقت نمی‌گرفتند. شما باید سخنان قبلی آن‌ها را با این اقدامات جدیدشان مقایسه کنید. آن‌ها ملت‌های آگاهی ندارند و الا توسط ملت خودشان-به‌خاطر این مواضع متناقض- ریشخند می‌شدند.

نکتهٔ ۵- خدا هست/ اصل و فرع جریان دشمنی دشمنان را خدا برای «امتحان ما» طراحی کرده

نکتهٔ دیگر در باب مذاکرات این است که «خدا هست!» و خدا اصل و فرع جریان دشمنی دشمنان ما را خودش طراحی کرده است. خداوند می‌فرماید: من اگر می‌خواستم خودم این دشمنان را از بین می‌بردم. شاید روی همین حساب بود که قوم بنی‌اسرائیل به حضرت موسی (ع) می‌گفتند: «تو با خدای خودت بروید با دشمنان بجنگید، ما برای جنگ نمی‌آییم» «قَالُواْ يمُوسىَ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُواْ فی‌ها فَاذْهَبْ أَنتَ وَ رَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَعِدُون»[1] چون قوم بنی اسرائیل می‌دانستند که اگر خدا بخواهد، می‌تواند این دشمنان را از بین ببرد، کمااینکه فرعون و لشکریانش با یک اشارهٔ عصای موسی (ع) نابود شدند. لذا می‌گفتند: چرا ما به جبههٔ جنگ بیاییم و خودمان را به کشتن بدهیم؟!
اصل و فرع جریان دشمنی را خدا برای ما طراحی کرده است، منتها خدا برای چه این را طراحی کرده است؟ آیا برای این طراحی کرده است که خودش این دشمنان را از بین ببرد؟ اگر خدا می‌خواست خودش این دشمنان را از بین ببرد که اصلاً برای ما دشمن درست نمی‌کرد! خدا این دشمنان را برای ما درست کرده است که ما امتحان بدهیم.
اصل و فرع مذاکره تحت نظر پروردگار عالم برای امتحان مقاومت ماست. اگر مقاومت ما در مقابل دشمن، کاسته شود خواهید دید که خدا-نعوذ بالله- چگونه ما را ذلیل و نابود خواهد کرد. آن‌موقع خدا رحم نخواهد داشت. اصل و فرع مذاکره و اصل و فرع دشمنیِ دشمنان ما (که فرعی دشمنی آن‌ها همین مذاکره است) برای امتحانِ مقاومت ماست.
تمام دشمنی‌های تکفیری‌ها که ایادی صهیونیست‌ها هستند، برای امتحان مقاومت ماست.

۱- سوره مبارکه مائده؛ آیه ۲۴

اگر مقاومت ما کم شود، خدا چه خواهد کرد؟ و اگر ما مقاوم بایستیم، خدا چه خواهد کرد؟ ما الان پای یک کاغذ، می‌توانیم مقاومتی کنیم که نتیجه‌اش نصرت و پیروزی جبههٔ حق است. عجب صحنه‌ای درست شده است! و پای یک کاغذ می‌توانیم، ذلتی را بپذیریم که نتیجه‌اش میلیاردها ضرر و زیان است؛ نه از نظر مالی، بلکه از نظر جانی و بلکه به نهایت نابودی کشاندن امت اسلامی است.

نکتهٔ ۶- بین این مذاکره و قطعنامهٔ ۵۹۸ تفاوت‌های فاحشی وجود دارد

نکتهٔ آخر هم این است که در ارتباط با این مذاکره، بعضی از مقایسه‌ها با قطعنامهٔ ۵۹۸ صورت می‌گیرد. درحالی‌که سلسله تفاوت‌های فاحشی وجود دارد که این تفاوت‌های فاحش را نباید از یاد ببریم. برخی از این تفاوت‌های فاحش را عرض می‌کنم. البته فقط به آن‌ها اشاره می‌کنم و می‌گذرم.

قطعنامهٔ ۵۹۸ الان خیلی محل بحث است. در اینکه برای حضرت امام (ره) جام زهر بوده، هیچ تردیدی نیست. دربارهٔ آن نامه‌هایی که به امام نوشته شده بود و اینکه امام به چه مصلحتی این نامه‌ها را پذیرفته‌اند، خود امام (ره) بخشی از آن را بیان کرده‌اند و بخشی از آن را هم فرمودند که «بعدها خواهید فهمید.» اما اینکه «این نامه‌ها ناصحیح بوده» در این هم تردیدی نیست. مثلاً به امام گفتند که «مردم دیگر جبهه نمی‌روند!» آن کسی که نوشته بود «مردم جبهه نمی‌روند» آن فرد، بعدها نگاه خودش را به مردم نشان داد و امتحان خودش را پس داد. الان به هر کسی بگویید: «چنین کسی این نظر را اعلام کرده بود که مردم به جبهه نمی‌روند» همه می‌دانند که نظر او نظرِ صائب و صحیحی نبوده است. همان‌طور کسی که گفته باشد: «ما پول نداریم» و کسی که گفته باشد: «ما اسلحه نداریم» این سخنان هم امروز پذیرفته نیست.

همین الان در منطقه و در این جنگ‌های نیابتی و دفاع مقدسی که به مردم مظلوم منطقه تحمیل شده است و حتی ستمی که به مردم غزه می‌شود، خیلی شدیدتر از دوران دفاع مقدسِ ماست. آیا ما آن زمان واقعاً نمی‌توانستیم، دفاع کنیم؟! یک نمونه‌اش «عملیات مرصاد» بود که مردم نشان دادند که می‌توانستند مقاومت کنند و دیدیم که چگونه به جبهه‌ها هجوم بردند. آن نامه‌ها و تحلیل‌هایی که به امام داده شد، تحلیل صحیحی نبود، ولی از یک حقایقی حکایت می‌کرد که امام (ره) به خاطر آن حقایق، قطعنامه را پذیرفتند و تعبیر جام زهر را به‌کار بردند.

آیا ممکن است در این مذاکرات، ضعفی صورت بگیرد و مثل قطعنامه تحمیل شود؟

آیا الان ممکن است ضعفی در این مذاکرات صورت بگیرد و مثل قطعنامه تحمیل شود؟ بنده- با تفاوت فاحشی که وجود دارد- عرض می‌کنم، نه! قطعاً شرایط زمان ما اجازه نخواهد داد، آن مسئله رخ دهد.

آن زمان بعضی‌ها می‌آمدند در نماز جمعه و یک عباراتی بیان می‌کردند که «بله، لازم بوده است...» لذا هم حزب‌اللهی‌ها و هم غیرحزب‌اللهی‌ها می‌گفتند: «سَلّمنا!» و مسئله تمام می‌شد. ولی الان چگونه می‌توانید به این جوان‌های ما با یک تحلیل ضعیف و سطحی، خیلی چیزها را تحمیل کنید؟! مگر امثال آقای مهدی مطلبی‌ها در میان طلبه‌ها و دانشجویان ما- حتی غیر از طلبه‌ها و دانشجویان- کم هستند؟!

الان مگر هر کسی که چهره و وجاهت حزب‌اللهی‌گری داشته باشد، همهٔ حزب‌اللهی‌ها سخن او را می‌پذیرند؟! الان شرایط ما خیلی با دوران دفاع مقدس فرق کرده است. سطح آگاهی و تحلیل مردم افزایش پیدا کرده است. آن زمان چهار تا بچه مذهبی، وقتی می‌خواستند یک مجله راه بیندازند، موانع زیادی جلوی آن‌ها قرار داشت. ولی الان هر کسی با یک تلفن همراه خودش بدون اینکه هزینهٔ چاپ، داشته باشد می‌تواند پیام خودش را به میلیون‌ها نفر برساند. الان چگونه می‌توان مردم را خام کرد؟!

اگر ما یک‌ذره کوتاه بیاییم، کربلا و نجف در معرض خطر نهایی قرار می‌گیرد

اگر بگوییم: در آن زمان، هشت سال دفاع مقدس در میان برخی اقشار، یک فرسودگی‌هایی ایجاد کرده باشد، الان دقیقاً برعکس است. جوان‌های ما مکرر می‌گویند که «ما می‌خواهیم برویم و جزء مدافعین حرم باشیم» یعنی سلحشورانه می‌خواهند از حرم اهل‌بیت (ع) دفاع کنند. همهٔ ما می‌دانیم که اگر ما یک‌ذره کوتاه بیاییم، کربلا و نجف در معرض خطر نهایی قرار می‌گیرد.

در آن زمان، صدام وقتی حرم به حضرت اباالفضل (ع) می‌رفت، لااقل کفش‌های خودش را درمی‌آورد (و ظاهر را حفظ می‌کرد) ولی الان شرایط خیلی متفاوت شده است.

برخی خیال خام دوران تحمیل جام زهررا دارند، ولی الان اصلاً آن شرایط نیست/ قدرتی در میان مردم ما نهفته است که به یک اشارهٔ رهبر وابسته است

بعضی‌ها که خیال خام آن دوران را دارند که می‌توانستند جام زهری تحمیل کنند، الان اصلاً آن شرایط نیست و امکان ندارد. این ملاحظات را حتی دشمنان ما هم دارند. شرایط جدید ما واقعاً متفاوت است و همه می‌دانند که هر چه در مقابل این جریان مذاکره، جامعهٔ ما با حکمت و تدبیر برخورد می‌کند یقیناً به خاطر اشاره‌های مقام معظم رهبری است. قدرتی در میان این مردم نهفته است که این قدرت به یک اشاره وابسته است که بیرون بریزد و بساط

استکبار جهانی را به‌هم بریزد.
ان‌شاءالله خداوند این مذاکرات را برای جامعهٔ ما ختم به خیر کند و این امتحان مقاومت را از ما به‌خوبی بگیرد؛ یعنی امدادهای غیبی خودش را برای کمک به ما بفرستد و ما بتوانیم این امتحان مقاومت را به‌خوبی پس بدهیم؛ و دولتمردان ما هم بتوانند سرافراز بیرون بیایند.

ما دوست نداریم نام احدی از دولتمردان ما در تاریخ به بدی یاد شود/کار دولتمردان تمام شد، نوبت مجلس‌مردان است

ما دوست نداریم نام احدی از دولتمردان ما در تاریخ به بدی یاد شود. هیچ کسی دوست ندارد به هر دلیلی، ننگی برای احدی از سیاستمداران جامعهٔ ما در تاریخ ثبت شود. در اینجا بحث جناحی نیست. کمااینکه ما دوست داریم تمام کسانی که با هر دین و مذهبی، در تیم‌های ورزشی به نام پرچم ایران در دنیا مسابقه می‌دهند، پیروز شوند. چون در نهایت سه به هیچ، به نفع جبههٔ حق است. کسی بخیل نیست که این افتخار را کسی برای خودش بردارد. ان‌شاء الله این افتخار را به نام خودشان ثبت کنند و بتوانند شایستهٔ اقتدار این ملت عمل کنند.

دولتمردان به هر طریقی، وظیفهٔ خودشان را انجام داده‌اند و حالا نوبت مجلس‌مردان ماست که وظیفهٔ دولتمردان را تکمیل کنند. ان‌شاء الله که ما را در این امتحان مقاومت روسیاه نکنند. این مقاومت اگر در صفحهٔ کاغذ هم صورت بگیرد، آثار بابرکتی خواهد داشت که همهٔ ما از آن آثار بهره‌مند خواهیم شد. و اگر این مقاومت صورت نگیرد، پناه می‌بریم به خدا؛ اگر خدا بخواهد به جامعه‌ای که اهل مقاومت نیستند، غضب کند.

اگر تعداد مظلومین از ظالمین بیشتر باشد، دعای‌شان مستجاب نمی‌شود

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: دعای مظلومان تا وقتی که تعدادشان کمتر از ظالمان است مستجاب می‌شود؛ اما بعد از اینکهٔ تعداد ظالمان از مظلومان کمتر شد، دیگر دعای مظلومان مستجاب نمی‌شود. «إنَّ اللهَ عز و جل یَستَجیبُ لِلمَظلومینَ، ما لَم یَکونوا أکثَرَ مِنَ الظّالِمینَ، فَإذا کانوا أکثَرَ مِنَ الظّالِمینَ فَلا یَستَجیبُ لَهُم»[1] چون می‌فرماید: برای چه نشسته‌اید و دعا می‌کنید؟ بلند شوید و بجنگید!

ما تازه می‌فهمیم که چرا در زمان جنگ وقتی دعا می‌کردیم که «خدایا صدام را بکُش!» دعای‌مان مستجاب نمی‌شد! خُب جمعیت ما از آن ظالمین بیشتر بود و باید دفاع می‌کردیم و الحمدلله مدافعین ما افتخار آفریدند و از صدقهٔ سر آن‌ها، ما داریم زندگی می‌کنیم؛ و الان هم واقعاً تعداد جبههٔ اسلام بیشتر است. مثلاً الان مردم یمن، تعدادشان از ظالمین آل سعود، بیشتر

۱- الفردوس ج۱، ص ۱۴۹، ص ۵۳۸؛ حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)، ری شهری، ج۱۰، ص ۲۷۹

است. گویا در آخرالزمان خداوند می‌خواهد این‌گونه عمل کند.

الان تعداد افراد جبههٔ حق، بیشتر است و همهٔ این‌ها پشتوانهٔ مذاکرات هستند / منتقدین مذاکرات، یارانِ اول مذاکرات هستند که قدرت چانه‌زنی را افزایش می‌دهند

تعداد افراد جبههٔ حق، الان بیشتر است و همهٔ این‌ها پشتوانهٔ مذاکرات هستند؛ حتی کسانی که در کشور، مخالفت‌ها و نقدهایی برای مذاکرات دارند، این‌ها یارانِ اول مذاکرات هستند. این‌ها درواقع با فشاری که وارد می‌کنند، دارند قدرت چانه‌زنیِ ما را افزایش می‌دهند. البته ممکن است بعضی‌ها به کسانی که منتقد هستند، بی‌مهری کنند، اما شما مطمئن باشید، نقش کسانی که منتقد هستند در تاریخ ثبت خواهد شد؛ پررنگ‌تر از هر جریان دیگری. این در تاریخ باقی خواهد ماند و راه را به همه نشان خواهد داد.

ما برای نابودی ظلم دعا می‌کنیم ولی باید این تذکر را هم داشته باشیم که اگر تعداد مظلومین بیشتر از ظالمین باشد، دیگر مشکلشان با دعا حل نمی‌شود، بلکه باید دعوا کنند و در دعوا محکم بایستند تا دشمن عقب‌نشینی کند. چون این دشمن مثل سگِ هاری است که تا وقتی چوب محکمی بر سرش نکوبید، پاچهٔ شما را رها نمی‌کند؛ و اگر از مقابلش فرار کنید، به شما حمله می‌کند.



اهداف راهبردی ایالات‌متحده از مذاکرات هسته‌ای[۱]

■ حجت الاسلام منصور شریفی
نویسنده و پژوهشگر

۱. مدیریّت قدرت منطقه‌ای ایران

«جان کری» در جلسه سؤال و جواب در شورای روابط خارجی آمریکا، مردادماه ۱۳۹۴:

«توافق اتمی با ایران مربوط به امنیت و ساختار احتمالی آینده در خاورمیانه می‌شود که همه می‌دانند اکنون چه مشکلاتی دارد، می‌دانیم خاورمیانه‌ای که امروز در آتش است، با این توافق قابل مدیریت‌تر است و پتانسیل‌های بیشتری را برای مقابله با مشکلات به ما می‌دهد، خواه حوثی‌های یمن باشد، داعش در سوریه و عراق باشد تا اینکه هیچ توافقی در کار نباشد.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند اضمحلال سیاست‌های منفعت طلبانه ایالات‌متحده در خاورمیانه روزبه‌روز آشکارتر گشت. این اتفاق در وهله نخست ناشی از بیداری عمومی ملت‌های منطقه به‌خصوص ملت ایران بوده و در وهله دوم قرارگیری ۱۸۰ درجه‌ای سیاست‌های منطقه‌ای ایران در برابر سیاست دولت آمریکا هست. لذا وقوع انقلاب اسلامی را بایست شروع تحولات منفی آمریکا در خاورمیانه بدانیم. تلقّی ایران به‌عنوان محوری‌ترین مؤلفه در تصویر تحولات خاورمیانه آن‌هم پس از گذشت تنها سه دهه از عمر پربرکت انقلاب اسلامی، به مسئله‌ای غیرقابل‌انکار مبدّل شده است. بررسی اظهارات رسمی مقامات و رسانه‌های غربی پیرامون نقش کنونی ایران در خاورمیانه ما را به درک روشن‌تری از انگیزه‌های منطقه‌ای ایالات‌متحده جهت برقراری توافقی با چارچوب‌های مدنظر خود با ایران در موضوع گفتگوهای

۱- این مقاله گزیده‌ای از کتاب (هلی برن از پشت میز) نوشته مهدی افراز است که با تلخیص و تدوین آقای منصور شریفی در این بخش تقدیم می‌شود.

هسته‌ای خواهد رساند:

«سناتور مک کین»[1]، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ در مصاحبه‌ای با شبکه "MSNBC" آمریکا با اشاره به اینکه تحولات جدید خاورمیانه باعث کسب برتری ایران در منطقه شده است، معتقد است:

«کنترل خاورمیانه به دست ایران افتاده و ایران هم‌اکنون کنترلِ چهار پایتخت عربی شامل بغداد، دمشق، بیروت و صنعا را در دست گرفته است»

مجله پرآوازه «دیپلمات» در مقاله‌ای[2] به قلم «آخیلش پیالاماری» با بیان این نکته که ایران تنها کشوری است که پیروز احتمالی خاورمیانه در طولانی‌مدت خواهد بود، به بررسی نقش مهم ایران در آینده خاورمیانه و تحولات این منطقه پرداخته است:

«اگر قرار باشد برای درک آینده خاورمیانه، یک کشور موردبررسی قرار گیرد آن کشور ایران است، کشوری که پیروز احتمالی خاورمیانه در طولانی‌مدت خواهد بود. ترکیه برای ادعای حق و سهم هم ازلحاظ جغرافیایی و هم ازنظر فرهنگی فاصله زیادی با قلب خاورمیانه دارد و از سوی دیگر از ارتباطات گسترده‌ای که ایران در بسیاری از کشورهای عربی دارد، برخوردار نیست. عربستان سعودی حتی از امکان کمتری برای تبدیل‌شدن به قدرت غالب این منطقه برخوردار است چراکه دارای جمعیت نسبتاً کم و نهادهای ضعیفی است و تماماً به نفت وابسته است. احتمال تبدیل‌شدن ایران به قدرت اصلی منطقه بامطالعه تاریخ و جغرافیای منطقه به‌وضوح مشخص است»

«روزنامه لوموند» پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵، طی تحلیلی که به بررسی نقش ایران در منطقه خاورمیانه پرداخته، مطرح می‌نماید:

«در حال حاضر بازوهای ایران در منطقه رو به گسترش است؛ از لبنان گرفته تا یمن، عراق و سوریه شرایط به‌گونه‌ای است که برخی می‌گویند بیروت، دمشق، بغداد و صنعا تحت کنترل بالفعل ایران است.»

لذا ایران به‌عنوان تأثیرگذارترین قدرت منطقه‌ای مانع اصلی ایالات‌متحده در دسترسی به اهداف سلطه‌جویانه‌اش در منطقه خاورمیانه قلمداد می‌گردد، ایران با در دستور کار داشتن گفتمان ضد استعماری، مجهز بودن به توانمندی‌های نظامی و دفاعی، بهره‌مندی از سرمایه‌های مذهبی در کشورهای عربی و اسلامی، دستیابی به جدیدترین فنّاوری‌های صنعتی، در اختیار داشتن رسانه‌های چندزبانه، تسلط بر بسیاری از منابع انرژی خلیج‌فارس، دریای

۱- جان مک کین؛ سیاست‌مدار آمریکایی و سناتور کنونی ایالت آریزونا است. وی نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ ایالات‌متحده آمریکا از حزب جمهوری‌خواه بود. او در آن انتخابات که روز چهارم نوامبر ۲۰۰۸ برگزار شد با اختلاف زیادی از سناتور باراک اوباما نامزد حزب دموکرات شکست خورد.

۲- مورخ مردادماه ۱۳۹۳

خزر و ... می‌تواند آینده سیاهی را پیش روی تصمیم گیران کشورهای سلطه‌جو علی‌الخصوص آمریکا قرار دهد. از همین رو یکی از طراحی‌های اصلی سیاستمداران آمریکایی طراحی پروژه مهار و مدیریت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی در ضمن توافق هسته‌ای با ایران هست.

چگونگی مدیریت قدرت منطقه‌ای ایران

در خاورمیانه‌ی پس از حصول توافق با توجه به مستندات متعدد، ایالات‌متحده در پی همسو نمودن سیاست‌های جمهوری اسلامی با اهداف مدنظر خود برای آینده این منطقه هست، سیاست‌هایی که از آن‌ها با عنوان الگوهای جدید همکاری یادشده است، در همین ارتباط اندیشکده آمریکایی «پروژه ایران»[۱] در تازه‌ترین گزارش راهبردی[۲] خود پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای، با نگاهی به تحولات اخیر منطقه خاورمیانه به بررسی ارتباطی بسیار قوی میان توافق هسته‌ای ایران و توانایی‌های آمریکا برای ایفای نقش مؤثر در خاورمیانه پرداخته، در بخشی از این گزارش آمده است:

«باید اذعان کرد که دستیابی به یک توافق هسته‌ای شرایط و زمینه مناسبی را برای دستیابی به گزینه‌های جدید فراهم آورده و قفل مشکلات آمریکا در منطقه را بازخواهد کرد. چنین توافقی موجب تقویت جایگاه آمریکا در خاورمیانه شده و فرصت‌های جدیدی را نیز برای سیاست‌های آمریکا به ارمغان خواهد آورد ... بدون شک آمریکا در مقایسه با سایر قدرت‌های خارجی دیگر می‌تواند بیشترین سود و بهره را از الگوهای جدید همکاری عاید خود کند ... یک توافق جامع هسته‌ای می‌تواند آمریکا را قادر سازد بدون درگیری مستقیم در مسائل، این اولویت‌ها را شناسایی و پیگیری کند.»

طراحی‌های سیاست‌مداران آمریکایی در قبال مدیریت قدرت منطقه جمهوری اسلامی بسته به هریک از ابعاد ظهور قدرت ایران در منطقه، ویژگی‌های مختص خود را خواهد داشت که در ادامه به بررسی سه مورد از آن‌ها خواهیم پرداخت.

سوریه

دولت بشار اسد به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین متحدّین جمهوری اسلامی در محور مقاومت و یکی از معدود کشورهای حامی ایران در جنگ هشت ساله با رژیم بعث همواره در قبال سیاست‌های

۱- اندیشکده ایران پراجکت؛ که به ادعای مقامات کاخ سفید یکی از تأثیرگذارترین عوامل تصمیم‌ساز در ترسیم چارچوب‌های توافق هسته‌ای با ایران بوده است.

۲- این گزارش جدید که به امضاء ۳۱ تن از مقامات ارشد و بلندپایه آمریکا رسیده است حاوی مقالاتی در باب ایران، مذاکرات هسته‌ای این کشور، روابط ایران با هفت‌کشور همسایه خود، بازیگران غیردولتی، مبحث انرژی و حضور نظامی آمریکا در خلیج‌فارس است. در میان امضاکنندگان این گزارش اسامی شماری از چهره‌های سرشناس سیاست خارجی آمریکا ازجمله «توماس پیکرینگ»، نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد و «زبیگنیو برژینسکی» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا نیز به چشم می‌خورند.

ضد اسرائیلی خود متحمل هزینه‌ها و فشارهای گوناگونی بوده است. ایالات‌متحده با تجهیز و آموزش مستقیم و غیرمستقیمِ نیروهای مخالف اسد، اعم از جیش الحر، جبهه النصره و داعش از همه ظرفیت‌های خود برای سرنگونی حکومت وی بهره‌گیری نموده است.

اما مانع اساسی در دستیابی کاخ سفید به اهداف خود در قبال سوریه بی‌شک مقاومت مثال‌زدنی ارتش این کشور و حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی از دولت مردمی اسد بوده است، موضوعی که از سوی مقامات و تصمیم گیران آمریکایی نیز به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل شکست طرح حمله نظامی به این کشور معرفی شد، بر همین اساس «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگویی با جفری گلدبرگ از بلومبرگ ویو، در ۲ مارس، ۲۰۱۴ اعلام می‌دارد:

> «به نظر من کسانی که فکر می‌کنند دو سال پیش یا سه سال پیش، اگر ما بازور بیشتر و نیروی نظامی عمل می‌کردیم راه‌حلی مشخص و فوری برای این مسئله وجود داشت، اساساً در درک ماهیت جنگ سوریه و شرایط موجود در منطقه دچار اشتباه شده‌اند. وقتی شما با ارتشی حرفه‌ای که خیلی مجهز است و تحت حمایت دو کشور بزرگ (ایران و روسیه) قرار دارد، مواجه هستید نمی‌توانید به کارآمدی راه‌حل نظامی بیاندیشید.»

«آنه دابلیو پترسون» معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک، روز ۲۶ مارس ۲۰۱۴، با حضور در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا با بیان جزئیات راهبرد کشورش در قبال سوریه، به تشریح ابعاد مانع‌تراشی جمهوری اسلامی در برابر این راهبردها می‌پردازد:

> «... در برخی مناطق، نیروهای رژیم سوریه با حمایت حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران کنترل اراضی را که پیش‌تر ازدست‌داده بودند مجدداً به دست گرفته‌اند ... نیروهای سوری تا بن دندان به سلاح‌های روسی و ایرانی مسلح هستند.»

لذا دولتمردان آمریکایی با اشراف کامل به نقش اساسی ایران در بقای دولت مردمی سوریه، به دنبال آن هستند تا با طرح‌های گوناگونی حمایت جمهوری اسلامی از حکومت اسد را متزلزل نمایند. یکی از طرح‌های کلیدی ایالات‌متحده پیشنهاد مقابله مشترک کشورش و ایران با نیروهای خودساخته تکفیری در سوریه هست.

طرح مقابله مشترک ایران و آمریکا با نیروهای به‌اصطلاح افراطی و در رأس آن داعش، پوششی وجیه و ظاهر پسندانه برای پیگیری اهداف اصلی ایالات‌متحده از وارد نمودن ایران در سناریو خود هست. مقامات آمریکایی با القای ضرورت مبارزه مشترک با جریان داعش، پیش‌شرط اصلی موفقیت آن را تغییر حکومت در سوریه مطرح نموده و بدین طریق از ایران خواهند خواست تا با ارائه تعاملی سازنده در این زمینه، ضمن قطع حمایت‌های خود از دولت بشار

اسد، مقدمات تغییر حکومت در این کشور را فراهم آورد.
در همین راستا، اظهارات «باراک اوباما» در مجمع عمومی سازمان ملل مورّخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۳، در معرفی حکومت بشار اسد به‌عنوان مانع اصلی در برقراری صلح در منطقه می‌تواند بیانگر پیش‌شرط اصلی آمریکا برای ایجاد یک ائتلاف مشترک با ایران در برابر نیروهای داعش باشد:

«این سخن که سوریه می‌تواند به‌نوعی به وضع پیش از جنگ بازگردد، سخنی تخیّل آمیز است. زمان آن فرارسیده است که روسیه و ایران درک کنند تأکید بر بقای حکومت بشار اسد به‌صورت مستقیم به بروز نتیجه‌ای منجر خواهد شد که آن‌ها از آن می‌ترسند یعنی ایجاد فضایی که به‌صورت فزاینده‌ای خشونت‌بار باشد و زمینه‌ای برای فعالیت افراطیون به وجود می‌آورد.»

اما آنچه نقش اساسی را در بازی گرفتن ایران در زمین ایالات‌متحده در موضوع بحران سوریه ایفا خواهد نمود، نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران است. سیاست‌مداران آمریکایی در پی آن هستند تا با القای شروع دوران جدیدی از نقش‌آفرینی ایران پس توافق هسته‌ای جذابیت‌هایی را برای ورود ایران در مذاکرات سوریه و اعمال نقش در راستای کنار رفتن حکومت بشار اسد ایجاد نمایند. مطلبی که «باراک اوباما» در گفتگوی خود با رسانه‌ها پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات، در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۹۴ در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر چگونگی همکاری با ایران در موضوع سوریه پس از اعلام توافق جامع هسته‌ای، اعلام می‌دارد:

«عقیده دارم که مشکل سوریه بدون همکاری روسیه، عربستان، ترکیه و ایران حل نخواهد شد و ایران باید بخشی از مذاکرات در مورد سوریه باشد.»

لذا بر همین اساس سناتور «دایان فینشتاین» عضو دموکرات سنای آمریکا و رئیس کمیته اطلاعاتی سنا از ایالت کالیفرنیا در نطقی مفصل در صحن سنا که روز ۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۳ منتشرشده است، پیرامون نسبت مذاکرات هسته‌ای ایران و توقف حمایت ایران از دولت سوریه می‌گوید:

«من در مقام رئیس کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا به خوبی از بسیاری از چالش‌هایی مطلع هستم که ایران برای منافع آمریکا در سراسر جهان دارد. ایران حامی گروه تروریستی حزب‌الله است و از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه حمایت می‌کند. امیدوارم بتوانیم درنتیجه مذاکرات، برخی از این اقدامات ایران را متوقف کنیم.»

ایالات‌متحده در این راستا به‌شدت به موجودیت گروه‌های تروریستی و ادامه ناامنی‌ها در عراق، سوریه و لبنان نیازمندند، مسئله‌ای که در نقطه مقابل سیاست جمهوری اسلامی قرار

دارد. آمریکا در پی آن است تا با ادّعای طرح مقابله با داعش هدف مشترکی را پیش پای جمهوری اسلامی گذاشته و از یک‌سو روند نابودی این گروه را توسط نیروهای تحت مدیریت ایران متوقف نموده و از سوی دیگر از نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در مناطق درگیر با داعش جلوگیری نماید.

بر همین اساس مقامات مذاکره‌کننده آمریکایی در خلال مذاکرات هسته‌ای با ایران، بارها تلاش نمودند تا با طرح مسئله مقابله با داعش و وارد نمودن جمهوری اسلامی در این موضوع به رهیافت مدنظر خود دراین‌باره دست یابند،[1] در همین ارتباط «وندی شرمن» در جلسه پرسش و پاسخ در هتل والدورف آستوریا در نیویورک[2] در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران پیرامون نسبت مذاکرات هسته‌ای و اتحاد ضد داعش می‌گوید:

«به‌غیراز مذاکرات هسته‌ای من چندین دیدار دوجانبه و گروهی داشتم، واضح است که این موضوع بسیار حائز اهمیت است مثل بیماری ابولا و نیروهای حافظ صلح و موضوعات دیگری که در دنیا مطرح است؛ بنابراین در حاشیه مذاکراتمان با ایران درباره موضوع داعش هم‌صحبت کردیم.»

وی هم‌چنین در مصاحبه‌ای اختصاصی با رئیس بخش فارسی صدای آمریکا مورّخ ۳ مهر ۱۳۹۳، می‌گوید:

«شکی نیست که ایران نیز نمی‌خواهد شاهد تداوم داعش باشد و من فکر می‌کنم ما هر دو باهدف تضعیف و درنهایت نابودی داعش اقداماتی را به‌موازات هم انجام خواهیم داد؛ اما در اینجا نیز مذاکرات هسته‌ای که در مسیر دیگری جریان دارد، اثرگذار است، زیرا اگر ما بتوانیم موضوع هسته‌ای را حل کنیم، رابطه آمریکا، ایران و جامعه جهانی به شکل مطلوبی تغییر خواهد کرد، به‌نحوی‌که زمانی در آینده، ممکن است موضوعاتی باشند که ما بتوانیم باهم درباره آن‌ها همکاری کنیم»

جریان‌های مقاومت در منطقه

سیاست حمایت همه‌جانبه از حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت اسلامی در فلسطین علی‌الخصوص جنبش حماس در نوار غزه و دیگر گروه‌های مقاومت در یمن، عراق و... همواره

۱- اظهارات جان کری پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات: «من هیچ راهی برای پیش‌بینی ندارم. طرف ایرانی به من گفت اول‌ازهمه او برای مذاکره درباره موضوعات منطقه‌ای مقام و اختیار ندارد. من در بسیاری از مواقع سخت تلاش کردم این موضوعات را مطرح کنم اما او مقام و اختیار آن را نداشت. البته هم رئیس‌جمهور روحانی و وزیر خارجه ظریف تصریح کرده‌اند با این توافق آن‌ها برای بحث درباره موضوعات منطقه آماده می‌شوند و من از این واقعیت استقبال می‌کنم که وزیر خارجه ظریف می‌خواهد به امارات برود و هم چنین از اینکه او آماده گفت‌وگو با سعودی‌هاست، استقبال می‌کنم».

۲- در روز شنبه ۵ مهر ۱۳۹۳ (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۴)

در دستور کار جمهوری اسلامی بوده است. این گروه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین موانع تحقق آرزوهای صهیونیستی آمریکا در خاورمیانه قلمداد می‌شوند.
عامل قطعی در شکل‌گیری، رشد، تقویت و جهت‌دهی فکری جریان‌های مقاومت، حمایت‌های ایران بوده است. ایالات‌متحده با درک دقیقی از این موضوع از روش‌های گوناگونی سعی در قطع نمودن این حمایت‌ها داشته است.
مقامات و اندیشکده‌های آمریکایی در مواضع خود سه مسیر را جهت مدیریت حمایت ایران از این گروه‌ها، در بستر انعقاد توافق هسته‌ای با ایران مطرح نموده‌اند:
الف- با اعمال شدیدتر تحریم‌های مربوط به تروریسم افکار عمومی ایران را به فشار علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی وادار نمایند، در همین راستا «باراک اوباما» در مصاحبه خود با روزنامه عربی زبان «الشرق الأوسط»، با اشاره به این مطلب می‌گوید:

> «ما به اجرای کامل تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم و برنامه موشکی بالستیک این کشور ادامه داده‌ایم و این تحریم‌ها را همچنان و حتی پس از دستیابی به یک توافق هسته‌ای با ایران، اجرا خواهیم کرد ... ایرانی‌های بیشتری می‌توانند ببینند که تعامل سازنده - نه رویارویی - با جامعه بین‌المللی مسیر بهتری است. دو راه پیش روی ایران قرار دارد. یکی ادامه مسیر رویارویی است؛ راه بهتر هم اتخاذ یک رویکرد سازنده‌تر در منطقه است که به ایران اجازه خواهد داد همگرایی بیشتری با جامعه جهانی داشته باشد»

ب-ایجاد محدودیت در توانمندی موشکیِ و تسلیحاتی ایران
بی‌شک یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارنده‌ی نیروهای مقاومت در برابر اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی بهره‌مندی از تجهیزات و فنّاوری‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده است. لذا آمریکا در پی آن است تا با اعمال محدودیت در تأمین، فروش و انتقال دستاوردهای تسلیحاتی و موشکی ایران، گروه‌های مقاومت را به‌مرورزمان از اصلی‌ترین توانمندی خود خلع سلاح نماید.
«وندی شرمن» در نشستی با موضوع «وضع مذاکرات با ایران» در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴، با ذکر این نکته توافق هسته‌ای با ایران را راه‌حلی جهت خلع سلاح نیروهای مقاومت می‌داند:

> «امروز نیز هرچند برخلاف گذشته حماس بیشتر راکت‌هایش را خودش تولید می‌کند ولی بسیاری از این راکت‌ها درگذشته از ایران به این گروه ارسال می‌شدند. ازاین‌رو، امنیت اسرائیل نه‌فقط به گفتگوهای اتمی مرتبط است بلکه به شلیک راکت‌هایی که امروز بر سرش می‌بارد، مرتبط است. ازاین‌رو، در همه این حوزه‌ها نه‌فقط باهوشیاری باید

تحریم‌های فعلی را ادامه دهیم بلکه هر کاری که می‌توانیم باید انجام دهیم تا جامعه جهانی را برای محکوم کردن چنین اقداماتی بسیج و بر توقف چنین اقداماتی اصرار کنیم.»

ج- فشار برای القای تعامل سازنده

آمریکا و شرکای منطق‌هایش در پی‌آن هستند تا پس از حصول توافق با القای این مسئله که ایران بایستی فصل جدیدی از سیاست‌های سازنده خود در منطقه خاورمیانه را آغاز نماید، با فشار رسانه‌ای و دیپلماتیک مدیران دولتی ایران را وادار نمایند تا نسبت به سیاست‌ها خود در قبال گروه‌های مقاومت تجدیدنظر نماید.

«مایکل سینک» رئیس موسسه واشینگتن، در تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۱۳، با حضور در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در همین رابطه گفته است:

«فقط درصورتی‌که می‌توان به یک توافق فکر کرد که ببینیم ایران تغییر استراتژیک گسترده‌ای را پذیرفته است ... تمایل ایران برای متوقف کردن اقداماتی که باعث بی‌ثباتی می‌شود مثل حمایت از تروریسم و تأمین سلاح برای شبه‌نظامیان برای جنگ‌های نیابتی مواردی است که می‌تواند تغییر استراتژیک ایران را ثابت کند.»

«جان برنن» مدیر آژانس مرکزی اطلاعات در آمریکا روز ۴ فروردین ۱۳۹۴ در مصاحبه اختصاصی با فاکس نیوز با تمرکز روی رفتار منطقه‌ای ایران وعده داد که واشینگتن پس از توافق هسته‌ای هم‌فشار را بر ایران را جهت جلوگیری از حمایت گروه‌های مقاومت حفظ خواهد نمود:

«برنامه اتمی ایران چیزی است که ما امیدواریم بتوانیم آن را متوقف کنیم. بااین‌حال این را نیز می‌بینیم که این کشور همچنان حامی تروریسم دولتی است و کاری که باید بکنیم این است که فشار بر ایران باید ادامه یابد تا اطمینان یابیم این کشور نمی‌تواند کشورهای منطقه را بی‌ثبات کند»

نهایتاً نتیجه آن‌که ایالات‌متحده برای نجات از بحران راهبردی‌اش در خاورمیانه و جلوگیری از زمین‌گیر شدن بیش‌ازپیش سیاست‌هایش در منطقه ناچار به ایجاد تحولاتی گسترده در روابط خود بوده و شاه‌بیت این تحولات بازی با مهره جمهوری اسلامی ایران هست؛ اما ازآنجا که شکاف عمیقی میان نگرش و عملکرد ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه وجود داشته و به عبارت مناسب‌تر به لحاظ اصول سیاست خارجی و بین‌المللی این دو کشور دقیقاً در نقطه مقابل هم قرار دارند،[1] لذا هر تدبیری در راستای ایجاد منافع مشترک ایران –آمریکا و ازسرگیری

۱- برخی از سیاستمداران آمریکایی چون مایکل مورل قائم‌مقام سابق سازمان سیا نیز در تحلیل مناسبات منطقه‌ای ایران و آمریکا بر همین عقیده‌اند، وی در روز ۶ بهمن ۱۳۹۳ طی سخنانی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی گفته است:

دور جدیدی از مذاکرات حول مسائل منطقه‌ای، در مسر بسیار مبهمی قرار خواهد داشت.

در همین راستا رهبر انقلاب اسلامی طی فرمایشاتی در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۹۴ و پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات، فرمودند:

«سیاست‌های آمریکا در منطقه باسیاست‌های جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه اختلاف دارد. آمریکایی‌ها حزب‌الله را و مقاومت لبنان را -که فداکارترین نیروهای دفاع ملّی در یک کشورند- متّهم به تروریسم می‌کنند، از این بی‌انصافی بالاتر نمی‌شود. آن‌وقت در مقابل، دولت تروریست صهیونیستیِ کودک‌کُش را موردحمایت خودشان قرار می‌دهند، با یک چنین سیاستی چگونه می‌شود معامله کرد، چگونه می‌شود مذاکره کرد، چگونه می‌شود به توافق رسید؟ حالا موارد دیگر هم هست که من تفصیلش را می‌گذارم برای جای دیگر.»

۲. بازسازی الگوی فروپاشی شوروی در ایران

«باراک اوباما» در اجلاس سالانه مرکز سابان، دسامبر ۲۰۱۳:

«اگر ما بتوانیم به همان روشی که رونالد ریگان با جماهیر شوروی مذاکره می‌کرد و در ضمن، آن‌ها را به چالش می‌کشید، درباره برنامه هسته‌ای (ایران) مذاکره کنیم، به ما امکان می‌دهد درنهایت بر آن‌ها پیروز شویم.»

ایالات‌متحده درصدد است تا برمبنای تجربه موفق خود در راستای مدیریت روند فروپاشی شوروی، آن اصول و راهکارها در قبال جمهوری اسلامی بازطراحی نماید. همان‌گونه که طرح فروپاشی شوروی مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از اقدامات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بود، این بار نیز واشنگتن برنامه جامعی برای رویارویی با ایران در نظر گرفته است. «باراک اوباما» پیرامون شباهت‌های نتایج مذاکرات هسته‌ای با ایران و مذاکرات منتهی به فروپاشی شوروی می‌گوید:

«ما توافقات کنترل تسلیحات را با شوروی سابق مذاکره کردیم، زمانی که این کشور متعهد به نابودی ما بود اما درنهایت این توافقات ما را امن‌تر کرد. من اطمینان دارم که توافق وین منافع امنیت ملی آمریکا و متحدانمان را تأمین خواهد کرد.»

«ایران می‌خواهد قدرت مسلط خاورمیانه باشد. من فکر نمی‌کنم، این قضیه با منافع آمریکا همسو باشد، ایران از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای کشورداری استفاده می‌کند. ایران خود در سراسر دنیا به تروریسم متوسل می‌شود که عمدتاً این امر را در برابر اسرائیل می‌توان مشاهده کرد، ایران از سازمان‌های تروریستی نظیر حماس و از همه مهم‌تر، حزب‌الله، حمایت می‌کند، ایران هزینه شورش‌ها در بحرین را تأمین می‌کند، این کشور به شورش در یمن و حوثی‌ها کمک مالی می‌کند. ایران به شورش در استان‌های شرقی عربستان سعودی کمک مالی می‌کند.»

کاخ سفید که توانسته بود میوه زمینه‌سازی‌های خود را از طریق مذاکره با شوروی بچیدند، این بار نیز در تلاش است تا از طریق مذاکره و اجرایی کردن توافق هسته‌ای اهداف خود را در مورد ایران پیگیری نمایند. «اوباما» در مورد جایگاه مذاکره با ایران می‌گوید:

«این دیپلماسی آمریکا همراه با فشار بود که برای نخستین بار ادامه برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرد ... اگر جان اف کندی و رونالد ریگان توانستند با اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کنند، پس قطعاً یک آمریکای نیرومند و به خود مطمئن می‌تواند با دشمنان کم قدرت‌تر امروز به مذاکره بپردازد.»[1]

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز، ایالات‌متحده با استفاده از دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های داخلی و خارجی خود سعی بر ترویج افکار لیبرال در کشور داشته تا با زمینه‌سازی اجتماعی و ترویج ارزش‌های آمریکایی زمینه مناسبی برای پیگیری منافع خود در کشور فراهم آورد. هم چنان‌که ماجرای فروپاشی شوروی نشان داد، پیگیری بیشتر منافع آمریکا درگرو تقویت جریان‌های غرب‌گرا در کشور است. آن چیزی که آمریکا در طول مذاکرات هسته‌ای همواره بر آن توجه داشته است تقویت این جریان در معادلات سیاسی ایران است. «باراک اوباما» در جریان مذاکرات هسته‌ای این موضوع را چنین بیان می‌کند:

«وقتی مسئله آینده ایران به میان می‌آید، من نمی‌توانم پویایی داخلی ایران را پیش‌بینی کنم. در داخل ایران، رهبران و گروه‌هایی هستند که به مدت چند دهه خود را هم در مخالفت با آمریکا و هم در مخالفت با شرکای منطقه‌ای ما تعریف کرده‌اند ... این احتمال هم وجود دارد که اگر ما به شکلی موفقیت‌آمیز به مسئله هسته‌ای بپردازیم و ایران از برخی تحریم‌های هسته‌ای خلاصی یابد، این کار به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در اقتصاد ایران بینجامد و فرصت بیشتری برای مردم ایران به دست آید که این نیز موضع رهبران میانه‌رو ایران را تقویت خواهد کرد.»[2]

هم‌چنان‌که کاخ سفید به دنبال تقویت جناح غرب‌گرا در شوروی بود، این جریان سیاسی و رسانه‌های حامی آن نیز به دنبال تغییر چهره ایالات‌متحده و تقلیل دشمنی‌های آمریکا به سوءتفاهم‌های سیاسی بودند. این مسئله همان راهبردی است که با فضای سیاسی ایران در طول دو سال گذشته تطابق دارد. غرب‌گرایان ایران نیز سعی نمودند تا با ارائه چهره‌ای مؤدب و خیرخواه از آمریکا، تاریخ دشمنی‌های این کشور با مردم ایران را، از اذهان عمومی مرتفع نمایند.

۱- سخنرانی سالیانه موسوم به گزارش وضعیت کشور بهمن ۱۳۹۲

۲- مصاحبه اوباما با روزنامه عربی زبان الشرق الاوسط ۲۰۱۵/۵/۱۳

بُعد اقتصادی مواجهه آمریکا با شوروی نیز شباهت‌های فراوانی با اقدامات ایالات‌متحده در برابر ایران دارد. افزایش تحریم‌ها علیه مسکو و کاهش قیمت نفت توانست فشار اقتصادی بیشتری بر شوروی تحمیل نماید. با تضعیف بنیه اقتصادی شوروی، آمریکا با چهره‌ای خیرخواه از در مذاکره با این کشور وارد شد. در طول مذاکرات آمریکا وعده‌های بسیاری را برای اصلاح اوضاع اقتصادی شوروی داد و در برابر آن امتیازات استراتژیکی را از مسکو می‌گرفت اما عقب‌نشینی‌های مسکو تأثیری در نقد شدن وعده‌های نسیه آمریکا نداشت. ایالات‌متحده نه‌تنها به هیچ‌یک از وعده‌های خود برای گشایش اقتصادی شوروی عمل نکرد بلکه در بسیاری از موارد فشارها را نیز بیشتر کرد.

این بار نیز کاخ سفید درصدد است تا با دادن وعده‌های کاذب، بستر بهتری را برای افزایش خواسته‌های خود در مقابل ایران فراهم آورد. حفظ چارچوب تحریم‌های اساسی علیه ایران و ثابت نگاه‌داشتن فشار بر ساختارهای مالی و اقتصادی جمهوری اسلامی، مؤیدی آشکار بر این موضوع هست.

«الکساندر یاکوفلوف» معاون و مشاور ویژه گورباچوف با اشاره به خوش‌بینی و اعتماد گورباچوف به غرب می‌گوید:

«غرب‌گرایان به رهبری گورباچوف و من، جبهه واحدی را با آمریکایی‌ها علیه مدافعان بلشویسم و سنت‌گرایان کمونیست تشکیل دادیم. ما کاملاً به آمریکایی‌ها اعتماد کردیم، اما بعداً معلوم شد آمریکایی‌ها اهداف و کارهای دیگری را دنبال می‌کنند. من فکر می‌کنم در تمام این سال‌ها، آمریکا مشغول کارهای خود بوده و همدردی با غرب‌گرایان تنها ظاهر قضیه بوده است. وعده‌های آن‌ها فقط باهدف تشویق ما برای حذف رقیبان داخلی داده می‌شد، اما ما در آن زمان کاملاً به آمریکا خوش‌بین بودیم.»[۱]

با تمام این وجود که شوروی به‌منظور به دست آوردن کمک‌های اقتصادی در مذاکرات از خود عقب‌نشینی نشان می‌داد. بااین‌حال آمریکا در موارد متعددی از عمل به وعده‌های خود سرباز زد. «یاکوفلوف» پیرامون امتناع آمریکا در عمل به وعده‌های مذاکراتی خود، می‌نویسد:

«خوش‌بینی افراطی نسبت به غرب و آمریکا باعث شد بسیاری از غرب‌گرایان و دموکرات‌ها به آمریکا و غرب امید ببندند و وعده‌ها و حرف‌های آن‌ها را باور کنند. من شخصاً توقع نداشتم آمریکا و غرب با ما بدین گونه رفتار کنند. ازنظر من کشورهای غربی علی‌رغم وعده‌های فریبنده خود نه‌تنها کمکی به مردم روسیه و روند اصلاحات نمی‌کنند بلکه در

۱- همان، ص ۱۱۱

موارد متعدد خود مانع روند صحیح اصلاحات می‌شوند.»[۱]

مقامات آمریکایی که تفسیرشان از پای میز مذاکره آمدن ایران، مؤثر واقع‌شدن تحریم‌هاست، تلاش نمودند تا با استفاده از وعده رفع تحریم‌ها و به‌وسیله حربه «ارتباط موضوع‌ها» راه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در ایران را هموار نمایند. آن‌ها با گره زدن موضوعات نظامی و سیاسی به مذاکرات قصد کاهش بازدارندگی دفاعی ایران در حوزه موشکی را داشته و هم‌زمان به دنبال تغییر رفتار جمهوری اسلامی در منطقه هستند.

هم چنان‌که در ماجرای فروپاشی شوروی ایالات‌متحده تمام تلاش‌های خود را برای شکست اقتدار منطقه‌ای مسکو در خاورمیانه و اروپای شرقی انجام داد، این بار نیز درصدد است تا از مجرای مذاکرات هسته‌ای با مدیریت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی به‌خصوص پیرامون موضوعاتی چون بحران سوریه، عراق، یمن، گروه‌های مقاومت، داعش و ... این راهبرد را در قبال ایران بازسازی نماید. توضیحات مبسوط پیرامون چگونگی مدیریت رفتار ایران در این موضوعات در سرفصل‌هایی مجزا در همین کتاب موردبررسی و تبیین قرارگرفته است.

بنابراین همان‌گونه که پیداست، ایالات‌متحده در پی آن است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های توافق در مسئله هسته‌ای به بازسازیِ ابعادی از طرح فروپاشی شوروی در قبال ایران پرداخته و در این افق سیر جدیدی از تعاملات و برخوردها را با جمهوری اسلامی آغاز نماید. اظهاراتی مانند آنچه «باراک اوباما» پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای وین از خود بروز داد در همین چارچوب قابل‌بررسی و دقت است:

«اگر ما بتوانیم به همان روشی که رونالد ریگان با جماهیر شوروی مذاکره می‌کرد و در ضمن، آن‌ها را به چالش می‌کشید، درباره برنامه هسته‌ای ایران مذاکره کنیم، به ما امکان می‌دهد درنهایت بر آن‌ها پیروز شویم و بخشی از برنامه‌هایشان را در منطقه ناکام بگذاریم بدون این‌که نگران تشدید تنش‌ها یا روشن شدن جرقه مسابقه تسلیحات هسته‌ای در پرتنش‌ترین منطقه دنیا باشیم.»

۳. تقویت جریان غرب‌گرا

«اوباما» در گفت‌وگویی با جفری گلدبرگ، ۲ مارس ۲۰۱۴:

«اگر درنتیجه توافق درباره برنامه هسته‌ای، آن دیدگاه‌ها و رویکردهای مخالف حکومت در داخل ایران تقویت شود، حتی اگر این روند یک دهه یا پانزده سال یا بیست سال هم طول بکشد، این نتیجه‌ای است که ما باید آرزوی آن را داشته باشیم.»

۱- ایران و آمریکا، واعظی، حسن، انتشارات سروش، ص ۲۳۳

مهم‌ترین ویژگی جریان‌های غرب‌گرا عدم اعتماد به مبانی اسلامی جهت اداره حکومت هست. این بی‌اعتمادی منجر به دستور کار قراردادن الگوها و نسخه‌هایی برای مدیریت اجتماعی است که لاجرم تأمین‌کننده منافع قدرت‌های مدیریت کننده فضای بین‌المللی است. این جریانات با این پیش‌فرض که هدف غایی هر حکومتی بایست توسعه‌یافتگی با استانداردهای یک کشور توسعه‌یافته باشد، همواره هویت ایران را به‌صورت یک کشور درحال‌توسعه -که چاره‌ای جز ارتباط تنگاتنگ با کشورهای توسعه‌یافته و صاحب تمدن تکنیکی نداشته - بازگو می‌نمایند و با همین استدلال سعی در اقناع افکار عمومی برای دست کشیدن از آموزه‌های حاکمیتی اسلام دارند. این جریانات در حوزه‌های چهارگانه سیاست خارجی، سیاست داخلی، فرهنگ و اقتصاد ناچار به پذیرش و پیاده‌سازی الگوهای موردنظر جریان استعماری به‌عنوان معمار نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم می‌باشند.

در فضای سیاست خارجه نیروهای غرب‌گرا به جهت نحوه تصوّری که از معادلات بین‌المللی داشته همواره تعامل با قدرت‌ها را اولویتی غیرقابل‌اغماض دانسته و در این مسیر لابد از به پشت نمودن به استقلال ملی شده و با پذیرش خواسته‌های قدرت‌ها، از چارچوب‌های عزت و آزادی‌خواهی خارج می‌شوند، بر همین اساس «محمود سریع القلم» در ترسیم نقشه راه یک سیاست خارجه توسعه‌گرا، پیشرفت و استقلال را دو امر غیرقابل اجتماع درصحنه مدیریت کشور دانسته و بر این اعتقاد است که:

«جمهوری اسلامی با یک پارادوکس مهم روبه‌روست، ازیک‌طرف می‌خواهد رشد و پیشرفت کند و از طرف دیگر در پی حفظ استقلال سیاسی و همین‌طور عدالت در بیرون از مرزهای کشور است. درواقع، ریشه پارادوکس در نوع نگاه به خود و نظام بین‌المللی است.»

هم‌چنین «حسن واعظی» در توصیف ویژگی‌های رویکرد سیاست خارجه توسعه‌گرا می‌گوید:

«راهبرد سیاست خارجی توسعه‌گرا تعامل است چراکه انزوا گرایی مانع از توسعه می‌شود. در این شرایط، هر برنامهٔ کلان توسعهٔ ملی برای دستیابی به موفقیت نیازمند تعامل با جریانات اصلی نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل و استفاده از امکانات جهانی است، چراکه الگوی توسعه مبتنی بر وابستگی متقابل است و یک ضرورت به‌حساب می‌آید ... از ویژگی‌های سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ احتراز جدی از ورود در مناقشات و بحران‌ها تا جایی که به منافع حیاتی آن مربوط نمی‌شود.»[1]

در واقع کشوری که هدف اساسی خود را توسعه‌یافتگی قرار داده است بایستی در رفتارها و

۱- واعظی، کتاب سیاست خارجه توسعه‌گرا، ص ۲۰

سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مناسبات موجود را پذیرفته و به هزینه‌های آن ولو از دست رفتن استقلال کشور تن داده و از بروز هر نوع رفتار ناهنجار – از نگاه قدرت‌های بین‌المللی – حتی در راستای دفاع از مظلومان و مستضعفان برای استفاده از امکانات جهانی پرهیز نماید. ترجمان بارز این سیاست را می‌توان در اظهارات «باراک اوباما» چند روز پس از اعلام نتایجِ مذاکرات وین، مورخ ۱۱ اوت ۲۰۱۵، در مصاحبه با وب‌سایت مایک مشاهده نمود، وی با اشاره به نسبتِ قدرت یافتن نیروهای غرب‌گرا در ایران و تغییر سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی در مسائل بین‌المللی می‌گوید:

«پس از این توافق در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد. گذاری که طی آن درک شود که شعار مرگ بر آمریکا و انکار هولوکاست توسط رهبران ایران و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب‌الله، گروهی که در فهرست تروریستی قرار دارد و کارهایی ازاین‌دست، از ایران، در چشم بخش اعظم جهانیان، کشوری طردشده می‌سازد. به شما قول می‌دهم در لحظه‌ای که رژیم ایران از این نوع گفتار و رفتار دست بردارد، بلافاصله در چشم جهانیان نفوذ و قدرت بیشتری پیدا خواهد کرد. امید من این است که چنین اتفاقی بیفتد. چنین امری نیازمند تغییر در سیاست و رهبری ایران است. تغییر طرز فکر در زمینه رویکرد ایران به بقیه جهان و رویکردشان به کشورهایی مثل ایالات‌متحده.»

کارآمد نشان دادن رویکرد تعاملی با غرب می‌تواند زمینه‌ساز اقتدار جریان‌های حامی غرب در ایران شده و مراکز قدرت را از طرق گوناگونی نصیب آنان کند. در همین راستا و پس از اعلام توافق وین رفتارهای غیرمنتظره‌ای از سوی کشورهای غربی در قبال ایران صورت گرفت که بیش از هر چیز به یک مانور تبلیغاتی شبیه بود. اقداماتی چون هجوم هیئت‌های تجاری کشورهای اروپایی به تهران، بازگشایی سفارت انگلستان در تهران، رفت‌وآمد شخصیت‌ها و مقامات غربی به ایران و ... را می‌توان در همین زمینه تحلیل نمود. در همین رابطه «ولی رضا نصر» مشاور سابق باراک اوباما در امور ایران و خاورمیانه طی مقاله‌ای اثرات توافق هسته‌ای بر تغییر خط مشی سیاسی در ایران و بخصوص انتخابات مجلس خبرگان را بررسی نموده است. وی که اکنون رئیس مدرسه مطالعات بین‌المللی پیشرفته دانشگاه جانز هاپکینز در نیویورک است، در این مقاله آورده است:

«اندکی بیش از یک سال دیگر، انتخاباتی در ایران برگزار می‌شود که درنهایت رهبر عالی این کشور را تعیین می‌کند. با توجه به اینکه هم‌اکنون رهبر فعلی ایران آیت‌الله علی خامنه‌ای موازنه قدرت اصلاح‌طلبان و تندروها را حفظ کرده است، انتخابات این دوره

می‌تواند جهت‌گیری سیاسی در ایران را تغییر دهد ... در دسامبر ۲۰۱۵ انتخابات مجلس ایران برگزار می‌شود. قانون‌گذارانی که مجلس خبرگان را تعیین خواهد کرد و این مجلس رهبر آتی ایران را تعیین می‌کند. آمریکایی‌ها نباید از این موضوع غافل شوند چون زمان توافق تعیین‌کننده نتیجه انتخابات خواهد بود ...»

نتیجتاً، ایالات‌متحده آمریکا تلاش دارد با اجرای راهبردی دیگر پس از اعلام توافق هسته‌ای، با بزرگنمایی آثار این توافق در مناسبات داخلی ایران، افکار عمومی را متوجه ثمربخشی رویکردی نماید که اساس آن حفظ خطوط قرمز واشنگتن و شرکایش در تحولات بین‌المللی است. بزرگنماییِ کارآمدی رویکرد توسعه‌گرا منجر به ارتقای محبوبیت نیروهای غرب‌گرا در فضای اجتماعی ایران شده و مقدمات افزایش قدرت سیاسی آنان را فراهم خواهد آورد.

٤. تقویت گزینه نظامی

«جاش ارنست» سخنگوی رسمی کاخ سفید، ٦ جولای ۲۰۱۵:

«گزینه نظامی همچنان روی میز باقی خواهد ماند اما حقیقت این است که گزینه نظامی پس از اجرای توافق وین تقویت خواهد شد.»

چگونگی تقویت گزینه نظامی در جریان مذاکرات هسته‌ای

بر اساس مستندات موجود در بیان مقامات و اندیشکده‌های آمریکایی، فرآیندهایی که می‌تواند امکان گزینه نظامی را در بستر توافق هسته‌ای تقویت نمایند عبارت‌اند از:

افزایش دسترسی سرویس‌های اطلاعاتی به جزئیات برنامه هسته‌ای ایران

تلاش‌های مقامات کاخ سفید برای افزایش پهنای اطلاعاتی واشنگتن جهت جدی نمودن یک گزینه نظامی، پیرامون برنامه هسته‌ای ایران شامل؛ تأسیسات، متخصصین، شبکه تأمین و ... هست. طبیعتاً در صورت تکمیل نقاط مبهم در مورد نقشه کامل صنعت هسته‌ای ایران، می‌توان انتظار یک عملیات نظامی هدفمندتری داشت. لذا دوماهنامه «نشنال اینترست» در گزارش خود یکی از عوامل تقویت گزینه نظامی علیه ایران را افزایش اطلاعات آمریکا از طریق بازرسی‌های سرزده می‌داند:

«توافق قابلیت انجام گزینه نظامی آمریکا را علیه ایران تقویت کرده و زمان به نفع آمریکا و اسرائیل می‌گذرد... بازرسی‌های سرزده از تأسیسات هسته‌ای ایران گزینه نظامی را تقویت می‌کند، زیرا آمریکا و متحدانش نقشه‌ای بهتر از برنامه هسته‌ای ایران در دست خواهند داشت. اگرچه چارچوب گسترده برنامه هسته‌ای ایران آشکارشده اما ابعاد و نیز زنجیره تأمین مواد موردنیاز تقریبی از دید آمریکا و متحدانش جامانده اما بازرسی‌های

سرزده به آمریکا و متحدانش وضعیت اطلاعاتی بهتری را برای از میان برداشتن برنامه هسته‌ای ایران می‌بخشد.»

«جاش ارنست» نیز در اظهارت خود مبنی بر جدی شدن گزینه نظامی پس از اجرای توافق، تصمیمات حمله‌ای را مبتنی بر اطلاعاتی دانسته که این توافق قرار است آن‌ها را شفاف‌تر نماید:

«... بنابراین هنگام بحث درباره تصمیمات اقدام نظامی از سوی مقامات آمریکا یا اسرائیل مسئله این است که این تصمیمات حمله‌ای، مبتنی بر اطلاعات خواهند بود و توانمندی‌ها ما در اثر دانش‌های گردآوری‌شده در این سال‌های سرکشی توسط نظام بازرسی‌ها، تقویت خواهد شد.»

افزایش دسترسی‌ها به اطلاعات نظامی ایران

یکی از مهم‌ترین عوامل خودداری تصمیم گیران کاخ سفید از برگزیدن گزینه نظامی، عدم شناسایی دقیق توانمندی‌های پدافندی و دفاعی جمهوری اسلامی هست. این مسئله به‌خودی‌خود دستیابی به اهداف مدنظر آنان را از رهگذار یک عملیات نظامی کاملاً در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد؛ بنابراین هراندازه میزان شناخت نیروهای هجومی ایالات‌متحده از ظرفیت‌های دفاعی ایران بیشتر باشد، آستانه انگیزه‌ها برای انتخاب یک گزینه نظامی به حد بالایی خواهد رسید. این افزایش اطلاعات اولاً با بهانه دسترسی به جنبه‌های نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای، به‌خصوص توانمندی‌های مربوط به موشک‌های بالستیک و ثانیاً با موضوع مصاحبه با متخصصین مربوطه، امکان‌پذیر هست. لذا یکی از مواردی که مقامات آمریکایی، در خلال مذاکرات هسته‌ای با ایران به‌شدت در قبال آن پیگیری می‌نمود، بحث دسترسی‌ها به مراکز نظامی ایران بوده است، «باراک اوباما» در ادامه گفتگوی اختصاصی توماس فریدمن خبرنگار نیویورک تایمز در مورد سؤالی در همین زمینه پاسخ می‌دهد:

«آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این ظرفیت را دارد که اگر با سایتی مشکوک برخورد کرد، ازجمله با سایت نظامی مشکوکی مثل پارچین روبرو شود، می‌تواند به ایرانی‌ها بگوید که باید ازآنجا بازرسی کند. شاید ایرانی‌ها بخواهند مذاکره کنند که این کار چگونه انجام شود اما اگر آن‌ها بخواهند دست‌آخر مخالفت کنند و به آن سایت دسترسی منطقی فراهم نکنند، در آن صورت به‌طور بالقوه توافق را نقض کرده‌اند و تحریم‌ها می‌توانند دوباره و فوراً برقرار شود.»

در همین راستا «یوکیو آمانو» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتدپرس مدعی شده بود:

«ایران باید دسترسی این نهاد دیده‌بان هسته‌ای به تأسیسات نظامی‌اش را بپذیرد، ایران به‌طور مشخص با اجرای قراردادی از آژانس موسوم به «پروتکل الحاقی» موافقت کرده است. پروتکل الحاقی امکان بازرسی‌های وسیع و سرزده از تمامی مناطق موردنظر اعم از تأسیسات اعلام‌شده و نشده را برای بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم می‌کند.»

۵. توقّف جریان صدور انقلاب

اساسی‌ترین نماد ارزشی انقلاب اسلامی که به‌نوعی جمع کننده عینی همه‌ی مؤلفه‌های دیگر گفتمان انقلاب است، چیزی نیست جز؛ تقابل با استکبار و سلطه گری بین‌المللی. این نماد به جهت ابتنای خود بر توحید و نفی شرک، جهان‌شمول بودن و عدالت محور بودن همواره در رأس هویت نهضت مردم ایران بوده است، این مسئله به‌صراحت در کلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به‌عنوان زبان شیوای انقلاب ملت ایران، مشهود است:

«اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلّمات اسلام برای همین آمده است که مستکبرین در زمین نباشند و نتوانند مستضعفین را استعمار کنند.»[۱]

«ما این واقعیت را و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خوران بوده و هستیم.»[۲]

«ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم و به همه کشورهای اسلامی، بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یك همچو وضعیتی پیش بیاوریم که یك دولت زورگوی جبار آدمکش و امثال‌ذلک نباشد.»[۳]

موضوع پرونده هسته‌ای ایران قطعاً یکی از مهم‌ترین نمودهای استقامت ملت ایران در برابر زورگویی‌های نظام سلطه بوده است. دولت آمریکا در رأس این نظام، تمام ظرفیت‌های خود را برای اعمال گسترده فشار در زمینه‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی علیه ملت ایران بکار گرفت. فشارهایی که باهدف خسته نمودن ملت ایران و پایان دادن به مقاومت در مسئله هسته‌ای به نحو بی‌سابقه‌ای طراحی و عملیاتی شد ایالات‌متحده در پی آن بود که در صورت موفقیت در این زمینه ادامه نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در فضای بین‌المللی را به چالشی

۱- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۶، ص ۷۱
۲- همان، جلد ۲۱، ص ۸۱
۳- همان، جلد ۱۲، ص ۲۸۵

جدی بکشاند.

مقامات کاخ سفید بارها اعلام نموده‌اند؛ که فشار فلج‌کننده تحریم‌ها جمهوری اسلامی ایران را مجبور به آمدن پای میز مذاکره کرده است، برای نمونه؛ «باراک اوباما» در سخنرانی خود در روز ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۳ با اشاره به اجرای تحریم‌های فلج‌کننده بر اقتصاد ایران می‌گوید:

«در خصوص ایران، با توجه به تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که به اجرا گذاشته‌ایم که آثار واقعی و فلج‌کننده‌ای بر اقتصاد ایران داشت، آنان به میز مذاکرات آمدند و برای نخستین بار به‌صورت جدی در خصوص اطمینان دادن از اینکه به‌سوی سلاح اتمی حرکت نمی‌کنند، صورت دادند. هم‌چنین آنان به قوانین (توافق) موقت پای بند بودند، موفق شدیم برنامه آنان را متوقف کنیم.»

در همین زمینه «رابرت منندز» روز ۹ آوریل ۲۰۱۴، در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا گفته است:

«علت آنکه آن‌ها (ایران) سر میز مذاکرات حاضر شدند نیز همین رژیم تحریم‌ها بوده است. بر اساس اقدامی که ما صورت می‌دهیم آن‌ها محاسبه خواهند کرد که چنین تصمیمی بگیرند یا خیر؛ و تصمیم خواهند گرفت که عواقب این کار برای اقتصاد کشور به چه صورت است. نگرانی آیت‌الله‌ها درباره تغییر رژیم بوده است اعم از اینکه این کار به چه صورت انجام شود یا از داخل کشور باشد. آن‌ها به نقش عامل کاتالیزور اقتصادی در این زمینه توجه دارند.»

تکیه‌بر این مطلب که؛ جمهوری اسلامی در اثر فشار تحریم‌ها مجبور به آمدن به‌پای میز مذاکره شده است و نهایتاً پذیرفته است که راه‌حل اصلی برای پایان دادن به یک مناقشه از طریق روی آوردن به ایالات‌متحده امکان‌پذیر شده است. این مسئله بیش از هر چیز یک پیام بسیار معنادار برای افکار عمومی جهان می‌تواند داشته باشد؛ «جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه ادعا می‌نمود مستقل بوده و در برابر تمامی فشارها ایستاده است مجبور به پذیرش یک گزینه آمریکایی شده است».

درواقع با القای این نکته که؛ جمهوری اسلامی با صرف‌نظر از همه حرف‌های دوران گذشته خود حقیقت‌های یک جامعه بین‌المللی را پذیرفته و از اصلی‌ترین سیاست خارجی خود یعنی مبارزه با استکبار دست کشیده است، می‌تواند بهترین عامل بازدارنده در برابر همه جریان‌های ضدآمریکایی در دنیا ازجمله بیداری اسلامی گردد.

لذا تغییر رفتار و مواضع مقامات کشورهایی باسابقه ضدآمریکایی پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای را می‌توان در همین راستا ارزیابی نمود. «اوو مورالس» رئیس‌جمهوری

بولیوی که از مخالفین جدی طرح‌های ایالات‌متحده در آمریکای جنوبی بوده و در سال ۲۰۰۸ سفیر آمریکا را به اتهام توطئه با مخالفان محلی برای سرنگون کردن وی، از بولیوی اخراج نموده پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات موضع‌گیری قابل‌تأملی دارد:

«ما امروز تصمیم گرفته‌ایم برای بازگشت به روابط خوب با آمریکا تلاش کنیم، نمی‌توانم بگویم چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد؛ اما امیدوارم بتوانیم به آن دست‌یابیم. قبلاً آمریکا به ما می‌گفت با ایران رابطه نداشته باشید. اکنون آمریکا از روابطی خوب با ایران برخوردار است؛ بنابراین ما نمی‌توانیم در عرصه بین‌المللی کنار بنشینیم و هیچ اقدامی نکنیم.»

٦. هضم اقتصاد ایران در ساختار جهانی

جو بایدن معاون ریاست جمهوری آمریکا، ۶ دسامبر ۲۰۱۴:

«ایران باید از فرصت تاریخی استفاده و ثابت کند که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و از این طریق به‌طور کامل به اقتصاد جهانی و جامعه‌ی کشورها بپیوندد.»

نفوذ اقتصادی آمریکا از دریچه مذاکرات هسته‌ای

به‌طور کلی فرآیند نفوذ و دخالت ایالات متحده در سازوکارها و تحولات اقتصادی جمهوری اسلامی از مجرای مذاکرات هسته‌ای در قالب چهار مسیر قابل تصوّر می‌باشد.

۱-سرمایه‌گذاری خارجی و تشویق ایران به عضویت در نهادهای اقتصادی بین‌المللی

۲-حفظ حاکمیت دلار در ایران

۳-فتح بازار ایران و تأمین منافع اقتصادی آمریکا و اروپا

در شرایطی که اقتصاد داخلی توان رقابت با شرکت‌های خارجی را ندارد حضور ایران در ساختارهای اقتصاد جهانی قطعاً ظرف چند سال منجر به از بین رفتن تولید ملی و کسب‌وکار داخلی می‌شود. حضور بی‌ملاحظه شرکت‌های خارجی و در پی آن حذف رقیب‌های داخلی‌شان باعث نفی استقلال اقتصادی کشور گردیده و عملاً وابستگی کشور به غرب افزایش می‌دهد. با بی‌رمق شدن تولید ملی، ایران به کشوری واردکننده تبدیل می‌گردد که مجبور است به‌جای تقویت بنیه اقتصادی خود از طریق صادرات غیرنفتی بر صادرات مواد اولیه و منابع خود اقدام نماید. ایران برای تأمین بودجه و نیاز کشور مجبور است وابستگی بیشتری به فروش نفت پیدا کند و اقتصاد بدون نفت به آرزویی دست‌نیافتنی تبدیل خواهد. در چنین شرایطی که شرکت‌های چندملیتی رمق اقتصاد داخلی ایران را گرفته‌اند نهادهای بین‌المللی پیشنهاد دریافت وام و سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری را خواهند داد. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که

به ورشکستگی کشور منجر گردد. «جان پرکینز» مأمور سازمان امنیت ملی آمریکا در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، کتابی را با عنوان «*اعترافات یک جنایتکار اقتصادی*» تدوین نموده است. او در این کتاب چنین می‌نویسد:

«این همان کاری است که جنایتکاران اقتصادی بهتر از همه از عهده آن برمی‌آیند، یعنی ایجاد امپراتوری جهانی. جنایتکاران اقتصادی متشکل از مردان وزنان نخبه‌ای است که با استفاده از سازمان‌های مالی بین‌المللی شرایطی را مهیّا می‌سازند تا سایر ملل را به تبعیت از ابر شرکت سالاری وادارند که ترکیبی است از شرکت‌های بزرگ، دولت و بانک‌های ما. این دست‌ودل‌بازی در اَشکال وام برای ساختن پروژه‌های زیربنایی از قبیل نیروگاه‌های برق، بزرگراه‌ها، بندرها فرودگاه یا شهرک‌های صنعتی عرضه می‌شود. بااین‌وجود اعطای چنین وام‌هایی مشروط است به واگذاری اجرای کلیه طرح‌ها به شرکت‌های مهندسی و سازنده آمریکایی. درواقع بخش اعظم وام‌ها هیچ‌گاه از ایالات‌متحده خارج نمی‌شود بلکه صرفاً از بانک‌های واشنگتن به‌حساب دفاتر مهندسی در نیویورک، هستون یا سانفرانسیسکو انتقال می‌یابد. به‌واقع تسهیلات اعطایی تقریباً بلافاصله به ابر شرکت‌های عضو ابر شرکت سالاری عودت داده می‌شود، لیکن از کشور وام‌گیرنده خواسته می شوکه اصل‌وفرع وام را تمام و کمال بازپرداخت کند. درصورتی‌که جنایتکار اقتصادی کارش را به‌خوبی انجام داده باشد، کشور وام‌گیرنده ظرف چند سال باید در موقعیت ورشکستگی و عدم توانایی در پرداخت اقساط وام گرفتار شود. وقتی این امر به وقوع می‌پیوندد، ما مثل مافیاها، تکه‌ای از گوشت کشور قربانی را مطالبه می‌کنیم. غالباً این مطالبات شامل یک یا چند مورد از موارد زیر است؛ کنترل و در اختیار گرفتن حق رأی کشور بدهکار در سازمان ملل، ایجاد پایگاه‌های نظامی یا دستیابی به منابع ارزشمند طبیعی از قبیل نقت و ... در چنین حالتی یک کشور دیگر به جرگه امپراتوری جهانی افزوده می‌شود.»

درمجموع می‌توان گفت که حرکت در ریل اقتصادی مذاکرات هسته‌ای باعث هضم اقتصاد ایران در ساختار اقتصاد جهانی گشته و اجازه دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در برنامه‌های مدیریتی و اقتصادی ایران را فراهم می‌آورد. «باراك اوباما» پس از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای در وین با اشاره به این نکته می‌گوید:

«مسیر خشونت و ایدئولوژی خشک و متصلّب، سیاست خارجی مبتنی بر تهدیدات برای حملات به همسایگانتان یا محو اسرائیل، این‌یک مسیر رو به بن‌بست است. یک مسیر متفاوت، مسیر تسامح و حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها به تعمیق بیشتر به اقتصاد جهانی،

تعامل بیشتر با جامعه بین‌المللی و توانایی مردم ایران برای توفیق منجر خواهد شد. این توافق فرصتی برای حرکت در یک مسیر جدید است ما باید آن را غنیمت بدانیم.»

۷. احیای سنت رهبری آمریکا

«باراک اوباما» پس از اعلام پایان مذاکرات هسته‌ای وین، ۱٤ ژانویه ۲۰۱۵:

«توافق وین نشان می‌دهد که دیپلماسی آمریکا می‌تواند تغییر واقعی و معنادار ایجاد کند، تغییری که کشور ما و جهان را امن‌تر می‌کند و این توافق باسنت رهبری آمریکا همسو است.»

این اولین بار نیست که اصطلاح رهبری آمریکا از سوی یک مقام عالی‌رتبه آمریکایی مطرح می‌گردد و البته آخرین بار هم نخواهد بود. ادعای مسئولیت رهبری آمریکا در جهان مدت‌هاست که تبدیل به ترجیع‌بند سیاست‌های راهبردی ایالات‌متحده شده است. خود رهبر پنداری آمریکا در جهان به‌عنوان یک راهبرد کلان در سیاست‌های بین‌المللی ایالات‌متحده امری غیرقابل‌انکار هست. رهبری دنیای جدید توسط آمریکا، به‌منظور شکل دادن به ساختار در حال گذار نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای که تأمین‌کننده منافع ملی آمریکا باشد، پی‌جویی می‌شود.

«باراک اوباما» در دیباچه سند راهبرد امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۵ که پایگاه اطلاع‌رسانی کاخ سفید آن را منتشر نمود، آورده است:

«هر راهبرد موفقی برای حصول اطمینان از امنیت مردم آمریکا و پیشبرد منافع امنیت ملی کشور باید با این حقیقت غیرقابل‌انکار شروع شود که آمریکا باید رهبری کند. رهبری قوی و مستمر آمریکا برای نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون، ضروری است ... سؤال مطرح هرگز این نبوده است که آیا آمریکا باید رهبری کند یا خیر بلکه سؤال مطرح این است که آمریکا چگونه این کار را انجام بدهد ... (راهبرد امنیت ملی) عزم و نویدِ قدرت آمریکا را شفاف و روشن می‌سازد. هدفِ آن، پیشبرد منافع و ارزش‌های ما، با برنامه‌های مشخص و از موضع قدرت، است. ما هر دشمنی را که بخواهد امنیت ملی ما و متحدانمان را تهدید کند، بازمی‌داریم و شکست می‌دهیم.»

به‌طورکلی به نظر می‌آید، ایالات‌متحده از سه مسیر راهبرد رهبری خود برجهان را دنبال نموده است:

۱. مدیریت سازمان‌های بین‌المللی

۲. قدرت اقتصادی و جهان‌شمول بودن دلار

۳. تحمیل ارزش‌های آمریکایی به‌عنوان ارزش‌های جهانی

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴، با اشاره به تأثیر قدرت فزاینده اقتصاد آمریکا در تحکیل رهبری خود برجهان، گفته است:

«قدرت فزاینده اقتصادی آمریکا، پایه و اساس امنیت ملی کشور و منبع اصلی نفوذ ما در خارج از کشور است. در حال حاضر ما رهبر جهان در زمینه تولید گاز و نفت هستیم. ما همچنان تعیین‌کننده سرعت علوم، فنّاوری و نوآوری در اقتصاد جهانی هستیم.»

او هم چنین در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۱۴ در دانشکده نظامی وست پوینت مشخصاً اعلام نمود:

«چهارمین عنصر از رهبری آمریکا در دنیا به کرامت انسانی مربوط می‌شود. حمایت آمریکا از دمکراسی و حقوق بشر فراتر از ایده آل گرایی است و به موضوع امنیت ملی آمریکا مربوط می‌شود.»

چگونگی پیگیری سنت رهبری در مذاکرات هسته‌ای

رفتار واشنگتن در راستای تحقق رهبریش در موضوع پرونده هسته‌ای ایران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود در این زمینه، به‌طور خلاصه در سه سطح قابل تبیین می‌باشد:

ادعای اولیه مبنی بر مشکوک بودن برنامه هسته‌ای ایران

در این زمینه ایالات متحده با استمداد از نفوذ خود در نهادهای بین‌المللی ضمن اعمال فشار بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت عدم تأیید فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران، مقدمات لازم برای انتقال غیر قانونی پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را فراهم آورده و بارها از تریبون‌های رسمی گوناگون، ایران را به‌عنوان یک تهدید بزرگ برای صلح و امنیت بین‌المللی معرفی نمود. آمریکا به برکت تحمیل ارزش‌های خود در فضای بین‌المللی دخالت مستقیم خود در پرونده هسته‌ای ایران را با بهانه مقابله با تروریسم و کمک به صلح و ثبات در جهان مشروعیت بخشید.

طراحی و اعمال رژیم بی‌سابقه تحریم

کاخ سفید جهت ایجاد محدودیت‌های فلج کننده بر سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، با دست‌اندازی در تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل اقدام به طراحی و صدور شش قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران در این شورا نمود که در پی آن ضمن قانونی نمودن وجهه تحریم‌های مالی و اقتصادی خود، سایر اعضای سازمان ملل و اتحادیه اروپا را مجاب به اعمال بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه یک ملت نمود. ایالات متحده با توجه به قدرت مانور گسترده در مناسبات اقتصادی جهان و سیطره دلار بر بازارهای مالی توانست فشارهای اقتصادی علیه ایران را به دشوارترین مقطع بکشاند.

«دیوید کوهن» که از او با عنوان معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران یاد می‌شود، در سخنرانی خود در جمع دانشجویان مؤسسه‌ی آموزشی وکالت با عنوان تکامل قدرت مالی آمریکا تصریح می‌کند که موفقیت در اعمال تحریم‌های ایران، بر چندپایه استوار بوده است؛ که اصلی‌ترین آن نفوذ و گستره‌ی استفاده از دلار در اقتصاد جهانی که اجازه‌ی تنبیه بازیگران را می‌دهد.

مدیریت مذاکرات حقوقی در قالب ۵+۱

کاخ سفید با بهره‌گیری از نفوذ تمام عیار خود در سازمان ملل از همان ابتدای حضورش در مذاکرات هسته‌ای با ایران توانست مدیریت و راهبری مسیر مذاکرات را بدست گیرد. به نحوی که متصدّی اصلی تهیه پیش‌نویس‌ها پیش از مذاکرات و انتشار متون تفسیری پس از مذاکرات، تیم مذاکره کننده آمریکایی بود؛ اما مهم‌ترین بخش راهبری آمریکا در موضوع پرونده هسته‌ای ایران را بایستی در نقش این کشور در تصمیم‌گیری نهاییِ رضایت یا عدم رضایت به توافق نهایی با ایران جستجو نمود.

بنابراین ایالات‌متحده در موضوع پرونده هسته‌ای ایران در پی آن است تا به برکت زیرساخت‌های دائمی خود در فضای بین‌المللی، بار دیگر از موضع رهبری واردشده تا ضمن پیاده‌سازی سناریوهای خود در قبال جمهوری اسلامی به تمام جهانیان ثابت نماید که همچنان ژاندارم، مدیر و رهبر تحولات سیاسی دنیاست.

این همان موضوعی است که «باراک اوباما» در خلال مذاکرات هسته‌ای بارها به آن اشاره داشته است، وی پس از اعلام پایان مذاکرات هسته‌ای وین در سخنرانی خود می‌گوید:

«تاریخ نشان خواهد داد که آمریکا باید رهبری کند، البته نه‌فقط باقدرتمان بلکه با اصولمان. این نشان می‌دهد که ما وقتی تنها نیستیم قوی‌تر هستیم به‌ویژه وقتی ما جهان را به هم نزدیک می‌کنیم. بیانیه امروز (وین) فصلی دیگر در توسل به جهان امیدوارکننده‌تر ایجاد کرد.»

او هم‌چنین در دانشکده نظامی وست پوینت در ۲۸ مه ۲۰۱۴، با اشاره به نقش رهبری آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران، می‌گوید:

«نکته این است که رهبری آمریکا همین است. این قدرت آمریکا است. ما در هر دو مورد ایران و اوکراین ائتلافی را برای پاسخ دادن به یک چالش خاص تشکیل دادیم.»

۸. تحدید توان موشکی و دفاعی ایران

«جان کری» وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه با رویترز:

«خارج از این توافق‌نامه، قطعنامه مشخصی وجود دارد که ارسال تسلیحات از سوی

آن‌ها به حزب‌الله را منع می‌کند. قطعنامه مشخص و جداگانه‌ای وجود دارد که آن‌ها را از ارسال سلاح به شبه‌نظامیان شیعه در عراق منع می‌کند. با داشتن توافق هسته‌ای، دستمان برای مقابله با ایران در حوزه دیگر اختلافاتمان با این کشور، بازتر خواهد بود.»

یکی از کلیدواژه‌های پُرکاربرد در ادبیات دیپلماتیک مقامات آمریکایی حول پرونده هسته‌ای ایران در چند سال گذشته برنامه موشکی ایران بوده است. موضوعی که مقامات کاخ سفید در غالب اجلاس‌های مطبوعاتی، جلسات سخنرانی و استماع، پیرامون وضعیت آن در توافق جامع اظهارنظر نموده‌اند. تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای، تغییر موازنه نظامی خلیج‌فارس، تجهیز جریان‌های مقاومت به سامانه‌های موشکی و تهدید امنیت اسرائیل از دلایل اهمیت برنامه موشکی ایران برای آمریکاست.

دولتمردان آمریکایی در خلال روند مذاکرات هسته‌ای با ایران، همواره با طرح موضوع موشک‌های بالستیک ایران دغدغه جدی خود را جهت اعمال محدودیت بر این توانمندی متعارف جمهوری اسلامی ابراز نمودند. با توجه به اسناد موجود به نظر می‌رسد آنان در سه مسیر در پی اجرای سیاست‌های خود در قبال این مسئله هستند:

الف- اعمال محدودیت با تمسّک به قطعنامه‌های شورای امنیت

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که پیرو جمع‌بندی برجام به تصویب رسید، در ضمیمه B خود، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد محدودیت‌هایی را بر موشک‌های بالستیک ایران اعمال کرده است. دربند ۳ ضمیمه B[1] از ایران خواسته‌شده است تا هشت سال پس از پذیرش برجام، دست به هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی‌شده برای داشتن قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای (Ballistic Missiles Designed to be capable of delivering nuclear weapons) ازجمله شلیک موشک با استفاده از تکنولوژی این دست موشک‌های بالستیک، نزند.

کلمه قابلیت، طیف وسیعی از موشک‌ها را مشمول این بند فصل هفتمی تحریم می‌کند. این مسئله با توجه به رویه سابق شورای امنیت در رابطه با موشک‌های ایران کاملاً روشن می‌گردد. پنل ۸ نفری متخصصان (Panel of Experts) که طبق بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ ایجاد و مأمور گزارش دهی درباره پایبندی ایران به قطعنامه شده بود، گزارشی را در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۳ ارائه کرد که با پاراف رئیس شورای امنیت به‌عنوان سند سازمان ملل ثبت‌شده است.

۱- دربند سوم از بیانیه عنوان‌شده است: «از ایران خواسته می‌شود تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی‌شده باقابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد، ازجمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از چنین فنّاوری‌های مربوط به موشک‌های بالستیک، تا زمان هشت سال پس از روز پذیرش برجام و یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد که «جمع‌بندی مبسوط» را تأیید کند، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد.»

دربند ۸۴ این گزارش، متخصصان به‌صراحت موشک‌های شهاب ۱ و شهاب ۳ ایران را «قادر به حمل کلاهک هسته‌ای» شناسایی کرده و آزمایش آن‌ها در رزمایش پیامبر اعظم (ص) را ناقض قطعنامه شورای امنیت دانسته است.

ب- بازنمودن باب مذاکرات موشک‌های بالستیک

برای نخستین بار وزیر دفاع آمریکا به‌عنوان یک مقام آمریکایی به‌صراحت اعتراف نمود طراحی آمریکا این است که پس از رسیدگی به موضوع هسته‌ای، به سراغ برنامه موشکی ایران برود. «چاک هیگل» این موضوع را در ۲۳ می ۲۰۱۴، در مصاحبه با شبکه آمریکایی بلومبرگ مطرح نمود:

«اگر ما در دوره‌ی شش‌ماهه که همیشگی نخواهد بود و در ماه ژوئیه به پایان خواهد رسید، به توافق ۱+۵ با ایران دست‌یابیم، این توافق یک مسیر دوطرفه خواهد بود. من می‌دانم که ایرانی‌ها در این مورد حرفی برای گفتن دارند اما اگر ما بتوانیم به آن چیزی که می‌خواهیم دست‌یابیم، سپس به گام بعدی یا موضوع بعدی که شاید موشک بالستیک باشد بپردازیم.»

ج- اعمال فشار بر افکار عمومی ایران

مقامات آمریکایی بارها اعلام نموده‌اند که در صورت دستیابی به یک توافق احتمالی ساختار اصلی تحریم‌های خود علیه ایران را حفظ نموده و از این اهرم در جهت پیگیری سایر اهداف راهبردی خود بهره خواهند جست. در همین ارتباط «باراک اوباما» در نخستین مصاحبه‌اش با الشرق الاوسط اعلام نمود:

«ما به اجرای کامل تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم و برنامه موشکی بالستیک این کشور ادامه داده‌ایم و این تحریم‌ها را همچنان و حتی پس از دستیابی به یک توافق هسته‌ای با ایران، اجرا خواهیم کرد.»

برجسته نمودن اثرات تحریم‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک ایران در کنار حفظ رژیم اصلی تحریم‌های اقتصادی، بعد از دستیابی به یک توافق هسته‌ای نتیجه منطقی‌اش هدایت افکار عمومی ایران به سمت فشار به حاکمیت در جهت پایین آوردن سطح این توانمندی‌ها خواهد بود. مسئله‌ای که در گزارش «موسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن» نیز بدان پرداخته‌شده است:

«در شرایط فعلی که قیمت نفت رو به کاهش است، بهترین فرصت است که به ایرانی‌ها گفته شود علاوه بر آن‌که توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما مخاطرات فراوانی به دنبال دارد، به نفع ایران است که به‌جای سرمایه‌گذاری برای توسعه توان

موشکی، بودجه خود را صرف توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و بخش‌های اجتماعی و محیط‌زیست کند خصوصاً آن‌که ایران در این بخش‌ها عقب‌ماندگی زیادی دارد.»

9. حفظ اجماع جهانی علیه ایران

«باراک اوباما» در گفتگو با توماس فریدمن خبرنگار نیویورک تایمز، ژانویه ۲۰۱۵:

«ما با توافق وین عملاً یک دهه اجماع بین‌المللی را پیش‌خرید کرده‌ایم تا اگر احساس کنیم ایران هرکدام از این توافقات را نقض می‌کند، به ما بپیوندند اما ده یا پانزده سال دیگر، کسی که در جای من رئیس‌جمهور آمریکا خواهد بود، چه جمهوری‌خواه و چه دموکرات، نه‌فقط همین ظرفیت را برای اقدام نظامی لازم یا اعمال تحریم‌های جدید دارد، بلکه نگاه دقیق‌تری درباره برنامه هسته‌ای ایران خواهد داشت و در جایگاه بهترین قرار خواهد داشت و اگر قرار باشد با نقض این توافق‌نامه برخورد کند، مشروعیت و مجوز بین‌المللی خواهد داشت.»

بی‌شک عامل اصلی در توانایی ایالات‌متحده آمریکا برای به ثمر نشاندن طراحی‌های تحریمی خود علیه ایران، ایجاد یک اجماع جهانی بوده است. اتخاذ سیاست‌های تحریمی و اجرای آن در شرایط فعلی اقتصاد جهانی اقدامی است که به‌طرفین تحریم کننده و تحریم شونده آسیب‌رسان خواهد بود. برای مثال کشور فرانسه که یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا به ایران در اتحادیه اروپا تا پیش از وضع تحریم‌ها بود، در طی سه سال اجرای تحریم‌ها ۳,۲۶۱ میلیارد یورو از محل صادرات به ایران زیان‌دیده است. با در نظر داشتن چنین نمونه‌هایی، اقناع دولت‌ها در جهت خودداری از انجام فعالیت‌های مالی و اقتصادی با ایران فرآیند بسیار پیچیده خواهد بود. «هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود با عنوان «انتخاب سخت» گوشه‌ای از دیپلماسی فعال این کشور را برای اجماع سازی علیه ایران و اعمال تحریم‌های چندجانبه نشان می‌دهد، مانند:

«هند و چین از کاهش واردات نفت از ایران در هراس بودند، اما توانستیم آن‌ها را متقاعد کنیم اگر در قطعنامه تحریم علیه ایران شرکت نکنید، ممکن است یک درگیری نظامی پیش آید و آن موقع همین مسئله نفت در حوزه وسیع‌تری بی‌ثبات می‌شود»

پاشنه محوری تحمیل سیاست‌های ایالات‌متحده به سایر کشورهای عضو سازمان ملل جهت اعمال برنامه‌های تحریمی آمریکا، تعهد به حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران از مسیر دیپلماتیک بوده است. مسئله‌ای که «وندی شرمن» عضو ارشد مذاکره‌کننده آمریکایی، در جمع گروهی از یهودیان آمریکا در ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، بدان تصریح داشته است:

«دلیل اینکه ما توانستیم تحریم‌ها را به‌طور فراگیر و جمعی بر ضد ایران حفظ کنیم تعهد برای حل‌وفصل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران بود؛ بنابراین کشورهای سراسر جهان حتی متحدان خوبی مانند ژاپن و کره جنوبی تمایل داشتند که واردات نفت خود را از ایران محدود کنند زیرا بر این باور بودند که ما در تلاش برای حل‌وفصل صلح‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران هستیم. اگر آن‌ها احساس کنند که ما در مسیر دستیابی به توافق صلح‌آمیز هسته‌ای نیستیم احتمال دارد که تعهد خود در این زمینه را رها کنند و ما دیگر قادر به حفظ تحریم‌ها نخواهیم بود.»

لذا چنان چه در ادامه روند بی‌نتیجه و بی توافق، شکست مذاکرات اعلام می‌شد، کاخ سفید جهت حفظ فشار تحریمی بر ایران به‌شدت دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گشت. در همین رابطه آنچه در بخش جمع‌بندی گزاره برگ کاخ سفید پیرامون توافق اولیه با ایران در آذرماه ۱۳۹۲ منتشر گردید، نیز بسیار روشن و البته حائز اهمیت هست:

«اگر توافق مرحله‌ای حاصل نمی‌شد، تحریم‌های بین‌المللی با خطر فروپاشی روبرو می‌شد زیرا ایران می‌توانست ادعا کند که در مذاکره جدی بوده اما غرب جدی نبوده است. در این صورت ما نمی‌توانستیم شرکای خود را به ادامه کار و اجرای تحریم متقاعد سازیم.»

نتیجه آن‌که ایالات‌متحده از یک‌سو با ادعای آغاز حل‌وفصل دیپلماتیک پرونده هسته‌ای ایران در قالب یک توافق جامع، شرکای بین‌المللی خود را به ادامه راه تحریم و حفظ اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را برای یک بازه بلندمدت — زمان اتمام گام نهایی توافق جامع - مجاب خواهد کرد و از سوی دیگر با حفظ رژیم اصلی تحریم‌ها[1] ذیل توافق جامع، اهرم اصلی فشار خود بر ایران را به بهترین نحو حفظ خواهد نمود.

«باراک اوباما» پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای در گفتگو با توماس فریدمن خبرنگار مشهور نیویورک‌تایمز برخی از ابعاد توافق جامع هسته‌ای با ایران را تشریح نمود، وی به‌خوبی چگونگی بهره‌گیری از یک توافق جامع جهت حفظ اجماع بلندمدت علیه ایران را تبیین می‌نماید:

«ما در این قرارداد چیزی از دست نمی‌دهیم. ما ظرفیت خود را برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از دست نمی‌دهیم. ما با این توافق عملاً یک دهه اجماع بین‌المللی را

۱- جهت بررسی چگونگی حفظ ساختار تحریم‌ها در توافق جامع رجوع شود به گزارش «از تعلیق تا لغو؛ برجام چگونه تحریم‌های ایران را رفع می‌کند؟»، صادق قربانی، خبرگزاری فارس:
http://www.farsnews.com/13940514000054

پیش‌خرید کرده‌ایم تا اگر احساس کنیم ایران هرکدام از این توافقات را نقض می‌کند، به ما بپیوندند.»

۱۰. برچیدن صنعت هسته‌ای

«جان کری» در پاسخ به سؤال خبرنگاری در واشینگتن، ۱۰ نوامبر ۲۰۱۳:

«آمریکا قصد دارد به‌عنوان اولین گام برای حرکت به سمت برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران، تهران را از توسعه بیشتر این برنامه بازدارد»

توقف و برچینی برنامه هسته‌ای ایران بی‌شک یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های کاخ سفید برای پیگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران بوده است، تصمیم سازان آمریکایی همواره تحقق چنین موضوعی را در دو مسیر گزینه نظامی یا راه‌حل دیپلماتیک جستجو نموده و بر اعمال آن پافشاری داشته‌اند.

اما طراحی دیپلماتیک ایالات‌متحده در جهت برچینی برنامه هسته‌ای ایران را در پنج مسیری که در ادامه می‌آید، می‌توان متصور بود:

۱. محدودیت در مسیر تحقیق و توسعه

بنا بر گزارش ماه مه ۲۰۱۵، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران در حال تحقیق و توسعه بر روی سانتریفیوژهای IR-2، IR-4، IR-5، IR-6 و IR-8 بوده است. ظرفیت غنی‌سازی این ماشین‌های نسل جدید به مراتب بیشتر ماشین‌های IR-1 است. سانتریفیوژهای IR-8 با ظرفیت اسمی غنی‌سازی ۲۴ سو توانایی ایجاد جهشی بزرگ در این صنعت را دارد لذا پیشروی برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های آینده منوط به انجام کامل تحقیقات بر روی این نسل از ماشین‌هاست.

«ارنست مونیز» وزیر انرژی امریکا در گفت‌وگویی با شبکه تلویزیونی بلومبرگ اعلام کرد که بر مبنای توافق:

«در ده سال اول هیچ غنی‌سازی‌ای توسط هیچ سانتریفیوژ پیشرفته انجام نخواهد شد و فقط سانتریفیوژهای اولیه آن‌ها یعنی IR-1 در این مدت اجازه فعالیت خواهد داشت»

۲. سمبلیک کردن برنامه غنی‌سازی ایران

سیر پیشروی‌های آمریکا برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران و تبدیل آن به یک صنعت دکوری موجب کاهش شدید تعداد و ظرفیت سانتریفیوژهای ایران شد و باعث شد تا تعداد سانتریفیوژهای ایران از ۱۹۰۰۰ کنونی به ۶۱۰۴ دستگاه می‌رسد که در ۱۰ سال آینده تنها ۵۰۶۰ عدد از آن‌ها اورانیوم غنی‌سازی خواهند کرد و تمامی این سانتریفیوژها از نوع IR-1 خواهد

بود.
لذا از همین روست که «وندی شرمن» معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا در روز ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، نقش محدودیت‌های اعمال‌شده بر فرآیند غنی‌سازی را یکی از عوامل اصلی توقف برنامه هسته‌ای ایران بشمرده است:
«اما تنها مسئله‌ای که موجب متوقف شدن برنامه هسته‌ای ایران شد طرح مشترک اقدام بود. این توافق موجب شد برنامه هسته‌ای ایران درجایی که بود متوقف شود و این کشور همزمان تمام ذخیره اورانیوم غنی‌شده خود در سطح بیست درصد را نابود کرد و این بسیار مهم است، بنابراین تنها چیزی که موجب توقف برنامه هسته‌ای شد توافق اولیه بوده است.»

۳. تغییر کاربری مجتمع غنی‌سازی فردو

فردو یکی از تأسیسات اتمی ایران بوده که در اعماق ۹۰ متری زمین و در پوشش کوه قرارگرفته است. بر همین اساس امنیت دفاعی آن بالا بوده و هیچ کشوری قادر به انهدام آن نمی‌باشد. این مرکز توانایی استقرار حدود ۳۰۰۰ سانتریفیوژ را دارد. کاخ سفید قصد دارد تا به‌طور جدّ به ادامه کار این مرکز پایان دهد. «وندی شرمن» در جلسه پرسش و پاسخ با سناتورهای کنگره می‌گوید:

> «رئیس‌جمهور و وزیر خارجه اخیراً ابعاد خاص از انتظارات ما را تبیین و تشریح کردند. همان‌طور که رئیس‌جمهور در مرکز سابان (هفتم دسامبر ۲۰۱۳) گفت، ما می‌دانیم ایران برای یک برنامه صلح‌آمیز نیازی به یک مرکز زیرزمینی و مستحکم غنی‌سازی مثل فردو ندارد... توافق شده است که فردو دیگر مرکز غنی‌سازی نباشد و اصلاً اگر قرار است برنامه‌ای برای غنی‌سازی در ایران در کار باشد، تنها تأسیسات غنی‌سازی موجود، نطنز خواهد بود. بحث‌ها درباره اینکه چه بر سر فرود خواهد آمد، ادامه دارد»

بر همین اساس در ادامه مذاکرات فردو که یک مرکز غنی‌سازی هسته‌ای بود با تغییر ماهیت و کاربری به یک مرکز تحقیقات فیزیک تبدیل شد. مرکزی که نه‌تنها اجازه غنی‌سازی در آن وجود نداشته بلکه در مورد مواد شکافت پذیر نیز نمی‌تواند تحقیق کند.

۴. بازطراحی رأکتور آب‌سنگین اراک

رأکتور ۴۰ مگاواتی اراک به‌عنوان یکی از ارکان برنامه هسته‌ای کشور بوده و قرار بود جایگزین رأکتور تهران گردد. این رأکتور نیاز به غنی‌سازی اورانیوم نداشته و بازدهی آن نسبت به رأکتورهای آب سبک چند برابر هست. آمریکا از همان ابتدا با ادعای تولید پلوتونیوم در این رأکتور و استفاده از آن برای تولید سلاح و بمب هسته‌ای بهانه را برای از بین بردن این رأکتور ایجاد کرد.

«جان کری» در جلسه کنگره آمریکا با گره زدن رأکتور آب‌سنگین اراک با سایر موضوعات بر تخریب این رأکتور تأکید می‌نماید:

«متن طرح مشترک اقدام تصریح‌شده است که هیچ‌چیزی موردتوافق نخواهد بود مگر آنکه در مورد همه‌چیز توافق شود. این طرح همانند یک طرح با اجزاء مختلف است که همه اجزای آن باید در کنار هم قرار بگیرند. من به شما اطمینان خاطر می‌دهم که ما تلاش می‌کنیم تا طولانی‌ترین زمان ممکن درباره رسیدن به فرار هسته‌ای را به دست بیاوریم. گزینه‌های متفاوتی وجود دارد مبنی بر اینکه چگونه می‌توان این کار را انجام داد اما نکته مهم این است که رأکتور آب‌سنگین پلوتونیوم برای این کار لازم نیست»

آن‌ها سرانجام با مطرح کردن بازطراحی رأکتور اراک عملاً اقدام به تخریب آن نمودند. بر همین اساس توافق شد تا قلب رأکتور اراک خارج گردیده و تمام نافذ آن با بتن پر شود.

۵. تدوین نظام بازرسی و نظارت‌های بی‌سابقه

آمریکا اهداف بنیادینی از اعمال نظام بازرسی‌ها در ایران دارد. آن‌ها که تا پیش از توافق ژنو اطلاعات دقیقی از نحوه تأمین قطعات و مواد در ایران نداشتند توانستند تا از طریق مسیری به زنجیره تأمین صنعت هسته‌ای کشور از ابتدای استخراج مواد در معدن تا استفاده از مواد غنی‌شده در رأکتورها دست یابد. «آنتونی بلینکن» معاون وزیر امور خارجه امریکا روز ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ در جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنا در مورد برنامه هسته‌ای ایران به دسترسی کاخ سفید به زنجیره تأمین صنعت هسته‌ای ایران اشاره نموده و می‌گوید:

«قبل از طرح اقدام مشترک بازرسان امکان کمتری برای بازرسی تأسیسات هسته‌ای ایران داشتند. امروز به‌موجب توافق طرح اقدام مشترک بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توانند روزانه از تأسیسات غنی‌سازی ایران بازرسی کنند و به فهم و درک عمیق‌تری از برنامه هسته‌ای ایران برسند. آن‌ها می‌توانند از موارد مربوط به تولید سانتریفیوژهای ایران، معادن اورانیوم و دیگر تأسیساتی که در نظارت روند برنامه هسته‌ای ایران مهم هستند مطلع شوند.»

دست‌یابی آمریکا به این اطلاعات باعث از بین بردن زنجیره تأمین کشور و ایجاد ناامنی برای متصدیان این صنعت می‌گردد. به‌خصوص آن‌که با انجام بازرسی‌ها و نظارت‌های ویِژه، اطلاعات دانشمندان هسته‌ای کشور در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرارگرفته و به این وسیله سرویس‌های جاسوسی غرب نیز مطلع می‌گردند.

لذا در همین ارتباط، در گزارش آذرماه ۹۳ «موسسه صلح آمریکا» که به امضای ۱۳ مقام باسابقه امنیتی، نظامی و سیاسی آمریکا نیز رسیده، پیرامون نسبت توقف برنامه هسته‌ای

ایران و اعمال نظارت‌های شدید عنوان‌شده است:

«ما بر این باوریم که حصول یک توافق جامع که اجزای کلیدی برنامه هسته‌ای ایران را متوقف ساخته و به عقب بازگرداند و بر میزان نظارت شدید بر این برنامه بیفزاید بهترین ابزار جهت محقق ساختن هدف مشترک ماست؛ یعنی ممانعت از تبدیل‌شدن ایران به یک کشور هسته‌ای.»

همان‌گونه که پیداست واشنگتن در به اجرا درآوردن سناریوی خود برای برچینی برنامه هسته‌ای ایران، مسیری دومرحله‌ای را طراحی نموده است، ابتدائاً با توقف ابعاد اساسی این برنامه از پیشروی هرچه بیشتر این صنعت در کشور جلوگیری نمایند و در ادامه با اعمال عقب‌گرد از طریق خارج نمودن بسیاری از مواد، تجهیزات، تأسیسات و نیروی انسانی متخصص، عملاً وجود زیرساخت‌های باقی‌مانده را برای دستیابی به یک اهداف معقول و به‌صرفه، بی‌معنا ساخته و درنهایت آنچه از برنامه هسته‌ای ایران باقی خواهد می‌ماند، جز نامی بیش نخواهد بود.

از همین رو رابرت منندز، رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در نشستی با موضوع «وضع مذاکرات با ایران» در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴، پیرامون ارتباط برچینی برنامه هسته‌ای ایران و دستیابی به یک توافق بلندمدت، گفته است:

«من از تلاش‌های دیپلماتیک دولت حمایت می‌کنم. من همواره از شیوه دوگانه دیپلماسی و تحریم که از حمایت هر دو حزب برخوردار است، پشتیبانی کرده‌ام. درعین‌حال، همواره این باور را داشته‌ام که ما فقط زمانی تحریم‌های ایران را کاهش دهیم که یک توافق بلندمدت قابل راستی آزمایی به دست آید که اصولاً برنامه اتمی ایران را برچینند. چنین توافقی باعث می‌شود درصورتی‌که ایران برنامه اتمی خود را در بیست تا سی سال آینده از نو شروع کند، زنگ‌ها را از وین تا واشنگتن و از مسکو تا پکن به صدا آیند.»

۱۱. تأمین امنیت اسرائیل

«اوباما» در مقاله‌ای اختصاصی برای روزنامه صهیونیستی هاآرتص، ۸ جولای ۲۰۱۴:

«ما از طریق مذاکرات هسته‌ای با ایران تلاش می‌کنیم یک تهدید بزرگ برای امنیت اسرائیل را به‌طور مسالمت‌آمیز برطرف کنیم»

یکی از پیچیده‌ترین موضوعات یک دهه اخیر در تحولات خاورمیانه موضوع برنامه هسته‌ای ایران بوده است. نسبت تأمین امنیت اسرائیل و پرونده هسته‌ای ایران از دو منظر قابل‌بررسی

است:

اولاً وسیله بودن بهانه تهدید امنیت اسرائیل به‌عنوان شروع هیاهوها علیه برنامه هسته‌ای ایران.

ثانیاً هدف بودن تأمین امنیت اسرائیل از طریق به نتیجه رسیدن اهداف راهبردی آمریکا از این مذاکرات.

محور بهانه و علت تراشی دولتمردان آمریکایی جهت پرداختن ۱۲ ساله به پرونده هسته‌ای ایران اتهام جمهوری اسلامی جهت تلاش در راستای دستیابی به سلاح هسته‌ای و تهدید امنیت اسرائیل هست. موضوعی که بارها و بارها از سوی مقامات اسرائیلی و آمریکایی[1] نیز ادعا شده است. درواقع همه جنجال‌سازی‌ها و اتهام زنی‌های غرب علیه برنامه هسته‌ای ایران صرفاً با بهانه تهدید امنیت اسرائیل ممکن شده است!

اما از سوی دیگر ایالات‌متحده در پوشش تهدید امنیت اسرائیل با ادامه یافتن برنامه هسته‌ای ایران، در پی دستیابی به اهدافی در بستر مذاکرات هسته‌ای با ایران هست که در صورت تحقق آن‌ها به‌صورت مشخصی امنیت رژیم صهیونیستی تقویت خواهد گشت. این اهداف عبارت‌اند از:

توقف و برچینی فنّاوری هسته‌ای ایران

موفقیت‌های چشم گیر ایران در توسعه برنامه هسته‌ای خود در یک دهه گذشته سبب ارتقاء جایگاه استراتژیک جمهوری اسلامی در میان قدرت‌های منطقه گردیده است. لذا در صورت توقف برنامه هسته‌ای ایران ضمن شکستن اقتدار علمی و صنعتی ایران در نگاه کشورهای

---

۱ برای نمونه سخنان وندی شرمن، معاون سیاسی وزیر خارجه آمریکا در موسسه یهودی موسوم به «مرکز اقدام مذهبی یهودیت برای اصلاحات» که روز ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ مطرح‌شده است: «اوباما شخصاً احساساتی بسیار نزدیک به یهودیان و اسراییل دارد. این احساسات قوی و عمیق عامل اصلی تعهد قاطع و بی‌وقفه وی به امنیت اسراییل و تمایل و عزم او برای تضمین آینده اسراییل به‌عنوان یک کشور دموکرات و یهودی است. این احساسات هم چنین اساس رویکرد دولت اوباما درباره تهدید هسته‌ای ایران است. ما می‌دانیم و درک می‌کنیم که اسراییل در منطقه‌ای بسیار پرتنش قرار دارد. درست به همین دلیل است که کمک‌های امنیتی که دولت کنونی آمریکا به اسراییل داده است از کمک‌های دولت‌های قبلی در طول تاریخ آمریکا بیشتر بوده است.» هم چنین مواضع جان کری در جلسه استماع سنای آمریکا: «اشتباه نکنید! پیوندهایی که دو کشور را به یکدیگر متصل می‌کند همچنان قابل گسستن نیست. این یک کلیشه نیست. من بیست و نه سال در سنای آمریکا بودم و صد درصد سابقه رأی دادن (در حمایت از اسرائیل) دارم. من شخصاً در این زمینه ارتباطات زیادی دارم. تعهد ما به امنیت و آینده‌ی اسرائیل بسیار محکم باقی خواهد ماند و این تعهد در صدر ذهن ما در پای میز مذاکره با ایران است... همه ما به خاطر داریم که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل چگونه در سخنرانی سال ۲۰۱۲ خود در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد موضوع غنی‌سازی بیست‌درصدی اورانیوم ایران را برجسته کرد. ایران در حال حاضر ذخایر اورانیوم غنی‌شده بیست‌درصدی خودش را کاهش می‌دهد. اگر توافق‌نامه‌ای که در حال حاضر اجرایی می‌شود وجود نداشت، اتفاقی برعکس این رخ می‌داد و ذخایر ایران افزایش می‌یافت و حتی خطرناک‌تر می‌شود ... لازم نیست از متخصص رشته ریاضی بپرسید که وقتی ایران اورانیوم غنی‌شده بیست‌درصدی‌اش به صفر برسد، آیا امنیت اسرائیل بیشتر می‌شود یا خیر؟ این همان هدفی است که ما توانسته‌ایم به آن دست پیدا کنیم.»

منطقه می‌تواند مقدمات تزلزل موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان اصلی‌ترین حکومت مخالف موجودیت اسرائیل را فراهم آورده و خطر الگوسازی ایران به‌عنوان یک مدل توسعه‌ای را برای سایر کشورهای اسلامی برطرف سازد.

تضعیف روحیه جریان‌های مقاومت و ضد اسرائیلی

کاخ سفید با کشاندن ایران به پای میز مذاکره و القای این خط که ایران نیز مجبور به حل مسائل خود از کانال ایالات‌متحده شده است، خواهد توانست تلاش‌های سایر جریانات انقلابی و ضد استعماری را به شدت منزوی نموده و از فراگیر شدن گفتمان‌های ضد اسرائیلی در میان این ملت‌ها پیشگیری نماید.

ایجاد حاشیه امن جهت خلاصی رژیم صهیونیستی از پدافند دفاعی مقاومت اسلامی

ایالات متحده از طریق اعمال سیاست‌های مداخله‌جویانه در زمینه توانمندی‌های موشکی و دفاعی ایران و هم‌چنین ایجاد محدودیت‌هایی در چگونگی ارسال این تجهیزات دفاعی به مرزهای رژیم صهیونیستی در لبنان، غزه و سوریه در پی آن است تا اصلی‌ترین سامانه پدافندی در برابر گسترش نامشروع اسرائیل در منطقه را برچینند.

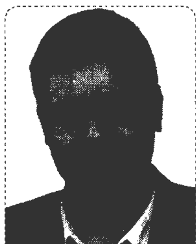
انحراف افکار عمومی ملت‌های مسلمان از جنایات رژیم صهیونیستی

دولتمردان آمریکایی از طریق برجسته‌سازی موضوع پرونده هسته‌ای ایران در مجامع و تریبون‌های متنوع بین‌المللی تلاش نمودند تا به انحراف افکار عمومیِ کشورهای منطقه از جنایات رژیم صهیونیستی، حساسیت رسانه‌ای و خبری را از موضوع رژیم صهیونیستی برداشته به ماجرای هسته‌ای ایران منتقل نمایند تا از این رهگذر فشارهای سیاسی کشورهای اسلامی پیرامون موضوع فلسطین و آزادی قدس مرتفع گردد.

مدیریت تسلیحاتی منطقه خاورمیانه

یکی از دغدغه‌های دائمی مقامات آمریکایی در منطقه خاورمیانه حفظ اقتدار منحصربه فرد رژیم صهیونیستی در زمینه تجهیزات نظامی می‌باشد. با شروع توسعه فنّاوری هسته‌ای در ایران، تعدادی از حکاّم کشورهای حوزه خلیج‌فارس به بهانه مقابله با تهدیدات احتمالی هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی درصدد تجهیز خود به سلاح‌های گوناگون متعارف و غیر متعارف برآمدند که این مسئله با حفظ یکّه تازی نظامی رژیم صهیونیستی در تعارضی آشکار قلمداد شده و همواره با مخالفت‌های مقامات کاخ سفید روبرو می‌گشت. لذا دولتمردان آمریکایی با اعلام توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران از طریق توافق درصددند بهانه لازم را برای تجهیز این کشورها به تجهیزات نظامی مرتفع ساخته و امنیت نظامی و دفاعی اسرائیل در منطقه را تضمین نمایند.

نتیجه آن‌که ایالات‌متحده آمریکا جهت عملیاتی نمودن طرح‌های دو دهه آینده خود در منطقه خاورمیانه نیاز مبرمی به حفظ و تقویت امنیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان استراتژیک‌ترین پایگاه خود در منطقه خاورمیانه خواهد داشت، از همین رو ایالات‌متحده با پیگیری راهبردهای متعدد در بستر مذاکرات هسته‌ای با ایران از همه ترفندهای خود جهت حفظ این رژیم بهره گرفته است، لذا آمریکا لاجرم به دستاوردهای این مذاکرات به‌منزله یک فرصت استثنایی خواهد نگریست؛ بنابراین مواضع متعدد دولت‌مردان آمریکایی در قبال معرفی تأمین امنیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف مذاکرات هسته‌ای با ایران را بایستی در همین افق ترسیم نمود.



توافق هسته‌ای و خطر مک‌دونالدیزه شدن[۱]

دکتر احمد نادری
عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

آنچه به‌عنوان خطر جدی می‌توان در پروژه مذاکرات و توافق هسته‌ای برجسته ساخت، بحث خطر آسیب‌پذیر نمودن جامعه در مقابل فرهنگ آمریکایی است که متأسفانه تاکنون مورد غفلت قرارگرفته است.

جهانی‌شدن پدیده‌ای آمریکایی است، چراکه دارای گوش‌های میکی ماوس است، پپسی و کوکا می‌نوشد و بیگ مک می‌خورد. (Thomas L. Friedman, ۱۹۹۶)

یکم- امر فرهنگی از نظر مکتب فرانکفورت

از زمانی که مکاتب انتقادی همچون مکتب فرانکفورت ابتدا در اروپا و بعد در آمریکا به نقد نظام سرمایه‌داری مدرن در بعد فرهنگی آن پرداختند، تا زمانی که نظریه‌پردازان متأخر انتقادی در ابتدای قرن بیست و یکم نظریه‌های جدیدی در نقد فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری نوشته‌اند، مدت زمان زیادی می‌گذرد، اما این نظریات نه‌تنها کهنه نشده‌اند، بلکه تا زمانی که سرمایه‌داری مدرن هست، این نظریات کارکرد خود را داشته و هرروز تعداد زیادی به آن‌ها باور پیدا می‌کنند.

شالوده نظریات فرانکفورتی‌ها که پایه‌گذار پارادایم جدیدی در نقد را در مغرب زمین پایه گذاشتند، بازگشت به فرهنگ و امر فرهنگی و دفاع از امر اصیل فرهنگی در مقابل مدرنیته افسارگسیخته و جهانی شدن حاصل از آن بود. در دیدگاه مارکوزه و آدورنو و هوکهایمر، مارکسیسم کلاسیک با بها دادن بیش از حد به امر اقتصادی و اقتصاد و مبنای تحلیل قراردادن آن، راه

---

۱ - فارس، پنجشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۴، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۰۶۰۰۰۶۵۸

را به اشتباه رفته است؛ چراکه زیربنا اساساً نه امر اقتصادی، که امر فرهنگی است. بر این مبنا، آنان به مفهوم فرهنگ و نقد فرهنگی به‌عنوان پایه‌ای‌ترین عنصر در طرح پژوهشی و پارادایم خود توجه کردند. از اینرو می‌توان جدی‌ترین تفاوت مارکسیسم ارتدکس کلاسیک و چپ جدید فرانکفورت را تفاوت در زیربنا دانستن امر اقتصادی و فرهنگی دانست. از نظر فرانکفورتیان، فرهنگ در جهان سرمایه‌داری مدرن و تحت تأثیر آن حتی به امری اقتصادی تبدیل‌شده و تمامی عناصر فرهنگی در پازل سرمایه‌داری و برای به حداکثر رساندن سود و در راستای منطق انباشت سرمایه حرکت می‌کنند.

پروژه اقتصادی شدن امر فرهنگی در نزد متفکران انتقادی، بیش از هر چیز از راه رسانه‌ها کاربردی شده و درواقع این رسانه‌ها هستند که این مسئله را در درون افراد جوامع مختلف نهادینه می‌کنند. در نظر نسل اول فرانکفورت، رسانه‌ها نقشی مهم در اجتماعی کردن افراد تخدیر شده و احمق شده توسط نظام سرمایه‌داری و اصطلاحاً آنچه آنان به وی «انسان تک ساحتی» (Eindimensionale Mensch) می‌گویند دارند. انسان تک ساحتی و درواقع انسان مدرن، انسانی است که در اثر سیطره همه‌جانبه تکنولوژی و عقلانیت ابزاری بر تمامی حوزه‌های زندگی فردی‌اش و در نتیجه گسترش شبکه‌های نامرئی سلطه بر تمامی وجودش، آزادی و استقلال خود را از دست داده است و ذیل تسلط و موضوع الگوهای مسلط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی محافظه‌کار سرمایه دارانه شده است که تمامی کنش‌هایش به بازتولید این نظام منجر می‌شود. سلطه‌ای که هیچ راه گریزی از آن نیست و از آن به‌عنوان توتالیتاریسم یاد می‌کنند.

مصرف‌گرایی و فرهنگ آمریکایی را می‌توان دو مؤلفه اصلی جهانی شدن فرهنگی در این دوره تاریخی دانست.

مفهوم دیگری که در نقد فرهنگی فرانکفورت اهمیت دارد، واژه صنعت فرهنگ است. آنان بر خلاف اسلاف راست اندیش خود در حوزه تفکر چپ، معتقدند که کانون سلطه در دنیای مدرن، از حوزه اقتصاد به حوزه فرهنگ تغییر یافته است و از نظر آنان، سلطه در عصر مدرن یک سلطه فرهنگی است و جامعه مدرن با کمک تکنولوژی مدرن و فرایند دستکاری در اذهان عمومی، به سرکوب فرهنگی فرد مدرن، و نهایتاً استثمار وی مبادرت می‌ورزد. در این راستا، آنان به خلق واژه‌ای به نام «صنعت فرهنگ» (Kulturindustrie) پرداختند.

صنعت فرهنگ به پدیده شیئی شدن فرهنگ و تبدیل‌شدن فرهنگ به نوعی کالای قابل مبادله در جامعه سرمایه‌داری اشاره دارد. فرهنگ در این مفهوم تبدیل به یک صنعت می‌شود که هدف اصلی آن افزایش هر چه بیشتر سود به نفع صاحبان جوامع سرمایه‌داری

است. صنعت فرهنگ با تولید انبوه (Mass Production) کالاهای متعدد فرهنگی، و با کمک رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، مطبوعات، رادیو و سینما، از سویی به بازاریابی برای کسب سود بیشتر، و از سوی دیگر به فریب افکار عمومی و تربیت افرادی منفعل و ترسو و تسلیم طلب در برابر نظم سرمایه سالار حاکم می‌پردازد. صنعت فرهنگ، که پدیده‌ای است مخرب و ویرانگر، به‌صورت مجموعه‌ای از عقاید از پیش بسته بندی شده، تولید انبوه شده و به کمک رسانه‌های جمعی به خورد توده‌های مردم داده می‌شود و آنان را منفعل و غیرانتقادی و احمق بار می‌آورد.

دوم- جهانی شدن، فرهنگ مصرفی و فرهنگ آمریکایی

اگر نخواهیم وارد تعاریف مختلف ارائه شده توسط نظریه پردازان جهانی شدن شویم، و نخواهیم به تعریف مفصل دسته‌بندی‌های ارائه شده در این خصوص بپردازیم، تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که جهانی شدن را می‌توان عمدتاً در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دسته بندی کرد که البته همه این ابعاد در یک پازل و طرح کلان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند. ما در اینجا بطور مختصر به جهانی شدن فرهنگی خواهیم پرداخت. جهانی شدن فرهنگی را می‌توان گسترش فرهنگی خاص در پهنه جهانی دانست که این فرهنگ در پروسه‌ای خاص و با استفاده از ابزارهای مناسب، خود را به کل دنیا فرافکنی می‌کند. بسیاری از اصحاب علوم اجتماعی معتقدند که جدای از رقابت درون تمدنی در غرب بر سر پروژه جهانی شدن، این فرهنگ آمریکایی است که توانسته است در پروسه بعد از جنگ جهانی دوم خود را مطرح کرده و پس از فروپاشی شوروی خود را با استفاده از امکانات بی مانند تکنولوژیک آمریکا، از رسانه‌ها گرفته تا میلیتاریسم خشن آمریکایی، به تقریباً تمامی نقاط کره زمین فرافکنی کند.

مصرف گرایی و فرهنگ آمریکایی را می‌توان دو مؤلفه اصلی جهانی شدن فرهنگی در این دوره تاریخی دانست. مصرف گرایی نظامی اجتماعی و تاریخی است که با انقلاب صنعتی در غرب و همچنین با گسترش و فرافکنی سرمایه‌داری جهانی که با این انقلاب و همچنین با انقلاب فرانسه در قرن هجدهم به وقوع پیوست و دامنه آن در طول زمان به نقاط مختلف دنیا گسترش یافت، همزاد است. آنچه در این پروسه اتفاق افتاد این بود که در اثر ماشینی شدن تولید، مازاد تولید زیادی بوجود آمده بود که بایستی این مازاد تولید به فروش می‌رسید و اصطلاحاً مصرف می‌شد. از اینرو، استراتژی‌هایی توسط سرمایه‌داران برای ترغیب توده‌های مردم به مصرف پیگیری شد که مشهورترین آن تبلیغات است. مصرف‌گرایی تا آنجا پیش

رفت که پایه‌پای کاپیتالیسم تبدیل به ایدئولوژی شد و مردم را آن‌طور که می‌خواست ساخت و اجتماعی کرد تا همه مردم به‌عنوان مصرف کننده، در خدمت انباشت سرمایه باشند، و برای این منظور، ترغیب آنان به مصرف بیش از نیازهای معمول معیشتی یکی از کلیدی‌ترین ترفندها بود. در این ایدئولوژی جدید، جنسیت معنایی ندارد و مهم مصرف کننده بودن است. لذا در اینجا قبل از اینکه حتی کالایی ساخته شود، نیاز آن در مردم ساخته شده است و مردم منتظر آن هستند.

سلطه فرهنگ مصرفی تا آنجا پیش رفته است که برخی همچون «بودریار»، جامعه امروز را «جامعه مصرفی» می‌خوانند. بودریار معتقد است مصرف تبدیل به اسطوره‌ای برای انسان امروز شده است تا از آن طریق، جویای خوشبختی موهوم خویش باشد. او معتقد است انسان امروزی با غرق‌کردن خود در ویترین متنوعی از اشیاء و مصرف پایان‌ناپذیر آن‌ها، خود را خوشبخت می‌انگارد. به گفته وی، «در اینجا اعتقاد به قادر مطلق بودن نشانه‌ها در کار است: رفاه، کثرت کالاها و اجناس، درواقع چیزی جز انباشت نشانه‌های خوشبختی نیست... همگی آفریننده‌ی امیدی واهی هستند که آدمی را به زندگانی پر ابتذال دل‌خوش می‌کند».

فرهنگ مصرفی که اوج آنرا می‌توان در فرهنگ آمریکایی مشاهده نمود، با استفاده از ابزارهای مؤثر رسانه‌ای که ایالات متحده در اختیار دارد، امروزه کمابیش تمامی جهان را (به درجات مختلفی) فتح کرده است. مصرف و فرهنگ مصرفی، الگوهای هویت یابی را نیز در جهان امروز تحت تأثیر خود قرار داده است و عناصر فرهنگ‌های سنتی را با چالشی بنیادین مواجه نموده است و خود تبدیل به هویتی جدید برای مردم شده است.

آنچه می‌تواند در بعد فرهنگی توافق هسته‌ای در میان مدت و بلندمدت اتفاق بیفتد، هموار شدن راه جهانی شدن فرهنگی به سبک آمریکایی است.

سوم- مک‌دونالد، سمبل مصرف گرایی و فرهنگ آمریکایی

برجسته‌ترین وجه آمریکایی شدن جهان و فرافکنی فرهنگ آمریکایی در پروژه جهانی شدن را می‌توان در تولید، توزیع و مصرف محصولات آمریکایی در سراسر دنیا دانست. از اینرو برخی از نظریه پردازان علوم اجتماعی از دیسنی فیکاسیون، کوکاکولاریزاسیون و مکدونالدیزاسیون نام می‌برند.

مک‌دونالد که از نظر نظریه پردازانی همچون «جورج ریتزر» عالی‌ترین درجه عقلانیت ابزاری در جهان مدرن است، یکی از کلیدواژه‌های جهانی شدن به سبک آمریکایی است که در ظاهر تنها یک رستوران است و کارکرد ظاهری‌اش سیر نمودن مردم و کمک به بقای آنان است.

مک‌دونالد بزرگ‌ترین رستوران زنجیره‌ای غذای آماده (Fast Food) جهان است که روزانه به ۶۸ میلیون مشتری در ۱۱۹ کشور جهان سرویس می‌دهد. این رستوران درواقع چیزی بیش از یک رستوران معمولی با کارکردهای مشخص هر رستوران دیگر است. مک‌دونالد درواقع نمادی از آمریکایی شدن و سبک زندگی آمریکایی و بطور کلی نمادی از مدرنیته به سبک آمریکایی است. درواقع در پشت این کارکردهای ظاهری رستورانی مک‌دونالد، مفاهیم مصرف‌گرایی و سبک زندگی آمریکایی نهفته است. مک‌دونالد کنش‌های انسانی را یکدست و استاندارد می‌کند و همه را به یک‌شکل درمی‌آورد. درواقع، شاید آن زمان که در اواخر دهه چهل میلادی این رستوران افتتاح شد و از قضا در همان دوره زمانی اعضای آلمانی مکتب فرانکفورت در ایالات متحده زندگی می‌کردند، هیچکدام نمی‌توانستند پیش بینی کنند که این رستوران بعد از چند دهه موضوع همان نقد فرهنگی مدرنی خواهد بود که آنان بنیان گذاشتند. سیر صعودی فتح سنگر به سنگر کشورهای جهان توسط مک‌دونالد از ابتدای تأسیس آن تاکنون بی‌سابقه بوده است. این سیر در بعد از فروپاشی شوروی در اواخر دهه هشتاد و اوایل نود به اوج خود رسید و همچنان که ولفگانگ بکر (Wolfgang Becker) در فیلم خداحافظ لنین (Good Bye, Lenin) نشان داده است، اولین چیزی که به‌عنوان سمبل آمریکا به اروپای شرقی جداشده از کمونیسم رسید، مک‌دونالد بود.

بنابراین بیراه نخواهد بود اگر مک‌دونالد را یکی از سمبل‌های اصلی گسترش فرهنگ مصرفی آمریکایی در جهان بدانیم. سمبلی که فتح سنگر به سنگر تمامی کشورها را در دستور کار خود قرار داده است.

چهارم- انقلاب اسلامی و مقاومت

جدا از نظریات مختلفی که برای فهم انقلاب اسلامی ایران تاکنون ارائه شده است، بطورکلی می‌توان انقلاب ایران را به‌عنوان یک ضد فرهنگ (Counterculture) (در مفهوم ضدیت با فرهنگ آمریکایی در زمان جنگ سرد) و جریان مقاومت در نظر گرفت. این انقلاب در فضای دو قطبی غرب و شرق و با شعار جدایی گزینی از هر دو بلوک به ثمر رسید. درواقع، نیرومحرکه اصلی این انقلاب، بحث مخالفت با فرهنگ مسلطی که سعی داشت از طریق مجاری حکومتی و رسمی به جامعه تحمیل شود و بازگشت به مؤلفه‌های فرهنگی خودی بود، و بسیار در این امر موفق بود. این انقلاب اگرچه تأکیدش بر جریان ضد فرهنگ مسلط (که در آن زمان به دلیل قرار داشتن شاه در پازل غرب، فرهنگ آمریکایی بود) کاملاً آشکار و درست بود، اما از آنجا که مؤلفه‌های اصلی فرهنگی جایگزین خود را از فرهنگ جهانشمول اسلامی می‌گرفت،

در مرزهای خود محدود نماند و اساساً ایده صدور انقلاب که در آرای امام خمینی (ره) مطرح گردید، یک جریان معکوس فرهنگی را در مقابل فرهنگ غرب در دنیای اسلام به وجود آورد که ثمرات آنرا امروزه می‌توان در پدیده محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران دید. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران جریانی فرهنگی بود که در برابر موج مدرنیزاسیون افسارگسیخته پهلوی ایجاد شده و بنابراین، کاملاً ضد فرهنگ آمریکایی بوده است.

اگرچه مک‌دونالد یکی از مؤلفه‌های فرهنگ مصرفی جهانگیر آمریکایی است، اما آنچنان که آمد، سمبل این پدیده است و اگر روزی مک‌دونالد به ایران راه یابد، می‌توان گفت که فتح فرهنگی ایران توسط فرهنگ آمریکایی اتفاق افتاده است.

پنجم- مک‌دونالدیزه شدن انقلاب؟

تقریباً بیشتر نقدهای جدی که مخالفان مذاکرات هسته‌ای تاکنون مطرح کرده‌اند، در بر دارنده ابعاد سیاسی و نظامی و اقتصادی توافق احتمالی بوده است، و تاکنون کمتر به این مسئله از دید فرهنگی نگریسته شده است. آنچه می‌تواند در بعد فرهنگی توافق هسته‌ای در میان‌مدت و بلندمدت اتفاق بیفتد، هموار شدن راه جهانی‌شدن فرهنگی به سبک آمریکایی است.

درواقع، انقلاب اسلامی تاکنون با استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی اسلامی و ایرانی خود کانون مقاومت در برابر فرهنگ آمریکایی بوده است. اگرچه در اثر سیاست‌های غلط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی دولت بعد از جنگ، بسیاری از مردم ایران در دام مصرف‌گرایی افتاده‌اند، اما این مصرف‌گرایی ایرانی هم به اعتقاد اینجانب صورتی کم و بیش بومی داشته است، هرچند در ارتباط با بازارهای جهانی شکل‌گرفته و تداوم داشته است. از این رو، می‌توان ادعا نمود که جمهوری اسلامی ایران تاکنون تنها کانون قدرتمند مقاومت در برابر فرهنگ آمریکایی بوده است.

آنچه بعد از اعلام توافق هسته‌ای به سرعت در اخبار منعکس شده و دهان به دهان رد و بدل شد، اقدام شرکت مک‌دونالد در اعلام آمادگی برای اعطای نمایندگی به ایرانیان بود. این کمپانی در وب‌سایت خود فرمی را قرارداد که در آن ایرانیانی که تمایل به اخذ پذیرش نمایندگی دارند، نام و مشخصات خود را ثبت کنند تا چنانچه ایران به تعهدات خود در مذاکرات عمل کرد!! اعطای نمایندگی به آنان صورت گیرد. این خبر اگرچه ظاهری کاملاً غیر سیاسی دارد، اما در پشت خود مفاهیم ژرفی را پنهان نموده است. مفاهیمی که پی بردن به آن‌ها با توجه به مقدمه نسبتاً طولانی این نوشته کار دشواری نیست.

آنچه صاحب‌نظران فرانکفورت در مفاهیمی همچون صنعت فرهنگ و انسان تک ساحتی و... مطرح کرده‌اند، امروزه می‌توان در پدیده مک‌دونالد دید و درواقع مک‌دونالد را می‌توان اوج عقلانیت ابزاری غرب و اوج سبک زندگی آمریکایی دانست که در آن تمامی مؤلفه‌های فرهنگ غرب نهفته است. آن‌چنانکه ریتزر می‌گوید، مک‌دونالد با یکسان‌سازی و استانداردسازی کنش‌های انسانی در جامعه، آنان را پیش‌بینی پذیر می‌سازد. ساختن انسان منفعل و پیش‌بینی پذیر، که البته در نقد فرهنگی فرانکفورتی‌ها نیز به‌صورت عیان مطرح و تکرار شده است، هدف اصلی سرمایه‌داری مدرن است. با ساختن فرد منفعل، جامعه‌ای به تعبیر فرانکفورتی‌ها منفعل، و به تعبیر ریتزر پیش‌بینی پذیر بوجود خواهد آمد. جامعه‌ای که در آن افراد قدرت نقد را از دست داده و کاملاً روتین شده و در آن از انقلابی گری و آرمان‌خواهی خبری نیست. جامعه‌ای که در آن هیچ عمل غیر مترقبه و مبتنی بر مقاومتی اتفاق نمی‌افتد و براحتی می‌توان آنرا کنترل و مدیریت کرد. چنین جامعه‌ای یکی از اقمار فرهنگ آمریکایی خواهد بود که بعنوان «پیرامون»، آنچه «مرکز» می‌گوید را تقلید کرده و بدان عمل می‌نماید.
آنچه بعنوان خطر جدی می‌توان در پروژه مذاکرات و توافق هسته‌ای برجسته ساخت، بحث خطر آسیب پذیر نمودن جامعه در مقابل فرهنگ آمریکایی است که متأسفانه تاکنون مورد غفلت قرارگرفته است. اگرچه مک‌دونالد یکی از مؤلفه‌های فرهنگ مصرفی جهانگیر آمریکایی است، اما آن‌چنانکه آمد، سمبل این پدیده است و اگر روزی مک‌دونالد به ایران راه یابد، می‌توان گفت که فتح فرهنگی ایران توسط فرهنگ آمریکایی اتفاق افتاده و انقلاب اسلامی مک‌دونالدیزه شده و قابل پیش‌بینی و استاندارد گردیده است.

ارجاعات:

1.Adorno, Theodor W, Horkheimer, Max, 1987, Dialektik der Aufkl rung, Frankfurt am Main: Fischer

2.Marcuse, Herbert, 1967, Der Eindimensionale Mensch, Berlin: Hermann Luchterhand Verlag GmbH

3.Ritzer, George, 2009, McDonaldization: The Reader, California: Pine Forge Press

4.Friedman, Thomas L, 1996, Big Mac II, see online on: http://www.nytimes.com/1996/12/11/opinion/big-mac-ii.html accessed, July 2015

5.Sheffield, Hazel, 2015. Iran nuclear deal: Does this application form mean you'll soon be able to get McDonald's in Tehran? See online on: http://www.independent.co.uk/news/business/news/iran-nuclear-deal-does-this-application-form-mean-youll-soon-be-able-to-get-mcdonalds-in-tehran-10397544.html accessed, July 2015

۶.بودریار، ژان، ۱۳۸۹، جامعه مصرفی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر ثالث



دو رهیافت و یک رویکرد؛ این است نتیجه خوش‌بینی در مذاکره با شیطان[1]

■ دکتر رضا سیمبر

استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

به نظر می‌رسد که نگرش تیم هسته‌ای ایران عمدتاً یک نگرش لیبرال منش است که به اصل همیاری، امنیت دسته جمعی، حقوق بین‌الملل، نگرش غیر نظامی محور خوش‌بین است. اما پارادایم فکری تیم مقابل ایران، اصلاً لیبرالی نیست.

دو رهیافت متقابل در مذاکرات

دو رهیافت لیبرالیستی و رئالیستی دو روزنه گوناگون را به مسائل بین‌المللی و به ویژه مذاکرات دیپلماتیک باز می‌کنند و هر کدام روایت خاص خود را نسبت به نحوه انجام مذاکرات بین‌المللی دارند. دراین‌باره باید به یاد داشته باشیم که قطعاً در نظام بین‌الملل سیاست و قدرت، بر حقوق و قانون مداری اولویت دارند. اگرچه در سیاست داخلی نیز خیلی جاها اینگونه می‌تواند باشد، اما نظم و سیاق سیاست داخلی چندان قابل مقایسه با ماهیت و گوهر نظام بین‌الملل نمی‌باشد و به این ترتیب در بسیاری از نکات، قیاس این دو با یکدیگر به یک قیاس مع الفارق تبدیل می‌شود.

این نوشتار درصدد ارزش گذاری این رهیافت‌ها نیست، بلکه تلاش می‌کند نشان دهد که اتخاذ نگرش لیبرالیستی در مقابل نگرش رئالیستی در رویکرد مذاکرات دیپلماتیک بی‌حاصل و بلکه زیان آفرین است. به تبع در فرآیند مذاکرات هسته‌ای ایران نیز اتخاذ نگرش‌های لیبرالیستی در مقابل تیمی که همه تلاش خود را دارد که رئالیستی برخورد کند بی‌فایده و حتی خسارت‌بار خواهد بود.

---

۱ - فارس، ۱۳۹۴/۳/۱۵، کد خبر: ۱۳۹۴۰۳۱۲۰۰۰۴۵۷

سیاست داخلی با اقتدار مرکزی دولت واحد، عجین و آمیخته است، اما سازواره نظام جهانی، آنارشیک، بی‌نظم، قلدر مآبانه و به شدت آلوده به قدرت قدرتمندانی است که در جوهره نظام وستفالی، اصل را کسب منافع هر چه بیشتر می‌دانند و برای نیل به این منزل با سیاست هدف وسیله را توجیه می‌کند، سخت تقلا می‌کنند. دنیاخواهی و ابتعاد از ارزش‌های اخلاقی و هنجاری نیز این دکترین غربی سیاست بین‌الملل را در موارد زیادی به شدت آلوده و کثیف می‌سازد. شاید یکی از بارزترین، و به‌روزترین موارد جنگ‌های نیابتی مزدوران انگل واری هستند که متأسفانه امروز به دروغ تحت لوای دولت اسلامی در راستای تأمین منافع قدرتمندان حرکت می‌کنند و با پول و تشویق آن‌ها نکبت جدید را در منطقه خاورمیانه رقم زده‌اند.

در پارادیم روابط بین‌الملل و در رهیافت رئالیستی، اصل خودیاری است که عمدتاً منافع کشورها را به جلو می‌برد. در چنین چرخه‌ای از کنش‌های بین‌المللی است که افراد آشنا با نظام جهانی و دارای مطالعه کمتر دچار اختلال در برداشت‌ها و تحلیل‌ها از رخدادهای بین‌المللی می‌شوند. تفسیر نظام‌مند از تحولات دیپلماتیک جهانی و منطقه‌ای، دانش تئوریک و پیوند معرفتی با سازواره نظام بین‌الملل باعث می‌شود تا دیپلمات‌ها به عمل‌گرایانی اندیشمند تبدیل شوند تا به این ترتیب عرصه اقدامات دیپلماتیک بدون پشتوانه حوزه رهیافت‌های فکری نظری باقی نماند.

به ویژه رهیافت رئالیستی با ترکیب آموزه‌های وستفالی تنها محور را گزینه عقلایی قرار می‌دهد که در آن همه‌چیز با هزینه و منافع سنجیده می‌شود. اصل منافع ملی است و رویکرد غالب نیز امنیت محور، نظامی محور و سیاست محور است. اصل کسب منافع بیشتر است و هنجارهای اخلاقی و معنوی ملاک کاربست عملی این رهیافت نمی‌باشد. شاهد مثال پارادوکس‌های رفتاری دولت آمریکا در زمینه حقوق بشر و تروریسم است که در ترجمان‌های مختلفی را در نظام بین‌الملل داشته و باعث بی‌اعتبار شدن رفتار سیاست خارجی این دولت در منظر چشمان مردم عدالت‌خواه دنیا شده است.

در رهیافت رئالیستی هدف وسیله را توجیه می‌کند و کسب منافع ملی بیشتر در خیلی جاها به معنای زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و هنجاری است. این در حالی است که جامگان وستفالیایی نیز بر این اصل بنیادین رئالیستی پوشانده شده است و به این ترتیب کار را بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند و شناخت لایه‌های رفتاری را نیز با معضلات زیادی روبرو می‌نماید.

در نگرش رئالیستی اصل امنیتی، توازن قدرت است که بر اساس موازنه در تعداد نیروهای نظامی و توان دفاعی و تجهیزات نظامی کسب می‌شود. موازنه وحشت یا موازنه ترور نیز در این راه به کمک رئالیست‌ها می‌آید و از طریق تهدید، تحریم و تحقیر و تبلیغات دروغ و ایجاد

هراس تکمیل می‌گردد.

اما در نگرش لیبرالیستی بر عکس، اصل هم یاری است، بر حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی تأکید می‌شود. علی الاصول لیبرال‌ها در رهیافت فکری خود نسبت به نظام بین‌الملل خوش‌بین هستند و امیدوار می‌باشند که از طریق گسترش همکاری‌های بین‌المللی راه برای حل مشکلات و چالش‌های عمده در نظام جهانی هموار شود. لیبرال‌ها به دنبال نفی موازنه قوا و در مقابل ره جوی عطشان امنیت از طریق نظریه امنیت دسته جمعی از طریق مشارکت‌های بین‌المللی و رهیافت یکی برای همه و همه برای یکی می‌باشند. در این راستا دولت‌ها بازیگران انحصاری جامعه جهانی تلقی نمی‌شوند و سعی می‌شود از طریق ایجاد تعدد در کنشگری کنشگران بین‌المللی راه برای شکست انحصارگری دولت‌ها در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی هموار شود درعین‌حال زمینه‌ها برای گسترش جامعه مدنی جهانی فراهم گردد.

در نظریه رئالیستی چندان به فهم متقابل و سازه انگارانه یا تفسیری طرف متقابل وقعی گذاشته نمی‌شود. به عبارت دیگر مذاکره کننده رئالیستی خیلی دنبال فهم خواسته‌های طرف متقابل نیست، اگر هم به دنبال فهم است، می‌خواهد بفهمد که نقطه ضعف‌های طرف مقابل چیست، روی همان‌ها سرمایه گذاری کند، آن‌ها را نشانه بگیرد و هر طور که هست راه را برای پیشبرد دیدگاه‌های خود در پای مذاکرات به جلو ببرد.

اما در دیدگاه لیبرالیستی یک پارادیم فکری سازه انگارانه وجود دارد که در آن تلاش می‌شود فهم متقابل دست یافتنی شود و از این فهم متقابل برای پیشبرد سازنده مذاکرات استفاده گردد. مذاکره یک گفتمان فهمی متقابل دانسته می‌شود که نزدیک شدن نظرات راه را برای تفاهم متقابل باز می‌نماید

هر کدام از این رهیافت‌های دوگانه کاربست‌های گفتمانی خود را در مذاکرات بین‌المللی داراست. هر کس که پای میز مذاکره می‌نشیند اول باید دقت کند که طرف مقابل با چه رهیافتی در میز مذاکره حضور دارد. نکته اول این است که هر دو رهیافت از مذاکره به‌عنوان یک رویکرد یا تاکتیک استفاده می‌کنند و اصل پذیرش مذاکره دارای معنای هنجاری یا اخلاقی نیست. اگر در مذاکره علائم تحقیر کردن‌ها، تهدید کردن‌ها و تحریم کردن‌ها مشاهده شد، علامت بارزی است از اینکه طرف مقابل از یک دیدگاه رئالیستی قدرت طلبان ماکیاولی دارد استفاده می‌کند تا به اهداف خود نائل گردد. نکته دوم اینکه در چنین شرایطی در مقابل تیمی که راهبرد رئالیستی دارد نمی‌توان با رویکرد لیبرالیستی به توافق رسید. در خیلی جاها استفاده از رویکرد لیبرالیستی می‌تواند ضربات مهلکی را به تیمی وارد کند که از رهیافت لیبرالیستی در مقابل رهیافت رئالیستی استفاده می‌کند.

نکته سوم که حاصل دو نکته قبلی است، ضرورت بهره برداری از رویکرد رئالیستی در مقابل تیمی است که دارد قدرتی و زور مدارانه مذاکره می‌کند. قطعاً کوتاه آمدن‌ها در مقابل چنین تیمی که نمی‌خواهد طرف مقابل را بفهمد نیازمند عناصر قدرتی است تا رویکرد مذاکره را به نتایج مطلوب برساند.

رویکرد مذاکره در دو رهیافت متفاوت

حال با توجه به نکات بالا در چارچوب مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه پنج به اضافه یک باید به تیم مقابل دقت داشت. به عبارت دیگر، تیمی که در حین مذاکرات از زبان تهدید و تحقیر و تحریم دست بر نمی‌دارد به دنبال یک مذاکره سازنده نیست. این تیم صرفاً به دنبال گرفتن امتیازات حداکثری و تضعیف طرف مقابل هست تا بتواند به اهداف خود برسد و لذا به تحدید هسته‌ای ایران در آینده قانع نخواهد بود.

بنابراین، در کاربست رهیافت‌های روابط بین‌الملل باید به یک نکته مهم دقت داشته باشیم که تیم هسته‌ای غرب به رهبری آمریکا یک تیم رئالیستی تمام عیار است. این نکته‌ای است که خیلی‌ها آن را نادیده می‌انگارند و یا کم اهمیت می‌پندارند، و یا حتی بر عکس ساده لوحانه تصور می‌کنند که آن‌ها آدم‌هایی لیبرال هستند که اصل را همیاری و همکاری قلمداد می‌نمایند. آمریکائی‌ها در مذاکرات هسته‌ای با اصول رئالیستی حرکت می‌کنند. تفکر قدرت محور است و تمام تلاششان این است که با پارامترهای قدرتی موازین مذاکره را تعیین کرده و آن را به جلو ببرند. سیاست تحقیر و تحریم و تهدید شاهدهای اصلی این مدعا هستند.

در مقابل ما نمی‌توانیم تیم مذاکره خود را به نوعی طراحی و به جلو ببریم که با اصول لیبرالیستی به تفاهم برسیم. نگرش لیبرالیستی به اصل همکاری در چارچوب حقوق و سازمان‌های بین‌المللی معتقد است و خوش بینانه به افق می‌نگرد. این دو راهبرد دو گونه متفاوت هستند که اگرچه ممکن است در رویکرد مذاکره با یکدیگر مشترک باشند، اما نباید تصور کنیم که به آسانی باهم به توافق می‌رسند. راهبرد رئالیستی قدرت محور است و راهبرد لیبرالیستی همکاری محور و سازه انگارانه است. در راهبرد رئالیستی تلاش می‌شود از طریق اصل قدرت یا موازنه، مذاکره به نتیجه برسد و صلح و آشتی متحقق شود، اما در نگرش لیبرالیستی تلاش می‌گردد از طریق همکاری دسته جمعی، صلح و آشتی نقد گردد. بنابراین تیم هسته‌ای ما باید دقت کند که تیم مقابل به هیچ وجه حاضر نیست که از اصول قدرتی و رئالیستی کوتاه بیاید. آنان ایران انقلاب اسلامی را یک دشمن ایدئولوژیک و ژئو پلیتیک می‌دانند که هویت‌مندی آن می‌تواند مانع تحقق منافع آن‌ها در منطقه خاورمیانه، جهان اسلام و حتی کل جهان می‌شود.

استفاده از قدرت در رویکرد مذاکره

درست است که همه نظام جمهوری اسلامی از تیم مذاکرات هسته‌ای حمایت به عمل می‌آورد، اما هرگز نباید از نگرش قدرت مآبانه طرف متقابل غافل بود. تیم مقابل برای مذاکره با ایران بیشتر نیازمند است و باید به پارامترهای قدرتی در میز مذاکره توجه داشت. و باز درست است که از همکاری‌های بین‌المللی استقبال می‌شود ولی باید توجه داشت که استمرار رهیافت لیبرالیستی در مقابل رهیافت رئالیستی بی‌فایده است. شایسته است در مقابل راهبردها و رویکردهای قدرتی و رئالیستی به‌طور متقابل از راهبردها و رویکردهای رئالیستی استفاده شود. نباید تصور این باشد که با کوتاه آمدن‌های زیاد، آن‌ها هم خوی و منش لیبرال را پیشه خواهند ساخت، برعکس تجربه‌های تاریخی متعدد نشان می‌دهد که عقب‌نشینی در مقابل رئالیست‌ها به شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های هر چه بیشتری منجر خواهد شد. این در حالی است که مسئله ایران با دنیای غرب، به تحدید توانمندی‌های هسته‌ای محدود و خلاصه نمی‌شود و آن‌ها چرخه‌ای از مطالبات را علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهند کرد که خیلی از آن‌ها مربوط به هویت انقلاب اسلامی می‌شود، شاخصه‌هایی که قطعاً نظام جمهوری اسلامی از آن‌ها کوتاه نخواهد آمد.

کاربست رویکرد قدرت در فرآیند مذاکرات

این نوشتار درصدد نیست که به پارامترهای قدرتی ایران در مذاکره اشاره کند، ولی تیتر وار می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران دارای دو دسته مهم از عناصر قدرتی است. دسته اول، همانا عناصر مادی قدرت ما هستند، وسعت ایران، موقعیت ژئوپلیتک، انرژی، توانمندی عالی دفاعی، نیروهای مسلح قدرتمند، تعداد جمعیت، توانمندی تولید داخلی دفاعی تسلیحاتی به ویژه صنایع موشکی، نیروهای بسیج مردمی در کنار نیروهای مسلح رسمی. همه این عناصر در کنار دسته دوم از عوامل قدرتی قرار می‌گیرند که همانا قدرت نرم و یا عوامل معنوی هستند که چه بسا از گروه اول به مراتب قدرتمندتر محسوب می‌شوند.

در دسته دوم عواملی مانند، روحیه رزمی ایران به ویژه با توجه به هشت سال دفاع مقدس، جایگاه معنوی ایران در میان جهان اسلام و کشورهای درحال توسعه، ولایت و رهبری متمرکز، پایمردی ایران در عدالت جویی جهانی به ویژه در قضیه فلسطین و حزب الله جنوب لبنان، ایده مقاومت در مقابل استکبار جهانی، هویت خاص انقلاب اسلامی ایران که سازه‌های فرهنگی و هنجاری آن خیلی متمایز و ویژه می‌باشند.

این دو دسته از عوامل، به دو گونه در فرآیند مذاکرات در مقابل تیم مقابل که دارای رهیافت

رئالیستی هستند می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اول اینکه در جای جای مذاکره، آنان به انواع مختلف در مقابل زیاده‌خواهی‌هایشان مورد گوشزد واقع شوند که این‌ها پتانسیل‌های غیر قابل انکار جمهوری اسلامی ایران هستند که هر وقت بخواهد می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. ثانیاً از این عوامل به‌عنوان پشتوانه تیم هسته‌ای استفاده شود. این عوامل قدرتی برگ‌های برنده زرین ایران می‌باشند که باعث می‌شوند تا به دنبال مذاکره به هر قیمتی نباشد. دستاوردهای هسته‌ای ایران و مهم‌تر دستاورهای اساسی انقلاب اسلامی ایران آن قدر پر بها هستند که نمی‌توان به هیچ قیمتی به مزایده گذاشت.

جمع بندی

در این نوشتار بدون اینکه بخواهیم به ارزیابی دو رهیافت فکری رئالیستی و لیبرالیستی بپردازیم به این نکته اشاره شد که هر دو رهیافت از مذاکرات دیپلماتیک به‌عنوان یک رویکرد مشترک استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که نگرش تیم هسته‌ای ایران عمدتاً یک نگرش لیبرال منش است که به اصل همیاری، امنیت دسته جمعی، حقوق بین‌الملل، نگرش غیر نظامی محور خوش بین است. اما پارادیم فکری تیم مقابل ایران، اصلاً لیبرالی نیست.

تیم مقابل ایران تاکنون همه تلاشش را کرده که مذاکره را در سایه ایجاد ترس، تحقیر و تحریم به جلو ببرد، امری که نهایتاً به تذکر شفاف و روشن مقام رهبری منجر شد که تأکید فرمودند ما هرگز مذاکره در ظل تهدید را نمی‌پذیریم، بازرسی از اماکن نظامی را نمی‌پذیریم و بازجویی از افراد و دانشمندان ایرانی را قبول نمی‌کنیم. رویکرد مقام رهبری یک رویکرد قدرتی است چون ایشان به‌خوبی می‌بینند که طرف مقابل از زبان قدرت استفاده می‌کنند.

بنابراین رویکرد تیم هسته‌ای نیز باید همین‌گونه باشد و با حمایتی که از داخل می‌شوند با اقتدار مسائل را پیش ببرند. اگر روند مذاکرات به نتیجه مورد دلخواه ایران رسید که خیلی خوب است اما اگر اینگونه نشد قطعاً ایران به دنبال مذاکره به هر قیمتی نیست.

باز راه نهایی ایران کسب قدرت و اقتدار است. در این راستا باید که ایجاد و تقویت اقتصاد مقاومتی حاصل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران باشد. ایران موج‌های بحران عمده‌ای را تاکنون پشت سر گذرانده، ولی از همه آن‌ها موفق از آب در آمده است. به‌عنوان نمونه در ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایران، اول با موج تروریسم داخلی منافقین مواجه شد که به برآمدن نهادی نیرومند و بازوی اطلاعاتی نظام منجر شد که با چشمان بیدار و با تمشیت و تدبیر انواع توطئه‌های آشکار و نهان را با شجاعت و دردمندی تعقیب کرده و می‌کند. دومین آزمون نظام دوران دفاع مقدس بود که آن‌هم نهایتاً باعث توانمندی هر چه بیشتر مردم و

نیروهای دفاعی شد و اکنون سازمانی برومند و مقتدر به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار سایر نیروهای مسلح حافظ امنیت و یکپارچگی مقتدرانه ایران است و سوم اکنون تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی هستند که حاصل آن باید ارتقای توانمندی اقتصادی و استقلال نظام جمهوری اسلامی در قالب اقتصاد مقاومتی باشد. مذاکره تنها قسمتی از رویکرد ایران برای حل تحریم‌هاست اما راه‌حل نهایی که مانند دو بلیه دیگر به تولد مبارکی منجر شد، این بار نیز باید در شکل اقتصاد مقاومتی، توانمندی و هوشمندی ایرانیان را در عرصه جهانی متبلور سازد.



«ایران، کلید معمای فروپاشی و بازسازی قدرت آمریکا»[۱]

■ دکتر سعدالله زارعی
استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

«حضور فراگیر در ایران» از منظر آمریکایی‌ها کلید بازسازی قدرتی است که با پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش ایدئولوژی این انقلاب در سطح منطقه حساس غرب آسیا فروپاشیده است. آنان معتقدند «قدرت فروپاشیده» الزاماً از نقطه‌ای بازتولید می‌شود که در آن فروپاشی را آغاز کرده است. فروپاشی قدرت آمریکا در منطقه غرب آسیا اتفاق افتاده است و درحالی‌که هنوز روابط سلطه‌گرانه ایالات متحده در اروپا، آفریقا و شرق آسیا وجود دارد و به‌عنوان تأثیرگذارترین قدرت به رسمیت شناخته می‌شود اما همه ناظران هوشمند، آمریکا را قدرتی فروپاشیده ارزیابی می‌کنند. دلیل این ارزیابی این است که شاخص اصلی قدرت آمریکا، منطقه‌ای است که آمریکا با سیطره بر آن به قدرت اول جهان تبدیل‌شده و بر بقیه مناطق جهان سیطره پیدا کرده است.

آمریکا در فاصله پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲٤ تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، با سیطره نسبتاً مطلق بر غرب آسیا و شمال آفریقا یعنی منطقه اسلامی و تبدیل آن به منطقه‌ای انحصاری به تنظیم معادلات جهان دست یافته است. اگر به‌عنوان مثال به تعداد قطعنامه‌هایی که در فاصله تأسیس سازمان ملل در سال ۱۳۲٦ تا امروز در شورای امنیت این سازمان به تصویب رسیده است، نگاهی بیندازیم و آن‌ها را به دو دسته قطعنامه‌های پیشنهادی آمریکا و قطعنامه‌های پیشنهادی دیگران تقسیم کنیم درمی‌یابیم که اولاً بیشترین تعداد قطعنامه‌ها برای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا صادر شده و ثانیاً پیش‌نویس بخش اعظم این قطعنامه‌ها توسط آمریکایی‌ها تهیه و ارائه شده است، کما اینکه اگر به تعداد قطعنامه‌های وتوشده در سازمان ملل نظر بیندازیم درمی‌یابیم که اکثر این قطعنامه‌ها اولاً توسط آمریکا وتو شده و ثانیاً

---

۱ - تسنیم، ۱۳۹۴/۵/۲۵، کد خبر: ۸۳۰۳۰۰

قطعنامه‌های وتوشده مربوط به این منطقه بوده است، همین‌طور با یک مقایسه درمی‌یابیم که بیشترین تعداد مؤسسات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی، اجتماعی، امنیتی خارجی آمریکا در این منطقه اسلامی است. امروز بیشترین تعداد نظامیان و تجهیزات آمریکایی که در خارج از مرزهای این کشور به سر می‌برند، مربوط به این منطقه است، هکذا بیشترین سفر دیپلماتیک سالانه آمریکایی‌ها به این منطقه صورت می‌گیرد. در نطق سالانه رؤسای جمهور آمریکا بیش از هر نقطه دیگر جهان به مسائل این منطقه پرداخته شده است. بیشترین تعداد جنگ‌های بزرگ و کوچک آمریکا در این منطقه روی داده و نیز بیشترین حجم تسلیحات آمریکایی در این منطقه به فروش رسیده است. آمریکا بیش از هر کشور دیگری از رژیم دست‌نشانده صهیونیستی حمایت کرده است. بیشترین تعداد کودتاهای خارجی آمریکایی‌ها در این منطقه روی داده و بیشترین رژیم‌های دست‌نشانده آمریکایی مربوط به این منطقه بوده است. بنابراین کاملاً طبیعی است که این منطقه اصلی‌ترین شاخص سنجش قدرت و اقتدار آمریکا باشد.

ابرقدرت، رموز بقا و فنا

پایایی و دوام ابرقدرتی یک کشور یا یک بلوک به چهار عنصر وابسته است؛ «قدرت فیصله‌دهندگی»، «قدرت اتحادسازی»، «قدرت انطباق منافع» و «قدرت مهار رقیب» قدرت فیصله‌دهندگی به این معناست که ابرقدرت بتواند یک منازعه را مطابق با دیدگاه‌ها، اصول و منافع خود در زمانی که تعیین می‌کند به پایان برساند. قدرت اتحادسازی به این معناست که ابرقدرت بتواند به‌منظور توزیع هزینه‌های حفظ ابرقدرتی، اتحادهایی را پدید آورد و از طریق آن به ایجاد یک رویه یا حل یک معضل بپردازد. قدرت انطباق منافع به این معناست که ابرقدرت بتواند اصول، معیارها و رویه‌های خود را به‌گونه‌ای تعریف کند که جمع زیادی از کشورهای قدرتمند، آن‌ها را با منافع، اصول و معیارهای خود منطبق ببینند. بعضی از نظریه‌پردازان از این فاکتور به‌عنوان «قدرت اخلاقی» یاد کرده‌اند. قدرت حذف رقیب به این معناست که یک ابرقدرت بتواند به‌گونه‌ای که توأم با کمترین هزینه‌ها و کمترین آسیب‌ها باشد رفتار رقیب را مهار کرده و اگر ضرورت داشته باشد، آن را حذف کند. بعضی از نظریه‌پردازان از این فاکتور به‌عنوان «قدرت سالبه» یاد کرده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد به‌اعتقاد بسیاری از ناظران سیاسی، با پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از پایگاه‌های اصلی آمریکا در منطقه غرب آسیا و بی‌نتیجه بودن چالش چند دهه‌ای نظامی، سیاسی، اقتصادی و... علیه نظام برآمده از این انقلاب، هر چهار وجه قدرت آمریکا مخدوش گردید. آمریکایی‌ها نتوانستند به مناقشه‌های منطقه‌ای که یک طرف آن ایران بود، مطابق

الگوی خود نقطه پایان بگذارند و نوعاً به‌ناچار صحنه را به رقیب واگذار کردند. می‌توانیم فهرستی از این مناقشه‌ها را ارائه کنیم ولی برای پرهیز از اطاله کلام از آن خودداری می‌کنیم. آمریکایی‌ها اگرچه تلاش کردند که در مقابله با ایران، جمع زیادی از کشورها را با خود همراه نمایند و در مقاطعی هم به آن دست یافتند اما نتوانستند این اتحاد را برای مدت زیادی حفظ نمایند. جان‌کری وزیر خارجه آمریکا با اشاره به مخالفت‌های سیاسی که در آمریکا علیه توافق وین ابراز می‌شود، تصریح کرد: «با رد توافق حتی متحدان سنتی آمریکا دیگر در زمینه تحریم‌ها همراهی نخواهند کرد و حمایت آن‌ها را از گزینه نظامی از دست خواهیم داد».

آمریکا در این دوران «قدرت مدیریت رفتار رقیب» را نیز از دست داد. مقامات این کشور بارها اعتراف کردند که ایران روز به روز قوی‌تر شده و متحدان جدیدتری پیدا کرده است. وقتی جنبش انقلابی انصارالله در یمن سر برآورد رئیس جمهور آمریکا در جلسه کنگره با صراحت گفت: «هم‌اینک دایره نفوذ ایران از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه گسترده شده است» و هنری کیسینجر در پاسخ به سؤالی درباره میزان تهدید داعش گفت: «داعش قدرت موقت و میراست و ما با قدرت دیگری مواجه هستیم که دائمی و رو به گسترش است.» آمریکایی‌ها در این دوران حتی نتوانستند جنبش انقلابی حماس را مدیریت کنند و از این رو رفت و آمدهای مکرر مقامات این کشور و نماینده ویژه آن در امور فلسطین و نیز طرح‌ها و اجلاس‌های مکرر آنان به‌جایی نرسید و نماینده ویژه با اعتراف به شکست از سمت خود استعفا کرد.

آمریکا در مناقشات منطقه‌ای نتوانست همگرایان اروپایی و منطقه‌ای خود را متقاعد کند که طرح‌های آن در ارتباط با منطقه با منافع آنان همساز هست. از این رو در صحنه افغانستان ائتلاف آمریکایی‌ها موسوم به ایساف از هم پاشید و کشورهای عضو یکی‌یکی از آن جدا شدند کما اینکه در پرونده سوریه آمریکایی‌ها نتوانستند متحدان منطقه‌ای خود را متقاعد نمایند که طرح نظامی و سیاسی آمریکا درباره سوریه دربردارنده اهداف و دیدگاه‌های آنان نیز هست. همین چند روز پیش آمریکا یک طرح ده‌ماده‌ای ارائه کرد و در یکی از بندهای آن «ایجاد منطقه امن در شمال سوریه» را گنجاند و اردوغان با صراحت به آنان گفت پایبندی ترکیه به اجرای ۹ بند دیگر منوط به در اولویت قرار گرفتن بند مربوط به منطقه امن است. آمریکایی‌ها اگرچه پای این ورقه را امضا کردند اما به‌دلیل شرایط سوریه و ناتوانی آمریکا در حذف رقبای میدانی خود که شامل چند گروه نظامی و شبه‌نظامی می‌شوند، اعلام کردند که شرایط برای ایجاد منطقه امن فراهم نیست.

با این وصف کاملاً واضح است که آمریکا نمی‌تواند بدون غلبه بر کانون اصلی مشکلات خود که جمهوری اسلامی است، قدرت فروپاشیده و اجزای چهارگانه آن را بازسازی نماید.

تحلیل‌های غیرمستند

بعضی از افراد در ایران وانمود کرده‌اند که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از اولویت آمریکا خارج شده است و نگاه این کشور به رقیب مهم‌تری در شرق آسیا یعنی چین دوخته شده است، این در حالی است که هیچ نشانه نظامی و یا سیاسی این ادعا را اثبات نمی‌کند.

چین یک قدرت اقتصادی است که چند دهه است آمریکا را پشت سر گذاشته است. اساساً برای آمریکایی‌ها امکان غلبه اقتصادی بر این رقیب وجود ندارد. برتری نظامی آمریکا نسبت به چین هم موضوعی نیست که در کشاکش اقتصادی کفه معادله را به نفع آمریکا تغییر دهد، بنابراین کاملاً واضح است که چین در حوزه اقتصاد برای آمریکا یک «رقیب سخت» به حساب می‌آید. خود آمریکایی‌ها در ارزیابی‌های رسمی که منتشر هم کرده‌اند اذعان نموده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، آمریکا به قدرت چهارم اقتصادی در دنیا تبدیل می‌شود.

آمریکا برای اینکه بتواند ماهیت ابرقدرتی خود را برای دهه‌های آینده حفظ کند، بیش از گذشته به پایگاه‌های سنتی خود در غرب آسیا و شمال آفریقا نیاز دارد. بر این اساس می‌توان گفت آمریکا توجه روزافزونی به مناقشات این منطقه حساس خواهد داشت و همه توانایی خود را برای بازگرداندن منطقه به وضعی که پیش از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ داشته، مصروف خواهد کرد، کما اینکه در دوره اوباما شاهد تلاش آمریکا برای افزایش قدرت نظامی و امنیتی متحدان خود و کنترل نظامی - تسلیحاتی رقبای خویش بودیم. تقلب آمریکا در ماجرای توافق وین - برجام - و تهیه پیش‌نویس قطعنامه ۲۲۳۱ که مهم‌ترین نکته آن مهار کامل توانایی‌های نظامی ایران از یک گلوله ساده تا موشک‌های بالستیک است، جدیدترین اقدامی است که در این راستا صورت گرفته است. حساسیت آمریکا روی خبر دروغین سفر سردار سلیمانی به مسکو و جار و جنجالی که در این موضوع به راه انداخت نیز برای پرده‌برداری از نگرش شدیداً امنیتی آمریکا به منطقه کفایت می‌کند.

این روزها آمریکایی‌ها به موازات جنجال‌سازی و روایت‌پردازی متنوع از توافق هسته‌ای وین و - به‌زعم خود - ایجاد دل‌مشغولی برای مقامات ایران، تحرک‌بخشی به سیاست‌های امنیتی خود در پرونده‌های سوریه، یمن، عراق، حزب‌الله، حماس و ایران را به‌طور جدی دنبال می‌نمایند، اگر به حجم این تحرکات نگاه شود افزایش بی‌سابقه آن به چشم خواهد آمد.

چند روز پیش نشریه «آتلانتیک» چاپ اروپا طی یادداشتی سیاست آمریکا و اتحادیه اروپا در دوره پس از توافق وین را در سه حوزه مورد اشاره قرارداد:

۱- تعیین مجازات برای حمایت مالی ایران از حزب‌الله لبنان و بشار اسد

۲- معرفی شمار بیشتری از سران شبه‌نظامی شیعی مورد حمایت ایران به‌عنوان تروریست

۳- گسترش آموزش پیشمرگه‌های کرد و سنی‌های عراق.

خط عادی‌سازی روابط با ایران

آمریکایی‌ها هم‌زمان با پیگیری موضوعات مربوط به توافق هسته‌ای با ایران درصدد عادی‌سازی روابط با ایران برآمده‌اند. درخواست مکرر جان کری از محمد جواد ظریف برای ایجاد دفتر حافظ منافع در تهران در این راستا صورت می‌گیرد، کما اینکه سفر سیاسی مقامات ارشد اروپا به ایران برای صحنه‌پردازی بازگشت غرب به فضای سیاسی و فرهنگی ایران صورت می‌گیرد، این در حالی است که عده‌ای در ایران به‌گمان اینکه این سفرها مقدمه گشایش اقتصادی است به رفت و آمد مقامات غرب هویت اقتصادی داده‌اند.

از منظر آمریکایی‌ها رفت و آمد مقامات سیاسی اروپا به ایران ذهنیت‌زدایی از روابط خسارت‌بار ایران و آمریکا را نزد شهروندان، نخبگان و بخشی از مقامات ایران در پی می‌آورد و در نهایت در افکار عمومی ایرانیان به یک «مطالبه» و در نتیجه به «چالش» تبدیل می‌شود. اظهارات چند روز پیش «مایکل لدین» درباره اثرگذاری غرب بر انتخابات اسفند ماه خبرگان و مجلس ایران در این راستا صورت می‌گیرد، وی معتقد است: «روابط با غرب، جامعه ایران را در آستانه انتخابات به دو جبهه موافق و مخالف تبدیل کرده و به انزوای مخالفان سیطره غرب بر ایران منجر می‌شود.»

هم‌زمان با این مسائل ما شاهد خبرهایی درباره بازگشایی فروشگاه‌های مک‌دونالد و کوکاکولا که دو مظهر سلطه آمریکا به حساب می‌آیند، بودیم. اگرچه این خبرها واقعی نیستند و امکان بازگشایی چنین مراکزی در ایران فراهم نمی‌شود، اما آمریکایی‌ها با واقعی نمایاندن این شایعات تلاش می‌کنند مقدمه ذهنی و ذائقه‌ای بازگشت آمریکا به ایران را فراهم نمایند.

عادی‌سازی روابط آمریکا با ایران یک «خط سیاسی» است و با هدف‌گذاری سیاسی صورت می‌گیرد کما اینکه در ایران همواره تمایلات سازش‌طلبانه با عادی و بی‌ضرر معرفی کردن بازگشایی روابط سیاسی با آمریکا بیان شده‌اند.

این خط سیاسی در برقراری تماس با ایران در پی اعمال معیارها و قواعد آمریکایی‌ها و درواقع اعمال قواعد آمرانه‌ای است که هویت، حریت، استقلال و «تمایز» ایران را نشانه رفته‌اند.

همین دو روز پیش هم‌زمان با اعلام بازگشایی رسمی سفارت آمریکا در هاوانا که پس از ٥٤ سال - بعد از ماجرای خلیج خوک‌ها - صورت گرفته است، جان کری با صراحت اعلام کرد: «تحریم‌ها علیه کوبا باقی می‌مانند». این واقعیت دارد که از این پس بهره کوبا از برقراری رابطه فقط بحران‌های سیاسی است که با جسارت از سوی سفارت آمریکا در هاوانا به اجرا گذاشته

می‌شود و تماس با مخالفان حکومت کوبا اولین این اقدامات خواهد بود، این در حالی است که یک طیف در هاوانا به انتظار گشایش اقتصادی نشسته‌اند!

رابطه سیاسی، تهاجم منطقه‌ای

آمریکا اگرچه روزانه از طریق وزیر خارجه خود ایجاد «خط تماس» با ایران را دنبال می‌کند، هم‌زمان اعمال فشار بر متحدان ایران را در دستور کار قرارداده است، به‌عنوان مثال مقامات واشنگتن ضمن آنکه طی ۵ ماه گذشته از صدور هر قطعنامه ضدسعودی در شورای امنیت ممانعت کرده و قطعنامه ۲۲۱۶ سعودی‌ها علیه یمن را بدون کم و کاست به تصویب رسانده‌اند، در درگیری‌های دو هفته اخیر عربستان و امارات علیه بندر عدن و استان‌های لحج، تعز و آب مشارکت جدی داشته‌اند. در این دو هفته، آمریکایی‌ها سکان اطلاعات و عملیات علیه عدن را در دست داشته و حملات سنگین دریایی علیه این شهر را به‌طور جدی مدیریت و در آن مشارکت کرده‌اند.

آمریکایی‌ها هم‌زمان در پرونده سوریه، طرح جدیدی را دنبال کرده‌اند. آنان در این رابطه همراه‌سازی روسیه با دادن رشوه و متقاعد کردن آنان به اینکه خطری اسد را تهدید نمی‌کند و آمریکا با بقای آن مشکلی ندارد، خط تغییر در سوریه را دنبال کرده‌اند. آنان هم‌چنین با مدیریت محرمانه گفت‌وگوهای مسکو - ریاض سعی کرده‌اند جبهه عربی را مطابق «الگوی جدید» که بحث حفظ سیستم و حذف سیاست‌های آن است، پای کار آورند، کما اینکه آمریکا با تحویل گرفتن پایگاه اینجرلیک واقع در جنوب ترکیه و امضای طرح ۱۰ ماده‌ای با دولت اردوغان، تلاش کرده‌اند تا ظرفیت ترکیه را در چارچوب یک طرح آمریکایی به توانایی عملیاتی خود منضم گردانند. آمریکایی‌ها با صراحت گفته‌اند که ۵۰۰۰ نیروی آموزش‌دیده جدید را به‌منظور انجام اقدامات در سوریه آماده کرده‌اند، این در حالی است که امروز داعش از دو سال پیش که ادلب، رقه و دیرالزور را به تصرف درآورد، ضعیف‌تر است! آمریکایی‌ها هم‌چنین با تصویب یک قطعنامه قابل تفسیر در شورای امنیت سازمان ملل و خام کردن روسیه، مقدمات یک اقدام بزرگ علیه سوریه را فراهم کرده‌اند، هرچند در این موضوع، آمریکایی‌ها با موانع جدی مواجه هستند.

درست در همین زمان که بحث بازگشایی سفارت آمریکا و یا ایجاد دفتر حافظ منافع این کشور در تهران مطرح است، آمریکایی‌ها حزب‌الله لبنان را وارد لیست سیاه نموده و هرگونه فروش سلاح به آنان را منع کرده و به‌طور مکرر به ایران هشدار داده‌اند. آمریکایی‌ها با صراحت گفته‌اند که رفع و کاهش تحریم‌های ایران شامل رفع تحریم از شرکت‌ها و شخصیت‌های متعلق به سپاه

پاسداران و نیروی قدس آن نمی‌شود.
درست در همین زمان آمریکایی‌ها در پرونده عراق هم ورود کرده‌اند که این ورود چند محور را شامل می‌شود، یک محور آن به میان کشیدن بحث تجزیه عراق است که از سوی یک مقام بلندپایه آمریکایی مطرح شد و این در حالی است که تا چندی پیش آمریکایی‌ها حتی به رؤسای حکومت اقلیم کردستان عراق یادآور می‌شدند که با تجربه عراق و یا استقلال کردستان عراق مخالف‌اند. محور دیگر اعلام رسمی حمایت از کردها و خواسته‌های آنان در عراق و سوریه است. آمریکایی‌ها اعلام کردند که از کردها در هر مناقشه‌ای حمایت خواهند کرد. محور دیگر تلاش آمریکا برای تسلیح و تجهیز نظامی گروه‌های سنی مخالف حکومت بغداد است که با صراحت از آن حرف می‌زنند. همین چند روز پیش یک مقام آمریکایی گفت سنی‌ها برای دفاع از خود در برابر داعش و شیعیان به نیروی نظامی نیاز دارند.
آمریکایی‌ها همزمان با پیش کشیدن بحث عادی‌سازی رابطه با ایران، فشار خود به گروه‌های مقاومت فلسطینی را افزایش داده‌اند و درست در این فضا اسرائیلی‌ها حملات جدیدی را علیه غزه و کرانه و جنین به اجرا گذاشتند.
آمریکایی‌ها که تا چندی پیش اعلام می‌کردند که با سیاست گسترش شهرک‌سازی توسط صهیونیست‌ها مخالف‌اند در جریان سفر واسطه‌ای «کمیته چهارجانبه» به سرزمین‌های اشغالی، از طرح «بازسازی غزه در برابر صلح با اسرائیل» خبر دادند. براساس این طرح انتقال هرگونه تجهیزات برای بازسازی غزه منوط به پذیرش اسرائیل در سرزمین‌های ۱۹۴۸ - که ۷۸ درصد خاک فلسطین را شامل می‌شود - از سوی حماس و جهاد اسلامی است. در این میان رژیم عربستان در جریان سفر اخیر خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی و نفر اول حماس به عربستان که در قالب «عمره رمضانیه» صورت گرفت به هیئت فلسطینی یادآور شد که اصلاح رابطه فلسطینی‌ها با دولت مصر و نیز اصلاح رابطه رهبران غزه با رهبران کرانه باختری منوط به پذیرش طرح «بازسازی در برابر صلح» از سوی آنان است.
کاملاً واضح است که تلاش برای عادی‌سازی روابط با ایران، ارتباط مستقیمی با برنامه جامع آمریکا در مورد ایران دارد، درواقع همان‌گونه که تلاش برای حذف و یا تضعیف متحدان منطقه‌ای ایران - که عمق سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران محسوب می‌شوند - با برنامه‌ریزی مستقیم و میدانی آمریکا صورت می‌گیرد برنامه حذف و یا تضعیف جمهوری اسلامی نیز نیازمند حضور مستقیم و میدانی آمریکا در ایران است. جالب این است که آمریکایی‌ها این هدف‌گذاری را چندان پنهان هم نمی‌کنند و با صراحت می‌گویند: «مقاومت و پایایی ایران در برابر بحران‌ها در شرایطی صورت گرفته است که ما فاقد نفوذ و امکان کافی اثرگذاری بر ایران بوده‌ایم»



تحلیلی از رابطه‌ی پروژه نفوذ و برجام

▪ گفت و گو با دکتر شهریار زرشناس
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ماجرا از اواخر مردادماه آغاز شد، دیدار صمیمانه علما، صاحبنظران و میهمانان اجلاس مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در حسینیه امام خمینی (ره) با رهبر معظم انقلاب اسلامی، جایی که رهبر انقلاب فصل جدیدی از کتاب دشمنی ایالات متحده با مردم ایران را خواندند. در این دیدار مقام معظم رهبری با اشاره به تلاش امریکا برای سوءاستفاده از نتایج مذاکرات هسته‌ای و نفوذ اقتصادی سیاسی و فرهنگی در ایران، تأکید کردند: «نقشه نظام سلطه در منطقه بر دو پایه ایجاد اختلاف و نفوذ استوار است که باید با نقشه‌های صحیح هجومی و دفاعی به مبارزه هوشیارانه و بی وقفه با آن پرداخت. باهمه توان اجازه نفوذ و حضور آمریکایی‌ها در ایران را نمی‌دهیم.»
این اشاره رهبر انقلاب که بعداً در چند سخنرانی دیگر به‌صورت مبسوط‌تری مطرح و تبیین شد شرایطی را فراهم آورد تا رسانه‌های مختلف به دنبال ریشه‌ها و مصادیق این هشدار رهبری بیوفتند تا شاید در این مسیر بتوانند کمکی به سد کردن راه نفوذ دشمن به کشور باشند. در همین راستا ما نیز به سراغ شهریار زرشناس رفتیم، کسی که امروز به‌عنوان یک اندیشمند عرصه تاریخ و فلسفه تسلط بالایی بر جزئیات و دقایق رفتار غرب مدرن با کشورهای مستقل بویژه جمهوری اسلامی ایران دارد. استاد شهریاز زرشناس کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره تعامل غربی‌ها با ایران قبل و بعد از انقلاب نوشته و امروز نیز با رصد جریان‌های سیاسی، فرهنگی کشور بازگو کننده حضور خطرناک جریان نئولیبرالی در دولت یازدهم است که امروز با حضور گسترده در عرصه اقتصاد و فرهنگ زمینه نفوذ آمریکا به کشور را فراهم کرده است. زرشناس در این گفتگو با بازخوانی رفتار آمریکا در قبال چین، شوروی، شیلی و برخی

کشورهای دیگر از این واقعیت سخن می‌گوید که آمریکا همواره از راه مذاکره زمینه نفوذ خود در کشورهای مستقل را فراهم آورده و موجب فروپاشی و یا تغییر و اضمحلال مواضع و آرمانهای آن‌ها شده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفتگوی خبرگزاری نسیم با استاد شهریار زرشناس عضو هیات علمی پزوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است:

پرسش: زمینه‌های بیرونی و داخلی نفوذ در فضای بعد از برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و شیوه‌های نفوذ غرب به‌خصوص آمریکا در طول تاریخ معاصر به چه شکل بوده است؟

مسئله نفوذ به عبارت دقیق‌تر مسئله استحاله است. ما با این خطر روبه‌رو هستیم که نیروهایی، به دنبال فعال کردن یک نوع حرکت استحاله طلبانه در کشور هستند که البته این مسئله در داخل و خارج کشور پیشینه هم دارد.

اصولاً جریان امپریالیسم سرمایه‌داری در ۵۰-۶۰ سال اخیر حرکت دیپلماتیکی را در قبال کشور ما فعال کرده است و بدون جنگ از طریق دیپلماسی، جنگ نرم خصمانه، تبلیغات به‌ظاهر دوستانه و همچنین فضا دادن برای درهم آمیزی بیشتر در اقتصاد، مبادلات فرهنگی و فضای سیاسی می‌خواهد وارد کشور شود.

آن‌ها در این مدت احساس کرده‌اند که در کشوری که می‌خواسته فارغ از سیطره آمریکا و نظام جهانی زندگی کند (با هر ایدئولوژی چه سوسیالیسم مدرن شوروی یا چین و یا هر چیزی دیگری) زمینه مساعد برای فعال کردن یک حرکت وجود دارد چون امپریالیسم یک طرفه نمی‌تواند فرایند نفوذ و تأثیرگذاری را انجام بدهد مگر اینکه زمینه‌ای در داخل برای مسئله وجود داشته باشد.

دقت کنید، وقتی همین‌ها احساس کردند در حزب کمونیست شوروی خط عدولی از آن مواضع اصلی آن‌ها وجود دارد که واقعاً هم وجود داشت پروژه نفوذ را آغاز کردند و در دوران رکود اقتصادی شوری در دهه ۱۹۷۰ این خط نفوذ را در داخل بوروکرات‌های حزبی تقویت کردند و بویژه آن اتفاقی که بعد از خورشچُف افتاد ساخت ایدئولوژیک شوروی، انسجام، اقتدار و صلابت خود را از دست داد و باعث تردید آفرینی در جامعه نسبت به ایدئولوژی‌های آن‌ها شد.

غرب در پروسه به‌اصطلاح مناسبات دیپلماسی با روسیه، ابتدا بر سر مسئله قراردادهای محدود موشک‌های بالستیک و کلاهک‌های اتمی یعنی قرارداد سالت با شوروی وارد مذاکره شد اما بعدها مسئله حقوق بشر را هم وارد موضوع کردند و بازی را به یک فاز جدید بردند و نهایتاً از طریق توافق هلسینکی ۱۹۷۷ توانستند فضای بازی را کاملاً عوض کنند.

استراتژیست‌های غربی می‌گویند ما با فضایی که در توافق هلسینکی ایجاد کرده و پذیرش قواعد مربوط به حقوق بشر را (البته مدل حقوق بشر لیبرالی خودشان را) به شوروی و بلوک شرق تحمیل کردیم درواقع دست نیروهای غرب‌گرا در شوروی و اروپای شرقی را برای فعالیت و تحرک باز کردیم.

از سال ۶۸ برای تهاجم فرهنگی دشمن اتوبان باز کردیم

شوروی بر خلاف ما که از سال ۶۸ اتوبان برای تهاجم فرهنگی دشمن اتوبان باز کردیم (حتی اتوبان دولتی از طریق وزارت ارشاد) فضای خیلی بسته‌ای داشت و به راحتی ابرای ورود فرهنگی غربی‌راهی قرار نمی‌داد. لذا غربی‌ها اتوبان را از طریق هلسینکی ایجاد کردند.
این مثال را به این دلیل عرض کردم که نشان دهم زمانی که استکبار از طریق دیپلماسی یا گسترش مراودات با یک کشوری که آن کشور به هر حال کشور مستقلی است وارد می‌شود، می‌خواهد ماهیت اومانیستی خود را وارد آن کشور کند.

سخنان برخی آقایان معادل همان عبارت از سوی خوروشچف در شوروی است

پرسش: در اول بحث فرمودید که باید زمینه‌ای وجود داشته باشد تا غربی‌ها بتوانند وارد شوند. اینکه آمریکا توانست وارد شوروی شود به خاطر این بود که غرب‌گراهایی در این کشور بودند یا اینکه ورود آمریکا، غرب‌گراها را در شوروی ایجاد کرد؟

من مثال خوروشچف را زدم، خوروشچف با تزهایی که آورد خط شکست وحدت و اقتدار ایدئولوژیک را در حزب کمونیست ایجاد کرد، یکی از تزهای خورشچف همزیستی مسالمت‌آمیز بود مثل همین رویکرد سازنده با دنیا که آقایان می‌گویند تعامل سازنده آن دقیقاً همزیستی مسالمت‌آمیز را آورد.
قبل از آن، تز رسمی دولت شوروی گسترش انقلاب جهانی با مدل خودشان بود، که ما معادل این سخن را در فرمایشات امام به کرات داریم. در صحیفه امام و به تعبیر رهبر انقلاب، حتی یک جا نمی‌بینید که امام خمینی از آن صحبت کرده باشد که بیاییم با دنیا تعامل کنیم یا مثلاً تنش زدایی کنیم و ... بلکه مکرر در مکرر بحث بر سر به هم ریختن نظم موجود است؛ البته این مقایسه به این معنی نیست که من جمهوری اسلامی ایران را با شوروی یک جا قرار بدهم، بلکه می‌خواهم مدل رفتاری آمریکا را در مقابل رژیم‌هایی که آن‌ها را ناهمگن و ناچسب با مجموعه خود می‌داند بفهمیم.

خوروشچف هم می‌گفت ما می‌خواهیم با دنیا همزیستی کنیم و وارد مسابقه اقتصادی شویم

در شوروی این اتفاق بعد از استالین رخ می‌دهد، ویژگی اصلی خورشچف این است که او نماینده خط نرمش است، زمانی که خورشچف از سال ۱۹۵۴ یا ۵۵ به قدرت می‌رسد و تا سال ۱۹۶۵ در قدرت است چند اتفاق مهم رخ می‌دهد که یکی از آن‌ها این است که ساخت ایدئولوژیک شوروی را دگرگون می‌کند؛ یعنی شوروی به‌جای اینکه بخواهد انقلاب را پیش ببرد می‌گوید ما با دنیا همزیستی می‌کنیم و وارد مسابقه اقتصادی می‌شویم و حرف‌هایش از نوع دیپلماسی سازش می‌شود، اتفاق دیگر این است که در اقتصاد بحران‌هایی را ایجاد می‌کند که این بحران‌ها در دهه ۷۰ رکود فراگیری را در اقتصاد شوروی ایجاد می‌کنند.

ماجرای سالت ۱۹۷۷ است، در آن زمان خط سازش که در حزب کمونیست با خورشچف فعال شده به‌صورت موقت با کودتای برژنف کنار می‌رود اما آن آدم‌ها و اندیشه‌هایشان نمی‌میرند و آثار وجودی آن اندیشه در جامعه شوروی پایدار می‌ماند. تردید افکنی‌ها، اقتدار، وحدت و انسجام ایدئولوژیک را شکسته و باعث می‌شود وقتی دوران برژنف و رکود دوران وی شروع می‌شود غربی‌ها وارد بازی با برژنف خسته و دولت بحران‌زده‌اش بشوند؛ در این بازی در یکی از سالت‌های یک یا دو به شوروی امتیازدهی می‌کنند اما بعداً مسئله حقوق بشر را به آن‌ها تحمیل می‌کنند و از آنجا است که یک موج حرکت فرهنگی در حوزه‌های موسیقی، ادبیات و تا حدی سینما برای تأثیر ایدئولوژیک شروع می‌شود و این حرکت‌ها کمک می‌کند که وقتی که برژنف سال ۱۹۸۲ می‌میرد از سه جانشینی که پشت سر هم می‌آیند دوتای آن‌ها بسیار پررنگ‌تر در خط سازش هستند که یکی آندرکوف و دیگری گورباچف است.

آمریکا زمانی به سراغ یک کشور مستقل می‌رود که بداند در آن کشور زمینه نفوذ وجود دارد

دقت کنید که من نمی‌خواهم عیناً الگو برداری کنم بلکه می‌خواهم بگویم آمریکا زمانی می‌رود سراغ یک کشور انقلابی، یا یک کشور مستقل که احساس کند در آن کشور یک زمینه وجود دارد.

نمونه دیگر این استحاله چین با دیپلماسی پینگ پونگش است. غربی‌ها سال ۱۹۷۲ سراغ مائو رفتند، مائوی پیری که گرایش به راست پیدا کرده بود و غربی‌ها احساس کردند که حالا خط استحاله در چین واقعاً وجود دارد و می‌شود روی آن تکیه کرد.

زمانی که نیکسون رئیس‌جمهور بود و کسینجر به چین سفر کرد، زمانی بود که هیچ کس باور نمی‌کرد که آمریکایی‌ها به قول خودشان از طریق دیپلماسی پینگ پونگ بتوانند روی

مسیر چین تأثیر بگذارند، چهار سال بعد یعنی سال ۱۹۷۶ مائو مرد و دنگ‌ژیائوپینگ رهبر چین شد و تمام فضای چین را عوض کرد؛ یعنی چین امروز نئولیبرالی که مستغرق در نظام سرمایه‌داری است محصول آن روندی است که دنگ ژیائوپینگ رسمی‌اش کرد، البته قبل از دنگ ژیائوپینگ هم وجود داشت اما او اعلامش کرد.

به این ترتیب وارد این جریان در ایران می‌شویم، در ایران شاهد هستیم که تقریباً از سال ۶۲ یا ۶۳ به بعد، یک جریانِ فعال و بسترساز برای تهاجم فرهنگی در داخل کشور داریم که این جریان از سال ۶۸ به بعد کاملاً سازماندهی شد و حتی آشکارا خودش را فعلیت بخشید و بعد به موازات آن یک روند اقتصاد سرمایه‌داری هم در آن شکل گرفت که مکمل این روند فرهنگی است و به این ترتیب فضا کاملاً برای اینکه یک خط استحاله در نظام باشد دارد آماده می‌شود.

معتقدم ما این خط استحاله پنهان را در دهه ۶۰ در نظام داشتیم؛ جدا از اینکه از همان روز تولد جمهوری اسلامی یک جناح شریک لیبرال همیشه با آن بوده یعنی مهندس بازرگان، سنجابی، فروهر و نهضت آزادی که تا مقطع لانه جاسوسی همراه بودند و بعدازآن‌هم بلافاصله بنی‌صدر در بهمن ۵۸ رئیس‌جمهور شد و از اردیبهشت ۵۹ و خرداد کم‌کم تمایلات لیبرالی‌اش را نشان داد و یک شریک کاملاً لیبرال در صحنه بود و وقتی که در سال ۶۰ او رفت هنوز لیبرال‌هایی مانند صباغیان، حمید سلامتیان، بازرگان و یزدی در مجلس بودند که البته خیلی حضورشان پر رنگ نبود.

چند عامل مانع تحرک شدید لیبرال‌ها در نظام جمهوری اسلامی بود که یکی از این عوامل حضور امام خمینی بود و عوامل بعدی فضای جنگ، حمایت بی‌نهایت مردمی از انقلاب و دیگری تازه بودن انقلاب بود که هنوز به این‌ها مجال نمی‌داد تا خیلی متحرک باشند، منتهی این‌ها حرکت‌های خود را سازماندهی کردند و به جرأت می‌توان گفت فضاسازی برای تهاجم فرهنگی که از ۶۲ به بعد شروع شد از ۶۸ آشکار شد و این آشکار شدن در سال ۶۸ تقریباهمزمان با اصلاحات گورباچف است و فضا به حدی در آن سال‌ها در مورد آمدن پروستریکا به ایران هست که شهید آوینی سر مقاله در مجله سوره تحت عنوان «پروستریکای اسلامی وجود ندارد» می‌نویسد.

در سال ۶۸ ما شاهد این هستیم که یک طیف بروکرات در کشور سر کار می‌آیند که بوروکرات‌های مسلمان هستند؛ این‌ها نگاهشان به عالم نگاه این نیست که ما می‌خواهیم عالم را عوض کنیم بلکه نگاهشان این است که ما هم این معیارها را قبول داریم و می‌خواهیم با این معیارها به یک کشور توسعه یافته در چارچوب آن‌ها تبدیل شویم؛ یعنی نگاه، نگاه انقلابی

به هم زننده نظم عالم امام خمینی نیست. نگاه آن‌ها این است که این نظام جهانی، نظام درستی است و ما الآن می‌خواهیم با این معیارها به یک کشور توسعه یافته‌ای تبدیل شویم؛ این بروکرات‌ها که بوروکرات‌های کارگزارانی هستند، در سال ۶۸ آشکارا عنوان می‌کردند که ما می‌خواهیم کشورهایی مثل فیلیپین، به‌خصوص مالزی، ترکیه و کره جنوبی را به‌عنوان الگوی خود قرار دهیم.

البته این الگوها تمامشان کشورهای نیمه پیرامونی در نظام جهانی سلطه هستند که استقلالی از خود ندارند و اتفاقاً با یک عطسه کشورهای متروپل دچار زکام می‌شوند و با یک تکان در آنجا، این‌ها هم به هم می‌ریزند که نمونه‌اش ماجرای ۱۹۹۷ است که با یک فشار مالی کشورهای متروپل کل ببرهای کاغذی آسیا به هم ریخت و ۱۸ کشور را نابود کرد؛ یعنی اصلاً حرف‌ها این‌ها در مورد استقلال نیست و این‌ها در چارچوب نظام جهانی برایشان تعیین کرده دارند حرکت می‌کنند.

در این کشورها فقط چون گردش سرمایه را زیاد کردند، عنوان شد که ما رشد اقتصادی داریم؛ حال سؤال این است، رشد اقتصادی که به رفاه عموم منجر نشود و نتواند توده‌ها را تأمین کند و نتیجه‌اش فاصله طبقاتی و فقر باشد به چه دردی می‌خورد؟ اقتصاددانان مدرن لیبرال با معیاری به نام رشد اقتصادی که مبتنی بر تولید و گردش سرمایه است ما را فریب می‌دهند؛ حجم نجومی سرمایه‌های خارجی در کشوری مثل فیلیپین، مالزی و یا سنگاپور، تولید سرمایه می‌کند اما بالای ۹۰ درصد سرمایه دوباره به متروپل می‌رود و چیزی نصیب مردم نمی‌شود.

لذا با وجود اینکه عدالت در این کشورها در کار نیست خوشحال هستند که اقتصادشان، رتبه ۱۴ یا ۱۵ دنیا است، اما باید گفت که اصلاً این کشورها حتی اگر اقتصاد ۵ دنیا هم باشند، وقتی فقر و بی‌عدالتی در آن‌ها هست مشکلی از کشورشان دوا نمی‌کند.

هندوستان با معیارهای این کشورها اقتصاد پنجم یا ششم دنیا است ولی در بمبئی آدم‌های بسیاری باید لحاف بگیرند شب کف خیابان بخوابند و خانه و بسترشان همان یک لحاف است. لذا جریان سرمایه در این کشورها هرچقدر هم که بالا باشد باید رشد را از رفاه متمایز کنیم.

دموکرات مسلمان‌ها در ایران الگوی بالاتر از مالزی ندارند

در ایران در سال ۶۸ کسانی به قدرت رسیدند (البته قبلش در دوران موسوی هم بودند) که آشکارا معیارهایشان همین بود یعنی آن‌ها بروکرات‌های مسلمان بودند. همان چیزی که بعدها آقای مرعشی آشکارا گفت که ما یک حزب لیبرال دموکرات مسلمانیم و همین نگاه

همان موقع هم بود یعنی تیم بروکراتیک دولت کارگزاران سال ۶۸ همان چیزی بود که آقای مرعشی بعداً آشکارش کرد.

یک جریان لیبرال دموکرات مسلمان چیزی بیش از مالزی نمی‌خواهد و الگویش مالزی و ترکیه است همان الگویی که آقای سریع القلم مکرر و مکرر در کتاب‌هایش می‌گوید یعنی اگر کتاب‌هایش را می‌بینید دائماً از این‌ها حرف می‌زند یعنی به‌عنوان آرزو مطرح می‌کند.

یکی از مسئولین دولت کارگزاران آن زمان می‌گفت به حق پنج تن که ما روزی مالزی شویم این یعنی رؤیای آن‌ها این است، این جریان‌وقتی پر و بال و میدان تحرک پیدا می‌کنند با سیاست‌های فرهنگی خود برای خط همسو با نظام جهانی بستر حرکت ایجاد می‌کند و وقتی ساخت اقتصادی را عوض می‌کند این پیام را به نظام جهانی می‌دهد که زمینه آماده است تا یک جریان اصلاح طلب داخل کشور پدید آید پررنگ‌تر از آن چیزی که شوروی ۱۹۷۷ و چین ۱۹۷۲ بود.

لذا آمریکا چند بار رفتاری‌هایی مشابه آنچه در چین و شوروی رخ داد را با عناوین و تاکتیک‌های سیاسی مختلف در ایران اجرا کردند، یک بار این مدل را با کارگزاران در سال ۶۸ اجرا کردند؛ که از ۶۸ تا ۷۶ به دنبال این بودند که زیرساخت‌های اقتصادی را به سمتی ببرند که این استحاله را پر رنگ کنند و سال ۷۶ به بعد تحت شعار اصلاحات می‌خواستند از این زیرساخت‌های اقتصادی و فضای فرهنگی ایجاد شده نتیجه سیاسی بگیرند و ساخت سیاسی را عوض کنند که موفق نشدند، یعنی شکستشان در ۷۸ آن‌ها را در موضع دفاع تا سال ۸۸ انداخت که در سال ۸۸ دوباره با یک شعار و حرکت جدید آمدند که البته دوباره شکست خوردند اما در سال ۹۲ با یک تاکتیک تازه‌ای وارد شدند.

شعار آن‌ها شعار اعتدال است که البته به هیچ عنوان حرف تازه‌ای نیست و حرف تازه‌ای هم ندارند و تمام حرفشان همان حرف کارگزاران، جریان اصلاحات و جریان فتنه است که ما باید دست از شعارهای انقلابی و آرمان گرایی‌مان برداریم و با نظام جهانی کنار بیاییم و در نرم‌های آن قرار بگیریم.

این خط بعد از کودتای ۸۸ از تحرک افتاده بود یعنی بعد شکست کودتا این جریان در فضای سیاسی و فضای فرهنگی ایران ایزوله شد و این جریان عقب رفت؛ اولاً سازمان آن‌ها فرو ریخت و تعداد زیادی از احزاب اصلی‌شان منحل شد، تعداد زیادی از چهره‌هایشان مانند سروش، حقیقت‌جو و... از کشور فرار کردند، خیلی‌ها بازداشت شدند و سازمان آن‌ها به هم ریخت و مدلی که به لحاظ ایدئولوژیک تبلیغش می‌کردند یعنی مدلی با محوریت روشنفکری دینی و تحت شعار اصلاحات و تغییر ساختار قدرت فرو ریخت؛ کودتا شکست خورد و به هم ریختند.

این‌ها نیاز به این داشتند که یک سازمان جدید طراحی کنند و با نیروهای جدیدی که پیشانی‌شان مهر خورده نیست وارد بازی شوند، به علاوه اینکه بتوانند آن نیروهای ایزوله شده را دوباره فعال کنند و نیاز به این داشتندکه یک فرم ایدئولوژیک جدیدی را مطرح کنند یعنی دیگر نمی‌شد که باهمان شعار روشنفکری دینی و همان حرف‌ها جلو آمد، باید یک حرف تازه می‌زدند لذا شعار اعتدال را مطرح کردند، و تحت نام یک گفتمان و شعار جدید بخشی از همان بدنه بوروکراتیکی که کمتر آسیب دیده بود و مستقیماً در فتنه شرکت نکرده بود را فعال کردند. از طرفی آن‌ها فضایی احتیاج داشتند که بتوانند عرض اندام کنند لذا آن فضای عرض اندام را تحریم‌ها ایجاد کرد یعنی تحریم‌ها فشاری را روی جامعه از نظر اقتصادی آورد و بعد اینگونه القا کردند که این فشار نتیجه‌ایستادگی سرسختانه افراطی شما در مقابل نظام جهانی است و اگر شما در مقابل نظام جهانی به صورت افراطی نایستید و اگر شما تعامل سازنده داشته و خردمندانه رفتار کنید این فشارها هم برداشته می‌شود.

ماهواره‌ها و جریان مطبوعاتی وابسته به این جریان در کنار سوء مدیریتی هم که واقعاً از سال ۹۰ به بعد در کشور وجود داشت این فضا را تشدید و به سمت و سویی سوق داد که این جریان در سال ۹۲ تابلوی عقل، درایت و تدبیر را بالا بگیرند. به عبارتی اگر تحریم‌ها این فشار روانی را در جامعه ایجاد نمی‌کرد و این‌ها نمی‌توانستند این فشار اقتصادی را با مسئله رابطه ما با نظام جهانی گره بزنند نمی‌توانستند آن نتیجه را در سال ۹۲ بگیرند و نتیجتاً جریان استحاله طلب در داخل نظام نمی‌توانست فعال شود.

می‌خواهند به مردم القا کنند کسی در جهان با شما دشمنی ندارد، مسئله یک سوئ تفاهم ساده و قابل حل است

این جریان تلاش کرده به جامعه اینگونه القا کند که دشمن به دنبال کسب اعتماد است و با شما دشمنی ندارد بلکه یک سوء تفاهم بین شما و غرب ایجاد شده است، شما به آن‌ها اعتماد بدهید آن‌ها هم راضی می‌شوند با شما کنار بیایند و مسائل هم حل می‌شود. خب مردم هم که اکثراً بینش سیاسی خاصی ندارند و بعضاً نگاه به تاریخ نمی‌کنند و درواقع شرایط عینی را می‌بینند و می‌گوید بس کنید دیگر کنار بیایید تا تمام شود!

پس نتیجه‌این ماجرا تجدید ساختار و قوای این جریان می‌شود، آن‌ها دوباره شریک فعال علنی حاکمیت شدند با این تفاوت که اینجا برایشان فضای آماده شده در فرهنگ و اقتصاد وجود دارد، البته در اقتصاد بودند ولی علنی‌تر شد و در فرهنگ دیگر سنگ تمام گذاشتند، یعنی واقعاً از آن فرصتی که برایشان به دست آمده با تمام قوا در حال استفاده هستند.

پرسش: یعنی در مسئله نفوذ در عرصه فرهنگی امروز جدی‌تر از گذشته و یا جدی‌تر از سایر حوزه‌ها است؟

جداً و به جرأت می‌توانم بگویم فضایی که امروز برای این جریان در راستای تهاجم فرهنگی ایجاد شده حتی در زمان مهاجرانی در زمان وزارت خود و در زمان وزارت مسجد جامعی ابداً وجود نداشته است. یعنی فضای وحشتناکی ایجاد کرده‌اند، من نمی‌دانم تزریق مالی در عرصه فرهنگ را چگونه انجام داده‌اند اما بی‌برو و برگرد با تزریق مالی بزرگی امروز تهاجم فرهنگی در جریان است، این جریان امروز هر چه مترجم، داستان نویس و شاعر داشته را فعال کرده است، چنانکه شاهدیم ناشرینی که برای سالیان زیاد اثری از آثارشان نبود، امروز به میدان بازگشته‌اند.

وقتی پول باشد نویسنده و مترجم هم هست، امروز شاهدیم که تغذیه پر فشار مالی در این عرصه صورت گرفته است و فضا به شدت در حال پر شدن است و برای اثبات این حرف هم فقط لازم است یک سری به ویترین کتابفروشی ها زده شود، همین.

با این شرایط معتقدم ۵۰ سال دیگر اگر کسی بخواهد تاریخ ادبیات ایران را بنویسد یقیناً از چند ناشر خاص یاد خواهد کرد که در دهه ۹۰ جریان ادبی ما را به انحراف کشاند. این جریان امروز به‌صورت پر تعداد در حال تربیت نسل جوانی از نویسنده‌هایی با اندیشه‌های متفاوتی از سبک زندگی نسبت به جامعه امروز ایران است، و احتمالاً بخشی از آن‌ها تا چند سال دیگر به چهره‌ای در این عرصه تبدیل خواهند شد.

تم درونی آثار همگی این افراد ترویج دهنده یک سبک زندگی سکولار نئولیبرال است، یعنی حتی سبک زندگی سکولار لیبرال نیست! چراکه سکولار لیبرال‌ها در سبک زندگی خود معتقد به برخی چارچوب‌های اخلاقی هستند یعنی احکام اخلاقی داشتند مثل «لاک» و «کانت» که جهان را بی معنی نمی‌دیدند، منتهی معناهایشان بورژوا و لیبرالی بود.

اما سبک زندگی که این گروه به دنبال ترویج آن هستند یک سبک زندگی شکاکانه بریده از اخلاقی است که دقیقاً نئولیبرال است، اگر در آثار این افراد دقت کنید این درون مایه به وضوح به چشم می‌آید. البته من کاری به صحنه مستهجن ندارم چراکه بسیار زیاد است مانند کتاب «بگذار میترا بخوابد»، هرچند که معقتدم این مسئله پرداختن به امور مستهجن هم سطحی است.

امروز اگر جوانان ما با این ادبیات مأنوس شوند قطعاً درون مایه سبک زندگی آن‌ها عوض می‌شود. از طرف دیگر بازاری که این روزها به روی ترجمه گشوده شده هم باید مورد توجه قرار گیرد. گشایش بازار امروز برای آثار ترجمه کاملاً بی‌نظیر است یعنی شب و روز تمام آثار

مهجـور گذشـته کـه بـه نحـوی امـکان نشـر نداشـت بـه هـر دلیلـی همـه دوبـاره آمده‌انـد مجـوز گرفته‌انـد و وارد بـازار شـده‌اند.

کل تیراژهای کتاب‌های گنجی و مهاجرانی چگونه به فروش می‌رفت!؟

بـا ایـن تفاسـیری کـه گفتـم بـا ایـن حجـم عرضـه و آمـار رسـمی و غیـر رسـمی از فـروش کتـاب و کتابخوان های جامعه ما، به یقین باید گفت که محال است از راه فروش هزینه چاپ و توزیع ایـن همـه کتـاب تأمیـن شـود.

تعداد تیراژ کتاب های معمول ما در حد ۱۵۰۰ نسخه است و تازه همین تعداد هم معمولاً دو سه سالی طول می‌کشد تا به فروش برود. حال باید پرسید چه کسی این همه کتاب را می‌خواند؟ بعد کدام ناشر حاضر است این ریسک مالی را بپزیرد، مگر اینکه تأمین مالی از منبع دیگری باشد!

نکته دیگر اینکه اگر ویترین ناشرین دوره اصلاحات را هم به خاطر بیاوریم همچنین فضایی مانند فضای امروز قابل مشاهده است. آن روزها کتاب‌هایی از اکبر گنجی یا عطاالله مهاجرانی ناگهانی به چاپ سوم، چهارم و پنجم می‌رسید. آن روزها ما می‌گفتیم راز این ماجرا چیست؟ یعنی مردم اینقدر کتاب می‌خوانند؟ که بعد از بررسی فهمیدیم که خانم فاطمه حقیقت‌جو که آن موقع در نهادکتابخانه بود دستور خرید کل تیراژ این کتاب‌ها را داده بود و هرچه را که می‌شد به کتابخانه‌ها می‌فرستادند و آنچه که نمی‌شد را انبار می‌کردند. یعنی بعدها که دولت تغییر کرد یکی از معضلات ما این بود که چگونه این انبارها را از کتاب‌های اکبر گنجی و مهاجرانی خالی کنیم.

تغییرفضای ذهنی جامعه ما از هرنفوذی برای غرب مهم‌تراست

لذا باید بگوییم که از راه‌های نفوذ به کشور این‌ها هم هستند، یعنی راه نفوذ فقط این نیست که چند جاسوس سراغ ما بفرستند! به عبارتی از هر نفوذی مهم‌تر این است که فضای ذهنی ما را عوض می‌کنند که این از هر نفوذی قوی‌تر است؛ بالاخره این کتاب‌ها را جوانان می‌خوانند و روی آن‌ها اثر می‌گذارد.

جنگ نرم همین است که این روزها خیلی خوب در حال عملیاتی شدن است، انقدر عرضه این محصولات بالا رفته که فرد به هر شکلی بخواهد انتخاب کند بالاخره باید یکی از این‌ها را انتخاب کند، بعدازآن شاهدیم که نظام دانشگاهی هم که در دستشان هست در آنجا هم دقیقاً این‌ها را ادغام می‌کنند.

اگر وزارت ارشاد به دست نئولیبرال ها نبود، فضای فرهنگی کشور اینگونه تحت نفوذ قرار نمی‌گرفت

پرسش: خب این نفوذ تا به این حد چگونه ایجاد شده است؟

این نفوذ ناشی از حضور تأثیرگذار جناح نئولیبرال در قدرت است چراکه اگر وزارت ارشاد در دست این جناح نبود نمی‌توانستند فضا را اینگونه مدیریت کنند چنانکه فعالیت و تحرک وحشتناکی در مطبوعات و بازار نشر ایجاد کرده‌اند. این مدیریت امروز در وزارت‌های آموزشی هم هست. لذا حضور آقایان در ارشاد و دیگر وزارتخانه‌های مربوط به امور آموزشی در کشور وقتی ۴-۵ سال ادامه داشته باشد فضای جامعه را حتماً عوض می‌کند. ما امروز جامعه‌ای داریم که ماهواره و شبکه‌های مثل «من و تو» حتی در روستاها هم رفته و کتاب معرفی می‌کند! این شبکه‌ها دائماً کتاب‌هایی که جریان نئولیبرال در کشور تولید می‌کنند را معرفی می‌کنند.

پرسش: قبلاً بیان کرده بودید که توافق هسته‌ای حرکت این جریان را در کشور تسهیل کرده، هنوز هم معتقد هستید؟ ادله شما جیست؟

برجام میدان تحرک جناح نئو لیبرال در ایران را به شدت می‌تواند بالا ببرد چنانچه بالا هم برده است؛ به نظر من اینکه بلافاصله بعد از برجام رهبری ورود کردند و برروی مسئله نفوذ تأکید کردند به این علت بود که تحرکات مختلف آمریکا را مشاهده می‌کردند.

دقت کنید اگر جریانی که گفتم با فضایی که ساخته بودند در رسیدن به برجام و عملیاتی کردن آن موفق نمی‌شدند، به موجوداتی سرشکسته، شرمگین و فاقد اعتماد به نفس و فاقد اعتبار عمومی تبدیل می‌شدند و نمی‌توانستند سیاست‌هایی که حتی در این دو سال پیش بردند را هم ادامه بدهند، اما موفقیت در انجام توافق به این‌ها میدان ظهور و بروز داد.

یک دفعه شبکه مطبوعاتی نزدیک به این جریان مذاکره کنندگان را در قامت مصدق و امیرکبیر رونمایی کردند تا با موج تبلیغی یک احساس امید کاذب در جامعه ایجاد کنند و از طریق آن‌هم شرایط تحرک خودشان را در عرصه سیاست و فرهنگ مهیا کنند.

خطری که برجام برای جامعه دارد این است، یعنی میدان حرکت جناح نئو لیبرال را زیاد می‌کند و نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری آن‌ها را بالا می‌برد و این اتفاقی است که امروز در حال وقوع است.

به نظر من تمام سخنان مقام معظم رهبری هم متمرکز برروی این است که با فعال کردن نیروهای حزب اللهی و با افزودن بر بصیرتشان و با تأکید بر ارزش‌ها بتوانند جامعه را از مسئله نفوذ مصون کنند.

وقتی جناح نئولیبرال تحرکش زیاد شود اولین کارش این است که به دنیا و به داخل بگوید که ما عاقل شدیم و دیگر مواضع انقلابی و آرمانی نداریم؛ اینکه می‌گویند بعد از برجام نمی‌شود هر حرفی را زد به همین علت است، اینکه بعد از برجام صدایشان بلند می‌شود به این معنا است که ما تحرک می‌خواهیم، چرا شورای نگهبان را به چالش می‌طلبند؟ چون شورای نگهبان سد سهم خواهی است. خب در مقابل این فضا هم مقام معظم رهبری مداوم از جریان مقاومت در منطقه، از حزب الله دفاع می‌کنند، از جنایات بی حد و حصر آمریکا می‌گویند و از نهادهایی مانند شورای نگهبان که طبق قانون اساسی و آرمانهای امام خمینی (ره) کار می‌کند حمایت می‌کنند یعنی دائماً وجود انقلابی گری و رفتار آرمانگرایانه نظام اسلامی را برجسته می‌کنند و دقیقاً نشان می‌دهد که می‌خواهند راه نفوذ بر کشور را ببندند.

تحرکات روانی برای مقابله با جریان نئولیبرال کافی نیست، ایستادگی واقعی می‌خواهد

پرسش: خب این همه مسئله ماست؟

خیر همه مسئله ما نیست، عمده مسئله ما این است که بالاخره در عرصه اقتصاد و فرهنگ با تحرکات فقط روانی نمی‌توانیم مقابله کنیم و باید ایستادگی واقعی بکنیم و باز من فکر می‌کنم که تأکید حضرت آقا بر اقتصاد مقاومتی که خیلی جدی‌تر از سابق حتی با طلب زمان بندی بیان می‌شود به همین علت است.

چرا؟ چون این جریان احساس کردند که بعد از برجام یک میدان فرهنگ، سیاست، اقتصادی، برایشان باز است و کسی به کسی نیست البته توجهشان به فرهنگ و اقتصاد به‌عنوان دو عرصه مکمل یکدیگر ویژه است. و این کار را می‌کنند تا نتیجه‌اش را در سیاست ببرند.

بر روی آمدن سرمایه خارجی حساب کرده‌اند و میگویند بدون ورود آن وضع ما تغییر نمی‌کند.

مسئله مهم دیگر این است که این‌ها امروز بر روی ورود سرمایه‌های خارجی به کشور حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند، چون سرمایه خارجی هم می‌تواند به تحرک این جریان به‌صورت فوق العاده بیافزاید. در اقتصاد این‌ها چند توهم را مدام به جامعه القاء می‌کنند، یک توهمشان این است که بدون آمدن سرمایه خارجی وضع ما تغییر نمی‌کند نکته دومشان این است که گویا با صرف آمدن سرمایه خارجی همه‌چیز دگرگون خواهد شد و این هر دو بی اساس است، یعنی مسئله ما این نیست که سرمایه خارجی نیاید مسئله ما رابطه و نسبتی است که با سرمایه خارجی داریم، یعنی آن حرفی که یک مسئول ارشد دولت گفت ما در مناطق آزاد صد در

صد واگذاری به شرکت‌های خارجی داریم، این حرف فاجعه است! این حرف حتی در امارات و دوبی هم در این حد نیست یا مثلاً بحث قراردادهای جذاب نفتی که مسئولان وزارت می‌گویند یعنی چه؟ قرارداد جذاب برای شرکت‌های امپریالیستی چند ملیتی یعنی چه؟ قراردادی برای این‌ها جذاب است که این‌ها بتواند در آن اعمال نفوذ و مدیریت کنند.

ببینید حتی مصدق ناسیونالیست ملی سکولار زیر بار مدل‌های اینچنینی نرفت، یعنی آن چیزی که این‌ها مدت‌ها می‌گویند که خیلی شرایط خوبی است و شرکت‌های خارجی به مصدق پیشنهاد کرد و مصدق اشتباه کرد و قبول نکرد بله از لحاظ امتیازدهی بالا بود ولی چون مدیریت را به ایران نمی‌داد و یا اینکه سهم ایران را در مدیریت پایین می‌آورد مصدق قبول نکرد و فشار اقتصادی که سرنگونش کرد را پذیرفت ولی این شرایط را قبول کند.

اینجا ما داریم به ورطه‌ای نزدیک می‌شویم که این آقایان از هول حلیم دارند می‌افتند توی دیگ، که البته این از هول انجام پروسه استحاله انجام می‌شود؛ شرکت‌ها خارجی که می‌آیند چند مسئله دارد اولاً این منطق سرمایه‌دار مدرن و شرکت‌های امپریالیستی که هیچ جایی نمی‌روند و اقدام سرمایه‌گذارانه یا فعالیت اقتصادی نمی‌کنند مگر اینکه سود تضمین شده داشته باشند.

رونق اقتصادی با حضور شرکت‌های خارجی حاصلی جزفقرو بی عدالتی ندارد

این‌ها چرا به سراغ کشورهای پیرامونی می‌روند؟ یکی به دلیل اینکه منابع طبیعی دارند که می‌توانند از آن استفاده کنند یا به عبارتی غارت کنند و یکی هم اینکه نیروی کار ارزان دارند چون نیروی کار در کشورهای متروپل گران است ولی اینجا راحت می‌توانند نیروی کار ارزان بیابند. مثلاً به یک کارگر دختر ۱۲ یا ۱۳ ساله اندونزیایی روزی ۸۰ سنت حقوق می‌دهند یا مثلاً در بنگلادش و حتی در چین می‌توانند آدم‌ها را با زیر یک دلار به کار وادار کنند آن‌هم روزی ۱۲ ساعت و اگر طرف نفس کشید یا اینکه حرف زد بیرونش کنند، چون قوانین حمایتی هم وجود ندارد پس برایشان بهشت است.

البته در این وسط دروغی هم می‌گویند که ما برای شما رونق آوردیم. ۵ هزار کارگر را مشغول به کار می‌کنند منتهی با شرایط استثماری و در این حال چهار تا مهندس هم می‌برند سر کار اما هم نیروی کار ما را استثمار می‌کنند و هم منابع طبیعی ما را و بعد چیزی برای ما نمی‌گذارند، یعنی زمانی که سودشان تمام شد می‌روند و بعد اگر دو تومان اینجا می‌گذارند برای اینکه اینجا سرمایه‌گذاری کنند دقیقاً دو هزار تومان می‌برند.

امروز ما در شرایطی قرار گرفتیم که خودمان خوشحالیم و استقبال می‌کنیم که بیایید ما را

استثمار کنید. ما می گوییم اگر قرار بود شرکت های امپریالیستی و چند ملیتی اقتصادی را رونق بدهند چرا اقتصاد هاییتی را رونق نمی‌دهند چرا اقتصاد پرو را رونق نمی‌دهند؟ این شرکت‌ها رشد می‌آورند اما رفاه نمی‌آورند شما نگاه کنید پرو فقیرترین کشور دنیا است ولی حیات خلوت شرکت‌های چند ملیتی هم هست. شیلی هم دقیقاً بعد از ۱۹۷۳ به همین وضعیت دچار شده است. آلنده از شیلی رفت و پینوشه آمد و آنچه سال‌ها بر سر نفت ایران رفت بر سر مس شیلی آمد. در زمان پینوشه این شرکت‌ها تمام شیلی را بلعیدند و امروز باید ماحصل آن یعنی زندگی مردم شیلی را دید و تأسف خورد.

همان موقع آمریکایی‌ها گفتند که قتل عام اقتصادی در شیلی انجام داده‌ایم. به درستی باید گفت که آمدن شرکت‌های خارجی شاید رونق و رشد اقتصادی ایجاد کنند اما آن‌ها با خود فقر و بی عدالتی را هم می آورند.

علت شرایط نا به سامان اقتصادی امروز کشور مربوطی به روند ۱۰۰ یا ۲۰۰ ساله است. از سال ۱۲۹۰ شمسی علت مسائل ما دقیقاً ساخت غلط اقتصادی هست که آن را نظام جهانی به ما تحمیل کرد و ما بعد از انقلاب هیچ مدل جایگزینی برای آن نداشتیم. ساخت نگذاشتیم و دقیقاً روی این ساخت حرکت کردیم الآن شرکت‌های چند ملیتی که می‌آیند سراغ ما نه فقط هیچ کمکی به اینکه ما بتوانیم از بحران‌های این ساخت خارج شویم نمی‌کنند بلکه دقیقاً باتلاق بحران‌زده این ساخت را تشدید خواهند کرد پس به این ترتیب ما باید این را درک کنیم و این را به جامعه منتقل کنیم مشکلات اقتصادی ما ریشه در اقتصاد وابسته ما دارد و اگر می‌خواهیم این مشکلات رفع شود به دنبال استقلال اقتصادی باید باشیم.

شرکت‌های چند ملیتی دشمن استقلال اقتصادی تمام کشورها هستند، این‌ها وابستگی را تشدید خواهند کرد. استقلال یک شعار نیست یک آرمان نیست که ما بگوییم نمی‌خواهم و می‌خواهم راحت زندگی کنم، استقلال پیش‌نیاز زندگی راحت است و تا زمانی که من استقلال اقتصادی نداشته باشم زندگی راحت اقتصادی ندارم.

اگر پیش نیاز زندگی راحت اقتصادی، وابستگی بود الآن پرو و هائینی و بنگلادش باید بهترین کشورهای دنیا می‌بودند.

جریان نئولیبرال این مسئله را در جامعه معکوس القاء کردند و اینطور می‌گویند که پیش‌نیاز زندگی راحت اقتصادی وابستگی است که البته اصلاً اینگونه نیست. اگر پیش نیاز زندگی راحت اقتصادی، وابستگی بود الآن پرو و هائینی و بنگلادش باید بهترین کشورهای دنیا می‌بودند.

معادله تئوریک این‌ها این است که مسائل اقتصادی زمانی حل می‌شود که شرکت‌های چند

ملیتی بیایند و ما مشکلاتمان ناشی از تأکید بر استقلالمان هست. لذا اگر استقلال را کنار بگذاریم و وابستگی، هضم شدن و یا به قول این‌ها «تعامل سازنده» بیاید مشکلات حل می‌شود که این دروغ، غلط و بی پایه است هم به لحاظ نظری بی پایه است و هم تجربه تاریخی نشان می‌دهد که بی پایه است.

این مسئله یک روزنه نفوذ است که البته روزنه کمی نیست، یعنی اگر شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد ما سهیم شوند بی‌تردید نتایج سیاسی ناگواری برای نظام خواهد داشت و شک نکنید یعنی به روزی خواهیم رسید که یک شرکت و کمپانی می‌تواند در این کشور کودتا کند، شیلی بی‌خودی به اینجا نرسید و اصلاً تعجب نکنید نتیجه ۵۰ سال نفوذ اقتصادی است که یک دفعه یک کمپانی تصمیم می‌گیرد و یک حکومت را بر می‌اندازد در آن کشور و صد هزار آدم را در استادیوم صد هزار نفری‌اش دستگیر می‌کند و همه را می‌کشد این‌ها چیز ساده‌ای نیست.

در تمام کشورهای پیرامونی زمانی بنیه صنعتی بالا رفته که دولت مستقلاً وارد شده و در سرمایه‌های صنعتی و استراتژیک مثل نفت سرمایه گذاری کرده است. سرمایه خارجی دلش برای ما نسوخته، آن‌ها به دنبال سودشان هستند و هرگز در مراکز تولیدی و مولد سرمایه گذاری نمی‌کند. آن‌ها فقط می‌آیند در جاهایی که سودآور است و آنجا هم بخش غیرمولد است تنها بخش اقتصاد ما که بسیار سودآور است و صنعتی هم نیست نفت و گاز است.

مطمئناً غربی‌ها در ایران برای هتل سازی، برج سازییا شهرک سازی یا در بخش صنعت هواپیمایی می‌آیند اما مطمئن باشید صنعت استراتژیک ایجاد نخواهند کرد نه به این جهت که نمی‌خواهند و احساس رقابت و ترس دارند چون سود ندارد و حتی سرمایه‌دار داخلی ما هم نمی‌رود.

پس این مسئله روزنه نفوذ در اقتصاد یعنی به میزانی که از استقلال اقتصادی‌مان کم می‌شود وضع اقتصادی ما هم بدتر می‌شود و این را هم باید درک کنیم وقتی که شرکت‌های خارجی می‌آیند حتماً و یقیناً برای بازاریابی کالاهایشان می‌آیند یعنی به تک تک ما به‌عنوان نیروی کار و بازار زنده برای فروش کالاهایشان نگاه می‌کنند و یقیناً وفور کالاهایشان فرهنگ و سبک زندگی ما را عوض خواهد کرد. مطمئن باشید سرمایه خارجی بیاید برندهایشان می‌آیند و نمایندگی‌های عریض و طویل این‌ها در شهرهای ما پدیدار خواهد شد و این اتفاق مدل زندگی ما را عوض می‌کند، سیمای لباس پوشیدن آدم‌ها را عوض می‌کند و سیمای شهرها را تغییر می‌دهد.



نقد پدر علم حقوق بر «برجام» ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۹[1]

■ دکتر ناصر کاتوزیان

چرا واقعه اجتماعی و سیاسی مهم اسارت گروگان‌های آمریکایی وسیله اجبار آمریکا و دوستان او در شناختن آرمان‌های انقلابی ملت ایران قرار نگرفت و در دولتی که به نام اسلام حکومت می‌کند تنها صحبت از امور مالی به میان آمد؟

۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ بود که دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با هدف حل یك موضوع مهم دوجانبه‌ای و بین المللی پای میز مذاکره نشستند. این مذاکرات که با میانجیگری الجزایر صورت می‌پذیرفت در نهایت منجر به برجامی شد که از آن به بیانیه الجزایر یاد می‌شود. در این بیانیه دولت آمریکا متعهد می‌شود اقداماتی چند را در قبال جمهوری اسلامی ایران انجام دهد ازجمله آنکه پول‌های بلوکه شده ایران در آمریکا را آزاد کند و از برخورد خصمانه اقتصادی و نظامی و اعمال سیاست‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی خودداری ورزد. در مقابل جمهوری اسلامی نیز گروگان‌ها و جاسوس‌های آمریکایی به اسارت درآمده در خاك ایران را آزاد نموده و طی چند مرحله به آمریکا بازگرداند.

فارغ از اتفاقاتی که در این زمینه رخ می‌دهد، در میان انبوه تبلیغات رسانه‌ای دولت بنی‌صدر و حامیان غرب‌گرای او در رسانه‌های مختلف که از بیانیه الجزایر «بخوانید برجام» به‌عنوان پیروزی بزرگ ملت ایران در برابر ایالات متحده آمریکا یاد می‌کردند، حقوق‌دانان طراز اولی همچون دکتر ناصر کاتوزیان بیانیه الجزایر و برجام بدست آمده را از منظر حقوقی به نقد کشیده و نادیده انگاشتن جایگاه قانونی مجلس شورای اسلامی در تصویب آن را از سوی رئیس جمهور وقت، مورد انتقاد قرار می‌دادند. لکن سیاستمداران غرب‌گرا و برخی از صاحبان قدرت بی آنکه به این انتقادات دلسوزانه از جانب دلواپسان عزت و کیان سرنوشت ملت رنج کشیده

---

۱ - جهان نیوز - مهدی نورائی: ۱۳۹۴/۵/۱۵، کد خبر: ۴۳۷۲۵۵

توجه نمایند با توهین و افترا و بستن راه نقد اقدامات خود را توجیه می‌نمودند و طریقه دیگری را در پیش گرفتند.

گذر تاریخ اما نشان داد که ایالات متحده آمریکا هیچ گاه به تعهدات خود در قبال ایران عمل نکرد بلکه سیاست‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی را نیز شدت بخشید در حالی که مسئولان‌وقت در طی یك مرحله و بر خلاف نظر حضرت امام (ره) تمام جاسوس‌ها و گروگان‌های آمریکایی را با هدف اعتماد سازی آزاد کردند؛ و بدین صورت تنها برگ برنده خود در مذاکرات را از دست دادند.

در ادامه یادداشت مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان را که در نقد برجام الجزایر نگاشته شده و در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۵۹ در روزنامه‌های میزان و انقلاب منتشر شده است، مرور می‌کنیم:

سرانجام ماجرای گروگان‌ها پایان یافت و با صدور بیانیه دولت الجزایر یا بهتر بگوئیم «قرارداد ایران و آمریکا» همه آزاد شدند. ولی ملت ستم کشیده و قهرمان ایران، چون بیماری که از تب عفونی خطرناك رسته و در نقاهت آن به سر می‌برد، در جستجوی آن است که حقیقت را بداند و از آنچه بر او گذشته است آگاه شود.

این حق طبیعی مردم است که ناظر بر اعمال دولتیان و رهبران خود باشند، همچنانکه تکلیف دولت است که انگیزه‌ها و روش‌های اجرائی هر اقدام خود را به مردم بگوید و در معرض داوری آنان قرار دهد. به ویژه دولتی که انتظار دارد مردم همیشه در صحنه سیاست باشند، بایستی کوشش کند که مردمی آگاه و هوشیار را به یاری طلبد نه کسانی که گریبانشان را در دست دارد و به هر کجا که خاطر خواه اوست می‌کشد.

ما انتظار داشتیم که دولت پاسخ قانع کننده‌ای به توقع مشروع مردم بدهد. ولی چون جز شعارهای تبلیغاتی فریبنده چیزی نشنیدیم بر آن شدیم که بخشی از پرسش‌های آنان و خود را خلاصه کنیم و از تمام کسانی که در جریان گروگانگیری و آزادکردن آنان بوده‌اند بخواهیم که صادقانه به آن‌ها پاسخ گویند. داوری را به مردم واگذار می‌کنیم تا بر ما خرده نگیرند که چرا بر مبنای حدس و گمان به قضاوت نشسته‌ایم:

۱- همانگونه که در بیانیه دولت الجزایر آمده است، نقش آن دولت در توافق ایران و آمریکا بیش از یك واسطه و وکیل نیست، پس چگونه است که دولت اصرار دارد آن را بیانیه الجزایر بنامد؟ آیا به اشتباه چنین نامی انتخاب شده یا به دلیل پوشیده داشتن قرارداد با آمریکا و آثار حقوقی ناشی از آن است یا دلیل دیگری دارد که ما از آن آگاه نیستیم؟

۲- به موجب اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های

بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. آنچه میان ایران و آمریکا گذشته است در هر حال خارج از یکی از عناوین یاد شده‌ای نیست که باید به تصویب مجلس برسد. درست است که مجلس شرایط آزادی گروگان‌ها را از پیش معین ساخته بود. ولی تعیین این خطوط اصلی، دولت را از طرح آن در مجلس بی‌نیاز نمی‌سازد. و اطلاع به هیأت رئیسه و آگاه ساختن نمایندگان به وسیله رئیس مجلس هیچ کدام نمی‌تواند جایگزین تصویب رسمی و رأی گیری درباره آن شود. بنابراین آیا دولت مجوزی داشته است که پیش از این تصویب، به تعهد ایران وفا کند و گروگان‌ها را آزاد کند؟ آیا در این باره با شورای نگهبان مشورت شده است؟

۳- در شرایط آزادی گروگان‌ها که به تصویب مجلس شورا رسیده آمده است که دولت آمریکا باید تعهد و تضمین کند از این پس هیچ گونه دخالت سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی نکند، سرمایه‌ها و سپرده‌ها و دارایی ایران را که توقیف کرده است آزاد سازد، اموال شاه معدوم را پس بدهد و اقدامات ایران را به رسمیت شناسد، تضییقات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی لغو شود و اقدامات اداری و حقوقی برای ابطال دعاوی علیه ایران انجام گردد. بی‌گمان اجرای این شرایط در قلمرو اقتدار قوه مجریه آمریکا نبوده و نمی‌توانست به آسانی تحقق یابد. ولی هر چه بود برای دولت لازم الاتباع بود و آزادی گروگان‌ها منوط به اجرای این شرایط بود نه توافق درباره آن‌ها. چنانکه در پایان این شرایط آمده است: «... ایران در برابر انجام کلیه شرایط فوق توسط دولت آمریکا تمامی ۵۲ گروگان آمریکایی را آزاد خواهد ساخت و در صورتیکه انجام بعضی از شرایط فوق نیاز به زمان بیشتری داشته باشد، با قبول کلیه شرایط از طرف دولت آمریکا، در برابر هر شرط تعدادی از از این مجرمین به تشخیص دولت جمهوری اسلامی ایران آزاد خواهد شد.

در حالی که دولت آمریکا به صیغه «اخبار» تنها اعلام کرده است که «... ایالات متحده آمریکا تعهد می‌نماید که سیاست ایالات متحده اینست و از این پس این خواهد بود که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید» و در سیاق عبارت فارسی این جمله معنی تعهد به اتخاذ سیاست عدم مداخله را نمی‌دهد و تکذیب ادعای ایران در نامطلوب بودن سیاست کنونی آن کشور است. با اینکه این تعهد در هر حال ضمانت اجرائی در روابط بین المللی نمی‌تواند داشته باشد ولی در هر حال چیزی نیست که مجلس ایران خواستار آن بوده است.

در مورد بازگشت سپرده‌های توقیف شده ایران، شرط مجلس تحقق نیافته و موکول به انجام تشریفات پیچیده‌ای شده که بدین زودی‌ها اجرا نمی‌شود و فقط درباره چگونگی آن توافق شده است. درباره دارائی‌های شاه سابق نیز بین آنچه مجلس تصویب کرده با آنچه در بیانیه

آمده تفاوت بسیار است. اکنون باید دولت پاسخ دهد که چگونه به خود اجازه داده است که اراده قوه مقننه را نادیده بگیرد و پیمانی ببندد و پیش از تصویب مجلس اجرا کند؟ آیا اینست معنی پیروزی و تحمیل شرایط مجلس ایران به آمریکا؟ آیا مجلس نیز این انحراف‌ها را تجویز کرده است؟

۴- چرا دولت تاکنون به‌طور رسمی اعلام نکرده است که چه میزان از سپرده‌های ایران در اختیار دولت ایران پس از آزاد ساختن گروگان‌ها قرارگرفته است؟ درست است که دولت برای تجارت و سودجوئی دست به این اقدام نزده است و از این جهت توضیح سخنگوی دولت قانع کننده به نظر می‌رسد، ولی دولت امین و خدمتگزار ملت است و باید در اداره اموال عمومی غبطه و مصلحت مردم را رعایت کند و حساب کار خود را در اختیار عموم قرار دهد. پس آیا جلوگیری از ایجاد تردید در پیروزی دولت محرك پنهان داشتن آن مبلغ است؟ یا غفلتی شده که قابل جبران نیست؟

۵- آیا دولت به تقریب می‌داند که حجم دعاوی طرح شده بر علیه ایران که بایستی همیشه یك میلیارد دلار برای تضمین تأدیه آن در بانك انگلیس نگاه دارد «ماده ۷ بیانیه» چه میزان است و با قبول این شرط چه مقدار از اموال ایران به‌طور مسلم به دست صاحبان اصلی آن می‌رسد؟ آیا پرداخت دیون ایران پیش از موعد اصلی به صلاح ایران است؟

۶- استرداد بخش مهمی از سپرده‌ها و دارائی ایران منوط به چگونگی پایان بخشیدن به دعاوی است که علیه دولت طرح شده است. این ترتیب در «بیانیه حل و فصل ادعاها» که جداگانه مورد موافقت قرار می‌گیرد معلوم می‌شود. آیا درباره جزئیات این بیانیه پیش از آزادی گروگان‌ها توافق شده است؟ و آیا مردم حق ندارند از مهم‌ترین سند منضم به بیانیه اصلی آگاه شوند؟

۷- آیا دولت آمریکا می‌تواند مانع از اقامه دعوی اتباع خود و همچنین خارجیان در دادگاه‌های آمریکا شود و چنین دخالتی در قوه قضائیه کند؟ «ماده ۱۱» و آیا قوه مجریه در آمریکا می‌تواند، بدون دخالت قوه قضائیه و حکم دادگاه اموالی را توقیف کند و آن‌را بدون تصمیم دادگاه تا پایان دادرسی نگاه دارد؟ «ماده ۱۲». آیا این شروط تنها جنبه تبلیغاتی ندارد و مسئولان ایرانی در این مسائل، که بسیار بعید به نظر می‌رسد، تحقیق کرده و آگاهانه بیانیه را امضا کرده‌اند؟

۸- در ماده ۱۵ بیانیه آمده است: «در مورد هر حکم صادره از دادگاه آمریکا مبنی بر انتقال هرگونه اموال و یا دارائی به ایران، ایالات متحده بدینوسیله اجرای حکم نهائی را در صورتی که اموال و یا دارائی‌ها در داخل ایالات متحده باشد، تضمین می‌نماید». معنی تضمین چیست؟ مگر دولت آمریکا، به‌عنوان قوه مجریه می‌تواند از اجرای حکم نهائی صادر از دادگاه‌های آن

کشور جلوگیری کند؟ آیا معنی تضمین اینست که اگر اموال موضوع این حکم از بین برود، دولت آمریکا جبران کند؟ آیا به نظر نمی‌رسد که چنین شرطی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد و مرسوم نیست که تکلیف قانونی یکی از دو طرف قرارداد به‌صورت یکی از تعهدات قراردادی در آید و وانمود شود که امتیازی داده شده است؟ آیا اینگونه شروط وسیله ایجاد توهم پیروزی بر امپریالیسم نیست؟

۹- پیش از صدور بیانیه و آزادی گروگان‌ها مکرر اعلام شد که دولت ایران به هدف‌های سیاسی و اجتماعی خود از این اقدام رسیده است. از آغاز اعلام شده بود که شاه سابق و دارائی او باید به ایران بازگردانده شود. اکنون که هیچ یك از این دو هدف تحقق نیافته است دولت باید بی‌پرده توضیح دهد که این هدف‌های سیاسی و اجتماعی چه بوده است؟ آیا جنگ تحمیلی عراق و خسارات ناشی از آن، که بارها اعلام و اظهار شده است که به دستور و تشویق آمریکا شده، یکی از نتایج آن بوده است؟ آیا تقارن آزادی گروگان‌ها با روی کار آمدن ریگان در آمریکا تصادفی است یا در زمره این اهداف است؟

۱۰- چرا واقعه اجتماعی و سیاسی مهم اسارت گروگان‌های آمریکایی وسیله اجبار آمریکا و دوستان او در شناختن آرمان‌های انقلابی ملت ایران قرار نگرفت و در دولتی که به نام اسلام حکومت می‌کند تنها صحبت از امور مالی به میان آمد؟ و چرا ما بهای سنگین گروگانگیری و پافشاری در توقیف آنان را پرداختیم، ولی در عوض چیزی به دست نیاوردیم و فقط امیدواریم که با صدور این بیانیه وضع خود را به‌صورت قبل از آن در آوریم؟

ما خود به ضرورت‌های زندگی در دنیای پر آشوب کنونی آگاهی داریم بنابراین طرح این سوال‌ها برای اینست که مردم قهرمان و ستمدیده ما بتوانند واقعیت را چنان که هست ببینند و در ارزیابی خود تابع تبلیغات و شعارها نشوند و برای اینست که در حرکت‌های انقلابی آینده و مبارزه با امپریالیسم از گذشته عبرت آموزند.



شش اپیزود از تجربه بی‌اعتمادی ایرانی‌ها به آمریکا[1]

■ پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری

اپیزود اول: نحوه‌ی ورود آمریکایی‌ها به ایران

۱- انحصارگران آمریکایی در جریان انقلاب‌های ترکیه و ایران در زمان مشروطه کوشیدند در پرده‌ی شعار «لزوم تحکیم استقلال»، از این انقلاب‌ها برای اعمال‌نفوذ در اقتصاد و سیاست آنان استفاده کنند. در سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۱۰ میلادی) دستگاه دیپلماسی آمریکا دولت ایران را واداشت تا هیئتی از مستشاران مالی آمریکایی را به ایران دعوت کند. به دستور تافت، رئیس‌جمهور آمریکا، مورگان شوستر به ریاست این گروه منصوب شد. او پس از ورود به ایران، خزانه‌دار کل کشور اعلام شد و حق نظارت بر تمام عملیات مالی و پولی دولت و از آن جمله حق جمع‌آوری مالیات‌ها و تفتیش مالی و حسابداری به او واگذار گردید. از آن پس هیچ‌یک از وزارتخانه‌های ایران بدون امضای خزانه‌دار کل، حق هیچ‌گونه عملیات مالی نداشت.[2]

۲- در همان سال ۱۹۱۱ شوستر برای دریافت یک وام پنج میلیون لیره‌ای که در آن زمان مبلغ هنگفتی بود، با محافل انگلیسی و آمریکایی به مذاکره پرداخت. برای تضمین پرداخت این وام، اقتصاد کشور می‌بایست در طول چهل سال کاملاً زیر کنترل بانکداران غرب قرار می‌گرفت. مجله‌ی آمریکایی «رویو اف رویوز» که آن زمان بسیار متنفذ بود، ضمن تفسیر فعالیت شوستر نوشت: «اداره‌ی امور ایران از نیویورک انجام خواهد شد».

۳- در پاییز همان سال ۱۹۱۱ شوستر با پشتیبانی کامل راسل، سفیر آمریکا، خواستار شد که در ایران نوع جدیدی از نیروهای مسلح به نام ژاندارمری مالی تشکیل شود و زیر فرمان شخص خود او باشد. این نیرو اسماً برای جمع‌آوری مالیات بود، ولی در واقعیت امر، نقش تکیه‌گاه

۱- http://farsi.khamenei.ir کد خبر: ۳۲۸۹۴

۲- شوستر، مورگان (۱۳۶۲) اختناق ایران، ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شوشتری جزائری، تهران: صفی علی‌شاه،

نظامی شوستر و آمریکا را در ایران بازی می‌کرد. شوستر و راسل پس از ایجاد نخستین واحدهای ژاندارم مالی که شمار آن‌ها به دو هزار نفر می‌رسید، از دولت ایران خواستند تا این تعداد را به پانزده هزار نفر برساند.[۱]

اپیزود دوم: سلطنت برای ایران از هر نظام دیگری بهتر است!

۱- در نوامبر ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ شمسی) مجلس ایران زیر فشار مورگان شوستر و آرتور میلسپو امتیاز انحصاری اکتشاف و استخراج نفت در استان‌های پنج‌گانه‌ی شمال ایران به کمپانی آمریکایی «استاندارد اویل» را تصویب کرد. برای راضی نگه داشتن انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها نیمی از سهام خود را به شرکت نفت ایران و انگلیس واگذار کردند. این عمل چنان موجی از برآشفتگی در کشور به پا کرد که دولت ایران در مارس ۱۹۲۲ مجبور شد امتیاز «استاندارد اویل» را ملغی کند. وزارت خارجه‌ی آمریکا تصمیم جدیدی گرفت و آرتور میلسپو را که با کمپانی نفت «سینکر» بستگی نزدیک داشت، به‌عنوان مستشار عالی مالی کشور، یعنی به‌عنوان مقامی که در ایران سابقه نداشت، منصوب کرد و به‌دلیل بدنامی شرکت نفت ایران و انگلیس و استاندارد اویل، این‌بار این شرکت امتیاز نفت شمال را دریافت کرد.

۲- میلسپو و دستیارانش همزمان با اقدام فوق امتیاز ساختمان راه‌های آهن و راه‌های شوسه سراسر کشور را به کمپانی بزرگ «اولن» آمریکایی واگذار کرد. این امتیازها در سال ۱۹۲۴ به آمریکایی‌ها واگذار شد. کمی بعد اداره‌ی مخصوص راه‌آهن ایران به ریاست کل‌اند آمریکایی تأسیس شد.

۳- میلسپو با تکرار شیوه‌ی شوستر در امور سیاسی کشور نیز بی‌پروا مداخله می‌کرد. در سال ۱۹۲۴ که مردم از انحطاط سیاسی و اخلاقی سلسله‌ی قاجار خشمگین بودند و نهضت جمهوری‌خواهی اوج می‌گرفت، میلسپو شدیداً علیه آن به مخالفت برخاست. او در این زمینه نوشت: «استقرار نظام جمهوری عملاً در حکم یک انقلاب جدید خواهد بود... و بی‌نظمی و نابسامانی پدید خواهد آمد. برای مردمی که در امر خودگردانی تجربه ندارند، سلطنت از هر نظام دیگری بهتر است.» در همین سال به اصرار اکید میلسپو یکی از سربازان ایران به نام مرتضی به اتهام حمله به سرگرد ایمبری آمریکایی در حضور تمام اعضای سفارت خانه آمریکا در تهران تیرباران شد.

۴- اقدامات میلسپو، تأثیرات منفی غیرقابل جبرانی بر اقتصاد ایران گذاشت. برای نمونه در طول سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ سطح کشت توتون ۴۰ درصد و محصول پنبه ۴۳ درصد کاهش

۱- بونداروفسکی، گریگوری لوویچ (۱۳۵۸) تاریخ توسعه‌طلبی آمریکا در ایران، تهران: آلفا، ص ۱-۶۰.

یافت و میزان وسیعی از زمین‌های کشاورزی قابل کشت بدون زراعت باقی ماند.
۵- میلسپو خود می‌گفت که او فقط به تحکیم مبانی اقتصاد ایران مشغول است و قصد دخالت در امور داخلی کشور را ندارد؛ اما وی در کتاب «آمریکایی‌ها در ایران» که در سال ۱۹۴۶ با عنوان «کلینیک انترناسیونالیسم جدید» انتشار یافت، نوشت: «استقلال و حاکمیت ایران در بهترین حالت چیزی جز امید یا وعده نیست... این هدف‌ها تحقق‌پذیر نیست و نمی‌تواند تحقق‌پذیر باشد... ایران کشوری است که اتفاقاً در امور داخلیش باید دخالت کرد.»

اپیزود سوم: پیشانی آلوده‌ی آمریکا و کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

نفوذ گسترده و جدی آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد به بعد آغاز شد. ملی شدن صنعت نفت برای آمریکایی‌ها به‌قدری مهم بود که دین آچسون، وزیر خارجه‌ی این کشور، در کتاب خاطرات خود، دو فصل تمام را به مناسبات ایران و آمریکا در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ (۱۳۳۰-۱۳۳۱ شمسی) اختصاص داده است. او شرح مبسوطی بیان می‌دارد درباره‌ی اینکه وزارت خارجه و کاخ سفید چه نقشه‌هایی طرح کرده بودند تا از وضع بغرنج آن زمان ایران برای منزوی کردن مصدق استفاده کنند.
۱- سه هفته بعد از نخست‌وزیری مصدق، آمریکا رسماً نظر منفی خود را درخصوص ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد. در ماه میهمان سال (اردیبهشت ۱۳۲۹)، ترومن نامه‌ای خطاب به مصدق نوشت که اختلافاتش را با انگلیس رفع کند.
۲- دادگاه لاهه در ۵ ژوئیه‌ی ۱۹۵۱ (۱۵ دی ۱۳۲۹) زیر فشار آمریکا قراری صادر کرد که به‌موجب آن اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت عملاً برای دولت ایران ممنوع اعلام شد. چهار روز بعد ترومن نامه نوشت که دولت ایران رأی دادگاه لاهه را بی‌چون‌وچرا بپذیرد. سوای از غیرقانونی بودن رأی دادگاه، آمریکا به‌صورت مداخله‌جویانه فرستاده‌ای به ایران فرستاد که مورد اعتراض صدها هزار نفری مردم قرار گرفت. دولت زاهدی بیش از صد نفر را کشت و بیش از پانصد نفر را زخمی کرد، در تهران حکومت نظامی اعلام کرد و بیست روزنامه را نیز توقیف کرد.
۳- چون آمریکا عزم ملی کردن را جدی دید، محاصره‌ی مالی و اقتصادی ایران را آغاز کرد. شرکت‌های آمریکا و انگلیس نفت ایران را نخریدند و کمپانی‌های فرانسه، ایتالیا و ژاپن را وادار به نخریدن نفت ایران کردند. در نتیجه در نیمه‌ی سال ۱۹۵۱ (۱۳۲۹ شمسی) استخراج نفت ایران به‌طور کامل قطع شد. هم‌زمان دولت انگلیس دارایی‌های ایران را مسدود کرد. با فشار آمریکا به شاه، مصدق مجبور به استعفا شد. به‌دنبال آن مردم اعتصاب عمومی کردند. در

۲۱ ژوئیه (اول بهمن) قوام مجبور به استعفا شد و مصدق مجدداً نخست‌وزیر شد. مشهور شد که در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) کرمیت روزولت به‌همراه دسته‌چک ضخیم بدون محدودیتی وارد تهران شده است.

اپیزود چهارم: جزیره‌ی ثبات صنعت تسلیحاتی آمریکا

آمریکایی‌ها بسیار تلاش کردند تا شاه را به‌عنوان یکی از ستون‌های دکترین دوستونی خویش در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا که به‌صورت جعلی به خاورمیانه مشهور است، تبدیل کنند.

۱- رژیم محمدرضا، ده‌ها میلیارد دلار از دلارهای نفتی ایران را به‌صورت سفارش و خرید گران‌ترین سلاح‌های غیرقابل استفاده برای ایران، به آمریکا برمی‌گرداند. مبالغ عظیمی از درآمد نفت نیز برای ساختمان انواع پایگاه‌های نظامی زمینی و هوایی و دریایی و پرداخت حقوق‌ها و مزایای کلان بیش از صد هزار کارشناس و مستشار نظامی و کشوری خرج می‌شد. به بیان دیگر، این هزینه‌ها نیز به گاوصندوق‌های آمریکایی سرازیر می‌شد.

۲- پهلوی دوم بسیار اصرار داشت که عامل اعتلا، عزت و تجلی ایران معرفی شود. ولی درعین‌حال در عمل پارادوکس‌گونه رفتار می‌کرد. پارادوکس عملکرد رژیم پهلوی در بحث از عزتمندی در آنجا ظاهر می‌شد که شاه در مقابل باج‌خواهی‌های آمریکا تمکین می‌کرد. شفاف‌ترین اقدامی که برای رژیم شاه هزینه‌ی سنگینی داشت، «لایحه‌ی کاپیتولاسیون» و تصویب آن در مجلس شورای ملی بود که مصونیت قضایی مستشاران و مأموران آمریکایی را در ایران تضمین می‌کرد؛ امری که حکایت‌گر وابستگی و سرسپردگی رژیم پهلوی بود.[۱]

۳- یکی دیگر از این پارادوکس‌ها که اتفاقاً بزرگ‌ترین دستاوردهای آمریکایی‌ها در ایران قبل انقلاب نیز محسوب می‌شود، انقلاب سفید بود؛ اما آنچه نصیب ایران شد، چه بود؟ کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش واردات مواد غذایی ضروری. ایرانی که خود از تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی محسوب می‌شد و در زمینه‌ی تولید گندم نیز خودکفا بود، با انجام طرح انقلاب سفید، به واردکننده‌ی گندم تبدیل شد؛ به‌طوری‌که حتی نمی‌توانست نیاز چند ماه خودش را تأمین کند.[۲]

---

۱ - عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱) درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی، ص۷۷.

۲ - http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۳۲۰۸۰

اپیزود پنجم: ملی کردن صنعت هسته‌ای ایران

آنچه تا اینجا گفته شد، تنها گوشه‌ای از بلاهایی است که توسط آمریکا بر سر این کشور و مردمانش آمده است. به این لیست می‌توان موارد عدیده‌ی دیگری هم اضافه کرد. این دشمنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌مراتب بیشتر از قبل شد. از ایجاد لانه‌ی جاسوسی و نفوذ در صف انقلابیون و مسئولین بگیرید تا کمک به گروهک‌های تروریستی، کمک و پشتیبانی از دیکتاتور عراق برای حمله به ایران، ایجاد انواع تحریم‌های اقتصادی و مالی، انواع تبلیغات و لجن‌پراکنی علیه ایران و...

به سه دهه بعد می‌آییم. از رابطه‌ی ایران و آمریکا چیزی جد بدبینی تاریخی در ذهن مردم باقی نمانده است؛ اما جایگاه ایران کجاست؟ کشوری که هرروز صنایع خود را ملی می‌کند.

۱- اساسی‌ترین مناقشه‌ی جمهوری اسلامی با غرب بر سر مسئله‌ی هسته‌ای شکل گرفت که بنا به تعبیر بسیاری از کارشناسان حقوق بین‌الملل، به‌صورت نامشروع و غیرقانونی از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به شورای امنیت ملل متحد ارجاع داده شد. پرونده‌ای که ورودش به شورای امنیت غیرقانونی بود و متعاقباً در یک فرایند غیرقانونی قطعنامه‌های تحریمی در این شورا در شش نوبت علیه تهران تصویب شد. قطعنامه‌هایی که به تعبیر پروفسور دانیل جوینر[1]، در اساس «غیرحقوقی» بودند.

۲- بدین‌ترتیب هرچند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها در گزارش‌های خود اذعان داشته که ایران هیچ‌گاه از برنامه‌ی صلح‌آمیز به‌سمت اهداف نظامی منحرف نشده است،[2] اما فرایند فشار بین‌المللی علیه ایران شروع شد تا ایران در محدودیت قرار گیرد و به‌زعم آن‌ها، دست از «برنامه‌ی هسته‌ای غیر صلح‌آمیز خود» بردارد. متعاقباً در سال‌های گذشته، ایران ذیل فصل هفت منشور ملل متحد به‌عنوان یک کشور برهم‌زننده‌ی آرامش و امنیت بین‌المللی تعریف شد و همین موضوع شرایطی را برای تشدید اجماع و مقبول افتادن سیاست‌های آمریکا فراهم ساخت. به‌دنبال آن، انواع تحریم‌های مالی و اقتصادی که به تعبیر مقامات آمریکایی، تحریم‌های فلج‌کننده بود، علیه ایران وضع شد و ایران به بهانه‌های واهی، متحمل میلیاردها دلار ضرر مالی و اقتصادی شد که البته هنوز هم رفع نشده است.

۳- مذاکرات دوازده‌ساله‌ی ایران و ۵+۱ به سندی منتهی شد که به «برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» موسوم است و طی آن طرفین تعهداتی را پذیرفته‌اند که طبق گفته‌ی آمریکایی‌ها،

---

1 - Daniel H. Joyner, University of Alabama, USA web: http://armscontrollaw.com

2 - (Anonymous) (۲۰۱۲) "Iran and the bomb: The legal standards of the IAEA" Available in: "http://thebulletin.org/iran-and-bomb-legal-standards-iaea-."

ایران به تمامی تعهداتش عمل کرده است؛ اما در مقابل چه اتفاقی افتاده است؟

اپیزود ششم، آخرین درس: آمریکا تغییری نمی‌کند

در عمل، آمریکایی‌ها حتی به آن چیزی که خود در سند موسوم به برجام امضا کرده بودند هم پایبند نشدند و خلاف آن عمل کردند. در اینجا صرفاً به چند رویداد به‌صورت کوتاه اشاره می‌کنیم تا از اقدامات جدیدی که آمریکایی‌ها بعد از توافق هسته‌ای انجام داده‌اند مطلع شویم و معنای عدم اعتماد به آمریکا را که رهبر انقلاب از آن سخن می‌گویند، بهتر لمس کنیم.

۱- قانون محدودیت ویزا

دسامبر ۲۰۱۵ میلادی (آذرماه ۱۳۹۴) «مجلس نمایندگان آمریکا» طرحی را در قانون بودجه‌ی ۲۰۱۶ این کشور قرار داده و تصویب کرد که محدودیت‌های تازه‌ای را بر شهروندان کشورهایی که بدون ویزا به ایران سفر می‌کنند اعمال کند. تغییری که به‌طور بالقوه می‌تواند حتی بر شهروندان ایرانی الاصل این کشورها که عمدتاً اروپایی هستند هم تأثیر بگذارد. بر اساس این طرح شهروندان کشورهای دارای وضعیت لغو ویزا با آمریکا (اعم از ۳۸ کشور اروپایی و سایر کشورهایی که با آمریکا مراودات زیادی دارند) که بعد یک مارس ۲۰۱۱ به چهار کشور سوریه، عراق، ایران و سودان سفر کرده باشند نمی‌توانند بدون ویزا به آمریکا بروند. روزنامه‌ی انگلیسی گاردین در واکنش به این موضوع به طنز نوشت: «تصویب لایحه‌ی لغو روادید و پیشگیری از سفر تروریست‌ها، یک ضرب‌المثل فارسی را درباره‌ی یک حاکم به یادمان می‌آورد که شنید آهنگری در بلخ مرتکب جنایتی شده است. حاکم که دوست داشت همه بدانند او در اجرای عدالت شتاب دارد، دستور داد مجرم را دستگیر کنند و گردن بزنند؛ اما از آنجایی که بلخ خیلی دور بود، حاکم دستور داد آهنگر دیگری در همان نزدیکی پیدا کنند؛ اما در شهرهای نزدیک آهنگر پیدا نشد و فقط توانستند یک مسگر را در شهر شوشتر بیابند. حاکم دستور اعدام مسگر بیچاره را صادر کرد و در نتیجه گناه آهنگر در بلخ بدون مجازات ماند.»[۱]

۲- تحریم‌های موشکی علیه ایران

پس از آزمایش موفقیت‌آمیز موشک «عماد» که به‌صورت منطقی، حق هر کشوری است که برای تأمین امنیت خود و دفاع از کشور دارای چنین قدرتی باشد، آمریکایی‌ها دست به کار شدند تا مناقشه‌ی جدیدی در این خصوص ایجاد کنند.[۲] بلافاصله سامانتا پاور اظهار داشت:

---

1 - http://www.theguardian.com/world/iran-blog/۲۰۱۵/dec/۱۰/iranian-americans-scapegoats-for-terror-ist-acts-by-us-congress-hr۱۵۸

2 - (۱۶ Oct ۲۰۱۵) "US envoy says recent Iran missile test violated UN sanctions" Available in:
http://bigstory.ap.org/article/f۲۶۲۱۷dd۰c۱d۴۵ce۹۰f۷a۱۹۶۷۶۴f۰۶a۱/us-envoy-says-recent-iran-missile-

«در صورتی‌که این آزمایش تأیید شود و نقض قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ باشد، آمریکا از این اختیار و امکان بهره‌مند است تا موضوع را به شورای امنیت ملل متحد ارجاع داده و ترتیبات بعدی را پی‌گیری کند.»[1]

۳- شروط جدید کنگره‌ی آمریکا برای رفع تحریم

موضوع و موضع ضدایرانی کنگره‌ی آمریکا از سال ۲۰۱۵ به سال جدید میلادی هم روانه شد و درست ۴ روز بعد از شروع سال جدید میلادی کمیته‌ی روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد که طبق آن «لغو تحریم‌های اعمال شده علیه برخی اشخاص و نهادهای ایرانی در صورتی اجرا می‌شود که اثبات شود در برنامه‌ی موشکی ایران نقشی نداشته‌اند».

۴- پرداخت غرامت ۱۰.۵ میلیارد دلاری

در ۲۰ اسفند ۱۳۹۴ «دادگاهی در نیویورک در حکمی غیابی، ایران را به پرداخت بیش از ۵.۱۰ میلیارد دلار غرامت به اعضای خانواده‌ی کشته‌شدگان در نتیجه‌ی عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و همچنین شرکت‌های بیمه‌ی پرداخت‌کننده‌ی غرامت، به‌علت ضررهای ناشی از این عملیات تروریستی محکوم کرده است.»[2] این در حالی است که حتی یک سند هم مبنی بر همکاری مستقیم یا غیرمستقیم ایران در این حادثه ارائه نشده است.

۵- محدودیت‌های مکرر مالی علیه ایران

در یک آوریل ۲۰۱۶ و در حاشیه‌ی نشست امنیت هسته‌ای واشنگتن اوباما اظهار داشت: «کشورش در نظر ندارد اجازه دهد از طریق نظام بانکی آمریکا با ایران معاملات دلاری انجام شود و شرکت‌های خارجی می‌توانند از طریق بانک‌های اروپایی با ایران همکاری داشته باشند.» به‌همین دلیل، همچنان تعامل اقتصادی ایران با سایر کشورها با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.»

۶- راهزنی در روز روشن

در آخرین مورد نیز دیوان عالی آمریکا روز چهارشنبه (اول اردیبهشت ۱۳۹۵) در حکمی جنجالی و یک‌طرفه اعلام کرد که حدود ۲ میلیارد دلار از دارایی‌ها و اموال بلوکه‌شده‌ی ایران باید به خانواده‌ی آمریکایی‌های کشته‌شده در بمب‌گذاری ۱۹۸۳ پایگاه تفنگداران آمریکایی در بیروت و دیگر حملاتی که گفته می‌شود ایران در آن‌ها دست داشته، پرداخت شود. آمریکایی‌ها با

---

test-violated-un

1- (۱۶ Oct ۲۰۱۵) "US envoy says recent Iran missile test violated UN sanctions" Available in:
http://bigstory.ap.org/article/f۲۶۲۱۷dd-c۱d۴۵ce۹۰f۷a۱۹۶۷۶۴f۰۶a۱/us-envoy-says-recent-iran-missile-test-violated-un

2- http://www.yjc.ir/fa/news/۵۵۳۲۹۹۹/

این اقدام این پیام را صادر کردند که به هیچ‌وجه گزینه‌ی فشار اقتصادی را از روی میز بر نداشته‌اند و اگرچه در ظاهر متعهد به حذف تحریم‌ها شده‌اند، اما فشار اقتصادی به ایران را از راه‌های دیگر دنبال می‌کنند.

نتیجه

بیش از ۱۰۰ سال پیش بود که آمریکایی‌ها خود را وارد فضای سیاسی ایران کردند. آمریکایی‌ها تا پیش از انقلاب تعیین‌کننده‌ی معادلات سیاسی در ایران بودند اما بعد از انقلاب اسلامی، ید طولای آن‌ها در ایران قطع شد. در طول این ۱۰۰ سال، همواره آنکه ضرر کرده است، ایران بوده و آنکه جز غارت و چاپیدن کار دیگری نکرده، آمریکا بوده است. گرچه رئیس‌جمهور وقت آمریکا پیام نوروزی می‌فرستد و در آن اظهار امیدواری می‌کند که راه‌های نوینی برای رابطه‌ی دو کشور به وجود آید، اما آنچه هیچ تغییری نکرده است، ماهیت وجودی رابطه‌ی آمریکا با سایر کشورهاست. ماهیتی که برخاسته از خوی استکباری و سلطه‌طلبی آن‌ها است.



تحلیلی بر تجلیل وندی شرمن از حسن روحانی[۱]

مهدی محمدی

کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

از کنار سخنان وندی شرمن مذاکره کننده سابق آمریکایی که گفته است این روحانی بود که ایران را پای میز مذاکره آورد نه تحریم‌ها، ساده نباید گذشت. شرمن اکنون یک مقام دولتی نیست و بنابراین طبیعی است که بی‌ملاحظه‌تر و صادقانه‌تر سخن گفته باشد. بیش از دو سال است که ادبیات استاندارد دولت امریکا می‌گوید این تحریم‌ها بود که ایران را پای میز مذاکره کشاند. در این مدت، هر بار از کری یا اوباما سؤال شده اصلی‌ترین عامل ایجاد کننده برجام را چه می‌دانند، مشخصاً روی تحریم‌ها انگشت گذاشته‌اند. درواقع، و به تعبیر فنی‌تر، دولت اوباما همواره فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها را مهم‌ترین عامل تغییر محاسبات راهبردی ایران درباره برنامه هسته‌ای اعلام کرده است.

اکنون شرمن مسئله را معکوس روایت می‌کند. شرمن می‌گوید درباره نقش تحریم‌ها در آغاز مذاکره و امتیازدهی ایران اغراق شده است و اگر نبود ریاست جمهوری حسن روحانی تحریم‌ها به تنهایی نمی‌توانست ایران را وادار به پذیرش توافق هسته‌ای بکند؛ توافقی که حتی محمود سریع القلم هم معتقد است تنها ۱۵ درصد به نفع ایران و ۸۵ درصد به نفع طرف مقابل بوده است.

حقیقت این است که مذاکره کننده سابق آمریکایی دست روی نکته حساسی گذاشته است. برای کسانی که ادبیات استراتژیک امریکا درباره ایران را تعقیب کرده‌اند یک کلیدواژه آشنا وجود دارد با عنوان «شبکه همکار غرب در ایران». آمریکایی‌ها مدت‌هاست عقیده دارند و این عقیده خود را پنهان هم نکرده‌اند که هیچ نوعی از فشار خارجی بدون وجود یک شبکه همکار در ایران که فشار را به سازش ترجمه کند و از چرخ زندگی به چرخ سانتریفیوژ پل بزنند،

۱- ایران هسته‌ای، کد خبر: ۲۸۷۷

کارآمد نیست. کارکرد اصلی شبکه همکار غرب در داخل ایران این است —و همواره همین بوده است-که فشار خارجی را به زبان سیاست و رسانه ترجمه کرده و تلاش می‌کند فضایی بوجود بیاورد که گویی بدون تن دادن به سازش و پذیرفتن درخواست‌های طرف مقابل هیچ راهی برای خلاصی از فشارها وجود ندارد. این دقیقاً کاری است که حسن روحانی و دولت او، و پیش‌تر اسلاف اصلاح طلب وی، در یک دهه گذشته، انجام داده‌اند.
از این منظر وجود جریان غربگرا در داخل کشور که دائماً تلاش می‌کند منافع ملی را منطبق با خواسته‌های غرب و هزینه مقاومت در مقابل درخواست‌های آن را بسیار بزرگ‌تر از آنکه درواقع هست جلوه دهد، مکمل پروژه تحریم است. به سابقه تاریخی در ۱۳۸۹ —زمانی که آمریکایی‌ها اعمال رژیم تحریم‌ها فلج کننده علیه ایران آغاز کردند- هم اگر نگاه کنیم همین جریان منشأ اصلی اعمال تحریم‌ها علیه ایران بوده است. درواقع، اراده امریکا برای تقویت جریان غربگرا پس از مشاهده افول آن در انتهای سال ۸۸ بود که این کشور را متقاعد به آغاز دوران مجازات اقتصادی ملت ایران از طریق تحریم‌های فلج کننده کرد و اکنون هم مزد خود را از همین جریان گرفته است. کسانی که خود سرچشمه تحریم‌ها بودند، پروژه تحریم را به نتیجه رساندند و خروجی مطلوب امریکا را که همان تغییر محاسبات ایران در حوزه هسته‌ای بود از دل آن بیرون کشیدند.
درواقع سخنان شرمن نشان می‌دهد حتی امریکا هم باور داشته است که ایران بسیار بیش از آنچه در دولت حسن روحانی مشاهده شد توان مقاومت در مقابل تحریم‌ها را داشته و بسیار کمتر از آنچه دولت حسن روحانی واگذار کرد، لازم بوده است که امتیاز بدهد. کوچک نمایی توان کشور برای مقاومت در مقابل فشارها، و متقابلاً بزرگنمایی توان طرف مقابل برای تشدید فشارها، ستون‌های اصلی خیمه فکری است که جریان غربگرا در داخل از آن تغذیه می‌کند.
دقیقاً به همین دلیل هم هست که این جریان به همه‌چیز به‌عنوان ابزاری برای مذاکره و بده بستان نگاه می‌کند و در این بده بستان نیز به هیچ خط قرمز حقیقتاً معناداری پای بند نیست. درواقع اگر بخواهیم تعبیر دقیق‌تری استفاده کنیم، باید گفت ماهیت واقعی جریان غربگرا در ایران همان چیزی است که سعید حجاریان زمانی آن را وندالیسم یا «شکست طلبی» خوانده بود. شکست طلبی فرجام غربگرایی در ایران است؛ به این معنا که آخرین نسخه‌ای که غربگرایان برای هر منازعه‌ای تجویز می‌کنند این است که بهتر است شکست خورده بودن در مقابل غرب را پیشاپیش بپذیریم و رنج و زحمت مقاومت را اساساً به جان نخریم. عبارت دقیق‌تر این است که بگوییم این جریان درواقع عقیده دارد باید از ترس مرگ خودکشی کرد و توصیه می‌کند قبل از آنکه دیگران ما را شکست بدهند بهتر آن است که ما خودمان، خودمان را شکست بدهیم و آنچه طرف مقابل می‌خواهد را به آن واگذار کنیم.

سخنان تاریخی وندی شرمن همچنین تاکیدی است بر نقش کلیدی عامل سیاست داخلی در نظام سیاست گذاری و طراحی راهبردی غرب درباره ایران. یکی از معانی مهمی که جمله وی در بر دارد این است که اگر غرب بتواند یک جریان همراه با خود را در ایران بر سر کار بیاورد، و پس از بر سر کار آمدن آن‌ها را تثبیت و تقویت کند، بیش از هر زمان دیگری می‌تواند به امتیازگیری از ایران مطمئن باشد چراکه این جریان اساساً هویتی جز استاندارد سازی ایران با معیارهای آمریکایی –ذیل پروژه‌هایی چون تعامل با جهان- برای خود قائل نیست و آنچه را هم که به غرب واگذار می‌شود نه یک امتیاز بلکه شر نالازمی می‌داند که هر چه زودتر باید از دست آن خلاص شد.

این درس بزرگی برای همه ماست بویژه که مجدداً در آستانه انتخاباتی قرار داریم که می‌تواند تراژدی شکست طلبی غرب‌گرایان در ایران را به‌طور فزاینده‌ای تقویت کند. ادبیات وندی شرمن نشان می‌دهد امریکا از بن دندان باور دارد که کارآمدترین و بهینه‌ترین مسیر برای مهار ایران این است که کسانی در ایران بر سر کار باشند که آمریکایی فکر می‌کنند و وقتی چنین وضعیتی ایجاد شد، می‌توان به دریافت امتیازهایی امیدوار بود که با فشار خالص از بیرون شاید هرگز به دست نیاد. پیام این سخنان برای جامعه ایرانی بسیار نگران‌کننده و رنج آور است. اگر بخواهیم صریح باشیم پیام این سخنان این است که وجود جریان غربگرا در ایران و قوت گرفتن آن بزرگ‌ترین خطر امنیت ملی برای کشور و بزرگ‌ترین تهدید برای منافع ملی ایران است. این جریان اصلی‌ترین عامل تحریک دشمن به تشدید فشار علیه ایران و پایان پیدا نکردن مسیر دوگانه تحریم- مذاکره است. این جریان عامل طمع غرب به ایران است و این طمع می‌تواند روز به روز قوی‌تر و خطرناک‌تر شود و به پروژه‌های پر ریسک‌تری بینجامد. این جریان؛ جریانی است که می‌تواند مجدداً کل کشور را به درون گرداب تحریم‌ها پرتاب کند –همچنان که یک بار دیگر در گذشته این کار را کرد- و به فلج شدن بخشی دیگر از برنامه‌های تولید امنیت در ایران منجر شود. این جریان اصلی‌ترین عامل انگیزه بخشی به دشمن برای فشار بر مردم ایران است و آمریکایی‌ها اساساً رفاه ملت ایران را گروگان رشد سیاسی آن می‌دانند. به همه این دلایل می‌توان جرئت کرد و گفت خطر این جریان برای کشور و میزان خسارتی که می‌تواند وارد بیاورد، از خطر ارتش امریکا و خسارت ناشی از حمله نظامی این کشور به ایران هم بیشتر است چراکه آمریکایی‌ها خود به‌صراحت گفته‌اند امتیازهایی که از این جریان گرفتند را حتی با جنگ هم نمی‌توانستند به دست بیاورند.

شرمن نکته جدیدی نگفته است اما از میان آنچه می‌دانستیم نکته مهمی را تمییز داده و در زمانی که سخت به آن نیاز داریم، پیش چشم ما نهاده است.

فصل دوم: کلید نفوذ

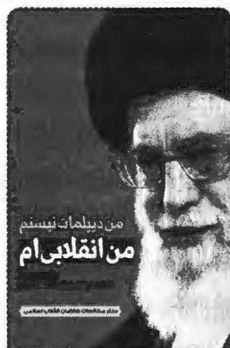
«مذاکرات هسته‌ای
در دولت یازدهم از منظر مقام معظم رهبری»



اشاره:

مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر و در خلال مذاکرات هسته‌ای بین ایران و ۵ + ۱ بیانات مهمی در این زمینه داشتند. رهبری انقلاب بر اساس یک تحلیل و تصویر کلان از مناسبات ایران و نظام سلطه به ارائه رهنمود و تحلیل روند و بایسته‌ها و نبایسته‌های مذاکرات هسته‌ای می‌پرداختند. اساساً از منظر رهبری انقلاب، مذاکره بهانه است و دشمن در پی حل مسئله نیست؛ بلکه او در پی دستیابی به هدفی بالاتر یعنی نفوذ و استحاله‌ی انقلاب از درون است.

برخی ساده اندیشان به تعریف و تمجیدهای رهبری معظم انقلاب از اعضای تیم مذاکره کننده تمسک کرده و معظم له را یکی از موافقان مذاکرات هسته‌ای و نتایج آن معرفی کردند. این طیف نمی‌توانند بین حُسن فعلی و حُسن فاعلی تفکیک قائل شوند. شاید فاعلِ کاری به خودی خود انسان خوبی باشد ولی فعل او خوب نباشد. تعریف‌های رهبری ناظر به حسن فاعلی مذاکره کنندگان بود نه حسن فعلی آن‌ها. بعدها که رهبری صریحاً این روند را «خسارت محض» نامیدند، کمی از این شبهات برطرف شد. از طرفی برای دست‌یابی به تحلیل و نگاه کلان ایشان به عرصه مذاکرات هسته‌ای و نیز رابطه‌ی ایران و امریکا باید با همه سخنان ایشان در این زمینه روبرو شد تا نگاهی منصفانه داشت و تحلیلی صحیح به دست آورد. گردآوری تمام سخنان ایشان در باب مذاکرات هسته‌ای از وظیفه‌ی این کتاب خارج است و خود کتابی مستقل می‌طلبد. در این فصل مهم‌ترین سخنان رهبری در زمینه مذاکرات هسته‌ای و رابطه‌ای ایران و امریکا را از نظر می‌گذرانیم.



تدابیر سه‌گانه مقام معظم رهبری پیرامون مذاکرات

■ محمد حسن جعفرزاده[1]

مقام معظم رهبری در مواجه با ایده‌ی مذاکره با امریکا سه تدبیر را به‌صورت مرحله‌ای در پیش گرفتند. در ادامه به این سه تدبیر اشاره می‌شود:

تدبیر اول (قبل از سال ۹۲): مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند

«عده‌ای از روی ساده‌لوحی و بعضی از روی غرض می‌گویند مذاکره کنیم؛ مذاکره با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند. یك عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی بعضاً، بعضی هم از روی غرض - نمی‌شود انسان قضاوت قطعی نسبت به اشخاص بکند، اما کار آدم ساده‌لوح، با کار آدم مغرض، در ماهیت خود تفاوتی پیدا نمی‌کند - خوشحال می‌شوند که بله، بیایید؛ نه، اینجور نیست، مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند؛ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند؛ کجا این‌ها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. یك روزی مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، به آن‌ها تکیه کرد، آن‌ها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پُر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه‌ی پهلوی را سال‌های متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواك تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه‌ای مسئولین کشور روی خوش‌بینی‌های خود به این‌ها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را

۱- برگرفته از کتاب «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام»؛ کاری از دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی

در محور شرارت قرارداد. مظهر شرارت شمایید؛ شما هستید که در دنیا دارید شرارت می‌کنید، جنگ راه می‌اندازید، ملت‌ها را می‌چاپید، از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنید، ملت‌های بپاخاسته را در این ماجرای بیداری اسلامی تا هر جا که بتوانید دچار سرکوب می‌کنید و به استضعاف می‌کشید و بین آن‌ها اختلاف می‌اندازید؛ شرارت متعلق به شماست؛ شأن شماست. ملت ایران را متهم کردند به شرارت؛ اهانت بزرگ. هر جا به این‌ها اعتماد شد، این‌ها این جوری حرکت کردند. باید حُسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه‌ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟»[۱]

«برخی تصور می‌کنند بدون هزینه دادن می‌توان به هدف‌ها رسید، لذا آنجا که پای هزینه دادن در میان است، عقب می‌کشند و در محاسبه اشتباه می‌کنند. یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمان‌ها بدون هزینه امکان‌پذیر است. ما در دوران مبارزات هم می‌دیدیم؛ بعضی‌ها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌ای بدهند، قدمی بردارند. امروز چنین کسانی هم هستند؛ تصور می‌کنند که باید به هدف‌ها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجائی که پای هزینه دادن در میان است، عقب می‌کشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیاری از موارد موجب می‌شود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطی را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند.»[۲]

«در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبهه دشمن انعطاف نشان دادیم و عقب‌نشینی کردیم، مواضع گستاخانه‌تر و طلبکارتری علیه ما گرفتند. در هر برهه‌ای که ما در مقابل جبهه‌ی دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه‌هائی عقب‌نشینی کردیم - مثلاً یك وقت گفتیم بگذارید بهانه را از دست دشمن بگیریم، یك وقت گفتیم بگذارید سوءظن دشمن را از خودمان زائل کنیم - دشمن مواضع گستاخانه‌تری علیه ما گرفته. در آن روزی که ادبیات مسئولین ما آلوده شد به حرف‌ها و تعبیرات تملق‌آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غربی، در آن روز این‌ها ما را «محور شرارت» معرفی کردند! چه کسی؟ آن کسی که خودش مجسمه‌ی شرارت بود. رئیس جمهور قبلی آمریکا - مجسمه‌ی شرارت - ایران اسلامی را «محور شرارت» معرفی کرد! این کِی بود؟ آن‌وقتی که ما در ادبیات خودمان، در اظهارات خودمان، حرفهای تملق‌آمیز نسبت به غرب و نسبت به آمریکا و این‌ها را تکرار می‌کردیم. این‌ها اینجوری‌اند. در همین قضیه‌ی هسته‌ای،

۱- بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

۲- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

آن‌وقتی که ما با این‌ها همراهی کردیم و عقب‌نشینی کردیم - البته برای ما تجربه‌ای بود، اما این واقعیت است - این‌ها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین حسینیه گفتم اگر بنا باشد که این روال از سوی آن‌ها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم؛ ناچار شدیم؛ این‌ها کار ما نیست.

عقب‌نشینی‌ها آن‌ها را گستاخ‌تر کرد، طلبکارتر کرد. یك روزی بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آن‌ها گفتند نمی‌شود! این‌ها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ بازهم گفتند نمی‌شود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ بازهم گفتند نمی‌شود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینی‌ها را، آن انعطاف‌ها را ادامه می‌دادیم، امروز از پیشرفت هسته‌ای که هیچ خبری نبود، به این نشاط علمی هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده - این حرکت علمی، این جوان‌ها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفت‌های گوناگون در بخش‌های مختلف - قطعاً لطمه می‌خورد؛ چون اولاً نسبت به هر یك از آن‌ها ممکن بود یك بهانه‌ای بیاورند؛ ثانیاً حرکت هسته‌ای و صنعت هسته‌ای، نماد پیشرفت یك کشور است.»[۱]

۱. ناسازگاری فشار و تحریم با مذاکره

«نوبه‌میدان‌آمده‌های آمریکا مجدداً تکرار می‌کنند که مذاکره کنیم؛ اما باید بگویند مذاکره همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟ حالا اخیراً آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را پیش کشیدند، تکرار می‌کنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره‌ی مستقیم بکند؛ این تازگی ندارد. مسئله‌ی مذاکره را آمریکایی‌ها در هر مقطعی تکرار کرده‌اند. حالا امروز نوبه‌میدان‌آمده‌ها مجدداً تکرار می‌کنند که مذاکره کنیم و میگویند توپ در زمین ایران است، توپ در زمین شماست، شما هستید که باید پاسخگو باشید، شما هستید که باید بگویید مذاکره‌ی همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟[۲] میگویند می‌خواهیم مسائلمان را با ایران حل کنیم. این حرفی است که بارها می‌گفتند، اخیراً بیشتر هم میگویند. میگویند می‌خواهیم مذاکره کنیم و مسائلمان را با ایران حل کنیم - این حرفشان است - اما در عمل متشبث به تحریم می‌شوند، متشبث به تبلیغات دروغ می‌شوند، حرف‌های ناشایسته می‌زنند، مطالب خلاف واقع را نسبت به نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دم‌به‌دم منتشر می‌کنند.[۳] مذاکره برای اثبات حُسن نیت است. شما ده تا کار انجام می‌دهید که حاکی از سوء نیت

۱- همان.
۲- بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۱۱/۱۹
۳- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

است، آن‌وقت به زبان میگویید مذاکره؟! توقع دارید ملت ایران قبول کنند که شما حُسن نیت دارید؟!»[۱]

«من دیپلمات نیستم؛ انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه میگویم: مذاکره از روی حُسن نیت معنا دارد؛ فشار و مذاکره باهم سازگار نیست. مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمی‌خواهند به یکدیگر کلك بزنند، معنا پیدا می‌کند. مذاکره به‌صورت یك تاکتیك، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره یك حرکت حیله‌گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست. من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه میگویم. دیپلمات یك کلمه‌ای را می‌گوید، معنای دیگری را اراده می‌کند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را می‌زنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را می‌زنیم. مذاکره آن‌وقتی معنا پیدا می‌کند که طرف، حُسن نیت خود را نشان بدهد؛ وقتی طرف، حُسن نیت نشان نمی‌دهد، خودتان میگویید فشار و مذاکره؛ این دوتا باهم سازگار نیست. شما می‌خواهید اسلحه را مقابل ملت ایران بگیرید، بگویید: یا مذاکره کن یا شلیك می‌کنم. برای اینکه ملت ایران را بترسانید، بدانید ملت ایران در مقابل این چیزها مرعوب نخواهد شد.»[۲]

«می‌خواهند به دنیا اعلام کنند که ما حُسن نیت داریم. نه، ما حُسن نیتی مشاهده نمی‌کنیم. من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی امریکا - که باز همین حرف‌ها را می‌زدند، اعلام کردم، گفتم که ما پیش‌داوری نمی‌کنیم، قضاوت زودهنگام نمی‌کنیم؛ ما نگاه می‌کنیم ببینیم عمل این‌ها چگونه است، آن‌وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه‌ی داخلی حمایت کردند، به فتنه‌گران کمك کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشگرکشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریست‌ها امروز دارند در سوریه همکاری می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند؛ همان تروریست‌ها را در هرجایی که توانستند در ایران به کار بگیرند، به کار گرفتند، عوامل آن‌ها، همپیمان‌های آن‌ها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند صریح، این‌ها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکرد آن‌هاست؛ علیه ملت ایران تحریم‌هایی را که خودشان می‌خواستند این تحریم‌ها فلج کننده باشد، به کار گرفتند و این را تصریح کردند و گفتند فلج کننده. چه کسی را می‌خواستید

۱- بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

۲- همان.

فلج کنید؟ ملت ایران را می‌خواستید فلج کنید؟ شما حُسن نیت دارید؟»[۱]

۲. دروغ بودن ادعای برداشته شدن تحریم‌ها با مذاکره

«در تبلیغات وانمود می‌کنند که اگر ایران با آمریکا سر میز مذاکره بنشیند، تحریم‌ها برداشته می‌شود. این هم دروغ است. هدفشان این است که با وعده‌ی برداشتن تحریم‌ها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره‌ی با آمریکا پیدا کند. تصور آن‌ها این است که ملت ایران دیگر از تحریم‌ها به ستوه آمده‌اند، پدرشان دارد در می‌آید، همه چیز به هم ریخته است؛ پس ما بگوئیم خیلی خوب، بیائید مذاکره کنید تا تحریم را برداریم، یکهو جمعیت ملت ایران راه بیفتند که بله، بیائید مذاکره کنیم.»[۲]

«تحریم‌ها با مذاکره برداشته نخواهد شد؛ این را من به شما عرض بکنم. هدف تحریم‌ها چیز دیگری است. هدف تحریم‌ها خسته کردن ملت ایران است، جدا کردن ملت ایران از نظام اسلامی است. مذاکره هم که انجام بگیرد، اگر ملت ایران باز در صحنه باقی باشد و بر حقوق خود اصرار بورزد، این تحریم‌ها وجود خواهد داشت.»[۳]

۳. انحراف بیداری اسلامی، نتیجه مذاکره

«سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا دچار شکست شده است؛ لذا احتیاج دارند جمهوری اسلامیِ انقلابیِ مردمی را به پای مذاکره بکشانند. ما البته درك می‌کنیم چرا آمریکایی‌ها این روزها باز مجدداً مسئله‌ی مذاکره را هی تکرار می‌کنند، هی میگویند پشت سر هم به زبان‌های گوناگون؛ ما می‌فهمیم علت چیست. به قول خود آمریکایی‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای آن‌ها دچار شکست شده. آمریکا در سیاست‌های خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه یك برگ برنده‌ای را به قول خودشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آن‌ها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامیِ انقلابیِ مردمی را، بکشانند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند.»[۴]

«با پیش کشیدن مذاکره می‌خواهند به ملت‌های مسلمان نشان دهند ایران با آن‌همه ایستادگی، عاقبت مجبور شد با ما مصالحه کند. بحث مذاکره را پیش کشیدند، که ایران بیاید بنشینیم مذاکره کنیم...غرض آن‌ها حل مشکلات و مسائل نیست...غرضشان یك کار تبلیغاتی است برای اینکه به ملت‌های مسلمان نشان دهند که ببینید این نظام جمهوری اسلامی بود با آن سرسختی، با آن ایستادگی، اما عاقبت مجبور شد بیاید باب مصالحه و گفتگو

۱- همان.
۲- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۱/۱۱/۲۸
۳- همان.
۴- بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.

را با ما باز کند. وقتی ملت ایران اینجور است، شماها چه میگوئید دیگر؟ این را برای خاموش کردن و ناامید کردن ملت‌های سربرافراشته‌ی مسلمان که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامیِ این‌ها نسیم بیداری وزیده است و به خاطر اسلام احساس عزت می‌کنند، لازم دارند. از اول انقلاب، این یکی از هدف‌ها بود. از سال‌های اول انقلاب، یکی از هدف‌های آن‌ها همین بود که ایران را پای میز مصالحه و بده‌بستان بکشانند؛ بگویند بالاخره دیدید ایران هم که ادعا می‌کرد مستقل است، ایستاده است، نترس است، شجاع است، مجبور شد بیاید بنشیند پای میز مذاکره؟ امروز هم همین هدف را دنبال می‌کنند. این، مطلب مهمی است. وقتی هدف از مذاکره، یك هدفِ غیرمربوط به مسائل اساسی است، یك هدف تبلیغاتی است، خب معلوم است طرف مقابل که جمهوری اسلامی است، خام نیست، چشم‌بسته نیست، می‌فهمد که هدف شما چیست؛ لذا متناسب باهمان نیت خودتان، جواب شما را می‌دهد.»[1]

۴. جلوگیری از حق ایران در انرژی هسته‌ای، هدف مذاکره

«به دروغ طوری جلوه می‌دهند که انگار اختلاف بین ایران و آمریکا این است که ایران می‌خواهد سلاح هسته‌ای درست کند.

همین چند روز قبل از این، رئیس جمهور آمریکا نطق می‌کند و درباره‌ی مسائل هسته‌ای ایران جوری حرف میزند که انگار اختلاف بین ایران و آمریکا این است که ایران می‌خواهد سلاح هسته‌ای درست کند. می‌گوید ما تا جائی که بتوانیم، نمی‌گذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند! خب، اگر ما می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، شما چطور می‌توانستید نگذارید؟ اگر ایران اراده می‌کرد که سلاح هسته‌ای داشته باشد، آمریکا به هیچ وجه نمی‌توانست جلوی او را بگیرد. ما نمی‌خواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت می‌شود؛ عقیده‌ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده‌ی ماست، به شما ربطی ندارد. اگر ما این عقیده را نداشتیم و تصمیم می‌گرفتیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، هیچ قدرتی نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد؛ همچنان که در جاهای دیگر هم نتوانستند بگیرند: در هند نتوانستند، در پاکستان نتوانستند، در کره‌ی شمالی نتوانستند. آمریکائی‌ها مخالف هم بودند، اما آن‌ها هم سلاح هسته‌ای درست کردند.»[2]

«بحث بر سر سلاح هسته‌ای نیست؛ بلکه آن‌ها می‌خواهند جلوی حق ملت ایران را در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بگیرند.

۱- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.
۲- همان.

اینکه میگویند «ما نمی‌گذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند»، یك تقلب در حرف زدن است. مگر بحث سر سلاح هسته‌ای است؟ در قضیه‌ی هسته‌ای ایران، بحث بر سر سلاح هسته‌ای نیست؛ بحث سر این است که شما می‌خواهید جلوی حق قطعی و مسلّم ملت ایران را - که غنی‌سازی هسته‌ای و استفاده‌ی صلح‌آمیز از توان داخلی خود ملت ایران است - بگیرید. البته این را هم نمی‌توانید و ملت ایران آنچه را که حق خودش است، انجام خواهد داد.»[1]

۵. تسلیم شدن در مقابل قدرت‌های سلطه گر، مراد از مذاکره

«اینکه میگویند بیائید مذاکره کنیم، مقصودشان از مذاکره، واقعاً یك گفتگوی عادلانه و منطقی نیست؛ مذاکره یعنی شما بیائید حرفهای ما را قبول کنید، تسلیم شوید تا ما تحریم‌ها را برداریم. خب، اگر ملت ایران می‌خواستند تسلیم شوند، چرا انقلاب کردند؟ آمریکا بر اوضاع ایران مسلط بود و هر کار دلش می‌خواست، می‌کرد. ملت ایران انقلاب کردند برای اینکه از زیر یوغ آمریکا خارج شوند؛ حالا بیایند بنشینند باز مجدداً تسلیم شما شوند؟»[2]

«مذاکره در عرف آمریکائی‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر به معنای این است که بیائید بنشینیم گفتگو کنیم تا شما حرف ما را قبول کنید - هدف مذاکره این است - بیائید بنشینیم حرف بزنیم تا بالاخره نتیجه‌ی این حرف زدن و گفتگو کردن این باشد که مطلبی را که شما قبول نمی‌کردید، حالا قبول کنید. همین حالا در تبلیغاتی که آمریکائی‌ها در مورد مذاکرات راه انداخته‌اند - که چند وقت است لابد می‌شنوید - و سر و صدا و هیاهو دارند که بله، با ایران مذاکره‌ی مستقیم کنیم، چه کنیم، در همین حرفهای امروزشان هم این معنا کاملاً خودش را نشان می‌دهد: بیائیم بنشینیم تا ایران را قانع کنیم که از غنی‌سازی دست بردارد؛ از انرژی هسته‌ای دست بردارد. هدف این است. نمی‌گویند بیائیم بنشینیم مذاکره کنیم تا ایران ادله‌ی خودش را بیان کند، ما از فشار روی مسئله‌ی هسته‌ای دست برداریم، از تحریم دست برداریم، از دخالت‌های امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم؛ میگویند بیائید مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند! خب، این مذاکره که به درد نمی‌خورد؛ این مذاکره که به جائی نمی‌رسد. حالا گیرم دولت ایران قبول کرد، رفتند نشستند با آمریکائی‌ها مذاکره کردند. وقتی هدف این است، این چه مذاکره‌ای است؟»[3]

«در اثنای مذاکره هر جا ببینند در مقابل حرف منطقی ایران کم می‌آورند، مذاکره را قطع می‌کنند و میگویند ایران حاضر نیست حرف بزند!

۱- همان.
۲- همان.
۳- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

خب، معلوم است که ایران از حقوق خودش دست‌بردار نیست. هر جائی که در اثنای مذاکره ببینند طرف مقابل یك حرف منطقی‌ای میزند و آن‌ها کم می‌آورند، در مقابل ایران همان جا مذاکره را قطع می‌کنند؛ میگویند ایران حاضر نیست حرف بزند! شبکه‌های خبری و سیاسی هم دست آن‌هاست؛ تبلیغات می‌کنند. این را ما تجربه کردیم. در این ده پانزده سال گذشته، دو سه مرتبه اتفاق افتاد که آمریکائی‌ها سر یك موضوع مشخصی به مسئولین ما پیغام دادند، اصرار کردند که یك امر خیلی لازمِ فوریِ فوتیِ واجبی است، بیاید بنشینیم یك صحبتی بکنیم. خب، مأمورین دولتی - معمولاً یك نفر، دو نفر - رفتند یك جائی نشستند صحبت کردند؛ بمجرد اینکه حرف منطقی این‌ها بیان شد و آن‌ها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکره‌ها قطع شد! البته استفاده‌ی تبلیغاتی‌شان را هم کردند. این، تجربه‌ی ماست. خب، «من جرّب المجرّب حلّت به النّدامة»[1].»[2]

۶. غیرمنطقی بودن آمریکایی‌ها

«دولتمردان آمریکا مردم غیرمنطقی‌ای هستند؛ حرفشان غیرمنطقی است، عملشان غیرمنطقی است، زورگویانه است؛ توقع دارند دیگران در مقابل کار غیرمنطقی آن‌ها و زورگوئی آن‌ها تسلیم شوند؛ خب، بعضی هم تسلیم می‌شوند؛ بعضی از دولت‌ها، بعضی از نخبگان سیاسی در برخی از کشورها در مقابل پرروئی و زورگوئی آن‌ها تسلیم می‌شوند؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی تسلیم‌شدنی نیست. نظام جمهوری اسلامی حرف دارد، منطق دارد، توانائی دارد، اقتدار دارد؛ لذا در مقابل حرف غیر منطقی و کار غیر منطقی تسلیم نمی‌شود.»[3]

«این‌ها غیر منطقی‌اند، بدون اعتقاد حرف می‌زنند و حرفشان با عملشان یکی نیست.[4] دولتمردان آمریکائی غیر منطقی حرف می‌زنند. با گفتگو کننده‌ی غیر منطقی، نمی‌شود انسان بنشیند به اتکاء منطق حرف بزند؛ خب، او غیر منطقی است. غیر منطقی یعنی زورگو، یعنی حرفِ بیخود بزن. این واقعیتی است که ما در طول این سی سال در برخورد با قضایای گوناگون جهانی آن را بروشنی دریافته‌ایم. ما این را می‌فهمیم که طرف مقابل ما کیست و چگونه باید با او رفتار کرد.»[5]

«آن‌ها چطور غیرمنطقی‌اند؟ نشانه‌ی غیر منطقی بودن آن‌ها، همین تناقضهائی است که بین حرفهای آن‌ها و بین کارهای آن‌ها هست؛ حرف یك جور می‌زنند، کار جور دیگری انجام

۱- «آزموده را آزمودن، خطاست.»

۲- بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۱/۱۱/۲۸.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

می‌دهند. خب، از این نشانه‌ای واضح‌تر برای غیر منطقی بودن نیست. انسانِ منطقی یك حرف قانع‌کننده‌ای میزند، بعد هم دنبال آن حرف راه می‌افتد. این آقایان - دولتمردان آمریکائی و دیگر تبعه‌ی آن‌ها از غربی‌ها - اینجوری نیستند؛ یك حرفی می‌زنند، یك ادعائی می‌کنند، اما در عمل، درست عکس آن را انجام می‌دهند. من حالا چند نمونه عرض بکنم: ادعا می‌کنند ما متعهد به حقوق بشریم... در عمل، بیشترین ضربه را این‌ها به حقوق بشر می‌زنند؛ بیشترین اهانت را به حقوق انسان‌ها در کشورهای مختلف و نسبت به ملت‌های مختلف، این‌ها می‌کنند. زندان‌های مخفی‌شان در سرتاسر دنیا، زندانشان در گوانتانامو، زندانشان در عراق - ابوغریب - حمله‌ی آن‌ها به مردم غیرنظامی در افغانستان، در پاکستان، در مناطق گوناگون؛ این‌ها نمونه‌ای از حقوق بشر ادعائی آمریکائی‌هاست... میگویند ما متعهدیم که سلاح هسته‌ای تکثیر نشود؛ در عین حال از یك دولت شریری که دارای سلاح هسته‌ای هم هست، تهدید به سلاح هسته‌ای هم می‌کند - یعنی دولت صهیونیستی - دفاع می‌کنند، حمایت می‌کنند. آن حرفشان است، این عملشان است. میگویند ما متعهد به گسترش دموکراسی در دنیا هستیم - حالا کاری نداریم که دموکراسیِ خود آمریکا چه جور دموکراسی‌ای است؛ در این زمینه بحث نمی‌کنیم - با این ادعا، با کشوری مثل جمهوری اسلامی که روشن‌ترین و واضح‌ترین مردم‌سالاری‌ها و دموکراسی‌ها را در این منطقه داراست، دائم معارضه و مقابله می‌کنند؛ در عین حال پشت سر کشورهائی در این منطقه می‌ایستند و با کمال پرروئی از آن‌ها حمایت می‌کنند که بوی دموکراسی را استشمام نکرده‌اند و یك بار ملتشان رنگ انتخابات و رأی و صندوق رأی را ندیده‌اند. این هم تعهدشان نسبت به دموکراسی است! ببینید فاصله‌ی قول و عمل چقدر است.»[۱]

تدبیر دوم (قبل از دولت یازدهم): به مذاکره خوشبین نیستم؛ اما مخالفتی ندارم

«آمریکائی‌ها مرتب از راه‌های گوناگون به ما پیغام می‌دهند که بیائید درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای گفتگو کنیم؛ هم به ما پیغام می‌دهند، هم در تبلیغات جهانی‌شان این را مطرح می‌کنند. مسئولین بلندپایه و مسئولین میانی آمریکا بارها و بارها میگویند بیائید در کنار گفتگوهای ۱+ ۵ که درباره‌ی مسائل هسته‌ای بحث می‌کنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دو به دو، درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای ایران بحث کنند. من به این گفتگوها خوشبین نیستم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشته‌ی ما نشان می‌دهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکائی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یك راه حل منطقی دست پیدا کنیم - منظورشان از گفتگو این

۱- همان.

نیست - منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزنیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود. من به این اظهارات خوشبین نیستم، اما مخالفت هم ندارم.»[۱]

«آمریکائی‌ها میگویند ما می‌خواهیم با ایران مذاکره کنیم. خب، سال‌ها است که میگویند می‌خواهیم مذاکره کنیم؛ این یك فرصتی نیست که برای ما به‌وجود آوردند. من اول سال گفتم که خوشبین نیستم. در مسائل خاص، مذاکره را منع نمی‌کنم - مثل مسئله‌ی خاصی که در قضیه‌ی عراق داشتیم، و بعضی از قضایای دیگر - لیکن من خوشبین نیستم؛ چون تجربه‌ی من این را نشان می‌دهد. آمریکائی‌ها، هم غیرقابل اعتمادند، هم غیر منطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند. این چهار ماهی هم که از آن صحبت ما گذشت، همین را تأیید کرد؛ موضعگیری‌های مسئولان و دولتمردان آمریکا نشان داد که همین مطلبی که ما گفتیم - که گفتیم خوشبین نیستیم - درست است؛ خود آن‌ها عملاً این را تأیید کردند. انگلیس‌ها هم یك جور دیگر، دیگران هم یك جور دیگر.»[۲]

۱. دلایل خوشبین نبودن به مذاکره

۱.۱. بی صداقتی آمریکایی‌ها

«آمریکائی‌ها مرتب و پی‌درپی پیغام می‌دهند که ما در پیشنهادِ مذاکره‌ی منطقی صادقیم؛ یعنی صادقانه از شما می‌خواهیم که مذاکره کنید و مذاکره‌ی منطقی بکنیم؛ یعنی مذاکره‌ی تحمیلی نباشد. من در جواب میگویم: ما به شما بارها گفته‌ایم که در پی سلاح هسته‌ای نیستیم، شما میگوئید باور نمی‌کنیم؛ ما چرا باید حرف شما را باور کنیم؟! وقتی شما حاضر نیستید یك سخن منطقی و صادقانه را قبول کنید، ما چرا باید حرفی را که شما می‌زنید - که خلاف آن بارها ثابت شده است - از شما قبول کنیم؟»[۳]

«برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکائی‌ها، یك تاکتیك آمریکائی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردممان. باید شما ثابت کنید این نیست. می‌توانید ثابت کنید؟ ثابت کنید».[۴]

«ازجمله‌ی تاکتیک‌های تبلیغاتی این‌ها این است که گاهی شایع می‌کنند که از طرف رهبری، کسانی با آمریکائی‌ها مذاکره کردند؛ این هم یك تاکتیك تبلیغاتیِ دیگر و دروغ محض است.

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

۳- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱.

۴- همان.

تا کنون از سوی رهبری، هیچ کس با آن‌ها مذاکره نکرده است. در چند مورد، در طول سالهای متمادی، در دولت‌های گوناگون، کسانی بر سر موضوعات مقطعی - که ما هم مخالفتی نداشتیم - با آن‌ها مذاکره کرده‌اند؛ اما مربوط به دولت‌ها بوده است. البته همان‌ها هم موظف بوده‌اند که خطوط قرمز رهبری را رعایت کنند؛ امروز هم موظف‌اند و باید رعایت کنند.»[۱]

«نکته‌ی چهارم و آخر در این مسئله این است که اگر آمریکائی‌ها صادقانه می‌خواهند کار تمام شود، بنده راه حل را ارائه می‌دهم. راه حل این است: آمریکائی‌ها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند، از دشمنی با ملت ایران دست بردارند. پیشنهاد مذاکره، حرف منطقی و متین و مستدلی نیست؛ حرف درست این است. اگر می‌خواهند مشکلات فی‌مابین وجود نداشته باشد - که میگویند ما می‌خواهیم بین ایران و آمریکا مشکلی وجود نداشته باشد - دست از دشمنی بردارند... بنده مسئولان آمریکائی را هدایت می‌کنم؛ اگر دنبال راه عاقلانه می‌گردند، راه عاقلانه این است که سیاست خود را تصحیح کنند؛ عمل خود را تصحیح کنند و دست از دشمنی با ملت ایران بردارند.»[۲]

۱.۲. عدم تمایل جبهه دشمنان به اتمام مذاکرات هسته‌ای

«من در سخنرانیِ روز اول سال گفتم جبهه‌ی مخالف ما که عمدتاً منحصر در چند کشور معدودِ زورگو و زیاده‌خواه است و اسم خودشان را بغلط و بدروغ می‌گذارند جامعه‌ی جهانی و در رأس آن‌ها آمریکا است، محرك اصلی هم صهیونیست‌هایند، مسئله‌ی این‌ها این است که نمی‌خواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود. اگر لجبازی آن‌ها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل می‌شد. بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، امضاء کردند، آژانس هسته‌ای امضاء کرد؛ قبول کرد که این اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده - این‌ها موجود است، این‌ها سند است؛ این‌ها که قابل انکار نیست - خب باید قضیه تمام می‌شد، پرونده‌ی هسته‌ای کشور باید پایان پیدا می‌کرد. آمریکائی‌ها بلافاصله یك چیز جدید را مطرح کردند، آوردند وسط. نمی‌خواهند قضیه تمام شود. نمونه‌های متعددی را ما در این زمینه داریم. حل مسئله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی، به حسب طبیعت خود، ازجمله‌ی کارهای سهل و آسان و روان است؛ اما وقتی طرف مقابل مایل نیست این قضیه حل شود، خب بله همین جور می‌شود که ملاحظه می‌کنید.»[۳]

۱- همان.

۲- همان.

۳- بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۲/۴/۵.

«بر اساس تجربه و نگاه به صحنه، با دقت و کنجکاوی، برداشت ما این است که آمریکا مایل به تمام شدن مذاکرات هسته‌ای نیست. آمریکائی‌ها دوست ندارند گفتگوهای هسته‌ای تمام شود و مناقشه‌ی هسته‌ای حل شود؛ وگرنه چنانچه آن‌ها مایل به اتمام این مذاکرات و حل این مشکل بودند، راه حل، بسیار نزدیك و بسیار آسان بود. ایران در مسئله‌ی هسته‌ای، فقط می‌خواهد حق غنی‌سازیِ او - که حق طبیعی‌اش است - از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهائی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشورِ خودش و به دست خودش انجام دهد؛ این توقعِ زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته‌ایم؛ آن‌ها همین را نمی‌خواهند.»[1]

«آن‌ها میگویند ما نگرانی داریم که شما به سمت تولید سلاح هسته‌ای بروید - چندتا کشور هم بیشتر نیستند، که اسم آوردم؛ اسم خودشان را می‌گذارند «جامعه‌ی جهانی»! - میگویند جامعه‌ی جهانی نگرانی دارد. نخیر، جامعه‌ی جهانی هیچ نگرانی‌ای ندارد. اکثر کشورهای دنیا طرف جمهوری اسلامی هستند و از خواسته‌ی ما حمایت می‌کنند؛ چون خواسته‌ی بحقی است. آمریکائی‌ها اگر می‌خواستند مسئله حل شود، این راه حلِ بسیار آسانی بود؛ می‌توانستند به حق غنی سازی برای ملت ایران اعتراف کنند؛ برای اینکه نگرانی‌ای هم از آن جهات نداشته باشند، می‌توانستند مقررات قانونی آژانس هسته‌ای را هم اعمال کنند؛ ما هم از اول هیچ مخالفتی با اعمال این نظارت‌ها و مقررات نداشتیم.»[2]

۱،۳. قضیه هسته‌ای، بهانه‌ای برای فشار به ایران

«جمهوری اسلامی در قضیه‌ی هسته‌ای، هم قانونی عمل کرده است، هم شفاف عمل کرده است، هم از لحاظ استدلالی، منطقی عمل کرده است؛ منتها این یك نقطه‌ای است که برای فشار بر جمهوری اسلامی این را مناسب دانسته‌اند. اگر این هم نباشد، یك قضیه‌ی دیگری را برای فشار مطرح می‌کنند. هدف، تهدید است؛ هدف، فشار است؛ هدف، خسته کردن است. خودشان گفتند: هدف، تغییر دادن نظام سیاسی و سازوکار سیاسی است. البته در حرفهای خصوصی که می‌زنند، یا گاهی نامه که می‌نویسند، میگویند نه، ما نمی‌خواهیم نظام را تغییر دهیم؛ لیکن در گوشه و کنار حرفهایشان، در اظهاراتشان، در عملکردشان، این مسئله کاملاً روشن است. ملتی که زیر فرمان آن‌ها نباشد، بر طبق میل آن‌ها عمل نکند، بر طبق سلیقه‌ی آن‌ها در ممشای خود عمل نکند، مغضوب آن‌ها است. حکومت‌ها و دولت‌ها هم اگر در مقابل آن‌ها مطیع و سربه‌راه بودند، برایشان مقبول‌اند؛ نه دموکراسی برای آن‌ها اهمیت

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱.
۲- همان.

دارد، نـه حقـوق بشـر اهمیـت دارد، نـه هسـته‌ای اهمیـت دارد. مسـئله ایـن اسـت کـه جمهـوری اسلامی روی پـای خـود ایسـتاده اسـت، بـا اتکاء بـه قـدرت خـود ایسـتاده اسـت، بـا اعتمـاد بـه خـدای متعـال ایسـتاده اسـت، و در جهـات مختلـف دارد پیشـرفت می‌کنـد؛ ایـن را این‌هـا نمی‌پسـندند، و نپسـندند.»[1]

«هـر وقـت نزدیـك بـه راه حـل می‌شـویم، آمریکائی‌هـا یـك سـنگی می‌اندازنـد کـه جلـوی راه حـل گرفتـه شـود. هـدف آن‌هـا طبـق تلقـی و برداشـتی کـه مـن دارم، ایـن اسـت کـه می‌خواهنـد ایـن قضیـه باقـی بمانـد تـا بهانـه‌ای باشـد بـرای فشـار؛ کـه آن فشـارها - همان‌طـور کـه خودشـان گفتنـد - بـرای فلـج کـردن ملـت ایـران اسـت. البتـه بـه کـوری چشـم دشـمن، ملـت ایـران فلـج نخواهـد شـد.»[2]

۲. عقب‌نشینی هنر نیست

«بعضـی بـا ایـن تحلیـل غلـط کـه بـه دشـمنان امتیـاز بدهیـم تـا عصبانیـت آن‌هـا را نسـبت بـه خودمـان کـم کنیـم، عمـلاً منافـع آن‌هـا را بـر منافـع ملـت ترجیـح می‌دهنـد؛ ایـن اشـتباه اسـت. عصبانیـت آن‌هـا ناشـی از ایـن اسـت کـه شـما هسـتید، ناشـی از ایـن اسـت کـه جمهـوری اسـلامی هسـت، ناشـی از ایـن اسـت کـه امـام در اذهـان مـردم و در برنامه‌هـای ایـن کشـور زنـده اسـت، ناشـی از ایـن اسـت کـه روز ۱۴ خـرداد - روز رحلـت امـام - مـردم در سرتاسـر کشـور بـه جـوش و خـروش می‌آینـد؛ عصبانیـت آن‌هـا مربـوط بـه ایـن چیزهـا اسـت. عصبانیـت دشـمن را بایـد بـا اقتـدار ملـی علاج و جبـران کـرد.
اگـر ملـت مقتـدر باشـد، توانـا باشـد، نیـاز خـود را کـم کنـد، مشـکلات خـود را برطـرف کنـد، و امـروز کـه مسـئله‌ی اقتصـاد مسـئله‌ی اصلـی اسـت، بتوانـد اقتصـاد خـود را روبه‌راه کنـد، دشـمن در مقابلـه‌ی بـا ملـت ایـران بی‌دفـاع خواهـد مانـد.»[3]

«توصیـه‌ی مـا، هـم بـه رئیـس جمهـور محتـرم، هـم بـه هیئـت دولتـی کـه ان‌شـاءالله بـه توفیـق الهـی در آینـده‌ی نزدیکـی از مجلـس رأی اعتمـاد خواهنـد گرفـت، ایـن اسـت کـه کارهـا را بـا صبـر و بـدون شـتابزدگی انجـام دهنـد؛ گام‌هـا را محکـم و مطمئـن بردارنـد. در همـه‌ی زمینه‌هـا ظرفیـت کار وجـود دارد، اهـداف بلنـد هـم وجـود دارد، نشـانه‌ها و بشـارت‌ها هـم در کشـور مـا کـم نیسـت. البتـه جبهـه‌ی دشـمنان برخوردهـای خصمانـه‌ای دارنـد. رئیـس جمهـور محتـرم اشـاره کردنـد بـه تحریم‌هـا و فشـارهائی کـه دشـمنان ملـت ایـران - کـه البتـه در رأس آن‌هـا آمریکا اسـت - بـر کشـور وارد می‌کننـد. مـن می‌خواهـم بگویـم درسـت اسـت کـه فشـارهای دشـمنان بـرای مـردم مشـکلاتی را به‌وجـود مـی‌آورد، امـا تجربه‌هـای باارزشـی هـم در اختیـار مسـئولان و در اختیـار مـردم می‌گـذارد.

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۲/۴/۵.
۲- بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱.
۳- بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴.

درس بزرگی که ما از این فشارهای اقتصادی دریافت کردیم، این است که هرچه می‌توانیم، باید به استحکام ساخت داخلی قدرت بپردازیم؛ هرچه می‌توانیم، در درون، خودمان را مقتدر کنیم؛ دل به بیرون نبندیم. آنهائی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بندند، وقتی با یك چنین مشکلاتی مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد. ظرفیت‌های ملت ایران خیلی زیاد است. ما باید بپردازیم به استحکام ساخت درونی اقتدار ملی؛ که آن روز به مسئولان کشور عرض کردیم: در درجه‌ی اول، مسائل اقتصادی و مسائل علمی است؛ که باید با جدیت دنبال شود.»[1]

«ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود؛ والّا اگر چنانچه توافق و تفاهم به این معنا بود که او بگوید شما باید از این راه برگردید، شما هم بگوئید خیلی خوب، این که خسارت است. توجه به این جهات باید از سوی مسئولین و دولتمردان وجود داشته باشد.»[2]

«در این راه عظمت و عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکّل به خدا و ارتباط با خدا، یك نقش بزرگ و اساسی دارد. عدّه‌ای غافل‌اند، همه‌اش روی محاسبات مادّیِ محض محاسبه می‌کنند؛ در محاسباتشان معنویت و کمك الهی و توکّل به خدا و حسن ظنّ به وعده‌ی الهی کأنّهُ هیچ راهی ندارد.

خب این محاسبات مادّی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند، بهتر از شما هم می‌کنند، چرا روزبه‌روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟ چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می‌شوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسان‌های بی‌گناه را بکُشند؟ وَ اِنَّما یحتاجُ اِلی الظُّلمِ ضَعیف؛[3] آن کسی که ضعیف است احتیاج دارد به این‌که ظلم بکند؛ ضعیف‌اند که ظلم می‌کنند؛ چون دستشان با سلاح آشنا است، این سلاح را بی‌محابا به کار می‌برند، ظالمانه، متجاوزانه، خودسرانه؛ خب این خودش عقب‌رفت است، هم عقب‌رفت در معیارهای معنوی، هم عقب‌رفت در محاسبات مادّی. روزبه‌روز تمدّن غرب دارد مشکلات بیشتری در اطراف خود می‌تنَد، و این مشکلات این‌ها را از پا خواهد انداخت؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با مبدأ هستی است؛ این به‌خاطر قطع ارتباط با معدن نور و عظمت است؛ فَتَصِلَ اِلی مَعدِنِ العَظَمَة، و تَصیرَ اَرواحُنا مُعَلقَةً بِعِزِّ قُدسِك؛[4] این‌ها لازم است. امروز

۱- بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۵/۱۲

۲- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۲/۴/۳۰.

۳- صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ۴۸.

۴- همان.

برای ملت ایران این زمینه آماده است.»[1]

«فراموش نکنیم از روز اوّلی که این انقلاب پیروز شد، دشمنانی بودند که صریحاً اعلام دشمنی کردند و گفتند می‌خواهند این انقلاب را از بین ببرند و نظام جمهوری اسلامی را محو کنند. از آن روز تا امروز که سی و چهار سال می‌گذرد، روزبه‌روز علی‌رغم دشمنان، ملت ایران پیشرفت کرده است. نه فقط نتوانستند نظام اسلامی را متزلزل کنند، بلکه حتّی نتوانستند جلوی رشد نظام اسلامی را هم بگیرند. ما امروز در زمینه‌هائی پیشرفت کرده‌ایم که در سالهای اول انقلاب تصورش را هم نمی‌کردیم؛ این مربوط به الطاف الهی و کمك الهی و حضور قوی مردم و تلاش مسئولینی است که در این مدت مشغول تلاش و کار بودند. راه موفقیت این کشور و این ملت عبارت است از راه اسلام، پایبندی به مبانی اسلام، پایبندی به ارزش‌های اسلامی، و پایبندی به آنچه که امام بزرگوار ما برای ما به یادگار گذاشته است از نصایح و از رهنمودها و خطوط روشنی که در اختیار ما قرار دارد.»[2]

تدبیرسوم (بعد از دولت یازدهم): مذاکره در چارچوب نرمش قهرمانانه

۱. چیستی نرمش قهرمانانه

«ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یك جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یك جاهایی به دلیل فنّی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه‌کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجه‌اند، با چه کسی طرف‌اند، آماج حمله‌ی طرف آن‌ها کجای مسئله است؛ این را توجّه داشته باشند.»[3]

«این را هم توجّه داشته باشید، این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد با شش کشور - که آمریکا هم جزو این شش کشور است - فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. بنده هم اوّلِ امسال در مشهد مقدّس در سخنرانی گفتم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند،

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۰۳/۲۲.
۲- بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۵/۱۲.
۳- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶.

بکنند؛ ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم.»[۱]

«نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یك کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجّه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد. البتّه هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و [کار] پیش خواهد رفت. من کاملاً خوش‌بین هستم و معتقدم مشکلاتی که وجود دارد، اعم از مشکلات اقتصادی، یا مشکلات سیاسی، یا مشکلات امنیتی، و اهمّ از همه‌ی آن‌ها مشکلات فرهنگی که عمیق‌تر و مهم‌تر از مشکلات اقتصادی است - اگرچه ممکن است فوریت بعضی از کارهای اقتصادی بیشتر باشد - همه‌ی این مشکلات قابل حل، و راه، قابل پیمودن است. از خداوند متعال می‌خواهیم که کمك کند.»[۲]

نرمش قهرمانانه، به معنی دست برداشتن از هدف‌های نظام نیست

ما تعبیر «نرمش قهرمانانه» را به کار بردیم؛ یك عدّه‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قراردادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متّهم کنند؛ این‌ها خلاف بود، این‌ها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالك راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوّع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوّع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. وَ مَن یوَلِّهِم یومَئِذٍ دُبُرَهُ اِلّا مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ اَو مُتَحَیزاً اِلی فِئَةٍ فَقَد باۤءَ بِغَضَبٍ مِنَ الله.[۳]»[۴]

۲. تجربه دوباره، فرجام مذاکره

«امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه می‌زدیم سرِ دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند. جوانهای ما، دانشمندان ما، محقّقین ما، مسئولین ما همّت کردند، کارها را پیش بردند؛ بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضرری نخواهیم کرد؛ البتّه بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملّت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملّت ایران را افزایش خواهد داد و

۱- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲.

۲- بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۳- سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۱۶.

۴- بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۸/۲۹.

تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد امّا لازم است ملّت بیدار باشد.»[۱]

«یك تجربه‌ای در اختیار ملّت ایران است ... این تجربه ظرفیت فکری ملّت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه‌ی تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن‌وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات باهمین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یك مدّتی پذیرفت. خب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد.»[۲]

«در سال ۸۲ ... فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البتّه به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خب یك ذرّه شما عقب‌نشینی می‌کردید، همه‌ی مشکلات حل می‌شد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی می‌شد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمی‌شود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعدازآن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن.»[۳]

۱- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۹۲/۸/۱۲.

۲- همان.

۳- همان.



خطوط قرمز مذاکرات در بیانات رهبر معظم انقلاب[۱]

طلبه مجاهد شهید مهدی مطلبی

بررسی خطوط قرمز مذاکرات هسته‌ای از منظر رهبری، از این جهت دارای اهمیت است که نشان می‌دهد رهبری معظم انقلاب، مذاکره به هر نحو و با هر شرایطی را تأیید نمی‌کنند، بلکه مذاکره در چارچوب منافع ملی قابل پذیرش است. از سویی این چارچوب دارای تعریف روشن و موارد مشخصی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما نکته قابل توجه این‌که دولت یازدهم و تیم مذاکره کننده بسیاری از این خطوط قرمز را نادیده گرفتند و از آن عبور کردند. هرچند در محافل رسمی ادعای رعایت همه‌ی خطوط قرمز نظام را داشتند، ولی با تصریح رهبری انقلاب به عبور از خطوط قرمز جایی برای پذیرش این ادعاهای بی اساس باقی نماند. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلفی بحث عبور از خطوط قرمز را تلویحاً مطرح کردند ولی در یک سخنرانی به آن تصریح داشتند:

«در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگرچه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزارکنندگان این توافق را مورد قبول اعلام کردیم و قبول داریم آن‌ها را، لکن اینجا هم همین‌جور بود؛ وزیر خارجه‌ی محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما [مثلاً] اینجا را یا این خط قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم.»[۲]

مقام معظم رهبری علاوه بر تعیین خطوط قرمز نظام در موضوع هسته‌ای در جلسات خصوصی با مسئولین تیم مذاکره کننده، در بیانات عمومی خویش نیز به تعدادی از خطوط قرمز نظام در این زمینه اشاره نموده‌اند و مسئولین امر را ملزم به رعایت آن نموده‌اند:

«اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملّت ایران یک قدم عقب‌نشینی نباید بشود. ما البتّه در

۱- برگرفته از کتاب «عقب نشینی ممنوع»، اثر طلبه مجاهد شهید مهدی مطلبی

۲- بیانات در حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱۳۹۵/۱/۱.

جزئیّات این مذاکرات مداخله نمی‌کنیم؛ یک خطوط قرمزی وجود دارد، یک حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظّف‌اند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت‌وهورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.»[1]

ایشان پیش از بیان خطوط قرمز به نکته‌ی بسیار مهمی اشاره می‌کنند. اینکه برخی از منسوبین به رهبری و مسئولین در برابر انتقادها نظرات خود را به‌عنوان نظر رهبری مطرح کرده و یا اینکه دائماً تکرار می‌کنند رهبری در جریان هستند و با این عبارات به جامعه القاء می‌کنند که رهبری در جلسات خصوصی چیزی غیر از جلسات عمومی می‌گویند. رهبری درباره این مسئله به‌صراحت می‌فرمایند:

« نکته‌ی اوّل اینکه آنچه بنده اینجا در این جلسه یا در جلسات عمومی میگویم، عیناً همان حرف‌هایی است که در جلسات خصوصی به مسئولین، به رئیس‌جمهور محترم و به دیگران میگویم. این خطّ تبلیغی‌ای که دیدیم و می‌بینیم دنبال می‌کنند که بعضی از خطّ قرمزهایی که رسماً اعلام می‌شود، در جلسات خصوصی از آن‌ها صرف‌نظر می‌شود، حرف خلاف واقع و دروغی است. آنچه ما اینجا به شما میگوییم یا در جلسات عمومی میگوییم، عیناً همان حرف‌هایی است که به دوستان، به مسئولین، به هیئت مذاکره‌کننده، همان‌ها را بیان می‌کنیم؛ حرف‌ها یکی است.»[2]

حرف بنده را از خودم بشنوید

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان و در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان درباره‌ی سخنان برخی نمایندگان و منصوبین رهبری و القای این نظرات به‌عنوان دیدگاه‌های رهبری گفتند: « حرف این افراد، حرف خود آن‌هاست و حرف بنده را از خود بنده بشنوید.»

ایشان افزودند: «منصوب‌شدگان از سوی رهبری حتی ممکن است در برخی مسائل سیاسی و اجتماعی نظر متفاوتی با بنده داشته باشند که این مسئله اشکالی ندارد، زیرا مسئله‌ی اصلی، جهت‌گیری‌های کلی و انقلابی است.»

رهبر انقلاب تأکید کردند: «البته اگر کسی از قول بنده نکته‌ی خلاف واقع را مطرح کند، به او تذکر داده و خواسته می‌شود که آن مطلب را اصلاح کند.[3]»

۱- بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲۹.
۲- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴.
۳- دیدار با دنشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.

ایشان در ضمن مواردی به این خطوط قرمز پرداخته‌اند:

۱. مذاکرات فقط در دایره مسائل هسته‌ای مجاز است!

«این مذاکراتی که امروز در جریان است که با دولت‌های اروپایی و با آمریکا مذاکره می‌کنند، مذاکره‌ی با آمریکا صرفاً در قضیّه‌ی هسته‌ای است و لاغیر، این را همه بدانند. ما درباره‌ی مسائل منطقه‌ای با آمریکا مذاکره‌ای نمی‌کنیم؛ هدف‌های آمریکا در مسائل منطقه‌ای، درست نقطه‌ی مقابل هدف‌های ما است. ما در منطقه امنیّت و آرامش می‌خواهیم، تسلّط ملّت‌ها را می‌خواهیم؛ سیاست آمریکا در منطقه ایجاد ناامنی است. شما به مصر نگاه کنید، به لیبی نگاه کنید، به سوریه نگاه کنید! دستگاه‌های استکباری و در رأس آن‌ها آمریکا، در مقابل بیداری اسلامی‌ای که به‌وسیله‌ی ملّت‌ها به‌وجود آمد، یک ضدّ حمله را شروع کردند که هنوز ادامه دارد و ملّت‌ها را در منطقه دارد به‌تدریج بدبخت می‌کند؛ هدف آن‌ها این است؛ این درست نقطه‌ی مقابل هدف‌های ما است. ما نه در مسائل منطقه‌ای، نه در مسائل داخلی و نه در مسئله‌ی تسلیحات، با آمریکا مطلقاً صحبت و مذاکره‌ای نداریم؛ مذاکره، صرفاً در قضیّه‌ی هسته‌ای است و اینکه ما در موضوع هسته‌ای با روش دیپلماسی چگونه می‌توانیم به نتیجه برسیم.»[۱]

«ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرف‌ها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی موضوعات خاصّی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شرّ او و برای حلّ مشکل، مذاکره می‌کند.»[۲]

۲. مذاکرات فقط تا سطح وزارت خارجه مجاز است!

«بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند اما از این ارتباطات نه‌تنها فایده‌ای عاید نشد بلکه لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت‌آمیزتر شد و توقعات طلبکارانه‌ی بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند.»[۳]

۳. حرکت علمی هسته‌ای، نباید متوقف و یا حتی کُند شود!

«پیشرفت‌ها و دستاوردهای هسته‌ای که تا به امروز به دست آمده‌اند، درواقع بشارت و

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱.

۲- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۲/۱۰/۱۹.

۳- دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۲

مژده‌ای برای ملت ایران است که می‌توانند راه‌های منتهی به قله‌های رفیع علم و فناوری را بپیمایند، بنابراین حرکت علمی هسته‌ای، به هیچ وجه نباید متوقف و یا حتی کُند شود.»[۱]

٤. هیچ یک از دستاوردهای هسته‌ای کشور نباید تعطیل شود!

«هیچ یک از دستاوردهای هسته‌ای کشور قابل تعطیل شدن نیست و کسی هم حق معامله برروی آن‌ها را ندارد و کسی هم این کار را انجام نخواهد داد.»[۲]

«این روحیه باید در مجموعه سازمان انرژی اتمی حفظ و تقویت شود و این سازمان باید در مورد دستاوردهای علمی خود نیز تعصب داشته باشد. مسئولان نیز باید در مورد دستاوردهای هسته‌ای تعصب داشته باشند.»[۳]

٥. با محدودیت‌های بلندمدت، مخالفم

«یکی اینکه آن‌ها اصرار دارند بر محدودیّت بلندمدّت؛ ما گفتیم ما محدودیّت ده سال و دوازده سال و مانند این‌ها را قبول نداریم؛ ده سال یک عمر است؛ همه‌ی آنچه ما در این مدّت به دست آوردیم، در حدود ده سال طول کشیده است! بله، سابقه‌ی هسته‌ای در داخل کشور بیش از این‌ها است که بعضی اوقات هم گفته می‌شود در بعضی از بیانات، لکن در آن سال‌های اوّل درواقع کاری انجام نگرفته بود؛ کار اساسی و عمده مال همین حدود ده پانزده سال اخیر است. محدودیّت ده‌ساله را ما قبول نداریم؛ ما مقدار سالهای معیّنی را که مورد قبول ما است به مجموعه‌ی هیئت مذاکره‌کننده گفته‌ایم که چه مقدار، محدودیّت را قبول کرده‌ایم، امّا تعداد سالهای محدودیّت را گفته‌ایم ده سال و دوازده سال و این چیزهایی که این حضرات میگویند قبول نداریم.

زمانهای ۱۵ سال و ۲۵ سال - که مدام میگویند ۱۵ سال برای فلان چیز، ۲۵ سال برای فلان چیز - و این زمانهای این‌جوری را هم ما قبول نداریم؛ مشخّص است، این زمان اوّل و آخری دارد و تمام خواهد شد.»[۴]

٦. روابط آژانس با ایران باید عادی گردد!

«روابط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران نیز باید به‌صورت متعارف و غیرفوق العاده

۱- دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۰

۲- دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۰

۳- دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۰

۴- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴

باشد.»[۱]

«هیچ شیوه‌ی نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل می‌کند، به‌هیچ‌وجه مورد قبول نیست. همین نظارت‌های متعارفی که در همه‌ی دنیا معمول است، اینجا هم همان نظارت‌ها [باشد]، و نه بیشتر.»[۲]

۷. لغو تحریم‌ها نباید منوط به اجرای تعهدات ایران باشد

«یک نکته‌ی اساسی دیگر اینکه لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهّدات ایران نیست؛ نمی‌شود بگویند: شما رأکتور آب سنگین اراک را خراب بکنید، سانتریفیوژها را به این تعداد کاهش بدهید، این کارها را بکنید، آن کارها بکنید، بعد که کردید، بعد آن‌وقت آژانس بیاید شهادت بدهد، گواهی کند که شما راست میگویید و این کارها را انجام داده‌اید، بعد ما تحریم‌ها را برداریم! نه، این را ما مطلقاً قبول نداریم؛ لغو تحریم‌ها منوط به اجرای تعهّداتی که ایران می‌کند نیست. البتّه لغو تحریم یک مراحل اجرائی‌ای دارد، ما این را قبول داریم؛ اجرائیّات لغو تحریم با اجرائیّاتی که ایران به عهده می‌گیرد، باید متناظر باشند؛ بخشی از این در مقابل بخشی از آن، بخش دیگری از این در مقابل بخش دیگری از آن.»[۳]

۸. با موکول کردن هراقدامی به گزارش آژانس مخالفیم

«یک نکته‌ی اساسی دیگر این است که ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم. ما به آژانس بدبینیم؛ آژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست؛ مستقل نیست زیرا تحت تأثیر قدرت‌ها است؛ عادل نیست [چون] بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به‌علاوه، اینکه بگویند «آژانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعّالیّت هسته‌ای در کشور نیست» این‌یک حرف غیر معقولی است. خب، چه‌جور می‌شود اطمینان پیدا کند؟ اصلاً اطمینان پیدا کردن [یعنی چه]؟ مگر تک تک خانه‌ها و وجب به وجب سرزمین کشور را این‌ها بگردند! چه‌جوری می‌شود اطمینان پیدا کرد؟ موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است.»[۴]

۱- دیدار مدیران، متخصصان و کارشناسان سازمان انرژی اتمی با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۰
۲- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰
۳- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴
۴- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴

۹. نباید به بهانه نظارت وارد حریم امنیتی و دفاعی کشور شوند!

«به‌هیچ‌وجه اجازه داده نشود که به بهانه‌ی نظارت، این‌ها به حریم امنیّتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولین نظامی کشور به‌هیچ‌وجه مأذون نیستند که به بهانه‌ی نظارت و به بهانه‌ی بازرسی و مانند این حرف‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیّتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقّف کنند.»[۱]

۱۰. اجازه بازرسی از مراکز نظامی و مصاحبه با دانشمندان را نمی‌دهیم

«حالا در همین مذاکرات باز حرفهای تازه‌ای می‌زنند. [مثلاً] بازرسی‌ها، گفتیم که اجازه نمی‌دهیم از هیچ‌یک از مراکز نظامی هیچ بازرسی‌ای از سوی بیگانگان صورت بگیرد. میگویند بایستی ما بیاییم با دانشمندان شما مصاحبه کنیم یعنی درواقع بازجویی کنیم. ما اجازه نمی‌دهیم به حریم دانشمندان هسته‌ای ما و دانشمندان در هر رشته‌ی حسّاس و مهمّی، اندک اهانتی بشود. من اجازه نمی‌دهم بیگانگان بیایند با دانشمندان ما، با فرزندان برجسته و عزیز ملّت ایران که این دانش گسترده را به اینجا رسانده‌اند، بخواهند بنشینند حرف بزنند. در دنیا هیچ عاقلی اجازه نمی‌دهد، هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد؛ دانشمندانشان را مخفی می‌کنند، نمی‌گذارند اسم‌هایشان را هم کسی بفهمد. دشمن پُررو و وقیح توقّع دارد اجازه بدهند راه را باز کنند و بیایند با دانشمندان ما، با اساتید ما، با محقّقین ما گفتگو کنند، مذاکره کنند. درباره‌ی چه؟ درباره‌ی یک پیشرفت اساسی بومی علمی در کشور. این اجازه مطلقاً داده نخواهد شد؛ این را هم دشمنان بدانند، هم کسانی که منتظرند ببینند تصمیم نظام جمهوری اسلامی چه می‌شود، بدانند.»[۲]

۱۱. نیاز قطعی کشور ۱۹۰ هزار سو است!

«مسئولین ما میگویند ما به ۱۹۰۰۰۰ سو احتیاج داریم. ممکن است این نیاز مال امسال و دو سال دیگر و پنج سال دیگر نباشد، امّا این نیاز قطعی کشور است، خب، باید نیاز کشور تأمین بشود... مسئله‌ی ظرفیّت غنی‌سازی یک مسئله است که خیلی مهم است.»[۳]

۱۲. تحقیق و توسعه باید حفظ شود!

«توسعه‌ی علمی و فنّی هسته‌ای در ابعاد گوناگون، به‌هیچ‌وجه نبایستی متوقّف بشود. توسعه

۱- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

۲- بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع)، ۱۳۹۴/۲/۳۰

۳- بیانات در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶

باید ادامه پیدا کند، توسعه‌ی فنّی. حالا محدودیّتهایی را ممکن است لازم بدانند قبول بکنند، ما حرفی نداریم. برخی از محدودیّتها را قبول کنند، امّا توسعه‌ی فنّی حتماً بایستی ادامه پیدا بکند و با شدّت و قدرت پیش برود.»[1]

«مسئله‌ی تحقیق و توسعه که قطعاً باید رعایت بشود.»[2]

«کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز باید ادامه پیدا کند، که این هم ازجمله‌ی خطوط قرمزی است که مسئولین محترم روی آن تکیه کردند؛ گفتند ما حاضر نیستیم از تحقیق و توسعه دست برداریم؛ حق با این‌ها است. در طول این سالهای محدودیّت هم، بایست تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آن‌ها حرف دیگری می‌زنند؛ آن‌ها میگویند شما ده سال دوازده سال یا بیشتر هیچ کاری نکنید، بعدازآن شروع کنید به تولید، شروع کنید به ساخت! که این حرف زور مضاعفی است، حرف غلط مضاعفی است.»[3]

۱۳. فردو باید حفظ گردد!

«حفظ تشکیلاتی که دشمن قادر به تخریب آن نیست. روی «فردو» تکیه می‌کنند، چون غیر قابل دسترسی است برای آن‌ها؛ میگویند جایی که ما نمی‌توانیم به آن ضربه بزنیم، نباید داشته باشید! این خنده‌آور نیست؟»[4]

۱٤. «عزت»، «احترام»، «منافع» و «پیشرفت» ملت ایران در توافق باید حفظ گردد!

«مطمئنّم که ملّت ایران هم آن توافقی را که در آن عزّت او محفوظ بماند، احترامش محفوظ بماند منافعش حفظ بشود، مخالفتی ندارد، موافقت خواهد کرد؛ منتها باید این خصوصیات، بلاشک ملاحظه بشود؛ باید تکریم و حرمت ملّت ایران و مسئله‌ی اساسیِ مهمّی که عبارت است از پیشرفت ملّت ایران، محفوظ بشود و محفوظ بماند. ملّت ایران عادت نکرده است که به زورگوییِ دشمنان گوش فرا بدهد و تسلیم زورگویی و باج‌خواهی بشود.»[5]

«یک نکته‌ی که جزو مسائل اساسی کشور است و آن، نوع برخورد دشمنان با نظام جمهوری اسلامی است. در طول این ۳۵ سالی که گذشته است، همواره و همیشه هیبت این حرکت عظیم مردمی، چشم دشمنان جمهوری اسلامی را گرفته است. خیلی رجزخوانی کردند، هرچه

۱- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

۲- بیانات در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶

۳- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴

۴- بیانات در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۶

۵- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

توانستند تلاش کردند امّا ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نظر این‌ها هیبت داشته است؛ این هیبت را ما باید حفظ کنیم؛ این هیبت بایستی محفوظ بماند؛ واقعیّت هم هست، توهّم نیست. ما یک کشور بزرگ، یک ملّت هفتادوچند میلیونی، دارای سابقه‌ی فرهنگی و تاریخی عمیق و اصیل بیش از بسیاری از نقاط عالم، دارای شجاعت، دارای عزم، ملّتی که از هویّت خود و از شخصیت خود دفاع می‌کند [هستیم]؛ یک نمونه‌اش در هشت سال دفاع مقدّس ظاهر شد. در این هشت سال همه‌ی قدرتمندان دنیا - شرق و غرب - و وابستگان آن‌ها و مرتجعین و همه و همه، دست به هم دادند تا ملّت ایران را به زانو دربیاورند [امّا] نتوانستند. جا ندارد که این ملّت، هیبت و عظمت در چشم ناظران جهانی پیدا کند؟ این عظمت را باید حفظ کرد. ما نظامی هستیم که مسئولان سیاسی کشورهای گوناگون و آن‌هایی که خبر دارند، این را به ما گفتند؛ بعضی به ما گفتند - بعضی دلشان نیامده به ما بگویند و در جمعهای خودشان گفتند و خبرش به گوش ما رسیده است - که این تحریمهایی که این‌ها علیه ایران وضع کرده‌اند و این فشاری که علیه جمهوری اسلامی راه انداخته‌اند، علیه هر کشور دیگری بود، او را منهدم می‌کرد، متلاشی می‌کرد امّا به جمهوری اسلامی تکان هم نتوانسته وارد کند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی حادثه‌ی بزرگی است البتّه تبلیغات جهانی یک پوششی، یک پرده‌ای، یک غباری همواره در مقابل مخاطبان خود قرار می‌دهد که نمی‌گذارد خیلی‌ها واقعیّتها را ببینند؛ امّا درعین‌حال بسیاری از مردم دنیا، بسیاری از ملّت‌ها بخصوص آن‌هایی که به ما نزدیک‌اند، واقعیّتها را می‌بینند؛ و همه‌ی مسئولین سیاسی دنیا واقعیّتها را می‌بینند؛ نگاه نکنید به حرفهایشان؛ همین رؤسا و مسئولان سیاسی و سخنگویان دستگاه‌های مختلف غرب و اروپا و آمریکا و دیگران که گاهی حرفهای بی‌ربطی هم می‌زنند، همه‌ی این‌ها در دلشان این عظمت را، این هیبت را، این اقتدار را، این لیاقت را برای ملّت ایران تصدیق می‌کنند و می‌بینند منتها در زبان جور دیگری عمل می‌کنند.»[1]

۱۵. جزئیات و کلّیات توافق نهایی باید در یک جلسه‌ی واحد توافق شود!

«این حرفی هم که حالا انسان می‌شنود که میگویند که «در یک برهه‌ای درباره‌ی اصول کلّی توافق کنیم، بعد درباره‌ی جزئیات»، این را هم بنده نمی‌پسندم؛ این را من نمی‌پسندم. با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس می‌کنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی‌درپی برسر جزئیات. اگر توافق می‌کنند، جزئیات و کلّیات و همه را در یک جلسه‌ی واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کّلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر

۱- بیانات در دیدار با جمعی از معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۲/۱۶

اساس آن کلّیات - که یک چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است - بروند سراغ جزئیات، نه، این منطقی نیست.»[1]

۱۶. همه‌ی تحریم‌ها باید در روز امضای توافق، لغو شود

«ازجمله‌ی نقاط مهم این است: بنده تصریح می‌کنم، تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به شورای امنیّت ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به کنگره‌ی آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به دولت آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، همه باید فوراً در هنگام امضای موافقت‌نامه لغو بشود؛ بقیّه‌ی تحریم‌ها هم در فاصله‌های معقول [لغو بشود]. البتّه آمریکایی‌ها در زمینه‌ی تحریم‌ها یک فرمول پیچیده‌ی چند لایه‌ی عجیب و غریبی را مطرح می‌کنند که اصلاً اعماق آن معلوم نیست؛ از انتهای آن چه در می‌آید هیچ معلوم نیست. عرض کردم بنده بیانم بیان صریح است، تعبیرات دیپلماسی را بنده خیلی بلد نیستم؛ آنچه ما میگوییم صریح و همین [است] که گفتیم؛ این موردنظر ما است».[2]

۱۷. مفاد توافق نهایی باید روشن، واضح و غیرقابل تفسیر و تأویل باشد!

«همه‌ی آنچه هم قرارداد بسته می‌شود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید روشن، واضح، غیر قابل تفسیر و تأویل باشد. این‌جور نباشد که طرف مقابل - که با دبّه‌کردن و چک‌وچانه زدن، کار خود را پیش می‌برد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبّه در بیاورد، کارها را مشکل بکند؛ نه.»[3]

۱۸. رفع تحریم‌ها باید بدون هیچ فاصله‌ای در هنگام رسیدن به توافق انجام شود!

«اینکه آمریکایی‌ها تکرار می‌کنند که «ما قرارداد با ایران می‌بندیم، بعد نگاه می‌کنیم ببینیم اگر به قرارداد عمل کردند تحریم‌ها را برمی‌داریم» این حرف، حرف غلط و غیر قابل قبولی است؛ این را ما قبول نداریم. رفع تحریم‌ها جزو موضوعات مذاکره است، نه نتیجه‌ی مذاکرات؛ آن کسانی که دست‌اندرکار هستند، فرق این دو را بخوبی می‌فهمند. این‌یک خدعه‌ی آمریکایی است که میگویند قرارداد می‌بندیم، نگاه می‌کنیم به رفتارها، بعد تحریم‌ها را برمی‌داریم! این‌جوری نیست؛ همین‌طور که مسئولین ما صریحاً گفته‌اند و رئیس‌جمهور محترم صریحاً گفت، رفع تحریم‌ها باید بدون هیچ فاصله‌ای در هنگام رسیدن به توافق انجام بگیرد، یعنی

۱- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

۲- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۲/۴

۳- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

رفع تحریم جزء توافق است نه چیزی مترتّب بر توافق.»[۱]

«در این جزئیّات مذاکرات -که خیلی هم این چند ماه آینده مهم است- اتّفاقی که باید بیفتد این است که تحریم‌ها به‌طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. اینکه یکی از آن‌ها می‌گوید تحریم‌ها شش ماه دیگر لغو می‌شود، یکی می‌گوید نه ممکن است یک سال هم طول بکشد، یکی دیگر می‌گوید ممکن است از یک سال هم بیشتر بشود، این‌ها بازی‌های متعارف معمول این‌ها است؛ این‌ها هیچ قابل اعتناء و قابل قبول نیست؛ تحریم‌ها بایستی -اگر چنانچه حالا خدای متعال مقدّر فرموده بود و توانستند به یک توافقی برسند- در همان روز توافق به‌طور کامل لغو بشود؛ این باید اتّفاق بیفتد. اگر قرار باشد که لغو تحریم‌ها باز متوقّف بشود بر یک فرایند دیگری، پس چرا ما اصلاً مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن و بگومگو کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریم‌ها برداشته بشود؛ این را باز بخواهند متوقّف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.»[۲]

۱۹. جمهوری اسلامی نباید زیربار اقدامات بازگشت ناپذیربرود!

«آمریکایی‌ها تکرار می‌کنند که ایران بایستی در تصمیم‌هایی که می‌گیرد و چیزهایی که قبول می‌کند، بازگشت‌ناپذیری‌ای وجود داشته باشد؛ این را ما قبول نداریم. اگرچنانچه طرف مقابل می‌تواند به هر بهانه‌ای بازهم تحریم‌ها را علیه ملّت ایران برقرار کند، هیچ وجهی ندارد که هیئت مذاکره‌کننده‌ی ما بپذیرد و کاری انجام بدهد که این کار برگشت‌ناپذیر است؛ به‌هیچ‌وجه، این یک صنعت مردمی است، یک صنعت بومی است، متعلّق به مردم است، دانش آن و فنّاوری آن مال مردم است، باید پیش برود؛ این پیشرفت جزء ذات هر صنعت و فنّاوری است.»[۳]

۲۰. نباید توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند!

«(نباید به بهانه نظارت) توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقّف کنند. توسعه‌ی دفاعی کشور، توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملّت در عرصه‌ی نظامی، این بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر بشود.»[۴]

مقام معظم رهبری پس از جمع بندی مذاکرات در وین، در خطبه‌های نماز عید فطر فرمودند:

۱- بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱

۲- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

۳- بیانات در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱

۴- بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

«چه این متن تصویب بشود و چه نشود، به حول و قوّهی الهی، اجازهی هیچگونه سوءاستفادهای از آن داده نخواهد شد؛ اجازهی خدشهی در اصول اساسی نظام اسلامی به کسی داده نخواهد شد؛ قابلیّتهای دفاعی و حریم امنیّت کشور، به فضل الهی حفظ خواهد شد، اگرچه میدانیم دشمنان بر روی این نقطهی بخصوص، تکیهی زیادی دارند. جمهوری اسلامی، در زمینهی حفظ قابلیّتهای دفاعی و امنیّتی خود -آنهم در این فضای تهدیدی که دشمنان برایش بهوجود میآورند- هرگز تسلیم زیادهخواهی دشمن نخواهد شد.»[۱]

۲۱. حمایت ما از مقاومت در نقاط جهان نباید مورد خدشه قرار گیرد!

«حمایت ما از برادران مقاوممان در نقاط مختلف؛ اینها مطلقاً نبایستی در مذاکرات مورد خدشه قرار بگیرد.»[۲]

«همچنین در خطبههای نماز عید فطر فرمودند: چه این متن تصویب بشود و چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید: از ملّت مظلوم فلسطین، از ملّت مظلوم یمن، از ملّت و دولت سوریه، از ملّت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین؛ [اینها] همواره مورد حمایت ما خواهند بود.»[۳]

۱- بیانات در خطبههای عید فطر، ۱۳۹۴/۴/۲۷

۲- بیانات در دیدار مداحان اهلبیت علیهمالسلام در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۰

۳- بیانات در خطبههای عید فطر، ۱۳۹۴/۴/۲۷



رابطه‌ی «مذاکره و نفوذ» از منظر مقام معظم رهبری

حسین ایزدی

نویسنده و پژوهشگر

مذاکره امریکا با ایران یعنی نفوذ

«ما با مذاکره‌ی با همان معنای امروزی مخالفتی نداریم؛ ما الان باهمه‌ی دنیا داریم مذاکره می‌کنیم. ما با دولت‌های اروپایی مذاکره می‌کنیم، با دولت‌های آمریکای لاتین [مذاکره می‌کنیم]؛ همه‌ی این‌ها مذاکره است؛ ما با مذاکره مسئله‌ای نداریم. معنای اینکه میگوییم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم این نیست که با اصل مذاکره مخالفیم؛ نه، با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفیم. این یک علّتی دارد، این را انسان هوشمند باید بفهمد که چرا؛ و إلّا با دیگران هم که مذاکره می‌کنیم، آن‌چنان دوستان یقه‌چاک ما که نیستند - بعضی از آن‌ها دشمن‌اند، بعضی بی‌تفاوت‌اند، با آن‌ها مذاکره می‌کنیم مشکلی هم نداریم - امّا مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آن‌ها برای مذاکره کردند این است و آن‌ها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکا است؛ امروز جریان صهیونیستیِ بشدّت دشمن بشریّت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در یک لباس‌اند، دستشان از یک آستین می‌آید بیرون و باهم هستند. مذاکره‌ی با این‌ها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیّتیِ کشور نفوذ کنند.»[1]

۱- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان ۱۳۹۴/۷/۱۵

مذاکره وسیله است برای نفوذ

«دنبال چیزی به نام مذاکره‌ی با ایران‌اند؛ [امّا] مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواست‌ها است. ما فقط در قضیّه‌ی هسته‌ای به دلایل مشخّصی که مکرّر هم این دلایل را ذکر کرده‌ایم، موافقت کردیم بروند مذاکره کنند؛ خب مذاکره کردند. بحمدالله مذاکره‌کنندگان ما هم در این عرصه خوب ظاهر شدند؛ امّا در عرصه‌های دیگر ما اجازه‌ی مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؛ باهمه‌ی دنیا ما مذاکره می‌کنیم، [امّا] با آمریکا نمی‌کنیم. ما اهل مذاکره‌ایم، اهل تفاهمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولت‌ها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره‌ایم و با همه مذاکره می‌کنیم جز با آمریکا؛ و البتّه رژیم صهیونیستی بجای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است»[1]

مفهوم شناسی و انواع نفوذ

«امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البتّه کم‌اهمّیّت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمّیّت‌ترین [هم] نفوذ امنیّتی باشد. نفوذ امنیّتی چیز کوچکی نیست امّا در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمّیّت است. نفوذ امنیّتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون -ازجمله خود سپاه- جلوی نفوذ امنیّتی دشمن را با کمال قدرت ان‌شاءالله می‌گیرند.

در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه‌ی اقتصادِ محکم را متزلزل می‌کند. آنجاهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجاهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملّت‌ها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته‌ی منطقه‌ی ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا؛ راست می‌گفت. فلان سرمایه‌دار، به‌خاطر فلان خصوصیّت اراده می‌کند این کشور را به زانو دربیاورد: سرمایه‌ی خودش را می‌کشد بیرون یا تصرّفاتی می‌کند که اقتصاد آن کشور به زانو دربیاید. این هم البتّه خیلی مهم است؛ امّا در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش، کمتر است و از

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۶/۱۸

همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است.
دشمن سعی می‌کند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرِپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آن‌ها وارد کند، اختلال و رخنه در آن‌ها به‌وجود بیاورد. خرج‌ها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است.
نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریّتی یک کشور تحت‌تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن‌وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبقِ خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریّتی، بر طبق اراده‌ی آن‌ها است؛ آن‌ها هم همین را می‌خواهند. آن‌ها دوست نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلّط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آن‌ها بهتر این است که از خود آن ملّت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها اراده کنند، مثل آن‌ها و بر طبق مصالح آن‌ها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی [نفوذ کنند]؛ زیرا جاهایی هست که تصمیم‌سازی می‌کند. این‌ها کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.
اگرچنانچه ما بیدار باشیم، امید آن‌ها ناامید خواهد شد. آن‌ها منتظر نشسته‌اند که یک روزی ملّت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران خوابش ببرد؛ منتظر این هستند. وعده می‌دهند که ده سال بعد، ایران آن ایران نیست و دیگران هم که دیگر کاری نمی‌کنند! تصوّرشان این است. نباید گذاشت این فکر و این امید شیطانی در دل دشمن پا بگیرد؛ باید آن‌چنان پایه‌های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مُردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تأثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظیفه‌ی اساسی نخبگان سپاه و همه‌ی نخبگان انقلابی این کشور است.»[1]

مسئولان، هدف نفوذ

«بنده در قبل از انتخابات مسئله‌ی نفوذ را مطرح کردم؛ آقایان! این نفوذ مسئله‌ی مهمّی

۱- بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵

است. نفوذ مسئله‌ی مهمّی است بنده هم که این را عرض می‌کنم نه به خاطر این است که حالا یک احتمالی به ذهنم می‌آید که ممکن است نفوذ کنند؛ نه، ما از خیلی چیزها مطّلعیم؛ از خیلی حوادثی که دارد در کشور رخ می‌دهد که غالباً عموم مردم یا حتّی خیلی از خواص مطّلع نمی‌شوند ما مطّلع می‌شویم. من از روی اطّلاع دارم عرض می‌کنم که برنامه‌ی نفوذ در کشور یک برنامه‌ی جدّی استکبار است، برنامه‌ی جدّی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند. اشتباه نشود! این نفوذ برای این نیست که از یک جایی کودتا بشود؛ نه، می‌دانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد کودتا معنی ندارد. یک جاهایی یک‌وقت داخل فلان نیروی مسلّح نفوذ می‌کنند برای اینکه بیایند کودتا کنند، یکی را ببرند، یکی را بیاورند؛ نه، این نفوذ برای کودتا نیست، این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوّم مردم‌اند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن‌وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد. وقتی محاسبه‌ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را می‌گیرم که او می‌خواهد؛ من همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجّانی انجام می‌دهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم- این کار را انجام می‌دهم. [بنابراین] سعی می‌کنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اوّل مسئولین‌اند.

آماج دوّم مردم‌اند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدّن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی این‌ها [جایگزین شود]. این‌ها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

[می‌خواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البتّه ناشیگری می‌کنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه‌شده می‌دانند و میگویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست؛ یعنی چه؟ یعنی در نقشه‌ی جغرافیای جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل می‌کنند -مثل حرارت

مرکزی- یک جایی یک‌چیزی تولید می‌کند، بقیّه مصرف می‌کنند. این را دارند ترویج می‌کنند؛ نفوذ یعنی این. البتّه این کاری است که دارد انجام می‌گیرد.»[۱]

نخبگان، آماج نفوذ

«آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثّر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، این‌ها آماج نفوذند؛ این‌ها هستند که سعی می‌شود روی این‌ها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است. اینکه حالا یکی بگوید آن آقای زید از کلمه‌ی نفوذ می‌خواهد استفاده‌ی جناحی بکند، این مسئله را از اهمّیّت نمی‌اندازد. حالا بکند یا نکند، بیخود می‌کند استفاده‌ی جناحی می‌کند؛ واقعیّت قضیّه این است؛ از این واقعیّت که نمی‌شود صرف‌نظر کرد.

مکمّل این نفوذ هم کارهای حاشیه‌ای است؛ یکی از چیزهایی که مکمّل این نفوذ است، تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها پای می‌فشارند؛ این مکمّل نفوذ است. نمی‌خواهم بگویم آن کسانی که بسیج را تخطئه می‌کنند، متّهم می‌کنند به افراطی‌گری و تندی و چه و چه، آگاهانه دارند با نفوذگران همکاری می‌کنند؛ همراهی می‌کنند؛ بنده این ادّعا را نمی‌کنم، خبر ندارم امّا واقع قضیّه این است که این کمک است. این‌هایی که در بخش‌های مختلف، با زبان‌های مختلف، بسیج را متّهم می‌کنند به تندروی، به افراطی‌گری و چه و چه و چه، دارند درواقع نفوذ را تکمیل می‌کنند؛ پروژه‌ی نفوذ به‌وسیله‌ی این‌ها دارد تکمیل می‌شود؛ چون بسیج جزو آن خاک‌ریزهای مستحکم است؛ بسیج یک خاک‌ریز مستحکمی است؛ این خاک‌ریز را نباید سست کرد.»[۲]

نقشه امریکا برای نفوذ در پسابرجام

«بنده از چندی پیش گفتم مراقب نفوذی‌ها باشید؛ بعضی‌ها بیخود، برآشفته شدند؛ برآشفتگی ندارد. آمریکایی‌ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته‌ای، یک نقشه برای داخل ایران داشتند، یک نقشه برای منطقه. این برای ما روشن بود و روشن شد. نقشه برای ایران داشتند، هنوز هم دارند؛ نقشه برای منطقه داشتند، هنوز هم دارند؛ دارند تلاش هم می‌کنند؛ می‌دانند که در مقابل اهداف پلید آن‌ها در منطقه چه کسی محکم ایستاده؛ این را هم می‌دانند و متوجّهند. خب، وقتی‌که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه‌کار می‌کند؟ از نفوذی استفاده می‌کند.

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

۲- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۹/۴

معنـای نفـوذی ایـن نیسـت کـه حتمـاً رفتـه باشـد پـول گرفتـه باشـد بـرای اینکـه بیایـد در فـلان دسـتگاه نفـوذ کنـد و خـودش هـم بدانـد چـه‌کار دارد می‌کنـد؛ نـه، گاهـی نفـوذی، نفـوذی اسـت، خـودش هـم نمی‌دانـد! امـام (رضوان‌الله‌علیـه) فرمودنـد گاهـی حـرف دشـمن بـا چنـد واسـطه از دهـان مردمـان موجّـه شـنیده می‌شـود. امـام هوشـیار بـود، امـام مجـرّب بـود. دشـمن یک‌چیـزی می‌گویـد، یک‌چیـزی می‌خواهـد، ایـن را بـا وسـایل گوناگونـی، بـا چنـد واسـطه کاری می‌کنـد کـه از زبان فلان آدم موجّـه کـه نـه پولـی از دشمن گرفتـه، نـه تعهّدی بـه دشمن داده، بیـرون بیایـد. مگر ندیدیـم این‌هـا را؟ مگر تجربـه نکردیـم این‌هـا را؟ در همیـن مجلـس شـورای اسـلامی مگـر ندیدیـم کـه یـک نماینده‌ای آمد نظام را متّهـم کـرد بـه دروغ‌گویـی! گفـت مـا ده سـال اسـت، سـیزده سـال اسـت داریـم بـه دنیـا دروغ میگوییـم، در تریبـون مجلـس شـورای اسـلامی! در ایـن منبـر عمومـی! خـب، او حـرف دشـمن را دارد میزنـد؛ دشـمن بـه مـا می‌گفـت شـما دروغ میگوییـد! حـالا یکـی از خـود مـا پیـدا می‌شـود می‌گویـد نظـام دارد دروغ می‌گویـد! ایـن نفـوذی نیسـت؟ احیانـاً خـودش هـم خبـر نـدارد و نمی‌دانـد. مجلسـی داشـتیم کـه در حـال مذاکـرات گـرم دشـوار هسـته‌ای در دورانـی کـه رئیس‌جمهور محترم فعلی مـا رئیـس مذاکـرات هسـته‌ای بـود و داشـتند بـا زحمـت، بـا شـدّت حـرف می‌زدنـد، بـا طرف‌هـای مقابـل مجادلـه می‌کردنـد و درواقـع مبـارزه می‌کردنـد بـرای اینکـه حـرف ایـران را سـبز کننـد، در مجلـس طـرح سه‌فوریّتی آوردنـد بـرای اینکـه حـرف طـرف مقابـل سـبز بشـود! همان‌وقـت رئیـس هیئـت مذاکـره کـه رئیس‌جمهـور محتـرم فعلـی مـا اسـت، گلایـه کـرد و گفـت مـا داریـم آنجـا مبـارزه می‌کنیـم، اینجـا آقایـان دارنـد طـرح بـه نفـع دشـمن طرّاحـی می‌کننـد؛ خـب، این‌هـا نفـوذ اسـت؛ این‌هـا چیسـت؟ [مگـر] نفـوذ شـاخ‌ودم دارد کـه بعضـی تـا گفتـه می‌شـود نفـوذ، برآشـفته می‌شـوند کـه آقـا، گفتیـد نفـوذ، گفتیـد نفـوذ؟ بلـه، بایـد مراقـب بـود. خـب، پـس دشـمن در فکـر نفـوذ اسـت؛ چـه کسـی بایـد مراقبـت بکنـد؟ هـم مـردم بایـد آگاهانـه مراقبـت بکننـد، هـم مسـئولان، سیاسـیّون، شـخصیّت‌های سیاسـی؛ آن‌هـا بیشـتر لازم اسـت مراقـب باشـند. مراقبـت کننـد آنچـه می‌داننـد خواسـت دشـمن اسـت انجـام نگیـرد.»[1]

نفوذ، جنگ نرم

«یک‌جـور دشـمنی، دشـمنیِ سـخت اسـت؛ بمبـی بیندازنـد، تیـری بزننـد، تروریسـتی بفرسـتند. یک‌جـور دشـمنی، دشـمنی‌های نـرم اسـت کـه مـن از چنـدی پیـش مسـئله‌ی نفـوذ را مطـرح کـردم؛ نفـوذ خیلـی مسـئله‌ی مهمّـی اسـت. نفـوذ کـه مـا میگوییـم، حـالا بعضی‌هـا واکنـش نشـان می‌دهنـد؛ آقـا! مسـئله‌ی نفـوذ جناحـی شـد، اسـتفاده‌ی جناحـی کردنـد؛ مـن بـه ایـن حرف‌هـا کاری

۱- بیانات در دیدار مردم نجف آباد، ۱۳۹۴/۱۲/۵

ندارم. خب، استفاده‌ی جناحی نکنند، بحث بیهوده درباره‌ی نفوذ نکنند، اسم نفوذ را بدون محتوای لازم مطرح نکنند؛ این‌ها را ما کاری نداریم ولی هر حرفی زده می‌شود، هر کار جدّی [می‌شود]، از اصل واقعیّت نفوذ غفلت نشود؛ غفلت نکنیم که دشمن درصدد نفوذ است. حالا من نفوذ را مقداری تشریح می‌کنم که نفوذ چیست و چگونه است؛ از اصل قضیّه غفلت نکنیم. جناح‌ها همدیگر را متّهم نکنند؛ این بگوید آقا شما که گفتی مقصودت این بود، آن بگوید نه، شما که گفتی مقصودت این بود؛ خیلی خب، حالا مقصود هرچه بود. بالاخره واقعیّت فراموش نشود؛ دشمن دارد برای نفوذ طرّاحی می‌کند.»[۱]

نفوذ فردی

«نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمّیّت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثّری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه‌ی دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند این‌ها هم همیشه وجود داشته. مرحوم آقای آسیّد حسن تهامّی که از علمای بزرگ کشور ما و ساکن بیرجند بود، رفته بود در بیرجند مانده بود؛ ملّای خیلی بزرگی بود، اگر در قم یا نجف می‌ماند، حتماً مرجع تقلید می‌شد؛ مرد بسیار دانایی بود. ایشان خودش برای من نقل کرد؛ گفت آن‌وقتی که عراقی‌ها با انگلیس‌ها می‌جنگیدند -در [سال] ۱۹۱۸؛ قریب صد سال پیش- یکی از مراجع وقت، یک نوکری داشت که خیلی مرد خوبی بود، با طلبه‌ها گرم می‌گرفت، صحبت می‌کرد، باهمه آشنا بود، باهمه رفیق بود؛ اسمش را هم ایشان می‌گفت؛ من یادم نیست. گفت بعد که انگلیس‌ها غلبه پیدا کردند و عراق را تصرّف کردند و آخرین جا نجف بود که وارد نجف شدند، خبر رسید به طلبه‌ها که این نوکر فلان آقا، یک افسر انگلیسی است! گفت من باور نکردم؛ گفتم مگر می‌شود چنین

۱- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۹/۴

چیزی؟ بعد می‌گفت در بازار حُوِیش -بازار معروفی است در نجف- داشتم می‌رفتم، دیدم هفت هشت ده نفر افسر انگلیسی و نظامی انگلیسی سوار اسب دارند می‌آیند -آن‌وقت با اسب رفت‌وآمد می‌کردند- یک افسری هم جلویشان است؛ خب، من کنار ایستادم که این‌ها بیایند رد شوند؛ وقتی رسیدند به من، دیدم آن افسری که جلو بود، از آن بالا گفت: آقای آسیّد حسن، حالت چطور است! نگاه کردم دیدم بله، همان آقایی است که نوکر فلان مرجع بود؛ سال‌ها ما این را می‌دیدیم. گاهی نفوذ این‌جوری است؛ نفوذ شخصی است؛ وارد خانه‌ی کسی، وارد دستگاه کسی می‌شوند. در دستگاه‌های سیاسی هم الی‌ماشاءالله از این قبیل وجود داشته است؛ امروز هم ممکن است باشد؛ البتّه خطرناک است.»[۱]

نفوذ جریانی

«منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملّت؛ به‌وسیله‌ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثّر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت موردنظر خودشان. آن سمت موردنظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرارگرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرارگرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند -البتّه یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همان‌جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد؛ بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که این‌ها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتّفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواست‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد.

شما امروز وقتی نگاه می‌کنید، باور دارید که در مسئله‌ی فلسطین یک ظلم آشکار به یک ملّت دارد می‌شود؛ این را دارید می‌بینید؛ نگاه شما این نگاه است. آن کسی که در خانه‌ی

۱- همان

خود -یک فلسطینیِ عرب، چه مسلمان، چه مسیحی- مورد تعدّی قرار می‌گیرد، او محکوم می‌شود با نگاه آمریکایی. از نظر شما او مظلوم است؛ وقتی توانست تغییر نگاه شما را تأمین بکند، شما هم مثل او نگاه می‌کنید و میگویید که اسرائیل دارد از هویّت خودش دفاع می‌کنند! مگر اوباما نگفت؟ همان‌وقتی که این‌ها آتش را شبانه‌روز بر سر مردم غزّه می‌ریختند، یک مردم بی‌دفاع را، خانه‌شان، زندگی‌شان، مزرعه‌شان، بچّه‌شان، مدرسه‌شان، بیمارستانشان را مورد تهاجم قرار می‌دادند، رئیس‌جمهور آمریکا گفت اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند! یعنی نگاه این است. شبکه‌سازی و جریان‌سازی موجب می‌شود که آن کسی که مثلاً در داخل ایران دارد زندگی می‌کند یا در داخل فلان کشور دیگر، این نگاهش بشود آن نگاه؛ معنای نفوذ این است؛ ببینید چقدرخطرناک است.»[1]

اهداف خطرناک دستگاه‌های استکباری برای نفوذ در منطقه

«امروز دستگاه‌های استکباری در این منطقه هدف‌های خطرناکی را برای خودشان تعریف کرده‌اند؛ این‌ها هدف‌هایی است که با سرنوشت ملّت‌ها سروکار پیدا می‌کند. ابزارهایی هم که به کار می‌گیرند، ابزارهای بسیار خطرناک و غیر انسانی و سبعانه است؛ یعنی هیچ اباء ندارند روش‌هایی را به کار بگیرند که انسان‌های بی‌گناه کشته بشوند. شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی غربی ما، در عراق، در سوریه یا در منطقه‌ی شرقی ما، در افغانستان، در پاکستان چه می‌کنند؟ هیچ ابائی ندارند، یعنی جان انسان‌ها برایشان ارزشی ندارد. اینکه ادّعا می‌کنند حقوق بشر و حقوق انسان‌ها و حقوق شهروندی و از این ادّعاها و قالب‌های پوچ و بی‌محتوا، همه خلاف واقع است؛ شاهدش همین است که ملاحظه می‌کنید؛ به بیمارستان حمله می‌کنند، ده‌ها نفر بیمار را با بمباران به قتل می‌رسانند، بعد میگویند ببخشید اشتباه شد! گاهی همین ببخشید را هم نمی‌گویند. در غزّه، در یمن، در بحرین، در سوریه، در عراق، در مناطق دیگر فجایعی اتّفاق می‌افتد که انسان حیرت می‌کند از بی‌رحمی و سنگدلی آن کسانی که این فجایع را انجام می‌دهند؛ چطور می‌توانند؟ یک آدمی را داخل قفس کنند، زنده زنده بسوزانند و آتش بزنند! دستگاه‌های حقوق بشری هم بنشینند و تماشا کنند. آن‌وقت یک سگی یا یک گربه‌ای وقتی داخل چاه می‌افتد، همه‌ی ابزارها را به کار می‌گیرند که این را از داخل چاه سالم بیرون بیاورند، یعنی ما طرف‌دار موجود زنده‌ایم؛ خطر بزرگ دنیا این ریاکاری است، این دروغ‌گویی است، این نفاق است؛ دشمن، این[طور] است. قصدشان این است که در منطقه اهداف خود را پیاده کنند؛ البتّه جمهوری اسلامی، به توفیق الهی و به حول‌وقوّه‌ی

۱- همان

الهی، نه فقط مانع نفوذ دشمن در درون خود می‌شود، [بلکه] تا حدود زیادی مانع پیاده کردن نقشه‌های دشمن در منطقه هم شده است؛ این توفیق پروردگار است، این قدرت الهی است که به برکت همین عزم‌ها و اراده‌هایی است که شما جوان‌ها دارید. خیلی از نقشه‌های این‌ها به‌خاطر اقتدار و حضور و ورود جمهوری اسلامی در آن جاهایی که باید وارد می‌شده، ناکام مانده، خنثی شده است؛ لذا خب، بیشترین تمرکز آن‌ها برای دشمنی، نظام جمهوری اسلامی است و هر کار بتوانند [می‌کنند] و این هم که دم از مذاکره و گفتگو می‌زنند، برای نفوذ است.»[1]

دشمن دنبال نفوذی بلندمدت در منطقه

«نقشه‌ی دوّم دشمن نفوذ است؛ می‌خواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به‌وجود بیاورند که تا ده‌ها سال ادامه داشته باشد. امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ می‌خواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیّتشان این است. آن‌ها به خیال خودشان، در این جریان مذاکرات هسته‌ای -این توافقی که حالا نه در اینجا هنوز تکلیفش معلوم است، نه در آمریکا؛ هم اینجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول، هم آنجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول- نیّت آن‌ها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم و این راه را به‌طور قاطع خواهیم بست؛ نه نفوذ اقتصادی آمریکایی‌ها را در کشورمان اجازه خواهیم داد، نه نفوذ سیاسی آن‌ها را، نه حضور سیاسی آن‌ها را، نه نفوذ فرهنگی آن‌ها را؛ باهمه‌ی توان -که این توان هم بحمدالله امروز توان زیادی است- مقابله خواهیم کرد؛ اجازه نخواهیم داد.»[2]

نفوذ، حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی، سیاسی، اعتقادی

«ما مواجهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسیِ اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم میگویم، قاعدتاً از من قبول می‌کنید لکن اطّلاع ندارید از آنچه دارد اتّفاق می‌افتد؛ بنده اطّلاع دارم از آنچه دارد اتّفاق می‌افتد؛ من دارم می‌بینم چه دارد اتّفاق می‌افتد: لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن باهمه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوان‌ها بخصوص جوانهای فعّال و اثرگذار در سطوح

۱- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۵. ۷. ۱۳۹۴

۲- بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۲۶. ۵. ۱۳۹۴

مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می‌کنند. خب، در مقابل این‌ها کارهایی دارد انجام می‌گیرد؛ بچّه‌های حزب‌اللّهی، مردمان مؤمن، مسئولان باتعهّد کارهای خوبی دارند انجام می‌دهند لکن بیش از این‌ها باید در کشور کار بشود. یکی از قلمهای مهم، همین است که این مفاهیم باارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده‌ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.»[۱]

دشمنی استکبار با نیروهای انقلابی به عنوان سدهای نفوذ

«همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریختهای مختلف و قیافه‌گیری‌های مختلفی که از خودشان نشان می‌دهند - گاهی اخم می‌کنند، گاهی لبخند می‌زنند، گاهی اوقات وعده می‌دهند، گاهی تهدید می‌کنند - تسلّط بر کشور است. دشمن می‌خواهد برگردد به دوران سلطه‌ی بی‌قیدوشرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت بشدّت مخالف است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه‌ی دشمن «اسلام» است، با اسلام مخالف‌اند. مخالفت دشمن با اسلام به‌خاطر این است که می‌دانند معارف اسلامی، احکام اسلامی در مقابل آن‌ها سدّ مستحکمی درست کرده است. با ملّت ما مخالف‌اند، چون ملّت در مقابل آن‌ها مثل کوهی ایستاده است. با هرکسی در میان ملّت که در مقابل دشمن ایستادگی بیشتری داشته باشد، بیشتر مخالف‌اند. با عناصر مؤمن بیشتر مخالف‌اند، با سازمان‌ها و نهادهای انقلابی بیشتر مخالف‌اند، با عناصر حزب‌اللّهی بیشتر مخالف‌اند؛ چون می‌دانند این‌ها سدهای محکم و مستحکم در مقابل نفوذ دشمنان هستند. دشمن دنبال سلطه‌گری است و همه‌ی تلاش دشمن برای این است که جلوی حرکت اسلامی نظام جمهوری اسلامی را که مایه‌ی پیشرفت و ترقّی و اوج این ملّت است بگیرد. یک کهنه‌سیاست‌مدار آمریکایی گفته بود که گروه‌های تروریست تکفیری برای ما غربی‌ها اهمّیّتی ندارند، باشند عیب ندارد، آنچه برای ما مهم است، ایران اسلامی است؛ چون ایران اسلامی درصدد ایجاد یک تمدّن عظیم است - البتّه او تعبیر «امپراتوری» به کار برده است که غلط کرده - لذا ما باید ایران اسلامی را مقابل خودمان و دشمن مهمّ خودمان بدانیم. این حرف، اهمّیّت امّت‌سازی را هم به ما نشان می‌دهد.»[۲]

مقابله با نفوذ، دستوری قرآنی

«اسلام از مسلمانان خواسته است که «اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم[۳]» [باشند]؛ مسلمانان باید

۱- بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴/۷/۱۳
۲- بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۴/۳/۱۴
۳- سوره فتح، آیه ۲۹

در مقابل دشمنان دین سرسخت باشند، باید بایستند، باید تحت نفوذ قرار نگیرند؛ «اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّار» صریح آیه‌ی قرآن است. بین خودشان مهربان باشند، باهم باشند، دست در دست یکدیگر بگذارند، اعتصام به حبل‌الله بکنند؛ این دستور اسلام است. آن‌وقت یک جریانی به‌وجود بیاید که مسلمان‌ها را تقسیم کند به مسلم و کافر! عدّه‌ای را به‌عنوان کافر هدف قرار بدهد، مسلمان‌ها را به جان هم بیندازند! چه کسی می‌تواند شک کند که وجود این جریان‌ها و پشتیبانی این جریان‌ها و تَمویل این جریان‌ها و دادن سلاح به این‌ها کار استکبار است و کار دستگاه‌های امنیّتی خبیث دولت‌های استکباری است؟ می‌نشینند و برای همین کار برنامه‌ریزی می‌کنند. دنیای اسلام باید به این مسئله بپردازد؛ این خطر بزرگی است.»[1]

در مقابل نفوذ دشمن، باهمه توان آماده باشید

«اینکه قرآن به ما امر می‌کند: وَ اَعِدّوا لَهُم مّا استَطَعتُم مِّن قُوَّةٍ وَ مِن رِّباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُم[2]، بایست حضور شما، وضعیّت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند. دشمن متجاوزِ بالطّبع است؛ طبیعت جهان‌خواران تجاوز است، جلو آمدن است، تصرّف است، پنجه انداختن است، طبیعت این‌ها است؛ اگر خاک‌ریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ می‌کند؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمی‌تواند نفوذ کند. تشکیل جبهه‌ی انقلابی در جنوب کشور و حضور نیروهای انقلاب در قالب نیروی دریایی سپاه و بچّه‌های استان‌های ساحلی -این جوانهای شجاع، این جوانهای دل‌به‌دنیا نداده- موجب شد که این هدف قرآنی حاصل بشود: تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُم؛ این باید همیشه استمرار داشته باشد. بارها ما گفته‌ایم که ما شروع‌کننده‌ی جنگ نخواهیم بود؛ دلایل خودمان را داریم برای این کار؛ هیچ جنگی را ما شروع نمی‌کنیم امّا باید جرئت شروع جنگ را از دشمن گرفت، دشمن را باید شناخت، طبیعت دشمن را باید شناخت.»[3]

۱- بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۲۹

۲- سوره انفال، آیه ۶۰

۳- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۴/۷/۱۵



تحلیل راهبردی مقام معظم رهبری از دوران پسا برجام

مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۵، در سخنرانی نوروزی خود در حرم مطهر امام رضا (ع) به بیان نکات و تحلیل‌های راهبردی از دوران پسابرجام و نقشه‌های استکبار در این دوران پرداختند. در این بیانات نقشه‌ی راه دشمن برای ایران ترسیم شده و دلایل دشمن دانستن امریکا بیان می‌گردد. از سویی عبور از خطوط قرمز در مذاکرات هسته‌ای و بی فایده بودن مذاکره مورد تأکید قرار می‌گیرد. در ادامه گزیده‌ای از سخنان رهبری ارائه می‌گردد.

سیاست امریکا در قبال ایران در دوران پسابرجام، قرار دادن ایران بر سر یک دوراهی

«در این مقطع زمانی، سیاست‌های استکبار و بخصوص و به‌طور خاص سیاست‌های آمریکا اقتضا می‌کند که یک تفکری تزریق بشود در میان ملّت ما؛ اوّل در میان نخبگان جامعه و بعدازآن به‌تدریج به افکار عمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصّی تزریق بشود به افکار عمومی. آن سیاستی که موردنظر آن‌ها است این است که وانمود کنند ملّت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به‌طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمّل کنند؛ یکی از این دو را ملّت ایران باید انتخاب کند؛ این چیزی است که آن‌ها می‌خواهند. [البتّه] کنار آمدن با آمریکا به معنای کنار آمدن با هیچ دولت دیگری نیست. چون دولت آمریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع، دارای سلاح‌های خطرناک و دارای امکانات بسیاری است، کنار آمدن با دولت آمریکا ناگزیر، به معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است. طبیعت توافق با آمریکا همین است؛ همه‌جا همین‌جور است؛ کشورهای دیگر هم که در هر مسئله‌ای با آمریکا توافق می‌کنند، معنایش این است که از مواضع خودشان به نفع طرف مقابل عقب‌نشینی

می‌کنند بدون اینکه طرف مقابل به نفع آن‌ها یک عقب‌نشینی قابل‌توجهی انجام بدهد.»

عبور از خطوط قرمز در توافق هسته‌ای

«در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگرچه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزارکنندگان این توافق را مورد قبول اعلام کردیم و قبول داریم آن‌ها را، لکن اینجا هم همین‌جور بود؛ وزیر خارجه‌ی محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما [مثلاً] اینجا را یا این خطّ قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم. معنای این همین است؛ یعنی وقتی طرف مقابل یک دولتی مثل آمریکا است که وسایل تبلیغ دارد، امکانات دارد، پول دارد، دیپلماسی فعّال دارد، عوامل گوناگونی در اطراف دنیا دارد، دولت‌هایی که به آن‌ها فشار می‌آورد در اختیارش هستند، کنار آمدن با او به معنای صرف‌نظر کردن از برخی از چیزهایی است که انسان بر آن‌ها پای میفشرد. این یک دوراهی است که طبق سیاست‌های آمریکا که می‌خواهند در ذهن ملّت ما تزریق بکنند، یک دوراهی ناگزیر است؛ یک دوگانه‌ی اجتناب‌ناپذیر است: یا باید در مقابل آمریکا و خواست‌های او در موارد بسیاری کوتاه بیاییم، یا باید فشارهای آمریکا را، تهدیدهای آمریکا را، ضررهای ناشی از مخالفت با آمریکا را تحمّل کنیم. این‌ها می‌خواهند این را به‌صورت یک گفتمانی در بین نخبگان جامعه ترویج کنند و به‌تدریج آن را در میان مردم و افکار عمومی سرریز کنند. در داخل کشور و خارج کشور، این فکر را دارند ترویج می‌کنند و به شکل‌های گوناگونی، با بیان‌های مختلفی، در وسایل ارتباط جمعی دنیا دارند گسترش می‌دهند؛ کسانی را می‌گمارند برای اینکه بتوانند این فکر را در میان ملّت ما گسترش بدهند. البتّه در داخل هم همین‌طور که عرض کردیم، کسانی هستند که این فکر را قبول دارند و قبول کرده‌اند و تلاش می‌کنند که آن را به دیگران هم بقبولانند.

درست توجّه کنید تا من توضیح بدهم؛ من حرف طرف مقابل را بگویم، بعد آنچه را اقتضای حق و حقیقت است بیان کنم. حرف طرف مقابل یعنی همان دستگاه تبلیغاتی و فکرساز و جریان‌ساز، این است که می‌گوید ایران دارای ظرفیت‌های فراوان اقتصادی است و هدف از توافق هسته‌ای این بود که کشور ایران بتواند از این ظرفیت‌ها استفاده کند؛ خب، این توافق انجام گرفت لکن این توافق کافی نیست و مسائل دیگری هم هست که در آن‌ها هم بایستی ملّت ایران، دولت ایران، مسئولین ایران تصمیم بگیرند و اقدام بکنند؛ مثلاً فرض بفرمایید امروز در منطقه‌ی غرب آسیا -یعنی همین منطقه‌ای که غربی‌ها به آن میگویند خاورمیانه- جنجال‌ها و آشفتگی‌های بسیاری هست؛ خب، این مشکل برای کلّ منطقه است و اگر می‌خواهید کشور شما از این مشکل نجات پیدا کند، باید سعی کنید این جنجال‌ها

فرو بنشیند. چه‌کار کن‌یم؟ با آمریکا همکاری کنیم، همفکری کنیم، جلسه کنیم، بنشینیم، گفتگو کنیم و یک مدلی را طبق میل آمریکایی‌ها یا طبق توافق آمریکایی‌ها انتخاب کنیم؛ یکی دیگر هم این است.»

انتقاد شدید از طرح برجام ۲ و ۳ و ٤ و...

«یا ما مشکلات دیگری داریم، اختلافات زیادی با آمریکا داریم، این اختلافات را باید حل کنیم، این اختلافات بایستی تمام بشود؛ حالا در حلّ این اختلافات، فرض بفرمایید که ملّت ایران مجبور باشد از اصول خود صرف‌نظر کند، از خطّ قرمزهای خود هم صرف‌نظر کند، بکند؛ طرف مقابل از اصول خود و ارزش‌های خود تنازل نمی‌کند لکن اگر لازم شد، ما باید تنازل کنیم تا مشکلات را برطرف کنیم؛ تا در نتیجه کشور بتواند از ظرفیت‌های خود استفاده کند و مثلاً به یک اقتصاد برجسته‌ای مبدّل بشود. حرفشان این است. بنابراین در قضیه‌ی هسته‌ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ۴ و إلی‌غیرذلک بایستی به‌وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی می‌کنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند. معنای این حرف چیست؟

معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی‌ای که به حکم اسلام و به حکم برجستگی‌های نظام جمهوری اسلامی پایبند به آن‌ها است، صرفِ‌نظر کند: از مسئله‌ی فلسطین صرف‌نظر کند، از حمایت از مقاومت در منطقه صرفِ‌نظر کند، از مظلومان منطقه -مثل ملّت فلسطین، مثل مردم غزّه، مثل مردم یمن، مثل مردم بحرین- پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند، و نظام جمهوری اسلامی با تعدیل خواسته‌های خود، خود را به آنچه طرف مقابل یعنی آمریکا به دنبال تحقّق آن است، نزدیک بکند. معنای این حرف این است که همچنان‌که امروز بعضی از کشورهای منطقه و دولت‌های منطقه، علی‌رغم حکم اسلام و علی‌رغم خواست ملّت‌هایشان با رژیم صهیونیستی کنار آمده‌اند و مسئله‌ی فلسطین را تحت‌الشّعاع مسائل دیگر قرارداده‌اند، جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل کند؛ معنایش این است که همچنان‌که امروز بعضی از دولت‌های عربی با کمال وقاحت، دست دوستی به سمت دشمن صهیونیستی دراز می‌کنند، جمهوری اسلامی هم با دشمن صهیونیستی کنار بیاید و آشتی کند.

البتّه قضیه به اینجاها ختم نمی‌شود؛ معنای آنچه در آن تحلیل سیاسی دشمن ادّعا می‌شود،

این است که اگر میل آمریکا است، جمهوری اسلامی حتّی از ابزارهای دفاعی خود هم صرفِ‌نظر کند. می‌بینید که بر روی مسئله‌ی موشک‌ها چه جنجالی در دنیا به راه انداخته‌اند که چرا جمهوری اسلامی موشک دارد، چرا موشک دوربُرد دارد، چرا موشک‌های جمهوری اسلامی هدف را دقیق می‌زنند و هدف قرار می‌دهند، چرا آزمایش کردید، چرا تمرین نظامی می‌کنید، و چرا و چرا و چرا. حالا آمریکایی‌ها در منطقه‌ی خلیج‌فارس که چند هزار کیلومتر با کشور آن‌ها فاصله دارد، هرچند وقت یک‌بار با یکی از کشورهای منطقه رزمایش به راه می‌اندازند -درحالی‌که آن‌ها در اینجا هیچ مسئولیتی ندارند- [امّا] جمهوری اسلامی که در خانه‌ی خود، در محیط خود و در حریم امنیت خود رزمایش می‌کند، جنجال این‌ها بلند می‌شود که چرا رزمایش کردید، چرا اقدام کردید، چرا نیروی دریایی شما یا نیروی هوایی شما این اقدام‌ها را کردند. معنای آن تحلیل دشمن این است که از همه‌ی این‌ها بایستی صرفِ‌نظر بکنیم. قضیه از این هم بالاتر است؛ تدریجاً موضوع را به این خواهند کشاند که اصلاً چرا نیروی قدس تشکیل شده است، چرا سپاه تشکیل شده، چرا سیاست‌های داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، باید با اسلام تطبیق داده بشود؛ مطلب به اینجاها می‌رسد. شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی‌که می‌توانید ایستادگی کنید -که بعداً عرض خواهم کرد- عقب‌نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید -دشمن متوقّف نمی‌شود- و کم‌کم کار را به اینجا می‌رسانند که اینکه شما میگویید دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و قوّهی قضائیه باید برطبقِ احکام اسلام و شریعت اسلامی باشد، این‌ها برخلاف آزادی است و لیبرالیسم این‌ها را قبول ندارد؛ کم‌کم به اینجاها می‌رسد. اگر عقب‌نشینی کردیم، عقب‌نشینی به این نقطه‌ها منتهی خواهد شد که [بگویند] شورای نگهبان چه نقشی در جامعه دارد و چرا باید شورای نگهبان به‌خاطر مخالفت با شرع قوانین را بردارد؟ حرف اینجا است. این همان چیزی است که بنده بارها عرض کرده‌ام که این، تغییر سیرت جمهوری اسلامی است. ممکن است صورت جمهوری اسلامی محفوظ بماند امّا از محتوای خود بکلّی تهی بشود؛ دشمن این را می‌خواهد. بنابراین تحلیل دشمن‌خواسته و بنابراین تحلیلی که آن‌ها دارند در اذهان نخبگان و افکار عمومی ملّت تزریق می‌کنند، اگر جمهوری اسلامی و ملّت ایران می‌خواهد از شرّ آمریکا راحت بشود، باید از محتوای جمهوری اسلامی دست بردارد، از اسلام دست بردارد، از مفاهیم اسلامی دست بردارد، از امنیت خود دست بردارد.»

مذاکره با امریکا، خسارت محض

«آنچه در این تحلیل مفقود است و نادیده گرفته شده است، چند مطلب است که من به یکی

از آن‌ها اشاره می‌کنم و آن این است که در همین توافقی هم که ما با آمریکایی‌ها در قضیه‌ی پنج بعلاوه‌ی یک و مسئله‌ی هسته‌ای کردیم، آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید می‌کردند انجام ندادند. بله، به تعبیر وزیر خارجه‌ی محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند امّا از راه‌های انحرافی متعدّد، جلوی تحقّق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند. شما نگاه کنید امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تأثیر آن‌ها هستند، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است، بازگرداندن ثروت‌های ما در بانک‌های آن‌ها دچار مشکل است، معاملات گوناگون تجاری‌ای که احتیاج به دخالت بانک‌ها دارد دچار مشکل است؛ وقتی دنبال می‌کنیم، تحقیق می‌کنیم و میگوییم چرا این‌جور است، معلوم می‌شود از آمریکایی‌ها می‌ترسند. آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریم‌ها را برمی‌داریم و روی کاغذ هم برداشتند امّا از طرق دیگر جوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقاً به‌وجود نیاید و تحقّق پیدا نکند. بنابراین، کسانی که امید می‌بندند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه‌ی توافقی برسیم -یعنی ما یک تعهّدی بکنیم، طرف مقابل هم یک تعهّدی بکند- از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهّدهای خود عمل کنیم [امّا] طرف مقابل با طُرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلّب سر باز میزند و به تعهّدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.»

دلایل «دشمن» دانستن امریکا

«خب، من که میگویم «دشمن»، مقصودم دولت آمریکا است؛ تعارف هم نمی‌کنیم. البتّه آن‌ها میگویند که ما دشمن شما نیستیم، ما دوست [شما هستیم]. پیام نوروزی به مردم ما داده‌اند و برای جوان‌های ما دلسوزی کرده‌اند؛ یا در کاخ سفید سفره‌ی هفت‌سین پهن می‌کنند! خب این‌ها بچّه‌گول‌زنی است؛ کسی این‌ها را باور نمی‌کند. از آن‌طرف تحریم‌ها را حفظ می‌کنند، از آن‌طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا با طرقی که خودشان دارند و خودشان اقرار کرده‌اند، جوری عمل می‌کند که شرکت‌های بزرگ، بنگاه‌های بزرگ و بانک‌های بزرگ جرئت نکنند نزدیک بیایند و با جمهوری اسلامی معامله کنند؛ از آن‌طرف این کارها را می‌کنند -تحریم می‌کنند و تهدید می‌کنند- که دشمنی محض است، از آن‌طرف هم در کاخ سفید سفره‌ی هفت‌سین پهن می‌کنند یا در پیام عید نوروز میگویند ما برای جوان‌های ایرانی دنبال اشتغال هستیم! خب، کسی این‌ها را باور نمی‌کند. این‌ها ملّت ما را هنوز نشناخته‌اند؛ ملّت ایران را نشناخته‌اند. ملّت ایران ملّت فهیمی است، آگاه است، دشمنان خودش را می‌شناسد، شیوه‌های دشمنی را

هم می‌شناسد. بله، ما با مردم آمریکا مشکلی نداریم؛ ما با هیچ ملّتی و با هیچ آحاد مردمی مشکل نداریم؛ ما با سیاست‌ها کار داریم، با سیاستمدارها کار داریم؛ آن‌ها دشمن هستند.

من خلاصه کنم مطلب را که اساس آنچه می‌خواستیم عرض بکنیم از دست نرود. واقعیت‌هایی وجود دارد: یک واقعیت عبارت است از ظرفیت‌های فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد؛ هم سرمایه‌های طبیعی داریم، هم سرمایه‌های انسانی داریم، هم فرصت‌های بین‌المللی داریم. امروز کشور ما به‌خاطر این سرمایه‌ها ظرفیت پیشرفت فوق‌العاده‌ای را در درون خود دارد. این‌یک واقعیت. امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل‌شده است؛ این‌یک واقعیتی است که وجود دارد. قدر خودمان را بدانیم، ارزش و اهمّیت خودمان را بدانیم، عظمت این ملّت را بدانیم.

دوّم [اینکه] آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است؛ همین‌طور که عرض کردیم، مرادمان سیاستمداران آمریکا و سیاست‌های آمریکا است. در قضیه‌ی برجام بدعهدی کردند و به تحریم‌های دیگری ما را تهدید کردند. همین‌طور که گفتم، وزیر خزانه‌داری آمریکا بشدّت شب‌وروز مشغول کار است برای اینکه نگذارند که جمهوری اسلامی از نتایج برجام بهره‌مند بشود. خب، این‌ها دشمنی است. مرتّباً تهدید می‌کنند و مرتّباً به تحریم‌های بیشتر تهدید می‌کنند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم چند ماه دیگر -هفت هشت ماه دیگر- شروع خواهد شد و تا نُه ماه دیگر این دولت فعلی آمریکا عوض خواهد شد و هیچ تضمینی وجود ندارد که این دولتی که بعداً به‌وجود خواهد آمد، همین تعهّدات اندکی را هم که این دولت [فعلی] کرده است عمل بکند. الان نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا در سخنرانی‌های انتخاباتی‌شان مسابقه گذاشته‌اند در بدگویی به ایران؛ خب این دشمنی است دیگر؛ دشمنی که شاخ‌ودم ندارد. وقتی میگوییم آمریکا دشمن است، یک عدّه‌ای منزعج[1] می‌شوند که چرا میگویید دشمن؟ دشمن است؛ این‌ها دشمنی است. این هم یک واقعیت.»

۱- مضطرب، ناراحت



نتایج و تبعات مذاکره با آمریکا از منظر مقام معظم رهبری

۱. آشکار شدن و افزایش دشمنی دشمنان نظام

اولین ثمره و اثری که در مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم در بیان مقام معظم رهبری بیان گردید، آشکار شدن و مدلّل شدن دشمنی آمریکایی‌ها با مردم و نظام جمهوری اسلامی بود:

«یکی از برکات همین مذاکرات اخیر این بود که دشمنی آمریکایی‌ها و مسئولین دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا با ایران و ایرانی، با اسلام و مسلمین آشکار شد، برای همه مدلّل شد، همه این را فهمیدند. می‌شنوید لحن‌های این‌ها را، حرف‌های این‌ها را؛ آنجایی که اقدام نمی‌کنند، میگویند نمی‌توانیم - راست میگویند، نمی‌توانند - و اگر می‌توانستیم تاروپود صنعت هسته‌ای ایران را بکلّی از هم جدا کنیم، می‌کردیم، امّا نمی‌توانیم. بله، البتّه نمی‌توانند. چرا نمی‌توانند؟ چون این ملّت اراده کرد که در این مسئله و در همه‌ی مسائل خود روی پای خودش بایستد و ایستادگی کند، ابتکار خودش را به میدان بیاورد؛ و آورد؛ [بنابراین] دشمن نمی‌تواند کاری بکند؛ در همه‌ی مسائل همین‌جور است. دشمنی آن‌ها روشن شد، ناتوانی آن‌ها هم روشن شد، حالا به این در و آن در می‌زنند.»[1]

«عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما می‌دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد. در گذشته میان مسئولان ما و مسئولان آمریکا هیچ ارتباطی نبود اما در یک سال اخیر بخاطر مسائل حساس هسته‌ای و تجربه‌ای که مطرح شد انجام بشود، بنا شد مسئولان تا سطح وزارت خارجه تماس‌ها، نشست‌ها و مذاکراتی داشته باشند اما از این ارتباطات نه‌تنها فایده‌ای عاید نشد بلکه لحن آمریکایی‌ها تندتر و اهانت‌آمیزتر

۱- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

شد و توقعات طلبکارانه‌ی بیشتری را در جلسات مذاکرات و در تریبون‌های عمومی بیان کردند. البته مسئولان ما در نشست‌ها در جواب طلبکاری آن‌ها، جواب‌های قوی‌تر و گاهی گزنده‌تر دادند، اما در مجموع معلوم شد مذاکره برخلاف تصورات برخی‌ها، به هیچ چیز کمک نمی‌کند.»[۱]

۲. افزایش تحریم‌های ظالمانه

دومین بازخورد این مذاکرات در بیان ایشان افزایش تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی علی‌رغم ادعای توقف آن در ضمن توافق ژنو بود. رهبر معظم انقلاب بارها این مطلب را بیان فرموده‌اند که تنها راه پیروزی و غلبه بر دشمن جرّار و پرکینه انقلاب اسلامی، مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های وی است. ولی اگر در برابر دشمنان قدمی عقب‌نشینی اتفاق افتاد، باید منتظر چندین حمله دیگر باشیم. اما با طرح مذاکرات اخیر هسته‌ای پیامی که توسط غرب و در صدر آن آمریکا برداشت شد، تزلزل در اراده و نیاز به یک توافق بود؛ لذا نه‌تنها از دشمنی‌های ایشان کاسته نشد که حتی شاهد تصویب تحریم‌های متعدد جدید علیه کشور بودیم. رهبر معظم انقلاب در همین زمینه، افزایش تحریم‌ها را مورد اشاره قرارداده و فرمودند:

«آمریکایی‌ها نه‌تنها دشمنی‌ها را کم نکردند بلکه تحریم‌ها را هم افزایش دادند! البته می‌گویند این تحریم‌ها، جدید نیست اما درواقع جدید است و مذاکره در زمینه‌ی تحریم هم، فایده‌ای نداشته است.»[۲]

گفتنی از تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ که توافق ژنو بین ایران و ۵+۱ منعقد گردید تا امروز بیش از ۱۰۰ شرکت و فرد دیگر توسط آمریکا به لیست تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی فزوده شده است. موضع اولیه تیم مذاکره کننده ایرانی این بود که این تحریم‌ها جدید نیست، اما تیم مذاکره کننده بعد از این فرمایش صریح مقام معظم رهبری درباره جدید بودن تحریم‌ها تغییر موضع داد.

۳. متهم شدن به انفعال و تذبذب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با وزیر امورخارجه و سفرا در مورد نفی تعامل با آمریکا

۱- دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۲

۲- دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۲

فرمودند:

«رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه‌تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی‌منفعت برود؟!»[1]

ایشان در قالب سخنانی به آسیب‌شناسی مذاکره با آمریکا پرداختند و در تبیین ضررهای ناشی از مذاکره با آمریکایی‌ها افزودند:

«این کار ما را در افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها به تذبذب متهم می‌کند و غربی‌ها با تبلیغات عظیم خودشان، جمهوری اسلامی را دچار انفعال و دوگانگی جلوه می‌دهند.»[2]

٤. مطرح شدن توقعات جدید توسط دشمنان

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنان خویش به مسئله حدّ یقف استکبار اشاره فرمودند. اینکه حدّ یقف استکبار کجاست؟ استکبار و در رأس آن آمریکا چه زمانی از جمهوری اسلامی ایران راضی می‌شوند؟ ایشان فرمودند که استکبار به هیچ حدی از سرسپردگی راضی نمی‌شود تا جایی که اصل انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از بین ببرد. یکی از نتایج مذاکرات هسته‌ای در بیان رهبر انقلاب طرح خواسته‌ها و توقعات جدید توسط آمریکاست. درواقع توافق ژنو صحنه‌ای را فراهم آورد تا خواسته‌های زیاده طلبانه آمریکا روز به روز رو به افزایش برود. مقام معظم رهبری در خلال سخنان خویش در این ایام دو بار به این مطلب اشاره فرموده‌اند. ایشان در دیدار وزیر امور خارجه و سفرا ضرر نشست و برخاست با آمریکا را ایجاد زمینه برای طرح توقعات جدید از سوی آن‌ها دانستند. همچنین در جمع مردم انقلابی قم در دی ماه ۱۳۹۳ فرمودند:

«امروز دشمنان برای ملّت ایران با تحریم مشکل درست کردند؛ خب، حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قراردادند که شما غیرتت نمی‌گنجد که آن را انجام بدهی؛ چه کار می‌کنید؟ شرط می‌گذارند دست از اسلام بردارید، دست از استقلال بردارید، دست از حرکت به سوی علم بردارید، دست از فلان پدیده‌ی افتخارآمیز بردارید تا ما تحریم را برداریم؛ شما چه کار می‌کنید؟ قطعاً قبول نمی‌کنید. یقیناً هیچ مسئولی در کشور قبول نمی‌کند که شرط برداشتن تحریم‌ها، مثلاً فلان مسئله‌ی اساسی و فلان مسئله‌ی آرمانی باشد. البتّه دشمن فعلاً نمی‌آید با آرمان‌ها، معارضه‌ی صریح بکند؛ چرا، اگر ما عقب‌نشینی کردیم، به‌صراحت هم

۱- دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۲

۲- دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۲

می‌رسد.»[۱]

۵. بی‌فایده و بی‌نتیجه بودن مذاکرات و رفت و آمدهای غربی‌ها به ایران

«اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز دارند شاخ‌وشانه می‌کشند، همین‌ها می‌آیند پشت دروازه‌ی ما می‌ایستند و منّت‌کشی می‌کنند. البتّه تا الان اتّفاق نیفتاده؛ این رفت‌وآمدهایی که الان هست، هیچ معنای مثبتی تاکنون برای ما نداشته؛ حالا در آینده ممکن است داشته باشد -نمی‌دانم- امّا تا الان این رفت‌وآمدهایی که وجود داشته، هیچ اثری [نداشته]. این را هم من باز به یکی دیگر از این آقایان رؤسایی که همین چندی پیش اینجا آمده بودند -آقای دکتر روحانی هم حضور داشتند- گفتم که باید روی زمین معلوم باشد؛ روی کاغذ فایده‌ای ندارد که بنشینید مذاکره کنید، تفاهم کنید سر یک چیزهایی که بعد هم تحقّق پیدا نکند و مشروطش کنید به موافقت فلان‌جا، باید روی زمین معلوم باشد که چه اتّفاقی دارد می‌افتد؛ چه کاری دارد انجام می‌گیرد؛ این تا حالا نشده. البتّه امیدواریم ان‌شاءالله با دنبال‌گیری‌ای که آقایان دارند می‌کنند، این کار تحقّق پیدا کند. تجربه‌ی ۳۷ ساله‌ی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که ما باید خودمان را تقویت کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم.»[۲]

۶. بد عهدی امریکا در مذاکرات هسته‌ای و جلوگیری از اجرای تعهدات

«الان بر سر همین قضیّه‌ی هسته‌ای و این مذاکرات هسته‌ای -که خب حرف‌ها گفته شد، مطالب گفته شد و این جریان طولانی انجام گرفت- همین دو روز قبل از این، مجدّداً بار دیگر یک مسئول آمریکایی گفت ما کاری می‌کنیم که سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران بزرگ دنیا جرئت نکنند بروند ایران سرمایه‌گذاری کنند. دشمنی را می‌بینید! آمریکا این است. یکی از هدف‌های کسانی که دنبال این مذاکرات بودند -و انصافاً هم تلاش کردند و زحمت کشیدند؛ این کسانی که این مذاکرات را انجام دادند، حقیقتاً زحمت کشیدند، عرق ریختند، واقعاً صرف وقت کردند- گشایش اقتصادی با سرمایه‌گذاری خارجی‌ها بود؛ [امّا] امروز آمریکایی‌ها جلوی همین را می‌گیرند. چندین بار تا حالا گفته‌اند؛ باز دیروز پریروز، دو سه روز قبل از این، یکی دیگرشان مجدّداً گفت ما کاری می‌کنیم که سرمایه‌گذارها جرئت نکنند بروند ایران سرمایه‌گذاری کنند. اینکه بنده ده بار گفتم به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد، معنایش

۱- بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

۲- بیانات در دیدار با خبرگان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

این است؛ اینکه میگوییم این‌ها غیر قابل اعتمادند، معنایش این است.
سیاستمداران آمریکایی اعتراض می‌کنند که چرا در راه‌پیمایی‌های ایران و در اجتماعات ایران، مردم میگویند «مرگ بر آمریکا». خب [وقتی] شما این‌جوری عمل می‌کنید، می‌خواهید مردم ایران چه بگویند؟ این گذشته‌ی شما است، این سابقه‌ی شما است، این [هم] رفتار امروز شما است. دشمنی شما حتّی بدون پرده‌پوشی است. بله، در دیدارهای خصوصی لبخند می‌زنند، دست می‌دهند، حرف‌های چرب‌ونرم می‌زنند، زبان خوش به کار می‌برند؛ [امّا] این مربوط به دیپلماسی دیدارهای خصوصی است؛ اهمّیّتی ندارد، ارزشی ندارد، تأثیری در واقعیّت ندارد. واقعیّت این است که قرارداد را ببندند، مذاکرات را بکنند، دو سال چک‌وچانه بزنند، بعد که قضایا تمام شد بگویند حالا ما نمی‌گذاریم، و تهدید کنند که می‌خواهیم تحریم جدید بگذاریم برای اینکه سرمایه‌گذار خارجی بترسد، واهمه کند و نزدیک نیاید؛ تصریح هم می‌کنند به این! آمریکا این است؛ در مقابل این دشمن نمی‌شود انسان چشم خود را ببندد، نمی‌شود انسان حمل بر صحّت بکند. این [درباره‌ی] وفای به عهدشان و قابل اعتماد نبودنشان.
ملّت عزیز ایران! طرف شما یک چنین عنصری است؛ بیدار باید بود، هشیار باید بود. ما نمی‌خواهیم برای خودمان دردسر بیخودی درست کنیم؛ بعضی‌ها نگویند شما مدام آمریکا را وادار می‌کنید و تحریک می‌کنید؛ نه، آمریکا تحریک نمی‌خواهد، آمریکا دشمن است. آمریکا یک روز صاحب ایران بوده است، انقلاب آمده این [کشور] را از دستش بیرون آورده است؛ از پا نمی‌خواهد بنشیند تا وقتی‌که دوباره خودش را مسلّط بکند. آمریکا این است.
علاج کار کشور عبارت است از بیداری مردم، حفظ انگیزه‌های ایمانی مردم، به‌کار گرفتن جوانان پُرانگیزه و مؤمن، و تقویت درونی کشور؛ این تنها راه است. ملّت ایران باید از درون قوی بشود؛ اقتصادش قوی بشود، علمش قوی بشود، دستگاه‌های مدیریّتی‌اش قوی بشود و بالاتر از همه، ایمانش روزبه‌روز قوی‌تر بشود. این راه علاج است.»[1]

۷. توافق برروی کاغذ، خدعه و نیرنگ در عمل

«دشمنان ما و در رأس دشمنان ما آمریکا و صهیونیسم؛ اخلال می‌کنند، خدعه می‌کنند، دلشان هم می‌خواهد ما نفهمیم این خدعه را؛ گاهی از دور گلایه می‌کنند که چرا نسبت به ما بدبینید. خب می‌بینیم چیزهایی را که باید بدبین باشیم؛ نمی‌شود چشم خودمان را ببندیم. الان در معاملات بانکی کشور ما اختلال وجود دارد که این را همه‌ی مسئولین دارند میگویند. ارتباطات و معاملاتِ متوقّف به مبادلات بانکی، الان اینجا با کندی و با زحمت انجام می‌گیرد؛ چرا؟

۱- دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

میگویند بانک‌های بزرگ دنیا حاضر نیستند. خب چرا حاضر نیستند؟ مگر مرض دارند؟ بانک برای این به وجود آمده که تعامل ایجاد کند. فلان بانک معروف و بزرگ دنیا چرا نخواهد با بازار هشتاد میلیونیِ یک کشوری با این‌همه ثروت معامله کند؟ یک مانعی وجود دارد؛ این مانع کیست؟ آمریکا. با کم‌وزیادش، بنده صد بار گفته‌ام که به آمریکا نمی‌شود اعتماد کرد؛ حالا دارد کاملاً روشن می‌شود. روی کاغذ می‌نویسند که بروند بانک‌ها با ایران معامله کنند -که این روی کاغذ است و ارزشی ندارد- امّا در عمل جوری در دل بانک‌ها هراس می‌اندازند که آن‌ها نزدیک نیایند؛ ایران‌هراسی. می‌گوید که ایران یک کشور تروریست است و ما ممکن است مثلاً به‌خاطر روش‌های تروریستی [این] کشور، ایران را تحریم کنیم؛ خب، معنای این چیست؟ این پیام به بانک‌ها است که حواستان جمع باشد؛ ایران ممکن است تحریم بشود؛ جلو نروید. روی کاغذ می‌نویسند: بانک‌ها بروید معامله کنید، بخشنامه صادر می‌کنند امّا در عمل کاری می‌کنند که بانک جرئت نکند جلو بیاید، سرمایه‌دار خارجی جرئت نکند بیاید سرمایه‌گذاری کند؛ عملاً دارند این کار را می‌کنند. حالا خودشان از همه‌ی تروریست‌ها بدترند؛ خودشان به تروریست‌های نام‌ونشان‌دار کمک کردند، هنوز هم طبق اطّلاعات ما دارند کمک می‌کنند؛ آن‌وقت به ایران میگویند تروریست! طرف -جناب آمریکایی- می‌گوید که علّت اینکه سرمایه‌دارها و سرمایه‌گذارها نمی‌آیند در ایران سرمایه‌گذاری کنند اوضاع داخلی ایران است؛ اوضاع داخلی ایران چه‌اش است؟ در این منطقه امن‌تر از ایران کجا است؟ خود آمریکا امن‌تر از اینجا است؟ آمریکا که طبق آمارهای خودشان هرروز چند نفر از مردم کشته می‌شوند با ترور، امن‌تر از اینجا است؟ کشورهای اروپایی با این تظاهرات مردمی، با این مشکلات کارگری، با این مشکلات اقتصادی امن‌تر از اینجا هستند؟ [ایران]، کشوری امن، کشوری متّحد.

اوضاع داخلی ایران به‌رغم دشمنان، به کوری چشم دشمنان، اوضاع بسیار خوبی است. وقتی مسئول آمریکایی می‌گوید که نظام تحریم‌های ضدّ ایرانی از بین نرفته است، معنایش چیست؟ معنایش این است که سرمایه‌گذار خارجی بترسد و نزدیک نیاید؛ این‌ها دارند ایران‌هراسی راه می‌اندازند. با صراحت دارند مردم را از ایران می‌ترسانند برای اینکه کسی نزدیک نشود؛ این دشمن ما است. خب، این دشمن هست؛ ما برای هر فعّالیّتی که انجام می‌دهیم، باید وجود این دشمن را مفروض بگیریم.

ما ۳۷ یا ۳۸ سال است که این دشمن را داشتیم و پیشرفت کردیم. من عرض می‌کنم [اگر] این دشمنی تا صد سال دیگر هم باقی بماند، به کوری چشم آن‌ها ما تا صد سال دیگر مرتّب پیشرفت خواهیم کرد. آمریکا دشمن است؛ چه ما به رو بیاوریم چه نیاوریم دشمن است؛ چه بنده‌ی حقیر در سخنرانی بگویم آمریکا دشمن است، چه نگویم. میگویند چرا شما مدام

«دشمن دشمن» می‌کنید؛ خب، حالا گیرم بنده نمی‌گویم دشمن؛ دشمنی تمام شد؟ دشمن است؛ دشمنِ با اصل این حرکت عمومی مردمی و با اصل انقلاب و با اصل نظام است. آمریکا یک روز در اینجا همه‌کاره‌ی این کشور بوده؛ امروز حتّی یک سفارتخانه در این کشور ندارد؛ به‌خاطر اینکه نظام اسلامی سرِ کار آمده؛ خب با نظام اسلامی دشمن است و می‌خواهد همان وضع قبلی برقرار باشد. میگویند که پنجره‌ها را باز کنید. آن جناب[1]، در تبریک عید یک شعری از یک شاعر ایرانی خوانده بود که «پنجره‌ها را بگشایید»؛ بنده گفتم بله، پنجره‌ها را بگشایید که ما را که از در بیرون کرده‌اید داخل بیاییم؛ پنجره‌ها را باز کنید که ما بتوانیم راحت داخل بیاییم.»![2]

۸. تجربه‌ی مذاکرات هسته‌ای اخیربرای ملت ایران

مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال امام خمینی در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۵ در جمع بندی از مذاکرات هسته‌ای، این مذاکرات را یک تجربه تاریخی برای ملت ایران دانستند که هر کجا ما از مواضع خود تنازل و عقب‌نشینی کردیم، امریکا کوتاه نیامد و دست از دشمنی برنداشت. ایشان در این زمینه فرمودند:

«هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به‌خاطر مصلحت‌اندیشی، به‌خاطر عقل سیاسی -اسمش را می‌گذارند عقل- به‌خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی‌ها رفیق شدند، به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمّل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. ...

یک تجربه‌ای ما در مذاکرات هسته‌ای پیدا کردیم؛ این تجربه را نباید فراموش کنیم. این تجربه این است که اگر ما تنازل[3] هم بکنیم، آمریکا دست از نقش مخرّب خودش برنمی‌دارد؛ این را ما در مذاکرات هسته‌ای تجربه کردیم. ما نشستیم در جمع ۱+۵، و حتّی جداگانه با آمریکایی‌ها مذاکره کردیم برای قضیّه‌ی هسته‌ای؛ برادران ما، فعّالان پرتلاش ما به یک نقاط مشترکی رسیدند، به یک نتایجی رسیدند؛ طرف -که آمریکا باشد- یک تعهّداتی کرد؛

۱- باراک اوباما
۲- بیانات در دیدار با کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸
۳- کوتاه آمدن، عقب نشینی کردن

جمهوری اسلامی تعهّدات خودش را انجام داد، [ولی] آن طرفِ بدقولِ بدعهدِ بدحساب دارد دبّه می‌کند؛ تا الان دبّه کرده است. خیلی خب، این‌یک تجربه است، این شد تجربه. حالا خیلی‌ها قبل از این تجربه هم می‌دانستند امّا بعضی هم که نمی‌دانستند، حالا بدانند: در هر زمینه‌ی دیگری هم که با آمریکا شما بحث و مجادله کنید، شما کوتاه بیایید، تنازل کنید، باز او نقش مخرّب خودش را حفظ خواهد کرد؛ در همه‌ی زمینه‌ها: بحث حقوق بشر، بحث موشک، بحث تروریسم، بحث لبنان، بحث فلسطین؛ در هر قضیّه‌ای که شما به فرض -که البتّه محال است- از اصول خودتان، از مبانی خودتان کوتاه بیایید، صرف‌نظر بکنید، بدانید او کوتاه نخواهد آمد؛ اوّل با زبان و با لبخند و با تبسّم وارد میدان خواهد شد، بعد در عمل، کاری را که باید انجام بدهد، دبّه می‌کند و تعهّد خودش را انجام نمی‌دهد؛ این شد یک تجربه برای ملّت ایران؛ این تجربه را مغتنم بشمرید.»[۱]

۱- بیانات در حرم مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۳/۱۴



بررسی معایب و نقایص برجام از منظر مقام معظم رهبری[1]

«مسئله‌ی برجام. برجام موافقانی دارد و مخالفانی؛ به نظر من، هم موافقان و هم مخالفان، هر دو در بیان نظرات خودشان مبالغه می‌کنند؛ اغراق‌گویی می‌کنند؛ هم موافقانی که از برجام تمجید می‌کنند سخنانشان اغراق‌گونه است، هم مخالفانی که انتقاد می‌کنند مبالغه می‌کنند و گاهی اغراق می‌کنند. به نظر من هیچ‌کدام جا ندارد.»

محاسن و نقاط مثبت برجام

«بله، برجام یک نقاط مثبتی دارد، یک نقاط منفی‌ای دارد؛ یک محسّناتی دارد، یک معایبی دارد؛ محسّناتش همان چیزهایی است که ما را وادار کرد و ترغیب کرد که به این مذاکرات رو بیاوریم؛ البتّه میدانید این مذاکرات قبل از شروع دولت یازدهم آغاز شد که به‌خاطر همین مُرغِّبات[2] بود؛ یعنی جنبه‌های محسّناتی به نظر انسان می‌رسید که البتّه همه‌ی آن محسنات تأمین نشد، یعنی خیلی‌هایش تأمین نشد لکن حالا بالاخره یک محسّناتی بود و انسان حس می‌کرد که ممکن است این فواید وجود داشته باشد. شروع شد این مذاکرات؛ بعد هم که خب، زمان دولت جناب آقای روحانی طبعاً گسترش بیشتری و فعّالیّت بیشتری پیدا کرد؛ محسّنات این‌ها است.»

معایب و نقاط ضعف برجام

«معایب چیست؟ معایب همان چیزی است که همیشه از آن بیمناک بودیم و تکرار می‌کردیم

۱- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵

۲- رغبت‌ها

و می‌گفتیم؛ می‌گفتیم: آقا، این‌ها بدعهدند، بدذات‌اند، دبّه‌دربیار هستند، زیر قولشان می‌زنند، عمل نمی‌کنند؛ معایب هم این‌ها است. خلل و فُرَجی وجود دارد در برجام که این معایب می‌توانند خودشان را نشان بدهند و اگر این خلل و فُرَج بسته می‌شد، البتّه معایب کمتر می‌شد یا منتفی می‌شد.

من آنچه راجع به برجام عرض می‌کنم، مطلقاً ناظر به این برادران عزیز ما که در مذاکرات شرکت داشتند نیست؛ این‌ها کار خودشان را کردند، سعی خودشان را کردند، واقعاً جدّ و جهد کردند. خب ما شاهد بودیم و می‌دیدیم؛ رفتند، ماندند —به نظرم پارسال ماه رمضان بود که مدّتی از ماه رمضان را این‌ها در آنجا بودند- خب، سختی داشت، واقعاً سختی داشت و زحمت کشیدند به آن‌ها من [اشکال نمی‌کنم]. از کارشان ان‌شاءالله خدای متعال راضی باشد، ما هم دعایشان کردیم و دعایشان می‌کنیم؛ نگاه من به‌طرف مقابل است؛ به آن کسانی است که طرف مذاکره‌ی ما بودند.»

برجام، سندی پراز خلل و فُرَج

«امّا در مورد خود برجام؛ خود سند -همان‌طور که عرض کردم- یک خلل و فُرَجی دارد، یک زوایای پرابهامی دارد که این‌ها موجب شده است که دشمن بتواند سوءاستفاده کند، طرف مقابل بتواند از آن‌ها سوءاستفاده کند.

ما البتّه برجام را ابتدائاً نقض نخواهیم کرد؛ این را همه بدانند! ما نقض نمی‌کنیم برجام را لکن اگر طرف مقابل نقض کند که حالا همین‌طور این کسانی که نامزد ریاست جمهوری آمریکایند، مدام دارند تهدید می‌کنند که ما می‌آییم پاره می‌کنیم، نقض می‌کنیم، این‌ها اگر پاره کردند، ما آتش می‌زنیم. اینکه حالا نقض نمی‌کنیم، متّکی است به دستور قرآن: اَوفوا بِالعَهد؛[1] بالاخره یک معاهده‌ای است انجام داده‌ایم، نمی‌خواهیم معاهده را ما به هم بزنیم؛ و آنکه اگر آن‌ها نقض کردند، ما هم نقض خواهیم کرد، این هم متّکی است به آیه‌ی قرآن: وَ اِمّا تَخافَنَّ مِن قَومٍ خِیانَةً فَانبِذ اِلَیهِم عَلی سَوآء؛[2] اگر آن طرف نقض کرد نقض کن. «فَانبِذ» یعنی پرتاب کن طرف خودش، رد کن؛ بنابراین ما تابع اصول قرآنی هستیم؛ هم در این طرف قضیّه، هم در آن طرف قضیّه.»

برطرف نشدن تحریم‌ها پس از برجام

«خب وظیفه‌ی طرف مقابل این بود که تحریم‌ها را برطرف کند، برطرف نکرده؛ تحریم‌ها

۱- سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۳۴؛ ... و به پیمان خود وفا کنید...

۲- سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۵۸؛ و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز...

برطرف نشده. بخشی از تحریم‌ها را این‌ها به یک نحوی برداشته‌اند، منتها در عمل برداشته نشده. خب میدانید آنچه محلّ بحث بود تحریم‌های ثانویّه بود. تحریم‌های اوّلیّه را این‌ها با کمال قدرت حفظ کردند و این بر روی تحریم‌های ثانویّه اثر می‌گذارد. من خواهش می‌کنم کسانی که دست‌اندرکارند توجّه کنند، دقّت کنند؛ مدام نگوییم تحریم‌ها برداشته‌شده؛ نه، مسئله‌ی معامله‌ی بانک‌ها حل نشده و بانک‌های بزرگ معامله نمی‌کنند. آمریکایی‌ها میگویند آقا به ما چه! خب حرف خباثت‌آلودی است؛ چطور [میگویید] به ما چه! کار آن‌ها است. آقای دکتر ظریف -نمی‌دانم اینجا در جلسه هستند یا نه- در صحبت با وزیر خارجه‌ی آمریکا به او میگویند که [مسئله‌ی] بانک‌ها، بانک‌های بزرگ و مانند این‌ها [حل نشده]؛ او می‌گوید خب بله، به ما که ربطی ندارد؛ فوراً ایشان میگویند چرا، شما اگر بخواهید می‌توانید؛ شما مانعید یعنی وزارت خزانه‌داری آمریکا است که مانع است. بله، در زبان در جلسه‌ی بانک‌ها طرف شرکت می‌کند، می‌گوید بله، با ایران اشکال ندارد معامله کنید، از طرف ما مانعی ندارد لکن در عمل و در بیانات دیگر، جوری حرف می‌زنند که او جرئت نکند. برای بانک چه بهتر که وارد معامله بشود با یک بازار هشتاد میلیونی مثل ایران؛ بانک که ابائی ندارد؛ مانع دارد و مانعش تهدید آمریکا است. آن مسئول دولتی آمریکا همین دو سه روز قبل از این گفت ما ایران را راحت نمی‌گذاریم، ما نمی‌گذاریم ایران احساس راحتی خیال کند؛ خب، وقتی این‌جور حرف می‌زنند، یک عضو عالی‌رتبه‌ی دولت آمریکا این‌جور حرف میزند، فلان بانک جرئت می‌کند بیاید معامله کند؟ بله، یک تعدادی بانک‌های کوچک آمده‌اند، امّا برای معاملات -برای قراردادها، معاملات واقعی، سرمایه‌گذاری‌ها- بانک‌های بزرگ باید بیایند به میدان، و نیامده‌اند؛ معلوم هم نیست کِی بیایند. این از اشکالات بزرگ است. این طرف آمریکایی این گناه بزرگ را انجام داده، این تخلّف بزرگ را کرده؛ نباید توجیه کنیم کار آمریکایی‌ها را. بله، بخشنامه می‌کنند امّا بخشنامه فرق می‌کند با واقعیّت.»

باقی ماندن ساختار تحریم بیمه‌ی نفت‌کش‌ها

«قضیّه‌ی بیمه‌ی نفت‌کش‌ها همین‌جور است. بیمه‌ی نفت‌کش‌ها یکی از چیزهای مهم در معاملات نفتی است. در یک سقف محدودی بیمه را قبول کردند امّا ساختارهای بزرگ بیمه -[برای] مبالغ این نفت‌ها که گاهی اوقات میلیاردی است- حاضر نشدند وارد بشوند، حاضر نشدند بیمه کنند و بیمه نمی‌کنند. علّتش هم این است که در خود آن سازمان‌ها و ساختارها، آمریکایی‌ها عضوند، حضور دارند و نمی‌گذارند. بنابراین آمریکایی‌ها به بخش مهمّی از تعهّداتشان عمل نکردند.»

پرداخت امتیازهای نقد در برابر وعده‌های نسیه

«ما پیش‌پرداخت‌هایمان را همین‌طوری انجام دادیم: ما [غنی‌سازی] بیست درصد را تعطیل کردیم، فُردو را تقریباً تعطیل کردیم؛ اراک را تعطیل کردیم، این‌ها پیش‌پرداخت‌های ما بوده، حالا باز توقّع دارند. من الان اینجا عرض می‌کنم -اگر آقای دکتر صالحی حضور دارند- این توقّعاتی را که آن‌ها در زمینه‌ی الیاف کربن که در سانتریفیوژها به کار می‌رود، یا توقّعاتی که در مورد اندازه‌گیری آن سیصد کیلو دارند مطلقاً قبول نکنید، زیر بار نروید. مدام افزون‌خواهی هم می‌کنند؛ حالا این همه پیش‌پرداخت ما داده‌ایم. به‌هرحال طرف مقابل ما عمل نکرده.»

باقی ماندن تحریم‌های بانکی و عدم امکان دسترسی به درآمدهای نفتی

«امروز [اگر] ما هم بخواهیم درآمدهای نفتی‌مان را به دست بیاوریم کار دشواری است؛ هم دشوار است، هم هزینه‌دار است. پول‌هایی که در کشورهای دیگر داریم به ما داده نمی‌شود، نشده؛ یعنی حالا بعضی‌هایشان قول داده‌اند. آن‌طور که آقای رئیس‌جمهور به من گفتند، یک کشوری از این کشورها قول داده، منتها فقط یک کشور نیست، چند کشورند. ما پول داریم در بانک‌های این‌ها؛ منتها چون پول‌ها به دلار است و مسئله‌ی دلار به آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، نمی‌توانند بدهند، کار قفل شده. خب این دشمنی آمریکا است؛ [مگر] دشمنی چیست؟ این‌ها عمل نکردند.»

ضرورت حفظ صنعت هسته‌ای به‌عنوان یک صنعت راهبردی

بنابراین آنچه من می‌خواهم عرض بکنم [این است]: صنعت هسته‌ای یک صنعت راهبردی برای کشور ما است؛ این صنعت باید باقی بماند، این صنعت بایست توسعه پیدا کند و نباید لطمه ببیند. بودن این صنعت، حتّی در مصونیت بخشیدن و امنیّت بخشیدن به کشور هم مؤثّر است. قابلیّتهای عملیّاتی صنعت هسته‌ای و سازمان هسته‌ای بایستی باقی بماند؛ نیروی انسانی‌اش باید محفوظ بماند؛ توانایی رسیدن به وضعیّت قبل باید حفظ بشود که الان خوشبختانه این توانایی هست، این را من به شما بگویم: در ظرف کمتر از شش ماه می‌توانند باهمان آی آر یک -که همان ماشین‌های قدیمی است- برسانند کشور را به هجده هزار سو. همین الان این امکان در کمتر از شش ماه وجود دارد؛ یعنی طرف مقابل خیال نکند که دست ما بسته است. ما می‌توانیم با قطعات آی آر چهار -که نسل پیشرفته‌ی دوّم و سوّم است- و تجهیزاتی که داریم در کمتر از یک سال‌ونیم به صدهزار سو برسیم؛ این‌ها امکاناتی است

که امروز در سازمان انرژی هسته‌ای وجود دارد؛ از این امکانات استفاده کنند، طرف مقابل را متوقّف کنند. اقدام عجولانه‌ای انجام نگیرد؛

لزوم اقدام متقابل در برابر کارشکنی‌های امریکا

در برابر کارشکنی‌های آمریکا هر کاری که می‌توانند انجام بدهند که حالا خوشبختانه، هم وزیر خارجه‌ی محترم، هم رئیس‌جمهور محترم گفتند -هم اینجا گفتند، هم در مجلس و جاهای دیگر گفتند- که دنبال می‌کنند این‌ها را؛ باید به‌طور جدّی دنبال کنند. توجّه کنید که همین‌طور که معروف است «حق گرفتنی است»، آن‌هم از گرگی مثل آمریکا؛ باید از دهنش بیرون کشید؛ این‌جوری نیست که او بیاید دو دستی تقدیم کند. تا وقتی که حالا به‌طور کامل نقض نکرده‌اند ما هم نقض نمی‌کنیم لکن در مقابل خطاهای آن‌ها و کارشکنی آن‌ها، ما بایستی توانایی‌هایمان را حفظ کنیم.

دستاوردهای حداقلی برجام، محصول اقتدار و سرمایه‌های گذشته

این را هم عرض بکنم که ما با قدرت علمی و فنّاوری خودمان بود که آنچه از آمریکایی‌ها توانستیم بگَنیم در این قضیّه، کندیم؛ یعنی اگر توانایی بیست درصد نبود، اگر توانایی ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته نبود، قطعاً نمی‌توانستیم آن‌ها را وادار کنیم به اینکه این چند هزار سانتریفیوژ را از ما قبول بکنند و بپذیرند و بهانه‌گیری نکنند؛ به‌خاطر آن اقتدار بود. این اقتدار اگر از بین برود، فشار آن‌طرف زیاد خواهد شد، هرچه این اقتدار بیشتر شد، قدرت این‌طرف برای فشار آوردن به‌طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ بنابراین این را باید حفظ کنیم.»[1]

۱- بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۲۵ /۳ /۱۳۹۵



تحلیل مقام معظم رهبری از شش ماه اجرای برجام[۱]

اعتراف مسئولین دیپلماسی کشور به عهدشکنی امریکا در برجام

امروز مسئولین دستگاه دیپلماسی خود ما و همان کسانی که در این مذاکرات از اوّل تا آخر حضور داشتند، همین‌ها دارند میگویند آمریکا نقض عهد کرده است، آمریکا زیر ظاهر آرام و زبان چرب و نرم مسئولانش و وزیر خارجه‌اش و دیگران، از پشت دارد تخریب می‌کند، مانع ارتباطات اقتصادی کشور با کشورهای دیگر دنیا است؛ این را مسئولین خود برجام دارند میگویند. این حرفی است که بنده البتّه از یک سال پیش و یک سال ونیم پیش، مرتّب تکرار کردم که به آمریکایی‌ها نمی‌شود اعتماد کرد -بعضی‌ها سختشان بود قبول کنند- امّا امروز خود مسئولین ما [میگویند]. همین هفته‌ی گذشته، مسئولین محترم مذاکره [کننده‌ی] ما با طرف‌هایشان در اروپا جلسه داشتند؛ همین حرف‌ها را مسئولین ما به آن‌ها گفتند و آن‌ها جواب نداشتند؛ گفتند شما این نقض عهد را کردید، این تخلّف را کردید، این کاری را که باید انجام می‌دادید انجام ندادید، از پشت سر این‌جور تخریب کردید، آن‌ها هم جوابی نداشتند بدهند؛

برجام هیچ تأثیر ملموسی در زندگی مردم نداشت

شش ماه هم از امضای برجام می‌گذرد، هیچ تأثیر محسوس و ملموسی هم در وضع معیشت مردم به وجود نیامده است؛ [درحالی‌که] خب، برجام اصلاً برای برداشتن تحریم‌ها بود؛ برای اینکه تحریم‌های ظالمانه برداشته بشود. مگر غیر از این است؟

۱- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱

مسئولین می‌گفتند تحریم‌ها یکباره برداشته خواهد شد، آیا برداشته شد؟

خب برداشته نشده؛ حالا میگویند بتدریج، یواش یواش دارد درست می‌شود! مگر بحث سرِ یواش یواش بود؟ آن روز مسئولین، هم به ما می‌گفتند، هم به مردم می‌گفتند که در این مذاکرات، قرار بر این است که وقتی ایران تعهّدات خود را انجام می‌دهد، یکباره همه‌ی تحریم‌ها برداشته بشود؛ یعنی این مانعی که آمریکا سر راه ملّت ایران ظالمانه و خباثت‌آمیز به وجود آورده بود، برداشته بشود؛ خب حالا شش ماه از این موعد گذشته است، برداشته نشده؛ شش ماه برای یک مملکت هشتاد میلیونی زمان کمی است؟ در این شش ماه دولت محترم کم می‌توانست کار بکند اگر چنانچه این خباثت آمریکایی‌ها نبود؟

برجام، تجربه‌ای بزرگ برای بی‌اعتمادی به امریکا

این برجام شد برای ما یک نمونه، یک تجربه. بنده سال گذشته در سخنرانی عمومی -یا سال گذشته بود یا یک‌سال‌ونیم پیش بود؛ درست یادم نیست تاریخش- گفتم برجام و این مذاکرات هسته‌ای، برای ما یک نمونه خواهد بود؛ ببینیم آمریکایی‌ها چه‌کار می‌کنند؛ این‌ها که حالا با زبان چرب و نرم می‌آیند، گاهی نامه می‌نویسند، اظهار ارادت می‌کنند، اظهار همراهی می‌کنند، در جلسات مشورتی و مذاکرات که می‌نشینند، با زبان چرب و نرم با مسئولین ایرانی صحبت می‌کنند، خیلی خب ببینیم در عمل چه‌کار می‌کنند. حالا معلوم شد در عمل چه‌کار می‌کنند! در ظاهر وعده می‌دهند، با زبان چرب و نرم حرف می‌زنند امّا در عمل توطئه می‌کنند، تخریب می‌کنند، مانع از پیشرفت کارها می‌شوند؛ این شد آمریکا؛ این شد تجربه.

برجام نشان داد مذاکره با امریکا در هر مسئله ای سمَ مهلک است

حالا آمریکایی‌ها میگویند بیایید درباره‌ی مسائل منطقه با شما صحبت کنیم! خب، این تجربه به ما می‌گوید این کار برای ما سمّ مهلک است. این تجربه به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمی‌توانیم [با او] مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف میزند امّا دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهّدات خود نخواهد زد. با این دشمن می‌شود حرف هم زد، بله؛ امّا وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابائی ندارد و نقض عهد می‌کند، بعد هم وقتی میگوییم آقا چرا [نقض عهد] کردی، باز لبخند میزند، باز زبان چرب و نرم را باز می‌کند و یک جوری توجیه

می‌کند، با این [دشمن] نمی‌شود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سالها است دائم تکرار می‌کنم که با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم علّتش این است. این نشان‌دهنده‌ی این است که [مشکلات] ما در این مسئله، در مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمی‌شود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب بکنیم، آن راهمان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بدود، بگذارید دشمن دنبال شما بدود.

مسئولین می گویند امریکا می خواهد همه چیزرا بگیرد و هیچ چیزندهد

مسئولین سیاسی و دیپلماسی ما صریحاً میگویند که آمریکایی‌ها می‌خواهند همه چیز را بگیرند، [امّا] هیچ‌چیز ندهند! [اگر] یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می‌آیند. اینکه ما مدام میگوییم مذاکره نمی‌کنیم، [ولی] بعضی‌ها میگویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف می‌کند، امتیاز را از شما می‌گیرد -وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشستن و گعده کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر- و آنچه را باید بدهی از شما می‌گیرد، [امّا] آنچه را باید بدهد، به شما نمی‌دهد؛ زورگویی می‌کند؛

امریکا، مصداق واقعی مستکبرو شیطان بزرگ

خب مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی‌کردن، خودش را برتر دانستن، پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهّد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را تخلّف می‌کند. خب امام بزرگوار ما فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ واقعاً این تعبیر، تعبیر فوق‌العاده‌ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل می‌کند که شیطان در قیامت به کسانی که از او متابعت کرده‌اند می‌گوید: اِنَّ اللهَ وَعَدَکُم وَعدَ الحَقِّ وَ وَعَدتُکُم فَاَخلَفتُکُم؛ شیطان به پیروان خودش می‌گوید خدا وعده‌ی روراست درست به شما داده بود، شماها از وعده‌ی خدا پیروی نکردید، پابند نماندید؛ من وعده‌ی دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید! من تخلّف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلّف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این‌جور در قیامت ملامت می‌کند. بعد هم خدای متعال می‌فرماید از قول شیطان که به آن‌ها می‌گوید که «فَلا تَلومونی وَلوموا اَنفُسَکُم»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عیناً امروز منطبق است با آمریکا. حالا شیطان در قیامت این حرف را میزند، آمریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را می‌زنند؛ وعده می‌دهند، عمل نمی‌کنند، تخلّف

می‌کنند. امتیاز نقد را می‌گیرند، امتیاز نسیه را نمی‌دهند؛ وضع آمریکا این است. خب، پس به دیگران نباید اعتماد کرد.

رفت و آمد تجار خارجی تا کنون هیچ فایده ای نداشته است

بنده به مسائل معیشت مردم خیلی فکر می‌کنم، خیلی دغدغه‌مندم نسبت به مسئله‌ی معیشت مردم امّا هرچه فکر می‌کنم، هرچه با کارشناس‌ها و آدمهای وارد و مطّلع مشورت می‌کنم، می‌بینم جز این راهی وجود ندارد که ما قاطعاً تکیه کنیم به مسائل داخلی. اینکه تجّار خارجی بیایند و بروند و هیچ آبی هم از اینها گرم نشود -که تا حالا [هم] نشده- [چه فایده دارد]؟ الان حدود یک‌سال است مدام می‌آیند و می‌روند؛ کاری هم نکرده‌اند. اگر هم بخواهند کاری کنند، تصرّف بازار ایران است که درست به ضرر ما است. فایده‌ی آمد و رفت این هیئتها باید سرمایه‌گذاری باشد، باید ایجاد تولید باشد، باید در جاهایی که احتیاج داریم به فنّاوری جدید، [آوردن] فنّاوری جدید باشد؛ این‌ها باید باشد؛ این‌ها نیست یا کم است. این چیزها را بایستی مسئولین محترم رعایت کنند، دنبال کنند. اینکه ما گفتیم اقدام و عمل، البتّه حالا مشغولند، باید ان‌شاءالله نتیجه‌ی کار محسوس بشود، ملموس بشود که مردم حس کنند، لمس کنند؛ راه این است.



خسارت‌های محض دو و سه و چهار
«گزارشی از تجربه مذاکرات و پیامدهای آن»

■ به روایت پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری[۱]

«در همین توافقی هم که ما با آمریکایی‌ها در قضیه‌ی پنج بعلاوه‌ی یک و مسئله‌ی هسته‌ای کردیم، آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید می‌کردند انجام ندادند. بله، به تعبیر وزیر خارجه‌ی محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند امّا از راه‌های انحرافی متعدّد، جلوی تحقّق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند.»[۲]

در مقابل چشم خودمان می‌بینیم

رهبر انقلاب در بیانات نوروزی امسال خود در حرم مطهر رضوی ضمن بیان عبارات بالا، هرگونه امید بستن به توافق با آمریکا را برای جمهوری اسلامی «خسارت محض» ارزیابی و وضعیت کنونی برجام را نیز یکی از مصادیق آن برشمردند: «آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریم‌ها را برمی‌داریم و روی کاغذ هم برداشتند امّا از طرق دیگر جوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقاً به‌وجود نیاید و تحقّق پیدا نکند... ما ناگزیر باید به همه‌ی تعهّدهای خود عمل کنیم [امّا] طرف مقابل با طُرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدعه، با تقلّب سر باز می‌زند و به تعهّدهایی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت محض.» اما چه شده که رهبر معظم انقلاب در اولین سخنرانی عمومی خود در سال جدید این بار با صراحت تمام و کم سابقه‌ای درباره توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱، اینگونه اظهار نظر کرده و نتیجه واقعی آن توافق مهم و تاریخی را به‌صورت مطلق خسارت‌بار ارزیابی کردند. جک لو وزیر خزانه‌داری آمریکا در جلسه‌ی استماع بودجه‌ی این کشور در مجلس نمایندگان گفته بود: «تلاش واشنگتن برای

۱- http://farsi.khamenei.ir کد خبر: ۳۲۷۱۶

۲- بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱

اعمال تحریم بر ایران ادامه دارد و این کار را با جمع‌آوری اطلاعات مالی وزارت خزانه‌داری، ادامه‌ی سیاست تحریم‌ها و برخی اقدامات اجرایی ادامه خواهد داد. با این هدف برای دفتر تروریسم و جاسوسی مالی ۱۱۷ میلیون دلار در نظر گرفته شده است.»

یک اعتراف نوروزی!

اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا در روز ۲۶ اسفند در حالی است که تنها دو روز بعد رئیس‌جمهور آمریکا در پیام به‌اصطلاح نوروزی خود به‌صراحت انجام تمام تعهدات ایران را تأیید می‌کند: «ایران دو ماه پیش به تعهدات کلیدی‌اش بر اساس آن توافق عمل کرد. ایران اکنون بخش‌های کلیدی برنامه اتمی‌اش را به عقب بازگردانده است و...» پیامی که در همان اول، نمادها و عبارت‌هایی چون سفره هفت‌سین، سبزی پلو و نان‌برنجی در آن خودنمایی می‌کردند تا خیمه شب‌بازی نزدیک شدن نمادین کاخ سفید به ملت ایران را ناشیانه به نمایش بگذارند. البته آمریکایی‌ها هنوز هم ملت ایران را نشناخته‌اند که از این مدل برای فریب مردم استفاده می‌کنند. پیامی که در ادامه‌اش آمده است: «در مقابل جامعه جهانی تحریم‌های مشخصی علیه ایران را برداشت و ایران به پولی که در خارج از این کشور مسدود شده بود دسترسی پیدا کرد... ممکن است برای شما مردم ایران مدتی طول بکشد تا مزایای رفع این تحریم‌ها را در زندگی روزمره‌تان احساس کنید، اما مزایا غیرقابل انکارند.» نقطه مقابل این حرف را نشریه آمریکایی پالیتیکو می‌گوید: «ممکن است درهای ایران بعد از توافق هسته‌ای تاریخی با غرب به روی تجارت گشوده شده باشد، اما برای شرکت‌های اروپایی، راه ورود به تهران هنوز از واشنگتن می‌گذرد. دولت آمریکا در مسیر ورود شرکت‌های اروپایی به ایران مانع‌تراشی می‌کند.» خبر نشریه پالتیکو در حالی است که رئیس‌جمهور آمریکا بدون اشاره به آن مانع‌تراشی‌ها یا توجیه وزیر خزانه‌داری‌اش در همان پیام نوروزی بلافاصله در باغ سبز دیگری را هم با وعده اشتغال جوان ایرانی به ملت ایران نشان می‌دهد: «ایران اکنون فرصت آن را دارد که بازگشتش به اقتصاد جهانی را آغاز کند. این به معنی تجارت و سرمایه گذاری بیشتر است که یعنی (ایجاد) شغل‌های بیشتر.» جالب اینجاست که اوباما در بخشی دیگر از پیام نوروزی خود بدون اشاره به تحریم تازه تصویب منع صدور ویزای آسان ۹۰ روزه برای اتباع ایران و کسانی که به ایران سفر کرده‌اند، مدعی شد که «توافق هسته‌ای موجب تسهیل تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج از کشور خواهد شد.»

هفت‌سین دشمن

اینجاست که رهبر انقلاب هوشمندانه این خسارت‌های محض را نشان می‌دهند: «خب این‌ها بچّه‌گول‌زنی است؛ کسی این‌ها را باور نمی‌کند... . از آن‌طرف این کارها را می‌کنند -تحریم می‌کنند و تهدید می‌کنند- که دشمنی محض است، از آن‌طرف هم در کاخ سفید سفره‌ی هفت‌سین پهن می‌کنند یا در پیام عید نوروز می‌گویند ما برای جوان‌های ایرانی دنبال اشتغال هستیم!»[1]

حالا با این تجربه از خسارت محض که به قول رهبر حکیم انقلاب در پیش چشمان ملت قرارگرفته، چه زمینه‌ای برای تکرار پیشنهادات آمریکایی وجود دارد؟ برجام‌های ۲ و ۳ و ۴ یا خسارت‌های ۲ و ۳ و ۴ و ...؟

برجام‌هایی برای کم خطرترکردن ایران

هدف واقعی آمریکایی‌ها از برجام‌ها چیز دیگری است. جفری گلدبرگ مقاله‌نویس نشریه آتلانتیک می‌نویسد: سوزان رایس (نماینده‌ی سابق آمریکا در سازمان ملل و مشاور امنیتی اوباما) به من گفت: «توافق با ایران هرگز به قصد گشودن دوره‌ای جدید در روابط با ایران نبود. هدف اصلی این بود که کشوری خطرناک را کم خطرتر کنیم.» آیا از نظر آمریکا و هم‌پیمانانش آن‌ها موفق شده‌اند تا ایران اسلامی را برای نظم ظالمانه جهانی کم خطرتر کنند و می‌خواهند با برجام‌های بعدی این روند ادامه داشته باشد. امسال پس از اوباما رئیس‌جمهور آمریکا که چندین سال است اقدام به ارسال پیام نوروزی خطاب به مردم ایران می‌کند، دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس و شیمون پرز رئیس‌جمهور سابق رژیم صهیونیستی نیز خیمه‌شب بازی پیام نوروزی را تکرار کرده‌اند. آیا دشمن در به سرانجام رساندن استراتژی خود امیدوارتر و در رسیدن به نتیجه مصمم‌تر شده است؟! اما «این‌ها ملّت ما را هنوز نشناخته‌اند... ملّت ایران ملّت فهیمی است... دشمنان خودش را می‌شناسد، شیوه‌های دشمنی را هم می‌شناسد.»[2]

۱- همان

۲- همان

فصل سوم: در دام برجام

«نقد و بررسی برجام
از منظر فنی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، استراتژیک و فقهی»



اشاره:

برجام و آثار و تبعات آن تنها به عرصه‌ی سیاسی محدود نمی‌شود. برجام دارای زوایای گوناگونی است که برای داشتن تصویری دقیق و جامع از آن باید به همه این زوایا نظر انداخت. برجام از منظر فنی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، استراتژیک و حتی فقهی قابل بررسی است. طی سال‌های شروع مذاکرات هسته‌ای و ماه‌های پس از برجام، صاحب‌نظران عرصه‌های حقوقی، فنی، سیاسی، اقتصادی و فقهی هریک از زاویه تخصص خود به بررسی و تحلیل برجام و آثار و پیامدهای آن پرداختند.

هرچند دولتمردان و مذاکره‌کنندگان چشم براین توصیه‌های دلسوزانه و برخاسته از غیرت دینی و ملی بستند، و به‌جای تقدیر، به تحقیر این افراد پرداختند، اما تاریخ چشم براین غیرت ملی نمی‌بندد. این فصل نشان می‌دهد دولتی با اغراض سیاسی چگونه منافع ملی را به خطر می‌اندازد و چشم بر تحلیل‌ها و توصیه‌های کارشناسی می‌بندد و بزرگ‌ترین دستاوردهای یک ملت را چگونه با سیاسی‌کاری برباد می‌دهد. هنگامی که کار تخصصی و کارشناسی، جای خود را به سلیقه‌های سیاسی و منافع گروهی می‌سپارد، آینده‌ی یک ملت دچار مخاطره می‌شود.

این فصل در پی نشان دادن تحلیلی جامع و از زاویه‌های گوناگون نسبت به برجام است و از منظر تخصصی به نقد و بررسی آن می‌پردازد. مقالات این فصل که نمی از یَم گسترده‌ی تحلیل‌ها و تذکرات تخصصی به تیم مذاکره کننده است گویای سرمایه عظیمی از تحلیل گران دلسوز انقلاب و دستاوردهای ملی است که در لحظه‌های نیاز به کمک کشور می‌آیند و از ترش‌رویی‌ها و تهدیدها نمی‌هراسند و چیزی به دل نمی‌گیرند.

هنوز پرونده تحلیل برجام در تاریخ سیاسی کشور بسته نشده است، و سال‌ها باید در مدارس و دانشگاه‌ها این روند خطرناک موردبررسی قرار گیرد تا این حادثه به تعبیر رهبری «عبرت‌آموز» چراغ راهی برای نسل بعدی باشد.

گزارش تحلیلی کمیسیون ویژه برجام مجلس شورای اسلامی[1]

باسمه تعالی

در اجرای ماده (۴۴) آیین‌نامه داخلی گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن که با حضور اعضای محترم تیم مذاکره‌کننده، کارشناسان، حقوقدانان و صاحب‌نظران در جلسات متعدد موردبررسی قرار گرفت و نهایتاً در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۱ به‌تصویب رسیده است، جهت قرائت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.

رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن

علیرضا زاکانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الف- مقدمه و نکات کلی گزارش

۱. «کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن» در مجلس شورای اسلامی، با استعانت از خداوند سبحان، توسل به اهل‌بیت معصومین (علیهم‌السلام) و در عمل به رهنمود رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مبنی بر دقت نظر در بررسی نتایج مذاکرات و با توجه به مسؤولیت قانونی خود در نمایندگی از مردم شریف ایران اسلامی، طی بیش از ۴۰ روز با برگزاری جلسات متعدد با تیم‌های مذاکره‌کننده هسته‌ای، مقام‌های مسئول عالی‌رتبه کشوری و لشگری، استادان دانشگاه و کارشناسان مختلف، به بررسی متن نهائی‌شده مذاکرات تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» میان ایران و گروه ۱+۵ و قطعنامه ۲۲۳۱ پرداخت. این کمیسیون توفیق یافت ۱۷۰ ساعت جلسه کاری داشته باشد که ۵۶ ساعت آن با مسئولان تیم مذاکره‌کننده وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی، تأیید کنندگان و

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۷/۱۲، کد خبر: ۱۳۹۴۰۷۱۲۰۰۰۱۱۰

نقادان مرتبط و متخصصین و اندیشمندان کشور و ۵۰ ساعت نشست اعضای کمیسیون و ۹ ساعت جلسات هیئت رئیسه بود؛ ۱۵ جلسه کمیته‌های تخصصی خود را به میزان ۳۲ ساعت با وقت‌گذاری مناسب برای جلسات متعدد با کارشناسان و متخصصین امر و بررسی اسناد و نتایج آن‌ها تشکیل دهد؛ ۲۳ ساعت بازدید میدانی از سایت‌های غنی‌سازی شهید علی‌محمدی در فردو و شهید احمدی روشن در نطنز و رآکتور تحقیقاتی و کارخانه تولید آب سنگین اراک داشته باشد و جلسات کارشناسی با عزیزان فعال و مسئولان آن‌ها در کنار بررسی کارهای انجام‌شده توسط سایر مجموعه‌های مسئول و تخصصی در کشور برگزار نماید و با دقت در گزارش‌های ایشان نتایج ذیل را صرفاً بر مبنای مصالح انقلاب و منافع ملی تقدیم رهبر فرزانه و اندیشمندمان حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته) و ملت رشید و آگاه ایران اسلامی نماید تا اندکی از نعمت عظیم به امانت گذاشته‌شده نزد نمایندگان مجلس شورای اسلامی .که با تلاش و مجاهدت بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و شهیدان انقلاب به دست آمده .را پاس دارد و با ارائه گزارشی مختصر و متقن، زمینه آگاهی بخشی، اعلام نظر و تقنین نمایندگان محترم را دراین‌باره فراهم آورد و ان‌شاءالله بکوشد تا در اسرع وقت گزارش تفصیلی خویش را با اسناد پیوست تقدیم مسئولان، نخبگان و آحاد مردم شریف ایران نماید.

۲. تلاش کمیسیون در این مدت بر این بوده است که درکی دقیق از متن فراهم شده به دست‌آورد، بی‌طرفانه، دقیق و همه‌جانبه به بررسی آن بپردازد، دیدگاه‌های موافق و مخالف را بشنود، اسناد و اظهارات مرتبط را بررسی کند و در نهایت به یک داوری کلان و قابل اتکا از برجام دست یابد.

۳. اصول حاکم بر بررسی کمیسیون برگرفته از نقش مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی و دیدگاه‌ها و رهنمودهای بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی و خلف صالح او و مبتنی بر یک نگاه همه‌جانبه نسبت به آن بوده است. کمیسیون بر این باور بوده است که پایه استراتژی نظام اسلامی در مدیریت فرآیند مذاکرات، تثبیت کامل حقوق هسته‌ای ایران طبق مقررات بین‌المللی به‌ویژه حق غنی‌سازی صنعتی و حفظ چرخه تحقیق و توسعه هسته‌ای همزمان با رفع کامل و پایدار همه تحریم‌ها و محدودیت‌های غیرقانونی اعمال‌شده علیه ملت ایران در پرونده هسته‌ای بوده است. این دو اصل، معیار اصلی کمیسیون برای داوری درباره متن برجام بوده است.

۴. کمیسیون برجام در طول فرآیند بررسی خود اصل را بر آن گذاشته است که تیم مذاکره‌کننده .که از اعتماد رهبر معظم انقلاب اسلامی و پشتیبانی ملت برخوردار بوده است .در طول دو

سال گذشته تمام ظرفیت ممکن خود را برای تدوین یک استراتژی مناسب برای صیانت از منافع ملی انجام داده و مذاکرات را تحت اشراف مقام‌های عالی کشور بر این اساس پیش برده است. کمیسیون عقیده دارد خروجی این فرآیند، دارای نقاط قوت و ضعف مهمی است و متضمن فرصت‌ها و تهدیدهایی برای آینده انقلاب و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. کمیسیون تلاش کرده است این موارد را به‌دقت شناسایی کرده، ضمن تثبیت قوت‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو، برای نقاط ضعف و زمینه‌های تهدید آن چاره‌جویی کند و لذا از این منظر کمیسیون خود را در طول و مکمل مجاهدت و تلاش تیم مذاکره‌کننده، مقوّم دستاوردها و مصحح اشکالات متن و نتایج و پیامدهای آن می‌داند و بر خود لازم می‌داند - فارغ از هر نتیجه منبعث از این گزارش- قریب دو سال فعالیت مجدانه تیم مذاکره‌کننده را مورد قدردانی خویش قرار دهد.

۵. کمیسیون در طول فرآیند بررسی خود، بی‌اعتمادی نسبت به آمریکا و اعتماد به مسئولان کشور به‌ویژه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را مهم‌ترین اصل راهنمای خویش قرارداده است. لذا کمیسیون ابتدا در مواردی که متن برجام و قطعنامه و سایر اسناد موجود از صراحت و شفافیت کافی برخوردار است، متن را مبنای گزارش خود قرارداده است و در موارد ابهام یا در مواردی که متن برجام دارای مشکل به نظر می‌رسیده، اظهارات رسمی مقامات کشور را مبنا قرارداده است. جمع‌بندی کلی کمیسیون آن است که مجموعه نقاط ضعف برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، محصول تلاش آمریکا برای تبدیل کردن برجام به ابزاری برای مهار راهبردی ایران و همچنین ایجاد زیرساختی برای نفوذ در کشور به بهانه فضای پسابرجام بوده است؛ بنابراین کمیسیون به همین دلیل، مواضع رسمی مقام‌ها و کارشناسان آمریکایی مرتبط با موضوع را از زمان جمع‌بندی مذاکرات تاکنون- خصوصاً در دو ماه گذشته- به‌طور مستمر و جدی رصد و ارزیابی نموده است، لذا در صورت هرگونه تهدید نسبت به منافع جمهوری اسلامی ایران در قالب برجام، حق مجلس شورای اسلامی را برای اتخاذ تصمیمات مقتضی محفوظ می‌داند.

۶. کمیسیون ویژه برجام معتقد است که یک مأموریت کم‌نظیر تاریخی برعهده دارد؛ چراکه ارزیابی سندی را برعهده گرفته است که یکی از منازعات تاریخی ایران اسلامی در حوزه امنیت ملی «پرونده هسته‌ای» را با اصلی‌ترین دشمن آن یعنی آمریکا تعیین تکلیف می‌کند، به همین دلیل کمیسیون تلاش کرده است علاوه بر فهم دقیق ابعاد مختلف برجام با کوشش برای کاهش تهدیدات آن، روشی مناسب برای پاسخ‌دهی به تاریخ و نسل‌های آینده کشور که قاعدتاً درباره این توافق پرسش‌هایی مهم مطرح خواهند کرد، فراهم آورد.

۷. کمیسیون سعی نمود با دقت در سیاست‌های کلی و خطوط قرمز نظام اسلامی پیرامون

مذاکرات و نتایج اولیه صورت‌گرفته و با مرور الزامات مرتبط قانونی در این خصوص بررسی خویش را انجام دهد و به منظور ارائه گزارشی دقیق از رخداد مدنظر و نتایج آن، متن اسناد موجود را ـ که تنها «برجام» و «قطعنامه ۲۲۳۱» از مجموع اسناد مطرح‌شده پیرامون پرونده هسته‌ای به کمیسیون واصل شد ـ ملاک قرارداده و با بهره‌گیری از خرد جمعی به استنتاج مسائل پرداخت و در مواقف دارای ابهام یا مورد ادعای دشمن، تفسیر تیم مذاکره‌کننده و اسناد ارسالی از سوی ایشان را مبنا قرار دهد. به همین منظور ضمن درخواست اسناد مذاکرات، ۴۰ سؤال درباره ابهامات برای وزارت امورخارجه و ۲۰ سؤال برای سازمان انرژی اتمی ارسال شد. لازم است از ارسال پاسخ به سؤالات خواسته‌شده توسط سازمان انرژی اتمی تشکر نموده و اعلام می‌دارد که تا لحظه تنظیم این گزارش اسناد و پاسخ به سؤالات درخواستی از وزارت امور خارجه ـ علی‌رغم مکاتبات مکرر ـ به کمیسیون واصل نشده است.

۸. کمیسیون با حسن استفاده از فرصت حضور مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آقای یوکیا آمانو در ایران از دولت محترم درخواست کرد زمینه حضور ایشان را در جلسه کمیسیون فراهم آورد که همین‌جا از مساعدت وزارت امور خارجه قدردانی می‌نماید که زمینه‌ساز بیان رودرروی بخش کوچکی از ظلم روا داشته‌شده در حق مردم شریف ایران اسلامی و بیان مطالبات بحق مردم ستمدیده جهان به‌ویژه ایران عزیز توسط موکلان ملت از مدیرکل آژانس شد و نمایندگان مردم توانستند مسؤولیت خطیر این نهاد بین‌المللی را به بالاترین مقام آن یادآور شده، بی‌اعتمادی و اعتراض خود را نسبت به رفتارها و اقدامات آژانس در ۱۲ سال گذشته بیان دارند و با او اتمام‌حجت کنند. در پایان جلسه، علاوه بر بیان خط قرمز مهم کمیسیون درباره مسائل دفاعی و امنیتی و لزوم حفظ عزت بالای ایران اسلامی، پنج خواسته مهم کمیسیون از آژانس به شرح ذیل بیان شد:

۱-۸. برخورد غیرسیاسی، فنی و شفاف آژانس با مسئله هسته‌ای ایران

۲-۸. حفظ اطلاعات هسته‌ای محرمانه ایران

۳-۸. کمک به توسعه فناوری هسته‌ای ایران

۴-۸. تسهیل تحقیق و توسعه دانش هسته‌ای در ایران

۵-۸. لزوم تلاش بیشتر آژانس در جهت خلع سلاح هسته‌ای جهانی و آغاز آن از منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

در نتیجه این جلسه مدیرکل آژانس به کمیسیون اطمینان داد که اولاً پرونده مسائل باقیمانده از گذشته در پرونده هسته‌ای ایران (pmd) را تا پایان سال جاری میلادی مختومه نماید؛ ثانیاً از انتشار هرگونه اطلاعات محرمانه فنی و نیروی انسانی کشور در حوزه هسته‌ای خودداری کند

و ثالثاً پرونده هسته‌ای ایران را تنها بر مبنای فنی بررسی نموده، از دخالت دادن نگاه‌های سیاسی در آن پرهیز نماید.

ب- بررسی جنبه حقوقی برجام

۱. کمیسیون معتقد است . صرف‌نظر از بحث‌های حقوقی مبنی بر اینکه برجام توافقی حقوقی است یا سیاسی .در متن برجام و ضمیمه‌های آن تعهداتی برای طرفین ذکر گردیده به نحوی‌که تعهدات طرف ایرانی روشن و صریح بوده، اقدامات اجرائی آن نیز توسط آژانس بین‌المللی انرژی راستی‌آزمایی می‌گردد اما تعهدات سایر طرف‌ها با توجه به احکام پیچیده مندرج در آن دچار آسیب‌های جدی است. بدیهی است در صورت عدم اجرای تعهدات توسط سایر طرف‌ها، جمهوری اسلامی ایران حق هرگونه تصمیم‌گیری در جهت منافع ملی کشور را برای خود محفوظ می‌دارد. در خصوص قطعنامه ۲۲۳۱ نیز.که ظاهراً تنها پشتوانه حقوقی قابل ذکر برای برجام است .دولت جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت اعلام کرده است به برخی بخش‌های آن ازجمله در موضوعات دفاعی و امنیتی پای‌بند نخواهد ماند و این اعلام در اسناد سازمان ملل نیز ثبت گردیده است. کمیسیون در مجموع، برجام را یک توافق سیاسی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر طرف‌های مذاکره «کشورهای ۱+۵ و اتحادیه اروپا» دانسته و بر این باور است که دولت محترم باید زیرساخت‌های هسته‌ای و دستاوردهای آن را با تمام تمهیدات لازم، مورد مراقبت جدی قرارداده تا در صورت نقض عهد از سوی طرف مقابل، تصمیمات مقتضی مبنی بر منافع ملی اتخاذ نماید.

۲. کمیسیون در مجموع به این جمع‌بندی رسیده است که نظر دولت محترم درباره غیر قابل اصلاح و تفسیر بودن متن برجام و ضرورت پذیرش یا رد آن در قالب فرمول همه یا هیچ، برای مجلس لازم‌الاتباع نیست و روش‌هایی برای مشروط‌سازی و ارائه تفسیر مختار از آن وجود دارد.

۳. کمیسیون برجام، صدور قطعنامه ۲۲۳۱ را قبل از تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و یا حداقل رفع موانع قانونی آن در خصوص قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی به‌عنوان یک نقطه ضعف جدی در مسیر مذاکرات هسته‌ای ۲ سال گذشته ارزیابی کرده است. دولت اعلام کرده است که به برخی از بخش‌های کلیدی این قطعنامه که متزلزل کننده حوزه‌های دفاعی و امنیتی است، پای‌بند نخواهد بود که کمیسیون از آن حمایت می‌کند. البته این امر چیزی از بار حقوقی الزامات این قطعنامه برای کشور کم نمی‌کند. گرچه دولت اعلام کرده است که مطابق توافق انجام‌شده با ۱+۵ نقض قطعنامه شورای امنیت به معنای نقض توافق هسته‌ای نخواهد بود، کمیسیون اطمینان نیافت که نقض قطعنامه تبعات جدی دیگری .به

جز آسیب زدن به برجام ـ برای کشور نخواهد داشت.

۴. کمیسیون این موضوع را که برجام به مدت ۱۵ سال ـ و در برخی موارد بدون هرگونه سقف زمانی ـ جایگزین NPT برای ایران شده و عملاً ایران را از این معاهده استثناء کرده است، به‌عنوان یک نقطه ضعف جدی برای این توافق در نظر می‌گیرد. این سند در بازه زمانی بسیار طولانی برخی از مهم‌ترین حقوق ملت ایران را محدود کرده و تکالیفی بیش از دیگر اعضای معاهده عدم اشاعه برای آن در نظر می‌گیرد. از نظر کمیسیون ـ چنانکه در پیشنهادات این گزارش به صحن مجلس نیز ذکر خواهد شد ـ هیچ چیز در این توافق نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که محروم‌کننده ایران از حقوقش طبق معاهده NPT باشد. همچنین تکالیف اضافی معین‌شده در این توافق برای ایران صرفاً تا زمانی معتبر خواهد بود که ایران ضمانت‌هایی کافی در اختیار داشته باشد که این تکالیف منجر به سوءاستفاده کشورهای اروپایی و آمریکا نشده است.

۵. کمیسیون درج یک برنامه غنی‌سازی محدود صنعتی با استفاده از ۵۰۶۰ سانتریفیوژ نسل یک تا سطح ۳/۶۷ درصد در متن برجام را به معنای تأکید بر حق قانونی خدشه‌ناپذیر ایران برای غنی‌سازی هسته‌ای می‌داند اما در مجموعه بررسی‌ها بیان می‌دارد که صحیح این بود که فراتر از بیان این حق صرفاً از منظر ایران در دیباچه برجام مبنی بر این‌که «ایران یک برنامه هسته‌ای بومی و منحصراً صلح‌آمیز ازجمله فعالیت‌های غنی‌سازی برای حصول به یک برنامه تجاری همسو با هنجارهای عدم اشاعه بین‌المللی را با تکاملی تدریجی و سرعتی معقول دنبال نماید» پیگیری می‌شد تا عبارتی صریح‌تر در برجام برای به رسمیت شناخته‌شدن حق غنی‌سازی صنعتی ایران از بیان طرف‌های مذاکره‌کننده هم درج شود.

۶. درحالی‌که قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۴ اجرای همه اقدامات داوطلبانه ازجمله پروتکل الحاقی توسط دولت را ممنوع می‌کند و بند دوم قانون «الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران» مصوب تیرماه ۱۳۹۴ نیز منحصراً نظارت‌های ذیل پادمان (NPT) را مجاز دانسته و هرگونه نظارتی فراتر از آن را ممنوع دانسته است، دولت در برجام متعهد شده است که پروتکل را از روز اجرای توافق به نحو داوطلبانه اجراء نماید. کمیسیون این تعهد را که فراتر از اختیارات دولت و تیم مذاکره‌کننده دانسته، گام نهادن در خارج از حدود مجاز قانونی و به‌عنوان یک جنبه منفی در توافق در نظر گرفته و اعلام می‌دارد تا زمان عدم صدور مجوز جدیدی از سوی مجلس یا لغو قوانین فوق‌الذکر امکان اجرای این بخش از برجام منتفی است.

۷. کمیسیون پس از بررسی دقیق نظرات منتقدان و پاسخ‌های تیم مذاکره‌کننده به این

نتیجـه رسـیده اسـت کـه مکانیسـم‌های داوری منـدرج در قطعنامـه ۲۲۳۱ و بندهـای ۳۶ و ۳۷ برجـام به‌طـور کامـلاً واضـح و عامدانـه بـر ضـد ایـران تنظیـم شـده و ایـن مکانیسـم‌ها عمـلاً بـرای ایـران غیرقابـل مراجعـه اسـت. جمع‌بنـدی کمیسـیون ایـن اسـت کـه ایـران در هیـچ مراجعـه‌ای بـه ایـن مکانیسـم‌ها برنـده نخواهـد بـود و بنابرایـن عمـلاً نمی‌توانـد بـه هیـچ نقـض کلـی یـا جزئـی از سـوی ۱+۵ بـه نحـوی واکنـش نشـان بدهـد کـه منجـر بـه بـر هـم خـوردن توافـق نشـود.

۸. کمیسـیون پـس از اسـتماع نظـرات مختلـف دربـاره جایـگاه قطعنامـه ۲۲۳۱ طبـق منشـور ملـل متحـد، در مجمـوع ارزیابـی کـرده اسـت کـه قـرار گرفتـن کل ایـن قطعنامـه ذیـل مـاده ۲۵ منشـور ملـل متحـد و لحـن ملایم‌تـر آن نسـبت بـه قطعنامه‌هـای پیشـین شـامل قطعنامـه ۱۹۲۹، یـک امـر مثبـت تلقـی می‌شـود. ولـی از آنجـا کـه محدودیت‌هـای اصلـی قطعنامـه ۲۲۳۱ عینـاً مثـل قطعنامـه ۱۹۲۹ ذیـل مـاده ۴۱ منشـور ملـل متحـد اعمـال شـده و بـا یـادآوری اینکـه نـه در قطعنامـه ۲۲۳۱ و نـه در قطعنامـه ۱۹۲۹ و یـا هیچ‌یـک از قطعنامه‌هـای پیشـین عبـارات «نقـض صلـح و امنیـت بین‌الملـل» و یـا «تهدیـد صلـح و امنیـت بین‌الملـل» بـرای ایـران بـه کار بـرده نشـده، لـذا از ایـن حیـث هیچـگاه ایـران ذیـل فصـل ۷ نبـوده اسـت.

۹. بررسـی‌های کمیسـیون مشـخص نمـود کـه بیـان لغـو شـش قطعنامـه قبلـی شـورای امنیـت در بنـد ۷ و ۸ قطعنامـه ۲۲۳۱ از نقـاط خـوب نتایـج مذاکـرات و ایـن قطعنامـه اسـت؛ بـا توجـه بـه بنـد ۱۲ ایـن قطعنامـه و امـکان بازگشت‌پذیـری همـه قطعنامه‌هـای قبلـی بـا هـر بهانـه‌ای، کمیسـیون آن لغـو را نـه لغـو کامـل کـه «لغـو مشـروط» یـا «تعلیـق قطعنامه‌هـای گذشـته» اسـتنباط می‌کنـد. عـلاوه بـر ایـن، توافـق برجـام هیچ‌گونـه ضمانـت اجرائـی حقوقـی و قانونـی بـه جـز قطعنامـه غیرالـزام‌آور ۲۲۳۱ شـورای امنیـت نـدارد و هـر یـک از اطـراف توافـق در هـر زمـان کـه اراده کنـد می‌توانـد اجـرای آن را متوقـف سـاخته و تحریم‌هـا علیـه ایـران را بازگردانـد. لـذا بـا توجـه بـه اقدامـات اساسـی ایـران در تغییـر و تحدیـد صنعـت و برنامـه هسـته‌ای، ایـن معادلـه از نظـر بازگشت‌پذیـری و حقوقـی بـرای ایـران مخاطره‌آمیـز ارزیابـی می‌شـود.

۱۰. کمیسـیون دریافتـه اسـت کـه عـلاوه بـر ضعـف در تعهـدات طـرف مقابـل، خـارج از اراده آمریـکا و سـایر طرف‌هـا هیـچ مرجعـی در برجـام بـرای راسـتی‌آزمایی انجـام تعهـدات طرف‌هـای مذاکـره در نظـر گرفتـه نشـده اسـت ولـی بـرای انجـام انـواع تعهـدات ایـران آژانـس بین‌المللـی انـرژی اتمـی کـه پیشـینه بسـیار نامطلوبـی در امانت‌داری و انجـام وظیفـه فنـی و قانونـی خـود داشـته به‌عنـوان مرجـع راسـتی‌آزمایی تعییـن شـده اسـت و همیـن مقـدار از تعهـدات کشـورهای آمریـکا و اروپـا در تعلیـق و لغـو تحریم‌هـای ظالمانـه ایشـان و یـا انجـام دیگـر وظایفشـان منـوط بـه گـزارش آژانـس بین‌المللـی انـرژی اتمـی شـده اسـت.

۱۱. گرچـه برجـام به‌عنـوان بخشـی از قطعنامـه آورده شـده اسـت، در ذیـل بخـش تحریم‌هـا در برجـام ذکـر شـده اسـت کـه «مفـاد قطعنامـه بـه منزلـه ایـن برجـام نیسـت» و لـذا مقصـود از صـدور قطعنامـه لغـو قطعنامه‌هـای قبلـی بـوده اسـت و بـرای جلوگیـری از تکـرار برجـام را ضمیمـه کـرده اسـت و بـا عبـارت صریحـی کـه در ذیـل تحریم‌هـا در برجـام آمـده اسـت حیثیـت حقوقـی برجـام را از قطعنامـه جـدا کـرده اسـت، لـذا اسـتدلال تیـم مذاکره‌کننـده دربـاره ابهامـات موجـود پیرامـون نسـبت برجـام و قطعنامـه ۲۲۳۱ و تأثیـر نقـض مجـزای هـر یـک بـر دیگـری، مبنـی بـر اینکـه لغـو برجام به‌عنوان ضمیمه الف قطعنامه ۲۲۳۱، معادل نقض قطعنامه است ولی نقض قطعنامه و مشخصاً ضمیمـه B آن نقض برجـام نخواهـد بـود فـارغ از تبعـات منفی نقـض قطعنامـه، بـرای کمیسیون مورد قبـول و مسموع بود و دولت محترم باید در مناسبات اجرائی برجام بـه این نکته توجـه داشـته باشـد.

۱۲. کمیسـیون معتقـد اسـت زمـان پایـان برجـام علی‌القاعـده می‌بایسـت در روز پایـان قطعنامـه یعنـی ده سـال بعـد از روز اجـرا در نظـر گرفتـه می‌شـد.

۱۳. کمیسـیون اعتقـاد دارد عـدم تعریـف شـفاف از «عـدم پایبنـدی اساسـی» در بنـد ۳۶ سـاز و کار حـل و فصـل اختلافـات زمینـه تفسـیرهای نادرسـت، بهانه‌جویـی و خسـارات جبران‌ناپذیـری را بـرای کشـور فراهـم می‌سـازد.

ج- بررسی جنبه علمی، فنی و تحقیقاتی برجام

۱. اسـتماع مجموعـه نظـرات و مطالعـه مجموعـه اسـنادی کـه در اختیـار کمیسـیون قرارگرفتـه، کمیسـیون را بـه ایـن نتیجـه رسـانده اسـت کـه برجـام برنامـه هسـته‌ای ایـران را بـدون دورنمـای روشـن در آینـده، در یـک تعلیـق حداقـل ده‌ساله و از یـک منظـر بلندمـدت فـرو می‌بـرد. از آنجـا کـه کمیسـیون سـند «برنامـه بلندمـدت غنی‌سـازی» میـان ایـران و ۵+۱ .مـورد اشـاره در برجـام .را بـه علـت در دسـت تدویـن قـرار داشـتن و آمـاده نبـودن مشـاهده نکـرده، متـن برجـام نیـز از ایـن حیـث کامـلاً مبهـم اسـت و در بنـد ۶۳ پیوسـت یـک برجـام تأکیـد بـر سـاخت ۲۰۰ سـانتریفیوژ از نـوع IR6 و ۲۰۰ سـانتریفیوژ از نـوع IR8 از پایـان سـال دهـم شـده و بـدون ذکـر زمـان، تأکیـد بـر تکـرار همیـن میـزان سـاخت به‌طـور سـالانه دارد، کمیسـیون نتوانسـت اطمینـان لازم را دراین‌بـاره بـه دسـت بیـاورد کـه همـه محدودیت‌هـا بـر برنامـه هسـته‌ای به‌ویـژه برنامـه غنی‌سـازی ایـران پـس از یـک مـدت معیـن برچیـده خواهـد شـد. همچنیـن بـا توجـه بـه محدودیت‌هـای شـدید اعمـال شـده در تحقیـق و توسـعه تـا پایـان سـال دهـم، امـکان اینکـه بتـوان در مدتـی محـدود از ۶۰۰۰ سـو غنی‌سـازی بـه ۱۹۰,۰۰۰ سـو دسـت یافـت دور از دسـترس می‌نمایانـد. بـا ایـن حـال کمیسـیون بیانـات تیـم محتـرم

مذاکره‌کننده هسته‌ای کشور در کمیسیون را مبنا قرار می‌دهد که از سال سیزدهم محدودیت‌ها در میزان تولید و از سال پانزدهم محدودیت‌ها در غنای بالاتر از ۳/۶۷ به هر میزان مورد نیاز استفاده صلح‌آمیز کشور برداشته‌شده و ایران می‌تواند با سرعت مناسب و برابر نیاز در ابعاد گوناگون صلح‌آمیز به هر میزان و در هر سطحی غنی‌سازی نماید به‌طوری‌که بنابر گزارش رسمی سازمان انرژی اتمی ایران خواهد توانست در پایان سال پانزدهم به توان غنی‌سازی حداقل ۱۹۰،۰۰۰ سو دست یابد.

۲. کمیسیون پس از مطالعه دقیق متن و استماع نظرات متعدد، متقاعد شده است که محدودسازی برنامه غنی‌سازی ایران در برجام مبتنی بر یک مفهوم مشکوک مورد ادعای آمریکا تحت عنوان افزایش
زمان گریز هسته‌ای ایران بوده است. کمیسیون این‌گونه جمع‌بندی کرده است که این مفهوم به هیچ‌وجه مبنای مناسبی برای بنا نهادن یک توافق بلندمدت نبوده و منشأ برخی از موارد نگران‌کننده مندرج در متن نیز همین مبنا بوده است.

۳. با بررسی پیوست سوم برجام در ارتباط با همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، کمیسیون ارزیابی می‌کند که همکاری‌های مورد تأکید شامل سه بخش هست: بخش اول همکاری در زمینه برخی امور خدماتی است که در ایران این فعالیت‌ها به نحو احسن انجام می‌شود لذا ضمن استقبال از این‌گونه فعالیت‌ها، دراین‌باره تأکید می‌شود این بخش در داخل کشور نیز دست یافتنی است. بخش دوم همکاری‌هایی از قبیل کمک به تغییر ماهیت فردو به «مرکز تحقیقات هسته‌ای فیزیک و فناوری» بر پایه شتاب‌دهنده و تولید ایزوتوپ پایدار است که برابر استدلال ذکرشده در این گزارش در مبهم بودن و غیرمنطقی بودن آن و اظهارنظر صریح سازمان انرژی اتمی در مکاتبه با کمیسیون برجام در عدم تصمیم به انجام آن این قسمت نیز پیشنهاد و امتیاز ویژه‌ای نبوده و دلایلی بر منفی بودن آن نیز از منظر علمی و محاسبات دقیق موجود است. در بخش سوم همکاری‌های خوبی ذکر شده است که انجام آن‌ها حتماً مطلوب و برای ایران حاوی دستاوردهای فنی، دانشی و خدماتی خواهد بود ولی با قید مقتضی بودن و لحاظ کردن قوانین ملی کشورهای طرف مذاکره و متناسب بودن در همه موارد و بدون تعیین تکلیف کردن آن‌ها این همکاری‌های متقابل را در هاله‌ای از ابهام قرارداده و راه عدم انجام آن را برای کشورهای طرف ایران در برجام باز گذاشته است.

۴. کمیسیون این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که در برجام در مجموع و تقریباً در همه موارد مرتبط با بخش فنی برنامه هسته‌ای ایران ـ به جز غنی‌سازی در ۵۰۶۰ دستگاه ماشین نسل اول ـ آنچه عملاً رخ خواهد داد نوعی کاهش ظرفیت موجود، ایجاد محدودیت مشخص در همه

ابعاد ازجمله تحقیق و توسعه و کند شدن رشد در مسیر تحقق برنامه صنعتی غنی‌سازی ایران و بالطبع منجر به از بین رفتن زنجیره تأمین و سازندگان قطعات در کشور حداقل برای ده سال خواهد بود.

۵. درباره رأکتور آب سنگین اراک جمع‌بندی کمیسیون این است که اگرچه رأکتور بازطراحی شده بنابه تعریف یک رأکتور آب سنگین خواهد بود ولی مزایای رأکتورهای آب سنگین در استفاده از اورانیم طبیعی ـ به‌عنوان سوخت طبیعی خام ـ را از دست خواهد داد؛ درعین‌حال کمیسیون به علت ملاحظات سیاسی و ایستادگی در برابر ادعاهای بی اساس مقامات آمریکایی حفظ ویژگی آب سنگین بودن این رأکتور را علی‌رغم تحمیل هزینه بیشتر دستاورد خوب برجام برمی‌شمرد، علاوه بر اینکه با مدرن‌سازی و بالا رفتن شار نوترونی، افزایش توان رأکتور برای تولید رادیوداروها و ارائه خدمات بیشتر به مردم از دستاوردهای آن تلقی می‌شود. آنچه اکنون قابل بیان است اینکه طرح فعلی رأکتور اراک با اجرای برجام به بهانه ادعایی موهوم از سوی آمریکا به‌عنوان جلوگیری از استفاده نادرست و دستیابی به پلوتونیم برچیده شده و آینده قابل پیش‌بینی برای احیاء نیز ندارد. همچنین کمیسیون تعهد درازمدت برای عدم ذخیره‌سازی آب سنگین در ایران ـ که بناست از کشور صادر شود ـ را نقطه منفی تلقی می‌کند و توجیه صادرات و فروش آب سنگین را به‌دلیل استراتژیک بودن این کالا برای کشور بلاوجه می‌داند. همچنین کمیسیون تعهد به اینکه ایران در آینده نیز اقدام به ساخت رأکتور آب سنگین نخواهد کرد، ضعفی جدی و محدودیتی غیرقابل قبول می‌داند.

۶. درباره فردو کمیسیون حفظ این تأسیسات را در حالی‌که دو آبشار آن در حال گردش و چهار آبشار در حال انتظار است، نکته‌ای مثبت ارزیابی کرده و عقیده دارد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در این مورد تلاش شایسته‌ای به عمل آورده است. درعین‌حال، کمیسیون اعتقاد دارد که تخریب بنیان‌ها و زیرساخت یک سالن فردو با به کارگیری برخی از ماشین‌های آن جهت تولید ایزوتوپ‌های پایدار در صورت نقض عهد آمریکا و هم‌پیمانانش و تصمیم کشور برای غنی‌سازی فوری اورانیوم آن را غیرقابل استفاده خواهد کرد. همچنین از آنجا که تغییر ماهیت تأسیسات فردو ـ که یک مرکز غنی‌سازی غیرقابل تهدید از سوی دشمنان و ضمانت عدم تعرض به نطنز بوده ـ صرفاً به یک مرکز تحقیقاتی نادرست بوده و با توجه به هزینه فرصت ایجاد شده آن کمیسیون قانع نشده است که دقیقاً براساس کدام استدلال منطقی این کار انجام خواهد شد. البته در نامه رسمی سازمان انرژی اتمی به کمیسیون بر این امر تأکید شده است که هنوز تصمیم قطعی برای تأسیس مرکز پیشرفته فیزیک اتمی در فردو گرفته نشده است.

۷. درباره مسئله استراتژیک ذخایر اورانیم غنی‌شده ایران، کمیسیون تعیین تکلیف انجام‌گرفته

در برجام را نقطه ضعفی جدی می‌داند. ایران در طول اجرای توافق صرفاً اجازه خواهد داشت از قریب به ۱۰ تن ذخایر موجودش حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم اورانیم غنی‌شده را به شکل UF6 حفظ کند. بنابر اظهارات متعدد کارشناسان فنی که به کمیسیون واصل شده است، این امر می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را از شتاب لازم بیندازد و ایران اسلامی را با بهانه‌جویی‌های آمریکا و هم‌پیمانانش از مهم‌ترین سرمایه‌اش در توسعه این صنعت محروم نماید.

۸. کمیسیون پس از بررسی‌های فراوان و استماع نظرات مختلف به این جمع‌بندی رسید که براساس متن برجام، برنامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران ادامه خواهد یافت که امر مثبتی است اما از حیث نوع ماشین‌ها، گستره بکارگیری آن‌ها و زمان‌بندی موضوع، دارای سرعتی کمتر از سرعت منطقی است. گرچه نمایندگان دولت در توضیحات خود در کمیسیون ضمن پذیرش تلویحی این موضوع، تأکید کردند که این موضوع بخشی از ضرورت مصالحه با طرف‌های مذاکره برای حصول توافق بوده است اما کمیسیون معتقد است بهبود وضعیت برنامه تحقیق و توسعه در برجام بیش از این هم ممکن بوده است.

۹. در مجموع جمع‌بندی کمیسیون این است که تغییرات فنی ایجادشده در برنامه غنی‌سازی صنعتی و برنامه تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران، بازگشت‌پذیری برنامه هسته‌ای کشور را در صورت نقض جزئی یا کلی توافق از سوی ایران با آسیب مواجه کرده است. گرچه کمیسیون نتوانست معیارهای مستقلی بیابد که تخمین سازمان انرژی اتمی درباره زمان بازگشت‌پذیری تعهدات ایران را تأیید کند، اینگونه جمع‌بندی کرد که اظهارات مقام‌های سازمان انرژی اتمی در جلسات رسمی و بنا بر پاسخ کتبی به سؤالات کمیسیون از سوی آن سازمان مبنی بر بازگشت‌پذیری مراکز غنی‌سازی شهید احمدی روشن (نطنز) و شهید علی‌محمدی (فردو) در یک سال و رآکتور آب سنگین اراک در سه سال را باید مبنا قرارداد مضافاً بر اینکه همگی اذعان داشتند که بازگشت به سقف بیش از ۹۰۰۰ کیلوگرم اورانیم غنی‌شده موجود که حدود ۸ سال زمان برده است با بالابردن ظرفیت غنی‌سازی در زمان کمتری نسبت به گذشته حاصل خواهد شد.

۱۰. کمیسیون به این جمع‌بندی رسیده است که برابر محدودیت مرتبط با موارد «اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌ها» با کاربرد دوگانه .بند ۲۲ قطعنامه که محدودیت‌های تفصیلی آن در بخش ۶ ضمیمه ۴ برجام آمده است .ایران برای خرید، انتقال، استفاده، دریافت کمک فنی یا آموزش، جذب سرمایه و دریافت خدمات مرتبط با موارد با کاربرد دوگانه که استفاده گسترده‌ای در صنایع مختلف کشور دارند، ملزم به اخذ مجوز با اجماع کلیه اعضاء از کارگروه خرید، کمیسیون مشترک و شورای امنیت سازمان ملل و پذیرش محدودیت‌های مربوطه

خواهد بود. لیست این اقلام دوگانه نیز از طرف شورای امنیت قابل به‌روزرسانی و افزودن موارد جدید به آن است و هر کشور طرف معامله با ایران نیز می‌تواند اقلام جدیدی را به لیست اقلام ممنوعه (با کاربرد دوگانه) خودش اضافه کند. برابر گزارش کتبی استادان با تجربه علمی و عملی بالا در دانشگاه‌ها ـ در تخصص‌های مختلف ازجمله برق، مکانیک، کامپیوتر، نرم افزار و هوافضا ـ به کمیسیون و با توجه به وسعت دامنه اقلام و تجهیزات ذکرشده در لیست موارد با کاربرد دوگانه، کمیسیون معتقد است مشکلات متعددی ازجمله تحدید و ایجاد مشکل برای صنایع مختلف، تحقیق و توسعه (به خصوص صنایع در مرز دانش) و ممانعت از پیشرفت ایران در علوم مختلف و افشای اطلاعات مربوط به زنجیره تأمین و نیازها و توانایی‌ها و فعالیت‌های کشور در حوزه‌های متعددی پیش خواهد آمد. ضمن اینکه بروکراسی مربوط به ارائه و بررسی و تأیید این حجم انبوه از اطلاعات، اجازه بازرسی آژانس از همه مکان‌ها در کشور ـ مطابق بند ۶،۷ ضمیمه ۴ برجام ـ (درباره اقلام با کاربرد دوگانه مندرج در INFCIRC /254)، اعطای مجوز راستی‌آزمایی استفاده نهایی به کشور فروشنده کالا، تجهیزات، مواد یا فناوری با کاربرد دوگانه به ایران (مندرج در INFCIRC /254) و نیز کارشناسان کمیسیون مشترک و امکان باز شدن پای جاسوسان به مراکز غیرهسته‌ای ایران- بند ۶،۸ ضمیمه ۴ برجام ـ مخاطره‌آمیز ارزیابی می‌شوند.

۱۱. کمیسیون معتقد است پذیرش برخی تعهدات بلندمدت که پایانی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است از قبیل ارسال سوخت مصرف‌شده تمام نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق حال و آینده به خارج از کشور، منع فعالیت‌های مربوط به بازفرآوری، تحقیق و توسعه بازفرآوری، توسعه رآکتورهای آتی بر پایه آب سبک، افزایش کارآمدی نظارت بر اساس فناوری‌های پیشرفته، حضور گسترده بازرسان آژانس ازجمله نکات منفی برجام است که کشور را از حقوق آینده خود محروم ساخته است.

د- بررسی جنبه‌های دفاعی ـ امنیتی برجام

۱. جمیع بررسی‌های انجام پذیرفته در کمیسیون شامل بیانات تیم مذاکره‌کننده فعلی و قبلی و اظهارات مسئولان بلندپایه نظامی و امنیتی کشور همگی حکایت از این موضوع دارد که تدابیر رهبری معظم انقلاب اسلامی، ایستادگی و مقاومت مردم، توانمندی‌های دفاعی بالای کشور و عمق استراتژیک منطقه‌ای و جهانی ایران اسلامی سبب پریشان خاطری آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و جهانی آن شده و اساساً با تکیه به عنایات الهی و تقویت توانمندی‌های مذکور تهدید ایران به تجاوز و مواجهه نظامی با آن امری بی‌اساس و بلوفی آشکار هست.

۲. بر اساس استماع مجموعه نظرات و مشورت با مقام‌های مسئول و صاحب صلاحیت در امور نظامی و امنیتی، کمیسیون به این جمع‌بندی رسیده است که برجام دارای خلأها و ضعف‌های اساسی در حوزه نظامی و امنیتی است که در صورت عدم تجدیدنظر درباره بازرسی از مراکز نظامی، دفاعی و امنیتی و عدم دقت نظر در حین اجرا، مشکلاتی را پیش‌روی کشور قرار خواهد داد.

۳. این موضوع برای کمیسیون محرز شده است که با استناد به متن برجام دسترسی به تأسیسات نظامی ایران ممکن شده است. طبق متن منتشرشده، ایران موظف است به هر تأسیساتی . ازجمله تأسیسات نظامی و امنیتی . حداکثر ظرف مدت ۲۴ روز دسترسی مورد درخواست را تأمین نماید. اگر دسترسی‌هایی که ایران بر اساس سند INFCIRC /254 موظف به ارائه آن به آژانس و کشورهای دیگر شده نیز در نظر گرفته شود، این جمع‌بندی به‌طور قطعی وجود خواهد داشت که رژیم دسترسی و بازرسی توافق‌شده در برجام، یک رژیم کاملاً ویژه و بسیار فراتر از پروتکل الحاقی است. کمیسیون اطمینان یافته است اجرای این رژیم بازرسی در ایران . در صورت تحقق . می‌تواند به جمع‌آوری بی‌سابقه اطلاعات از ایران منجر شده و زیرساخت‌ها، اطلاعات و سرمایه‌های انسانی، علمی، نظامی و امنیتی ایران را به نحو نگران‌کننده‌ای در معرض مخاطره قرار دهد. لذا کمیسیون بر منع صریح فرماندهی کل قوا مبنی بر ممنوعیت هرگونه راه دادن بیگانگان به حریم و حصار امنیتی و دفاعی و نظامی کشور به هر بهانه‌ای تأکید می‌نماید.

۴. ارزیابی کمیسیون آن است که قطعنامه ۲۲۳۱ . در صورت اجرا . اختیارات فراوانی برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نظر گرفته و از ایران خواسته است به ابهام از سوی آژانس بی‌قید و شرط پاسخ داده و همه مطالبات آن را برآورده سازد. این امر حتی از اختیارات مندرج در برجام نیز فراتر رفته است. استنباط کمیسیون آن است که این قطعنامه می‌تواند مبنای درخواست‌های زیاده‌خواهانه‌ای از سوی آژانس برای امروز و آینده کشور قرار گیرد.

۵. برابر بند ۳ قطعنامه ۲۲۳۱ ممنوعیت موشک‌های بالستیک با طراحی قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای مدنظر قرارگرفته است. کمیسیون اقدام تیم مذاکره‌کننده در گنجاندن عبارت «طراحی‌شده برای حمل کلاهک هسته‌ای» در این بند از قطعنامه را مثبت ارزیابی کرده است و از آنجا که ایران نیز چنین طراحی را انجام نداده و نخواهد داد برنامه موشکی ایران در آینده بدون هیچ محدودیتی براساس نیاز کشور تداوم خواهد یافت. دریافت کمیسیون از حفظ بخشی از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد مرتبط با مسئله هسته‌ای در قطعنامه ۲۲۳۱، آن است که تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی علیه ایران ولو با شدت و محدودیت

زمانی کمتر نسبت به قطعنامه‌های گذشته -که هیچ یک از آن‌ها مورد قبول ایران نبوده‌اند- همچنان باقیمانده است. درعین‌حال کمیسیون تفسیر و خواست دولت در بیانیه وزارت امور خارجه پس از قطعنامه ۲۲۳۱ مبنی بر لزوم ادامه فعالیت‌های موشکی و تسلیحاتی بر اساس نیاز دفاعی و خواست جمهوری اسلامی ایران بدون هیچ‌گونه محدودیتی را ستایش و بر آن تأکید می‌نماید.

۶. کمیسیون معتقد است ایجاد محدودیت ۵ ساله برای واردات و صادرات سلاح ایران و مسؤولیت بزرگ ما در قبال جبهه مقاومت و ایستادگی در برابر تروریسم دولتی و شبکه‌های سامان‌یافته از سوی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای او سبب خواهد شد که در صورت قبول لوازم این محدودیت، شاهد رشد تروریسم در غرب آسیا و شمال آفریقا و تضعیف جبهه مقاومت در این منطقه باشیم؛ لذا کمیسیون بر عدم اجرای این بند از قطعنامه براساس بیانیه وزارت امور خارجه تأکید می‌نماید.

۵- بررسی مسئله اقتصادی به‌ویژه تحریم‌ها در برجام

۱. کمیسیون معتقد است تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپایی و آمریکا سبب بروز مشکلاتی برای کشور. ازجمله تشدید کاهش ارزش پولی، دشواری در فروش نفت خام، افزایش ریسک سیستماتیک در اقتصاد، افزایش هزینه‌های مبادله، بلوکه شدن بخش‌هایی از دارایی‌های کشور در خارج، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز. شده است و رفع آن‌ها می‌تواند در صورت اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی، به سرعت پیشرفت اقتصادی کشور بیافزاید و به همین جهت کمیسیون در بررسی متن برجام بر وضعیت رفع تحریم‌ها تمرکز ویژه نمود و با توجه به اینکه «لغو تحریم‌ها» در توافق هسته‌ای هدف اصلی مذاکرات و مهم‌ترین مأموریت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بوده است، کمیسیون از همان روز نخست آغاز به کار، این موضوع را با حساسیت مورد تدقیق قرارداد.

۲. به‌رغم مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، کمیسیون معتقد است تحریم‌های خارجی. در صورت تدبیر داخلی و التزام به الگوی اقتصاد مقاومتی. هرگز منجر به فلج نمودن اقتصاد کشور نخواهد شد و امکان تداوم پیشرفت کشور با فرض پیگیری اقتصاد مقاومتی وجود خواهد داشت. همچنین بخش عمده اثرات اقتصادی نامطلوب بروزیافته در سال‌های تحریم ناشی از بی‌تدبیری داخلی بوده است و عملکرد برخی بخش‌های کشور طی سال‌های اوج تحریم‌ها (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲) نشان می‌دهد در صورت تأکید بر اقتصاد مقاومتی و تدبیر امور در عرصه مبادلات بین‌المللی، با وجود شدت تحریم‌ها امکان عرضه نفت خام، استحصال وجوه

حاصل از فروش آن و سایر مبادلات کالایی و مالی در سطح بین‌الملل .به‌خصوص در ارتباط با کشورهای دوست ازجمله همسایگان و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد .وجود دارد؛ ضمن اینکه با ارتقاء مقاومت اقتصادی کشور .از طریق اصلاح ساختار و فرهنگ اقتصادی و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی .دشمنان ملت از تداوم تأثیر تحریم‌های اقتصادی مأیوس شده و در راستای کاهش هزینه‌های اقتصادی خود .که در شرایط تداوم تحریم‌ها مجبور به تحمل آن شده‌اند .رفته رفته تحریم‌ها را پایان خواهند داد.

۳. کمیسیون با تأکید مجدد بر لزوم رفع تحریم‌های ظالمانه در هر توافق هسته‌ای معتقد است علی‌رغم بزرگ‌نمایی‌های صورت‌گرفته در خارج و داخل کشور، تحریم‌های مذکور قدرت فلج کردن اقتصاد ایران را نداشته و نخواهند داشت. به‌عنوان مثال با لحاظ مسئله فروش نفت به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی ناشی از فروش نفت خام، آمارهای رسمی نهادهای خارجی و بین‌المللی ازجمله اداره اطلاعات انرژی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد به رغم تحریم‌های نفتی آمریکا در اکتبر سال ۲۰۱۱ میلادی و تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۲ میلادی، فروش نفت خام ایران با میانگین ۱،۱ تا ۱،۲ میلیون بشکه در روز تداوم یافته و با وجود تأکید تحریم‌های نفتی آمریکا بر کاهش تدریجی خرید کشورها از ایران، این میانگین تا زمان توافق ژنو در ژانویه ۲۰۱۴ میلادی - یعنی حدود ۱،۵ سال - کاهش نداشته است. این بدان معناست که دشمنان ملت بر خلاف ادعاهایشان توانایی حذف نفت خام ایران از بازارهای جهانی را نداشته‌اند؛ اما آمارهای رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز نشان می‌دهد حتی فراتر از آمارهای بین‌المللی، میزان فروش نفت خام ایران در سال ۱۳۹۲ به‌طور متوسط ۱،۶ میلیون بشکه در روز و در سال ۱۳۹۱ و در اوج تحریم‌های نفتی ۱،۸ میلیون بشکه .با احتساب فروش‌های رسمی و غیررسمی و دور زدن تحریم‌ها .در روز بوده است لذا در سالیان اخیر رئیس‌جمهور آمریکا و وزیر خارجه این کشور مکرر اعلام نموده‌اند که تحریم‌ها کارایی خود را از دست داده‌اند و امکان فشارهای مد نظر از طریق اعمال آن منتفی است.

۴. با بررسی‌های صورت گرفته در کمیسیون معلوم شد که تحریم سوئیفت در خصوص نهادهای خارج‌شده از لیست انسداد دارایی‌ها مرتفع شده و این محدودیت از نهادهای اصلی کشور مثل بانک مرکزی، بانک ملت، بانک تجارت و برخی دیگر بانک‌ها در روز اجرا رفع خواهد شد که موضوع بسیار مثبت ارزیابی می‌شود؛ لکن زیرساخت قانونی تحریم سوئیفت تا روز انتقال .هشت سال پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ - باقی خواهد ماند و در تاریخ مذکور نیز صرفاً تعلیق .و نه لغو .خواهد شد. این بدان معناست که اضافه نمودن هر شخص حقیقی یا حقوقی به لیست انسداد دارایی‌ها باعث می‌شود که به‌صورت خودکار مشمول تحریم

سوئیفت نیز قرار گیرد. همچنین بخشی از نهادهای اسم برده شده در لیست انسداد دارایی ازجمله بانک‌های سپه، صادرات، انصار و مهر تا هشت سال دیگر همچنان در تحریم سوئیفت باقی خواهند ماند.

۵. کمیسیون دریافت کرده است که در ارتباط با تحریم‌های نفتی، بخش عمده موانع مربوط به صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی رفع شده است که این موضوع اقدامی بسیار مثبت ارزیابی می‌شود؛ لکن در خصوص تراکنش‌های مالی مربوط به انتقال وجوه حاصل از فروش نفت، به لغو یا تعلیق یا توقف بند D4 از ماده ۱۲۴۵ از قانون NDAA و نیز بخش D از ماده ۱۲۴۷ قانون IFCA اشاره‌ای نشده است. بر این اساس مؤسسات مالی خارجی به شرطی از شمول تحریم‌های مالی ثانویه آمریکا خارج می‌شوند که میزان خرید نفت خام از ایران به‌صورت پیوسته در حال کاهش باشد و این به معنای مانع‌تراشی برای انتقال وجوه حاصل از فروش نفت خام ایران خواهد بود. اگرچه استناد می‌شود که با توقف بند D1 از ماده ۱۲۴۵ قانون NDAA بندهای مورد منازعه نیز به‌عنوان تبصره‌های آن متوقف خواهند شد، اما درج بندهای تبصره‌ای مشابه (ازجمله D3) و عدم درج این بندها در متن برجام، می‌تواند زمینه بهانه‌گیری آمریکا در لغو بخش مهمی از تحریم‌های مربوط به نقل و انتقال وجوه نفت قرار گیرد.

۶. کمیسیون پس از استماع نظرات تیم مذاکره‌کننده، بررسی متون و جمع‌بندی نظرات متعدد، به این ارزیابی نرسیده است که مفهوم لغو تحریم به معنای برچیده شدن زیرساخت قانونی تحریم‌ها در برجام وجود دارد و جز در موارد معدود و بسیار کم اهمیت، در تمامی موارد تحریم‌ها تعلیق و یا توقف در اجرا شده و زیرساخت قانونی آن‌ها حفظ می‌شود و این امر تأمین‌کننده هدف ذاتی ایران از مذاکرات نیست.

۷. جمع‌بندی کمیسیون این است که اصل تناظر در انجام تعهدات دو طرف در برجام به‌طور کامل رعایت نشده و اقدام واقعی از سوی ۱+۵ در زمینه تعلیق تحریم‌ها به انجام تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آن از سوی آژانس موکول شده است. کمیسیون معتقد است که این امر بر اساس اعتماد به آژانس و در نتیجه دارای ریسک بسیار بالایی است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طرف برجام .به‌خصوص در ضمیمه پنجم آن .به‌عنوان یک داور بین‌المللی مسئول نظارت بر انجام تعهدات ایران شده است لذا اگر آژانس گام اول از انجام تعهدات ایران را تأیید نکند، طرف مقابل مکلف به برداشتن تحریم‌ها نخواهد بود. در گام بعدی نیز هرگاه آژانس گزارشی درباره عدم انجام ایران به تعهدات خود یا عدم صدور مجوز بازرسی از مکان‌های موردنظر آژانس منتشر کند، باعث بازگشت تحریم‌ها خواهد شد؛ اما در رابطه با نظارت بر انجام تعهدات طرف مقابل یعنی نظارت بر برداشته شدن تحریم‌ها،

هیچ داور ثالث یا یک نهاد بین‌المللی ناظری تعیین نشده است. در این طراحی، بدون رعایت تناظر زمانی در انجام تعهدات توسط طرفین از یک سو اقدامات ایران مقدم بر انجام تعهدات طرف مقابل است و ابتدا باید ایران تعهدات خود را کامل انجام دهد تا نوبت اقدامات و اجرای تعهدات طرف مقابل برسد و از سوی دیگر، بر اقدامات ایران انواع نظارت‌ها و راستی‌آزمایی‌ها خواهد شد ولی متأسفانه با کمال تعجب برای نظارت بر انجام تعهدات طرف مقابل هیچ ناظری در نظر گرفته نشده است.

۸. کمیسیون در موضوع تناظر کیفی دریافته است که در برابر اقدامات اساسی ایران بر اساس برجام تحریم‌های کنگره و ایالات آمریکا و اتحادیه اروپا لغو نشده و صرفاً به حالت تعلیق در می‌آیند. با توجه به اینکه لغو تحریم‌های کنگره آمریکا در اختیار دولت آمریکا نیست کمیسیون معلق‌شدن آن‌ها را در چارچوب اختیارات رئیس‌جمهور پذیرفتنی می‌داند؛ اما طبق برجام، اتحادیه اروپا ـ که طرف مذاکره ایران بوده است ـ از لغو تحریم‌ها خودداری کرده و صرفاً آن‌ها را به حالت تعلیق درآورده است که مورد قبول نیست. تعلیق تحریم‌ها به معنای حفظ ساختار آن‌هاست که امکان بازگشت‌پذیری فوری را به آن‌ها می‌دهد.

۹. کمیسیون با دقت در تعهدات آمریکا در برجام به این جمع‌بندی رسید که دولت آمریکا علی‌رغم داشتن اختیار تعلیق مجوزهای صادرشده در کنگره برای تحریم ایران توسط ایالات، از این اقدام اجتناب کرده و تنها در ماده ۲۵ برجام دولت آمریکا اعلام کرده است مسئولان ایالات را «تشویق» کنند تا تغییر سیاست آمریکا در رابطه با تحریم‌ها را در نظر داشته باشند. نتیجه این امر با توجه به مواضع صریح مسئولان ایالتی آمریکا در مخالفت جدی با برجام، امکان جدی حفظ تحریم‌های ایالتی بدون نقض برجام است. لذا این امکان وجود دارد که بهره‌برداری و انتفاع ایران از تحریم‌هایی که توسط رئیس‌جمهور آمریکا تعلیق شده‌اند، به دلیل وجود قوانین تحریمی دیگر در سطح ملی و ایالتی آمریکا، دچار اختلال شوند.

۱۰. استنباط کمیسیون با بررسی متن برجام و توجه به مفاد مواد ۳۶ و ۳۷ برجام (مکانیسم ماشه) آن است که هر یک از کشورهای طرف مذاکره می‌توانند با ادعای اینکه ایران به تعهدات خود در برجام عمل نمی‌کند، بدون اینکه نیاز باشد این ادعا مورد تأیید قرار گیرد، نه‌تنها تحریم‌های خود را بازمی‌گردانند، بلکه با شکایت به شورای امنیت، ظرف ۳۰ روز موجب اعمال مجدد تحریم‌های شورای امنیت نیز می‌شوند.

و- بررسی جنبه‌های سیاسی و عمومی

۱. کمیسیون اعتقاد دارد منطق عقلانی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران با همراهی و

مقاومت و سلحشوری ملت شریف ایران توانست نظام سلطه را از ادعای واهی گزینه‌های جنگ‌طلبانه وادار به مذاکره نماید و بیش از پیش رژیم سفاک صهیونیستی را منزوی کند و ادعای دروغین اجماع جهانی علیه ملت شریف ایران را به رسوایی بکشاند و حربه ایران هراسی را از دست آن‌ها خارج کند.

۲. کمیسیون معتقد است مقاومت ملت ایران، ادعاهای دروغین نظام سلطه را مبنی بر برنامه تولید سلاح هسته‌ای برملا نمود و بر درستی تداوم گفتمان استکبارستیزی صحه گذاشت. جبهه مقاومت به ویژه حزب‌الله لبنان بیش از گذشته مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و امنیت اسرائیل به‌عنوان نماد تروریسم دولتی روز به روز کاهش خواهد یافت.

۳. کمیسیون معتقد است اظهارات رسمی مقام‌های آمریکایی نشان‌دهنده اراده طرف آمریکایی برای تداوم تحریم‌ها تحت عناوین غیرهسته‌ای و سیاسی است که به هیچ وجه مورد قبول نخواهد بود.

۴. از آنجاکه برجام بر پایه توافق ژنو استوار بوده و به آن اذعان شده است، با توجه به متن منتشره توافق ژنو که در آن تصریح شده بود نتیجه نهایی مذاکرات «برجام» باید منجر به لغو کامل همه تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای (Comprehensive Lifting) علیه ایران شود، این تعهد توافق ژنو به‌طور کامل در متن برجام منعکس نشده است.

۵. کمیسیون به‌طور قطعی به این جمع‌بندی رسیده است که طبق بند «ک» مقدمه و مفاد عمومی برجام، ایران در حوزه‌های مختلف ازجمله در حقوق و تکالیف هسته‌ای، مبانی و سازوکار نظارت و بازرسی هسته‌ای و پروتکل الحاقی و سازوکار حل و فصل اختلافات از سایر کشورها استثناء شده است.

۶. کمیسیون بر اساس مجموعه اسناد این‌گونه ارزیابی کرده است که برجام در برخی مواد کلیدی مبتنی بر عدم اعتماد به آمریکا بنا نهاده نشده است. متن برجام اساساً بر این مبنا بنا شده که آمریکا اراده‌ای برای اقدام خصمانه علیه ایران نخواهد داشت یا گویا اقدام به این امور هزینه سیاسی برای دولت آمریکا در پی داشته و او را منع می‌کند درحالی‌که اساساً آمریکا در سوابق تصمیمات یک‌جانبه خود در جهان نشان داده است که براساس منافعش عمل خواهد کرد. بر اساس این توافق، ایران تا زمان حصول اعتماد جامعه بین‌المللی نسبت به برنامه‌اش از معاهده NPT استثناء شده است. کمیسیون معتقد است مستثنی‌کردن این توافق بر مفهوم اعتمادسازی به معنای بازگذاشتن دست طرف‌های متخاصم غربی در منحرف کردن توافق از هدف‌های ذاتی آن و مشروط کردن اجرای گام‌های موردتوافق به مفهومی کلی، تفسیرپذیر، مبهم و سلیقه‌ای به نام اعتماد است. این در حالی است که مسئولان آمریکایی ازجمله

رئیس‌جمهور این کشور به‌صراحت اذعان داشته‌اند که تنظیم این توافق را با پیش‌فرض دشمن بودن ایران بنیان نهاده‌اند و در بیانی صریح، سازوکارهای محدودکننده، محروم‌کننده و محکوم‌کننده موجود در برجام بر علیه ایران را به رخ می‌کشند.

۷. با توجه به اینکه برجام مدل رسیدن به تعریف‌های دوجانبه درباره برنامه هسته‌ای را پذیرفته، کمیسیون بسط این مدل را به سایر حوزه‌های امنیت ملی ایران بسیار مخاطره‌آمیز می‌داند؛ چه اینکه اظهارات مقام‌های سیاسی آمریکا و هم‌پیمانان او بارها بر تکثیر استفاده از این مدل در سایر امور غیرهسته‌ای ازجمله حل سایر منازعات بین ایران و غرب تأکید کرده‌اند و اساساً دستیابی به برجام را گام اول از سلسله اقدامات خود می‌دانند.

۸. کمیسیون معتقد است افزایش راه‌های ارجاع موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق واحد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به مجموعه راه‌های آژانس، کمیسیون مشترک، کارگروه خرید مورد تأیید شورای امنیت و هریک از اعضای طرف مذاکره ایران ازجمله مواردی است که جمهوری اسلامی ایران را دائماً در معرض تهدید ارجاع به شورای امنیت قرار می‌دهد.

ز- پیشنهادات:

۱. شایسته بود دولت محترم برای اجرای برجام و رفع موانع قانونی آن اقدام به ارائه لایحه می‌نمود ولی با عنایت به عدم انجام این امر قانونی از سوی دولت، مجلس شورای اسلامی می‌بایست برای امکان اجرای درست برجام اقدام به ارائه طرحی دوفوریتی با الزاماتی دقیق برای رفع موانع اجرای برجام، متناظرسازی و متناسب‌سازی فعالیت کشورهای اطراف برجام و تضمین‌کننده انجام تعهدات طرف مقابل و مسدودکننده راه‌های نفوذ و کاهش آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف پیرامون آن خصوصاً حوزه‌های سیاسی و فرهنگی نماید.

۲. دولت محترم باید با مطالبه حداکثری از مفاد مندرج در برجام، همچنان به‌عنوان یک عضو صاحب فن‌آوری هسته‌ای در آژانس فعالانه حقوق هسته‌ای اساسی ملت ایران را مطالبه نموده و نسبت به گسترش برنامه تحقیق و توسعه بومی کشور برای فعالیت‌های گسترده آینده زمینه‌سازی نماید.

۳. راه منطقی رفع تحریم‌ها اقدامات متناظر کمی، کیفی و زمانی بود که به آن توجه نشده است لذا باید با تدبیر درست به‌گونه‌ای عمل نمود که در مقابل گام‌های مشخص تا روز اجرای گزارش آژانس پیرامون اعلام حل مسائل گذشته و حال ارائه شده و تمهیدات لازم جهت انجام اقدامات مناسب برابر لغو تحریم‌های اروپا و آمریکا و رفع تحریم‌های کنگره آمریکا برداشته

شود و در صورتی غیر از لغو تحریم‌ها نسبت به حرکت تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای موردنظر برجام در مقابل تعلیق تحریم‌ها اقدام نماید.

۴. به‌منظور تضمین امنیت کشور و بهره‌مندی از یکی از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارندگی در عرصه دفاعی کشور می‌بایست توجه ویژه‌ای به توان موشکی و توسعه کیفی و کمی آن برابر نیازهای کشور و تهدیدات پیش‌رو صورت پذیرد. لازم است در این مسیر خوش‌بین نبودن و تشدید تلاش در بخش امنیت و دفاع از ضرورت‌های انکارناپذیر سیاست‌های دولت اعلام شود.

۵. با توجه به سیاست قاطع جمهوری اسلامی ایران در مقابله و مبارزه با تروریسم دولتی و آمریکاساخته در سراسر جهان به‌ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا باید با یاری کشورهای مبارزه‌کننده با تروریسم و تأمین نیازهای تسلیحاتی کشورهای دوست، اقدامات پیش‌دستانه انجام پذیرد.

۶. حساسیت بالای مراکز نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و اصل حیاتی ضرورت حفظ اسرار نظامی و امنیتی کشور حکم می‌کند که راه دادن بیگانگان به بهانه بازدید و بازرسی به این اماکن و مواجهه با دانشمندان کشور با هر بهانه‌ای مطلقاً ممنوع شود.

۷. با توجه به اینکه در مرحله اجرای برجام و حضور گسترده هیئت‌های خارجی و باز شدن بیشتر فضای کشور بر روی بیگانگان زمینه نفوذ احتمالی دشمن در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بیشتر خواهد شد به همین علت باید با طراحی متناسب با تحولات جدید برای جلوگیری از این نفوذ احتمالی اقدام نمود.

۸. کشورهای اطراف برجام با توجه به مفاد ماده ۲۸ آن متعهد به احترام متقابل و پرهیز از هرگونه اقدام مغایر با نص، روح و هدف برجام شده‌اند از این‌رو مقامات دولتی باید بکوشند ضمن احترام به رعایت این بند با پاسخگویی مناسب در برابر گزافه‌گویی‌های مسئولان آمریکا و اروپا هیچ‌یک از زیاده‌گویی‌های آن‌ها را بی‌جواب نگذاشته و نسبت به اقدام قانونی در برابر نقض برجام از سوی آن‌ها اقدامات عاجل و مقتضی را انجام دهند.

۹. برای مواجه با تهدیدهای فزاینده دشمنان انقلاب اسلامی، حق پدافند هسته‌ای برای حفاظت و پیشگیری از آسیب‌ها در برابر حملات و تروریسم هسته‌ای بدون هیچ‌گونه محدودیتی پیگیری شده و اقدامات عملی در خصوص کسب توانمندی آن حاصل شود.

۱۰. با عنایت به فرصت سیاسی فراهم‌شده برای جمهوری اسلامی ایران می‌بایست دفاع انقلابی از هم‌پیمانان منطقه‌ای استمرار یابد، توسعه روابط با کشورهای مسلمان و همسایه دنبال شود و توسعه ارتباط با کشورهایی که سابقه خیانت به کشورمان را ندارند، پیگیری شود.



روش بررسی و ارزیابی توافق هسته‌ای برای تصمیم‌گیری صحیح[۱]

■ مقاله: دکتر محمدجواد لاریجانی
معاون بین‌الملل قوه قضاییه و مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

۱- توافقات هسته‌ای هم «ارزیابی» می‌خواهد و هم «بررسی»، بررسی برای تصمیم‌گیری است و لذا مورد نیاز امروز مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی و هر نهاد دیگری است که باید «تصمیم بگیرد».

اما «ارزیابی» مربوط به فهم این توافقات، زمینه‌ها، رفتار سایر عوامل مؤثر و امثال این‌ها است و هر کسی به‌اندازه ظرفیت و علاقه بدان احساس نیاز می‌کند. البته برای تصمیم‌گیری درست نیازمند «ارزیابی» هستیم. لیکن در عالم سیاست این‌طور نیست که روند ارزیابی در حد کمال انجام شود و سپس تصمیم گرفته شود! در این رابطه از دو طرف حدی (افراط و تفریط) باید اجتناب کرد: یک طرف بی‌اعتنایی کامل به ارزیابی است و صرفاً بر اساس یک اعتقاد و شهود و اطمینان شخصی یا جسارت تصمیم گرفته شود. اگرچه کم و بیش در دنیا این امر بین مسئولان متداول است اما در مسائل مهم می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیر به‌همراه داشته باشد. طرف دیگر تفریطی است یعنی فرصت‌ها را با دغدغه ارزیابی‌ها وسیع‌تر، عمیق‌تر و ... از دست بدهیم.

به‌تعبیر یکی از علمای این فن، «اسیر» پارامترهای ناشناخته شویم، مثلاً مناقشات درباره «ارزیابی» مذاکرات گذشته از زمان آقایان روحانی، علی لاریجانی و سعید جلیلی بحث جالب آکادمیک می‌تواند باشد و جا دارد تحقیقات خوبی روی آن صورت گیرد و مسلم برای تصمیم‌گیری مفید خواهد بود اما فقط مقدار کمی از آن برای «بررسی تصمیم‌گیرانه» امروز ما ضروری است و اگر با رنگ و بوی گرایش‌های سیاسی آمیخته شود، نه‌تنها به «بررسی»

۱- تسنیم، کد خبر: ۸۶۳۰۱۰

نماینـدگان محتـرم کمکـی نمی‌کنـد بلکـه بیراهـه اسـت.

۲ - تفـاوت دیگـر «ارزیابـی» و «بررسـی» در حـوزه توجـه و تکنیـک و نقطـه شـروع اسـت. در یـک ارزیابـی جامـع (کـه انتهـا نـدارد و مـدام در طـول تاریـخ و بـا آثـار و تعامـلات عناصـر مؤثـر در پدیـده بـرای فهمیـدن، موضـوع جدیـد تراشـیده می‌شـود) مـرزی بـرای مسـائل مـورد مطالعـه وجـود نـدارد. «رقـص کلمـات و اصطلاحـات»، دلبری‌هـای دیپلماتیـک و شـیرین‌زبانی‌های توییتـری و ... همـه قابـل بـرای ارزیابـی هسـتند و می‌تواننـد موضـوع توجـه و تأمـل باشـند، امـا بـرای «بررسـی» مـورد نیـاز تصمیم‌گیـران، «فهـم عملیاتـی» و «ارزیابـی عملیاتـی» Functional evaluation اصـل اسـت، یعنـی بایـد ایـن توافق‌نامه‌هـا را در میـدان تعامـل و عوامـل موجـود فـرض کنیـم؛ مـدل رفتـاری ایـن عوامـل را - کـه شـامل آمریـکا و دول اروپایـی، دولـت خودمـان و سـایر عناصـر هسـتند - بـر اسـاس پیشـینه بازسـازی کنیـم و بپرسـیم: «حـالا سـیر فعـل و انفعـالات چگونـه خواهـد بـود؟

حقیقتاً نوعی «شبیه‌سازی» Simulation است، که در عین اهمیت، کار آسانی هم نیست!

مثلاً یکی از عوامل مؤثر در فهم عملیاتی توافقات هسته‌ای، نحوه رفتار دولت آمریکا است. یک مـدل ایـن اسـت کـه فـرض کنیـم آمریکا در ده سـال آینـده منافـع اصلـی خـود را در سـطح جهانـی و منطقـه‌ای تغییـر نخواهـد داد، در سـطح جهانـی به‌دنبـال تحکیـم رهبـری خـود اسـت و در منطقـه خاورمیانـه حـذف هرگونـه مقاومـت در مقابـل سـلطه صهیونیسـم، انحـلال کشـورهای ریشـه‌دار بـه «خیمه‌هـای» تحـت فرمـان و مهـار جمهـوری اسـلامی، تضعیـف جمهـوری اسـلامی و سـاقط کـردن و انحـلال ایـران و تحـت سـیطره درآوردن ایـن ملـت هسـت. ایـن مـورد در حـدود چهـار دهـه گذشـته ادامـه داشـته و اکنـون هـم دلیلـی بـرای تغییـر آن دیـده نمی‌شـود.

مـدل دیگـر ایـن اسـت کـه آمریـکا و غـرب سـرخورده از ناکامی‌هـای گذشـته، تشـنه روابـط دوسـتانه و خـوب بـا ایـران شـده‌اند کـه ایـن امـر عمدتـاً دو دلیـل دارد؛ دلیـل اول اقتصـادی اسـت و دلیـل دوم برخـی امـور جدیدالظهور اسـت کـه در آن‌هـا منافـع ایـران و آمریـکا - صدف‌هـای هـم باشـد - بـه هـم نزدیـک شـده‌اند، ماننـد مقابلـه بـا داعـش و یـا آرامـش در افغانسـتان، لـذا آمریـکا می‌خواهـد در ده سـال آینـده بـا ایـران تعامـل مثبـت داشـته باشـد.

مثـال دیگـر مـدل رفتـاری جمهـوری اسـلامی ایـران اسـت: آیـا در ده سـال آینـده تـلاش بـرای هرچـه موفق‌تـر کـردن تجربـه «جمهـوری اسـلامی» به‌عنـوان یـک نظـام مدنـی - سیاسـی بـر اسـاس عقلانیـت اسـلامی را ادامـه می‌دهـد؟ آیـا همچنـان تـلاش می‌کنـد کـه بـا توانمندی‌هـای علمـی - فنـی کـه شـامل توانمنـدی هسـته‌ای هـم هسـت، توانمنـدی دفاعـی و سـایر جهـات نوعـی بازدارندگـی مؤثـر در مقابـل دشـمنان خـود ایجـاد کنـد و بـه سیاسـت مقاومـت در مقابـل سـیطره آمریـکا و غـرب صهیونـی ادامـه دهـد یـا به‌علـت مشـکلات اقتصـادی دل در گـروی کمـک و همـکاری بـا غـرب بسـته

است و می‌خواهد نوعی تنازل در آن هدف اصلی انقلاب داشته و به‌عوض راحتی و حل معضل اقتصادی را برای مردم خود رقم بزند، در منطقه هم به درون گرایی روی آورد و صرفاً تعاملات دیپلماتیک را مبنی قرارداده و به‌تعبیر رئیس‌جمهور محترم «بازدارندگی قانونی» را جایگزین بازدارندگی ناشی از توانمندی‌های فنی - علمی و دفاعی و هسته‌ای قرار دهد.
خلاصه: بررسی توافقات هسته‌ای برای تصمیم‌گیری ناگزیر از بررسی عملیاتی این اسناد است.

۳- برای تصمیم‌گیری نقطه شروع بسیار مهم است و این‌یک تفاوت عمده دیگر بین «بررسی» و «ارزیابی» است. در ارزیابی که مجموعه‌ای از کاوش‌های عمدتاً «آگاهی‌محور» است، از هر نقطه می‌توان کار را آغاز نمود؛ حتی می‌توان از ابتدا تا انتهای متون را باهمان نظم متنی دنبال کرد و سطر به سطر مباحث را مورد ارزیابی قرارداد؛ اما برای بررسی توافقات، نقطه شروع ربط دقیق به اهداف اصلی ورود در مذاکرات دارد. در مذاکرات هسته‌ای سه هدف عمده مبنای ورود و راهنمای جریان مذاکره و پایه بررسی نتایج هست:
اول: این مذاکرات صرفاً به مسائل هسته‌ای مربوط است و لاغیر.
دوم: لغو تحریم‌ها مقصد مهم و اساسی است و بدون آن مذاکرات بی‌فایده و بیهوده است. تحریم‌ها باید یکجا و نه به‌تدریج لغو شوند. اگر تعلیق است، تعلیق کارهای ما مقابل آن باشد.
سوم: توانمندی هسته‌ای کشور نباید آسیب ببیند.
حال درباره هر یک از این سه محور نکاتی را که مفید در بررسی است بیان می‌کنیم:
الف- انحصار مذاکرات در امر هسته‌ای: این اصل دو نتیجه مهم عملی به‌دنبال دارد؛ یکی اینکه طرف مقابل - همان‌طور که در قطعنامه‌های مصوب علیه ایران مندرج است - به‌بهانه نگرانی از اشاعه سلاح هسته‌ای، دنبال ضربه کاری به توانمندی‌های کشور ما هست و قصد دخالت و آشوب در نظام سیاسی و امید به سرنگونی جمهوری اسلامی را دارد. لذا آن‌ها به‌انحای مختلف و قویاً و مصراً قصد ارتباط این مبحث را با سایر مباحث از تهدید اسرائیل گرفته تا حمایت از مقاومت اسلامی و حقوق بشر و توان موشکی و غیره دارند. البته در متن به‌خاطر هوشیاری مذاکره کنندگان ایرانی این تلاش به‌صورت بازدید از مراکز نظامی صرفاً ظاهر شده و با لعاب آژانس، اما مهم‌تر: امکان ارتباط عملی قطعنامه به سایر مقاصد است. باید بررسی کرد که آیا متون توافق‌نامه‌ها تا چه‌حد در مقابل سوء استفاده «عملی» از مذاکرات هسته‌ای و ربط به سایر مسائل «مقاوم» هستند. رئیس‌جمهور آمریکا و مسئولان دولتی و حامیان سیاسی آنان در کنگره و سایر نهادها به‌نحو آشکار مدعی این ارتباط هستند. البته گاهی مسئولان سیاسی

کشور مواضعی را گرفته‌اند که به‌نحوی در همین جهت است، مانند غلو در آثار و پیامدهای موافقت‌نامه‌های هسته‌ای در روابط دنیا با ایران و یا تعبیری از قبیل اینکه این توافق‌نامه‌ها مانند یک نهال است که تازه غرس شده و باید گسترش و حفاظت شود و در همه شئون حتی داخلی تأثیر دارد و از این قبیل مطالب. کار مهم مجلس می‌تواند با تفسیر غیرمتناقض با متن این زمینه‌ها را بسیار محدود کند.

دیگر، از موارد مهم در انحصار مذاکرات در امر هسته‌ای، جهات سیاسی بحث است، یعنی گاهی متن ظاهراً درباره امور هسته‌ای هست، اما عملاً مشروعیت ادعاهای حریف را متضمن است! و لذا قبول آن ممکن است از لحاظ انصراف موارد به هسته‌ای مشکلی نداشته باشد اما از لحاظ اثبات این مدعا که ایران پس از ۳۷ سال مقاومت در مقابل ادعای رهبری آمریکا و غرب نهایتاً قبول کرده است که باید حرف آن را - حتی اگر صریحاً ظالمانه و غیرموجه می‌داند - بپذیرد! این هم نوعی توسعه مذاکرات به حوزه فراتر از هسته‌ای است، لذا برای تصمیم‌گیری درباره این موافقتنامه‌ها باید موردبررسی قرار گیرد.

ب- لغو تحریم‌ها: مذاکرات دولت جدید، با شعار لغو تحریم‌ها در قبال پذیرفتن بعضی محدودیت‌ها در فعالیت‌های هسته‌ای آغاز شد. نباید اشتباه کنیم، تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت اقدامات تهاجمی دشمنان کشور و ملت ما - یعنی آمریکا و غرب صهیونی - علیه منافع ملت بوده و هست و این تازه بخشی از تهاجم وسیع آنان به دستاوردهای مهم انقلابی ما هست که همانا بنای یک نظام مدنی - سیاسی جامع بر اساس عقلانیت اسلامی است و مهم‌تر از همه: این تهاجمات ادامه داشته و حذف نخواهد شد، چه توافقات هسته‌ای را بپذیریم و چه نپذیریم، لذا آنچه برخی دوستان ما در دفاع از توافقات می‌گویند که گویی دولت‌های سابق مسئول این قطعنامه‌ها بودند سخن درستی نیست. مثلاً از جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای ابوترابی نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی نقل شده است که در نقد مذاکرات سابق گفته‌اند:

«اگر اهل نقد و بحث بودید سه قطعنامه علیه کشور تصویب نمی‌شد» ادعای قابل دفاعی نیست و اصلاً رابطه علّی آن روشن به نظر نمی‌رسد. البته همواره می‌توان کاوش علمی کرد و ارزیابی نمود: آیا می‌توانستیم این جبهه از تهاجم را متوقف کنیم یا به تأخیر بیندازیم؟

این کار ضروری است، زیرا به‌گفته «سونتزو» اولین مؤلف چینی در فنون استراتژی (حدود هزار سال پیش!) «جلوگیری از وقوع یک جنگ از پیروزی در صد جنگ مهم‌تر است» البته در صورت امکان! لذا قطعنامه‌های قبلی علیه جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه تیرهای دشمنی است که به‌سوی منافع ما از سوی دشمنان ملت پرتاب شده است و طبیعی بوده که ما همه

را رد کرده‌ایم و در مقابل آن ایستادیم؛ اما قطعنامه ۲۲۳۱ وضعیت جدیدی است؛ این قطعنامه با درخواست ما و با مشارکت ما و با موافقت ما صادر شده است! پس هم در ارزیابی و هم در بررسی باید به این وضعیت توجه کافی بشود.

نباید فراموش کنیم عزیزانی که دیروز مذاکره می‌کردند مانند آن‌ها که امروز مذاکره می‌کنند فرزندان متدین و متعهد این مرزوبوم هستند. انتظار من از شخصیت فرهیخته‌ای مانند آقای ابوترابی این است که همه را زیر پر محبت و لطف خود بگیرند و این مباحث و مناقشات هرگز فضای برادری را به هم نزند.

لیست تحریم‌هایی که باید لغو شود در ضمائم موافقت‌نامه‌ها آمده است که بسیار اقدام درستی بوده است و وسعت تحریم‌ها را نشان می‌دهد و لذا اهمیت لغو آن‌ها را هم به نمایش می‌گذارد و البته لازم به ذکر است که مبنای این تحریم‌های لغوشده عمدتاً مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، دستور رئیس‌جمهور آمریکا و مصوبات اتحادیه اروپا است که خود حجم زیادی است، اگر لغو شوند نظام بانکی ما، صادرات نفت، کشتیرانی و مراودات تجاری ما جان تازه‌ای می‌گیرند. این‌ها مسائل مهمی است که باید در امر لغو تحریم‌ها مد نظر باشد. حال خطر مهمی در این زمینه وجود دارد؛ اگر به‌جای لغو تحریم‌ها به تعلیق درازمدت رضایت دهیم و آن‌هم همراه با مکانیزم‌هایی به‌سادگی فعال شوند و برای بازگشت تحریم‌ها باشد، مسئله لغو تحریم‌ها به یک زمینه «باج‌گیری» بسیار خطرناک برای آمریکا و غرب از جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود، قطره قطره باز می‌کنند و هر وقت خواستند به‌بهانه‌ای تهدید و تلاش می‌کنند باج را دریافت کنند.

البته در قدم‌های اولیه مقداری شیر تحریم‌ها را بازتر می‌کنند تا اقتصاد ما لبی‌تر کند و مزه بدهد و سپس باج‌خواهی‌ها آغاز می‌گردد، نحوه باج‌خواهی هم بسیار روشن است: در ظاهر و نمای صوری هماهنگی با توافقات، ادعاهایی را مطرح می‌کنند. احتمالاً آژانس کذایی مسئول بررسی می‌شود و گزارشی دوپهلو ارائه می‌دهد - مانند همیشه! - و در کمیسیون مطرح و عدم‌رضایت آمریکا یا دیگر غربی‌ها اعلام می‌شود و سپس دوران باج‌خواهی شروع می‌شود: در قطعنامه توصیه شده که ایران و کشور مدعی باهم به توافق برسند! این همان زمان باج‌خواهی است. اگر توافقی حاصل نشود، تیرهای تحریم دوباره برای شلیک آماده می‌شوند، لذا اینکه رهبر معظم انقلاب دائماً تأکید کرده‌اند که تحریم‌ها یکجا و در آغاز کار باید لغو نه تعلیق شوند، برای سد کردن این زمینه سوء استفاده آمریکا و متحدان اروپایی وی است.

ج - حفظ توانمندی هسته‌ای: باید فهم‌درستی از دانش، فناوری و تکنولوژی و حیات یک زمینه علمی - تکنولوژیک و ضروریات آن - داشته باشیم. علامت توانمندی هسته‌ای به

«غنی‌سازی در داخل با تعداد سانتریفیوژهای بالا» خلاصه نمی‌شود و این کار در چرخه حیاتی یک صنعت در حال زندگی معنی پیدا می‌کند نه بیرون آن چرخه و به‌نحو مجزا!

توانمندی هسته‌ای دارای یک پایه و سه محور عمده است:

محور اول: نیروهای توانا و «کاربلد»

محور دوم: امکانات صنعتی موجود و قابل تهیه

محور سوم: منابع مورد نیاز چرخه کاری

و اما این ستون‌ها روی یک پایه قرار می‌گیرند که همانا برنامه‌ها و طرح‌های اقدام است. توسعه هسته‌ای کشور در زمان دولت‌های مختلف در جریان بوده و همه دولت‌ها در رشد آن نقش مثبت ایفا کرده‌اند و شیرازه به هم وصل کننده فعالیت‌های دهه‌های اخیر استراتژی روشن نظام در این زمینه بوده:

- دستیابی به انرژی هسته‌ای با امکانات مطمئن اخیر استراتژی روشن نظام در این زمینه بوده
- تعدد و تنوع در نحوه تولید انرژی با توجه به ویژگی‌های محیطی کشور (توسعه نیروگاه آب سنگین اراک ۴۰MW و سپس در هویزه ۳۳۰MW و ...)
- سرمایه‌گذاری مستمر در بهینه‌سازی و مدرن‌سازی سطح تکنولوژی و ورود به افق‌های جدید
- توسعه معارف (علوم و فنون) مربوطه در کشور
- سرریز توسعه هسته‌ای به سایر حوزه‌های علمی و فنی کشور
- توسعه استفاده‌های فراتر از تولید انرژی مانند کاربرد در داروسازی، کشاورزی، سازه‌ها، پزشکی و... .

جهات شش‌گانه فوق باهم ربط وثیق دارند و باهم حرکت می‌کنند درست مانند ارگان‌های مختلف بدن انسان که در تعامل با یکدیگر حیات انسانی را تعریف می‌کنند. بنابراین، اگر مسئولان تصمیم‌گیر می‌خواهند ببینند از لحاظ عملیاتی توافق‌های پیشنهادی چه تأثیری روی توانمندی هسته‌ای کشور دارند باید «بررسی» کنند که اثر این توافقات روی این عناصر شش‌گانه چگونه است و آن را به چه جهتی هدایت می‌کنند و در این امر دو نکته مهم را نباید فراموش کنیم؛

نکته اول: اهمیت آنچه را داریم و قدر آن را بدانیم، گفته می‌شود که سانتریفیوژهای IR۱مربوط به دوران پایان جنگ جهانی است و یا رآکتور آب سنگین اراک یک مدل قدیمی روسی - چینی است و حالا مسائل فرق کرده و رآکتورهای مدرن هست و قس علی هذا!

این‌یک استدلال نادرست است، در دنیا خیلی چیزهای مدرن هست که به ما نمی‌دهند و اگر هم بدهند غالباً دربسته می‌دهند و لذا سطح فنی ما را بالا نمی‌برد. همین که داریم و با دست خود ساخته‌ایم آن‌قدر مهم است که دنیا را به شگفتی واداشته و ضمناً توانمندی با بازدارندگی مؤثر ایجاد کرده است.

همین حدود ۱۰ تن اورانیوم با غنای پایین چنان مهم است که در هر حال باید از کشور خارج شود و ذخیره ما از سیصد کیلو بالاتر نرود، همین دستگاه‌های سانتریفیوژ عقب‌افتاده آن‌قدر مهم هستند که باید دوسوم آن کنار گذاشته شود و برای مدت مدیدی حق تولید آن را نداشته باشیم، مسئولان فنی نباید پیشرفت دیگران را بهانه تعطیل آنچه داریم قرار دهند. پیشرفت ما از ارتقای همین که داریم حادث می‌شود نه از صدقه و هبه دشمنانی که قسم خورده‌اند توانمندی ما ازجمله و در رأس آن توانمندی هسته‌ای ما را نابود کنند.

نکته دوم: مسئله نقد و نسیه است! رأکتور آب سنگین اراک حدود ۹۰ درصد کار آن تمام شده و با مختصر همتی مشغول به کار می‌شود. از لحاظ ایمنی تمام استانداردهای متداول دنیا را دارد. البته اگر استوانه فولاد هسته‌ای آن را یک بار بیرون بکشیم، ممکن است خراشی پیدا کند و دوباره برای استفاده خطرناک است اما این چه ربطی دارد به استوانه موجود که بیرون کشیده نشده! اینکه الآن در محل است سلامت هیچ کس را با معیارهای متداول تهدید نمی‌کند. اتفاقاً اگر بر اساس توافق‌نامه استوانه را بیرون بکشیم ممکن است خراش پیدا کند و اگر خواستیم همه‌چیز را به‌جای اول آن برگردانیم دیگر نمی‌شود و می‌تواند جان بسیاری را (البته نه ۸۰ میلیون بلکه بر میزان فاصله با محل) تهدید نماید، این تهدید متوجه توافق‌نامه است نه محصول تلاش چند دهه مهندسان و کارشناسان هسته‌ای ما! حال این رأکتور را نابود کنیم به‌خاطر وعده‌ای که در توافق‌نامه است و حداقل ۴ سال طول می‌کشد و باید مورد توافق دشمنان ما باشد، چرا باید آن نقد را بدهیم و این نسیه را از طرف‌های دغل‌باز، دشمن و غیر پایبند به هیچ هنجار اخلاقی و عهد و پیمان بگیریم؟ این‌یک معامله موجه نیست.

معنای عملیاتی این توافق این است که اولاً، ما نیروگاه آب سنگین نود درصد کامل شده اراک را نابود کنیم، ثانیاً، برای این مسئله در ظاهر موازنه‌ای داشته باشد و از لحاظ حیثیتی نیاز ایران را برطرف کند، قول ساختن یک واحد جدید دیگر را می‌گیریم. من قول نابودی اراک را به‌نحو روشن و با دریافت امتیازی حدوداً معادل در محل دیگر را به‌مراتب ترجیح می‌دهم بر آن موازنه غیر قابل اطمینان نسیه.

۴ - در پایان به برخی محاکمات و استدلال‌های نادرست در توافق یا رد موافقت‌نامه‌های

هسته‌ای اشاره می‌کنم:

الف- در بررسی توافقات نباید گرفتار بحث‌های فرضی شویم، یعنی بگوییم اگر در این بند مثلاً چنین بود بهتر بود و امثال این‌ها. فصل این گونه مباحث گذشته است، اکنون با متنی روبه‌رو هستیم که دولت ما به‌اصطلاح «پاراف» کرده و باید مراجع قانونی تأیید نهایی کنند و مجلس می‌تواند رد کند و یا قبول کند و یا به‌نحو دیگری برخورد نماید بنابراین تغییر در متن توافقنامه فعلاً مسیر موجهی نیست. لیکن این توافقنامه شامل اموری است که می‌توان با دقت و تلاش کارشناسانه و با تیزهوشی از تفسیرهای خلاف منافع کشورمان جلوگیری نمود و با تبیین و ارائه قرائت‌های غیرمتناقض با صورت متن، نقاط ضعف بسیاری را از آن جبران کرد. این برخورد یک مسیر بررسی است، ضمناً مجلس لازم نیست رد یا قبول صریح داشته باشد، مثلاً طی طراحی نمایندگان مجلس به دولت اجازه می‌دهند در صورتی که مصالح عمومی نظام با نظر شورای عالی امنیت ملی حفظ شود به‌نحو داوطلبانه در اصطلاح بین‌المللی عملی کردن اقدامات مندرج در موافقت‌نامه را آغاز نماید. در آن صورت مجموعه‌ای از امور - که همه تفسیرهای منضبط و دقیق از متن هستند - باید رعایت شوند و در طول اقدامات در صورت کوتاهی طرف مقابل، هر کجا لازم شد کل اقدامات متوقف گردند. البته «پذیرش عملی» پروتکل الحاقی (با عبارات مندرج در مدل و فراتر از آن) نیازمند تأیید مستقل مجلس شورای اسلامی است.

ب- دولت نباید تأیید و بحث در مجلس را تضعیف خود بداند بلکه در عمل باید به فکر آینده باشد و در طول عمل بارها باید به مجلس تکیه کرد تا تفسیر نادرست و ناجوانمردانه دشمن مقابل را که آمریکا و متحدان نزدیک اروپایی وی است دفاع کند.

لذا رجوع به مجلس آن گونه که در دنیا نیز مورد پذیرش و متداول است مقبول‌ترین تکیه‌گاه به شمار می‌رود حتی رد مصوبه‌ها اگر توسط مجلس باشد قابل توجیه است.

ج- دولت معیار همراهی و یا عدم همراهی با خود در کشور را، متون توافق‌نامه‌ها قرار ندهد. امروزه بسیاری هستند که حامی دولت و تیم سیاست خارجی هستند اما به نتایج مذاکرات نظر مثبتی ندارند. قدرت و حیثیت و اعتبار فراوان دولت ربطی به این مذاکرات ندارد.

د- استمداد از استیصال برای توجیه متون توافقنامه‌ها: مکرر دیده شده است که برادران مدافع توافق‌نامه، در زمان مواجهه با نقدهای قوی می‌گویند: «ما هم آرزو داشتیم این نواقص نباشد، اما نتوانستیم.» یا برخی می‌گویند: «با شرایط سخت اقتصادی مجبور بودیم، از این بهتر نمی‌شد.» اساس این استدلال توسل به استیصال و قبول از روی اضطرار است.

برهان استیصال چند اشکال مهم دارد:

اشکال اول متوجه مذاکره کننده است و اینکه مذاکره کننده مسئول توفیق در حصول نتیجه نیست. حاصل مذاکرات می‌تواند موفق و یا غیرموفق باشد. مذاکره کننده باید از تمامی «فوت و فن‌ها» استفاده کند تا به هدف خود برسد و اگر موفق نشد نباید به اموری که در چارچوب نبوده تن بدهد. مذاکره‌کنندگان می‌توانند عدم توفیق با پارامترهای تعیین شده را به مراجع تصمیم‌گیری منعکس کنند. اصولاً تشخیص و عمل بر اساس «اجبار»، «استیصال» و «اضطرار»، تصمیمات مهم نظامی حکومتی است نه گروه مذاکره کننده.

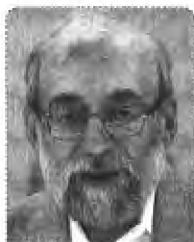
اشکال دوم به اصل این بنیان است: سیاست و استراتژی نظام، عدم «باج‌دهی» بوده و تئوری مقاومت در مقابل استکبار که از مبانی مکتب اهل بیت (ع) است و توسط حضرت امام (ره) در دوران ما احیا شده به‌نحو جدی کاربرد این قاعده را محدود کرده است، به‌خصوص توانمندی ما در طول چند دهه گذشته در مقابله با غرب صهیونی، توجیه کننده این دغدغه است و اتفاقاً تحریم‌ها می‌تواند به یک انقلاب در حوزه اقتصادی کشور دامن بزند و از اقتصاد پریشان فعلی به‌سوی یک نظام اقتصادی خوش‌تعریف، خوش‌بنیان و مقاوم حرکت نماید.

اشکال سوم این است که اگر باب باج دادن به آمریکا و متحدان غربی وی باز شود به هیچ وجه نهایتی برای آن نیست زیرا فهرست زمینه‌های باج‌خواهی آنان از تغییر نظام اسلامی (تحت عنوان حمایت از فعالان حقوق بشر و سکولارهای وطنی) هست تا توان موشکی، دفاع از مقاومت اسلامی لبنان و غیره.

هـ- استمداد از پیامدهای دیپلماتیک: برخی دوستان ما اشاره می‌کنند که توافقات هسته‌ای هنوز به تصویب نهایی نرسیده، هجوم مسئولان کشورهای عمدتاً غربی را برای سفر به ایران نتیجه داده است و همه آمده‌اند و می‌خواهند روابط خود را با ما بسط بدهند. بدون شک این امر دستاوردی باارزش برای دولت ما هست اما در «بررسی» موافقت‌نامه‌ها اساساً باید به جریان عملیاتی آن تکیه شود تا بتوانیم به‌نحو صحیح تصمیم گیری کنیم. ولی مجریان باید به این «توجه مناسب» در سیاست خارجی نظر داشته باشند تا هم از سوء استفاده‌ها جلوگیری کنند و هم آن را به مسیر اقدامات عملی سوق دهند، لذا پیامدهای مناسب مذاکرات عمدتاً موضوعی برای مجریان دیپلماسی کشور است و نه پایه‌ای برای تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه‌ها.

و - استمداد از اعتماد به مذاکره کنندگان: برخی از دوستان در مقابل نقدها، به اعتماد دولت و مسئولان امر مذاکره کننده استناد می‌کنند و می‌گویند: این برادران هم اهل فن هستند و هم متدین و هم شجاع، آیا آن‌ها این اشکالات را نفهمیده‌اند و دیگران که نه اهل فن هستند و نه در جریان مذاکرات بوده‌اند می‌فهمند؟ این استدلال آغاز درستی دارد و انجام نادرست! آغاز آن کاملاً درست است و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اعتبار و توان دولت منوط به این مذاکرات

نیست؛ اما اساس مباحث مربوط به «ارزیابی» و «بررسی» موضوع، اسناد و نتایج آن است قطع نظر از حیثیت شخصی مذاکره کنندگان، زیرا این تعهدات سال‌ها می‌ماند و مسئولان عوض می‌شوند و تعاملات جهانی ما بر اساس متون تنظیم می‌شود نه شخصیت مذاکره کنندگان! مثلاً مجلس محترم مسئولیت دارد به دولت در مورد ورود به این توافقات یا عدم آن اجازه دهد. برای این تصمیم باید «بررسی»های لازم را انجام دهد که در طول این نوشتار به‌تفصیل بحث شده است. همه بررسی‌ها با پیش‌فرض تعهد و توانمندی و سلامت مذاکره کنندگان است؛ اما مسئولیت مجلس قابل انتقال به دیگری نیست! نمایندگان باید تصمیمی موجه بگیرند که مستقل از مذاکره کنندگان است. باید پاسخگوی سؤالات اساسی این متون در فرآیند عملی باشند و این امر قابل تسامح نیست.



بررسی نقاط ضعف برجام و قطعنامه ۲۲۳۱

دکتر محمد جواد لاریجانی[1]
معاون بین‌الملل قوه قضاییه و مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

آسیب‌پذیری برجام فراتر از خطوط قرمز است

معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال «آیا منظور شما از نقاط آسیب‌پذیر موجود در توافقنامه مربوط به جاهایی است که ممکن است از خطوط قرمز عبور شده باشد؟» تصریح کرد: آسیب‌پذیری ما فراتر از این خطوط قرمز است، حتی جاهایی که دولت ما خطوط قرمز را رعایت کرده معنایش این نیست که نقطه آسیب‌پذیر وجود ندارد.

اولین نقطه آسیب‌پذیری برجام در زمینه سیاسی است

لاریجانی با بیان «اولین نقطه آسیب‌پذیری در زمینه سیاسی است که کمتر درباره آن بحث شده است» اظهار داشت: آمریکایی‌ها با قوّت تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران بعد از ۳۶ سال که استراتژی مقاومت پیشه کرده بود، حالا به خواسته آمریکایی‌ها و غرب گردن نهاده و در امر انرژی هسته‌ای حرف آن‌ها را قبول کرده است و این در حالی است که تاکنون معتقد بود حرف‌های طرف مقابل مشروعیتی ندارد.

پیشگفتار

برجام به‌گونه‌ای نوشته شده که گویا فقط ایران نشسته تا نگرانی‌های غرب را برطرف کند!/ مجلس نگرانی‌های ایران را در فکت‌شیت بنویسد

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با بیان اینکه «در متونی که ما قبول کردیم زمینه برای

۱- بخشی از گفت‌وگوی ویژه تسنیم با محمدجواد لاریجانی درباره برجام، ۱۳۹۴/۵/۱۹، کد خبر: ۸۲۳۶۴۷

چنین سوءاستفاده‌هایی توسط طرف مقابل و به‌ویژه آمریکا وجود دارد» تصریح کرد: «به‌عنوان مثال سند توافق نهایی یک مقدمه، پیشگفتار، متن و ضمائم دارد که در پیشگفتار تماماً نگرانی‌های آمریکا و غرب بیان شده؛ یعنی گویی ما نشسته‌ایم و وظیفه داریم نگرانی‌های غرب را برطرف کنیم؛ خوب، دو کلمه هم گفته شود که نگرانی ایران هم در این توافق‌نامه باید برطرف شود. آن‌ها به ما می‌گویند: «باید نشان دهید دنبال سلاح هسته‌ای نیستید»، خوب، ما هم باید بگوییم: «شما باید نشان دهید نسبت به ما استاندارد دوگانه ندارید، حقوق ما را زیر پا نمی‌گذارید و تبعیض قائل نمی‌شوید.» پس معتقدم در این بخش توافق متوازن نیست؛ یعنی همیشه ما هستیم که باید نشان دهیم بچه خوبی هستیم.

وی با بیان اینکه هرکس این متن را بخواند در معرض سوءتعبیر سیاسی قرار می‌گیرد، تأکید کرد: مجلس می‌تواند این را دقیقاً تبیین کند، چون این سوءتعبیر برای طرف‌های مقابل ایران، آغاز کار است؛ بعداً معتقدند که ایران باید بقیه دغدغه‌های آمریکا و غرب را هم در امر حقوق بشر، در امر منطقه، حزب‌الله و ... گوش دهد. پس به‌نظر غرب این‌یک آغازی است برای یک تغییر بسیار مهم. خوب، مجلس این را می‌تواند سد کند. اینکه مقام معظم رهبری مرتباً می‌فرمودند این مذاکرات فقط مربوط به مسئله هسته‌ای است، ناظر به جلوگیری از این سوء استفاده سیاسی بود.

پاسخ به ادعای هاشمی رفسنجانی

محمدجواد لاریجانی با ذکر این نکته که «متأسفانه در داخل هم به این قضیه (سوءاستفاده سیاسی از توافق هسته‌ای) دقت نمی‌شود»، تصریح کرد: مثلاً جناب آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفته‌اند که یکی از دستاوردهای مذاکرات این است که «تابوی مذاکره با آمریکا شکست». اصلاً چنین تابویی هیچوقت وجود نداشت؛ بله در دهه اول انقلاب همین دوستان به‌اصطلاح اصلاح‌طلب فعلی که سوپر رادیکال‌های آن دوره بودند، هرکسی را که صحبت از مذاکره با غرب می‌کرد می‌گفتند این‌ها سر در آخور استکبار دارند و ...؛ ولی اکنون می‌بینید که چقدر مواضعشان تغییر پیدا کرده است.

اکنون بادکنک روابط با غرب ترکید و معلوم شد داخل باد است

وی با تأکید بر اینکه «هیچ وقت چنین تابویی وجود نداشت که بخواهد بشکند» افزود: البته اکنون یک مسئله بسیار خوب اتفاق افتاد و آن اینکه «بادکنک روابط با غرب ترکید» و معلوم شد در داخلش باد است!

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در این زمینه اضافه کرد: در دوره‌های مختلف در کشور مسئولانی بودند که می‌آمدند و می‌گفتند باید بنشینیم و مشکلاتمان را با آمریکا حل کنیم، و «کلید همه مشکلات همین است»، این همان بادکنک است، که امروز بالاخره پاره شد، و حالا اتفاق جالبی افتاد و معلوم شد در این بادکنک فقط باد بوده و به درد هیچ کدام از گرفتاری‌های ما نمی‌خورد. این باید برای مردم توضیح داده شود؛ نه اینکه بگوییم تابویی شکسته شد. مثل اینکه منافع ما پشت سدی بوده و سدش حالا شکسته شد. خیر! برعکس شد، فکر می‌کردند بادکنک نیست بلکه پر از الماس است اما معلوم شد داخلش فقط باد بوده است.

تحول استراتژیک در جمهوری اسلامی پیدا نشده است/ نظام یک میلیمتر از مواضع خود علیه آمریکا عقب ننشسته است

لاریجانی ادامه داد: این تلقی بسیار مهم است که بدانیم تحول استراتژیکی در جمهوری اسلامی ایران پیدا نشده است، بلکه استراتژی ما مانند گذشته پس از انقلاب این است که در مقابل سلطه‌طلبی، استکبار و ادعای رهبری و کدخدایی آمریکا و غرب یک میلی‌متر هم عقب ننشسته‌ایم و نمی‌نشینیم و تأکید بر این مسئله توسط مجلس هیچ منافاتی با متن توافق نخواهد داشت. بنابراین اولین جایی که باید سد کنیم سوءاستفاده سیاسی است و این سوء استفاده تبلیغ هم می‌شود و در داخل کشور هم بدون دقت تکرار می‌شود.

دومین زمینه سوءاستفاده جدی از توافق هسته‌ای وین/ اینکه فکر کنیم چون سانتریفیوژها می‌چرخد پس توانمندی هسته‌ای داریم «خبط بزرگ» است

وی با تأکید بر اینکه «دومین زمینه سوءاستفاده از توافق هسته‌ای، درباره توانمندی هسته‌ای کشورمان است و باید جلوی آن توسط مجلس سد شود» خاطرنشان کرد: توانمندی هسته‌ای ما دارای سه رکن است؛ رکن اول انسان‌ها و نیروهای کارآمد ما هستند، رکن دوم امکانات تکنولوژیکی است که کسب کرده‌ایم و رکن سوم منابعی است که در کشور داریم. این سه باهم توانمندی ایجاد می‌کنند؛ یعنی اینکه مثلاً بگوییم چون سانتریفیوژها می‌چرخد پس توانمندی هسته‌ای داریم «خبط بزرگی» است.

اگر توافقنامه وین تصویب شد، بهترین کار این است که خودمان غنی‌سازی را برای مدتی تعطیل کنیم/با روند توافق وین منابع اولیه به دست خودمان زباله می‌شود

این تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی و امور بین‌الملل با اشاره به بخش‌هایی از توافقنامه که می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده جدی در زمینه توانمندی هسته‌ای کشورمان بشود، گفت: در این موافقت‌نامه آمده است که ما ۵ هزارتا سانتریفیوژ می‌توانیم در نطنز داشته باشیم که اورانیوم را سه و نیم درصد غنی‌سازی کنند؛ از سوی دیگر خروجی‌اش را قیف گذشته و گفته‌اند کلاً می‌توانید ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را داشته باشید و اگر نتوانیم این ۳۰۰ کیلو را به میله سوخت تبدیل کنیم به شکل اتوماتیک به زباله تبدیل می‌شود!

محمدجواد لاریجانی افزود: منابع اورانیوم در کشورمان محدود است و به نظر من اگر این توافق‌نامه تصویب شود، بهترین کار این است که غنی‌سازی را برای مدتی تعطیل کنیم. به این دلیل که با روندی که در توافقنامه آمده، منابع اولیه به دست خودمان زباله می‌شود! حالا چه کسی است که به ما اورانیوم بدهد؟

طبق توافق وین منابع اورانیوم طبیعی خودمان را از بین برده و تبدیل به زباله می‌کنیم

وی با اشاره به اینکه «توانمندی هسته‌ای این نیست که تنها سانتریفیوژها بچرخند، بلکه باید به آن‌ها چیزی تزریق شود و طبیعی است که اورانیوم غنی‌شده سرمایه بالاتری نسبت به ماده معدنی است»، اظهار داشت: مطابق توافقنامه وین، ما به دست خودمان تمام منابع اورانیوم طبیعی را از بین برده و تبدیل به زباله می‌کنیم؛ حالا بیاییم داخل سانتریفیوژها فوت کنیم تا بچرخند؟ خب این چه فایده‌ای دارد؟ می‌خواهم تأکید کنم صرف اینکه سانتریفیوژ بچرخد ملاک نیست.

مجلس باید تصویب کند که هرگونه انهدام یا هدردادن منابع طبیعی ممنوع است/ حتی یک گرم از منابعمان نباید هدر برود

نویسنده کتاب درس‌های سیاست‌خارجی تأکید کرد: در مصوبه مجلس می‌تواند -و ضروری است که- تصویب کند: هرگونه انهدام یا هدردادن ممنوع! حتی یک گرم از داشته‌های هسته‌ای‌مان ازجمله اورانیوم غنی‌شده را نباید به زباله تبدیل کنیم. این مقدار اورانیوم غنی شده‌ای که فعلاً داریم باید به میله سوخت تبدیل شود. البته این هم صرفاً بخاطر تعهدی است که دادیم و خود نوعی تنازل از سطح اورانیوم غنی‌شده است زیر بازگشت از میله به اورانیوم غنی‌شده خود کار مشکلی است. اما درباره میله‌های سوخت هنوز تکنولوژی

ما استاندارد نیست و نمی‌توانیم آن را در بوشهر به کار بگیریم؛ پس راه این است که این تکنولوژی را استاندارد کنیم، فرض کنیم این کار ٦ ماه طول می‌کشد، خب بکشد. مگر تا به حال چقدر طول کشیده است؟ راه دیگر این است که اساساً از دولت‌های غربی بخواهیم که اگر می‌خواهید کار سریع‌تر انجام شود، بیایید کمک کنید که این میله‌های سوخت را استاندارد کنیم.

خبرنگار تسنیم از محمدجواد لاریجانی پرسید، آیا این پیشنهاد شما مشخصاً به این معناست که چند ماه خودمان غنی‌سازی را کاملاً تعلیق کنیم تا منابع هدر نرود؟

لاریجانی پاسخ داد: خیر، اصلاً کاری به غنی‌سازی نداریم؛ این اورانیوم‌های غنی‌شده را که فعلاً داریم یا باید به میله سوخت تبدیل کنیم و یا باید اکسید کنیم. مجلس می‌تواند این را تصویب کند که یک گرم از اورانیوم‌های غنی شده نباید به اکسید تبدیل شود؛ بنابراین ذخایر اورانیوم غنی‌شده باید تماماً به میله سوخت تبدیل شوند. برای اینکار مقدمه‌ای لازم است و آن اینکه تکنولوژی آن را ارتقا دهیم و به نظر من ٦ ماه لازم داریم تا تکنولوژی تبدیل اورانیوم غنی شده به میله سوخت را استاندارد کنیم. آقای دکتر صالحی (رئیس سازمان انرژی اتمی) گفته‌اند یک سال یا یک سال و نیم کار دارد، غربی‌ها اگر واقعاً دلشان می‌خواهد ما زودتر کارکنیم، کمک کنند، سه ماهه هم می‌شود این کار را انجام داد. حرف من آن است که ما نباید منابعمان را از دست بدهیم، اینکه گفته‌اند شما می‌توانید غنی‌سازی کنید خیلی خوب است، البته اگر هم نمی‌گفتند این حق ما بود و استفاده کرده و می‌کنیم، اما معنی‌اش این نیست که ما با دست خودمان منابعمان را زباله کنیم. ما باید از این‌ها استفاده کنیم و با کمک سانتریفیوژهای ما استفاده‌های مورد علاقه خود را داشته باشیم. منابعمان را به هیچ وجه نباید از دست دهیم.

تکنولوژی دارای یک روح است؛ نمی‌توانید با آن دستوری برخورد کنید؛ می‌میرد.

وی در ادامه سخنان خود با تأکید بر این نکته که «ما در داخل کشور باید تصور درستی از تکنولوژی داشته باشیم» خاطرنشان کرد: تکنولوژی دارای یک «روح» است، اینگونه نیست که شما به هر شکلی آن را داشته باشید. یک شیر قدرتمند را در یک قفس حبس و یک کاسه غذا هم بگذارید و در قفس را ببندید و بروید؛ یک ماه دیگر که بیایید می‌بینید که آن شیر لاغر شده و بعد از مدتی می‌میرد. ما نمی‌توانیم سر و ته تکنولوژی را بزنیم و بعد بگوییم که ما تکنولوژی داریم! بله الان شیر را داریم اما اگر به همان شکل عمل کنید بعد از مدتی می‌میرد. تکنولوژی روح خود را دارد و یک مسئله کاملاً فنی است و نمی‌توانید با آن دستوری برخورد کنید که چپ

یا راست راه برو.

برخلاف گفته آقای هاشمی، غربی‌ها از ما شفافیت نمی‌خواهند، بلکه تخریب می‌خواهند

بنیانگذار مرکز مطالعات وزارت خارجه با اشاره به اظهارات هاشمی رفسنجانی در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود مبنی بر اینکه «غربی‌ها از ما فقط شفافیت می‌خواهند»، گفت: غربی‌ها باید فقط شفافیت بخواهند، اما متأسفانه نابودی توانمندی ما را می‌خواهند! اگر بنا باشد شفافیت ملاک باشد پس چرا در این توافقنامه اینقدر صحبت از تخریب است؟ مثلاً از ما خواسته‌اند که اورانیوم غنی‌شده را زباله کنیم، خب به این‌که شفافیت نمی‌گویند. برای دستیابی به اورانیوم غنی‌شده مقدار زیادی انرژی هدر کرده و خون‌جگرها خورده‌ایم، امکانات و منابع خودمان را هزینه کرده‌ایم.

مسئله غرب با ما قطعاً شفافیت نیست

لاریجانی با تأکید بر اینکه مسئله غرب با ما شفافیت نیست، خاطرنشان کرد: مسئله آن‌ها توانمندی ایران است. مثلاً درخصوص آب سنگین اراک گفته‌اند باید بازطراحی کنیم، البته این‌یک بحث فنی است و احتمالاً برخی دوستان ما در سازمان انرژی اتمی نظر من را قبول نداشته باشند. اما به نظر من آب سنگین اراک که با پلوتونیوم کار می‌کند باید به همین شکل باشد، چون در آن صورت می‌توانیم از اورانیوم طبیعی به‌عنوان سوخت استفاده کنیم و این برای ما بسیار مناسب‌تر است. این رأکتور، رأکتور کشورهایی است که هنوز درصد پیشرفته تکنولوژی (مانند تکنولوژی تبدیل اورانیوم غنی‌شده به میله سوخت) را ندارند.

اگر بناست در رأکتور اراک اورانیوم غنی‌شده به کار ببریم نام آب‌سنگین به چه دردمان می‌خورد؟

وی با اشاره به اینکه گفته شده است که رأکتور آب‌سنگین اراک را می‌خواهیم به رأکتور دیگری تبدیل کنیم که نامش آب سنگین است ولی با اورانیوم غنی‌شده کار می‌کند، تأکید کرد: خب اگر بناست اورانیوم غنی‌شده را به کار بریم، نام آب سنگین به چه کار ما می‌آید؟

انهدام قلب رأکتور اراک چه معنایی دارد؟

محمدجواد لاریجانی در همین زمینه و در تشریح فنی این موضوع افزود: آب‌سنگین هم خنک‌کننده است و هم ترمزکننده نوترون‌ها، تا فعل و انفعالات زنجیره‌ای (Chain Reactions)

از کنترل خارج نشوند و شرایط بحرانی پایدار بماند. البته علاوه بر نوع رأکتور آب‌سنگین تحت فشار، انواع پیشرفته‌تری وجود دارند؛ مانند نمونه‌ای که هندی‌ها با فلز توریوم (Thorium) انجام می‌دهند و در طبیعت به مراتب از اورانیوم طبیعی فراوان‌تر است. اما همه این‌ها با فلسفه عدم نیاز به اورانیوم غنی‌شده کار می‌کنند. البته آنچه توافق شده این است که در آینده با کمک غربی‌ها یک رأکتور مطالعاتی در حد ۲۰ مگاوات که در آن خنک‌کننده و ترمزکننده آب سنگین باشد و ضمناً سوخت آن می‌تواند اورانیوم غنی‌شده باشد، ساخته شود. در طراحی مفهومی این‌ها آمده است. این یک واحد نقلی، مدرن و جالب است که روی کاغذ است اما واحد اراک «حقیقی» است، با توان خود ما ساخته شده و به مراتب کارآمدی و کارآئی فراتری دارد.

وی ادامه داد: حالا فرض کنیم ما تنازل از رأکتور اراک به این واحد نقلی و لوکس را بپذیریم، چرا نقد را نابود کنیم؟! چند متر آنطرف تر آن واحد نقلی سوپرمدرن که وعده می‌دهند را بسازند و وقتی تحویل دادند، حالا راجع به اراک تا ۱۰ سال توقف کامل می‌دهیم. من کاملاً مطمئن هستم حتی یک قدم غربی‌ها در ساختن آن وعده داده شده برنخواهند داشت و فقط منتظر انهدام رأکتور اراک هستند. آن واحد آزمایشگاهی را هم اگر نیاز داشتیم باید خودمان بسازیم.

تقاضای پرکردن دهلیزهای استوانه رأکتور اراک نهایت تحقیر یک ملت است

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با اشاره به طرح برخی مباحث تحقیرآمیز در توافقنامه هسته‌ای، گفت: می‌گویند شما آن استوانه (VESSEL لوله، مجرا) که فولاد هسته‌ای است را از رأکتور آب‌سنگین اراک بیرون بکشید و تمام دهلیزهای این را که به آن Calandria می‌گویند همه‌اش را با بتن پر کنید

(The calandria will be made inoperable by filling any openings in the calandria with concrete such that the IAEA can verify that it will not be usable for a future nuclear application.)

خب این نهایت تحقیر یک ملت است، چرا ما چنین کاری کنیم؟ به نظر من حتی یک سر سوزنی هم که داریم نباید از بین ببریم. این را بچه‌های ما ساخته‌اند، شما اگر نگران شفافیت هستید بیایید ببینید سوزن به چه دردی می‌خورد؟ ۲۴ ساعته هم مانیتور کنید. این را نمی‌گویند بازتعریف؛ این انهدام اراک است حالا جای آن چیز دیگری ساخته می‌شود که از آن جریان نیست.

مگر دیوانه‌ایم که مرکزی که ۸۰ متر زیر زمین است را تبدیل به آزمایشگاه کنیم؟

لاریجانی با بیان اینکه گفته‌اند فردو که ۸۰ متر زیر زمین است را تبدیل به آزمایشگاه کنیم، اظهار داشت: مگر دیوانه‌ایم که مرکزی که ۸۰ متر زیر زمین است را تبدیل به آزمایشگاه کنیم؟ این چه حرفی است؟ فردو جایی است که ما غنی‌سازی ۲۰ درصدی انجام دادیم، و باید مرکز غنی‌سازی باشد. به نظر من نصف سانتریفیوژهای نطنز هم باید آنجا (فردو) برود. ما وقتی فردو را تعطیل می‌کنیم باید ببینیم منطقش چیست؟ منطق آن‌ها (آمریکا و برخی کشورهای اروپایی) در تقاضای تعطیلی فردو این است که ما آنجا قایم می‌شویم و اگر آن‌ها خواستند ما را ببینند نمی‌توانند؛ ولی اینکه حرف مفتی است؛ ما به آن‌ها می‌گوییم شما بیایید فردو را ببینید.

وی با تأکید بر اینکه منطق واقعی غربی‌ها درباره فردو این است که اگر خواستند یک زمانی از طریق نظامی مراکز هسته‌ای ما را بزنند، دیگر مرکزی زیر زمین نداشته باشیم که زدن آن آسان باشد، اظهار داشت: اقلاً در این موافقت‌نامه باید جایی باشد که در مقابل تبدیل فردو به آزمایشگاه، هرگونه تهدید نظامی علیه کشورمان موقوف و ممنوع باشد. خب این را در مصوبه مجلس بیاوریم. اینکه کاری ندارد. ما باید زحمت بکشیم و متن خوبی را در کنار توافقنامه به‌عنوان فکت‌شیت تصویب کنیم.

این کارشناس برجسته مسائل سیاسی و امور بین‌الملل گفت: من ضمن قدردانی از زحمات دوستانمان در دولت می‌خواهم بگویم که مجلس و نهادهای قانونی مثل شورای عالی امنیت و حتی شورای نگهبان نباید وظیفه‌شان را فراموش کنند. باید در این زمینه و برای تهیه فکت‌شیت بسیار مهم، زحمت بکشند، این بحث مهمی است.

لاریجانی با بیان اینکه «توانمندی هسته‌ای کشور باید حفاظت شود و این حفاظت در توانمندی صرفاً این نیست که چرخ سانتریفیوژ بچرخد» خاطرنشان کرد: بعد از این تواق‌نامه اگر بناست که ما منابع طبیعی خود را زباله (garbage) کنیم، اصلاً غنی‌سازی حرام است. منابع ارزشمند اورانیوم طبیعی را نباید تبدیل به زباله کنیم. هیچ آدم عاقلی چنین کاری می‌کند؟ پس بهتر است همه را متوقف کنید. اتفاقاً غربی‌ها می‌خواهند بگویند متوقف نکنید! شاید بعداً بگویند حتماً باید کار کنید تا منابعتان تبدیل به زباله شود! می‌خواهم بگویم نکات ظریفی در توافقنامه وجود دارد که باید به آن توجه جدی صورت گیرد.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در ادامه این گفتگو با بیان اینکه درباره مسئله تحریم‌ها نیز در برجام نکات مهمی وجود دارد، اظهار داشت: خطری که وجود دارد این است که غرب یک در باغ سبزی نشان داده به‌همراه یک سراب بسیار بزرگ؛ به این معنا که اگر ما این راه را برویم به‌یک‌باره سرمایه و تکنولوژی غرب می‌آید و اقتصاد ما را شکوفا می‌کند؛ البته اگر

این بشود خیلی خوب است اما به‌نظرم قرائن زیادی نشان می‌دهد که این قطعاً نمی‌شود. حداقل ما نباید اقتصادمان را به این سراب وصل کنیم.
معاون اسبق وزارت خارجه کشورمان با تأکید بر «از آنجا که مسئله برداشته شدن تحریم‌ها «غرض محوری» مذاکرات دولت بوده، لذا من این بخش را با تفصیل بیشتری توضیح می‌دهم» خاطرنشان کرد: ممکن است برای عموم مردم مقداری خسته‌کننده باشد اما معتقدم برای مسئولان و فعالان سیاسی، مدیران و مردم تحصیل‌کرده و به‌خصوص دانشجویان و طلاب عزیز مفید است.

مطالب مهم درباره ایراد جدی قطعنامه ۲۲۳۱

مسئولان نکات قطعنامه را بدون مقدمه و مؤخره می‌گویند/ این نکات توسط پیش‌شرط‌ها فشرده شده و جای هرگونه خوشحالی را می‌گیرند

لاریجانی ادامه داد: ابتدا به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل توجه می‌کنیم. بالاترین جایزه داده شده به ایران عبارت‌اند از: در بند ۷(a) تمام تصمیمات قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹ و ۲۲۲۴ خاتمه می‌یابد و در بند ۸ (به‌طور خلاصه) پس از ۱۰ سال کلاً پرونده اتمی ایران در شورای امنیت بسته می‌شود؛ و هردوی این جوایز بر اساس بند ٤١ فصل هفتم منشور سازمان ملل اعطا می‌شود. اگر این دو عبارت شرط مقدم و لوازم مؤخر نداشتند، انصافاً پیروزی بزرگ دیپلماتیک به حساب می‌آمدند. آنچه مسئولان محترم در بیان این دو دستاورد می‌گویند غالباً فارغ از مقدمه و مؤخره است، درحالی که نکته مهم آن است که این دو تصمیم فوق توسط پیش‌شرط‌ها و لوازم آن‌قدر فشرده شده که جای هرگونه خوشحالی را گرفته‌اند.
وی در همین باره افزود: اولاً بند ۷(a) که عروس بندها و تصمیم‌ها برای منافع ما هست، مشروط شده است به «دریافت گزارش آژانس به شورای امنیت» که تفصیل آن در بند ۵ قطعنامه آمده، یعنی صرفاً شورای امنیت منتظر دریافت یک نامه گزارش نیست بلکه مهم است که آقای آمانو در آن چه نوشته است. همچنین در بند ۵ قطعنامه تقاضا کرده است که آژانس به‌محض اینکه «تأیید کند ایران اقدامات تصریح شده در پاراگراف‌های ۱۵٫۱-۱۵٫۱۱ از ضمیمه پنجم موافقت‌نامه جامع را انجام داده» گزارش خود را به شورای حکام آژانس و همزمان به شورای امنیت می‌دهد. محتوای این پاراگراف‌ها تمام بلاهایی را که باید بر سر صنایع هسته‌ای ما بیاید شامل می‌شود: از محدود کردن تعداد سانتریفیوژهای نطنز، تا تخریب اراک و تغییر ماهیت فردو و اکسیدکردن مازاد غنی‌شده و ...؛ پس آنچه به‌عنوان جایزه داده شده بهای سنگین خود را دریافت کرده است. امّا

داستان به همین‌جا هم اگر ختم می‌شد خوب بود.
رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با بیان اینکه اما پس از انجام تعهدات بالا توسط ایران امّا و اگرها شروع می‌شود، اظهار داشت: در قطعنامه ۲۲۳۱، شورای امنیت سازمان ملل به همه اطراف مذاکرات توصیه می‌کند مناقشات مربوط به انجام تعهدات را بین خودشان حل و فصل کنند، درعین‌حال شورا آمادگی دارد که شکایت عناصر وارد در توافقنامه را - که مدعی تخطی جدی باشند - بررسی کند (بند ۱۰ قطعنامه)؛ البته علی‌رغم ظاهر کاملاً بی‌طرفانه این بند، می‌توان به‌راحتی حدس زد که این مکانیزم همواره علیه ایران «غش» کند، همان‌طور که وقیح‌ترین قطعنامه‌ها علیه ایران از همین شورای منحوس صادر شده است.

طبق قطعنامه، آمریکا به هر بهانه‌ای از ایران شکایت کند تحریم‌ها حداکثر طی ۳۰ روز علیه ایران برمی‌گردد

لاریجانی با اشاره به اینکه بندهای بعدی این حدس را کاملاً عیان و روشن می‌کند، اظهار داشت: فرض کنید دولت آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل شکایت می‌کند که ایران تعهدات خود را انجام نداده و تخلف جدی دارد. شورای امنیت بر اساس بند ٤١ فصل هفتم منشور، بر اساس پیشنهاد یکی از اعضای شورا و یا رأساً توسط رئیس شورا، قطعنامه‌ای را مطرح می‌کند که آیا توقف تحریم‌ها که جایزه ایران بود ادامه یابد یا خیر؟ اگر تصویب شد که ادامه یابد و کسی وتو نکرد، البته توقف تحریم‌ها ادامه می‌یابد؛ اما طبیعی است که شاکی که آمریکا بوده حتماً وتو می‌کند این مصوبه را و لذا مصوبه در این مرحله تصویب نمی‌شود؛ اما خوشحالی ایران دوامی ندارد، زیرا حالا نوبت مکانیزم ماشه است! بر اساس بند ۱۲ که آن‌هم مبتنی بر فصل هفتم منشور است، پس از ۳۰ روز که از اخطار شورای امنیت بگذرد، نیمه‌شب به‌وقت گرینویچ! همه تحریم‌ها خودبه‌خود و اتوماتیک برمی‌گردد!
وی اضافه کرد: البته در قبال این اقدام چکشی و یک‌طرفه و تصمیم روشن و قاطع و فصل هفتمی شورا به نفع آمریکا، در بند ۱۳ یک «آخ» مظلومانه‌ای از ایران را هم آورده: شورا «توجه می‌کند» به اعلام نظر ایران که گفته بود اگر تحریم‌ها برگردد، ایران هیچ تعهدی در انجام موافقت‌نامه برای خود در نظر نمی‌گیرد.

شورای امنیت طبق قطعنامه ۲۲۳۱ فقط در حد یک «آخ» گفتن حرف ایران را می‌شنود/ همه تحریم‌ها فقط با یک نامه «شکایت آمریکا» برمی‌گردد

این تحلیل‌گر ارشد مسائل راهبردی افزود: ملاحظه کنید، این نهایت توهین به ایران است؛

یعنی فقط در حد یک «آخ» حرف ایران را می‌شنود و هیچ اعلام تصمیم نمی‌کند. درواقع شورا تصمیم قاطع گرفته است که تمام تحریم‌ها را برگرداند و بر اساس فصل هفتم هم این تصمیم را گرفته است. معنای عبارت «توجه می‌کند به نظر ایران» آن است: «خوب، ما شنیدیم اما هیچ تأییدی نداریم.» حالا این ایران مظلوم است و اراک منهدم شده و انبار اورانیوم غنی‌شده اکسید شده - یعنی زباله شده - و فردوی تعطیل و...؛ و همه تحریم‌ها هم برگشته. همه این امور فقط و فقط با یک نامه «شکایت آمریکا» می‌تواند تحقق پیدا کند!

جالب آنجاست که اگر ایران هم از آمریکا شکایت کند، تحریم‌های ایران برمی‌گردد!!/ ایران اصرار کند «شکایتم را پس می‌گیرم» بازهم فایده ندارد؛ تحریم‌ها برمی‌گردد

لاریجانی ادامه داد: حالا بیایید حالت دیگری را فرض کنیم: فرض کنید ایران طی نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل طرح شکایت کرد که آمریکا و دول غربی تعهدات خود را انجام نمی‌دهند. شورا می‌گوید: «قطعنامه ادامه لغو تحریم‌ها را مطرح می‌کنیم». فرض کنید ایران آن را مطرح کند، معلوم نیست تصویب بشود. ولی فرض کنید در این مرحله به نفع ایران تصویب شد. آمریکا وتو می‌کند و سپس رئیس شورا خود مستقلاً قطعنامه را مطرح می‌کند و اگر تصویب شود آمریکا وتو می‌کند و بلافاصله پس از ۳۰ روز تحریم‌ها برمی‌گردد، یعنی شاکی مظلوم به‌خاطر شکایت خود تنبیه می‌شود! مقایسه کنید: اگر آمریکا شکایت کند ایران تنبیه می‌شود و اگر ایران شکایت کند، بازهم ایران تنبیه می‌شود!! حتی اگر در وسط کار ایران بگوید: «خیر، شکایت را پس می‌گیرم، اصلاً اسب ما از کرّگی دم نداشت.» لکن پروسه ول‌کن نیست و تا آخر می‌رود!

این بخش از قطعنامه ۲۲۳۱ واقعاً شگفت‌انگیز است/ جایزه‌ای که به ایران داده‌اند درواقع «سراب» است

بنیان‌گذار مرکز مطالعات وزارت خارجه با بیان اینکه بدون شک این‌یک مصوبه غیرقابل قبول است و شگفت‌انگیز است که چرا دولت ایران آن را قبول کرده است، تأکید کرد: مجلس شورای اسلامی باید تکلیف این وضعیت را روشن کند.

برخی بندهای قطعنامه ۲۲۳۱ معنای سیاسی بسیار خطرناکی دارد؛ آن‌ها می‌دانستند چه‌چیزی تصویب می‌کنند/ این بند یعنی ایران متهم و درحال تنبیه است و حق زبان‌درازی هم ندارد

رئیس ستاد حقوق بشر با اشاره به «غرض من از تفصیل این بخش آن بود که نشان دهم دو

جایزه بزرگ ایران عمدتاً سراب است و نباید فریب آن را بخوریم» تأکید کرد: حالا در این زمینه بحث فراوان است اما نکته مهم معنای سیاسی بسیار خطرناک این مصوبه است. شورای امنیت و اعضای آن می‌دانستند چه‌چیزی را تصویب می‌کنند. این مصوبه درجه اعلای استکبار و ادعای آقایی و رهبری و سیطره را برای آمریکا اعلام می‌دارد و پایین درجه تسلیم و گرفتاری را برای جمهوری اسلامی! معنای این مصوبه این است که ایران اسلامی حد خود را بداند، ایران یک متهم و محکوم و در حال تنبیه است و آمریکا حاکم و قاضی و مسیطر. ایران باید تلاش کند نظر این «قدر قدرت» را به هر شکل تأمین کند و الّا فقط کافی است یک خط به شورای امنیت بنویسد که ایران تخلف کرده و کار ایران ساخته است، ضمناً ایران نباید از این وضعیت شکوائیه‌ای داشته باشد، حق ندارد، اگر هم زبان‌درازی کند بازهم تنبیه می‌شود! این مورد نمونه‌ای از نمونه‌های مختلف اشکالات اساسی سیاسی در توافقات است.

وی با تأکید بر اینکه مجلس باید این مسائل را بحث و سد کند، گفت: راه‌حل اساسی این است که ما در امر اقتصادی گرفتار سراب و در باغ سبز غرب نشویم و اقتصاد خود را «خوش‌تعریف»، «خوش‌بنیان» و «مقاوم» بسازیم.

حتی با فرض برداشته شدن تحریم‌ها، سرمایه و تکنولوژی غرب به ایران نمی‌آید/ در موافقت‌نامه نکات و عبارات چشمک‌زنی درباره تحریم وجود دارد اما بسیار آسیب‌پذیر است

لاریجانی با بیان «اصلاً با فرض اینکه این تحریم‌ها به‌تدریج برداشته می‌شود من معتقد نیستم که سرمایه و تکنولوژی غرب به کشور می‌آید.» تصریح کرد: البته تحریم‌ها باید برداشته شود و این (تحریم) یک تجاوز آشکار به حقوق ماست. در این موافقت‌نامه درباره تحریم‌ها نکات و عبارات چشمک‌زن و به‌تعبیری سراب وجود دارد، اما در عمل چفت و بسته‌ای بسیار آسیب‌پذیری درباره تحریم‌ها وجود دارد و این دقیقاً چفت و بست‌هایی است که باید در مصوبه مجلس سفت شوند تا دول غربی نتوانند از آن سوء استفاده کنند.

درباره تحریم‌ها گردنه بسیار خطرناکی در توافقنامه وجود دارد

وی با ابراز اینکه آنجایی که در موافقت‌نامه درباره تحریم‌ها بحث شده خوب لیست شده اما در بالای آن یک گردنه بسیار خطرناکی وجود دارد که به‌راحتی می‌تواند همه را کله‌پا کند، اظهار داشت: در اینجا نیز جای سوءاستفاده زیاد وجود دارد. دولت محترم مسیر بسیار سنگلاخی دارد که این‌ها را با غربی‌ها جلو ببرد.

بنیانگذار مرکز مطالعات وزارت امور خارجه با تذکر «ما به هیچ وجه نباید فرض کنیم که

مثلاً این هیئت‌های اقتصادی که به کشور می‌آیند و می‌روند یک راه آسفالت شده جلوی ما گذاشته‌اند» گفت: البته خوب است که این هیئت‌ها می‌آیند و می‌روند و شما هم نظر من را می‌دانید که من طرفدار گفتگو با دنیا هستم، تعاملات دیپلماتیک خوب است، منتها منافع ملی‌مان را نباید تابع این‌ها بدانیم.

لاریجانی همچنین با تأکید بر «اگر فکر کنیم که تکنیک مذاکره و این روش‌ها ما را به‌جایی رسانده اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ایم» تصریح کرد: در همه‌جای دنیا مذاکره سبد است، توانمندی ملی و منافع ملی است که در آن سبد، میوه‌اش باید گذاشته شود.

۸ تا ۱۰ بند قطعنامه ۲۲۳۱ ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل است/ نمی‌خواهند شمشیرشان را از گردن ما بردارند

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که پس از برجام و در تأیید آن صادر شد، اظهار داشت: در این قطعنامه به‌خصوص بند ۱۲ آن مکانیزمی پیش‌بینی شده است. بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ مبتنی است بر بند ۴۱ فصل هفتم که نشان می‌دهد آن‌ها شمشیرشان را نمی‌خواهند از گردن ما بردارند. درست است که کل قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل نیست اما ۸ تا ۱۰ موردش ذیل بند ۴۱ فصل هفت قرارگرفته است.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ادامه داد: اگر از من بپرسید، این قطعنامه فصل هفتمی است به‌معنایی که در انتهای مقدمه‌اش (PREAMBLE) نوشته باشد ما بر اساس فصل هفت تصمیم می‌گیریم (Acting under Chapter VII)، این‌گونه نیست که فصل هفتمی باشد، منتها از موارد فصل هفتمی در آن جاهایی که جدی می‌شود، کاملاً مانند خنجری است که بیرون می‌کشند و آن دندان‌های شیطانی‌شان را به ما نشان می‌دهند.

لاریجانی با بیان اینکه مکانیزم آسیب‌پذیر در مسئله تحریم‌ها می‌تواند لوس‌بازی و شیطنت‌های طرف مقابل را به‌همراه داشته باشد، خاطرنشان کرد: لحظه به لحظه آژانس باید به‌طور موازی به شورای امنیت گزارش بفرستد. اصلاً لازم نیست که آژانس نظر منفی دهد بلکه شورای امنیت هم می‌تواند نظر منفی دهد و این بستگی به ترکیب شورا دارد. هیچ کدام هم با وتو نیست؛ شورای امنیت می‌تواند خودش تصمیم بگیرد و آن را برگرداند. به‌نظرم بازگشت‌پذیری جای قابل بحث در همین قطعنامه است و این از آن جاهایی است که قطعنامه قابل تفسیر است. بعضی از دوستان وزارت خارجه هم این را قائل هستند. به‌نظر من مجلس باید تمام راه‌های تفسیرهای مخلّ به اصل قرارداد را در همین مصوبه که عرض

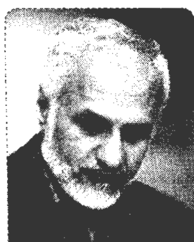
کردم، بلاک کند.

می‌خواهند با نشان دادن سراب، اقتصاد ایران را معطل کرده و آسیب‌پذیری ما را بالا ببرند/ با عبارتی که در قطعنامه و موافقت‌نامه درباره سلاح هسته‌ای آمده موافق نیستم/ فتوای مقام معظم رهبری را درست علیه ما به کار گرفته‌اند

رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضائیه با ابراز «درباره تحریم‌ها اگر آنان بتوانند اقتصاد ما را با نشان دادن یک سراب معطل کنند، آسیب‌پذیری نظام را از نظر اقتصادی بالا برده‌اند و طبیعتاً این مسئله برای اغراضشان در درازمدت بهتر است» گفت: در مورد سلاح هسته‌ای نیز آن‌ها می‌دانستند که ما دنبالش نیستیم. هرچند من با عبارتی که در قطعنامه و موافقت‌نامه دراین‌باره آمده است اصلاً موافق نیستم. بینید در این توافقنامه و قطعنامه فتوای مقام معظم رهبری درست علیه ما به کار گرفته شده است. آقا فتوا دادند که به‌کارگیری، تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی حرام است اما عبارتی که در آنجا به کار رفته این است که ایران تعهد می‌دهد تحت هیچ شرایط و هیچ وضعیتی به‌سمت سلاح اتمی نرود. خوب، ما دنبال سلاح اتمی نمی‌رویم اما باید در مقابل این مسئله چیزی هم نوشته شود مبنی بر اینکه ما هم نباید مورد تهاجم و تهدید اتمی قرار بگیریم.

عبارتی که در برجام و قطعنامه آمده از ما یک عروسک ساخته است

لاریجانی ادامه داد: شما فرض کنید خدای‌نکرده ما مورد تهاجم اتمی قرار بگیریم؛ معنای فتوا که این چیزی که این‌ها می‌گویند نیست، ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، منتها آن عبارتی که آنجا نوشته‌اند از ما یک عروسک ساخته است، ما آدم توانمندی هستیم و کسی نباید جرئت تهاجم اتمی به ما داشته باشد. تهاجم اتمی به ما فقط از طریق نتانیاهو نیست، ژاک شیراک وقتی رئیس‌جمهور فرانسه بود، رسماً ایران را به حمله نظامی تهدید کرد؛ بنابراین غربی‌ها هر وقت زیادی سرمست می‌شوند می‌توانند تهدید کنند. این عبارت به این کلّیت اگرچه ممکن است به‌شکل محتوایی مورد قبول باشد ولی آمدنش در توافقنامه یا قطعنامه به‌مصلحت نیست. مجلس می‌تواند به این بند اضافه کند: هیچ کشوری نباید ایران را مورد تهاجم اتمی قرار دهد و اگر مورد تهاجم اتمی قرار بگیریم هیچ تعهدی به هیچ چیزی نخواهیم داشت.



تبیین استراتژیک برجام و رخنه در ساختار قدرت و امنیت جمهوری اسلامی[1]

▫ دکتر حسن عباسی
رئیس مرکز بررسی‌های دکترینال امنیت بدون مرز (اندیشکده یقین)

مقدمه

تبیین «برجام» و «قطعنامه‌ی ۲۲۳۱» از منظر حقوقی ـ سیاسی، از دیدگاه دیپلماتیک، از زاویه فنی ـ هسته‌ای، و از بُعد اقتصادی ـ تجاری، بررسی شده و در سطح محافل علمی و رسانه‌ای، به نقد و نظر گذاشته شده، اما بُعد ارزیابی استراتژیکی آن صورت نگرفته است. تبیین برجام و قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ از منظر استراتژیکی، در یک کلان‌نگری و نگرش سیستمی، سه وجه و ضلع کلی دارد:

۱. ضلع توان هسته‌ای ایران و آنچه در مذاکرات به تصویب رسیده است.

۲. ضلع توان اقتصادی ایران و آنچه در مذاکرات در حوزه تحریم به تصویب رسیده است.

۳. ضلع توان دفاعی ـ امنیتی ایران و آن‌چه در مذاکرات و در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ به‌عنوان تعهد و تحدید توان دفاعی ـ تسلیحاتی ایران رقم خورده است.

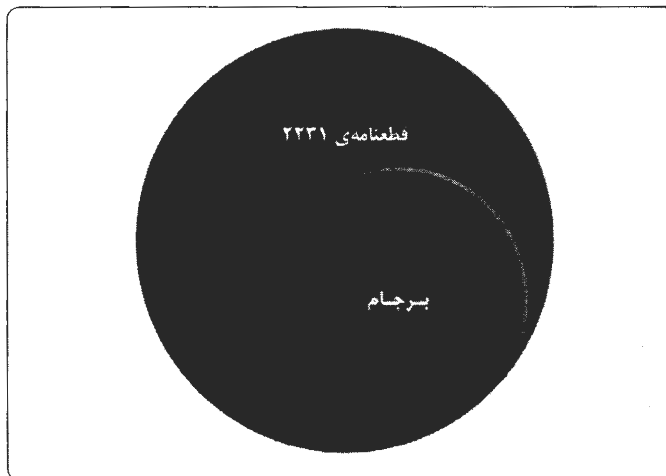
چهارچوب نظری برای تحلیل برجام و قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، پروژه رسمی SSR ایالات متحده درباره جمهوری اسلامی ایران است. آن‌چه مدام از سوی اوباما و جان کری و دیگر مسئولان آمریکا نسبت به موضع منتقدان آمریکایی ـ صهیونیستی توافق وین (برجام) مطرح می‌شود این است که توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۱، امنیت رژیم صهیونیستی را تضمین می‌کند و موجب تغییر رفتار جمهوری اسلامی در منطقه خواهد شد، کنایه از تحقق پروژه SSR در قالب مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ است. «قطعنامه‌ی ۲۲۳۱» اعم از «برجام» است و عصاره هفت قطعنامه قبلی علیه برنامه هسته‌ای ایران محسوب می‌شود؛ عملاً آن‌چه در قطعنامه‌های پیشین زائد

---

[1] - رجا، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۷، کد خبر: ۲۱۸۲۷۲

بـود و ناکارآمد، در ایـن قطعنامـه حـذف و ابعـاد اثربخـش آن، هم‌چنـان حفـظ شـده اسـت.

مبتنـی بـر چهارچـوب نظـری پـروژه SSR علیـه ایـران، ارزیابـی اسـتراتژیکی برجـام و قطعنامـه‌ی ۲۲۳۱ حاکـی از واگـذاری «یقـه‌ی جمهـوری اسـلامی» بـه دشـمن در محورهـای متعـددی اسـت، و حکایـت از پیدایـش رخنه‌هـا و منفذهـای امنیتـی متعـددی در سـاختار قـدرت و امنیـت جمهـوری اسـلامی دارد، به‌گونـه‌ای کـه «شمشـیر داموکلـس» شـورای امنیـت، بـالای سـر جمهـوری اسـلامی قرارگرفتـه اسـت.



چهارچوب نظری استراتژی دشمن: پروژه‌ی SSR آمریکا علیه ایران

ایالات‌متحـده در دو دهـه اخیـر، در ذیـل مقـررات بین‌الملـل و بـا پشـتوانه سـازمان ملـل، در کنـار طـرح پـروژه‌ی DDR گروه‌هـای مقاومـت اسلامی در منطقـه، پـروژه‌ی SSR ایـران و سـوریه و عـراق را در دسـتور کار قرارداد، اما تاکنـون امکان عملیاتـی نمودن تعاملی آن را نیافتـه بـود. اکنـون مبتنـی بـر برجـام و سـپس بـر مبنـای قطعنامـه‌ی ۲۲۳۱ امـکان عملـی نمـودن پـروژه‌ی SSR را یافته‌انـد، و رخنـه و منفـذی بـرای تحقـق آن پیـدا کرده‌انـد.

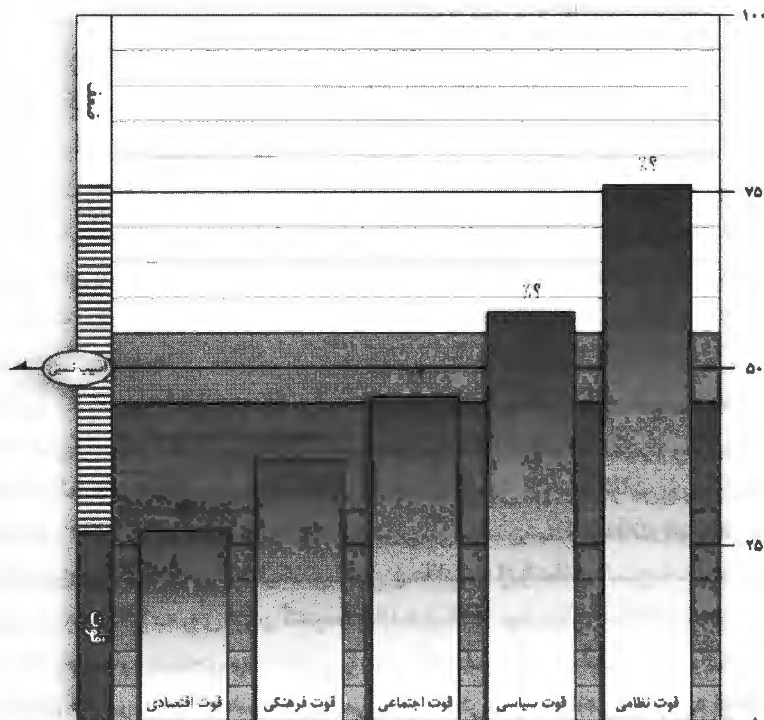
طرح SSR به معنی «رفرم اجزاء و قطعات قطاع امنیت» کشورِ هدف است.

پـروژه (SSR (Security Sector Reform طرحـی بـرای در هـم شکسـتن مقاومـت یـک جامعـه محسـوب می‌شـود. هیـچ کشـوری منابـع پنج‌گانـه قـدرت ارگانیکـی (فرهنگـی، سیاسـی، اقتصـادی،

اجتماعی، دفاعی- نظامی) هم‌سطح و هم‌ترازی ندارد؛ از این‌رو در یک حوزه قدرتمندتر و در حوزه‌ای دیگر ضعیف‌تر است.

سازوکار پروژه SSR به این‌گونه است که منابع پنج‌گانه قدرت کشورِ هدف، ارزیابی شده، سپس مشخص می‌شود که هر کدام از این منابع قدرت در چه سطحی هستند و بلندترین و پایین‌ترین سطح قدرت در کدام حوزه است؛ آنگاه با سازوکارهای خاص خود، قوی‌ترین منبع قدرت را آن‌قدر تحت فشار قرار می‌دهند و فرسوده می‌کنند تا به سطح چهارم برسد، سپس در مرحله بعد این دو سطح را باهم تحت فشار قرار می‌دهند تا به سطح سوم برسد و به همین ترتیب این روند تا آنجا طی می‌شود که همه سطوح قدرت به پایین‌ترین سطح برسند.

حال اگر به‌جای منابع پنج‌گانه قدرت ارگانیکی، منابع دوگانه قدرت سایبرنتیکی (اطلاعات و انرژی) مطرح باشد نیز به همین منوال عمل می‌شود.



قوت نظامی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی موجب شده است که ایران در درون و بیرون از کشور خود، نهضت اسلامی و هم‌چنین استقلال از نظام سلطه را به پیش ببرد. پروژه SSR پروژه‌ای حقوقی- استراتژیک است که قوت‌های برتر کشور هدف را می‌فرساید و در نتیجه، توان امنیتی آن را در اجزاء قطاع آن به مرور کاهش داده و زمین‌گیر می‌سازد. سپس با پدیده آشوب‌های درونی، جنبش‌های مخملی، و تروریسم تکفیری، موفق می‌شود تراز امنیتی آن کشور را از طریق «کاهش تراز اجزاء قطاع قدرت آن»، پایین آورد و آن را تضعیف نماید.

سابقه

در دوره بیل کلینتون که استراتژی مهار دوجانبه (علیه ایران و عراق) از سوی کاخ سفید مطرح شد، مثلث کلینتون، ال‌گور (معاون رئیس‌جمهور) و کوهن (وزیر دفاع)، اصرار بر تحقق SSR ایران و عراق و DDR جنبش مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین داشتند.

در دوره ۱۸ سال گذشته، عمده فعالیت‌های حقوقی.بین‌المللی آمریکا در سازمان ملل ازجمله طرح تحریم‌های گسترده علیه ایران معطوف به ایجاد اهرم‌های فشاری برای کشاندن ایران به پای میز مذاکرات و سپس تحمیل تعهدات گسترده و عمیق به ایران برای تحقق SSR بود. تا هنگام تصویب قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ در تیرماه ۱۳۹۴ این امکان برای غرب فراهم نشده بود. هر بار قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران تصویب می‌شد، ایران آن‌را نمی‌پذیرفت و عملاً ارتباط جهان استکبار را با ایران محدودتر می‌کرد. در ۱۳۸۷ غرب متوجه این نقیصه شد. از این‌رو گرهارد شرودر صدر اعظم پیشین آلمان را در جوار عامل دیپلماسی عمومی آلمان یعنی دکتر سمیعی جراح معروف مغز، به ایران اعزام نمودند. گرهارد شرودر در هر دو مصاحبه‌ی اصلی خود در ایران روی یک نکته تکیه کرد؛ «ایران بدون هیچ پیش‌شرطی، با غرب مذاکره کند.»

اگر غرب به تحریم، فشار و تهدید رو آورد، و مدام قطعنامه علیه ایران تصویب کند، ایران سقوط نمی‌کند و در مقابل روزبه‌روز از غرب دورتر شده و در نتیجه تأثیر پروژه‌ی SSR که جوهر آن، تعامل براندازانه غرب علیه ایران است، به حداقل می‌رسد. از این‌رو پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، که محصول توافق وین و نشست‌وبرخاست منتج‌شده به «برجام» هست، اکنون پروژه‌ی SSR به‌طور اتوماتیک عملیاتی شده است؛ زیرا تعامل گسترده غرب با اقتصاد ایران، دروازه SSR را به روی ایران گشوده، و از سوی دیگر مهار توان هسته‌ای ایران در دست غرب، اهرم فشار و زمینه‌ی بهانه‌جویی را برای او محفوظ داشته است. تنها بخش قدرت ملی ایران که غرب در آن حضور و نفوذ نمی‌یابد، بخش قدرت دفاعی است که قطعنامه‌ی

۲۲۳۱ تمهیدات لازم را برای مهار آن فراهم ساخته است. اگر مقام مسئولی در تیم مذاکره ایران مدعی شود که بخش‌هایی از قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ را نمی‌پذیریم، پس عملاً مدعی است که «قطعنامه‌های سازمان ملل، کاغذپاره‌ای بیش نیست.»

قاعده نفی سبیل

مبنای فقهی سیاست خارجی انقلاب اسلامی، قاعده‌ی «نفی سبیل» است. قرآن کریم تأکید فرموده که «وَ لَن یجْعَلَ الله لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» خدا هیچ راهی را برای سیطره و غلبه کفار بر مؤمنان قرار نداده است. قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ بسترساز پروژه‌ی SSR است و این پروژه زمینه‌ی نفی قاعده‌ی «نفی سبیل» است. مگر در وزارت امور خارجه‌ی ایران دو نکته‌ی دیگر مطرح باشد:

۱- آمریکا و قدرت‌های استکباری، مصداق کفر جهانی نبوده و سیطره، هژمونی و استیلای آن‌ها بر ایران، مصداق قاعده‌ی مزبور نیست.

۲- یا این‌که اساساً وزارت امور خارجه‌ی ایران مبتنی بر قاعده‌ی «نفی سبیل» عمل نمی‌کند.

فرمول مذاکرات برد ـ برد

بررسی «برجام» و «قطعنامه‌ی ۲۲۳۱» از منظر پروژه‌ی SSR آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، در قالب فرمول مذاکرات هسته‌ای امکان‌پذیر است.

الف ـ داده‌ها در مذاکرات: واگذاری و مهار توان تکنولوژیک هسته‌ای.

ب ـ ستانده‌ها در مذاکرات: رفع بخشی از تحریم‌های مالی ـ تجاری کشورهای سلطه‌گر.

ج ـ پیامدهای داده‌ها و ستانده‌ها: مهار فعالیت‌ها و توان دفاعی ـ امنیتی ایران، و اشراف اطلاعاتی دشمنان.

هرم SSR در ترازشناسی قدرت ملی ایران

مبتنی بر فرمول مذاکرات (داده ـ ستانده ـ پیامد) هرم SSR شکل گرفته است و در ترازشناسی قدرت ملی ایران، با کاهش توان هسته‌ای، بخشی از تحریم‌ها رفع خواهد شد، اما پیامد آن این است که توان دفاعی ـ امنیتی نیز کاهش یافته و مهار می‌شود؛ یعنی آنچه که در مبحث داده و ستانده مطرح نبوده است (توان دفاعی ـ امنیتی) عملاً «داده اصلی» از سوی ایران در مذاکرات و «ستانده واقعی» از سوی استکبار جهانی است.

پروژه‌ی SSR
در دوره‌ی ۱۰ ساله
Security Sector Reform
مبتنی بر
برجام و قطعنامه ۲۲۳۱

۱ داده
توان تکنولوژیک هسته‌ای

۱- رقیق‌سازی و مینیاتوریزه کردن توان تکنولوژیک هسته‌ای ایران.

۲- مهار و کنترل تکنولوژی هسته‌ای ایران.

۳- واگذاری عنان تکنولوژی هسته‌ای ایران به نظام سلطه به عنوان عاملی برای تحقق «مکانیزم ماشه».

۴- تحقق اشراف اطلاعاتی دشمن، بر توان تکنولوژیک، بویژه توان هسته‌ای ایران.



الف- داده

در مذاکرات مقرر شد که ایران برای اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای خود، آن‌را کاهش داده و در بخش‌های عمده‌ای عملاً متوقف نماید و کاملاً آن‌را تحت نظارت و کنترل نظام سلطه درآورد. آنچه مبتنی بر «برجام» و «قطعنامه‌ی ۲۲۳۱» از سوی ایران واگذار شده است، چهار بخش کلی را در بردارد:

۱- رقیق‌سازی و مینیاتوریزه کردن توان تکنولوژیک هسته‌ای ایران، به مدت حداقل ۱۰ سال.

۲- مهار و کنترل تکنولوژی هسته‌ای مینیاتوریزه شده‌ی ایران، به مدت حداقل ۱۰ سال.

۳- واگذاری عنان تکنولوژی هسته‌ای ایران به دشمن به‌عنوان عامل و اهرم فشاری برای تحقق استراتژی «مکانیزم ماشه» در شورای امنیت سازمان ملل متحد.
(مواردی مانند بند ۱۲ اعمال مفاد قطعنامه‌های پیشین در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، ذیل بند ۴۱ منشور ملل متحد زمینه تحقق مکانیزم ماشه است.)
۴- تحقق اشراف اطلاعاتی دشمن، بر توان تکنولوژیک، به‌ویژه هسته‌ای ایران.

ب- ستانده

در مقابل کاهش و توقف بخش عمده‌ای از فعالیت هسته‌ای، مقرر شد که استکبار جهانی بخشی از تحریم‌های ایران را حذف کند. وزارت خزانه‌داری آمریکا، در دوره ۱۳۸۵_۱۳۷۳ بالغ بر ۲۵.۰۰۰ قرارداد و معامله تجاری کشورهای مختلف را با ایران منتفی ساخت و در بازه ۱۳۹۴_۱۳۸۶ این رقم را با کنترل و شدت بیشتری در جهان اعمال نمود و بیش از ۵۰.۰۰۰ قرارداد و معامله تجاری کشورها با ایران را ملغی نمود.
این رقم، بیش‌ترین حجم خنثی‌سازی مراودات تجاری در «اقتصاد تحریم» در جهان است که باهمه تحریم‌های کوبا، عراق (عصر صدام)، کره شمالی، بلاروس و روسیه برابر بوده و عملاً به مقاومت اقتصادی مردم ایران تبدیل‌شده و زمینه‌ی ظهور و بروز استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران گردید که در قالب «دکترین اقتصاد مقاومتی»، می‌رفت که به الگویی ویژه در جهان بدل شود.
اما تلاش طرف مذاکره‌کننده ایرانی برای زدودن تحریم‌ها در برابر کند نمودن رشد توان هسته‌ای کشور، فرصت طلایی برای استکبار جهانی پدید آورد تا دستاورد زیست در محاصره اقتصادی که «فرهنگ مقاومت اقتصادی» و توجه به ظرفیت‌های درونی و خودباوری در «توانستن» است را مورد هجوم قرار دهد. درواقع دستاورد رفع کانالیزه‌شده تحریم برای نظام سلطه این است: «زمینه‌سازی شرایط ویژه برای حمله به استراتژی امام خامنه‌ای مدّظله‌العالی در حوزه دکترین مقاوم‌سازی اقتصاد در چهارچوب اقتصاد مقاومتی.»
هم‌چنین گشایش تعامل نظام مالی .بانکی ایران با نظام مالی استکبار جهانی، بستر ویژه‌ای برای شکل‌گیری سازوکار «جنگ ارزی» در سال‌های آینده با جمهوری اسلامی است، زیرا مادامی که ارتباطات مالی- بانکی به دلیل مقررات تحریم اقتصادی بین ایران و غرب کم و ناچیز بود، امکان نبرد ارزی نیز محدود بود، اما برای تأثیرگذاری بر ارز کشور هدف (در شرایطی که امروزه جهان به کارزار جنگ بین ارز کشورها بدل شده است) باید با نظام مالی و بازار پول آن کشور ارتباط داشت.

از سوی دیگر، هجوم ملخ‌وار گرگ‌های گرسنه اقتصادِ در حال رکود غرب به بازار ایران، بستر مناسبی برای سرویس‌های اطلاعاتی غرب در تحقق اشراف اطلاعاتی مالی- اقتصادی و تجاری نسبت به قدرت اقتصادی جمهوری اسلامی را فراهم می‌سازد. این نکته، ضریب امنیت اقتصادی در امنیت ملّی جمهوری اسلامی را کاهش می‌دهد.
در مجموع، رفع تحریم‌ها در بخشی محدود مرتبط با پرونده انرژی هسته‌ای ایران، به دلیل فقدان استراتژی مشخص در دولت برای وضعیت پساتوافق و پساتحریم، اقتصاد جمهوری اسلامی را با معضل جدیدی روبرو می‌سازد: عبور از «کاسبان تحریم» به «کاسبان توافق» یا «کاسبان پساتحریم».

کاسبان تحریم

۱- دولت ایران: چون در تحریم هستیم، پس نمی‌توانیم خدمات‌رسانی کنیم.
۲- تجار و دلالان داخلی: پدیده‌هایی چون بابک زنجانی.
۳- صرافان و دلالان ارز.
۴- کشور چین.
۵- کشور روسیه.
۶- کشورهای اتحادیه اروپا.
۷- کشورهای درجه ۲ در روابط تجاری ایران: هند، ژاپن، کره جنوبی و . . .

کاسبان پساتحریم

۱- دولت ایران.
۲- تجار و دلالان سنتی.
۳- تجار و دلالان جدید و نوظهور.
۴- کشور آمریکا (به‌ویژه در صنعت هوایی و ...).
۵- کشور فرانسه (به‌ویژه در صنعت خودرو و ...).
۶- کشور آلمان.
۷- کشور انگلیس.
۸- کشور ایتالیا.
۹- کشور روسیه (به‌ویژه در صنعت نظامی و ...).
۱۰- کشور چین (به‌ویژه در صنعت هسته‌ای و ...).

۱۱- کشورهای لایه دوم: هند، ژاپن، کره جنوبی، ترکیه و ... .

در نتیجه، «کیک بازار ایران» در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ از سوی تحریم گران در یک توافقِ نانوشته، تقسیم شده است؛ استعاره آن این است که ابن‌زیاد، ابن‌سعد و شمر، پس از بستن آب به روی یاران امام حسین (ع) در کنار نهر علقمه، بطری‌های آب خود را برای عرضه و فروش به حضرت ابوالفضل (ع) چیده باشند.

البته باید متوجه این نکته بود که تحریم‌ها تاکنون «ظالمانه» خوانده می‌شد؛ اکنون اما تحریم‌کننده‌ها ضمن این‌که به بازار ایران هجوم می‌آورند، هم چنان تحریم‌هایی را علیه اشخاص و نهادهای گوناگون انقلاب اسلامی محفوظ می‌دارند، که طبیعتاً این تحریم‌ها را باید «تحریم‌های عادلانه» نامید!

مؤلفه‌های حوزه «ستانده» پنج موضوع کلی را در بر می‌گیرد:

۱. خنثی‌سازی عملی و روانی فرهنگ «ما می‌توانیم» و «توانستیم» و «خدا می‌خواهد».

۲. ممانعت از تحقق مقاوم سازی اقتصاد ایران در دکترین اقتصاد مقاومتی.

۳. فراهم سازی مقدمات سیستماتیک زمینه برای آغاز جنگ ارزی علیه ایران در سال‌های آتی.

۴. تحقق اشراف اطلاعاتی دشمن بر توان مالی، تجاری و اقتصادی ایران.

۵. رشد فرهنگ مصرف و پدیده سبک زندگی بورژوایی در مردم ایران و در نتیجه کاهش روحیه مقاومت و استکبارستیزی.

ج- پیامد

«داده» های توان هسته‌ای، «ستانده» های اقتصادی در رفع بخشی از تحریم را در برداشت. به این «به‌ده-بستان» عنوان «برد- برد» نهاده شد.

اما این بده- بستان، یک ضلع سوم دارد: پیامدهای این بده- بستان.

پیامدهای «بده- بستان» مذاکرات اخیر، عمدتاً در حوزه دفاعی- امنیتی انقلاب اسلامی خود را می‌نمایاند و اثرات مخرب آن در ماه‌ها و سال‌های آینده به معضلی کلیدی در امنیت ملّی جمهوری اسلامی تبدیل می‌گردد.

درواقع از رهگذر توافق وین، مشکلاتی از کشور حل شده و مشکلات جدیدی پدیدار خواهد گردید؛ نسبت «آنچه حل شد» و «آنچه به‌گونه‌ای نوظهور حادث می‌شود» قطعاً نسبت متوازنی نیست. درواقع، ساده‌انگاری است که کسی «داده» و «ستانده» را محصور به مباحث فنی هسته‌ای و حوزه‌های رفع‌شده در تحریم نماید. در صورتی‌که ظاهراً با یک «داده» ی اولیه

(در کاهش توان هسته‌ای) روبه‌رو بوده، و با یک «ستانده» (در کاهش بخشی از تحریم‌ها) مواجه هستیم، اما عملاً یک «داده» ی ثانویه هم وجود دارد: کاهش توان دفاعی- امنیتی. اگر مقام مسئولی بگوید: «ضمانت اجرا ندارد و نمی‌پذیریم» در این صورت از نظر حقوقی مشکلات جدیدی مبتنی بر قطعنامه ۲۲۳۱ ظهور و بروز می‌یابد.

برای نمونه، همان گونه که در بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ موضوع توان موشکی بالستیکی ایران هدف قرار گرفت، اکنون در قطعنامه ۲۲۳۱ نیز توان موشکی بالستیکی مجدداً آماج دشمن واقع شده است.

همچنین در قطعنامه ۲۲۳۱ فروش تسلیحات به ایران ذیل نظارت سازمان ملل متحد دیده شده و خرید سلاح از ایران نیز کاملاً کانالیزه شده است که به نظر می‌رسد با توجه به عدم تمرکز جمهوری اسلامی بر تجارت صنعتِ دفاعی، هدف طرح این موضوع در قطعنامه ۲۲۳۱، موضوع کمک ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی است. پیامدهای «بده- بستان» مذاکرات منتج به توافق برجام، چهار مؤلفه کلیدی در حوزه دفاعی- امنیتی دارد:

۱. مهار فعالیت‌های دفاعی بومی (موشکی) که محصول داخل کشور است.

۲. مهار و کنترل فروش تسلیحات ایران، با هدف مهار کمک ایران به نهضت‌های مقاومت اسلامی.

۳. مهار و کنترل خرید تسلیحات از سوی ایران.

۴. تحقق اشراف اطلاعاتی دشمن بر حوزه‌ی دفاعی- امنیتی نیروهای انقلاب اسلامی ایران.

نتیجه

در مذاکرات اخیر که منتج به توافق وین (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گردید، قاعده این است:

۱- داده‌ی اولیه: توقف و کاهش بخش‌های قابل توجهی از توان و ظرفیت هسته‌ای کشور

۲- ستانده: رفع بخشی از تحریم‌های مالی، تجاری و اقتصادی از سوی استکبار جهانی

۳- و پیامد (داده‌ی ثانویه): مهار و کنترل توان دفاعی- امنیتی کشور خواهد بود «مبتنی بر پذیرش تعهدات، محدودیت‌ها و فشارهای وارده که در ماه‌ها و سال‌های آتی، مشکلات عدیده‌ای را برای کشور به بار خواهد آورد.»



گل‌هایی که قطعنامه ۲۲۳۱ به امنیت ملی، اقتدار منطقه‌ای و منافع ملی زده است

دکتر رضا سراج
کارشناس مسائل راهبردی و عضو هیئت علمی دانشگاه

به نظر می‌رسد قطعنامه ۲۲۳۱ تهدید، تحقیر و تحمیل را به جمهوری اسلامی ایران فرموله ساخته و برآیند آن می‌تواند منجر به وادارسازی ایران به بازی در پلان B و پذیرش «توافق بد» گردد.

مقدمه

نگارنده در یادداشت قبلی با عنوان «فرمول جدید آمریکا برای تحمیل توافق بد به ایران» متذکر شده بود که طرف‌های غربی به‌ویژه آمریکا، برای رهایی از بن‌بست خودساخته در موضوع هسته‌ای ایران، سعی دارند با رونمایی از توافق در پلان A، توپ را در زمین ایران انداخته و توافق بد را در پلان B به جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمایند.
قدرت‌های سلطه‌گر در ادامه سناریوی خود برای تحمیل توافق بد به ایران، ابتدا افکار عمومی را متوجه توافق رونمایی شده در پلان A نمودند و سپس درحالی‌که افکار عمومی انطباق توافق رونمایی شده با خطوط قرمز را جستجو و بررسی می‌نمود، تخم‌مرغ‌های اصلی برای تحمیل توافق بد به جمهوری اسلامی ایران را در سبد قطعنامه ۲۲۳۱ گذاردند.
در این راستا تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت سازمان ملل ناظر بر کلید خوردن پلان B و وادارسازی جمهوری اسلامی ایران در این پلان است.
تعجیل هرچه بیشتر طرف‌های غربی (قبل از مصوب شدن برجام در پایتخت‌های ذی‌ربط) برای تصویب قطعنامه جدید و شادمانی منحصربه‌فرد نماینده آمریکا هنگام تصویب قطعنامه، بیش‌از پیش این واقعیت را آشکار می‌سازد.

در ایـن نوشـتار بـا بررسـی آثـار و تبعـات قطعنامـه ۲۲۳۱ بـر روی امنیـت ملـی، اقتـدار منطقـه‌ای و منافـع ملـی، گل‌هـای زده طرف‌هـای مقابـل مـورد بازشـماری قـرار می‌گیـرد.

گل اول: الزام ایران به اجرای برجام از طریق قطعنامه ۲۲۳۱

طرف‌هـای غربـی به‌ویـژه آمریکا بـا علـم بـه ایـن مهـم کـه عبـور صریـح و آشـکار از خطـوط قرمـز جمهـوری اسـلامی در جمع‌بنـدی نهایـی، مانـع از تصویـب و اجـرای آن توسـط ایـران می‌شـود، ابتدا موضوعـات اصلـی را بـه پیش‌نویـس قطعنامـه منتقـل سـاخته و بـا تصویـب آن، سـعی نمودنـد مفـاد برجـام و قطعنامـه را در التـزام همزمـان قـرار دهنـد به‌عبارت‌دیگـر قطعنامـه بـه برجـام بـا حقوقـی بخشـیده و آن‌را الـزام‌آور می‌سـازد. در حقیقـت در پـلان B برجـام بخشـی از یـک پیوسـت بـرای قطعنامـه ۲۲۳۱ می‌گـردد.

بدیـن ترتیـب و برخـلاف اظهارنظـر رسـمی، مبنـی بـر الـزام‌آور نبـودن قطعنامـه ۲۲۳۱، در مـاده ۱۴ مقدماتـی آن تصریـح می‌شـود کـه «کشـورهای عضـو موظـف هسـتند بـر اسـاس مـاده ۲۵ منشـور سـازمان ملـل متحـد، تصمیمـات شـورای امنیـت را پذیرفتـه و اجـرا کننـد».

همچنیـن بنـد ۱ قطعنامـه، اجـرای طـرح جامـع اقـدام مشـترک را تائیـد می‌کنـد. ایـن بنـد عملاً برجـام را بـدل بـه بخشـی از تعهـدات بین‌المللـی ایـران می‌سـازد. ازایـن‌رو عـدم مخالفـت صریـح و رسـمی بـا قطعنامـه ۲۲۳۱ بـه معنـای پذیـرش برجـام و وادارسـازی ایـران بـه بـازی در پـلان B خواهـد بـود.

برخـلاف اظهارنظـر رسـمی، مبنـی بـر الـزام‌آور نبـودن قطعنامـه ۲۲۳۱، در مـاده ۱۴ مقدماتـی آن تصریـح می‌شـود کـه «کشـورهای عضـو موظـف هسـتند بـر اسـاس مـاده ۲۵ منشـور سـازمان ملـل متحـد، تصمیمـات شـورای امنیـت را پذیرفتـه و اجـرا کننـد».

گل دوم: باز شدن دست آژانس در موضوع نظارت‌ها و بازرسی‌ها

قطعنامـه ۲۲۳۱ سـازوکار دور زدن خطـوط قرمـز جمهـوری اسـلامی ایـران اسـت. در بنـد ۲ اجـرای تصریـح می‌شـود زمانـی کـه آژانـس مشخص‌شـده حـل کنـد. ایـران بایـد همـکاری کاملـی داشـته باشـد.

ایـن بنـد از یک‌سـو ایـران را ملـزم می‌کنـد در برابـر درخواسـت‌های آژانـس پاسـخگو بـوده و از سـویی دیگـر دسـت آژانـس را بـرای هـر نـوع درخواسـتی از ایـران بـاز می‌گـذارد.

ایـن بخـش از قطعنامـه ۲۲۳۱ همچنیـن ابهـام در نقـش داوری آژانـس پیرامـون اجـرای تعهـدات ایـران در برجـام را برطـرف سـاخته و بـه‌صـورت حقوقـی بـه آن معنـا و عمـق بخشـیده اسـت. بدیهـی

ست در این چارچوب، ایران باید درخواست‌های خلاف منافع ملی را اجابت نماید.

گل سوم: محدودسازی توانمندی موشکی ایران

در بند ۳ از ضمیمه B قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است: از ایران خواسته می‌شود تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی‌شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد، ازجمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از چنین فناوری‌های مربوط به موشک بالستیک، تا زمان ۸ سال پس از روز پذیرش برجام و یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش ارائه دهد که جمع‌بندی مبسوط را تائید کند، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد.

همچنین در بند ٤ مقدمه B می‌گوید صادرات و واردات مرتبط با موشک‌های غیر بالستیک طراحی‌شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای، طبق فرست معین‌شده از سوی پیمان کنترل فناوری موشک مجاز است.

در این بخش عملاً یک تحریم کامل علیه موشک‌های بالستیک به ایران تحمیل می‌شود، ضمن آنکه به‌حسب ظاهر تحریم‌ها درباره موشک‌های غیر بالستیک حذف‌شده، اما از آنجاکه تفکیک موشک‌های بالستیک و غیر با موضوع توانایی حمل کلاهک هسته‌ای آسان نیست، در عمل این تحریم‌ها برنامه‌ای کامل علیه توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

در رمزگشایی از این بخش قطعنامه ۲۲۳۱ باید اشاره کرد که عدم تکامل سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا (سامانه‌ها THAA و Aegis) و به‌ویژه رژیم صهیونیستی (سامانه Arrow) در مقابله با توانمندی موشکی ایران و زمان‌بر بودن تکامل سامانه‌های دفاع موشکی آنان یکی از دلایل گنجاندن این بخش در قطعنامه ۲۲۳۱ بوده است.

گل چهارم: مکانیسم بازگشت‌پذیری تحریم‌ها

گل چهارمی که قطعنامه ۲۲۳۱ به ایران می‌زند موضوع بازگشت‌پذیری تحریم‌هاست. در بند ۱۱ اجرایی آمده است درصورتی‌که هر یک از طرف‌های برجام، گزارشی مبنی بر عدم پایبندی ارائه کند، شورای امنیت پیش‌نویس یک قطعنامه جدید برای تصمیم درباره بازگشت یا عدم بازگشت تحریم‌ها را ظرف ۳۰ روز به رأی می‌گذارد.

همچنین در بند ۱۲ اجرایی می‌گوید اگر در مهلت ۳۰ روزه مقرر، درباره قطعنامه‌ای رأی‌گیری نشود، تحریم‌ها به‌طور خودکار بازخواهد گشت مگر اینکه کشور مدعی قبل از ۳۰ روز اعلام کند که مسئله حل‌شده است.

این بخش از قطعنامه ۲۲۳۱ راه تحمیل و باج‌خواهی از ایران را همواره در موضوع تحریم‌ها باز نگه می‌دارد بازگشت‌پذیری تحریم‌ها هیچ افق روشن و اطمینان بخشی پیرامون لغو تحریم را نمایان نمی‌سازد.

گل پنجم: محدودیت برای انتقال تسلیحات متعارف

بند ۶ از ضمیمه B صادرات تسلیحات متعارف از ایران را به مدت ۵ سال از زمان پذیرش برجام ممنوع می‌کند. این بند تحریم کامل تسلیحات متعارف علیه ایران برای واردات و صادرات است مگر اینکه مورد به مورد از شورای امنیت مجوز گرفته شود.

بدین ترتیب در شرایط جنگ نیابتی علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی دست ایران برای حمایت از متحدان خود در عمق استراتژیک و مبارزه با تکفیری‌های دست‌آموز کاملاً بسته می‌شود.

این بند از قطعنامه ۲۲۳۱ علاوه بر اینکه رضایت آل‌سعود برای همراهی با توافق را ایجاد می‌سازد می‌تواند زمینه‌ساز موارد زیر باشد:

- محدودسازی عمق راهبردی و اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
- بی‌ثبات‌سازی محیط پیرامونی ایران و انتقال ناامنی به جدار مرزهای ایران
- گسترده ساختن دامنه جنگ نیابتی در منطقه

از آنجاکه تفکیک موشک‌های بالستیک و غیر با موضوع توانایی حمل کلاهک هسته‌ای آسان نیست، در عمل این تحریم‌ها برنامه‌ای کامل علیه توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

دیگر مخاطرات قطعنامه ۲۲۳۱

پذیرش قطعنامه ۲۲۳۱ به معنای مشروعیت بخشیدن به قرار گرفتن ایران در ذیل فصل هفتم منشور ملل است که خود می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات خصمانه علیه ایران گردد.

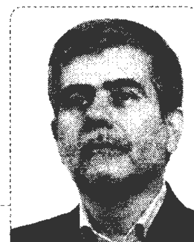
در مجموع قطعنامه ۲۲۳۱ سعی دارد معادله‌ای جدید فی‌مابین تحریم‌ها و امنیت ملی و اقتدار منطقه‌ای ایران در ادراک و برداشت جامع شکل دهد در این چارچوب از طریق مکانیسم ماشه، شد و برگشت‌پذیری تحریم‌ها سعی دارند دو معادله زیر را به وجود آورند:

۱- معادله تعلیق و تعدیل تحریم‌ها منوط به پذیرش محدودیت‌های دفاعی (موشکی)
۲- معادله تعلیق و تعدیل تحریم‌ها منوط به پذیرش ممنوعیت انتقال سلاح

علاوه بر مخاطرات بد مذکور متحدان منطقه‌ای، قطعنامه ۲۲۳۱ این فرصت را برای طرف‌های غربی و به‌ویژه طرف آمریکایی ایجاد می‌کند حتی در صورت مواجهه با مخالفت کنگره، خاکریزهای خود را جلوتر از ماقبل مذاکرات در ژنو کشانده و خطوط ترسیم‌شده در قطعنامه جدید را ملاک و مبنای عمل قرار دهند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد قطعنامه ۲۲۳۱ تهدید، تحقیر و تحمیل را به جمهوری اسلامی ایران فرموله ساخته و برآیند آن می‌تواند منجر به وادارسازی ایران به بازی در پلان B و پذیرش توافق بد گردد. این وضعیت به احتساب گل‌های خورده در متن برجام بافت تاریخی و تحقیرآمیز را متوجه ایران می‌سازد که می‌تواند امنیت هستی شناختی (هویت واقعی انقلاب) امنیت ملی، اقتدار منطقه‌ای و منافع ملی را با مخاطرات بسیار جدی مواجه سازد.



فرصت سوزی برای پیشرفت هسته‌ای[1]

دکتر فریدون عباسی
دانشمند هسته‌ای و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی

روز گذشته پس از صحبت‌های دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی در مجلس شورای اسلامی به سراغ دکتر فریدون عباسی از دانشمندان هسته‌ای که سابقه ریاست این سازمان را نیز عهده دار هستند رفتیم و مصاحبه تفصیلی در خصوص اظهارات فنی‌ای که آقای صالحی داشتند برای شفاف سازی بیشتر کردیم که در ادامه شرحی از این مصاحبه خواهد آمد.
دکتر فریدون عباسی در پاسخ به اظهارات آقای صالحی در خصوص هزینه فایده بودن در خصوص سانتریفیوژها گفت: بحث اول، بحث اثبات فناوری بوده است؛ یعنی ما یک انتقال تکنولوژی از خارج به داخل کشور داشتیم. ما یک سری مدارک فنی را گرفتیم که این‌ها ناقص بود و متخصصین و مهندسین ما، این مدارک را کامل کردند و در نهایت توانستند یک دستگاه سانتریفیوژ با کمک آن مدارک بسازند و بعبارتی به کپی برداری یک دستگاه خارجی بپردازند که خود این کپی سازی نیازمند به این بود که سطح تکنولوژی در فنی مهندسی و ساخت و تولید در کشور پیشرفت کند که اگر این پیشرفت حاصل نمی‌گشت ما قادر به مهندسی معکوس این دستگاه سانتریفیوژ نبودیم بطوریکه قطعات آن کپی، مونتاژ و در نهایت پایدار و تکرار پذیر نماییم.»
وی در ادامه در خصوص برنامه نسل‌های مختلف سانتریفیوژ کشور اظهار داشت: «همچنین برنامه ریزی که در طراحی و ساخت نطنز انجام شد برای تعداد ۴۸ هزار دستگاه P1 بود. در مدارک و مستندات فنی که در فرآیند انتقال تکنولوژی به ایران وارد شد، که در نهایت در تولید به متوسط سو ۱.۵ این دستگاه‌های نسل اول رسیده‌اند. پس سو درست این دستگاه‌ها ۱.۵

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۱۷۶۱۷

هست نه ۱. حالا ما اگر فرض را بر این بزاریم که اگر این دستگاه‌ها سو ۲ داشتند، این ۵۰ هزار ماشین تقریباً سالی ۱۰۰ هزار سو را به ما می‌داد که ما برای یک رآکتور ۱۰۰ مگاوات نوع بوشهر بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار سو در سال نیاز داریم. تفکری که در ابتدا نطنز را طراحی کرده و سراغ ماشین‌های P1 رفته، نگاهی به این مقدار سو داشته که با این تعداد ماشین و این مدل بتواند با یک سایت مانند نطنز بتواند یک رآکتور هزار مگاواتی را تغذیه کند.»

وی در خصوص برنامه غنی سازی در فردو افزود: «حال ما فردو را با ماشین نسل یک پر کردیم هرچند توانمندی اینکه فردو با نسل ۲ پر شود وجود داشت ولی ما چون نمی‌خواستیم در فردو حساسیتی برای آژانس ایجاد کنیم و خواهان تعامل سازنده با آژانس بودیم صرفاً یک تعداد از ماشین‌های نسل اول خودمان را برای افزایش ظرفیت تولید اورانیوم غنای ۲۰ درصد اختصاص دادیم. یعنی تولید ۲۰ درصد را از نظر جرمی ۳ برابر کردیم. بعبارتی دیگر حدود ۱۰ تا ۱۱ هزار ماشین نسل اول در حال فعالیت بودند و تعداد حدود ۶ هزار سانتریفیوژ نسل اول هم در حالت خاموش بودند تا این‌ها مستهلک نشوند و اکر آسیبی در جایی وارد شد این‌ها برای جایگزینی آماده باشند. البته ۱۰۰۰ ماشین نسل دوم هم نصب شد.»

دکتر عباسی در خصوص برنامه نسل‌های جدید سازمان انرژی اتمی گفت: «میزان سو سانتریفیوژ IR2M بین ۵ تا ۶ هست که ما در زنجیره اول ۱۶۴ تایی سو ۵.۳ بصورت پایدار گرفته بودیم. برنامه ما ۱۰۰۰ ماشین بود که اجرا کردیم. ما این‌ها را به نظارت آژانس نصب کردیم ولی چون دنبال تقابل نبودیم آن‌ها را موقتاً راه اندازی نکردیم. ما بدنبال تعامل با آژانس بودیم. همه این‌ها در حالی است که IR4 هم جواب داده بود بطوریکه بالای ۱۰۰ ماشین از آن نصب شده بود و به مدت حدود ۲ سال برای تست کار می‌کرد و جواب مثبت گرفته بودیم. به غیر از این‌ها نوع دیگری از سانتریفیوژ هم در دست کار بود که به آن‌ها سانتریفیوژ های «زیر بحرانی»(Sub Critical) می‌گویند که سو آن ۵ بوده و تولید آن خیلی راحت‌تر بود که به نتیجه رسیده بود. این ماشین‌ها ارتفاع کوتاه حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر دارند و در نطنز بصورت سه طبقه روی همدیگر قرار می‌گرفتند. ما می‌توانستیم بخشی از فردو را اختصاص بدهیم به ماشین‌ها. فاز تحقیقاتی این ماشین به پایان رسیده بود و ما می‌خواستیم یک زنجیره پایلوت ۱۶۴ تایی از این سانتریفیوژ را تولید کنیم که جزء برنامه‌های آتی ما برای سال ۱۳۹۲ به بعد محسوب می‌گردید.

همچنین ما تا اول مرداد ۱۳۹۲ نمونه اول ماشین سانتریفیوژ سو ۱۶ را هم به پایان رسانده بودیم که البته گازدهی نکرده بودیم و ماشین سو ۲۴ هم مراحل پایانی به دور رسیدن را طی می‌کرد. یعنی مشکلات مکانیکی آن حل شده بود برنامه ما برای آینده این بود که سایت فردو

با ماشین بالای ۲۰ سو پر شود چراکه سقف فردو خیلی بلند است و هر کسی ادعا کند که فردو برای تحقیقات است که امروز من از سوی آقای صالحی شنیدم؛ این حرف صحت ندارد.»
وی در ادامه در خصوص این صحبت آقای صالحی که «فردو در بهترین شرایط ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ماشین در خود جای می‌دهد» گفت: «نه. فردو ماشین نسل یک را به تعداد ۲۸۰۰ دستگاه در خود جای می‌دهد. این‌یک حرف کارشناسی نشده است. ابعادی که من از ماشین سو بالای ۲۰ سراغ دارم اینگونه نیست که به این تعداد برای نسل هشتم کم شود. الان دقیقاً خاطرم نیست. ولی فردو قابلیت بین ۲ هزار تا ۲۵۰۰ دستگاه نسل هشتم را دارد؛ یعنی ارزش فردو با ماشین نسل هشتم برابری می‌کند با ۴۸ هزار ماشین نسل اول در نطنز.»
این دانشمند هسته‌ای در ادامه در پاسخ به اظهارات صالحی در خصوص مبنای تحقیق و توسعه‌ای بودن فردو اظهار داشت: «این صحبت اصلاً صحت ندارد. این تصورات برخی اشخاص هست که فردو را از مأموریت اصلی خارج کرده بودند.
ببینید در مقطع زمانی چند کار بصورت همزمان رخ داد و می‌بایست بر روی آن تحقیق شود که این توسط دشمن انجام گرفته یا جهالت دوست؟
همزمانی که کاربری فردو را به کار تحقیقاتی عبث در بیابان تغییر دادند.
در آن موقع انحرافی در برنامه غنی سازی ما ایجاد شده بود که از یک طرف دشمن خرابکاری صنعتی کرده بود. مواد منفجره در ماشین کار گذاشته بود و ویروس هم کار کرده بود و خرابکارهای داخلی را هم شناسایی کرده و آموزش داده بودند. از چند جنبه به ماشین‌های P1 حمله کردند که این‌یک نکته است. از طرفی هم مدیریت وقت (مدیریت وقت سازمان انرژی اتمی و آن کارخانه) دستور داده بود و فعالیت کارخانه ساخت سانتریفیوژ متوقف شده بود؛ یعنی از یک طرف دشمن می‌خواهد همان ۶۰۰۰ هزار سانتریفیوژ را به روش‌های مختلف نابود کند و از طرفی دیگر مدیریت وقت فعالیت کارخانه ساخت سانتریفیوژ را متوقف کرده است.
یعنی یک جریانی همزمانی که دشمن بنا به نابودی همه سانتریفیوژهای کشور را دارد، فعالیت کارخانه ساخت سانتریفیوژ را متوقف کردند یا میزان تولید را به شدت کاهش دادند. وقتی شما فعالیت خط تولید کارخانه را متوقف کرده و تیراژ را بشدت کاهش می‌دهید هزینه تمام شده دستگاه‌ها بسیار گران خواهد شد چراکه شما هزینه پرسنل و تجهیزات و نگهداری کارخانه را خواهی داشت ولی خروجی بسیار ناچیزی دارید و بعدازآن رفتند فغان برآوردند که این ماشین گران است. این مثل خودرو هست. وقتی شما تیراژ تولیدتان را کاهش می‌دهد قیمت تمام شده شما افزایش پیدا خواهد کرد.
یک برنامه حساب شده می‌تواند وجود داشته باشد که از یک طرف دشمن به شما حمله

می‌کند و از سویی شما سطح فعالیت کارخانه را کاهش می‌دهید و یا کاملاً متوقف می‌کنید و وقتی علت را جویا می‌شوی می‌گویند نسل جدید در حال تولید است و این در حالی است که هنوز فرآیند تولید نسل جدید طی نشده است؛ اینکه این‌ها پایدار و تکرار پذیر شده باشند. تست شده باشند و گاز تزریق شود تا بررسی شود ترکیب گاز با روتور ناخالصی ایجاد نکند و این نیازمند زمان و کار کردن بود. متاسفانه این کار صورت گرفت.

حال از سوی دیگر فردو را هم از مأموریت تولید خارج کردند و به مأموریت تحقیقاتی به زعمخودشان مشغول کردند. توجه کنید آنجا محلی برای تحقیق نیست. کسی ۴، ۵ دستگاه سانتریفیوژ را نمی‌برد ۸۰ متر زیر زمین تا بر روی آن‌ها کار تحقیقاتی کند. تجهیزات خیلی گرانقیمت همراه این نیست که نشود این را در جای دیگر نگهداری کرد. ما الان سالهاست در اصفهان و نطنز روی زمین و چند محل دیگر در کشور مشغول این کار هستیم و مشغول کار تحقیقاتی بر روی دستگاه‌های سانتریفیوژ هستیم و چون ما این کار را در جاهای مختلف توزیع کردیم دیگر این‌ها آسیب پذیر نیستند. پس لزومی ندارد جایی را که می‌توان تولید پایدار با یک هدف راهبردی برای ما داشته باشد را ما تبدیل به یک مرکز تحقیقاتی بکنیم. این‌یک اشتباه بود.

وی در ادامه در خصوص اظهاراتی که رئیس سازمان انرژی اتمی در مجلس در خصوص بازطراحی رأکتور اراک داشتند گفت: «این همان صحبت قبلی است. بگذارید من یک شرح مختصر فنی بدهم.

اصل این رأکتور یک گنبدی است که این کف آن عمق حدود ۱۰ متری دارد و در حفره‌ای که وجود دارد یک استوانه فلزی کار گذاشته می‌شود که جنس آن فولاد با درجه هسته‌ای است. فولاد معمولی که در صنایع دیگری چون نفت و نیرو بکار می‌رود نیست. فولاد خاصی است که گرید هسته‌ای دارد. حدود ۴، ۵ سال طول کشیده است که این محفظه اصلی رأکتور با این فولاد خاص و با دقت‌های لازم تراشکاری و جوشکاری شده بود ساخته شود و در محل خود نصب شود. حالا قرار است این محفظه که سرمایه ملی ماست از محل خود خارج شود.

بازطراحی به این معناست. محفظه سه تیکه هست که با جرثقیل از محل خارج می‌شود و با تریلی از نیروگاه خارج می‌شود. قبلاً کفته بودند که این قلب رأکتور می‌بایست منهدم شود و یا به خارج از کشور انتقال یابد که البته در خصوص سرنوشت آینده این قلب نمی‌دانم چه تصمیمی گرفته‌اند. به هر حال این محفظه از رأکتور خارج می‌شود و محفظه جدیدی جایگزین می‌شود که تعداد مجتمع‌های سوختش از تعداد ۱۵۰ به تعداد ۷۵، ۷۶ عدد کاهش می‌یابد و نوع سوخت آن نیز تغییر می‌یابد. سوخت قبلی اورانیوم طبیعی بود و در حالت

جدید اورانیوم چند درصد غنی شده است. تنها موردی که ذکر شده این است که این رآکتور بصورت آب سنگین حفظ شده است درصورتیکه دیگر لزومی ندارد که آب سنگین در این رآکتور استفاده شود. چراکه دیگر سوخت آن غنی شده است و اینکار صرفاً برای این انجام شد که اذهان عمومی کمی از این مسئله شاد باشند که مثلاً ما رآکتور آب سنگینمان حفظ شده درصورتیکه این مشخصات رآکتور جدید با آن رآکتور قبلی تفاوت اساسی دارد. یعنی رآکتوری که ما می‌توانستیم با سوخت طبیعی راه اندازی کنیم که جدا از برنامه غنی سازی کشور و مستقل باشد و بتونیم در آن شبیه سازی ها و طراحی‌های خودمان را تست کنیم و توان فنی مهندسی کشور را در آن آزمایش کنیم. بتوانیم آزمایش‌های قدرتی انجام دهیم بدون اینکه قدرتش بالا باشد و آماده باشیم برای ساخت سوخت رآکتورهای ۳۶۰ مگاوات و ۱۰۰۰ مگاوات.
حالا اگر رآکتور اراک هم راه اندازی می‌شد و سوخت ایرانی در داخلش بکار برده می‌شد با روش‌های خیلی هوشمندانه که به آن رسیده بودیم، بعد از ۲ سال، ۳ سال از فعالیت این رآکتور می‌توانستیم در دنیا ادعا کنیم که کاملاً سوخت را تولید می‌کنیم، آزمایش هم کردیم و صحت آزمایش‌ها را هم با عدد و رقم نشان می‌دادیم. یعنی به یک کشور پیشرفته در آزمایش و تولید سوخت تبدیل می‌شدیم که متاسفانه این جریان فکری که الان حاکم است این فرصت‌ها را سوزاند. فرصت‌هایی که با فعالیت شبانه روزی دانشمندان ما ایجاد شده بود گرفته شد وگرنه ما تا الان رآکتور اراک را راه اندازی کرده بودیم و شرایط انجام انواع و اقسام آزمایش‌ها در آنجا برای دانشمندان ما میسر گشته است.»
دکتر عباسی در پاسخ به ادعای ۵، ۶ ساله صالحی در بازطراحی و برنامه آتی آنان اظهار داشت:
«تا آن موقع این افرادی که این حرف‌ها را می‌زنند بر مسند مسئولیت و پست مدیریت نیستند و متاسفانه در کشور ما پاسخگویی در مسئولین وجود ندارد. وقتی مسئولی از مسند قدرت خارج شد، پاسخگوی حرف‌ها و اعمال گذشته خود نیست. این‌ها همان افرادی هستند که در مسئولیت‌های قبلی خود چه در دانشگاه و چه آژانس یک کلمه نگفتند که این رآکتور اشکال دارد. هیچوقت صحبتی نکردند. همیشه وجیه المله می‌خواهند باقی بمانند و همیشه بدنبال منفعت طلبی‌اند. امروز هم بدنبال منفعت طلبی‌اند. فردا هم اگر نظام اجرایی کشور عوض شود و تصمیم دیگری بگیرند، این افراد برای اینکه در قدرت باقی مانده و در صحنه باشند؛ جهتشان را عوض می‌کنند. آن روزی که فردو از تحقیقات خارج شد و به تولید که مأموریت اصلیش است بازگشت؛ همین افراد بودند که اعلام کردند که با این تصمیم کاملاً موافقیم. این‌ها در جلسات ثبت شده است. صداها ثبت شده است. امروز باد از جهت دیگری می‌وزد و این حرف‌ها را می‌زنند درصورتیکه رآکتور اراک اگر می‌خواست تبدیل به چنین رآکتوری

بشود، چرا در آن مقطع زمانی نگفتند. چرا آن موقع که مسئول بودند تغییر ندادند. مگر مسئولین کشور حرف منطقی را نمی‌پذیرفتند؟ چرا آن موقع نگفتند؟ این‌ها سؤال برانگیز است افرادی که ظاهراً می‌گویند این‌ها متخصص هستند و خیلی هم بر روی آن‌ها تبلیغ می‌شود ولی در موقعی که باید حرف بزنند، نمی‌زنند. حداقل می‌نوشتند به من می‌دادند و من اجرا می‌کردم. من را توجیه می‌کردند. می‌گفتند این رأکتور بدرد نمی‌خورد.

من توجه شما را جلب می‌کنم به یک مقاله‌ای که آمریکایی‌ها آن را منتشر کردند. یک مقاله‌ای در سال ۲۰۱۵ توسط آقایان علی احمد و الکساندر گلاسر از دانشگاه پرنستون امریکا منتشر شده که در آن آمده است این پیشنهادی است برای رأکتور IR40 ایران تا تبدیل شود به رأکتوری که پلوتونیوم کمتری تولید کند. خلاصه این مقاله را که شما مطالعه کنید می‌بینید همین حرف هایست که در تلویزیون ما زده می‌شود که آن را آمریکایی‌ها تهیه کرده‌اند و ۳ سال قبل یعنی در سال ۲۰۱۲ آمریکایی‌ها یک سفارشی را دادند به یک موسسه نوروژی با نام Norwegian Defence Research Establishment تا رأکتور Heavy water ایران را به یک رأکتور نزدیک به عدم اشاعه تبدیل کنند. ۳ سال بعد یک مقاله‌ای نیز از دانشگاه پرینستون امریکا منتشر می‌شود که وقتی خروجی آن‌ها بررسی می‌شود متوجه می‌شویم این همان بازطراحی است که برای رأکتور اراک ایران انجام شده است.

من قبلاً تذکر دادم که این‌یک گاف سیاسی است که این رأکتور را می‌خواهیم بازطراحی کنیم و میزان پلوتونیوم خروجی آن را کاهش دهیم.

وی در خصوص اظهارات آقای صالحی در خصوص مسئله پلوتونیوم در اراک گفت: «مگر پلوتونیوم صرفاً برای تولید بمب اتمی است؟

اصلاً ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم در آن تولید شود. سوخت آن نگهداری می‌شود. ما سوخت آن را باز نمی‌کردیم. از سوی تحت نظارت دوربین‌ها و بازرسان آژانس نیز است. بعد ما اگر تصمیم می‌گرفتیم که بازیافت اورانیوم انجام بدهیم حتماً این را به آژانس اطلاع می‌دادیم. همچنین گرم پلوتونیوم ما تحت نظارت آژانس بود. شما که نمی‌توانید پلوتونیوم ببرید پنهان کنید. ما این فرصت را از دانشمندانمان گرفتیم که می‌توانستند با سوخت پلوتونیوم کار کنند. چون در برنامه‌های آتی ما این بود که پلوتونیوم را با اورانیوم ترکیب کنیم تا سوخت‌های آلیاژی تولید کنیم. چراکه انرژی هسته‌ای آینده از سوخت‌های پلوتونیومی حاصل می‌شود و اورانیوم رو به اتمام است. پلوتونیوم به میزان خیلی زیادی در رأکتورهای هسته‌ای دنیا تولیدشده و آن را انبار کردند. مگر همه آن‌ها تبدیل به بمب شده است؟ نه اینگونه نیست. همین الان برخی از رأکتورهای دنیا از پلوتونیوم بعنوان سوخت استفاده می‌کند.

ایشان در خصوص ارسال پلوتونیوم به خارج از کشور نیز افزودند: ما هیچ چیزی را که برای کشور سرمایه راهبردی محسوب می‌گردد را نباید از کشور خارج کنیم. چه اورانیوم و چه پلوتونیومی که خروجی فعالیت رآکتور خواهد بود. ما می گوییم بنا بر ساخت سلاح نداریم و شما می‌توانید بر آن نظارت کنید. آژانس می‌بایست وظیفه نظارتی خود را انجام دهد. از نظارت امتناع نمی‌کنیم. ما چیزی را فراتر از NPT نباید می‌پذیرفتیم. متاسفانه این تفکری که در کشور اجرائیات را اداره می‌کند و به مذاکرات می‌رود اصلاً باور کرده که داشته خلاف می‌کرده است. وقتی کسی با باور خلاف به مذاکرات برود؛ وقتی طرف مقابل به او بگوید تو خلاف می‌کنی به‌طرف مقابل می‌گوید بله من خلاف می‌کنم پس بیایید کمک کنید تا من شفاف بشوم. دائم خودش را تعدیل می‌کند.

این‌ها با شرطی رفتند که انگار ما داشتیم کار بر روی سلاح انجام می‌دادیم که مواد را یکجا بازرسی می‌کردند و بعد بر روی تکنولوژی و سلاح با آژانس مذاکره کنیم. یعنی از موضع ضعف به مذاکرات رفتند و شروع از ژنو به این صورت بوده است. انگار سنگ افتاد در چاه، حالا عقلای ممکلت این سنگی را که عده‌ای در چاه انداخته‌اند را باید در بیاوردند.

وی در پاسخ به این اظهار عدم داشتن هزینه فایده در ساخت اراک و هزینه یک میلیارد دلاری آن گفت: «حتماً کسانی که در ابتدا تصمیم گرفتند این رآکتور را بسازند، چه در بحث انتقال تکنولوژی آن از خارج، چه در بحث تغییر طراحی‌هایی که انجام شده، محاسباتی که انجام شده و بومی سازی که انجام گرفته؛ همگی هدفدار بوده است. ما در جهتی پیش رفتیم که در آن‌هم آموزش نیروی انسانی بوده و هم ارتقاء سطح فنی و مهندسی و ساخت تولید کشور بوده است. کشور برای بدست آوردن این‌ها هزینه می‌کند.

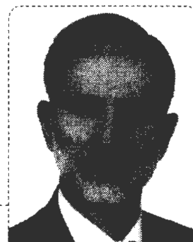
در جواب ایشان من یک جمله را بصورت کامل می‌توانم بگویم و آن اینکه رآکتور اراک هیچ چیزی برای این مملکت نداشت همینکه بخش خصوصی شجاعت پیدا کرد که بیاید و بگوید ما می‌توانیم تجهیزات رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی را بسازیم. چطور شرکت‌های فنی مهندسی بخش خصوصی می‌آیند با یکدیگر پیوند پیدا می‌کنند و کنسرسیومی را تشکیل می‌دهند و مدیریت یک کار بزرگ را در کشور عهده دار می‌شوند و می‌گویند ما می‌توانیم تجهیزات رآکتور ۱۰۰۰ مگاوات می‌سازیم. چراکه تجهیزات رآکتور ۴۰ مگا وات را ساختند و دیدند دولت هم حمایت می‌کند. دولت می‌خواهد، حمایت می‌کند، نظارت می‌کند و مشورت هم می‌دهد. شرکت‌های داخلی ما با استانداردهای هسته‌ای آشنا شدند و این‌ها بزرگ‌ترین دستاورد رآکتور اراک است. متاسفانه این‌ها جز توجیه جریان موجود هیچ هنری ندارند و در حال انتحار علمی هستند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در ادامه در خصوص بازطراحی اراک تصریح کرد «باید

بررسی شود در بازرسی چه جاهایی می‌خواهد تغییر یابد. بالاخره مخزن که تغییر خواهد یافت. هزینه‌هایی که شده و بتون‌هایی که ریخته شده دیگر خاصیت قبلی را ندارند. سیستم قبلی برای ۴۰ مگاوات طراحی شده بود ولی در طراحی فعلی ماکزیمم ۲۰ مگاوات توان از رأکتور گرفته خواهد شد.

همه چیز این رأکتور over دیده شده، یعنی کارهایی که سیستم تاسیسات، سیستم ایمنی، سیستم‌های cooling، سیستم‌های حفاظ سازی و بعبارتی تمام تجهیزات و تاسیسات برای رأکتور ۲۰ مگاواتی خیلی زیاد است چراکه برای رأکتور ۴۰ مگاواتی پیش بینی شده‌اند و بعبارتی دیگر این هم یعنی دور ریختن سرمایه کشور. شاید بتوان گفت ۵۰ درصد هزینه‌ای که شده را ما در آنجا بلا استفاده می‌گذاریم و چون تجربه اول ما بوده حتی مهندسین ما ضرایب ایمنی را هم بیشتر کرده بودند.»

دکتر فریدون عباسی در انتها در خصوص این صحبت آقای صالحی که در ۱۰ سال آینده ایران به توان ساخت سانتریفیوژ نسل هشتم و ششم می‌رسد گفت: «این‌ها به اصلاح قیاس به نفس است. توان خودشان، مدیریت خودشان و مجموعه افرادی که اطرافشان هستند را نگاه می‌کنند و این زمان‌ها را می‌دهند. در صورتی که ما در کمتر از ۱۸ ماه ماشین سو ۱۶ را به نتیجه رساندیم و از تجربه آن در سو ۲۴ استفاده کردیم و اگر همان روند ادامه پیدا می‌کرد ما در کمتر از یکسال تعدادی از ماشین را ساخته بودیم و مورد آزمایش قرار می‌دادیم و خط تولید را برای این‌ها طراحی می‌کردیم. بستگی دارد چقدر نیروها با انگیزه باشند. وقتی نیروهای با انگیزه را از سازمان انرژی اتمی بیرون می‌کنند و مدیریت آنجا را دست آدم‌های غیر متخصص می‌سپارند و وقتی مدیر ارشد آنجا به‌جای پرداختن به کارهای تخصصی خود به کارهای دیگری مشغول است خیلی بیشتر از ۸ سال طول می‌کشد تا اینکه یک ماشین سانتریفیوژ را تولید کنند ولی اگر نه مدیریت را جهادی کنیم و تکنوکرات ها را کنار بگذاریم و افراد دلسوز دوباره به سیستم برگردند و سایر ظرفیت‌های بکار گرفته نشده را استفاده کنیم مطمئناً در خیلی سال‌های کمتری می‌توانیم سانتریفیوژهای سو بالای ۲۰ را طراحی کنیم و در یک بازه ۵ ساله بتوانیم یک کارخانه خوب برای غنی سازی داشته باشیم. یعنی اگر همان روند ادامه پیدا می‌کرد می‌شد تا سال ۹۴ کار تست و تأیید صنعتی IR8 را به پایان برسانیم و در یک بازه ۳ ساله تعداد ۳ هزار سانتریفیوژ نسل هشتم را تولید کنیم. این کار شدنی بود چراکه ما تجربه ساخت IR2M را داشتیم و با استفاده از آن تجربه‌این کار امکان پذی بوده است.



فهرستی از هزینه‌های داده شده در متن برجام (۱۰۵ مورد محدودیت پذیرفته در برجام)[1]

■ دکتر ابراهیم کارخانه‌ای

دانشمند هسته‌ای و رئیس کمیته هسته‌ای دوره هفتم و نهم مجلس شورای اسلامی

موضوع هسته‌ای یک مسئله ملی است که همه ملت ایران بر آن اتفاق نظر دارند و بدون شک در اینکه حقوق هسته‌ای ملت ایران در روند مذاکرات می‌بایست حفظ گردد؛ احدی مخالفتی نخواهد داشت و برخی اختلاف دیدگاه‌ها نیز صرفاً بر سر میزان داده‌ها و ستانده‌ها و رعایت خطوط قرمز امنیت و اقتدار ملی است. رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در رابطه با متن منتشر شده مذاکرات فرمودند این متن به دقت موردبررسی قرار گیرد و مسیر قانونی آن طی گردد و چه تصویب شود و چه نشود در هر حال باید مراقب عهدشکنی و نیز حیله و نیرنگ آمریکایی‌ها بود.

در بخش اول این بررسی سعی شده است به دقت داده‌ها و آنچه را که متوجه ملت ایران هست و از درجه اهمیت‌های متفاوتی برخوردارند به‌صورت فهرست‌وار در یکصد و پنج بند تهیه و به دور از هر گونه بیان سطحی و احساسی بلکه بطور واقعی شفاف، واضح و غیر قابل تفسیر مورد قضاوت قرار گیرد.

بدون شک مفاد برجام دارای نقاط قوت نیز هست که مهم‌ترین آن پذیرش حق غنی‌سازی، تحقیق و توسعه و تکمیل رآکتور آب سنگین اراک است که علیرغم خواست قدرت‌های جهانی ایران هم‌اکنون آن‌ها را در اختیار دارد.

در بخش دوم ستانده‌ها در رابطه با لغو تحریم‌ها به دقت موردبررسی قرارگرفته که چکیده آن نیز به‌طور شفاف و روشن در ادامه یادداشت منتشر خواهد شد.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۰۶۰۰۰۷۰۵

الف- محدودیت‌ها در غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم

- کاهش سانتریفیوژهای نصب شده در نطنز و فردو از مجموع ۱۹۰۰۰ دستگاه به ۶۱۰۴ دستگاه
- کاهش سانتریفیوژهای فعال و در حال کار IR-1 از ۹۱۰۰ دستگاه به ۵۰۶۰ دستگاه و منع افزایش آن‌ها به مدت ۱۰ سال
- ممنوعیت جایگزینی سانتریفیوژ فعال IR-1 با سانتریوفیوژهای پیشرفته به مدت ۱۰ سال
- الزام به تأیید سانتریفیوژهای خراب شده از سوی آژانس برای جایگزینی با سانتریفیوژهای مشابه به مدت ۱۰ سال
- برچیدن زیرساخت‌های حدود ۱۲۰۰۰ سانتریفیوژ IR-1 در نطنز و فردو و انبار کردن آن‌ها تحت نظارت آژانس
- برچیدن زیر ساخت‌های ۱۰۰۰ دستگاه سانتریفیوژ IR-2M در نطنز و انبار کردن آن تحت نظارت آژانس
- ممنوعیت غنی‌سازی بیش از ۳/۶۷ درصد به مدت ۱۵ سال
- کاهش ذخیره اورانیوم غنی شده UF6 از حدود ۱۰ تن به ۳۰۰ کیلوگرم
- ممنوعیت نگهداری بیش از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۳/۶۷ به‌صورت UF6 و رقیق نمودن یا فروش مازاد آن در بازارهای بین‌المللی به مدت ۱۵ سال
- ممنوعیت احداث هر نوع تأسیسات غنی‌سازی و ایجاد مرکز تحقیق و توسعه به مدت ۱۵ سال
- محدودیت شدید در دستیابی به ۱۹۰۰۰۰ سو غنی‌سازی برای تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر به مدت ۱۵ سال
- منع نگهداری اکسید اورانیوم (8O3U) با غنای ۲۰ درصد و لزوم تبدیل آن به صفحات سوخت برای رأکتور تحقیقاتی تهران و یا معامله تجاری با خارج و یا اینکه به غنای ۳/۶۷ درصد یا کمتر رقیق شود.
- ممنوعیت تولید و دستیابی به پلوتونیوم ۲۳۹، اورانیوم ۲۳۳ و نپتونیوم ۲۳۷ جدا شده از اورانیوم با غنای بالا (بیش از ۲۰ درصد اورانیوم ۲۳۵) به مدت ۱۵ سال
- ممنوعیت تولید یا دستیابی به فلز اورانیوم یا پلوتونیوم یا آلیاژ آن‌ها در قالب متالوژی، قالب‌گیری و فرم‌دهی به مدت ۱۵ سال
- ارسال سوخت مصرف‌شده نیروگاه‌های قدرت و تحقیقاتی به خارج از کشور به مدت نامحدود
- ایجاد محدودیت در استفاده از کارخانه تولید سوخت (FMP) فقط برای تولید مجتمع‌های سوخت مورد نیاز رأکتورهای آب سبک و رأکتور باز طراحی شده آب سنگین اراک

■ صدور سوخت مصرف شده تمامی رآکتورهای قدرت و تحقیقاتی در حال و آینده برای پسمانداری یا فرآیندهای بعدی به خارج از کشور
■ تکمیل، احداث و یا دسترسی به سلول‌های داغ و یا خرید تجهیزات با تأیید کمیسیون مشترک به مدت ۱۵ سال
■ انتقال ضایعات اکسید اورانیوم (U_3O_8) با غنای ۲۰ درصد رآکتور تحقیقاتی تهران به خارج از کشور
■ منع تولید غنی‌سازی ۲۰ درصد برای تأمین سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران و الزام به تهیه آن از خارج کشور
■ صادرات هرگونه فناوری و تجهیزات غنی‌سازی و یا مرتبط با غنی‌سازی شامل تحقیق و توسعه با هر کشور دیگر یا با هر نهاد خارجی با موافقت کمیسیون مشترک به مدت ۱۵ سال
■ ارائه برنامه بلندمدت (۱۵ ساله) به‌جای برنامه معمول ۱۰ ساله همزمان با انتشار اعلامیه پروتکل الحاقی
■ تهیه مجتمع‌های سوخت رآکتور باز طراحی شده اراک برای نخستین بارگذاری از خارج کشور که مانع از بومی‌سازی تهیه سوخت باهمکاری ۱+۵ در داخل کشور می‌شود
■ محدودیت ساخت رآکتورهای تحقیقاتی و تولید برق صرفاً با استفاده از سیستم خنک کننده آب سبک
■ الزام ایران به معاوضه قرص‌های سوخت و مجتمع‌های سوخت طبیعی رآکتور IR-40 با اورانیوم طبیعی و یا تبدیل آن به UNH قبل از راه اندازی رآکتور مذکور
■ ممنوعیت احداث تأسیسات تبدیل صفحات سوخت یا ضایعات آن‌ها به هگزار فلوراید اورانیوم (UF_6) به مدت ۱۵ سال

ب- محدودیت‌ها در تحقیق و توسعه و ساخت سانتریفیوژها

■ محدودیت تحقیق و توسعه صرفاً بر روی سانتریفیوژهای IR-4، IR-5، IR-6، IR-8 به مدت ۱۰ سال علیرغم پیشرفت‌های سریع علمی و استفاده کشورهای پیشرفته از نسل‌های نوین سانتریفیوژها با قدرت جداسازی ۸۰ الی ۳۰۰ سو
■ محدود شدن تحقیق و توسعه صرفاً به تأسیسات هسته‌ای نطنز به مدت ۱۵ سال
■ ممنوعیت تحقیق و توسعه بر روی مواد شکاف‌پذیر در فردو به مدت ۱۵ سال
■ ممنوعیت ورود حاصل تحقیق و توسعه غنی‌سازی به چرخه تولید به مدت ۱۰ سال!
■ انجام آزمایشات بر روی تک ماشین‌های IR-4 و زنجیره ده‌تایی آن به مدت ۱۰ سال!

- انجام آزمایش‌ها بر روی تک ماشین IR-5 به مدت ۱۰ سال!
- محدودیت تحقیق و توسعه صرفاً بر روی ماشین‌های IR-6 در قالب زنجیره‌های تا ۳۰ تایی از میانه سال هشتم به بعد
- محدودیت تحقیق و توسعه صرفاً بر روی ماشین‌های IR-۸ در قالب زنجیره‌های تا ۳۰ تایی از میانه سال هشتم به بعد
- محدودیت در نگهداری و انبار کردن سانتریفیوژهای IR-۸ در نطنز در روی زمین و تحت نظارت آژانس
- محدودیت شدید در تولید سانتریفیوژهای پیشرفته IR-8 و IR-6 به تعداد سالیانه تنها ۲۰۰ دستگاه از هر نوع در پایان سال هشتم (بدون روتور) و از سال دهم به بعد تولید ماشین به همین تعداد در سال
- محدودیت بازفرآوری سوخت مصرف شده و تحقیق و توسعه باز فرآوری به مدت ۱۵ سال و بدون قصد ادامه آن (مادام العمر)
- ممنوعیت استفاده از سایر روش‌های پیشرفته جداسازی ایزوتوپی اورانیوم از قبیل روش‌های لیزری، نفوذ گازی، الکترومغناطیسی و...
- محدودیت زمانی در تکمیل تحقیقات بر روی ماشین‌های سانتریفیوژ IR-2M, IR-4 با استفاده از زنجیره ۱۶۴ تایی حداکثر تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ و یا تاریخ روز شروع اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)
- محدودیت انجام آزمایشات بر روی تک ماشین و زنجیره میانی سانتریفیوژهای IR-6, IR-8 تا نیمه سال هشتم و منع هرگونه آزمایش بر روی زنجیره‌های بیشتر در طی مدت مذکور
- ایجاد محدودیت مکانی در استقرار ماشین‌های سانتریفیوژ و زیرساخت‌های مرتبط به مدت ۱۵ سال
- الزام به مخلوط گاز محصول و پسماند حاصل از زنجیره‌های IR-6, IR-8 با استفاده از لوله‌های جوش‌کاری شده به‌گونه‌ای که با تأیید آژانس امکان برداشت محصول اورانیوم غنی‌شده و رقیق‌شده را میسر نسازد.
- لزوم اخذ مصوبه از کمیسیون مشترک جهت تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای نسل جدید از طریق مدلسازی کامپیوتری و شبیه‌سازی در مرحله تست مکانیکی به مدت ۱۰ سال
- الزام به استقرار سانتریفیوژهای IR-۸ در سالن B نطنز که با توجه به کوتاه بودن سقف آن با مشکل جدی مواجه است
- اعمال محدودیت در ساخت و تست مکانیکی انواع سانتریفیوژها و لزوم تصویب آن در

کمیسیون مشترک

- محدودیت مکانی در تست غنی‌سازی و مکانیکی سانتریفیوژها صرفاً در نطنز و مرکز تحقیقات تهران به مدت ۱۵ سال
- محدودیت در چیدمان زنجیره غنی‌سازی سانتریفیوژهای IR-8 و IR-6 تا سقف ۳۰ دستگاه تا نیمه سال هشتم
- منع استفاده ایران از دیگر سانتریفیوژهای پیشرفته غنی‌سازی با وجود پیشرفت‌های سریع علمی و منسوخ شدن نسل سانتریفیوژهای فعلی طی ۱۰ سال آینده
- محدویت در مکان استقرار سانتریفیوژها برای تحقیق و توسعه و یا جداسازی ایزوتوپ‌های پایدار به مدت ۱۵ سال
- جایگزینی سانتریفیوژهای خراب شده مربوط به جداسازی ایزوتوپ‌های پایدار با چهار زنجیره ساکن و بدون چرخش در فردو که موجب از دست رفتن ذخیره‌سازی سانتریفیوژهای انبار شده در این سایت می‌گردد.
- محدودیت تست مکانیکی بر روی تا دو ماشین از هر نوع فقط بر روی سانتریفیوژهای IR-1، IR-2M، IR-4، IR-6، 6S، IR-7، IR-8
- محدودیت زمانی برای فراهم نمودن زیرساخت‌های ضروری برای نصب سانتریفیوژهای IR-8 بعد از ۱۰ سال
- اعلام موجودی اولیه روتور و بیلوز سانتریفیوژها و مکان‌های مورد استفاده به مدت ۲۰ سال
- محدودیت در سطح ذخیره و حفظ ۵۰۰ دستگاه سانتریفیوژهای IR-1 بجای سانتریفیوژهای که خراب می‌شوند از طریق تولید سانتریفیوژهای مشابه
- کند شدن حرکت علم و فناوری هسته‌ای به علت ایجاد محدودیت‌های شدید زمانی، مکانی و عملیاتی در تحقیق و توسعه
- محدودیت در تحقیق و توسعه صرفاً بر روی سانتریفیوژهای گازی و نادیده گرفتن تحقیق و توسعه در سایر حوزه‌های علم و فناوری
- محدودیت صادرات هرگونه فناوری و تجهیزات غنی‌سازی و یا مرتبط با غنی‌سازی شامل تحقیق و توسعه با هر کشور دیگر و یا نهاد خارجی به مدت ۱۵ سال
- محدودیت در تحقیق و توسعه بر روی سوخت بر پایه فلز برای رآکتور تحقیقاتی تهران با تصویب کمیسیون مشترک به مدت ۱۵- ۱۰ سال
- منع تولید و تست قرص سوخت، میله سوخت و مجتمع‌های سوخت برای رآکتور بازطراحی اولیه اراک قبل از راه‌اندازی آن

ج- محدودیت در آب سنگین اراک و تأسیسات هسته‌ای فردو

- باز طراحی و بازسازی اساسی رأکتور آب سنگین اراک نسبت به طراحی اولیه و نگهداری قلب آن در داخل کشور
- تأیید غیرقابل استفاده بودن قلب بتن‌ریزی شده آب سنگین اراک توسط آژانس
- انتقال مادام العمر سوخت مصرف شده رأکتور باز طراحی شده اراک به خارج از کشور
- ممنوعیت تزریق گاز اورانیوم به دو آبشار سانتریفیوژ قادر به چرخش (۳۴۸ دستگاه) در فردو به مدت ۱۵ سال برای جداسازی ایزوتوپ‌های پایدار
- ممنوعیت چرخش ۴ آبشار سانتریفیوژ (۶۹۶) مستقر در فردو و نگهداری آن‌ها در حالت سکون کاهش ۵۰ درصدی قدرت رأکتور آب سنگین اراک از 40MW به 20MW
- تأخیر چندین ساله در اتمام و بهره برداری از نخستین رأکتور بومی ایران به علت دوره طولانی مدت نوسازی آن
- محدود کردن کلیه اقدامات در رابطه با بازطراحی رأکتور آب سنگین اراک منوط به تأیید کمیسیون مشترک
- عدم حفظ هویت آب سنگین اراک باتوجه به تغییر سوخت آن که هویت اصلی رأکتور را تعیین می‌کند
- ممنوعیت ساخت رأکتور تحقیقاتی مورد نیاز کشور به مدت ۱۵ سال
- ممنوعیت انباشت فراتر از نیاز آب سنگین به مدت ۱۵ سال و فروش تمامی آب سنگین باقی مانده در بازارهای بین‌المللی
- موافقت با نظارت آژانس بر آب سنگین ذخیره شده و تولیدشده از کارخانه آب سنگین اراک
- تبدیل دژ مستحکم تأسیسات هسته‌ای فردو به یک آزمایشگاه عادی مواد غیر هسته‌ای (پایدار)
- حذف دو سوم سانتریفیوژها و زیرساخت‌های مربوطه در فردو
- محدودیت در نحوه استفاده از سکوهای مستقر در فردو
- ممنوعیت غنی‌سازی در فردو و منع ورود مواد شکافت پذیر به مدت ۱۵ سال
- بازرسی و نظارت مستمر و در صورت درخواست بصورت روزانه از فردو علیرغم منع هرگونه فعالیت غنی‌سازی به مدت ۱۵ سال

د- تشدید بازرسی و نظارت

▪ اعمال نظارت‌های ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۵ ساله فراتر از دوره زمانی ۸ ساله که می‌بایست طی آن صلح آمیز ماندن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط آژانس اعلام گردد.

▪ اعمال اقدامات شفاف‌ساز به مدت ۱۵ سال با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظارتی

▪ اجرای بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی

▪ نظارت و مراقبت شدید بر ساخت سانتریفیوژها (شامل لوله‌های روتور و بیلوز) به مدت ۲۰ سال

▪ نظارت بر انتقال کنسانتره سنگ معدن اورانیوم تولیدشده در ایران و یا بدست آمده از هر منبع دیگر به کارخانه UCF اصفهان به مدت ۲۵ سال

▪ نظارت بر جایگزینی سانتریفیوژها و زیرساخت‌های انبار شده با سانتریفیوژهای خراب شده به مدت ۱۵ سال

▪ ارجاع پرونده جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت درصورت ممانعت از دسترسی به فعالیت‌های اعلام نشده و مورد ادعای آژانس که طی فرآیندی ۲۴ روزه در صورت عدم اجرا از سوی ایران، موضوع به شورای امنیت ارجاع می‌گردد.

▪ ایجاد کانال خرید تأیید شده توسط شورای امنیت در چارچوب اهداف برنامه جامع اقدام مشترک که محدودیت‌های شدید بازرسی را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نموده و راه جدیدی را برای توطئه می‌گشاید.

▪ استثناء نکردن دسترسی به اماکن نظامی و امنیتی و اسناد و دانشمندان علیرغم هشدارهای صریح رهبری و مصوبه مجلس که در صورت درخواست آژانس و مخالفت جمهوری اسلامی ایران موضوع به شورای حکام و شورای امنیت کشیده می‌شود.

▪ اجازه بازرسی و نظارت منظم شامل دسترسی روزانه به همه بخش‌های موسسه‌های مرتبط در نطنز به مدت ۱۵ سال

▪ نظارت و بازرسی از تأسیسات غنی‌سازی نطنز و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی ازجمله تحقیق و توسعه به مدت ۱۵ سال

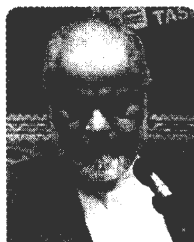
▪ اجرای کامل کد اصلاحی ۳/۱ مبنی بر اعلام هر گونه برنامه هسته‌ای به آژانس قبل از آغاز به اجرای آن

▪ اقدامات لازم برای حل و فصل موضوعات گذشته و حال (PMD) با آژانس بر اساس توافق محرمانه انجام شده و سازوکار پیش‌بینی شده ازجمله در رابطه با پارچین در توافق رئیس سازمان انرژی اتمی ایران با رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

▪ اقدامات و تسهیلات لازم برای حضور طولانی مدت آژانس
▪ ترتیبات لازم برای حضور طولانی مدت آژانس و افزایش تعداد بازرسان طی ۹ ماه به ۱۳۰ الی ۱۵۰ نفر به مدت ۱۵ سال و بیشتر
▪ بازرسی صادرات هر نوع مواد هسته‌ای، تکنولوژی و تجهیزات غنی‌سازی و مرتبط با غنی‌سازی به مدت ۱۵ سال با کسب مجوز از کمیسیون مشترک!
▪ دسترسی لازم جهت راست آزمایی فعالیت‌های تحقیق و توسعه از سوی آژانس
▪ نظارت بر طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از چاشنی‌های انفجاری چند نقطه‌ای، مدل‌های کامپیوتری برای شبیه‌سازی، وسایل انفجار هسته‌ای، سیستم‌های ▪ تشخیص انفجار و چشمه‌های نوترونی هدایت کننده انفجارات
▪ فراهم نمودن دسترسی‌های لازم برای رفع نگرانی‌های آژانس از طریق اقدامات شفاف‌ساز که در پادمان و پروتکل الحاقی اعلام نشده است.
▪ هموار شدن راه اعمال توطئه از طریق نظارت هماهنگ و هدفمند مثلث آژانس، کمیسیون مشترک و شورای امنیت
▪ ورود دبیر کل سازمان ملل متحد به موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در صورت ادعای اعلام نقض توافق از سوی ایران با توجه به تصریح بعمل آمده در قطعنامه جدید شورای امنیت مبنی بر الزام ایران به اجرای درخواست آژانس
▪ ایجاد ناامنی شغلی به علت حضور مستمر و گسترده بازرسان آژانس که منجر به سلب روحیه خلاقیت و کارآمدی کارکنان می‌گردد.
▪ اعمال محدودیت‌های تسلیحاتی، موشکی و تجهیزات و مواد مربوط در قالب نظارت‌های هوایی، زمینی و دریایی بر اساس پیوست ۱ قطعنامه جدید شورای امنیت با وجود مفتوح بودن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم آن شورا
▪ تشدید نظام بازرسی بر اساس مفاد پیوست قطعنامه شورای امنیت و اهرم‌های نظارتی پیش بینی شده در توافق‌نامه در راستای کنترل منطقه‌ای جهموری اسلامی ایران
▪ امکان تشدید توطئه‌های مدیریت شده با اتکا به سه اهرم کلیدی آژانس، کمیسیون مشترک و شورای امنیت در طول دوره ۸ ساله انتقال با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران کلیه تعهدات خود را در همان چند ماه اول به‌طور یکجا انجام داده است
▪ امکان سوء استفاده طرف‌های مقابل از عبارات کلی، مبهم و قابل تفسیر در متن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)
▪ ارجاع موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت طی فرآیندی ۳۰ روزه با

ادعای هر یک از اعضای ۱+۵

- امکان بازگشت‌پذیری تحریم‌ها طی فرایند پیش بینی شده در صورت مسکوت ماندن ۳۰ روزه ادعای هریک از اعضای ۱+۵ در شورای امنیت بر اساس مواد ۳۶ و ۳۷ برنامه جامع اقدام مشترک و مواد ۱۱ و ۱۲ شورای امنیت
- ترکیب یک‌جانبه کمیسیون مشترک متشکل از ۱+۵ به اضافه نماینده اتحادیه اروپا و ایران به‌گونه‌ای که بسیار محتمل است ارجاع هر ادعا منجر به صدور رأی علیه جمهوری اسلامی ایران گردد.



پذیرش ساختار ظالمانه نظام سلطه[۱]

■ سعید یاری

رئیس کمیته هسته‌ای اصلاح طلبان

سعید یاری رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح طلبان در گفت‌وگو با خبرنگار حوزه احزاب خبرگزاری تسنیم، در خصوص نقاط قوت و ضعف جمع بندی مذاکرات هسته‌ای اظهار داشت: ایران طی ۸ تا ۱۲ سال به‌صورت همکاری‌هایی از جنس اقدامات داوطلبانه، فرآیند شفاف‌سازی را برای نظام بین‌الملل، افکار عمومی، شورای حکام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیستم‌های پادمانی و نظارتی آن‌ها و هر کشوری که نسبت به فعالیت‌های ما حساس بود، محقق کرد و این روند ادامه داشت تا اینکه ۵ سؤال کلیدی آژانس مطرح و ایران به آن جواب داد و شفاف‌سازی شد.

وی ضمن تشکر از تیم مذاکره‌کننده قبلی افزود: ما تلاش کردیم با این مُدل از همکاری داوطلبانه و خاص و بازرسی‌های ساعت به نفر تهدید تلقی نشویم و حتی زمانی که آژانس انرژی اتمی موافقت کرد که پرونده از شورای حکام به شورای امنیت برود، ما به شدت مخالفت و بیانیه صادر کرده و مواضع دستگاه دیپلماسی در آن مقطع خیلی قوی و عمیق بود.

امضای تهدید بودن ایران توسط خودش نخستین نقطه ضعف مذاکرات هسته‌ای است

رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان گفت: هم اکنون ۱+۵ مذاکرات را تحت فصل هفتم هدایت کرده‌اند و به نقطه‌ای رساندند که خودمان با دست خودمان توافقنامه‌ای را امضا کردیم که منشأ آن فصل هفت یعنی بحث تهدید است و به این معنی است که ما در مقام پا دادن به مذاکرات و در مقام امضای توافقنامه به‌خصوص در مورد برخی ابعاد این توافقنامه

۱- خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۸۰۹۹۳۳

که استناد به ماده ٤١ و فصل هفت دارد، خودمان را تهدید تلقی کنیم؛ یعنی در مورد چیزی که آن‌ها شک می‌کردند و بر اساس آن شک، ما را ذیل فصل ۷ مستند می‌کردند، ما با مستندات متقن و محکمی که در اختیار سازمان ملل و شورای امنیتی قراردادیم، خودمان را رسماً تهدید تلقی کردیم.

یاری ادامه داد: بنابراین ما در جهت رفع این تهدید بنا داریم که همکاری‌های پر رنگ‌تری با نظام بین‌الملل داشته باشیم تا اعتمادسازی کنیم و آن‌ها هم در ازای آن اقداماتی در خصوص برچیدن تحریم‌ها و همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه انجام دهند. اولین نقطه ضعف جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای این است که ما رسماً تهدید بودن خود را امضا کرده و دست نظام بین‌الملل سند دادیم و این موضوع با مواضع ۸ و ۱۲ ساله ما پارادکس و تضاد دارد.

مبنای انقلاب اسلامی، نه شرقی و نه غربی بوده است

وی با اشاره به دومین نقطه ضعف جمع بندی مذاکرات هسته‌ای یادآور شد: انقلاب اسلامی به لحاظ شرایط خاص زمانی و مکانی با استراتژی نه شرقی نه غربی پا به عرصه نظام بین‌الملل گذاشت و جمهوری اسلامی ایران توانست با حفظ این شعار راهبردی و در بحران‌های مختلف پیروز بیرون بیاید؛ به‌خصوص در بحران جنگ ۸ ساله که کشورهای ۱+۵ در آن حضور داشتند و به کشور عراق امکانات م‌ی‌دادند و سرویس‌های جاسوسی و امنیتی آن‌ها به عراق خدمات ویژه ارائه می‌داد.

رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان اظهار داشت: جنگ ۸ ساله، جنگ ایران و عراق نبود بلکه جنگ ایران با ساختار نظام سلطه و کشورهای همسو با این نظام به‌خصوص آمریکا و انگلیس بود که به حمدالله ما از این میدان پیروز بیرون آمدیم؛ البته دکترین کار و مبنای انقلاب اسلامی، نه شرقی و نه غربی بوده است.

یاری با بیان اینکه اگرچه ما NPT را امضا کردیم و در ماده یک، ۳ و ۹ آمده کشورهای جهان به دو دسته کشورهای دارا و ندار تقسیم می‌شوند، گفت: کشورهای دارا ۵ کشور هستند که دارای انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و کشورهای ندار کشورهایی هستند که می‌توانند از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار شوند اما آن را ندارند.

وی ادامه داد: در مواد دیگر NPT تأکید شده که کشورهای دارا به ندار باید سرویس و خدمات ارائه دهند و دانش، فناوری، تکنولوژی و مواد در اختیار آن‌ها قرار دهند که آن‌ها نیز دارا شوند. لذا این موارد شاکله NPT را تشکیل می‌دهد؛ اگر ما با درایت یا بی‌دقتی NPT را امضا کردیم، ولی به هرحال معتقدیم که اگر عهدی بسته‌ایم باید به آن متعهد باشیم و کشوری که متعهد،

پاسخگو و پایبند است باید وفادار به عهدش باشد.
رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان با تأکید بر اینکه اساساً در حقوق بین‌الملل دو عنصر کلیدی و راهبردی پاسخگویی و مسئولیت پذیری وجود دارد که کشورها به آن پایبندند، اظهار داشت: ما به NPT پایبند هستیم؛ اما در NPT چنین شاکله‌ای وضع شده است. روزی که ما به NPT پیوستیم، مسئولان آن زمان دقت لازم را نکردند و ما باید در همان مقطع مواضع شفاف می‌گرفتیم که ساختار NPT ظالمانه است و از هویت استقلال انقلابمان دفاع می‌کردیم.

ایران با پذیرفتن این موافقت نامه عملاً ساختار ظالمانه نظام سلطه را پذیرفته است

یاری با بیان اینکه ما باید تعهد خود به NPT را مقید به سلسله لوازم، محدودیت‌ها و تمهیدات می‌کردیم، افزود: ایران با پذیرفتن این موافقت‌نامه در راستای پذیرفتن NPT، عملاً مدیریت هسته‌ای خود را زیر بلیت NPT و ساختار ظالمانه نظام سلطه بُرده و آن را پذیرفته است و این موضوع با نصّ انقلاب اسلامی و نفس استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی مغایرت دارد؛ لذا می‌طلبید که دستگاه دیپلماسی کشور در همین مذاکرات خلأ زمانی پذیرفتن NPT را نیز جبران می‌کرد و این تعهدات نسبت به گروه خاص به‌خصوص کشورهای برخوردار از حق وتو و سلاح‌های هسته‌ای کشتار جمعی در فن دیپلماسی و آداب کنسولی و مذاکرات آورده می‌شد که ما الآن خودمان را کامل تحویل نظام سلطه ندهیم.
وی خاطرنشان کرد: اگر ایران در اجلاس و جنبش عدم تعهد نقش راهبردی دارد به این دلیل است که می‌دانیم که از ۶۰ کشور عضو جنبش، بخش اعظم آن به شرق و غرب متعهدند و اَدای عدم تعهد را درمی‌آورند و تنها کشوری که داعیه عدم تعهد و استقلال را دارد، جمهوری اسلامی ایران است؛ هم اکنون با پذیرش موافقت‌نامه هسته‌ای و در ادامه آن قطعنامه‌ای که در شورای امنیت برای تأیید توافق نامه صادر شد، ما عملاً دچار تضاد جدی نسبت به هویت و ماهیت انقلاب اسلامی شده‌ایم و این موضوع باید تا روز امضای موافقت‌نامه جبران شود.

مکانیزم رسیدگی به شکایات دست جمهوری اسلامی را بسته است

رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان در خصوص دیگر نقاط ضعف جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد: در جمع‌بندی مذاکرات مکانیزم رسیدگی به شکایات طراحی و گفته شده که ایران یا ۱+۵ در قالب این مکانیزم می‌توانند شکایات خود را رسیدگی کنند؛ اما این رسیدگی الزام آور نیست و صرفاً بحث کارشناسی صورت می‌گیرد؛ در این مکانیزم دست جمهوری اسلامی بسته است چراکه طرف مقابل حق وتو و شرایط حضور در شورای امنیت را دارد پس

به نفع آن‌ها رأی صادر می‌شود و با توجه به اینکه روسیه و چین در ٦ قطعنامه قبلی که حق وتو داشتند و آن را وتو نکردند و ما را تحریم کردند، معلوم است که آن‌ها هم با دیگر اعضای شورای امنیت وحدت استراتژیک دارند.
یاری تصریح کرد: به نظر می‌رسد مکانیزم طراحی شده در خصوص رسیدگی به شکایات مکانیزم خنثی و بی‌اثری است و صرفاً کالبدشکافی درباره ابعاد کارشناسی صورت می‌گیرد؛ در مجموع دست طرف مقابل در این مکانیزم باز و دست طرف ایرانی بسته است؛ چراکه ایران حق عضویت و وتو ندارد و خودش موضوع بحث است. پس ما خروجی در این مکانیزم نداریم بلکه آمریکا و ۱+۵ خروجی خواهند داشت.

شاکله جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای مملو از اصطلاحات دوپهلو و چند منظوره است
وی با بیان اینکه شاکله جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای مملو از اصطلاحات دوپهلو و چند منظوره است که قابلیت بازی با کلمات را دارد، گفت: در مقاطع خاص این موضوع می‌تواند برای طرف ایرانی چالش‌زا و مشکل‌ساز باشد و از شفافیت آشکار نیز برخوردار نیست.

تشبیه مسیررو به جلوی ایران در مذاکرات به جاده چالوس
رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان ادامه داد: نکته دیگر اینکه مسیر رو به جلوی ما مانند جاده چالوس می‌ماند که پلیس و راهنمایی و رانندگی در آن وجود ندارد و در دو طرف دره خطرناک می‌بینیم لذا باید مدام هوشمندی داشته و نگران اتفاقی باشیم. به نظر می‌رسد تیم مذاکره کننده در دولت فعلی و آینده باید با هوشمندی بالایی این روند را تا به انتها دنبال کنند که طرف مقابل دَبه نکند، بهانه نگیرد و ما را بازی ندهد ضمن اینکه هشدارهای رهبری نیز در همین زمینه است.
یاری با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند «برخی کشورهای عضو ۱+۵ همچنان غیرقابل اعتماد هستند»، گفت: ما باید دانش، جسارت و هوشمندی در این زمینه داشته باشیم.

ابهام درباره بازرسی از مناطق ممنوعه ایران
وی نقطه ضعف جمع‌بندی مذاکرات را بازرسی از مناطق ممنوعه عنوان کرد و افزود: هنوز در این جمع‌بندی این موضوع شفاف بیان نشده که آیا بازرسی در قالب بازرسی‌های کنترل شده می‌تواند نگرانی آن‌ها را در مورد مناطق ممنوعه ازجمله مناطق نظامی، امنیتی و اطلاعاتی

برطرف کند یا خیر.
دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران ادامه داد: ممکن است آن‌ها بگویند ما تمام مراکز هسته‌ای شما را زیر کنترل خود داریم اما هنوز نگران مناطق ممنوعه شما هستیم و شاید شما دچار انحراف در منطقه ممنوعه شده باشید.
یاری افزود: در مورد بازرسی از مناطق ممنوعه به‌صورت صریح در موافقت‌نامه مطلبی درج نشده است و هیچ یک از اعضای تیم مذاکره کننده به‌صورت شفاف تاکنون توضیحی نداده‌اند. پروتکل الحاقی جامع است و جمهوری اسلامی در مقطعی به‌صورت داوطلبانه آن را اجرا کرد و بعداً به‌صورت داوطلبانه وقتی دید اقداماتش منجر به بسته نشدن پرونده شد و آن‌ها نیز در تعهدات خود جفا کردند، پروتکل الحاقی را با مصوبه مجلس معلق کرد.

ابهام در موضوع بازجویی از اشخاص و افراد

وی یادآور شد: اکسیژن، روح و حیات سازمان عریض و طویل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی سیستم‌های پادمانی و بازرسی آن است که امروز از ۶ ماه بازرسی عدول کرده و به سیستم جدید تحت عنوان پروتکل الحاقی رسیده است که متضمن بازرسی‌های سرزده در هر مکان و هر زمان است و در بحث هر مکان آمده است که مناطق ممنوعه شامل مناطق امنیتی، نظامی و اطلاعاتی می‌شود. لذا ما ممکن است از بابت عدم شفافیت این بحث که این فرآیند چگونه می‌خواهد نقطه نظرات آن‌ها را تأمین کند، در روزی که احتمالاً آن‌ها بهانه بگیرند و بگویند که ما نگران برخی مناطق ممنوعه شما هستیم، با مشکل روبه‌رو شویم.
رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان با اشاره به بازجویی از اشخاص و افراد گفت: این مسئله در پروتکل الحاقی مطرح شده است ولی مذاکره کنندگان ما زیر بار این موضوع نرفتند؛ اما معمای آن همچنان باقی و ممکن است محل تردید و اشکال در آینده قرار بگیرد و چیزی در این مورد به‌صورت شفاف در جمع‌بندی مذاکرات مشاهده نمی‌شود.

به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران از نقاط مثبت مذاکرات است

یاری با بیان اینکه ما به‌عنوان یک کارشناس باید نیمه پر و خالی لیوان را ببینیم و نگاه واقع‌گرایانه نسبت به جمع‌بندی مذاکرات داشته باشیم، افزود: اقدام مشترک جامع مملو از نقاط مثبت است و یکی از نقاط مثبت این است که برای نخستین بار در تاریخ شورای امنیت سازمان ملل رسماً حق غنی‌سازی یک کشور در حال توسعه به رسمیت شناخته شده است.
وی ادامه داد: از طرف دیگر ما با ٦ کشور قدرتمند و عضو شورای امنیت مذاکره می‌کنیم و آن‌ها

حداقل‌های حقوق هسته‌ای ما را قبول کرده‌اند؛ البته طبیعتاً چون نگرانی‌هایی در مورد سوء پیشینه طرف مقابل وجود دارد و به آن‌ها اعتماد نیست و رهبری نظام نیز این هشدار را داده بودند، لذا ما موضوع برگشت پذیری را دو طرفه کرده‌ایم.

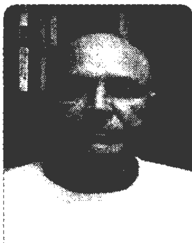
برگشت‌پذیری به عقب منتج به سلسله خسارت‌هایی می‌شود

دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران افزود: یعنی اگر خلافی در انجام تعهدات صورت بگیرد، ما می‌توانیم برگردیم؛ ولی برگشت ما منتج به سلسله خسارت‌هایی می‌شود؛ اگر ۲۰۰ کیلو مواد را به درجه اکسید و رقیق شدن برسانیم و بخواهیم به عقب برگردیم باید صفر تا صد آن فعال شود و با توجه به اینکه این معادلات میلیاردها دلار هزینه برده، خسارت بزرگی به وجود می‌آید.

وی گفت: به هر حال تیم مذاکره‌کننده کاری کرده که ما می‌توانیم به عقب برگردیم و این از نقاط مثبت جمع‌بندی مذاکرات است. البته نقاط مثبت فراوان است و باید در مصاحبه مبسوطی به آن پرداخته شود.

رئیس کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان غنی‌سازی، برگشت‌پذیری و تحقیق و توسعه در حد نیاز را از نقاط مثبت دیگر جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای دانست و خاطرنشان کرد: درعین‌حال نباید آنچه اتفاق افتاده تضعیف و تخریب شود و باید همه پشت سر رهبری با وحدت از آن حمایت کنیم و درعین‌حال مکانیزم‌های قانونی و بررسی ما باید دنبال شود.

یاری در پایان خاطرنشان کرد: آنچه که ما به‌عنوان کمیته هسته‌ای جبهه اصلاح‌طلبان مطرح کردیم با نگاه دلسوزانه بود. ما تا امضای توافقنامه دو ماه فرصت داریم و این زمان می‌تواند برای دستگاه دیپلماسی و امنیت ملی کشور مفید باشد و آن‌ها می‌توانند از نظرات و پیشنهادات ما استفاده کنند.



توافقی که به نفع ایران نبود![1]

■ دکتر اسفندیار معصومی
استاد اقتصاد دانشگاه اموری آتلانتای آمریکا

اسفندیار معصومی دکترای اقتصادسنجی، کارشناسی ارشد آمار و کارشناسی اقتصاد ریاضی و اقتصادسنجی از مدرسه اقتصاد لندن است.
به باور معصومی اگر بازگشت تمام دارایی‌های بلوکه شده (به سرقت رفته) از نظر مقدار و زمان آزاد سازی تضمین می‌شد، می‌شد این دارایی‌ها را برای استفاده در سرمایه گذاری‌های زیرساختی و مولد به کار برد.
وی معتقد است احتمالاً ایران در این توافق دستی بسیار ضعیف‌تر از آنچه دولت تبلیغ می‌کند دارد... توافق هسته‌ای به میزان کافی موجب لغو تحریم‌ها نخواهد شد و ایران را با یک مأموریت تقریباً غیرممکن برای آزاد سازی دارایی‌هایش از طریق دادگاه‌های مختلف مواجه خواهد ساخت.
او بر این باور است که اولین هدف دشمنان ایران دانشمندان آن بودند. به نظر می‌رسد که دانش هسته‌ای تنها سلاح قوی در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ بوده است.
معصومی معتقد است چند میلیارد دلاری که در جریان مذاکرات آزاد شد، یک تیزر تبلیغاتی بود که برای فریب دادن ساده لوحان یا افراد طماع یا افراد شدیداً نیازمند طراحی شده بود.

توافق هسته‌ای فعلی به نفع ایران نیست

تبعات و مسائل اقتصادی مرتبط با توافق هسته‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معصومی: همانطور که می‌دانید، من طرفدار توافقی بوده‌ام که به‌عنوان یک تصمیم

۱- خبرگزاری تسنیم، تاریخ:۱۳۹۴/۵/۱۰، کد خبر: ۸۱۶۱۳۳

استراتژیک موجب لغو تمام تحریم‌ها علیه ایران شود. من این توافق را یک گام مهم می‌دانم که موجب ترمیم اقتصادی و تقویت اقتصاد کشور و فراهم آمدن آسودگی برای مردم خواهد شد.

من طرفدار این منطق بوده‌ام که ایران وقتی نمی‌تواند در حوزه‌هایی نظیر حوزه اقتصادی پیروز باشد، نباید شروع به جنگیدن در آن حوزه کند.

توافقی واقعی که دارای اثرات مفیدی باشد باید دارای ۳ جزء باشد: لغو فوری و تضمین شده تمام تحریم‌ها، بازگشت تضمین شده تمام دارایی‌های بلوکه شده تا یک تاریخ مشخص و خودداری از هرگونه اقدام یا تعهدی که امنیت آینده کشور و منافع آن را به خطر می‌اندازد. بدون تأمین امنیت آینده کشور و اقداماتی برای ایجاد بازدارندگی دفاعی، همه طرح‌ها و اهداف اقتصادی به خطر خواهد افتاد و واقع‌بینانه نخواهد بود.

من اکنون به‌صورت خیلی کلی در مورد یک طرح اقتصادی صحبت می‌کنم و سپس به بیان این مسئله خواهم پرداخت که چرا معتقدم توافق فعلی به سود ایران نیست.

اگر بازگشت تمام دارایی‌های بلوکه شده (به سرقت رفته) از نظر مقدار و زمان آزاد سازی تضمین می‌شد، می‌شد این دارایی‌ها را برای استفاده در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و مولد به کار برد. من در مصاحبه‌های قبلی ۲ مثال را ذکر کردم: توسعه صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی و ساخت پرتعداد خانه‌های ارزان قیمت. عادی‌سازی رژیم نرخ ارز به برقراری نظم در بازار کمک خواهد کرد و رانت جویی و سوء استفاده از تفاوت قیمت ارز مرجع و ارز آزاد را از بین خواهد برد.

باید مقررات سخت‌گیرانه، قوی و قابل اجرایی در زمینه واردات کالاهای مصرفی اعمال شود. در تمام قراردادهای همکاری اقتصادی و صنعتی با شرکت‌های غیر ایرانی باید یک حداقل تعهدات برای تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی پیش‌بینی شود و تحقیق در تمام زمینه‌ها باید تشویق و حمایت شود. توجه کنید که اولین هدف دشمنان ایران دانشمندان ایران بودند. به نظر می‌رسد که دانش هسته‌ای تنها سلاح قوی در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ بوده است.

توافق فعلی به میزان کافی موجب لغو تحریم‌ها نخواهد شد

اما در مورد توافق هسته‌ای اخیر: این توافق دارای جنبه‌های هشدار دهنده بسیاری است که توسط هیچ یک از طرف‌ها قابل توضیح نیست. احتمالاً ایران در این توافق دستی بسیار ضعیف‌تر از آنچه دولت تبلیغ می‌کند دارد... توافق هسته‌ای به میزان کافی موجب لغو تحریم‌ها نخواهد شد و ایران را با یک مأموریت تقریباً غیرممکن برای آزادسازی دارایی‌هایش

از طریق دادگاه‌های مختلف مواجه خواهد ساخت.
در این توافق برای هر گرم مواد هسته‌ای جنگیده شده، تک‌تک سانتریفیوژها مورد توجه قرارگرفته و دقیقاً روشن شده که چه کسی باید تبعیت ایران از تعهداتش را تأیید نماید. اما آیا همان دقت نظر در آزادسازی دارایی‌های ایران لحاظ شده است؟ چه تضمینی وجود دارد که این دارایی‌ها تا تاریخ مشخص شده به ایران برگردد؟ آیا ایران قرار است در دادگاه‌های شهرهای مختلف جهان حاضر شود و برای آزادسازی پول‌های خودش التماس کند؟ به نظر مذاکره‌کنندگان ما این روند قضایی چقدر زمان خواهد برد؟

چند میلیارد دلارآزادشده در جریان مذاکرات یک تیزر تبلیغاتی بود

پس چند میلیارد دلاری که در جریان مذاکرات آزاد شد چه بود؟

چند میلیارد دلاری که در جریان مذاکرات آزاد شد، یک تیزر تبلیغاتی بود که برای فریب دادن ساده‌لوحان یا افراد طماع یا افراد شدیداً نیازمند طراحی شده بود.
توافق تحریم‌ها در زمینه تسلیحات غیر هسته‌ای را برای مدت ۵ تا ۸ سال باقی می‌گذارد. آمریکا به‌صراحت اعلام کرده که این تحریم‌ها را بعداً تمدید خواهد کرد و هر تحریم دیگری را برای هر دلیلی که مناسب بداند اعمال خواهند کرد.
اگر پاسخ این سؤالات به‌صورت علنی و در داخل توافق داده نشود، به‌خصوص در مورد میزان و زمان بازگشت دارایی‌های ایران، توافقی در کار نخواهد بود. بلکه این به معنای تسلیم شدن بدون هرگونه مبارزه‌ای خواهد بود.

شرایط استعماری پس از تحریم

بالاخره این مذاکره به نفع ایران و منافع اقتصادی آن خواهد بود؟

معصومی: تا زمانی که دارایی‌های ایران به‌صورت سریع و مشخص تا یک زمان تعیین شده باز نگردد، سخن گفتن از طرح‌های اقتصادی زودهنگام خواهد بود. مجموعه‌ای از واردات کالا از کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه در عوض پول‌های بلوکه شده ایران به جریان خواهد افتاد و این موجب بدهکار شدن کشور خواهد شد. تعداد کمی ثروتمند خواهند شد و برخی در شهرهای بزرگ ممکن است برای مدتی احساس بهتری داشته باشند. اما این در دراز مدت یک فاجعه خواهد بود. ایران مجدداً این بار تحت عنوانی دیگر تحت استعمار قرار خواهد گرفت.
من فکر می‌کنم مردم ایران نباید با عجله در مورد مذاکره‌کنندگان قضاوت کنند. دست

مذاکره‌کنندگان ایرانی خیلی ضعیف بود. حامیان احتمالی آن‌ها یعنی چین و روسیه دلیل اصلی موفقیت تحریم‌ها بودند. آن‌ها قطعنامه‌های شورای امنیت را که موجب مشروعیت بخشی به جنگ اقتصادی علیه ایران شد وتو نکردند. اگر ایران روزی مثل عراق در معرض جنگی ویرانگر قرار بگیرد، روسیه و چین به کمک ایران نخواهند آمد.

بنابراین ما باید منتظر روشنگری‌هایی در مورد این توافق باشیم. در ژانویه ۲۰۱۶ مشخص خواهد شد که ایران چه از این مذاکرات به دست آورده است. اگر دستاورد ما کسب مجوز اقدام قضایی در محاکم آمریکا یا التماس به چینی‌ها برای آزادسازی دارایی‌هایمان باشد، ما چیزی به دست نیاورده‌ایم. این به معنای تسلیم شدن محض خواهد بود

با توجه به تغییرات کنونی در ایران، مهم است بدانیم که در صورت عدم موافقت کنگره آمریکا با توافق چه اتفاقی خواهد افتاد. به نظر می‌رسد که تحریم‌های کنگره آمریکا علیه ایران برای ایران موفقیتی استراتژیک باشد. به این ترتیب ماهیت جناح راستی سهامداران آمریکا و تسلط اسرائیل بر امور امریکا آشکار می‌شود و در نتیجه امکان لغو تحریم‌های دیگر کشورهای جهان علیه ایران وجود دارد. این شرایط آزمونی بزرگ برای کشورهای دیگر، به‌خصوص چین و روسیه و آلمان است تا نشان دهند که طبق اصول عمل کرده و با ایران تجارت کرده و سرمایه توقیف شده ایران را آزاد خواهند کرد. سرمایه‌ای که امریکا توقیف کرده است، با توافق و یا بدون آن، به هیچ عنوان آزاد نخواهد شد.

اگر کنگره آمریکا توافق با ایران را تحریم کند، و هر کدام از کشورهای ۱+۵ جنگ اقتصادی علیه ایران را ادامه دهد، ایران باید همه روابط سیاسی خود با آن کشور را متوقف کند. موضع آن کشور علیه ایران مانند جنگی بی‌دلیل بر ضد این کشور است.

مجلس ایران می‌تواند با تصویب قانونی مبنی بر ممنوعیت هرگونه توافق مبادلاتی با هر کدام از کشورهای ۱+۵ که دارایی‌های ایران را توقیف کرده است، به دولت خود کمک کند تا زمانی که تمامی دارایی‌ها به این کشور بازگردانده شوند. این کار باید فوراً صورت گیرد.



تشدید وابستگی اقتصادی در برجام، زمینه‌ساز چالش‌های امنیتی[1]

■ دکتر ابراهیم رزاقی
عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

سوت پایان مذاکرات هسته‌ای این روزها با بازتاب بسیاری همراه بوده و موضوع رفع تحریم‌ها به سوژه بسیاری از مقالات و تحلیل‌ها تبدیل‌شده است. برخی می‌گویند ۱۵۰ میلیارد دلار از دلارهای بلوکه شده نفتی قرار است به کشور مسترد شود و انتشار این خبر موجب گردیده تا برخی از مسئولین از آن به‌عنوان مستمسکی برای پوشاندن موقتی ضعف‌های مدیریتی خود بهره‌بردای کنند. ابراز شادمانی برای رفع تحریم‌های ظالمانه زمانی جنبه حقیقی به خود می‌گیرد که بدانیم هیچ بهانه دیگری برای اِعمال تحریم‌های جدید مانند حقوق بشر و حمایت از تروریسم وجود ندارد، درحالی‌که واقعاً این‌گونه نیست و دشمن از هر فرصتی برای ضربه زدن به کشور ازجمله به اقتصاد استفاده خواهد کرد.

ما در شرایطی وارد دوران پساتحریم شده‌ایم که خدای‌نکرده عدم وجود و اعتقاد راسخ به استقلال اقتصادی باعث می‌شود تا نگرانی‌ها از شکننده‌تر شدن اوضاع نسبت به وضع سابق افزایش یابد. باید مراقب بود تا رفع موانع تحریم حجم واردات خارجی را بیشتر نکند. سال گذشته درحالی‌که با مشکلاتی برای واردات مواجه بودیم، ۵۴ میلیارد دلار کالای خارجی (عمدتاً مواد خام) به کشور وارد شد. این حجم وسیع از واردات در حالی است که همچنان به خام فروشی در محصولات پتروشیمی و معادن ادامه می‌دهیم و برای تأمین پول مورد نیاز واردات هم از محل خام فروشی و هم از صندوق پس‌انداز ارزی هزینه شده است. آیا ما قادر نبودیم که با این رقم هنگفت، شرایط حصول اقتصاد مقاومتی را تأمین کنیم و آیا این سیاست در دوره جدید همچنان ادامه خواهد داشت؟

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۱۷۸۳۰

یکی از راهکارهای لازم برای تمام ادوار ازجمله دوران پساتحریم، دعوت آحاد مردم برای شرکت در دفاع اقتصادی است. کشور ما مورد هجوم تهاجم اقتصادی علیه کشور قرارگرفته است و برای خروج از شرایط فعلی، نیاز به حضور همه مردم در عرصه جنگ اقتصادی است. آیا مسئولین نباید در برابر این تهاجم دفاع کنند و برای حضور در این جنگ از مردم دعوت به عمل آورند؟ برخلاف انتظار، تبلیغات رسانه‌ای سنگینی در مورد آثار رفع تحریم‌ها به راه افتاده است که برخی از آن‌ها برخلاف مصالح نظام و ضدّ منافع ملی کشور است. وعده ارزان شدن کالاهای خارجی یکی از نمونه‌های روشن از عدم عزم نهادهای ذی‌ربط برای تغییر سیاست‌های اشتباه اقتصادی در دوران جدید است. با کمال تأسف باید گفت داستان دور باطل وابستگی و ضربه‌پذیری همچنان ادامه دارد و این قصه به سر نمی‌رسد. حتی برخی از کارشناسان ادامه روند موجود را بر خلاف امنیت کشور در دراز مدت دانسته و نسبت به عواقب چنین سیاست‌هایی هشدار داده‌اند.

در صورتی که مردم حقیقتاً نسبت به جوانب و عوارض مصرف کالای خارجی و ضربه خوردن تولید داخلی از ناحیه آگاه باشند از هستی نظام با جان و دل دفاع خواهند کرد اما زمانی که بر اثر عدم مدیریت اقتصادی دچار فقر و بی‌کاری شوند، زمینه نفوذ امنیتی بیگانگان نیز فراهم می‌شود. سمپاشی ارزش‌های انقلاب مانند جهاد و ایثار در چنین شرایطی تسهیل می‌گردد. بعید نیست فتنه بعدی دشمن با سوار شدن بر موج معضلات اقتصادی و در غفلت مسئولین روی دهد. ممکن است برخی وقوع فتنه‌ای را این‌بار با رنگ و بوی اقتصادی انکار کنند اما آیا دلایلی مبنی بر احتمال چنین امری وجود دارد یا خیر؟ بر اساس تمام قرائن و شواهد، اقتصاد، آسیب‌پذیرترین بخش کشور است و در نتیجه، چالش‌های امنیتی بر اثر سیاست‌های غلط اقتصادی موجود محتمل است. آیا مسئولان از احتمال وقوع چنین امری آگاه نیستند و چرا برخی سیاست‌ها در جهت تشدید آن است؟

در دوران جدید باید بدانیم همان‌هایی که دیروز ما را تحریم کردند و امروز وعده لغو آن را می‌دهند، هر لحظه ممکن است مجدداً رفتار غیرمنطقی خود را از سرگرفته و ستون‌های انقلاب و حقوق مردم را هدف قرار دهند.

از دیگر برنامه‌های اساسی اقتصادی در دوره جدید که به جدّ باید به آن پرداخته شود توجه به تأمین امنیت غذایی است. تمام کشورهای شرکت‌کننده در تحریم‌ها از امنیت غذایی بالایی برخوردارند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار به بخش کشاورزی برای تأمین امنیت غذایی اختصاص می‌دهد و این مبلغ برای کشورهای اروپایی بین ۷۰ الی ۸۰ میلیارد دلار است. دشمنان ما اجازه تضعیف کالای داخلی به وسیله کالاهای وارداتی

را نمی‌دهند و جای تعجب است که هنوز در کشور، کمک برنامه‌ریزی شده برای سرپا نگه داشتن تولیدکننده داخلی تدوین نشده است. اختصاص دلار ارزان‌قیمت برای واردات کالاهای خارجی به این معناست که تولیدکننده داخلی را سرزنش نماییم و دائماً از بالا بودن هزینه‌ها، فقدان مهارت در تولید و پایین بودن بهره‌وری شکایت کنیم. اگر با کمک دولتی، دلار سه برابر ارزان‌تر عرضه بشود، این بدین معناست که تولیدکننده خارجی سه برابر قوی‌تر شده و کالای خارجی به هنگام ورود به کشور با یک سوم قیمت می‌تواند تولیدکننده داخلی را از میدان به در کند و دو برابر سود بیشتر عاید خود نماید.

سر و سامان دادن به اخذ مالیات از فعالیت‌های غیرتولیدی ازجمله اقدامات دیگر لازم‌الاجرا در شرایط کنونی است. متأسفانه در کشور ما سود فعالیت‌های تولیدی ۱۵ درصد و سود دلالی ۱۰۰ درصد است درحالی‌که در تمام کشورهای تحریم‌کننده ما، به دلیل مالیات سرسام‌آور ورود به بخش دلالی اصلاً مقرون به صرفه نیست. به‌عنوان مثال در آمریکا و انگلستان، ۹۰ درصد اختلاف خرید و فروش مسکن، به‌صورت مالیات دریافت می‌گردد و سپرده‌ها به‌صورت طبیعی به بخش تولید سرازیر می‌شوند. این در حالی است که در کشور ما دائماً از آزاد گذاشتن بی‌ضابطه بازار و فعالان بخش خصوصی در آن سخن به میان می‌آید که تنها به منافع خود می‌اندیشند.

نباید در مسیری قرار بگیریم که چه تحریم باشیم و چه نباشیم، همچنان به خارج و کالاهای خارجی وابسته باشیم. سیاست تقویت بنیه کارگران خارجی به وسیله واردات کالاهای خارجی پس از رفع تحریم‌ها، منجر به تعطیلی بیشتر صنایع و تبدیل‌شدن صاحبان آن‌ها به دلالان کالا و املاک خواهد شد. وقتی فضا این چنین بوده و هست، باید نگران و به فکر چاره بود. در حال از دست دادن بهترین فرصت‌ها هستیم زیرا برطرف شدن مانع تحریم برای تحقق اقتصاد مقاومتی، هم فرصت است و هم تهدید. فرصت برای مقاوم کردن اقتصاد برای مواقع خطر و تهدید برای ورود سیل خانمان برانداز واردات و خاموش شدن چراغ تولیدکنندگان داخلی. این مقاومت تنها مختص به دوران تحریم نیست بلکه متعلق به تمام دوران‌هاست و هیچ دولت و مسئولی نیست که مسئولیتی در قبال آن نداشته باشد.



تبیین مغایرت برجام با خطوط قرمز تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری[1]

دکتر مظفر نامدار
رییس پژوهشکده مطالعات فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توافق وین (برجام) میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ که در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ خبر آن اعلام شد، دارای اشکالات و ایرادات فراوانی است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف .عدم مشروعیت برجام (مغایرت با خطوط قرمز نظام)

از آنجا که برجام .برنامه جامع اقدام مشترک .اکثر خط قرمزهای ترسیم شده از جانب مقام معظم رهبری را نقض کرده است، لذا فاقد مشروعیت هست. البته جناب آقای روحانی و جناب آقای ظریف، پس از اعلام خبر توافق وین اعلام کردند که در این توافق، خطوط قرمز نظام رعایت شده است، درحالی‌که خواهیم دید این مسئله به هیچ وجه صحت ندارد. در این بخش به نقض این خطوط قرمز اشاره می‌شود.

۱- محدودیت‌های بلندمدت

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم تیر ۹۴ می‌فرمایند: «آن‌ها اصرار دارند بر محدودیت بلندمدت؛ ما گفتیم که محدودیت ۱۰ سال و ۱۲ سال و مانند این‌ها را قبول نداریم ... ما مقدار سال‌های معینی را که مورد قبول ما است به مجموعه هیئت مذاکره کننده گفته‌ایم که چه مقدار محدودیت را قبول کرده‌ایم. اما تعداد سال‌های ۱۰ سال و ۱۲ سال و این چیزهایی که این حضرات می‌گویند را قبول نداریم ... زمان‌های ۱۵ سال و ۲۵ سال که مدام می‌گویند ۱۵ سال

---

1 - namdar335.persianblog.ir

این مقاله گزیده‌ای از مقاله‌ای با همین عنوان از ایشان است.

برای فلان چیز، ۲۵ سال برای فلان چیز و این زمان‌های این جوری را هم ما قبول نداریم.»

موارد نقض شده در توافق:

▪ به‌جز فعالیت‌های جداسازی با هدف تولید رادیوایزوتوپ‌های پزشکی و صنعتی از نمونه‌های تابش دیده اورانیوم غنی شده، ایران به مدت ۱۵ سال وارد بازفرآوری یا ساخت تأسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرفی، یا فعالیت‌های تحقیق و توسعه‌ی بازفرآوری که منتج به ایجاد قابلیت بازفرآوری سوخت مصرفی شود، نگردیده و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد. (ماده ۱۲ برجام)

از عبارت فوق چنین به نظر می‌رسد که محدودیت بازفرآوری برای ایران ۱۵ سال است، اما با اضافه کردن عبارت «پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد»، درواقع محرومیت ایران را دائمی ساخته است.

▪ ایران به مدت ۱۵ سال، و بدون داشتن قصدی برای بعدازآن، هیچ تأسیساتی که قادر به جداسازی پلوتونیوم، اورانیوم، نپتونیوم از سوخت‌های مصرف شده یا نمونه‌های شکافت پذیر باشد، به غیر از آن‌هایی که برای تولید رادیوایزوتوپ برای مقاصد پزشکی و صنعتی است را تکمیل، احداث و یا خریداری نخواهد کرد. (ماده ۲۰ ضمیمه یک)

ماده فوق نیز در ظاهر یک محدودیت ۱۵ ساله را برای ایران در نظر گرفته اما با اضافه کردن عبارت «و بدون داشتن قصدی برای بعدازآن»، درواقع این محدودیت دائمی است و تبدیل به یک محرومیت همیشگی شده است.

▪ نظارت آژانس بر کنسانتره سنگ معدن اورانیوم تولیدی توسط ایران در همه کارخانه‌های تغلیظ سنگ معدن اورانیوم به مدت ۲۵ سال. (ماده ۱۵)

▪ ایران برای ۲۵ سال، همه اطلاعات لازم برای اینکه آژانس را قادر سازد که تولید کنسانتره سنگ معدن اورانیوم و موجودی کنسانتره سنگ معدن اورانیوم تولیدشده در ایران یا به دست آمده از هر منبع دیگری را راستی آزمایی کند، برای آژانس فراهم خواهد نمود. (ماده ۶۹ ضمیمه یک)

▪ نظارت و مراقبت آژانس در مورد روتورها و بیلوزهای سانتریفیوژ به مدت ۲۰ سال. (ماده ۱۵)

▪ ایران و آژانس اقدامات لازم برای محدودسازی و مراقبت بر روی لوله‌های روتور سانتریفیوژ و بیلوز را برای ۲۰ سال به کار خواهند گرفت. (ماده ۷۹ ضمیمه یک)

▪ طی مدت ۱۵ سال، ایران ذخایر اورانیوم غنی شده خود را فقط به ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۳/۶۷ درصد محدود خواهد کرد. (ماده ۷ و همچنین ماده ۵۶ ضمیمه یک)

▪ به مدت ۱۵ سال، رآکتور آب سنگین دیگری یا انباشت آب سنگین در ایران نخواهد بود.

(ماده ۱۰)

▪ ایران به آژانس اجازه خواهد داد که به مدت ۱۵ سال از فناوری‌های مدرن تأیید شده و گواهی شده توسط آژانس ازجمله دستگاه سنجش میزان غنی‌سازی به‌صورت مستقیم، و مهر و موم‌های الکترونیک، و یک ساز و کار قابل اتکا برای اطمینان از رفع سریع نگرانی‌های آژانس، استفاده نماید. (ماده ۱۵)

▪ به مدت ۱۵ سال، تمامی آب سنگین مازاد بر نیاز رآکتور مدرن اراک، رآکتور آب سنگین صفر قدرت و حداقل ذخیره احتیاطی لازم برای آن‌ها به همراه مقداری که برای تحقیقات دارویی مورد نیاز است، مقداری که برای تولید محلول‌های دوتره و ترکیبات شیمیایی مورد نیاز است، مابقی برای صادرات به بازارهای بین‌المللی آماده شده و بر اساس قیمت بین‌المللی به آن‌ها تحویل می‌گردد. (ماده ۱۴ ضمیمه یک)

▪ به‌جز برای مجتمع رآکتور تحقیقاتی اراک، ایران به مدت ۱۵ سال به تکمیل، احداث و یا تصاحب سلول‌های داغ قادر به انجام تست‌های بعد از تابش‌دهی و یا خرید تجهیزاتی که امکان توسعه و ساخت آن را فراهم کند، نخواهد پرداخت. (ماده ۲۲ ضمیمه یک)

▪ برای ۱۵ سال، ایران درگیر تولید یا دستیابی به فلز پلوتونیوم و یا اورانیوم یا آلیاژ آن‌ها، و یا تحقیقاتی در خصوص متالوژی پلوتونیوم یا اورانیوم (یا آلیاژ آن‌ها) و یا قالب‌گیری، فرم دهی یا ماشین‌کاری فلز پلوتونیوم یا اورانیوم نخواهد شد. (ماده ۲۴ ضمیمه یک)

▪ به مدت ۱۵ سال، ایران تولید، جستجو یا دستیابی به پلوتونیوم جدا شده، اورانیوم با غنای بالا (غنای بیش از ۲۰ درصد اورانیوم ۲۳۵)، یا اورانیوم ۲۳۳ یا نپتونیوم ۲۳۷ را نخواهد داشت. (ماده ۲۵ ضمیمه یک)

▪ ایران سطح غنی‌سازی خود را به مدت ۱۵ سال در حد ۳/۶۷ درصد حفظ خواهد کرد. (ماده ۲۸ ضمیمه یک)

▪ ایران به مدت ۱۵ سال تمام تست‌های خود با اورانیوم بر روی سانتریفیوژها را فقط در پایلوت نطنز انجام خواهد داد. (ماده ۴۰ ضمیمه یک)

▪ به مدت ۱۵ سال، ایران در فردو، فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و تحقیق و توسعه مربوط به غنی‌سازی اورانیوم نخواهد داشت و هیچ‌گونه مواد هسته‌ای نگهداری نخواهد کرد. (ماده ۴۵ ضمیمه یک)

▪ ایران به مدت ۱۵ سال، فقط ۱۰۴۴ دستگاه سانتریفیوژ نسل اول را در یکی از سالن‌های فردو نگهداری خواهد کرد. (ماده ۴۶ ضمیمه یک)

▪ ایران به مدت ۱۵ سال، فعالیت‌های خود در تولید ایزوتوپ‌های پایدار توسط سانتریفیوژ را

در تأسیسات فردو محدود کرده و بیش از ۳۴۸ دستگاه سانتریفیوژ نسل اول برای این منظور استفاده نخواهد کرد. (ماده ۵۰ ضمیمه یک)

■ برای مدت ۱۵ سال، تأسیسات غنی‌سازی نطنز تنها محل برای همه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی شامل تحقیق و توسعه تحت نظارت پادمان در ایران خواهد بود. (ماده ۷۲ ضمیمه یک)

■ برای مدت ۱۵ سال، ایران فقط با موافقت کمیسیون مشترک وارد صادرات هرگونه تکنولوژی و تجهیزات غنی‌سازی و یا مرتبط با غنی‌سازی با هر کشور دیگر یا با هر نهاد خارجی در زمینه فعالیت‌های غنی‌سازی و یا مرتبط با غنی‌سازی شامل فعالیت‌های تحقیق و توسعه خواهد شد. (ماده ۷۳ ضمیمه یک)

■ ایران طی ۱۰ سال، ظرفیت غنی‌سازی خود در نطنز را حداکثر تا ۵۰۶۰ دستگاه سانتریفیوژ نسل اول نگه خواهد داشت. (ماده ۲)

■ تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران با اورانیوم، برای مدت ۱۰ سال صرفاً شامل سانتریفیوژهای نسل ۴، ۵، ۶، و ۸ به نحو تشریح شده در ضمیمه یک خواهد بود. (ماده ۳)

■ روز خاتمه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، روزی است که در آن، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که این برجام را تأیید می‌نماید، منطبق با شرایط خود خاتمه می‌یابد، که این روز ۱۰ سال بعد از زمان روز توافق خواهد بود. (بند ه از ماده ۳۴)

■ ایران به مدت ۱۰ سال بر اساس رویه موجود، جریان گاز محصول و پسماند حاصل از زنجیره‌های سانتریفیوژهای نسل ۶ و ۸ را با استفاده از لوله‌های جوشکاری شده ـ که به تأیید آژانس برسد ـ مخلوط می‌کند به‌گونه‌ای که امکان برداشت محصول اورانیوم غنی‌شده و رقیق‌شده را میسر نسازد. (ماده ۳۹ ضمیمه یک)

■ ایران تمایل دارد که تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای نسل جدید را از طریق مدل‌سازی کامپیوتری و شبیه‌سازی ازجمله در دانشگاه‌ها، ادامه دهد. در یک دوره‌ی ۱۰ ساله، برای هر پروژه‌ای که به مرحله نمونه‌سازی برای تست مکانیکی برسد، ارائه کامل و تصویب کمیسیون مشترک لازم است. (ماده ۴۳ ضمیمه یک)

■ برای مدت ۱۰ سال، فعالیت‌های تولید یا تحقیق و توسعه جداسازی ایزوتوپی اورانیوم ایران منحصراً بر مبنای تکنولوژی گازی خواهد بود. (ماده ۸۱ ضمیمه یک)

جان کری وزیر امور خارجه آمریکا، ساعتی پس از توافق وین، طی مصاحبه‌ای گفت: بخشی از بندهای توافق به مدت ۱۰ سال، برخی از بندهای آن به مدت ۱۵ سال، و بخشی برای ۲۵ سال اجرا می‌شود. برخی بندها نیز به ویژه آن‌ها که به شفاف‌سازی مربوط می‌شود، به‌صورت

دائمی پا بر جا است.

اما به راستی هدف دولت آمریکا از اینکه پرونده هسته‌ای ایران را تا چند دهه طول دهد، چیست؟ جوفی جوزف از اعضای تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات ۱+۵، در اسفند ماه ۱۳۹۲ طی مقاله‌ای در سایت مؤسسه بلفر، اذعان کرد آمریکایی‌ها طرحی را دنبال می‌کنند تا پرونده هسته‌ای ایران را بین ۲۰ تا ۲۵ سال ادامه دهند تا در این مدت، طرح تغییر نظام ایران را به تدریج دنبال کنند.

۲- لغو همه تحریم‌ها در روز امضای توافق

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم تیر ۱۳۹۴ می‌فرمایند: «بنده تصریح می‌کنم که تحریم‌های اقتصادی و مالی و بانکی، چه آنچه به شورای امنیت ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به کنگره آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، چه آنچه به دولت آمریکا ارتباط پیدا می‌کند، همه باید فوراً در هنگام امضای موافقت‌نامه لغو بشود. بقیه تحریم‌ها هم در فاصله‌های معقول ... تحریم‌ها به‌طور کامل و یکجا بایستی لغو بشود. اینکه یکی از آن‌ها می‌گوید تحریم‌ها شش ماه دیگر لغو می‌شود، یکی می‌گوید نه، ممکن است یک سال هم طول بکشد، یکی دیگر می‌گوید ممکن است از یک سال هم بیشتر بشود، این‌ها بازی‌های متعارف معمول این‌ها است. این‌ها هیچ قابل اعتناء و قابل قبول نیست.»

رهبر انقلاب در تاریخ ۲۰ فروردین ۹۴ نیز فرموده بودند: «تحریم‌ها بایستی در همان روز توافق به‌طور کامل لغو بشوند. اگر قرار باشد که لغو تحریم‌ها باز متوقف بشود بر یک فرایند دیگری، پس اصلاً ما چرا مذاکره کردیم؟»

موارد نقض شده در توافق:

- طبق ماده ۱۸، تحریم‌های مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، هنگامی لغو خواهند شد که ایران ابتدا تعهداتش را اجرا کند و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم پس از راستی آزمایی آن را تأیید کند؛ آنگاه تحریم‌های شورای امنیت لغو می‌شود البته نه همه آن‌ها، چون بخشی از تحریم‌ها را در قطعنامه جدید همچنان ادامه می‌دهند.
- طبق ماده ۲۱، دولت آمریکا نیز فقط بخشی از تحریم‌هایش را آن‌هم پس از راستی آزمایی و تأیید آژانس، تعلیق خواهد کرد.
- طبق ماده ۲۳، دولت آمریکا ۸ سال پس از روز توافق، اقدام به پیگیری لغو تحریم‌هایش **خواهد کرد. یعنی آمریکا هیچ تعهدی برای لغو تحریم‌هایش نداده، بلکه گفته که در این راستا تلاش خواهد کرد!**

■ طبق ماده ۱۹، اتحادیه اروپا نیز پس از راستی آزمایی و تأیید اقدامات ایران توسط آژانس، تحریم‌های مالی و اقتصادی را متوقف خواهد کرد.
این توقف به معنی تعلیق این تحریم‌ها است و نه لغو آن‌ها. اتحادیه اروپا بر اساس برجام، آیین‌نامه‌های اجرایی تحریم‌ها را لغو ولی اصل قوانین تحریمی خود را حفظ خواهد کرد. از چهار مورد تحریمی اروپا، سه مورد هسته‌ای و یک مورد غیر هسته‌ای (حقوق بشری) است. لذا برخی تحریم‌های اتحادیه اروپا هیچ گاه لغو نخواهد شد. در روز اجرای توافق، دارایی‌های بلوکه شده ایران در کشورهای اروپایی شامل دارایی‌های بانک مرکزی، شرکت ملی نفت و نهادهای وابسته، شرکت کشتی‌رانی و نهادهای وابسته و افراد و نهادهایی که در فعالیت‌های موشکی و اشاعه‌ای فعال هستند، آزاد نمی‌شوند. همچنین تحریم‌های مرتبط با فناوری‌ها و اقلام حساس و مواد خاص مورد استفاده در فعالیت‌های هسته‌ای، نرم‌افزارها و تسلیحات که در بندهای ۱/۵/۱ الی ۱/۸/۱ از ضمیمه دوم مورد اشاره قرارگرفته‌اند، تا روز انتقال -یعنی تا ۸ سال بعد- باقی می‌مانند و بعد از راستی آزمایی آژانس، تعلیق خواهند شد.
این در حالی است که آقای ظریف در تاریخ ۲۴ تیر ۹۴، در جمع خبرنگاران گفته بود: «تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند، در ابتدای اجرای توافق رفع می‌شود و اقدامات ما نیز پس از لغو همه‌ی تحریم‌ها آغاز می‌شود»! یعنی آقای ظریف، ماجرا را درست ۱۸۰ درجه برعکس تعریف می‌کند!

۳- منوط نشدن لغو تحریم‌ها به اجرای تعهدات ایران

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم تیر ۹۴ می‌فرمایند: «لغو تحریم‌ها نباید به اجرای تعهدات ایران منوط شود. نگویند شما تعهدات را انجام دهید بعد آژانس گواهی دهد تا تحریم‌ها لغو شود؛ ما این مسئله را مطلقاً قبول نداریم. اجرائیات لغو تحریم‌ها باید با اجرائیات تعهدات ایران متناظر باشد. بخشی از این در مقابل بخشی از آن.»

موارد نقض شده در توافق:

■ طبق ماده ۱۸ و ماده ۱۹، شورای امنیت و اتحادیه اروپا هنگامی تحریم‌های اقتصادی و مالی را لغو می‌کنند که ابتدا ایران تعهداتش را انجام دهد و آژانس نیز آن را تأیید کند.
■ در ماده ۱۰ ضمیمه شماره ۵ برجام، چنین آمده: «اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو آن، یک آئین‌نامه اجرایی، که از «روز اجرا» واجد اثر می‌شود را تصویب خواهد کرد که به موجب آن کلیه مفاد آئین‌نامه اجرایی اتحادیه اروپایی که کلیه تحریم‌های مالی و اقتصادی مرتبط هسته‌ای اتحادیه اروپایی به شرح مندرج در بخش ۱۶.۱ این پیوست را اجرایی کرده است،

همزمان با اجرای تعهدات مرتبط هسته‌ای از سوی ایران به نحو راستی آزمایی شده توسط آژانس، لغو خواهد کرد.»

طبق ماده ۱۴ ضمیمه شماره ۵ برجام، «روز اجرا» به دنبال اجرای اقدامات مرتبط هسته‌ای ایران مندرج در بند ۱۵ و به نحو راستی آزمایی شده توسط آژانس خواهد بود.

معنای عبارات فوق آن است که ابتدا جمهوری اسلامی ایران باید تعهداتش را عمل کند و آژانس نیز پس از راستی آزمایی، آن را تأیید کند، آنگاه اتحادیه اروپا اقدامات خود را انجام خواهند داد.

■ طبق ماده ۲۱ برجام نیز دولت آمریکا بخشی از تحریم‌هایش را پس از انجام تعهدات ایران و تأیید آژانس، تعلیق خواهد کرد.

اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، پس از توافق وین گفت: «درحالی‌که ایران برای اجرای این توافقنامه گام برمی‌دارد، در مقابل، کاهش تحریم‌هایی را خواهد دید که ما برای برنامه هسته‌ای ایران علیه این کشور وضع کرده‌ایم، هم تحریم‌های خود آمریکا و هم تحریم‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع کرده است. کاهش تحریم‌ها مرحله‌ای و گام به گام خواهد بود. ایران باید ابتدا گام‌های کلیدی هسته‌ای را کامل بردارد تا بعدازآن بتواند از کاهش‌های جدید تحریم‌ها بهره‌مند شود. در یک دهه آینده ایران باید به این توافق عمل کند تا تحریم‌های دیگر برداشته شود.»

سوزان رایس مشاور امنیت ملی آمریکا نیز پس از اعلام توافق وین، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی رویترز گفت: «تا زمانی که ایران کاملاً به تعهدات کلیدی خود عمل نکرده، هیچ تحریمی لغو نمی‌شود. ایران باید دو سوم سانتریفیوژهای خود را برچیند. ایران باید از ۹۸ درصد ذخیره اورانیوم غنی‌شده خود خلاص شود. ایران باید اجازه دسترسی مستمر و فوق العاده را به تأسیسات هسته‌ای خود بدهد. ایران باید گام‌هایی را بردارد که رأکتور پلوتونیوم آب سنگین کنونی خود را بلااستفاده کند. ایران باید رضایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را جلب کند و به همه پرسش‌های باقی مانده آژانس درباره فعالیت گذشته خود در زمینه تولید سلاح‌های هسته‌ای پاسخ دهد و همه این مسائل به شکل رضایت بخشی حل و فصل شوند. این‌ها گام‌های اولیه‌ای هستند که ایران باید قبل از لغو تحریم‌ها، بردارد.»

همان‌گونه که ملاحظه شد، این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشد.

۴- مخالفت با موکول کردن هراقدامی به گزارش آژانس

رهبری انقلاب در تاریخ دوم تیر ۹۴ می‌فرمایند: «ما با موکول کردن اجرای تعهدات طرف

مقابل به گزارش آژانس مخالفیم. چون آژانس بارها و بارها ثابت کرده مستقل و عادل نیست، بنابراین ما به آن بدبین هستیم. می‌گویند آژانس باید اطمینان پیدا کند؛ این چه حرف نامعقولی است؟ چگونه اطمینان پیدا کند؟ مگر اینکه وجب به وجب این سرزمین را بازرسی کند.»

ایشان همچنین در تاریخ ۲۰ فروردین ۹۴ نیز فرموده بودند: «اگر قرار باشد که لغو تحریم‌ها باز متوقف بشود به یک فرآیند دیگری، پس اصلاً ما چرا مذاکره کردیم؟ اصلاً مذاکره و نشستن پشت میز مذاکره و بحث کردن برای چه بود؟ برای همین بود که تحریم‌ها برداشته بشود. این را باز بخواهند متوقف کنند به یک چیز دیگری، اصلاً قابل قبول نیست.»

موارد نقض شده در توافق:

▪ طبق ماده ۱۸ و ۱۹ و ۲۱، شورای امنیت و اتحادیه اروپا و دولت آمریکا، فقط پس از راستی آزمایی آژانس و تأیید اقدامات ایران طی یک گزارش، اقدام به کنار گزاردن تحریم‌ها خواهند کرد.

▪ طبق ماده ۲۰، اتحادیه اروپا ۸ سال پس از روز توافق برجام که آژانس به نتیجه‌گیری گسترده رسیده باشد که تمام مواد هسته‌ای در ایران در فعالیت‌های صلح‌آمیز باقی می‌ماند، تمامی مفاد مقررات اتحادیه اروپا را که تحریم‌های مرتبط با عدم اشاعه را اجرایی می‌سازد، ازجمله فهرست‌های اسامی، لغو خواهد کرد.

ملاحظه می‌گردد که این خط قرمز رهبری نیز کنار گذاشته شده است.

۵- ادامه کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز در زمان محدودیت

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم تیر ۹۴ می‌فرمایند: «در طول سال‌های محدودیت هم باید تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آن‌ها می‌گویند در مدت ۱۲ سال هیچ کاری نکنید اما این، یک حرف زور مضاعف و غلط مضاعف است.»

موارد نقض شده در توافق:

▪ ایران تحقیق و توسعه غنی‌سازی خود را به‌گونه‌ای که برای جمع‌آوری اورانیوم غنی‌شده نباشد، ادامه خواهد داد. ایران به مدت ۱۰ سال و بر اساس برنامه تحقیق و توسعه خود، تست ماشین‌های سانتریفیوژ با استفاده از اورانیوم فقط شامل سانتریفیوژهای نسل ۴، ۵، ۶ و ۸ می‌شود. تست مکانیکی حداکثر بر روی ۲ دستگاه سانتریفیوژ از انواع نسل ۲، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ خواهد بود. (ماده ۳۲ ضمیمه یک)

▪ ایران به مدت ۱۰ سال به انجام آزمایش فقط بر روی تک ماشین سانتریفیوژ نسل ۴ و زنجیره

۱۰ ماشین آن ادامه خواهد داد. (ماده ۳۵ ضمیمه یک)

■ ایران به مدت ۱۰ سال به انجام آزمایش بر روی فقط یک دستگاه سانتریفیوژ نسل ۵ ادامه خواهد داد. (ماده ۳۶ ضمیمه یک)

■ ایران به انجام آزمایش بر روی تک ماشین‌های سانتریفیوژ نسل ۶ و زنجیرهای میانی آن ادامه خواهد داد و از یک سال و نیم مانده به سال دهم، آزمایش بر روی زنجیره ۳۰ ماشین را شروع خواهد کرد. (ماده ۳۷ ضمیمه یک)

■ ایران همزمان با شروع برجام، به انجام آزمایش بر روی تک ماشین‌های سانتریفیوژ نسل ۸ و زنجیرهای میانی آن ادامه خواهد داد. از یک سال و نیم مانده به سال دهم، آزمایش بر روی زنجیره ۳۰ ماشین را شروع خواهد کرد. (ماده ۳۸ ضمیمه یک)

در فرآیند تحقیق و توسعه، آنچه اهمیت دارد این است که بتوان پس از آزمایش انفرادی سانتریفیوژها، عملکرد مجموعه‌ی چندتایی آن‌ها و سپس آبشارهای ۱۶۴ تایی آن‌ها را موردبررسی و آزمایش قرارداد و سوخت با غنای پایدار از مجموع سانتریفیوژها تهیه کرد. به این ترتیب تحقیق و توسعه بدون امکان آزمایشات این چنینی معنای اصلی خود را از دست می‌دهد. لذا مواد فوق الاشاره حاکی از آن است که طی ۱۰ سال آینده، عملاً تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ما کاملاً محدود و صرفاً در یک محدوده بسیار کوچک آزمایشگاهی .و نه صنعتی .خواهد بود و پس از ۱۰ سال، صنعت هسته‌ای ایران از فناوری‌های روز دنیا فاصله بسیاری خواهد داشت.

■ ایران به مدت ۱۰ سال بر اساس رویه موجود، جریان گاز محصول و پسماند حاصل از زنجیره‌های سانتریفیوژهای نسل ۶ و ۸ را با استفاده از لوله‌های جوشکاری شده، که به تأیید آژانس برسد، مخلوط می‌کند به‌گونه‌ای که امکان برداشت محصول اورانیوم غنی‌شده و رقیق‌شده را میسر نسازد. (ماده ۳۹ ضمیمه یک)

.ایران به مدت ۱۵ سال، تمام تست‌های خود با اورانیوم بر روی دستگاه‌های سانتریفیوژ را فقط در پایلوت نطنز انجام خواهد داد. (ماده ۴۰ ضمیمه یک)

■ ایران تمایل دارد که تحقیق و توسعه روی سانتریفیوژهای نسل جدید را از طریق مدل‌سازی کامپیوتری و شبیه‌سازی ازجمله در دانشگاه‌ها، ادامه دهد. در دوره ۱۰ ساله، برای هر پروژه‌ای که به مرحله نمونه‌سازی برای تست مکانیکی رسید، ارائه کامل و تصویب کمیسیون مشترک لازم است. (ماده ۴۳ ضمیمه یک)

■ به مدت ۱۵ سال، ایران در فردو، فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و تحقیق و توسعه مربوط به غنی‌سازی اورانیوم نخواهد داشت و هیچ‌گونه مواد هسته‌ای نگه‌داری نخواهد کرد. (ماده

۴۵ ضمیمه یک)
دکتر فریدون عباسی رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، چند روز بعد از خبر توافق وین طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: ما تا اول مرداد ۱۳۹۲، نمونه اول ماشین سانتریفیوژ با توان ۱۶ سو را به پایان رسانده بودیم که البته گازدهی نکرده بودیم و ماشین ۲۴ سو نیز مراحل پایانی به دور رسیدن را طی می‌کرد. یعنی مشکلات مکانیکی آن حل شده بود. برنامه ما برای آینده این بود که سایت فردو با ماشین‌های بالای ۲۰ سو پر شود چراکه سقف فردو خیلی بلند است و هر کسی که ادعا کند که فردو برای تحقیقات است، این حرف صحت ندارد. فردو قابلیت بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دستگاه سانتریفیوژ نسل هشتم را دارد. اگر همان روند ادامه پیدا می‌کرد، می‌شد تا سال ۹۴ کار تست و تأیید صنعتی سانتریفیوژ نسل ۸ را به پایان برسانیم و در یک بازه ۳ ساله تعداد سه هزار سانتریفیوژ نسل هشتم را تولید کنیم. ارزش فردو با ماشین نسل هشتم برابری می‌کند با ۴۸۰۰۰ ماشین نسل اول در نطنز. با توافق برجام، فردو را از مأموریت تولید خارج کردند و به مأموریت به زعم خودشان تحقیقاتی تبدیل کردند. توجه کنید که آنجا محلی برای تحقیق نیست. کسی ۴، ۵ دستگاه سانتریفیوژ را نمی‌برد ۸۰ متر زیرزمین تا بر روی آن‌ها کار تحقیقاتی کند. ما الان سالهاست که در اصفهان و نطنز روی زمین و چند محل دیگر در کشور مشغول کار تحقیقاتی بر روی دستگاه‌های سانتریفیوژ هستیم و چون ما این کار را در جاهای مختلف توزیع کردیم، دیگر این‌ها آسیب‌پذیر نیستند. پس لزومی ندارد جایی را که می‌توان تولید پایدار با یک هدف راهبردی برای ما داشته باشد را تبدیل به یک مرکز تحقیقاتی بکنیم. این یک اشتباه است.

- برای ۱۰ سال، فعالیت‌های تولید یا تحقیق و توسعه جداسازی ایزوتوپی اورانیوم ایران منحصراً بر مبنای تکنولوژی سانتریفیوژ گازی خواهد بود. (ماده ۸۱ ضمیمه یک)

معنای مواد فوق آن است که این خط قرمز مهم رهبری نیز رعایت نشده است.

۶- مخالفت با نظارت‌های غیرمتعارف، پرس و جو از دانشمندان و بازرسی از مراکز نظامی

مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۰ فروردین ۹۴ فرموده بودند: «مطلقاً نباید اجازه داده شود که به بهانه‌ی نظارت، به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند و مسئولین نظامی کشور نیز به هیچ وجه اجازه ندارند که به بهانه‌ی نظارت و بازرسی، بیگانگان را به این حریم راه دهند یا توسعه‌ی دفاعی کشور را متوقف کنند ... هیچ شیوه نظارتی غیر متعارف که جمهوری اسلامی را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت تبدیل می‌کند، به هیچ وجه مورد قبول نیست. همین نظارت‌های متعارفی که در همه دنیا معمول است، اینجا هم همان نظارت‌ها باشد و

نه بیشتر.»

ایشان همچنین در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۹۴ فرمودند: «گفتیم که اجازه نمی‌دهیم از هیچ یک از مراکز نظامی، هیچ بازرسی‌ای از سوی بیگانگان صورت بگیرد ... من اجازه نمی‌دهم بیگانگان بیایند با دانشمندان ما، با فرزندان برجسته و عزیز ملت ایران که این دانش گسترده را به اینجا رسانده‌اند، بخواهند بنشینند حرف بزنند. در دنیا هیچ عاقلی اجازه نمی‌دهد، هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد ... این اجازه مطلقاً داده نخواهد شد.»

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم تیر ۹۴ نیز می‌فرمایند: «با بازرسی‌های غیر متعارف و پرس و جو از شخصیت‌ها را هم به هیچ وجه بنده موافق نیستم. بازرسی از مراکز نظامی را هم نمی‌پذیریم همچنان که قبلاً هم گفتیم.»

موارد نقض شده در توافق:

▪ ایران به آژانس اجازه خواهد داد که بر اجرای اقدامات داوطلبانه فوق الذکر برای دوره‌های زمانی مربوطه و نیز اجرای تدابیر شفافیت ساز به شرح مندرج در این برجام و پیوست‌های آن نظارت نماید. این اقدامات شامل: حضور بلندمدت آژانس در ایران، نظارت آژانس بر کنسانتره سنگ معدن اورانیوم تولیدی توسط ایران در همه کارخانه‌های تغلیظ سنگ معدن اورانیوم به مدت ۲۵ سال، نظارت و مراقبت در مورد روتورها و بیلوزهای سانتریفیوژ به مدت ۲۰ سال، استفاده از فناوری‌های مدرن تأیید شده و گواهی شده توسط آژانس ازجمله دستگاه سنجش میزان غنی‌سازی به‌صورت مستقیم، و مهر و موم‌های الکترونیک، و یک ساز و کار قابل اتکا برای اطمینان از رفع سریع نگرانی‌های آژانس در زمینه دسترسی به مدت ۱۵ سال، به شرح مندرج در پیوست یک. (ماده ۱۵)

▪ ایران ترتیبات لازم را جهت حضور طولانی مدت آژانس شامل صدور ویزای طولانی مدت به همراه تدارک فضای کاری مناسب در سایت‌های هسته‌ای، و با رویکرد مثبت، در مکان‌های نزدیک سایت‌های هسته‌ای در ایران، برای بازرسان منتخب آژانس برای کار و نگه‌داری تجهیزات لازم، به عمل خواهد آورد. (بند دوم ماده ۶۷ ضمیمه یک)

▪ در مقدمه برجام ذکر شده کلیه مفاد و اقدامات مندرج در این برجام، صرفاً برای اجرای آن بین گروه ۱+۵ و ایران هست و نمی‌بایست به منزله ایجاد رویه برای هیچ دولت دیگری یا برای اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق و تعهدات وفق معاهده عدم اشاعه هسته‌ای و سایر اسناد مربوطه و همچنین اصول و رویه‌های شناخته شده‌ی بین‌المللی تلقی گردد.

معنای موارد فوق آنست که ایران تبدیل به بزرگ‌ترین استثنای تاریخ آژانس شده، چنین نظارت‌هایی در تاریخ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کاملاً غیر متعارف و بی‌سابقه بوده و صرفاً

در مورد جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده است.

■ ایران در طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از مدل‌های کامپیوتری برای شبیه‌سازی وسایل انفجاری هسته‌ای وارد نخواهد شد. (بند اول ماده ۸۲ ضمیمه یک) .درخواست‌های دسترسی با هدف مداخله در فعالیت‌های نظامی ایران یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با امنیت ملی ایران نبوده اما منحصراً برای حل نگرانی‌هایی برخاسته از تحقق تعهدات برجام و دیگر تکالیف پادمان‌ها و عدم اشاعه ایران خواهد بود ... و بدون پیش‌داوری نسبت به موافقت‌نامه پادمان‌ها و پروتکل الحاقی است. در اجرای این شیوه همین طور دیگر اقدامات شفاف ساز، از آژانس خواسته می‌شود هر احتیاطی را برای صیانت از اسرار صنعتی، فناورانه و تجاری و همین‌طور دیگر اطلاعات محرمانه که به آن دست پیدا می‌کند، به کار گیرد. (ماده ۷۴ ضمیمه یک)

همان‌گونه که از متن ماده ۷۴ مشخص است، این ماده مربوط به اجرای پروتکل الحاقی است که بر طبق آن آژانس می‌تواند درخواست بازدید از هر مکانی ازجمله پایگاه‌های نظامی را بکند. این همان چیزی است که مقام معظم رهبری به‌صراحت آن را نفی کرده و فرمودند که اجازه این کار داده نخواهد شد اما متأسفانه در توافق وین پذیرفته شده است.

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در نطق هفتگی خود در تاریخ ۲۸ تیر ۹۴ اظهار داشت: «توافق وین، نظارت‌ها و بازرسی‌های بی‌سابقه‌ای را بر تأسیسات مهم اتمی ایران اعمال خواهد کرد و این مسئله را تضمین می‌کند که اگر ایران مفاد توافقنامه را نقض کند، تحریم‌های سختی که در گذشته اعمال شده بود، به سرعت باز خواهد گشت.» اوباما در تاریخ ۲۳ تیر ۹۴ نیز گفته بود: «در نتیجه این توافق، بازرسان آژانس خواهند توانست به هر مکان مشکوک در داخل ایران دسترسی داشته باشند. آژانس به هر جا و هر زمان که لازم باشد، دسترسی خواهد داشت. این شرط دائمی خواهد بود.»

پاور نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز بعد از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گفت: «اجرای این توافق باعث می‌شود تا راستی آزمایی در همه زمینه‌ها صورت بگیرد و آژانس باید از هر جایی که می‌خواهد، اجازه بازدید داشته باشد و همچنین به‌صورت ۲۴ ساعته باید از تمام تأسیسات اتمی ایران اجازه بازدید داشته باشند و تمام مراحل چرخه تولید انرژی هسته‌ای نیز زیر نظر باشند.»

ارنست مونیز وزیر انرژی آمریکا، در تاریخ اول مرداد ۹۴ در مجلس سنای آمریکا اظهار داشت: «این توافق، ایران را از توانمندی هسته‌ای دور کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند پس از اطلاع‌رسانی ۲۴ روزه قبلی، به تمامی سایت‌های مشکوک ایران [ازجمله

سایت‌های نظامی] دسترسی داشته باشد.»
وی در جای دیگر می‌گوید: «ما برای ۱۵ سال، محدودیت‌های شدیدی روی برنامه آن‌ها گذاشته‌ایم. بعد از این زمان نیز تدابیر شفاف ساز استثنایی یا همان اقدامات راستی آزمایی را خواهیم داشت.»
سوزان رایس مشاور امنیت ملی آمریکا نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی رویترز گفت: «تمامی تأسیسات اتمی شناخته شده آن‌ها به‌صورت مستمر و ۲۴ ساعته و هفت روز هفته، تحت نظارت آژانس بین‌المللی اتمی خواهد بود. همچنین بازرسین بین‌المللی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دسترسی مستمر به کل زنجیره تأمین برنامه اتمی ایران خواهند داشت.»
به راستی هدف و اصرار آمریکا بر اینکه بازرسان آژانس باید بتوانند در همه تأسیسات هسته‌ای ما به‌صورت ۲۴ ساعته -بر خلاف عرف رایج دنیا- حضور داشته و نظارت و بازرسی کنند، چیست؟ ماهنامه آمریکایی «نشنال اینترست» در یک گزارش تحلیلی نوشت: «بازرسی‌های سرزده از تأسیسات هسته‌ای ایران، این امکان را در تقویت گزینه نظامی می‌بخشد که طی آن، آمریکا و متحدانش یک نقشه بهتر از مجموعه هسته‌ای ایران در دست خواهند داشت. اگرچه چارچوب گسترده برنامه هسته‌ای ایران آشکار شده، لکن ابعاد و نیز زنجیره تأمین مواد مورد نیاز، از دید آمریکا و متحدانش مغفول مانده است. بازرسی‌های سرزده، به آمریکا و متحدانش وضعیت اطلاعاتی بهتری را برای از میان برداشتن برنامه هسته‌ای ایران می‌بخشد. از همه مهم‌تر آن است که این توافق جدید هسته‌ای، به آمریکا و اسرائیل این فرصت را می‌دهد تا به بهبود توانایی‌هایشان در انجام حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران بپردازند.»
در همین راستا، جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید آمریکا، سه روز پس از توافق وین در یک نشست خبری گفت: «با وجود توافق، همچنان گزینه نظامی در مقابل ایران روی میز است ... نکته کلیدی این است که پس از توافق، گزینه نظامی تقویت هم می‌شود، چراکه طی این سال‌ها، ما جزئیات بیشتری از برنامه هسته‌ای ایران جمع‌آوری خواهیم کرد. بنابراین، زمانی که وقت تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی آمریکا و اسرائیل در مورد هدف‌گیری می‌رسد، به دلیل اطلاعاتی که طی این سال‌ها به لطف رژیم بازرسی‌ها جمع‌آوری کرده‌ایم، آن تصمیمات به طرز چشمگیری مبتنی بر اطلاعات بوده و توانمندی‌های ما ارتقاء یافته‌اند.»
مطالبی که در فوق اشاره شد، نشان‌دهنده آن است که این خط قرمز رهبری نیز نقض شده است.

۷- عدم مذاکره در مورد مسائل دفاعی کشور

یکی از مسائلی که رهبر معظم انقلاب چندین بار به تیم مذاکره‌کننده تذکر داده بودند، عدم اجازه برای مذاکره در مورد مسائل دفاعی کشور بود. اما متأسفانه تیم مذاکره‌کننده به این تذکرات مکرر رهبری توجه نکردند و با آمریکایی‌ها در مورد مسائل دفاعی کشور به مذاکره پرداختند.

▪ ایران در طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از سیستم‌های تشخیص انفجار (دوربین‌های سرعت بالا و دوربین‌های اشعه ایکس) مناسب برای توسعه تجهیزات انفجار هسته‌ای، وارد نخواهد شد مگر اینکه مقاصد غیرهسته‌ای بودن آن توسط کمیسیون مشترک تأیید شده باشد و موضوع پایش باشد. (بند سوم ماده ۸۲ ضمیمه یک)

▪ ایران در طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از چشمه‌های نوترونی هدایت‌کننده انفجارات یا مواد خاص برای چشمه‌های نوترونی هدایت‌کننده انفجارات، وارد نخواهد شد. (بند ۴ ماده ۸۲ ضمیمه یک)

مواد فوق جزو مباحث دفاعی کشور محسوب می‌شوند.

▪ از ایران خواسته می‌شود تا ۸ سال پس از روز قبول توافق، هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیکی طراحی‌شده برای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای، شامل پرتاب با استفاده از فناوری‌های موشک‌های بالستیک، صورت ندهد. (ماده ۳ پیوست ب قطعنامه ۲۲۳۱)

باید توجه داشت که موشک‌های بالستیک از نظر مأموریت، به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. موشک‌های حامل ماهواره و محموله‌های فضایی ۲. موشک‌های بالستیک جنگی. البته باید توجه داشت که اکثریت قریب به اتفاق موشک‌های بالستیک متعارف و حتی موشک‌های کروز، قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را نیز دارند. بنابراین، بر اساس این بند قطعنامه شورای امنیت، تقریباً تمام موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران اعم از شهاب ۳، قدر، قیام، سجیل، فاتح و ... مشمول تحریم خواهند شد و ایران در محدوده زمانی قید شده یعنی ۸ سال، حق هیچ فعالیتی روی این موشک‌ها اعم از ساخت، آزمایش، فروش و ... نخواهد داشت. ایران حتی حق تست و آزمایش و یا به کارگیری موشک‌های حامل ماهواره و یا حامل محموله‌های فضایی را نیز نخواهد داشت.

نکته قابل توجه دیگر آن است که اساساً یکی از مسائل و دغدغه‌های کلیدی آمریکا و رژیم صهیونیستی آن است که سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا و سامانه‌های دفاع موشکی اسرائیل، هنوز قادر به مقابله کامل با موشک‌های جمهوری اسلامی ایران نیستند و مشخص است که این محدودیت ۸ ساله سبب عقب‌ماندگی دفاعی ایران و پیشرفت سیستم‌های موشکی

دشمنان ایران خواهد شد. این مسئله هنگامی اهمیت می‌یابد که توجه کنیم مهم‌ترین دغدغه آمریکا برای برخورد نظامی با ایران، نه ترس از سلاح هسته‌ای، بلکه ترس آنان از توان بالای موشکی ایران هست.

■ کلیه دولت‌ها می‌توانند در فعالیت‌های ذیل مشارکت داشته و اجازه آن‌ها را صادر کنند، مشروط به آنکه شورای امنیت از قبل به‌صورت مورد به مورد تصمیم به تأیید آن‌ها گرفته باشد: عرضه و فروش و یا انتقال مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه تانک جنگی، خودروهای زرهی، سامانه‌های توپخانه‌ای سنگین، هواپیماهای رزمی، بالگردهای تهاجمی، ناوهای جنگی، موشک‌ها و یا سامانه‌های موشکی، یا تجهیزات مرتبط شامل قطعات یدکی، به ایران، یا برای استفاده در ایران و یا در جهت منافع ایران، ... و ارائه آموزش فنی، منابع یا خدمات مالی، مشاوره، دیگر خدمات یا کمک‌های مرتبط با تأمین، فروش، انتقال، تولید، نگهداری و یا استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات مرتبط مشروح در این بند، به ایران. این بند تا تاریخ ۵ سال پس از روز قبول توافق اعمال خواهد شد. (ماده ۵ پیوست ب قطعنامه ۲۲۳۱)

به موجب ماده فوق، تا ۵ سال، هر نوع خریدهای تسلیحاتی ایران از کشورهای خارجی، باید مورد به مورد به شورای امنیت -یعنی آمریکا و متحدانش- گزارش گردد و در صورت تأیید آن‌ها، ایران می‌تواند موارد مذکور را دریافت کند.

■ کلیه دولت‌ها تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا ۵ سال بعد از روز قبول توافق، به استثنای مواردی که شورای امنیت از قبل و به‌صورت مورد به مورد تصمیم دیگری اتخاذ کرده باشد، مانع از عرضه، فروش یا انتقال تسلیحات یا تجهیزات مرتبط از مبداء ایران، توسط اتباع یا کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچم خود شوند، فارغ از اینکه مبداء آن‌ها قلمرو ایران باشد یا خیر. (ماده ۶ پیوست ب قطعنامه ۲۲۳۱)

به موجب ماده فوق، تا ۵ سال، هر نوع تسلیحاتی که ایران بخواهد به کشورهای دیگر بفروشد، باید به تأیید شورای امنیت -یعنی آمریکا و متحدانش- برسد و در غیر این صورت اجازه چنین کاری را نخواهد داشت.

یعنی اگر ایران برای مقاومت فلسطین یا حزب‌الله یا سوریه بخواهد حتی یک فشنگ یا یک جعبه مهمات ارسال کند، یا به نیروهایی که در عراق با داعش می‌جنگند، اسلحه بدهد، به معنای نقض توافق خواهد بود و تحریم‌ها فوراً برخواهند گشت.

موارد فوق جزو مباحث دفاعی کشور بوده که تیم مذاکره کننده به هیچ وجه حق ورود به این مباحث و مذاکره در مورد آن‌ها را نداشته است. چه رسد به اینکه یک سری محدودیت‌ها و تحریم‌ها را نیز بپذیرد!

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، در تاریخ ۲۴ تیر ۹۴ به خبرنگاران گفت: «ما و چین می‌خواستیم تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود، اما علی‌رغم حمایت ما، خود تیم ایرانی موافقت کردند که تحریم‌ها تا ۵ سال ادامه یابد! لذا در این مدت، تسلیحاتی که به ایران داده می‌شود، باید تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل باشد. همچنین توافق هسته‌ای ایران و ۶ کشور قدرتمند، عدول ایران از توسعه برنامه موشکی خود را به مدت ۸ سال شامل می‌شود. بر اساس توافقی که در وین امضاء شد، برنامه موشکی ایران به مدت ۸ سال هیچ توسعه‌ای نخواهد یافت و هیچ حمایت خارجی از این برنامه نخواهد شد.»

لاوروف همچنین گفته بود: «ایران بر طبق قطعنامه ۱۹۲۹ می‌توانست مقاومت کند و این محدودیت‌های ۵ ساله و ۸ ساله را نپذیرد، اما آقای ظریف این محدودیت‌ها را پذیرفته است!»

در تأیید سخنان لاوروف، جان کری وزیر خارجه آمریکا، پس از قرائت بیانیه وین توسط ظریف و موگرینی، در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد: «درباره قطعنامه ۱۹۲۹ که ما را به اینجا رساند و تحریم‌ها را به پیش برد، این قطعنامه می‌گوید که اگر ایران به میز مذاکره .نه توافق، بلکه فقط مذاکره .بیاید، تحریم‌ها برداشته خواهد شد. ایرانی‌ها نه‌تنها پای میز مذاکره آمدند، بلکه با آن‌ها به توافق هم رسیدیم. با وجود این، تحریم‌های تسلیحاتی برداشته نخواهد شد ... نتیجه مذاکرات این شد که این تحریم برای مدت ۵ سال، تحت بند ۴۱ فصل هفتم باقی خواهد ماند و با پشتوانه شورای امنیت کاملاً قابل اجرا خواهد بود.»

این اقدام تیم ایرانی جای هیچ‌گونه توجیهی ندارد. آنان تحریمی را پذیرفته‌اند که قانوناً لغو شده بود و طرف مقابل به هیچ عنوان نمی‌توانست چنین تحریمی را بر ما تحمیل کند. اما آقای ظریف خود داوطلبانه ۵ سال تحریم تسلیحاتی را پذیرفته است!

با کمال تأسف ملاحظه می‌گردد که عامل اصلی تحریم‌ها و محدودیت‌های نظامی که در قطعنامه ۲۲۳۱ علیه ایران وضع شده، موافقت خود تیم مذاکره کننده ایرانی بوده است، آن‌هم در جایی که به هیچ عنوان اجازه چنین کاری را نداشته‌اند.

پاور نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز بعد از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گفت: «فعالیت‌های بالستیکی و موشکی ایران نیز در پی این توافق تحت نظارت سختی قرار خواهند گرفت.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشده است.

۸- عدم بازگشت ناپذیری تعهدات ایران

مقام معظم رهبری در تاریخ اول فروردین ۱۳۹۴ می‌فرمایند: «آمریکایی‌ها تکرار می‌کنند

که ایران در چیزهایی که قبول می‌کند، بازگشت ناپذیری وجود داشته باشد. این را ما قبول نداریم. اگر چنانچه طرف مقابل می‌تواند به هر بهانه‌ای بازهم تحریم‌ها را علیه ملت ایران برقرار کند، هیچ وجهی ندارد که هیئت مذاکره کننده ما بپذیرد و کاری انجام بدهد که این کار برگشت‌ناپذیر است.»

موارد نقض شده در توافق:

▪ ایران، قلب یا کالندریای رآکتور اراک را از آن خارج کرده و آن را در ایران نگه‌داری می‌کند. تمام کانال‌های کالندریا با بتن به‌گونه‌ای پُر می‌شوند که برای کاربرد هسته‌ای غیر قابل استفاده باشد و آژانس بتواند غیر قابل استفاده بودن آن را راستی آزمایی کند. (ماده ۳ ضمیمه یک)

▪ ایران، دستگاه‌های سانتریفیوژ و زیرساخت‌های آن .شامل لوله‌های انتقال گاز هگزا فلوراید اورانیوم، شیرآلات، فشارسنج‌ها در سطح زنجیره‌ها و مبدل‌های فرکانس، تجهیزات مربوط به جمع‌آوری مواد در یکی از سالن‌های جمع‌آوری که هم اکنون مورد استفاده قرار نمی‌گیرد همراه با پمپ‌های خلاء و تله‌های شیمیایی متعلق به آن‌ها .را که با ۵۰۶۰ دستگاه سانتریفیوژ نسل یک در تأسیسات نطنز مرتبط نمی‌باشند، از محل نصب شده خارج و در سالن ب سایت نطنز تحت نظارت پیوسته آژانس قرار خواهد داد. (ماده ۲۹ ضمیمه یک)

▪ ایران ماشین‌های دو زنجیره باقی مانده در سالن فردو را با خارج نمودن تمام سانتریفیوژها و لوله‌های یو. اف. ۶ شامل خطوط فرعی، شیرآلات، فشارسنج‌ها در سطح زنجیره و مبدل‌های فرکانس، جمع‌آوری خواهد کرد. ایران متعاقباً کابل‌های برق زنجیره، تابلوهای مخصوص کنترل زنجیره و پمپ‌های خلاء را جمع‌آوری خواهد کرد. تمام این ماشین‌های سانتریفیوژ اضافی و زیرساخت‌های آن‌ها در سالن ب تحت نظارت پیوسته آژانس قرار خواهد گرفت. (ماده ۴۷ ضمیمه یک)

▪ ایران به مدت ۱۵ سال ذخیره اورانیوم غنی‌شده خود را تا حد ۳۰۰ کیلوگرم یو. اف. ۶ با غنای تا ۳/۶۷ درصد نگاه خواهد داشت. (ماده ۵۶ ضمیمه یک)

▪ تمام اورانیوم غنی‌شده مازاد بر ۳۰۰ کیلوگرم گاز یو. اف. ۶ با غنای تا ۳/۶۷ درصد، یا به سطح غنای طبیعی رقیق خواهد شد و یا اینکه در بازارهای بین‌المللی به خریدار تحویل گردد و در مقابل اورانیوم با غنای طبیعی به ایران تحویل داده شود. (ماده ۵۷ ضمیمه یک)

تمام تعهدات داده شده در فوق که می‌بایستی ایران در همان ابتدای کار آن‌ها را انجام دهد، یا به‌طور کلی بازگشت ناپذیر هستند و یا اینکه در برخی موارد بازگشت‌پذیری آن‌ها چندین سال به طول می‌انجامد. این در حالی است که کنگره آمریکا می‌تواند مصوبه شورای امنیت سازمان

ملل ـ مبنی بر لغو تحریم‌های هسته‌ای ـ را نقض کند؛ چون به موجب قوانین ایالات متحده آمریکا، قوانین فدرال و قوانین بین‌المللی هم‌سطح هستند. لذا اگر کنگره آمریکا متن توافق با ایران را رد کند، آمریکا ملزم به اجرای تعهدات خود نیست؛ اما اگر ایران به تعهدات خود عمل کند، دیگر چیزی در دست خود ندارد. در جای جای توافق وین، حقوقدانان آمریکایی برای همه تعهدات آمریکا راه فرار گذاشته‌اند و هرگاه ذکری از یک تعهد آمریکا به میان آمده است، بلافاصله قید شده که مشروط به آن است که مخالف قوانین آمریکا نباشد. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، همان روز ۲۳ تیر ۹۴ اعلام کرد: «اگر ایران توافق را نقض کند، همه تحریم‌ها به‌طور خودکار و فوراً برقرار خواهد شد.» جان کری وزیر امور خارجه آمریکا نیز پس از اعلام توافق وین گفت: «اگر توافق هسته‌ای نقض شود، تحریم‌های آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، به‌جای اولیه خود باز می‌گردند.»

لذا این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشده است.

۹- عدم پذیرش مذاکره زیرشبح تهدید

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ می‌فرمایند: «من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ ... ملت ایران مذاکره زیر سایه تهدید را بر نمی‌تابد ... بنده با مذاکراتی که در زیر شبح تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم. بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق برسند، اشکالی ندارد ـ البته درحالی‌که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشند ـ لکن به هیچ وجه تحمیل را قبول نکنند، زور را قبول نکنند، تحقیر را قبول نکنند، تهدید را قبول نکنند.»

آمریکایی‌ها بارها در طول مذاکرات، جمهوری اسلامی ایران را به حمله نظامی و افزایش فشارهای تحریم‌ها، تهدید می‌کردند. تیم مذاکره‌کننده نیز علی‌رغم همه این تهدیدها، حاضر به قطع مذاکرات نبود. برخی از تهدیدها عبارت بودند از:

- باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ اول بهمن ۱۳۹۳ در کنگره آمریکا اظهار داشت: «هیچ تضمینی وجود ندارد که این مذاکرات با موفقیت همراه شود و من همه‌ی گزینه‌ها را برای جلوگیری از ایران هسته‌ای روی میز قرار می‌دهم.»
- اوباما در سخنان دیگری گفته بود: «اگر توافق حاصل نشود، با ایران می‌جنگیم.»
- آقای علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ طی نطقی در مجلس گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا در صحبت‌های اخیر خود عنوان کرده است که ما به ایران فشار می‌آوریم تا ایران نظر ما را در بحث هسته‌ای قبول کند. حالا مقصود آن‌ها از

مذاکره با ایران روشن‌تر شده، آن‌ها می‌گویند باید تسلیم ما شوید. در کجای دنیا به این رفتار، مذاکره می‌گویند»؟!

- اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا، در فروردین ۹۴ طی یک مصاحبه با شبکه تلویزیونیان. بی. سی اظهار داشت: «اگر مذاکرات ایران و ۵+۱ به توافق خوب منجر نشود، گزینه نظامی قطعاً روی میز باقی خواهد ماند.»
- جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ طی سخنانی گفت: «واشنگتن اگر لازم باشد، با تهران وارد جنگ خواهد شد.»
- اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا، چند ساعت پس از اعلام توافق وین در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴، طی بیانیه‌ای با تهدید ایران به حمله نظامی، گفت: «ما همچنان آماده‌ایم و موضعمان را حفظ کرده‌ایم تا امنیت دوستان و متحدانمان ازجمله اسرائیل را تقویت کنیم، تا در برابر تجاوز از خود دفاع کنیم، تا از آزادی تردد دریایی اطمینان حاصل کنیم و تا نفوذ مخرب ایران را کنترل کنیم. ما اگر لازم باشد، گزینه نظامی را به کار خواهیم بست.»
- اشتون کارتر هفته پیش از آن نیز در مجلس سنای آمریکا گفته بود که فارغ از نتیجه مذاکرات، وظیفه دارد ابزار حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را حفظ کند.

موارد فوق حاکی از آن است که این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشده است.

۱۰- دو مرحله‌ای نشدن مذاکرات گام نهایی

رهبر انقلاب در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۳ می‌فرمایند: «این حرفی هم که می‌گویند در یک برهه‌ای درباره اصول کلی توافق کنیم، بعد درباره جزئیات، این را هم بنده نمی‌پسندم. با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس می‌کنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی در پی بر سر جزئیات. اگر توافق می‌کنند، جزئیات و کلیات و همه را در یک جلسه واحد تمام کنند، امضاء کنند. اینکه کلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلیات -که یک چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است- بروند سراغ جزئیات، نه، این منطقی نیست.»

برخلاف تذکرات مقام معظم رهبری، متأسفانه تیم مذاکره‌کننده به این هشدارهای رهبری توجه نکردند و به زورگویی آمریکایی‌ها تن داده، ابتدا در لوزان کلیات مطالب را توافق کردند - کلیاتی که هر یک از طرفین تعبیر و تفسیرهای خاص خودش را از آن داشت - و بعد در وین بر روی جزئیات صحبت کردند.

یعنی که این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشد.

۱۱- تغییر نیافتن رأکتور آب سنگین اراک

یکی از خط قرمزهای رهبری که به تیم مذاکره‌کننده تذکر داده شده بود، تغییر نیافتن ماهیت رأکتور آب سنگین اراک بود. اما توافق وین نشان می‌دهد که قرار است قلب این رأکتور را از آن خارج و نابود کنند و سپس رأکتور را بازطراحی کرده و تبدیل به رأکتور دیگری کنند. در توافق وین چنین آمده:

- ایران مبادرت به بازطراحی و بازساخت یک رأکتور تحقیقاتی آب سنگین مدرن شده در اراک خواهد نمود که بر اساس طراحی اولیه مورد توافق و در قالب یک همکاری بین‌المللی، طراحی نهایی آن را نیز تصدیق خواهد کرد. این رأکتور با استفاده از سوخت غنی شده تا ۳/۶۷ درصد فعالیت خواهد کرد. (ماده ۸)
- ایران به ساخت و ساز رأکتور ناتمام موجود بر مبنای طرح اولیه ادامه نخواهد داد و کالندریای موجود را خارج کرده و آن را در ایران نگه‌داری می‌کند. تمام کانال‌های کالندریا با بتن به‌گونه‌ای پر می‌شوند که برای کاربرد هسته‌ای غیر قابل استفاده باشد و آژانس بتواند غیر قابل استفاده بودن آن را راستی آزمایی کند. (ماده ۳ ضمیمه یک)
- ایران قرص سوخت و میله سوخت و مجتمع سوخت با اورانیوم طبیعی که منحصراً مناسب برای طراحی اولیه رأکتور اراک بوده، نخواهد ساخت و یا تست نخواهد کرد. ایران تا زمانی که رأکتور مدرن اراک قابل استفاده شود، موجودی قرص‌های سوخت و مجتمع سوخت طبیعی را تحت نظارت پیوسته آژانس انبار می‌کند. (ماده ۱۰ ضمیمه یک)

دکتر فریدون عباسی رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، در این مورد اظهار داشت: «اصل رأکتور اراک یک گنبدی است که کف آن حدود ۱۰ متر عمق دارد و در حفره‌ای که وجود دارد، یک استوانه فلزی کار گذاشته شده که جنس آن فولاد با درجه هسته‌ای است. فولاد خاصی است که گرید هسته‌ای دارد. حدود ۴، ۵ سال طول کشیده تا این محفظه اصلی رأکتور با این فولاد خاص و با دقت‌های لازم تراشکاری و جوشکاری شده و سپس در محل خود نصب شده است. حالا می‌خواهند این محفظه که یک سرمایه ملی ما هست را از محل خود خارج و منهدم کنند. اگر رأکتور اراک راه اندازی می‌شد و سوخت ایرانی در داخل آن به کار برده می‌شد، با روش‌های خیلی هوشمندانه که به آن رسیده بودیم، بعد از ۲ یا ۳ سال می‌توانستیم در دنیا ادعا کنیم که کاملاً سوخت را تولید می‌کنیم یعنی به یک کشور پیشرفته در آزمایش و تولید سوخت تبدیل می‌شدیم. متأسفانه فرصت‌هایی که با فعالیت‌های شبانه‌روزی دانشمندان ما ایجاد شده بود، گرفته شد وگرنه ما تا الان رأکتور اراک را راه‌اندازی کرده بودیم و شرایط انجام انواع و اقسام آزمایش‌ها در آنجا برای دانشمندان ما میسر می‌گشت. با توافق وین، ما

این فرصت را از دانشمندانمان گرفتیم که می‌توانستند با سوخت پلوتونیوم کار کنند. چون در برنامه‌های آتی ما این بود که پلوتونیوم را با اورانیوم ترکیب کنیم تا سوخت‌های آلیاژی تولید کنیم. چراکه انرژی هسته‌ای آینده از سوخت‌های پلوتونیومی حاصل می‌شود و اورانیوم رو به اتمام است. همین الان برخی از رآکتورهای دنیا از پلوتونیوم به‌عنوان سوخت استفاده می‌کنند، طرح بازطراحی رآکتور آب سنگین اراک، طرحی بود که سه سال قبل از سوی آمریکایی‌ها مطرح شده بود.

مطالب فوق نشان‌دهنده آن است که این خط قرمز رهبری نیز رعایت نشده است.

ب- مغایرت با برخی مصوبات مجلس

قانون الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران، که در تاریخ دوم تیر ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ سوم تیر ۱۳۹۴ به تأیید شورای نگهبان رسید، حاوی سه بند است که در بند اول می‌گوید: لغو تحریم‌ها باید به‌طور یکجا و کامل در متن توافقنامه درج شده و در روز آغاز اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران، انجام شود.

اما طبق برجام، در روز اجرا ـ که آن را بعد از راستی آزمایی آژانس از اجرای تعهدات ایران معنا کرده‌اند ـ تحریم‌های اتحادیه اروپا تعلیق می‌شود و بحث لغو تحریم‌های اروپا، بعد از ۸ سال خواهد بود که این مسئله مغایر با مصوبه مجلس است. در مورد تحریم‌های آمریکا، این مسئله بدتر است و معلوم نیست که حتی پس از ۸ سال هم تحریم‌ها لغو شود. لذا بند اول مصوبه مجلس رعایت نشده است.

در بند دوم مصوبه مجلس چنین آمده: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب توافقنامه پادمان، مجاز به انجام نظارت‌های متعارف از سایت‌های هسته‌ای است و دسترسی به اماکن نظامی، امنیتی و حساس غیر هسته‌ای، اسناد و دانشمندان ممنوع است و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.

اما در متن برجام، در ماده ۴ از پیوست ۴، لیست اقلام متعددی از تکنولوژی‌های روز دنیا ذکر شده که لزوماً ربطی به هسته‌ای ندارد اما استفاده دوگانه و مضاعف دارد. برخی اقلام آن شامل دوربین‌های سرعت بالا، نرم افزارها و سخت افزارهای صنعتی، پمپ‌های تخلیه، انواع فلزات مانند آلومینیوم و فولاد است که این اقلام در صنایع نظامی و صنایع متعدد دیگری کاربرد دارد؛ اما آژانس باید بر آن‌ها نظارت کند.

یک کانال تهیه وجود دارد که اگر ایران بخواهد این مواد را وارد کند، باید این کانال اجازه بدهد. در قطعنامه ۲۲۳۱ و در ضمیمه آن آمده که همه کشورها حق این را دارند که کلیه

محموله‌هایی که وارد ایران می‌شود را بازرسی کنند تا مطمئن شوند موارد قطعنامه نقض نشده است. این بدان معناست که اگر ایران بخواهد قطعه‌ای را خریداری کند که در لیست ۸۴ صفحه‌ای آمده، سیستم کانال حریف باید مطلع شود و در غیر این صورت می‌گوید که ایران برجام را نقض کرده است. بنابراین، این بحث بازرسی از هر آنچه وارد کشور می‌شود علاوه بر آنکه استقلال کشور را به زیر سؤال می‌برد، مغایر بند دوم قانون مجلس است زیرا که این‌ها نظارت‌های متعارف نیست و در مورد هیچ کشوری چنین نظارتی وجود ندارد.

در متن توافق وین، با اجرای پروتکل الحاقی مواجه هستیم که در آن دسترسی به سایت‌های نظامی و دسترسی به افراد آمده است و اینکه آژانس باید مطمئن شود همه اطلاعات را دارد و علاوه بر آن، باید راضی شود. حال اگر ایران برای دسترسی به سایت‌های نظامی مانعی ایجاد کند، آژانس می‌گوید من راضی نشده‌ام و بر همین اساس، تعلیق تحریم‌ها نیز انجام نخواهد شد.

ارنست مونیز وزیر انرژی آمریکا، در کنفرانس خبری کاخ سفید در تاریخ ۹ مرداد ۹۴ گفت: بازرسان ما برای بازدید از سایت‌های اعلام نشده، به همه‌جای ایران دسترسی دارند و این دسترسی با زمان مدیریت شده انجام می‌شود. این توافق به ایجاد دسترسی بیشتر برای جامعه اطلاعاتی آمریکا منجر می‌شود.

اظهارات فوق نیز نشان‌دهنده آن است که نظارت‌های آژانس به هیچ وجه متعارف نیست و نقض کننده بند دوم قانون مصوب مجلس است.

در بند سوم مصوبه مجلس، چنین آمده است: هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه، پذیرفته نیست و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.

اما در متن برجام، موارد متعددی محدودیت برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه وجود دارد که این بند را نقض کرده است. تعدادی از این موارد در بخش «مغایرت با اصول قانون اساسی» آورده شده‌اند.

با عنایت به موارد فوق و با توجه به اینکه متن برجام، هر سه بند قانون صیانت از حقوق هسته‌ای کشور را نقض کرده است، لذا فاقد اعتبار قانونی است و چون قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نیز بر مبنای تأیید برجام تصویب شده، فاقد مشروعیت و اعتبار هست.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ اول آذر ۱۳۸۴ ماده واحده زیر را به تصویب رسانده بود:

دولت موظف است در صورت هرگونه ارجاع یا گزارش در مورد پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت، کلیه همکاری‌های داوطلبانه خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به تعلیق

درآورد.

بر طبق مصوبه فوق، دولت جمهوری اسلامی ایران، از هنگام ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، کلیه همکاری‌های داوطلبانه خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ازجمله اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را قطع کرد.

آقای علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ سوم خرداد ۱۳۹۴ گفت که بدون اذن مجلس، اجرای پروتکل الحاقی امکان قانونی نخواهد داشت.

اما در ماده ۱۳ برجام چنین آمده: ایران، منطبق با اختیارات مربوطه‌ی رئیس‌جمهور و مجلس، وفق ماده ۱۷ ب پروتکل الحاقی، این پروتکل را به‌صورت موقتی اجرا و اقدام به تصویب آن در چارچوب زمانی پیش بینی شده در پیوست ۵ کرده و کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی بر موافقتنامه پادمان خود را به‌طور کامل اجرا خواهد نمود.

همچنین در ماده ۶۴ ضمیمه یک برجام، چنین آمده است:

ایران اجرای موقت پروتکل الحاقی را بر طبق بند ب ماده ۱۷ پروتکل الحاقی تا زمان اجرای قانونی آن به آژانس اعلام نموده و متعاقباً تصویب و به‌صورت قانون درآمدن آن را مطابق نقش‌های رئیس‌جمهور و مجلس، درخواست می‌کند.

مواد فوق الذکر به دلیل اینکه برای قوه مجریه و قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران تعیین تکلیف می‌کنند، مخدوش کننده استقلال و حاکمیت ملی ایران بوده و مغایر با مصوبه سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی نیز می‌باشند. با این وجود، یوکیو آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفت و گو با شبکه خبری بی.بی.سی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۹۴ اعلام کرد که ایران با اجرای پروتکل الحاقی که امکان بازرسی‌های بیشتر از تأسیسات ایران را امکان پذیر می‌سازد، موافقت کرده است.

با توجه به مطالب گفته شده، این اقدام دولت، خلاف قانون مصوب مجلس شورای اسلامی هست.

ج– مغایرت با قوانین حقوق بین‌الملل

طبق مواد ۵۱ و ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، اگر در مذاکره برای رسیدن به توافق، تهدیدی صورت گیرد. چه تهدید نماینده کشور و یا تهدید خود آن کشور. آن معاهده را بطلان مطلق می‌کند. در معاهدات بین‌المللی دو نوع بطلان نسبی و مطلق داریم. در بطلان نسبی ممکن است اشکالی در رضایت به معاهده صورت گرفته باشد اما در بطلان مطلق، معاهده از ابتدا باطل بوده است از این جهت که موضوع معاهده یا مغایر قواعد آمره بین‌المللی است و یا

نماینده کشور و یا خود آن کشور تهدید شده باشد.
تهدیداتی که مقامات رسمی دولت ایالات متحده آمریکا در حین مذاکرات هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داده و بارها بیان کردند که آماده حمله نظامی به ایران هستند و یا اینکه «گزینه نظامی روی میز است»، بدین معنی است که اگرچه در حال مذاکره هستیم، اما اگر مذاکره به توافق منجر نشود، از گزینه نظامی استفاده می‌کنیم. لذا معاهدات و توافقات در چنین وضعیتی اصلاً اعتبار نخواهد داشت.
لذا با عنایت به مواد ۵۱ و ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، توافق برجام از اساس باطل بوده و هیچ‌گونه اعتبار حقوقی ندارد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نیز که بر مبنای تأیید برجام تصویب شده است، فاقد اعتبار حقوقی هست.



بررسی ابعاد منفی قطعنامه شورای امنیت درباره برجام[۱]

دکتر فؤاد ایزدی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

ایزدی کارشناس مسائل بین‌الملل ضمن تشریح ابعاد «خطرناک» و «ضد امنیتی» پیشنویس قطعنامه شورای امنیت درباره توافق هسته‌ای، این قطعنامه را «شمشیری بلند» بر سر ایران توصیف کرد.

فؤاد ایزدی کارشناس مسائل بین‌الملل، در خصوص پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در خصوص مذاکرات هسته‌ای اظهار داشت:

پرسش: نمای کلی پیش‌نویش قطعنامه شورای امنیت که قرار است فردا در شورای امنیت سازمان ملل در خصوص مذاکرات هسته‌ای صادر شود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متن پیش‌نویس چند بخش مضر برای استقلال کشور دارد و امید این است که دوستان در وزارت خارجه به شدت نسبت به اتفاقی که قرار است روز دوشنبه محقق شود، اعتراض داشته باشند.

بند ۱۱ و ۱۲ متن، سیستمی را پیش‌بینی کرده که در متن برجام نیز به همین شکل وجود دارد و به هر کدام از ۵ عضو دائم شورای امنیت اجازه می‌دهد اگر با «هر بهانه‌ای» که از روند برجام راضی نباشد، از اجرای آن سرباز بزنند، مثلاً ایران بر اساس برجام باید به لیستی از تعهدات خود عمل کند و بعد آژانس این موارد را راستی آزمایی می‌کند و بعد از این راستی‌آزمایی آژانس، کار طرف مقابل در تعلیق برخی از تحریم‌ها شروع می‌شود؛ در متن برجام هم آمده است «beginning on Implementation Day» یعنی نه اینکه در آنجا تمام می‌شود، بلکه تعهدات

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۱۷۳۲۲

طرف مقابل در اینجا شروع می‌شود اما اینکه کجا تمام می‌شود مشخص نیست.
بر اساس متنی که هم در برجام و هم در قطعنامه شورای امنیت هست هر زمانی که یکی از این پنج کشور بخواهند این روند را متوقف کنند، مثلاً بعد از اینکه ایران به تعهدات خود عمل کرد و آژانس هم راستی‌آزمایی کرد و برای مدتی نیز برخی از تحریم‌ها تعلیق شد اگر دولت جدیدی در آمریکا روی کار آید و مثلاً جمهوریخواهان قوه مجریه را در این کشور در دست بگیرند یا اتفاق دیگری بیفتد که مجموعه‌ای در درون سیستم حاکمیتی آمریکا بگوید که مثلاً ما به اهداف خود رسیده‌ایم و ایران به تعهدات خود عمل کرد، - قلب رآکتور اراک را در آورد و در مورد نطنز هم فلان کار را انجام داد و ما دیگر برایمان ادامه این روند صرف نمی‌کند - می‌تواند تحریم‌ها را بازگرداند.
متن پیش‌نویس قطعنامه این اجازه را به آمریکا یا هرکدام از آن ۷ کشور دیگر می‌دهد که کل سیستم را متوقف کنند و به همان سبک قبلی برگردند، یعنی مکانیسمی که تهیه شده این است که باید یکی از آن ۵ کشور اعتراض یا مشکلی "complaint" داشته باشند -لازم هم نیست که مدرک بیاورند و در متن قطعنامه هم نیامده که باید مدرک یا شواهدی بیاورند و همان اعتراض کافی است- در این شرایط ایران ۳۰ روز فرصت دارد به این اعتراض توجه کند و اگر تمکین کرد که هیچ و اگر تمکین نکرد باید از شورای امنیت رأی‌گیری شود که آیا ما این روند را ادامه دهیم یا به حالتی قبلی برگردیم که تحریم‌ها وجود داشت، و بعد فرض کنید از این ۵ کشور عوض دائم شورای امنیت ۴ کشور بگویند که بهانه‌ای که کشور پنجم داشته درست نبوده و هر ۴ کشور بگویند که ادامه دهیم اما اگر یک کشور از آن ۵ کشور رأی منفی دهد، این رأی منفی در ساختار شواری امنیت به معنای وتو است و در این حالت به این شکل اتوماتیک شما به حالتی که قبلاً برمی‌گردید که به آن "snapback" که به معنای بازگشت ماشه‌ای می‌گویند و شرایط به حالت قبلی باز می‌گردد.
اتفاقی که در اینجا افتاده این است که بر اساس این قطعنامه ۵ کشور می‌توانند هم طرف دعوا و هم قاضی ما باشند. طرف دعوا به دلیل اینکه می‌آید برعلیه ایران اعتراض می‌کند و می‌شود طرف دعوا و قاضی هم به این دلیل که با یک رأی نه، می‌تواند کل سیستم را به هم بریزد.
فرض کنید، ایران به تعهداتش عمل کرد و کنگره آمریکا خوشش نیامد که عمل کند، در این شرایط ایران اعتراض می‌کند بر اساس حقی که دارد اما آن ۵ کشور توجهی نمی‌کنند، حال اگر ایران بخواهد خیلی سماجت به خرج دهد آن کشور مقابل به راحتی می‌تواند تعبیر کند که اگر خیلی ادامه دهید تمام تحریم‌ها را به سر جای قبلی باز می‌گردانم، یعنی این قطعنامه یک

گرز یا شمشیر خیلی بلندی بر روی سر ایران خواهد بود برای حداقل ۱۰ سال دیگر که خانم شرمن گفته بود اگر این ۱۰ سال تمام شود می‌خواهیم آن را برای یک دوره ۵ ساله دیگر نیز تمدید کنیم و از این جهت استقلال کشور را با مخاطره رو برو می‌کند.
فرض کنید ما حتی اگر با چین در حوزه‌ای دعوایمان شود یا با روسیه مشکلی پیدا کردیم همه این پنج کشور این قدرت را پیدا می‌کنند که به شکلی ایران را با این قطعنامه در سازمان ملل گروگان بگیرند.

پرسش: هدف از صدور قطعنامه شورای امنیت پیش از تصویب متن برجام در مجالس ایران و آمریکا را چه می‌دانید؟

بر اساس متن توافق گفته شده است بعد از روزی که به جمع‌بندی رسیدند که همان هفته پیش بود، به سرعت قطعنامه سازمان ملل باید صادر شود که دلیل این موضوع به نظر بحث سیاسی است که تصور می‌کنم هم تیم ایرانی و هم تیم آمریکایی علاقه داشتند مسیری که را شروع کردند به همین منوال ادامه پیدا کند و آمریکایی‌ها می‌خواستند به همین منوال کنگره آمریکا خیلی ورودی به این بحث نداشته باشد و هم اینکه دولت ما هم علاقمند بود مجلس خیلی ورودی در این بحث نداشته باشد و از این جهت زمانی که قانون حفاظت از دستاوردهای هسته‌ای توسط مجلس تصویب شد آقای نوبخت سخنگوی دولت در جلسه مصاحبه‌شان گفتند که این مصوبه غیرقانونی است، با این حال شواری نگهبان این قانون را تائید کرد و مشخص شد این مصوبه غیرقانونی نیست اما در آن زمان‌ها دولت خیلی از مصوبه مجلس راضی نبود و البته مصوبه مجلس نیز خیلی ضعیف شد و متن اصلی آن نیز تصویب نشد...

پرسش: موضوع محدودیت‌های نظامی که در پیش‌نویس متن قطعنامه شورای امنیت آمده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متن پیش‌نویس یک بخش «Statement" یا بیانیه دارد که بند ۶ این بیانیه بحث محدودیت در حوزه تسلیحات متعارف و نه هسته‌ای ایران را مطرح می‌کند که ورود و خروج سلاح به ایران را ممنوع می‌کند مشکل این بند این است که اکنون ما مشکلی به نام داعش در عراق داریم و کاری که ایران ماه‌هاست در عراق انجام می‌دهد این است که به عده‌ای از عراقی‌هایی که در حال جنگ با داعش هستند اسلحه می‌دهد اما بر اساس این متن قطعنامه ایران نباید به آن‌ها اسلحه دهد.
نتانیاهو به‌طور مدام ما را تهدید نظامی می‌کند اما جرئت ندارد که این تهدید را عملی کند

چون می‌داند اگر به ایران حمله کند ۱۰ هزار موشک از جنوب لبنان به سرش می‌خورد، آن‌ها از این موضوع که حزب‌الله یک نیروی بازدارنده برای ماست خوششان نمی‌آمد و به این وسیله می‌خواهند جلوی آن را بگیرند تا مانع ارسال کمک نظامی به حزب‌الله لبنان شوند حالا که محدودیت‌های تسلیحاتی بحثی ۵ ساله است و موضوع موشک‌های بالستیک هم محدودیتی ۸ ساله دارد.

بعد از اینکه برجام اعلام شد یک خبرنگار از آقای کری پرسید شما که این محدودیت‌ها ۵ ساله و ۸ ساله را دارا هستید چرا اجازه دادید ۵ سال یا ۸ سال باشد بعدازآن چه؟ جواب آقای کری جالب بود که گفت بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹ که آخرین قطعنامه سازمان ملل برعلیه ایران است، آمریکا مجبور بوده که اگر ایران حاضر به مذاکره بر اساس مطالب مندرج در قطعنامه باشد همه این تحریم‌ها لغو شود، کری ادامه داد نه‌تنها ایران مذاکره کرده بلکه ما اصلاً به توافق رسیده‌ایم!

اگر می‌خواستیم قطعنامه ۱۹۲۹ را آنگونه که بود اجرا کنیم اصلاً نباید هیچ محدودیتی در حوزه تسلیحاتی وجود داشته باشد، به یاد دارید که در توافق ژنو و لوزان قرار بود که اگر به توافق برسند همه تحریم‌های هسته‌ای برداشته شود، تحریم‌های مربوط به تسلیحات و موشک هم به دلیل بحث هسته‌ای ایران است، یعنی آمده‌اند ایران را جریمه کنند و گفته‌اند که چون در حوزه هسته‌ای ما از عملکرد شما خوشمان نمی‌آید جریمه شما این است که خرید و فروش سلاح برای شما ممنوع می‌شود و مواردی از این دست.

جواب کری این بود که اگر ما می‌خواستیم ۱۹۲۹ را اجرا کنیم همه این موارد باید برداشته می‌شود اما ما موفق شدیم که برای ۵ سال و ۸ سال نگه داریم و آقای لاوروف هم این موضوع را اشاره کرد که ایران بر اساس ۱۹۲۹ می‌توانست مقاومت کند و این محدودیت ۵ ساله و ۸ ساله را نپذیرد ولی پذیرفته است.

نه‌تنها بند ۶ این بیانیه مشکل دارد و بلکه بند ۷ آن نیز به شدت مشکل دارد و در بند ۷ هر کشتی و هواپیمایی که بخواهد به سمت ایران بیاید دولت‌های دنیا این حق را دارند که محموله این کشتی یا هواپیما و یا کامیون را بازرسی کنند، بر اساس برجام برخی محدودیت‌ها برای ایران وجود دارد که بر اساس بند ۷ برجام به کشورها حق بازرسی در خصوص این محدودیت‌ها برای محموله‌هایی که خارج یا داخل ایران می‌شوند داده شده است. از این جهت زمانی که می‌خواهند بند ۶ را اجرا کنند به راحتی دولت آمریکا یا رژیم صهیونیستی می‌توانند فلان محموله را که می‌خواهد برای عراق یا لبنان رود را متوقف کنند بازرسی کنند و در نهایت این حق هم به کشورها داده شده که همه خروجی‌ها و ورودی‌های ایران را زیر

نظر داشته باشند که این هم به شدت برای استقلال کشور ضرر دارد که گلوگاه‌های ورودی و خروجی کشور در عمل به دست برخی از کشورها باشد.

در پایان اینکه این قطعنامه‌ای که قرار است تصویب شود به شدت استقلال کشور را خدشه‌دار می‌کند.



مروری گذرا بر مهم‌ترین نقاط ضعف برجام[1]

▪ گفت و گو با دکتر فؤاد ایزدی
عضو هئیت علمی دانشگاه تهران

تحریم‌ها صرفاً تعلیق می‌شود و تنها باید دعا کنیم که برنگردد!

پرسش: جناب دکتر: شما یک جمله طلایی علیه برجام گفتید که از ۱۹ خط قرمز رهبری، ۱۸ و نیم تای آن‌ها رعایت نشده‌اند. درباره آن توضیح بدهید.

من واقعاً علیه برجام ننوشته بودم؛ بلکه عین متن را با عین قانون تصویب‌شده در مجلس تطابق دادم. اگر ما کشوری داریم که به قانون‌های خود، مجلس و قانون اساسی خود توجه می‌کند، باید مشخص شود این بندهایی که در قانون الزام دولت به حفظ حقوق هسته‌ای آمده آیا رعایت شده یا نقض شده است؟ اجازه بدهید مصوبه مجلس را باهم بخوانیم و با آن جلو برویم. اگر ما بخواهیم مبنا را مصوبه مجلس قرار بدهیم که با ۲۱۳ رأی تصویب‌شده است و شورای نگهبان آن را تأیید کرده، در ابتدای آن مصوبه این مسئله آمده که بر اساس منافع ملی هرگونه نتایج و مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ در صورتی معتبر است که الزامات زیر به‌صورت شفاف رعایت شود.

بند اول می‌گوید: لغو تحریم‌ها به‌طور یکجا و کامل باید در متن توافق‌نامه درج شده و در روز اجرای تعهدات ایران اجرا شود.

اولاً ما در روز اجرا لغو نداریم؛ بلکه در روز اجرا تعلیق داریم. هم قطعنامه‌های اروپا، هم قطعنامه‌های امریکا و سازمان ملل قابلیت برگشت دارند. قطعنامه اروپا قرار است بعد از ۸ سال لغو شود. قطعنامه امریکا هم «شاید» بعد از ۸ سال لغو شود. چون در متن برجام که نگاه کنید کلمه Seek آمده و این به معنی سعی خواهد کرد، تلاش خواهد کرد، پیگیری خواهد

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۱۹۹۵۲

کرد و درخواست خواهد کرد است و چیز قطعی نیست که حتماً لغو شود. این قطعنامه درباره تحریم‌های امریکا است که اصلاً معلوم نیست بعد از ۸ سال لغو در کار باشد و معلوم نیست کنگره کاری که گفته انجام بدهد.

از سوی دیگر تحریم‌های سازمان ملل هم ادامه‌دار خواهد بود. در روز اجرای توافق، لغو قطعنامه‌ها را داریم ولی لغو قطعنامه با لغو تحریم‌ها متفاوت است و تحریم‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. همین سروصداها درباره بحث تسلیحاتی که ۵ سال و بحث موشکی که ۸ سال طول می‌کشد، واقعاً عجیب است. بر اساس متن قطعنامه ۱۹۲۹ اگر ایران صرفاً پای میز مذاکره بیاید، باید این قطعنامه در حوزه‌هایی که در آن وجود دارد و به آن توجه شده لغو شود؛ فقط اینکه ایران پای میز مذاکره بیاید. حتی جان‌کری هم این نکته را هم در کنفرانس مطبوعاتی در وین و هم در جلسه استماع سنا گفت.

در وین از او پرسیدند که بعد از ۵ و ۸ سال چه می‌شود؟ پاسخ داد بر اساس متن ۱۹۲۹ ما باید همین الان این تحریم‌ها را لغو می‌کردیم اما ایران پای میز مذاکره آمد و توافق کردیم که این مدت‌ها را اضافه کنیم.

پس اساساً خبری از لغو تحریم‌ها در روز اجرای توافق نیست. حتی از کلمه لغو هم استفاده نشده است. ۴ عبارت Suspend در متن داریم؛ ۱۲ Terminate Implementation هم داریم که این یعنی خود قانون لغو نمی‌شود؛ بلکه اجرایش متوقف می‌شود. مثل اینکه می‌گویند روزهای جمعه در تهران اجرای طرح ترافیک متوقف می‌شود. این به معنای آن نیست که طرح ترافیک حذف شده است. در مجموع ۲۳ مورد یا تعلیق است یا عبارتی است که به مفهوم تعلیق است. حال چه مشکلی با تعلیق وجود دارد؟ مشکل تعلیق این است که ما از این به بعد باید دعا کنیم که رؤسای جمهور امریکا نسبت به ایران نظر مثبتی داشته باشند! چون تعلیق دست رئیس‌جمهور است و می‌تواند از کنگره درخواست تعلیق کند یا نه.

ما در تاریخ امریکا داریم که دولتی متنی را امضا کرده و بعد دولت بعدی نقض و لغو کرده است. مثلاً نیکسون تصویب کرد و ریگان لغو کرد، مذاکرات با کره‌شمالی را بوش پدر تأیید کرد و بوش پسر لغو کرد. الان همین «جب بوش» که برادر جرج است و در نظرسنجی‌ها رتبه اول جمهوری‌خواهان است، صراحتاً مصاحبه کرده و گفته است من در روز دوم ریاست‌جمهوری‌ام این توافق را لغو می‌کنم و این جزو فاجعاتی هست که اوباما در مورد سیاست خارجی ایجاد کرده است. همچنین آقای اسکات واکر که نفر دوم در نظرسنجی‌ها هست گفت که من روز اول ریاست‌جمهوری‌ام لغو می‌کنم؛ یعنی یک کورس کاندیدهای ریاست‌جمهوری باهم گذاشتند که چه کسی زودتر می‌رود و این را لغو می‌کند! البته جالب اینجاست که دموکرات‌ها

هم وضعیت بهتری ندارند. خانم کلینتون چند وقت پیش مصاحبه کرده بود که ایران دشمن سنتی ما است.

باید توجه داشته باشیم که اوباما ۱۹ ماه دیگر بیشتر رئیس‌جمهور نیست و ما توافقمان در محدوده ۲۰ ساله است. فکر نمی‌کنم که ۱۹ ماه باید ملاک تصمیم‌گیری ما قرار بگیرد. حالا مثلاً تیم مذاکره‌کننده ما با کری نشست و صحبت هم کرد و رفیق هم شد ولی تأثیرش بعد از دوران ریاست جمهوری اوباما چیست؟ بعضی از دوستان تیم مذاکره‌کننده سر میز با این‌ها عکس می‌گرفتند و همدیگر را به اسم کوچک صدا می‌زدند که یعنی روابط خوب است ولی واقعاً اینطور نیست.

مشکل تعلیق این است که حتی اگر ایران به تعهداتش عمل کند و آژانس هم راستی آزمایی کند و اوباما اگر اتفاق خاصی نیفتد و آژانس و طرف مقابل اذیت نکند، احتمالاً تعلیق چندماهه را اجرایی کند اما بعد که رئیس‌جمهور جدید بیاید باید درخواست تعلیق بدهد؛ چون اتوماتیک تعلیق ادامه پیدا نمی‌کند. حالا آقای بوش و یا اسکات واکر یا بقیه می‌خواهند درخواست تعلیق تحریم‌های ایران را بدهند؟! واقعاً اینگونه نیست.

طرف مقابل الزامی به اجرای تعهداتش ندارد ولی ما داریم!

چند روز پیش هم همین افراد در جلسه سنا به کری گفتند که این متنی که شما تأیید کردید از نظر حقوقی هیچ الزامی برای ما ایجاد نمی‌کند. جواب کری هم این بود که بله؛ حق با شماست! خود کری ۲۰ اسفند سال پیش در کمیسیون روابط خارجی سنا گفته بود که این متن Legally Biding نیست. ما آن موقع متوجه نمی‌شدیم که چطور می‌شود که امریکا دو سال مذاکره کند و به یک متن نهایی دست پیدا کند ولی از نظر حقوقی الزام‌آور نباشد که بعد خانم شرمن جواب ما را داد که در ابتدای برجام نوشته شده که این تعهداتی که اینجا ذکر شده داوطلبانه است؛ منتهی داوطلبانه فقط برای ما.

متأسفانه وظایفی که ایران باید انجام بدهد کاملاً مشخص است. به‌عنوان مثال گفته شده که ما باید سانتریفیوژها را از نطنز برمی‌داریم و از جایش می‌کنیم و حتی اتاقی که باید این سانتریفیوژها در آن قرار بگیرد هم مشخص شده است اما در این حال طرف مقابل چکار باید بکند؟ زمانی که ایران به تعهداتش عمل کرد، راستی آزمایی شد، آژانس و ۱+۵ مشکلی ایجاد نکرد و همه‌چیز به‌خوبی پیش رفت یعنی در بهترین حالت بحث تعلیق وجود دارد؛ آن‌هم برای مدتی کوتاه که معلوم نیست تا چه زمانی است؛ چون آقای اوباما ۱۹ ماه رئیس‌جمهور خواهد بود و بعد از آن مدت نه آقای اوباما رئیس‌جمهور است و نه آقای کری وزیر خارجه.

حالا این مسئله را هم باید درنظر داشت که یک مدتی طول می‌کشد که ایران کارهایی که برایش موظف شده انجام بدهد و نهایتاً هم آژانس راستی آزمایی کند که حداقل شش ماه تا یک سال وقت می‌گیرد. پس در بهترین حالت، آقای اوباما فرصت پیدا می‌کند که شاید ۵ یا ۶ ماه بعضی از تحریم‌ها را تعلیق کند. درواقع طرف مقابل الزامی به اجرای تعهداتش ندارد ولی ما داریم؛ چون ما قطعنامه سازمان ملل داریم و اگر اجرا نکنیم برمی‌گردیم به حالت ابتدایی‌مان ولی طرف مقابل اگر قطعنامه سازمان ملل را اجرا نکند، هیچ اتفاقی برایش نمی‌افتد. چون روش برخورد شورای امنیت سازمان ملل صدور قطعنامه است و علیه ما قبلاً قطعنامه داده و بازهم می‌تواند بدهد. در تاریخ ۷۰ ساله سازمان ملل، یک مورد قطعنامه سازمان ملل شورای امنیت علیه امریکا صادر نشده است چون کسی پیگیری آن نبوده است: مثلاً این همه کشتاری که آمریکایی‌ها کردند هیچگونه قطعنامه‌ای علیه آن‌ها نیست چون آن‌ها براحتی می‌توانند وتو کنند.

از سوی دیگر، یکی از کارهایی که کشور باید اصرار کند این است که روز توافق ما امضا می‌خواهیم. روز توافق هنوز نرسیده و بعد از ۹۰ روز است و اگر کنگره مشکلی ایجاد نکند بعد از ۹۰ روز ما روز توافق داریم و آنجا باید درخواست ایران این باشد که این کشورها وزرای خارجی‌شان بیایند و امضا کنند و آنجا عکس بگیرند. عکس گرفتن خالی، الزام حقوقی ایجاد نمی‌کند بلکه این امضا هست که الزام حقوقی ایجاد می‌کند. شما ببینید آقای روحانی روز توافق وین سخنرانی داشتند و فرمودند که مذاکرات شبیه خانه خریدن است؛ شما یک پولی می‌دهید و یک‌چیزی می‌گیرید. حال سؤال این است که آیا شما در دفتر ثبت اسنادی که می‌روید، می‌گویید که من می‌خواهم خانه بخرم ولی امضا نمی‌کنم؟ خب آنوقت رئیس‌دفتر قبول نمی‌کند. پس ما و شما برای خرید یک خانه هم نمی‌توانیم امضا نداشته باشیم.

یکی از وکلای آقای اوباما صراحتاً تأکید کرد که تیم مذاکره‌کننده امریکا این موفقیت را داشته‌اند که متنی تولید کنند که از نظر حقوقی، نه دست رئیس‌جمهور بعدی را می‌بندد نه دست کنگره را. به این دلیل بحث تعلیق برای ما مشکل است؛ چون همه باید دعا کنیم که رئیس‌جمهور بعدی که می‌آید همین مسیر اوباما را ادامه بدهد! اما می‌بینید اظهارات کاندیداهای ریاست جمهوری چگونه است و مثالش را برای شما زدم.

راه‌های فرار متعدد برای فرار آمریکا از تعهدات

اگر رئیس‌جمهور بعدی نخواست تعلیق کند، آیا می‌تواند بهانه ایجاد کند؟ بله: ما در متن قطعنامه برای طرف مقابل راه‌های فرار متعددی داریم. یکی بند شش قطعنامه است که

بحث ارسال اسلحه را به خارج از ایران مطرح و منع می‌کند. این‌یک راه فرار است. چرا؟ چون اگر در لبنان یا عراق یا در جاهای دیگر اسلحه ایرانی پیدا کنند، طرف آمریکایی می‌تواند اعلام کند که ایران قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرده است. بحث بازرسی‌هایی که در بند ۷ هست هم خود یک راه فرار است. شما بر اساس بند هفت به سازمان ملل مجوز بازرسی می‌دهید که از محموله‌هایی که وارد ایران می‌شوند یا اینکه از ایران خارج می‌شوند، سرک بکشند. همه کشورها می‌توانند از این مسئله استفاده کنند؛ یعنی در آینده حتی بحرین یا امارت هم می‌تواند از این قطعنامه استفاده کند!

بیایید درباره یک مسئله دیگر بحث کنیم. شما می‌دانید که سلاح‌های کروز ظرفیت حمل مواد انفجاری متعارف را دارند؛ یعنی سلاح کروز طوری طراحی شده که مواد انفجاری متعارف را بتواند حمل کند. کلاهک هسته‌ای هم وزن خاصی ندارد و خیلی بیشتر از مواد انفجاری متعارف نیست. ازاین‌جهت اگر سلاح کروزی امکان حمل مواد انفجاری متعارف را دارد، کلاهک هم می‌تواند حمل کند. حرفی که ایران می‌زند می‌گوید که ما چون بمب هسته‌ای نداریم، این‌ها را برای حمل کلاهک هسته‌ای طراحی نکردیم ولی حرف طرف مقابل این است که ما کاری نداریم که شما این را برای چه چیزی طراحی کردید! اگر اجازه حمل سلاح هسته‌ای را بدهد، این جزو موارد ممنوعه حساب می‌شود حالا فرض کنید ما سر این مسئله دعوایمان بشود. آن‌وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ آن بحث مکانیسم ماشه و بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه شورای امنیت که به‌صورت خودکار بعد از ۳۰ روز امکان این وجود دارد که تحریم‌ها دوباره برگردد، اجرایی می‌شود و ما به پله اول برگردیم!

پس اساساً بحث لغو در قطعنامه و برجام نداریم و فقط تعلیق است که این یعنی نقض بند اول مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی.

محدودیت‌ها و بازرسی‌های نامتعارف خدشه به استقلال و پیشرفت کشور

حالا بند دوم را باهم بخوانیم: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب توافق‌نامه پادمان، مجاز به انجام نظارت‌های متعارف از سایت‌های هسته‌ای است و دسترسی به اماکن نظامی، امنیتی و حساس و غیرهسته‌ای و سؤال از دانشمندان ممنوع است و باید مصوبه شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.

آیا در توافق برجام و قطعنامه به بند دو توجه لازم شده است؟ خیر توجه نشده. ما پروتکل الحاقی را پذیرفتیم و بر اساس این پروتکل دسترسی به سایت‌های نظامی و دانشمندان وجود دارد؛ یعنی هم می‌تواند به افراد مختلف دسترسی داشته باشد و هم به سایت‌های

غیرهسته‌ای. این نکته درست است که پروتکل الحاقی محدودیت دارد؛ یعنی شما می‌توانید با طرف مقابل چانه بزنید و از آن محدودیت‌ها استفاده کنید ولی در عمل چون بند ۵ پروتکل الحاقی بحث راضی شدن و تأیید آژانس است و بند هفتم بحث کامل بودن اطلاعات است، ازاین‌جهت طرف مقابل اگر شما مانعی برایش ایجاد کنید به‌راحتی می‌تواند بگوید که ایران همکاری نکرد. پس این هم می‌شود نقض مورد دوم؛ یعنی بر اساس پروتکل الحاقی هم بند ۲ مصوبه قانونی مجلس نقض شده است. مشکل این است که اگر شما به برجام توجه کنید، متوجه می‌شوید که نه‌تنها اجرای پروتکل الحاقی پذیرفته شده بلکه بسیار فراتر از پروتکل الحاقی را هم پذیرفته‌ایم؛ چون ما بر اساس برجام پذیرفته‌ایم که متن مدرک ۲۵۴ آژانس را قبول و اجرا کنیم. آژانس متن‌هایی که تولید می‌کند، یک شماره به آن‌ها می‌دهد که در این متن، ۸۴ صفحه از ریز اقلامی که استفاده دوگانه و مضاعف دارند مشخص شده است که بسیار فراتر از بحث هسته‌ای است.

این مسئله به این دلیل است که دانش هسته‌ای، علم مهم و پیشرفته‌ای هست و علوم مختلف و رشته‌های مهندسی مختلف باید بیایند و دست‌به‌دست هم بدهند تا شما دانش هسته‌ای پیدا کنید. خیلی اوقات ابزاری که به درد هسته‌ای می‌خورد به درد مهندسی مکانیک و مهندسی شیمی هم می‌خورد و بر همین اساس، طرف مقابل می‌خواهد مانع بهره‌برداری بدون محدودیت ایران از این ابزارها و از این تکنولوژی‌ها شود.

اگر شما لیست مندرج در متن شماره ۲۵۴ را نگاه کنید، همه جور موردی که به درد خیلی از مباحث غیرهسته‌ای می‌خورد در آن هست؛ دوربین‌های سرعت بالا، نرم‌افزارها، سخت‌افزارهای صنعتی، پمپ‌های تخلیه و بعضی از آلیاژهای فلزاتی مثل آلومینیوم، آلیاژهایی با قدرت بالا که این موارد هم در صنایع هسته‌ای هم در صنایع دفاعی و هم در محیط‌های دانشگاهی ممکن است استفاده شود و... که طرف مقابل می‌خواهد همه این‌ها را کنترل کند؛ یعنی بر اساس متن برجام اگر ایران بخواهد یکی از این اقلام را بخرد، اولاً باید از یک کمیته اجازه بگیرد. بعد اگر اجازه داد، آن فروشنده و دریافت‌کننده جزئیات اطلاعات محصول را باید به این کمیسیون که شامل نمایندگان ۵+۱ هست، بدهند؛ یعنی در متن برجام گفته اسم، آدرس، شماره تلفن، آدرس ایمیل و تمام این جزئیات باید داده شود. همچنین طرف مقابل این حق را برای خود محفوظ می‌داند که به ایران بیاید و یک بازرسی هم اینجا بکند که مبادا از این ابزار برای صنعت هسته‌ای استفاده شود. یعنی به بهانه هسته‌ای هم می‌خواهند در سایت‌های نظامی و هم سایت‌های صنعتی و هم سایت‌های دانشگاهی سرک بکشند. مسئله تأسف‌بار در این زمینه این است که یک بند ۷ ضمیمه قطعنامه داریم که به همه کشورهای جهان اجازه

بازرسی می‌دهد! یعنی هم امریکا، انگلیس و فرانسه می‌توانند محموله‌هایی را که وارد ایران و خارج از ایران می‌شود بازرسی کنند و هم، همه کشورهای جهان! یعنی هیچ محدودیتی در این زمینه ایجاد نکرده‌اند که قطعاً این وضعیت برای استقلال کشور مشکلات جدی را ایجاد می‌کند.

پس بند دوم مصوبه قانونی مجلس هم رعایت نشده است.

حالا به سراغ بند سوم برویم. متأسفانه مورد سوم هم که در آن آمده هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، تحقیق و توسعه پذیرفته نیست، به‌صورت گسترده نقض شده است؛ چراکه ما محدودیت‌های گسترده‌ای را پذیرفتیم و این نکته‌ای هست که در اظهارات دکتر صالحی هم تأیید شده است. بعد از ۸ سال ما تازه امکان تحقیق و توسعه روی ۳۰ سانتریفیوژ IR8 را پیدا می‌کنیم! قبل از هشت سال، تعداد سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که می‌توانیم استفاده کنیم، یکی دو تا بیشتر نیست؛ آن‌هم سانتریفیوژهای بدون موتور! سانتریفیوژ بدون موتور هم دقیقاً مثل ماشین بدون موتور است و اصلاً قابلیت ویژه‌ای ندارد.

این هم از بند سوم مصوبه مجلس! حالا شما بگویید؛ واقعاً خط قرمزهای نظام در این توافق هسته‌ای رعایت شده است؟!

اختلافات طرف مقابل در روش است نه در هدف

پرسش: جناب دکتر؛ پس باوجوداین حجم گسترده از دستاوردها برای طرف غربی، چرا برخی از سیاسیون آمریکایی مخالف این توافق هستند؟ چون برخی از اعضای دولت همین مسئله را نشانه خوب بودن برجام برای ایران ارزیابی می‌کنند.

این خیلی مهم است که بفهمیم که طرف مقابل طراحی‌اش برای ما چیست و دعوا سر چیست؟ آیا دعوا سر این هست که ایران برنامه هسته‌ای‌اش محدود می‌شود؟ آیا نتانیاهو از این ناراحت است؟ خیر نه نتانیاهو، نه لابی صهیونیستی و نه سناتورها از این ناراحت نیستند. ناراحتی آن‌ها از این است که نکند خدای ناکرده در این متن یک تحریمی حتی تعلیق شود. متنی هم که تهیه شده براحتی دست مجموعه طرف مقابل را باز می‌گذارد که هر وقت که دلش خواست بزند زیر همه‌چیز. چون نه الزام حقوقی دارد و نه طرف مقابل مشکل خاصی دارد.

امریکا (هم دموکرات‌ها و هم جمهوریخواهان) و اسرائیل در حوزه هدف اختلاف ندارند و هدفشان سرنگونی جمهوری اسلامی است اما عده‌ای می‌گویند که روش صحیح، تحریم بیشتر و فشار بیشتر است تا ایران که الان اوضاعش خیلی خراب‌شده، کاملاً به فروپاشی برسد. در

طرف مقابل، اوباما و تیمش می‌گویند که ما این رویکرد را ۳۶ سال است امتحان کرده‌ایم و جواب نداده است. سانتریفیوژهای ایران هم از ۱۶۴ عدد رسید به ۱۹ هزار عدد؛ پس باید روش دیگری را امتحان کنیم. دغدغه اول تیم اوباما این است که فکری برای برنامه هسته‌ای ایران کند. بعد این را توضیح می‌دهند که ما نهایتاً می‌خواهیم ایران را متوقف و سرکوب کنیم. حالا با ایرانی که قابلیت هسته‌ای دارد می‌توان راحت‌تر مقابله کرد یا ایرانی که قابلیت هسته‌ای ندارد؟ مشخص است که حالت دوم. پس بهتر است اول توانایی هسته‌ای را از آن بگیریم و بعد به سراغ گزینه‌های دیگر برویم. روی این مسئله هم تأکید می‌کنند که اگر خواستیم، تحریم‌ها را تعلیق می‌کنیم و اگر نخواستیم هم بهانه می‌آوریم. بعد هم در سایت‌های نظامی سرک می‌کشیم و در مقابل هر کار ما، ایران باید به همه تعهداتش عمل کرده باشد. یعنی آن‌ها خیالشان از تعهدات طرف مقابل (ایران) راحت است.

جان کری در کمیسیون سیاست خارجی گفته بود: نتانیاهو زمانی که ما ژنو را داشتیم امضا می‌کردیم، خیلی اعتراض می‌کرد که ژنو توافق بدی هست اما حالا نتانیاهو به من گفته که ژنو توافق خوبی بوده و به‌جای امضای یک توافق دیگر، همان را ادامه بدهید.

البته یک بحث دیگر هم اسرائیلی‌ها دارند که بحث پول است؛ چون وضعیت اقتصادی دولت اسرائیل بسیار نامناسب و خراب است، صهیونیست‌ها می‌خواهند که این توافق را بهانه کنند تا از سه میلیارد دلاری که سالانه از امریکا می‌گیرند، بیشتر بگیرند. برای همین فریاد می‌زنند که با این توافق امنیت ما به خطر افتاده و پول و سلاح بیشتری بدهید! برای همین «دنیس رأس»، مسئول پرونده ایران در دوره اول اوباما گفته بود که با توجه به برجام، امریکا باید کمکش را به اسرائیل بیشتر کند.

توهم تعامل با آمریکا همراه با تهدید نظامی!

- نگاهی به برخی اظهارنظرها در دولت و حامیان توافق هسته‌ای این شائبه را به وجود آورده که اصلاً مسئله دولت، توافق هسته‌ای نیست و ارتباط با امریکا است که برای آن‌ها در اولویت قرار دارد و حاضر هستند هر هزینه‌ای را برای ایجاد آن بپردازند. نظر شما در این مورد چیست؟

متأسفانه همین‌طور است. البته این حرف جدیدی نیست و این را آقای ابوطالبی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور هم چندی پیش گفته بود که ارزش تعامل ایران و امریکا بیش از پرونده هسته‌ای است و این را آسان از دست ندهیم! متأسفانه این اشتباه تحلیلی دوستان در دولت بود که طرف مقابل می‌خواهد بیاید و با ما تعامل داشته باشد. شما در تاریخ دیپلماسی کشورها ببینید زمانی که چین و امریکا می‌خواستند به تعامل برسند؛ ویتنام و امریکا می‌خواستند

به تعامل برسند؛ یا همین اخیراً کوبا و امریکا به تعامل برسند و مثلاً سفارت تأسیس کنند، ادبیات دولت ایالات‌متحده چگونه است. شما ادبیات مسئولان را ببینید. طرف مقابل که امریکا باشد، دولتی را که می‌خواهد با آن به تعامل می‌رسد، تهدید به حمله نظامی نمی‌کند ولی درباره ایران تقریباً روزی نیست که حرف از گزینه‌های نظامی در میان مسئولان این کشور نباشد.

یک نکته هم به شما بگویم. سال ۲۰۰۸ یعنی زمان ریاست جمهوری جرج بوش، اعضای ۵+۱ جلسه گذاشتند و کاندولیزا رایس که در آن زمان وزیر امور خارجه ایالات‌متحده بود، متنی را تهیه کردند که می‌خواست چارچوب توافق با ایران را طراحی کند. این متن را جان کری هم اخیراً در جلسه کمیسیون در کنگره خواند. یکی از بندهای متن این است که طرف غربی تعهد می‌دهد که هیچکدام از کشورهای ۵+۱ به ایران حمله نکنند و حتی ایران را تهدید به حمله نظامی هم نکنند. کاش مذاکره‌کنندگان کشورمان و کسانی که در وزارت امور خارجه مشغول به فعالیت هستند، این مسئله را به حامیان رابطه با امریکا یادآوری کنند که از ۷ سال پیش قرار بود هیچ تهدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران از طرف غربی‌ها صورت نگیرد ولی چرا به آن عمل نکردند؟ از این‌طرف می‌گویند موشک‌هایت را محدود کند و از آن‌طرف می‌گویند سایت‌هایت را باز کن و بعد تهدید نظامی هم می‌کنند که خلاف صریح منشور سازمان ملل است. در بند دوم از فصل یک نوشته شده کشورهای جهان نباید همدیگر را تهدید نظامی کنند. حالا این نشانه تعامل است؟!

متأسفانه تحلیل دوستان تحلیل درستی نیست و باید بدانند که طرف مقابل به دنبال تعامل با ایران نیست. طرف مقابل یک گروهی دارد که می‌گویند همین الآن ایران را نابود کنیم و گروه دوم می‌گویند ایران با اتخاذ این سیاست از جانب امریکا، قدرتمندتر شد و الآن باید شناسایی کنیم که اهرم قدرت ایران چیست تا یکی‌یکی آن‌ها را از ایران بگیریم. درواقع می‌خواهند اهرم نفوذ منطقه‌ای ایران را هم بگیرند. در قطعنامه ۲۲۳۱ رسماً نوشته شده است که ایران نباید به هم‌پیمانان منطقه‌ای خود سلاح بدهد؛ یعنی اینکه می‌خواهند نفوذ ایران را در منطقه بگیرند. همین سخنرانی اخیر جان کری در سنا را ببینید. کری در سنا یک جمله‌ای گفت که زمانی که کشتی ایران به سمت یمن حرکت کرد، آقای ظریف با من تماس گرفت و من به ایشان گفتم که این کشتی نباید در یمن پهلو بگیرد و بعد ایشان گفت من به شما خبر می‌دهم. روز بعد تماس گرفت که بله؛ پهلو نمی‌گیرد! این به نظر شما نشانه تعامل است؟! قطعاً این به معنی تعامل نیست؛ این به معنی این است که ما وقتی کارهایی به شما بگوییم، شما باید اجرا کنید؛ چه در حوزه هسته‌ای و چه در حوزه غیرهسته‌ای.



بررسی نقاط ضعف برجام از منظر فقهی[۱]

آیت‌الله علی‌اکبر سیفی مازندرانی
استاد دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم

آیت‌الله علی اکبر سیفی مازندرانی از فقهای برجسته حوزه علمیه و استاد دروس خارج فقه و اصول در متنی به پاسخ فقهی ابهامات موجود در متن توافق هسته‌ای «برجام» پرداخته و پرسش‌های اساسی را پیرامون متن توافق‌نامه هسته‌ای و همچنین قطعنامه شورای امنیت «۲۲۳۱» بیان نموده‌اند.

متن کامل بیانیه آیت‌الله سیفی مازندرانی که مشتمل بر سه بخش است در ادامه می‌آید:

بخش اوّل: مهم‌ترین بندهای سرنوشت‌ساز قطعنامه شورای امنیت، توافق برجام.

بخش دوّم: پرسش‌های مهم و ابهامات پیرامون توافق برجام و قطعنامه‌ی شورای امنیت.

بخش سوّم: پاسخ استاد به پرسش‌های مزبور.

بخش نخست: مهم‌ترین بندهای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱

این بخش مشتمل بر چهار قسم است:

الف- مهم‌ترین بندهای خطرناک قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد توافق‌نامه برجام کشورهای (۱+۵)

۱. تا هشت سال همکاری‌های موشکی کشورهای دیگر با ایران منوط به اجازه مورد به مورد شورای امنیت است (ضمیمه ب، بند ۱ از ۴)

۲. تا هشت سال هرگونه فعالیت در مورد موشک‌های بالستیک که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای و نیز شلیک آن‌ها باشد، ممنوع است (ضمیمه ب، بند ۳) این بند شامل تمام

۱- سایت ۵۹۸، تاریخ: ۱۳۹۴/۶/۱۹، کد خبر: ۳۳۸۴۷۹ و سایت seyfi.ir

موشک‌های دوربُرد شهاب، فجر، زلزال و غیرآن می‌شود، و باید توجه داشت که مراد از آن موشک‌هایی نیستند که ما بخاطر حمل سلاح‌های هسته‌ای ساخته‌ایم .چون ایران چنین قصدی ندارد و علاوه بر این چنین موشک‌هایی در اعتقاد آمریکا دائماً ممنوع است، نه هشت سال ، از این رو شامل موشک‌هایی است که صرفاً قابلیت حمل کلاهک دارد، اگرچه ایران کلاهک هسته‌ای نداشته و موشک را به چنین قصدی هم نساخته باشد.
۳ .تا پنج سال انتقال سلاح از ایران به کشورهای دیگر ممنوع است، مگر اینکه شورای امنیت اجازه دهد. (ضمیمه‌ی ب، بند b از ۶). و نیز تا پنج سال همکاری کشورهای دیگر با ایران در زمینه سلاح‌های متعارف مشروط به اجازه مورد به مورد شورای امنیت است. (ضمیمه‌ی ب بند ۵).
۴ .هر کشوری می‌تواند کلیه کشتی‌ها و هواپیماهایی را که از ایران به خارج و از خارج به ایران پرواز می‌کنند، بازرسی و کنترل کند. (این بند شامل ارسال سلاح و هر وسیله‌ی دیگر نظامی و غیر آن به کشور هائی مثل: عراق، لبنان، یمن، سوریه، حزب الله، فلسطین می‌شود).
۵ .تمام همکاری‌های مجاز کشورها با ایران باید به اطلاع و تأیید شورای امنیت برسد (ضمیمه ب، بند أ).
۶ .آنچه در برجام آمده است صرفاً مختص ایران است و شامل هیچ کشور دیگری نخواهد بود و نباید به‌عنوان یک رویه یا اصلی در حقوق بین الملل و تعهدات پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تلقی شود. (بند ۲۷).

بخش دوم: پرسش‌های اساسی پیرامون توافق برجام

۱ .آیا واقعاً نتیجه مذاکرات ۱ +۵ پایان دادن به جنجال جهانی هسته‌ای ایران بود؟ یا سرآغاز جنجال جدید برای راه اندازی فتنه‌های جدید داخلی و خارجی؟
۲ .آیا فرجام برجام نمی‌تواند باعث باز شدن راه تهدید یا تهاجم نظامی دولت‌های استکباری به سرکردگی آمریکا باسلاح قوانین بین المللی باشد؟
۳ .آیا نقاط ضعف توافق برجام مستمسکی برای بهانه جویی و قانونی جلوه دادن تهاجم نظامی علیه ایران نمی‌تواند باشد؟
۴ .آیا این موافقتنامه به نوعی خواست کج اندی‌شان و سران فتنه در تضعیف جایگاه اصل ولایت فقیه، و محدود کردن اختیارات ولی امر مسلمین از طریق قوانین بین المللی توسط مثلث نشست ۱+۵، و شورای امنیت، و آژانس انرژی اتمی نیست؟
۵ .آیا رفت آمدها و ملاقات‌های اخیر جاسوسان استکبار و مقامات مسئول دولت‌های ۱+۵

با برخی مسئولین در ارتباط باتحقق هدف برجام، زمینه ساز دخالت در امور داخلی ایران با اهرم‌های گوناگون ازجمله نظارت و یا حقوق بشر نیست؟

۶ .آیا واقعاً تنها راه اثبات منطقی بودن ملت و مسؤولین و صلح طلب بودن ایران در جامعه بین المللی قبول و التزام به توافق برجام است؟ یا این امر پوششی برای اهداف دیگر است؟

۷ .آیا اَنجام توافق برجام در تضاد با عزّت ملّت قهرمان ایران نیست، و منجر به مهار و در هم شکستن قدرت سیاسی جمهوری اسلامی نخواهد شد؟

۸ .آیا این توافق مغایر با وصیتنامه الهی سیاسی بنیانگذار کبیر انقلاب امام خمینی در زمینه استقلال و عدم وابستگی و سازش ناپذیری نظام جمهوری اسلامی با دولت‌های استکباری نیست؟ و یا زمینه وابستگی به آنان را ایجاد نمی‌کند؟ و یا دست مسؤولین جمهوری اسلامی را در این زمینه نمی‌بندد؟

۹ .آیا تن دادن به این توافق نمی‌تواند سبب فتنه‌ای جدید در جهت سرخوردگی علمی متخصصین ایرانی و مهار قدرت دفاعی ملت بزرگ ایران با لباس جدید باشد؟

۱۰ .آیا شرائط کنونی نفوذ و قدرت ایران اسلامی در منطقه و جهان اجازه مقایسه توافق برجام با توافق انجام شده در صربستان و توافق پذیرفته نشده در عراق را می‌دهد!

۱۱ .آیا ما از کره شمالی کمتر هستیم که با کمال بی اعتنائی به تحریم‌های آمریکا و شرکاء آن هرروز مهم‌ترین آزمایش‌های موشکی اتمی را در مقابل چشم جهانیان بدون هیچ مشکل شکننده اقتصادی انجام می‌دهد، حال آنکه هیچ دولتی حتی شورای امنیت و سازمان ملل جرأت مقابله نظامی با او را ندارد؟

۱۲ .آیا به راستی هدف آمریکا و شرکای استکباریش به عقب انداختن ساخت سلاح هسته‌ای ایران است که مسؤولین ارشد دولت ما چنین فکر می‌کنند؟ آیا چنین نگرشی ساده لوحانه نیست؟ آیا قضیه به همین سادگی است؟

۱۳ .آیا القاء این مطلب صحیح است که: مهم‌ترین دستاورد ایران در مذاکرات، اثبات منطقی بودن و أهل مذاکره معرفی کردن مسؤولین نظام جمهوری اسلامی به دنیا است؟ به راستی در زمان رهبری پیامبر گونه امام عظیم الشأن و رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری تا کنون این هدف حاصل نبود؟ یا اینکه قضیه چیز دیگری است؟!

۱۴ .آیا هدف فوق الذکر می‌تواند به‌عنوان آرمان و یک آرزوی سیاسی مهم باشد تا این حد که به خاطر آن زیر بار این همه باج خواهی های آمریکا و محدودیت‌ها و التزامات ذلّت بار برویم؟

۱۵ .آیا پذیرش و التزام به قانونِ اجازه مورد به مورد ایران از شورای امنیت در ارسال سلاح به ملت‌های مظلوم مسلمان، و نیز ساخت هر سلاح جدید .بویژه موشک‌های دور برد .به معنای

اَفسار زدن و مهار قدرت دفاعی ایران نیست؟ در حالیکه آمریکا و صهیونیست خونخوار هزاران تروریست جنایتکار خون آشام را بر ملت‌های مظلوم مسلمان و سایر ادیان بویژه شیعیان و پیروان مکتب اهلبیت، مسلط ساخته و شعائر اسلام و معالم دین را یکی پس از دیگری نابود می‌کنند!.

۱۶ .آیا منافع نوشیدن شراب ... برجام به اندازه‌ای است که بر مضار آن ترجیح داشته باشد؟
مضرّت است و منافع شراب را بسیارکه گر قیاس کنی این بدان نمی‌ارزد.

۱۷ .آقای کِری در مقابل پرسش نمایندگان کنگره که: آیا از اطلاعات بازرسی‌های مأمورین آژانس برای بمباران مراکز هسته‌ای ایران در حمله‌ی نظامی آمریکا استفاده می‌کنید؟ پاسخ داد: آری.

پرسش ما این است که چه کسی و بر اساس چه سیاست و تدبیری اجازه‌ی بازرسی مراکز هسته‌ای ایران را به مأموران آمریکائی و بازرسان آژانس داده است؟ جز مسئوولین دولت تدبیر و اُمید؟! طبعاً عامل درج اطلاعات سرّی.مراکز هسته‌ای به آمریکا کسانی هستند که به بازرسان اجازه‌ی بازدید داده و اطلاعات را در اختیارشان گذاشته‌اند.

و سؤال اصلی این است که: آیا مسئوولین دولت تدبیر و امید بازتاب و عواقب اجازه‌ی این بازرسی‌ها را نمی‌دانستند؟ و آیا در صورت علم، مسئولیت بروز هرگونه خطری برای ایران با آنان نیست؟ و آیا نمی‌دانستند که اجازه‌ی بازرسی مراکز نظامی خطر تهدید حمله‌ی نظامی آمریکا و احتمال بمباران این مراکز را هرگاه آمریکا بخواهد در پی دارد؟ و امروز که مُهلت نهائی شدن زمان تصویب توافق برجام و الزام ایران روبه پایان است رئیس جمهور آمریکا رسماً اعلان می‌کند: گزینه نظامی .تا قبل از انجام تمام موارد توافق برجام .در آینده همچنان روی میز است. و اگر می‌دانستند با چه هدفی.دست به این اقدام زدند؟ و آیا آن هدف نمی‌توانست کنترل قدرت فرماندهی.کل قوا و عقب نشینی معظم له از مواضع قاطعانه و سر سختانه در مقابل سران استکبار باشد؟

۱۸ .آیا مآل و بازگشت این جریان نمی‌تواند بعنوان برگ برنده‌ای برای سران أهل فتنه در پیوند شومشان با سران استکبار جهانی باشد؟

۱۹ .آیا بوق کردن اختلافات سیاسی و جنجال دو جناح کنگره‌ی آمریکا، و رئیس جمهور و دولت آمریکا، و شرکای استکباری آنان نمی‌تواند جنگ زرگری برای فریب ما باشد؟

۲۰ .آیا این رفت و آمدها و ملاقات سر زده و مخفیانه‌ی اخیر جاسوسان استکبار با برخی مسئوولین دولتی و مجمع تشخیص مصلحت نمی‌توانست ریشه در تهیه و اجرای این سناریو ... داشته باشد؟ آیا براستی اظهارات اخیر اوباما مبنی برلزوم تغییرات داخلی در نظام ایران

نمی‌توانـد اشـاره‌ی مرمـوز بـه حیلـه‌ی حسـاب شـده باشـد؟
۲۱ .آیا وزارت اطلاعات در جریان این مسائل و جریانات خطرناک قرار دارد؟
۲۲ .آیا آیـه‌ی شـریفه‌ی: «و أعـدّوا لهـم مـا استطعتم مـن قـوّه... تُرهبـون بـه عـدوّ الله و عدوّکـم» کاملاً در تضاد بابندهایـی از ایـن توافـق نامـه نیسـت؟ و آیـا ایـن توافـق متضمّـن مهـار و کنتـرل صنعت دفاعی کشور و تضعیف قدرت و تحدید اختیارات فرماندهی.کل قوا نیست؟! و آیا پیام ایـن آیـه بـا قانونـی کـردن اجـازه مـورد بـه مـورد ایـران از شـورای امنیـت در زمینه‌هـای دفاعـی یـاد شـده در تضـاد نیسـت؟!
۲۳ .و سؤال آخر اینکه: آیا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، و خبرگان در ایـن برهـه‌ی تاریخـی وظیفـه‌ی قانونـی در استفسار و تحقیـق و بررسـی ایـن پرسش‌ها را ندارند؟

بخش سوّم: پاسخ‌های استاد به پرسش‌ها

بسمه تعالی

اینجانـب پـس از بررسـی و مطالعـه‌ی دقیـق قطعنامـه‌ی (۲۲۳۱) شـورای امنیـت، و ترجمـه‌ی متـن انگلیسـی برنامـه جامـع اقـدام مشـترک (برجـام) بیـن ایـران و کشـورهای ۱ +۵ .کـه بعـد از تأییـد مجلس شورای اسلامی منتشر گردید ، بـه وضوح آن را دالّ بـر قوانینی یافتم کـه امضاء و التزام و عمل به آن قطعاً موجب سیطره و استیلاء سران کفر و استکبار.یعنی کشورهای ۱ +۵ .بر کیان نظامـی و سیاسـی و امنیتـی و دفاعـی ایـران هسـت، و بـه هیـچ وجـه ایـن مصوّبـات را قابـل توجیـه نمی‌بینـم؛ چرا کـه بی‌شـک در فقه شیعه از نظر آیات کتاب مجید، و سنت پیامبر اعظـم اسلام، و روایـات اهل‌بیـت: و اجمـاع فقهـای شـیعه، (ایـن دسـته از آیـات و روایـات و نـص کلمـات فقهـای شیعه و اجماع اصحاب را در کتاب «مبانی الفقه الفعّال: ج ۱، ص ۲۳۹ .۲۳۸» ذکر کرده‌ام) وضـع و التزام بـه هر قانونـی کـه موجبات سیطره سران کفر و استکبار و استعمار را بر کیان نظام اسلامی و مقدرات مسلمین فراهم آورد از اعظم محرّمات، و سدّ عن سبیل الله، و مُحادّه و جنـگ بـا خـدا و رسـول هسـت.
و ایـن وحـی الهـی در کتـاب مجیـد «و لَـن یجعَـل الله للکافِریـن عَلـی المؤمنیـن سـبیلا» اسـت کـه دلالت واضح دارد بـر عدم مشروعیت هر قانونـی کـه بـه گونـه‌ای موجبات سیطره و استیلاء سران کفر و استکبار را بـر حکومـت اسـلام و سرنوشـت مسلمین فراهـم آورد. و آیـه شـریفه‌ی «و أعـدّوا لَهُـم مـا اسـتطعتُم مـن قـوّه... ترهبـون بـه عـدو الله و عدوکـم»[۱]، صریـح در دسـتور بـه بسـیج و فراهـم آوردن تمـام امکانـات نظامـی و دفاعـی ممکـن بـرای ایجـاد رعـب و وحشـت در قلـب کفـار و درهـم

۱- انفال، آیه ۱۰

شکستن هیمنه‌ی آنان است. و پیام روشن این وحی الهی در تضاد کامل با برخی از بندهای توافق برجام و قطعنامه مزبور است.

و نیز در صریح قانون اساسی (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل ۱۵۳) هر قراردادی که بگونه‌ای مستلزم سلطه‌ی کشورهای بیگانه بر منابع نظامی و دفاعی و ارتش و سایر شؤون ایران باشد ممنوع و غیر قانونی اعلام گردیده است. و بی‌شک مصداق بارز آن سلطه آمریکا و سران استکبار بر مهم‌ترین شریان حیاتی نظامی و دفاعی کشور .یعنی سیستم موشکی دوربُرد، و امکان پرواز هواپیماها و تحرّک کشتی‌ها، و تقویت بازوهای نظامی و دفاعی ایران یعنی هم‌پیمانان نظامی .هست. و دلالت برخی بندهای قطعنامه مزبور و توافق برجام بر مهار و کنترل این امور حیاتی توسط سران استکبار و سلطه آنان بر نقاط قوّت کلیدی و محورهای اساسی نظامی و دفاعی به‌وضوح مشهود است. و این با صریح آیه‌ی نفی.سبیل، و نیز آیه: «و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوّه...»، و ضرورت دین، و صریح قانون اساسی در تضاد است. خدای تعالی در قرآن فرمود: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ الله مُوتُواْ ثُمَّ أَحْياهُمْ إِنَّ الله لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يشْكُرُونَ»[۱]، و نیز فرمود: «و لا ترکَنوا الی الّذین ظَلَموا فَتَمَسَّکُمُ النّارُ»[۲]، و «و لا تُطیعوا أمرَ المُسرِفِین»[۳]. و «و مَن لم یحکُمبِما أنزَلَ الله فأولئک هُم الکافِرُون»، «و مَن لَم یحکُم بِما أنزَلَ اللهُ فأولئک هم الظالِمون» و «و من لم یحکم بما أنزل اللهُ فأولئک هم الفاسِقون».[۴]

جای کمترین تردید نیست که سران کشورهای ۱+۵ مصداق بارز طاغوت و ظالم و مصداق مسلّم مسرفین هستند. و مصوّبات شورای حُکّام حکم بغیر ما أنزل الله هست. در صریح قرآن تحاکم و رکون و اعتماد به طاغوت و ظالم ستمکار تحریم گردیده است، و متولیان این تحاکم و اعتماد، ظالم و فاسق دانسته شده‌اند.

و بی‌تردید بندهای مربوط به محدودیت‌های موشکی و هواپیمایی، و نیز همکاری و مساعدت ایران با کشورهای همسایه بویژه مرکز جهان تشیع یعنی عراق در قرارداد و اجرای پیمان‌های نظامی و دفاعی، دست ایران را در دفاع از کیان اسلام و جهان شیعه بسته و با استقلال و امنیت ایران در تضاد است. و مخالفت واضح با صریح آیه‌ی شریفه‌ی نفی.سبیل: «و أعدّوا لهم ما استطعتم من قوّه» دارد.

و ما در موقعیت شعب أبی طالب و یا جنگ صفین و نهروان نیستیم که در مقابل قرآن سرنیزه

۱- نساء آیه ۶۰

۲- هود، آیه ۱۱۳

۳- شعراء آیه ۱۵۱

۴- مائده آیات ۴۴، ۴۵، ۴۷

فریبکاران تسلیم شویم و مجبور به صلح باشیم، بلکه همانگونه که رهبر معظم انقلاب آیه الله العظمی امام خامنه‌ای فرمودند: در موقعیت جنگ بدر و خیبر هستیم.

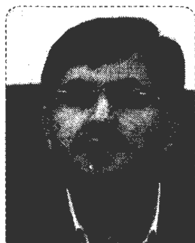
ملّت مؤمن و ولائی ایران اسلامی و جوانان و نخبگان و دانشجویان، طلاب و اساتید حوزه و دانشگاه بیدار و آگاه باشند، و در این امر خطیر و سرنوشت ساز گرایش‌های جناحی، حزبی، سیاسی را کنار گذاشته و فقط به تکلیف شرعی و الهی فکر کنند. و بدانند که جلوگیری نقد و بررسی توافق برجام و قطعنامه‌ی مزبور با شعار حفظ وحدت امروز در چنین امر خطیری در حکم بر سرنیزه گرفتن قرآن با هدف شوم در هم شکستن قدرت ولایت فقیه و تغییر داخلی مناصب قدرت نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌تواند باشد، گرچه بطور ناخواسته، ولی این خواسته را رئیس‌جمهور آمریکا تصریح و تأکید کرد.

البته اتهام به شخص یا گروه خاص و نسبت خیانت به کسی بدون حجت شرعی از أعظم محرمات است. ولی پی گیری و بررسی نقاط ضعف و مبهم و خطیر توافق برجام .به دلیل اهمیت زیاد آن .مهم‌ترین تکلیف نخبگان حوزه و دانشگاه و کارشناسان و نمایندگان ملت است؛ چون برخی بندهای اصل توافق و ضمائم آن سرنوشت ساز بوده و خطر آفرین، و بسیار مهم و حیاتی هست.

و دخل و تأثیر این بندها در دگرگونی شریان حیاتی دفاعی و عزت و اقتدار و استقلال نظام مقدس جمهوری اسلامی قابل انکار نیست. و السلام علی عباد الله الصالحین.

علی اکبر سیفی مازندرانی

۲۷ شوال ۱۴۳۶ ه ق



بررسی محدودیت‌های اعمال شده بر موشک‌های بالستیک ایران در قطعنامه ۲۲۳۱[1]

دکتر سید یاسر جبرائیلی

کارشناس مسائل سیاسی

بندهای مربوط به موشک‌های بالستیک ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ منشأ یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها درباره فرجام توافق هسته‌ای بوده است. اعضای تیم مذاکره‌کننده و حامیان توافق، معتقدند مفاد موشکی مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ مانعی بر سر راه فعالیت‌های موشکی ایران ایجاد نخواهد کرد و منتقدان، بر این باورند که این مفاد، عملاً پیشرفت صنایع موشکی ایران را متوقف خواهد کرد. یادداشت حاضر قصد دارد ضمن ارائه تصویری دقیق از آنچه در قطعنامه ۲۲۳۱ درباره صنعت موشکی ایران آمده، به ارزیابی دیدگاه‌های موجود پیرامون این موضوع بپردازد.

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که پیرو جمع‌بندی برجام به تصویب رسید، در ضمیمه B خود، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد محدودیت‌هایی را بر صنایع موشکی ایران اعمال کرده است. در بند ۳ ضمیمه B از ایران خواسته شده است (Iran is called upon) تا هشت سال پس از پذیرش برجام، دست به هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده برای داشتن قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای (Ballistic Missiles Designed to be capable of delivering nuclear weapons)، ازجمله شلیک موشک با استفاده از تکنولوژی این دست موشک‌های بالستیک، نزند. در بند ۴ همین ضمیمه نیز ایران به مدت هشت سال - مگر با مجوز مورد به مورد شورای امنیت - از خرید و فروش تمام اقلام، مواد، تجهیزات و تکنولوژی‌هایی که ممکن است در صنایع موشکی کاربرد داشته باشد، منع شده است.[2]

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۱۸، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۱۸۰۰۰۵۹۱

2- http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/۲۲۳۱ (۲۰۱۵)

در رابطه با بند ۳ ضمیمه B که به محدودیت تست و توسعه موشک در محدوده مرزهای ایران مربوط می‌شود، آقایان دکتر ظریف و دکتر عراقچی استدلال مشترکی ارائه کرده‌اند که اگر محاجه آنان مبنا باشد، این بند از قطعنامه عملاً یک پاراگراف زائد است. آقای عراقچی می‌گویند: «متن قطعنامه قبلی (۱۹۲۹) که چند سال پیش صادر شد، فرق می‌کرد؛ در آنجا به موشک‌هایی که قابلیت حمل سلاح دارند، اشاره شده بود؛ که می‌توان گفت این عبارت شامل هر دو گروه از موشک‌ها می‌شد؛ اما قطعنامه جدید صراحت دارد و به‌صراحت می‌گوید موشک‌هایی که برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند و این روشن است موشک‌های ما بدین منظور طراحی نشده‌اند. تمام سیستم موشکی و تمامی موشک‌های ما خارج از صلاحیت قطعنامه جدید شورای امنیت هستند و به هیچ وجه جای نگرانی نیست».[1] تغییر ادبیات قطعنامه ۲۲۳۱ نسبت به ۱۹۲۹ صحیح است و کلمه «طراحی شده برای (Designed to be) ...» به قطعنامه جدید اضافه شده است؛ اما عبارت دقیق، با بیان آقای عراقچی قدری متفاوت است. قطعنامه نمی‌گوید «موشک‌هایی که برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند» بلکه در متن آمده است «موشک‌هایی که طراحی شده‌اند تا قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را داشته باشند». درست است که هیچ کدام از موشک‌های ما برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی نشده‌اند، اما قطعنامه از قابلیت (capable of) حمل کلاهک سخن می‌گوید. کلمه قابلیت، طیف وسیعی از موشک‌ها را مشمول این بند فصل هفتمی تحریم می‌کند. چه، خرج موشک‌های شدیدالانفجار، خوشه‌ای و بارانی به مراتب از خرج هسته‌ای سنگین‌ترند و موشکی که قادر باشد آن سلاح‌های متعارف را حمل کند، طبیعی است که قابلیت حمل کلاهک سبک‌تر را نیز داشته باشد. مهم‌تر از این، رویه سابق شورای امنیت در رابطه با موشک‌های ایران است. پنل ۸ نفری متخصصان (Panel of Experts) که طبق بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ ایجاد و مأمور گزارش‌دهی درباره پایبندی ایران به قطعنامه شده بود[2]، گزارشی را در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۳ ارائه کرد که با پاراف رئیس شورای امنیت به‌عنوان سند شماره S/۲۰۱۳/۳۳۱ در سازمان ملل ثبت شده است. در بند ۸۴ این گزارش (صفحه ۲۱) پنل متخصصان به‌صراحت موشک‌های شهاب یک و شهاب ۳ ایران را «قادر به حمل کلاهک هسته‌ای» شناسایی کرده و آزمایش آن‌ها در رزمایش پیامبر اعظم (ص) را «ناقض قطعنامه شورای امنیت» دانسته است.[3] سؤال اینجاست که وقتی شورای امنیت سازمان ملل قبلاً موشک‌های شهاب ۱ و ۳ را «قادر به حمل

---

1 - http://www.isna.ir/fa/news/۹۴۰۵۰۴۰۱۷۳۸/

2 - http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/۱۹۲۹ (۲۰۱۰)

3 - http: www.iranwatch.org/sites/default/files/un-panel-of-experts-report-june-۲۰۱۳.pdf

سلاح هسته‌ای (capable of delivering nuclear weapons)» شناسایی کرده است، آیا ممکن است در گزارش‌های بعدی بگوید این موشک‌ها علی‌رغم قابلیت حمل کلاهک، برای این منظور طراحی نشده‌اند؟! لذا تنها معیار موجود در رابطه با کلمه «طراحی» که قطعنامه ۲۲۳۱ اضافه شده است، «نیت ایران» است که از لیبرال‌های نتیجه‌گرا بسیار بعید است التفاتی به نیت ایران داشته باشند؛ که اگر امکان این وجود داشت که «حسن نیت» خود را به غربی‌ها ثابت کنیم، درباره نیات صلح‌آمیز خود از غنی‌سازی اورانیوم این کار را کرده بودیم و این همه جنجال هسته‌ای معنایی نداشت.

یک بازی خطرناکی که ممکن است در رابطه با موشک‌های ایران پیرو قطعنامه ۲۲۳۱ و گنجانده شدن کلمه «طراحی» بیفتد، به راه افتادن جار و جنجالی برای تکرار سناریوی موشک‌های دانگ فنگ-۲۱ (Dongfeng-21) است که در سال ۲۰۰۷ عربستان سعودی از چین خریداری کرد. با توجه به توافق نانوشته ۳۴ کشور در رابطه با عدم اشاعه تکنولوژی موشک (MTCR) آمریکا مدعی شد که فروش موشک دانگ‌فنگ به سعودی پس از آن صورت گرفت که تعدادی از کارشناسان سازمان سیا، موشک‌ها را بررسی و تائید کرده‌اند که دانگ فنگ «با نیت» (Intended to) حمل کلاهک طراحی نشده است.[1] آیا آمریکایی‌ها خواهند گفت باید موشک‌های شهاب ۱ و ۳ نیز برای پی بردن به «نیت» ایران از تولید آن‌ها بررسی شوند؟! اعضای محترم تیم مذاکره‌کننده، استدلال دیگری نیز در رابطه با بند ۳ ضمیمه B قطعنامه ۲۲۳۱ ارائه می‌کنند که در حقیقت شاهد دیگری برای زائد بودن این بند از سوی دوستان است، اما به نوعی سست بودن استدلال قبلی را پذیرفته است. آقای دکتر عراقچی گفته‌اند «شورای امنیت در این قطعنامه از ایران می‌خواهد تا فعالیت‌های موشکی که طراحی حمل کلاهک هسته‌ای را دارند انجام ندهد که ما در این زمینه هیچگونه برنامه‌ای نداریم. البته این موضوع تحت ماده ۴۱ و فصل هفتم منشور سازمان ملل نیست و فقط یک درخواست است و از نظر حقوقی الزام آور نخواهد بود».[2] متأسفانه باید گفت این سخن آقای عراقچی نیز دقیق نیست. بند موشکی قطعنامه علی‌رغم اینکه یک درخواست است (Iran is called upon) اما برخلاف گفته آقای عراقچی دقیقاً ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم است و عدم رعایت آن، «مسئولیت بین‌المللی» برای کشور در پی دارد. اگر مقدمه ضمیمه B به دقت مطالعه شود، به راحتی قابل دریافت است که تمامی بندها ازجمله بند موشکی، ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم تعریف شده است (مقدمه تصریح می‌کند که تمامی اقدامات را ذیل فصل هفتم انجام

---

1 – http://www.nti.org/gsn/article/us-backed-secret-saudi-missile-purchase-china/

2 – http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۴۲۹۰۰۱۰۰۸

می‌دهد(Acting Under Article 41 of the UN Charter) .

نکته مهمی که در این میان شایان توجه است اینکه ایران در واکنش به قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت ازجمله قطعنامه ۱۹۲۹ به‌صراحت آن را «غیر قانونی و بی‌اعتبار» خوانده بود و خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دید[1]، اما در رابطه به قطعنامه ۲۲۳۱، اولاً موجودیت این قطعنامه ناشی از برجام است و در رابطه با صدور آن نوعی توافق میان ایران و کشورهای ۵+۱ حاصل شده است و حتی آقایان ظریف و عراقچی به‌صراحت قطعنامه را ضامن اجرای توافق دانسته‌اند. ثانیاً در بیانیه ۱۴ ماده‌ای ایران در واکنش به قطعنامه، هیچ اثری از غیرقانونی و بی‌اعتبار خوانده شدن بندهای موشکی نیست بلکه صرفاً گفته شده که «موشک‌های ایران برای حمل کلاهک هسته‌ای طراحی نشده است».[2] علاوه بر این، آقای غلامعلی خوشرو سفیر ایران در سازمان ملل پس از تصویب قطعنامه از آن به شدت استقبال کرده و اظهار امیدواری کرد که «قطعنامه ۲۲۳۱ نوید بخش گشایش فصل جدیدی در روابط ایران با شورای امنیت و کشورهای عضو گروه ۱+۵ باشد».[3] سؤال اینجاست که چرا نه در سخنرانی آقای خوشرو و نه در بیانیه ۱۴ ماده‌ای وزارت خارجه تصریح نشده است که ایران بندهای موشکی را نمی‌پذیرد و آن‌ها را رعایت نخواهد کرد؟ خبرهایی که درباره برخی مخالفت‌ها با «برگزاری رزمایش از سوی نیروهای مسلح»[4] منتشر شده و البته با تکذیب آقای شمخانی همراه بوده، بر نگرانی‌ها در این زمینه می‌افزاید.

استدلال بعدی آقای دکتر ظریف و تیم ایشان در رابطه با بند ۳ ضمیمه B قطعنامه آن است «نقض قطعنامه، نقض برجام نیست».[5] این سخن به معنی آن است که هرچند وزارت خارجه در رویکرد خارجی خود مفاد قطعنامه را رد نکرده اما در رویکرد داخلی از امکان نقض سخن می‌گوید. در پانوشت پاراگراف‌های مربوط به قطعنامه در برجام نیز آمده است که «مفاد این قطعنامه شامل مفاد برجام نیست». اما با توجه به اینکه هویت قطعنامه به برجام گره خورده است، آیا ضمانتی وجود دارد که آمریکایی‌ها تولید و آزمایش موشک توسط ایران را نقض اساسی توافق قلمداد نکرده و مسئله را به سیستم حل و فصل اختلافات ارجاع ندهند؟ سیستمی که طی یک فرآیند ۶۰ روزه می‌تواند صرفاً با نظر آمریکا هم تحریم‌های آمریکا و هم تحریم‌های شورای امنیت را بازگرداند؟ (طبق برجام در صورت اعتراض یکی از اعضا شورای

---

1 - http: alef.ir/vdcbwsbz.rhbszpiuur.html?۷wml

2 - http: www.asriran.com/fa/news/۴۰۶۸۸۷

3 - http: www.irna.ir/fa/News/۸۱۶۸۸۹۲۰/

4 - http://www.mashreghnews.ir/fa/news/۲۸۴۲۷۵/

5 - http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۴۳۰۰۰۰۵۱

امنیت باید درباره ادامه لغو تحریم‌ها رأی گیری کند که آمریکا می‌تواند با وتو، از «ادامه لغو تحریم‌ها جلوگیری کرده و آن‌ها را بازگرداند) ممکن است دوستان بگویند آمریکا نمی‌تواند نقض قطعنامه را به برجام ربط دهد چون تأکید شده این‌ها ربطی به یکدیگر ندارند. اما سؤال اینجاست که مگر تاکنون تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به بهانه هسته‌ای، ارتباطی به پرونده هسته‌ای داشته است؟ در همین قطعنامه خرید و فروش تانک هم تحریم شده است؛ تانک چه ارتباط معقولی می‌تواند به برنامه هسته‌ای داشته باشد؟ ضمن اینکه ادعای آمریکا هرچند بی‌پایه و نامربوط باشد، تصمیم گیر درباره بی‌پایه بوَدن آن ایران نیست و طبق نظام حل و فصل اختلافات خود آمریکا به‌صورت یکجانبه قرار است درباره مربوط یا بی‌ربط بودن ادعاهایش تصمیم بگیرد.

بند دیگری نیز درباره تحریم‌های موشکی در ضمیمه B وجود دارد که البته درباره آن اختلاف نظری نیست. طبق بند ۴، شورای امنیت کشورهای جهان را به مدت ۸ سال از معامله اقلام و تکنولوژی موشکی با ایران منع کرده است. اینکه این اقلام دقیقاً چه مواردی هستند به انجمنی داوطلبانه موسوم به «رژیم کنترل تکنولوژی موشک (The Missile Technology Control Regime) باز می‌گردد که کشورهای G7 در سال ۱۹۸۷ تأسیس کردند و هدفشان، جلوگیری از دستیابی دیگر کشورها به تکنولوژی حمل سلاح‌های کشتار جمعی توسط موشک بود. این انجمن هم اکنون ۳۴ عضو دارد و بر سر لیستی از تجهیزات ممنوعه با یکدیگر به اجماع رسیده‌اند.[1] این رژیم تاکنون ارتباطی به شورای امنیت سازمان ملل نداشت، اما اتفاقی که پیرو توافق هسته‌ای افتاد این بود که خانم «سامانتا پاور» نماینده دائم آمریکا ابتدا لیست اقلام ممنوعه مورد توافق انجمن MTCR را ۴ روز قبل از تصویب قطعنامه طی سند شماره S / ۲۰۱۵ / ۵۴۶ در سازمان ملل به ثبت رساند[2] و سپس همین سند در بند ۴ ضمیمه B قطعنامه مورد استناد قرار گرفت. بدین ترتیب، برای نخستین بار تفاهم داوطلبانه و غیر الزام آور ۳۴ کشور عضو انجمن MTCR، مورد استناد شورای امنیت قرار گرفت و اگر تاکنون ۳۴ کشور با یکدیگر همکاری داوطلبانه‌ای در رابطه با اقلام مورد اشاره در MTCR داشته و ملزم به رعایت آن‌هم نبودند، باز برای نخستین بار، یک کشور یعنی ایران به‌صورت «رسمی و الزام آور»، توسط فصل هفتم منشور ملل متحد از دستیابی به اقلام یاد شده منع شد.

اگر در رابطه با برجام بتوان گفت که توافق خوبی نیست و مشروط به یک سری اما و اگرها و بدعهدی نکردن‌ها، توافق بدی هم نیست، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به ویژه بندهای

---

1 - http://www.mtcr.info/english/MTCR-TEM-Technical_Annex_۲۰۱۴-۱۰-۰۲_rev - Updated cover page.pdf

2 - http://www.iranwatch.org/sites/default/files/un_missile_tech_list.pdf

مربوط به صنایع موشکی و تسلیحاتی یک قطعنامه بسیار بد است و نباید زیر بار آن رفت. هرچند محدودیت‌های موشکی ایران در قطعنامه ۸ ساله و محدودیت‌های تسلیحاتی ۵ ساله‌اند، اما واقعیت آن است که اولاً عدم توسعه فناوری یک کشور طی ۸ سال آنهم در صنعت مهم دفاعی که باید به تناسب شرایط و سنجش تحولات تکنولوژیک رقبا توسعه یابد، یک خسران بزرگ است؛ ثانیاً اگر در مسیر اجرای برجام مانعی ایجاد شود، روشن نیست که درباره سرنوشت این محدودیت‌ها چه تحولی رخ دهد. آقای بعیدی نژاد اخیراً تصریح کردند که اگر PMD حل نشود، همه چیز طبق انتظار جلو نخواهد رفت.[1] نباید سرنوشت دفاعی کشور را به مسائلی گره زد که کلیدی‌ترین افراد آن موضوع، تصویر روشنی از سرنوشت و آینده آن ندارند و توأم با تردید بدان می‌نگرند.

---

1 - http://www.isna.ir/fa/news/۹۴۰۵۱۱۰۵۸۸۱/



راز ماده ۲۵ برجام/ آیا آمریکا با قوانین ایالتی تحریم‌ها را حفظ می‌کند؟[۱]

▪ دکتر سید یاسر جبرائیلی
کارشناس مسائل سیاسی

کسانی در آمریکا می‌گویند بر اساس حکم شماره ۵۵۲ U.S. ۴۹۱ سال ۲۰۰۸ دادگاه عالی آمریکا در قضیه موسوم به مدلین و تگزاس (Medellin v. Texas)، دولت حق ندارد ایالات را مجبور به اجرای پیمان‌های بین‌المللی کند؛ «مگر با مصوبه کنگره» فلذا ایالات تعهدی به اجرای برجام ندارند.

«لغو» تحریم‌ها در برابر «تعلیق» آن‌ها، یکی از محورهای اصلی مباحث منتقدین روند مذاکرات هسته‌ای در دوران پساژنو بوده است. علت این اصرار بر سر لغو و اکراه از تعلیق نیز این بوده که تحریم‌ها وقتی وضع شدند، برای اجرای آن‌ها ساختمان‌ها و ساختارهایی تأسیس، و ساز و کارهایی چیده شد که برچیده شدن آن‌ها جز با لغو قوانین، «ممکن عقلی» نیست. تعلیق، یعنی حفظ آن ساختارها و توقف موقت اجرای بخشی از مأموریت‌ها. آمریکایی‌ها بازی اوبامای خوب- کنگره بد به راه انداختند و گفتند «لغو قوانین» در اختیار «کنگره بد» است و چون این‌ها مخالف توافق‌اند، بیائید با همین «تعلیق» که در اختیار «اوبامای خوب» است، کنار آئید و توافق کنیم. ظاهراً این بازی را خوب هم بازی کردند و کسانی را در داخل کشور ما چنان به هیجان آوردند که نتوانستند کشفیات بدیع خود را در ذهن محصور دارند و به زبان هم آوردند که «باید حساب اوباما را از کل نظام آمریکا جدا کرد».[۲]

«تعلیق» بندهایی از قوانین تحریم کنگره که هم در ژنو و هم در برجام آمریکایی‌ها جز آن قبول نکردند و زیر بار «لغو» نرفتند، جز آنکه بازگشت‌پذیری یک شبه دارد، به مثابه این است

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۲۴، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۲۴۰۰۰۰۲۳

2- http://isna.ir/fa/news/94032514692/

که در یک ساختمان تحریم شده، موقتاً قید تحریم را از چند میز و صندلی در یکی از اتاق‌ها بردارند و بگویند این‌ها را می‌توانید ببرید! چون آهنگ خارج کردن میز و صندلی را بکنید، درب‌های اتاق و راهرو و خروجی ساختمان و حیاط را بسته می‌یابید و وقتی خواهان گشوده شدن آن‌ها می‌شوید، می‌شنوید که این درب‌ها طبق بندهای دیگر قوانین تحریم که تعلیق هم نشده‌اند و مربوط به حقوق بشر و تروریسم و موشک و ... می‌شوند، قفل هستند. اینگونه بود که وقتی تحریم طلا در توافق ژنو «تعلیق» شد، ایران نتوانست ۱۳ تن طلای خود را وارد کند و نهایتاً ۱۹ ماه بعد در حاشیه مذاکرات وین در تیرماه ۹۴ بعد از رایزنی‌های فشرده، «آن درب‌ها» را گشودند و طلاها به ایران آمد و کسانی این موفقیت تاریخی را به رخ منتقدان نیز کشیدند![1]

دردسرهای «تعلیق» اما محدود و منحصر به این تجربه نیست که هیچ تضمینی هم نیست که در اجرای برجام تکرار نشود. قوانین تحریمی که کنگره آمریکا علیه ایران وضع کرده است، چندین لایه دارند که اگر کل قانون لغو نشده و صرفاً لایه‌ای تعلیق شود، لایه‌های دیگر تحریم، انتفاع ایران از این «تسکین رئیس‌جمهور» را بسیار محدود و بلکه ناچیز خواهد کرد. یکی از این لایه‌ها، صدور جواز تحریم ایران توسط ایالات آمریکا در قوانین تحریم است. برای مثال، در بند ۲۰۲ قانون سیسادا (CISADA) مصوب اول جولای ۲۰۱۰ این اختیار به دولت‌های محلی ایالات داده شده است که شرکت‌هایی را که در ایران سرمایه‌گذاری م‌ی‌کنند، تحریم نمایند[2]؛ و قانون Iran divestment act of 2012 مجلس ایالتی نیویورک، صراحتاً اشعار می‌دارد که بر اساس مجوز اعطا شده در قانون سیسادا، دست به تحریم ایران می‌زند.[3] یا بسیاری از نهادهایی که قرار است اوباما اجرای تحریم علیه آن‌ها را متوقف کند ازجمله بانک‌های ملت، ملی، صادرات، سپه و... در لیست سیاه ایالتی نیویورک قرار دارند.[4] به واسطه مجوزهایی از این دست، مجالس ایالتی در آمریکا تحریم‌های متعددی را علیه ایران وضع کرده‌اند.[5]

پرسشی که در این میان به ذهن متبادر می‌شود آن است که اولاً اهمیت تحریم‌های ایالتی چیست و ثانیاً آیا پیرو برجام و توافق احتمالی، تحریم‌های ایالتی نیز تعلیق شده و ایالات از وضع تحریم‌های جدید منع خواهند شد؟ در پاسخ به پرسش نخست باید گفت ماهیت تحریم‌هایی که آمریکا علیه ایران وضع کرده، در عبارت عوامانه «یا ایران یا آمریکا» قابل خلاصه شدن

1- http://www.farhangnews.ir/content/130989

2- http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Documents/hr2194.pdf

3- http://www.assembly.state.ny.us/leg/?default_fld=&bn=A08668&term=2011&Summary=Y&Text=Y

4- http://www.ogs.ny.gov/about/regs/docs/ListofEntities.pdf

5- http://www.unitedagainstnucleariran.com/state-legislation

است. بدین معنی که آمریکایی‌ها وقتی تحریمی وضع می‌کنند کسی در دنیا از لحاظ حقوقی الزامی به تبعیت از آن ندارد؛ منتهی آمریکایی‌ها می‌گویند اگر شخصیتی حقیقی یا حقوقی با ایران وارد همکاری شود، اموالش در آمریکا ضبط می‌شود و هیچ فرد و نهاد آمریکایی حق معامله با آن را ندارد. حال این قانون وقتی در کنگره آمریکا وضع می‌شود، در کل خاک و حوزه اختیارات آمریکا اجرایی است و اگر در یک مجلس ایالتی وضع شود، در خاک و حوزه اختیارات آن ایالت اجرایی است. نتیجه اینکه اگر فی‌المثل مجلس ایالتی نیویورک ایران را تحریم کند، ساکنین این ایالت و شرکت‌های ثبت شده در آن، باید از قوانین تحریم خاص مجلس نیویورک نیز علاوه بر قوانین کنگره آمریکا تبعیت کنند. از آنجائی که مؤسسات اقتصادی، مالی و تجاری آمریکا حتماً مشمول قوانین یکی از ایالات هستند، تحریم‌های خاص مجالس ایالتی دقیقاً همان اثری را دارد که تحریم‌های کنگره دارد. لذا اگر تحریم کنگره توسط رئیس‌جمهور تعلیق شده و تحریم ایالتی باقی بماند، یا مجالس ایالتی، تحریم‌های تعلیق شده توسط رئیس‌جمهور را در چارچوب اختیارات خود وضع نمایند، عملاً تحریم‌ها پابرجا خواهد ماند.

اما برجام درباره این قوانین تحریم ایالتی سکوت اختیار نکرده است. ماده ۲۵ برجام ناظر به همین امر است و در آن آمده است: «چنانچه قانونی در سطح ایالتی یا محلی در ایالات متحده مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در این برجام شود، ایالات متحده، با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای مزبور اتخاذ خواهد نمود. ایالات متحده به‌طور فعال، مقامات در سطح ایالتی یا محلی را تشویق خواهد کرد که تغییرات در سیاست ایالات متحده منعکس شده در لغو تحریم‌های وفق این برجام را در نظر داشته و از اقداماتی که با این تغییر در سیاست همخوانی ندارد خودداری نمایند».[1]

همان‌طوری که مشاهده می‌شود، ماده ۲۵ به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول، مربوط به «قوانین مزاحم اجرای برجام» است. یعنی اگر قانونی در سطح ایالتی وجود داشته باشد که مانع از انتفاع ایران از تعلیق تحریم‌ها شده و نقش «درب‌های بسته» را در مثال سرآغاز یادداشت حاضر ایفا کند، آمریکا مکلف شده است که «با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود»، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای برجام بردارد. عبارت «با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود»، تعهدات آمریکا را «مشروط» کرده است و امروز، کسانی در آمریکا می‌گویند بر اساس حکم شماره U.S. 491 552 سال ۲۰۰۸ دادگاه عالی آمریکا در قضیه موسوم به مدلین و تگزاس (Medellin v. Texas)، دولت حق ندارد ایالات را مجبور به اجرای پیمان‌های بین‌المللی نماید «مگر با مصوبه کنگره»؛ فلذا ایالات تعهدی به اجرای برجام

1 - http://www.mfa.gov.ir/uploads/150726-JCPOA-PERSIAN-Final-2_56003.pdf

ندارند.[1] این است که یکی از نگرانی‌های عمده درباره اجرای برجام، تکرار مکرر داستان ۱۳ تن طلاست با این تفاوت که دیگر «مذاکرات وین» ی در کار نیست که در حاشیه آن برای رهایی از این قوانین مزاحم، رایزنی شود.

بخش دوم ماده ۲۵ برجام اما مربوط به تحریم‌های ایالتی است. اینجا دیگر عبارت «با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود» نیز مشاهده نمی‌شود و آمریکایی‌ها به‌صورت کلی قول داده‌اند ایالات را «تشویق» کنند (Encourage) تغییرات سیاست آمریکا درباره لغو تحریم‌ها را «در نظر داشته باشند». حال اگر ایالتی در نتیجه این تشویق، تحریم‌های خاص خود را برنداشت یا از وضع تحریم جدید خودداری نکرد، آمریکا هیچ تعهدی ندارد و به وظیفه خود مبنی بر «تشویق» عمل کرده است! از همین روست که اخیراً سه ایالت میشیگان، کانزاس و میسوری اعلام کرده‌اند قصد اعمال تحریم‌هایی جدید علیه ایران دارند[2] و اوبامای مؤدب و باهوش نیز سکوت اختیار کرده است.

همه این بازی‌های ثانویه ناشی از آن است که آمریکایی‌ها صادقانه پای میز مذاکره نیامدند و در قبال امتیازات بی‌سابقه‌ای که تیم مذاکره کننده ایرانی حاضر شد به آن‌ها بدهد، به بهانه‌های گوناگون زیر بار «لغو همه تحریم‌ها» نرفتند. اگر قوانین تحریم به کلی لغو و توافقی قرص و محکم منعقد می‌شد که ایالات متحده آمریکا از وضع هرگونه تحریم جدید منع شود، بلاتردید این شرایط مبهم و تاریک پیش نمی‌آمد. در حداقل‌ترین شرایط ممکن، آمریکا می‌توانست در چارچوب اختیارات آقای اوباما، بندهای مربوط به اعطای اختیار به ایالات برای تحریم ایران را نیز به حالت تعلیق درآورد، اما چنین نیز نکرد.

آن‌ها که علت وضع تحریم‌ها علیه کشورمان از سوی آمریکا را «نگرانی آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران» می‌دانند، پندارشان این بوده و هست که با محدودسازی برنامه هسته‌ای و ارائه تضمین‌های محکم و طولانی مدت، می‌توان نگرانی‌های آمریکا را رفع و تحریم‌ها را لغو کرد. اما برای آنان که در این سطح ماجرا توقف نمی‌کنند و می‌دانند که مسئله آمریکا، نظام جمهوری اسلامی است که دست استعمار و استثمار و استکبار آمریکایی را از منابع ایران کوتاه کرده است، این بازی‌ها و بدعهدی‌ها و «راه در رو» گذاشتن‌ها در دل توافق، در نظرشان «طبیعی» جلوه می‌کند.

گفته می‌شود دور اخیر مذاکرات تجاری موسوم به TPP میان کشورهای حاشیه اقیانوس آرام تا ۹۸ درصد پیش رفته بود که مواضع استرالیایی‌ها درباره ضرورت تسهیل صادرات «لبنیات»

---

1 - http://www.breitbart.com/big-government/2015/07/22/surprise-the-states-can-reject-the-iran-deal/

2 - http://farsnews.com/newstext.php?nn=13940520000615

خود به آمریکا و دیگر کشورها آن را به شکست کشاند. ممکن است مذاکرات تا ۹۸ درصد هم پیش رود، اما برخی واژگان آن ۲ درصد باقی مانده می‌تواند آن قدر مهم باشد که مذاکرات به فرجام نرسد. آمریکایی‌ها از یک سو با عبارت «تعلیق» و از سوی دیگر با ماده ۲۵ برجام که ناظر به تحریم‌های ایالتی است، راه‌های در رو فراوانی پیش روی خود باز گذاشته‌اند که تحریم‌ها را در عین محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران حفظ کنند. شاید بتوان خوش خیال بود و امیدوار و آرزومند، و احتمالات ممکن اما ناگوار را از نظر دور داشت، اما یقیناً نمی‌توان واقعیات عینی را ندید و بر آن‌ها چشم بست.



چگونه مصالحه دروغین درباره PMD به استقرار رژیم بازرسی‌های ویژه در ایران می‌انجامد؟ [۱]

مهدی محمدی
کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

سخنان ۲ روز پیش جان کری دراین‌باره که آمریکا دیگر حل و فصل کامل موضوع PMD را یک پیش‌شرط برای حصول توافق نهایی و تعدیل تحریم‌ها نمی‌داند، سوءتفاهم‌های زیادی ایجاد کرده است. برخی خوش‌بینانه این سخن وزیر خارجه آمریکا را به معنای پایان مسئله PMD پس از ۱۰ سال دانسته و برخی دیگر خبر از کوتاه آمدن آمریکا دراین‌باره داده‌اند. عجله در تفسیرهای خوش‌بینانه از این اظهارات، بیش از هر چیز نشان‌دهنده آن است که با وجود گذشت بیش از ۲ سال از مذاکرات، هنوز یک درک واقع‌بینانه و استاندارد از استراتژی آمریکا در این مذاکرات حاصل نشده و همچنان هیجانات ژورنالیستی در کنار تلاش برای تبدیل معامله‌ای که وزیر خارجه هم معتقد است «سوت و کف زدن ندارد» به یک جشن سیاسی، با هدف بهره‌برداری‌های سیاست داخلی، بر اتخاذ رویکردهای استراتژیک غلبه دارد. خوش‌بینی به آمریکا و شوق توافق به هر قیمت همراه با عدم درک راهبرد کلان آمریکا در مذاکرات هسته‌ای و پیچیدگی‌های دستور کار اطلاعاتی آمریکایی‌ها علیه برنامه‌های امنیت ملی ایران (ازجمله برنامه هسته‌ای)، ترکیب و نتیجه‌اش این شده است که چرخش‌های تاکتیکی کاملاً قابل پیش‌بینی آمریکایی‌ها برخی را به سرعت هیجان‌زده می‌کند و به نواختن مارش پیروزی وامی‌دارد.

یکی از سوال‌هایی که در این ۲ سال همواره مطرح بوده و هرگز پاسخی راضی‌کننده بدان داده نشده، این است که کدام بخش از مواضع آمریکا در این مذاکرات کاملاً واقعی است و باید جدی گرفته شود و کدام بخش، صرفاً با هدف چانه‌زنی و افزایش امتیازگیری از ایران

۱- روزنامه وطن امروز، تاریخ: ۱۳۹۴/۳/۳، کد خبر: ۱۴۰۳۲۸

مطرح شده است و می‌توان منتظر تعدیل آن در نقاط عطف مذاکرات باقی ماند؟ به دلایلی که این نوشته جای بحث از آن نیست، من دیری است معتقدم اصلی‌ترین مطالبات آمریکا در این مذاکرات که بنابر یک دستور کار اطلاعاتی پیچیده در پی تحقق آن‌ها بوده - و در این کار موفق هم شده – مشتمل بر ۳ موضوع بنیادین و فوق‌العاده مهم است و جز این‌ها، هرچه آمریکایی‌ها در مذاکرات گفته‌اند یا از این پس خواهند گفت، صرفاً با هدف چانه‌زنی است و تیم مذاکره‌کننده ایران می‌تواند مطمئن باشد که در دقیقه ۹۰ و پس از اتمام ظرفیت‌های چانه‌زنی، از آن کوتاه خواهند آمد. از قضا، یکی از مهم‌ترین وظایف تیم مذاکره‌کننده شناسایی همین هدف‌های بنیادین در مذاکرات و جلوگیری از تحقق آن‌ها بوده که شوربختانه می‌توان به تفصیل استدلال کرد در آن شکست خورده است.

به‌طور بسیار خلاصه، هدف‌گذاری پنهان یا به تعبیری خطوط قرمز واقعی آمریکا در مذاکرات شامل موارد زیر است:

۱- رسیدن مواد هسته‌ای ایران به زیر جرم مؤثر

۲- متوقف کردن برنامه تحقیق و توسعه واقعی روی سانتریفیوژهای پیشرفته

۳- استقرار یک رژیم دسترسی و بازرسی ویژه در ایران

غیر از این موارد، همه آنچه آمریکایی‌ها درباره نطنز، فردو، اراک، تحریم‌ها و حتی PMD گفته‌اند، با هدف چانه‌زنی و افزودن بر حجم امتیازهای درخواستی از ایران بوده و برای مذاکره‌کنندگان آمریکایی ارزش راهبردی نداشته است. علت هم این است که برای تحقق استراتژی اصلی آمریکا در این مذاکرات که در یک جمله می‌توان آن را به شکل «گرفتن توان پاسخ هسته‌ای به فشارهای آینده از ایران» توصیف کرد، دقیقاً همین موارد کفایت می‌کند و با فرض اینکه این امتیازها به غرب داده شود، دیگر حتی وجود هزاران ماشین در فردو یا تداوم کار رآکتور آب سنگین اراک یا هر مسئله دیگری از این نوع، برای آمریکایی‌ها مهم نخواهد بود.

درواقع تراژدی این مذاکرات در اینجاست که آمریکا هم هدف‌های بنیادین خود را محقق کرده، هم در حوزه‌های غیر بنیادین ایران امتیازهای کلیدی و حداکثری گرفته و هم به واگذاری حداقل مقدار امتیاز ممکن بسنده کرده است و با وجود همه این‌ها تیم ایرانی اصرار دارد نام این فرآیند را برد- برد بگذارد.

هدف این نوشته، مستند کردن این ارزیابی نیست، این کار را بزودی در جای دیگری انجام خواهم داد و در آنجا روشن خواهد شد که اگر تیم مذاکره‌کننده یک درک درست از اولویت‌های مذاکراتی و هدف‌های پنهان آمریکا در مذاکرات می‌داشت، هم درمی‌یافت که کجا باید

مقاومت کند و کجا متصلب باشد و هم اینکه حداقل در مواردی که برای غرب ارزش راهبردی ندارد، می‌توانست امتیازهای کمتری بدهد و مابه‌ازاهای بسیار بزرگ‌تری از آمریکا دریافت کند.

با این وعده که در زمانی کوتاه این بحث را تکمیل خواهیم کرد، اجازه بدهید به مسئله PMD و سخنان جان کری دراین‌باره بازگردیم. در ظاهر، این‌یک پیروزی برای ایران است که آمریکا لیست ۲۳ نفره افراد و فهرست ۲ گزینه‌ای مکان‌های مورد درخواست خود برای مصاحبه و دسترسی را تعدیل کرده و از درخواست برای حل و فصل کامل PMD قبل از توافق نهایی کوتاه آمده باشد.

اما اگر دقیق شویم موضوع درواقع برعکس است و آمریکایی‌ها همچون همیشه از یک مطالبه حداکثری -که از روز اول هم می‌دانستند محقق‌شدنی نیست و اساساً مطرح نکرده بودند که محقق شود- کوتاه آمده‌اند تا هدف بزرگ‌تری را محقق کنند. در یک جمله، هدف بزرگ‌تر برای آمریکا «استقرار یک رژیم دسترسی و بازرسی فراپروتکلی در ایران» و پل زدن از موضوع هسته‌ای به حوزه نظامی و امنیتی متعارف ایران به بهانه PMD طی مدت زمانی حداقل به میزان یک دهه است. اصلی‌ترین اتفاقی که در حال رخ دادن است این است که آمریکا پیش شرط دسترسی به مکان‌ها و افراد نظامی ایران را تعدیل کرده تا در عوض ایران را وادار به پذیرش رژیم دسترسی و بازرسی مدنظر خود کند و این رژیم از قضا یکی از مهم‌ترین وظایفی که دارد تمرکز روی PMD به مدت چندین سال - به تعبیر آمانو- است.

اجازه بدهید قبل از ادامه این بحث و برای اینکه مسئله روشن‌تر شود، عبارات کری را دقیق‌تر مطالعه کنیم. یکی از مهم‌ترین جملاتی که او در بوستون گفته این است که آمریکا به این دلیل اصراری بر دریافت دسترسی‌های فراپروتکلی از ایران قبل از حصول توافق ندارد که اساساً مطمئن است ایران زمانی در گذشته برنامه ساخت سلاح هسته‌ای داشته و در نتیجه بازرسی‌هایی را که هدف از آن اثباتّ این موضوع باشد ضروری نمی‌داند. این جمله بسیار مهمی است. کسانی که با ادبیات کاری ایران و آژانس آشنا هستند می‌دانند آژانس درباره رسیدگی به PMD یک فرآیند ۷ مرحله‌ای را مدنظر دارد که درواقع آن‌طور که دیوید آلبرایت و موسسه علوم و امنیت بین‌المللی زمانی توصیه کرده بودند معنایی جز تکرار تجربه آفریقای‌جنوبی در ایران نخواهد داشت و این جمله کری کمک موثری به تحقق آن فرآیند خواهد کرد:

۱- استقرار رژیم بازرسی ویژه فراپروتکلی در ایران به مدت نامحدود

۲- جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با PMD (که درواقع تمام حوزه‌های نظامی متعارف ایران بویژه برنامه موشکی را در بر می‌گیرد.)

۳- رسیدن به یک تصویر کامل از PMD
۴- ارزیابی میزان اعتبار این تصویر (آژانس پیشاپیش و قبل از کامل شدن تصویر خود حکم را صادر کرده و گفته است اسناد PMD را روی هم رفته معتبر می‌داند.)
۵- اجرای پروتکل به مدت حداقل یک دهه به منظور راستی‌آزمایی توقف PMD در ایران و گروگان نگه داشتن بخشی از تحریم‌ها در این مدت
۶- ارائه یک ارزیابی از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران پس از حدود ۱۰ سال از اجرای پروتکل و تعیین تکلیف مسئله ماهیت
۷- ارزیابی پی‌درپی این نتیجه‌گیری هر سال یک بار

تنها کاری که کری کرده این است که می‌گوید اولاً PMD همین حالا هم معتبر است – و این چیزی است که آژانس قبلاً تأیید کرده- و ثانیاً فرآیند رسیدگی به آن می‌تواند به مرحله مابعد توافق موکول شود!

بسیار مهم است که توجه کنیم معنای رسیدگی در اینجا چیست.

رسیدگی در اینجا دقیقاً منطبق باهمان فرآیندی است که آژانس طراحی کرده - و اساساً ۱+۵، PMD را مسئله‌ای میان ایران و آژانس می‌داند- الا اینکه مطابق آنچه کری گفته مراحل ۲ و ۳ آن می‌تواند سریع‌تر طی شود و آژانس باید بیشتر وقت خود را صرف راستی‌آزمایی توقف PMD در ایران از طریق اجرای سختگیرانه یک رژیم بازرسی فراپروتکلی کند تا اینکه در پی اثبات اصل انجام آن زمانی در گذشته باشد.

نتیجه موضوع ساده است:

۱- آمریکا می‌خواهد کوتاه آمدن از دسترسی‌های ماقبل توافق را ابزاری برای تحمیل یک رژیم دسترسی و بازرسی ویژه و فراپروتکلی به ایران کند که مبانی آن در لوزان پایه‌گذاری شده اما اخیراً ایران مقاومت‌هایی را در مقابل آن آغاز کرده بود. اگر فرض کنیم - و این فرض براساس اطلاعات موجود کاملاً دقیق است- هدف اصلی آمریکا در مذاکرات کنونی حفظ چارچوب لوزان است، این تغییر تاکتیک کاملاً موجه است. درواقع آمریکایی‌ها می‌گویند اگر شما نمی‌توانید قبل از توافق با چنین دسترسی‌هایی موافقت کنید، می‌توان این کار را به بعد از توافق موکول کرد به این شرط که استقرار یک رژیم بازرسی ویژه در ایران را بپذیرید.

۲- به این ترتیب، آمریکا بدون اینکه هیچ تعهدی در زمینه بستن PMD به ایران داده باشد (توجه کنید که مدالیته‌ای دراین‌باره میان ایران و آژانس توافق نشده است) رسیدگی به این مسئله را به یک فرآیند بلندمدت و فرسایشی تبدیل می‌کند و به بهانه آن، خواستار دسترسی به نهانخانه نظامی و امنیتی ایران آن‌هم نه یک بار و دو بار، بلکه برای سال‌ها خواهد شد.

پیش فرض آمریکایی‌ها این است که پس از آنکه توافق امضا شد، ایران برای حفاظت از توافق هم که شده در مقابل درخواست‌های آژانس مقاومت چندانی نخواهد کرد.

۳- دستور کار آژانس در ۱۰ سال آینده درواقع شامل ۳ مسئله بسیار خطرناک خواهد بود که در هم تنیده شده و امنیت ملی ایران را به نحو بی‌سابقه‌ای در مخاطره قرار خواهد داد:

اول- راستی‌آزمایی توافق انجام شده که به دلیل عدم هرگونه رژیم توافق شده دراین‌باره، به سرعت منجر به سرازیر شدن انبوهی از درخواست‌های کاملاً سلیقه‌ای و دلبخواهی از سوی آژانس به سمت ایران خواهد شد. در ادبیات آژانس چیزی به نام راستی‌آزمایی تعلیق وجود ندارد. وقتی بناست آژانس تعلیق یک سلسله فعالیت‌ها را در ایران راستی‌آزمایی کند، عملاً این دبیرخانه آژانس و بلکه بازرس اعزام شده به ایران است که باید روند این کار را طراحی کند و تجربه سال‌های ۸۲ تا ۸۴ به ما می‌گوید بدعتی به نام راستی‌آزمایی تعلیق سر از ناکجاآباد در خواهد آورد که درخواست‌هایی مانند نصب دوربین در تأسیسات نظامی تنها یکی از ویژگی‌های آن است. یک نکته بسیار مهم در اینجا این است که مطالعه ادبیات خلع سلاحی آمریکا در سطوح رسمی و نیمه رسمی تردیدی باقی نمی‌گذارد که آمریکایی‌ها مکانیسم راستی‌آزمایی توافق از سوی آژانس را به نحوه همکاری ایران درباره PMD گره زده‌اند. اساساً یکی از استدلال‌های پربسامد از سوی کسانی مانند دیوید آلبرایت و اولی هاینونن در این سال‌ها این بوده است که تا زمانی که PMD حل نشود نمی‌توان یک نظام راستی‌آزمایی مطمئن برای توافق طراحی کرد، چراکه هرگز نمی‌توان فهمید ایران در کدام تأسیسات مخفی در حال نقض توافق است! نتیجه این است که اگر ایران در مرحله مابعد توافق درباره PMD با آژانس همکاری نکند، آمریکا می‌تواند پایبندی ایران را به برجام هم انکار کند!

دوم- راستی‌آزمایی توقف PMD در ایران مستلزم دسترسی‌هایی بالاتر از رژیم بازرسی‌های آنسکام و آنموویک در عراق به هر تأسیسات مشکوک در ایران است.

سوم- رسیدگی به مسائلی که احتمالاً در آینده پیش خواهد آمد. در این تردیدی نیست که رسیدگی به PMD آنگونه که آژانس در پی آن است به خلق انبوهی از مسائل جدید و رشد درخواست اطلاعات بیشتر از ایران براساس الگوی یک تصاعد هندسی خواهد انجامید. تجربه پاسخ به مسئله EBW از سوی ایران و طرح ۲۰ سؤال جدید از سوی آژانس، کاملاً این امر را تأیید می‌کند. اگر توجه کنیم که دبیرخانه آژانس بیش از آمریکا تحت سیطره اسرائیل است، این نگرانی صدچندان خواهد شد.

۴- و مهم‌تر از همه، به این ترتیب، نه فقط آمریکا احتمالاً موفق به گنجاندن رژیم دسترسی

و بازرسی مدنظر خود در متن توافق می‌شود، بلکه نوعی سپر حفاظتی برای تحریم‌ها هم به وجود می‌آورد. هم بخشی از تحریم‌ها را تا زمان حل PMD حتی تعلیق نخواهد کرد و هم مکانیسم بازگشت‌پذیری تحریم‌های تعلیق شده را بشدت تقویت می‌کند.

۵- و در نهایت اینکه با حفظ PMD، آمریکا بهانه‌ای خواهد داشت که فرآیند گذار از تعلیق به لغو را به آینده نامعلوم در آینده ارجاع بدهد. پیش‌ازاین اطلاعات معتبری وجود داشت که نشان می‌داد آمریکا لغو تحریم‌ها به معنای برچیدن زیرساخت قانونی آن را به ۳ چیز مشروط کرده است:

اول- اجرای بلندمدت پروتکل در ایران

دوم- حل و فصل کامل PMD

سوم- اثبات اینکه برنامه موشکی ایران بخشی از یک برنامه پرتاب کلاهک هسته‌ای نیست.

با روند فعلی، آمریکا به این هدف خود هم خواهد رسید.

اجازه بدهید جمع‌بندی کنیم:

با شیوه مذاکراتی که تیم ایرانی در پیش‌گرفته و راهبردی که آمریکایی‌ها موفق به اجرای اجزای کلیدی آن شده‌اند:

۱- بهانه‌جویی‌ها، سندسازی‌ها و اتهام‌زنی‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران در مرحله ما بعد توافق، تشدید اگر نشود، قطعاً متوقف نخواهد شد.

۲- رژیم دسترسی و بازرسی که پس از توافق در ایران مستقر خواهد شد دیگر پرونده‌های امنیت ملی ایران را مین‌گذاری می‌کند و بحران‌های اطلاعاتی و امنیتی بی‌سابقه‌ای برای ایران به وجود خواهد آورد.

۳- در صورتی که پروژه آمریکا برای تغییر معادله سیاست داخلی در ایران ظرف سال‌های پس از توافق به نتیجه برسد، این رژیم دسترسی و بازرسی، ایران را درحالی‌که ضعیف شده و توان بازدارندگی و پاسخ‌دهی خود را هم از دست داده در کام جنگی دیگر فروخواهد برد.

۴- آمریکایی‌ها امکان‌های منحصر به فردی در اختیار خواهند داشت تا تحریم‌هایی را که زیرساخت قانونی آن‌ها را هم حفظ کرده‌اند، به سرعت و به بهانه‌های دیگر احیا کنند. روزی که تحریم‌ها به بهانه‌های دیگر احیا خواهد شد، ایران دیگر چیزی به نام برنامه هسته‌ای در اختیار نخواهد داشت که به این فشارهای جدید پاسخی از جنس برنامه هسته‌ای بدهد. تحت آن شرایط است که با یک محیط داخلی دستکاری شده و برنامه هسته‌ای از دست رفته، آمریکا تغییر محاسبات ایران در دیگر حوزه‌های امنیت ملی‌اش، بویژه برنامه ژئوپلیتیک را به

انتظار خواهد نشست.

چاره کار ساده است:

ایران نباید نه پیش و نه پس از توافق، هیچ رژیم بازرسی را که هدف آن حل و فصل PMD باشد، بپذیرد. یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های یک توافق خوب که در آن ایران خواه‌ناخواه امتیازهایی خواهد داد، این است که آمریکا بپذیرد پرونده جعلی به نام PMD برای همیشه بسته شود. این کار دشواری نیست به شرط اینکه شجاعت و اراده سیاسی لازم برای آن وجود داشته باشد.



پشت‌پرده تئوری بازرسی‌های نیابتی[۱]

مهدی محمدی
کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

آقای حمید بعیدی‌نژاد، رئیس تیم کارشناسی مذاکره‌کننده ایران با گروه ۱+۵، دیروز یادداشتی بسیار مهم و به‌موقع در صفحه اینستاگرام خود نوشت. من قبل از هر چیز از این یادداشت صادقانه تشکر و همت آقای بعیدی‌نژاد برای دفاع از کارنامه خویش و دوستانش را ستایش می‌کنم.

بعیدی‌نژاد در این یادداشت همه آنچه را که برای قضاوت درباره کارنامه تیم مذاکره‌کننده در موضوع بازرسی‌های ویژه و PMD، به آن نیاز داریم، تمام و کمال فراهم کرده است.

یکم- بعیدی‌نژاد به‌صراحت تأیید می‌کند توافق درباره دسترسی به مکان‌ها و افراد نظامی در ایران یک توافق فراپروتکلی و به تعبیر وی «در چارچوب یک ابتکار عمل ویژه» بوده است. تا همین‌جا، دیدگاه منتقدان که تأکید دارند آنچه توافق شده فراتر از پروتکل الحاقی است و باید آن را در چارچوب یک رژیم بازرسی ویژه که توافق ژنو آن را دسترسی‌های شفاف‌ساز و نظارت‌های افزایش‌یافته و تفاهم لوزان دسترسی‌های بیشتر از پروتکل و استقرار تجهیزات مدرن بازرسی در ایران می‌داند، تحلیل کرد، صددرصد تأیید می‌شود. بنابراین حتی اگر فرض کنیم تمام توجیهات تیم مذاکره‌کننده درباره امکان رعایت ملاحظات امنیتی و حفاظتی حین اجرای پروتکل صحیح باشد – که مطلقاً چنین نیست – آقای بعیدی‌نژاد اکنون آب پاکی را روی دست همه ما ریخته و می‌گوید دسترسی‌های تفاهم شده اساساً ربطی به پروتکل ندارد و در یک چارچوب ویژه تعریف می‌شود که قطعاً هیچ ضابطه‌ای بر آن حاکم نیست جز میل و دلخواه آژانس و کارفرمای اصلی آن یعنی سرویس‌های اطلاعاتی غربی که پروژه PMD را

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۳/۱۲، کد خبر: ۱۳۹۴۰۳۱۲۰۰۰۴۱۱

ساخته‌اند.

دوم- بعیدی‌نژاد تأیید می‌کند تیم مذاکره‌کننده درباره اجرای پروتکل با ۱+۵ توافق اصولی کرده است اما هیچ کجا نمی‌گوید اگر سخن آقای عراقچی در مجلس را بپذیریم که «پروتکل در برگیرنده دسترسی به تأسیسات و افراد نظامی هم هست»، تیم مذاکره‌کننده چه تدابیری برای این موضوع اندیشیده است که اجرای پروتکل در ایران، منجر به تکرار تجربه سال‌های ۸۲ تا ۸۴ نشود و ملاحظات امنیتی ایران رعایت شود؟ به عبارت دیگر، از یک سو تیم مذاکره‌کننده ادعا می‌کند در زمینه اجرای پروتکل مأذون است، از سوی دیگر می‌گوید درون پروتکل بحث دسترسی‌های نظامی وجود دارد و از جانب سوم، ما اظهارات صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی را درباره منع هرگونه دسترسی نظامی در اختیار داریم. این‌ها چگونه با یکدیگر قابل جمع است؟ یک راه بیشتر وجود ندارد و آن‌هم این است که تیم مذاکره‌کننده به نحوی در یک توافق سیاسی، خطرات امنیتی پروتکل را منتفی کند و این دقیقاً همان چیزی است که انجام نشده است. آیا هم اکنون مذاکره‌ای میان ایران و ۱+۵ با هدف گنجاندن یک سلسله قیدهای محدودکننده بر رفتار آژانس درون برجام در جریان است؟ می‌دانیم که چنین نیست و متن تفاهم لوزان هم چنین چیزی به ما نمی‌گوید. مثلاً آیا تیم مذاکره‌کننده جایی این موضوع را قطعی کرده که در صورت انجام حتی یک عملیات خرابکارانه اطلاعاتی در ایران، کل برجام منتفی خواهد شد و ایران از توافق خارج می‌شود؟ همه این‌ها بدان معناست که این توافق اساساً بر اعتماد، نه فقط به کشورهای غربی و آژانس، بلکه بر اعتماد به سرویس‌های اطلاعاتی بنا شده است که همه هدف آن‌ها آنگونه که خود گفته‌اند ریشه‌کن کردن کل ملت ایران است!

سوم- بعیدی‌نژاد در پست‌های خود، توجیه بسیار سست دیگر اعضای تیم مذاکره‌کننده را تکرار می‌کند که می‌گویند چون ایران در تأسیسات نظامی خود فعالیت هسته‌ای ندارد، بنابراین نباید نگران دسترسی آژانس به این تأسیسات باشد! این نوع نگاه به مسئله دسترسی و بازرسی - که جان برنن، مدیر سیا همین دیروز در گفت‌وگو با باب شیفر از سی‌بی‌اس آن را محکم‌ترین و مهم‌ترین بخش توافق

خوانده - بسیار خام و خطرناک است. واقعاً آیا آقای بعیدی‌نژاد تصور می‌کند سرویس‌های غربی نمی‌دانند در تأسیسات نظامی ایران فعالیت هسته‌ای انجام نمی‌شود؟

بدتر از آن، آیا دوستان نمی‌دانند وقتی آژانس به نیابت از این سرویس‌ها درخواست دسترسی به تأسیسات، مقام‌ها، دانشمندان، تجهیزات و اسناد نظامی ایران را می‌دهد، تنها چیزی که در پی آن نیست، یافتن فعالیت هسته‌ای مخفی در این تأسیسات است؟ آیا یک لحظه به

مخیله دوستان خطور نمی‌کند که سرویس‌های غربی با بهانه قراردادن موضوع هسته‌ای درصدد دسترسی به اطلاعات حساس دفاعی و امنیتی ایران هستند، همچنان که در تمام ۱۰ سال گذشته بوده‌اند؟ آیا برای تیم مذاکره‌کننده مهم نیست که همکاران اطلاعاتی داعش که امروز پشت مرزهای ایران پا بر زمین می‌کوبد، به نهانخانه نظامی ایران راه پیدا کنند و سپس این نهانخانه را آماج حملات اطلاعاتی خود قرار بدهند که نتیجه آن ناامن شدن کل ایران در موقعیتی چنین خطیر خواهد بود؟ آیا واقعاً لازم است ما به سربازان خط مقدم دیپلماسی کشورمان -که رئیس‌جمهور می‌گوید از جنگ نظامی دشوارتر است- یادآوری کنیم که موقعیتی که در آن قرار دارند یک موقعیت جنگی است و آن‌که روبه‌روی آن‌ها ایستاده دشمن است؟ دنیایی که برخی دوستان در آن زندگی می‌کنند، دنیای رحل اقامت افکندن در هتل‌های ۵ ستاره لوزان و صدا کردن اجنبی با نام کوچک است نه جهانی که در آن آرمیتا و علیرضا در حسرت واپسین نگاه مهربان پدر خویش مانده‌اند. توافق در این جهان سوررئال، طبیعی است که بهتر از امثال ژنو و لوزان هم از آب در نخواهد آمد.

چهارم- آقای بعیدی‌نژاد ۲ جا در یادداشت خود ادعا می‌کند ۵+۱ متعهد شده بود در صورت دریافت دسترسی‌های نظامی که مدنظر دارد، موضوع PMD بسته شده و پایان می‌یابد. این حقیقتاً ادعای بزرگی است و من سخت امیدوارم که تیم مذاکره‌کننده بتواند این ادعا را ثابت کند. حداقل چیزی که لازم است تا بتوان این ادعا را جدی گرفت وجود یک مدالیته تفاهم شده میان ایران و آژانس است که آژانس در آن متعهد شده باشد به محض دریافت پاسخ سؤالات و حصول دسترسی‌هایی که درخواست کرده، موضوع را برای همیشه خواهد بست و دیگر هرگز دراین‌باره سؤال یا درخواست جدیدی مطرح نخواهد کرد. آیا آژانس، یا ۵+۱ به نیابت از آژانس، چنین تعهدی ارائه کرده است؟ هیچ شاهدی که چنین چیزی را تأیید کند وجود ندارد و ازجمله گزارش‌های خصمانه آمانو علیه ایران، کوچک‌ترین تغییر لحنی را نسبت به گذشته نشان نمی‌دهد. سؤال این است: آیا ارائه دسترسی‌هایی چنین خطیر به آژانس، آن‌هم درحالی‌که آژانس حتی از سپردن یک تعهد خشک و خالی درباره اتفاقی که قرار است در انتهای فرآیند برای PMD بیفتد، خودداری کرده، شرط خردمندی و نشان مهارت دیپلماتیک است یا اینکه بازهم همه‌چیز به اعتماد به یک قول مبهم آمریکایی در پس پرده بازمی‌گردد؟!



کیلومترها فراتر از پروتکل‌ها[1]

مهدی محمدی

کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

متن توافق وین و قطعنامه‌ای که آن را شورای امنیت سازمان ملل تأیید کرده، مملو از جزئیات است. بر خلاف برخی متون پیشین، این جزئیات مفصل و در مواردی بسیار تخصصی است. بویژه درباره قطعنامه شورای امنیت، تأمل دقیق در این متن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که پاراگراف به پاراگراف این قطعنامه مین‌گذاری شده و تلاش می‌کند ایران را بسیار فراتر از موضوع هسته‌ای، به کشوری کنترل شده در درازمدت بدل کند. اگر بخواهم صریح باشم، قطعنامه ۲۲۳۱ بر خلاف ظاهرش، یک قطعنامه کاملاً فراهسته‌ای است و به لحاظ راهبردی برنامه هسته‌ای را بهانه‌ای برای ایجاد یک سلسله ترتیبات بسیار درازمدت برای مهار استراتژیک ایران در تمام حوزه‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و عرصه‌های منازعه راهبردی با آمریکا، قرارداده است.

یک شاهد بسیار مهم در این زمینه، رژیم دسترسی و بازرسی است که در این قطعنامه تعریف شده است. در ظاهر ادعای مقام‌های آمریکایی این است که هدف از این رژیم دسترسی و بازرسی، کنترل ۲ چیز است:

۱- صلح‌آمیز باقی ماندن برنامه هسته‌ای ایران برای همیشه (بسته شدن همه راه‌ها به سمت سلاح)

۲- راستی آزمایی اجرای برجام در ایران

وقتی به متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ مراجعه و در آن تأمل می‌کنیم، یکی از حقایقی که خیلی زود خود را نشان می‌دهد این است که مکانیسم دسترسی و بازرسی مندرج در این متون، بسیار

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۴، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۰۴۰۰۱۴۳۶

فراتر از میزانی است که صرفاً برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران یا مطمئن شدن از پایبندی ایران به تعهداتش طبق برجام نیاز است. درواقع این مکانیسم کیلومترها فراتر از پروتکل الحاقی است و چتری از نظارت بر فراز ایران می‌گسترد که خروجی آن به کنترل درآوردن همه فعالیت‌های دانشی، تحقیقاتی، ساخت‌وساز و تحقیق و توسعه مرتبط با برنامه‌های امنیت ملی ایران در حوزه‌های علمی، صنعتی، فناوری‌های نوین، نظامی، فناوری‌های پیشرفته و... است.

شاید این ادعا در ابتدا کمی عجیب جلوه کند. چگونه یک توافق می‌تواند دسترسی‌های تا این حد فراگیر ایجاد کند؟

پاسخ در سندی نهفته است که هم در برجام و هم در قطعنامه ۲۲۳۱ به آن ارجاع داده شده است. این سند که در هر دو متن با عنوان INFCIRC / 254 به آن ارجاع داده شده، از ایران خواسته یک نظام خرید و کنترل صادرات و واردات را براساس آن، در طول دوران اجرای قطعنامه شورای امنیت (حداقل ۱۰ سال) مستقر و اجرا کند.

من به هیچ وجه قصد ندارم در این نوشته وارد جزئیات پیچیده فنی و تکنیکال شوم. به‌طور بسیار خلاصه، این سند، فهرستی است که گروهی تحت عنوان «گروه تامین‌کنندگان تجهیزات هسته‌ای» (NSG: Nuclear Suppliers Group) از اقلام دارای کاربرد دوگانه (اقلامی که ادعا شده همزمان می‌تواند هم در یک برنامه صلح‌آمیز مصرف شود و هم در یک برنامه تسلیحات هسته‌ای) تهیه کرده و به تأیید شورای امنیت هم رسیده است. درواقع ادعای NSG این است که اقلامی که در این سند فهرست شده می‌تواند بخشی از یک برنامه نظامی هسته‌ای باشد. وقتی به متن سند دقت می‌کنیم، آنچه جالب است این است که به سرعت مسئله هسته‌ای رنگ می‌بازد و عملاً با فهرستی طویل از فناوری‌ها، تجهیزات و قطعاتی مواجه می‌شویم که همه حوزه‌های فناوری‌های نوین (نظامی و غیرنظامی) را در بر می‌گیرد. در این فهرست طیف بسیار وسیعی از اقلام گنجانده شده است که از پمپ، دوربین، ماشین تراش، ماشین جوشکاری تا دوربین‌های سرعت بالا، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای صنعتی، پمپ‌های تخلیه، انواع فلزات نظیر آلومینیوم و فولاد را شامل می‌شود. حقیقتاً مراجعه به فهرست NSG سرگیجه‌آور است و تردیدی دراین‌باره باقی نمی‌گذارد که تهیه‌کنندگان این فهرست به بهانه مسئله هسته‌ای به همه حوزه‌های مهم فنی- مهندسی سرک کشیده و بخش‌های کلیدی آن را در فهرست خود گنجانده‌اند.

تعهدی که در متن برجام و قطعنامه شورای امنیت آمده دقیقاً این است:

۱. ایران می‌پذیرد این سند مبنای استقرار یک نظام کنترل صادرات و واردات در ایران باشد به این معنا که اگر ایران قصد خرید هر یک از کالاها، تجهیزات و فناوری‌های مندرج در این سند (و اصلاحیه‌های آن) را داشته باشد باید بابت آن از کارگروه خرید (یکی از دو کارگروه کمیسیون مشترک) مجوز بگیرد.
۲. باید نام، مشخصات، آدرس، ایمیل و... نهاد و فرد واردکننده را رسماً به کارگروه خرید و آژانس اعلام کند.
۳. باید امکان راستی‌آزمایی این موضوع را فراهم آورد که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها منحصراً در همان جایگاهی که کارگروه خرید برای آن مجوز داده در حال استفاده است.
۴. باید اجازه بازدید آژانس و حتی کشور صادرکننده از مکانی را که این کالاها، تجهیزات و فناوری‌ها در آن استفاده می‌شود و افرادی که درگیر کار با آن‌ها هستند، فراهم کند.

بسیار خب! ببینیم در این صورت چه اتفاقی خواهد افتاد:

اول- قبل از هر چیز دسترسی‌های و بازرسی‌هایی که آژانس و ۱+۵ می‌تواند بر این اساس درخواست کند، به نحو حیرت‌انگیزی از پروتکل الحاقی یا هر سند دیگری در حوزه هسته‌ای فراتر می‌رود. آژانس می‌تواند دسترسی به مکان‌های نظامی، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های خصوصی، کارخانه و کارگاه‌های صنعتی، دانشگاه‌ها، پادگان‌های نظامی و... را صرفاً به این بهانه که در آن‌ها یک کالا یا قطعه یا ماشین یا تجهیزات یا فناوری مرتبط با فهرست NSG وجود دارد درخواست کند.

دوم- آژانس می‌تواند در همه این مکان‌ها امکانات نظارتی و کنترلی را مستقر کند که هدف ادعایی آن این باشد که می‌خواهد مطمئن شود از آن‌ها در جهت ساخت سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌شود ولی درواقع، به دنبال جمع‌آوری اطلاعات و کنترل هر نوع اقدامی باشد که در مکان‌های کاملاً غیرمرتبط با موضوع هسته‌ای در حال انجام است. فقط به‌عنوان نمونه –که البته مسبوق به سابقه هم هست- کشورهای غربی می‌توانند مثلاً درخواست نصب دوربین بالای سر ماشین تراشی را بکنند که در یک پادگان نظامی مشغول ساخت هزاران قطعه است؛ با این بهانه که یکی یا چند عدد از آن‌ها –یا حتی خود ماشین تراش- در فهرست NSG قرار دارد!

سوم- دشمنان ما قادر خواهند بود با تکیه بر این رژیم دسترسی و بازرسی، اطلاعات بسیار وسیع و خطرناکی از همه حوزه‌های فناوری‌های حساس در ایران جمع‌آوری کرده و نقشه جامعی از فعالیت‌های حساس نظامی و پیشرفته ایران و افراد، مکان‌ها و بروکراسی مرتبط با آن‌ها به دست بیاورند. غیر قابل تصور است که این حجم از اطلاعات می‌تواند منجر به

طراحی چه نوع عملیات‌های اطلاعاتی یا ایجاد محدودیت‌های تجاری علیه ایران شود. این فقط گوشه‌ای از اتفاقی است که در متن برجام رخ داده است. همانطور که تصمیم‌گیری درباره این متون نباید صرفاً با منطق هسته‌ای انجام شود، در تحلیل محتوای آن‌ها هم باید رویکردی کاملاً فرامتنی و در نتیجه فراهسته‌ای، اتخاذ کرد. متن قطعنامه شورای امنیت امکاناتی فراهم می‌کند که مشخصاً پیشرفت ایران را هدف گرفته نه صلح‌آمیز ماندن ماهیت برنامه هسته‌ای آن را. در بدترین حالت، آنچه ایران حاضر به پذیرش آن است محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای است تا منجر به برداشته شدن تحریم‌های غیرقانونی اعمال شده علیه آن شود اما مراجعه به متن به ما می‌گوید، اتفاقاتی بسیار فراتر از این رخ داده است.



هنوز جوهر توافق خشک نشده ...[۱]

مهدی محمدی
کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

هنوز جوهر توافق وین خشک نشده است که آمریکایی‌ها دبه کردن را آغاز کرده‌اند. اگر این توافقی مبتنی بر راستی‌آزمایی است نه اعتماد، همین حالا، درحالی‌که به زحمت یک هفته از زمان توافق می‌گذرد، امکانی برای راستی‌آزمایی این موضوع وجود دارد که برجام عاقبت به خیر نخواهد شد. شرکای آمریکا در داخل ایران، خیلی زود باید خلسه ناشی از توافق را کنار بگذارند. این‌یک امر اختیاری نیست، جبر ناشی از شراکت با طرفی چون آمریکاست.

اکنون پیش‌نویس یک قطعنامه روی میز شورای امنیت است –و می‌گویند امروز درباره آن رأی‌گیری خواهد شد- که قبل از هر چیز برجام را به طرز مضحکی نادیده می‌گیرد و نقض می‌کند.

۱- این قطعنامه هم برجام و هم زمان‌بندی اجرای آن را تأیید می‌کند. با صدور این قطعنامه برجام نه یک توافق چندجانبه میان ایران و چند کشور دیگر، بلکه بخشی از تعهدات بین‌المللی ایران خواهد بود. سؤال این است: در این صورت دیگر طی شدن فرآیند قانونی در ایران عملاً چه معنایی دارد و آیا توافق بر سر صدور چنین قطعنامه‌ای چند روز پس از اعلام توافق، معنایی جز بازیچه قراردادن فرآیند قانونی بررسی برجام در داخل کشور دارد؟

۲- درحالی‌که بنا بود متن این قطعنامه به‌گونه‌ای نوشته شود که به قطعنامه‌های غیرقانونی پیشین شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران مشروعیت نبخشد، نه فقط از آن قطعنامه‌ها یاد می‌کند، بلکه آن قطعنامه‌ها را رزرو نگه می‌دارد تا هر زمان که غربی‌ها خواستند رژیم تحریم‌ها را احیا کنند، همه تحریم‌های مندرج در آن‌ها را یکجا از سر بگیرند؛ بنابراین تنها

۱- روزنامه وطن امروز، تاریخ: ۱۳۹۴/۴/۲۹ کد خبر: ۱۴۲۰۳۷

اتفاقی که در اینجا نیفتاده خاتمه بخشیدن به آن قطعنامه‌هاست.

۳- متن برجام می‌گوید اجرای کامل آن ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تضمین خواهد کرد. قطعنامه شورای امنیت این وعده برجام را ساده و آسان پس می‌گیرد و در پاراگراف ۸ اجرایی می‌گوید حتی اگر برجام کاملاً اجرا شود، بازهم این موضوع به حل مسئله ماهیت برنامه هسته‌ای ایران صرفاً کمک خواهد کرد، نه بیشتر. به زبان ساده‌تر، مطابق این قطعنامه، پس از ۱۰ یا ۱۵ سال از اجرای برجام، بازهم گفتن این جمله ساده از سوی آژانس که ماهیت برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است، از ایران دریغ خواهد شد.

۴- زمان پایان قطعنامه ۱۰ ساله است. اولاً وندی شرمن همین دیروز گفته است کشورهای ۱+۵ توافق کرده‌اند بلافاصله پس از این ۱۰ سال دوباره قطعنامه دیگری صادر کنند و محدودیت‌ها را تمدید نمایند و ثانیاً حتی اگر در انتهای این ۱۰ سال واقعاً این قطعنامه پایان یابد، این امر با زمان‌بندی ظاهری ۸ ساله محدودیت ظرفیت غنی‌سازی در برجام در تناقض است. بیایید خوش‌بینانه فرض کنیم زمان محدودیت غنی‌سازی در برجام پس از ۸ سال پایان یافته است؛ با وجود این قطعنامه، ایران همچنان قادر به اینکه قدم از قدم بردارد نخواهد بود.

۵- پاراگراف ۲ اجرایی قطعنامه می‌گوید: زمانی که آژانس تقاضا می‌کند که بتواند همه مسائل باقیمانده را که در گزارش‌های آژانس مشخص شده، حل کند، ایران باید همکاری کاملی داشته باشد. این بند ایران را ملزم می‌کند با هر درخواست آژانس برای حل مسائل باقیمانده همکاری کامل کند. این امر حتی به شروط مقرر در برجام ازجمله مکانیسم‌های یک‌سویه حل اختلاف مشروط نشده و عملاً دست آژانس را برای هر نوع درخواستی از ایران – صرف‌نظر از توافقی که ۱+۵ کرده - باز می‌گذارد.

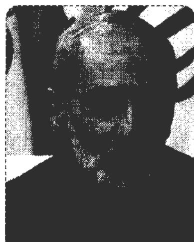
۶- یکی از عبرت‌آموزترین بندهای این قطعنامه، مکانیسم بازگشت‌پذیری تحریم‌هاست. در پاراگراف ۱۱ اجرایی آمده است در صورتی که هر یک از اعضای برجام گزارشی مبنی بر یک عدم پایبندی قابل توجه ارائه کند، شورای امنیت پیش‌نویس یک قطعنامه جدید برای تصمیم درباره بازگشت یا عدم بازگشت تحریم‌ها را ظرف ۳۰ روز به رأی می‌گذارد. پاراگراف ۱۲ اجرایی می‌گوید اگر در مهلت ۳۰ روزه مقرر، درباره قطعنامه‌ای رأی‌گیری نشود، تحریم‌ها به‌طور خودکار بازخواهد گشت مگر اینکه کشور مدعی قبل از ۳۰ روز اعلام کند مسئله حل شده است. درواقع در اینجا یک مکانیسم کاملاً خودکار برای بازگشت تحریم‌ها تعبیه شده که خطری جدی برای امنیت ملی ایران در آینده خواهد بود. فقط در یک جمله، با این مکانیسم، عملاً هر یک از اعضای برجام می‌تواند بازگشت تحریم‌ها را گروگان گرفته و در هر حوزه‌ای از ایران باج‌خواهی کند.

۷ - اما فاجعه‌بارترین بخش‌های این قطعنامه هنوز باقی مانده است. این فاجعه از تحریم‌هایی آغاز می‌شود که این قطعنامه بر برنامه موشکی ایران تحمیل می‌کند. در پاراگراف ۳ ضمیمه B آمده است: «از ایران خواسته می‌شود هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد، ازجمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از چنین فناوری‌های مربوط به موشک‌های بالستیک، تا زمان ۸ سال پس از «روز پذیرش برجام» یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد که «جمع‌بندی مبسوط» را تأیید کند، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد». این‌یک تحریم موشکی کامل برای کشوری چون ایران است که عملاً همه انواع موشک‌های آن بالستیک محسوب می‌شود. برجام قرار بود مشکل هسته‌ای ایران را حل کند نه اینکه آن مشکل را مبهم بگذارد و مشکلی بزرگ‌تر برای برنامه موشکی ایران -که رکن توان دفاعی ماست- به‌وجود بیاورد.

۸ - در پاراگراف ۵ ضمیمه B این قطعنامه یک تحریم کامل تسلیحات متعارف علیه ایران نیز به مدت ۵ سال - چه برای صادرات و چه برای واردات- وجود دارد. این نیز به نوبه خود بدین معناست که اگر در این مدت فی‌المثل ایران از سوی داعش یا هر کشور خارجی مورد تهدید قرار گرفت، حتی حق نقل و انتقال سلاح برای دفاع از خود را هم ندارد!

این‌ها که آوردیم یک خلاصه بسیار ساده و گذرا از متن قطعنامه‌ای است که ظاهراً برای تأیید برجام صادر می‌شود اما درواقع کار را از موضوع هسته‌ای بسیار فراتر برده و حوزه‌های نظامی و متعارف و بلکه امنیت آینده ایران را به مخاطره می‌اندازد. جالب این است که این پیش‌نویس متن ابداعی آمریکا نیست بلکه یک متن مذاکره شده است که ظاهراً تیم ایرانی با بند بند آن موافقت کرده است. توجیه دوستان هم این است که نقض قطعنامه به معنای نقض برجام نیست و ایران می‌تواند بدون نگرانی از اینکه متهم به نقض توافق شود، از اجرای قطعنامه سر باز بزند. ظاهراً دوباره به دوران کاغذپاره دانستن قطعنامه‌ها منتها این بار از سوی دولت آقای دکتر روحانیّ بازگشته‌ایم! فقط این نکته ساده را باید تذکر داد که این قطعنامه برخلاف قطعنامه‌های پیشین، متنی است که دولت درباره آن مذاکره کرده و آن را پذیرفته است بنابراین کاغذپاره دانستن آن به سادگی اسلافش نخواهد بود.

ابتدایی‌ترین کار اکنون - حتی اگر عده‌ای می‌خواهند از توافق وین حراست کنند - این است که صدور این قطعنامه متوقف شود. در غیر این صورت، بعید است عمر توافق هسته‌ای به چند ماه برسد.



این نیز گفتنی است...[1]

■ حسین شریعتمداری
نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان و مدیر مسئول روزنامه کیهان

اگر برای تصویب نهایی سندی که دیروز، ایران و کشورهای ۵+۱ روی آن به توافق رسیده‌اند، فرصت و مهلتی در نظر گرفته نشده بود، نوشتن این وجیزه ضرورتی نداشت و در هنگامه این‌روزها، شرط عافیت‌طلبی آن بود که زبان به کام و قلم به نیام کشیده شود ولی از یکسو، اعلام فرصت دو هفته‌ای برای ایران و مهلت دوماهه! برای آمریکا به منظور بررسی و تصویب نهایی سند وین و از دیگر سو، تأکید رئیس‌جمهور محترم کشورمان در نطق تلویزیونی دیروز ایشان بر استقبال از نقد منصفانه و دلسوزانه، نگارنده را بر آن داشته است تا دراین‌باره به نکاتی چند اشاره کند.

۱- بعدازظهر دیروز، ساعتی پس از آن که متن بیانیه مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ از سوی آقای دکتر ظریف و خانم موگرینی قرائت شد، باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با حضور از قبل اعلام شده در یک برنامه تلویزیونی، تفسیر و برداشت خود از سند مورد توافق وین را با ذکر برخی از بااهمیت‌ترین سرفصل‌های آن اعلام کرد.

تفسیر اوباما از سند وین که باید آن را برداشت و تفسیر دولت آمریکا- چیزی شبیه فکت شیت- تلقی کرد در بسیاری از موارد با آنچه رئیس‌جمهور محترم کشورمان در گزارش تلویزیونی خود از محتوای توافق وین ارائه کرد، تفاوت‌های جدی دارد. این تفاوت که در مواردی نزدیک به تناقض است در متن گزارشی که ساعتی قبل از قرائت بیانیه مشترک از سوی وزارت امور خارجه کشورمان در اختیار رسانه‌ها قرارگرفته و منتشر شد نیز به وضوح دیده می‌شود و ازاین‌روی، بیم آن می‌رود که ماجرای برداشت‌های متفاوت و متناقض طرفین از توافق لوزان در حال تکرار

۱- کیهان، ۱۳۹۴/۴/۲۳، کد خبر: ۵۰۰۲۵

باشد و با ترفند تازه‌ای که آمریکا در آستین دارد، روبرو باشیم!

و اما، از آنجا که برای ارزیابی سند یاد شده و تصویب نهایی آن مهلت چند روزه‌ای در نظر گرفته شده است، می‌توان و باید امیدوار بود که قبل از تصویب نهایی توافق یاد شده در مجلس شورای اسلامی و یا شورای عالی امنیت ملی کشورمان، این برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت از میان برداشته شود و مفاد توافق وین حالتی «شفاف» و «تفسیرناپذیر» پیدا کند.

۲- اوباما در نطق تلویزیونی خود به محورهایی از توافق وین اشاره کرده و بر آن تأکید ورزید که پرداختن به تمامی موارد یادشده به درازا می‌کشد و در محدوده این نوشته محدود نمی‌گنجد، بنابراین از آن میان، تنها به بازخوانی چند نمونه بسنده می‌کنیم.

الف: این توافق همه خطوط کلی ما- بخوانید خط قرمزهای آمریکا- که در فصل بهار به چارچوب آن رسیدیم- یعنی همان توافق لوزان- را رعایت می‌کند.

ب: براساس این توافق، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به هر جا که ضروری تشخیص بدهند، دسترسی خواهند داشت. (یعنی بازرسی‌های فراتر از پروتکل و از هر جا در هر زمان)

ج: آژانس همچنین به توافقی رسید که مطابق آن می‌تواند برای کامل کردن تحقیق درباره ابعاد نظامی احتمالی- PMD- دسترسی‌های مورد نیاز خود را داشته باشد.

د: تحریم‌های ضد ایران کم‌کم لغو خواهد شد و تدریجی خواهد بود. (این بخش از اظهارات وی با خط قرمز اعلام شده کشورمان مبنی بر لغو یکباره تحریم‌ها در تناقض آشکار است.

ه: این توافق هماهنگ با سنت رهبری آمریکا در دنیاست!

و: دو سوم سانتریفیوژهای نصب شده ایران حذف خواهد شد.

و نمونه‌های دیگری درباره رآکتور آب سنگین اراک، زمان ۱۰ ساله محدودیت‌های تحقیق و توسعه R&D و از سرگیری چرخه غنی‌سازی ایران و...

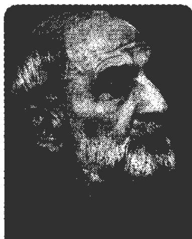
۳- تفسیر اوباما از سند وین- «جمع‌بندی» و یا «توافق» - در برخی از محورهای اساسی و بنیادین با تفسیری که رئیس‌جمهور محترم کشورمان از همین سند در نطق تلویزیونی دیروز خود ارائه کرد، نه فقط متفاوت بلکه متناقض است. به‌عنوان نمونه- و فقط نمونه - آقای روحانی تأکید می‌کند که تمام تحریم‌ها، حتی تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی، بانکی، بیمه‌ای، پتروشیمی، حمل و نقل، مالی و... یکجا در روز اجرای توافق لغو می‌شود، و یا می‌فرمایند؛ رآکتور آب سنگین اراک باهمان ماهیت آب سنگین و با ویژگی‌هایی که در توافق آمده تکمیل خواهد شد و...

آقای دکتر روحانی در گزارش خود به مواردی نظیر آینده فردو، تعداد سانتریفیوژها و ... نیز

اشاره داشت که با تفسیر ارائه شده از سوی باراک اوباما متفاوت است.
۴- بدیهی است و بعید نیست که تفسیر اوباما از سند وین غیرواقعی بوده و با متن سند یاد شده انطباق نداشته باشد ولی از آنجا که تفسیر وی به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و طرف اصلی مذاکره و توافق، ارائه شده است، می‌توان و باید نگران بود که مبادا با ماجرای دیگری شبیه تفسیرهای متفاوت از توافق لوزان روبرو باشیم و ازاین‌روی انتظار می‌رود- و ضرورت حیاتی دارد - که دست‌اندرکاران محترم برنامه هسته‌ای کشورمان و ازجمله نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون آساسی ملزم به بررسی و اظهارنظر نهایی درباره این سند هستند و نیز اعضای محترم شورای عالی امنیت ملی، موارد یاد شده را به دقت ارزیابی کنند و چنانچه تفاوت نظرهای ارائه شده از دو سوی ماجرا یعنی رئیس‌جمهور محترم کشورمان و رئیس‌جمهور آمریکا را ناشی از وجود بندهای «تفسیرپذیر» و «دو پهلو» در سند وین یافتند، قبل از تصویب نهایی برای اصلاح آن اقدام عاجل و جدی کنند.
۵- و بالاخره اگرچه دراین‌باره گفتنی‌های دیگری نیز هست که نیاز به شفاف شدن دارد ولی از آن میان به گلایه‌ای دوستانه و محترمانه از تهیه‌کنندگان متن توضیحی وزارت خارجه محترم کشورمان درباره سند وین که قبل از قرائت این سند تهیه شده و برای انتشار در اختیار رسانه‌های داخلی قرارگرفته است بسنده می‌کنیم.
در این متن توضیحی برخی از بندهای توافق وین به گونه‌ای وارونه تفسیر شده است که می‌تواند حاوی آدرس غلط باشد. ازجمله در این متن آمده است: «ایران به‌عنوان یک تولیدکننده محصولات هسته‌ای بخصوص ۲ محصول راهبردی اورانیوم غنی‌شده و آب سنگین، وارد بازارهای جهانی خواهد شد و تحریم‌ها و محدودیت‌ها علیه صادرات و واردات مواد هسته‌ای بی‌تأثیر می‌شود.»
در این تفسیر با عرض پوزش، درک مخاطب نادیده گرفته شده و از محدودیت تحمیلی! حریف با عنوان «امتیاز» یاد شده است! توضیح آن که در توافق وین به‌صراحت آمده است که ایران نمی‌تواند بیش از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۵/۳ درصد غنی‌شده داشته باشد و تأکید شده است باید از ۱۰ تن اورانیوم ۵/۳ درصدی که در اختیار دارد، ۹۷۰۰ کیلوگرم آن را به کشور ثالثی که مورد تائید حریف باشد، تحویل بدهد. بنابراین الزام ایران به تحویل ۹۷۰۰ کیلو از محصول یاد شده، یک امتیاز برای حریف است و نه برای ایران که دوستان تهیه‌کننده متن توضیحی - گزاره‌برگ- وزارت خارجه از آن با عنوان یک دستاورد ارزشمند! و امتیاز صادرات مواد هسته‌ای یاد می‌کنند!
به یقین اعضاء محترم تیم هسته‌ای کشورمان در جریان تنظیم متن یاد شده نبوده‌اند و گلایه

آن است که چرا تهیه و تدوین آن را به کسانی سپرده‌اند که در این زمینه از تخصص لازم برخوردار نیستند.

و اما، در خاتمه گفتنی است که وجیزه پیش‌روی در همراهی با تیم هسته‌ای محترم کشورمان نوشته شده است و بی‌انصافی است اگر از تلاش صادقانه و دلسوزانه آنان قدردانی نشود و حضور عزتمندانه این عزیزان در آوردگاه جدی با ۶ کشور یادشده نادیده گرفته شود.



ترمز نباشید، آماده باشید![1]

■ حسین شریعتمداری
نماینده ولی فقیه در مؤسسه کیهان و مدیر مسئول روزنامه کیهان

اگرچه یک جریان خزنده و چند نفره که برخی روزنامه‌ها و سایت‌های زنجیره‌ای را از پشت صحنه مدیریت می‌کنند، اصرار دارند هر انتقادی را به حساب مخالفت و حتی دشمنی انتقادکنندگان با انتقادشوندگان بنویسند و این روزها بیشترین تلاش خود را روی مسائل هسته‌ای متمرکز کرده‌اند ولی فارغ از هیاهوی این جریان به آسانی می‌توان نقد منصفانه و دلسوزانه را به ارزیابی نشست و سره‌را از ناسره تشخیص داد. در کلام خداوند سبحان نیز آمده است؛ «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، آن گروه از بندگان مرا بشارت ده که سخنان «متفاوت» را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند» (آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر) ازاین‌روی و قبل از ورود به موضوع اصلی یادداشت پیش روی اشاره به این نکته ضروری است که انتقادی اگر در میان است- که هست- بیرون از هیاهوی جریان مرموز یاد شده در همراهی با تیم محترم کشورمان است و نه فقط در خور شنیدن، بلکه پس از ارزیابی مستندات آن، شایسته به کار بستن نیز خواهد بود.
و اما، پیش‌ازاین درباره توافق وین و مفاد قطعنامه‌ای که روز دوشنبه با عنوان تضمین توافق یاد شده در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید، انتقاداتی جدی داشتیم و امروز با توجه به تراکم بحث‌ها و نظرات مطرح شده درباره بند ۳ ضمیمه B از قطعنامه شورای امنیت که موضوع آن موشک‌های بالستیک ایران است، اشاره به چند نکته را ضروری می‌دانیم. نکاتی که اگر از هم‌اکنون برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، می‌تواند پی‌آمدهای خطرناکی در پی داشته باشد. بخوانید؛
در بند ۳ از ضمیمه B قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل آمده است «از ایران خواسته

۱- کیهان، تاریخ: ۱۳۹۴/۴/۳۱، کد خبر: ۵۰۵۶۳

می‌شود تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای صورت ندهد. ازجمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از فناوری‌های مربوط به موشک‌های بالستیک، تا زمان هشت‌سال پس از «روز پذیرش برجام» و تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه دهد که «جمع‌بندی مبسوط» را تائید کند، بسته به این‌که کدام زودتر اتفاق بیفتد» و در این‌باره گفتنی است که؛

۱- موضوع بند یاد شده اگرچه در نگاه اول، «موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای» است و شاید همین «ظاهر فریبنده» برخی از دوستان را به این باور کشانده است که موشک‌های بالستیک ایران مشمول این بند نمی‌شوند! ولی فقط با اندکی دقت به وضوح می‌توان دید که «قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» فقط یک بهانه برای توقف تولید، آزمایش و نهایتاً حذف این سلاح استراتژیک -ومتعارف- از سامانه تسلیحاتی کشورمان است... که عواقب فاجعه‌آمیز آن به‌آسانی قابل فهم خواهد بود. اما چرا؟!

۲- موشک‌های بالستیک (BALLISTIC MISSILE) معمولاً در چهار نوع کوتاه‌برد (زیر ۱۰۰۰ کیلومتر)، میان‌برد (بین ۱۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلومتر)، بلند برد (۳۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر) و قاره‌پیما (با برد بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر) ساخته می‌شود.

آن دسته از موشک‌های بالستیک که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند با موشک‌های بالستیکی که خرج انفجاری و سرجنگی معمولی دارند، از ساختار مشابهی برخوردار هستند و هیچگونه تفاوتی با یکدیگر ندارند. تنها تفاوت این دو نوع موشک بالستیک در «کلاهک» یا «سرجنگی» (WARHEAD) آن‌هاست که می‌تواند «هسته‌ای» و یا معمولی باشد. گفتنی است هر موشک بالستیکی که بتواند یک سرجنگی به وزن ۲۰۰ کیلوگرم را با خود حمل کند، می‌تواند به‌جای خرج انفجاری معمولی، کلاهک هسته‌ای داشته باشد. به همین علت، امروزه از موشک‌های بالستیک میان‌برد و بلندبرد برای حمل کلاهک هسته‌ای استفاده می‌شود.

اکنون با شرحی که گذشت به متن بند ۳ از ضمیمه B باز می‌گردیم. بسیاری از موشک‌های بالستیک ایران از نوع میان‌برد یعنی با برد ۱۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلومتر هستند. بنابراین از قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای برخوردارند و ایران درحالی‌که استفاده از سلاح اتمی را حرام قطعی می‌داند براساس بند ۳ از ضمیمه B قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل بایستی آزمایش و تولید آن را متوقف کند و این موشک‌ها را از سامانه تسلیحاتی خود کنار بگذارد! حالا باید از برادران عزیزمان در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای پرسید؛ مگر قرار نبود از دسترسی حریف به مراکز نظامی و توان تسلیحاتی کشورمان جلوگیری شود؟ پس چرا علاوه بر دسترسی، به دشمنان تابلودار ایران اسلامی اجازه دست‌اندازی نیز داده شده است؟!

باید توجه داشت که سامانه موشک‌های بالستیک یکی از اصلی‌ترین فاکتورها و اهرم‌های دفاعی کشورمان است و نتیجه دست‌اندازی حریف به این سامانه غیر از خلع سلاح ایران اسلامی در مقابل دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد. ضمن آن که این دسترسی‌ها و دست‌اندازی‌ها به موشک‌های بالستیک ختم نمی‌شود و این رشته سر درازتری دارد و می‌تواند ایران اسلامی را به اندازه‌ای تضعیف کند که حتی توان مقابله با گروه فکسنی داعش را هم نداشته باشد... که در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت.
و درباره اهمیت موضوع تنها به آیه ۱۰۲ از سوره مبارکه نساء اشاره می‌کنیم که خطاب به رزمندگان اسلام هشدار اکید می‌دهد؛ «... کافران دوست دارند که شما از سلاح و متاع خود غافل شوید تا آنگاه، یکباره بر شما بتازند.»
۳- اعضای محترم تیم هسته‌ای کشورمان و برخی دیگر از شخصیت‌های سیاسی که ظاهراً به عواقب خطرناک بند ۳ از ضمیمه B قطعنامه شورای امنیت پی‌برده‌اند در توضیح بند مزبور و چاره‌جویی برای پیشگیری از عواقب آن اظهاراتی داشته و دارند که ضمن تقدیر از شهامت آنان در اذعان هرچند تلویحی به این خطا و تلاش برای چاره‌جویی آن، باید گفت؛ راه‌کارهای ارائه شده از جانب این عزیزان و تفسیر آنان از بند یاد شده کارساز نیست که به نمونه‌هایی از آن اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت؛
می‌فرمایند؛ موشک‌های بالستیکی که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند با آن دسته از موشک‌های بالستیک که «سرجنگی» غیرهسته‌ای حمل می‌کنند، تفاوت ساختاری دارند. که دیدیم ندارند!
می‌گویند؛ نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل به معنای نقض توافق وین نیست! که باید گفت؛
اولاً؛ توافق وین «برجام» ضمیمه A از قطعنامه است بنابراین نقض هر یک از مواد و بندهای آن به مفهوم نقض برجام خواهد بود.
ثانیاً؛ قطعنامه اخیر شورای امنیت با عنوان «تضمین توافق وین» صادر شده است بنابراین جایگاه قانونی و الزام مفاد آن برتر و فراتر از توافق وین است و اگر چنین نبود، نقش تضمینی قطعنامه برای «برجام» معنا و مفهومی نداشت.
اعلام می‌دارند که نقض قطعنامه موجب بازگشت تحریم‌ها نخواهد شد و از این نکته بدیهی عبور می‌کنند که قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت تنها به علت تجمیع در قطعنامه اخیر به حالت تعلیق درآمده‌اند بنابراین نقض قطعنامه ۲۲۳۱ براساس روندی که طراحی شده است، تمامی قطعنامه‌های قبلی را باز می‌گرداند.

می‌فرمایند؛ اگر حریف بند ۳ از ضمیمه B را به مفهوم توقف تولید و آزمایش ممنوعیت برخورداری کشورمان از موشک‌های بالستیک تفسیر کند، بدون توجه به تبعات نقض قطعنامه از اجرای این بند خودداری می‌کنیم! که باید گفت؛

اولاً؛ بند یاد شده غیر از آنچه اشاره شد تفسیر دیگری ندارد و ثانیاً؛ «چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی» و با عرض پوزش باید پرسید، چرا علی‌رغم آن‌همه تأکید و هشدار درباره حفظ حریم نظامی و توانمندی‌های دفاعی کشورمان به حریف اجازه تحمیل این بند خطرناک داده شده است؟ که اکنون برای خروج از آن ناچار به نقض قطعنامه و تحمل پی‌آمدهای آن باشیم؟!

۴- بند مورد اشاره یکی از موذیانه‌ترین ترفندهای به‌اصطلاح حقوقی حریف است، چراکه واژه تسلیحات هسته‌ای شامل همه انواع سلاح‌های هسته‌ای اعم از بمب یا کلاهک هسته‌ای و برخی از انواع دیگر است. و از سوی دیگر، تعهد ما بر اساس معاهده NPT و آنچه در برجام آمده است، عدم انحراف -DIVERSION- فعالیت هسته‌ای کشورمان به‌سوی تولید سلاح هسته‌ای است. از این‌روی -دقت کنید- درحالی‌که الزام ایران به خودداری از تولید سلاح هسته‌ای موضوع اصلی توافق وین و قطعنامه شورای امنیت است و این موضوع در تمامی بندها و مفاد توافق و قطعنامه آمده، دیگر چه نیازی به تأکید جداگانه بر کلاهک هسته‌ای بوده است؟! مگر نه اینکه کلاهک هسته‌ای نیز یکی از انواع سلاح‌های هسته‌ای است بنابراین تأکید بر عدم تولید سلاح هسته‌ای شامل کلاهک هسته‌ای نیز بوده و هست و با جرئت می‌توان گفت تأکید جداگانه بر آن فقط با هدف دست‌اندازی به صنایع موشکی کشورمان صورت پذیرفته است. کاش عزیزانمان با حساسیت بیشتری به این بند از ضمیمه B توجه می‌فرمودند.

۵- و بالاخره اگرچه بازهم دراین‌باره گفتنی‌هایی هست که به آن خواهیم پرداخت ولی شنیدنی‌ترین این گفتنی‌ها، آن است که فاصله پر نشدنی فقط میان توده یکپارچه مردم و مسئولان از هر سلیقه و نگاه با دشمنان کینه‌توز اسلام و انقلاب و نظام است و تفاوت سلیقه‌های درونی نمی‌تواند غفلت از دشمنان بیرونی را در پی داشته باشد و به قول حضرت آقا در بیانات اخیرشان، سند وین تصویب بشود یا نشود در مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به آمریکا، حمایت از نهضت‌های مقاومت و هیچ‌یک از دیگر اصول بنیادین انقلاب تغییری ایجاد نمی‌شود. حضرت ایشان پیش‌ازاین نیز در دیدار صمیمی دانشجویان تأکید کرده بودند؛ «مبارزه با استکبار و نظام سلطه بر اساس مبانی قرآنی هیچ‌گاه تعطیل‌پذیر نیست و امروز آمریکا کامل‌ترین مصداق استکبار است... خودتان را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید» بنابراین خطاب به معدود کسانی که احتمالاً فریب بزک آمریکا از سوی جماعت اندک و کم‌شمار وادادگان را خورده‌اند، باید گفت؛ در این مسیر سنگ‌اندازی نکنید؛ ترمز نباشید، آماده باشید.



نقض قوانین مربوط به توافقات بین‌المللی در برجام[۱]

■ حجت الاسلام حمید رسایی
نماینده مردم تهران در دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی

جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر روحانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
سلام علیکم
نظر به اینکه متن جمع‌بندی شده نماینده حضرتعالی و ۵+۱ «برجام» قرار است مطابق قانون اساسی و قوانین مصوب در هفته‌های آینده در مجلس شورای اسلامی مورد رسیدگی قرار بگیرد و حضرتعالی نیز خود را حقوقدان دانسته و متن موردنظر را متنی حقوقی می‌دانید، فارغ از اشکالات متعددی که از نظر شکلی و محتوایی در عدم رعایت حقوق ملت ایران بر متن مورد توافق وارد است، چند اشکال اساسی از نظر آیین‌نامه‌های قانونی مصوب دولت محترم مطرح است که امیدوارم به آن پاسخ مستدل و مستند حقوقی بدهید.
مستحضرید که متن انگلیسی و ترجمه فارسی جمع‌بندی شده آقای ظریف و ۵+۱ در تاریخ ۲۹ تیرماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی تحویل ریاست محترم مجلس شد اما به دلیل اشکالات مؤثر ترجمه‌ای که وزارت خارجه خود نیز بر وجود آن‌ها اذعان داشت، متن ترجمه در همان روز از سوی هیئت رئیسه مجلس به وزارت خارجه عودت داده شد. امروز پس از اعتراض نمایندگان، رئیس محترم جلسه ابتدا از پیگیری موضوع و سپس به دریافت متن جدید ترجمه اشاره کرد. البته اینکه متن جدید ترجمه نیز بدون اشکال است یا نه، نکته‌ای است که پس از بررسی و تطبیق با متن اصلی قابل ارزیابی است.

۱- فارس، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۶، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۰۶۰۰۱۱۶۸

اما نکته مهم‌تر از این که ترجمه وزارت خارجه از نظر مجلس و شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای ناظر بویژه نخبگان جامعه صحیح باشد یا نه، نبود ترجمه فارسی مورد توافق با ۱+۵ و طبعاً این نکته است که آیا کشورهای طرف دعوای ما (۱+۵) نیز همان مفاهیمی را از متن انگلیسی خود برداشت می‌کنند که ما از ترجمه فارسی آن دریافت کرده‌ایم؟ این مشکل در حقوق بین‌الملل همواره بین کشورهایی که در زمان عقد توافقنامه‌ها زبان‌های مختلف داشته‌اند، مطرح بوده و بر همین اساس نیز هر کشوری به تناسب قوانین خاصه خود و قوانین بین‌المللی برای این که در بازار مکاره بین‌المللی، حقوق ملتش ضایع نشود، قوانین و ضوابطی را پیش‌بینی کرده است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز با استناد به اصول ۱۳۸ که تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی را بر عهده قوه مجریه نهاده است، در جلسه مورخ ۷۱/۲/۱۳ هیئت دولت آقای هاشمی رفسنجانی، آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی به تصویب رسیده که در تاریخ ۷۳/۲/۱۲ مواردی از آن اصلاح و همچنین در دولت آقای خاتمی در تاریخ ۸۳/۱۵/۶ برای بار دوم موارد دیگری از آن اصلاح شده و در نهایت در راستای اجرای مفاد اصول ۷۷ و ۱۲۵، توسط هیئت دولت تصویب شده است. تاکنون نیز تمام توافقنامه‌های بین‌المللی بر همین اساس تهیه شده است اما متأسفانه علی‌رغم این‌که حضرتعالی حقوقدان هستید، در یکی از مهم‌ترین توافقنامه‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی، موارد متعددی از مواد این آیین‌نامه قانونی نقض شده است که نتیجه آن ضایع شدن حقوق ملت و عدم امکان بررسی آن در نهادهای ذی‌ربط قانونی ازجمله مجلس شورای اسلامی است. در این خصوص توجه شما را به چند نکته مهم جلب می‌کنم:

نکته اول - مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه که به تعریف اصطلاحات پرداخته «توافق حقوقی، توافقی است ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن، دستگاه دولتی در مقابل دولت، مؤسسه و شرکت دولتی خارجی یا مجامع، شوراها و سازمان‌های بین‌المللی، ملتزم به امری شود و دارای آثار و ضمانت اجرای حقوقی باشد. توافق حقوقی در موادی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد، «توافق حقوقی تشریفاتی» است و در سایر موارد، «توافق حقوقی ساده» محسوب می‌شود.» در ادامه این ماده قانونی ذکر شده است که «تفاهم‌نامه، توافقی است که زمینه همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران یا یکی از دستگاه‌های دولتی با طرف‌های خارجی را مشخص می‌نماید، بدون آن‌که تعهد حقوقی جهت انجام برای دستگاه دولتی ایجاد نماید.»

بر اساس تعاریف ذکر شده، آنچه در وین با عنوان «توافق هسته‌ای برجام» مورد جمع‌بندی قرارگرفته است، توافق حقوقی تشریفاتی است که حتماً مصوبه مجلس شورای اسلامی را نیاز دارد و نه یک تفاهم‌نامه چرا که با امضای آن تعهدات حقوقی متعددی برای دستگاه‌های دولتی ایجاد شده است.

نکته دوم – بر اساس اصل ۱۲۵ قانون اساسی و مطابق ماده ۲، ۷ و ۱۱ این آیین‌نامه، امضای قطعی توافق‌های حقوقی تشریفاتی، تحت یکی از عناوین عهدنامه، مقاوله‌نامه، موافقت‌نامه، قرارداد یا پیمان در خصوص توافق‌های چند جانبه بین‌المللی که در چارچوب یا تحت نظارت سازمان‌ها، مجامع و اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌شود و در مورد مسائل تعهدآور سیاسی - نظامی یا دفاعی دو یا چند جانبه منطقه‌ای یا جهانی، بر عهده مجلس شورای اسلامی است. بر این اساس، هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند قبل از رسیدگی این موضوعات در مجلس شورای اسلامی که متن برجام مصداق کاملی از آن است، خانه ملت را دور زده و زودتر از مجلس شورای اسلامی درباره آن اظهار نظر قطعی کند مگر با حکم حکومتی مقام معظم رهبری که برای همه نهادها ازجمله مجلس شورای اسلامی لازم الاتباع است. همین جا لازم به یادآوری است که مقام معظم رهبری تاکنون چندین بار بر ضرورت طی روند قانونی برای رسیدگی به این جمع بندی تأکید داشته‌اند و این حکایت از این می‌کند که مجلس شورای اسلامی باید به وظیفه قانونی خود عمل کند.

نکته سوم – مطابق ماده ۳ آیین‌نامه مصوب هیئت دولت «در کلیه توافق‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، لازم است یک نسخه از آن‌ها به زبان فارسی تنظیم گردد و در توافق‌های حقوقی تشریفاتی (که مصوبه مجلس را نیاز دارد) مراتب رجحان، زبان فارسی یا یک زبان ثالث یا تساوی اعتبار زبان فارسی با زبان طرف قرارداد، جهت تفسیر قید شود. تبصره: در توافق حقوقی تشریفاتی دوجانبه لازم است یک نسخه از توافق به یکی از زبان‌های رایج انگلیسی، فارس و عربی به‌عنوان زبان مرجع جهت تفسیر تنظیم گردد. در صورتی که زبان طرف مقابل از زبان‌های رایج باشد و تنظیم متن توافق به تشخیص معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری با لحاظ شرایط و روابط دوجانبه به زبان ثالث مناسب نباشد، باید برای تفسیر، تساوی اعتبار متن زبان فارسی با زبان طرف متقابل در توافق قید شود.»
این صراحت قانونی در حالی است که در جمع‌بندی توافقنامه هسته‌ای برجام به این ماده قانونی عمل نشده است چرا که:

اولاً: وزارت خارجه در زمان توافق هیچ متن فارسی را در کنار متن انگلیسی تهیه نکرده است. حتی وزارت خارجه تا امروز (۱۲ روز بعد از جمع‌بندی برجام) متن فارسی که مورد وثوق و تأییدش باشد را ارائه نکرده است و این به معنای در اختیار نداشتن چنین ترجمه‌ای است! در حقیقت در حال حاضر، با قبول برجام توسط آقای ظریف، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران متن انگلیسی و مفاهیمی که از این متن برداشت می‌شود را پذیرفته‌اند اما نمایندگان ۵+۱ هیچ متنی را که به زبان مادری ما مفاهیم مورد توافق از آن برداشت شود را نپذیرفته‌اند، چون چنین متنی وجود خارجی نداشته است!

ثانیاً: در متن برجام که توافق حقوقی تشریفاتی است، به هیچ وجه برای تفسیر موارد اختلاف «زبان فارسی یا یک زبان ثالث یا قید مساوی بودن زبان فارسی با زبان طرف قرارداد» به‌عنوان مرجع ذکر نشده است. بنابر این ترجمه ارائه شده توسط وزارت خارجه - حتی اگر متقن‌ترین ترجمه فارسی هم باشد - نمی‌تواند از طرف مجلس ایران مورد بررسی قرار بگیرد، چرا که طرف مقابل بعد از رد یا قبول مجلس می‌تواند در آن ترجمه خدشه کند و تنها متن فارسی که مانند متن انگلیسی مورد توافق دو طرف قرارگرفته، باید برای بررسی به مجلس ایران ارائه شود.

ثالثاً: بر اساس این ماده آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی و بر خلاف آنچه توسط یکی از نواب رئیس مجلس، مسئولان وزارت خارجه و رسانه‌ها گفته شده، مجلس یا هر دستگاه دیگری، نمی‌تواند متن انگلیسی را به‌عنوان متن اصلی در روند بررسی خود قرار دهد بلکه باید متن ترجمه فارسی مورد توافق دو طرف مذاکره را مورد بررسی قرار دهد. همانطور که کنگره آمریکا متن انگلیسی مورد توافق دو طرف را مورد بررسی قرار خواهد داد و بر اساس مفاهیمی که از الفاظ آن بر اساس زبان مادری خود برداشت می‌کند، تصمیم خواهد گرفت.

رابعاً: بر خلاف تبصره این ماده قانونی در متن برجام هیچ زبانی (فارسی، عربی، انگلیسی) به‌عنوان مرجع جهت تفسیر تعیین نگردیده است و حتی به دلیل این که متن انگلیسی به‌عنوان متن اصلی پذیرفته شده، در حقیقت در صورت نیاز به تفسیر، این متن انگلیسی است که مرجع قرار خواهد گرفت! همچنین بر خلاف متن قانون مذکور از آنجا که زبان طرف مقابل انگلیسی است، تساوی زبان فارسی با زبان طرف مقابل «انگلیسی» در متن برجام قید نشده است!

نکته چهارم - براساس ماده ۴ این آیین‌نامه «قبل از پذیرش هر نوع توافق حقوقی تشریفاتی

بین‌المللی، لازم است نسخه فارسی با نسخه خارجی یا ترجمه فارسی با متن مطابقت شود. تأیید مطابقت بر عهده هیئت ترجمه معاونت حقوقی ریاست جمهوری هست.»

در متن ارائه شده به مجلس شورای اسلامی، این ماده قانونی هم رعایت نشده است چرا که:

اولاً: قبل از پذیرش متن برجام، نسخه فارسی از متن وجود نداشته است تا توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری با متن انگلیسی تطبیق داده شود بلکه متن فارسی موجود، به دلیل وجود بیش از چهل مورد غلط ترجمه‌ای بعد از عودت مجلس طی روزهای اخیر توسط وزارت خارجه تهیه شده است.

ثانیاً: متنی که در حال حاضر ارائه شده، تأیید هیئت ترجمه معاونت حقوقی ریاست جمهوری را ندارد بلکه حسب اظهارات یکی از معاونان آقای ظریف، توسط یکی از مترجمین مطمئن وزارت خارجه که از مرخصی بازگشته، ترجمه شده است.

نکته پنجم – بر اساس ماده ۵ این آیین‌نامه «در هر توافق حقوقی باید روش و مرجع حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای آن در متن توافق پیش‌بینی شود، به‌صورتی که در درجه اول، دادگاه‌های و مراجع جمهوری اسلامی ایران و در صورت عدم رضایت طرف خارجی به ترتیب یک مرجع حقوقی بین‌المللی یا مرجع تخصصی بین‌المللی یا مرجع خارجی رسمی عهده‌دار این امر شود.»

متأسفانه در متن مورد توافق هسته‌ای برجام برای موارد اختلاف در تفسیر، این ماده قانونی و عقلی هم رعایت نشده است، چرا که در متن برجام بر خلاف صراحت قانون، در درجه اول دادگاه‌ها و مراجع جمهوری اسلامی به‌عنوان مرجع حل و فصل شناخته نشده‌اند! بلکه مرجع تصمیم گیر مراکزی ذکر شده‌اند که در طول سال‌های گذشته همواره در حق ملت ایران ظلم کرده‌اند. این نکته نه‌تنها مورد اذعان تک تک آحاد ملت ایران بلکه در همین توافق هسته‌ای طی روزهای اخیر مورد اذعان شخص رئیس جمهور محترم هم قرارگرفته و حضرتعالی خود فرمودید که داور این بازی از ابتدا جانبدارانه در سوت خود دمیده است.

جالب اینجاست که تیم مذاکره کننده محترم پذیرفته است که حتی در صورت عدم رعایت تعهدات توسط ۵+۱ و در صورت اعتراض جمهوری اسلامی ایران، یکی از اولین نتایج این اعتراض، عملیاتی شدن مجدد قطعنامه‌های سازمان ملل و بازگشت تحریم‌ها خواهد بود!

نکته ششم – مطابق ماده ۸ این قانون «دستگاه دولتی باید قبل از ارائه پیشنهاد برای الحاق یا اعلام قبولی یک توافق چند جانبه حقوق تشریفاتی، با در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی

کشور، مطالعه و بررسی‌های لازم را در مورد اعمال حق شرط «رزرو» در آن انجام داده و گزارش جامعی که متضمن علل و توجیه لزوم پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق شرط در مواردی از آن باشد، همراه با لایحه پیشنهادی هیئت وزیران تسلیم نماید. در مواردی که دستگاه دولتی، اعمال حق شرط را لازم بداند، باید لایحه طوری تنظیم شود که حاوی شرایط موردنظر باشد.
تبصره ۲ .در صورتی که برای پذیرش توافق حقوقی لحاظ حق شرط «رزرو» منع شده باشد یا پذیرش مشروط آن، مغایر با هدف و موضوع توافق باشد، هنگام نیاز، دستگاه دولتی باید بیانیه توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن هست را تهیه و همراه با لایحه پیشنهادی به هیئت وزیران ارائه نماید.»
بر اساس این ماده قانونی، وزارت خارجه نباید توافقی دربسته و صفر یا صدی را می‌پذیرفت به‌طوری که در حال حاضر به مجلس اعلام می‌شود یا باید تمام این توافق پذیرفته شود و یا تمام توافق رد شود! مطابق قانون، وزارت خارجه ملزم بود گزارش جامعی که متضمن علل و توجیه لزوم پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق شرط در مواردی از این توافقنامه باشد را همراه با لایحه پیشنهادی هیئت وزیران تسلیم نماید، در حالی که چنین اتفاقی رخ نداده!
مطابق تبصره ۲ این ماده قانونی، با توجه به این که بندها و بخش‌های زیادی از توافقنامه برجام بعد از اصلاحاتی قابل اجرا هست و متأسفانه وزارت خارجه بدون حق شرط آن را پذیرفته است، ضروری است تا دستگاه دولتی، بیانیه توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن هست را تهیه و همراه با لایحه پیشنهادی به هیئت وزیران ارائه و بعد از تصویب به مجلس ارسال نماید.

نکته هفتم – مطابق ماده ۱۰ این آیین‌نامه قانونی «دستگاه دولتی باید بیانیه توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن هست را تهیه و همراه با لایحه پیشنهادی به هیئت وزیران ارائهٔ نماید.»
متأسفانه به این بند قانونی هم عمل نشده است چرا که:
اولاً: متن ارائه شده به مجلس، علاوه بر اشکالات شکلی و محتوایی مربوط به ترجمه، به‌صورت لایحه قانونی و بعد از تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی ارائه نشده است.
ثانیاً: به ضمیمه متن ارائه شده توسط وزیر خارجه، هیچ بیانیه توضیحی که در آن توضیح داده شده باشد که بر چه اساسی برخی محدودیت‌های سنگین و یا قیودی که ناقض خطوط قرمز و بر خلاف منافع ملی هست را پذیرفته است. نکته مهم و قابل توجه این است که بسیاری از ادعاهای شفاهی حضرتعالی و ادعاهای شفاهی تیم مذاکره کننده (آقایان ظریف، صالحی و

عراقچی) در رسانه‌ها علاوه بر این که دائماً در حال تغییر و تفسیر است، در مواردی متناقض با یکدیگر هست و مواردی نیز با متن برجام تطبیق نمی‌کند. بنابراین لازم است مطابق پیش‌بینی قانون، وزارت خارجه بیانیه توضیحی خود را که متضمن برداشت آن‌ها در راستای مصالح و منافع کشور از تعهدات در متن برجام هست را تهیه و همراه با لایحه پیشنهادی به هیئت وزیران و مجلس ارائه نماید.

ثالثاً: از همه عجیب‌تر اظهار نظر امروز سخنگوی دولت بر خلاف نصوص صریح قانون اساسی و این آیین‌نامه قانونی است که اعلام کرده، متن جمع‌بندیِ شده بین‌المللی برجام نیازی به مصوبه مجلس شورای اسلامی ندارد.

نکته هشتم – مطابق ماده ۱۲ این آیین‌نامه قانونی «در صورتی که لازم باشد متن نمونه‌ای تنظیم شود که توافق‌های حقوقی تشریفاتی دو جانبه یا مواردی از آن مطابق متن، منعقد شود، موضوع در کمیسیون بررسی توافق‌های بین‌المللی مطرح خواهد شد. این کمیسیون با عضویت نمایندگان تام الاختیاری وزارت امور خارجه، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی و دستگاه دولتی ذیربط و سه نفر از اساتید حقوق، زیر نظر معاونت حقوقی ریاست جمهوری تشکیل خواهد شد. تصمیمات کمیسیون در این مورد برای دستگاه‌های اجرائی ذیربط لازم الاجرا خواهد بود.»

همانطور که همه می‌دانند، متن توافق هسته‌ای برجام تا ۱۲ روز قبل که جمع‌بندی شد به‌صورت محرمانه تهیه و تنظیم می‌شد و علی‌رغم تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر ارائه متن توافق و مذاکرات به مردم و نخبگان، متأسفانه تا آخرین روز مذاکرات هسته‌ای، دولت محترم هیچ متنی را در اختیار مردم و نخبگان قرار نداد و این در حالی است که مطابق این بند قانونی، قانون‌گذار برای اطمینان بیشتر در رعایت حقوق ملت بویژه در توافقنامه‌های بین‌المللی، برای تهیه این متون، کمیسیونی را با ترکیب ذکر شده پیش‌بینی کرده است ولی برای تهیه متن برجام این مسیر قانونی طی نشده است برای همین علی‌رغم حمله حضرتعالی به منتقدان و بی‌سواد خواندن آن‌ها و درخواست از حقوق‌دانان برای دفاع از توافقنامه ژنو و لوزان که ساختمان برجام بر پایه آن‌ها بنا نهاده شده، هیچ حقوقدانی حاضر به دفاع از آن‌ها نشد.

جناب آقای روحانی!

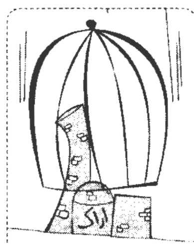
با توجه به اشکالات فوق و به دلیل عدم رعایت این آیین‌نامه لازم الاجرا و وجود ابهامات متعددی که در متن ترجمه وجود دارد، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی،

در حـال حاضـر نمی‌تواننـد دربـاره توافقنامـه هسـته‌ای برجـام اظهـار نظـر قانونـی کننـد و ضـروری است تیـم مذاکره‌کننـده، ترجمـه نهایـی خـود را پـس از طـی مراحـل پیش‌بینـی شـده در ایـن قانـون، مجـدداً در مذاکـرات بـا کشـورهای ۵+۱ مطـرح کنـد و در صـورت تصویـب متـن فارسـی در کنـار متـن انگلیسـی، دو متـن مـورد توافـق قرارگرفتـه را جهـت تصویـب نهایـی بـه مراکـز تصمیـم گیـر در طرف‌هـای دعـوا ارسـال کننـد. در غیـر ایـن صـورت عـلاوه بـر نقـض قانـون، هیـچ تضمینـی بـه اجـرای آنچـه در مجلـس ایـران تصویـب می‌شـود، وجـود نـدارد چـون طـرف مقابـل بـر اسـاس مفاهیمـی کـه از متـن انگلیسـی خـود برداشـت می‌کنـد، رفتـار خواهـد کـرد.

حمید رسایی

نایب رئیس کمیسیون اصل ۹۰

و نماینده مردم شریف تهران، ری، شمیرانات و پردیس



سلب حق بازفرآوری، تهدید آینده صنعت هسته‌ای[1]

محمد مالکی
کارشناس مسایل هسته ای

طی روزهـای گذشـته مسـئله عزتمندانـه بـودن یـا نبـودن توافـق هسـته‌ای، بـه وسـیع‌ترین شـکل ممکـن در رسـانه‌ها مـورد بحـث قرارگرفتـه اسـت. امـا مسـئله‌ای کـه در ایـن میـان مغفـول مانـده، تعهداتـی اسـت کـه بـر اسـاس متـن برجـام، ایـران به‌صورت مـادام العمـر می‌پذیـرد.

مسلماً در مذاکـرات هسـته‌ای و متـن نهایـی آن، ایـران اجـرای برخـی محدودیت‌هـا را بـرای مـدت مشـخص پذیرفتـه اسـت. امـا اینکـه بـرای رسـیدن بـه توافـق تعهـد شـود کـه کشـوراز برخـی حقـوق خـود در زمینه‌هـای علمـی و صنعتـی، «بـرای همیشـه» محـروم شـود، غیرقابـل قبـول بـه نظـر می‌آیـد.

متأسفانه در بند ۱۱ و ۱۲ برجام، ورود ایران به برخی حوزه‌های صنعت هسته‌ای .علیرغم پرکاربرد بـودن و اهمیـت آن در تأمیـن انـرژی بویـژه در دهه‌هـای آتـی .«بـرای همیشـه» ممنـوع شـده اسـت. ظاهـراً تیـم مذاکـره کننـده کشـورمان نیـز بـا ایـن موضـوع موافقـت نمـوده اسـت. محرومیت‌هـای مـادام العمـر ایـران در متـن برجـام از ایـن قـرار اسـت:

۱- بـرای همیشـه، ایـران بایـد همـه سـوخت مصـرف شـده کلیـه رأکتورهـای فعلـی و آینـده خـود (اعـم از رأکتورهـای تحقیقاتـی یـا قـدرت) را از کشـور خـارج نمایـد.

اهمیت ایـن بنـد زمانـی روشـن می‌شـود کـه بدانیـم سـوخت مصـرف شـده رأکتـور (پسـماند) در برخـی مـوارد ارزشـی بالاتـر از سـوخت اصلـی دارد. سـوخت مصـرف شـده پـس از طـی فرآینـد بازفـرآوری می‌توانـد به‌عنـوان سـوخت در نـوع دیگـری از رأکتورهـای هسـته‌ای مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد. مفهـوم «چرخـه» بـودن فنـاوری سـوخت هسـته‌ای کـه همـواره بـرآن تأکیـد می‌شـود نیـز بـه همیـن معنـا اسـت. لـذا بـا تعهـد فـوق، چرخـه سـوخت هسـته‌ای در کشـور ناقـص خواهـد مانـد. درواقـع متـن برجـام، ایـران

۱- رجانیوز، تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۳، کد خبر: ۲۱۷۸۰۸

را برای همیشه از داشتن «چرخه» سوخت هسته‌ای محروم می‌نماید.
۲- برای همیشه، ایران وارد بازفرآوری سوخت مصرفی نخواهد شد
۳- برای همیشه، ایران وارد ساخت تأسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرفی نخواهد شد.
۴- برای همیشه، ایران حتی اقدام به فعالیت‌های تحقیق و توسعه در زمینه بازفرآوری سوخت مصرفی که منجر به ایجاد چنین توانایی در کشور شود، نخواهد کرد.

تشریح اهمیت بازفرآوری در صنعت هسته‌ای در این مجال نمی‌گنجد. اما ذکر این نکته ضروریست که در شرایط فعلی جهان معادن اورانیوم رو به پایان است و انرژی هسته‌ای آینده جهان از سوخت پلوتونیوم تأمین می‌شود. پلوتونیوم نیز از بازفرآوری سوخت مصرف شده حاصل می‌گردد. درواقع بر خلاف سوخت اورانیومی که برای یک بار مصرف شده و تبدیل به پسماند می‌گردد، پلوتونیوم حاصل از بازفرآوری، بارها و بارها در رآکتورهای پلوتونیومی مصرف می‌شود و هر بار پس از بازفرآوری مجدداً به‌عنوان سوخت در رآکتور قرار می‌گیرد.

لذا قدرت‌های استکباری با ترفند حیله گرانه خود، ضمن تحمیل تعهد مربوط به بند ۱۲ برجام، ایران را از داشتن سوخت هسته‌ای در سال‌های آینده محروم کرده‌اند.

اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم ایران از لحاظ معادن اورانیوم چندان غنی نیست. به‌طوری که رئیس سابق سازمان انرژی اتمی اخیراً بیان کرده بود معادن فعلی اورانیوم ایران، برای تأمین ۲۵۰۰ مگاوات برق هسته‌ای تنها تا ۲۰ سال پاسخگو خواهد بود.

مقایسه این رقم با هدف تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است نشان می‌دهد که معادن شناخته شده اورانیوم ایران «بر اساس اطلاعات فعلی» قادر به تأمین سوخت ۲۰ هزار مگاوات رآکتور هسته‌ای برای بیش از ۳ سال نخواهند بود. بدین ترتیب راه پیش روی ایران برای تداوم صنعت هسته‌ای در آینده نزدیک، یکی واردات همیشگی اورانیوم و دیگری اتکا به بازفرآوری سوخت مصرفی است. بنابراین با محروم کردن کشور از بازفرآوری و حتی تحقیق و توسعه بر روی آن، درواقع صنعت هسته‌ای ایران محتاج قدرت‌های خارجی می‌شود.

قدرت‌هایی که رفتار آن‌ها در ماجرای واردات سوخت رآکتور تهران به‌عنوان شاهد مثال است. ضمن اینکه با پایان یافتن منابع اورانیوم جهان در آینده‌ای نه چندان دور، کشوری که برای بیش از ۱۵ سال حتی از تحقیق و توسعه بر روی بازفرآوری محروم بوده است، در این زمینه فرسخ‌ها از تکنولوژی جهانی عقب خواهد بود.

نکته پایانی در زمینه حقوق سلب شده از ایران، لحن متن برجام هست. بند ۱۲ این متن می‌گوید:

«ایران به مدت ۱۵ سال وارد بازفرآوری سوخت مصرفی... نگردیده و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد.»

همان گونه که مشاهده می‌شود جمله بندی متن فوق چنین القا می‌کند که محدودیت بازفرآوری برای ایران ۱۵ ساله است، اما با اضافه کردن قید «پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد»، محرومیت فوق را. به گونه‌ای که خواننده در نگاه اول متوجه نشود. دائمی ساخته است. ظاهراً این ترفند کارساز بوده زیرا پس از گذشت بیش از ۱۰ روز از انتشار متن برجام، محروم شدن ایران از این فناوری راهبردی و حیاتی چندان مورد توجه منتقدان قرار نگرفته است.

در هر صورت لازم است مراجع قانونی کشور با اتخاذ تدابیر لازم مانع از سلب شدن همیشگی حق بازفرآوری از کشور شوند. چراکه پذیرفتن این مسئله، در آینده موجب تعطیل شدن کل صنعت هسته‌ای و محرومیت نسل‌های آینده از این انرژی خواهد شد.

پی نوشت: متن و ترجمه بند ۱۱ و ۱۲ برجام

11. Iran intends to ship out all spent fuel for all future and present power and research nuclear reactors, for further treatment or disposition as provided for in relevant contracts to be duly concluded with the recipient party.

12. For 15 years Iran will not, and does not intend to thereafter, engage in any spent fuel reprocessing or construction of a facility capable of spent fuel reprocessing, or reprocessing R&D activities leading to a spent fuel reprocessing capability, with the sole exception of separation activities aimed exclusively at the production of medical and industrial radio-isotopes from irradiated enriched uranium targets.

متن ترجمه منتشر شده از سوی وزارت امور خارجه:

۱۱- ایران قصد دارد همه سوخت مصرف شده کلیه رآکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی و قدرتی فعلی و آینده خود را برای پسمانداری یا اقدامات بعدی، آنگونه که در قراردادهایی که به نحو صحیح با طرف دریافت کننده منعقد خواهد شد، از کشور خارج کند.

۱۲- به جز فعالیت‌های جداسازی با هدف تولید رادیوایزوتوپ های پزشکی و صنعتی از نمونه‌های تابش دیده‌ی اورانیوم غنی شده، ایران به مدت ۱۵ سال وارد بازفرآوری یا ساخت تاسیسات قادر به بازفرآوری سوخت مصرفی، یا فعالیت‌های تحقیق و توسعه‌ی بازفرآوری که منتج به ایجاد قابلیت بازفرآوری سوخت مصرفی شود، نگردیده و پس از این مدت نیز قصد چنین کاری را ندارد.



گزارش تحلیلی اندیشکده صدق پیرامون سرفصل اشکالات مهم برجام[1]

▫ اندیشکده صدق

۱۰ اشکال اساسی قطعنامه ۲۲۳۱ و تبعات آن برای کشور

پس از انتشار متن برجام و متن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، کارشناسان و صاحب‌نظران به بررسی این اسناد مهم پرداخته و انتقادات جدی خود به مفاد بخش‌های مختلف آن را بیان نمودند. اکنون با گذشت حدود دو ماه از توافق وین، لازم است اشکالات اصلی موجود در هر یک از حوزه‌های مهم مورد توافق، جمع بندی و ارائه گردد.
در این راستا، سرفصل اشکالات اصلی موجود در توافق وین به تفکیک موضوع و به‌صورت مختصر و نکته‌وار، طی سلسله گزارشی منتشر می‌گردد.
در این سلسله گزارش که توسط اندیشکده صدق آماده گردیده است، تمرکز بر ارائه‌ی اصل اشکالات مهم موجود در هر حوزه و تبعات عملی مهم هر یک از این اشکالات برای کشور بوده، و تنها در موارد ضروری و مغفول، به بیان توضیحات مرتبط یا استنادات مطالب پرداخته شده است.
گفتنی است در تهیه این گزارش‌ها، نکات بیان شده توسط منتقدین و برخی نکات مغفولی که تاکنون بیان نشده بودند، و نیز پاسخ‌های تیم مذاکره کننده به برخی انتقادات، مورد توجه قرارگرفته، و تلاش شده است که ضمن حفظ دقت، نهایت اختصار در بیان هر مشکل رعایت گردد.
در ادامه، بخش اول این گزارش را مشاهده می‌کنید که ناظر به سرفصل اشکالات خاص قطعنامه ۲۲۳۱ و تبعات آن برای کشور است:

۱. معلوم نبودن زمان پایان قطعنامه و امکان فرا نرسیدن آن روز

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۶۳۱۰۰۰۵۲۹ و سایت: WWW.1-20.ir

▪ در بند ۸ اجرایی قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است که شورای امنیت ۱۰ سال بعد از توافق، رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران را «جمع‌بندی» می‌کند (concluded)، نه اینکه (آن طور که در ترجمه فارسی به اشتباه آمده است) «پایان می‌دهد»(closed).

▪ گفتنی است یکی از اختلافات اساسی در مذاکرات ایران و ۵+۱ در ساله‌ای گذشته همین اختلاف بر سر کلمه‌ی «بسته شدن» پرونده ایران یا «جمع‌بندی» شدن آن بوده است. اکنون این مسئله به نفع طرف غربی فیصله یافته، و بر همین اساس (و با توجه به اینکه توافق راه بسته نشدن پرونده ایران بعد از ۱۰ سال را باز گذاشته است)، وندی شرمن بعد از توافق اعلام کرد که: «۵ عضو دائم شورای امنیت تصمیمی سیاسی گرفتند و به دبیرکل سازمان ملل هم اعلام کردند که پس از ۱۰ سال، درخواست تمدید ۵ ساله این مکانیسم را مطرح خواهند کرد»

▪ این امر به خارج نشدن پرونده ایران از شورای امنیت (حتی بعد از ۱۰ سال) و فرا نرسیدن روز لغو در برجام و لغو نشدن تحریم‌های اروپا منجر خواهد شد.

۲. مکانیزم حل اختلاف موجود و بازگشت خودکار (snap back) قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت (بدون امکان وتو توسط روسیه و چین) در صورت ادعا و راضی نشدن هر یک از طرفین

▪ تبعات مهم این موضوع، امکان برگشت تحریم‌ها در هر زمان و در نتیجه عدم امنیت سرمایه‌گذاری و پابرجا ماندن فشار تحریم‌هاست (این بند درواقع لغو تحریم‌های شورای امنیت را به تعلیق آن‌ها تبدیل می‌کند.»

۳. تسهیل رفتن پرونده ایران ذیل ماده ۴۲ فصل ۷ منشور ملل متحد (اجازه حمله نظامی)

▪ در حال حاضر نقض قطعنامه ۲۲۳۱ امکان انتقال پرونده ایران به ماده ۴۲ را فراهم می‌آورد با دو تفاوت نسبت به قبل توافق:

  ▫ متن این قطعنامه را خود ایران مورد مذاکره و توافق قرارداده و نقض آن مشروعیت بسیار کمتری دارد.

  ▫ پیش‌ازاین چین و روسیه مانع چنین کاری (تصویب قطعنامه ذیل ماده ۴۲) می‌شدند که با توجه به شرایط جدید و عدم پذیرش درخواست حفظ وتوی آن‌ها در مکانیسم حل اختلاف توافق توسط ایران، دیگر چنین انتظاری را از آن‌ها نمی‌توان داشت.

۴. ممنوعیت هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای

▪ طبق گزارشات قبلی شورای امنیت (331 /2013/ S و 395 /2012/ S) موشک‌های شهاب ۱ و ۳، سجیل و عاشورا با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای شناخته می‌شوند.

▪ طبق رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (MTCR) هر موشک با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر و

کلاهک بیش از ۵۰۰ کیلوگرم وزن، با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای محسوب می‌شود.
۵. الزام انجام کامل اقدامات مورد درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط ایران در زمینه تمام مسائل مهم موجود در گزارشات فعلی و آینده آژانس (در تمام مدت اجرای برجام) (بند ۳ قطعنامه ۲۲۳۱)

- این بدان معناست که ایران پیشاپیش تعهد داده است که مفاد درخواست‌های آژانس در کلیه‌ی گزارش‌های نامعلوم آینده‌ی آژانس را نیز انجام دهد و سرپیچی از این امر، به منزله‌ی نقض قطعنامه توسط ایران محسوب می‌گردد.
- در این زمینه دیوید آلبرایت (رئیس اندیشکده علوم و امنیت بین‌الملل آمریکا و مشاور تیم مذاکره کننده این کشور) در کنگره گفته بود حتی اگر مسئله PMD قبل از روز اجرا بسته شود، آژانس در گزارشات آینده می‌تواند دوباره آن را باز کند.

۶. اجازه بازرسی کشتی‌ها و هواپیماها به مبدأ یا مقصد ایران توسط همه کشورها (بند ۷ ضمیمه B قطعنامه)
۷. محدودیت صادرات و واردات تسلیحات (حتی تسلیحات متعارف)، که بر اساس آن ارسال هرگونه اسلحه از ایران به کشوری دیگر (ازجمله گروه‌های مقاومت در منطقه)، به منزله‌ی نقض قطعنامه توسط ایران خواهد بود.
۸. محدودیت مرتبط با موارد (اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌ها) با کاربرد دوگانه (بند ۲۲ قطعنامه که محدودیت‌های تفصیلی آن در بخش ۶ ضمیمه ۴ برجام آمده است)

- ایران برای خرید، انتقال، استفاده، دریافت کمک فنی یا آموزش، جذب سرمایه، و دریافت خدمات مرتبط با موارد با کاربرد دوگانه (که شامل موارد بسیاری می‌شود که آن موارد کاربرد وسیعی در صنایع مختلف کشور دارند)، ملزم به اخذ مجوز از کارگروه خرید کمیسیون مشترک و پذیرش محدودیت‌های مربوطه خواهد بود. اخذ مجوز هم تنها با اجماع کلیه‌ی اعضاء امکان‌پذیر است.
- گفتنی است لیست اقلام دوگانه از طرف شورای امنیت قابل بروز رسانی و افزودن موارد جدید به آن است، و هر کشور طرف معامله با ایران نیز می‌تواند اقلام جدیدی را به لیست اقلام ممنوعه (با کاربرد دوگانه) خودش اضافه کند.
- برخی مشکلات ناشی از این بخش توافق عبارت‌اند از:
  - با مشکل مواجه شدن صنایع مختلف و تحقیق و توسعه (به‌خصوص صنایع Hi Tech) با توجه به وسعت دامنه‌ی اقلام و تجهیزات ذکر شده در لیست موارد با کاربری دوگانه
  - باز شدن باب امتیازگیری کشورهای ۱+۵ از ایران، با توجه به این‌که ایران برای واردات

و استفاده از این اقلام مورد نیاز صنایع خود، محتاج اجازه گرفتن از تک‌تک آن کشورها شده است.

▫ لو رفتن اطلاعات مربوط به زنجیره تأمین و نیازها و توانایی‌ها و فعالیت‌های کشور در حوزه‌های صنعتی مختلف، با توجه به اینکه ایران (مطابق بند ۶,۴,۲ ضمیمه ۴ برجام) ملزم به ارائه اطلاعات کامل مرتبط به اقلام و تجهیزات مربوطه (شامل نام، آدرس، شماره تلفن و ایمیل صادرکننده و واردکننده، اعلام نوع و محل استفاده، جزئیات حمل و نقل و...) به کمیسیون مشترک گردیده است.

▫ بروکراسی مربوط به ارائه و بررسی و تأیید این حجم انبوه از اطلاعات. گفتنی است (مطابق بند ۶,۴,۴ و ۶,۴,۵ ضمیمه ۴ برجام) کارگروه خرید و کمیسیون مشترک تا ۴۵ روز می‌توانند تأیید یا رد درخواست ایران را معطل نمایند.

▫ اجازه بازرسی آژانس از همه مکان‌ها در کشور که در آن از اقلام با کاربرد دوگانه (مندرج در INFCIRC /254/ 12/ Part1) استفاده شده است (مطابق بند ۶,۷ ضمیمه ۴ برجام). این امر پای بازرسان آژانس (و جاسوسان غربی) را به مراکز غیرهسته‌ای ایران نیز باز می‌کند.

▫ اجازه یافتن کشور فروشنده‌ی کالا، تجهیزات، مواد، فناوری با کاربری دوگانه به ایران (مندرج در INFCIRC /254/ 9/ Part2) و نیز کارشناسان کمیسیون مشترک، برای راستی‌آزمایی استفاده نهایی آن اقلام در ایران (بند ۶,۸ ضمیمه ۴ برجام)

▪ گفتنی است پیش‌ازاین نیز استفاده از موارد با کاربری دوگانه برای ایران ممنوع اعلام شده بود، اما ایران با عدم پذیرش این ممنوعیت، از راه‌های مختلف این موارد را تأمین و نیازهای خود را رفع می‌نمود. اما اکنون با به رسمیت شناخته شدن این محدودیت و پذیرش لزوم اجازه گرفتن از کمیسیون مشترک درباره‌ی تأمین این موارد مورد نیاز خود، ضمن ایجاد اشراف اطلاعاتی و قدرت نظارتی برای طرف غربی (و دیگر مشکلات مذکور)، از این پس نپذیرفتن ممنوعیت اعمالی طرف غربی درباره‌ی هر یک از این موارد، به معنای نقض توافق (و نه فقط نقض قطعنامه) توسط ایران خواهد بود.

۹. توافق بر صدور قطعنامه ۲۲۳۱ (که برجام بخشی از آن است)، قبل از اینکه برجام مراحل تصویب و پذیرش را در داخل کشور طی کند.

۱۰. موکول شدن اجرای لغو قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت به روز اجرا، علیرغم صدور قطعنامه جدید در روز ۲۹ تیر ۹۴

▪ بدین ترتیب علیرغم صدور قطعنامه‌ی جدید، لغو قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت و

ایجاد کوچک‌ترین تغییر در تحریم‌های مربوط به آن‌ها، منوط به انجام کامل تعهدات ایران و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است (بند ۱۴ و ۱۸ ضمیمه ۵ برجام)

■ همان‌طور که در بندهای قبل ذکر شد، قطعنامه ۲۲۳۱ شامل بسیاری از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مندرج در قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران است، و بدین ترتیب درواقع قطعنامه‌های قبلی لغو نشده‌اند و بخش زیادی از تحریم‌های آن‌ها در قطعنامه جدید تجمیع شده‌اند؛ اما همین کار نیز از روز صدور قطعنامه (یعنی ۲۹ تیر) صورت نمی‌گیرد (بند ۱۸ متن اصلی برجام)

۱۰ اشکال مهم توافق وین در حوزه‌ی غنی‌سازی و تحقیق و توسعه

بخش دوم این گزارش، ناظر به سرفصل اشکالات توافق وین در حوزه‌ی غنی‌سازی و تحقیق و توسعه، و تبعات آن‌ها برای کشور است که در ادامه ملاحظه می‌نمایید:

۱. صفر شدن ظرفیت غنی‌سازی ایران (حداقل از سال دهم اجرای برجام). با توجه به لزوم از رده خارج کردن سانتریفیوژهای IR-1 تا سال دهم اجرای برجام، و عدم امکان استفاده از دیگر سانتریفیوژها در این زمان. در ادامه وضعیت سانتریفیوژهای کشور مطابق برجام به تفکیک ذکر شده است:

■ وضعیت ۵۰۶۰ سانتریفیوژ IR-1 فعال در نطنز:

□ این‌ها را فقط حداکثر ۱۰ سال داریم. بعدازآن مجوز استفاده از این ۵۰۶۰ سانتریفیوژ IR-1 و به‌طور کلی سانتریفیوژ IR-1 را نداریم و باید آن‌ها را از رده خارج (phase out) کنیم (بند ۲ متن اصلی برجام)

■ وضعیت حدود ۱۴۰۰۰ سانتریفیوژ IR-1 که انبار می‌شود (برای استفاده جهت جایگزینی با سانتریفیوژهای در حال استفاده)

□ بخشی از این سانتریفیوژها حین جمع‌آوری نابود می‌شوند.

□ بخش باقیمانده از سانتریفیوژهای موجود در انبار، با توجه به نرخ خرابی سانتریفیوژهای فعالمان (۵۰۶۰ دستگاه) طی حداکثر ده سال تمام می‌شود (به جز حداکثر ۵۰۰ دستگاه آن‌هم در صورتی که بتوانیم و بخواهیم از امکان تولیدمان استفاده کنیم)

□□ طبق برجام، در طی ۱۰ سال اگر موجودی انبار به زیر ۵۰۰ دستگاه برسد، می‌توانیم نهایتاً تا رسیدن کل موجودی به سقف ۵۰۰ دستگاه تولید نماییم. البته با توجه به از بین رفتن زنجیره تأمین سانتریفیوژ و مشغول شدن پیمانکارها و کارگاه‌ها به کارهای دیگر و به صرفه نبودن تولید در حجم اندک و اینکه در انتهای ۱۰ سال باید کلاً IR-1

را کنار بگذاریم، این تولید اندک هم در هاله‌ای از ابهام است.

▪ وضعیت دیگر سانتریفیوژهای موجود (صنعتی شده) ایران (حدود ۱۰۰۰ دستگاه سانتریفیوژ (IR-2m

▫ این سانتریفیوژها به مدت ۱۰ سال انبار می‌شوند (بند ۲۹ ضمیمه ۱ برجام)

▫ طبق متن برجام، بعد از ۱۰ سال (تا ۱۵ سال) هم حق نصب و استفاده از آن‌ها را نداریم (بند ۳۱ ضمیمه ۱ برجام)

▪ وضعیت سانتریفیوژهای دیگر

▫ طبق متن برجام، بعد ۱۰ سال (تا ۱۵ سال) حق نصب و استفاده از آن‌ها را نداریم (بند ۳۱ ضمیمه ۱ برجام) (گذشته از این، ما اساساً سانتریفیوژهای صنعتی شده به غیر از سانتریفیوژهای IR-1 و IR-2m نداریم)

▫▫ همچنین آقای عراقچی در جلسه چهارم کمیسیون سیاست خارجی اعلام کرد که ساخت زیرساخت‌های IR-6 و IR-8 (که از سال دهم آن را آغاز می‌کنیم)، چند سال طول می‌کشد و تکمیل تحقیق و توسعه این ماشین‌ها بعد از نصب هم مدتی دیگر طول می‌کشد

▫ ۱۰۴۴ سانتریفیوژ IR-1 موجود در فردو نیز طبق برجام تا ۱۵ سال غنی‌سازی نخواهند کرد.

۲. نداشتن برنامه صنعتی غنی‌سازی از روز اجرا و از بین رفتن زنجیره‌های دیگر (غیر غنی‌سازی) مرتبط با صنعت هسته‌ای

▪ درواقع با پذیرش داشتن تنها ۵۰۶۰ سانتریفیوژ[۱] IR-1، ذخیره ۳۰۰ کیلوگرمی و محدودیت غنی‌سازی تا ۳٫۶۷ و ... از روز اجرای توافق، تنها یک دکور از صنعت هسته‌ای باقی می‌ماند که این امر اثرات مخرب مهمی در دیگر زنجیره‌های مرتبط با صنعت هسته‌ای خواهد داشت:

▫ توقف فعالیت‌های ساخت و سازی مرتبط با غنی‌سازی، رآکتور اراک، تولید آب سنگین اراک، تولید میله سوخت و ... و به تبع آن تعطیلی و تغییر کاربری کارگاه‌های قطعه‌سازی و تأمین‌کننده و ... مربوطه، بیکار شدن و تغییر شغل کارشناسان و متخصصین صنعتی مربوطه (که طی سالیان اخیر به تجارب ارزشمندی رسیده بودند)، دلسردی در دانشگاهیان مرتبط با این حوزه و...

۱- گفتنی است رهبر انقلاب نیز در تیر ماه ۹۳ در این زمینه هشدار داده بودند که: «طرف مقابل به دنبال این است که جمهوری اسلامی ایران را به ۱۰ هزار سانتریفیوژ راضی کند»، اما اکنون در توافق نصف همان مقدار هم محقق نشده است.

۳. ارجاع مهم‌ترین مباحث برنامه هسته‌ای کشور (غنی‌سازی و تحقیق و توسعه) در برجام (بند ۶۳ ضمیمه ۱ برجام) به «برنامه بلندمدت غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران» که مفاد آن نامعلوم است؛ و سکوت برجام پیرامون موارد مهم (که برخی از آن‌ها به سند فوق‌الذکر ارجاع داده شده‌اند و در برخی موارد هم کلاً سکوت شده؛ که این سکوت به معنای باز بودن دست ایران برای انجام فعالیت دلخواه خود در آن موارد نیست.)

۴. نرسیدن به حداقل نیاز کشور در زمینه توان غنی‌سازی (یعنی معادل سالانه ۱۹۰ هزار سو برای تولید سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر) تا سالیان سال بعد از دوره محدودیت (و به طریق اولی، نرسیدن به توان تأمین سوخت لازم برای تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای مصوب مجلس)

۵. بی‌فایده شدن کامل غنی‌سازی به مدت حداقل ۱۵ سال با توجه به محدودیت موجودی (ذخیره) اورانیوم غنی‌شده که تنها ۳۰۰ کیلوگرم هست؛ و اینکه ایران به انجام یکی از این دو کار با اورانیوم غنی‌شده (فراتر از ۳۰۰ کیلوگرم) خود ملزم گردیده است: رقیق‌سازی یا فروش به خارج از کشور (بند ۵۷ ضمیمه ۱ برجام)

- گفتنی است رقیق‌سازی محصول فرآیند غنی‌سازی به معنی بی‌فایده شدن روشن فرآیند غنی‌سازی و اتلاف انرژی و منابع است، و فروش این مقدار اندک (بر اساس قیمت‌های فعلی بازار جهانی غنی‌سازی اورانیوم) سالانه تنها معادل حدود ۱۷۰ میلیون تومان برای کشور درآمد ایجاد می‌کند که قابل مقایسه با هزینه تولید آن نیست.
- همچنین با توجه به اشباع بودن بازار جهانی اورانیوم، در صورت امتناع طرف‌های خارجی از خرید، تنها راه، رقیق‌سازی اورانیوم غنی‌شده خواهد بود.

۶. منحصر شدن مکان غنی‌سازی و حتی تحقیق و توسعه غنی‌سازی و انبار همه سانتریفیوژهای جمع‌آوری شده به سایت نطنز (عدم استفاده از فردو و عدم اجازه ساخت یا استفاده از سایت جدید) حداقل تا ۱۵ سال.

- گفتنی است یکی از مضرات این موضوع، آسیب‌پذیری بیشتر و افزایش تهدیدات امنیتی مربوطه هست.

۷. عدم پذیرش و دریافت تضمین عینی در متن برجام برای برخورداری ایران از حقوق مصرح خود در NPT ازجمله حق غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی، حتی بعد از دوره‌ی محدودیت‌های برجام.

۸. پذیرش استثنا شدن ایران در بین همه کشورها در زمینه حقوق هسته‌ای خود؛ ایران دیگر الی‌الابد نمی‌تواند به‌عنوان یک عضو عادی NPT از حقوق مساوی دیگر اعضا بهره‌مند

باشد. به‌عنوان مثال: حق بازفرآوری و تحقیق و توسعه آن، لزوم انتقال تمامی سوخت مصرف شده برای همه نیروگاه‌های تولید برق و تحقیقاتی به خارج، حق ایجاد تأسیسات جداسازی پلوتونیوم، نپتونیوم، اورانیوم از سوخت‌های مصرف شده (بند ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ ضمیمه یک برجام)

۹. توقف تحقیق و توسعه به مدت حداقل ۱۵ سال، در برخی حوزه‌ها ازجمله:

- روش‌های مختلف غنی‌سازی به جز سانتریفیوژ گازی (مانند غنی‌سازی لیزری که در این زمینه پیشرفت خوبی در کشور حاصل شده بود) (بند ۸۱ ضمیمه ۱ برجام)
- حوزه‌ی پلوتونیوم (هر گونه فعالیت برای تولید، ذخیره و ...) که برای رأکتورهای تولید برق نسل‌های آینده مورد استفاده است (بند ۲۰ و ۲۵ ضمیمه ۱ برجام)
- حوزه‌ی بازفرآوری، که با توجه به محدود بودن منابع اورانیوم و ارزشمند بودن مواد جدا شده، ارزش زیادی تولید می‌کند (محدودیت این مورد مادام العمر است) (بند ۱۸ ضمیمه ۱ برجام)
- متالورژی، قالب‌گیری، فرم‌دهی، ماشین‌کاری پلوتونیم و اورانیوم و آلیاژهاشان، که در صنعت فضایی و موشکی و ماهواره نیز کاربرد دارد (بند ۲۴ ضمیمه ۱ برجام)

۱۰. توقف و محدودیت تحقیق و توسعه روی ماشین‌های سانتریفیوژ

- ماشین‌های IR-2m و IR-4 که سانتریفیوژهای در آستانه تولید انبوه هستند.
  - زنجیره تحقیق و توسعه ۱۶۴ تایی‌شان جمع می‌شود (بند ۳۲ و ۳۴ ضمیمه ۱ برجام)
  - بر روی تنها ۲ عدد جداگانه IR-2m آن‌هم فقط آزمایش مکانیکی می‌توانیم انجام دهیم (بند ۳۲ ضمیمه ۱ برجام)
  - روی حداکثر ۱۰ عدد IR-4 می‌توانیم آزمایش همراه با تزریق گاز انجام دهیم (بند ۳۲ ضمیمه ۱ برجام)
- ماشین‌های IR-6 و IR-8 که طبق اعلام مسئولان دولتی، ماشین‌های اصلی هستند که بعد از دوره محدودیت قرار است مورد استفاده قرار دهیم.
  - تا ۸,۵ سال فقط زنجیره زیر ۳۰ تایی‌شان را می‌توانیم مورد تحقیق قرار دهیم و تحقیقات روی آن‌ها تا ۸,۵ سال در همین حد متوقف خواهد ماند (بند ۳۷ و ۳۸ ضمیمه ۱ برجام)
  - علاوه بر آن متن برجام درباره‌ی اجازه تحقیق و توسعه بر روی زنجیره بیش از ۳۰ تایی سانتریفیوژهای IR-6 و IR-8 بعد از ۸,۵ سال نیز سکوت کرده است.
- ماشین‌های سانتریفیوژ دیگر (پیشرفته‌تر از IR-8 یا سانتریفیوژهای با کاربرد غیر هسته‌ای)

▫ ساخت یک نمونه آزمایشی از آن‌ها منوط به ارائه کامل به کمیسیون مشترک و کسب اجازه از آن خواهد بود.
▫ گفتنی است پذیرش محدودیت بر روی انواع سانتریفیوژهای دیگر (به جز موارد ذکر شده در بندهای قبلی)، راه ایجاد محدودیت در صنایع پیشرفته دیگر کشور (مانند میکرو توربین‌های صنعت برق) را نیز باز می‌کند (بند ۴۳ ضمیمه ۱ برجام)

۲۰ اشکال مهم توافق وین در حوزه‌ی تحریم‌ها / چرا برجام منجر به رفع تحریم‌های کشور نمی‌شود؟

بخش پایانی این گزارش، ناظر به سرفصل اشکالات توافق وین در موضوع رفع تحریم‌ها، و تبعات آن‌ها برای کشور است که در ادامه ملاحظه می‌نمایید:

۱. اجرای هرگونه تخفیف تحریمی (اعم از تعلیق تحریم‌های آمریکا و اروپا و اجرای لغو قطعنامه‌های سابق شورای امنیت) از «روز اجرا» آغاز خواهد شد، که «روز اجرا» زمان مشخصی ندارد و منوط به اجرای تعهدات کمی و کیفی ایران (تعهدات برجام و تعهدات نقشه راه) و تأیید اجرای کامل تعهدات ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. (بند ۱۰ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ ضمیمه ۵ برجام.[۱]

▪ با توجه به سابقه‌ی بد آژانس و باز بودن باب بهانه‌جویی (مخصوصاً به علت وجود تعهدات کیفی) و عدم رضایت آژانس پیرامون اجرای کامل تعهدات ایران در برجام و در نقشه راه، و منوط شدن فرا رسیدن روز اجرا به گزارش آژانس در این زمینه، این روز می‌تواند هیچ وقت فرا نرسد.

۲. تحریم‌های شورای امنیت، فقط تعلیق می‌شوند.

▪ تحریم‌های شورای امنیت درواقع تعلیق شده‌اند، نه لغو؛ یعنی با توجه به مکانیسم حل اختلاف مورد توافق در برجام، هیچ مانع حقوقی برای برگشت خودکار و کامل تحریم‌های قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت وجود ندارد و هر موقع که هر یک از کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، چین و روسیه اراده کنند، می‌توانند صرفاً با ادعای این‌که ایران به تعهدات خود عمل نکرده است، آن‌ها را به‌طور کامل برگردانند، و امکان وتوی این تصمیم (برگرداندن قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران) توسط اعضای دائمی دیگر شورای امنیت (مثلاً روسیه) نیز توسط برجام سلب شده است (بند ۳۷ متن برجام و بند ۱۲

۱- شماره بندها بر اساس متن انگلیسی برجام ذکر شده است. در متن ترجمه فارسی ضمیمه ۵ برجام، همه‌ی شماره‌ها یک شماره جابجا شده‌اند.

قطعنامـه ۲۲۳۱)

۳. ممانعـت از ادامـه‌ی اجـرای قراردادهـای منعقـد شـده در زمـان تعلیـق تحریم‌هـا، در صـورت برگشـت تحریم‌هـا

- بازگشت قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت از طریـق مکانیـزم ماشه، علاوه بـر اعمال مجدد تحریم‌هـا، مانـع اجـرای قراردادهایـی می‌شـود کـه در زمـان تعلیـق تحریم‌هـا منعقـد شـده باشـند و ادامـه‌ی اجـرای آن قراردادهـا را مشـمول تحریـم می‌سـازد (بنـد ۳۷ متـن برجـام و بنـد ۱۴ و ۱۵ قطعنامـه ۲۲۳۱). ایـن مسـئله موجـب می‌شـود کـه شـرکت‌های بین‌المللی از هرگونـه سرمایه‌گذاری واقعـی در ایـران و انتقـال تکنولـوژی بـه داخـل کشـور خـودداری کننـد. همچنیـن وجـود ایـن محدودیـت مهـم در توافـق، ایـن خطـر را بـه وجـود می‌آورد کـه شـرکت‌های خارجـی بـا توجـه بـه ریسـکی کـه در مـورد دریافـت هزینـه محصـولات یـا خدمـات ارائـه شـده بـه ایـران وجـود دارد، حتـی از عقـد قـرارداد در زمـان تعلیـق تحریم‌هـا نیـز خـودداری کننـد.
- گفتنـی اسـت کـه تجربـه توافـق ژنـو نیـز کامـلاً مویـد ایـن موضـوع اسـت. پـس از اعـلام انعقـاد توافـق ژنـو، وزارت خزانـه‌داری آمریـکا، در دسـتورالعملی کـه بـرای اجـرای توافـق منتشـر نمـود، اعلام کرد که تعلیق تحریم‌ها فقط شامل معاملاتی می‌شود که در همین مدت اجرای توافق (بازه‌ی ۶ ماهـه، کـه بعدهـا ۴ مـاه و ۷ مـاه تمدیـد گردیـد) شـروع شـود، به‌طـور کامـل اجـرا شـود و خاتمـه یابـد. وجـود همیـن محدودیـت، یکـی از دلایلـی بـود کـه مانـع منتفـع شـدن کشـور از تعلیـق تحریم‌هـا گردیـد؛ بـرای مثـال، شـرکت‌های بین‌المللی بیمـه بـه همیـن دلیـل از ارائـه خدمـات بـه کشـتی‌های ایرانـی خـودداری کردنـد و شـرکت‌های خودروسـاز خارجـی نیـز حاضـر بـه عقـد قـرارداد جدیـدی نشـدند. حتـی می‌تـوان گفـت کـه اکنـون وضـع پیچیده‌تـر از توافـق ژنـو اسـت، چراکـه دیگـر حتـی تضمینـی بـرای تعلیـق چنـد ماهـه تحریم‌هـا وجـود نـدارد و هـر لحظـه امـکان بازگشـت تحریم‌هـا وجـود دارد.

۴. از دو قانـون تحریمـی اروپـا، فقـط یکـی از آن‌هـا در برجـام مـورد بحـث قرارگرفتـه، کـه آن‌هـم در روز اجـرا فقـط تعلیـق می‌شـود، آن‌هـم نـه همـه مـواردش.

- از دو قانـون تحریمـی اروپـا، یکی‌شـان دسـت نخـورده (بـدون حتـی تعلیـق یـک بنـد آن) باقـی خواهـد مانـد.
  - گفتنـی اسـت اروپـا دو قانـون تحریـم راجـع بـه ایـران دارد: یکـی مقـررات شـورا بـه شـماره ۲۰۱۲/۲۶۷ (مبتنـی بـر تصمیـم شـورا بـه شـماره CFSP/۴۱۳/۲۰۱۰) پیرامـون مسـائل هسـته‌ای و یکـی مقـررات شـورا بـه شـماره ۲۰۱۱/۳۵۹ (مبتنـی بـر تصمیـم شـورا بـه شـماره CFSP/۲۳۵/۲۰۱۱) پیرامـون مسـائل حقـوق بشـر، کـه ایـن قانـون تحریمـی به‌طـور کامـل

باقی خواهد ماند.

- تحریم‌های اروپا ناشی از «تصمیمات شورا» (Council Decision) و «مقررات شورا» (Council Regulation) هستند که تصمیمات شورا زیربنای مقررات شورا اند. لغو مقررات شورا بدون تصمیمات شورا به معنای تعلیق تحریم‌هاست. مطابق برجام مقررات شورا به شماره ۲۰۱۲/۲۶۷ در روز اجرا لغو خواهد شد (به جز برخی بندهای آن)، اما هیچ‌یک از بندهای تصمیم شورای متناظر آن (یعنی تصمیم شماره CFSP/۴۱۳/۲۰۱۰) در روز اجرا (وتا ۸ سال بعدازآن) لغو نخواهد شد. درواقع هیچ از یک قوانین تحریمی اروپا در روز اجرا لغو نخواهند شد و تنها بخشی از آن‌ها در روز اجرا تنها تعلیق خواهند شد (بند ۱ ضمیمه ۲ برجام و بند ۱۶ ضمیمه ۵ برجام)

۵. برخی تحریم‌های مندرج در مقررات شورا به شماره ۲۰۱۲/۲۶۷ نیز در روز اجرا تعلیق نخواهند شد، و تعهد اتحادیه اروپا برای تعلیق آن‌ها به روز انتقال (۸ سال بعد از روز توافق) موکول شده است. این موارد عبارت‌اند از: تحریم‌های فلزات (که در صنایع مختلف کاربرد دارند)، تحریم‌های نرم‌افزار (مثلاً نرم‌افزارهای مورد استفاده در پروژه‌های بزرگ نفت و گاز و حوزه‌های مختلف صنعتی)، تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای (کالاها و فناوری‌های و سرمایه‌گذاری و آموزش‌های تخصصی)، تحریم‌های تسلیحات و تحریم سوئیفت (به‌عنوان بخشی از زنجیره تحریم بانکی) (بند ۲۰ ضمیمه ۵ برجام)

- گفتنی است تحریم خدمات مرتبط با این موارد نیز در روز اجرا تعلیق نخواهند شد. باقی ماندن تحریم خدمات مرتبط (با توجه به تجارب قبلی، ازجمله توافق ژنو) منجر می‌شود که در تحریم‌های مالی و کشتیرانی و... باقی حوزه‌ها نیز فضای روانی تحریم‌ها و ترس از جریمه بابت نقض آن‌ها پا برجا بماند.

۶. هیچ یک از افراد، نهادها و شرکت‌های مورد تحریم، در روز اجرا از لیست تحریم‌های اروپا خارج نمی‌شوند. بخشی از آن‌ها در روز اجرا تحریمشان تعلیق می‌شود و بعد از ۸ سال لغو می‌شود. بخشی از آن‌ها نیز در روز انتقال (۸ سال بعد از روز توافق) تحریمشان تعلیق و در روز لغو قطعنامه (حداقل ۱۰ سال بعد از روز توافق) تحریمشان لغو می‌شود (بند ۱۶ و ۲۰ ضمیمه ۵)

۷. با توجه به اینکه همه تحریم‌های اروپا در تحریم‌های ثانویه آمریکا نیز موجود هستند، تعلیق تحریم‌های اروپا (حتی در همین حد موجود در برجام) در صحنه عمل تغییری در ساختار تحریم‌های کشور و اثرات آن ایجاد نخواهد کرد.

۸. از دستورات اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا (حدود ۳۰ دستور اجرایی که ۱۰ دستور آن فعال است) در متن توافق فقط به لغو ۴ دستور اجرایی (که ۳ دستور از آن‌ها فعال است) و بخش‌هایی از

یک دستور اجرایی دیگر اشاره شده و در باقی دستورات اجرایی رئیس جمهور آمریکا هیچ لغو و تعلیق و تغییری در کار نیست (حتی پس از روز لغو قطعنامه)

- به‌عنوان نمونه، دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ (۵ فوریه ۲۰۱۲)، به‌صورت کامل باقی می‌ماند، و تحریم‌های مندرج در آن، بر اساس برجام، نه الان، نه ده سال بعد و نه هیچ وقت دیگر، تعلیق هم نخواهند شد. طبق این دستور، مؤسساتمالی و اشخاص آمریکا باید هرگونه دارایی‌های ایران (دولت ایران، بانک مرکزی ایران، همه نهادهای مالی ایران و منافع حاصل از آن) را مصادره و مسدود کنند. از نکات قابل تأمّل این دستور این است که طبق آن، هر نهاد و شخصی بدون داشتن اتهام مشخص، صرفاً به دلیل ایرانی بودن شامل تحریم قرار می‌گیرد.
- به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ که به اتهام اشاعه‌ی تسلیحات کشتار جمعی (ازجمله هسته‌ای) و به‌صورت ثانویه تصویب شده است و تعداد زیادی از نهادها و شرکت‌های ایرانی، در طی زمان، طبق این دستور اجرایی تحریم شده‌اند، به‌طور کامل باقی مانده‌است و مطابق برجام هیچ گاه قرار نیست حتی تعلیق گردد. تعدادی از بانک‌ها، شرکت‌ها و نهادهایی که به واسطه‌ی این دستور مورد تحریم قرارگرفته‌اند، عبارت‌اند از: شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، بیمه معلم، بانک انصار، بانک مهر، بانک سپه، تایدواتر (شرکت بهره‌بردار بندرعباس)، ایران ایر، سازمان صنایع هوا و فضا، سپاه پاسداران، بنیاد تعاون سپاه، قرارگاه خاتم‌الانبیا، وزارت دفاع، شرکت نفت و گاز پارس، شرکت توسعه صنایع انرژی پایونیر، گروه‌های صنعتی شهید باقری، شهید همت، فجر، شرکت کالاالکتریک، شرکت کاوشیار و ... .
- درباره‌ی آن ۵ دستور اجرایی ذکر شده در برجام نیز گفتنی است لغو تحریم این دستورات اجرایی، مستقلاً (و بدون قوانین کنگره‌ی متناظر آن‌ها) تأثیری در تحریم‌های ایران نمی‌گذارند. از میان دستورات اجرایی لغو شده در برجام، دستور ۱۳۵۹۰ پیش‌ازاین به‌طورکامل در قانون تحریم TRAی کنگره آمریکا تجمیع شده بود و در عمل غیرفعال محسوب می‌شود. دستور اجرایی ۱۳۵۷۴ و بخش عمده‌ی دستور اجرایی ۱۳۶۴۵ نیز به ترتیب ابلاغیه اجرای قوانین ISA (اصلاح شده) و IFCA ی کنگره‌ی آمریکا هستند، دستور اجرایی ۱۳۶۲۸ که بندهای ۷-۵ و ۱۵ آن لغو شده نیز ابلاغیه‌ی قانون TRA ی کنگره آمریکاست (بند ۱۷,۴ ضمیمه ۵)

۹. قوانین تحریمی کنگره آمریکا (بخش مورد بحث در برجام) تنها اجراشان متوقف می‌شود. یعنی نه‌تنها لغو نمی‌شوند، حتی قوانینشان تعلیق هم نمی‌شود (بند ۱۷ ضمیمه ۵ برجام).

این توقف اجرا (cease application) و نه تعلیق (suspend) به این معناست که هر ۴ ماه (یا ۶ ماه) رئیس‌جمهور آمریکا باید دستور توقف اجرای این تحریم‌ها را (با ذکر دلایل مجاب کننده‌ی خود برای کنگره) تمدید کند. این موضوع در تداوم توقف اجرای تحریم‌های آمریکا در آینده تزلزل جدی ایجاد می‌کند.

۱۰. هیچ یک از قوانین تحریمی کنگره آمریکا (یعنی تحریم‌های اصلی ایران) نه‌تنها در طول دوره اجرای برجام لغو نمی‌شوند، بلکه هیچ چشم اندازی هم برای لغو آن‌ها وجود ندارد و به‌طور کلی در برجام هیچ تعهدی در زمینه لغو حتی یک تحریم کنگره آمریکا وجود ندارد و تنها در روز انتقال (۸ سال بعد از روز توافق) سخن از «تلاش» دولت آمریکا برای خاتمه یا اصلاح این قوانین آمده است، که این عبارت «تلاش نمودن» هیچ تعهد حقوقی‌ای را متوجه آمریکا نمی‌کند (بند ۲۱ ضمیمه ۵ برجام)

۱۱. در بند ۶ ضمیمه ۲ قید شده است که فهرست جامع و کامل تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای آمریکا تنها همین موارد (اندک) ذکر شده در بند ۴ ضمیمه ۲ برجام است. درواقع با به رسمیت شناخته شدن این موضوع توسط ایران ابزار چانه‌زنی از کشورمان برای مناقشه در مورد دامنه تحریم‌های هسته‌ای گرفته شده است. گفتنی است واژه «تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای» واژه‌ای موهوم و مبهم است که از نیمه دوم سال ۹۲ وارد متن توافقات شد و همواره بر سر تعریف این واژه اختلاف وجود داشته است و اکنون باب مناقشه در این مورد به سود طرف مقابل بسته شده است.

۱۲. کل تحریم‌هایی که آمریکا در برجام متعهد شده است که اجرایشان را متوقف (به عبارت دیگر، تعلیق موقت) کند، تنها بخش‌های اندکی از قوانین تحریمی کنگره‌ی آمریکا را شامل می‌شود.[۱] (همین مسئله راجع به دستورات اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا هم صادق است که پیش‌ازاین توضیحات آن ذکر شد). یعنی با وجود این‌که از حوزه‌های اصلی تحریم در برجام به‌صورت کلی، نام برده شده است، اما مراجعه به لیست موارد ذکر شده در بند ۴ ضمیمه ۲ برجام (یعنی کل قوانین تحریمی مورد تعلیق)، نشان می‌دهد بخش‌های بسیار زیادی از قوانین تحریمی آمریکا، اصلاً در این لیست وجود ندارند. بر همین مبنا، کل امتیاز داده شده به ایران در حوزه‌ی تحریم‌های این توافق، از طرف مقامات آمریکایی به معنای حفظ کامل ساختار تحریم‌های آمریکا و تنها ارائه یک تخفیف تحریمی به ایران بیان شده است. بدین ترتیب، تنها بخش‌های اندکی از تحریم‌های آمریکا تعلیق خواهند شد. به‌عنوان مثال،

۱- از میان تحریم‌های کنگره آمریکا، کل بندهای تحریمی که در برجام از آن‌ها نام برده شده و قول توقف اجرایشان داده شده، عبارت‌اند از:

بخشی از قوانین مهمی که در توافق وین به آن‌ها پرداخته نشده (و تحریم‌های ناشی از آن‌ها کمافی‌السابق ادامه خواهند داشت)، در زیر آمده است:

- از کل قانون تحریمی CISADA (یکی از ۵-۴ قانون مهم تحریم ایران) تنها بخش ۱۰۴ (c)(2)(E)(ii)(I) (که هیچ ارتباطی به تحریم‌های اقتصادی کشور ندارد) جزء لیست تحریم‌های مورد بحث (تعلیق) در برجام ذکر شده و باقی بندهای این قانون (یعنی بیش از ۹۹٪ آن) بدون هیچ تغییری (حتی تعلیق موقت) برقرار باقی خواهند ماند؛ این موضوع موجب می‌شود تحریم‌های مختلف مندرج در این قانون (مانند تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، و تحریم‌های مالی بانکی ذکر شده در آن) مانند قبل از توافق بدون هیچ تغییری ادامه داشته باشد.
- از کل قانون تحریمی مهم NDAA 2012 فقط دو بخش ۱۲۴۵ (d)(1) و ۱۲۴۵ (d)(3) در لیست موردنظر برجام ذکر شده است، که با توجه به نیامدن بخش ۱۲۴۵ (d)(4) اثربخش بودن توقف اجرای همان دو بخش نیز زیر سؤال رفته است.
- قانون تحریم USA PATRIOT Act که قانون مهمی در حوزه‌ی تحریم‌های مالی و بانکی است، به‌صورت کامل باقی می‌ماند و مطابق برجام حتی یک بند آن‌هم تعلیق نخواهد شد. مطابق این قانون، بانک‌ها و مؤسساتی که با ایران (که به‌عنوان مصداق منطقه‌ی اول پول‌شویی توسط آمریکا شناخته می‌شود) تراکنش مالی داشته باشند، تحریم می‌شوند و امکان دسترسی آن‌ها به سیستم بانکی و مالی آمریکا سلب می‌شود.
- به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، بند d از بخش ۱۲۴۷ قانون IFCA کاملاً پابرجا مانده و حتی تعلیق هم نشده است. مطابق این بند، آمریکا به اعمال تحریم ثانویه علیه مؤسسات مالی غیر آمریکایی که با ایران تراکنش نفتی داشته باشند، می‌پردازد. یعنی اگر یک بانک خارجی در تراکنشی مربوط به پول نفت ایران حضور داشته باشد، مشمول تحریم خواهد شد.

ISA
Section 5(a)(1)
Section 5(a)(2)
Section 5(a)(3)
Section 5(a)(4)
Section 5(a)(5)
Section 5(a)(6)
Section 5(a)(7)
Section 5(a)(8)
CISADA
Section 104(c)(2)(E)(ii)(I)
NDAA 2012
Section 1245(d)(1)
Section 1245(d)(3)
TRA
Section 211(a)
Section 212(a)
Section 213(a)
Section 220
IFCA
Section 1244(c)(1)
Section 1244(d)
Section 1244(h)(2)
Section 1245(a)(1)(A)
Section 1245(a)(1)(B)
Section 1245(a)(1)(C)(i)(I)
Section 1245(a)(1)(C)(i)(II)
Section 1245(a)(1)(C)(i)(III)
Section 1245(a)(1)(C)(ii)(I)
Section 1245(a)(1)(C)(ii)(II)
Section 1245(a)(1)(C)(ii)(III)
Section 1245(c)
Section 1246(a)
Section 1247(a

■ به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، بخش ۲۱۷ قانون تحریمی TRA نیز به هیچ عنوان در برجام مورد اشاره قرار نگرفته و به‌صورت کامل برقرار هست. بر اساس بندهای مندرج در این بخش، تمام دارایی‌ها و اموال مؤسسات مالی ایران (با تأکید بر بانک مرکزی ایران) مصادره و مسدود می‌شود؛ همچنین هر موسسه مالی خارجی که به آن‌ها برای دور زدن تحریم کمک کند، تحریم خواهد شد. همچنین مطابق بخش ۵۰۲ از همین قانون، به دادگاه‌های آمریکا اجازه‌ی برداشت از این دارایی‌ها و سودهای آن‌ها داده می‌شود.

۱۳. از میان مواردی که به‌عنوان تحریم هسته‌ای در برجام (بند ۴ ضمیمه ۲) ذکر شده‌اند (یعنی کل بندهای مورد اشاره از تحریم‌های آمریکا در برجام) نیز بخش‌هایی هستند که مطابق ضمیمه ۵ هیچگاه (نه در روز اجرا و نه بعدازآن) تعهدی حتی مبنی بر توقف اجرای تحریمشان وجود ندارد. بند ۴٫۹ (تحریم کالاها و خدمات مرتبط به هسته‌ای، تحریم اعمالی بر مشارکت‌های مربوط به استخراج معدن، تولید و حمل و نقل اورانیوم، تحریم‌های اعمالی بر منع شهروندان ایرانی از تحصیل در مقاطع عالی در رشته‌های مرتبط) به‌طور کامل این گونه است. از تحریم‌های بند ۴٫۲٫۱ و ۴٫۴٫۱ ضمیمه ۲ نیز (مطابق بند ۱۷٫۱ ضمیمه ۵)، توقف اجرای تحریم‌های بند ۲۱۱ (a) قانون TRA استثنا شده است.[1]

۱۴. مطابق متن برجام، تخفیف تحریمی ارائه شده به ایران تنها شامل تحریم‌های ثانویه ایران می‌شود و تحریم‌های اولیه ایران به‌طور کامل دست نخورده باقی می‌مانند. این موضوع راجع به همه تحریم‌های مرتبط با کلیه اشخاص، شرکت‌ها و نهادهای آمریکا (هر شرکتی که بیش از ۵۰ درصد سهامدارانش یا تصمیم گیرانش آمریکایی باشند) صادق است.

۱۵. دولت آمریکا نسبت به توقف تحریم‌های ایالتی (فعلی و آینده) علیه ایران هیچ تضمینی نداده است.

■ گفتنی است گردش مالی برخی ایالت‌های آمریکا در سطح گردش کشورهای بزرگ دنیاست.

■ در حال حاضر ۲۹ ایالت آمریکا تحریم‌هایی علیه ایران دارند، و برخی ایالت‌ها مانند نیویورک و فلوریدا بعد از برجام اعلام کرده‌اند که تحریم‌های خود علیه ایران را حفظ نموده و تحریم‌های جدیدی را نیز اعمال خواهند کرد.

■ اهمیت این موضوع از آن جهت است که تحریم‌های ایالتی می‌تواند اثر برون‌مرزی جدی داشته باشد. به‌عنوان نمونه بهار ۹۱ شرکت خودروسازی نیسان به خاطر تهدید شهردار نیویورک مبنی بر جلوگیری از تأمین تاکسی‌های این شهر در صورت ادامه همکاری با ایران،

۱- البته در متن رسمی ترجمه فارسی برجام که به مجلس ارائه شده، برخلاف متن انگلیسی، در بند ۴/۴/۱ ضمیمه ۲، بند ۲۱۱ (a) قانون TRA ذکر نگردیده است.

از ایران خارج شد.

۱۶. برای مؤثر واقع شدن رفع تحریم‌های هر حوزه باید زنجیره‌ی تحریم‌های آن حوزه به‌طور کامل برداشته شود، اما در برجام این اتفاق نیفتاده است.

- گفتنی است در هر حوزه ابعاد و لایه‌های مختلف آن حوزه تحت تحریم واقع شده‌اند، که همه حلقه‌های این زنجیره باید باهم رفع شوند تا شاهد گشایش در آن حوزه باشیم. برای مثال زنجیره‌ی تحریم‌های مالی شامل این موارد است: تحریم ارزی، تحریم نهادهای مالی، نظارت‌های شدید بر تراکنش‌های بانکی، ایجاد مانع در دسترسی به دارایی‌ها (بلوکه یا مسدود کردن)، تحریم شبکه‌های انتقال الکترونیک پیام‌های مالی؛ اما در برجام این زنجیره گسسته نشده است. به‌عنوان مثال تحریم ارزی (دلار) یا نظارت‌های شدید بر تراکنش‌های بانکی حفظ شده است، که این موضوع موجب بر طرف نشدن تحریم‌های مالی بانکی است.
- در توافق ژنو نیز باقی ماندن همین زنجیره‌ی تحریم‌های مالی باعث شد آزادسازی ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های ایران نتواند در عمل فایده‌ای برای کشور داشته باشد (یعنی استفاده از این دارایی‌ها به واسطه این توافق آسان‌تر نگردد)

۱۷. مطابق تأکید برجام (پاورقی ۱۴ ضمیمه ۲ متن انگلیسی، پاورقی ۱۹ ضمیمه ۲ متن ترجمه فارسی) مواردی که به‌عنوان رفع تحریم یک حوزه در برجام ذکر شده‌اند، مانع اعمال تحریم‌های آن حوزه بر اساس سایر قوانین تحریمی ذکر نشده در برجام (یعنی بخش اعظم تحریم‌های آمریکا) نمی‌شود.

- گفتنی است در بسیاری از موارد، یک حلقه از زنجیره‌ی تحریم یک حوزه، در چند قانون مختلف آمریکا مورد تحریم واقع شده است، و تا بر طرف نشدن بندهای مربوط به آن در همه آن قوانین، برداشته شدن تحریم مربوطه در یک قانون نمی‌تواند در عمل تغییری در تحریم‌های آن حوزه ایجاد کند.

۱۸. بی‌توجهی و ناتوانی برجام در توقف تلاش آمریکا برای حفظ و تداوم فضای روانی سنگین تعامل با ایران، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل بی‌اثر کردن تخفیف تحریمی

- گفتنی است در مدت اجرای توافق ژنو که آمریکا متعهد به توقف برخی تحریم‌های خود شده بود، با بهانه‌های مختلف، اقدام به جریمه مالی طرف‌های فعالیت تجاری و اقتصادی با ایران نمود که موجب ایجاد فضای رعب و وحشت در تعامل اقتصادی با ایران شد و اثر آن تا مدت‌ها ادامه دارد. اکنون نیز در برجام راه‌های بهانه‌جویی و اعمال فشار باز گذاشته شده است، و با توجه به باقی ماندن برخی تحریم‌ها فضای ترس از جریمه‌های سنگین

نقض تحریم، برای طرف‌های تجاری و اقتصادی باقی‌ست.

■ به‌عنوان مثال با توجه به باقی ماندن تحریم فلزات یا اقلام با کاربری دوگانه، سیستم بانکی یا حمل و نقلی که می‌خواهد در زمینه تعاملات تجاری در حوزه‌های غیر تحریمی کار کند، همچنان از اینکه متهم به تعامل با ایران در حوزه‌های تحریمی و متحمل جریمه‌های سنگین مربوطه شود (چنان که در این سال‌ها بارها و بارها چنین اتفاقی از طرف آمریکا صورت گرفته)، می‌ترسد و از تعامل با ایران اجتناب می‌کند.

■ لازم به ذکر است لغو کلی تحریم‌های کشور می‌توانست این فضای روانی را تا حد زیادی بهبود بخشد؛ اما حتی با پذیرش تداوم بخش زیادی از تحریم‌ها (چنان که در برجام صورت گرفته)، این امکان وجود داشت که با اتخاذ تدابیر و اقداماتی فضای روانی منفی موجود کاهش یابد. به‌عنوان نمونه، الزام طرف غربی به صدور اطلاعیه از طرف نهادهای نظارتی مالی و پول‌شویی کشورهای غربی مبنی بر عدم جریمه پس از توافق یا مشخص کردن چند بانک برای تعامل اقتصادی تجاری با ایران و تضمین دادن به آن‌ها که در صورت چنین کاری مشمول جریمه نخواهند شد، می‌توانست از این فضای منفی بکاهد. هرچند که با توجه به ترس شدید موجود، ایده‌آل، الزام چند بانک به انجام امن تراکنش‌های مربوط به ایران بود.

۱۹. مسدود شدن راه راستی‌آزمایی وجود «اراده سیاسی» در طرف مقابل برای تخفیف تحریم‌ها در برجام، با توجه به این‌که عدم وجود اراده سیاسی، موجب بی‌اثر شدن تخفیف تحریم‌ها روی کاغذ می‌شود.

■ گفتنی است بسیاری از تحریم‌های ایران بدون این‌که قانونی در آن زمینه وجود داشته باشد و تنها به خاطر فشار سیاسی آمریکا و طرف غربی بر کشور اعمال شده بودند و موجب عدم همکاری شرکت‌ها با ایران گردیده بودند. برای مثال شرکای عمده ایران در صنعت خودروسازی، سال‌ها قبل از تصّویب قانون تحریمی مرتبط و به علت فشار سیاسی آمریکا و طرف غربی با ایران قطع همکاری کردند. در صورت عدم وجود اراده سیاسی، چنین تحریم‌هایی از جانب طرف غربی در حال حاضر (بعد از توافق) نیز ممکن است.

■ همچنین عدم وجود اراده سیاسی موجب می‌شود تحریم‌های برداشته‌شده، مجدداً به بهانه‌های دیگر وضع گردند، که شاهد چنین رویه‌ای در گذشته نیز بوده‌ایم. به‌عنوان مثال، درحالی‌که دادگاه اتحادیه اروپا رأی به نفع بانک‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی ایران داده و آن‌ها را از شمول تحریم‌ها خارج دانسته بود، اتحادیه اروپا همان بانک‌ها و شرکت‌ها را به بهانه‌ای دیگر مجدداً مشمول تحریم کرده بود. در حال حاضر برجام نیز راه انجام

چنین کاری توسط طرف مقابل را کاملاً باز گذاشته است.

■ این موضوع نشان می‌دهد تا زمانی که نسبت به وجود اداره سیاسی در طرف مقابل برای تخفیف تحریم‌ها اطمینان حاصل نکنیم، رفع تحریم‌ها روی کاغذ نمی‌تواند مشکلات تحریمی کشور را حل کند. یک راه اطمینان حاصل کردن از اراده سیاسی طرف مقابل، انجام گام به گام تعهدات دو طرف در برجام بود که متأسفانه چنین چیزی به هیچ وجه حاصل نشده و پیش از پی بردن به میزان اراده سیاسی طرف مقابل برای رفع تحریم‌ها، ایران مجبور به انجام کلیه تعهدات خود شده است.

۲۰. از بین تحریم‌هایی که در برجام به آن‌ها پرداخته شده، به جز بخش اندکی از دستورهای اجرایی رئیس جمهور آمریکا، مابقی موارد تحریمی آمریکا، اروپا و شورای امنیت، به هیچ عنوان لغو نمی‌شوند و با به کار بستن شگردهای مختلف، تنها تعلیق شده‌اند.

■ تعلیق تحریم‌ها (به‌جای لغو آن‌ها) ضمن حفظ بلاتکلیفی در فعالین اقتصادی، همواره سایه‌ی بازگشت آسان تحریم‌ها را باقی نگه می‌دارد، و لذا امکان ایجاد گشایش اقتصادی موردنظر را از کشور سلب می‌نماید. در چنین شرایطی شرکت‌ها و افراد فعال در حوزه‌های صنعتی و تجاری برای حضور در ایران با ریسک بالایی مواجه هستند. چراکه هر لحظه امکان بازگشت تحریم‌ها و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین از سوی طرف‌های غربی وجود دارد.

■ علاوه بر آن، قراردادها در حوزه‌های مهم صنعتی و تجاری، بلندمدت و چندین‌ساله هستند و در شرایط تعلیق، اساساً امکان عقد چنین قراردادهایی وجود ندارد.

■ گفتنی است مشکلات ناشی از تعلیق تحریم‌ها در توافق ژنو نیز مانع از امضای قرارداد جدیدی در حوزه‌های مختلف ازجمله کشتیرانی و خودروسازی شد.



واکاوی برجام؛ بررسی ابعاد و پیامدهای برجام در گزارش نمایندگان مجلس شورای اسلامی[1]

▫ گزارش کمیته تخصصی نمایندگان مجلس - مرداد ۱۳۹۴

جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌صورت داوطلبانه و در قالب کمیته بررسی تخصصی اولین گزارش کارشناسی خود را با عنوان «واکاوی برجام» منتشر کردند که در ادامه خواهد آمد.

با توجه به مفاد برجام در خصوص محدودیت‌های موردنظر بر برنامه هسته‌ای کشور، دورنمای قابل قبولی برای دستاوردهای علمی فنی هدفمند در راستای کسب اقتدار در حوزه هسته‌ای و رسیدن به خودکفایی در زمینه‌های بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حتی در آینده بسیار دور متصور نمی‌باشد.

کمیته بررسی تخصصی نمایندگان به‌صورت داوطلبانه و متشکل از نمایندگان متخصص در امور مختلف تشکیل شده و در اولین گزارش خود به واکاوی برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) پرداخته است. در این کمیته تخصصی نمایندگان متخصص در بخش‌های حقوقی، اقتصادی، جامعه‌شناسی، پزشکی هسته‌ای، شیمی هسته‌ای، فیزیک هسته‌ای، سیاسی، صنعت، انرژی، کشاورزی و علمیّ و فناوری حضور دارند.

واکاوی برجام

به نام خدا

مقدمه

روند صنعت هسته‌ای در ایران و تالی‌های خارجی و داخلی سیاسی و اقتصادی و ... آن در طی ۱۲ سال اخیر با رویکردهای ماهوی متفاوتی دنبال شده است. عده‌ای آن را بهانه‌ای برای

۱- تسنیم، کد خبر: ۸۱۲۳۷۸

غرب‌ها به جهت ایران هراسی و جنگ-طلب جلوه دادن جمهوری اسلامی در جهان می‌دانند و از سوی دیگر تأکید و تمرکز ملت و دولت ایران بر آن را سمبلیک و برخاسته از روحیه مقاومتی فرهنگ ملی کشور در برابر فشار بیگانگان می‌دانند.

دیدگاه دیگری در کشور تخاصم شش کشور قدرتمند اقتصادی-رسانه ای و نظامی دنیا با ایران بر سر موضوع هسته‌ای را یک سرپل برای ورود و زیاده‌خواهی در عناوین دیگری چون حوزه حقوق بشر، حمایت از گروه‌های مقاومت و توان دفاعی جمهوری اسلامی و... می‌دانند، لذا اعتقاد دارند آنچه که اکنون بر آن ایستادگی می‌شود، به مثابّه مرزهای خرمشهر و آبادان است که در صورت تثبیت حضور دشمن در این سرزمین‌ها احتمال اشغال و از دست رفتن دیگر نقاط سرزمینی حیات جمهوری اسلامی نیز محتمل است.

گروه سومی وجود دارد که ماهیت منازعه سیاسی-رسانه‌ای غرب با ایران در موضوع صنعت هسته‌ای را یک منازعه راهبردی در تثبیت ابرقدرتی جمهوری اسلامی در منطقه جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا می‌دانند. چراکه صنعت هسته‌ای علی الخصوص توانایی غنی‌سازی ۲۰ درصدی، یکی از بالاترین توانمندی‌های علمی-تکنولوژیک جهان صنعتی است که اکنون در انحصار کشورهای معدودی است و باشگاه هسته‌ای کشورهای جهان، متناظر کشورهای قدرتمند جهان است. لذا غرب تلاش می‌کند به هر شکلی که شده، از ورود کشور جمهوری اسلامی به این جرگه جلوگیری کند. بنابراین جمهوری اسلامی می‌بایست تمام تلاش خود را به کار گیرد تا این منبع قدرت درون‌زا و تهدیدزا در جمهوری اسلامی تثبیت شود.

جمهوری اسلامی در دهه چهارم حیات خود در عرصه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، ورزشی و ... توانسته حرکت رو به جلوی امیدوارکننده‌ای را در عین وجود تضییقات و فشارهای مختلف داشته باشد.

گزارش‌های متعدد، نهادهای بین‌المللی که مجبور به اعتراف بر پیشرفت جمهوری اسلامی در طی این سال‌ها شده‌اند، گویای این واقعیت است. البته این سخن ناقض مشکلات و نقایص برجای مانده از دوره طاغوت و یا معضلات برآمده از نگاه‌های تکنوکرات و غربگرایانه در حل مشکلات کشور نیست.

جمهوری اسلامی در آستانه چهل سالگی عمر خود با برجای ماندن علی‌رغم تمامی هجمه‌ها و ارتقاء در عرصه-های مختلف به الگوی بی‌بدیل پیشرفت بدون نیاز به آمریکا و غرب در چشم ملت‌های مسلمان مستضعف جهان شده است.

این بخش از جهان که اکثریت عددی و جمعیتی جهان را به خود اختصاص می‌دهد در طی دو قرن گذشته نبدیل بازار مصرف کالاهای کشورهای معدود غربی و منبعی از ذخایر طبیعی و

نیروی انسانی برای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی شده‌اند.
انقلاب اسلامی با حفظ یک منطق عملی ثابت بر چند اصل مشخص داخلی و خارجی توانسته است، این منطق و مکتب را در کشورهای متعدد جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا تسری دهد و در بحران بسیار پیچیده تکفیری-گری نقشی درخشان و غیرقابل انکار ایفا کند.
از سوی دیگر انسجام درونی ملت ایران بر این اصول و همدلی و هم زبانی دولت و ملت ایران در طی این سال‌ها خود به یک الگوی سیاسی در چشم ملت‌های مسلمان شده است.
در مقابل ناکامی دولت‌های غرب‌گرا در همین مدت زمانی در مصر، تونس، عربستان و امثالهم و سقوط دیکتاتورهای همسان محمدرضا شاه پهلوی در این کشورها، به علاوه بحران‌های اقتصادی-اجتماعی طویل-المدت در اروپا و آمریکا طی سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران را در یک مرحله جدید تاریخی قرارداده است. مرحله‌ای که در آن مکتب انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه) و راهبری مقام معظم رهبری (حفظه الله) به یک قدرت غیرقابل انکار در بین ملت‌های منطقه و برخی ملل جهان شده است.
ملت سوریه، ملت عراق یمن و ملت بحرین و مردمان فلسطینی علی الخصوص در غزه، مردمانی هستند که این مسیر را انتخاب کرده و در راه آن هزینه‌های اولیه را متقبل شده و افق‌های پیروزی برای آن‌ها روشن شده است.
قطعاً شروع این مسیر از وقوع انقلاب اسلامی آغاز شده است و تاکنون در یک سیر تدریجی فزاینده، با سرعت‌های مختلف به این نقطه رسیده است که نظام امنیتی-سیاسی و اقتصادی جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا به‌عنوان کانون انرژی جهان و مرکز اتصال قاره‌ها به یکدیگر، با محوریت و نقش آفرینی برجسته جمهوری اسلامی اداره می‌شود.
منطقه‌ای که چند ده سال است یکی از کانون‌های مهم چالش غرب و شرق بوده و بعد از جنگ سرد محل توجه ویژه دولت ایالات متحده و متحدان غربی و منطقه‌ای‌اش بوده است.
جبهه متحد و گسترده مخالفت و دشمنی با جمهوری اسلامی که از آغاز انقلاب تاکنون بر مسیر خود ثابت قدم حرکت کرده است، به رهبری آمریکا تلاش دارد تا مانع از محوریت و مرجعیت جمهوری اسلامی به زعامت حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای دامت برکاته، مقام عظمای ولایت در بین کشورها و ملت‌های منطقه شود.
دشمن غدّار ملت ایران در پس سال‌ها انواع و اقسام دشمنی، به دنبال شکستن اقتدار و قدرت جمهوری اسلامی در سطح داخلی و سطح منطقه‌ای است. بر اساس آن چه مقام معظم رهبری و حضرت امام خمینی رحمة الله علیه بارها فرموده‌اند، آمریکایی‌ها به دنبال به شکست کشاندن جمهوری اسلامی به دست خود جمهوری اسلامی هستند تا اینکه این الگوناپذیری

این ملت و مملکت تا قرن‌ها زبان زد تاریخ و ملت‌ها شود.
حضرت امام در پیامی که در همین ایام به مناسبت پذیرش قطع نامه ۵۹۸ صادرشده است می‌نویسند: «آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن‌وقت ممکن است جهان خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آن‌ها ولی و قیم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها، نه یک ایران با هویت ایرانی اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه‌تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند.»
حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم یکی از خواست‌های همیشگی عدالت‌خواهانه و مردم‌دارانه مقام معظم رهبری و حضرت امام رحمة الله علیه بوده است.
توجه و تأکیدی که هر دو بزرگوار بر قدرت گرفتن اقتصاد جمهوری اسلامی به‌عنوان مقدمه واجب استقلال حقیقی ملت ایران، مستندات قابل اعتنا و مهمی دارد.
اما دو نکته مهم در این معنا وجود دارد. اول عدم تنافر بهبود و ارتقاء معیشتی مردم با پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل و دوم ارجحیت بنیادین توجه به افق‌های اعلای حرکت اسلام و انقلاب اسلامی در اداره انسان در دنیا است.
امام خمینی در آخرین پیامی که به مناسبت نیمه شعبان در فروردین ماه سال ۱۳۶۸ مرقوم فرموده‌اند، تأکید می‌-کنند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنافداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.
مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»
برخی دیدگاه‌ها خواست مردم را امری غیر از آنچه جزو آرمان‌ها و اصول قطعی انقلاب اسلامی است، برمی‌شمارد، لذا ضمن صحه گذاشتن بر اهمیت دیدگاه‌های استکبارستیزانه در اندیشه

امام خمینی و ماهیت انقلاب اسلامی، عبور از دوره انقلابی به سمت دوره‌های جدید از حیات سیاسی-اقتصادی و اجتماعی کشور را زمینه‌ساز تغییر نظر مردم نسبت به این اصول ارزیابی می‌کنند لذا با سنگر گرفتن پشت عنوان خستگی مردم یا دل‌زدگی مردم نسبت به شعارهای انقلاب اسلامی خواستار تغییر رویه عمومی جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل و آمریکا هستند. اما مکرراً مقام معظم رهبری و همچنین مقام معظم رهبری در بیانات مختلف، پایبندی ملت نسبت به اسلام و انقلاب را در تراز کل تاریخ اسلام مثال‌زدنی می‌دانند و خود را قاصر و ناتوان در شکر این نعمت معرفی می‌کنند و از مسئولین می-خواهند با عمل به وظایف و دنبال کردن آرمان‌های اصیل انقلاب شکر گذار این نعمت عظیم الهی باشند.

امام در پیام به جنگ‌زدگان تحمیلی در سال ۶۸ به مناسبت نیمه شعبان می‌نگارند: «مردم عزیز ایران که حقاً چهره منوّر تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختی‌ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند.

چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دوَل دنیای امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند.

این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی شهادت میسر نیست. من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ‌کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.»

خستگی‌ناپذیری ملت ایران در پی‌جویی آرمان‌ها زمانی جلوه‌گر می‌شود که بیش از ۲۷۰ شهید دوران دفاع مقدس وارد تهران می‌شوند و جمعیت فوج فوج به استقبال شهدایی می‌آیند که در حمله به خاک عراق به شهادت رسیده‌اند و جنازه بسیاری از آن‌ها از خاک عراق برگشته است. چراکه این شهدا برای باز کردن راه کربلا رفته‌اند و چه باک که کسانی جمهوری اسلامی را متهم به تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ اسلامی کنند. ایران هیچ‌گاه به دنبال ایجاد تنش و چالش غیرمنطقی و هزینه زا برای مردم هیچ کشوری نبوده است ولی از روزهایی که سقوط

شاه برای آمریکایی‌ها و متحدان نفت خوار عرب معلوم شد، دشمنی‌ها با ملت ایران شدت گرفت و تاکنون نیز ادامه یافته است.
امام خمینی در پیامی که به مناسبت پذیرش پایان جنگ تحمیلی از مسیر قطع‌نامه ۵۹۸ مرقوم فرمودند نکته بسیار مهم و کلیدی‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مؤکداً بیان می‌کنند: «البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسّعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان استکبار ترویج نماییم.»
ناظران بی‌طرف و کم غرض نیز تصدیق می‌کنند، دشمنی آمریکا با ملت و دولت جمهوری اسلامی شاید طی سی و هفت سال، مصادیق مختلفی را به خود دیده است ولی همیشه بوده و هیچ‌گاه کاهش محسوس و قابل اعتنایی نداشته است، بلکه در برخی دوره‌ها به شدت افزایش پیدا کرده است. با توجه به اینکه خوی استکباری دولت ایالات متحده و کشورهای ابرقدرت در تمامی طول تاریخ معاصر و حتی تاریخ طواغیت عالم یکسان بوده و هست و خواهد بود، پس راه مقابله نیز راه واحدی است که ذیل زعامت امام معصوم علیه‌السلام و یا نائب او باید پیموده شود.
با توجه به اینکه امروزه ولی‌فقیه زمان شجاع‌ترین و مدبرترین فرد جامعه در اداره الهی و سیاسی جامعه است، لذا تعلل و فتور در حرکت جمهوری اسلامی خواستگاهش کم همتی و کم ارادگی برخی مسئولین است.
پرونده هسته‌ای یکی از معدود مصادیق تقابل راهبردی جمهوری اسلامی با نظام سلطه است و خارج کردن آن از این چارچوب تفهمّی، موجب اختلال و اعواج در فهم و تصمیم سازی برای مسئولین و کشور خواهد شد.
قانون اساسی در بند شانزدهم از اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، سیاست خارجی کشور یعنی رابطه ایران با کشورهای دیگر را به نحوی تنظیم نماید که با معیارهای اسلام منطبق باشد.
دولت در اجرای این سیاست مکلف شده است، برادری و یاوری خود را ارزانی همه مسلمانان کند و از حمایت مستضعفان جهان دریغ ندارد. البته دکترین برادری با مسلمانان و حمایت

از مستعضعفان جهان را نباید به معنای مداخله در امور داخلی کشورهای مسلمان و تحریک جنبش‌های رهایی‌بخش جهان گرفت، زیرا این دکترین (آموزه) در محدوده مقررات حقوق بین‌الملل به معنای آن است که جمهوری اسلامی می‌تواند همبستگی خود را با مسلمانان، از طریق پیوستن به اتحادیه‌ها یا پیمان‌هایی ظاهر سازد که به نحوی در تحقق این هدف دخیل‌اند؛ و حمایت خود را از مستضعفان به این صورت نشان دهد که در مجامع بین‌المللی مدافع

حقوق آنان باشد. در نتیجه جمهوری اسلامی اساساً نمی‌تواند به معاهداتی ملحق شود که ناقض این اهداف‌اند.

اصل ۱۵۲ باز بر این هدف تأکید نموده؛ «سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر اساس... دفاع از حقوق همه مسلمانان...» استوار کرده است. به موجب همین اصل، «نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور... و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دول غیر محارب» مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرارگرفته است؛ همچنان که به موجب بند ۸ از اصل ۴۳، جمهوری اسلامی ایران «برای تأمین استقلال اقتصادی ایران باید مانع سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور گردد». به همین جهت «عقد هر گونه قرارداد (معاهده) که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگی و ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است». (اصل ۱۵۳).

«هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است». بنابراین، جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها نباید سلطه بیگانگان را بر کشور بپذیرد، که باید از سلطه‌جویی نیز بپرهیزد و با سلطه‌گر در این طریق نیامیزد.

بدیهی است که مفاهیم سلطه‌جویی، سلطه‌پذیری، شأن ملی، دولت غیر محارب، استقلال و تمامیت ارضی، انتزاع بسیار دارند و دولت خود در مقام مجری قوانین نمی‌تواند تفسیر آن‌ها را به عهده گیرد. در مواردی، قانون اساسی خود به جنبه‌هایی از این مفاهیم اشاره کرده و حدود و دامنه آن‌ها را مشخص کرده است؛ چنانکه در اصل ۱۴۶، استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور را به معنای سلطه بیگانه و تعرض به استقلال و حاکمیت ملی گرفته، آن را «هرچند به‌عنوان (در جهت) استفاده‌های صلح‌آمیز باشد» ممنوع اعلام کرده است.

نتیجه‌ای که از این بحث می‌توان گرفت، آن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عقد پاره‌ای از معاهدات را به‌ویژه چنانچه موجب سلطه بیگانگان بر کشور گردد را مطلقاً ممنوع نموده است و در مواردی با در نظر گرفتن ممنوعیتی کلی، دولت را در صورتی مجاز به

انعقاد معاهده دانسته است که مجلس مضمون آن را از نظر گذرانده و تصویب کرده باشد. لذا، در معاهداتی نظیر «برجام»، شک نیست که اگر معاهده به تصویب مجلس نرسد، اعتبار ندارد.

الف - ملاحظات حقوقی برجام و قطعنامه

۱. ادبیات برجام و قطعنامه

اصولاً حقوق و به تعبیر بهتر اصول و ادبیات حقوقی به این هنظور بکار می‌رود که در موضوعات خاص حقوقی و الزاماتی که برای طرفین ایجاد می‌گردد؛ اولاً شفاف‌سازی کامل صورت گرفته و اراده طرفین بدون هیچ‌گونه کم و کاستی در متون مورد توافق آورده شود و دوما راه‌های گوناگون را برای برداشت‌های متفاوت و در نهایت راه را برای ایجاد اختلاف به بهانه عدم التزام به رعایت مفاد مورد توافق توسط اطراف توافق‌نامه ببندد.

اما آنچه که در ادبیات برجام و قطعنامه محسوس و مورد توجه هست، جدای از محتوا، منافذ گوناگونی است که به دور از ادبیات یک معاهده و توافقنامه چند جانبه هست که این امر علاوه بر ایجاد برداشت‌های گوناگون، همانند آنچه که در لوزان اتفاق افتاد، راه را برای سوء استفاده‌های گوناگون ازجمله اتهام زنی‌های جدید علیه کشورمان فراهم می‌آورد.

به‌عنوان مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

عدم توجه به تفاوت‌های تعلیق، توقف و لغو، به‌عنوان مثال ماده ۱۹ برجام بیان می‌دارد که بعد از انجام تعهدات ایران و راستی آزمایی آژانس اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا متوقف خواهد شد. همانگونه که شاهد هستیم از این عبارت لفظ تعلیق به ذهن متبادر می‌گردد.

همچنین در رابطه با تعلیق تحریم‌های آمریکا و لغو نشدن آن‌ها در این مرحله باید گفت، تعلیق، «ساختار تحریم‌ها» را حفظ می‌کند و در سند برجام، صرفاً قرار شده است دولت آمریکا در چارچوب اختیارات موجود، موانع ناشی از قوانین و ساز و کارهای موجودی را که مانع انتفاع ایران از تعلیق تحریم‌ها می‌شوند را در حد توان مرتفع نماید، اما تعهد قطعی داده نشده است.

متن اصلی برجام در این رابطه به شرح ذیل است: «چنانچه قانونی در سطح ایالتی یا محلی در ایالات متحده مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در این برجام شود، ایالات متحده، با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای مزبور اتخاذ خواهد نمود. ایالات متحده به‌طور فعال، مقامات در سطح ایالتی یا محلی را تشویق خواهد کرد که تغییرات در سیاست ایالات متحده منعکس شده در لغو تحریم‌های وفق این برجام را در نظر داشته و از اقداماتی که با این تغییر در سیاست همخوانی ندارد خودداری

نمایند».

این در حالی است که حد توان ایالات متحده آمریکا دارای چند وجه ازجمله همراهی کردن یا نکردن کنگره با دولت اوباما هست و از طرفی مشمول تغییر حزب حاکم و به تبع آن دولت فعلی هست که آینده لغو تحریم‌ها را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد. اما مطلب موردنظر اینجاست که آیا اقتضای ادبیات حقوقی این‌گونه است که یک دولت را تنها ملزم نماید که ساختار قانونی و مراجع سیاست‌گذاری را تشویق نماید که اقدامات مقتضی را در این راستا به انجام برساند.

۲. پذیرش اختیاری پروتکل الحاقی

با توجه به مصوبه مجلس مبنی بر الزام دولت بر حفظ دستاوردهای هسته‌ای و مصوبه منع دولت از اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، یکی از مهم‌ترین ملاحظات حقوقی که وجود دارد نادیده گرفته شدن این مصوبات و تن دادن به نظارت‌های آژانس بر اساس اجرای اختیاری پروتکل هست. چراکه تا قبل از این مصوبات، دولت‌ها این اختیار را داشتند که بدون مجوز و تصویب مجلس به‌صورت اختیاری پروتکل را اجرا نمایند و این مصوبه دقیقاً به این منظور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که اجرای اختیاری پروتکل با نظارت مجلس صورت گرفته و به ادبیات حقوقی پروتکل نیز همانند سایر تعهدات بین‌المللی و بر اساس اصول و مواد قانونی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

*** صرفاً جهت مطالعه**

در مورد استفاده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فن‌آوری‌های مدرن نظارتی و از دسترسی‌های توافق شده بیشتر، باید گفت در مفاد پروتکل الحاقی تمامی این موارد به تفصیل و با جزئیات بیان شده است. اساساً فلسفه پروتکل الحاقی که چیزی فراتر از معاهده NPT است، همان نظارت و بازرسی مضاعف و فراتر از قانون و عرف هست. به عبارتی پروتکل الحاقی عبارتست از استفاده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فن‌آوری‌های مدرن نظارتی و از دسترسی‌های بیشتر.

به‌عنوان مثال در ماده ۱۴ پروتکل این موارد ذکر شده است:

الف- کشورها باید از ارتباطات آزاد توسط آژانس برای اهداف رسمی بین بازرسان آژانس در دفتر مرکزی یا دفاتر منطقه‌ای آژانس، شامل انتقال اطلاعات حاصل از دستگاه‌های نظارتی یا وسایل اندازه‌گیری با حضور یا در غیاب بازرسان را مجاز و محافظت نمایند. آژانس در مشورت حق استفاده از سیستم‌های موجود بین‌المللی ارتباطات مستقیم، شامل سیستم‌های ماهواره‌ای و اشکال دیگر مخابرات که مورد استفاده نیستند، را دارد. به درخواست آژانس، جزئیات اجرای این بند در رابطه با انتقال اطلاعات حاصل از دستگاه‌های نظارتی یا وسایل اندازه‌گیری با حضور یا در غیاب بازرسان، باید در آیین‌نامه‌های اجرایی مشخص گردد.

ب- در مورد ارتباط و انتقال اطلاعات بر اساس بند الف فوق باید توجه کافی به ضرورت حفاظت از اطلاعات حساس تجاری یا اطلاعات طراحی دارای حساسیت ویژه به عمل آید.

۳. احاله لغو تحریم‌ها به سایر قوانین داخلی کشورها

یکی دیگر از تناقضات حقوقی برجام عدم شکل‌گیری تحریم‌های جدید مشروط بر مغایر نبودن با سایر قوانین موجود در کشورهای غربی هست. بعنوان مثال اگر چنانچه شخصی در ایران را نتوانند با اتهام دست داشتن در مسائل هسته‌ای تحریم نمایند به سراغ سایر قوانین ازجمله مسائل مرتبط با حمایت از تروریسم می‌روند همچنین می‌توان به عدم لغو تحریم‌های چند جانبه که عامل هسته‌ای و غیر هسته‌ای باهم منجر به تحریم شده‌اند اشاره نمود:

«گروه ۱+۵ هیچ تحریم یا اقدام محدودیت سازی را نسبت به افراد و یا نهادها به دلیل مبادرت به فعالیت‌هایی که مشمول لغو تحریم‌های مندرج در این برجام شده است، اعمال نخواهند کرد مشروط بر اینکه این فعالیت‌ها با سایر قوانین و مقررات جاری گروه ۱+۵ منطبق باشد»

به‌عنوان مهم‌ترین مصداق می‌توان به قوانین کنگره آمریکا اشاره نمود که علاوه بر اینکه می‌تواند توافق‌نامه موجود را بی‌اثر نماید، با تصویب قوانین گوناگون می‌تواند موجبات اعمال تحریم‌های جدید را فراهم آورد.

ب- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل

۱. رابطه برجام با قطعنامه و سیررسیدگی مراجع ذیصلاح داخلی

در این رابطه دو فرض محتمل وجود دارد؛ یکی اینکه قطعنامه هیچ رابطه‌ای با برجام ندارد که این فرض محال هست چراکه در همه‌جای قطعنامه به برجام اشاره شده و متن برجام به‌عنوان ضمیمه یک قطعنامه به تصویب شورای امنیت رسیده است.

در فرض دوم و ارتباط برجام با قطعنامه نیز دو امر محتمل هست؛ یکی اینکه با وجود قطعنامه، برجام الزام‌آور شده است و مراجع ذیصلاح داخلی نمی‌توانند بر روی آن بررسی لازم را انجام دهند. دوم علیرغم تصویب قطعنامه مراجع ذیصلاح داخلی قادر به بررسی و اظهار نظر نهایی در مورد آن می‌باشند.

بررسی مطلب اول: در صورتی که بپذیریم با تصویب قطعنامه، برجام الزام‌آور شده است، اولاً شأن مجلس را نادیده انگاشته و تمامی قوانین داخلی ازجمله اصول قانون اساسی بی‌اثر و کأن لم یکن تلقی می‌گردد و سؤال اساسی اینجا مطرح می‌شود که دولتمردان و تیم هسته‌ای چرا و چگونه حاضر شده‌اند که قوانین داخلی را در قطعنامه‌ای که در تهیه مفاد آن دخیل بوده‌اند نادیده بگیرند. و در این راستا باید بی‌قانونی صورت گرفته، برای افکار عمومی مورد واکاوی

قرار بگیرد.

بررسی مطلب دوم: در صورتی که بپذیریم با تصویب قطعنامه، برجام الزام‌آور نشده و نیازمند است که در مسیر رسیدگی داخلی قرار بگیرد. در این فرض عده‌ای قائل‌اند با وجود عدم پذیرش برخی از مفاد قطعنامه توسط تیم مذاکره کننده، مجلس نیز می‌تواند با قوت به شأن نظارتی خود بپردازد و در این راستا نگران مسئولیت‌های احتمالی بین‌المللی که ناشی از پذیرش از پیش قطعنامه توسط تیم مذاکره‌کننده نباشند، چراکه اگر چنانچه مسئولیتی هم متوجه ایران باشد این تیم مذاکره‌کننده است که با عدم رعایت الزامات حقوقی باید پاسخگو باشد.

اما تحلیل حقوقی که نبایستی از آن غفلت نمود این است که این قطعنامه علیرغم رفرنس‌های گوناگونی که به قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت داده است و موضوع آن‌ها ذیل ماده ۴۱ منشور قرارگرفته، که شامل سیاست‌های تنبیهی است، ذیل ماده ۲۵ منشور قرار دارد و درست است که دارای مسئولیت بین‌المللی است اما دارای جنبه توصیه‌ای و فاقد جنبه تنبیهی هست. لذا در بدترین شرایط اگر چنانچه مجلس متن برجام را مورد بررسی قرار داده و به فرض قطعنامه نقض گردد تنها یک قطعنامه توصیه‌ای نقض گردیده است که هیچ‌گونه جنبه تنبیهی ازجمله تحریم‌های جدید را شامل نمی‌شود.

از طرف دیگر ممکن است عده‌ای بیان نمایند که با بررسی مجلس و نقض مفادی از برجام پرونده هسته‌ای ایران مجدداً ذیل ماده ۴۱ منشور قرار می‌گیرد. اما پاسخی که در اینجا بیان می‌گردد این است که اولاً به دلیل اینکه متن برجام و قطعنامه مورد توافق بوده است علی القاعده بایستی مذاکرات مجدداً برای رفع ایرادات احتمالی مجلس از سر گرفته شود و اگر چنین نشود به نوعی قطعنامه جدیدی علیه ایران صادر نمی‌گردد و وضع به حالت سابق بازمی‌گردد.

لذا بررسی برجام به بن‌بست حقوقی نرسیده است و باید به این ملاحظه نیز توجه نمود که هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که حاضر باشد قوانین داخلی و قوه مقننه خود را در توافقات چند جانبه بین‌المللی نادیده بگیرد و به نظر می‌رسد تیم مذاکره کننده نیز از این امر مستثنی نمی‌باشند.

۲. تحلیل مفاد قطعنامه

۲.۱. علیرغم تأکید مذاکره‌کنندگان ایرانی مبنی بر حل موضوعات مربوط به گذشته بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قالب جداگانه که مورد توافق قرار گرفت، لکن در بند ۹ قطعنامه به‌صراحت ایران موظف شده است نقشه راه برای رفع ابهام مسائل گذشته و حال را به اجرا گذارد.

می‌توان گفت تقریباً یکی از موضوعات و شاید تنها موضوع باقیمانده از اختلافات گذشته موضوع ابعاد احتمالی نظامی PMD است. گنجاندن ضمنی این موضوع در قطعنامه شورای امنیت به نوعی مشروعیت بخشی به ادعاهای آژانس هست.

۲.۲. در قطعنامه برای لغو و یا تعلیق تحریم‌ها علاوه بر شروط برجام، شرط جدیدی به توافقات اضافه نموده است و آن اینکه طبق برنامه اجرایی برجام، همزمان با انجام تعهدات اساسی ایران و راستی آزمایی آژانس، تحریم‌ها لغو شود.

درحالی‌که در قطعنامه علاوه بر گزارش راستی آزمایی به کمیسیون مشترک، آژانس موظف است این گزارش را نیز به شورای امنیت ارسال نموده تا پس از آن تحریم‌های این شورا تعلیق گردد.

۲.۳. هرچند در بند ۵ قطعنامه، لغو تحریم‌ها در ازای گزارش راستی آزمایی آژانس قید شده، لکن در ادامه متن به‌صراحت معنای تعلیق به چشم می‌خورد. درواقع یکی از عناوین متن قطعنامه عبارتست از اعمال مفاد قطعنامه‌های پیشین و این عبارت عیناً همان معنای تعلیق است.

به نحوی که اگر چارچوب، ساختار و قوانین تحریم به‌طور کلی لغو می‌شد، دیگر بازگشت تحریم‌ها به‌صورت خودکار که در بند ۱۲ به آن اشاره شده عملی نبود. تصریح تعلیق تحریم‌های شورای امنیت نیز در قطعنامه به آن اشاره شده به‌طوری‌که بعد از گذشت یک بازه زمانی قطعنامه‌های پیشین لغو خواهد شد.

۲.۴. در این قطعنامه سیر نزولی اقدامات طرف‌های مقابل در برخورد با تحریم کاملاً مشخص است. درواقع همچنان که تحریم‌های شورا از لغو به تعلیق نزول پیدا کرد در برخی موارد از تعلیق به تعلیق ناقص یا اجرای ناقص قطعنامه‌های پیشین عقب‌نشینی شد.

در بند ۲۲ قطعنامه در خصوص مراودات و تبادلات فناوری هسته‌ای کشورها موظف‌اند اطلاع رسانی لازم را نسبت به این فعالیت‌ها به کمیته مربوطه که بر اساس قطعنامه ۱۷۳۷ تشکیل شده، انجام دهند.

علاوه بر این در قسمت C بند ۶ از بیانیه ضمیمه B در خصوص مسائل نظامی تصریح دارد که کشورها هنوز موظف‌اند نسبت به مسدود نمودن دارایی و اموالی افراد یا مؤسساتی که طبق کمیته قطعنامه ۱۷۳۷ تعیین شده‌اند، اقدام لازم را انجام دهند. درواقع نه‌تنها قطعنامه‌های پیشین تعلیق هم نشدند بلکه در مواردی هنوز معتبر و قابل استناد نیز می‌باشند.

۲.۵. یکی از راه‌های حل اختلاف در اجرای برجام تشکیل کمیسیون مشترک و ارجاع موارد اختلاف به این کمیسیون است. فارغ از اینکه در خود این کمیسیون نحوه رأی‌گیری و ترکیب

اعضاء کاملاً محل تأمل است، قطعنامه شورای امنیت به کشورها اجازه می‌دهد در صورتی که عدم پایبندی اساسی طرفی را احراز نمودند، اختلاف را به این شورا ارجاع نمایند. نکته قابل توجه این است در حالی که چنین کمیسیونی برای حل اختلاف پیش‌بینی شده، منظور از عدم پایبندی اساسی به تعهدات چیست؟

درواقع ملاک تشخیص این شرط برای ورود موضوع به شورای امنیت چه خواهد بود.؟ مهم‌تر از این موضوع، ضمانت اجرای ناعادلانه‌ای است که در بندهای ۱۲ و ۱۳ قطعنامه در نظر گرفته شده است. به‌گونه‌ای که چنانچه گزارشی از عدم پایبندی یکی از طرف‌ها به شورای امنیت ارائه گردد، شورا موظف است پیشنویس قطعنامه‌ای را مبنی بر اجرای قطعنامه‌های تحریمی گذشته تهیه کند و چنانچه ظرف ۳۰ روز مهلت قانونی، قطعنامه جدید تصویب نشود، تمامی قطعنامه‌های پیشین خود به خود اجرا خواهد شد.

به عبارتی این نوع از ضمانت اجرا راه را برای مراجعه ایران به شورای امنیت از پیش بسته قرارداده است. در فرض عدم پایبندی طرف‌های مقابل ایران به تعهدات خود، چنانچه اختلاف مذکور در کمیسیون مشترک حل و فصل نشود، ایران می‌تواند موضوع را طبق بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه به شورای امنیت ارجاع نماید. نتیجه‌ای که این محکمه برای ایران خواهد داشت، بازگشت تمامی تحریم‌های قبلی ایران است.

این چه منطق حقوقی است که بزه دیده خود باید متحمل مجازات شود. از طرفی ایران به تعهدات خود عمل کرده و از طرفی هم باید به واسطه عدم انجام تعهدات طرف‌های دیگر، مشمول تحریم‌های پیشین شود.

۲.۶. یکی از موارد ورود قطعنامه به ماهیت حقوقی برجام، اعطای اعتبار حقوقی به تصمیمات کمیسیون است. در مواردی که کشورها طبق برجام برای مبادلات و مراودات مربوط به فناوری هسته‌ای با ایران موظف‌اند از کمیسیون مشترک مجوز اخذ کنند، قطعنامه شورای امنیت توصیه‌های این کمیسیون را ذیلّ ماده ۴۱-منشور لازم الاجرا تلقی نموده است. همچنین علاوه بر اخذ مجوز از کمیسیون، کشورها می‌بایست این نوع از تبادلات را نیز به اطلاع شورای امنیت برسانند.

۲.۷. بند ۲۰ قطعنامه به‌صورت شفاف امنیت اقتصادی و تجاری ایران را هدف قرارداده است. در این بند، تصریح شده است کمیسیون مربوطه باید رویه‌هایی را برای کسب اطمینان از جزئیات کامل مراودات و تبادلات مربوط به فناوری هسته‌ای در نظر گرفته و اجرا نماید و این الزام بدین معناست که کمیسیون مشترک می‌بایست در تمامی مراحل یک تبادل علمی، فناوری که از جانب ایران با هر کشوری انجام می‌شود، حضور و اطلاع کامل داشته باشد.

به عبارتی اطلاع از مذاکرات، توافقات، شروط، نحوه تبادلات و... که درواقع علاوه بر امنیت اقتصادی، عزت ملی را نیز خدشه‌دار کرده است.

۲.۸. اصل استثناء بودن ایران نه فقط در نظارت و بازرسی، بلکه در اصل موضوع توافق به‌طور کامل گنجانده شده است. علاوه بر تصریح به این موضوع در برجام، در بند ۲۷ قطعنامه نیز عیناً به استثناء بودن قطعنامه یا برجام اشاره شده و علم حقوق بین‌الملل را از اخذ روش و رویه در اصول خود از این توافق منع نموده است.

۲.۹. یکی از نوآوری‌های قطعنامه به اذعان مذاکره‌کنندگان که البته در افکار عمومی به آن پرداخته نشده و توسط منابر علمی در دانشگاه‌ها مطرح می‌گردد، موضوع بیانیه ضمیمه B این قطعنامه بوده که بیان می‌دارد، بالاخره تحریم‌های نظامی که در قطعنامه‌های قبلی به‌صورت مطلق قید شده بود در این بیانیه محدود به زمان شده و این موضوع یک قدم به جلو است.

علیرغم اینکه مسئولین مربوطه این بیانیه را لازم الاجرا نمی‌دانند و آن را نپذیرفتند، لکن بر فرض پذیرش این پیشرفت ذکر شده باید گفت در قطعنامه‌های نظامی پیشین ایران به هیچ وجه محدودیت‌ها را نپذیرفت و به اقدامات نظامی خود نیز ادامه داد.

ایران در اینجا نه‌تنها قطعنامه را پذیرفته بلکه باید برای برخی فعالیت‌های نظامی شورای امنیت را مطلع سازد. در غیر این صورت مسؤولیت بین‌المللی خواهد داشت. هرچند ذیل فصل ۷ نباشد.

۲.۱۰. موضوع تحقیق و توسعه مخصوصاً در ابعاد نظامی ایران در بیانیه این قطعنامه محدود شده است. بر فرض پذیرش ایران نسبت به اطلاع‌رسانی به شورای امنیت در خصوص مراودات نظامی، در بندهای ۴ و ۵ بیانیه تصریح شده اقدام ایران در هر تبادل یا مراوده نظامی حتی در حوزه تحقیق، آموزش و مشاوره باید به اطلاع شورای امنیت رسیده باشد. و این عبارتست از مخدوش نمودن استراتژی ایران در منطقه.

۲.۱۱. بند ۷ این بیانیه نیز درواقع روح حاکم بر همان قطعنامه ظالمانه ۱۹۲۹ است. به نحوی که در خصوص بازرسی محموله‌های مشکوک در قطعنامه ۱۹۲۹ شرایط خاصی برای ایران وضع شده بود و این اعطای حق به کشورها به نوعی عزت ایران را مخدوش و برخی دشمنان منطقه را جری نمود.

علیرغم تأکید قطعنامه جدید مبنی بر تعلیق قطعنامه‌های پیشین، لکن در بند ۷ بیانیه ضمیمه مجدداً موضوع بازرسی از محموله‌ها و کالاها تصریح شده و به‌جای استفاده از عبارت مشکوک، از عبارت دلایل معقول استفاده نموده است. تا صرف هر بهانه‌ای مبنی بر دلایل

معقول، توجیه مناسب را برای بازرسی فراهم آورد.

ملاحظاتی برمحور تحریم‌های اقتصادی برجام و انطباق آن با خطوط قرمز نظام

با توجه به لزوم بررسی انطباق سند برجام با خطوط قرمز تعریف شده نظام در شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی، ملاحظاتی در رابطه با محور تحریم‌های اقتصادی برجام ارائه می‌شود.

مطابق خطوط قرمز نظام، رفع تحریم‌ها در سند برجام باید مبتنی بر چهار ویژگی زیر انجام شود:

۱. تمامی تحریم‌های اقتصادی با تأکید بر تحریم‌های بانکی و مالی باید در روز امضای توافق برداشته شود.

۲. تحریم‌ها باید یکجا برداشته شود و نه به‌طور ناقص.

۳. تحریم‌ها باید لغو شود و نه تعلیق.

۴. لغو تحریم‌ها باید منوط به اجرای تعهدات ایران و راستی آزمایی آن از سوی آژانس نباشد.

به عبارت دیگر از آنجا که ایران (همانند طرف مقابل) حق وتو نداشته و امکان بازگشت‌پذیری سریع بعد از اجرای تعهدات ندارد (بر خلاف سرعت بازگشت‌پذیری تحریم‌ها)، باید همزمان با تعهد حقوقی ایران به توافق نهایی، تحریم‌ها به‌طور یکجا برداشته شود.

بعد از بیانیه لوزان یکی از انتقادات به تیم هسته‌ای عبور از این خطوط قرمز بود. متن فکت‌شیت آمریکا و بیانیه لوزان حاکی از تعلیق تدریجی تحریم‌های آمریکا و اروپا و آن‌هم بعد از اجرای تعهدات ایران و راستی آزمایی آژانس بود. در آن زمان تیم ایران با اتکا به تفسیر خود از بیانیه لوزان بر گزینه لغو تحریم‌ها تأکید می‌کرد و منتقدین را به سوء برداشت از متن متهم می‌کرد. اما متأسفانه بررسی محور تحریم‌ها در سند برجام نشان می‌دهد تمامی ایرادات وارد بر بیانیه لوزان و فکت‌شیت آمریکا در این سند اصلاح نشده و به عبارت دقیق‌تر متن توافق نهایی در راستای فکت‌شیت آمریکایی‌ها تدوین شده است:

الف- تحریم‌های سازمان ملل

* طبق ماده ۱۸ برجام و ماده ۱۸ ضمیمه ۵ آن، با صدور قطعنامه‌ای که متن توافق نهایی را تأیید می‌کند (در روز انطباق Adoption Day)، بعد از اینکه اجرای تعهدات ایران از سوی آژانس انرژی اتمی راستی آزمایی شد (در روز اجرا)، اجازه لغو آتی قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل (شامل قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹) صادر می‌شود. البته این لغو به گونه‌ای طراحی خواهد شد که امکان بازگشت‌پذیری در صورت نقض تعهدات ایران را داشته باشد.

* ماده ۱۲ قطعنامه جدید به‌گونه‌ای طراحی شده که امکان بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل با کوچک‌ترین بهانه‌گیری آمریکایی‌ها در قبال تعهدات ایران، عملی است و با مانع وتو چین و روسیه نیز مواجه نخواهد شد. (عملاً تحریم‌های سازمان ملل تعلیق می‌شود و نه لغو).
* مطابق مواد ۲۳ و ۲۴ ضمیمه پنجم برجام، ده سال بعد سازمان ملل در صورت اجرای کامل تعهدات ایران محدودیت‌ها و شرایط بازگشت‌پذیری تحریم‌ها حذف شده و پرونده ایران عادی خواهد شد.

نوع تحریم	روز امضا (Finalisation)	روز پذیرش: ۹۰ روز بعد (Adoption)	روز اجرا/ نتایج راستی آزمایی: پاییز ۹۴ (Implementation)	روز انتقال: ۸ سال بعد (Transition)	روز خاتمه: ۱۰ سال بعد (Termination)
انسداد دارایی	×	×	لغو مشروط	لغو مشروط	لغو
اقلام و فناوری هسته‌ای	×	×	×	لغو مشروط	لغو
تسلیحات	×	×	×	سال پنجم لغو	لغو
موشکی	×	×	×	×	لغو

علامت ضربدر به منزله استمرار تحریم است.

ب- تحریم‌های اتحادیه اروپا

* بر اساس ماده ۱۹ برجام و ماده ۱۴ ضمیمه دو آن، تحریم‌های اروپا علیه ایران بعد از اجرای تعهدات ایران (ماده ۱۵ ضمیمه ۵) و راستی آزمایی آژانس تعلیق می‌شود. در بند ۱۶ و ۲۰ ضمیمه پنجم (Annex V) توضیح داده می‌شود که ساختار تحریم‌های اروپا (Council Decision 2010 /413 /CFSP) تعلیق می‌شود و مقررات اجرایی آن (Council Regulation No 267/ 2012) آن‌هم نه یکباره بلکه به‌طور تدریجی لغو می‌گردد.
* تعلیق بخش زیادی از تحریم‌های اروپا به ۸ سال بعد موکول شده است. بر اساس ماده ۲۰ ضمیمه ۵ برجام، تحریم سوئیفت بانک‌های ایران (بند ۱.۱.۴ ضمیمه دوم) ۸ سال بعد تعلیق می‌شود. همچنین نام ۲۲۰ شخص حقیقی و حقوقی (مندرج در فهرست Attachment ۲ ضمیمه دو) ۸ سال بعد (هنگامی که آژانس انرژی اتمی صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای را اعلام کرد) از لیست تحریم خارج می‌شود.

به عبارت دیگر نهادهایی نظیر بانک انصار، بانک صادرات، بانک مهر و شرکت تایدواتر همچنان تا ۸ سال بعد تحت تحریم انسداد دارایی اروپا باقی می‌مانند. به طریق مشابه

تحریم‌های اروپا در موضوعات مهم فناوری‌های و اقلام حساس، هسته‌ای یا دومنظوره، خدمات مالی برای فلزات پایه نظیر آلومینیوم، نرم‌افزارهای صنعتی و تسلیحات که (بندهای ۱.۵.۲ + ۱.۶.۱ + ۱.۷ + ۱.۸ از ضمیمه دوم) تا ۸ سال بعد (روز انتقال) باقی می‌ماند.

* براساس ماده ۲۰ برجام، تحریم‌های اروپا ۸ سال بعد (هنگامی که آژانس انرژی اتمی صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای را اعلام کرد) لغو می‌شود.

نوع تحریم	روز امضا (Finalisation)	روز پذیرش: ۹۰ روز بعد (Adoption)	روز اجرا/ نتایج راستی آزمایی: پاییز ۹۴ (Implementation) (ماده ۱۶ ض۵)	روز انتقال: ۸ سال بعد (Transition) (ماده ۲۰ ض۵)	روز خاتمه: ۱۰ سال بعد (Termination) (ماده ۲۵ ض۵)
انسداد دارایی (ماده ۱.۹ ض۲)	×	×	تعلیق ۳۳۷ شخص	تعلیق ۲۲۰ شخص و لغو ۳۳۷ قبلی	لغو باقیمانده تعلیقی‌ها
بانکی، مالی و بیمه (ماده ۱.۱ ض۲)	×	×	تعلیق	لغو	
سوئیفت (ماده ۱.۱.۴ ض۲)	×	×	×	تعلیق	لغو
نفت، گاز و پتروشیمی (ماده ۱.۲ ض۲)	×	×	تعلیق	لغو	
کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل و نقل (ماده ۱.۳ ض۲)	×	×	تعلیق به جز حمل و نقل اقلام نظامی و خدمات بانکری کشتی	تعلیق سایر	لغو باقیمانده تعلیقی‌ها
طلا، اسکناس (ماده ۱.۴ ض۲)	×	×	تعلیق	لغو	
اقلام و فناوری هسته‌ای (ماده ۱.۵ ض۲)	×	×	اصلاح متناسب با تحریم‌های سازمان ملل	تعلیق	لغو
فلزات پایه (ماده ۱.۶ ض۲)	×	×	×	تعلیق	لغو
نرم افزار (ماده ۱.۷ ض۲)	×	×	×	تعلیق	لغو
تسلیحات (ماده ۱.۸ ض۲)	×	×	×	تعلیق	لغو
سایر (ماده ۱.۱۰ ض۲)	×	×	تعلیق	لغو	

علامت ضربدر به منزله استمرار تحریم است -

ج- تحریم‌های آمریکا

* بر اساس ماده ۲۱ سند برجام و ماده ۴ ضمیمه دو آن تحریم‌های آمریکا بعد از اجرای تعهدات ایران (ماده ۱۵ ضمیمه ۵) و راستی آزمایی آژانس تعلیق می‌شود. در بند ۴ بخش تحریم‌های آمریکا ضمیمه دو(Annex II) توضیح داده می‌شود که منظور از تعلیق تحریم‌ها در رابطه با قوانین کنگره است که در بندهای ۴.۱ تا ۴.۹ همان بخش توضیح داده شده است.

* طبق ماده ۱۷ ضمیمه ۵ برجام، دستورهای اجرایی (۱۳۵۷۴، ۱۳۵۹۰، ۱۳۶۲۲، ۱۳۶۴۵ و بندهای ۱۵ و ۵ تا ۷ دستور ۱۳۶۲۸) که کاملاً در اختیار رئیس جمهور آمریکاست و البته دارای

همپوشانی با تحریم‌های کنگره است (فاقد ارزش اقتصادی است) بعد از اجرای کامل تعهدات ایران و راستی آزمایی آژانس لغو می‌شود.

* بر اساس ماده ۲۲ سند برجام، آمریکا متعهد می‌شود تا بعد از راستی آزمایی تعهدات ایران از سوی آژانس، بدون تغییر تحریم‌های اولیه آمریکا مجوز موردی در موضوعات فروش هواپیمای مسافربری و قطعات آن و تجارت فرش و مواد غذایی با ایران را بدهد.

* بر اساس مواد ۱۷ و ۲۱ ضمیمه ۵ برجام ۴۳ شخص مندرج در فهرست ۴ ضمیمه ۲ برجام در روز انتظار (Transition Day) یعنی ۸ سال بعد از لیست سیاه تحریم خارج می‌شوند.

همچنین برخی اشخاص که در هیچ‌کدام از فهرست شماره ۳ و ۴ برجام نیستند، کماکان (حتی بعد از ۸ سال) در لیست تحریم‌های آمریکا باقی می‌مانند که ازجمله بانک انصار و مهر و شرکت تایدواتر است. نکته مهم اینکه تحریم‌های ثانویه این اشخاص نیز به دلیل توضیح پانوشت شماره ۱۰، ۱۶ و ۱۷ ضمیمه ۲ منوط به خارج شدن از لیست است و بدین ترتیب پابرجا خواهد ماند.

* بر اساس ماده ۲۳ تحریم‌های ثانویه هسته‌ای آمریکا (موضوع برجام) بعد از ۸ سال از اجرای تعهدات ایران لغو خواهد شد. البته این لغو نیز یک تعهد نیست بلکه آمریکا متعهد شده که برای لغو این تحریم‌ها تلاش کند (ممکن است نشود و کنگره قبول نکند)! بر اساس ماده ۲۱ ضمیمه پنجم برجام هم همین موضوع تأکید شده که حتی بعد از گذشت ۸ سال (روز انتقال) نیز آمریکا متعهد به لغو تحریم‌ها نیست و صرفاً تلاش خواهد کرد تا از طریق تعامل با کنگره این اقدام واقع شود.

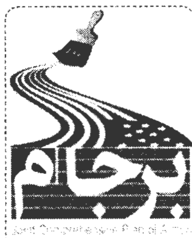
* تحریم‌های اولیه آمریکا یعنی تحریم‌های مستقیم آمریکا علیه اشخاص ایرانی بدون تغییر باقی خواهد ماند. تحریم‌های موضوع تروریستی و حقوق بشر هم به قوت خود باقی است. حتی در روز انتقال نیز هیچ تغییری برای برخی اشخاص ایرانی نظیر بانک مهر و انصار که به دلیل هسته‌ای در لیست انسداد دارایی و به تبع آن تحریم ثانویه قرار دارند صورت نگرفته است (نادیده گرفته شده‌اند). بنابراین چنانچه قوانین مربوط به تحریم‌های ثانویه آمریکا به هر دلیل باقی بماند، این اشخاص نیز تحت تحریم ثانویه خواهند ماند.

جمع‌بندی

همانطور که مشاهده شد در سند برجام تمامی خطوط قرمز نظام در بخش تحریم‌ها نادیده گرفته شده است:

۱- تحریم‌های آمریکا و اروپا تعلیق می‌شود و نه لغو. لغو تحریم‌ها بعد از ۸ سال اجرای تعهدات

ایران و اطمینان غرب از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای انجام خواهد شد!
۲- تعلیق تحریم‌های فوق یک‌باره نیست. تحریم‌های آمریکا و اروپا در دو مقطع یعنی «اجرا» (احتمالاً دی‌ماه) و «انتقال» (۸ سال بعد) کاهش می‌یابد.
تعلیق تحریم‌ها حتی در مقطع «اجرا» یک‌باره نیست و باز تدریجی است و سکوت برجام در این زمینه مجوز تفسیر تدریجی بودن را داده است. طرف مقابل (وزیر خزانه‌داری و وزیر خارجه آمریکا) تأکید کردند تعلیق تحریم‌ها در «مرحله اجرا» یک‌باره نیست و تدریجی خواهد بود.
۳- تعلیق تحریم‌های فوق منوط به اجرای تمامی تعهدات ایران (تعهدات موضوع پیوست یک برجام) و راستی آزمایی آن از سوی آژانس است. به عبارت دیگر ایران شروع کننده و ریسک‌پذیر است و هیچ یک از اقدامات ایران متناظر با اقدامات طرف مقابل نیست.



تحلیل و نقد جامع برجام[۱]

■ پایگاه رجانیوز

کاهش و رفع تحریم‌ها، بهانه و دلیل اصلی دولت یازدهم برای مذاکره با آمریکا و کشورهای ۱+۵ بود و پس از اعلام توافق جامع ایران با ۱+۵ و صدور قطعنامه ۲۲۳۱، رئیس‌جمهور و وزارت خارجه برداشته شدن تحریم‌های ظالمانه را یکی از دستاوردهای این توافق و قطعنامه عنوان کرده و این را برای دولت و ملت یک پیروزی بزرگ دانستند.

به گزارش رجانیوز، با سپری شدن تب ناشی از فضاسازی‌های تبلیغاتی و کاذب درباره توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۱، تأمل دقیق و ارزیابی مسئولانه این دو سند که در روند حرکت کشور نقش تاریخی و سرنوشت سازی خواهند داشت، ضرورتی انکارناپذیر است. بی‌تردید تصمیم‌گیری صحیح و مبتنی بر حجت شرعی در صورتی برای مسئولان کشور و نمایندگان ملت ممکن خواهد بود که آگاهی و اشراف خدشه ناپذیری بر محتوای این دو سند داشته باشند. امروز علاوه بر آزمایش و تکلیف الهی که پیش روی همه قرار دارد، تاریخ نیز اتفاقی را ثبت خواهد کرد که ملاک قضاوت آیندگان درباره ما خواهد بود؛ همانگونه که ما درباره تاریخ گذشته قضاوت می‌کنیم. در این نوشته تلاش شده است به این وظیفه الهی و تاریخی عمل شود.

مقدمه

آنچه در سرآغاز متن برنامه جامع مشترک اقدام جلب توجه می‌کند و سؤال‌های گوناگونی را به ذهن متبادر می‌سازد، این است که ایران در پیشگاه ۱+۵ که خودشان دارای سلاح هسته‌ای و تعداد زیادی کلاهک هسته‌ای و تسلیحات کشتار جمعی هستند و در این زمینه متهم هستند و باید به

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۱۹۷۸۱

ایران و جهان پاسخ بدهند، متعهد می‌شود که تحت هیچ شرایطی به دنبال بمب هسته‌ای نرود!
Iran reaffirms that under no circumstances will **Iran ever seek, develop or acquire any nuclear weapons.**

با نگاهی به متن برنامه جامع مشترک اقدام (JCPOA) و متن قطعنامه ۲۲۳۱، به نظر می‌رسد سازوکارهایی که آمریکا و ۱+۵ در این دو سند گنجانده‌اند، بسیار حساب شده و آینده‌نگرانه است؛ به‌گونه‌ای که تعهدات و محدودیت‌های ایران به دقت ترسیم شده و باید در زمان مقرر انجام شود ولی تعهدات طرف مقابل غالباً به‌صورت مبهم و مشروط به راستی آزمایی آژانس ذکر شده است. به علاوه اینکه اصل «همزمانی» در اجرای متقابل تعهدات در برنامه جامع مشترک اقدام و قطعنامه رعایت نشده است.

قطعنامه ۲۲۳۱ حداقل تا ۱۰ سال پس از تاریخ پذیرش برنامه جامع مشترک اقدام برقرار است؛ در حالی که دوره زمانی برنامه جامع مشترک اقدام ۸ سال است، یعنی حتی پس از اجرای ۸ ساله برنامه جامع مشترک اقدام توسط ایران، قطعنامه ۲ سال دیگر ادامه دارد تا از ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اطمینان حاصل کند.

نکته مهم دیگر این است که برای این دو سند «زمان پایان» وجود ندارد. در برنامه جامع مشترک اقدام بر «اجرای کامل» و «اجرای موفق» تأکید شده که معیار روشنی و قطعی برای آن‌ها وجود ندارد و حتی در صورت اجرای کامل و موفق برنامه جامع مشترک اقدام، منجر به اعتماد شورای امنیت به ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران نخواهد شد و عادی شدن پرونده ایران در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داشت.

زیرساخت‌های قوانین تحریم اروپا و آمریکا و بستر قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت نیز حفظ خواهد شد تا در زمانی که به تشخیص هر یک از کشورهای ۱+۵ لازم باشد، دوباره برای تنبیه ایران به کار گرفته شوند.

بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱، تعهدات ایران در برنامه جامع مشترک اقدام، جنبه بین‌المللی پیدا کرده و همه‌ی کشورها باید در مناسبات خود با ایران نسبت به مفاد این قطعنامه پایبند باشند.

نکته کلیدی دیگر این است که ایران باید تمام درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرد و دست آژانس برای هر نوع درخواستی باز است و ایران ملزم است که به‌طور کامل با آژانس همکاری نماید تا آژانس درباره راستی آزمایی فعالیت‌های ایران اظهار نظر کند.

در بند عملیاتی ۲۷ قطعنامه تأکید شده است که ساز وکار برنامه جامع مشترک اقدام فقط مختص ایران است و سایر کشورها می‌توانند طبق حقوق و تکالیف خود در NPT عمل کنند و به‌صراحت ایران یک استثنا در مناسبات بین‌المللی معرفی شده است؛ لذا به نظر می‌رسد

آمریکا و ۵+۱ علاوه بر محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که به ایران تحمیل کرده‌اند، از هیچ فرصتی برای «تحقیر جهانی ایران» صرف نظر نکرده و نخواهند کرد:

27. Decides that all provisions contained in the JCPOA are only for the purposes of its implementation between the E3 /EU+3 and Iran and should not be considered as setting precedents for any other State or for principles of international law and the rights and obligations under the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons and other relevant instruments, as well as for internationally recognized principles and practices

بر مبنای برنامه جامع مشترک اقدام و قطعنامه ۲۲۳۱، برنامه هسته‌ای از این پس دیگر «حقی» برای ایران نیست بلکه «مجوّزی» تعریف شده، محدود و کنترل شده از سوی قدرت‌هاست. طبق قطعنامه ۲۲۳۱ و برنامه جامع مشترک اقدام، ایران حق غنی‌سازی و تحقیق و توسعه‌ی غنی‌سازی ندارد؛ مگر در مواردی که اجازه داده شده است:

Iran envisions that this JCPOA will allow it to move forward with an exclusively peaceful, indigenous nuclear programme, in line with scientific and economic considerations, in accordance with the JCPOA, and with a view to building confidence and encouraging international cooperation. In this context, the initial mutually determined limitations described in this JCPOA will be followed by a gradual evolution, at a reasonable pace, of Iran's peaceful nuclear programme, including its enrichment activities, to a commercial programme for exclusively peaceful purposes, consistent with international non-proliferation norms.

The E3 /EU+3 envision that the implementation of this JCPOA will progressively allow them to gain confidence in the exclusively peaceful nature of Iran's programme. The JCPOA reflects mutually determined parameters, consistent with practical needs, with agreed limits on the scope of Iran's nuclear programme, including enrichment activities and R&D. The JCPOA addresses the E۳ /EU+3's concerns, including through comprehensive measures providing for transparency and verification.

A: 1. Iran's long term plan includes certain agreed limitations on all uranium enrichment and uranium enrichment-related activities including certain limitations on specific research and development (R&D) activities for the first 8 years, to be followed by gradual evolution, at a reasonable pace, to the next stage of its enrichment activities for

exclusively peaceful purposes, as described in Annex I. Iran will abide by its voluntary commitments, as expressed in its own long-term enrichment and enrichment R&D plan to be submitted as part of the initial declaration for the Additional Protocol to Iran's Safeguards Agreement.

در مقدمه برنامه جامع مشترک اقدام، ماهیت برنامه‌ی هسته‌ای ایران از «صنعتی» به «تجاری» تغییر یافته است؛ لذا به نظر می‌رسد از این پس منطق حاکم بر وجود و توسعه فعالیت‌ها و تأسیسات هسته‌ای ایران منحصراً «نیاز عملی و بالفعل» و «صرفه‌ی اقتصادی» خواهد بود و نه موضوعاتی چون «خودباوری علمی»، «پیشرفت صنعتی» و «بازدارندگی». در نتیجه عملاً بسیاری از فعالیت‌های هسته‌ای یا اکنون تعطیل و برچیده می‌شوند و یا در آینده حذف و برچیده خواهند شد و عملاً برنامه‌ی هسته‌ای فقط برای «ویترین» و «حفظ آبرو» در مواردی با توافق و اجازه‌ی ۱+۵، ادامه خواهد یافت که فقط برای کشور هزینه خواهد داشت.

آینده تحریم‌ها

از متن این دو سند چنین فهم می‌شود که زیرساخت و ریل گذاری تحریم علیه ایران چه در اروپا در قالب «Council Decision»، چه در آمریکا در قالب «قوانین کنگره» و چه در شورای امنیت در قالب قطعنامه‌های قبلی حفظ خواهد شد. لذا درواقع تحریم‌ها تعلیق می‌شوند و نه لغو؛ و تعلیق تحریم‌ها، تدریجاً و مشروط به راستی آزمایی آژانس خواهد بود. به علاوه بحث کاسته شدن فشار تحریم‌ها و تعلیق آن‌ها صرفاً شامل موارد مرتبط با هسته‌ای ایران بوده و غالباً در حوزه دستورالعمل و مقررات اجرایی و خاتمه دادن به اجرای مفاد، خواهد بود. چنانچه در برنامه جامع مشترک اقدام (JCPOA) ملاحظه می‌شود:

The JCPOA will produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear programme, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy

18. The UN Security Council resolution endorsing this JCPOA will terminate all provisions of previous UN Security Council resolutions on the Iranian nuclear issue - 1696 (2006), 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008), 1835 (2008), 1929 (2010) and 2224 (2015) simultaneously with the IAEA-verified implementation of agreed nuclear-related measures by Iran and will establish

19. The EU will terminate all provisions of the EU Regulation, as subsequently amended,

implementing all nuclear-related economic and financial sanctions, including related designations, simultaneously with the IAEA-verified implementation of agreed nuclear-related measures by Iran as specified in Annex V, which cover all sanctions and restrictive measures in the following.

21. The United States **will cease** the application, and will continue to do so, in accordance with this JCPOA of the sanctions specified in Annex II to take effect simultaneously with the IAEA-verified implementation of the agreed nuclearrelated measures by Iran as specified in Annex V. Such sanctions cover the following areas as described in Annex II:

نکته اساسی درباره‌ی تحریم‌های آمریکا این است که دولت آمریکا در خصوص رفع تحریم‌های ثانویه‌ی آمریکا که وزن عمده را از مجموعه‌ی تحریم‌ها دارند، تعهد قطعی نداده است. بر اساس ماده ۲۳ برنامه جامع مشترک اقدام و ماده ۲۱ ضمیمه ۵ برنامه جامع مشترک اقدام، آمریکا متعهد به لغو تحریم‌های ثانویه هسته‌ای آمریکا (موضوع برنامه جامع مشترک اقدام) بعد از ۸ سال از اجرای تعهدات ایران نیست. آمریکا متعهد شده که برای لغو این تحریم‌ها از طریق تعامل با کنگره تلاش کند. با توجه به اینکه تحریم‌های ثانویه کنگره آمریکا صرفاً هسته‌ای نیست، احتمال بسیار ناچیزی برای لغو این تحریم‌ها وجود دارد:

21. The United States will:

Seek such legislative action as **may be appropriate to terminate**, or modify to effectuate the termination of, the statutory sanctions set forth in Sections 1-4.5, 4.7 and 4.9 of Annex II;

تعلیق تحریم سوئیفت اروپا نیز تا حداقل ۸ سال بعد (روز انتقال) و حداقل ۱۰ سال بعد (روز خاتمه قطعنامه شورای امنیت) می‌تواند امتداد داشته باشد؛ چنانچه در صفحه ۱۴ قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است:

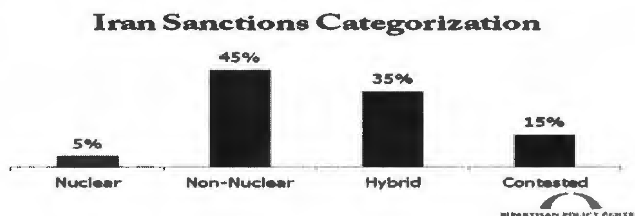
The EU will terminate all provisions of the EU Regulation, as subsequently amended, implementing all nuclear-related economic and financial sanctions, including related designations, simultaneously with the IAEA-verified implementation of agreed nuclear-related measures by Iran as specified in Annex V, which cover all sanctions and restrictive measures in the following areas, as described in Annex II:

iv. Supply of specialised financial messaging services, including **SWIFT**, for persons and entities set out in Attachment I to Annex II, including the Central Bank of Iran and Iranian

financial institutions;

سایر تحریم‌های به بهانه اتهام تروریسم، پولشویی، امنیت ملی و نقض حقوق بشر آمریکا باقی می‌ماند؛ بلکه به اذعان بسیاری از مقامات آمریکا، تحریم‌ها روی این موضوعات منتقل گردیده و این تحریم‌ها تشدید خواهد شد تا محملی برای تحمیل خواسته‌های آمریکا و غرب به ایران باشد.

توجه به نمودار ذیل وزن تحریم‌های غیرهسته‌ای را به‌خوبی نشان می‌دهد:



بازگشت‌پذیری تحریم‌ها

طبق ماده ۱۸ ضمیمه ۵ برنامه جامع مشترک اقدام، تحریم‌های سازمان ملل (قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹) بعد از اینکه اجرای تعهدات ایران از سوی آژانس انرژی اتمی راستی آزمایی شد (در روز اجرا)، خاتمه می‌یابد. البته خاتمه تحریم‌ها مشروط است و امکان بازگشت‌پذیری در صورت نقض تعهدات ایران را دارد:

18.1. In accordance with the UN Security Council resolution endorsing this JCPOA, the provisions imposed in UN Security Council resolutions 1696 (2006), 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008), 1835 (2008), 1929 (2010) and 2224 (2015) will be terminated subject to re-imposition in the event of significant non-performance by Iran of JCPOA commitments, and specific

ماده ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ به گونه‌ای طراحی شده که امکان بازگشت سریع همه تحریم‌های سازمان ملل با کوچک‌ترین بهانه‌گیری آمریکایی‌ها و هر یک از کشورهای ۱+۵ در قبال تعهدات ایران، عملی است. با اعتراض یک کشور از ۱+۵ به عدم اجرای تعهدات ایران در برنامه جامع مشترک اقدام، در فاصله حداکثر ۶۰ روز، با طی کردن مسیر ظاهری، رجوع به کمیسیون‌های کارشناسان، وزرای خارجه، مشورتی و سرانجام رجوع به شورای امنیت، تمام

تحریم‌ها بازمی‌گردد.
نکته عجیب این است که به نظر می‌رسد نتیجه فرایندهای طراحی شده در بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قطعنامه ۲۲۳۱ این خواهد بود که چنانچه ایران به عدم اجرای تعهدات برنامه جامع مشترک اقدام توسط طرف غربی اعتراض کند، باید همان مسیر کمیسیون‌ها و شورای امنیت را طی کند و با توجه به اینکه این ۵ کشور طرف مقابل اعضای دائمی شورای امنیت هستند و حق وتو دارند، سرانجام عملاً تحریم‌ها علیه ایران بازمی‌گردد؛ یعنی عدم اجرای تعهد طرف مقابل و اعتراض ایران، موجب تنبیه ایران خواهد شد!

11. Decides, acting under Article 41 of the Charter of the United Nations, that, within 30 days of receiving a notification by a JCPOA participant State of an issue that the JCPOA participant State believes constitutes significant non-performance of commitments under the JCPOA, it shall vote on a draft resolution to continue in effect the terminations in paragraph 7 (a) of this resolution, decides further that if, within 10 days of the notification referred to above, no Member of the Security Council has submitted such a draft resolution for a vote, then the President of the Security Council shall submit such a draft resolution and put it to a vote within 30 days of the notification referred to above, and expresses its intention to take into account the views of the States involved in the issue and any opinion on the issue by the Advisory Board established in the JCPOA;

12. Decides, acting under Article 41 of the Charter of the United Nations, that, if the Security Council does not adopt a resolution under paragraph 11 to continue in effect the terminations in paragraph 7 (a), then effective midnight Greenwich Mean Time after the thirtieth day after the notification to the Security Council described in paragraph 11, all of the provisions of resolutions 1696 (2006), 1737 (2006), 1747 (2007), 1803 (2008), 1835 (2008), and 1929 (2010) that have been terminated pursuant to paragraph 7 (a) shall apply in the same manner as they applied before the adoption of this resolution, and the measures contained in paragraphs 7, 8 and 16 to 20 of this resolution shall be terminated, unless the Security Council decides otherwise;

13. Underscores that, in the event of a notification to the Security Council described in paragraph 11, Iran and the other JCPOA participants should strive to resolve the issue giving rise to the notification, expresses its intention to prevent the reapplication of the

provisions if the issue giving rise to the notification is resolved, decides, acting **under Article 41** of the Charter of the United Nations, that if the notifying JCPOA participant State informs the Security Council that such an issue has been resolved before the end of the 30-day period specified in paragraph 12 above, then the provisions of this resolution, including the terminations in paragraph 7 (a), shall remain in effect notwithstanding paragraph 12 above, and notes Iran's statement that if the provisions of previous resolutions are applied pursuant to paragraph 12 in whole or in part, Iran will treat this as grounds to cease performing its commitments under the JCPOA;

سازوکار طراحی شده در توافق وین و قطعنامه ۲۲۳۱ برای بازگشت‌پذیری تحریم‌ها، به نحو سهل و سریع در دسترس ۵+۱ و آمریکا قرار دارد. در حالی که بازگشت‌پذیری فعالیت‌های هسته‌ای و روند پیشرفت قبلی ایران، با توجه به برچیده شدن زیرساخت‌های اصلی و آسیب دیدن منابع انسانی در هاله‌ای از ابهام است.

میزان رعایت خطوط قرمز نظام در موضوع تحریم‌ها

طبق بیانات مقام معظم رهبری، خطوط قرمز نظام عبارت‌اند از:

۱. تمامی تحریم‌های اقتصادی باید رفع شود و نه بخشی از تحریم‌ها.

۲. تحریم‌های بانکی و مالی باید در روز امضای توافق برداشته شود و نه در زمان‌های آتی.

۳. تحریم‌ها باید یکجا برداشته شود و نه به‌طور تدریجی.

۴. تحریم‌ها باید لغو شود و نه تعلیق.

۵. لغو تحریم‌ها باید همزمان و متناظر با شروع اجرای تعهدات ایران باشد و نه بعد از اتمام تعهدات و راستی آزمایی آژانس.

اما آنچه با بررسی سند برنامه جامع مشترک اقدام و قطعنامه ۲۲۳۱ به دست می‌آید؛ عبارت است از:

۱- تحریم‌ها لغو نمی‌شوند بلکه بخشی از تحریم‌ها که مرتبط با هسته‌ای هستند، «تعلیق تدریجی مشروط به راستی آزمایی» می‌شوند.

۲- هیچ‌یک از تحریم‌های سازمان ملل، اروپا و آمریکا در روز امضا رفع نمی‌شود.

۳- تعلیق تحریم‌های فوق یک‌باره و تدریجی و در مقاطع مختلف است. (روز اجرا، روز انتقال و ...)

۴- تحریم‌های آمریکا و اروپا تعلیق می‌شود و نه لغو.

۵- تعلیق تحریم‌های فوق منوط به اجرای تمامی تعهدات ایران (تعهدات موضوع پیوست

یک برنامه جامع مشترک اقدام) و راستی آزمایی آن از سوی آژانس است. به عبارت دیگر ایران شروع کننده و ریسک‌پذیر است و هیچ‌یک از اقدامات ایران متناظر با اقدامات طرف مقابل نیست.

آینده صنعت هسته‌ای ج.آ. ایران

- غنی‌سازی

■ غنی‌سازی محدود در ایران در چارچوب زمانی برنامه جامع مشترک اقدام مجاز بوده و بعد از این دوره زمانی باید مذاکرات جدیدی برای غنی‌سازی در ایران انجام شود. طبق برنامه بلندمدت، برای ۱۵ سال، فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی ایران فقط در نطنز و در سطح کمتر از ۳.۶۷ درصد انجام می‌شود.

28. Iran will keep its level of uranium enrichment at up to 3.67 percent for 15 years.

■ غنی‌سازی ۵ و ۲۰ درصد در فردو تعطیل می‌شود. سایت فردو تغییر ماهیت می‌دهد و از یک سایت غنی‌سازی به یک سایت تحقیقاتی با ۲ زنجیره سانتریفیوژهای IR-۱ تبدیل می‌شود و زیرساخت‌های مازاد بر این، از فردو برچیده می‌شود. به مدت ۱۵ سال، ایران در فردو، فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و تحقیق و توسعه مربوط به غنی‌سازی اورانیوم نخواهد داشت و هیچ‌گونه مواد هسته‌ای نگهداری نخواهد کرد.

■ ایران ذخیره اورانیوم غنی‌شده خود را تا حد ۳۰۰ کیلوگرم با غنای تا ۳.۶۷ درصد نگاه خواهد داشت. ۹۷۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده مازاد ایران نیز یا تا سطح اورانیوم طبیعی رقیق می‌شود و یا فروخته شده و در ازای آن اورانیوم طبیعی (!) تحویل گرفته می‌شود. (Annex I-۵۶, ۵۷ برنامه جامع مشترک اقدام)

- سانتریفیوژ

• در طی سال ۱۰ ایران شروع به «از رده خارج کردن» سانتریفیوژ IR-1 خواهد کرد!

A: 2. Iran will begin phasing out its IR-1 centrifuges in 10 years.

• ایران بعد از سال ۸.۵ از برجام صرفاً می‌تواند با سانتریفیوژهای IR-8 و IR-6 زنجیره‌های کوچک و میانی (دارای حداکثر ۳۰ ماشین) ایجاد نماید.

• نکته کلیدی این است که زنجیره‌های کوچک و میانی توانایی غنی‌سازی صنعتی ندارند و این غنی‌سازی در حد تحقیقاتی خواهد بود که مقصود از آن جمع کردن مواد غنی شده نیست بلکه هدف آن آزمایشگاهی است.

37. Iran will continue testing of the IR-6 on single centrifuge machines and its

intermediate cascades and will commence testing of up to 30 centrifuge machines from one and a half years before the end of year 10. Iran will proceed from single centrifuge machines and small cascades to intermediate cascades in a logical sequence.

38. Iran will commence, upon start of implementation of the JCPOA, testing of the IR-8 on single centrifuge machines and its intermediate cascades and will commence the testing of up to 30 centrifuges machines from one and a half years before the end of year 10. Iran will proceed from single centrifuges to small cascades to intermediate cascades in a logical sequence.

- طبق بند A-4 برنامه جامع مشترک اقدام، ایران در صورتی که نیاز عملی بالفعل داشته باشد (are needed) می‌تواند نسبت به تولید IR-6 و IR-8 اقدام کند.

4. As Iran will be phasing out its IR-1 centrifuges, it will not manufacture or assemble other centrifuges, except as provided for in Annex I, and will replace failed centrifuges with centrifuges of the same type. Iran will manufacture advanced centrifuge machines only for the purposes specified in this JCPOA. From the end of the eighth year, and as described in Annex I, Iran will start to manufacture agreed numbers of IR-6 and IR-8 centrifuge machines without rotors and will store all of the manufactured machines at Natanz, under IAEA continuous monitoring until they are needed under Iran's long-term enrichment and enrichment R&D plan.

بعد از سال ۸ اجرای برجام، از سال ۸ تا ۱۰ ایران مجاز است صرفاً سالانه ۲۰۰ ماشین IR-8 و IR-6 بدون روتور بسازد. بعد از سال ۱۰ ایران مجاز است سانتریفیوژهای کامل را با همین نرخ (حداکثر ۲۰۰ تا در سال از هر کدام) برای نیازهای غنی‌سازی و نیازهای تحقیق و توسعه غنی‌سازی (طبق برنامه توافق شده) بسازد. ایران این ماشین‌ها را در نطنز در محلی در روی زمین و تحت نظارت مستمر آژانس تا وقتی که آن‌ها برای سرهم‌بندی طبق برنامه‌ی غنی‌سازی و تحقیق و توسعه‌ی غنی‌سازی مورد نیاز شوند (Annex I-K63 برنامه جامع مشترک اقدام).

- رآکتور آب سنگین

■ ایران به‌طور دائم از داشتن رآکتور آب سنگین محروم می‌شود و رآکتور کنونی آب سنگین اراک (که تجربه سوخت سازی و آزمایش‌های رآکتور را به کشور می‌دهد) به رآکتوری تحقیقاتی با نصف توان گذشته (از ۴۰ مگاواتی به ۲۰ مگاواتی) تبدیل می‌شود. همچنین محفظ فولادی

با گرید هسته‌ای در رآکتور آب سنگین اراک بیرون کشیده شده و با بتن پر می‌شود.

- تأسیسات رآکتور آب سبک بدون غنی‌سازی و با تأمین سوخت از طریق خرید از خارج کشور خواهد بود.
- محدود شدن تولید پولوتونیوم و محرومیت دائمی از استفاده از این محصول در صنایع راهبردی هسته‌ای، پزشکی، فضایی و...

سوخت هسته‌ای

- ج.ا. ایران به‌طور دائمی و نامحدود از تولید قرص سوخت، میله‌ی سوخت و مجتمع سوخت با اورانیوم طبیعی که در رآکتور آب سنگین مورد استفاده قرار می‌گیرد، محروم خواهد شد.
- کارگروه فنی که کمیسیون مشترک برای توانمندسازی ایران برای سوخت هسته‌ای تشکیل داده است، «معیارهای فنی عینی» را تعریف می‌کند. آژانس نیز فرایند ساخت هر نوع سوخت در ایران را پایش می‌کند تا با معیارهای کارگروه فنی منطبق باشد. (Annex I-59 برنامه جامع مشترک اقدام)
- پس از مصرف سوخت ۲۰ درصد موجود در رآکتور تحقیقاتی تهران (TRR)، ایران باید هر گونه سوخت اضافی مورد نیاز برای رآکتور تحقیقاتی تهران را از بازارهای جهانی خریداری کند (A-۷ برجام). محموله‌های سوخت برای رآکتور تهران ۵ کیلویی است که بعد از تأیید مصرف مورد قبول آن توسط آژانس، ۵ کیلوی بعدی قابل تحویل به ایران است (Annex I-60 برنامه جامع مشترک اقدام). البته تجربه بیانیه تهران و بحث تبادل سوخت نشان می‌دهد که چون تولید و معامله این میزان سوخت ۲۰٪ غنی شده برای هیچ کشوری مقرون به صرفه نیست، کسی حاضر با انعقاد قرارداد با ایران نمی‌شود. ضمن اینکه بحث همزمانی تبادل سوخت هم مطرح است.
- در انتهای بند A-7 برجام، گفته شده است که پس از عملیاتی شدن بانک سوخت آژانس در قزاقستان ایران نیاز خود به سوخت را می‌تواند از این بانک تأمین کند. که به نظر می‌رسد با ایجاد بانک سوخت نیاز و حق غنی‌سازی در کشور اساساً انکار شود.

بازفرآوری

ایران به مدت ۱۵ سال، و بدون داشتن قصدی برای بعدازآن (محرومیت دائمی)، وارد فعالیت‌های مربوط به بازفرآوری سوخت مصرف شده یا فعالیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه بازفرآوری سوخت مصرف شده نخواهد شد. ایران سوخت‌های مصرف شده را با

رعایت قوانین ملی سایر کشورها به بیرون کشور می‌فرستد.
تعطیلی درازمدت تولید سانتریفیوژ و قطعات و تجهیزات غنی‌سازی و ... موجب تعطیلی بسیاری از کارخانه‌های صنعت هسته‌ای و از دست رفتن نیروهای انسانی متخصص فعال در این حوزه می‌گردد.

وضعیت موشکی و تسلیحاتی ایران

در بند ۳ و ۴ از ضمیمه B قطعنامه ۲۲۳۱ (صص ۹۹- ۱۰۰) حداقل برای ۸ سال فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک برای ایران ممنوع است و فعالیت‌های موشکی ایران تحت رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) مجاز خواهد بود. تحریم‌های تسلیحاتی نیز حداقل تا ۵ سال دیگر ادامه دارد و بعدازآن نیز صرفاً با مجوز شورای امنیت و در سازوکار تعریف شده این شورا، همکاری تسلیحاتی با ایران ممکن خواهد بود. خرید کلیه اقلام با کاربرد دوگانه صرفاً از کانال کمیسیون ویژه بین‌المللی و با کسب مجوز «مورد به مورد» از شورای امنیت سازمان ملل ممکن خواهد بود. ایران در هر جای دنیا باید اجازه بازرسی محموله‌هایش را به کشورها بدهد و کشور فروشنده نیز متعهد است که نظارت نماید تا این اقلام در زمینه‌های مجاز در ایران استفاده شود.
دو ادعایی که دولت درباره قطعنامه شورای امنیت مطرح می‌کند این است که اولاً- این قطعنامه خطر موجود در قطعنامه ۱۹۲۹ را از کشور رفع کرد؛ ثانیاً- کشور را از ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد خارج کرد. متأسفانه باید گفت که هر دو ادعای فوق نادرست است؛ چراکه اولاً، قطعنامه ۲۲۳۱ در مواردی از قطعنامه ۱۹۲۹ بدتر است؛ ازجمله استمرار بیشتر تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی در ۲۲۳۱ و عدم به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی در ۲۲۳۱ در حالی که ۱۹۲۹ حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت می‌شناسد ولی خواستار تعلیق آن و حل و فصل مسائل با آژانس می‌شود. ثانیاً، در قطعنامه ۲۲۳۱، ۱۰ مرتبه به ماده ۴۱ فصل ۷ منشور اشاره شده و امکان رفتن تحت ماده ۴۲ فصل ۷ منشور به دلیل نقض قطعنامه توسط ایران کاملاً قابل تصور است.

فصل چهارم: خسارت محض

«برجام از منظر مقامات آمریکایی»



پلمب تجهیزات هسته ای نطنز در دی ماه ۱۳۹۲

اشاره:

یکی از راه‌های دستیابی به تحلیلی دقیق از برجام، مراجعه به اظهارات طرف مقابل و اهداف بیان شده از سوی آن‌ها است. طرف مقابل نیز تحلیل‌هایی از عملکرد خود و ایران ارائه می‌دهد که برخی از این تحلیل‌ها «نه همه آن‌ها» قابل تأمل است. در این اظهارات طرف مقابل پرده از اهداف و برنامه‌های خود برمی‌دارد. او هرچند به همه اهدافش دست نیابد، اما نقشه راه خود و نیز مطلوبیت‌هایش را بیان می‌کند. تأمل در این سخنان کمک می‌کند به عمق اهداف دشمن پی برده و تحلیلی واقعی‌تر از صحنه داشته باشیم.

جنس برخی از این اظهارات، سیاسی و جنس برخی دیگر راهبردی است. از مجموع این گفته‌ها می‌توان به نگاه طرف مقابل دست یافت که چه می‌خواهد و الان خود را در چه وضعیتی می‌بیند. برخی اظهاراتی که در ادامه از سوی مقامات آمریکایی می‌آید، مربوط به چهره‌های سیاسی و حاکمیتی نیست، تا شبهه‌ی سیاسی کاری و مبالغه در دستاوردها را ایجاد کند، بلکه از منظر یک تحلیل‌گر آمریکایی و فارغ از اغراض سیاسی، ایراد شده است.

از سوی دیگر تطبیق برخی از این گفتارها با واقعیت خارجی نشان‌دهنده‌ی میزان صحت و انطباق پذیری واقعی آن‌ها است. آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند به فلان اهداف دست یافته‌ایم و در پی ادامه این مسیر با چنان مختصاتی هستیم. ما نیز در واقعیت می‌بینیم این سخنان تا حدودی جامه‌ی عمل به تن کرده است. امریکا اهداف و برنامه‌های خود را پنهان نکرده است و الان در حال عمل به همان چیزی است که پیش‌ازاین گفته بود.

مقام معظم رهبری بارها تذکر دادند که دشمن در حال برنامه‌ریزی‌های جدی برای امتیازگیری گسترده در مذاکرات هسته‌ای است و نباید از اهداف و برنامه‌های آن‌ها غافل شد، با وجود این تذکرات، اگر کسی مستند به سخنان آمریکایی‌ها، نقد یا تذکری را متوجه مذاکره‌کنندگان می‌کرد با حمله و تلخی روبرو می‌شد. اما با گذشت زمان کمی از برجام بسیاری از آنچه آمریکایی‌ها بیان کرده بودند، تحقق یافت.



سخنرانی اوباما پس از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای[1]

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در جلسه سخنرانی خود در کاخ سفید درباره جمع‌بندی توافق هسته‌ای درباره مسئله هسته‌ای ایران گفت:

دیروز یک روز تاریخی بود. توافق درازمدت فراگیری که ما با متحدان و شرکایمان برای جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای به دست آوردیم نمایش قدرتمند رهبری و دیپلماسی آمریکا بود. این توافق نشان داد زمانی که از موضع قدرت و اصول رهبری کنیم، زمانی که جامعه بین‌المللی را حول یک هدف مشترک متحد کنیم و مصمم باشیم که مسائل را به‌صورت صلح‌آمیز حل و فصل کنیم به چه دستاوردهایی می‌رسیم. همانطور که روز گذشته گفتم مهم است که مردم آمریکا و کنگره فرصتی کامل برای بررسی این توافق داشته باشند. این فرایند اکنون آغاز شده است و من پیش‌ازاین با رهبران هر دو حزب اصلی در کنگره گفتگو کرده‌ام. تیم امنیت ملی من ارائه گزارش‌های مفصل درباره این مسئله را آغاز کرده‌اند من انتظار دارم که این گفتگوها و بحث‌هایی که دراین‌باره صورت می‌گیرد بسیار گسترده و قوی باشد و باید هم اینگونه باشد چراکه این‌یک مسئله مهم است. سیاست‌های امنیت ملی ما زمانی که موردبررسی دقیق و شفافیتی که دموکراسی می‌طلبد، قرار گیرد قوی‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

اعمال محدودیت‌های شدید و بازرسی‌های بی‌سابقه

همانطور که روز گذشته گفتم جزییات این توافق بسیار مهم است. درست به این دلیل است که تیم من به شدت و برای مدت طولانی در این زمینه کار کرده است تا بتوانیم به این توافق

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۴۲۳۰۰۱۱۵۸

به نحو درست دست پیدا کنیم. همزمان با این‌که این توافق ادامه دارد امیدوارم که نگاه خود را از تصویر بزرگ‌تر یعنی از فرصتی که این توافق ایجاد خواهد کرد برنداریم. همزمان با حرکت رو به جلو مهم است که همه گزینه‌های جایگزین و نیز گزینه اساسی که اکنون وجود دارد را به خاطر داشته باشند. با این توافق ما همه راه‌های ایران به یک برنامه تسلیحات هسته‌ای را می‌بندیم و برنامه هسته‌ای ایران برای سال‌ها تحت محدودیت‌های شدید خواهد بود. بدون توافق این مسیرها بازخواهد بود هیچ محدودیتی بر برنامه هسته‌ای ایران نخواهد بود و ایران می‌تواند به بمب هسته‌ای نزدیک‌تر شود با این توافق ما نظارت بی‌سابقه و دائمی بر سایت‌های مهم هسته‌ای ایران به دست خواهیم آورد و گسترده‌ترین و سرزده‌ترین رژیم بازرسی‌ها و راستی آزمایی را خواهیم داشت که تاکنون درباره آن مذاکره شده است. بدون توافق هسته‌ای این بازرسی‌ها وجود نخواهد داشت و ما توان خود را برای نظارت دقیق بر برنامه هسته‌ای ایران و کشف هر گونه برنامه تسلیحات هسته‌ای پنهانی را از دست خواهیم داد.

فروپاشی نظام تحریم‌ها در صورت عدم توافق

با این توافق اگر ایران تعهدات خود را نقض کند با پیامدهای واقعی روبرو خواهد بود و تحریم‌های مربوط به هسته‌ای که به فلج شدن اقتصاد ایران کمک کرد به سرعت بازخواهد گشت. بدون توافق رژیم تحریم‌های بین‌المللی از هم خواهد پاشید و توان اعمال دوباره آن بسیار کم است. با این توافق ما امکان حل و فصل صلح‌آمیز یک تهدید بزرگ برای امنیت منطقه و جهان را فراهم کردیم. بدون توافق ما ریسک جنگ‌هایی دیگر در خاورمیانه را داریم و کشورهای دیگر در منطقه احساس خواهد کرد که آن‌ها نیز باید برنامه هسته‌ای خود را دنبال کنند و تهدید یک رقابت تسلیحات هسته‌ای در بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان ایجاد خواهد شد.

بهانه‌های تحریم و مقابله با ایران پس از توافق!

همانطور که روز گذشته گفتم حتی با این توافق ما همچنان اختلافات شدیدی با ایران خواهیم داشت که شامل حمایت از تروریسم، استفاده از گروه‌های وابسته برای بی‌ثبات کردن مناطق مختلف خاورمیانه است.

بنابراین تحریم چند جانبه تسلیحاتی بر ضد ایران تا پنج سال دیگر همچنان پا برجا خواهد بود و محدودیت‌ها بر فناوری موشک‌های بالستیک این کشور هشت سال دیگر بر ضد این کشور باقی خواهد بود. به علاوه آمریکا تحریم‌های خود درباره حمایت ایران از تروریسم و

موشک‌های بالستیک این کشور و نیز نقض حقوق بشر را حفظ و همکاری بی‌سابقه امنیتی با اسراییل حفظ خواهد کرد و شراکت خود با کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس را تعمیق خواهد کرد. با این حال مسئله اصلی این است که این توافق هسته‌ای تأمین کننده منافع امنیت ملی آمریکا و متحدان آن است و از جدی‌ترین تهدید که دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است که می‌تواند منجر به مشکلات دیگر ناشی از ایران شود جلوگیری خواهد کرد. به این دلیل است که این توافق کشور آمریکا و جهان را امن‌تر و ایمن‌تر خواهد کرد.
درست به این خاطر گزینه جایگزین یعنی عدم محدودیت بَر برنامه هسته‌ای ایران و فقدان بازرسی و نزدیک شدن ایران به سلاح هسته‌ای ریسک ایجاد رقابت تسلیحات هسته‌ای و افزایش ریسک وقوع جنگ وجود خواهد داشت که امنیت همه ما را به خطر می‌اندازند. این گزینه‌ای است که ما با آن روبرو هستیم اگر ما با هوشمندی انتخاب نکنیم من بر این باورم که نسل‌های آتی به شدت درباره ما قضاوت خواهند کرد که اجازه دادیم چنین فرصت‌هایی از دست برود. هیچکس نمی‌گوید که این توافق همه تهدیدهایی که ایران برای همسایگانش و همه جهان ایجاد می‌کند را از بین می‌برد. ما همزمان می‌دانیم که تحقق هدف اصلی این توافق نیازمند سال‌ها تلاش و اقدام، نیازمند هوشیاری و توان اجرایی است.
باراک اوباما در ادامه گفت: این توافق ابزاری است که اطمینان یابیم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد. از همان ابتدا این اولویت نخست من و ما بوده است. ما فرصت تاریخی برای داشتن جهان امن‌تر پیدا کردیم. فرصتی که بار دیگر در طول عمر ما به دست نخواهد آمد. من به‌عنوان رئیس‌جمهور و فرمانده کل مصمم هستم از این فرصت استفاده کنم.
رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه کنفرانس خبری خود گفت: امید من این است که ما با این توافق به گفتگو با ایران ادامه دهیم.
آندرو بی از خبرگزاری فرانسه پرسید، دیروز شما گفتید این توافق مسیری جدید در روابط با ایران ارائه می‌کند. شما چه گام‌هایی خواهید برداشت تا ایرانی‌های میانه‌روتر را توانمند سازید و آیا این توافق به شما اجازه می‌دهد با قوت بیشتر با اقدامات ایران در برهم زدن ثبات در منطقه مقابله کنید؟
باراک اوباما گفت: من می‌دانم پرسش‌های مشترکی در این زمینه است و به شما قول می‌دهم به پرسش شما پاسخ می‌دهم اما می‌خواهم به شما بگویم خطر چیست. شما صحبت‌های آغازین مرا دیدید اما می‌خواهم تکرار کنم زیرا تاکنون اعتراضاتی را نسبت به این توافق شنیده‌ام. راهبرد نخست ما درباره ایران این بوده است که اگر این کشور به سلاح هسته‌ای

دست پیدا کند خطر بزرگی برای آمریکا و متحدان ما خواهد بود. بنابراین همه کارهایی که ما در شش سال و نیم گذشته انجام داده‌ایم برای این منظور طراحی شده بود که اطمینان یابیم این اولویت نخست را حل کنیم. به همین خاطر رژیم تحریم‌ها اعمال شد و ما توانستیم جامعه بین‌المللی ازجمله برخی از کشورها را که زیاد به آن‌ها نزدیک نبودیم بسیج کنیم با این تحریم‌ها همراهی کنند. این تحریم‌های فلج‌کننده به این خاطر به دست آمد که توانستیم اجماع جهانی را درباره این‌که ایران دارای سلاح هسته‌ای برای همه مشکل‌ساز خواهد بود، به دست آوریم. به همین جهت حساب‌های ایران مسدود شد و آن‌ها نتوانستند پول فروش نفت خود را به دست آورند. آن‌ها به همین جهت در بازرگانی بین‌المللی مشکل پیدا کردند زیرا ما اجماع بین‌المللی را درباره این موضوع خاص اما عمیق به دست آوردیم و آن (جلوگیری از) احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بود.

باراک اوباما گفت: ضمناً این فقط اولویت من نبود. اگر شما به همه بحث‌ها در پنج یا شش سال گذشته نگاه کنید، متوجه می‌شوید این اولویت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و اولویت نخست‌وزیر نتانیاهو و اولویت متحدان ما در خلیج (فارس) قرار داشت که اطمینان یابیم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد. این توافق که جان کری و وندی شرمن، ارنست مونیز، متحدان و شرکای ما، پنج به علاوه یک درباره آن مذاکره کردند، به این هدف رسید. این توافق اولویت نخست را فراهم می‌کند و آن اطمینان از دست نیافتن ایران به سلاح هسته‌ای است اما ما همواره می‌دانیم که حتی اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، همچنان چالش‌هایی را پیش روی منافع و ارزش‌های ما در منطقه و سراسر جهان قرار می‌دهد.

محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه هسته‌ای ایران

زمانی که این توافق اجرا شود، ما می‌دانیم که نگرانی‌های فوری درباره برنامه هسته‌ای ایران را برطرف خواهیم کرد. مّا ذخایر آن‌ها را نود وهشت درصد و تعداد سانتریفیوژهای فعال آن‌ها را به‌صورت چشمگیری کاهش خواهیم داد. ما رژیم بی‌سابقه (بازرسی‌ها) را برقرار خواهیم کرد و این فقط برای ده سال اجرا نمی‌شود. ما در زمینه ذخایر پانزده سال ادامه خواهیم داد. ایران به جامعه بین‌المللی قول داد سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد و اکنون در معرض اجرای پروتکل الحاقی قرار دارد که رژیم بازرسی و نظارت قوی تراست و این تا ابد ادامه خواهد داشت.

اوباما مدعی شد، ما تأسیساتی نظیر اراک را غیرفعال خواهیم کرد که خط تولید پولوتونیوم است که می‌تواند برای ساخت بمب از آن استفاده شود. ما ذخایر اورانیوم غنی شده را بسیار

کاهش خواهیم داد و بازرسی از تمام زنجیره تأمین خواهیم داشت. اگر ایرانی‌ها به سمت برنامه مخفی منحرف شوند، ما آن را خواهیم فهمید. بنابراین من با اطمینان می‌توانم بگویم و مهم‌تر این‌که کارشناسان هسته‌ای با اطمینان می‌توانند بگویند که ایران در موضع تولید بمب هسته‌ای قرار نخواهد گرفت. ما به اولویت نخست خود رسیدیم.

امید به ادامه مذاکره با ایران برای برآورده کردن انتظارات آمریکا!

باراک اوباما گفت: ما همچنان با حمایت ایران از تروریسم و تأمین مالی گروه‌های نیابتی خود نظیر حزب‌الله که اسرائیل و منطقه را تهدید می‌کند، مشکل داریم. ما با فعالیت‌های ایرانی‌ها در برهم زدن ثبات در جاهایی مانند یمن مشکل داریم! امید من این است که ما با این توافق به گفتگو با ایران ادامه دهیم و به آن‌ها توصیه کنیم رفتار متفاوتی در منطقه داشته باشند. کمتر مهاجم و متخاصم باشند و بیشتر همکاری کنند و به شیوه‌ای عمل کنند که ما از کشورها در جامعه بین‌المللی انتظار داریم اما ما در حال باز کردن حساب بر روی این مسئله نیستیم.

بنابراین این توافق منوط به تغییر رفتار ایران یا منوط به عملکرد ایران مانند دموکراسی لیبرال نیست. این توافق یک مشکل خاصی را حل می‌کند و آن اطمینان یافتن از دست نیافتن آن‌ها به بمب است. نکته‌ای که من بارها گفتم این است که من معتقدم برای ما بسیار آسان‌تر خواهد بود رفتار نابکارانه ایران را کنترل کنیم و آن‌ها را در صورتی که بمب نداشته باشند از حوزه‌های دیگر که علیه منافع ما یا متحدان عمل می‌کنند، به عقب بازگردانیم.

آیا آن‌ها رفتار خود را تغییر خواهند داد و آیا ما همکاری بیشتر آن‌ها در حل مسائلی مانند سوریه یا آنچه که عراق در حال وقوع است، متوقف کردن ترغیب حوثی‌ها در یمن خواهیم داشت؟ ما به تماس با آن‌ها البته برخلاف موضوع کوبا بدون عادی‌سازی روابط دیپلماتیک ادامه خواهیم داد. تماس‌ها همچنان محدود خواهد بود. ما مطمئناً تلاش خواهیم کرد آن‌ها را ترغیب کنیم مسیر سازنده‌تر را در پیش گیرند اما ما بر روی این مسئله حساب باز نمی‌کنیم. در حقیقت ما با حل مسئله هسته‌ای در موضع قوی‌تر خواهیم بود تا با اسرائیل، کشورهای خلیج (فارس) و دیگر شرکا و اروپایی‌ها همکاری کنیم و به خاطر مسائلی که همچنان موجب نگرانی است، فشار بیشتر بر ایران وارد کنیم اما بحث‌هایی که می‌شنوم و قبل از اعلام توافق نیز وجود داشت، این است که این توافق همه مشکلات دیگر حل را نمی‌کند. این بحث برای رد این توافق است و این مبارزه با منطق است و هیچ معنایی ندارد و این نگاه نکردن به اولویت نخست ما است که آن اطمینان از دست نیافتن آن‌ها بمب است.

عدم نگرانی از اظهارات اسد و ایرانی‌ها درباره توافق

خبرنگاری دیگر پرسید آیا از این‌که اسد دیکتاتور سوریه این توافق را پیروزی بزرگ برای ایران می‌نامد و کسانی که در تهران هنوز شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهند آن را می‌ستایند و همچنان نزدیک‌ترین متحد ما در خاورمیانه آن را اشتباه تاریخی می‌نامد و در کنگره به نظر می‌رسد اکثریت علیه این توافق رأی خواهند داد، موجب تأمل شما نمی‌شود؟ من می‌دانم شما می‌توانید این رد توافق را وتو می‌کنید. آیا از این‌که می‌بینید اکثریت نمایندگان مردم در کنگره آن را رد می‌کنند و می‌گویند این توافق بد است، هیچ نگرانی ندارید؟

باراک اوباما گفت: این‌که آقای اسد و دیگران در تهران تلاش می‌کنند این توافق را آن‌گونه که می‌خواهند نشان دهند، موجب تأمل من نمی‌شود. این کاری است که سیاستمداران انجام می‌دهند. این شیوه وجود دارد. شما به خاطر دارید در جریان این مذاکرات در چند ماه گذشته، هر زمان رهبر معظم یا افراد دیگر چیزهایی را به دلایلی می‌گفتند. حرف‌هایی می‌زدند که دولت اوباما باید این را بدهد و باید در برابر آن تسلیم شود. اکنون ما سند داریم. شما می‌توانید ببینید این توافق به چه صورت است. ما نباید بر اساس حدس و گمان یا هیاهو درباره این توافق صحبت کنیم. شما می‌توانید بخوانید که این توافق چه می‌گوید و چه چیزی می‌خواهد. هیچ‌کس این مسئله را به چالش نمی‌کشد که بر اثر این توافق ایران باید به‌صورت چشمگیری ذخایر اورانیوم خود را کاهش دهد، از پولوتونیوم محروم شده است، تأسیسات فردو این کشور که زیر زمینی است تغییر می‌یابد و ما رژیم بی‌سابقه و مقررات بازگشت سریع تحریم‌ها را در صورت فریبکاری آن‌ها داریم. حقایق مشخص است و من درباره آنچه که بقیه می‌گویند، نگران نیستم. درباره کنگره باید بگویم که من امیدوارم همه در کنگره این توافق را بر اساس حقایق بررسی کنند نه بر اساس سیاست، حاشیه رفتن‌ها و این‌که من این توافق را به کنگره برای مخالفت با یک رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آوردم و نه بر اساس حرف و حدیث‌ها بلکه بر اساس آنچه که منافع ملی آمریکا است.

گزینه‌ای غیر از توافق نداریم!

اوباما در ادامه اظهارات خود در کاخ سفید درباره جمع‌بندی مذاکره هسته‌ای ایران گفت، بنابراین دلایل بسیار خوبی وجود دارد که نشان می‌دهد اسراییلی‌ها به‌طور کلی درباره مواضع ایران در جهان نگران هستند، من این مسئله را به‌طور مستقیم با بنیامین نتانیاهو و به‌طور مستقیم با مردم اسراییل مطرح کرده‌ام. با این حال آنچه من همچنین بیان کرده‌ام این است که همه این تهدیدها وابسته به این است که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.

هیچ‌یک از مخالفت‌هایی که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسراییل مطرح کرده است و نیز مسئله‌ای که شماری از جمهوری‌خواهان پیش‌ازاین درباره آن صحبت کرده‌اند، شامل هیچ گزینه جایگزینی برای من نیست. من بارها می‌شنوم که گفته می‌شود این توافق بد است، این توافق به‌طور تاریخی بد است و این توافق موجب تهدید اسراییل و تهدید جهان و آمریکا می‌شود. سخن‌های زیادی نظیر این مطرح می‌شود با این حال نمی‌شنوم کسی بگوید که گزینه جایگزین شما چیست.

اگر نود و نه درصد از جامعه جهانی و اکثریت کارشناسان هسته‌ای در پی بررسی این توافق می‌گویند که این توافق از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری می‌کند و شما می‌گویید که این توافق یا نمی‌تواند جلوی دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای را بگیرد یا اگر این کار را بکند موقت خواهد بود، یا اینکه به این خاطر که پس از لغو انسداد حساب‌هایشان پول هنگفتی به دست می‌آورند و مشکلات بیشتری ایجاد می‌کنند بنابراین باید گزینه‌های دیگری نیز داشته باشید که ارائه کنید و من نشنیدم گزینه‌ای ارائه شود و دلیل این مسئله این است که واقعاً تنها دو گزینه وجود دارد: نخست اینکه مسئله دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به‌صورت دیپلماتیک از طریق مذاکره حل و فصل شود و یا اینکه از طریق اعمال زور و جنگ حل و فصل شود. این‌ها گزینه‌های پیش رو هستند اکنون می‌شنویم که برخی از منتقدان می‌گویند می‌توانستیم برای دستیابی به یک توافق بهتر مذاکره کنیم. خیلی خوب، این به چه معنا است؟ بسیاری از منتقدان می‌گویند توافق بهتر و قابل پذیرش این است که ایران هیچ ظرفیت هسته‌ای چه صلح‌آمیز و چه ظرفیت‌های دیگر نداشته باشد. مشکل این موضع‌گیری این است که هیچ‌کس باور نمی‌کند که ایران این مسئله را بپذیرد و اینکه جامعه بین‌المللی نیز پذیرفته است که ایران یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشد. این در حالی است که جامعه بین‌المللی با آمریکا موافق است که ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد.

بنابراین ما اهرم دیپلماتیک برای حذف همه بخش‌های برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را نداریم. آنچه ما درباره آن اهرم داریم این است که اطمینان حاصل کنیم آن‌ها به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکنند. این دقیقاً کاری است که انجام داده‌ایم.

آن‌ها باید گزینه جایگزین را ارائه کنند و اگر گزینه جایگزین این است که باید ایران را از طریق توان نظامی به زانو درآوریم بنابراین بگذارید که منتقدان این را بگویند و در این صورت است این‌یک بحث درست و به جا خواهد بود.

گستره بازرسی‌ها و امکان دسترسی به سایت‌های مشکوک

خبرنگار پرسید، آقای نتانیاهو می‌گوید شرایط به گونه است که ایران می‌تواند ۲۴ روز فراهم کردن دسترسی به سایت‌های مشکوک را به تأخیر بیندازد...

اوباما حرف وی را قطع می‌کند و می‌گوید: من بسیار خوشحالم که این‌یک نمونه خوب از مسایلی است که مطرح می‌شود. اجازه بدهید مسئله بیست و چهار روز را مطرح کنم که فکر می‌کنم امروز در محافل مختلفی مطرح شده و گفته می‌شود که این بازرسی ناکافی خواهد بود. باید به خاطر داشت که نخست ما بازرسی دائمی از سایت‌های اظهار شده هسته‌ای ایران ازجمله فردو، نطنز، اراک، معادن اورانیوم، سایت‌هایی که در آن‌ها قطعات سانتریفیوژ تولید می‌شود را خواهیم داشت. این‌ها همه سایت‌هایی هستند که ما درباره آن‌ها اطلاعات داریم ما نظارت بسیار پیشرفته دائمی و بیست و چهار ساعته از این سایت‌ها داریم. بنابراین مسئله بعدی که مطرح می‌شود این است که در صورتی که آن‌ها بخواهند یک برنامه پنهانی را پیگیری کنند چه؟

یکی از امتیازات داشتن نظارت بر کل چرخه تولید هسته‌ای ایران این است که ایجاد یک برنامه پنهانی را بسیار دشوار می‌کند. معادن اورانیوم زیادی در ایران وجود دارد و اگر درواقع ما حساب آن‌ها را در دست داشته باشیم اینکه اورانیومی استحصال و ناگهان بخشی از آن گم شود ایران باید دراین‌باره توضیح دهد. بنابراین ما می‌توانیم با توجه به سایت‌های کنونی فعالیت‌های ایران را ردگیری کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که هیچ انحرافی به‌سوی برنامه‌ای پنهانی صورت نمی‌گیرد.

با این حال بیایید فرض کنیم ایران به شدت مصمم به اقدام درباره برنامه‌ای پنهانی است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که سازمانی بین‌المللی است که وظیفه‌اش اجرای پیمان‌نامه عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای جهان است، این توان را خواهد داشت که بگوید در سایت‌های هسته‌ای که ما نگران آن هستیم موردی مشکوک مشاهده کرده است و قادر خواهد بود که به ایران بگوید قصد رفتن برای بازرسی آن را دارد. حال اگر در اینجا ایران مخالفت کرد، ما می‌توانیم این مخالفت ایران را رد کنیم. در توافق آمده است که ما می‌توانیم مخالفت ایران را رد کنیم و برای اجرای این مسئله و رد کردن مخالفت ایران نیازی به روسیه و چین نخواهیم داشت و اگر ایران به مخالفت خود در این زمینه ادامه داد ما در موضعی خواهیم بود که می‌توانیم تحریم‌ها را بازگردانیم و اعلام کنیم که ایران توافق را نقض و فریبکاری کرده است.

درباره این مسئله که دسترسی به این سایت بیست و چهار روز طول می‌کشد باید بگوییم که

ماهیت سایت‌های هسته‌ای به گونه است که نمی‌توان آن‌ها را پنهان نگه داشت. نمی‌توان این گونه سایت‌ها را روی یک چرخ دستی گذاشت و آن را به این طرف و آن طرف برد. و اگر ما به پنهان‌کاری درباره سایت هسته‌ای که به آن مشکوک و متوجه شدیم می‌توانیم همچنان آن را زیر نظر داشته باشیم این پنهان‌کاری به‌طور مشخص خواهد شد و ما می‌توانیم آن را به جامعه بین‌المللی ارائه کنیم. بنابراین ما این برنامه را به‌طور مداوم زیر نظر خواهیم داشت و اگر مواد هسته‌ای در این سایت باشد فیزیک دبیرستان به ما این نکته را یاد آوری می‌کند که دستکم یک ردی از آن باقی است و بنابراین ما می‌توانیم بگوییم که توافق نقض شده است. نکته این است که این توافق شامل قوی‌ترین رژیم بازرسی است که تاکنون درباره آن مذاکره شده است. آیا ممکن است که ایران به رغم وجود این سازوکار راستی آزمایی برای فریبکاری تلاش کند.

حال اگر فریبکاری کند ما یک دوره زمانی فرار هسته‌ای یک ساله را ایجاد کرده‌ایم که یک سال به ما فرصت می‌دهد که با استفاده از زور واکنش دهیم و علاوه بر آن ما بند بازگشت سریع تحریم‌ها را ایجاد کرده‌ایم و بنابراین مجبور نیستیم از طریق سازمان ملل برای اعمال دوباره تحریم‌ها اقدام کنیم.

بنابراین در واقع تنها استدلالی که می‌توان بر ضد سازوکار بازرسی‌ها داشت این است که ایران به شدت علاقمند به دستیابی به سلاح هسته‌ای است، اینکه هیچ رژیم بازرسی و راستی آزمایی کافی نخواهد بود زیرا آن‌ها راهی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای پیدا خواهند کرد چراکه غیرقابل اعتماد هستند. اگر دیدگاه شما این است، شما به گزینه‌های که پیش ازاین گفته شد بازخواهید گشت این استدلال به این بدان معناست که نمی‌توان اصلاً درباره این مسئله با ایران مذاکره کرد و با این گفته درواقع این مسئله مطرح می‌شود که باید به نیروی نظامی متوسل شد تا تضمین کرد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند و اگر کسی بخواهد این استدلال را مطرح کند چه رهبران جمهوری‌خواه باشند چه نتانیاهو و چه سفیر اسراییل آزاد است که این استدلال را مطرح کند با این حال به هیچ وجه قانع کننده و قابل قبول نیست.

اعتراف به لزوم لغو تحریم تسلیحاتی مطابق قطعنامه‌ی قبلی!

باراک اوباما در ادامه نشست خبری خود در کاخ سفید به پرسش خبرنگاری درباره تحریم تسلیحاتی ایران پاسخ داد.

این خبرنگار گفت: پرسش من درباره تحریم تسلیحاتی و تحریم موشک بالستیک ایران است،

چرا شما قبول کردید که این تحریم‌ها را در یک دوره پنج و هشت‌ساله، بردارید. اکنون چنین مشخص‌شده است که این مسئله نقطه‌ای اختلاف‌برانگیز در کنگره است. آیا شما نگران هستید که تسلیحات ایران به حزب‌الله و حماس داده خواهد شد؟ آیا شما یا رئیس‌جمهور آینده آمریکا می‌تواند کاری بکند تا جلوی این کار را بگیرد؟
پرسش دیگر من این است که شما یک گام به عقب برگردید و به این توافق هسته‌ای ایران و دیگر موضوعات در خاورمیانه نگاه کنید، شما دوست دارید که وقتی کاخ سفید را ترک می‌کنید چه نوع خاورمیانه‌ای را در یک سال و نیم آینده در پایان دوره ریاست جمهوری خود شاهد باشید؟
رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به این پرسش گفت: موضوع تحریم تسلیحاتی و موشک‌های بالستیک، نگرانی واقعی برای ما است و نگرانی واقعی برای ما بوده است. به نفع امنیت ملی آمریکا است که مانع از آن شود که ایران تسلیحات را به حزب‌الله بفرستد یا تسلیحات را برای حوثی‌ها در یمن بفرستد که باعث تسریع در جنگ داخلی در یمن می‌شود!
رئیس‌جمهور آمریکا ادامه داد: ما بر اساس قانون بین‌الملل، تعدادی از ساز و کارها را داریم که این اختیار را به ما می‌دهد تا جلوی محموله‌های تسلیحاتی ایران را بگیریم. یکی از این ساز و کارها قطعنامه شورای امنیت درباره‌ی برنامه هسته‌ای ایران است. اساساً ایران به علت آنچه که در فردو رخ داد مورد تحریم واقع شد، به علت پیروی نکردن از قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت درباره برنامه هسته‌ای‌شان مورد تحریم واقع شد.
بسته تحریم‌هایی که روی آن‌ها اعمال شده بود، موضوع تسلیحات و موشک‌های بالستیک را نیز شامل می‌شد.
بر اساس شروط قید شده در قطعنامه‌ی اولیه سازمان ملل، واقعیت این است که زمانی که توافق به دست آمد و به جامعه بین‌المللی اطمینان داده شد که ایران سلاح هسته‌ای ندارد، در این صورت شما با دیدن متنّ شاید استدلال کنید که این منع تسلیحاتی و موشک‌های بالستیک بلافاصله رفع می‌شوند اما چیزی که من به مذاکره‌کنندگان ما گفتم این بود که با توجه به اینکه ایران اعتماد را نقض کرد و با توجه به اینکه هم‌پیمانان ما در منطقه درباره فعالیت‌های ایران ظن دارند، پس بیایید به دنبال دستیابی به تمدید طولانی‌تر تحریم تسلیحاتی و موشک‌های بالستیک ایران باشیم، که به این هم رسیدیم. ما بر اساس توافق جدید، اکنون پنج سال ممنوعیت ورود و خروج تسلیحات به ایران را داریم و این ممنوعیت در مورد موشک‌های بالستیک هشت سال است. بخشی از علت اینکه چرا ما تمایل داریم ممنوعیت را تا پنج سال داشته باشیم و برای مدت طولانی‌تر نداشته باشیم این است که

ما سایر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را داریم که فروش تسلیحات از طرف ایران به سازمان‌هایی مثل حزب‌الله را ممنوع می‌کند. ما سایر قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و توافقنامه‌های چند جانبه را داریم که به ما این مجوز را می‌دهند که جلوی محموله‌های ارسالی از ایران را در سراسر منطقه بگیریم. پس ما طیفی از اختیارات حقوقی را در اختیار داریم. شاید بر اساس توافق هسته‌ای این اختیارات حقوقی پس از پنج یا هشت سال از بین بروند اما از جنبه دیگر، اختیارات حقوقی پابرجا خواهند بود و به ما اجازه داده خواهد داد تا جلوی این تسلیحات را بگیریم. واقعیت این است که این ممنوعیت‌ها به خودی خود اجرا نمی‌شوند، مثلاً این‌گونه نیست که سازمان ملل متحد توانایی مراقبت از اقدامات ایران را داشته باشد بلکه این ممنوعیت‌ها بر اساس قانون بین‌الملل به ما این اختیار را می‌دهد که به همراه هم‌پیمانان و شرکای خود، مانع از انتقال محموله‌های تسلیحاتی شویم. اگر مثلاً به این مشکل نگاه کنید که چگونه حزب‌الله این همه موشک دریافت کرد و تهدید بزرگی برای اسرائیل و بسیاری از دوستان ما در منطقه است، علتش این نیست که این کار قانونی بوده باشد یا اینکه بر اساس قانون بین‌الملل مجاز بوده باشد، بلکه علتش فقدان اطلاعات کافی و ظرفیت ناکافی برای متوقف کردن این محموله‌ها بود.

رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه اظهارات خود گفت: پس اصل ماجرا این است که ما در نگرانی‌های اسرائیل، سعودی‌ها و شرکای خلیج (فارس) درباره اقدام ایران به انتقال دادن تسلیحات و ایجاد مناقشه و آشوب در منطقه، سهیم هستم. به همین علت است که من به این کشورها گفتم بیایید همکاری مضاعفی داشته باشیم و توان اطلاعاتی و توانایی‌مان در جلوگیری از این محموله‌ها را افزایش دهیم تا تعداد کمتری از این محموله‌ها از تور عبور کنند! نکته‌ای که باید بگویم این است که ما همچنان این اختیارات حقوقی را در اختیار خواهیم داشت. روشن است که ما ممنوعیت‌های یک‌جانبه و تحریم‌های خود را در مورد موضوعات غیر هسته‌ای مثل حمایت از حزب‌الله پابرجا خواهیم داشت...

درحالی‌که خبرنگاران پرسش‌ها را از موضوع ایران به سمت سفر به کنیا و مسائل نژادی سوق داده بودند اوباما از خبرنگاران پرسید آیا تمام پرسش‌های مربوط به ایران مطرح شده است؟ من از پاسخ دادن به پرسش‌های ایران لذت می‌برم!



سخنان اوباما در تماس با گروه‌های حامی توافق هسته‌ای[1]

رئیس‌جمهور آمریکا در تماس با گروه‌های حامی توافق هسته‌ای، با وجود درخواست برای کمک به وی در برابر لابی قدرتمند مخالفان توافق، به تهدید نظامی ایران پرداخت و اتهامات گسترده‌ای به تهران نسبت داد.
به گزارش خبرگزاری فارس، «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا پنج‌شنبه شب (به وقت واشنگتن) در یک کنفرانس تلفنی، با گروه‌های حامی توافق هسته‌ای گفت‌وگو کرد. وی در این اظهارات که با اتهام‌زنی‌های گسترده علیه ایران همراه بود، به نقش پول در مخالفت کنگره به توافق اذعان کرد و از حامیانش خواست به وی در رویارویی با کنگره کمک کنند.

این یک توافق خوب است

وی در ابتدای اظهاراتش گفت: «در سال ۲۰۰۸ بسیاری از افراد در پاسخ به جنگ عراق و تصمیماتی که منجر به یک اشتباه بزرگ راهبردی برای ایالات متحده شد، فعال بودند. آن زمان که من نامزد ریاست جمهوری شده بودم، سیاست خارجی یکی از موضوعات مهم بود و من هم مواردی را تبیین کردم. من گفتم مهم است که ما نه فقط به جنگ عراق پایان دهیم، بلکه به طرز فکری که ما را به جنگ عراق کشاند، پایان دهیم.»
اوباما افزود: «من گفتم که ما هیچ‌وقت نباید از اینکه از موضع قدرت برای یافتن راهکارهای دیپلماتیک برای چالش‌های بزرگ سیاست خارجی تلاش کنیم، بهراسیم. من گفتم که من در حمایت از امنیت اسرائیل، بزرگ‌ترین متحدمان در منطقه، تردید نخواهم کرد. من همچنین گفتم که یکی از اولویت‌های من در سیاست خارجی، کسب اطمینان از تمرکز مجدد بر مسئله

۱- فارس: کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۰۹۰۰۰۰۳۹

عدم اشاعه و تسلیحات کشتار جمعی، به‌خصوص تسلیحات هسته‌ای است.»
وی ادامه داد: «در کاری که ما در این چند سال انجام دادیم، همه این موارد لحاظ شد. اما هیچ وقت به اندازه توافق تاریخی‌ای که اخیراً بین ایران و کل جامعه جهانی به دست آمد، همه این موضوعات با قدرت اعمال نشد؛ جامعه جهانی که ما آن را به شکلی نظام‌مند بسیج کردیم تا ایران را پای میز آورده و از عدم دستیابی این کشور به بمب اطمینان کسب کنیم.»

بازرسی‌ها مدت‌ها پس از من هم ادامه دارد

اوباما ادامه داد: «بگذارید دقیق برایتان تشریح کنم که این توافق چه می‌کند. این توافق چهار مسیر اصلی ایران برای رسیدن به یک سلاح هسته‌ای را قطع می‌کند. برای ده سال ابتدایی، این توافق به میزان قابل توجهی برنامه هسته‌ای ایران را محدود می‌کند، به همین جهت ما همواره کاملاً خواهیم دانست که آن‌ها دارند چه می‌کنند.»
وی افزود: «تأسیسات زیرزمینی را که بستنشان از راه‌های دیگر احتمالاً شدنی نبود را می‌بندد. تأسیساتی را که می‌شد از آن برای تولید پلوتونیوم استفاده کرد، به نحوی تغییر می‌دهد که ما اطمینان می‌یابیم که دیگر نمی‌شود از آن برای تولید مواد هسته‌ای استفاده کرد. ایران را ملزم می‌کند که ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را به میزان ۹۸ درصد کاهش دهد. همچنین رژیمی بی‌سابقه راستی‌آزمایی و بازرسی‌ها ایجاد می‌کند که امکان نظارت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته از تمام تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده آن‌ها و همچنین خط تولید آن‌ها، از معادن اورانیوم تا کارگاه‌های تولید سانتریفیوژ، که برای غنی‌سازی اورانیوم به آن نیاز است، تا کل مسیر تا انتها، را ایجاد می‌کند.»
رئیس‌جمهور آمریکا ادامه داد: «برای ۵ سال پس از آن‌هم، ایران ملزم می‌شود که تمام ذخایر خود را به خارج منتقل کند و در طول این مدت، تحقیقات و توسعه‌ای که ایران می‌تواند در زمینه توان هسته‌ای انجام دهد، کاملاً محدود خواهد بود. در سال‌های پس از آن‌هم، ایران تحت شدیدترین بازرسی‌ها در تاریخ خواهد بود. تحت این توافق، ایران هیچ‌گاه نخواهد توانست به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. این کشور، هرگز مجاز به توان هسته‌ای تسلیحاتی نخواهد بود.»
وی افزود: «و بازرسی‌ها و راستی‌آزمایی‌های تعبیه‌شده، نه مدت‌ها پس از ریاست‌جمهوری من، بلکه مدت‌ها پس از رئیس‌جمهور بعدی و رئیس‌جمهور بعد از او، ادامه خواهد داشت. در مقابل، ما تحریم‌هایی را که به طرزی نظام‌مند با کمک متحدانمان در کنار هم قراردادیم را رفع می‌کنیم. به این ترتیب، ایران به دلارهایی که در خارج از این کشور بلوکه شده بود،

دسترسی پیدا می‌کند. اقتصاد ایران تا حدی به واسطه تحریم‌ها به شدت تضعیف شد و اکنون به دلیل تحریم‌ها، از رکود رنج می‌برد.»

اوباما سپس مدعی شد: «حتی با رفع تحریم‌ها، آن‌ها برای رسیدن به‌جایی که اگر تحریم‌ها اصلاً نبود می‌رسیدند، ۲۰ تا ۲۲ سال زمان می‌خواهند. حالا شما خارج از اینجا استدلال‌های مختلفی می‌شنوید که چرا این «یک توافق بد است»، آن‌هم از کسانی که رک بگویم، با هر توافقی که با ایران می‌شد، مخالف می‌بودند.»

مخالفان توافق ۲۰ میلیون دلار خرج کردند

وی افزود: «بخشی از آنچه می‌شنوید، ناشی از ۲۰ میلیون دلاری است که برای لابی علیه این توافق، صرف آگهی‌های تلویزیونی شده است و بخشی هم از سوی همان ستون‌نویسان و مقامات دولتی سابق که ما را به جنگ با عراق کشاندند و حالا هم دقیقاً همان ادعاهایی را مطرح می‌کنند که در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳، در مورد عراق مطرح می‌کردند.»

رئیس‌جمهور آمریکا ادامه داد: «خوب، شما اولاً می‌شنوید که ایران تقلب خواهد کرد. احتمالش هست، چون این توافق نه بر اساس اعتماد، بلکه بر اساس راستی‌آزمایی است. رژیم ایران هم درواقع یک دین‌سالاری بی‌رحم، ضدآمریکا و ضداسرائیل است که هلوکاست را انکار می‌کند، از نایبان تروریست خود حمایت کرده و در منطقه دست به اقدامات ثبات‌زدا می‌زند. ممکن است که آن‌ها تلاش کنند که حقه بزنند، اما به واسطه این توافق، ما به شکلی به مراتب مؤثرتر از وضعیت بدون توافق، قادر خواهیم بود که مچ آن‌ها را بگیریم.»

ایران دسترسی‌های لازم را ندهد، تحریم‌ها بازمی‌گردد

اوباما افزود: «هزینه حقه زدن، بسیار بالا خواهد بود. ما ساختاری ایجاد کرده‌ایم که اگر آن‌ها فریبکاری کنند، ما می‌توانیم به‌صورت یک‌جانبه، تمام تحریم‌هایی را که حالا هستند، بازگردانیم و آن‌وقت اقتصاد ایران بار دیگر به شدت تضعیف خواهد شد.»

وی ادامه داد: «شما می‌شنوید که می‌گویند بازرسان آنقدر سریع دسترسی نخواهند یافت که بتوانند متوجه فریبکاری شوند. اما ساختاری که در نظر گرفته شده، به نحوی است که ما می‌توانیم بر هر نوع مخالفتی که ایران ممکن است با دسترسی به هر سایتی، اعلام‌شده یا اعلام‌نشده، داشته باشد، غلبه کنیم و اگر آن‌ها همکاری نکردند، آن‌وقت بازهم ما در موضعی خواهیم بود که تحریم‌ها را سرجایشان بازگردانیم.»

اوباما افزود: «خلاصه کلام اینکه، در طول اجرای این توافق، حقه زدن برای ایران کاری بسیار

دشوار خواهد بود و ما تقریباً قطعاً به سرعت متوجه خواهیم شد و قادر خواهیم بود که جرائم علیه آن‌ها را مجدداً اعمال کنیم.»

پس از ۱۵ سال، برای اقدام نظامی موقعیت بهتری خواهیم داشت

وی ادامه داد: «این استدلال را هم می‌شنوید که خوب توافق برای ۱۵ سال اول خوب است، اما بعد از ۱۵ سال، آن‌ها تمام این سانتریفیوژها را خواهند داشت و در موضعی خواهند بود که می‌توانند تمام بازرسان را بیرون کنند، حقه بزنند و به‌صورت بالقوه به سرعت به سمت بمب حرکت کنند. این درست است که پس از ۱۵ سال آن‌ها می‌توانند یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشند و اینکه به واسطه ماهیت برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، آن‌ها در مقایسه با امروز ظرفیت غنی‌سازی به مراتب بیشتری خواهند داشت.»

اوباما افزود: «اما مشکل این منطق این است که اگر این توافق نبود، ما همین زمان گریز را ۶ ماه دیگر یا یک سال دیگر شاهد بودیم. بنابراین، سخت است استدلال کنیم که بهتر است ما ۶ ماه دیگر در موقعیتی قرار بگیریم که برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مجبور به استفاده از نیروی نظامی شویم، به‌جای ۱۵ سال دیگر و آن‌هم پس از آنکه ما رژیم بازرسی و راستی‌آزمایی ایجاد کرده‌ایم و هر آنچه لازم است را از برنامه هسته‌ای ایران می‌دانیم. (آن زمان) هر رئیس‌جمهوری اگر لازم باشد که برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای دست به اقدام نظامی بزند، در موقعیت به مراتب بهتری خواهد بود.»

وی ادامه داد: «می‌شنوید که گفته می‌شود که آن‌ها به پول قابل توجهی دست می‌یابند و اینکه ممکن است ایران تروریسم و فعالیت‌های ثبات‌زدای بیشتری در منطقه انجام دهد. تردیدی نیست که بخشی از پولی که آن‌ها دریافت می‌کنند، احتمال صرف اهداف نظامی می‌شود، اما به یاد داشته باشید که بودجه نظامی ایران ۱۵ میلیارد دلار است، اما مال ما بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار است. بودجه نظامی متحدان ما در خلیج (فارس) ۱۵۰ میلیارد دلار، یا ۱۰ برابر بودجه ایران است. ما این توان را خواهیم داشت که ایران را از حمله با تسلیحات متعارف به متحدانمان بازداریم. خطر این است که آن‌ها به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند، که این دقیقاً چیزی است که این توافق از آن جلوگیری می‌کند.»

توافق هسته‌ای، به معنی پایان رویارویی با ایران نیست

رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «سومین چیزی که می‌شنوید، این است که این توافق به ایران مشروعیت بخشیده و ما را از اقدام متقابل در برابر کارهایی که آن‌ها می‌کنند، مثلاً حمایت مالی

و تسلیحاتی از حزب‌الله، بازمی‌دارد. اما درواقع، هیچ چیزی در این توافق وجود ندارد که ما را از رویارویی قدرتمند با رفتارهای غیرهسته‌ای ایران که بر خلاف منافع ما یا متحدانمان است، بازدارد. به‌عنوان نمونه، ما طبق این توافق، قادر خواهیم بود بر اساس اختیارات بین‌المللی که از میان نمی‌روند، با تسلیح حزب‌الله مقابله کنیم.»

اوباما ادامه داد: «حالا کاری که از این پس باید انجام دهیم، ارتقای ظرفیت دوستان و متحدانمان در منطقه و ارتقای امنیت است، چراکه رک بگوییم، ایران توانسته بسیاری از این ممنوعیت‌های بین‌المللی را درحالی‌که اجرایی بودند، دور بزند. بنابراین، مسئله این نیست که این اختیارات از میان می‌رود، بلکه این است که ما باید به همکاری با متحدانمان در منطقه بپردازیم.»

دست کشیدن ایران از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، توهم است

رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «بنابراین، خلاصه مطلب اینکه هر استدلالی که علیه این توافق مطرح می‌شود، یا غیردقیق است و یا اینکه در آن فرض شده است که اگر قرار بود مذاکره کنیم، باید به توافقی می‌رسیدیم که در آن ایران هرگونه توانمندی حتی برای برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را کنار بگذارد. در دنیای خیالی، این گزینه‌ای ارجح بود. اما در دنیای واقعیت، هیچ کارشناس یا تحلیلگر سیاست خارجی وجود ندارد که بگوید ایران که تا این حد مفتخر (از توان هسته‌ای است)، با آن موافقت می‌کند. در دنیای واقعی، این توافقی است که اهداف را محقق می‌کند. و اگر هم می‌شنوید که کسانی می‌گویند ما باید به توافقی بهتر می‌رسیدیم، باید از آن‌ها بپرسید که دقیقاً منظورتان چیست؟»

وی ادامه داد: «اگر منظورشان این است که ایران باید هرگونه خواسته‌ای برای فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را کنار بگذارد، باید به آن‌ها گفت که ایران این کار را نمی‌کند و تنها راه دستیابی به آن، این است که خودمان را به طرزی فعال برای رفتن به جنگ آماده کنیم.»

اوباما افزود: «برخی اعلام مخالفت می‌کنند و می‌گویند انتخاب‌هایی که رئیس‌جمهور ارائه می‌کند، نادرست است و الزاماً نیازی به جنگ نیست و ما می‌توانیم آنقدر به تحریم‌هایی که حالا هستند ادامه دهیم تا نهایتاً آن‌ها دست دراز کرده و خواستار کاهش تحریم‌ها شوند. اما واقعیت این است که دلیل اثرگذاری تحریم‌ها این بود که تمام جامعه جهانی پشت سر ما بود. جامعه جهانی به این دلیل از ما حمایت کرد که ما به آن‌ها گفتیم، من به آن‌ها گفتم که ما نسبت به رسیدن به راهکاری دیپلماتیک جدی هستیم و این راهی برای جلوگیری از جنگ است و به این خاطر که آن‌ها باور داشتند که ما برای رسیدن به راهکار دیپلماتیک

جدی هستیم، آن‌ها حتی به قیمت هزینه‌های زیادی که برایشان داشت، به‌خصوص به این دلیل که آن‌ها به نفت ایران نیاز داشتند، با درک این‌که ما با حسن نیست مذاکره می‌کنیم، در کنار ما قرار گرفتند.»

توافق رد شود، در دنیا بی‌اعتبار می‌شویم

رئیس‌جمهور آمریکا ادامه داد: «جهان حالا به این نتیجه رسیده است که ما با اهدافمان دست یافته‌ایم و در سرتاسر جهان در حمایت از این توافق، تقریباً اجماع نظر وجود دارد؛ متحدان سنتی ما نظیر بریتانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها، ژاپنی‌ها، کره جنوبی‌ها و استرالیایی‌ها و حتی رقبا و در مواردی دشمنان ما، روسیه، چین و دیگران.»

وی افزود: «در نتیجه، اگر ما حالا توافقی را رد کنیم که خودمان مذاکره کردیم و به دنیا برای حمایت از آن فشار آورده‌ایم و ۹۵ درصد دانشمندان هسته‌ای و کارشناسان منع اشاعه و اکثریت سفرای سابق، هم دموکرات و هم جمهوری‌خواه، و هرکسی که نحوه عملکرد رژیم ایران و ماهیت آن برنامه هسته‌ای را بداند (از آن حمایت می‌کند)، در برابر اجماع تمام این افراد، متحدانمان، دوستانمان و کسانی که بیش از همه این موضوعات اطلاعات دارند، ازجمله ارنست مونیز وزیر انرژی من که متخصص فیزیک هسته‌ای از دانشگاه ام‌آی‌تی است، کنگره به دلایل سیاسی این توافق را رد کند، نه فقط بهترین موقعیتمان را در کسب اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از دست می‌دهیم، بلکه ظرف ۳ ماه، ۶ ماه یا یک سال، خود را با چشم‌انداز توسل به اقدام نظامی برای جلوگیری از دستیابی آن‌ها به توان هسته‌ای مواجه خواهیم دید یا دست کم خود را در موقعیت انزوای کامل از جهان خواهیم یافت که هیچ اعتباری برای انجام هرگونه مذاکره برای توافقات بین‌المللی نخواهیم داشت، چراکه همه تصور خواهند کرد که دولت آمریکا، در کنگره و اینجا در واشنگتن، به خاطر مسائل سیاسی کنار زده می‌شود.»



سخنان جان کری «وزیر خارجه امریکا» درباره برجام[1]

«جان کری»، وزیر خارجه، «ارنست مونیز»، وزیر انرژی و «جک لو»، وزیر خزانه‌داری آمریکا روز پنجشنبه در نشستی در کمیته روابط خارجی سنا از نتایج پایانی مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ دفاع کردند.

در ادامه متن کامل سخنرانی جان کری وزیر امور خارجه امریکا را در کمیته روابط خارجی سنا آمده است:

جناب کورکر رئیس کمیته، جناب کاردین عضو ارشد کمیته و دیگر اعضای این کمیته که دوستان و همکاران سابق من هستید، تشکر می‌کنم از اینکه این فرصت به من داده شده است تا با شما درباره توافق جامعی صحبت کنم که ما و شرکایمان در گروه ۱+۵ با ایران درباره آینده برنامه هسته‌ای این کشور به آن دست یافته‌ایم. و اجازه می‌خواهم که برای همه کسانی که اینجا نشسته‌اند تأکید کنم که تنها ایالات متحده آمریکا نیست بلکه سایر قدرت‌های هسته‌ای نیز هستند: فرانسه، انگلیس، روسیه و چین. آن‌ها درک بسیار خوبی از موضوع و چالش‌های آن دارند و من از آن‌ها و آلمان (که کشور به‌علاوه یک بود) تشکر می‌کنم که همگی همکاری و کمک کردند و همه آن‌ها یک طرف از این بحث‌ها بودند.

بنابراین شما صرفاً نگاهتان به موضوعات مورد مذاکره نباشد، بلکه این‌طور نگاه کنید که جامعه بین‌المللی و پنج بعلاوه یک، زیر نظر سازمان ملل متحد مذاکراتی انجام داده‌اند و آن‌ها احمق نیستند. آن‌ها متخصص هستند. هریک از آن‌ها در حوزه فناوری هسته‌ای، انعقاد قرارداد و راستی آزمایی افراد باهوشی هستند که یک عمر در این کارها وقت صرف کرده‌اند و مهر تأییدشان را پایین این توافق زده‌اند.

۱- سایت شبکه خبر، کد خبر: ۱۲۹۹۴۸

خب، دو نفر دیگر از اعضای کابینه - جک لو وزیر خزانه‌داری و ارنست مونیز، وزیر انرژی آمریکا - نیز همراه من هستند که کمک‌هایشان برای رسیدن به این توافق بسیار ارزشمند بود. از همه شما و همچنین از نقشی که کنگره ایفا کرد تشکر می‌کنم.
افتخار می‌کنم که در زمانی که برای تحریم ایران تلاش می‌کردیم من رئیس همین کمیته بوده‌ام. همه ما آن بحث‌های طولانی را به خاطر می‌آوریم و آن تحریم‌ها را با اتفاق آرا به تصویب رساندیم. تحریم‌هایی که نقش اساسی‌ای در کشاندن ایران به پای میز مذاکره داشتند و روشن ساختند که ما نیاز به مذاکرات جدی و سازنده با ایران داریم.
خب، از روزی که این گفتگوها آغاز شد ما به‌صراحت اعلام کردیم که هیچ چیزی کمتر از توافق خوب را نخواهیم پذیرفت. ما از همان ابتدا بسیار شفاف و روشن مشخص کردیم منظورمان چیست یعنی توافقی که همه چهار مسیر دستیابی ایران به بمب اتمی را مسدود کند، دو مسیر آن از طریق اورانیوم و یک مسیر از طریق فراوری پلوتونیوم و یک مسیر پنهان زیر زمینی. ما استانداردهای خود را مشخص کردیم. ما معتقدیم به این استانداردها دست یافته‌ایم.
پس از حدود دو سال گفتگوهای بسیار فشرده، واقعیت‌ها بسیار شفاف و روشن شده‌اند و طرحی که هفته گذشته در وین اعلام شده، واقعاً همان توافقی است که سبب بسته شدن مسیرهای مذکور می‌شود و برای ما ضمانت‌هایی از طریق تعهد مادام العمر به NPT و همکاری ایران فراهم می‌کند، و ما خواهیم دانست که ایران چه کارهایی انجام می‌دهد.
خب، جناب رئیس- سناتور، باب کورکر- در نطق ابتدایی‌شان جملاتی در خصوص اینکه اگر به ایران آن چیزهایی را که می‌خواهد بدهیم، گفتند.
بزرگان، آن‌ها پیش‌ازاین آن‌چه را می‌خواهند به دست آورده‌اند. آن‌ها ۱۰ سال پیش یا قبل‌تر، به آن رسیده‌اند. آن‌ها پیش‌تر از این به چرخه سوخت هسته‌ای رسیده‌اند. زمانی که ما مذاکراتمان را شروع کردیم ایران حجمی از مواد حاصل از شکافت را در اختیار داشت که برای ساخت ۱۰ تا ۱۲ بمب هسته‌ای کافی بود. درحالی‌که دولت قبلی با آن‌ها‌ها بر سر این موضوع مهم بسیار درگیر بود آن‌ها از ۱۶۳ سانتریفیوژ در سال ۲۰۰۳ به ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ رسیدند.
پس این متن درخواستی برای این نیست که هر آن‌چه که می‌خواهند به آن‌ها بدهیم. منظورم این است که این درخواستی است برای این‌که چگونه می‌توانید مانع برنامه آن‌ها شوید و آن را به تعویق بیندازید، چگونه می‌توانید برنامه تسلیحاتی آن‌ها، را تکه تکه کنید و از بین ببرید، نه همه‌ی برنامه‌هایشان را.
بیایید بفهمیم که چه چیزی واقعاً اینجا روی میز قرار داشت. ما برنامه‌ریزی کردیم تا توانایی آن‌ها برای ساخت سلاح اتمی را نابود کنیم، و به این هدف دست یافتیم، هیچ‌کسی در

خصوص اینکه ما عملاً تمام برنامه هسته‌ای آن‌ها را از بین ببریم حرفی نمی‌زد، و ما در این خصوص وقتی صحبت می‌کردیم که آن‌ها از ۱۶۳ سانتریفیوژ به ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ رسیدند.

همه کسانی که اینجا بر این کرسی‌ها تکیه زده‌اید می‌دانید که گزینه ما برای متوقف کردن آن بود. به این اقدام نظامی می‌گفتیم، چراکه آن‌ها از هیچ راه دیگری قصد متوقف کردن آن برنامه را نداشتند و آن‌ها قبلاً این را ثابت کرده‌اند. در تمام طول آن سال‌ها این را اثبات کردند.

بر اساس مفاد این توافق، ایران اکنون موافقت کرده که ۹۸ درصد از ذخایر اورانیوم غنی شده خودش را داوطلبانه از بین ببرد، دو سوم از سانتریفیوژهای نصب شده خود را باز کنند (قطعات هر سانتریفیوژ را از هم جدا کنند) و قلب رآکتور آب سنگین خودش را کنار بگذارند و آن را با سیمان پر کند. ایران موافقت کرده است که از ساخت یا دستیابی به اورانیوم با سطح غنای بسیار بالا و پلوتونیوم تسلیحاتی حداقل برای ۱۵ سال خودداری کند و اگر آن‌ها اقدام به انجام این کار کردند، آقای ارنست مونیز-وزیر انرژی آمریکا- به شما خواهد گفت که ما به سرعت متوجه این اقدام آن‌ها خواهیم شد.

ایران همچنین با پذیرش پروتکل الحاقی موافقت کرده است و پروتکل الحاقی نتیجه تجربه شکست خورده، در خصوص کره شمالی است که دقیقاً به ما توانایی دسترسی‌های اضافی را می‌دهد که ما از طریق آن می‌دانیم که ایران چه کاری انجام می‌دهد و آن‌ها باید برای اینکه تحریم‌های سازمان ملل در پایان این روند برداشته شوند، قبل از آن پروتکل الحاقی را در کشورشان به تصویب برسانند. آن‌ها باید این را به تصویب مجلس خودشان برسانند. آن‌ها موافقت کرده‌اند که با آن زندگی‌شان را از روز اول شروع کنند. آن‌ها قصد دارند با پروتکل الحاقی زندگی کنند. به علاوه، اقدامات شفافیت ساز اضافی‌ای وجود دارند که در ادامه جلسه در خصوص آن‌ها سخن خواهم گفت.

خُب، اگر ایران در اجرای تعهدات خود بدعهدی کند، ما متوجه خواهیم شد و ما به‌سرعت متوجه خواهیم شد و قادر خواهیم بود تا پاسخ متناسب این کار آن‌ها را با تحریم مجدد بدهیم و می‌توانیم از سخت‌گیرانه‌ترین گزینه‌هایی که امروز در اختیار داریم نیز استفاده کنیم. هیچ‌یک از آن‌ها در هر نقطه‌ای از زمان از روی میز برداشته نخواهند شد. بنابراین، بسیاری از اقداماتی که در این توافقنامه وجود دارد تنها برای ۱۰ سال، ۱۵ سال، ۲۰ سال و ۲۵ سال نیستند، اقداماتی وجود دارد که مختص هریک از این دوره‌های زمانی است، اما این اقدامات برای یک عمر است، این اقدامات همیشگی هستند، تا زمانی که ایران تحت قوانین NPT باشد این اقدامات ادامه خواهند داشت. در ضمن، کره شمالی از NPT خارج شده است اما ایران از NPT خارج نشده است.

دو سال پیش وقتی‌که مذاکرات شروع شد را به خاطر بیاورید، ما با ایرانی مواجه بودیم که در تأسیسات زیر زمینی و مخفیانه‌اش غنی‌سازی ۲۰ درصد انجام می‌داد. و آن‌ها به‌سرعت، اورانیوم غنی‌سازی شده خود را ذخیره می‌کردند و نزدیک به ۲۰ هزار سانتریفیوژ در تأسیسات خود نصب کرده بودند. آن‌ها یک رآکتور آب سنگین ساخته بودند که قادر به تولید پلوتونیم تسلیحاتی بود که حجم تولید آن برای ساختن سالانه یک یا دو بمب اتم کافی بود. متخصصان زمان گریز هسته‌ای ایران را ارزیابی کردند، به این نتیجه رسیدند که، فاصله زمانی مورد نیاز برای تولید موارد شکافت پذیر لازم برای ساختن یک بمب هسته‌ای، دو تا سه ماه است. اگر این قرارداد رد شود، ما بلافاصله به همان نقطه بازخواهیم گشت، با این تفاوت که حمایت دیپلماتیکی که از سوی سایر کشورها ایجاد شده است، و ما آن را فراهم کرده‌ایم، یک شبه ناپدید خواهد شد.

اجازه دهید تأکید کنم، جایگزین این قراردادی که ما به آن دست یافته‌ایم، بعضی از این تبلیغات مزورانه و تا حدودی غیر صادقانه‌ای نیست که من در تلویزیون دیده‌ام. جایگزین این‌یک «توافق بهتر» نیست، که بعضی‌ها از آن یک اسب تک‌شاخ خیالی می‌سازند که دربردارنده تسلیم ایران است. این خیالی بیش نیست، خیلی آشکار و ساده است، و سازمان‌های اطلاعاتی‌مان می‌توانند این موضوع را به شما خواهند گفت. هر یک از بخش‌های سازمان‌های اطلاعاتی ما این واقعیت را برای شما تأیید خواهند کرد. ما می‌توانیم بین این دو یکی را انتخاب کنیم:

۱- یک توافقنامه که محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران را تضمین خواهد کرد و آن را به دقت تحت نظر قرار خواهد داد و آن را به یک برنامه کاملاً صلح‌آمیز مبدل خواهد کرد را انتخاب کنیم

۲- یا اصلاً با ایران قراردادی امضا نکنیم.

این‌ها انتخاب‌های ماست.

حقیقت این است که ۱۸۹ کشور هستند که با NPT زندگی می‌کنند: همانطور که می‌دانیم پنج کشور از این‌ها اصلی‌ترین قدرت‌های هسته‌ای سازمان ملل هستند، و ۱۸۴ کشور دیگر، فاقد قدرت و توانایی هستند اما با آن زندگی می‌کنند. و ما در سایه اقدامات محترمانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که اقدامات سایر ۱۸۴ کشور و ۱۲ کشور دیگری که غنی‌سازی می‌کنند را به دقت تضمین می‌کند زندگی می‌کنیم.

خُب، اگر کنگره آمریکا، به‌طور یک‌جانبه به این سمت برود که توافقی که در وین انجام شده را رد کند، نتیجه‌اش این خواهد بود که ایالات متحده، از هریک از محدودیت‌هایی که

ما به‌دست آورده‌ایم دور خواهد شد و یک چراغ سبز بسیار بزرگ برای ایران خواهد بود تا با دو برابر سرعت قبل به غنی‌سازی اورانیوم بپردازد. و با سرعت تمام اقدام به تکمیل رأکتور آب سنگین خود نماید و سانتریفیوژهای جدید و کارآمدتری را نصب نماید و همه این‌کارها بدون بازرسی‌های بی‌سابقه و کم‌نظیر و اقدامات شفافیت ساز که به ما اطمینان می‌بخشند، انجام خواهند گرفت و عقب‌گرد داوطلبانه آن‌ها از برنامه‌شان انجام نخواهد شد.

علاوه بر این، اگر ایالات متحده، بعد از مذاکرات مجدانه و بی‌وقفه با ۵ طرف دیگر، بر سر این توافق چندجانبه، از شرکای خود دور شود، ما تنها خواهیم ماند، شرکای ما در این مسیر همراه ما نخواهند بود. در عوض، آن‌ها از برقراری رژیم تحریم‌های چندجانبه‌ای که منجر شد تا ما امروز به اینجا برسیم فاصله خواهند گرفت. و ما بهترین شانس خودمان را برای حل صلح‌آمیز این مسئله را هدر خواهیم داد.

پس، اشتباه نکنید. رئیس‌جمهور اوباما صراحتاً گفته است که ما هرگز یک ایران مجهز به سلاح اتمی را نخواهیم پذیرفت. او تنها رئیس‌جمهوری است که سلاحی را توسعه داد که قادر به تضمین این موضوع است. و او تنها این سلاح را گسترش و توسعه نداد بلکه آن را مستقر و پابرجا کرد.

اما حقیقت این است که ایران – با وجود اینکه هیچ‌یک از ما خواهان این نیستیم اما چه برای ما خوشایند باشد یا ناخوشایند- ایران با تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای تجربه خود را گسترش و توسعه داده است. آن‌ها به قدری پیشرفت کرده‌اند که قادر به تولید مواد شکافت پذیر لازم برای ساخت بمب اتمی هستند و ما نمی‌توانیم دانش آن‌ها را بمباران کنیم یا دانش آن‌ها را تحریم کنیم.

به یاد بیاورید، تحریم‌ها نتوانستند برنامه هسته‌ای ایران را از رشد مداوم و پیوسته تا رسیدن به نقطه‌ای که مواد شکافتنی لازم برای تولید ۱۰ بمب هسته‌ای را فراهم کند باز دارند. بر خلاف کره شمالی که سلاح اتمی سّاخت، و یکی از آن‌ها را منفجر کرد و ازNPT خارج شد، ایران هیچ‌یک از این کارها را انجام نداده است.

حقیقت این است که برنامه تدوین شده در وین، بهتر از هر جایگزین دیگری که بدر مورد آن حرف زده بشود، خواهد توانست ابزارهای محدودسازی قوی‌تر و جامع‌تر و پایدارتری را برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران فراهم کند. و به آن‌هایی که فکر می‌کنند که به خاطر آنچه ممکن است بعد از ۱۵، ۱۶ یا ۲۰ سال اتفاق بیفتد، با این توافق می‌خواهند مخالفت کنند یادآوری می‌کنم که اگر ما از این راه دور شویم، بدون هیچ‌یک از شرایط تأیید و تحقیق و بازرسی بلندمدت یا پادمان‌های شفافیت‌ساز که ما آن‌ها را وضع کرده‌ایم، ۱۵، ۱۶ یا ۲۰ سال

دیگر همین فردا شروع خواهد شد.

خب، در طول هفته گذشته، من در خصوص اینکه دقیقاً این قرارداد دقیقاً «چه چیزی هست»، بسیار صحبت کرده‌ام. من همچنین می‌خواهم این موضوع را شفاف کنم که این توافق تلاش می‌کند که هرگز «چه چیزی نباشد.»

اول از همه، بعنوان رئیس تیم مذاکره‌کننده، من می‌توانم به شما عرض کنم که، هرگز کلمات، «هرکجا و در هرزمان» را به زبان نیاورده‌ام و این جزء بحث‌های که ما با ایرانی‌ها داشتیم نبودهاست. این طرح برای رسیدگی به مسئله هسته‌ای طراحی شده است. تنها برای مسئله هسته‌ای، چون ما می‌دانستیم که اگر گرفتار بحث در خصوص مسائل دیگر شویم دیگر به‌جایی نمی‌رسیدیم که به توقف برنامه هسته‌ای ایران نیازمند باشیم. این چند گام عقب‌نشینی استراتژیک مثل یک بوکسور است، همیشه آنجا خواهیم ماند، و در خصوص یک جنبه یا جوانب دیگر گفت‌وگو خواهیم کرد.

بالاترین اولویت رئیس‌جمهور اوباما این بود که مطمئن شود ایران نتواند سلاح هسته‌ای بسازد، بنا بر برنامه‌های ما در این راستا تنظیم شدند. ما شروع به‌عین کار نکردیم، و این کار را دوست نداریم - من طرح‌های جامعی دارم که اگر شما آن‌ها را بخواهید، آن‌ها را برای شما توضیح خواهم داد، در خصوص اینکه چگونه بر دیگر فعالیت‌های ایران غلبه خواهیم کرد، علیه تروریسم، حمایت‌های آن‌ها در این زمینه، کمک‌های آن‌ها به گروه‌های خشونت‌گرا در خاورمیانه و دیگر چیزها. همه این موضوعات غیرقابل قبول هستند. همین‌طور که برای شما غیرقابل قبول هستند برای ما نیز غیر قابل پذیرش هستند. اما من خبرهایی برای شما دارم. غلبه بر ایران دارای یک سلاح هسته‌ای با غلبه بر ایرانِ بدون سلاح هسته‌ای بسیار متفاوت است. و ما تضمین می‌کنیم که آن‌ها سلاح اتمی نخواهند داشت.

بنابراین ما در حال همکاری بسیار نزدیک با کشورها حاشیه خلیج هستیم. درست همین امروز وزیر امورخارجه عربستان سعودی - اشتون کارتر، (وزیر دفاع آمریکا) دیروز آن‌جا بود- گفت: توافق هسته‌ای ایران، همه مفاد لازم برای محدود کردن ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای را دارا هست. این عربستان سعودی است. امارات نیز حامی این توافق است. وزیر امور خارجه ایران آخر این هفته قصد سفر به امارات را دارد.

بنابراین، من مایلم که پیشنهاد کنم، ما فشار خودمان بر ایران در خصوص آمریکایی‌های گم شده و در خصوص آزادی هر چه سریع‌تر آمریکایی‌هایی که به ناحق دستگیر شده‌اند را ادامه دهیم. و در تمام منطقه هیچ چالشی وجود نخواهد داشت که ایران در آن ایفای نقش کند و ما از آن عقب‌نشینی کنیم. اما من به شما خواهم گفت، که هیچ‌یک از این چالش‌ها در صورتی

که ایران دارای سلاح هسته‌ای باشد حل نخواهند شد.

البته، نتیجه نمی‌تواند تنها با تحریم تضمین شود. من آرزویم بود که ممکن بود. اما ممکن نیست. همان‌طور که با اقدام نظامی نیز به تنهایی نمی‌تواند تضمین شود. نظامی‌های ما این موضوع را به ما می‌گویند. تنها گزینه پایدار در اینجا یک راه‌حل دیپلماتیک دقیق از نوع آن چیزی است که در وین به آن رسیدیم.

و در مورد توافق ما معتقدیم- و اعتقاد داریم این را در امروز و روزهای آتی به شما نشان خواهیم داد- که کشور ما و متحدانمان را امن‌تر می‌کند. این توافق اطمینان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران برای همیشه، تحت نظارت‌های شدید خواهد بود و ما در جریان هر کاری که انجام بدهند خواهیم بود و این توافق تضمین می‌کند که جامعه جهانی در خصوص صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران اطمینان حاصل کنند.

و همه ما بر سر این موضوع نیز اتفاق نظر خواهیم داشت که باید علیه سایر کارهای ایران در منطقه که نسبت به آن‌ها معترض هستیم اقدام لازم صورت بگیرد.

ما معتقدیم که این‌یک توافق خوب برای جهان است، یک توافق خوب برای آمریکاست، یک توافق خوب برای ما و متحدانمان در منطقه است، و ما فکر می‌کنیم که سزاوار پشتیبانی شما-سنای آمریکا- است.



یادداشت وزیر خزانه‌داری امریکا درباره برجام[1]

«یادداشت جک لو وزیر خزانه‌داری آمریکا در روزنامه نیویورک تایمز»

با این توافق راهکاری بلندمدت برای یکی از تهدیدهای زمان مطرح می‌شود؛ چراکه بدون این توافق، ایران به‌عنوان مهم‌ترین کشور حامی تروریست در جهان، در فاصله ۹۰ روز می‌تواند به بمب هسته‌ای دسترسی داشته باشد.

با این توافق تهدیدات برنامه هسته‌ای ایران به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد و زمان گریز هسته‌ای- مدت زمان لازم برای تولید مواد لازم ساخت سلاح هسته‌ای- برای ایران ۴ برابر افزایش خواهد یافت و با ایجاد دسترسی بی‌سابقه امکان اطلاع یافتن از هرگونه تخطی از جانب ایران را فراهم می‌کند و اهرم قدرتی در اختیار ما قرار می‌دهد تا این کشور را به تعهداتش پایبند نگاه داریم.

آن‌هایی که از کنگره می‌خواهند تا توافق را لغو کند و معتقدند که آمریکا می‌توانست توافق بهتری به دست آورد و هنوز هم‌چنین امکانی دارد تا (به این وسیله) ما به‌طور یک جانبه تحریم‌های موجود را افزایش دهیم و ایران را وادار کنیم که برنامه هسته‌ای خود را از بین ببرد یا اینکه چنین اقدامی زمینه‌ساز تغییر عمده برای فروپاشی دولت این کشور است، (باید بدانند) این یک فرض خیالی و خطرناک و بلند پروازانه در مقابل واقعیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک است.

قطعاً آمریکا از لحاظ اقتصادی نفوذ بسیار بالایی دارد اما فقط نفوذ اقتصادی کافی نیست که کشورها را در اروپا و آسیا تشویق می‌کند تا به سیاست تحریم کنونی بپیوندند. محدودیت‌ها در خرید نفت ایران و سپرده‌های این کشور مسائل دیگری هستند که این اقدام را پر هزینه

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۲۳۰۰۰۱۶۵

می‌کنند. کشورهای دیگر به این دلیل به ما پیوستند که ما ثابت کردیم ایران تهدیدی برای ثبات جهانی است و از این مهم‌تر اینکه راهکاری را برای حل دیپلماتیک این مسئله پیشنهاد دادیم.

از دید جامعه جهانی توافق هسته‌ای -که شورای امنیت سازمان ملل و بیش از ۹۰ کشور دیگر آن را تأیید کردند- با مهار برنامه هسته‌ای ایران برای بلندمدت و تضمین این‌که این فعالیت‌ها کاملاً صلح‌آمیز هستند، جنبه تهدید آمیز بودن آن را از بین برده و جهان را امن‌تر کرده است و اگر کنگره در شرایط فعلی توافق را رد کند، عناصری که در زمینه دستیابی به اجماع جهانی مؤثر بوده‌اند، از بین خواهند رفت.

حقیقت ساده این است که پس از ۲ سال آزمودن ایران در مذاکرات، جامعه جهانی اعتقاد ندارد که افزایش تحریم‌ها می‌تواند ایران را تشویق کند تا تمامی ابعاد برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود را ریشه کن یا روابط خود را باهم‌پیمانان مسلحش در منطقه قطع کند. دولت‌های خارجی به درخواست ما برای این فداکاری پر هزینه تن نخواهند داد.

درواقع جهان، ما را برای فاصله گرفتن از راهکاری منطقی به منظور پایان دادن به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای امنیت دنیا سرزنش خواهد کرد و به همکاری با ایران ادامه خواهد داد. تصمیم کنگره برای رد کردن یک‌جانبه توافق، به انزوای یک دهه گذشته ایران پایان می‌دهد و آمریکا را در تقابل با بقیه کشورهای جهان قرار خواهد داد.

برخی منتقدان استدلالشان این است که ما می‌توانیم کشورهایی را که در تحریم ایران ما را همراهی نمی‌کنند با تحریم‌های ثانویه تنبیه کنیم اما این اقدام فاجعه خواهد بود. کشورهایی که ما به همکاری آن‌ها نیاز داریم ازجمله کشورهایی در اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، هند، کره جنوبی و شرکت‌ها و بانک‌هایی که درآمدهای نفتی و سپرده‌های خارجی را نگه می‌دارند، ازجمله کشورهای قدرتمند اقتصادی در جهان هستند. اگر ما آن‌ها را از سیستم مالی و پولی خود کنار بگذاریم با مشکلات مالیِ گسترده‌ای مواجه خواهیم شد و این مشکلات فقط متوجه شرکای ما نخواهد بود بلکه گریبانگیر آمریکا هم می‌شود. روابط قوی اقتصادی ما با این کشورها مبنای اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد. مقصد حدود ۴۰ درصد از صادرات آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، هند و کره است. و این رابطه بازرگانی را نمی‌توان بدون ارتباط بانکی ادامه داد.

مهم‌ترین واردکنندگان نفت ایران یعنی چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، تایوان و ترکیه کشورهایی هستند که در مجموع حدود یک پنجم از صادرات ما به مقصد این کشورهای صورت می‌گیرد و ۴۷ درصد از ذخایر خارجی آمریکا را در این کشورها قرار دارد. آن‌ها با چنین

فداکاری اقتصادی با توهم توافق بهتر موافقت نخواهند کرد. ما باید پیش ازاینکه بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ در این کشورها را فلج کنیم در این مورد خوب فکر کنیم.
بانک مرکزی ژاپن را در نظر بگیرید، یک نهاد مهم و کلیدی است که ذخایر خارجی ایران در آن‌جاست. بریدن ژاپن از سیستم بانکی آمریکا از طریق تحریم به این معنی است که ما نمی‌توانیم به اقتدار خودمان و باز پرداخت بیش از یک تریلیون دلار در خزانه آمریکا که توسط بانک مرکزی ژاپن انجام می‌شود، افتخار کنیم و این‌ها پیامدهای غیر مستقیم تحریم ما خواهد بود و نیازی به ذکر پس‌لرزه‌های اقتصادی و اقدامات تلافی‌جویانه اجتناب‌پذیر نیست.
ما باید تاریخ معاصر را یادآوری کنیم. در سال ۱۹۹۶ و درحالی‌که حمایت جهانی از تحریم‌ها علیه ایران وجود نداشت، کنگره تلاش کرد تا شرکت‌های خارجی را که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند را به اعمال تحریم‌های ثانویه تهدید کند. این ایده بر این مبنا بود که شرکت‌های نفتی را وادار کند تا بین معامله با ایران و آمریکا یکی را انتخاب کنند و انتظار می‌رفت که همه آمریکا را انتخاب کنند.
این کار، اقدام خشم شرکای خارجی ما به‌خصوص اتحادیه اروپا را به دنبال داشت. این اتحادیه تهدید، ارجاع به سازمان تجارت جهانی و گذراندن قانونی برای جلوگیری از اقدام شرکت‌ها (در راستای خواست آمریکا) را در دستور کار قرارداد. شرکت‌های بزرگ نفتی اروپایی و آسیایی همچنان تا بیش از یک دهه بعد یعنی زمانی که ما به اجماعی جهانی در زمینه تهدید بودن ایران رسیدیم، با ایران همکاری کردند.
توافقی که ماه گذشته به آن دست یافتیم، توافقی محکم، بی‌سابقه و خوب برای آمریکاست که در آن همه شاخص‌های اصلی که جامعه جهانی می‌خواست تا ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز دارد، لحاظ شده است. کنگره باید این توافق را بپذیرد و انتقادهایی که جایگزینی برای توافق پیشنهاد نمی‌دهند را نادیده بگیرد.



تحلیل دیوید آلبرایت «رئیس موسسه علوم و امنیت امریکا» از برجام[1]

دیوید آلبرایت، از تأثیرگذارترین افراد بر سیاست‌های آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، در نشست کمیته روابط خارجی سنا توصیه‌هایی مطرح کرده است که در صورت اجرایی شدن روند اجرای برجام را دشوار کرده و عملاً اصل صنعتی‌سازی برنامه هسته‌ای را زیر سؤال خواهد برد.
به گزارش فارس، کنگره آمریکا بلافاصله پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه موسم به ۵+۱، فرآیند بررسی سند به دست آمده را آغاز کرد و در این مسیر علاوه بر مقامات عالی‌رتبه آمریکا ازجمله وزرای دولت این کشور، جلسات متعددی را با کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، اقتصادی و فنی برگزار کرد.
یکی از این جلسات روز ۱۳ مرداد (۴ اوت) در کمیته روابط خارجی سنا برگزار شد و طی آن مفاد سند برنامه جامع اقدام مشترک
«برجام» مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی از حاضران در این نشست که به سؤالات سناتورها در مورد برجام پاسخ می‌داد، «دیوید آلبرایت» رئیس موسسه علوم و امنیت بین‌الملل بود.
وی که موسسه تحت مدیریتش نقشی اساسی در فضاسازی علیه برنامه هسته‌ای ایران ایفا کرده، ازجمله اثرگذارترین شخصیت‌ها در آمریکا بر سیر تصمیم‌گیری‌های واشنگتن در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شمار می‌آید و تاکنون گزارش‌های متعددی در خصوص فعالیت‌های ایران منتشر کرده است.
برخی از مؤلفه‌های مورد تأکید آمریکا در طول مذاکرات، ازجمله مفهوم زمان گریز و یک‌ساله بودن این دوره، سقف سانتریفیوژها، خروج مواد مازاد از کشور و همچنین تغییر وضعیت رآکتور اراک حاصل گزارش‌هایی بود که موسسه علوم و امنیت منتشر کرد.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۵۱۸۰۰۱۴۷۶

هرچند آلبرایت مقامی در دولت آمریکا ندارد و مواضع او الزاماً موضع واشنگتن نیست، اما با توجه سابقه اثرگذاری گزارش‌های وی، بررسی اظهارات اخیر او در سنا می‌تواند تا حدی جهت‌گیری‌های احتمالی آمریکا پس از اجرای توافق هسته‌ای را مشخص کند. او در این نشست خط مشیی برای آمریکا تعریف کرده که در صورت اجرایی شدن، می‌تواند فرآیند اجرای برجام را با مشکلات جدی مواجه کند و ضمناً اصل به رسمیت شناخته شدن برنامه صنعتی ایران را زیر سؤال ببرد.

وی در اظهاراتی که در ابتدای این نشست مطرح کرده، با ذکر برخی ادعاهای تکراری در مورد تلاش ایران برای فعالیت‌های مخفیانه هسته‌ای، توصیه‌هایی به کنگره و تیم مذاکره‌کننده آمریکایی مطرح کرده که برخی از آن‌ها به‌طور کلی عبارت‌اند از:

- با موارد نقض جزئی توافق، باید برخی تحریم‌ها بازگردند.
- بلافاصله پس از اجرای توافق، باید به دنبال متقاعد کردن ایران به تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی باشیم/ اجرای توافق باید به خروج تمام ذخایر ۲۰ درصد از ایران موکول شود.
- کنگره باید با تصویب قانونی، جزئیات توافق، مصداق‌های نقض توافق و جرائم احتمالی را مدون کند.
- واشنگتن باید هرگونه غنی‌سازی بالای ۵ درصد در ایران، را تهدیدی برای صلح معرفی کند.
- واشنگتن پس از سال دهم باید اعلام کند غنی‌سازی نیمه‌تجاری در ایران خلاف هنجارهای منع اشاعه است.
- رفع تحریم‌ها باید به برطرف شدن کامل نگرانی‌های آژانس منوط شود.
- پس از پایان عمر توافق، باید به بهانه عدم صرفه اقتصادی، با توسعه غنی‌سازی مخالفت شود.
- باید بدون توجه به فرصت ۲۴ روزه برای بازرسی، خواستار بازرسی‌های فوری از ایران شد و در صورت مخالفت، تنبیهاتی در نظرگرفت.
- برخی تحریم‌ها باید حتی با موارد جزئی، و نه موارد نقض عمده آنطور که در توافق آمده، بازگردند.
- بلافاصله پس از اجرای توافق، باید به دنبال متقاعد کردن ایران به تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی باشیم؛
- اجرای توافق باید به خروج تمام ذخایر ۲۰ درصد از ایران موکول شود.

با توجه به اهمیت اظهارات آلبرایت، بخش‌های مهمی از متن صحبت‌های او در ابتدای نشست کمیته روابط خارجی سنا بدون دخل و تصرف آمده است:

موسسه علوم و امنیت بین‌الملل
برجام: عدم اشاعه، بازرسی‌ها، و محدودیت‌های هسته‌ای
جلسه استماع کمیته روابط خارجی سنا با حضور «دیوید آلبرایت» رئیس موسسه علوم و امنیت بین‌الملل
۴ آگوست، ۲۰۱۵

کنگره آمریکا مسئولیت ویژه‌ای برای ارزیابی برجام، قضاوت درباره کفایت این متن در حفاظت از منافع امنیت ملی آمریکا در کوتاه‌مدت و درازمدت، و نیز تضمین اجرای مؤثر آن بر عهده دارد. انجام این تلاش مستلزم نگاهی دقیق به نقاط قوت و ضعف این توافق است. کنگره آمریکا همچنین به‌عنوان بخشی از مراحل ارزیابی نقاط ضعف این متن، باید به دنبال راه‌هایی برای اصلاح این نقاط ضعف نیز باشد.

کنگره موظف است قانونی وضع کند تا این توافق و برداشت‌ها درباره مفاد حساس آن را مدون ساخته و اجرای مؤثر آن را نیز تضمین کند. این قانون جدید همچنین می‌بایست ملزوماتی در خصوص ارائه گزارش‌های مرتب ایجاد کرده و نقاط ضعف موجود در این توافق را کاهش دهد. علاوه بر این چنین قانونی لازم است تا بودجه کافی برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اختصاص دهد که به وسیله آن آژانس بتواند مسئولیت خود برای انجام راستی‌آزمایی تحت این برجام را انجام دهد چراکه برای انجام این مهم، آژانس نیازمند نیرو و منابع بیشتر است تا به تواند مسئولیت‌هایش را به‌طور مؤثر به انجام برساند.

لزوم تصویب قانونی جامع در کنگره

همانطور که سناتورهای آمریکایی به نحوه ارزیابی یک توافق هسته‌ای می‌اندیشند، این موشکافی دقیق آن‌ها نه‌تنها باید به ارائه رأیی مثبت یا منفی درباره توافق بیانجامد، بلکه می‌بایست قانونی را نیز وضع کند که تمام مفاد آن و نیز نحوه اجرا طی زمان را به‌طور مبسوط شرح داده، برداشت‌های کلیدی درباره مفاد این توافق را روشن ساخته و چارچوبی برای اجرای مؤثر آن فراهم آورد. درحالی‌که مصوبه ۲۰۱۵ بازبینی توافق هسته‌ای ایران برخی موارد ذیل را اجرا می‌کند، کنگره نیز موظف است تا تضمین کند هر مصوبه جدیدی این بندها را و نیز اقدامات بیشتر و الزامات مربوط به ارائه گزارش‌هایی دوره‌ای را شامل می‌شود. این موارد عبارت‌اند از:

- توصیف دقیقی از انگیزه، نیت و دامنه توافق
- برداشت‌های سیاست و فنی مهم از مفاد اصلی توافق

- ارزیابی‌هایی درباره کفایت رژیم راستی‌آزمایی توافق
- شرایطی به منظور تضمین اجرای تمام و کمال توافق
- بیان مشخصی از آنچه باعث نقض توافق می‌شود، چه موارد مربوط به مواد مرتبط هسته‌ای و چه گام‌هایی که باید اجرا شود.
- پیامدهای احتمالی عدم پایبندی ایران، به‌طور خاص شامل مواردی که فراتر از تحریم‌ها رفته و یا روند بازگشت تحریم‌ها را تکمیل می‌کند.
- و شیوه‌هایی برای پرداختن به عدم تمایل ایران در خصوص پایبندی به مفاد توافق و یا توقف فعالیت‌های مورد بحث.

بیان این نکته از اهمیت خاصی برخوردار است که ضرورت دستیابی به این توافق، از تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و ایجاد قابلیت‌های محرمانه هسته‌ای نشأت گرفته است که به دلیل عدم پایبندی ایران به تعهدات خود بر اساس توافقنامه پادمان‌ها بحرانی را بوجود آورد که بیش از یک دهه به درازا کشید. ایران همچنان یک کشور مشکوک باقی خواهد ماند. بنابراین، لحاظ کردن یک رخدادنگاری دقیق از نقض تعهدات عدم اشاعه ایران ضمن قانون جدید و نیز توصیف سابقه عدم همکاری این کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بسیار کاربردی و مفید خواهد بود. علاوه براین، جامعه اطلاعاتی آمریکا باید ارزیابی طبقه‌بندی نشده‌ای از تلاش‌های ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای تا سال ۲۰۰۴ و نیز هرگونه تلاش مرتبط به تحقیق و توسعه تسلیحات هسته‌ای که پس از آن اتفاق افتاده را ارائه دهد.

این قانون و مصوبه جدید باید درک مشترکی از مفاد برجام ایجاد کند. اطلاعات، شفاف‌سازی‌ها و برداشت‌های گردآوری شده و ضبط شده در طول جلسات استماع کنگره می‌تواند در تدوین قانون اجرایی سهم بسزایی داشته باشد. این قانون همچنین باید اعلام دارد که قوه مجریه نمی‌تواند تفاسیر مهم از این توافق را بدون مشورت با کنگره تغییر دهد.

این قانون می‌بایست تفاسیر اصلی از مفاد خاص و بیانات درباره اهداف کلیدی این توافق را شامل شود. مقامات دولت «باراک اوباما» پیش‌تر یک تفسیر را ارائه کرده‌اند؛ تفسیری که ظاهراً عبارت است از اینکه غنی‌سازی اورانیوم یا به‌طور ضمنی جداسازی پلوتونیوم تحت پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، حق ایران نیست. دولت آمریکا نیز اعلام کرده که به‌طور قاطعانه قصد دارد تا مانع از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای در درازمدت شود و نیز تمام گزینه‌ها به منظور نیل به این هدف همچنان روی میز خواهد بود.

تفسیر ضروری دیگر این است که تولید هر میزان اورانیوم غنی‌شده بالای ۵ درصد توسط

ایران یا پولوتونیوم جداسازی شده، هرزمان که اتفاق بیفتند، تهدیدی مشخص برای امنیت بین‌المللی و آمریکا خواهد بود و به‌عنوان عدم هماهنگی با نیات کلی برجام تلقی خواهد شد. علاوه براین، یک برنامه غنی‌سازی نیمه تجاری در ایران (یا هر برنامه بازفرآوری) نه اقتصادی است و نه لازم و بعید است که با هنجارهای بین‌المللی عدم اشاعه نیز همخوانی داشته باشد و بیشتر به نظر می‌رسد که باعث ایجاد بی‌ثباتی و اشاعه در منطقه باشد.
کنگره باید گام‌هایی را مورد تأیید قرار دهد که ایران به منظور دستیابی به رفع تحریم‌ها در روز اجرای توافق، ملزم به اجرای آن است. این برجام، فهرستی از شرایطی را در خود جای داده است که ایران باید به منظور رفع تحریم‌های کلیدی در روز اجرای توافق، به آن دست‌یافته باشد. یکی از این شرایط به میزان کافی مشخص و واضح نیست. کنگره باید رابطه میان رفع نگرانی‌های آژانس درباره ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران و رویه اجرای توافق را مشخص کند. به‌طور خاص، کنگره باید انجام چنین اقداماتی برای رفع تحریم‌ها را مشروط به این موضوع گرداند که نگرانی‌های آژانس در خصوص ابعاد احتمالی نظامی پیش از روز اجرای توافق برطرف شده باشد.
کنگره باید تضمین کند که بودجه کافی برای اجرای مسئولیت‌های آژانس تحت این برجام شامل اجرای پروتکل الحاقی، در اختیار این نهاد قرار می‌گیرد. کنگره همچنین باید تأمین بودجه را مشروط به این موضوع گرداند که شهروندان آمریکایی قادر به همکاری سازنده با آژانس بوده و توسط آژانس برای اجرای پادمان‌های ایران و مسئولیت‌های ضمنی برجام به خدمت گرفته شوند، درحالی‌که این مسئله را نیز در نظر داشته باشد که شهروندان آمریکایی از مشارکت در بازرسی‌ها در ایران منع می‌شوند اما این نکته قابل تأسف نباید مانع از این شود که شهروندان آمریکایی بتوانند روی تلاش‌های راستی آزمایی ایران تحت برجام کار کرده و حتی این تلاش‌ها را هدایت کنند.
علاوه براین، مسیر در نظر گرفته شده در برجام برای تأمین تدارکات مورد نیاز ایران، نیازمند توجه ویژه کنگره است. به منظور اجرای این مهم، آمریکا باید تلاش‌های خود برای افزایش چشمگیر سیستم‌های کنترل صادرات در سطح بین‌المللی را گسترش داده و مجدداً به تلاش‌های ضد اشاعه‌ای خود در قبال تهیه کالاهای مورد نیاز ایران از طرق غیرقانونی برای برنامه‌های نظامی و موشکی خود و یا هرگونه برنامه احتمالی غیرقانونی بازگردد. تضمین موفقیت اجرای این مسیر به منظور مقابله و خنثی کردن نقش‌های ایران اساساً بر عهده کشورها و شرکت‌های آنان است که این کالاها را تأمین می‌کنند. این تلاش لزوماً در سطحی بین‌المللی صورت می‌گیرد و نیازمند منابع قابل توجه آمریکا برای تضمین این موضوع

است که تمامی کشورها ملزومات خود برای اجرای مسیر تأمین کالاهای مورد نیاز ایران و کنترل‌های تجاری در مقیاسی وسیع‌تر به انجام می‌رسانند. به‌عنوان بخشی از این تلاش، بازبینی و گسترش برنامه‌های توسعه کنترل تجارت آمریکا از اهمیت خاصی برخوردار است. آمریکا همچنین نیازمند آن است تا تلاش‌های داخلی خود را با هدف تشخیص به موقع و مختل‌سازی تلاش‌های ایران برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود از طرق غیرقانونی، گسترش دهد. این برجام تنها ۳۰ روز زمان برای رد صادرات پیشنهادی به ایران در نظر گرفته است، که برای بسیاری کشورها زمان کافی برای بازبینی این مسئله نخواهد بود که آیا این صادرات خاص قانونی و مشروع است یا خیر. حتی آمریکا ممکن است با چالش‌های شدیدی در بررسی پیشنهادات در بازه زمانی سی روزه مواجه شود، به ویژه در تشخص اینکه آیا این صادرات می‌تواند به انجام فعالیت‌های ناهمخوان با برجام کمک کند یا خیر. آمریکا با تعلیق توسعه سیستم بازبینی لازم، باید اعلام کند که چنین امری، تصور رد پیشنهاد را القا می‌کند، چنانچه مشخص شود که بازه زمانی سی روزه برای بررسی تمام و کمال پیشنهادات کافی نیست.
شرط بازگشت سریع تحریم‌ها به‌طور گسترده در متن نقض‌های مهم برجام مورد بحث قرارگرفته است. با این وجود، در صورت بروز تخلفات نه چندان عمده، گزینه‌هایی مورد نیاز است تا با روندی صعودی و نه لزوماً با گام‌هایی به ترتیب، بتواند نقض صورت گرفته را به کمیسیون مشترک گزارش کرده، برخی از تحریم‌ها را مجدداً بازگرداند، اجرای شرط همکاری در خصوص انرژی هسته‌ای غیرنظامی را به تأخیر انداخته و یا برخی و یا تمام صادرات به ایران را تحت مکانیزم مسیر تأمین کالا متوقف گرداند. برترین گزینه بازگشت تحریم‌ها خواهد بود. کنگره باید قوه مجریه را ملزم گرداند تا یک سری واکنش‌ها به افزایش نقض‌های احتمالی ایران طراحی و گزارشی در خصوص این واکنش‌ها ارائه دهد.

نگرانی‌ها درباره برجام

این برجام، نقاط قوت بسیاری دارد که در موسسه علوم و امنیت بین‌الملل و دیگر اندیشکده‌های آمریکایی در مقالات بسیاری به آن‌ها پرداخته و اشاره شده است. علاوه براین، دولت آمریکا اطلاعات مثبتی درباره این توافق به کنگره و مردم آمریکا ارائه کرده است. با این وجود، این توافق نمی‌تواند بدون نگاهی انتقادی به مفاد آن مورد ارزیابی قرار گیرد.
به همین جهت مایلم تا شهادت خود را در خصوص نگرانی‌های برجسته در متن توافق ضمن تحلیل‌های سازمان متبوع خود و نیز گام‌های پیشنهادی به منظور پیش‌بینی و یا اصلاح برخی از نقاط ضعف توافق متمرکز گردانم. من در اینجا روی مفاد هسته‌ای توافق متمرکز

می‌شوم و نـه مفـاد مربـوط بـه تحریم‌هـا.
تحلیلی کـه امـروز در اینجـا ارائـه می‌دهـم بـر اساس بررسی‌های پیش‌تـر برجـام در موسسـه علـوم و امنیـت بین‌الملـل و نیـز دو گـزارش جدیـد در ایـن خصـوص اسـت. در اینجـا به‌طـور خلاصـه بـه نگرانی‌هـای مطـرح شـده در ایـن گزارش‌هـا پرداختـه می‌شـود.

ابعاد احتمالی نظامی (PMD)

تردیدهـای قابـل توجهـی همچنـان باقـی اسـت کـه آیـا ایـران نگرانی‌هـای آژانـس در خصـوص ابعـاد احتمالـی نظامـی برنامـه هسـته‌ای خـود را پیـش از آغـاز «روز اجـرای» توافـق پاسـخ خواهـد گفـت و عـدم تحقـق ایـن مهـم، تأثیـری منفـی بـر موفقیـت توافـق خواهـد گذاشـت. بدیـن منظـور، اقداماتـی بایـد در حـال حاضـر صـورت گیـرد تـا به‌طـور شـفاف اعـلام کنـد کـه سیاسـت آمریـکا مسـتلزم ایـن امـر اسـت تـا نگرانی‌هـای آژانـس بین‌المللـی انـرژی اتمـی در خصـوص ابعـاد احتمالـی نظامـی برنامه‌هـای هسـته‌ای ایـران بایـد پیـش از برداشـته شـدن تحریم‌هـا در روز اجـرای توافـق رفـع شـود. بـه نظـر می‌رسـد کـه برجـام ایـران را ملـزم سـاخته تـا نگرانی‌هـای مربـوط بـه ابعـاد احتمالـی نظامـی را برطـرف سـازد. برجـام صراحتـاً از ایـران می‌خواهـد تـا پیـش از «روز پذیـرش» یـک سـری گام‌هـای مـورد توافـق بـا آژانـس را صـورت دهـد، کـه ایـن زمـان در اکتبـر سـال ۲۰۱۵ خواهـد بـود و البتـه پیـش از «روز اجـرای» توافـق. آژانـس تـا اواسـط دسـامبر، ارزیابـی نهایـی در خصـوص رفـع مسـائل کنونـی و گذشـته مربـوط بـه ابعـاد احتمالـی نظامـی برنامـه هسـته‌ای ایـران را منتشـر می‌کنـد. بخـش علنـی توافـق، بـه جزئیـات مربـوط بـه نحـوه پرداختـن ایـران بـه نگرانی‌هـای آژانـس دربـاره مسـائل مرتبـط بـا ابعـاد احتمالـی نظامـی به‌طـور مشـخص نمی‌پـردازد. اگـر آژانـس گـزارش دهـد کـه نگرانی‌هایـش به‌طـور کامـل و یـا بخشـی از آن‌هـا رفـع نشـده و یـا ایـران دسترسـی‌های خواسـته شـده توسـط آژانـس بـه سـایت‌های هسـته‌ای‌اش را فراهـم نکـرده، چطـور؟ یـا یـک احتمـال پیچیده‌تـر، اگـر آژانـس پاسـخی مبهـم ارائـه دهـد و یـا حتـیّ پاسـخ‌های ایـران را کـه ناکافـی هسـتند بپذیـرد و یـا حتـی از منطقـی غیرنظامـی در برخـورد بـا فعالیت‌هـای مرتبـط تسـلیحات هسـته‌ای اسـتفاده کنـد، آن‌وقـت چـه خواهـد شـد؟ تـا امـروز، ایـران در پاسـخ بـه آژانـس، برخـورداری از هرگونـه برنامـه تسـلیحات هسـته‌ای را رد کـرده اسـت. در نتیجـه چنیـن وضعیـت هسـته‌ای، مفـاد مربـوط بـه ابعـاد احتمالـی نظامـی می‌توانـد بـه برداشـت طرفیـن واگـذار شـود چراکـه بـرای عمـوم هنـوز مشـخص نیسـت.
شرایط ضمـن ایـن توافـق بـه هـر یـک از اعضـای گـروه ۱+۵ اجـازه می‌دهـد تـا تحریم‌هـا را در صـورت عـدم پایبنـدی ایـران بـه تعهداتـش، در روز اجـرای توافـق لغـو نکننـد. اینکـه آیـا ایـران بـه نگرانی‌هـای آژانـس می‌پـردازد، بایـد قبـل از آن روز کامـلاً مشـخص شـود گـروه ۱+۵، و به‌طـور خـاص، آمریـکا

نباید از ادعای خود در خصوص ارتباط این دو مسئله صرف‌نظر کرده و تمام اهرم فشار لغو تحریم‌ها را کنار بگذارد. دولت آمریکا باید صراحتاً در بیانیه‌هایی عمومی اعلام کند که «روز اجرای» توافق می‌تواند پس از رفع کامل نگرانی‌های آژانس در خصوص ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران آغاز شود.

در حقیقت، قانونگذاران آمریکا به درستی به این موضوع مشکوک هستند که دولت آمریکا از ایران بخواهد به نگرانی‌های آژانس در خصوص ابعاد احتمالی نظامی پیش از «روز اجرای» توافق پاسخ دهد، و یا اقدام مشابهی را صورت دهد. در اسنادی که دولت آمریکا به کنگره تحت الزامات قانونی ارائه کرده، آمده است: «بعید است که ایران به وجود برنامه تسلیحات هسته‌ای خود در گذشته اعتراف کند که این امر برای پیشبرد اهداف تعهدات راستی‌آزمایی لازم نیست.» دولت آمریکا درحالی‌که اعلام می‌کند، ایران در گذشته فعالیت‌های تسلیحات هسته‌ای صورت داده، و بنابراین تأیید می‌کند که ایران آژانس را فریب داده است، به میزان کافی درباره فعالیت‌های تسلیحات هسته‌ای ایران در گذشته اطلاعات در اختیار دارد و اطلاعات مربوطه را در اختیار آژانس قرارداده است تا «بازرسان آژانس را قادر سازد که اطمینان حاصل کنند فعالیت‌های [تسلیحات هسته‌ای] پیش‌تر گزارش‌شده ایران، دیگر در جریان نیستند.» اما اشتباه موجود در این استدلال این است که دانش و آگاهی آمریکا به ویژه در خصوص سؤالات کلیدی ممکن است ناکافی باشد. سؤالاتی چون: پس از اینکه ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای ساختارمندش را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد چه اتفاقی افتاد، ایران تا چه حد به دانش ساخت بمب هسته‌ای دست یافته است، چگونه و کجا به این دانش دست پیدا کرده است و اینکه چه کسی این اقدامات را هدایت کرده است؟ چه بسا، این مسئله گسترده‌تر از تأیید آژانس مبنی بر توقف فعالیت‌های پیشین اتمی ایران باشد. همچنین آژانس باید تأیید کند که چنین فعالیت‌هایی در حال حاضر در جریان نیست و در صورت عدم همکاری ایران درباره تلاش‌های پیشینش بر روی تسلیحات هسته‌ای، چنین تأیید و تضمینی غیرممکن می‌شود. پس از آن، مسئله اعتبار آژانس مطرح است و این بدین معنا است که گذشتن از این مسئله که ایران پیش از «روز اجرای» توافق به نگرانی‌های آژانس پاسخ دهد، این پیام را به ایران و یا هر کشور دیگر ارسال خواهد کرد که، سرسختی در خصوص مسائل راستی‌آزمایی سرانجام نتیجه خواهد داد. درواقع، این توافق در حالی آغاز می‌شود که از پیش ضعیف شده و ایران و دیگر کشورها را قادر می‌سازد تا در آینده نیز سرسختی نشان دهند.

بنابراین، کنگره باید اعلام کرده و طی مصوبه‌ای الزام‌آور سازد که برداشته شدن تحریم‌های آمریکا منوط به تأیید آژانس مبنی بر رفع نگرانی‌ها در خصوص ابعاد احتمالی نظامی خواهد بود.

هدف اصلی برجام

هدف اصلی برنامه جامع اقدام مشترک تضمین صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، حتی پس از اتمام محدودیت‌های عمده اعمال شده در توافق حاصله، است. با در نظر داشتن راهکارهای جایگزین، برجام تضمین کننده آن است که ایران به سمت ساخت تسلیحات هسته‌ای نمی‌رود، یا به‌طور مشخص‌تر، جلوی ساخت بمب هسته‌ای از سوی ایران را خواهد گرفت.

به مدت ۱۰ سال، این توافق شرایطی را ایجاد می‌کند که طی آن هر گونه تلاش جدی از سوی ایران به منظور ساخت بمب هسته‌ای، بسیار زمان‌بر و نیز تحت بازرسی‌های شدید خواهد بود. اما با این وجود، اینکه توافق به هدف خود مبنی بر جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای از سوی ایران در بلندمدت، رسیده است یا خیر موردتردید است. این عدم قطعیت، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌روی این توافق است.

در مقدمه برجام، برنامه هسته‌ای ایران و توسعه آن، منوط به «ملاحظات علمی، اقتصادی» شده و تأکید می‌کند که این برنامه‌ها «صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز، و مطابق با هنجارهای بین‌المللی عدم اشاعه» خواهد بود. اما بر اساس برنامه‌های هسته‌ای ایران، بعید است که این شروط ۱۰ تا ۱۵ سال بعد، برآورده شود.

ممکن است کسی ادعا کند که خرید ۱۰ و یا حتی ۱۵ سال زمان، باید عاملی کلیدی در داوری این توافق باشد و اینکه پس از ۱۰ سال ایالات متحده در مقابله با برنامه‌ی هسته‌ای ایران یا هر تلاشی از سوی این کشور به سمت ساخت تسلیحات هسته‌ای، از برتری مشابهی همانند امروز، برخوردار خواهد بود. اما باید توجه داشت که ۱۰ یا ۱۵ سال بعد، ممکن است که این برتری و توان آمریکا وجود نداشته باشد. اینکه آمریکا ممکن است ۱۰ تا ۱۵ سال بعد، در شرایطی نامناسب و بدتر برای اعمال قدرت و نفوذ علیه ایران باشد، مسئله‌ای است که در اجرای برجام باید به آن توجه دشت.

با در نظر داشتن بی‌ثباتی‌ها و دگرگونی‌های خاورمیانه، پیش‌بینی‌های قاطعانه درباره توان حقیقی و مؤثر آمریکا در ۱۰ سال آینده، باید به‌عنوان خیالی واهی در نظر گرفته شود تا برآوردهایی معتبر. در حالی که برخی قاطعانه و با اعتماد به نفس ابراز می‌کنند که طی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده در ایران تغییرات مثبتی روی خواهد داد، همان افراد و یا گروه‌های مشابه، همین حرف‌ها را ۱۰، ۱۵ سال پیش نیز تکرار می‌کردند. طی ۱۰ سال گذشته، رخدادها و اتفاقات آن‌گونه که ما پیش‌بینی کردیم پیش نرفته چه برسد به آنچه که ما انتظار آن را داشتیم. امروز، به سختی می‌توان ایران را در مقایسه با ۱۰ سال پیش، کشوری مسئول‌تر و دوستانه‌تر

نسبت به منافعمان بنامیم.

باید در خاطر داشته باشیم که محدودیت ۱۰ ساله بر برنامه غنی‌سازی ایران، علیرغم ارزشمندی آن، همان هدف توافق اولیه‌ای است که سه کشور اروپایی (انگلیس، آلمان، فرانسه)، ۱۰ سال پیش به منظور تعلیق ۱۰ ساله برنامه غنی‌سازی ایران، به آن دست پیدا کردند. و این‌که دستیابی به مصالحه‌ی کنونی، حاصل نزدیک به ۱۲ سال مذاکره است. بنابراین، با توجه به اینکه چقدر مسئله هسته‌ای ایران به طول انجامیده، و نیز اینکه، سیاست‌های پر دردسر رژیم ایران، بسیار کم تغییر یافته، و تا چه اندازه تحولات منطقه خاورمیانه غیرقابل پیش‌بینی بوده، و اینکه ممکن است توان و نفوذ آمریکا در ۱۰ سال آینده برای متوقف ساختن رژیم ایران در تولید بمب هسته‌ای، ناکافی باشد، محدودیت‌های ۱۰ ساله در نظر گرفته شده خیلی طولانی مدت به نظر نمی‌رسند.

از همین رو، هر گونه بررسی و ملاحظه متن برجام باید به‌طور دقیق، جنبه‌های بلندمدت و پیامدهای آن را در نظر بگیرد. به‌عنوان بخشی از ارزیابی و بررسی، آمریکا باید امروز به پشتیبانی کنگره گام‌هایی را بردارد که توان و شانس واکنش موفقیت‌آمیز به بازداشتن ایران از حرکت به سمت ساخت بمب هسته‌ای پس از پایان محدودیت‌های عمده اتمی را افزایش دهد. این سیاست ممکن است که ایران را از تلاش‌های آینده در این جهت، منصرف کند.

پس از ۱۰ سال، و به ویژه پس از ۱۵ سال، هنگامی که محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران پایان می‌یابد، ایران می‌تواند به‌عنوان تهدید عمده اتمی، سربرآورد. توافق حاضر ایران را از ساخت و تولید قابلیت وسیع غنی‌سازی اورانیوم و حتی از بازفرآوری، یا قابلیت جداسازی پلوتونیوم منع نمی‌کند؛ این توافق ضرورتاً فقط زمان قابلیت ساخت تسلیحات هسته‌ای و احتمالاً بمب هسته‌ای از سوی ایران را به تأخیر می‌اندازد. بنا به اظهارات مذاکره‌کنندگان، طی مذاکرات، ایران طرح‌هایش برای گسترش برنامه‌های هسته‌ای، به ویژه سانتریفیوژ گازی (gas centrifuge) را ارائه کرد. اولویت ایران، برنامه [ارتقای] سانتریفیوژهایش بود، و از همین رو قصد خودش را برای جایگزینی و ارتقا سانتریفیوژهای پیشرفته، از قبیل IR-2, IR-4, IR-6 یا IR-8، پس از گذشت ۱۰ سال از توافق و به‌طور خاص افزایش تصاعدی آن‌ها بعد از ۱۳ سال را اعلام کرده است.

ایالات متحده نباید به هیچ وجه با برنامه‌های ایران برای پیشبرد برنامه غنی‌سازی یا برنامه‌های احتمالی برای بازفرآوری موافقت نماید. آمریکا باید به بهانه اینکه این طرح‌ها غیر اقتصادی و غیرضروری هستند و تهدیدی را متوجه امنیت منطقه و جامعه بین‌المللی می‌کنند، و نیز بر پایه اینکه این برنامه‌ها برخلاف روح و هدف برجام است، مخالفت کند.

پس از ۱۳ سال، به هنگامی که ایران سانتریفیوژهایش را با سرعتی بالا ارتقا دهد، انتظار می‌رود زمان گریز به‌طور ثابتی کاهش پیدا کند. پس از سال پانزدهم، این آهنگ به‌طور قابل چشمگیری می‌تواند افزایش پیدا کند. این افزایش و ارتقا برنامه‌ریزی شده پس از ۱۳ سال، به همراه برداشته شدن محدودیت‌های سطح غنی‌سازی پس از ۱۵ سال به این معناست که زمان گریز ایران ممکن است به چند روز برسد. طی تنها چند سال، ایران ممکن است با زرادخانه‌ای مملو از سلاح‌های هسته‌ای سربرآورد.

ایران ممکن است به تعهداتش پایبند باشد و در فرآیند تصمیم به کنار گذاشتن طرح‌هایش برای گسترش برنامه غنی‌سازی و یا دست کشیدن از بلندپروازی‌های ساخت تسلیحات هسته‌ای پس از پایان محدودیت‌های عمده هسته‌ای، برای مزایای همکاری‌های هسته‌ای بین‌المللی ارزش قائل شود، اما درعین‌حال می‌تواند ترجیح دهد که پس از پایان این محدودیت‌ها قابلیت عظیم تسلیحات هسته‌ای و در نهایت تسلیحات اتمی، را داشته باشد یا خیر.

گنجاندن شرط سیاسی روشنی برای عدم پذیرش و یا تأیید هر گونه بازفرآوری پلوتونیوم یا توسعه وسیع غنی‌سازی اورانیوم، شرایط را برای آمریکا فراهم می‌سازد تا این کشور بتواند مسائلی که پس از پایان دوران محدودیت‌ها، ممکن است اتفاق بیافتد، را مدیریت کند. بخشی از تلاش‌های آمریکا و شرکایش در گروه ۱+۵ می‌تواند عدم پذیرش یا تأیید برنامه‌ها و طرح‌های ایران پس از ۱۰ سال باشد. ۱۰ تا ۱۵ سال پس از امروز، ایران هنوز هم دلیلی برای تولید اورانیوم غنی‌شده در جهت اهداف صلح‌آمیز ندارد. آمریکا باید اعلام کند که برنامه غنی‌سازی نیمه تجاری ایران (یا هرگونه برنامه بازفرآوری پلوتونیوم) نه اقتصادی است و نه ضروری، و برخلاف هنجارهای بین‌المللی عدم اشاعه است.

مجموعه‌ای از راستی‌آزمایی‌ها و بازدیدهای اعلام‌نشده، از قبیل پروتکل الحاقی، پس از ۱۵ سال پا بر جا خواهند بود، اما اینّ اقدامات برای متوقف ساختن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای کافی نیستند. تلاش‌های ایرانی مجهز به برنامه وسیع غنی‌سازی، برای گریز به سمت ساخت تسلیحات هسته‌ای، قابل ردیابی خواهد بود هرچند که احتمالاً اقدام علیه ایران به منظور بازداری این کشور از دستیابی به چنین تسلیحاتی، دیر صورت خواهد گرفت. حتی با وجود راستی‌آزمایی‌های اعلام نشده، تولید اولین یا دومین مقادیر قابل توجه اورانیوم غنی شده برای سلاح اتمی، احتمالاً از دید بازرسان آژانس مخفی خواهد ماند، چراکه در آن هنگام، گریز هسته‌ای می‌تواند بسیار سریع اتفاق بیافتد و ایران می‌تواند با برداشتن چند گام اندک بازرسی‌ها و در نتیجه آگاه شدن بازرسان از گریز هسته‌ای را به تأخیر بیاندازد. چه‌بسا که

نیروگاه‌های مخفی کوچک که از سانتریفیوژهای پیشرفته استفاده می‌کنند بتوانند برای ماه‌ها از بازرسی‌ها دور بمانند. در نهایت، هنگامی که آمریکا و متحدانش در موضع ضعیفی برای متوقف ساختن ایران باشند، ممکن است این کشور به سادگی ترجیح دهد که تعهدات عدم اشاعه را نادیده بگیرد و سلاح هسته‌ای بسازد.

به‌طور کلی، این وظیفه ما، دولت‌ها و افرادی که نگران آینده جهت‌گیری و برنامه هسته‌ای ایران می‌باشند، است که برای انصراف و بازداری ایران از پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای‌اش که میزان زیادی از بی‌ثباتی و احتمالاً درگیری نظامی را ایجاد خواهد کرد، راه‌هایی را بیابیم. آن‌هم با توجه به این‌که قطعیت‌ها درباره قابلیت‌های تسلیحاتی برنامه هسته‌ای ایران کم شده و درعین‌حال برنامه‌های هسته‌ای‌اش توسعه‌یافته است. در مجموع، این طرح‌ها، که متمرکز بر غنی‌سازی اورانیوم و احتمالاً جداسازی پلوتونیوم می‌باشند، غیرضروری و غیر اقتصادی هستند.

کنگره باید اعلام کند که تولید پلوتونیوم‌های جداسازی شده و اورانیوم غنی‌سازی شده بالای ۵ درصد، هر زمان که اتفاق بیافتد، بر خلاف مفاد و هدف برجام است. همچنین کنگره باید تصریح کند که برجام طرح ایران برای ایجاد و تولید برنامه غنی‌سازی نیمه تجاری را نه تأیید می‌کند و نه از آن حمایت به عمل می‌آورد. علاوه بر این کنگره می‌بایست تأکید کند به دلیل آنکه چنین برنامه‌ای غیر اقتصادی است و غیرضروری، و نیز خطری برای اشاعه تسلیحات اتمی است، و تهدیدی علیه امنیت آمریکا، منطقه، و جامعه بین‌المللی است، سیاست آمریکا مخالف با چنین برنامه‌ای است.

مشکلات راستی آزمایی

روی هم رفته، شروط راستی آزمایی در صورتی که به‌طور کامل اجرا شود، با هدف مهار تقلب ایران طراحی شده و تضمین می‌کند که هرگونه نقض توافق فوراً و بدون درنگ مشخص و کشف شود و زمان برای واکنش به نقض توافق وجود داشته باشد. چندین مورد از مفاد توافق مبتکرانه است. هدف تمامی این موارد، خلق یک فضای راستی آزمایی سرزده با استفاده از منابع گروه ۱+۵ است.

مفاد راستی آزمایی ضعف‌هایی دارد که اگر قرار است توافق قابل تأیید و راستی آزمایی باشد، این ضعف‌ها باید اصلاح و جبران شوند. بعلاوه، بدون محدودیت‌های سخت و طولانی‌مدت بر برنامه حساس هسته‌ای ایران همچون فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم، بعید است که این شرایط راستی‌آزمایی که برخی از آن‌ها بازه زمانی محدودی دارند، کافی باشد. بنابراین بعنوان

یک یافته کلی، مفاد راستی آزمایی احتمالاً با برخی اصلاحات در نحوه اجرا یا تعدیل برخی مشکلات احتمالی برای اولین ۱۰ الی ۱۵ سال توافق کافی خواهد بود اما اگر ایران طرح توسعه برنامه سانتریفیوژ خود را اجرا کند و احتمالاً برنامه بازفراوری خود را آغاز کند، این مفاد بعدازآن ناکافی خواهد بود.

نبود دسترسی مناسب به سایت‌های مشکوک

به خاطر جدل‌هایی که در خصوص موضوع دسترسی به سایت‌های مشکوک وجود دارد، تمایل دارم که بر شرط دسترسی در برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) متمرکز شوم. حائز اهمیت است که توافق هسته‌ای شامل شرطی نیست که بازرسی‌های هر مکان و هر زمان در سایت‌های مشکوک را لازم و ضروری بدانند. داشتن چنین دسترسی برای مدت‌ها حائز اهمیت بوده است تا اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های اعلام نشده مخفی وجود ندارد یا اینکه قبل از دسترسی بازرسان، پیش نمی‌رود. در عوض، توافق شامل فرایندی است که به مدت ۱۵ سال به طول می‌انجامد و طراحی شده و تضمین می‌کند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ظرف ۲۴ روز از درخواست رسمی برای دسترسی، می‌تواند به سایت‌های هسته‌ای ایران دسترسی داشته باشد.

بازرسی‌های هر مکان و هر زمان که برخی اوقات توسط مقامات دولت آمریکا به‌عنوان بازرسی‌های «فوری و ناگهانی» خوانده می‌شود درواقع یک نوع بازرسی مناسب از سایت‌هایی است که مشکوک به فعالیت‌ها یا تأسیسات هسته‌ای یا مربوط به هسته‌ای اعلام نشده است. پروتکل الحاقی به دنبال اطمینان حاصل کردن از آن است که شروط دسترسی به بازرسی‌های هر زمان نزدیک شود. این پروتکل شرط دسترسی به سایت‌های مشکوک در کمتر از ۲۴ ساعت را دارد. این شرط دسترسی مناسب در پروتکل الحاقی در نتیجه مذاکرات فشرده کشورهای عضو آژانس در اواسط دهه ۱۹۹۰ به دست آمده است و نمایانگر قضاوت جمعی در خصوص اهمیت اساسی اطمینان حاصل کردن از عدم فعالیت‌های اعلام نشده در یک کشور است. از آنجایی که ایران تاریخچه طولانی در انجام فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده دارد، داشتن دسترسی مناسب بسیار حائز اهمیت است.

پروتکل الحاقی بر لزوم نزدیک شدن شروط دسترسی به بازرسی هرزمان طبق قانون ۲۴ ساعت تأکید دارد، با این حال این پروتکل الحاقی شامل ابزاری نیست که پیامدهای فوری را بر کشورها تحمیل کند تا اجازه دسترسی‌های مناسب را به آژانس بدهند.

مذاکره‌کنندگان ۱+۵ می‌بایست این نقطه ضعف موجود در توافقات پادمانی آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی را اصلاح می‌کردند. به علاوه این نقص تنها به‌صورت تئوری نیست؛ ایران به‌طور مداوم مانع دسترسی‌های مهم آژانس می‌شود. درواقع، می‌توان استدلال کرد که برنامه جامع اقدام مشترک تنها زمانی امکان‌پذیر است که شامل مفاد دسترسی اجباری باشد به این مفهوم که خودداری ایران از دادن دسترسی به آژانس با پیامدهای شدیدی برای این کشور همراه باشد.

برنامه جامع اقدام مشترک شامل مفاد پیامد برای عدم همکاری نیست. برنامه جامع اقدام مشترک در تضمین دسترسی مناسب ناموفق عمل کرده است.

می‌توان این سؤال را مطرح کرد که به چه دلیل مفاد دسترسی در برنامه اقدام مشترک اجازه تأخیر ۲۴ روزه را داده است. تا جایی که ما می‌توانیم مشخص کنیم، این‌یک توافق بین درخواست ایران برای مهلت سه ماهه و درخواست‌های معقول برای حداکثر چند روز بوده است که دومی بیشتر با شرط پروتکل الحاقی مبنی بر دسترسی به سایت‌های مشکوک ظرف ۲۴ ساعت، هماهنگی دارد. پاسخ آمریکا به تمامی آن‌هایی که می‌گفتند ۲۴ روز بسیار طولانی است، این است که برای رسیدن به توافق، پذیرش ۲۴ روز امکان‌پذیر بود.

شرط ۲۴ روز موجب بحث‌های جنجال برانگیزی در بین عموم شد. زمان ۲۴ روز احتمالاً برای ایران به منظور تغییر مکان فعالیت‌های اعلام نشده‌اش که در تناقض با برنامه جامع اقدام مشترک است، کافی است زیرا در این مدت می‌تواند عملیات پاکسازی فعالیت‌های خود را صورت دهد تا لزوماً اثری از نمونه‌های زیست محیطی باقی نماند.

چه کاری می‌توان در چارچوب توافق صورت داد؟ آژانس باید از مفاد دسترسی برای اطمینان حاصل کردن از همکاری ایران و همچنین بی‌عیب و نقص بودن توافق استفاده کند. درست بعد از روز اجرای توافق، آژانس باید خواستار دسترسی به سایت‌های مرتبط به موضوع ابعاد احتمالی نظامی (PMD) شود.

گروه ۱+۵ می‌بایست برای هرگونه تعویق بیش از ۲۴ ساعت ایران در صدور مجوز دسترسی برای آژانس، یک پاسخ محاسبه شده در نظر بگیرند. به این مفهوم که، قبل از رسیدن مهلت ۲۴ روزه، گروه ۱+۵ می‌بایست همکاری خود با ایران و همچنین تأیید صادرات به ایران از طریق کانال‌های خرید را کاهش دهد. دستکم، ایران باید این پیام را بگیرد که علیرغم متن برنامه جامع اقدام مشترک، دسترسی فوری و ناگهانی طبق پروتکل الحاقی ضروری است.

به منظور برطرف کردن شک و شبهات درباره پاکسازی احتمالی سایت‌ها، جامعه اطلاعاتی غرب می‌تواند نقش مهمی را در افشا کردن هرگونه تقلب ایران و تعیین مکان‌هایی که بازرسان باید درخواست دسترسی به آن را مطرح کنند، ایفا کنند.

شواهد باید اطمینان بالایی دراین‌باره دهد که حتی اگر سایتی پاکسازی شده است، شواهد و درخواست‌های بیشتر برای دسترسی به سایت‌های دیگر می‌تواند ثابت کند که فعالیت‌های اعلام نشده‌ای شکل گرفته است.

با این حال، کشورهای غربی مجبورند منابع زیادی را صرف کشف فوری و موثق هرگونه فعالیت هسته‌ای محرمانه در ایران کنند. این وظیفه سخت است زیرا ایران امنیت خود را تشدید بخشیده است و تلاش‌های مبارزه با جاسوسی را در سال‌های اخیر افزایش داده است. غلبه بر توانمندی‌های بیشتر ایران در زمینه مخفی کردن حساس‌ترین فعالیت‌ها، یک چالش مهم در این توافق است.

بعلاوه، جامعه اطلاعاتی غرب مجبور است به‌صورت روزانه اطلاعات را با آژانس به اشتراک بگذارد و آژانس نیز مجبور خواهد بود با تمایل بیشتر از این اطلاعات استفاده کند و هرگونه نتیجه‌ای را در اختیار ۱+۵ بگذارد. این‌یک خیابان دو طرفه است که در هر دو مسیر، اولویت با کشف هرگونه فعالیت هسته‌ای مشکوک ایران است.

در اولین سال‌های توافق، انتظار می‌رود که تمامی کشورهای کلیدی با پشتکار زیاد برای تحقق و رسیدن به این اهداف تلاش کنند اما تمامی این پروسه احتمالاً برای برخی از کشورهای ۱+۵ دشوارتر می‌شود زیرا هوشیاری و احتیاط به تدریج کاهش می‌یابد، تجارت گسترش می‌یابد و به‌طور بالقوه‌ای روابط با ایران بهبودی پیدا می‌کند. ممکن است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مقاومت داخلی کشورهای عضو مواجه شود و این کشورها در مسیر بازرسی‌های سرزده و اشتراک اطلاعات به‌صورت کلی مانع‌تراشی کنند.

ذخایر اورانیوم غنی‌شده با درصد غنای کمتر از ۳.۶۷ درصد: مسئله استثناء

برای مدت ۱۵ سال، برنامه جامع اقدام مشترک، سقف ۳۰۰ کیلوگرمی ذخایر اورانیوم غنی‌شده با درصد غنای کمتر از ۳.۶۷ درصد را تحمیل می‌کند تا توانمندی ایران برای گریز هسته‌ای را مهار کند. با این حال، برنامه جامع اقدام مشترک، استثنائاتی را برای این کاهش به وجود می‌آورد که ممکن است ایران تلاش کند به بهانه تولید سوخت برای رآکتورهای هسته‌ای و تحقیقات از آن بهره‌برداری کند. آمریکا به منظور جلوگیری از خطر کاهش چشمگیر زمان‌بندی زمان گریز و درعین‌حال حفظ ارزش کاهش ۳۰۰ کیلوگرمی اورانیوم غنی‌شده با درصد غنای کمتر از ۳.۶۷ در تمامی طول ۱۵ سال محدودیت، می‌بایست رسماً اعلام کند که استثنا قائل شدن برای ایران برای استفاده از چنین اورانیومی با درصد غنای پایین به جز در شرایط فوق‌العاده ممکن نیست و به هیچ وجه هیچ استثنایی برای ایران به منظور تولید داخلی

اورانیوم با درصد غنای پایین برای سوخت رأکتورهای هسته‌ای قائل نمی‌شوند.
در خصوص رأکتورهای تحقیقاتی، قائل شدن هرگونه استثناء به مزیت‌های فنی سوخت و اندازه رأکتور بستگی دارد. موضع اساسی این است که اورانیوم با درصد غنای پایین به آسانی قابل تبدیل به هگزافلورید اورانیوم (UF6) است و بنابراین هدف اصلی کاهش ۳۰۰ کیلوگرم با تولید سوخت در ایران سازگار نیست. استثناء در شرایطی همچون رأکتور اراک است که مهم‌تر از همه الزامات محدود اورانیوم با درصد غنای پایین را دارا هست.
دولت آمریکا و دستکم برخی از هم‌پیمانان ۵+۱ ظاهراً آمادگی دارند که هرگونه تلاش ایران برای استفاده از این گزینه به‌جز در مورد رأکتور اراک را بلوکه کنند. دولت‌های ۵+۱ می‌بایست به‌صورت جمعی در خصوص اجرایی شدن این مسئله و بلوکه کردن ایران در این خصوص تعهد عمومی داشته باشند.
کنگره باید در لایحه خود اعلام کند که سیاست آمریکا درواقع بر پایه جلوگیری هرگونه استثناء در زمینه تولید سوخت هسته‌ای در ایران به‌جز رأکتور اراک هست.

ذخایر اورانیوم غنی‌شده با درصد ۳.۶۷: اجرای سقف غنی‌سازی

ایران تحت این برجام، به مدت ۱۵ سال باید به سقف ۳۰۰ کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم غنی‌شده با درصد پایین پایبند باشد. این میزان بیشینه باید حتی با وجود اینکه ایران مجاز به ادامه تولید اورانیوم غنی‌شده است، نیز حفظ شود. ایران برای ده سال نخست، با ۵۰۶۰ عدد سانتریفیوژ IR-1 خود در نطنز، فعالیت غنی‌سازی را انجام می‌دهد؛ و پس از آن، ایران می‌تواند تعداد سانتریفیوژهایی را که غنی‌سازی می‌کنند افزایش دهد. اجرای این بیشینه غنی‌سازی می‌تواند چالش برانگیز بوده و آزمونی اولیه برای کفایت برجام باشد.
براساس اطلاعات اجرایی پیشین، انتظار می‌رود ایران با استفاده از حدود ۵ هزار سانتریفیوژ IR-1، ماهانه حدود یکصد کیلوگرم اورانیوم با درصد غنای ۳.۶۷ به‌صورت هگزافلورید اورانیوم تولید کند. این حقیقت که هر ماه ایران حدود یک سوم از میزان ذخایر مجاز خود را تولید می‌کند به این معنا است که به‌طور منظم باید اقداماتی را برای کاهش ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود با درصد پایین صورت دهد تا این سقف را حفظ کند.
همانطور که در بالا اشاره شد، ایران می‌تواند ادعا کند که تحت توافق یک استثنا برای این بیشینه وجود دارد و به دنبال تأیید استفاده از اورانیوم غنی‌شده مازاد برای ساخت سوخت رأکتور باشد. با این وجود، هرگونه استثنای این چنین باید مورد مخالفت قرار گیرد مگر در موارد محدودی، نظیر سوخت رأکتور اراک. به هر حال، استثنا برای رأکتور اراک بعید است که

برای چندین سال پیشنهاد شود، چراکه انتظار نمی‌رود این رآکتور عملیاتی شود مگر برای ۵ سال و نه ده سال، و زمانی که این رآکتور عملیاتی شود مقادیر بسیار اندکی از اورانیوم غنی‌شده با غنای پایین را نیاز خواهد داشت.

بنابراین، اگر ایران برای چندین سال به تولید اورانیوم با درصد غنای پایین ادامه دهد، نیازمند انجام اقداماتی تقریباً ماهانه برای کاهش ذخایر اورانیوم با درصد غنای پایین خود خواهد بود.

در صورت بروز نقض مفاد توافق، گروه ۵+۱ باید یک سری گزینه‌ها را در روندی صعودی و بدون ترتیبی خاص آماده سازد، بتواند هرگونه نقض را به کمیسیون مشترک گزارش کرده، اعمال برخی تحریم‌ها را از سرگرفته، شرط برخی و یا تمام موارد همکاری در خصوص انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و غیرنظامی را به تأخیر انداخته و یا برخی یا تمام صادرات به ایران را تحت مکانیزم مسیر تأمین کالاهای مورد نیاز ایران متوقف سازد. بالاترین گزینه بازگرداندن تحریم‌ها خواهد بود.

پایبند بودن ایران به این سقف غنی‌سازی و چگونگی اجرای نقض این کاهش، نشانه مهمی در اجرای این توافق به حساب می‌آید. اما مسئله‌ای که نباید فراموش شود این است که ایران نباید برای چندین سال اورانیوم با درصد غنای پایین تولید کند. به منظور جلوگیری از تنش‌های غیرضروری و سوء تفاهمات درباره این سقف غنی‌سازی، آمریکا و دیگر اعضای گروه ۵+۱ می‌بایست مباحثاتی را با ایران با هدف متقاعد کردن این کشور برای محدود کردن شدید یا متوقف کردن تولید اورانیوم با درصد غنای پایین به‌صورت داوطلبانه را آغاز کنند. این توافق به هیچ عنوان بحث کردن در اینباره را ممنوع نمی‌داند و ایران همیشه می‌تواند نه بگوید.

کنگره می‌بایست بیان کند که نقض کاهش اورانیوم با درصد غنای پایین چشمگیر است و پاسخ سختی را به همراه دارد. کنگره باید درباره چگونگی تحمیل مجدد تحریم‌ها علیه ایران در صورت نقض این موارد، به دنبال کشف شیوه‌هایی باشد. بعلاوه، کنگره باید اعلام کند که ایران برای سال‌ها نیازی به تولید اورانیوم با درصد غنای پایین ندارد. مگر آنکه در مواردی خاص همچون رآکتور اراک باشد و بنابراین می‌بایست تولید بیشتر اورانیوم با درصد غنای پایین را متوقف کند. کنگره می‌بایست شاخه اجرایی را برای تعامل با ایران در بحث‌های توقف تولید اورانیوم با درصد غنای پایین به جز موارد محدود همچون رآکتور اراک به محض فرارسیدن روز اجرای توافق وارد عمل کند.

ذخایر اورانیوم با غنای حدود ۲۰ درصد

یکی از نگرانی‌های مهم، ذخایر باقیمانده اورانیوم با غنای حدود ۲۰ درصد در ایران است، چراکه این ذخایر می‌تواند برای کاهش چشمگیر زمانبندی گریز هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می‌رسد این برجام به‌خوبی به مسئله ذخایر باقیمانده اکسید اورانیوم با درصد غنای حدود ۲۰ درصد پرداخته است: «تمام اکسید اورانیوم غنی شده در حدود ۵ تا ۲۰ درصد به صفحه‌های سوختی برای رآکتور تحقیقاتی تهران تبدیل‌شده و یا بر اساس یک معامله تجاری به خارج از ایران منتقل شده و یا تا سطح ۳.۶۷ درصد و یا کمتر از آن رقیق خواهد شد.»

با در نظر گرفتن همه جوانب، انتظار می‌رود که بیشتر ذخایر اورانیوم ایران با درصد غنای حدود ۲۰ درصد پیش از برداشتن تحریم‌ها در «روز اجرای» توافق از کشور خارج شود. اگرچه می‌توان اینطور فرض کرد که ایران تمایل به بازیافت مقادیر نسبتاً زیادی از ته‌ماند اورانیوم با درصد غنای پایین خود دارد، اما انگیزه و توانایی اندکی برای انجام این کار پیش از «روز اجرای» توافق وجود دارد. با این وجود، برای تضمین اجرای مؤثر این بند از توافق، پیشنهاد ما این است که تمامی ۱۲۵ کیلوگرم (جرم اورانیوم) به شکل ته‌ماند و پسماند برای استفاده به‌عنوان سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران نامناسب فرض شده و پیش از «روز اجرای» توافق به خارج از ایران ارسال شود، چراکه رقیق‌سازی اورانیوم نیز بیش از اندازه دشوار است. باقی ماندن حدود ۴۵ کیلوگرم اورانیوم به شکل پودر در ایران تا «روز اجرای» توافق معقول است چراکه به‌طور مشخص می‌تواند به سوخت برای رآکتور تحقیقاتی تبدیل شود. با این وجود، بخش اعظمی از پسماند و ته‌ماند اورانیوم و یا مواد در پروسه باقی خواهد ماند که این مواد نیز باید پیش از «روز اجرای» توافق از ایران خارج شود.

کنگره باید دستور دهد تا ذخایر اعظم اورانیوم حدود ۲۰ درصد ایران پیش از برداشته شدن تحریم‌ها از این کشور خارج شود.

مسائل مربوط به گریز هسته‌ای

یک موضوع مهم در پیشبرد برجام، زمانی است که ایران به منظور تولید اورانیوم با درصد غنای کافی برای یک سلاح هسته‌ای به آن احتیاج دارد که به این زمان، گریز هسته‌ای گفته می‌شود. دولت آمریکا در طراحی محدودیت‌ها برای برنامه سانتریفیوژهای گازی ایران از معیار گریز ۱۲ ماهه استفاده کرده است. با این وجود، اگر ایران با سرعتی نسبتاً بالا بتواند سانتریفیوژهای IR-2m را که قبلاً تولید کرده است دوباره نصب کند، به نظر نمی‌رسد

محدودیت‌های مورد توافق بتواند این زمانبندی گریز ۱۲ ماهه را طی ده سال نخست اجرای توافق تضمین کند. این مسئله نصب مجدد، و ارزیابی اولیه ما، نیازمند شفاف‌سازی است. در هر مورد، آمریکا از طریق مذاکرات بیشتر در صورت نیاز، باید تضمین کند که قطعات سانتریفیوژهای IR-2m به نحوی از یکدیگر باز می‌شوند که نصب مجدد آن‌ها را اگر نگوییم غیرممکن اما دشوارتر سازد.

بر اساس گفت‌وگوها با مقامات آگاه آمریکا و گروه ۱+۵، پس از گذشت ده سال، زمان گریز به حدود ۶ ماه در سال سیزدهم توافق کاهش می‌یابد و پس از آن سال نیز به سرعت می‌تواند کاهش یابد. پس از ۱۵ سال، به محض اینکه ایران طرح‌های اعلام شده خود را برای از سرگیری تولید اورانیوم با درصد غنای حدود ۲۰ درصد و نصب هزاران عدد از پیشرفته‌ترین سانتریفیوژهایش، زمان گریز می‌تواند به چند روز برسد.

سال‌ها با همکاری متخصصان سانتریفیوژ در دانشگاه ویرجینیا، زمان گریز هسته‌ای را محاسبه کرده‌ایم. یافته‌های ما از مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که روش‌های آمریکا و روش‌های ما در برآیند مشابه‌اند. برای مثال، نتایجی که ما در بررسی گریز هسته‌ای به دست آورده‌ایم مشابه نتایجی است که دولت آمریکا در اعمال محدودیت‌های پذیرفته شده توسط ایران در خصوص سانتریفیوژها طی ده سال نخست اجرای برجام به دست آورده است. در خصوص حدود ۶ هزار سانتریفیوژ IR-1، ذخایر ۳۰۰ کیلوگرم هگزافلورید اورانیوم با غنای ۳.۵ درصد، و عدم وجود هگزافلورید اورانیوم با غنای حدود ۲۰ درصد، و برآورد ما در رابطه با زمان گریز، میانگینی در حدود ۱۲ تا ۱۴ ماه خواهد داشت که حداقل زمان گریز ۱۱ تا ۱۲ ماه خواهد بود.

اثرات نصب مجدد سانتریفیوژهای IR-2m

یک دستاورد مهم در برجام این است که ایران باید سانتریفیوژهای مازاد خود را اسقاط کند و آن‌ها را در مکانی تحت نظارت نگهداری کند. با این وجود، احتمال نصب مجدد این سانتریفیوژها وجود دارد و چنین اقدامی زمان گریز هسته‌ای را کاهش خواهد داد.

بر اساس برجام، ایران تمام سانتریفیوژهای مازاد را برمی‌چیند، به ویژه سانتریفیوژهای IR-2m، از پیشرفته‌ترین سانتریفیوژهایی که در حال حاضر نصب است. با این وجود، ایران تمام تجهیزات مرتبط را در تأسیسات غنی‌سازی سوخت نطنز برنمی‌چیند. در این تأسیسات، ایران «لوله‌های انتقال گاز هگزافلورید اورانیوم شامل خطوط فرعی، شیرآلات، فشارسنج‌ها در سطح زنجیره‌ها و مبدل‌های فرکانس، تجهیزات مربوط به جمع‌آوری مواد در یکی از سالن‌های جمع‌آوری که هم‌اکنون مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، همراه با پمپ‌های خلأ و تله‌های

شیمیایی متعلق به آن‌ها» را برمی‌چینند. با این وجود، به نظر نمی‌رسد این توافق، ایران را به اسقاط کامل تمام تجهیزات جمع‌آوری مواد و تزریق سوخت مورد استفاده در آبشارهای تأسیسات غنی‌سازی سوخت ملزم گرداند. باقی ماندن این تجهیزات در تأسیسات نطنز فرصتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا غنی‌سازی در آبشارهای مجدداً نصب شده را از سرگیرد.

اگر ایران خواست [به سمت تسلیحات هسته‌ای] گریز داشته باشد، انتظار می‌رود سانتریفیوژها را مجدداً نصب کند تا زمان گریز را کاهش دهد. «ارنست مونیز» وزیر انرژی آمریکا در جلسه استماع سنا در مقابل این کمیته اعلام کرد که ۲ تا ۳ سال زمان لازم است تا ایران تمام تجهیزات اسقاط شده خود را مجدداً نصب کند؛ و این به معنای سرعت متوسط حدود ۲ تا بیش از ۳ آبشار در ماه است. برآورد دیگری که توسط یکی دیگر از اعضای گروه ۱+۵ مورد استفاده قرارگرفته، این است که ایران نمی‌تواند بیش از ۲ آبشار را در هر ماه نصب کند.

این برآوردها به شدت به برداشت‌ها درباره مسائلی بستگی دارد که علم دقیق به آن‌ها بسیار دشوار است. چه میزان تجهیزات در کارخانه تولید سانتریفیوژ باقی می‌ماند و ایران با چه سرعتی می‌تواند سانتریفیوژها و تجهیزات مرتبط را مجدداً نصب کند؟ آیا ایران می‌تواند به سرعت غنی‌سازی در این آبشارهای تازه نصب شده را آغاز کند، یا تأخیرهای بیشتری قبل از آغاز غنی‌سازی در آن‌ها بوجود خواهد آمد که زمان گریز را طولانی‌تر خواهد کرد؟

فرضیه دیگر این است که خروجی غنی‌سازی از سانتریفیوژهای IR-2m در حال بهره‌برداری در آبشار، حدود ۴ سو (swe) در سال است که بازه آن بین ۳ تا ۵ سو در سال است. با این فرضیات، زمان گریز هسته‌ای به حدود ۶ تا چند ماه کاهش خواهد یافت. اگر تنها قرار بود سانتریفیوژهای IR-1 با سرعت ۲ آبشار در ماه مجدداً نصب شوند، زمان گریز هسته‌ای به حدود ۹ تا ۱۰ ماه کاهش می‌یافت.

در ارزیابی‌های ما، کاهش زمان گریز هسته‌ای به ۹ تا ۱۰ ماه، با توجه به تمام موارد عدم قطعیت، آن‌چنان اهمیت نخواهد داشت. با این وجود، کاهش زمان گریز به ۶ تا ۷ ماه قابل توجه است و به نظر می‌رسد با ادعاها مبنی بر اینکه تحت محدودیت‌های اعلام شده در برجام، ایران به ۱۲ ماه زمان برای گریز هسته‌ای نیاز خواهد داشت، مغایرت دارد. این تناقض نیازمند بررسی و شفاف‌سازی بیشتر است.

یک عدم قطعیت دیگر مربوط به تعداد سانتریفیوژهایی است که ایران تولید کرده است. برخی کارشناسان اینگونه گمانه‌زنی کرده‌اند که ایران تاکنون، حدود ۳ هزار سانتریفیوژ IR-2m تولید کرده است. نصب سانتریفیوژهای بیشتر از نوع IR-2m بیش از پیش زمان گریز را کاهش خواهد داد. پاسخ به این مسئله در صورتی که ایران فهرست موجودی فعلی لوله‌های

روتور و بیلوز خود را تحت برجام اعلام کند، روشن‌تر خواهد شد. اگرچه، چنانچه ایران اعلام کند که به میزان کافی لوله‌های روتور و بیلوز برای تنها یک هزار و ۲۰۰ سانتریفیوژ IR-2m در اختیار دارد، مسائل مربوط به این ارقام همچنان مطرح خواهد بود.

ترتیبات راستی‌آزمایی برجام در خصوص تعداد سانتریفیوژهای ایران به نظر نمی‌رسد برای تعیین اینکه آیا ایران تعداد زیادی از سانتریفیوژهای خود را پنهان کرده، کافی باشد.

در تشخیص اینکه فهرست گسترده‌تری از لوله‌های روتور و بیلوز تولیدشده در ایران وجود دارد، سوابق و شواهد بدست آمده از اطلاعات خرید مرتبط با کالاهایی که ایران طی سال‌ها از خارج از این کشور تهیه کرده و برای تکمیل بخش‌های سانتریفیوژ به آن‌ها نیاز داشته، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. ایران در چندین مورد، کالاهای مورد استفاده در آن بخش‌ها را تنها از خارج از کشور خریداری کرد، نظیر مورد مواد بسیار با کیفیت، همچون فولاد نیکل‌دار و فیبر کربن. اگر ایران مجبور به اعلام تمام واردات کالاهای مهم برای برنامه سانتریفیوژ، یا حداقل موارد مرتبط با تولید لوله‌های روتور و بیلوز بود، آژانس می‌توانست ضمن بررسی [موارد اعلام شده] با تأمین کنندگان [کالاها] و کشورهای عضو، میزان ارسال شده به ایران را مورد راستی‌آزمایی قرار دهد و نیز می‌تواند درباره دیگر خریدهای احتمالی نیز سؤالاتی را مطرح کند.

بررسی اظهارنامه ایران درباره بیلوز و روتورهای سانتریفیوژ، بدون دسترسی به اظهارنامه ایران درباره خریدهای کلیدی، به اطلاعات موجود از کشورهای عضو بستگی دارد که تقریباً همیشه ناقص است و یا کیفیت لازم را برای راستی‌آزمایی آژانس ندارد.

برآورد زمان گریز در سال‌های دهم تا سیزدهم اجرای توافق و پس از آن

اطلاعات غیرمحرمانه اندکی درباره تعداد و نوع سانتریفیوژهایی وجود دارد که طبق توافق ایران می‌تواند از سال‌های دهم تا سیزدهم پس از آغاز اجرای توافق نصب کند. بنا به گفته چندین مذاکره‌کننده، قابلیت سانتریفیوژ ایران که از مجموع سانتریفیوژهای پیشرفته حاصل می‌شود، پس از سال دهم ایجاد شده و زمان گریز هسته‌ای را به حدود ۶ ماه تا سال سیزدهم خواهد رساند. اطلاع دقیقی از موارد عدم قطعیت در این برآورد در دسترس نیست.

پس از سال سیزدهم، محدودیت‌های سانتریفیوژ نسبتاً با سرعت رفع خواهد شد. همزمان با پایان محدودیت‌ها در خصوص اورانیوم با غنای حدود ۲۰ درصد در سال پانزدهم، و نیت ابراز شده ایران برای از سرگیری تولید این نوع اورانیوم، ایران می‌تواند زمان گریز هسته‌ای را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. ظرف مدت چند سال و تحت سناریوهای مختلفی، ایران می‌تواند به میزان کافی سانتریفیوژ پیشرفته نصب کرده و به میزان کافی اورانیوم با غنای

حدود ۲۰ درصد تولید کند تا زمان گریز هسته‌ای را به چند روز کاهش دهد. در این مرحله، گریز برای رسیدن به اورانیوم کافی تا سطح تسلیحاتی برای تولید یک یا دو سلاح هسته‌ای ممکن است بدون اینکه آژانس مطلع شود رخ دهد و تازه پس از آن آژانس از این حقیقت مطلع گردد. ممانعت از دستیابی ایران به این مرحله از قابلیت، همچنان یک اولویت باقی می‌ماند.

تعیین مسیر خرید برای ایران

برجام یک هیئت و همچنین یک مجموعه رویه‌هایی را تعریف می‌کند برای این‌که کشورها بتوانند فروش مواد مرتبط با کاربرد مستقیم و یا دوگانه هسته‌ای به ایران را از طریق یک مسیر خرید انجام دهند. این توافق همچنین یک مجموعه از روش‌های جدید و نیز یک نهاد نظارتی موسوم به «کارگروه خرید» تحت کمیسیون مشترک ارائه می‌کند. این کارگروه بر خریدهای مرتبط با کاربرد مستقیم یا دوگانه هسته‌ای توسط ایران نظارت خواهد داشت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این اختیار را دارد که بر کاربرد نهایی کالاهای با کاربرد مستقیم هسته‌ای نظارت داشته و بتواند از ارائه دسترسی برای بررسی کاربرد نهایی کالاهای دوگانه استفاده کند. در غیر این صورت، کشور مسئول در فروش کالای با کاربرد دوگانه از اختیار لازم برای بررسی کاربرد نهایی یک مجموعه مهم از کالاهای با کاربرد دوگانه برخوردار خواهد شد

ارزیابی اولیه از بندهای مربوط به مسیر خرید [ذیل متن برجام] به‌طور کلی نشان می‌دهد که فشار زیادی بر کشورها برای قانونمند کردن تجارت ملی مرتبط هسته‌ای خود با ایران اعمال خواهد کرد. به همین صورت، فشار مشابهی بر تأمین‌کنندگان، مجریان قانون، و نهادهای اطلاعاتی وارد خواهد شد تا تلاش‌های غیرقانونی برای خرید یا فروش کالاها را شناسایی کرده و ممانعت نمایند و به همین طریق به کارگروه ذی‌ربط گزارش مربوط به تلاش‌های غیرقانونی مشاهده شده از ایران را که نشانگر عدم همکاری احتمالی و یا فعالیت‌های محرمانه هسته‌ای است، ارائه دهند. گروه ۱+۵ باید بداند که عدم موفقیت در تعریف اینکه کشورهای غیر از طرفین برجام چگونه باید گزارش دهند و یا کمیسیون مشترک چگونه باید به خطاهای ایران مرتبط با واردات و صادرات مواد مرتبط هسته‌ای رسیدگی کند، ممکن است مشکلاتی را هم‌زمان با آغاز اجرای توافق بوجود آورد. عدم وجود مجازات‌هایی برای نقض‌های جزئی یا نقض‌های بزرگ‌تر توسط ایران در ارتباط با خریدهای غیرقانونی (یا دیگر موارد عدم همکاری) یک ضعف عمده در توافق است

در این مرحله ضروری است تا گام‌هایی برای برنامه‌ریزی مؤثر و انجام اصلاحات صورت گیرد تا آمادگی لازم برای مواجهه با مشکلات، فراهم شده و این بندها از [متن توافق] را تقویت می‌کند.

لازم است تا با دولت‌ها تعامل برقرار شود تا توضیحات لازم درباره این بندها در اختیار شرکت‌های داخلی قرار گیرد و اطمینان حاصل شود مسیر رسماً ممنوع شده را نادیده نمی‌گیرند. علاوه بر این، هر تأمین‌کننده‌ای که به دنبال انجام فروش به نهادهای ایرانی خارج از مسیر تعریف شده باشد ملزم به شناسایی و توقف است.

چه‌بسا، موفقیت مسیر خرید به سیستم‌های کنترل صادرات بستگی دارد که در سراسر جهان مورد استفاده خواهد بود. آمریکا ملزم خواهد بود تا تعامل خود با دیگر کشورها را افزایش داده و به آن‌ها برای ارتقاء کنترل و نظارت بر صادراتشان کمک کند و اجرای رویه‌های مربوط به مسیر خرید را به‌طور مشخص‌تر فراهم سازد.

نمی‌توان از چندین کشور ازجمله چین، ترکیه و احتمالاً روسیه انتظار اجرای مناسب رویه جدید را داشت. دو کشور چین و ترکیه به درستی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را اجرا نکردند. نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت وقتی فرصت‌های جدید تجاری در ایران چند برابر شد، روندهای جدید را به درستی به اجرا درآورند. با این وجود، آمریکا و هم‌پیمانان این کشور می‌بایست به این کشورها فشار آورند تا اجرای کنترل داخلی صادرات خود را تقویت کنند و به روندهای جدید کانال‌های خرید پایبند باشند.

با این حال، حتی کشورهایی که کاملاً مسئول هستند نیز احتمالاً انتظار چالش‌هایی را دارند که غلبه بر برخی از این چالش‌ها بدون منابع و تعهدات جدید، دشوار خواهد بود. یکی از نگرانی‌های موجود این است که برنامه جامع اقدام مشترک، تنها یک زمان ۳۰ روزه برای تصمیم‌گیری در خصوص پیشنهادات انتقال کالاهای حساس به ایران، زمان تخصیص داده است.

گرچه فرایند برنامه جامع اقدام مشترک تنها یک کشور در کارگروه را ملزم می‌کند تا صادرات را متوقف کنند، اما بعید است که زمان ۳۰ روز برای کشورهایی همچون آمریکا به منظور بررسی طیف کاملی از صادرات دو منظوره به ایران کافی باشد. این صادرات دوِ منظوره می‌تواند شامل «فعالیت‌هایی باشد که با برنامه جامع اقدام مشترک ناسازگار است.»

تمامی کشورهای تأمین‌کننده می‌بایست به منظور بررسی سریع و مناسب پیشنهادات صادرات، منابع کافی تخصیص دهند و سامانه‌های مناسبی را به وجود آورند. تا فرارسیدن توسعه چنین سامانه‌هایی، آمریکا می‌بایست بیان کند که اگر تشخیص دهد که بازه زمانی ۳۰ روز برای بررسی مناسب پیشنهادات ناکافی است، صدور مجوز خرید را تا زمان بررسی کامل پیشنهاد خرید افزایش دهد. کنگره می‌بایست منابع بیشتری را برای تقویت توانمندی شاخه اجرایی تخصیص دهد تا خیلی سریع بتواند صادرات به ایران را موردبررسی قرار دهند و اطمینان حاصل کنند که این صادرات نقشی در فعالیت‌های ناسازگار با برجام ندارد.



پشت پرده مذاکرات هسته‌ای از زبان وندی شرمن[1]

معاون سابق وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی‌ای مشروح، به بیان ابعاد کمتر مطرح شده مذاکرات هسته‌ای با ایران پرداخت.

به گزارش فارس، «وندی شرمن» معاون سابق وزیر خارجه آمریکا در نشستی که اخیراً در اندیشکده «بیکر» دانشگاه «رایس» برگزار شد، به تشریح جزئیات و پشت صحنه‌های کمتر مطرح شده مذاکرات هسته‌ای با ایران پرداخته است.

وی در این سخنرانی که در تاریخ ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین) انجام شده، روند حصول توافق هسته‌ای را موردبررسی قرارداده و نهایتاً تأکید می‌کند که ۲۵ سال بعد، یعنی پس از پایان عمر برنامه جامع اقدام مشترک، واشنگتن همچنان گزینه‌های امروزی برای مقابله با تهران را در اختیار خواهد داشت.

کودتا علیه مصدق سرآغاز بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا

رئیس سابق تیم آمریکا در مذاکرات هسته‌ای در ابتدای این نشست گفت: «اجرای توافق هسته‌ای خود یک چالش است، هرچند که گام‌های اولیه و مهمی برداشته‌شده است. حصول توافق هسته‌ای به خودی خود یک موفقیت بود، چراکه با وجود عدم اعتمادی که هنوز هم بخش اعظم آن پابرجاست، این توافق به دست آمد.»

او با اشاره به پیشینه برنامه هسته‌ای ایران پیش از انقلاب اسلامی، گفت در سال ۱۹۷۴ وقتی ایران متحد آمریکا به شمار می‌رفت، قرار بود این کشور ظرف ۲۰ سال ۲۳ نیروگاه هسته‌ای احداث کند.

وی سپس به وقوع انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا در تهران اشاره کرد و گفت این

۱- رجا، کد خبر: ۲۴۱۶۴۳

رخداد، «سوء اعتمادی را که از دهه‌ها قبل، یعنی از زمان کنار زدن مصدق در سال ۱۹۵۳ آغازشده بود، تثبیت کرد. عدم اعتمادی که هنوز هم پابرجاست.»

ایران تنها ١٦٤ سانتریفیوژ داشت

شرمن با مرور روند شکل‌گیری پرونده هسته‌ای ایران، گفت در سال ۲۰۰۲ مشخص شد که ایران برنامه هسته‌ای فعالی دارد. به گفته وی، «ایران در آن زمان تنها ۱۶۴ سانتریفیوژ داشت.» درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران برای توقف غنی‌سازی، آغاز مذاکرات سه کشور اروپایی با ایران، انتشار گزارش اطلاعاتی سال ۲۰۰۷ آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران و نهایتاً اعلام ساخت سایت زیرزمینی فردو، از دیگر مواردی بود که شرمن در ادامه بررسی تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران به آن‌ها اشاره کرد.

وی سپس اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به رهبری آمریکا را یادآوری کرد و گفت: «این تحریم‌ها مؤثرترین رژیم تحریم‌هایی بودند که تاکنون اعمال شده‌اند و در نتیجه آن‌ها اقتصاد ایران به شدت ضعیف شد. اما آن تحریم‌ها هرگز برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکرد، هرچند موجب شد که ایران پای میز مذاکره بیاید.»

سانتریفیوژهای ایران به ۹۰۰۰ دستگاه رسید

شرمن افزود: «حالا ۱۶۴ سانتریفیوژ ایران در طول سال‌ها به ۹۰۰۰ دستگاه رسیده و تهدید به مراتب افزایش یافته بود.»

وی مذاکرات با تیم قبلی جمهوری اسلامی را «کاملاً مأیوس‌کننده و بی‌نتیجه» خواند و گفت: «کاترین اشتون (مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا) طرف ما را به زبان انگلیسی پیش می‌برد، اما سعید جلیلی (مذاکره‌کننده وقت ایران) طرفِ ایرانی مذاکره را به فارسی پیش می‌برد. اما زبان تنها محدودیّت نبود. پیشنهاد هر دو طرف جاه‌طلبانه بود و هیچ نقطه اشتراکی نداشت و این بدان معنا بود که دریای فاصله بین ما نمی‌توانست کوچک‌تر شود.»

رئیس سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکا با بیان اینکه پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران ادامه داشت، گفت افزایش «تهدید» موجب شد تا «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل در سازمان ملل کارتونی از برنامه هسته‌ای ایران را به نمایش بگذارد.

کورسوی امید

او سپس از ناآرام شدن تهران پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ هم به‌عنوان سو سویی برای

امیدواری یاد کرد و گفت: «در تهران، سوسوی جنبش سبز که امیدی برای ایجاد اصلاحات در جمهوری اسلامی بود، در همان ابتدا پیش از آنکه شانسی برای درخشش داشته باشد، خاموش شد.»

وی افزود: «اما نتایج انتخابات بعدی، کورسویی از امید بود. ایرانی‌ها حسن روحانی را انتخاب کردند، یک روحانی محافظه‌کار که از سوی رهبر عالی تائید شده بود. اما او حداقل درک می‌کرد که آینده ایران به اصلاحات اقتصادی وابسته است. او می‌دانست که برای شکوفایی اقتصادی ایران، باید تحریم‌ها رفع شده و انزوای ایران پایان یابد. مشخص شد که بالاخره رئیس‌جمهور اوباما با کسی طرف است که می‌توان با او مذاکره کرد.»

شرمن با اشاره به آغاز مذاکرات پشت صحنه در عمان، گفت: «اوباما مجبور شد تصمیمی مهم بگیرد. ایران به دانش هسته‌ای مسلط شده بود و ما هم گزینه نظامی واقعی‌ای داشتیم. اما حمله نظامی دانش ایران را نابود نمی‌کرد و آن‌وقت ایران چند سال بعد دوباره به‌صورت مخفی برنامه هسته‌ای خود را از سر می‌گرفت و نه‌تنها مشکل حل نمی‌شد، بلکه مشکلات بیشتری ایجاد می‌شد.»

وی افزود: «به همین جهت رئیس‌جمهور اجازه داد که مذاکره‌کنندگان به ایران اعلام کنند که ایران ممکن است که بتواند یک برنامه بسیار محدود غیرنظامی داشته باشد و جهان هم ساز و کار نظارتی محکمی را برای کسب اطمینان از صلح‌آمیز بودن برنامه ایران به کار می‌گیرد.»

شرمن گفت «نگاه واقع‌بینانه رئیس‌جمهور اوباما» به توانمندی‌های ایران راه را برای پیشبرد مذاکرات باز کرد.

سفرهای مخفیانه به عمان و توافق ٤ صفحه‌ای

معاون سابق وزارت خارجه آمریکا در مورد روند انجام مذاکرات پشت پرده در عمان، گفت: «وقتی نگاه می‌کنید، انجام مذاکرات محرمانه غیرممکن به نظر می‌رسد. انجام مذاکره محرمانه در عصر ماهواره‌های جی‌پی‌اس، پهپاد، پوشش ۲۴ ساعته رسانه‌ای و درز بی‌پایان اطلاعات دولتی غیرممکن است، اما این کار انجام شد.»

وی افزود: «مذاکره‌کننده‌ها زمانی که خانه خود را ترک می‌کردند، به خانواده‌های خود نمی‌گفتند که به کجا می‌روند یا چرا می‌روند. آن‌ها با هواپیماهای بدون نشان (وزارت خارجه) به مسقط می‌رفتند و با خودروهای بی‌نشان (دیپلماتیک) تردد کرده و در مهمانخانه‌های کوچک در دریای عمان مستقر می‌شدند.»

شرمن ادامه داد: «وقتی کارکنان وزارت خارجه از مرکز عملیات، که تمام دیپلمات‌ها را در هر

زمان و در هر کجایی که باشند، رصد می‌کند - می‌توانید از خانواده‌های دیپلمات‌ها بپرسید - سراغ رئیسشان را می‌گرفتند، با توجیهاتی مانند اینکه «مریض شده یا پیش والدینش یا خانواده‌اش رفته» مواجه می‌شدند.»

وی گفت در مذاکرات عمان و بعداً در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، طرفین به سندی ۴ صفحه‌ای دست یافتند که جای خالی‌های زیادی در آن وجود داشت، اما کلیت آن این بود که ایران در برابر «رفع جزئی تحریم‌ها» برنامه هسته‌ای خود را در همان سطح نگه داشته یا حتی به عقب بازمی‌گرداند، تا زمان لازم برای مذاکره بر سر توافق جامع به دست آید. به گفته شرمن «آن سند ۴ صفحه‌ای برنامه اقدام مشترک (توافق موقت ژنو) بود.»

مذاکره‌کننده سابق آمریکا افزود: «سپس این سند را به میان اعضای ۱+۵ بردیم، شرکای ما از اینکه فهمیدند مذاکراتی در جریان بوده، جا خوردند. این بدان معنی نبود که این مسئله غرور و احساس ارزش آن‌ها را خدشه‌دار نکرد. همکاران اروپایی ما رنجیدند. برخی از آن‌ها به این خاطر ناراحت شدند که مدت‌ها موافق بودند که (به ایران) اجازه داشتن برنامه محدود داده شود، یعنی کلیدی که باعث رفع بن‌بست می‌شد و این ایالات متحده بود که همواره تا آن زمان گفته بود این شرط را نمی‌پذیرد.»

وی ادامه داد: «صادقانه بگویم، هیچ کشوری در دنیا نیست که سندی تقریباً تمام شده را به آن ارائه کنند و بپذیرد که آن را امضا کنند. گفت‌وگوهای سختی درگرفت، اما ما نگرانی‌های مهم‌تری داشتیم، مثل جاهای خالی در سند.»

فرانسه توافق را به هم زد

به گفته شرمن، بعداً در اولین جلسه مذاکرات رسمی که تحت پوشش رسانه‌ها برگزار شد، همه بسیار خوش‌بین بودند، اما نهایتاً «نگرانی‌های دقایق پایانی به‌خصوص از سوی فرانسه» موجب شد تا همه دست خالی به خانه بازگردند.

معاون سابق وزارت خارجه آمریکا گفت دو هفته همه برای مذاکراتی فشرده و شب بیداری‌های طولانی به ژنو بازگشتند. «بیل برنز (قائم مقام وقت) و جیک سالیوان مدام از آسانسور بالا و پائین می‌رفتند و با وزیر کری گفت‌وگو می‌کردند.»

پس از این دور از مذاکرات بود که توافق موقت ژنو حاصل شد و به گفته شرمن «فضای لازم برای مذاکره به دست آمد.»

به گفته شرمن، در ادامه مذاکرات، همه ازجمله ایران می‌دانستند که هدف چیست؛ اینکه برنامه ایران هرگز نظامی نشود.

معاون سابق وزیر خارجه آمریکا گفت در طول دو سال مذاکره بعد از توافق موقت هسته‌ای، ایران به تعهدات خود در برنامه اقدام مشترک پایبند ماند و همین امر اعتمادسازی لازم برای توافق نهایی را ایجاد کرد.
او با بیان اینکه مذاکرات مدیران سیاسی به‌صورت همزمان در مورد موضوعات مختلف ازجمله غنی‌سازی، آب سنگین اراک، مسئله ابعاد احتمالی نظامی، نظارت، قطعنامه شورای امنیت و تحریم‌ها ادامه داشت، گفت همین امر موجب شد تا حصول توافق در ضرب‌الاجل اول مقدور نشود.

تأثیر روابط شخصی بر پیشرفت مذاکرات

شرمن سپس گفت جان کری وزیر خارجه آمریکا و محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران همزمان به گفت‌وگوهایشان ادامه می‌دادند. وی در مورد ظریف گفت: «ظریف در ایالات متحده درس خوانده و ۳۰ سال اینجا زندگی کرده است. او مدرک دکترای خود در حقوق بین‌الملل را از دانشگاه دنور، در دانشکده‌ای که حالا به نام پدر مادلین آلبرایت است و از شهری که جان کری در آن متولد شده، دریافت کرده است.»
وی افزود: «همانطور که گفتم، او ۳۰ سال در ایالات متحده زندگی کرده و انگلیسی را روان صحبت می‌کند، درست مانند همه دیگر اعضای تیم مذاکره‌کننده جدید. به همین خاطر همه مذاکرات ما به زبان انگلیسی انجام شده و مکتوب می‌شد.»
به گفته شرمن کری می‌دانست که این مذاکرات عدم اعتماد عمیقی را که وجود دارد، حل نمی‌کند، اما درعین‌حال اطمینان داشت که طرفین منافع مشترکی در آن دارند.
وی با بیان بر اینکه کری در طول مذاکرات بر تأثیرات ایجاد رابطه شخصی با طرف مقابل واقف بود، گفت در سطح کارشناسان هم بین هر دو طرف روابط شخصی شکل گرفت. او به‌عنوان نمونه به «ارنست مونیز» وزیر انرژی آمریکا و علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی که هر دو فارغ التحصیل دانشگاه «ام‌آی‌تی» هستند اشاره کرد.

پیام کری از لندن و جلسه سخت با ظریف

به گفته شرمن، البته همه‌چیز آنقدر خوب هم نبود و در مواردی طرفین احساس می‌کردند به بن‌بست رسیده‌اند. وی افزود: «در یک مرحله، من برای دیدار دوجانبه با ایرانی‌ها در ژنو بودم و قرار بود وزیر کری هم از لندن به ما بپیوندد... کری به من گفت به ایرانی‌ها پیام بدهم که اگر پیشرفتی صورت نگیرد، او در لندن می‌ماند. این پیام بن‌بست را باز کرد، اما

وقتی او به زانو آمد، به هر حال یک جلسه سخت در انتظارش بود.»
شرمن گفت: «این جلسه آنقدر سخت بود که وزیر کری بر خلاف رویه معمول و مشخصه شخصیتی‌اش، دستش را آنقدر محکم روی میز کوبید که خودکارِ روی میز به هوا بلند شد و به همتای من عباس عراقچی برخورد کرد.»
وی سپس به انتقادات از مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد و گفت هم در آمریکا و هم در ایران مخالفت‌هایی با این گفت‌وگوها وجود داشت، با این حال اوباما مصمم به ادامه مذاکرات بود و نهایتاً توافق موقت «لوزان» به دست آمد که به گفته شرمن «همه را شگفت‌زده کرد.»
شرمن گفت پس از آن‌همه به حصول توافق نهایی امیدوار بودند اما در طول مذاکرات جزئیات و عدم تفاهم بر سر آن‌ها، امیدها را ناامید می‌کرد.

توئیت از داخل اتاق مذاکره

وی افزود: «در تمام طول مذاکرات رئیس‌جمهور همواره تأکید داشت که ایران نباید به بمب اتم دست یابد و این صراحت از اهمیت بالایی برخوردار بود... در طول مذاکرات می‌دانستیم که چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، چه کاری نمی‌توانیم، در چه مواردی انعطاف‌پذیری وجود دارد و در چه مواردی ندارد.»
به گفته معاون سابق وزارت خارجه آمریکا، همه طرف‌ها بر آنچه در داخل اتاق مذاکرات بود متمرکز بودند، هرچند که در دنیای امروز و با پوشش رسانه‌ای که وجود دارد، این مسئله کار ساده‌ای نبود، «به‌خصوص در وضعیتی که برخی از مذاکره‌کننده‌ها از زیر میز برای اثرگذاری بر روند مذاکرات توئیت می‌کردند.»
وی افزود: «ما همچنین منافع یکدیگر و موارد تفاهم و اختلاف را می‌دانستیم و تلاش می‌کردیم به سمت اهداف مشترک حرکت کنیم.»

هرگز به ایران اعتماد نکردیم

شرمن با بیان اینکه هر دو طرف به‌خصوص ایران و به‌خصوص ایالات متحده، از اهرم‌هایی برخوردار بودند، گفت: «دستکم برای ایالات متحده، مذاکرات هرگز مبتنی بر اعتماد نبود. هم من و هم همتایم، عباس عراقچی در طول مذاکرات برای اولین بار نوه‌دار شدیم. حتی بعدازآن برهه انسانی، که من و عباس عراقچی فیلم نوه‌هایمان را به یکدیگر نشان دادیم، مذاکرات به همان اندازه قبل مبتنی بر بی‌اعتمادی ادامه یافت.»
وی در ادامه افزود: «هر دو طرف، امتیازاتی دادند، اما هیچ‌یک به‌طور کامل همه‌چیز را واگذار

نکردند، به جز یک استثنا بزرگ: ایران هرگز نمی‌تواند به بمب اتمی دست یابد.»
رئیس سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکایی ادامه داد: «این‌ها اجزا تشکیل‌دهند توافق بود: رهبران درست و رهبریِ درست، اهداف مشترک درست، تیم‌های درست و زمان درست.»

سوریه دشوارترین مکعب روبیک جهان

وی در ادامه اندکی به صحبت در مورد روابط با کوبا پرداخت و گفت در قضیه ازسرگیری روابط با هاوانا هم موارد فوق صدق می‌کرد.
شرمن در مورد سوریه هم گفت که سوریه به یک جنگ نیابتی بدل شده و اکنون همه طرف‌ها باید به دنبال حل این مسئله باشند.
وی گفت: «سوریه به دشوارترین مکعب روبیک جهان بدل شده است... ضمن اینکه تلاش روسیه و به‌خصوص ایران برای تقویت (بشار) اسد (رئیس‌جمهور سوریه)، رسیدن به توافق دیپلماتیک را دشوار کرده است.»
معاون سابق وزیر خارجه آمریکا، با اشاره به آزمایش‌های موشکی ایران، گفت این اقدامات «باید با تحریم و حمایت از کشورهای خلیج (فارس) و دست قدرتمند در مذاکرات سوریه، روبه‌رو شود.»

امید به تکرار برجام

شرمن در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت امیدوار است که توافق هسته‌ای در چالش‌های دیگر با ایران هم تکرار شود.
او بار دیگر به صحبت‌های جان کری در جلسه پایانی مذاکرات هسته‌ای که با حضور وزرای خارجه و مدیران سیاسی برگزار شد، اشاره کرد.
وی گفت کری که خود کهنه‌سرباز جنگ ویتنام است، در نشست پایانی گفته است که تمام تلاش خود را کرده تا با حل این مشکل از طریق دیپلماسی، جلوی وقوع یک جنگ را بگیرد.

ظریف احساسی است

شرمن در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا مورد مشخصی بوده که به واسطه روابط شخصی طرفین حل شود، از بیان جزئیات خودداری کرد، اما گفت: «موارد زیادی رخ داد که وضعیت دشواری پیش می‌آمد و جان کری به اتاق ظریف می‌رفت یا وزیر ظریف به اتاق او می‌رفت و آن‌ها این مسئله را باهم در میان می‌گذاشتند، یکی از این موارد (جدال لفظی کری و ظریف) به رسانه‌ها هم کشیده شد.»

وی افزود: «اینکه وزیر کری را به چنین وضعی (عصبانیت) برسانید، کار ساده‌ای نیست، چون او انسان بسیار صبور و بخشنده‌ای است. آن زمان در ناهارخوری ساختمان در وین بودیم که من ناگهان از پشت دیوار صدای داد و فریاد شنیدم. چراکه آن‌ها در صورت لزوم سر هم فریاد هم می‌زدند. آن‌هایی که آقای ظریف را بشناسند، می‌دانند که او خیلی خوب فریاد می‌زند و بسیار احساسی است. تصور می‌کنم که آن رابطه شخصی کاملاً مورد نیاز بود.»
شرمن ادامه داد: «هرچند بی‌اعتمادی‌ها هرگز برطرف نشد، اما به واسطه بحث‌هایی که عباس عراقچی و من، مجید روانچی و من در مورد موضوعات شخصی داشتیم، این مسئله در طول مذاکرات به ما کمک کرد که دستکم صبوری بیشتری مقابل هم به خرج دهیم. ما همچنان به یکدیگر ایمیل می‌زنیم و باید بگویم که این تغییر بزرگی در روابط دیپلماتیکی بود که شاهدش بودیم. علاوه بر این، این رابطه شخصی بین وزرا موجب شد تا ما بتوانیم ملوان‌هایی را که ایران بازداشت کرده بود، به‌سرعت به خانه بازگردانیم.»
به گفته معاون سابق وزیر خارجه آمریکا، این رابطه شخصی در جریان مذاکرات مبادله زندانیان هم اثرگذار بوده است.

بهبود روابط مشروط به تغییر رفتار منطقه‌ای ایران

وی افزود: «این سؤال مطرح می‌شود که آیا روابط بهتر خواهد شد؟ نمی‌دانم، این دست ما نیست، من امیدوارم که این اتفاق بیفتد، چراکه ما باید امیدوار باشیم، اما این انتخاب یا تصمیم ما نیست و مسائل زیادی وجود دارد، اقدامات منطقه‌ای ایران کاملاً نگران‌کننده هستند و اگر می‌خواهیم شاهد تغییر باشیم، باید آن‌ها را حل کنیم.»
شرمن در پاسخ به سؤالی در مورد اینکه آیا «صد میلیارد دلار آزاد شده به واسطه برجام» در فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به کار گرفته نمی‌شود، گفت: «افسانه‌سازی‌ها در مورد این «صد میلیارد» واقعاً اعجاب‌برانگیز است. اولاً بگویم که این پول آمریکا یا پول مالیات‌دهندگان آمریکایی نیست. این‌ها دارایی‌های ایران بودند که در بانک‌های خارجی و نه آمریکایی، بلوکه شده بودند. در بانک‌هایی در امارات، در ژاپن، در کره بودند. همه آن‌ها هم دارایی‌های بلوکه شده ایران هستند در بانک‌های خارجی.»

سپاه با مبالغ اندک کارهای زیادی کرده است

وی افزود: «ثانیاً، در مورد مبلغ صد میلیارد دلار، اینکه برآورد ما و وزارت خزانه‌داری این است که ممکن است، ممکن است که نهایتاً تا ۵۰ میلیارد دلار بتواند به ایران بازگردد، چراکه باقی

این مبلغ یا اقساط عقب‌افتاده وام‌های ایران هستند یا مبالغی که متعلق به چین هستند و چین هم می‌خواهد آن‌ها را پس بگیرد.»
شرمن ادامه داد: «نهایتاً، به نفع ایران نیست که این مبالغ را به داخل کشور منتقل کند، چراکه ایران این پول را در خارج کشور برای انجام تجارت نیاز دارد و اگر پولی در خارج نداشته باشد، نمی‌تواند معامله تجاری کند.»
رئیس سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکایی افزود: «نکته مهم که بسیار حائز اهمیت است، این است که شکی وجود ندارد که ایران می‌تواند این پول را برای مقاصد دیگر استفاده کند و سؤالی وجود ندارد که با رفع تحریم‌ها، اقتصاد ایران می‌تواند عملکرد بهتری داشته باشد و شک ندارم که با بهبود وضعیت اقتصادی، سپاه پاسداران هم پول بیشتری به دست می‌آورد. اما می‌خواهم به شما یادآوری کنم که سپاه پاسداران و نیروی قدس، باهمان مبالغ کم، توانسته بود کارهای زیادی انجام دهد.»

سانتریفیوژهای ایران به ۵۰۰۰ دستگاه کاهش یافت

وی با متهم کردن سپاه به نفع بردن از تحریم‌ها، گفت: «بنابراین من نمی‌گویم که ایران پول بیشتری برای فعالیت‌های مخربش به دست نمی‌آورد، چرا به دست می‌آورند، اما آن‌ها برای رفع تحریم‌ها، از دید خودشان هزینه زیادی داده‌اند، آن‌ها کَلندریا رأکتور اراک را با بتن پر کرده‌اند، شمار سانتریفیوژهایشان را از ۱۹۰۰۰ به ۵۰۰۰ کاهش داده‌اند و اجازه یافته‌اند که تنها ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۳٫۶۷٪ نگه دارند. این میزان برای ساخت یک بمب کافی نیست.»
شرمن افزود: «ارزیابی من، ارزیابی رئیس‌جمهور و ارزیابی وزیر کری این بود که ما تمام راه‌های رسیدن به بمب، ازجمله راه مخفی را بسته‌ایم و این توافق ارزش اجرا دارد.»

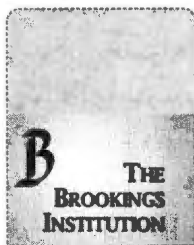
تیم روباه نقره‌ای

در ادامه یکی از حاضران سؤال کرد که آیا مسئله‌ای وجود دارد که حالا «افسوس بخورید که «ای کاش فشار بیشتری آورده بودیم»؟»
شرمن گفت: «نه چراکه این‌یک روند «این یا آن» نیست. به همین خاطر هم هست که باید آن را مثل یک مکعب روبیک در نظر بگیرید و تیم من در این کار فوق‌العاده بود و مدام مکعب‌های روبیکی را که روی آن‌ها موارد مختلف (مذاکرات) نوشته شده بود را درست می‌کردند. البته ما چیزهای بامزه دیگری هم داشتیم، مثلاً اینکه چون ایرانی‌ها در یک کاریکاتور من را به شکل یک روباه کشیدند، ما اسم خود را گذاشته بودیم «تیم روباه نقره‌ای» و برای آن تی‌شرت

درست کردیم. از این کارها می‌کردیم تا روحیه خود را حفظ کنیم.»
وی افزود: «واقعاً باید این را مانند یک مکعب روبیک در نظر بگیرید، اینطور که وقتی یک طرف را حرکت می‌دهد، طرف دیگر به سمتی دیگر می‌رود. شما نمی‌توانید بگوئید که‌ای کاش بیشتر روی آن بخش کار می‌کردم، چراکه اگر روی آن بخش بیشتر کار می‌کردید، آن‌وقت روی بخشی دیگر کمتر کار کرده بودید و توافق جفت و جور نمی‌شد. به همین خاطر هم هر بار که این سؤال مطرح می‌شود، می‌گویم مذاکرات اینطور کار نمی‌کند.»
رئیس سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکا ادامه داد: «به این هم توجه کنید که هریک از شرکای ما، اولویت‌های خودشان را داشتند که شاید با اولویت‌های ما متفاوت بود. همه آن‌ها کارشناسان و تیم خودشان را داشتند. هیچ دو کشوری، حتی ما و بریتانیا، محاسبات یکسانی نداشتیم، به این خاطر که محاسبات ما بر اساس اطلاعات خودمان بود، اطلاعاتی که نمی‌توانستیم در اختیار دیگران قرار دهیم. به همین سبب هریک از ما با محاسباتی مختص خودمان وارد مذاکره می‌شدیم.»
وی گفت با این حال ۵+۱ اجازه داد که آمریکا به واسطه تحریم‌هایی که انجام داده و توان نظامی‌ای که دارد، مذاکرات را رهبری کند.

گزینه نظامی را از دست نداده‌ایم

شرمن در اواخر نشست در مورد رفع محدودیت‌ها بعد از پایان برجام، بار دیگر تهدید نظامی را مطرح کرد و گفت اگر بعد از گذشت ۲۵ سال و پایان محدودیت‌های قید شده در برجام، ایران خواست از معاهده منع گسترش خارج شود یا به سمت بمب حرکت کند، «آن‌وقت ما تمام گزینه‌هایی را که امروز در اختیار داریم، در اختیار خواهیم داشت.»
وی افزود: «ما می‌توانیم دست به اقدام نظامی بزنیم. ایالات متحده سلاحی را به کار گرفته، برای آن هزینه کرده و آن را ساختهٔ که می‌تواند به داخل تأسیسات ایران نفوذ کند. این مسئله در رسانه‌ها علنی شده و ایران هم از این مسئله مطلع است. ضمناً فناوری همچنان پیشرفت خواهد کرد و ما همچنان به روز باقی خواهیم ماند.»
شرمن در پایان گفت: «ما می‌توانیم به واسطه ساز و کاری که در توافق در نظر گرفتیم، به سرعت رأساً تحریم‌هایمان را و تحریم‌های چند جانبه را بازگردانیم. بنابراین، زمانی که می‌گویم ایران به بمب هسته‌ای دست نمی‌یابد، به واسطه لایه‌هایی است که در نظر گرفته‌ایم از نظارت گرفته تا گزینه‌هایی که الان در اختیار داریم تا اگر آن‌ها حقه زدند، از آن‌ها استفاده کنیم.»



نشست اندیشکده بروکینگز پیرامون برجام[1]

برجام حمله نظامی به ایران را سهل‌ترکرد

روز گذشته (سه شنبه) نشستی با موضوع توافق هسته‌ای با ایران در اندیشکده «بروکینگز» در آمریکا برگزار شد که «رابرت اینهورن» عضو سابق وزارت خارجه آمریکا، «ریچارد نفیو» عضو سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکا و «یوسف العطیبه» سفیر امارات در این کشور، مهم‌ترین سخنرانان آن بودند.

در این نشست در ابتدا «رابرت اینهورن» عضو سابق وزارت خارجه آمریکا به بیان نظراتش درباره برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) پرداخت و گفت: بعد از ۱۵ سال که عمر توافق هسته‌ای به پایان می‌رسد هم، تهران قادر به افزایش توان غنی‌سازی خود نخواهد بود.

او سپس افزود: «آن‌ها امروز می‌گویند که در آینده غنی‌سازی صنعتی خواهند داشت تا نیاز رأکتورهای خود را تأمین کنند. اما واقعیت این است که ایران برای دهه‌ها رأکتورهای خود را نخواهد داشت و نیازمند خارجی‌ها خواهد ماند.»

عضو سابق وزارت خارجه آمریکا ادامه داد: «در این مسیر احتمالاً روسیه اصلی‌ترین تأمین‌کننده آن‌ها خواهد بود. روس‌ها هم همواره بر فروش سوخت برای تأمین نیاز رأکتورها تأکید کرده‌اند، که همین امر منطق داشتن برنامه صنعتی را از بین می‌برد و آن‌ها هیچ توجیه مشروعی نخواهند داشت. به همین جهت ایران هرگز «توجیه مشروعی» برای حرکت به سمت افزایش ظرفیت غنی‌سازی نخواهد داشت.»

در ادامه «یوسف العطیبه» سفیر امارات در آمریکا به تکرار اتهام‌زنی علیه ایران پرداخت و گفت توافق هسته‌ای تنها در صورتی توافق خوبی است که فعالیت‌های منطقه‌ای ایران را متوقف کند. وی در پاسخ به این سؤال که آیا امارات توافق هسته‌ای با ایران را توافق خوبی می‌داند، گفت:

۱- رجاء، کد خبر: ۲۴۳۶۳۲

«در صورتی که توافق جنبه دیگر رفتارهای ایران، یعنی حمایت ایران از حزب‌الله، فعالیت این کشور در عراق، حمایت آن‌ها از حوثی‌های یمن و اقداماتشان در شرق عربستان و بحرین را متوقف کند، در آینده از این توافق با عنوان توافقی خوب یاد خواهد شد.»

وی افزود: «اما اگر از کنار این جنبه عبور شود، آن‌وقت از این توافق با عنوان یک توافق بد یاد می‌شود. به همین خاطر بر خلاف کسانی که می‌گویند اکنون باید توافق را قضاوت کرد، من می‌گویم که قضاوت در مورد این توافق تازه آغاز شده است.»

سفیر امارات در واشنگتن که به نوشته رسانه‌های آمریکایی پیش از توافق هسته‌ای لابی گسترده‌ای را برای سخت‌گیرانه‌تر کردن برجام انجام داده بود، در ادامه با اشاره به یادداشتی که علیه ایران در روزنامه وال‌استریت ژورنال منتشر کرده، مدعی شد که در این یادداشت حقایق را بیان کرده است.

عطیبه دولت باراک اوباما را هم به ارسال پیام‌های متناقض متهم کرد و گفت کاخ سفید از سویی برای محدود کردن ایران تلاش می‌کند و از سوی دیگر اروپایی‌ها را به تجارت با ایران تشویق می‌کند.

«ریچارد نفیو» عضو سابق تیم مذاکره‌کننده آمریکا نیز یکی از سخنرانان این نشست بود و درباره حمله نظامی به ایران سخن گفت.

او در ابتدا گفت: «حتی بعد از اتمام عمر توافق هسته‌ای، واشنگتن ابزارهای کنونی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران را در اختیار خواهد داشت و اگر ایران به سمت سلاح اتمی حرکت کند، آمریکا می‌تواند به تحریم یا حمله نظامی متوسل شود.»

وی به مورد قابل توجه دیگری نیز اشاره کرد و ادامه داد: «بازگشت ایران به بازارهای جهانی و درگیر شدن این کشور در تجارت خارجی، آسیب‌پذیری این کشور در برابر تحریم‌ها را افزایش خواهد داد.»

ریچارد نفیو افزود: «در پاسخ به کسانی که امکان بازگشت تحریم‌ها را زیر سؤال می‌برند، روسیه را مثال می‌زنم. روسیه تولیدکننده به مراتب مهم‌تر نفت است، با این حال ما توانسته‌ایم تحریم‌ها را علیه این کشور حفظ کنیم.»

این مقام سابق وزارت خارجه آمریکا گفت واشنگتن حتی می‌تواند از حمله نظامی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران استفاده کند. به گفته وی، در آن صورت هم برجام به واشنگتن کمک خواهد کرد تا بداند که «آن‌ها چه دارند و تأسیساتشان کجا است.»

نفیو در این نشست بار دیگر تأکید کرد که واشنگتن باید همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی خود با کشورهای منطقه را علیه ایران افزایش دهد.



اظهارات مسئول تحریم‌های ایران در دولت امریکا

آدام زوبین قائم مقام وزیر خزانه‌داری امریکا در امور تروریسم و اطلاعات
مالی می‌گوید تحریم‌های باقی مانده ایران که بسیار هم «قدرتمند» هستند تنها در صورتی تعلیق خواهند شد که ایران در حوزه‌های موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر «تغییر محاسبه» بدهد.
وی این سخنان را در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا در روز چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۹۵ (۲۵ مه ۲۰۱۶) بیان کرده است.
متن کامل[1] سخنان وی در ادامه می‌آید.
از این‌که مرا برای صحبت در ارتباط با اجرای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یا همان توافق هسته‌ای که ما باهم پیمانانمان و ایران بدان دست یافتیم، به اینجا دعوت کردید از شما متشکرم. از این‌که به همراه همکارانم در وزارت خارجه آمریکا در اینجا حضور دارم، خوشحالم. من سخنان خود را با ارائه توضیح دراین‌باره آغاز خواهم کرد که چگونه برجام سبب از بین رفتن تهدید ناشی از برنامه هسته‌ای ایران شد و همچنین به این موضوع می‌پردازم که چگونه تحریم‌ها و تلاش‌های دیپلماتیک مداوم ما به دست‌یابی به این نتیجه کمک کرد. سپس به نقش تحریم‌های غیر هسته‌ای در رویکرد ما در قبال ایران خواهم پرداخت و به ارائه توضیحی در ارتباط با راهبرد ما برای اجرایی کردن این تحریم‌ها می‌پردازم.

برجام

از زمان آغاز کارم در وزارت خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۰۴، ممانعت ایران از دست‌یابی به

1 - http://docs.house.gov/meetings/FA/FA00/20160525/104985/HHRG-114-FA00-Wstate-SzubinA-20160525.pdf

سلاح هسته‌ای یکی از اولویت‌های امنیت ملی بوده است. ما به مدت بیش از یک دهه، تلاش کردیم اطمینان حاصل کنیم که هیچ راه احتمالی پیش روی ایران برای دست‌یابی به یک سلاح هسته‌ای وجود ندارد.

ما این اقدام را از طریق طراحی یک رژیم پیچیده و هدفمند تحریم‌ها و ادغام آن با تلاش‌های مداوم دیپلماتیک برای جلب حمایت‌های چند جانبه از تحریم‌هایمان انجام دادیم. ما به همراه شرکایمان در کنگره و در جامعه بین‌المللی تحریم‌هایی را اعمال کردیم که هزینه‌های سنگینی برای ایران در بر داشت. این اقدام به حضور ایران در میز مذاکرات و دست‌یابی به برجام کمک کرد.

برجام یک موفقیت فوق‌العاده دیپلماتیک محسوب می‌شود. این توافق ابزاری صلح‌آمیز برای از بین بردن یکی از مداوم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی که همانا ایران مسلح به سلاح هسته‌ای است، محسوب می‌شود. و این توافق یک موفقیت بزرگ محسوب می‌شود.

در روز شانزدهم ماه ژانویه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرد ایران به تعهدات هسته‌ای خود بر اساس توافق پایبند بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرد ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را تا نود و هشت درصد کاهش داده است و دو سوم سانتریفوژهای خود را غیر فعال کرده است و راکتور خود را در اراک برای همیشه غیر فعال کرد و همه مواد شکافت پذیر را از تأسیسات زیرزمینی فردو خارج کرد.

ایران همچنین رژیم بی‌سابقه و جامع شفافیت و تأیید ازجمله تداوم روند نظارت بر همه تأسیسات هسته‌ای اعلام شده‌اش را پذیرفت. علاوه بر این، ایران متعهد شده است تحت هیچ شرایطی در پی توسعه یا دست‌یابی به هیچ‌گونه تسلیحات هسته‌ای نباشد و با ممنوعیت فعالیت‌های مرتبط با طراحی و توسعه یک ماده منفجره هسته‌ای موافقت کرد.

دیپلماسی ما ثمربخش بوده است. ایران تنها چند ماه با تولید مواد شکافت پذیر کافی برای تولید یک سلاح هسته‌ای فاصله داشت و به‌طور پیوسته در حال پیشرفت بود. هم اکنون، زمان فرار هسته‌ای ایران افزایش یافته و به بیش از یک سال رسیده است و ما به همین سبب احساس امنیت بیشتری می‌کنیم.

برجام سبب ایجاد تغییراتی گسترده شده است. این توافق تضمین می‌کند برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز است و خواهد بود. و این توافق محکم‌ترین نمونه دراین‌باره محسوب می‌شود که چگونه یک تلاش چند جانبه برای اعمال تحریم‌ها همراه با بکار گیری دیپلماسی اصولی و سخت‌گیرانه می‌تواند به موفقیت برسد.

تعهدات ما براساس برجام

از آنجایی که ایران به تعهدات خود در قبال توافق هسته‌ای پایبند بوده است ما نیز باید به تعهدات خود عمل کنیم.

ما این کار را با برداشتن تحریم‌ها - همان‌گونه که متعهد به برداشتن آن شده بودیم- انجام دادیم البته زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید کرد ایران به تعهدات مرتبط با هسته‌ای خود بر اساس برجام پایبند بوده است.

اجازه دهید همان موضوعی را تکرار کنم که رئیس‌جمهور اوباما، جک لو وزیر خزانه‌داری و کری وزیر امور خارجه اعلام کرده‌اند: ما مانعی بر سر راه انجام مراودات تجاری مجاز با ایران نیستیم و نخواهیم بود. ما همچنین در حال مسدود کردن دسترسی ایران به وجوهی نیستیم که در پی اجرایی شدن برجام دیگر با محدودیت مواجه نیستند [دیگر مسدود نیستند] و دیگران را نیز به انجام چنین کاری ترغیب نمی‌کنیم.

این روند تا مادامی ادامه خواهد داشت که ایران به تعهدات خود پایبند باشد. زیرا اعمال فشارهای اقتصادی هرگز هدف تحریم‌های ما مرتبط با برنامه هسته‌ای نبوده است. در عوض، هدف کمک به حضور ایران در میز مذاکرات بوده است جایی که ایران محدودیت‌های دور از دسترس را بر برنامه هسته‌ای خود در ازای کاهش تحریم‌های خاص پذیرفت.

تأیید شده است که ایران تعهدات هسته‌ای خود را اجرا کرده است. ما نیز به نوبه خود، به تعهد خود در برداشتن تحریم‌های ثانویه مرتبط با هسته‌ای عمل کردیم. ما همچنین توضیحاتی واضح و دستورالعملی خاص در این ارتباط منتشر کردیم، درست همان‌گونه که این کار را در زمان اجرای تغییرات قابل توجه در هر گونه برنامه اعمال تحریم انجام می‌دهیم. به نفع امنیت ملی ماست تا اطمینان حاصل کنیم برجام همان‌گونه که هدف [ما] بود مؤثر واقع شود. از این رو، مهم است به همه تعهدات خود بر اساس برجام عمل کنیم.

انجام کاری غیر از این، نه‌تنها سبب تضعیف انگیزه ایران برای پایبندی به مفاد توافق می‌شود. این اقدام همچنین سبب تضعیف اعتبار بین‌المللی ما و توانایی ما در استفاده از تحریم‌ها برای تغییر دادن رفتار در آینده در ارتباط با تهدیدهای مرتبط با امنیت ملی می‌شود که ما با برنامه‌های تحریمی خود آن‌ها را هدف قرار می‌دهیم.

تأثیر توافق تاکنون

ایران تقریباً در حال مشاهده مزایای این توافق است. این توافق سبب افتتاح شعبه‌های بانکی جدید در سراسر جهان شده است. این توافق سبب دسترسی به میلیاردها دلار وجه

شده است. و صادرات نفتی آن [ایران] به اروپا به حدود نیمی از سطح قبل از اعمال تحریم‌ها رسیده است.

گفته می‌شود برخی همچنان در ارتباط با مراوده با ایران مردد هستند. این روند پیش‌بینی می‌شد. این بدان معنا نیست که ما در پایبندی به تعهدات خود ناکام بوده‌ایم. ما به همه تعهدات خود بر اساس برجام پایبند بوده‌ایم و همه تحریم‌های ثانویه هسته‌ای را همان‌گونه که وعده داده بودیم، لغو کردیم.

آنچه مشخص است اینکه حتی با رفع نگرانی‌های هسته‌ای، شرکت‌های بین‌المللی همچنان درباره تجارت با ایران نگران‌اند. بسیاری از این نگرانی‌ها به تحریم‌ها مربوط نمی‌شود. برخی شرکت‌ها درباره معیارهای شفاف‌سازی ایران و شناخت ایران با پرونده قضایی پرمخاطره از نظر گروه ویژه اقدام مالی نگران‌اند.

برخی هم درباره فساد و همچنین قوانین ایران و دیگر موانع موجود بر سر راه تجارت در این کشور نگران‌اند. اقدامات تحریک‌آمیز غیر هسته‌ای ایران ازجمله حمایت فعال از تروریسم و آزمایش موشک‌های بالستیک عامل نگرانی برخی دیگر از شرکت‌هاست.

همانگونه که باراک اوباما، رئیس‌جمهور اخیراً گفت: ایران باید آنچه را که همه کشورها به آن پی برده‌اند، دریابد و آن اینکه تجار به کشورهایی می‌روند که احساس امنیت کنند، جایی که در آن شاهد جنجال‌های گسترده نباشند و بتوانند اطمینان حاصل کنند که معاملات آن‌ها به‌طور عادی انجام خواهد شد.

اگر ایران به دنبال تجارت‌های بیشتر است، باید درصدد رفع این مشکلات برآید - باید اصلاحات جدی انجام دهد و فضایی ایجاد کند که در آن تجار احساس امنیت کنند.

تحریم‌های باقی‌مانده

من درباره تعهداتی که بر اساس برجّام در زمینه لغو تحریم‌ها برعهده داریم، سخن گفته‌ام. اما می‌خواهم درباره آنچه توافق به آن اشاره‌ای نکرده است، شفاف‌سازی کنم. نخست آنکه به جز برخی استثناهای خاص محدود، ما در تحریم‌های اولیه آمریکا برضد ایران تغییری ایجاد نکرده‌ایم. تحریم‌ها به پیش از نگرانی‌های ما درباره برنامه هسته‌ای ایران باز می‌گردد. علاوه بر استثناهای دیرین در زمینه موارد بشر دوستانه، در برجام استثناهای محدودی در زمینه پوشش مورد به مورد صدور مجوز فروش هواپیماهای مسافربری تجاری، قطعات و خدمات و واردات مواد غذایی و فرش ایران به آمریکا و برخی فعالیت‌های شرکت‌های خارجی تابعه شرکت‌های آمریکایی در نظر گرفته شده است. اما تحریم‌ها همچنان به قوت خود باقی‌اند.

این بدین معنی است که ما همچنان به اشخاص آمریکایی اجازه سرمایه‌گذاری در ایران را نمی‌دهیم، آن‌ها را از واردات کالاهای ایرانی و صادرات بیشتر کالاها یا خدمات به ایران منع می‌کنیم. هنوز هم تعاملات تجاری و مالی با بیشتر افراد و شرکت‌های ایرانی ممنوع است. به ایران همچنان اجازه دسترسی به بازارهای آمریکا داده نخواهد شد.

علاوه بر آنچه گفته شد، بگذارید تصریح کنم که ما نه قول داده‌ایم و نه قصد داریم که به ایران اجازه دسترسی به نظام مالی آمریکا را بدهیم یا آنچه را که روش یوترن خوانده می‌شود، دوباره به اجرا درآوریم.

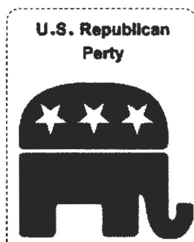
افزون بر اینکه ما هیچکدام از تحریم‌های خود را که هدف آن‌ها مقابله با فعالیت‌های ایران است که به بروز بی‌ثباتی منجر می‌شود و خارج از چارچوب پرونده هسته‌ای قرار دارد، لغو نکرده‌ایم. همانگونه که برای ایران و شرکای بین‌المللی خود تصریح کرده‌ایم، برجام بر تحریم‌های غیر هسته‌ای ما تأثیری نخواهد گذاشت. این تحریم‌ها تنها یک سری کلمه بر روی کاغذ نیستند. ما با تمام قدرت آن‌ها را اجرا می‌کنیم.

این تحریم‌ها ابزاری برای مجازات یا بروز سرخوردگی نیستند. هدف از این تحریم‌ها در کنار دیگر ابزار اعمال فشار بر ایران به منظور ایجاد تغییر در محاسبات راهبردی‌اش در زمینه حمایت از تروریسم و اقداماتی که به بی‌ثباتی منطقه منجر می‌شود، آزمایش موشک‌های بالستیک و رعایت حقوق بشر است - درست همانگونه که تحریم‌هایی که اکنون لغو شده‌اند، کمک کردند ایران در محاسبات خود در زمینه برنامه هسته‌ای تغییراتی ایجاد کند. و اگر ایران چنین تغییراتی را ایجاد کند در نتیجه این تحریم‌ها نیز سرانجام یک روز لغو خواهند شد. با وجود این ایران همچنان در مسیری حرکت می‌کند که حامی اصلی تروریسم محسوب می‌شود و در بی‌ثبات کردن منطقه نقش مهمی ایفا می‌کند. ایران در اختیار حزب‌الله، حکومت اسد و حوثی‌های یمن پول و سلاح قرار می‌دهد. این کشور همچنان به توسعه برنامه موشک‌های بالستیک خود ادامه می‌دهد، اقدامی که نقض شرط‌های شورای امنیت سازمان ملل است و ایران همچنان حقوق بشر را نادیده می‌گیرد. به لطف کنگره و رئیس جمهور ما تحریم‌هایی را که برای مقابله با اینگونه فعالیت‌ها ضروری است، در اختیار داشته‌ایم.

و من به‌عنوان فردی که وظیفه طراحی و اعمال تحریم‌ها بر ضد ایران را برعهده داشته است، می‌توانم به شما بگویم که قوانین موجود بسیار قدرتمندند. هر ایرانی یا فرد مرتبط با ایران که ما آن را تحریم کرده‌ایم و نام وی را در فهرست دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی قراردادهایم - یا در آینده نام وی را اضافه می‌کنیم - هدف تحریم‌های ثانویه‌اند. این یک تهدید جدی است. هر بانک خارجی که با چنین فردی تعامل داشته باشد احتمالاً با قطع کامل ارتباط با

نظام مالی آمریکا مواجه خواهد شد.
بر اساس نظام کنونی تحریم‌های آمریکا بیش از ۲۰۰ شخص حقیقی و شرکت مرتبط با ایران هدف تحریم‌های غیر هسته‌ای هستند. این گروه شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه قدس و شرکت‌های تابعه و مقامات ارشد آن‌ها می‌شود که همگی همچنان هدف تحریم‌های ما خواهند بود.
علاوه بر آن نام نهادهای دفاعی مهم ایران که بیشترین بخش فعالیت کشور در زمینه موشک‌های بالستیک بر عهده آنان بوده است، در این گروه قرار دارد. در حقیقت از زمان اجرای برجام، ما همچنان به اعمال تحریم بر ضد حامیان برنامه موشک‌های بالستیک ایران ادامه داده‌ایم. از زمان اجرای برجام ما همچنان تحریم‌هایی را که هدف آن فعالیت‌های ایران در زمینه حمایت از تروریست‌های نیابتی بوده است، اعمال کرده‌ایم. حزب‌الله یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها است.
در اواخر ژانویه ما یک شبکه حمایت مالی مهم حزب‌الله را که به منظور حمایت از فعالیت‌های تروریستی و آشوبگرانه حزب‌الله به پولشویی می‌پرداخت، تحریم کردیم.
و درست ماه گذشته ما قوانین تحریم‌های جدید را به منظور اجرای قانون منع حمایت مالی بین‌المللی از حزب‌الله - ۲۰۱۵ - منتشر کردیم. این قانون ابزار بیشتری در اختیار ما قرار می‌دهد تا برای نابودی شبکه‌های مالی حزب‌الله تلاش کنیم.
پس از سال‌ها تحریم اکنون حزب‌الله در بدترین شرایط مالی خود در چندین دهه اخیر قرار دارد. و من می‌توانم به شما و شرکای بین‌المللی‌مان اطمینان دهم که به شدت در تلاشیم تا مانع فعالیت‌های تجاری آن‌ها شویم. برجام هیچ تأثیری بر تلاش‌های ما در این زمینه نداشته است.
در نهایت اینکه ما درباره ماهیت تهدیدهای غیر هسته‌ای ایران هوشیاریم. ما همچنان با استفاده از ابزار مختلف ازجمله اعمال تحریم‌های موجود و طراحی هدف‌های جدید در صورت لزوم به مبارزه با این تهدیدها ادامه می‌دهیم.
نتیجه این‌که می‌خواهم تأکید کنم به لطف برجام ما اکنون با حذف تهدید هسته‌ای که ما، متحدان ما و جهان را ایمن‌تر ساخته است، می‌توانیم با چنین تهدیدهایی مقابله کنیم. من همچنین می‌خواهم به این کمیته اطمینان دهم که وزارت خزانه‌داری همچنان به همکاری نزدیک با کنگره خواهد پرداخت و ما تحریم‌های موجود را به منظور مقابله با فعالیت‌های غیر هسته‌ای ایران ادامه خواهیم داد و همانند سال‌های قبل از برجام در راستای تأمین اهداف امنیت ملی گام بر خواهیم داشت.[۱]

۱- ایران هسته‌ای، کد خبر: ۲۹۱۳



سند حزب جمهوری‌خواه امریکا: برجام تعهد شخصی اوباما است و برای رئیس جمهور بعدی الزام‌آور نیست.[۱]

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، حزب جمهوری‌خواه در اولین روز از نشست کنوانسیون ملی این حزب در روز سه شنبه، سند رسمی سیاست‌گذاری خود را تصویب کرد. این سند، به معرفی سیاست‌های رسمی حزب جمهوری‌خواه در موضوعات مختلف می‌پردازد.

سند «سیاست اعلام‌شده حزب جمهوری‌خواه ۲۰۱۶»[۲]، توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵ موسوم به «برجام» را «توافقی شخصی بین رئیس‌جمهور آمریکا و شریکان مذاکره‌کننده‌اش» خوانده و اجرای آن را برای رئیس‌جمهور بعدی این کشور غیرالزام‌آور دانست.

در یکی از سرفصل‌های این سند با عنوان «چالش‌های خاورمیانه در حال تغییر» آمده است: «خاورمیانه، اکنون نسبت به هر زمان دیگر از زمان جنگ جهانی دوم خطرناک‌تر است. روسای جمهور دو حزب، علی‌رغم اختلافاتشان، همواره منافع ملی آمریکا، اعتماد دولت‌های دوست و امنیت اسرائیل را در اولویت قرار داده‌اند».

در ادامه این سند درباره «برجام» آمده است: «ما، توافق دولت با ایران برای برداشتن تحریم‌های بین‌المللی و روانه کردن صدها میلیارد دلار پول به سمت ایران را توافقی شخصی بین رئیس‌جمهور و شریکان شخصی‌اش دانسته و آن را برای رئیس‌جمهور بعدی غیرالزام‌آور می‌دانیم».

سند سیاست‌گذاری جمهوری‌خواهان می‌افزاید که «برجام» بدون به دست آوردن تأیید دو سوم سنا، الزامات مربوط به «معاهده را ندارد».

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۲۹۰۰۱۶۳۸

2- -https://prod-static-ngop-pbl.s3.amazonaws.com/media/documents/DRAFT_12_FINAL%5b1%5d-ben_1468872234.pdf

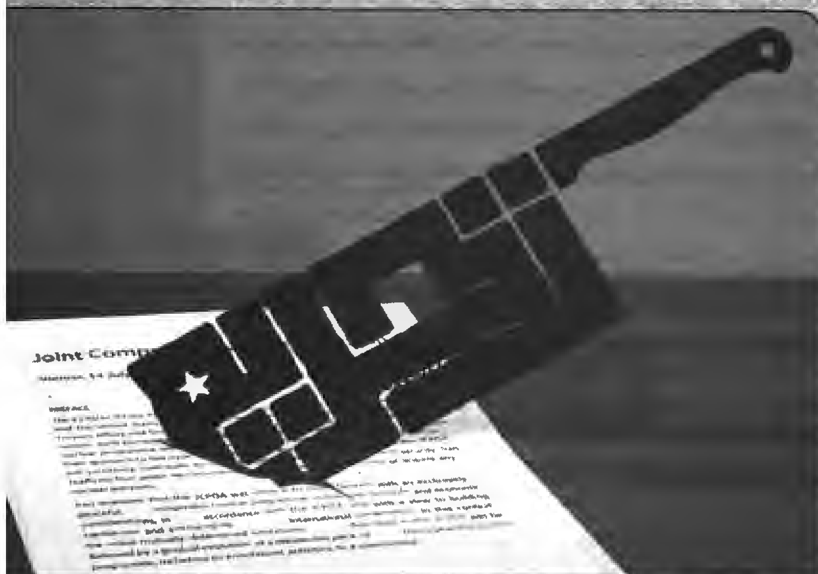
در این سند بعد از بیان اینکه رئیس‌جمهور بعدی آمریکا الزامی به اجرای «برجام» نخواهد داشت، آمده است: «باید همه گزینه‌ها را برای مقابله با وضعیتی که امنیت، منافع و بقاء دوستان ما را به صورت جدی تهدید کند، زنده نگاه داریم».

فصل پنجم: فرجامِ برجام

>> بخش اول: گذری بر روزهای پس از برجام

>> بخش دوم: برجام از فرازِ «آفتاب تابان» تا فرودِ «تقریباً هیچ»

>> بخش سوم: فهرست عهد شکنی ها و دشمنی های امریکا در پسابرجام



اشاره:

بالاخره پس از حدود دو سال و نیم مذاکره فشرده بین ایران و امریکا، برجام به‌عنوان محصول این مذاکرات ارائه شد و با طی فراز و نشیب‌های بسیاری به امضا رسید. اما چندی نگذشت که فرجام برجام خود را نه آنگونه که مدعیان ابراز می‌داشتند، نشان داد.

برجام به آینه‌ی تحلیل‌های تحلیل‌گرانی تبدیل شد که دو سال و نیم فریاد خیرخواهی و میهن‌دوستی و غیرت ملی و دینی سر می‌دادند. امریکا دقیقاً یک روز پس از تصویب برجام ایران را تحریم کرد و این آغازی از یک فرآیند از قبل پیش‌بینی شده بود. عهدشکنی امریکا، که موردتردید امریکا دوستان قرار داشت خود را زودتر از موعد به رخ کشید. فرجام برجام از روزهای پرفراز و نشیب پس از تصویب و اجرای برجام حکایت می‌کند. از تذکرات چندباره رهبری و نادیده گرفتن این تذکرات و خط قرمزها تا عهد شکنی‌های مکرر آمریکایی‌ها و سکوت ممتد و طولانی دولتمردان ایرانی.

پرونده‌ی این فصل یعنی «فرجام برجام» هنوز بسته نشده و شاید در ابتدای این فرجام قرارگرفته‌ایم. سال‌های سال طول خواهد کشید تا فهرست خسارت‌های بی‌شمار برجام خودنمایی کند. این فصل تنها آغازی از یک مسیر و فصل طولانی است.

خشت اول چون نهد معمار کج
تا ثریا می‌رود دیوار کج ...

فصل پنجم: فرجامِ برجام

بخش اول:

گذری بر روزهای پس از برجام

نامه رهبرانقلاب به رئیس جهمور پیرامون الزامات اجرای برجام[۱]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای روحانی

رئیس‌جمهور اسلامی ایران و رئیس شورای عالی امنیت ملی دامت توفیقاته

با سلام و تحیت،

اکنون که موافقتنامه‌ی موسوم به برجام پس از بررسی‌های دقیق و مسئولانه در مجلس شورای اسلامی؛ کمیسیون ویژه و دیگر کمیسیون‌ها و نیز در شورای عالی امنیت ملی سرانجام از مجاری قانونی عبور کرده و در انتظار اعلام نظر اینجانب است، لازم می‌دانم نکاتی را یادآور شوم تا جنابعالی و دیگر دست‌اندرکاران مستقیم و غیرمستقیم آن، فرصت‌های کافی برای رعایت و حفظ منافع ملی و مصالح عالیه‌ی کشور در اختیار داشته باشید.

۱- پیش از هر چیز لازم می‌دانم از همه‌ی دست‌اندرکاران این فرآیند پرچالش، در همه‌ی دوره‌ها

ازجمله: هیئت مذاکره کننده‌ی اخیر که در توضیح نقاط مثبت و در اصل تثبیت آن نقاط همه‌ی سعی ممکن خود را به کار بردند، و نیز از منتقدانی که با ریزبینی قابل تحسین، نقاط ضعف آن را به همه‌ی ما یادآور شدند و مخصوصاً از رئیس و اعضاء کمیسیون ویژه‌ی مجلس و نیز از اعضای عالی مقام شورای عالی امنیت ملی که با درج ملاحظات مهم خود برخی از نقاط خلاء را پوشش دادند، و سرانجام از رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با تصویب طرحی محتاطانه، راه درست اجرا را به دولت ارائه کردند، و نیز از رسانه‌ی ملی و نویسندگان مطبوعات کشور که با همه‌ی اختلاف نظرها در مجموع، تصویر کاملی از این موافقتنامه در برابر

۱- farsi.khamenei.ir، ۱۳۹۴/۷/۲۹، کد خبر: ۳۱۱۶۸

افکار عمومی نهادند، قدردانی خود را اعلام دارم. این مجموعه‌ی پر حجم کار و تلاش و فکر در مسئله‌ای که گمان می‌رود ازجمله‌ی مسائل به یاد ماندنی و عبرت‌آموز جمهوری اسلامی باشد، در خور تقدیر و مایه‌ی خرسندی است. به همین دلیل با اطمینان می‌توان گفت که پاداش الهی برای این نقش‌آفرینی‌های مسئولانه، مشتمل بر نصرت و رحمت و هدایت ذات حضرت حق خواهد بود ان‌شاءالله، زیرا وعده‌ی نصرت الهی در برابر نصرت دین او تخلف‌ناپذیر است.

۲- جنابعالی با سابقه‌ی چند دهه حضور در متن مسائل جمهوری اسلامی طبعاً دانسته‌اید که دولت ایالت امریکا در قضیه‌ی هسته‌ای و نه در هیچ مسئله‌ی دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصومت و اخلال در پیش نگرفته است و در آینده هم بعید است جز این روش عمل کند. اظهارات رئیس‌جمهور امریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداریش از فتنه‌های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله نظامی .و حتی هسته‌ای که می‌تواند به کیفر خواست مبسوطی علیه وی در دادگاه‌های بین‌المللی منتهی شود .پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت. صاحبنظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها به وضوح تشخیص می‌دهند که عامل این خصومت تمام‌نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. ایستادگی بر مواضع بر حق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده طلبی و دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف، افشای حمایت امریکا از دیکتاتوری‌های قرون وسطائی و سرکوب ملت‌های مستقل، دفاع بی‌وقفه از ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت میهنی، فریاد منطقی و دنیاپسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلم‌های عمده‌ای را تشکیل می‌دهند که دشمنی رژیم ایالات متحده امریکا را بر ضد جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب‌ناپذیر کرده است. و این دشمنی تا هنگامی که جمهوری اسلامی با قدرت درونی و پایدار خود، آنان را مأیوس کند ادامه خواهد داشت.

چگونگی رفتار و گفتار دولت امریکا در مسئله‌ی هسته‌ای و مذاکرات طولانی و ملال‌آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه‌های زنجیره‌ی دشمنی عنادآمیز آنان با جمهوری اسلامی است. فریبکاری آنان در دوگانگی میان اظهارات اولیه‌ی آنان که با نیت قبول مذاکره‌ی مستقیم از سوی ایران انجام می‌شد، با نقض عهدهای مکرّر آنان در طول مذاکرات دوساله و همراهی آنان با خواسته‌های رژیم صهیونیستی و دیپلماسی زورگویانه‌ی آنان در رابطه با دولت‌ها و مؤسسات اروپائی دخیل در مذاکرات، همه نشان‌دهنده‌ی آن است که ورود فریبکارانه‌ی آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نه با نیت حل و فصل عادلانه، که با غرض پیشبرد هدف‌های

خصمانه‌ی خود درباره‌ی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.
بی‌شک حفظ هوشیاری نسبت به نیّات خصمانه دولت آمریکا و ایستادگی‌هایی که بر اثر آن در طول مسیر مذاکرات از سوی مسئولان جمهوری اسلامی به کار رفت، توانست در موارد متعدّدی از ورود زیان‌های سنگین جلوگیری کند.
با این حال محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه به لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود.

۳- بندهای نه‌گانه قانون اخیر مجلس و ملاحظات ده‌گانه‌ی ذیل مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی، حاوی نکات مفید و مؤثر است که باید رعایت شود، با این حال برخی نکات لازم دیگر نیز هست که همراه با تأکید بر تعدادی از آنچه در آن دو سند آمده است، اعلام می‌گردد.
اولاً: از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرایی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک شود، که ازجمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور امریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتحادیه‌ی اروپا و رئیس‌جمهور امریکا باید تصریح شود که این تحریم‌ها به‌کلی برداشته‌شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر این‌که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله‌ی نقض برجام است.
ثانیاً: در سراسر دوره‌ی ۸ ساله وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (ازجمله بهانه‌های تکراری و خودساخته‌ی تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه‌ی مجلس اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.
ثالثاً: اقدامات مربوط به آنچه در دو بند بعدی آمده است، تنها هنگامی آغاز خواهد شد که آژانس پایان پرونده‌ی موضوعات حال و گذشته (pmd) را اعلام نماید.
رابعاً: اقدام در مورد نوسازی کارخانه‌ی اراک با حفظ هویت سنگین آن، تنها در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد قطعی و مطمئن درباره‌ی طرح جایگزین و تضمین کافی برای اجرای آن منعقد شده باشد.
خامساً: معامله‌ی اورانیوم غنی شده‌ی موجود در برابر کیک زرد با دولت خارجی در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد مطمئن دراین‌باره همراه با تضمین کافی منعقد شده باشد. معامله

و تبادل مزبور باید به تدریج و در دفعات متعدد باشد.
سادساً: مطابق مصوبه‌ی مجلس، طرح و تمهیدات لازم برای توسعه‌ی میان‌مدت صنعت انرژی اتمی که شامل روش پیشرفت در مقاطع مختلف از هم‌اکنون تا ۱۵ سال و منتهی به ۱۹۰ هزار سو است، تهیه و با دقت در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود. این طرح باید هرگونه نگرانی ناشی از برخی مطالب در ضمائم برجام را برطرف کند.
سابعاً: سازمان انرژی اتمی، تحقیق و توسعه در ابعاد مختلف را در مقام اجرا به‌گونه‌ای ساماندهی کند که در پایان دوره‌ی ۸ ساله هیچ کمبود فناوری برای ایجاد غنی‌سازی مورد قبول در برجام وجود نداشته باشد.
ثامناً: توجه شود که موارد ابهام سند برجام، تفسیر طرف مقابل مورد قبول نیست و مرجع، متن مذاکرات است.
تاسعاً: وجود پیچیدگی‌ها و ابهام‌ها در متن برجام و نیز گمان نقض عهد و تخلفات و فریبکاری در طرف مقابل بویژه امریکا، ایجاب می‌کند که یک هیئت قوی و آگاه و هوشمند برای رصد پیشرفت کارها و انجام تعهدات طرف مقابل و تحقق آنچه در بالا بدان تصریح شده است، تشکیل شود. ترکیب و وظائف این هیئت باید در شورای عالی امنیت ملی تعیین و تصویب شود.
با توجه به آنچه ذکر شد، مصوبه‌ی جلسه ۶۳۴ مورخ ۹۴/۵/۱۹ شورای عالی امنیت ملی با رعایت موارد یاد شده تأیید می‌شود.
در خاتمه همان‌طور که در جلسات متعدد به آن جناب و دیگر مسئولان دولتی یادآور شده و در جلسات عمومی به مردم عزیزمان گوشزد کرده‌ام، رفع تحریم‌ها هرچند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد. امید است که مراقبت شودّ که این مقصود با جدیت تمام دنبال شود و بخصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمائید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریم‌ها، به واردات بی‌رویه نینجامد، و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از امریکا جداً پرهیز شود.
توفیقات جنابعالی و دیگر دست‌اندرکاران را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای
۲۹ مهر ۱۳۹۴

پاسخ رهبرانقلاب به نامه رئیس جمهور درباره سرانجام مذاکرات هسته ای[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر روحانی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و تحیت،

خرسندی خود را از اینکه مقاومت ملت بزرگ ایران در برابر تحریم‌های ظالمانه و تلاش دانشمندان هسته‌ای در پیشبرد این صنعت مهم و کوشش خستگی‌ناپذیر مذاکره‌کنندگان، سرانجام طرف‌های مقابل را که برخی از آنان به دشمنی با ملت ایران شهره‌اند، وادار به عقب‌نشینی و رفع بخشی از آن تحریم‌های زورگویانه کرد، ابراز می‌دارم و از جنابعالی و هیئت مذاکره و شخص وزیر محترم و همه‌ی دست‌اندرکاران تشکر می‌کنم. عجالتاً نظر جنابعالی را معطوف می‌دارم به اینکه:

اولاً: مراقبت شود که طرف مقابل تعهدات خود را به‌طور کامل انجام دهد. اظهارات برخی از سیاستمداران آمریکائی در این دو سه روز کاملاً موجب بدگمانی است.

ثانیاً: به همه‌ی مسئولان دولتی تذکر داده شود که حلّ مشکلات اقتصادی کشور در گرو تلاش بی‌وقفه و خردمندانه در همه‌ی بخش‌ها در جهت اقتصاد مقاومتی است و رفع تحریم‌ها به تنهائی برای گشایش در اقتصاد کشور و معیشت مردم کافی نیست.

ثالثاً: در تبلیغات توجه شود که در برابر آنچه در این معامله به دست آمده، هزینه‌های سنگینی پرداخت شده است. نوشته‌ها و گفته‌هایی که سعی می‌کنند این حقیقت را نادیده گرفته و خود را ممنون طرف غربی وانمود کنند با افکار عمومی ملت، صادقانه رفتار نمی‌کنند.

۱- (http://farsi.khamenei.ir)، ۱۳۹۴/۱۰/۲۹، کد خبر: ۳۲۰۰۹

رابعاً: همین اندازه دستاورد نیز در برابر جبهه‌ی استکبار و زورگو، بر اثر مقاومت و ایستادگی به دست آمده است. این را باید همه‌ی ما درسی بزرگ برای همه‌ی قضایا و حوادث در جمهوری اسلامی بدانیم.

خامساً: بار دیگر تأکید می‌کنم که از خدعه و نقض عهد دولت‌های مستکبر بویژه آمریکا در این مسئله و دیگر مسائل غفلت نشود.

موفقیت جنابعالی و دیگر مسئولان کشور را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیّدعلی خامنه‌ای
۲۹ دی ۱۳۹۴

جدول خلاصه نامه مقام معظم رهبری

	خرسندی از عقب‌نشینی طرف‌های مقابل و رفع بخشی از تحریم‌های زورگویانه بر اثر مقاومت ملت ایران و تلاش دانشمندان هسته‌ای و کوشش مذاکره‌کنندگان
۱	مراقبت از انجام کامل تعهدات طرف مقابل
۲	حل مشکلات با اقتصاد مقاومتی و کافی نبودن رفع تحریم‌ها
۳	توجه به هزینه‌های سنگین این معامله
۴	دستاورد کنونی بر اثر مقاومت
۵	غفلت نکردن از خدعه و نقض عهد دولت‌های مستکبر بویژه آمریکا



تحلیل و بررسی نکات نامه مقام معظم رهبری پیرامون برجام

■ حسین ایزدی
نویسنده و پژوهشگر

مقام معظم رهبری پیرامون برجام دو نامه مهم و تاریخی صادر فرمودند. نامه‌هایی که حاوی نکات فراوانی برای اهل نظر است. اشارات و تنبیهات رهبری در این نامه‌ها نیازمند تحلیل و رمز گشایی است. در مدتی که مذاکرات هسته‌ای در جریان بود، عده‌ای کوشیدند تا با ارائه آدرس غلط، همه هزینه مذاکرات و تصمیمات اشتباه در آن را به پای رهبری بنویسند. ازاین‌روی بارها گفته شد که رهبری در جریان جزئیات مذاکرات هسته‌ای است تا این مطلب به جامعه القا شود که هر تصمیم درست و غلطی که گرفته می‌شود بر اساس نظر رهبری و تصمیم ایشان بوده است.

در مقابل این فریب کاری، رهبری معظم بارها تأکید کردند که در جزئیات مذاکرات هیچ دخالتی ندارند و حتی در طول این مدت دفتر رهبری دو تکذیبیه در باب انتسابات غلط به بیت رهبری پیرامون دخالت در جریان مذاکرات صادر کرد.

تحلیل و بررسی دقیق نکات رهبری فرزانه انقلاب در این نامه‌ها نشان می‌دهد ایشان نه‌تنها برجام را یک فتح الفتوح و پیروزی تاریخی نمی‌دانند که بر نقاط ضعف بسیار آن نیز تأکید دارند. این نامه نشان می‌دهد آدرسی که به جامعه داده می‌شد، آدرس غلط بود تا هزینه اشتباهات دولت به پای رهبری نوشته شود.

به هر روی تاریخ درباره آنچه این روزها در ایران رخ داد، قضاوت خواهد کرد؛ ما در اینجا تنها به بررسی برخی از کلیدی‌ترین نکات نامه مقام معظم رهبری می‌پردازیم، رمزگشایی از خط به خط این نامه نیازمند مجالی دیگر است.

تأیید برجام با ۲۸ شرط

مقام معظم رهبری در ابتدای تذکرات و شروط پذیرش برجام می‌نویسند:

«بندهای نه‌گانه قانون اخیر مجلس و ملاحظات ده‌گانه‌ی ذیل مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی، حاوی نکات مفید و مؤثر است که باید رعایت شود، با این حال برخی نکات لازم دیگر نیز هست که همراه با تأکید بر تعدادی از آنچه در آن دو سند آمده است، اعلام می‌گردد.»

مقام معظم رهبری در این نامه، برجام را عملاً به ۲۸ شرط مقید می‌کنند. هرچند در متن نامه با ۹ شرط صریح از سوی ایشان مواجه هستیم، اما در بخشی دیگر، موافقت با برجام را مشروط به رعایت مصوبات شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی پیرامون برجام می‌شمارند، که با توجه به تعداد نکات و شروط مطرح شده در این دو مصوبه، مجموع شروط به ۲۸ شرط می‌رسد. پذیرش برجام با این تعداد شرط گویای نقصان‌های متعدد و کاستی‌های فراوان این موافقت‌نامه است.

عدم تبریک برجام و عدم پیروزی خواندن آن

نیم نگاهی به نحوه مواجهه مقام معظم رهبری با رویدادهای مهم و بزرگ و پیروزی‌های ملی در سطوح گوناگون نشان می‌دهد روش برخورد ایشان با امری که پیروزی و دستاورد واقعی شمرده می‌شود، بسیار گرم و صمیمی و سریع و به هنگام است. برای مثال در پیروزی‌های ورزشی در میادین بین‌المللی در رشته‌های گوناگونی چون والیبال، فوتبال، کشتی و ... که ایران به مقام قهرمانی جهان دست می‌یابد، پیام تبریک رهبری در ساعات اولیه دست‌یابی به این موفقیت «حتی اگر در ساعات پایانی شب باشد» صادر می‌شود.

در مثالی دیگر می‌توان به مواجهه ایشان با فرماندهان و سربازان نیروی دریایی سپاه پاسداران پس دستگیری متجاوزان آمریکایی به مرزهای آبی کشور اشاره کرد که به سرعت این فرماندهان و سربازان را به حضور پذیرفته و مورد تفقد قراردادند و به فرمانده نیروی دریایی سپاه نشان «فتح» اهدا فرمودند. این نوع برخورد سریع و صمیمی، نشان از جایگاه واقعی آن اتفاق در نگاه ایشان دارد. ایشان ایستادگی در برابر دشمن متجاوز و اقدام مقتدرانه را فتح و پیروزی می‌شمارند.

اما در مواجهه با توافقنامه ژنو، برجام و روز اجرای برجام نه‌تنها پیامی صادر نفرمودند که حتی پس از اقدام رئیس‌جمهور به نامه‌نگاری و تلاش وی برای گرفتن پیام تبریک از رهبری، به پیام‌هایی ساده، فاقد تعبیر (پیروزی و فتح خواندن توافق‌ها) و سرشار از هشدار و انذار از

امریکا، اکتفا کردند. مقایسه‌ی این دو نوع مواجهه با مسئله نشان می‌دهد از نظر رهبری، برجام یک فتح و پیروزی تاریخی نیست، بلکه به تعبیر ایشان رویدادی است که اگر از آن مراقبت نشود، موجب خسارت‌های بزرگ برای امروز و آینده کشور خواهد شد.

به رسمیت شناختن منتقدین برجام و تقدیر از آن‌ها

یکی از رویدادهای نادر و خلاف اخلاق سیاسی در دولت یازدهم برخوردهای قهری و شدید با منتقدین دولت در حوزه‌های گوناگون ازجمله مسئله مذاکرات هسته‌ای بود. رئیس‌جمهور بارها با ادبیات نامناسب منتقدین را مورد هجمه و حمله قرارداد. این رفتار و ادبیات آنقدر غیر طبیعی و خلاف اخلاق بود که با واکنش چهره‌های نزدیک به دولت نیز مواجه شد و رهبری نیز بارها با کنایه و گاه تصریح از این نوع رفتار انتقاد کردند.

باهمه‌ی سخت‌گیری‌ها و هجمه‌های دولت به منتقدین که دلسوز انقلاب و منافع ملی بودند، رهبری در جملات آغازین نامه خود از منتقدین تقدیر و تشکر می‌کنند و همان‌گونه که در سخنرانی ابتدای سال ۹۴ در حرم مطهر رضوی فرمودند: «دلواپس بودن جرم نیست»، این بار نیز جریان منتقد را به رسمیت شناختند. این موضع‌گیری آشکار، جلوی دوگانه سازی دولت در فضای مذاکرات را می‌گیرد؛ دوگانه‌ای که می‌کوشد جامعه را به موافق و مخالف برجام تقسیم کند.

تعبیر (مسئله عبرت‌آموز) درباره برجام

«این مجموعه‌ی پر حجم کار و تلاش و فکر در مسئله‌ای که گمان می‌رود ازجمله‌ی مسائل به یاد ماندنی و عبرت‌آموز جمهوری اسلامی باشد...»

همانطور که اشاره شد، رهبری نه‌تنها برجام را یک دستاورد و پیروزی مهم تاریخی قلمداد نکردند که از آن به مسئله‌ای «عبرت‌آموز» در تاریخ سیاسی کشور یاد کردند. مسئله‌ی عبرت‌آموز به امری می‌گویند که در آن درس‌ها و نکته‌هایی وجود دارد که رعایت آن‌ها، انسان را از گرفتار شدن در مشکلات و چالش‌ها نجات می‌دهد. گویا این نوع مسئله، تجربه‌ای عینی از یک تصمیم یا روند اشتباه است که باید از آن درس گرفت و دوباره گرفتار آن نشد. ایشان در این باره فرمودند:

«یک تجربه‌ای ما در مذاکرات هسته‌ای پیدا کردیم؛ این تجربه را نباید فراموش کنیم. این تجربه این است که اگر ما تنازل هم بکنیم، آمریکا دست از نقش مخرّب خودش

برنمی‌دارد؛ این را ما در مذاکرات هسته‌ای تجربه کردیم.»[۱]

عبرت‌های مذاکرات هسته‌ای در سخنرانی‌های گوناگون رهبری مورد اشاره قرار گرفتند؛ ازجمله اینکه:

- مسئله‌ی هسته‌ای برای امریکا بهانه است، آن‌ها به دنبال ضربه زدن به اصل نظام هستند.
- با حل مسئله‌ی هسته‌ای مشکلات ما با امریکا پایان نمی‌یابد و آن‌ها نقشه‌های جدیدی را شروع می‌کنند.
- هر ملتی به امریکا اعتماد کرد، ضربه خورد. نباید از رهگذر مذاکرات هسته‌ای باب اعتماد به امریکا گشوده شود.
- امریکا اهل خدعه و نیرنگ و دروغ و فریب است و نباید از مکر او غافل شد.
- راه‌حل مشکلات کشور در نیویورک و لوزان و ژنو نیست، راه‌حل در داخل کشور است.
- نباید برای حل مشکلات به آن سوی مرزها امید بست، باید به تقویت درونی و استحکام درونی پرداخت.
- رمز پیروزی ملت در تغییر سیاست خارجی نیست، بلکه در تلاش و کوشش و امید و توکل به خدای متعال و امید داشتن به نصرت الهی است.
- باید در برابر دشمن استوار و محکم ایستاد و به لبخند او امیدوار نشد. اعتماد به دشمن، موجب خسارت‌های بزرگ است.

در برجام ده‌ها درس و عبرت نهفته است که تاریخ آن‌ها را بازگو خواهد کرد و نسل‌های بعدازآن درس خواهند گرفت.

نکات راهبردی درباره نسبت خصمانه امریکا با ایران

مقام معظم رهبری در اولین تذکر و نکته درباره برجام به بررسی ماهیت امریکا و تذکر نسبت به آن می‌پردازند. اساساً تذکر در جایی صورت می‌گیرد که امکان غفلت و فراموشی وجود داشته باشد، ایشان در تذکری راهبردی پیرامون امریکا به چند نکته مهم اشاره می‌کنند:

- دولت ایالت امریکا در قضیه‌ی هسته‌ای و نه در هیچ مسئله‌ی دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصومت و اخلال در پیش نگرفته است.
- ورود فریبکارانه‌ی آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نه با نیت حل و فصل عادلانه، که با غرض پیشبرد هدف‌های خصمانه‌ی خود درباره‌ی جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

۱- بیانات در حرم مطهر امام خمینی (ره)، ۱۴/ ۳/ ۱۳۹۵

- امریکا همواره در پی براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است و در فتنه ۸۸ از مخالفین حمایت می‌کرد.
- عامل اصلی دشمنی امریکا با ایران، ایستادگی در برابر نظام سلطه و حمایت از جریان مقاومت و مظلومان عالم است.
- امریکا اهل دروغ و فریبکاری و نقض عهد است. باید مراقبت دشمنی‌های دشمن و نقض عهدهای او بود.

از همه این موارد چنین می‌توان نتیجه گرفت که رهبری با توجه به خوش‌بینی‌های دولت به امریکا و رفتار نامناسب مسئولان سیاست خارجی در مواجهه با مسئولان آمریکایی، برای چندمین بار به ماهیت واقعی و خباثت آلود امریکا اشاره می‌کنند و دولت را از اعتماد و خوش‌بینی به امریکا بر حذر می‌دارند. در شرایطی که دولت بارها و بارها به ارسال پیام‌های مثبت به امریکا اقدام نموده و تلاش‌هایی در زمینه قبح زدایی از ارتباط با امریکا انجام داده است. مسئولین دولت بارها در سخنان خود به پایان خصومت با امریکا و ایجاد فصل جدیدی از تعامل با آن‌ها سخن گفته‌اند. تا جایی که رئیس‌جمهور در سخنانی عجیب رئیس‌جمهور امریکا را فردی مؤدب و باهوش خواند و با عبور از خط قرمز نظام با وی گفتگوی تلفنی انجام داد و نیز وزیر خارجه با اوباما دست داد. همه این رفتارها و اظهارات نشان از رویکردی دیگر در عرصه سیاست خارجی دارد که رهبری در اولین بند از نکات خود برای چندمین بار ایشان را از اعتماد به امریکا بر حذر می‌دارند.

پذیرش برجام با چندین شرط، گویای نقص عملکرد مجلس شورای اسلامی و شخص «علی لاریجانی»

یکی از مهم‌ترین نکات درباره نامه مقام معظم رهبری که از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ اینکه اساساً چرا پس از بررسی‌های فراوان برجام در شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی و نیز ادعای دولت مبنی بر کارشناسی بودن متن برجام، بازهم رهبری مجبور به تذکر نقاط ضعف برجام و قرار دادن شروطی برای اجرای آن می‌شوند؟

آیا اگر برجام متنی بی‌نقص و متناسب با خطوط قرمز رهبری بود و یا اگر شورای عالی امنیت ملی و مجلس با دقت کافی و رعایت همه جوانب برجام را بررسی و نقص‌های آن را تذکر می‌دادند، بازهم لازم بود رهبری به تذکر نقص‌های آن بپردازند؟

با توجه به رویدادهای ناگواری که در فرآیند تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی پیش آمد و نیز با توجه به رفتار عجیب و خلاف اخلاق و قانون رئیس مجلس شورای اسلامی «علی

لاریجانی» در مسیر تصویب ۲۰ دقیقه‌ای برجام، اهمیت ندادن به نظر کمیسیون تخصصی بررسی برجام، ابراز ادعاهایی مبنی بر هماهنگی با بیت رهبری در تصویب برجام (که بلافاصله با تکذیبیه رسمی دفتر رهبری مواجه شد) می‌توان نتیجه گرفت، این نامه و شروط مطرح در آن، نشانه‌ای از کم کاری مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی است.
حرکت ناپسند و غیر اخلاقی «علی لاریجانی» و تیم وی در مجلس شورای اسلامی و القای اینکه تصویب برجام، تصمیم نظام و محصول جلسه با یکی از اعضای ارشد بیت رهبری است، موجب مهندسی افکار نمایندگان و ایجاد حجت شرعی برای تعداد زیادی از آن‌ها گردید تا با آن مخالفتی نکرده و به تصویب آن رأی موافق بدهند. اتفاقی که با تکذیبیه رسمی دفتر رهبری و بعدها با سؤال مستقیم افراد موثق از شخص «حجة‌الاسلام سید اصغر حجازی» کذب آن روشن گردید. با اینکه رهبری معظم انقلاب صریحاً فرمودند «بنده هیچ توصیه‌ای به مجلس درباره برجام ندارم»، خلاف واقع بودن این انتساب نمایان است. چگونه می‌توان پذیرفت رئیس یکی از قوای سه‌گانه‌ی کشور منافع ملی را این گونه نادیده بگیرد؟ هرچند این رفتارها از «علی لاریجانی» تازه نبوده و وی در جریان دیدار با «حسنی مبارک» رئیس جمهور سابق مصر نیز به این حربه تمسک جست و دیدار خود را به گردن بیت رهبری انداخت تا از زیر بار این اشتباه شانه خالی کند.

وصف (محتاطانه) برای مصوبه مجلس درباره برجام

برای یک مصوبه تاریخی و مهم در مجلس شورای اسلامی می‌توان وصف‌های گوناگونی را تصور کرد. وصف شجاعانه، مقتدرانه، عزتمندانه، کارشناسانه، عاقلانه و ده‌ها وصف مثبت و تحسین برانگیز دیگر. اما رهبری معظم از بین همه‌ی اوصاف، وصف محتاطانه را برای این مصوبه برگزیدند. وصفی که نشان می‌دهد جسارت و شجاعت و اقتدار لازم در این تصمیم‌گیری رعایت نشده است. وصفی که نشان می‌دهد مجلس مسیر مصلحت اندیشی و احتیاط را در پیش‌گرفته است، نه راهی که بهترین راه و شجاعانه‌ترین راه ممکن بوده است. عمل محتاطانه، در مقابل عمل قاطع و شجاعانه قرار دارد. عملی محتاطانه است که با مصلحت اندیشی کاذب و منفعت‌گرایی همراه است.

تأکید و تصریح به ضعیف و غیر مطلوب بودن برجام

در بخشی از نامه رهبری معظم آمده است:
«با این حال محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است دچار نقاط ابهام و

ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه به لحظه، می‌توانند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود.»

علاوه بر این‌که جای جای این نامه نشان از نقص‌های برجام است، رهبری معظم انقلاب در چند فراز صریحاً از تعابیری که نشان‌دهنده نامطلوب بودن برجام است، سخن می‌گویند. نقص‌هایی که پیش‌تر به‌عنوان خطوط قرمز مذاکرات بیان شده بودند و اکنون با عدم رعایت آن‌ها برای چندمین بار مورد تأکید و تذکر ایشان قرار می‌گیرند. یکی از خطوط قرمز، غیر قابل تفسیر بودن متن و عدم استفاده از عبارات مبهم در برجام بود ولی با این حال رهبری در دو جای نامه این توافق را «دارای نقاط ابهام فراوان» و «پیچیدگی‌ها و ابهام» می‌دانند.

از این مهم‌تر تعبیر دیگری است که برجام را دارای «ضعف ساختاری» می‌شمارد. ضعف ساختاری دارای معنای دقیق و دردناکی است. ضعف ساختاری یعنی خانه از پای‌بست ویران است. ضعف گاهی در ناحیه‌ی عوارض و لواحق و جزئیات است و گاه در ریشه و اساس و بنیان. ضعف ساختاری ضعفی است که مربوط به بنیان و ریشه‌ی یک امر می‌شود. رهبری برجام را دارای ضعف ساختاری می‌دانند که از اساس، بنای ضعیفی است.

توافقی که دارای خلأهای فنی و حقوقی متعدد و فاقد بسیاری از ملاحظات کارشناسی هست، توافقی که بر اساس رویکرد اعتماد به غرب و امریکا صورت پذیرفته و حتی بر اساس گفته‌های وزیر خارجه از مشاوره کارشناسان آمریکایی در آن بهره برده شده است، توافقی که اصل را در رسیدن به توافق می‌داند، و برای رسیدن به توافق گاه از خطوط قرمز نظام عبور می‌کند، توافقی که توافق بد را بهتر از عدم توافق می‌داند، چنین توافقی دارای ضعف ساختاری است. زیرا رویکردهای منتهی به تولید چنین توافقی خطرناک و غیر قابل اعتمادند.

تعبیر دیگری که نتیجه ضعف در ساختار این توافق است، اشاره به این امر است که برجام در صورت عدم مراقبت، موجب خسارت‌های بزرگ برای حال و آینده کشور است. توافقی که از آن خوف ضررهای بزرگ می‌رود، چگونه توافقی است؟ آیا چنین توافقی یک افتخار و پیروزی و فتح المبین است؟

برجام و خطرواردات بی‌رویه و غفلت از اقتصاد مقاومتی

رهبری در بخشی از نامه اول پیرامون برجام می‌نویسند:

«رفع تحریم‌ها هرچند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد. امید است که مراقبت شود که این

مقصود با جدیت تمام دنبال شود و بخصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریم‌ها، به واردات بی‌رویه نینجامد. و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از امریکا جداً پرهیز شود.»

همچنین در بخشی از نامه دوم چنین می‌نویسند:

«به همه‌ی مسئولان دولتی تذکر داده شود که حلّ مشکلات اقتصادی کشور در گرو تلاش بی‌وقفه و خردمندانه در همه‌ی بخش‌ها در جهت اقتصاد مقاومتی است و رفع تحریم‌ها به تنهائی برای گشایش در اقتصاد کشور و معیشت مردم کافی نیست.»

پس از گذشت بیش از دو سال از عمر دولت یازدهم و گره زدن همه مشکلات کشور از آلودگی هوا و آب و اشتغال و بیکاری و مسکن و رونق اقتصادی و... به تحریم‌ها، و نیز عدم اقدامی جدی از سوی دولت در زمینه اقتصادی، این فرضیه به یقین نزدیک شد که دولت برنامه‌ای ایجابی و جدی برای رونق اقتصادی در کشور ندارد و همه امید خود را در رفع تحریم‌ها و نتایج مذاکرات هسته‌ای می‌داند. رهبری انقلاب اسلامی طی دو سال و نیم اخیر بارها و بارها درباره ضرورت اهتمام به اجرای اقتصاد مقاومتی سخن گفتند و حتی به‌طور صریح از عدم اهتمام دولت به اقتصاد مقاومتی انتقاد کردند.

همه‌ی این موارد نشان می‌دهد دولت با رفع تحریم‌ها و عقد قراردادهای متعدد با کشورهای اروپایی، سیل واردات بی‌رویه‌ی کالا به کشور را رقم زده و اقتصاد داخلی را با شوک بزرگ واردات روبرو خواهد کرد. رویداد نامبارکی که به نابودی تولید ملی و از بین رفتن توان تولید کننده داخلی می‌انجامد. رهبری معظم انقلاب با پیش‌بینی دقیق این مسئله، در فرازی از نامه به این امر مهم تذکر داده‌اند. هرچند این نکته نیز مانند ده‌ها مورد دیگر و مانند خطوط قرمز صریح رهبری در باب مذاکرات هسته‌ای نادیده گرفته شده و زیر پا گذاشته شد.

متأسفانه آمارهای موجود پس از برجام نشان از تصمیم‌های غیر کارشناسی دارد. قرارداد با شرکت هواپیمایی «ایرباس» که سه بار در سخنرانی‌های عمومی رهبری مورد انتقاد صریح قرار گرفت. از سوی دیگر ۲۵ برابر شدن واردات کالا از امریکا پس از برجام یکی دیگر از رویدادهای دردناک در این دوران بود. با اینکه رهبری انقلاب در نامه‌ی خود تصریح می‌کنند:

«و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از امریکا جداً پرهیز شود.»

عوامل واقعی موفقیت نسبی در رسیدن به دستاوردهای حداقلی برجام

مقام معظم رهبری در بخشی از نامه خود می‌نویسند:

«همین اندازه دستاورد نیز در برابر جبهه‌ی استکبار و زورگو، بر اثر مقاومت و ایستادگی

به دست آمده است. این را باید همه‌ی ما درسی بزرگ برای همه‌ی قضایا و حوادث در جمهوری اسلامی بدانیم.»

پس از امضای برجام و فتح الفتوح خواندن آن از سوی دولت، این رویداد «و از منظر دولت این موفقیت تاریخی» محصول تلاش دیپلماتیک و رویکرد خاص دولت در سیاست خارجی معرفی گردید. رویکردی که حتی با دشمن بازی برد - برد انجام می‌دهد و دستِ دوستی به سمت دشمن دراز می‌کند و کدخدا بودن او را به رسمیت می‌شناسد. سیاست خارجی‌ای که در آن خبر چندانی از مکتب فکری امام خمینی (ره) نیست و بنابراین امکان دارد در عین اینکه دشمن شما را تهدید به حمله نظامی می‌کند، شما با او دست بدهید و عکس یادگاری گرفته و حتی بالاتر از این او را مؤدب و باهوش بخوانید. سیاست خارجی‌ای که تا مرزهای سازش با دشمن پیش می‌رود و حاضر است برای خوش آمد او، گاهی از حرف‌های مکتبی خود فاصله بگیرد. دولت اصرار دارد که ما زبان گفتگو با دنیا را می‌دانیم و از همین مسیر به توافق تاریخی هسته‌ای دست پیدا کردیم.

اما حقیقت چیز دیگری است. همین موفقیت اجمالی و نسبی در برجام از منظر مقام معظم رهبری، محصول مقاومت و ایستادگی و پایداری مردم و تلاش‌های مجاهدانه دانشمندان هسته‌ای ایران و اعتقاد به «ما می‌توانیم» بوده است. اگر تحمل تحریم‌ها از سوی مردم نبود، اگر موفقیت‌های پی در پی مجاهدان در جبهه مقاومت و دستاوردهای بی‌نظیر در سوریه و یمن و عراق نبود، اگر تلاش دانشمندان انقلابی در بومی کردن دانش هسته‌ای نبود، هیچ‌گاه دشمن حاضر نمی‌شد از در گفتگو با ایران وارد شود. اگر در دولت قبل در برابر تهدیدها، ایستادگی نمی‌شد و سرمایه‌ی دستیابی به ۱۹ هزار سانتریفیوژ، ذخایر عظیم اورانیوم غنی شده، تکمیل رآکتور اراک، بومی‌سازی دانش هسته‌ای و دست‌یابی به غنی‌سازی ۲۰ درصد نبود، اساساً این دولت و تیم مذاکره کننده با کدام سرمایه و توانمندی می‌توانست گام در مسیر مذاکره بگذارد؟ آیا معامله‌ی ناموازن و غیر معقول دستاوردها و سرمایه‌های ملی، فتح الفتوح است؟ آیا بر سر سفره‌ی ایستادگی‌ها و مجاهدت‌های دیگران نشستن و ژست گرفتن، افتخار است؟

مؤلفه‌های قدرت ملی ایران، در رویکرد انقلابی و اسلامی و مکتبی آن است، نه روحیه دشمن دوستی و مدارا و پرهیز از مبانی مکتبی.

پرداخت هزینه‌های سنگین برای رسیدن به برجام

رهبری معظم در بخشی از نامه دوم چنین می‌آورند:

«در تبلیغات توجه شود که در برابر آنچه در این معامله به دست آمده، هزینه‌های

سنگینی پرداخت شده است. نوشته‌ها و گفته‌هایی که سعی می‌کنند این حقیقت را نادیده گرفته و خود را ممنون طرف غربی وانمود کنند با افکار عمومی ملت، صادقانه رفتار نمی‌کنند.»

متأسفانه در مسیر مذاکرات دو ساله هسته‌ای در دولت یازدهم، علی‌رغم تذکرات مکرر رهبری، واقعیت‌های بسیاری از مردم پنهان داشته شد تا جایی که مذاکرات از ابتدا محرمانه معرفی شده و حتی مجلس شورای اسلامی و کمیسیون امنیت ملی نیز از آن بی‌اطلاع بودند. همین امر موجب شد نقاط خلأ و نقص این توافق تا مدتی دور از چشم مردم و کارشناسان نگه داشته شود؛ تا بتوانند آن را یک دستاورد بزرگ تاریخی و فتح الفتوح بنامند. این رویکرد موجب شد هزینه‌هایی که ایران برای رسیدن به برجام پرداخت کرده است، بیان نشود.

نتیجه‌ی این رویکرد این می‌شود که مردم گمان خواهند کرد، غرب تنها از روی خیرخواهی و روحیه حق‌طلبی و لطف، با پذیرش حقوق ملت ایران موافقت کرده است و ایران بدون کمترین هزینه‌ای موفق به رفع تحریم‌ها شده است. این نتیجه‌گیری غلط مورد نکوهش و تذکر رهبری معظم انقلاب قرارگرفته است. زیرا کسی نمی‌داند برجام و از دست رفتن سرمایه‌های ایران یعنی چه؟ کسی نمی‌داند ما برای رسیدن به برجام چه هزینه‌های سنگینی پرداخت کرده‌ایم، ازجمله:

- پذیرش محدودیت‌های ۸، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵ ساله و برخی محدودیت‌های مادام العمری
- پذیرش رژیم بازرسی‌های فوق العاده و خاص از صنعت هسته‌ای کشور
- پذیرش محدودیت‌هایی در عرصه تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای
- تعلیق بیش از ۱۴ هزار سانتریفیوژ از ۱۹ هزار سانتریفیوژ صنعت هسته‌ای
- تعلیق و حتی تعطیل فعالیت غنی‌سازی در سایت هسته‌ای فردو
- ممنوعیت غنی‌سازی بالای ۳/۵ درصد تا چندین سال
- ممنوعیت به کارگیری نسل‌هایّ جدید سانتریفیوژ تا چندین سال
- خارج کردن قلب رأکتور اراک
- از بین بردن ۹۸ درصد ذخایر اورانیوم غنی شده ایران
- و پذیرش ده‌ها مورد محدودیت دیگر

واقعیت برجام بسیار فراتر از چیزی است که امروز ادعا می‌شود. پس بنابر گفته رهبری نباید در معرفی برجام خط تبلیغی غیر واقعی را در پیش گرفت، چراکه دانستن حق مردم است.

تذکرات کلیدی درباره ضعف‌های فنی متن برجام

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نامه رهبری شروط ۹ گانه برای پذیرش برجام است. شروطی که از نقاط ضعف در زوایای گوناگون برجام حکایت دارد. نکاتی که نشان می‌دهد برجام آنقدرها هم که گفته می‌شود قوی و فنی و کارشناسی نبوده و در آن تضمین‌های کافی و قوی و قابل اعتماد وجود ندارد. نکاتی که برخی از آن‌ها بارها در تذکرات و سخنرانی‌های عمومی رهبری به‌عنوان خطوط قرمز مذاکرات بیان شده بود ولی به دلیل نادیده گرفته شدن دوباره مورد تأکید و تکرار قرار می‌گیرد.

این شروط نشان می‌دهد اولاً رهبری به خلاف تبلیغات با همه زوایای برجام و به عبارتی با وضع کنونی برجام موافق نیستند، یعنی برجام بدون این شروط را قبول ندارند. ثانیاً از بسیاری از خطوط قرمز خود نیز کوتاه نیامده‌اند و در آخرین لحظات تصویب برجام بر آن‌ها تأکید می‌کنند.

شرح و بسط هر یک از این شروط و علت‌یابی بیان آن‌ها از سوی رهبری مجالی دیگر می‌طلبد ولی بی‌تردید با خواندن دست کم یکی از مقالات در نقد برجام «در همین کتاب» می‌توان به نقاط ضعف جدی برجام و علت تذکرات مهم رهبری پی برد.



بررسی گزارش آژانس انرژی اتمی درباره PMD [1]

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود نبویان
نماینده تهران در دوره هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی

گزارش اخیر آمانو دبیرکل آژانس انرژی اتمی در خصوص پرونده ابعاد احتمالی نظامی ایران PMD و پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام و اتهاماتی که در آن به ایران وارد شد، دلیلی بود تا به گفت‌وگو با روحانی برجسته سیاسی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود نبویان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بپردازیم. دکتر نبویان در این گفت‌وگو به تحلیل جامع بندهای مهم و اساسی این گزارش و پیش‌نویس پرداخته است که مشروح آن را در از نظر می‌گذرانید:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

می‌خواهم در مورد پیش‌نویس قطعنامه و قبل از آن درباره گزارش دبیر کل آژانس اتمی در خصوص PMD و نکاتی که در آن هست تذکراتی بدهم.

یکی از چیزهای مهمی که مردم عزیز ما باید به آن توجه کنند این است که مطابق ماده ۴ NPT هر کشوری صاحب صنعت هسته‌ای حق دارد به هر میزان و هر درصدی که می‌خواهد به غنی‌سازی اورانیوم به شرط صلح‌آمیز بودن بپردازد، دشمنان ما از اول برای اینکه صنعت هسته‌ای کشور را از دست ما بگیرند، ادعا کردند که ایران انحراف به سمت نظامی داشته؛ بنابراین حق داشتن صنعت هسته‌ای را ندارد. آن‌ها برای رسیدن به اهدافشان چاره‌ای نداشتند جز اینکه این دروغ رو نسبت به نظام جمهوری اسلامی داشته باشند. ۱۲ سال است که علیه ایران پرونده‌ای به‌صورت جدی مطرح شده و تمامی حرف‌های آن‌ها این است که

۱-رجانیوز، گفت‌وگو از مصطفی ظاهری، تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۲۴، کد خبر: ۲۲۹۶۸۵

برنامه هسته‌ای ایران در زمان دولت اصلاحات و قبل از آن به سمت نظامی انحراف داشته است.

آقای روحانی که در سال ۸۲ مسئول رسیدگی پرونده هسته‌ای ایران شد در کتاب خودش امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای در صفحات ۶۱۴ و ۶۲۰ می‌گوید: از موفقیت‌های من در آن دو سال مسئولیت ۸۲ تا ۸۴ این است که برای آژانس و دنیا اثبات کردم که این حرف دروغ است. ما انحرافی به سمت نظامی نداشته‌ایم. همچنین ایشان در بند ۵ صفحه ۶۰۷ و پاراگراف دوم صفحه ۵۷۲ اشاره می‌کند که کار به اینجا رسید که شورایِ حکام در قطعنامه نوامبر ۲۰۰۴ یعنی آبان ۱۳۸۳ آورده است که برنامه هسته‌ای ایران مطلقاً به سمت نظامی انحراف نداشته است.

این جزء موفقیت‌هاست. درست هم هست. آقای روحانی انجام داده است. الان در ژنو، لوزان، وین آقای روحانی، آقای ظریف، آقای عراقچی رفتند و این همه عقب‌نشینی کردند و بیش از ۹۰ درصد صنعت هسته‌ای کشور را تعطیل کردند و طرف مقابل نقشه راه طراحی کرد، بازدید از پارچین را خواستند و در اختیارشان قرار گرفت و دوباره بعد از ۱۰ سال و پس از این همه عقب‌نشینی و سابقه آژانس در گزارشی که برای شورای حکام در خصوص مسائل حال و گذشته PMD تهیه می‌کند بیش از ده‌ها مورد ایران را متهم به دروغگویی کرده که اطلاعات غلط به آژانس داده، پنهان کاری کرده، به دنبال فعالیت‌های نظامی هسته‌ای بوده است. من بعضی از بندهای این گزارش را می‌خوانم.

در **بند ۲** آمده که از سال ۲۰۰۲ به بعد -یعنی زمان دولت اصلاحات- آژانس به تدریج در مورد احتمال وجود فعالیت‌های افشا نشده هسته‌ای مرتبط با سازمان‌های نظامی، شامل فعالیت‌های مربوط به توسعه یک کلاهک هسته‌ای برای یک موشک نگران شد. گزارشات مدیرکل موضوعات باقیمانده مربوط به ابعاد احتمالاً نظامی برنامه هسته‌ای ایران را مشخص نمود و خواستار اقداماتی از سوی ایران برای حل و فصل آن‌ها شد. این اطلاعات نشان داد که ایران فعالیت‌هایی در ارتباط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای انجام داده بود. این اطلاعات همچنین نشان داد که پیش از پایان سال ۲۰۰۳، این فعالیت‌ها بر اساس یک برنامه ساختاری، و اینکه برخی از فعالیت‌ها ممکن است هنوز ادامه داشته باشد تحقق یافته است. این یعنی ایران دروغ گفته است. آقای روحانی می‌گوید قطعنامه شورای حکام آمده است و در سال ۸۳ ایران ثابت کرده که برنامه نظامی هسته‌ای نداشته اما الان پس از این همه عقب‌نشینی ایران محکوم می‌شود که دروغگو بوده و به سمت مسائل نظامی هسته‌ای رفته است.

ما به چند بند دیگر گزارش آژانس اشاره می‌کنم.

در **بند ۱۴** آمده است؛ آژانس مجموعه‌ای از اطلاعات را در اختیار داشت که نشان می‌داد ایران فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای را انجام داده بود و این اطلاعات نیز معتبر است.

در **بند ۲۲** آمده است؛ اطلاعاتی که پیش از نوامبر ۲۰۱۱ در اختیار آژانس قرار داشت نشان می‌داد که ایران از طریق تعدادی از ساختارهای مدیریتی متفاوت و متغیر، تمهیدات لازم برای فعالیت‌هایی در پشتیبانی از یک جنبه نظامی احتمالی برای برنامه هسته‌ای خود را فراهم کرده است. بر اساس این اطلاعات، ساختارهای سازمانی بیشتر حوزه‌های فعالیت مرتبط با تولید یک ابزار انفجاری هسته‌ای را پوشش می‌داد.

اسم فرد محقق را هم می‌آورد و می‌گوید: یک سازمان جدید با عنوان سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی توسط محسن فخاری‌زاده تأسیس شده و در سایت مژده در نزدیکی دانشگاه مالک اشتر در تهران مستقر شد.

و در ادامه در **بند ۲۳** اسم شرکتش را می‌آورد و می‌گوید در «دفتر ارکیده» بوده است و دقیق در گزارش می‌گویند که ایران دروغ‌گو است.

۱۲ سال است که نظام جمهوری اسلامی می‌گوید که ما تاکنون به دنبال برنامه نظامی هسته‌ای نبودیم و با آمدن آقای روحانی در لوزان و ژنو و وین این همه از منافع ملت عقب‌نشینی کردیم، می‌خواستیم اعتمادسازی کنیم؛ الان دوباره ایران دروغ‌گو شده و ادعا می‌کنند که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بوده است.

در ابتدای بند ۲۳ آژانس می‌گوید؛ «ایران اطلاعاتی در ارتباط با برخی از سازمان‌های ذکر شده در پیوست ۲۰۱۱ و ارتباطات آن‌ها و کارکردهای آن‌ها به آژانس ارائه کرد. در این ارتباط، ایران ازجمله وجود یک برنامه هماهنگ شده با هدف تولید یک ابزار انفجاری هسته‌ای را رد کرد.» اینجا آژانس اشاره می‌کند که ایرانْ برنامه نظامی هسته‌ای را رد کرده.

ولی در ادامه در **بند ۲۴** آژانس می‌آورد که ایران دروغ گفته. در متن بند ۲۴ آمده است: «آژانس چنین ارزیابی می‌کند که، پیش از پایان سال ۲۰۰۳، یک ساختار سازمانی در ایران برقرار بوده که برای ایجاد هماهنگی برای طیفی از فعالیت‌های مرتبط با تولید یک ابزار انفجاری هسته‌ای مناسب بوده است.» معنی بند ۲۴ چیست؟ معنی آن این است که ایران اطلاعاتی را داده که کاملاً کذب است. بعد از این همه که قرار شد اعتمادسازی کنیم به اینجا رسیدیم که دروغ‌گو شده‌ایم.

در **بند ۲۵** آمده است: «تا پیش از نوامبر ۲۰۱۱ در اختیار آژانس بود، ایران قادر بود خریدهای

خـود را، عمدتـاً بـرای فعالیت‌هـای چرخـه سـوخت هسـته‌ای خویـش، از طریـق شـرکت‌هایی کـه مسـتقیماً بـا سـازمان انـرژی اتمـی یـا وزارت دفـاع و پشـتیبانی نیروهـای مسـلح ارتباطـی نداشـتند انجـام دهـد، و لذا مصرف کننـده نهایـی را پنهـان کنـد.» آژانـس در چنـد بنـد به‌صورت پشـت سـر هـم اتهاماتـی را بـه ایـران وارد می‌کنـد.

در **بند ۲۶** آژانـس آورده اسـت؛ «آژانـس همچنیـن نشـانه‌هایی در دسـت داشـت از برخـی نمونه‌هـای خریـد و اقـدام بـه خریـد اقلامـی کـه، عـلاوه بـر سـایر امـور، بـه تولیـد یـک ابـزار انفجـاری هسـته‌ای مربـوط می‌شـد. آژانـس اطلاعاتـی در اختیـار نـدارد کـه اقـدام بـه چنیـن خریدهایـی پـس از سـال ۲۰۰۷ صـورت گرفتـه باشـد.»

در **بند ۲۹** آمـده کـه معـدن «گچیـن» بـرای تولیـد اورانیـوم فعالیت‌هـای هسـته‌ای اعـلام نشـده بـود. در سـال‌های ۲۰۰۰ تـا ۲۰۰۳ ایـران اورانیومـی را کـه از آنجـا اسـتخراج می‌کـرد را بـرای تولیـد کلاهـک هسـته‌ای اختصـاص می‌داد.

در **بند ۳۳** آمـده اسـت؛ «اطلاعاتـی کـه پیـش از نوامبـر ۲۰۱۱ در اختیـار آژانـس قـرار داشـت نشـان می‌داد کـه، در اوایـل دهـه ۱۹۹۰ «یعنـی سـال ۱۳۸۰ در دولـت اصلاحـات»، ایـران ممکـن اسـت اطلاعـات مربـوط بـه طراحـی یـک ابـزار نظامـی هسـته‌ای را از طریـق یـک شـبکه مخفـی عرضـه هسـته‌ای دریافـت کـرده باشـد.» یعنـی تنـد تنـد و پشـت سـر هـم آژانـس دارد می‌گویـد کـه ایـران در ایـن ۱۲ سـال بـه مـا دروغ گفتـه اسـت. پـس از ایـن همـه عقب‌نشـینی‌هایی کـه آقـای روحانـی و ظریـف انجـام داده‌انـد، دسـتمزدش می‌شـود ایـن گـزارش.

در **بند ۳۴** آمـده اسـت؛ «کـه ایـران کارهـای مقدماتـی، بـدون مـواد هسـته‌ای، بـرای تولیـد اجـزاء اورانیومـی بـرای یـک ابـزار انفجـاری هسـته‌ای صـورت داده اسـت.»

در **بند ۳۷ و ۳۸** آژانـس آورده اسـت کـه اطلاعاتـی کـه ایـران در خصـوص تولیـد چاشـنی‌های EBW داده اسـت بـا برنامـه چاشـنی‌ها همخوانـی نـدارد. ایـران اینجـا دروغ می‌گویـد. در ادامـه همیـن بحـث در **بند ۴۰** آژانـس می‌نویسـد؛ «آژانـس چنیـن ارزیابـی می‌نمایـد کـه چاشـنی‌های EBW تولیـدی توسـط ایـران دارای مختصاتـی هسـتند کـه بـه ابـزار انفجـاری هسـته‌ای مربـوط می‌شـود.»

در **بند ۴۱** آژانـس می‌گویـد ایـران در سـال ۲۰۰۳ آزمایـش بزرگـی بـا مـواد منفجـره در مکانـی بـه نـام «مریـوان» و نـه در «منطقـه» مریـوان انجـام شـده اسـت.

در **بند ۴۶** آمـده اسـت؛ «فنـاوری MPI توسـعه یافتـه توسـط ایـران ویژگی‌هـای مربـوط بـه یـک وسـیله انفجـاری هسـته‌ای را دارد.»

در **بند ۴۷** آمـده اسـت؛ «ایـران اجـزای شبیه‌سـازی شـده بـرای یـک وسـیله انفجـاری هسـته‌ای از مـواد دارای چگالـی بـالا را تولیـد کـرده اسـت.»

شما هر چه به این بندها و موارد نگاه می‌کنید جز اثبات دروغ‌گویی ایران در این ۱۲ سال نیست. یعنی آقای روحانی دروغ گفته، نظام دروغ گفته، مقام معظم رهبری که فتوا داده سلاح هسته‌ای حرام است، همه این‌ها دروغ است و این دستمزد این همه اعتمادسازی‌ای است که آقای روحانی انجام داده است.

در **بند ۴۸** آژانس آورده که ایران در سال ۲۰۰۰ یک سیلندر بزرگ برای مهار آثار انفجار تا ۷۰ کیلوگرم مواد منفجره با قدرت بالا در پارچین ایجاد کرده است.

در **بند ۵۰** آورده که ایران هیچ توضیحی در خصوص فعالیت‌های مربوط به توانمندی‌های پژوهشی انفجاری به آژانس نداده است.

در **بند ۵۱** آورده که با درخواست بازدید آژانس از پارچین، ایران سعی کرده است که مکان مدنظر در پارچین را تخریب و امکانات را ببرد. یعنی چی؟ یعنی ایران پنهان‌کاری می‌کند.

در **بند ۵۳** دوباره در خصوص پارچین آژانس آورده است؛ «هنگامی که مدیرکل و معاون مدیرکل در امر پادمان‌ها از ساختمان اصلی موردنظر آژانس در سایت پارچین در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵ بازدید کردند (۲ ماه پیش)، آن‌ها یک محفظه یا هر گونه تجهیزات مربوطه را در داخل ساختمان مشاهده ننمودند. آن‌ها ازجمله نشانه‌های تازه‌ای دال بر نوسازی داخلی، یک سقف با یک سطح مقطع غیر معمول و یک سامانه تهویه مطبوع که به نظر می‌رسید ناقص است را مشاهده نمودند.»

جالب هست. ما با وزیر دفاع و آقای صالحی صحبت کردیم، گفتند این‌ها کاری در اینجا انجام ندادند و بعد حالا ببینید آن‌ها چه گزارشی تهیه کردند. کل گزارش علیه ایران است. آژانس گفته که ایران ادعا می‌کرد ما از آن مکان در پارچین برای انبار مواد شیمیایی استفاده می‌کرده ولی در بند ۵۵ آژانس آورده که «آژانس نمونه‌های محیطی را تجزیه و تحلیل نموده است. آژانس ترکیبات انفجاری یا پیش‌سازهای آن‌ها را که نشان دهد ساختمان برای انبار کردن بلندمدت مواد شیمیایی مربوط به مواد منفجره مورد استفاده قرار داشته است را پیدا نکرد.» این اثبات دروغگویی ایران هست.

در **بند ۵۶** آژانس می‌گوید؛ «به دنبال تکمیل جلسه کارشناسی فنی در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۵ که در آن ایران با نشان دادن یک عکس هوایی گرفته شده توسط ایران، تصاویر ماهواره‌ای آژانس را مورد چالش قرارداد، آژانس از منابع مختلف ازجمله یک منبع بازرگانی، تصاویر ماهواره‌ای جدیدی را به دست آورد که نشانه‌های قبلی مربوط به حضور یک شیء استوانه‌ای شکل بزرگ در محل موردنظر آژانس در سایت پارچین در تابستان ۲۰۰۰ را حمایت می‌کرد.» آژانس دارد می‌گوید عکس‌های ماهواره‌ای ما در تناقض با عکس‌های هوایی ایران است و ادعای

آژانس درست است.
در **بند ۵۷** آژانس ادامه می‌دهد؛ «اطلاعات موجود نزد آژانس شامل نتایج تجزیه و تحلیل و تصاویر ماهواره‌ای، اعلام ایران در باره هدف (نوع کاربری) ساختمان را حمایت نمی‌کند. فعالیت‌های گسترده انجام شده توسط ایران از فوریه ۲۰۱۲ در محل خاص موردنظر آژانس، توان آژانس برای انجام راستی آزمایی مؤثر را به‌صورت جدی تضعیف نمود.»
در **بند ۵۸** آژانس آورده است؛ «ایران قبل از ۲۰۰۴ و بین ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ مطالعات مدل‌سازی رایانه‌ای ترتیبات اجزای متعددی را که فقط مختص تنظیّمات انفجاری هسته‌ای مبتنی بر فناوری انفجار داخلی بودند را انجام داده است.»
در **بند ۶۳** آژانس می‌گوید؛ «ایران اقدامات عملی برای تضمین آغازگر نوترونی یک وسیله انفجاری هسته‌ای از نوع انفجار داخلی را مورد توجه قرارداده بود.»
در **بند ۶۴** می‌گوید که ایران منکر اقدام علمی برای تضمین آغازگر نوترونی یک وسیله انفجاری هسته‌ای شده که این انکار ایران کذب و غلط است.
در **بند ۶۶** آژانس مدعی هست که «ایران ممکن است در ۲۰۰۲-۲۰۰۳ آزمایش‌های مقدماتی مربوط به آزمایش یک وسیله انفجاری هسته‌ای را برنامه‌ریزی کرده و انجام داده باشد.»
در **بند ۶۹** آژانس می‌گوید در ایران طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ یک پروژه بزرگ برای بررسی چگونگی قرارگیری یک کلاهک کروی در داخل محفظه کلاهک موشک شهاب ۳ انجام داده است.

من تعجب می‌کنم. آقای ظریف! آقای عراقچی! چرا گزارش غلط به مردم می‌دهید؟ چرا صادقانه با مردم برخورد نمی‌کنید؟ شما می‌گویید این گزارش مثبت است. واقعاً این گزارش مثبت است؟ این گزارش اثبات می‌کند که ایران دروغگو بوده و به سمت انفجار هسته‌ای رفته، پنهان‌کاری کرده است. ارزیابی نهایی این گزارش را هم می‌خوانم.
در **بند ۷۹** آژانس آورده است؛ «آژانس ارزیابی می‌کند که چاشنی‌های انفجاری (EBW) توسعه‌یافته از سوی ایران مشخصاتی مرتبط با یک وسیله انفجاری هسته‌ای دارند. آژانس همچنین ارزیابی می‌کند که فناوری آغازگر چند نقطه‌ای توسعه یافته از سوی ایران مشخصات مرتبط با یک وسیله انفجاری هسته‌ای و همچنین «مرتبط» با تعداد محدودی از کاربردهای جایگزین دارد.»
در **بند ۸۰** آورده که «اطلاعات در اختیار آژانس در رابطه با آزمایش هیدرودینامیک نشان داد که ایران اتاقکی بزرگ را در مجتمع نظامی پارچین در سال ۲۰۰۰ ساخته و نصب کرده است.» این یعنی سال ۱۳۷۹. زمان دولت اصلاحات. یا راست هست و یا دروغ. من درباره این توضیح

می‌دهم. در ادامه بند آمده؛ « این اتاقک منطبق با پارامترهای یک اتاق آتش انفجاری ترسیم شده خارجی است. آژانس اظهارات ایران در خصوص منظور از این ساختمان را تأیید نمی‌کند.» یعنی ایران دارد دروغ می‌گوید. در ادامه می‌گوید ایران این اتاقک را از بین برده و لذا راستی‌آزمایی از سوی آژانس را تضعیف می‌کند.

در **بند ۸۱** آمده است؛ «آژانس ارزیابی می‌کند که ایران مدل‌سازی کامپیوتری از یک وسیله انفجاری هسته‌ای را قبل از سال ۲۰۰۴ میلادی و ما بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ میلادی انجام داده است.»

در **بند ۸۴** آمده است؛ «آژانس ارزیابی می‌کند که، قبل از پایان سال ۲۰۰۳ میلادی، یک ساختار سازمانی در ایران مناسب برای هماهنگی طیفی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای وجود داشته است.» یعنی قبل از سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۱. در زمان دولت اصلاحات.

در **بند ۸۵ و ۸۶** هم ادعای فعالیت نظامی هسته‌ای از سوی ایران قبل از سال ۸۱ را از سوی آژانس مطرح می‌کند.

این گزارش که ایران را محکوم می‌کند و می‌گوید انفجار هسته‌ای داشته است و دروغگو بوده و پنهان کاری کرده است؛ این گزارش راست است یا دروغ؟ اگر راست است در زمان دولت اصلاحات چرا این کارها را انجام داده‌اند؟ مشکل برای مردم ایجاد کرده‌اند. همه قطعنامه‌ها زیر سر این‌ها است. اگر راست بوده مردم باید بدانند که قطعنامه‌ها همه زیر سر دولت اصلاحات انجام شده. زمان قبل از اصلاحات یعنی زمان هاشمی هم انجام شده. این گزارش به آن زمان‌ها بر می‌گردد. چرا انجام دادند؟ هاشمی و اصلاحاتی‌ها که حامی اصلی دولت فعلی به شمار می‌روند و این دولت در آن طیف سیاسی قرار می‌گیرد.

اما اگر این گزارش دروغ است؛ که ما هم می‌گوییم دروغ است و روحانی هم قبلاً در کتابش نوشته که «من اثبات کردم دروغ است»؛ چرا علیرغم این‌همه عقب‌نشینی‌ها و گذشتن از منافع کشور و اعتمادسازی در ژنو و لوزان و وین و بعد اینکه این‌همه اطلاعات و امکان بازرسی از پارچین را در اختیار آن‌ها قراردادهایم و هیچ چیزی تقریباً نمانده به‌طوری‌که فقط ۳۰۰ نفر را از تهران بردند تا سانتریفیوژها را در نطنز باز کرده و جدا و جمع‌آوری کنند. آمریکا این همه عجله ندارد ولی این‌ها عجله دارند و به قول خودشان دارند با از بین بردن صنعت هسته‌ای کشور اعتمادسازی می‌کنند. علیرغم این همه اقدامات سخیف این دولت، ایران چرا باید این‌گونه در دنیا محکوم شود؟ یعنی ایران کشوری است که ۱۲ سال دارد دروغ می‌گوید؟ ۱۲ سال دارد پنهان‌کاری می‌کند و اطلاعات غلط به دنیا می‌دهد؟ آیا این دستمزد ملت ایران

است؟ دستمزد آقای ظریف و آقای عراقچی است که از منافع ملت عقب‌نشینی کردند و در عوض دستشان به هیچ بند شد.

توجه بفرمایید اگر این گزارش راست است برای زمان اصلاحات و آقای هاشمی است. قطعنامه‌هایی که علیه ما صادر شده برای کارهای این‌هاست و اگر دروغ است آیا با این گزارش ایران در دنیا اعتبار پیدا کرده است؟ ایرانی که به دروغگویی و همه‌چیز محکوم شده است.

اما در رابطه با پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام که امروز قرار است تصویب شود. من به بندهای آن اشاره کنم.

در **بند C** اشاره می‌کند به گزارش‌های مدیر کل که یکی از آن‌ها همین گزارش اخیر در خصوص PMD هست. یعنی از طرف شورای حکام پذیرفته شده پنهان‌کاری و دروغ‌گویی ایران و این الان قرار است که مصوب شود.

در **بند F** استقبال از برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ می‌کند.

در بند I آورده است؛ «با وقوف به ماهیت درازمدت مفاد برجام و آثار آن برای آژانس» یعنی تأیید اجرای طولانی مدت برجام.

در **بند K** تأکید می‌کند بر این زمان طولانی که معلوم نیست چند سال است، چند ده سال است؛ آژانس باید به شورای حکام گزارش بدهد.

در **بند M** آورده است «توافق ایران مبنی بر اینکه این کشور وارد فعالیت‌هایی که می‌تواند باعث تولید بمب انفجاری اتمی شود.» این به چه معناست؟ یعنی اینکه اقلام دو منظوره هم صادرات آن به ایران ممنوع می‌شود.

بند ۲ تأکید می‌کند که ایران در دنیا ویژه است. می‌گوید این در قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام آمده است. اینجا هم می‌آوریم که این احکامی که در خصوص بازرسی‌ها و نظارت و ... فقط مختص ایران است و نباید به‌عنوان یک رویه درباره هیچ کشور دیگری در دنیا بکار گرفته شود.

در **بند ۳** یک نکته اضافه می‌کند که خیلی جالب است. این نکته نه در برجام است و نه در ۲۲۳۱. اینجا فقط آمده است. تأکید می‌کند که ویژه بودنی که در بند ۲ گفتم کافی نیست. حتی نظارت ویژه‌ای که ما در نظر گرفته‌ایم برای آژانس که نسبت به ایران داشته باشد باید توجه کنید که این نظارت‌ها نباید یک عرف استاندارد لحاظ شود. این فقط مختص ایران است.

من نمی‌دانم این توهین به ملت ایران چگونه می‌تواند یک دستاورد باشد. تعجب می‌کنم

که چگونه آقایان این را یک دستاورد می‌دانند. آقای عراقچی و آقایانی که می‌گویید این یک دستاورد است، به ملت ایران جواب دهید این چه دستاوردی است؟
نکته بعدی اینکه در **بند ۴** می‌گوید این گزارش‌ها هم به شورای حکام و هم به شورای امنیت ارائه شود. ما با شورای امنیت چه کاری داریم که باید به آن گزارش داده شود؟
در **بند ۶** آژانس باید با کمیسیون مشترک تبادل اطلاعات داشته باشد و باید به کشورهای امریکا، آلمان، چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و نماینده اتحادیه اروپا گزارش دهد.
جالب این است که تنها بندی که به نفع ایران آورده در بند ۹ است می‌گوید پرونده ابعاد احتمالی نظامی را می‌بندیم ولی قبلش گفته که ایران فعالیت نظامی هسته‌ای داشته است. این به چه معناست؟ به این معناست که ایران ۱۲ سال دروغ گفته است ولی ما از آن می‌گذریم. یک قتلی صورت گرفته. ایران گفته من قاتل نیستیم ولی ما اثبات کردیم که ایران، تو قاتلی اما از تو می‌گذریم، دروغگو هستی، پنهان‌کاری کردی و اطلاعات غلط دادی اما ما می‌گذریم و پرونده را می‌بندیم. این قبل بند ۹ است. ولی بعد این بند ۹ جالب است. بلافاصله دربند ۱۰ می‌آورد البته ایران ملزم است که کاملاً همکاری بکند با آژانس در زمینه دسترسی به تمام اماکن نظامی خود. بند Q از برجام که دسترسی به تمامی اماکن نظامی ایران در آن آمده است. جالب است. اول می‌گویند ایران محکوم است. در بند ۹ می‌گویند پرونده PMD را می‌بندیم ولی بعد آن ایران را الزام می‌کند که تمامی اماکن نظامی خود را در اختیار بازرسان آژانس قرار دهد.

در **بند ۱۴** هم می‌گوید پرونده ایران تا ۱۰ سال در دستور کار شورای حکام باقی خواهد ماند.
سؤالم این است. از ملت می‌پرسم. از آقای روحانی و ظریف و عراقچی نمی‌پرسم. این‌ها حالا هر گرایشی دارند و هر کاری می‌خواهند بکنند. اطلاعات غلط هم متأسفانه به مردم می‌دهند. من سؤالم این است. این چه نوعِ بسته شدن پرونده PMD هست که قبلش ایران را محکوم می‌کند و ایران را پنهان‌کار و دروغگو می‌خواند و فتوای رهبر معظم انقلاب را نادرست خطاب می‌کند و بعد می‌گوید ما باید چند ده سال به اماکن نظامی ایران دسترسی داشته باشیم و در بند آخرش هم می‌گوید ده سال هم پرونده ایران باید در شورای حکام باقی بماند. من نمی‌فهمم این چه بسته شدنی است. قضاوت با مردم ایران.
از مسئولین وزارت خارجه می‌خواهم خواهش می‌کنم اطلاعات غلط به مردم ندهند. متأسفانه قرار است همین گزارش امروز با آرای بالا تصویب شود و این واقعاً جای تأسف بسیاری دارد و این از دست دادن منافع ملت ایران است. بر اساس این گزارش الان ایران در دنیا محکوم شده است. نتیجه دیپلماسی لبخند و دست دادن به شیطان بزرگ این شد که ایران ۱۲ سال به

تمام دنیا دروغ می‌گفته. ۱۲ سال اسرائیل درست می‌گفته که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بوده است و تأسف‌بارتر آن این است که آقایان مسئول ما، آقایان عراقچی و ظریف می‌گویند این گزارش خوبی است و فراتر از انتظار ما بوده است. یعنی تأیید ادعای اسرائیل چیز خوبی است و ایران یک کشور دروغ‌گو است.



تاجران برجام[1]

■ مهدی محمدی
کارشناس مسائل سیاسی و بین الملل

به پرسش از اینکه چرا معامله هسته‌ای در سیاست خارجی نه نقداً وضع مردم را بهتر کرده و نه دستکم دورنمایی از بهبود پیش روی آن‌ها قرار داده، طیفی از پاسخ‌ها می‌توان داد.
پاسخ استاندارد در دولت آقای روحانی این است که اساساً توافق هسته‌ای قرار نبوده بهبود اقتصادی ایجاد کند و در بهترین حالت، این توافق غل و زنجیرهایی را که به دست و پای اقتصاد کشور بسته شده بود، باز کرده است. این موضع بدان معناست که نه فقط باید اظهارات گذشته دولت درباره مسائلی همچون «وابسته بودن آب خوردن مردم به رفع تحریم‌ها» و «ایجاد گشایش فوری و عظیم اقتصادی پس از توافق» را غیر صادقانه بدانیم، بلکه علاوه بر آن، باید درباره ارزش‌های واقعی یک توافق با غرب، از حیث تأثیری که می‌توانسته بر اقتصاد کشور بگذارد نیز، تردید کنیم. ضمن اینکه متأسفانه دولت خود را در موضعی قرار داده است که اگر هم غربی‌ها غل و زنجیری از دست و پای اقتصاد ایران باز نکنند و عملاً تحریمی هم تعلیق نشود، مجالی برای اعتّراض نخواهد داشت و به دلیل گره زدن سرنوشت سیاسی خویش به این توافق، خود به خود به سمت نوعی «لاپوشانی اتوماتیک» سوق داده خواهد شد.
پاسخ دوم به این سؤال از منظر راهبرد امریکا درباره ایران، به مسئله می‌نگرد. آمریکایی‌ها از مدت‌ها قبل از نهایی شدن توافق این موضوع را شفاف کردند که از نظر آن‌ها توافق هسته‌ای قرار نیست به گشایش چشمگیر اقتصادی در ایران منجر شود چراکه اولاً این توافق یک توافق کامل نیست و بخش‌های بزرگی از تحریم‌ها همچنان نه فقط باقی می‌ماند بلکه با جدیت

۱- ایران هسته‌ای، کد خبر: ۲۸۸۰

بیشتری هم اجرا خواهد شد و ثانیاً، اساساً از دید امریکا گشایش اقتصادی برای ایران بیش از یک حد معین خطرناک است چراکه می‌تواند منجر به شکل‌گیری احساس بی‌نیازی از توافق در ایران شده و انگیزه‌های پای بندی به توافق آن را تضعیف کند. بنابراین از دید آمریکایی‌ها و از منظر راهبردی، رفاه اقتصادی در ایران گروگان توافق هسته‌ای است تا هم ایران بدان متعهد بماند و هم اینکه امکان امتیاز گیری از ایران در سایر حوزه‌ها فراهم شود. درست به همین دلیل است که آمریکایی‌ها نه از رفاه و گشایش، بلکه از شیرین سازی اقتصادی در ایران سخن می‌گویند. شیرین سازی سایه و نمایشی از گشایش است که بدون آنکه کارکرد واقعی و ماندگاری داشته باشد صرفاً محاسبات مسئولان را کنترل کرده و ذهن مردم را شرطی می‌کند تا گام‌های بعدی آنطور که غربی‌ها می‌خواهند برداشته شود.

پاسخ دیگر به آن سؤال، کمی داخلی‌تر است. در اینجا بحث بر سر این است که تعلیق نصفه و نیمه تحریم‌ها می‌تواند به بهبود در وضعیت اقتصادی و معیشتی کشور منجر شود یا لااقل به آن کمک کند به شرط اینکه اولاً برنامه‌ای برای تبدیل توافق به رفاه وجود داشته باشد و ثانیاً تیمی در کار باشد که بتوان آن برنامه را اجرا کرده و در بازه‌های زمانی مناسب از آن نتایج ملموس بگیرد.

درحالی‌که حتی آمریکایی‌ها هم می‌گویند که در این مقطع خاص که گشایش‌های نسبی حاصل شده، بهترین استراتژی برای ایران اقتصاد مقاومتی است و تنها این استراتژی است که می‌تواند تولید را رونق داده و اشتغال را بهبود ببخشد، غرب‌گرایان چندان علاقه‌ای به اجرای یک برنامه مقاومتی از خود نشان نمی‌دهند. امروز به اذعان کسانی چون پاتریک کلاوسون که خود از طراحان استراتژی تحریم بوده، تنها راه تولید رفاه در ایران تزریق تفکر مقاومتی به ارکان تصمیم‌گیری اقتصادی است اما می‌بینیم غرب‌گرایان همچنان از طراحی و اجرای برنامه‌ای که هدف اولی آن استفاده از فرصت برای بیمه کردن کشور در مقابل فشارهایی باشد که به زودی از راه خواهد رسید، به شدت پرهیز می‌کنند.

طرد بی‌منطق اقتصاد مقاومتی و اصرار بر وابسته سازی هر چه بیشتر کشور در حوزه‌های اقتصادی درواقع دو دلیل بیشتر نمی‌تواند داشته باشد: نخست اینکه کسانی حس می‌کنند با این کار «فرصت‌های معاملات آتی» با غرب را از دست خواهند داد و بنابراین به آن بی‌میل هستند و دوم اینکه اساساً در دولت آقای روحانی کسی یا تیمی وجود ندارد که از مهارت‌های لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور–حتی وقتی مشکل منابع وجود ندارد- بهره‌مند باشد.

همه این پاسخ‌ها اما در مقابل یک پاسخ محتمل دیگر که می‌توان به آن سؤال داد، فرعی و

بی‌اهمیت است. شاید راز اینکه گشایشی ایجاد نمی‌شود این باشد که این گشایش در جای دیگری ایجاد شده است و ما آدرس را اشتباه آمده‌ایم! ما وقتی از گشایش اقتصادی سخن می‌گوییم مقصودمان تسهیل امر معیشت برای مردم عادی است که نه دسترسی به رانت دارند و نه آن‌ها را به محافل ویژه تجاری راه می‌دهند. یکی از پاسخ‌ها به این پرسش که چرا توافق هسته‌ای و تعلیق تحریم‌ها منجر به گشایش اقتصادی نشده این است که این گشایش رخ داده اما نه برای توده‌های مردم، بلکه برای یک حلقه بسته رانت‌خوار، پورسانت گیر و به‌شدت وابسته. برخی اطلاعات نشان‌دهنده این است که یک طبقه جدید در کشور به‌سرعت در حال شکل‌گیری است که توافق هسته‌ای و گشایش‌های ناشی از آن را بدل به ابزار تولید رانت و کسب درآمد نجومی برای خود کرده و با سرعتی باورنکردنی در حال انباشتن جیب خود از مواهب ناشی از توافق است بی‌آنکه اساساً اهمیتی برای باز کردن گره کور معیشت از زندگی مردم قائل باشد.

این نوع نگاه به مسئله، ما را به سمت یک مسئله عمیق‌تر هدایت می‌کند و آن‌هم این است که چه‌بسا اساساً این جریان مایل است زیرساختی از بده بستان اقتصادی با غرب ایجاد کند که این زیرساخت تضمینی باشد برای اینکه نه فقط توافق هسته‌ای بلکه موجودیت سیاسی جریان غرب‌گرا در ایران حفظ شود. وقتی به این نقطه می‌رسیم دیگر درک این مسئله سخت نخواهد بود که چرا کسانی می‌گویند قراردادهای اقتصادی با غربی‌ها تضمین پایدار ماندن توافق است.

اگر یک پروژه بزرگ برای تبدیل دوران پسا برجام به دورانی از زد و بند بر سر منافع و سرمایه‌های کشور با سرمایه‌داران غربی وجود داشته و نسلی از تاجران برجام در حال شکل‌گیری باشد، هیچ نباید تعجب کرد که چرا توافق هسته‌ای رفاه تولید نمی‌کند و برنامه‌ای هم برای سوق دادن اوضاع به آن سمت وجود ندارد. آن‌ها که باید نفع ببرند، غرق در تنعم‌اند و مطالبه رفاه برای مردم عادی در این اوضاع نیز «طلب روزی ننهاده کردن» است.

برجام بیچاره مقصر نیست، رفاه هم ایجاد کرده اما نه برای مردم بلکه برای آن اقلیتی که از روز اول که کل این بازی آغاز شد، نگاهی جز پهن کردن یک بساط گسترده کشور فروشی نداشتند.



نتایج نظرسنجی‌ها از میزان رضایت مردم از برجام در یک سالگی برجام

■ موسسه ایران‌پل و دانشگاه مریلند

موسسه ایران‌پل[1]، مستقر در کانادا، اقدام به برگزاری یک نظرسنجی[2] از ۱۰۰۷ ایرانی از تاریخ ۱۷ تا ۲۷ ژوئن کرده که به روش تلفنی انجام شده است.
به نوشته المانیتور[3]، این نظرسنجی نشان می‌دهد که انتظار ایرانیان از توافق هسته‌ای موسوم به برجام بالا بوده و افکار عمومی ایران نتوانسته است موانعی را که ایران پس از این توافق نیز در زمینه جلب سرمایه خارجی و اتصال مجدد به اقتصاد جهانی با آن‌ها مواجه بوده را درک کند.
یکی از یافته‌های این نظرسنجی آن است که درک مردم ایران نسبت به واقعیت برجام بهبود یافته است. یک سال پیش، ٦٢,٢ درصد از ایرانی‌ها تصور می‌کردند که برجام تمام تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران را رفع می‌کند اما اکنون تنها ٢٣,٤ درصد چنین تصوری دارند.
یکی دیگر از یافته‌های مهم این نظرسنجی آن است که بالغ بر ۷۲ درصد از ایرانیان به پایبندی آمریکا به تعهداتش ذیل برجام یا اصلاً اطمینان ندارند، یا اطمینان کمی دارند. این در حالی است که یک‌سال قبل، رقم مزبور ٤١ درصد بود.
در همین حال، ٦٦,١ درصد از ایرانیان بر این باورند که واشنگتن به‌دنبال آن است تا به طرق دیگر، اثر منفی تحریم‌ها بر ایران را حفظ کند. تقریباً ۷۴,۴ درصد از ایرانیان نیز باور دارند که واشنگتن به دنبال جلوگیری از روابط اقتصادی سایر کشورها با جمهوری اسلامی ایران است.

1 -http://www.iranpoll.com/blog/jcpoa
2 -http://www.cissm.umd.edu/sites/default/files/IranianPOOneYearAfter-FINAL-071316.pdf
3 - http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-new-poll-disappointment-nuclear-deal-jcpoa.html

یکی دیگر از آمارهای مهمی که از نظرسنجی جدید ایران‌پل برآمده، این است که ۷۳،۷ درصد از ایرانیان اذعان دارند که وضعیت زندگی آن‌ها پس از برجام بهبود نیافته است. با این حال، هنوز ٦٦ درصد نسبت به آینده امیدوارند.

در حال حاضر تنها ٤٢،٢ درصد از ایرانی‌ها فکر می‌کنند که وضع اقتصادی کشورشان رو به بهبود است درحالی‌که در ماه اوت قبل، ٥٧،٤ درصد چنین اندیشه‌ای داشتند. در همین حال، ۵۹ درصد وضعیت اقتصادی ایران را بد می‌دانند در شرایطی که ٤٣،٧ درصد در مارس گذشته چنین می‌اندیشیدند.

در همین شرایط، یکی دیگر از یافته‌های این نظرسنجی، کاهش محبوبیت مردمی حسن روحانی و رشد محبوبیت محمود احمدی‌نژاد است. در شرایطی که ٦١ درصد از ایرانی‌ها پس از حصول توافق وین نگاه خوبی به روحانی داشتند، اکنون یک‌سال پس از برجام این رقم به ۳۸ درصد رسیده است. بر این اساس، محبوبیت روحانی ۲۳ درصد کاهش یافته است.

بر اساس این نظرسنجی، ۴۵ درصد از ایرانیان حاضرند بار دیگر به حسن روحانی رأی بدهند و این در حالی است که سال گذشته، آمار مزبور ٥٣،٤ درصد بود. از سوی دیگر، اکنون ٣٦،٧ درصد از ایرانی‌ها حاضرند به احمدی‌نژاد رأی دهند که اگر چه همچنان از آمار روحانی کمتر است اما نسبت به سال گذشته ۱۰،۱ درصد رشد نشان می‌دهد.

در همین شرایط، نگاه ایرانیان به ایالات متحده هم بدتر شده است. در حالی که اکثریت ایرانیان از تجارت، روابط فرهنگی، آکادمیک، ورزشی و توریستی با آمریکا حمایت می‌کنند اما ۷۲،۹ درصد دیدگاهی منفی نسبت به آمریکا دارند. این رقم در سال گذشته، ٦٦،٦ درصد بود. ۵۴ درصد از ایرانیان نیز با همکاری نظامی با آمریکا علیه داعش مخالف‌اند. سال گذشته، ۵۹ درصد موافق بودند.

درعین حال، اکثریت ایرانیان هنوز از برجام حمایت می‌کنند. این حمایت که در سال گذشته ۷۵،۵ درصد بود، اکنون به ٦٢،٦[1] درصد رسیده است. بنابراین، حمایت از برجام حدود ۱۳ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۲۲۰۰۱۰۰۸



تحلیلی از یک سالگی برجام و پیامدهای آن[۱]

◘ گفت و گو با فؤاد ایزدی

عضو هئیت علمی دانشگاه تهران

سال گذشته و همین روزها بود که روزنامه‌های حامی دولت خبر از توافقی می‌دادند که با حضورش تمامی مشکلات کشور را حل خواهد کرد. شاه کلیدی که تمامی قفل‌های کشور از آب خوردن تا بیکاری جوانان را باز می‌کند. با این وجود این روزها که در آستانه یک ساله شدن تولد برجام هستیم دیگر خبری از دعوت مردم به شرکت در کارناوال‌های خیابانی برای برجام نیست. روزنامه‌هایی که هر روز خبر از نزدیک شدن به یک توافق تاریخی می‌دادند، این روزها ترجیح می‌دهند که اخبار برجام را یا اصلاً پوشش ندهند یا در صفحه‌های داخلی خود با وزن کمتری منتشر نمایند.

با این وجود این روزها که گرد و خاک بپا شده در پایکوبی‌های خیابانی فرونشسته است، می‌توان با نگاهی دقیق‌تر و با تجربه‌ای یک ساله از تصویب برجام، به مشاهده دستاوردها و نتایج این سند نشست.

فؤاد ایزدی کسی است که از همان روزهای ابتدایی توافق وین نکاتی را نسبت به برجام مطرح کرده بود. نکاتی که منطبق بودن آن با واقعیت این روزها بیشتر نمایان می‌شود. در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

پرداخت امتیازهای نقد در برابر وعده‌های نسیه

پرسش: تقریباً یک سال از توافق وین می‌گذرد. ارزیابی شما از توافق و ثمراتی که باید برای جمهوری اسلامی می‌داشته و نداشته است، چیست؟

۱- رجانیوز، کد خبر: ۲۴۷۰۲۹

این در فرمایشات حضرت آقا بود که ایران پیش‌پرداخت‌هایی داشت و همه را هم انجام داد و بخشی از برجام می‌توانست برای کشور نکات مثبتی هم داشته باشد، منتهی به خاطر بدعهدی طرف مقابل، در عمل خیلی از این نکات مثبت اتفاق نیفتادند. مذاکرات در توافق ژنو فرمولی داشت و آن هم این بود که ایران در حوزه هسته‌ای امتیاز بدهد و تحریم‌ها لغو شوند. در برجام ایران تعهدات بسیار گسترده‌ای را پذیرفت و انجام هم داد. روی کاغذ امتیازات محدودی را گرفت، ولی در عمل خیلی از آن‌ها را نگرفت، بنابراین منافعی را که بعضی‌ها تصور می‌کردند در قالب برجام به درد کشور خواهند خورد، اتفاق نیفتاد. این فقط حرف ما نیست. این را هم مقامات ایرانی .آن‌هایی که راحت‌تر صحبت کرده‌اند، از جمله آقای دکتر سیف رئیس بانک مرکزی .و هم مقامات امریکایی زده‌اند.

آزاد نشدن دارایی‌های بلوکه شده

چند وقت پیش کری در جایی سخنرانی کرد و گفت قبل از برجام از ما انتقاد می‌شد که ۱۰۰ میلیارد پول بلوکه شده ایران به دستش می‌رسد، ولی در واقع ۳ میلیارد هم نگرفتند. ۳ میلیارد از ۱۰۰ میلیارد ۳ درصد می‌شود که یعنی هیچ و لذا حرف آقای سیف را تکرار کرد. در عمل هم داستان FATFکارگروه ویژه اقدام مالی پیش آمد. حرف این کارگروه چیست؟ می‌گویند اگر می‌خواهید در حوزه‌های بانکی و مالی گشایشی برایتان اتفاق بیفتد، بیایید و نرم‌افزار ما را روی سیستم بانکی‌تان سوار کنید. این خیلی حرف عجیبی است، چون الان که یک سال از برجام گذشته است باید این قضیه حل شده باشد و به خاطر امتیازاتی که بر اساس توافق اصلی باید می‌گرفتیم، نباید امتیازات جدیدی بدهیم. مثل این است که بخواهید خانه‌ای بخرید و به شما بگویند قیمت خانه ۲۰۰ میلیون تومان است. شما به محضر می‌روید و امضا هم می‌کنید و در قرارداد خانه به اسم شماست. بعد که می‌خواهید بروید و در خانه بنشینید نمی‌گذارند و از آنچه که در قرارداد نوشته‌اید بهّره‌مند نیستید و به شما می‌گویند اگر می‌خواهی بروی و در خانه بنشینی، باید ۲۰۰ میلیون دیگر هم بدهی.

پرسش: تازه باز هم معلوم نیست اگر این پول را هم بدهی بتوانی بروی و بنشینی.

بله، باز هم معلوم نیست. ما این حالت را داریم. می‌گویند هسته‌ای را بده تا موانع بانکی را برداریم. بعد که هسته‌ای را می‌دهیم، می‌گویند اگر می‌خواهی موانع بانکی برداشته شوند بیا و فلان نرم‌افزار را بگذار تا ما بتوانیم جریانات بانکی تو را رصد و در واقع جاسوسی کنیم. بیا و تعریف ما را از تروریسم بپذیر و به گروه‌هایی که ما می‌گوییم کمک نکن.

در مثال خانه، اتفاقی که برای ما می‌افتد این است که می‌رویم و شکایت می‌کنیم. مشکلی که در برجام داریم این است که قاضی هم همین‌ها هستند، یعنی مجموعه‌ای که خطا و بد عهدی کرده‌اند، قاضی هستند و باید به آن‌ها رجوع کنیم. مثل این است که کسی که خانه را به شما فروخته و بد عهدی کرده است، قاضی محلتان هم باشد. به همین دلیل دچار مشکل شده‌ایم.

پرسش: این ناشی از متن برجام است که طرف مقابل امکان طَرح مطالبات جدید را پیدا می‌کند یا ناشی از روحیه طرف مقابل است؟

متن برجام، بند ۴ .۱ .۴ پیوست ۲ از کلمه transfer برای پول استفاده می‌کند، یعنی در نقل و انتقال پولی ما بر اساس متن برجام، الان نباید محدودیتی وجود داشته باشد، منتهی وجود دارد.

پذیرش سیستم «ماشه» در برجام

پرسش: همین که می‌پذیریم برخلاف قوانین بین‌الملل، بعضی از کشورها را قاضی قرار بدهیم خودش خلاف قوانین و یک نوع استثنا شدن نیست؟

بله، بهتر بود محل رجوع در حوزه حل اختلاف، نهادهای سنتی و دادگاه‌های بین‌المللی مثل دادگاه لاهه می‌بودند. امریکایی‌ها در آن دادگاه‌ها هم نفوذ دارند، ولی حق وتو ندارند. اتفاقی که افتاده این است که ما در برجام سیستم «ماشه» را پذیرفتیم، به این ترتیب که شما اعتراض می‌کنید و طرف مقابل باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد این راه را با شما ادامه بدهد یا نه و اگر خوشش نیاید، شما را به پله اول برمی‌گرداند.

امریکایی‌ها در سازمان ملل حق وتو دارند، از این نظر برجام در آنجا به مشکل برمی‌خورد. این نکته‌ای است که رهبری هم بارها فرموده‌اند که برجام مشکلات ساختاری متعددی دارد. ایشان هشت نه بند نوشتند که دولت به هیچ یک از آن‌ها عمل نکرد. شاید اگر عمل می‌کرد، الان وضعیت ما بهتر بود. رهبری در یکی از بندها فرمودند در متن برجام ذکر شود اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل کرد، ایران هم به تعهداتش عمل می‌کند، ولی چنین چیزی نوشته نشد و طرف مقابل امضا نداد.

وضعیت امروز و بدعهدی امریکایی‌ها قابل پیش بینی بود

وضعیت فعلی هم قابل پیش‌بینی بود. افرادی هم که پیش‌بینی می‌کردند علم غیب

نداشتند. اگر کسی در اظهارات مقامات امریکایی دقت می‌کرد، وضعیت امروز را می‌توانست حدس بزند. مثلاً جان کری بارها در کنگره گفت برجام legally binding، یعنی الزام‌آور نیست. الزام‌آور نیست یعنی چه؟ یعنی کنگره! شما به ما اجازه بدهید آب سنگین اراک‌اش را بگیریم و در آن بتون بریزیم، در فردو و نطنز فلان کار و ده تن اورانیوم را از کشورشان خارج کنیم. بعد که این کارها را کردیم و خیالمان راحت شد، شما اگر دلتان خواست برجام را اجرا کنید یا نکنید، تحریم کنید یا نکنید. عملاً هم همین اتفاق افتاد. یعنی بعد از برجام تحریم‌های جدید و نقض برجام‌های متعددی داشتیم و در واقع همان الزام حقوقی نداشتن برجام اتفاق افتاد. آن زمان عده‌ای به ما می‌گفتند شما بی‌جهت دلواپس هستید و این حرف‌های شما مصرف داخلی دارد. مکرراً از این اصطلاح مصرف داخلی استفاده می‌کردند. بعد معلوم شد خیر، خیلی هم مصرف کاربردی داشته است و در عمل هم این اتفاقات افتادند. قابل پیش‌بینی هم بود، چون اگر کسی دقت می‌کرد، متوجه می‌شد دغدغه قوه مجریه امریکا این است که از ایران یک سری تعهدات بگیرد و خیلی هم کاری به این ندارد که آخر برجام چه می‌شود و دقیقاً همین اتفاق افتاد.

دو موضع متضاد در مسئولین دولتی نسبت به برجام

پرسش: در سال دوم با اتفاق خاصی روبرو هستیم. امریکا می‌آید و می‌گوید ایران به تمام تعهداتش در برجام عمل کرده است. از طرف دیگر عده‌ای از مسئولین کشور می‌گویند دستاوردهای ما از برجام تقریباً هیچ است، اما عده‌ای از مسئولین حاضر نیستند بپذیرند که امریکا بد عهدی کرده است، یعنی ما شاهدیم مسئولی از دولت به تلویزیون می‌آید و حاضر است امریکایی‌ها را تأیید و به‌نوعی اقدامات آن‌ها را توجیه کند، ولی نگوید برجام ایراد دارد. این چه مدل توافق است که نتیجه‌اش چنین می‌شود که یک سری از افراد در دولت می‌آیند و می‌گویند دستاوردهای ما از برجام تقریباً هیچ است، اما مسئولین اصلی مذاکره‌کننده به هیچ‌وجه حاضر نیستند حتی بعضی از ایرادها را بپذیرند.

در این قضیه چند مشکل وجود دارد. مشکل اول این است که افرادی که مسئول بعد از برجام هستند، همان‌هایی هستند که در مذاکرات شرکت داشتند. در مدیریت دنیا سبکی داریم به این شکل که وقتی پروژه بزرگی مطرح هست، سه گروه درگیر می‌شوند. گروه اول اتاق فکر طراحی، گروه دوم اجرا و گروه سوم هم پس از اجرا ارزیابی می‌کنند. امریکایی‌ها به این مسئله توجه کرده‌اند. مثلاً خانم وندی شرمن در برجام و وزارت امور خارجه نیست و در دانشگاه هاروارد تدریس می‌کند یا آقای ویلیام برنز در برجام یا وزارت امور خارجه نیست و هر دو را ترک کرده و مسئول مؤسسه کارنگی شده است. بنده هم اگر بودم و قرار بود خودم کارم را ارزیابی

کنم، قطعاً توجیه می‌کردم. دوستان هم همین طورند. دوستان مذاکره کردند و آخرش خراب از کار درآمد. یا باید بیایند و بگویند ما خراب کردیم یا یک جوری قضیه را توجیه کنند. بنده هم بودم گزینه دوم را انتخاب می‌کردم.
چرا توجیه می‌کنند؟ چون اتفاقاتی که الان افتاده‌اند، قبلاً پیش‌بینی شده بودند. اگر نمی‌دانستند این اتفاقات می‌افتند، باید پرسید چرا نمی‌دانستند؟ این همه به آن‌ها گفته شد و باید می‌دانستند. اگر می‌دانستند این اتفاقات می‌افتند، چرا قبل از توافق این ادبیات را نسبت به برجام داشتند؟

وجود دو خط خبری نسبت به برجام

ما نسبت به برجام دو خط خبری داشتیم. یک خط خبری، برجام را خیلی بزرگ کرد و آب کشور را وابسته به توافق دانست که خیلی به مذاکرات ما ضربه زد. چرا؟ چون طرف مقابل این حرف‌ها را ترجمه کرد و به این نتیجه رسید که مقامات ایرانی حتماً می‌خواهند توافق کنند. این را خانم شرمن گفت که مسئولین ایرانی پای میز مذاکره خیلی چانه می‌زنند، منتهی شب آخر راضی می‌شوند. آن‌ها این تصور را داشتند و به همین دلیل هر چه را که خواستند در این برجام قرار دادند. لازم نیست شما دیپلمات بسیار باسابقه‌ای باشید تا این را بفهمید که اگر چیزی را که می‌خواهید نباید ارزش آن را خیلی بالا ببرید. فهم چنین موضوعی نیاز به تجربه دیپلماتیک ندارد. بقالی سر کوچه شما هم این را می‌داند که وقتی مشتری می‌خواهد چیزی را بخرد، نباید جوری رفتار کند که بقال بفهمد خیلی به آن نیاز دارید، چون اگر آدم شارلاتانی باشد قیمت را بالا می‌برد.
امریکایی‌ها هم آدم‌های شارلاتانی هستند و موقعی که متوجه شدند قوه مجریه ایران ـدولت یازدهم ـبه لحاظ حیثیتی روی برجام سرمایه‌گذاری کرده است، خیلی ذوق کردند. خیلی‌ها هم وضعیت فعلی را پیش‌بینی می‌کردند و تذکر دادند.

پرسش: و انگ هم خوردند.

بله، به آن‌ها گفتند شما بی‌سواد هستید و بروید به جهنم.

پرسش: یعنی اگر اعتراف هم بکنند نتیجه‌اش این می‌شود که همه آن انگ زدن‌ها کار اشتباهی بوده است.

همین طور است. البته مهم نیست. انگ بزنند. اشکال ندارد. منتهی اگر نمی‌دانستند، باید

می‌دانستند و اگر خودشان هم نفهمیده بودند، آدم‌های دیگر فهمیده بودند و به آن‌ها گفتند.
اگر هم می‌دانستند هم این جوری می‌شود، چرا آن ادبیات قبل از برجام را داشتند؟
همان طور که اشاره کردم، دو خط خبری وجود داشتند. یک خط که برجام را بزرگ کرد و گفتند اگر برجام اجرا شود، همه تحریم‌ها لغو می‌شوند. مصاحبه مطبوعاتی آقای رئیس‌جمهور را بعد از توافق لوزان بخوانید که روی کلمه «تمام» و «همه» تحریم‌ها لغو می‌شوند، اصرار دارد. اما طرف مقابل می‌گفت «لغو» نداریم، «تعلیق» داریم و آن هم بعضی از تحریم‌ها تعلیق می‌شوند. منتهی دوستان این را نمی‌گفتند و حرف‌های دیگری می‌زدند. این دو خط خبری بود که به‌شدت به ما ضربه زد.
از سوئی کار در داخل جنبه سیاسی پیدا کرد و مشکلات زیادی را به بار آورد. این‌ها بحث انتخابات را به بحث برجام گره زدند، در حالی که برجام یک پروژه ملی است و نباید زمینه‌ای برای انتخابات بعدی باشد. این یک مشکل بود که برجام را درگیر مباحث داخلی کردند.
مشکل دیگر هم این بود که کسانی که برجام را ادامه دادند همان‌هایی بودند که مذاکره کردند. موضوع این نیست که آقای ظریف و آقای عراقچی را باید کنار زد. خیر، آن‌ها مذاکره را انجام دادند، منتهی کسانی که مسئله را پیگیری می‌کنند باید افراد دیگری باشند و از مشورت آن‌ها استفاده کنند، نه اینکه خود این‌ها مسئول ادامه کار شوند. الان آقای عراقچی مسئول پیگیری برجام در وزارت خارجه است. بدیهی است در چنین وضعیتی به سمت توجیه می‌روند.

موضع‌گیری عجیب عراقچی در برابر بیانات مقام معظم رهبری

این نکته بسیار عجیبی است که رهبری حرفی را زدند و آقای عراقچی به تلویزیون آمد و جواب رهبری را داد! آن‌وقت ادعا می‌کنیم که در این مملکت دیکتاتوری وجود دارد. ما حتی در امریکا هم که عده‌ای فکر می‌کنند مهد آزادی است چنین چیزی را نداریم. یعنی آقای کری که صحبت می‌کند، می‌گوید همانّ طور که آقای اوباما گفت و برخلاف اوباما صحبت نمی‌کند. معاون کری می‌گوید همان طور که کری گفت، اما در کشور ما حالت ملوک‌الطوایفی وجود دارد و هر کسی برای خودش حرفی می‌زند و تحلیلی می‌دهد. می‌آیند و در تلویزیون کشور برخلاف حرف رهبری حرف می‌زنند. این را در هیچ جای دیگر دنیا نداریم. آخر سر هم رهبر ما می‌شود دیکتاتور و شعار «مرگ بر دیکتاتور» می‌دهند. متأسفانه این وضعیت وجود دارد.

نقض مکرر برجام و سکوت وزارت خارجه

پرسش: این توجیه کردن‌ها هم به‌نوعی با نامه نه بندی حضرت آقا تناقض دارد.

بله، چون نامه اجرا نشد. بندهای متعددی داشت، مخصوصاً اینکه اگر طرف مقابل به تعهدش عمل نکرد و بندی را نقض کرد، ایران باید روند برجام را متوقف کند. دوستان نه‌تنها متوقف نکردند که به آن سرعت هم دادند. قانون نقض ویزا را زمانی گذراندند که ایران هنوز به همه تعهداتش عمل نکرده بود و باید متوقف می‌کردند که نکردند. موارد نقض متعددی داشته‌ایم. بندهای ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹. اگر قرارداد بوئینگ نقض شود، نقض بند ۲۲ است. بند ۴ .۱. ۴ پیوست ۲ را نقض کردند. خودتان را به جای طرف امریکایی بگذارید که نقض می‌کند و طرف ایرانی می‌آید و توجیه می‌کند. چه نتیّجه‌ای می‌گیرید؟ نتیجه می‌گیرید ما این‌ها را نقض می‌کنیم و یکی از آن‌ها می‌آید و کار ما را توجیه می‌کند.

پرسش: ایرانی‌ها می‌گویند ما ایمیلی فشار می‌آوریم.
اینکه حرف خنده‌داری بود و در شبکه‌های مجازی هم جوک شد که هیچ ایرانی را تهدید نکنید، چون به شما ایمیل خواهد زد! این‌جور ادبیات خوب نیست.

دولت یازدهم تمام موفقیت خود را به برجام گره زد

پرسش: دولت یازدهم تمام موفقیت خود را به برجام گره زد. از بحث اقتصاد گرفته تا شغل، آب خوردن و مسائل مختلف. دستاوردش هم همین برجام بود، ولی تا به حال هیچ نتیجه ملموسی حداقل در جامعه نداشته است. آینده دولت هنوز هم به برجام گره خورده است، بنابراین دست‌کم دولت باید کاری کند که برجام نتیجه ملموسی به همراه داشته باشد و ثانیاً جلوی مشکلات آن را بگیرد. ولی دولت این کار را انجام نمی‌دهد. علاوه بر اینکه دولت در برجام ۱ شکست خورده است، مسئله برجام ۲ را هم مطرح می‌کند. یعنی یک مدل شکست‌خورده را ادامه می‌دهد. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
اینکه برجام ۲ مطرح می‌شود به خاطر این است که برجام ۱ موفق نبود و دستاوردهایی را که باید می‌داشت، نداشت. از این طرف دولت در پی دستاوردهایی است و طرف امریکایی هم این را فهمیده است و می‌گوید اگر می‌خواهی این چیزها را به تو بدهم، این کارها را هم انجام بده. همان مثال ۲۰۰ میلیون قیمت خانه.
پس دلیل اینکه دنبال برجام ۲ هستند به خاطر این است که چاره دیگری ندارند. فکر می‌کنند در حوزه‌های دیگری امتیاز بدهیم شاید این بار امریکایی‌ها دلشان بسوزد. البته تحلیل ما این است که به نفع امریکا نیست که جریانات غرب‌گرا در مملکت ما زمین بخورند و لذا پیش‌بینی می‌کنیم که قبل از انتخابات ریاست جمهوری، امریکایی‌ها دوپینگی خواهند کرد. از نظر

منطقی اگر عقلشان برسد باید قبل از انتخابات ما دوپینگ کنند تا افرادی که غرب‌گرا و به دنبال بزک کردن چهره امریکا هستند جایی برای صحبت داشته باشند. متأسفانه از این افراد زیاد هم داریم. این‌ها باید بتوانند چیزی بگویند که آبرویشان بیش از این نرود و برای اینکه بتوانند در انتخابات پیروز شوند، قاعدتاً این اتفاق باید بیفتد.

مذاکره‌کنندگان وضعیت فعلی را پیش‌بینی نمی‌کردند

پرسش: در این بازه زمانی به نفع دولت است که از طرف مقابل امتیاز بگیرد یا کمیسیون‌های چند مرحله‌ای را که برنامه‌ریزی کرده است پیگیری کند؟

این کار که خیلی جواب نمی‌دهد. بحثی که می‌کردند این بود که می‌گفتند ما می‌دانیم امریکایی‌ها پدر سوخته‌اند، ولی می‌خواهیم اروپا را از امریکا جدا کنیم. قبلاً این حرف را می‌زدند. البته دوستان وضعیت فعلی را پیش‌بینی نمی‌کردند و تصور می‌کردند حداقل در ظرف یک سال پول‌های بلوکه شده ایران برمی‌گردد، ولی می‌دانستند امریکایی‌ها به هر حال اذیت خواهند کرد و می‌گفتند می‌خواهیم بین امریکا و اروپا اختلاف ایجاد کنیم. متأسفانه این هم اتفاق نیفتاد. الان اروپایی‌ها می‌خواهند یک پرونده جدید هسته‌ای برای ما باز کنند و بانی آن هم آلمان است. آلمان الان مدعی ما در حوزه هسته‌ای شده است. قرار بود یکی از دستاوردهای برجام این باشد که پرونده هسته‌ای بسته شود. گفتیم می‌رویم امتیاز می‌دهیم و طرف مقابل هم ما را در قالب PMD محکوم می‌کند و بعد هسته‌ای بسته می‌شود و از آن به بعد هم دیگر کشور نمی‌تواند در زمینه هسته‌ای حرکتی کند. این همه تلاش کردند که PMD بسته شود، الان دوباره اروپایی‌ها می‌خواهند یک پرونده هسته‌ای جدیدی را برای ما باز کنند. طرف مقابل کاملاً متوجه شده است که روش صحیح برخورد با ایران چیست. روش صحیح برخورد با ایران این است که غرب ساختارهای تحریم‌ها را نگه دارد و یک سری موارد را نصفه و نیمه بدهد. حالا در داخل کشور هم اختلاف است. ما ۳ میلیارد در قالب برجام گرفته‌ایم و می‌خواهیم ۲۵ میلیارد بدهیم و هواپیما بخریم! بعضی‌ها می‌گویند ۳ میلیارد بهتر از هیچی است. می‌گویند درست است که امریکایی‌ها به تعهداتشان عمل نکردند، ولی ما بالاخره یک چیزی گرفتیم.

تمام داشته‌هایمان را در مذاکرات دادیم ولی مشکلات حل نشد

داشته ما چه بود که پای میز مذاکره قابل خرج کردن بود؟ هسته‌ای. این داشته را دادیم که مشکلاتمان حل شوند، نه اینکه ۳ میلیارد بگیریم. ۳ میلیارد پول کمی نیست، ولی در مقابل

۲۵ میلیاردی که می‌خواهیم بدهیم و چند هواپیما بخریم پول زیادی نیست.
دغدغه، مشکل و دعوا این است که مشکلات باقی مانده‌اند. ما یک سری پرونده ۲ میلیاردی داشتیم که بردند، یک ساختمان در نیویورک داشتیم که بردند. یک سری پرونده‌هایی بودند که بعد از برجام نقد شده‌اند. ۴۰۰ میلیون هم به ما دادند که آقای کری گفت باید خیلی بیشتر می‌دادیم و فعلاً همین ۴۰۰ میلیون را می‌دهیم. خاطرتان هست این پول نقد را با هواپیما فرستادند. چرا؟ چون مشکل نقل و انتقال پول حل نشده و تنها راه این بود که اسکناس بفرستند.
داشته ما هسته‌ای بود. آن را دادیم که مشکل حل شود و مشکل حل نشده است! اگر طرف مقابل بخواهد منت می‌گذارد و یک مورد ما را حل می‌کند. اگر هم نگذارد که هیچ. آقای اوباما هم که چند ماه دیگر می‌رود. آبان ماه انتخابات امریکاست و آقای اوباما دی‌ماه می‌رود و آقای کری هم دیگر وزیر امور خارجه امریکا نیست. این‌ها که بروند، چه خانم کلینتون بیاید، چه آقای ترامپ وضعیت از این بدتر خواهد شد. مشکلات ما حل نشدند، منتهی آنچه را هم که برای فروش داشتیم از دست ما گرفتند.

با وضعیت کنونی شکست برجام چه باید کرد؟

پرسش: ما در مواجهه با این وضعیت چه ابزارهائی را در اختیار داریم که می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم و دولت استفاده نمی‌کند. بعضاً می‌شنویم این ابزارها هم دارند کم‌کم مثل قضیه هسته‌ای تضعیف می‌شوند و به همان سمتی می‌روند که صنعت هسته‌ای کشورمان رفت.

اولین قدمی که ما باید برداریم این است که درک کنیم هدف طرف مقابل چیست. این درک باید در همه کشور وجود داشته باشد. یک زمانی عده‌ای می‌گفتند بروید و با امریکا مذاکره کنید و امتیاز بدهید تا مشکلات حل شوند. می‌گفتند امریکایی‌ها آدم‌های منطقی‌ای هستند، می‌روید و با آن‌ها صحبت می‌کنید و امتیاز هم می‌دهید، ولی مشکلاتتان حل می‌شود. می‌گفتند روس‌ها آدم‌فروش و بیخود هستند، ولی امریکایی‌هایی خوب‌اند. حالا کشور رفته و به این حرف عمل کرده و امتیاز هم داده، زیاد هم امتیاز داده است. آقای کری بارها گفته است ایران برای رسیدن به بمب چهار مسیر دارد که ما هر چهار مسیر را بسته‌ایم. چیزی بیشتر از این هم از ما نمی‌خواست و گفت خیلی متشکر. همین خوب است. اتفاقی که در عمل افتاده این است که امریکا نه‌تنها به تعهداتش عمل نکرده، بلکه وضعیت را بدتر هم کرده است، از جمله قضایای جدید ویزا. باید این درک را پیدا کنیم که طرف مقابل چه طراحی‌ای برای ما دارد؟

قدم دوم این است که همه کشور باید به یک اجماع برسند. این مسئله بسیار مهمی است. یعنی کسانی که درگیر برجام بوده‌اند، حداقل وضعیت موجود را بیان کنند. نمی‌خواهد اعتراف یا عذرخواهی کنند، چون به هر حال کار سختی است، ولی واقعیت را بگویند. مثل حرف‌هایی که آقای سیف زد. نگویند برجام شمس‌الضحی و خورشید تابان است که واقعاً مزاح است، قداست بی‌جهت نسبت به برجام ایجاد نکنند و نسبت به امریکا هم یک اجماع صورت بگیرد و معلوم شود که امریکا چه جانوری است. سه سال است داریم با امریکایی‌ها مذاکره می‌کنیم. آقای ظریف در مذاکره با آقای کری رکورد زده است. در طول تاریخ امریکا هیچ وزیر امور خارجه‌ای این‌قدر وقت برای مذاکره نگذاشته است. مذاکره کردید و امتیاز هم دادید. حالا باید این امریکا چه نوع حکومت و سیستمی است؟ چه موجودی است؟ نیاز هست در کشور در این باره اجماع صورت بگیرد.

پس قدم اول این است که متوجه شویم طراحی امریکا چیست. آقای شمخانی گفته بود امریکا نمی‌خواهد ساختار تحریم‌ها را بردارد، پس نگوییم تحریم‌ها ترک برداشته‌اند و از این حرف‌های بیخود نزنیم. هم آقای شمخانی درگیر بحث‌های برجام بود، هم آقای دکتر سیف داخل دولت است. چرا این افراد راحت‌تر صحبت می‌کنند؟ چون خودشان درگیر مذاکره نبودند. آن‌هایی که درگیر مذاکره بودند به خاطر نکاتی که عرض کردم نمی‌توانند راحت حرف بزنند.

پس قدم اول شناخت طراحی طرف مقابل است و قدم دوم اجماع در کشور نسبت به اینکه ماهیت امریکا چیست. این کارهائی است که در حال حاضر می‌شود انجام داد.

۷۶ لایحه، طرح و بیانیه ضد ایرانی بعد از برجام

پرسش: باید نگاه رفیق‌گونه از بین برود و اعتراف کنند که دشمن داریم.

دشمن هستند و دشمنی‌هایشان بیشتر هم شده است. دیروز سری به سایت کنگره امریکا congress.gov قسمت ایران زدم و چک کردم. در آنجا ۱۰۱ طرح، بیانیه و لایحه ضد ایرانی وجود داشت.

پرسش: از چه تاریخی؟

در کل کنگره ۱۱۴. از این ۱۰۱ مورد ۷۶ مورد مربوط به بعد از برجام است. یعنی تقریباً سه چهارم. فشارها بیشتر شده و تحریم‌های جدیدی اعمال شده‌اند. این تازه ابتدای کار است. اشاره کردم چه خانم کلینتون بیاید چه آقای ترامپ، وضع بدتر می‌شود. لازم نیست کار خاصی

هم بکنند. کافی است همین ۱۰۱ مورد را در فرآیند تصویب ببرند، وضعیت خراب می‌شود. از این جهت ما باید متوجه این قضیه شویم و بعد طراحی و اجماع کنیم و برای طرف مقابل طراحی ملی داشته باشیم. این حالت نباشد که دوستان در دولت کاری می‌کنند، عده‌ای انتقاد می‌کنند، ولی آن‌ها اعتنا نمی‌کنند. اجماع که شد، نسبت به طرف مقابل اجماع داشته باشیم. این می‌شود روش برخورد که بفهمیم ماهیت طرف چه بوده است؟ می‌خواهد چه کار کند و طراحیش چیست؟ و بعد برای طراحی طرف مقابل برنامه‌ریزی کنیم. این اتفاق تا به حال نیفتاده و دوستان به جای اینکه برای طرف مقابل طرّاحی کنند، برای منتقدان داخلی طراحی می‌کنند که با این‌ها چگونه برخورد کنیم که در انتخابات از آن‌ها ببریم. این نگاه برای کشور سم است. هر دو طرف هم باید دقت کنند. هم دوستان در دولت نباید به مباحث سیاست خارجی نگاه انتخاباتی داشته باشند، هم منتقدان دولت.

پرسش: گام اول و شروعش با دولت است؟

هر دو طرف باید مواظب باشند. برجام یک بحث ملی است. اصلاً بحث جمهوری اسلامی هم نیست، بحث کشور است. ما کشوری به نام ایران داریم که منافعی دارد. نباید دولتی را داشته باشیم که منابع و منافع کشور را به حراج بگذارد. نباید به منافع ملی کشور نگاه سیاسی داشت و دولت نباید از این موضوع برای انتخابات ریاست جمهوری استفاده کند. خوب نیست. آن طرف موضع‌گیری می‌کند و بعد چه کسی متضرر می‌شود؟ مردم و کشور. برجام یک بحث ملی است و نگاه کارشناسی می‌خواهد. باید دید طراحی طرف مقابل چیست و طراحی ما باید چه باشد. چندان موضوع پیچیده‌ای نیست.

برجام توافقی خوب برای امریکا و اسرائیل

پرسش: حضرت آقا تعبیری داشتند که اگر آن‌ها توافق را پاره کنند، ما آن را آتش می‌زنیم. با توجه به اینکه انتخابات امریکا در پیش است، چرا این حرف از طرف آقا مطرح می‌شود و چه تأثیری ممکن است بر انتخابات امریکا بگذارد؟ سؤال دوم این است که هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری که انتخاب شوند، به صورت عملی چه اقداماتی علیه یا له برجام انجام خواهند داد؟

برداشت ما این است که کسی در امریکا برجام را پاره نخواهد کرد. چرا پاره کند؟ برای امریکا توافق خوبی است. آقای نتانیاهو هم که بعد از توافق ژنو در کنگره امریکا سر و صدا راه انداخت، طبق گفته آقای کری در کنگره، الان همراه شده است. دولت اوباما ممکن است برای گرفتن امتیاز بیشتر نقش پلیس بد را ایفا و سر و صدا کند، ولی در عمل برجام برایش توافق خوبی

است. این روزها مقامات اسرائیلی‌ای که بازنشسته می‌شوند همگی طرفدار برجام هستند. رئیس اطلاعات رژیم صهیونیستی دو هفته پیش که بازنشسته و محدودیت‌های اداری از او برداشته شد، اعلام کرد که برجام توافق خوبی است. بیش از ۲۰ تن از مقامات بلندپایه سابق اسرائیل اعلام کرده‌اند که برجام چیز خوبی است. برجام نه برای اسرائیل بد است، نه برای امریکا، از این جهت کسی برجام را پاره نخواهد کرد. آقا که به این نکته اشاره کردند، کمی بعد از آن به نقض گسترده هم اشاره کردند. قطعاً نقض گسترده خواهند کرد. چرا؟ چون دیدند هر بار که نقض کردند، فرد ناآگاهی در داخل کشور نقض را توجیه کرد. شما خودتان را جای امریکایی‌ها بگذارید. اگر نقض کردید و یک نفر از طرف مقابل آمد و آن را توجیه کرد، طبیعتاً دو باره نقض می‌کنید. این اتفاق خواهد افتاد و صبر جمهوری اسلامی هم بی‌انتها نیست. نقض گسترده هم همان است.

به نظر من چه خانم کلینتون بیاید چه آقای ترامپ، وضعیت بدتر خواهد شد. تیم آقای اوباما درون حزب دموکرات در اقلیت است و الان هم دارند از دولت خارج می‌شوند و برخورد خانم کلینتون با ایران بسیار هوشمندانه‌تر و در مقایسه با ترامپ سخت‌تر خواهد بود. هم خودشان طراحی دارند، هم اگر طراحی نداشته باشند کافی است کنگره کارش را انجام بدهد که همان به‌شدت ضربه خواهد زد، یعنی تحریم‌های جدید و فشار بیشتر. سیستم تحریم هم که جواب داده است، پس آن را ادامه خواهند داد.

طراحی دشمن برای از بین بردن اهرم‌های قدرت ایران

برای کشور ما طراحی دارند. انتخابات سال ۱۳۹۲ ما انتخابات بین اقتصاد خوب و هسته‌ای بود. به مردم گفتند اگر اقتصاد خوب را می‌خواهید باید هسته‌ای را بدهید. یک عده هم باور کردند که اگر هسته‌ای را بدهیم اقتصاد خوب می‌شود. الان هم همان فرمول است، ولی این بار می‌گویند اگر اقتصاد خوب می‌خواهید باید سپاه را بدهید. برای انتخابات سال ۱۳۹۶ برنامه‌شان این است، چون سپاه بازوی قدرت منطقه‌ای کشور است و این‌ها با این بازوی منطقه‌ای مشکل دارند. سپاه است که بحث موشکی را در کشور پیگیری می‌کند. این‌ها نمی‌خواهند ایران سیستم موشکی قوی داشته باشد، چون می‌خواهند انتخاب روی میز واقعاً انتخاب باشد و واقعاً بشود به ایران حمله کرد. از این جهت در انتخابات سال ۱۳۹۶ انتخاب بین اقتصاد خوب و سپاه است و می‌گویند باید یکی را انتخاب کنید. قبلاً می‌گفتند با ایران نمی‌شود کار کرد. الان کری می‌گوید با ایران کار کنید، ولی با سپاه کار نکنید. جمله دومش هم این است که سپاه همه جای ایران هست. یعنی همان حرف قبلی را به زبان دیگری تکرار

می‌کند.
این طراحی طرف مقابل است. شناسایی اهرم‌های قدرت ما، گرفتن اهرم‌های قدرت ما، تضعیف کشور و سرنگونی جمهوری اسلامی. این توهم تعاملی است که دوستان در دولت دارند. آقای ابوطالبی قبل از برجام در سایت اطلاع‌رسانی دولت مقاله‌ای نوشته بود که اهمیت تعامل با امریکا بیش از پرونده هسته‌ای است و این فرصت تعامل را نباید از دست بدهیم. امریکایی‌ها می‌خواهند اهرم‌های قدرت را از ایران بگیرند و با ایران برخورد کنند. صد بار هم این را گفته‌اند، ولی دوستان در فکر تعامل هستند. این مشکل فکری دولت یازدهم بود. ما که هیچ نشانه‌ای از اینکه امریکایی‌ها می‌خواهند تعامل کنند ندیده‌ایم. اگر هم در موضوعات منطقه‌ای صحبت می‌کنند از همان فرمول برجام استفاده می‌کنند. یعنی روی کاغذ به ما تعهداتی را می‌دهند و ما هم مواردی را قبول می‌کنیم، ولی در میدان این‌ها را به ما نخواهند داد. این سبک معامله امریکایی‌هاست. به همین دلیل می‌گویند برجام ۲ و برجام ۳ می‌خواهیم. این هوشمندی باید در داخل کشور وجود داشته باشد که از همان محلی که یک بار گزیده شدیم، دو باره گزیده نشویم.

برجام زمینه‌ساز تزلزل موقعیت سیاسی ایران در منطقه

پرسش: بعد از برجام این ذهنیت در منطقه ایجاد شد که ایران می‌خواهد دست از حمایت خود از محور مقاومت بردارد. حتی سید حسن نصرالله در سخنرانی عاشورای خود هم به این مسئله اشاره می‌کند که این طور نیست. مگر در برجام ادعا این نیست که فقط در زمینه هسته‌ای مذاکره کرده‌ایم و اگر این طور است پس چرا این ذهنیت ایجاد شده است؟ بماند که این ذهنیت دارد به‌تدریج به واقعیت تبدیل می‌شود، یعنی داریم می‌بینیم برجام ۱ به‌تدریج دارد به برجام ۲ تسری داده می‌شود. آیا مؤلفه‌های قدرت ما در منطقه دارند تغییر می‌کنند؟

جواب شما را وزیر خارجه بحرین داد. آقای کری چند وقت پیش به بحرین رفته بود. حرف وزیر امور خارجه بحرین این بود که ایران در حوزه هسته‌ای به شما امتیاز داده است و دارد مشکلاتش را با غرب حل می‌کند. بیاید و مشکلاتش را با ما هم حل کند. حالا از ما می‌پرسد شما که به غرب امتیاز دادید، چرا به ما نمی‌دهید؟ بحث شیخ‌نشین‌ها و دولت‌های مرتجع منطقه این است که ما که به شما می‌گفتیم نمی‌شود با امریکایی‌ها در افتاد. گوش نکردید و حالا دارید به این نتیجه می‌رسید. حالا هم که آمده‌اید بروید ته صف بایستید، چون ما سال‌هاست در خدمت امریکایی‌ها هستیم. جلو نزنید و ته صف بایستید، بعد هم رابطه‌تان را با ما صاف کنید. آن‌ها احساس می‌کنند ایران ضعیف شده است. چرا؟ چون امریکایی‌ها

صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور ما را شنیدند که گفت آب کشور ما به مذاکرات بستگی دارد. آن را به انگلیسی ترجمه کردند و عرب‌ها هم به عربی و به این نتیجه رسیدند که ایران ضعیف شده است و تصمیم گرفتند فشار را بیشتر و کار را تمام کنند.

فشار عربستان بر ایران پس از برجام

یکی از دلایلی که در ماه‌های بعد از برجام عربستان فشارها را بر ایران زیاد کرد همین است. او در کشور ما ضعف را احساس می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که الان موقع امتیاز گرفتن از ایران است.

مجموعه‌ای در حاکمیت عربستان هست که پول زیادی دارد. رئیس‌جمهور ما می‌گوید خزانه خالی است. دفعه بعد که مذاکره انجام می‌شود، طرف مقابل به ایران چه می‌گوید؟ می‌گوید شما که خزانه‌ات خالی است، اصلاً چرا هسته‌ای .اعم از صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز .داری؟ هسته‌ای پول می‌خواهد. شما که می‌گویی پول نداری پس هسته‌ای می‌خواهی چه کار؟ این یعنی ادبیات ضعف در کشور، چه در حوزه اقتصادی، چه در حوزه نظامی... وزیر امور خارجه ما می‌گوید امریکا با یک بمب سیستم نظامی ما را از کار می‌اندازد. این ادبیات را از طرف ایران می‌شنوند، بعد می‌بینند خودشان پول زیادی دارند. بعد هم عربستان به ساختار وزارت خارجه خودش نگاه می‌کند و می‌بیند دیپلمات‌های عربستانی نسبت به دیپلمات‌های ما آدم‌های قدرتری هستند. آن‌ها نسبت به یک‌سری از آرمان‌ها و اهرم‌های قدرت خودشان به‌شدت پایبندند. متأسفانه در وزارت امور خارجه ما آدم‌هایی هستند که اگر هم یک زمانی انقلابی بوده‌اند، الان قطعاً انقلابی نیستند. رئیس‌جمهور ما انقلابی بودن را نهی می‌کند و می‌گوید شهید مطهری مخالف اسلام انقلابی بود. شهید مطهری مخالف اسلامی بود که فقط یک بعد از اسلام را می‌گیرد و به ابعاد دیگر توجه نمی‌کند. جمله‌ای از ایشان را پیدا می‌کنند و انقلابی بودن را کلاً زیر سؤال می‌برّند. وقتی رئیس‌جمهور این‌جوری صحبت می‌کند، کارمند وزارت امور خارجه و سفیر چه کار می‌خواهد بکند؟ طرف مقابل هم این را می‌بیند و می‌شنود. بعد هم می‌بینند که سفرای خودش آدم‌های قدرتر و جدی‌تری هستند و به آرمان‌های کشورشان علاقه بیشتری دارند تا دیپلمات‌های ایرانی. دیپلمات‌های ایرانی یکی‌شان دنبال تجارت می‌رود و دیگری دنبال نمی‌دانم چه و توجیه بی‌جهت هم که الی ماشاءالله! حالا شما خودتان را جای مقامات عربستان بگذارید. پول دارید، سلاح هم از امریکا خریده‌اید، طرف مقابلتان هم احساس ضعف می‌کند، خودتان را هم آدم جدی‌تر و قدرتری میدانید. خب باید هم همین‌طور برخورد کنید. ما نباید از نوع عملکرد عربستان تعجب کنیم. باید همین‌طوری

برخورد کند و این کار را هم دارد می‌کند.

برجامِ ایران را در موضع ضعف و انفعال بین‌المللی قرار داد

پرسش: یعنی این یک روند طبیعی است.

بله، طبیعی است، چون شما از خودت ضعف نشان داده‌ای. در دنیا قانون جنگل حاکم است، بنابراین هر کسی در هر جایی ضعف نشان بدهد، به او رحم نمی‌کنند، بلکه فشار را بیشتر می‌کنند تا کار را تمام کنند. این فرهنگ غالب دنیاست. البته در فرهنگ ما این طور نیست. اگر دو نفر در کوچه دعوایشان شود و یک طرف کوتاه بیاید، طرف مقابل هم باید کوتاه بیاید. اگر کوتاه نیاید، مردمی که جمع شده‌اند، خودشان برخورد می‌کنند و می‌گویند آقا! صلوات بفرست. او کوتاه آمد، شما چرا کوتاه نمی‌آیی؟ این فرهنگ ماست، ولی فرهنگ دنیا این طور نیست. در فرهنگ دنیا اگر کسی کوتاه بیاید، طرف مقابل احساس می‌کند او ضعیف شده و هجمه را بیشتر می‌کند تا کار را تمام کند. به همین دلیل مذاکره کردن با فرهنگ ایرانی در دنیا جواب نمی‌دهد. اگر بخواهید فرهنگ ایرانی را با فرهنگ امریکایی مقایسه کنید، به ورزش‌هایی که ما انجام می‌دهیم نگاه کنید. ورزش سنتی ما ورزش زورخانه‌ای است که در آن فرصت، رخصت، شعر، ادبیات، مدح، جوانمردی و... وجود دارد. ورزش سنتی امریکایی‌ها فوتبال امریکایی (راگبی) است. یک عده آدم‌های خرس گنده جمع می‌شوند و سرهایشان را به هم می‌کوبند و تا می‌توانند همدیگر را می‌زنند. این کجا و فرصت و رخصت کجا؟ این فرهنگ امریکایی است. فرهنگ خشونت و زور. امریکایی قدرت زور را می‌فهمد. زور داشتی، به تو احترام می‌گذارد. زور نداشتی و ضعیف شدی و رئیس‌جمهورت حرف‌های بیخود و نامربوط زد و او در تو احساس ضعف کرد، قطعاً فشار را زیاد می‌کند و این اتفاق افتاده است. یعنی برجام به‌جای اینکه فشار را کم کند، بیشتر کرده است.

پرسش: قرار بود برجام تغییرات بنیادین در روابط بین‌المللی ایجاد کند. خیلی از مسئولین جمهوری اسلامی از تعابیر تغییرات بنیادین در روابط بین‌الملل، فصل جدیدی در روابط بین‌الملل و یا تاریخ روابط بین‌الملل استفاده کردند.

بله، این‌ها شعارهایی بودند که به نظر من خودشان هم باور نداشتند. کسی که واقعاً این طوری فکر کند، معلوم است اصلاً دنیا را نشناخته است. مشکلی که دوستان دارند این است که نه امریکا را شناخته‌اند و نه خودشان را.

ظریف درک صحیحی از طرف مقابل نداشت

پرسش: ولی به جایش انگلیسی را با لهجه صحبت می‌کنند!

اتفاقاً این بد نیست که یک دیپلمات بتواند انگلیسی را درست صحبت کند تا اینکه با خودش مترجم ببرد. انگلیسی را درست صحبت کردن و سابقه دیپلماتیک داشتن خوب است، اما از هر دو بهتر شناخت طراحی طرف مقابل است. آقای ظریف انگلیسی‌اش خیلی خوب بود، دیپلمات باسابقه‌ای هم بود، منتهی درک صحیحی از طراحی طرف مقابل نداشت. دوستان داخل وزارت امور خارجه هم پیش‌بینی نمی‌کردند وضعیت این جوری بشود. طراحی دشمن را متوجه نشدند.

ما داخل کشور نسبت به غرب مشکلی داریم که مربوط به چند صد سال پیش تا حالاست و آن هم حالت اروپامحوری است. این اصطلاح هم مال خودشان است، یعنی آدم‌هایی را که دائماً به اروپا توجه می‌کنند Euro centering، یعنی اروپامحور می‌نامند. زمانی که شما به کسی عشق و علاقه داشته باشید، نقاط منفی و زشتی‌های معشوق را بعضی وقت‌ها درک نمی‌کنید. فرد باید بفهمد طراحی مقابل چیست. خودش هم نفهمید، آدم‌های مقابل به او می‌گویند قضیه چیست، ولی باز مسیر دیگری را می‌رود.

تعامل با امریکا، هدف دولت یازدهم

یکی از مشکلات اصلی دوستان در دولت یازدهم این بود که دنبال تعامل با امریکا بودند. چرا رفتند دنبال بوئینگ؟ آیا بوئینگ در مقایسه با ایرباس هواپیمای بسیار بهتری است؟ نه، این‌ها می‌خواستند ۲۵ میلیارد به بوئینگ بدهند که با امریکا تعامل داشته باشند. همان کاری که آقای هاشمی زمانی که رئیس‌جمهور بود کرد. می‌خواست با شرکت‌های امریکایی تعامل برقرار کند و به شرکت‌های نفتی امریکایی گفت بیایید و در ایران سرمایه‌گذاری کنید. این نیروها آمدند. نیروهای ضدایرانی پی بردند و قانون داماتو از آنجا در آمد و شرکت‌های امریکایی را از سرمایه‌گذاری در ایران منع کرد. بعد شرکت‌های امریکایی اعتراض کردند که شما در واقع ایران را تحریم نکردید، بلکه ما را تحریم کردید. حالا شرکت‌های شرق آسیا به ایران می‌آیند و ما عقب می‌افتیم. در نسخه‌ای که تصویب شد، هم شرکت‌های امریکایی منع شدند، هم دیگر شرکت‌ها. آقای هاشمی آمد ابرو را درست کند، چشم را هم کور کرد. حتماً اخلاص هم داشت، ولی طراحی طرف مقابل را نفهمید. این تعامل باید دو سویه باشد، نه یک‌سویه. نمی‌شود فقط شما علاقمند باشی و طرف مقابل علاقه نداشته باشد. زوری هم نمی‌شود علاقه ایجاد کرد. متوجه این نکات نشدند، لذا می‌خواستند به‌زور بگویند که بیایید

با ما تعامل کنید. طرف هم می‌گوید می‌خواهم حکومت شما را سرنگون کنم. چرا باید بیایم و با شما تعامل کنم؟ این‌ها را دقت نکردند.

خوب است که انسان زبان بلد باشد، ولی زبان فهمیدن و زبان صحبت کردن کافی نیست. باید درک هم نسبت به طرح‌های طرف مقابل وجود داشته باشد. نه امریکا را فهمیدند، نه خودشان را. معلوم نیست طرف روحانی است؟ متجدد است؟ سنتی است؟ علاقمند به امریکاست؟ علاقمند به اسلام است؟ قاتی کرده‌اند. صلح امام حسن (ع) را یک جور دیگر توجیه می‌کنند. اسلام را همین طور.

حرف‌های نامربوط در این دو سه سال زیاد زدند. تمدن اسلامی و جایگاه خودشان را در دنیا نفهمیدند و گفتند زیر پرچم امریکا برویم. اگر واقعاً معتقد به اسلام و آشنا به دستورات اسلامی باشید، چگونه می‌خواهید زیر پرچم امریکا سینه بزنید؟ این تفکر آقایان بود که می‌آییم و در زمینه هسته‌ای امتیاز می‌دهیم و آن‌ها به ما نظر بهتری پیدا می‌کنند و به ما اجازه حکومت می‌دهند.

دولت یازدهم و تکرار اشتباه قذافی

قذافی احمق هم همین طور فکر می‌کرد. به او گفتند هسته‌ای را بده، داد. موشکی را هم بده. قذافی می‌توانست با موشک‌هایش رم را بزند. موشک‌ها را هم داد. چه کارش کردند؟ به او حمله کردند و تمام. مُرسی هم همین طور. جمعیت اخوان زودتر از ما مبارزه سیاسی را شروع کرده بود. این‌ها ۸۰ سال قدمت کار سیاسی دارند. اما مرسی زمانی که به حکومت رسید، شروع کرد با سفیر امریکا چای و قهوه خوردن. آن‌ها هم در اولین فرصتی که پیدا کردند، سرنگونش کردند. مردم هم دیگر پای کار نیامدند، چون دیدند مرسی هم مبارک دوم شد. گفتند برای چه کشته شویم؟ عرفات هم همین مشکل را داشت. مدتی چریک بود و بعد به این نتیجه رسید که برویم و با امریکا تعامل کنیم. وضعیت عرفات را دیدیم. صدام هم همین طور. پس چه کسی الگوی خوبی است؟ امام. ادبیات امام را نگاه کنید کجاست و ادبیاتی را که دوستان در قبال امریکا تولید می‌کنند کجا. این‌ها خودشان که نفهمیدند به کنار، ولی معلم خوبی مثل امام داشتند. آن آموزه‌ها را رها کردند و به سراغ ادبیاتی رفتند که آقای قذافی و آقای مرسی در حوزه سیاست خارجی تولید کردند. طبیعی است که شکست می‌خوریم. ما هم آدم خیلی انقلابی‌ای نیستیم و اگر می‌شد با امریکایی‌ها تعامل کرد، می‌رفتیم و تعامل می‌کردیم، اما طرف مقابل حاضر نیست و چون این طور است جز مقابله چاره‌ای نیست. این نکته‌ای است که رهبری بارها گفته‌اند که کشور باید قوی شود و وقتی قوی شد، چون طرف

مقابل زبان زور را می‌فهمد، دیگر خیلی نمی‌تواند با ایران کاری داشته باشد.

ظریف راه پیشرفت را در تعامل با امریکا می‌داند

شنیده‌اید بعضی‌ها می‌گویند ما از مدل چینی پیروی می‌کنیم. فکر می‌کنند چین به این دلیل پیشرفت کرده که با امریکا ساخته است. ممکن است با امریکا ساختن در حوزه اقتصاد منافعی هم برای شما داشته باشد، منتهی یک پیش‌شرط دارد و آن هم این است که امریکایی‌ها طمع سرنگونی حکومت شما را نداشته باشند.

چرا ما نمی‌توانیم از مدل چینی پیروی کنیم؟ کتاب آقای ظریف را بخوانید. تفکر آقای ظریف این است که ما باید مدل چینی را در پیش بگیریم. ما چرا با چین تفاوت داریم؟ دو دلیل دارد. یکی این است که زمانی که چین و امریکا با هم توافق کردند، چین بمب اتمی داشت و امریکایی‌ها این ادبیات را که همه گزینه‌ها روی میزند و می‌خواهیم حکومت شما را سرنگون کنیم در مورد چین به کار نمی‌بردند. تفاوت دوم این است که رابطه چین و اسرائیل بد نیست. اخیراً اسرائیلی‌ها قومی را در چین پیدا کرده و به آن‌ها گفته‌اند شما یهودی هستید و خودتان خبر ندارید! همان بلایی که سر امریکا آوردند. جمعیتی را به آنجا بردند و مستقر کردند و در سیستم سیاسی .اقتصادی امریکا نفوذ دادند. حالا همان بلا را هم می‌خواهند سر چین بیاورند، چون چین دارد تبدیل به یک قدرت می‌شود و می‌خواهند این تجربه را تکرار کنند. نقدی که امریکایی‌ها به اسرائیلی‌ها دارند این است که سلاح امریکایی را می‌خرد و به چین می‌فروشد. دارد تکنولوژی را به چین می‌فروشد و لذا رابطه‌شان خوب است. هر وقت ایران و امریکا می‌خواهند رابطه‌شان را نزدیک کنند، لابی صهیونیستی چوب لای چرخشان می‌گذارد، اما چین این مشکل را ندارد.

نمی‌شود با تفکرات و الگوهای غیر واقعی سیاست خارجی کشوری را تنظیم کرد. اگر این اتفاق بیفتد، می‌شود وضعیت دولت فعلی.

دولت منافع حزبی را بر منافع ملی ترجیح می‌دهد

پرسش: به نظر شما این عدم توجه به درک موقعیت چقدر از طرف دولتمردان ادامه می‌یابد؟ و اگر نکته‌ای هم هست که سؤال نکرده‌ایم بفرمایید.

چون بحث سیاست خارجی در ذهن آقایان با انتخابات گره خورده است، اینکه آقایان بخواهند به‌طور خودجوش اصلاح کنند، نمی‌دانم. قاعدتاً باید این کار را بکنند و بگویند منافع حزبی ما اولویت دوم، منافع کشور اولویت اول، ولی این‌ها چندان سابقه خوبی در حفظ منافع

ملی ندارند و بیشتر دغدغه‌های حزبی دارند.
آیا تا به حال دقت کرده‌اید؟ آقای روحانی هر بار که درباره برجام یک صحبت جدی داشته، درباره انتخابات هم یک چیزی گفته است. باید این روند را اصلاح کنند. کشور به یک بازبینی جدی و عمیق در حوزه سیاست خارجی نیاز دارد. شیوه‌هایی را امتحان کرده و دیده‌ایم که جواب نداده‌اند. الان باید بازبینی کنیم و ببینیم چرا این اتفاق افتاد و اصلاح کنیم. این روش صحیح کار است، ولی اینکه دولت بخواهد انجامش بدهد، بعید می‌دانم. امیدواریم انجام بدهند، ولی معلوم نیست.

پیش‌بینی افزایش فشارهای امریکا بر ایران

پرسش: آینده این روند را چگونه می‌بینید؟

آینده این است که انتخابات در امریکا برگزار خواهد شد. فشارها بر ایران افزایش پیدا خواهند کرد. برجام بیشتر نقض خواهد شد. آن‌ها دشمن هستند و از دشمن انتظاری غیر از این نیست. دشمن باید همین کارها را بکند. در داخل کشور هم متأسفانه به نظر می‌رسد که همچنان رفتار امریکایی‌ها را توجیه خواهند کرد و علاقه دارند که شکست پروژه برجام را گردن کسی، سپاه و حسین شریعتمداری یا... بیندازند. به نظر می‌رسد متأسفانه این روند ادامه خواهد داشت. دست ما خیلی به امریکایی‌ها نمی‌رسد و آن‌ها دشمنی خودشان را می‌کنند. حداقل در داخل کشور، دوستان باید سیاست‌های غلطشان را اصلاح کنند. اعتراف زبانی هم نکردند که اشتباه کرده‌اند، در عمل مسیر حرکت را عوض کنند. این انتظار هست.



واکاوی اهداف اصلی دولت یازدهم از مذاکرات هسته‌ای
مذاکره بهانه‌ای برای رابطه با امریکا

دکتر حسین کچویان
استاد دانشگاه تهران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

این روزها بعد از اذعان مسئولین مختلف از جمله آقای ظریف به بی‌ثمری برجام برای ایران در سفر به نیویورک، ممکن است تصور شود که دولت آقای روحانی به ارزیابی متفاوتی از توافق برجام دست یافته است. چنین تصوری از این اقرار دیرهنگام اصلاً درست نیست چرا که به نظر نمی‌رسد تیم مذاکره‌کننده و مسئولین ارشد آن حتی در صورت فرو ریزی کامل برجام نیز تغییری در ارزیابی خود بدهند! اگر تمام شواهد و ادله ممکن از جمله اظهارات طرف‌های غربی مذاکره نیز برجام را یک شکست بزرگ و خسارت آمیز برای کشور نشان دهد، برای کسی که سرنوشت سیاسی خود و حتی فراتر از آن را، در گرو این توافق گذاشته، ممکن نیست که از موضع فتح الفتوح و پیروزی بزرگ تاریخی خواندن برجام عقب‌نشینی کند. به همین دلیل است که با وجود تمام دستاوردهای "تقریباً هیچ" برجام برای ما، آقای ظریف به دست پخت خود نمره بیست می‌دهد یا نمره بد به برجام را نه به لحاظ متن برجام که نتیجه بد عهدی آمریکایی‌ها می‌داند.

درک این که مشکلات موجود ناشی از نفس توافق و نه صرفاً بدعهدی‌های آمریکاست چندان دشوار نیست. اگر متن برجام و ارزیابی‌های دقیق کارشناسی که کراراً روی آن انجام گرفته است را به کناری بگذاریم و فقط به نحوه ورود آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده به روند دست‌یابی به توافق و اجرای پس از آن تمرکز کنیم، بدون هیچ ابهامی روشن خواهد شد که این روند اساساً نمی‌توانست دستاورد متفاوتی با آنچه اکنون شاهد آنیم را حاصل کند.

مجادلات بی‌پایان و مکرری که میان طرف ایرانی و آمریکایی در مورد عهدشکنی آمریکایی‌ها و عدم اجرای برجام از سوی آن‌ها از آغاز اجرای برجام جریان داشته است به این معناست که

بدعهدی آمریکایی‌ها، خروجی منطقی برجام و مستند به آن است. اینکه آمریکایی‌ها مکرر از انجام تعهدات خود و حتی این اواخر از انجام اقداماتی فراتر از تعهدات خود سخن می‌گویند چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا به این دلیل نیست که متن برجام آمریکایی‌ها را متعهد به بیش از آنچه که انجام داده‌اند نمی‌کند؟ آیا به این دلیل نیست که آقایان نتوانسته‌اند آنچه را که اکنون از آمریکایی‌ها متوقع‌اند در متن برجام گنجانده و به امضای طرف مقابل برسانند و حال چون نمی‌توانند بر اساس برجام خواهان آن باشند از بدعهدی آن‌ها سخن می‌گویند؟

حقیقت این است که متن برجام از این حیث واجد نقصان‌های جدی است و همین مسئله است که مانع از آن می‌شود که ما حتی بتوانیم به‌صورت رسمی ادعایی علیه آمریکایی‌ها مطرح کنیم کما اینکه تاکنون مطرح نکرده‌ایم. در واقع از این منظر تنها یک امکان برای دست آوردی متفاوت با آنچه اکنون به دست آمده متصور است که آن هم مشروط به خواست، لطف و کرم آمریکایی‌ها در حق برجام یا تمایل غیر الزامی آن‌ها به اجرای توافق می‌باشد.!!

حفره‌ها و شکاف‌های برجام به لحاظ متنی چنان عمیق و پر ناشدنی است که تعیین مقیاس یا اندازه‌ای برای وصف بزرگی و حجم عظیم آن حتی با استفاده از تمثیل‌های طبیعی چون دره‌های عمیق نیز حق مطلب را ادا نخواهد کرد. به طور مثال چه الزامی در قبول بلا استفاده و ویرانه سازی فردو وجود داشته است؟ در حالی که تنها دلیل آن خواست آمریکایی‌ها برای سهولت حمله به تأسیسات اتمی در صورت دست‌یابی به فرصت مناسب است. اگر حق ما برای غنی‌سازی در سطح مورد توافق پذیرفته شده است، اینکه در چه مکان یا جغرافیایی تأسیسات مربوطه را مستقر می‌کنیم چه ربطی به آن‌ها دارد؟ امتیاز بلا وجه و تحقیر کننده دیگر بتن‌ریزی قلب راکتور اراک است! در حالی که روش‌های دیگری برای تغییر کارکرد آن از آب سنگین به آب سبک وجود داشته و موضوع مذاکره نیز بوده است.

چرا الزام ما به عدم استفاده از تأسیسات آب سنگین بایستی بدین شکل تحقیرآمیز انجام شود تا یکی از دستاوردهای افتخارآمیز دانشمندان کشور از اساس ویران و تخریب گردد و موجبات رنجش عمیق روح و جان کسانی را فراهم سازد که با دست خالی و متکی بر اراده مؤمنانه و دانش خلاقه خود و در شرایط سخت تحریم به توفیق بزرگ ساخت این راکتور دست یافته‌اند؟ چگونه می‌توان تصور کرد که الزام کشور به محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای مستلزم قبول نظارت غربی‌ها بر فروش نفت و نحوه استفاده از درآمد حاصله از آن باشد!! دقیقاً همان کاری که با صدام به عنوان تمهیدی برای تضعیف تدریجی توان آن کشور و زمینه‌سازی برای حمله به آن انجام دادند. در حالی که این کار که به معنای اعطای بخشی از حق حاکمیت کشور به

بیگانه است حتی وضع ما را بدتر از قبل برجام کرد که علی‌رغم وجود مشکلات در فروش نفت و انتقال پول آن به داخل، حاکمیت خود بر آن را نفروخته و به اشکال مختلف می‌توانستیم راهی برای دور زدن آن مشکلات بیابیم.

چرا وقتی تمام درخواست‌های مربوط به محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای از سوی کشور پذیرفته شده است، ملزم به انجام معاملات تهاتری در حوزه تجارت خارجی باشیم و تنها حق خرید و فروش‌هایی را داشته باشیم که کمیته نظارت مربوطه، اجازه آن را صادر کند؟! به این بهانه که کالاهایی با مصرف دوگانه از دسترس کشور خارج گردد!! از ساز وکار رسیدگی به شکایات می‌گذریم که با قبول آن همیشه کشور در دستان غربی‌ها خاصه آمریکا اسیر و گرفتار گردیده، چون به سادگی امکان برگشت اوضاع به قبل از برجام و احیای تحریم‌ها را فراهم کرده است در حالی که احتمال توفیق کشور در طرح دعوا و شکایت را به صفر تقلیل داده است.

تمرکز بر رویکرد آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده به مذاکرات و نحوه تأمین شرایط و راهبردهای لازم برای دست‌یابی به توافقی معقول و متوازن، نشان می‌دهد که آقای روحانی از آغاز، اساساً اصل توافق و متن آن را فاقد موضوعیت دانسته و تماماً نگاه خود را بر خواست و تمایل غرب، خاصه آمریکا به بهبود رابطه با دولت خود متمرکز کرده است. یعنی مذاکره و توافق را صرفاً ابزاری برای بازگشایی یا مقدمه‌چینی برای ایجاد ارتباط دوباره با آمریکا می‌دیده است. در نتیجه آنچه وی بدان حساسیت و بر آن تمرکز داشته، نحوه انجام مذاکرات و دست‌یابی به توافق در مورد برنامه هسته‌ای کشور نبوده، بلکه اولاً و بالذات نشان دادن تمایل و آمادگی‌اش برای ورود در رابطه‌ای مطلوب با آمریکا و اطمینان بخشی در مورد جدیت خود و دولتش در این زمینه است که اولویت داشته است. بر همین اساس وی تیم مذاکره‌کننده را با دستورالعملی مشخص یعنی "دست‌یابی به توافق با هر هزینه و به هر شکل"روانه مذاکرات می‌نمود. همان‌گونه که در کمپین هر توافقی بهتر از عدم توافق است هم منعکس گردید. چنین رویکردی به هیچ رو امری پنهان نبود بلکه بعضاً دستور آقای روحانی در این خصوص از سوی وزیر امور خارجه تلویحاً یا تصریحاً بیان می‌شد. به این معنا نمی‌توان گفت آقای روحانی مطابق قول مشهور، با تعلیق کشور یا متوقف ساختن کلیه فعالیت‌ها و تمرکز بر سیاست خارجی، تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد برجام گذاشته بود، بلکه باید گفت آن‌ها را در کیسه اطمینان به آمریکا و تمایل تضمین شده آن کشور به رابطه با دولت خود جا داده بود.

بنابراین اینکه گفته شده اجرای موفقیت‌آمیز برجام تنها منوط و مشروط به لطف و مرحمت آمریکایی‌ها بوده است، امری ناخواسته و نامنتظر نبوده بلکه نتیجه منطقی رویکرد آقای روحانی به مذاکرات است. به تعبیر درست‌تر باید گفت نه نتیجه منطقی بلکه هدف مصرح و

آگاهانه این رویکرد و چگونگی انجام و پیشبرد مذاکره، همین بوده است!
با این فهم دلیل تمام رفتارهای عجیب و بهت‌آور آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده - که در روزهای آینده در این مجال بیان خواهد شد - به سادگی مفهوم می‌شود یا عادی، معمولی و بدون هیچ‌وجه شوک‌آور و عجیبی به شمار می‌آید. نه تنها آن رفتارها بلکه تمام آنچه حتی اکنون پس از شکست توافق و در واقع بی‌نتیجه و نادرست بودن اطمینان به آمریکا و سرمایه‌گذاری بر رفتار ملاطفت‌آمیز و سازگار آن‌ها می‌بینیم نیز در چارچوب این رویکرد، مفهوم و طبیعی خواهد گردید.
اگر مجالی بود با استناد به اظهارات مقامات آمریکا روشن می‌کردیم که آن‌ها حتی در حین مذاکرات با صراحت تمام نتیجه کنونی برجام را متذکر شده و بطور مثال آشکارا می‌گفتند که قرار نیست پول‌های بلوکه شده کشور پس از برجام برای انجام اقدامات ناخوشایند آن‌ها در منطقه، در اختیار ما قرار گیرد. از جمله این را نیز می‌گفتند که آن‌ها دقیقاً بر نحوه هزینه کرد مقدار پولی که بدست کشور می‌آید نیز نظارت خواهند کرد. اینکه چرا آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده هیچ‌گونه عکس‌العملی نسبت به این اظهارات که شایسته ترک میز مذاکره بود نشان نمی‌دادند و به‌راحتی حتی به خواست آن‌ها برای حفظ ساز و کار تحریم توسط آن‌ها رضایت دادند، کاملاً ذیل رویکرد پیش‌گفته قابل فهم بوده و با لحاظ آن اساساً مسئله‌ای مبهم یا سؤالی قابل طرح باقی نخواهد ماند.
اینکه مذاکرات برجام برای آقای روحانی صرفاً ماهیتی ابزاری داشته و توافقنامه ناشی از آن مورد توجه وی نبوده است، به طرق مختلفی قابل فهم است که ساده‌ترین آن‌ها مرور و بررسی فرآیند مذاکرات است. موارد عجیب و خارق‌العاده در موضع‌گیری‌ها و رفتارهای تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی و دولت وی از آغاز روند مذاکرات تا پایان آن، چنان سرگیجه‌آور و حیرت‌انگیز است که هیچ سطحی از آگاهی نسبت به منطق حاکم بر این نوع مذاکرات یا اطلاع از الزامات و شرایط اداره‌ی آن، از شدت و حدت آن نخواهد کاست. برای پیگیری این روند و بررسی این رفتار و واکنش‌های عجیب و غریب لازم است مختصری به عقب بازگردیم و مروری اجمالی بر جریان شکل‌گیری و پیگیری مذاکرات ۵+۱ داشته باشیم. البته بنا نیست که به این منظور تا قرارداد سعدآباد یا اولین توافق تهران به عقب برگردیم. هرچند خود این مسئله کمتر اعجاب‌آور نیست که آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده‌اش با سابقه تأمل‌برانگیز خود در آن قرارداد تحقیرآمیز، بدون هیچ مشکلی مهم‌ترین برنامه خود را درگیر کردن کشور در فرآیند مذاکرات دیگری با آن مجموعه عهدشکن قرار دهد که به همان قرارداد مصیبت‌بار سعدآباد نیز تمکین نکرده‌اند.

عجیب‌تر اینکه هیچ کس در زمان رقابت‌های انتخاباتی - حتی رقبای وی - و یا بعد آن، کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن مذاکرات و دستاوردها یا نتایج به اصطلاح تاریخی آن، به عنوان طلیعه فتح الفتوح بعدی نمی‌کنند. مذاکراتی که گزارش نحوه اجرا و نتیجه آن به نقل از وزیر خارجه وقت انگلیس "جک استراو" با تعمدش در ذکر درخواست‌های التماس گونه طرف ایرانی در حین حضورش در دستشویی قطار، عرق شرم بر پیشانی هر ایرانی می‌نشاند.

در ادامه مروری هرچند اجمالی بر روند مذاکرات از آغاز تا امضای توافق‌نامه خواهیم داشت.

بعد از پایان انتخابات و پیش از آنکه حتی دولت به اصطلاح تدبیر و امید استقرار یابد، بلافاصله دستور تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای کشور صادر می‌شود! یعنی آنچه که خود می‌توانست به عنوان یک برگ برنده و امتیاز در جریان مذاکرات با کسب امتیازات مشابهی واگذار شود، قبل از حتی آغاز مذاکرات و بدون هیچ هزینه و تلاشی از سوی طرف‌های غربی تقدیم آن‌ها می‌گردد. قطعاً چنین اقدامی نمی‌تواند هدفی جز اطمینان بخشی به غربی‌ها در مورد تمایل به همراهی با سیاست‌های آن‌ها در چارچوب رویکرد پیش‌گفته داشته باشد.

با این حال از آنجایی که اخبار مربوط به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای علنی نگردید و به دلیل ماهیت غیر علنی مذاکرات سعدآباد، از آن مذاکرات نیز چیزی در حافظه تاریخی مردم وجود نداشت، شوکی از این اقدام تازه به کسی وارد نشد!

ناظرین داخلی و خارجی برای نخستین بار هنگامی با دهان‌های باز و چشمانی از حدقه درآمده از درک آنچه در حال وقوع بود درماندند که مذاکره‌کننده اصلی کشور در یک سخنرانی عمومی با دانشجویان در دانشگاه تهران در کوران مذاکرات، به شکل غیرقابل باوری به بزرگنمایی و اغراق در قدرت نظامی آمریکا و تضعیف قدرت نظامی کشور به میزانی فراتر از حد تصور خود آمریکایی‌ها دست زد![1] توضیح اینکه چنین بیانی تا چه میزان با قواعد دیپلماسی و فن مذاکره سیاسی در تناقض است، قطعاً نه برای آقای ظریف با آن سطح دانش سیاسی و تجربه دیپلماسی، بلکه برای همگان، ذکر بدیهیات و اولیات عالم سیاست و دیپلماسی به حساب می‌آید.

اگر این سخنان به قصد توجیه درستی مذاکرات نزد مردم بیان شده و لزوماً بیانگر اعتقادات و نظرات مذاکره‌کننده نبوده باشد، نقل آن در فرآیند مذاکره تضعیف موقعیت ایران را در میز مذاکره به همراه دارد. اما در صورتی که این سخنان بیان واقع و حقیقت ذهنیات وی باشد، علاوه بر تضعیف روحیه مردم با آشکارسازی ضعف ذهنی -روانی خود مذاکره‌کننده، امکان

۱- «غربی‌ها از چهارتا تانک و موشک ما نمی‌ترسند. آیا شما فکر کردید آمریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم دفاعی ما را از کار بیندازد از سیستم دفاعی ما می‌ترسد».

تشدید تهدیدات و تسریع فروپاشی وی در جریان مذاکره را فراهم کرده است.
اما این اظهارات تنها شگفتی این مذاکرات و تیم مذاکره‌کننده نبود. شگفت‌آور و گیج‌کننده‌تر این بود که به اعتبار اظهارات و موضع‌گیری‌های شخص آقای روحانی، تیم مذاکره‌کننده و سایر اعضای قوه مجریه، تضعیف کشور و مردم به صورت بخش ثابت و لاینفک راهبرد نه چندان پنهان متخذه در فرآیند مذاکرات درآمده بود. البته این ادعا ابتدا به شکل اتهامی ناجوانمردانه علیه آقای روحانی و دولت او ظاهر می‌شود. اما در حقیقت، وجه بهت‌آور و غیرقابل باور این موضوع نیز همین است که طرف درگیر در مذاکره‌ای حساس و تعیین‌کننده برای خود و مهم‌تر از آن کشور و جامعه، چگونه می‌تواند با اظهارات و سخنان یا موضع‌گیری‌های مستمر و مداوم علیه وضعیت کشور و جامعه در نقش بزرگ‌ترین نیروی تضعیف‌کننده خود در فرآیند مذاکره و چانه‌زنی ظاهر شود؟!
این حقیقت با اندوه و تأسف بسیار آن‌چنان واضح و عریان است که آگاهی از آن هیچ‌گونه توانایی خاص عقلی یا کار و تلاش تحقیقاتی نمی‌خواهد. کافی است به اخبار و گزارش‌های روزانه از ابتدای مذاکرات تا تصویب نهایی توافق رجوعی داشته باشید تا بر این واقعیت تلخ و دیرهضم آگاهی یابید. البته نمی‌توان گفت که چنین راهبردی از سوی آقای روحانی و تیم مذاکره‌کننده، عامدانه و آگاهانه اتخاذ شده است. چراکه بیان چنین سخنی عیناً مانند آن است که خدای ناخواسته ایشان و مجموعه درگیر در مذاکرات را به خیانت متهم کنیم. اما به قطع این راهبرد را بایستی نتیجه و خروجی طبیعی اتخاذ و اجرای راهبرد کلان دیگری دانست که بر اساس شواهد عدیده و آشکار به منظور ایجاد و تداوم مذاکرات اتخاذ شده است.
این مجموعه با آگاهی از وجود جبهه‌ای قوی و متحد از مخالفین و منتقدین مذاکرات هسته‌ای، همان‌گونه که در آغاز و برای شروع مذاکرات بر روی فشار مردمی از پایین متکی بودند، برای تداوم مذاکرات و به سرانجام رساندن آن نیز بر روی حفظ این فشار حساب می‌کردند و حتی با توجه به روند کند مذاکرات و دبه‌های مداوم آمریکا، به تشدید مداوم آن نیز نیاز داشتند.
بر همین اساس، در چارچوب راهبرد حفظ و تشدید فشار مردمی به دو شکل ایجابی و سلبی، کار تحریک و تهییج جامعه دنبال می‌شد. به هر حال نتیجه پیگیری این کار این شد که در هر برهه‌ای یک نفر از این مجموعه، از شخص آقای روحانی تا وزیر و وکیل و استاندار و نمایندگان یا فعالان سیاسی - رسانه‌ای، به کشف جدیدی در مورد اعجازهای توافق و نیازها یا مشکلات کشور به واسطه تحریم‌ها دست می‌یافتند. وقتی در حین مذاکرات و بعد از مسئله اقتصاد کشور، تدریجاً تمامی مشکلات در حوزه‌های دیگر اعم از سلامت، ورزش، هنر، سینما،

آموزش و نهایتاً حتی آب و هوا نیز به تحریم‌ها مرتبط می‌گردد، روشن است که پیامد و نتیجه آنچه خواهد بود.
درواقع آقای روحانی، تیم مذاکره‌کننده و نیروهای پشتیبان سیاسی و رسانه‌ای آن‌ها، آن‌چنان در شوق دستیابی به توافق خاصه ارتباط با غرب اسیر و گرفتار بودند که به تبعات و نتایج اتخاذ این راهبرد از جهت انعکاس تضعیف جبهه خودی و اظهار این سطح از نیازمندی و شوق دستیابی به توافق در مذاکرات، هیچ دغدغه و اهتمامی نداشتند. وقتی به صراحت هدف "دستیابی به توافق به هر قیمتی" و "هر توافقی بهتر از عدم توافق" مدنظر باشد، جایی برای این‌گونه دغدغه‌ها باقی نمانده و از اصل، موضوعیت خود را برای سیاست‌گذاران و مجریان مذاکره از دست می‌دهد.

فصل پنجم: فرجامِ برجام

بخش دوم:

برجام از فرازِ «آفتاب تابان» تا فرودِ «تقریباً هیچ»

«گذری بر اغراق دولت پیش از اجرای برجام و اعتراف به شکست پس از اجرای برجام»

ابتدای مذاکرات هسته‌ای بود که مقام معظم رهبری فرمودند من به این مذاکرات خوش‌بین نیستم، حسن روحانی که در آن زمان به این سخن واکنش نشان داد و گفت: عالم سیاست، عالم خوش‌بینی و بدبینی نیست، عالم واقع‌بینی است، اما او هیچ‌گاه گمان نمی‌کرد که حتی نزدیک‌ترین همراهان و همفکرانش سخن از بدعهدی آمریکایی‌ها به میان آورند و رئیس کل بانک مرکزی دولت وی، دستاورد برجام را «تقریباً هیچ» توصیف کند.

برجام که روزی «آفتاب تابان» لقب گرفته بود و روز دیگر بشارت شکستن دیوار تحریم‌ها را فریاد می‌کشید، خیلی زودتر از آن چه پیش‌بینی می‌شد با شکست مواجه شد و به اعتراف دولتی‌ها دستاوردهای مدنظر را در پی نداشت. خوش‌بینی مفرط به امریکا موجب شد بدون مراقبت‌های لازم فرآیند تصویب و اجرای برجام پیش رفته و ایران به‌صورت یک‌طرفه تعهدات خود را عملی نماید. از طرفی ابزار لازم را برای تحت فشار قراردادن طرف مقابل از دست دهد.

در این فصل ابتدا به اغراق‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی می‌پردازیم که با آن‌ها تلاش می‌شد از «تقریباً هیچ» فتح‌الفتوح بسازد. ولی اندکی بعد طیف گسترده‌ای از نخبگان همسو با دولت لب به اعتراف گشوده و سخن از ناکامی برجام به میان آوردند.

بزک برجام

بخشی از اظهارات روحانی پس از اعلام برجام[1]

ما امروز در یک مقطع مهم در تاریخ کشور و انقلابمان و شرایط منطقه داریم. شرایطی که باید بگوییم دوران ۱۲ ساله گذشته که همراه با توهماتی از سوی قدرت‌ها و نشر آن توهمات در میان جامعه و افکار عمومی بود، کاملاً ورق خورده است و صفحه جدیدی آغاز شده است. این صفحه جدید، بر این مبنا آغاز می‌شود که راه‌حل معضلات در جهان مسیر کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تر هم دارد.

ما برای حل موضوع و معضل هسته‌ای می‌بایست در بخش‌های مختلف قدم‌های لازم را برداریم. از لحاظ سیاسی می‌بایست تمهیدات لازم سیاسی را آماده کنیم، هم از لحاظ افکار عمومی که بدانند مذاکره به مفهوم خواندن بیانیه‌ها نیست؛ مذاکره به معنای بده بستان است. مذاکره به این معناست که پولی داده می‌شود و خانه مورد نظر خریداری می‌شود. ما دنبال صدقه نبودیم تا کسی چیزی به ما مجانی بدهد، ما دنبال مذاکره بودیم. دنبال آن بودیم که بر مبنای منافع و مصالح ملی، بده بستان منصفانه و عادلانه در پیش بگیریم.

درباره تحریم‌ها می‌گفتند باید ماه‌ها بگذرد و اعتماد یابیم تا به تدریج بعدش تحریم‌ها نه لغو که تعلیق کنیم. اسم لغو را نبرید. در سال‌های بعد اگر آژانس گزارش مثبت داد و اعتماد کردیم قدم به قدم لغو شود. امروز به ملت شریف ایران اعلام می‌کنم که طبق این توافق در روز اجرای توافق تمامی تحریم‌ها، حتی تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی و اشاعه‌ای هم به صورتی که در قطعنامه بوده لغو خواهد شد. تمام تحریم‌های مالی و بانکی و مربوط به بیمه و حمل و نقل و مربوط به پتروشیمی و فلزات گران‌بها و تمام تحریم‌های اقتصادی به طور کامل لغو و نه تعلیق خواهد شد. حتی تحریم تسلیحاتی هم کنار گذاشته می‌شود.

۱- shahraraonline.com، کد خبر: ۵۲۹۰۹

امروز روزی است که قدرت‌های بزرگ اعلام کردند که همه تحریم‌ها برداشته خواهد شد و همه قطعنامه‌های ظالمانه لغو خواهد شد و شرایط عادی و معمولی در روابط با ایران آغاز خواهد شد. امروز یک پایان است و یک آغاز. پایانی برای ظلم‌ها و اتهام‌های غلط و نابجا نسبت به ملت بزرگ ایران و آغازی برای روند جدید در شروع همکاری‌های جدید در جهان. امروز تنها برای مردم شیراز و اصفهان و تبریز و خراسان و اهواز و تهران و کرمان و دیگر شهرهای ایران بخاطر اینکه مشاهده می‌کنند زنجیره‌های تحریم در حال گسسته شدن هستند تنها این‌ها خوشحال نیستند بلکه مردم غزه و کرانه باختری و مردم قدس و لبنان هم خوشحال‌اند به دلیل اینکه رژیم غاصب صهیونیستی تلاش‌های واهی که در این طول ۲۳ ماه انجام داد به شکست منتهی شد.

مروری بر تعاریف و تمجیدها از برجام

	نام مسئول	تعریف‌هایی که از برجام کرده است	توضیحات
۱	حسن روحانی، رئیس‌جمهور	روحانی: امروز هزار ال‌سی در بانک‌های مختلف باز شد هنوز ساعاتی از اجرایی شدن برجام نگذشته بود که رئیس جمهور در نشست خبری خود در محل سالن اجلاس سران با اشاره به دستاوردهای بسیار برجام از باز شدن «هزار ال سی» خبر داد و تصریح کرد: «در همین تجربه چند ساعته امروز هزار ال‌سی در بانک‌های مختلف باز شد و این نشان داد آن‌ها که می‌گفتند باور نکنید، اشتباه می‌کردند.»[1]	رئیس‌جمهور در حالی خبر از باز شدن هزار ال سی آن‌هم در یک روز تعطیل برای غربی‌ها خبر می‌داد که بدانیم برای باز کردن ال‌سی، بانک‌ها موظف هستند کد اعتباری بین‌المللی بانکی (سوئیفت‌کد) داشته باشند در حالی که هنوز تحریم سوئیفت بانک‌های ایرانی لغو نشده بود ثانیاً بانک‌های خارجی در روز اجرای برجام که مصادف با یک‌شنبه ۲۷ دی بود، تعطیل بوده‌اند و طبیعتاً ال‌سی نیز نمی‌توانستند باز کنند. پس از واکنش بسیار منتقدان در خصوص چگونگی باز شدن ۱۰۰۰ آل سی در روز تعطیل، ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی سعی کرد به نوعی سخنان رئیس جمهور را تصحیح کند. وی روز ۲۹ دی‌ماه گفت: «مقدمه گشایش هزار ال‌سی فراهم شده و روز گذشته نیز گشایش‌ها آغاز شده است».[2]

1 - http://www.mashreghnews.ir/fa/news/550847/
2 - http://www.mashreghnews.ir/fa/news/550847/

	نام مسئول	تعریف‌هایی که از برجام کرده است
۲	حسن روحانی، رییس جمهور	روحانی: برجام یک مثل آفتاب تابان است وقتی که فردی چشمش را ببندد می‌گوید که شب است و او باید چشمش را باز کند و ببیند که آفتاب است.[1]
۳	حسن روحانی، رییس جمهور	دولت یازدهم ۱۹ بهمن و برای بزک برجام در افکار عمومی، مراسمی را با عنوان تجلیل از دست‌اندرکاران برجام برگزار کرد. حسن روحانی در این مراسم در اظهاراتی عجیب با اشاره به این که «می‌گویند با برجام دولت برای ملت رفاه بیاورد، مگر ما برجام را آورده‌ایم؟ ما خادم مردم هستیم، برجام را خدا آورد» گفته بود: «پیروزی ملت اراده حق بوده و همان خدا هم برای ملت سربلندی بیشتر و رفاه بیشتر خواهد آورد».
۴	حسن روحانی، رئیس جمهور	رئیس جمهور پس از اجرایی شدن برجام در ۱۳۹۴/۱۰/۲۷: در تاریخ هر ملتی، لحظاتی وجود دارد که به خوبی جایگاه و شخصیت آن ملت را نشان می‌دهد؛ لحظاتی که چشم جهان را به تصمیم و اراده‌ٔ یک ملت، خیره می‌کند و نفس‌ها را در سینه، حبس و ذهن‌ها را متمرکز می‌کند تا صدای مردمان یک کشور را بشنوند. یکی از آن لحظاتِ تاریخی، اکنون است که اراده‌ٔ تاریخ‌ساز ملت ایران تحقق یافته است و صدای صلح و عزت و فرهیختگی ایران اسلامی در جهان طنین‌انداز گشته است. ما ایرانیان، دستان خود را به‌سوی جهانیان به نشانه‌ٔ دوستی دراز کرده‌ایم و با عبور از همه دشمنی‌ها و بدگمانی‌ها و توطئه‌چینی‌ها، فصل تازه‌ای در روابط کشورمان با جهان گشوده‌ایم. امروز با اعلام رسمی اجرای برجام، از پرونده هسته‌ای ایران، «امنیت‌زدایی» شد؛ قطعنامه‌های ظالمانه علیه ملت ایران، لغو گردید؛ طومار تحریم درهم پیچیده شد، حقوق هسته‌ای ایران تثبیت گردید و اقتصاد ایران در مدار اقتصاد جهانی قرار گرفت.[2]

1 - http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13941216001034

2 - http: /www.dolatebahar.com/view/208729/

	نام مسئول	تعریف‌هایی که از برجام کرده است
۵	حسن روحانی، رییس جمهور	رییس جمهور با تأکید بر این که «برجام پیروزی عظیم سیاسی ملت ایران است»، اظهار داشت: با شکرگزاری این پیروزی است که نعمت خدا افزون می‌شود. این دستاورد نه متعلق به دولت یازدهم یا وزارت امور خارجه بلکه متعلق به ملت بزرگ و شایسته ایران اسلامی است.[1]
۶	حسن روحانی، رئیس‌جمهور	رئیس‌جمهوری کشورمان در تماس تلفنی نخست‌وزیر گرجستان گفت: موفقیت مذاکرات هسته‌ای و نتایج آن (برجام) یک پیروزی بین‌المللی برای دیپلماسی بود.[2]
۷	حسن روحانی، رئیس‌جمهور	روحانی با بیان اینکه «برجام به معنای شکستن همه زنجیرهاست و در آینده در خصوص جزئیات آن سخن خواهم گفت»[3]
۸	عباس عراقچی، مسئول پیگیری اجرای برجام	عراقچی در جشن بزرگداشت حماسه ۲۴ خرداد که با حضور شماری از مردم و مسئولان در سرخه، زادگاه حسن روحانی رئیس‌جمهوری برگزار شد، اظهار داشت: مذاکرات هسته‌ای سایه تهدید و زیاده‌خواهی‌ها را از سر ایران و مردم کشورمان دور کرد و تحریم‌هایی که به خاطر هسته‌ای بر ما تحمیل شده بود، را لغو کرد.[4]
۹	اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور	معاون اول رئیس‌جمهور برجام را کاری بزرگ و تاریخی و اتفاقی کم‌نظیر در تاریخ کشور و تاریخ مذاکرات بین‌المللی دانست و گفت: برجام با رهنمودهای مقام معظم رهبری، مدیریت رئیس جمهور و همت تیم مذاکره‌کننده، با آبرومندی و اقتدار به نتیجه رسید و امیدوارم که همه اهداف آن محقق گردد و ملت ایران از آن منتفع شوند.[5]

1 -http://www.tabnak.ir/fa/news/544067/
2 - http://www7.irna.ir/fa/News/81955385/
3 -http://www.rajanews.com/news/222084
4 - http://www.fardanews.com/fa/news/531265/
5 - http://www.fardanews.com/fa/news/522708/

	نام مسئول	تعریف‌هایی که از برجام کرده است
۱۰	مجید انصاری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور	انصاری تصریح کرد: آنچه در مذاکرات هسته‌ای تحقق یافت و دستیابی به برجام، چیزی شبیه معجزه بود و اگر فرصتی در آینده نزدیک پیش آید پشت صحنه مذاکرات ۱۸ ماهه سرداران دستگاه دیپلماسی و گفته‌ها و ناگفته‌ها، بیان می‌شود.[1]
۱۱	حسن روحانی، رئیس‌جمهور	روحانی با بیان اینکه امروز روزی تاریخی و استثنایی در تاریخ سیاسی و اقتصادی ملت ایران است گفت: امروز روز پیروزی ملت ایران در زمینه سیاسی است و ملت ایران ثابت کرد که تعامل سازنده درست است و ما می‌توانیم با دنیا تعامل کنیم به نفع ملتمان و نه به ضرر دیگران.[2]

1 -http://donya-e-eqtesad.com/SiteKhan/1007061
2 -http://www.saat24.com/news/125196/

اعتراف به «تقریبا هیچ»...

اذعان صالحی به تأخیر غربی‌ها در اجرای تعهدات خود

اسفندماه ۹۴ بود که «علی اکبر صالحی» رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در گفتگو با وبگاه «العربی الجدید» بر ادامه فعالیت هسته‌ای ایران تأکید و اعلام کرد که غرب در اجرای تعهدات خود بر اساس برجام، تأخیر دارد و هنوز برخی تحریم‌ها برداشته نشده است.

وی تصریح کرد: تأخیری در طرف مقابل هست که مسئولیتش هم با خودش است. هیچ مانع مشخصی وجود ندارد اما منظورم اینجا، تأخیرشان در اجرای برخی نقاط به شکل کامل است.

صالحی در ادامه، «رفع تحریم به موجب توافق» را از مصادیق این تأخیر برشمرد و گفت: تا الان برخی بانک‌های بزرگ اروپایی تحریم‌هایش را به‌طور کامل پایان نداده است چراکه قبلاً تعهد داده که با ایران مراوده تجاری نداشته باشد. ما هنوز منتظر هستیم که وزارت خارجه ایران با اتحادیه اروپا تماس بگیرد و این بحران را حل کند. هیئت انرژی اتمی مسئول این بخش نیست اما ارزیابی من این است که سیر امور به‌طور نسبی خوب است.[۱]

واکنش رئیس‌جمهور به اظهارات صالحی

نکته جالب در این میان واکنش حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشورمان درباره اظهارات صالحی در خصوص تأخیر در اجرای برجام بود که گفت: ایشان وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی نیست، وزیر خارجه هم الآن نیست، ایشان مسئول سازمان انرژی اتمی است.[۲]

اظهارات شفاف رئیس کل بانک مرکزی پیرامون برجام

اما یکی از مهم‌ترین اظهارات رسمی مقامات دولت درباره ناموفق بودن برجام، سخنان مهم سیف، رئیس کل بانک مرکزی در امریکا بود. تعبیر «تقریباً هیچ» که به اصطلاحی سیاسی بدل

---

1 - http://irdiplomacy.ir/fa/page/1956860

۲- تسنیم، کد خبر: ۱۳۹۴/۱۲/۱۶/ ۱۰۲۰۷۵۷

شد، تعبیری بود که وی درباره دستاوردهای برجام به کار برد.
ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی ایران در مصاحبه‌ای با تلویزیون بلومبرگ گفته توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ موسوم به برجام، تاکنون «تقریباً هیچ» دستاورد اقتصادی برای تهران در بر نداشته است.
به نوشته پایگاه اینترنتی بلومبرگ، سیف گفته ایران سه ماه بعد از اجرایی شدن برجام، توان دستیابی به ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی ضبط‌شده‌اش در خارج از کشور را نداشته و برای پرداخت صورت‌حساب‌هایش در مبادلات خارجی به دنبال راهی برای استفاده از دلار است.
رئیس بانک مرکزی ایران اضافه کرد با آنکه قرار است سپرده‌های ایران در بانک‌های خارج از کشور قابل دسترس باشند، بانک‌های اروپایی کماکان نگران نقض قوانین آمریکا و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین این کشور هستند.
به گزارش بلومبرگ، سیف، بر همین اساس از «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا» می‌خواهد با صدور دستورالعملی بانک‌های اروپایی را به استقبال بیشتر از ایران دعوت کند.
رئیس بانک مرکزی ایران روز پنجشنبه در حاشیه نشست‌های صندوق بین‌المللی پول و صندوق جهانی با جک لو، وزیر خزانه‌داری آمریکا دیدار و درباره نگرانی‌هایش در همین باره گفت‌وگو کردند.
سیف، جمعه به تلویزیون بلومبرگ گفت که «تقریباً هیچ چیز» از این توافق که در روز ۱۶ ژانویه اجرایی شد عاید ایران نشده است. وی می‌گوید: «یکی از نیازهایی که قطعاً ما داریم تبدیل کردن ارز است برای اینکه بتوانیم به تأمین‌کنندگان (کالا) پول پرداخت کنیم. این، نیازمند دسترسی به نظام مالی آمریکا است.»
ایران و گروه ۱+۵ تیرماه سال گذشته به توافقی دست یافته‌اند که قرار است تحریم‌های وضع شده به بهانه برنامه هسته‌ای ایران را در ازای اقدامات تهران برای محدود کردن این برنامه، رفع کند. این توافق از چند ماه پیش اجرایی شده اما ممنوع بودن همکاری‌های بین بانکی موسوم به «مبادلات چرخه دلار.» (U-Turn) امکان استفاده ایران از خدمات دلاری در مبادلات خارجی را سلب کرده است.
کارشناسان در روزها و هفته‌های گذشته بارها تصریح کرده‌اند امکان برخورداری از آثار تحریم‌های هسته‌ای برای ایران، با توجه به سلطه دلار در مبادلات خارجی، بدون دسترسی محدود این کشور به آنچه در نظام بانکی «چرخه دلار» خوانده می‌شود وجود نخواهد داشت. منظور از مبادلات چرخه دلاری، استفاده بانک‌های ایرانی از خدمات دلاری بدون

ارتباط مستقیم با نظام بانکی آمریکا است. تا قبل از سال ۲۰۰۸ بانک‌های ایرانی با واسطه بانک‌های خارجی (مانند بانک‌های سوئیسی) مجاز به استفاده از این‌گونه مبادلات بودند، اما واشنگتن از نوامبر آن سال استفاده بانک‌های ایرانی از این خدمات را ممنوع اعلام کرد. نکته قابل تأمل دیگر که پس از اظهارات سیف به ذهن القا می‌شود نمایشی به نظر آمدن بازدید خبرنگاران از اتاق سوئیفت بانک مرکزی است چراکه طبق اظهار نظر رئیس کل بانک مرکزی «بانک‌های اروپایی کماکان نگران نقض قوانین آمریکا و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین این کشور هستند.» این اظهارات معنایی به جز وجود خلل در سیستم تعاملات مالی با بانک‌ها و مؤسسات غربی را ندارد.

اگر اقدامات آمریکا منجر به عدم همکاری بانک‌های بین‌المللی با ایران شود توافق شکست خواهد خورد

علاوه بر این، سیف طی سخنرانی خود در شورای روابط خارجی آمریکا نیز بر صحبت‌های خود صحه گذاشت و در سخنرانی خود تأکید کرد که آمریکا و اتحادیه اروپا باید به تعهدات خود بر اساس توافق هسته‌ای عمل کنند و اقدامات لازم را برای رفع تحریم‌ها در چارچوب این توافق انجام دهند.

سیف با اشاره به اینکه ایران هنوز به اقتصاد جهانی وصل نشده است گفت که باید به ایران اجازه استفاده از سیستم مالی آمریکا و امکان لمس تراکنش‌های مالی ایران به سیستم مالی آمریکا داده شود.

آمریکا به تعهداتش عمل نکرده است

وی همچنین افزود: انتظار ما این بود که بعد از توافق هسته‌ای، ایران به سیستم اقتصادی بین‌المللی دوباره متصل شود، اما تاکنون این اتفاق نیفتاده است. ایران همچنان مشکلاتی برای دسترسی به دارایی‌های مسدود شده خود، که یکی از نتایج حاصل از توافق هسته‌ای باید باشد، دارد. شرکای ما در توافق هسته‌ای هنوز به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. ایران به‌طور کامل به تعهدات خود پایبند بوده است اما آمریکا به تعهداتش عمل نکرده است. وی اشاره کرد که اگر اقدامات اخیر آمریکا بر علیه ایران منجر به رویارویی ایران با بانک‌های بین‌المللی شود توافق هسته‌ای شکست خواهد خورد.[1]

اذعان هاشمی رفسنجانی به بدعهدی برخی طرف‌ها در اجرای تعهدات

این در حالی است که حتی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز

---

1 - http://www.mashreghnews.ir/fa/news/557972

در دیدار اخیر خود با نخست‌وزیر ایالت نیدرزاکسن آلمان به بدعهدی برخی طرف‌ها در اجرای تعهدات برجام اذعان کرد.
وی در این دیدار گفت: «برجام می‌توانست عقب‌ماندگی‌های روابط ایران و کشورهای پیشرفته را جبران کند، اما بدعهدی‌های بعضی از طرف‌های مذاکره انجام تعهدات را با کندی مواجه کرده است.»[1]

اعتراف روحانی به عهدشکنی امریکایی‌ها در اجرای برجام[2]

روحانی در گفتگوی تلویزیونی با مردم که شش ماه پس از اجرای برجام صورت می‌گرفت، در پاسخ به سؤالی درباره سنگ‌اندازی در مسیر برجام از سوی طرف مقابل، تصریح کرد: حتماً سنگ‌اندازی‌هایی توسط همان‌هایی که با اصل برجام مخالف بودند، انجام می‌شود، در درون آمریکا حداقل مجلس نمایندگان و مخصوصاً جمهوری‌خواهان با برجام مخالف بوده و مرتباً مخالفت و سنگ‌اندازی می‌کردند که برجام امضاء و تصویب نشود. رژیم صهیونیستی هم همیشه مخالف بوده و سنگ‌اندازی می‌کرد و الان هم مانع‌تراشی می‌کند. برخی از کشورهای اطراف نیز متأسفانه، از روی کودک‌صفتی‌شان با برجام مخالف بودند و امروز هم در اجرای برجام سنگ‌اندازی می‌کنند. کنگره آمریکا هم هر روز دنبال تصویب یک لایحه‌ای است تا مشکلی را جلوی پای ایران بوجود بیاورد و دولت آمریکا ناچار می‌شود بعضی از موارد را وتو کند.
رئیس‌جمهوری با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری، مبنی بر اینکه اگر طرف ما به تعهدات خود دقیق عمل می‌کرد هم به نفع منطقه و هم به نفع خودش بود و اینکه این یک آزمایش و امتحان برای آمریکا بود، افزود: اگر آمریکایی‌ها با حسن نیت و دقیق برجام را اجرا و پیاده می‌کردند، جلوی سنگ‌اندازی‌ها و کندکاری‌هایی که امروز می‌بینیم را می‌گرفتند ، چه‌بسا ما به طرف اعتماد می‌کردیم و در یک موضوع دیگر هم حاضر بودیم با آن‌ها مذاکره بکنیم که ممکن بود به نفع منطقه، آمریکا، ما و دیگران باشد.

اعترافی دیگر از روحانی درباره بدعهدی امریکا و ناکامی برجام[3]

۸ ماه پس از آغاز اجرای برجام، حسن روحانی در سازمان ملل از آمریکا به خاطر عمل نکردن به تعهداتش، ممانعت از تجارت بین‌المللی با ایران، عدم شفافیت در مسئله بانک‌ها و مصادره

1- http://www.asriran.com/fa/news/462514

۲- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، کد خبر: ۹۴۵۱۲
۳- کیهان، کد خبر ۸۶۴۱۵

اموال بانک مرکزی انتقاد کرد.
روحانی با بیان اینکه برجام یک سند پذیرفته شده چندجانبه است، گفت: «اهمال نسبت به اجرای آن از سوی آمریکا، تخلفی بین‌المللی تلقی خواهد شد و اعتراض جامعهٔ جهانی را برخواهد انگیخت. هرگونه بدعهدی در اجرای برجام، به بی‌اعتباری بیشتر ایالات متحده در سطح جهان می‌انجامد. تعلل ایالات متحده در اجرای تعهدات قانونی‌اش در ماه‌های گذشته اشتباهی راهبردی است که باید فوراً جبران شود.»

وزیر امور خارجه برضرورت اجرای تعهدات آمریکا تأکید کرد

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه نیز در نشست خبری مشترک با فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که در تهران برگزار شد، اظهار داشت: «آمریکا و سایر طرف‌های توافق هسته‌ای ضرورت دارد که تعهدات خود را نه فقط روی کاغذ بلکه در عمل نیز اجرا کنند و موانع عملی که برای همکاری‌های بانکی و مالی وجود دارد را برطرف سازند.»
وی افزود: «اینکه برجام این موقعیت را برای جمهوری اسلامی فراهم کند که دسترسی مالی بین‌المللی داشته باشد، هدف توافق هسته‌ای است. باید همه کشورها خودشان را به آن متعهد بدانند و اقدامات لازم را برای رفع موانع انجام دهند.»
امور خارجه کشورمان تأکید کرد: «ما یقیناً به آمریکایی‌ها در این زمینه تذکر دادیم و همچنین فشار خواهیم آورد تا اطمینان حاصل کنیم که دولت آمریکا زمینه را برای همکاری بانکی فراهم می‌کند.»
ظریف تصریح کرد: «البته برجام بحث بانک‌های آمریکایی را شامل نمی‌شد و نمی‌شود بلکه بحث عدم مزاحمت آمریکا برای همکاری سایر بانک‌های جهانی با ایران را شامل می‌شود.»
وی گفت: «ما همواره تأکید کردیم که آمریکا از تحریم‌های اولیه خود علیه ایران بیشترین ضرر را کرده است و می‌کند، اما آمریکا متعهد است که مانع سایر بانک‌های آمریکایی و اروپایی در روابط با ایران نشود.»
می‌توان گفت بر اساس این اذعان‌ها و موج نگرانی‌ها در مورد نقض اجرای تعهدات طرف غربی به‌خصوص آمریکایی‌ها، ماهیت بدعهدی آمریکا برملا شده است و اکنون بهتر می‌توان اهرم‌های نظارتی را در راستای اجرای دقیق و درست برجام که به نفع کشور است به کار برد.[1]

۱- http://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۰۱/۲۸/۱۰۴۹۷۷۰

اعترافی دیگر از ظریف درباره ناکامی برجام[۱]

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه دولت یازدهم در جمع اعضای اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا در شهریور ۹۵ گفت: «ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند بوده اما شاهد هیچ‌گونه تلاش واقعی از سوی مقام‌های کاخ سفید در این رابطه نبوده‌ایم.»

آیت‌الله آملی لاریجانی: مذاکره‌کنندگان بدعهدی امریکا را بعید می‌دانستند[۲]

رئیس قوه قضاییه با اشاره به موضوع برجام و عدم ایفای تعهدات آمریکا در این زمینه گفت: وقتی از وزیر خارجه آمریکا سؤال می‌شود که چرا از تعهدات خود در برجام تخلف می‌کنید، می‌گویند که ما به تعهدات خود عمل کرده‌ایم و حتی فراتر از آن رفته‌ایم منتها ایرانی‌ها باید کارهایی انجام دهند از جمله اینکه دست از حمایت خود از تروریست‌ها بردارند و فعالیت‌های موشکی خود را متوقف کنند. البته منظور آن‌ها از تروریست، گروه‌های مقاومت نظیر حزب‌الله لبنان و حماس در فلسطین است که در مقابل تجاوزها و جنایات رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند.

آملی لاریجانی افزود: از همان زمان که بحث مذاکرات مطرح بود چه در جلسات مسئولان قضایی و چه در جلسات شورای عالی امنیت ملی گفتیم که باید مراقب باشیم دولت آمریکا چه تحریمی را برمی‌دارد یعنی این‌گونه نباشد که بگوید از این حیث تحریم را برمی‌داریم و از حیث دیگری تحریم همچنان برقرار باشد.

رئیس قوه قضاییه اظهار کرد: برادرانی که درگیر مذاکرات بودند می‌گفتند که چنین امری بعید است اما دیدیم همان چیزی که آن را بعید می‌دانستند اتفاق افتاد و امروز طرف غربی با طرح این ادعا که به تعهدات خود در برجام عمل کرده است، از این تعهدات سر باز می‌زند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند بنا بود تحریم‌ها یکجا برداشته شود که البته مرحله‌بندی شد ولی به همین رفع تحریم‌های مرحله‌بندی شده هم عمل نکردند و نتیجه این شد که امروز بانک‌های معتبر با اشارت‌های دولت آمریکا حاضر نیستند با دلار آمریکا مبادله کنند.

آملی لاریجانی با بیان اینکه ورود آمریکا به اصل برجام با حیله و نیرنگ بود تصریح کرد: وقتی آنچه را که در نامه‌های خصوصی می‌نوشتند و در جلسات مطرح می‌کردند در کنار اظهارات و عملکرد امروز آنان قرار می‌دهیم می‌بینیم که در عالم سیاست، به هیچ‌وجه ارزش‌های اخلاقی جایگاهی برای آنان ندارد و جز منافع شخصی چیز دیگری برایشان مطرح نیست.

۱- کیهان، کد خبر: ۸۶۴۱۵

۲- فارس، ۱۳۹۵۰۷۲۶۰۰۱۴۱۱

اظهارات علی اکبرولایتی درباره بد عهدی امریکایی‌ها و نقض شروط رهبری درباره برجام

عضو هیئت نظارت بر برجام گفت: قرار بود در مدت و مهلتی پس از امضای برجام، ایران تعهداتش را درباره اعمال محدودیت‌ها در زمینه اقدامات صلح‌آمیز هسته‌ای اجرا کند و در همین مدت هم امریکایی‌ها و متحدانش تحریم‌های اعمال شده را بردارند.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از قواعد اسلامی به تعهداتش عمل کرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که اغلب هم مواضع یک طرفه داشت، آن را تأیید کرد.

ولایتی گفت: اما در این فاصله امریکایی‌ها به تعهداتشان که رفع تحریم‌ها و آثار آن، آزادی تجارت و ارتباطات علمی، فناوری، تجاری و مالی میان ایران و دیگر کشورها و غرب است، عمل نکردند و علت آن هم مشکلاتی است که وجود دارد.

وی افزود: رهبر معظم انقلاب در یکی از بیاناتشان تصریح کردند که اگر تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای برداشته شود، اما به عناوین دیگری مانند حقوق بشر، تروریسم و مانند آنکه همه‌اش اتهامات ظالمانه علیه ماست آن‌ها را برقرار کنند و مانع از برقراری تجارت آزاد و ارتباطات تجاری، فنی و علمی شوند مقبول ما نیست.

ولایتی تصریح کرد: می‌بینیم از زمانی که برجام امضا شده، هر روز به بهانه‌ای در سنا یا کنگره امریکا مصوبه‌ای را علیه ما تصویب می‌کنند که بعضی هم به امضای اوباما می‌رسد.

عضو هیئت نظارت بر برجام گفت: به عنوان نمونه در خصوص فروش هواپیماهای بوئینگ به کشورمان که صحبت‌هایی شده است و معلوم هم نیست چقدر عملی شود، مصوبه‌ای گذرانده‌اند که بر اساس آن دولت امریکا حق ندارد این هواپیماها را به ما بفروشد.

ولایتی هشدار داد: به فرض که بوئینگ را هم به ما بفروشند و قرارداد هم اجرا شود، اگر همین سنا و کنگره با آمدن رئیس جمهور بعدی مصوبه‌ای بگذرانند و مانع از ارائه خدمات و قطعات، اورهال و مانند آن به ما شوند آنوقت چه باید بکنیم؟

عضو هیئت نظارت بر برجام با اشاره به دستبرد امریکایی‌ها به دو میلیارد دلار از دارایی‌های کشورمان افزود: پول نقد بی زبان ما در یکی از بانک‌های امریکا از طریق طرف واسطی گذاشته شده و متعلق به ایران است، با این حال مجلس امریکا مصوب کرد که این پول مصادره و به بازماندگان کشته شدگان انفجاری در بیروت عرضه شود؛ این به مثابه همان تمثیلی است گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری.

ولایتی اضافه کرد: چه ارتباطی دارد میان انفجار در جای دیگری با غرامتی که ایران باید پرداخت کند؟ چرا پول ما را در انظار بین‌المللی مصادره کردند؟ معنی این اقدام امریکا این است که هر چه سنای این کشور تصویب کند می‌تواند علیه هر ملت و کشور دیگری در جهان

اعمال شود.

برخی شروط ۹ گانه رهبری در اجرای برجام عملی نشد

عضو هیئت نظارت بر برجام تصریح کرد: به برخی شروط ۹ گانه ابلاغ شده از جانب رهبر معظم انقلاب در خصوص اجرای تعهدات کشورمان در چارچوب برجام عمل نشد.

ولایتی افزود: سکوت اعضای ۱+۵ در حالی است که حتی اقدامات آمریکایی‌ها به ضرر آنان است به عنوان نمونه بانکی فرانسوی را بیش از ۸ میلیارد دلار جریمه کردند صرفاً به علت اینکه با ایران معاملاتی انجام داده بود.

وی گفت: اکنون هم وقتی با آلمان یا فرانسه که از اعضای ۱+۵ هستند مذاکراتی انجام شود، نگرانی خود را پنهان نمی‌کنند از اینکه اگر با ما روابط اقتصادی داشته باشند آمریکایی‌ها دوباره بانک‌ها، بیمه‌ها یا شرکت‌های تجاریشان را جریمه می‌کنند.

عضو هیئت نظارت بر برجام تصریح کرد: رهبر معظم انقلاب فرمودند که آقای اوباما باید تعهدات آمریکایی‌ها را بنویسد اما او ننوشت.[1]

ابراز نارضایتی محمد رضا نعمت‌زاده از سرعت عمل اجرای برجام

این در حالی است که محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت دیگر اعضای کابینه بود که - ۲۶ فروردین ۹۵ - در یک گفتگوی تلویزیونی گفت: از سرعت عمل اجرای برجام راضی نیستیم اما عجله کردن هم می‌تواند به ضرر کشور تمام شود.

دبیرشورای عالی امنیت ملی به کارشکنی‌های آمریکا انتقاد کرد

اما گویا موج این نگرانی‌ها تمامی نداشت تا جایی که حتی علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا رویکرد آمریکا در استمرار مسیر تحریم‌ها و کارشکنی در اجرای تعهدات بر اساس برجام را نامطلوب و غیر سازنده توصیف کرد و افزود: «در صورتی که این روند ادامه یابد و اقدام مؤثری برای مقابله با آن از سوی اتحادیه اروپا صورت نگیرد در استمرار مسیر همکاری و اجرای تعهدات متقابل تأثیر منفی خواهد داشت.»[2]

۱- مشرق، کد خبر: ۶۰۲۰۷۴

2- http://www.irna.ir/fa/News/82037381/

اظهارات علی لاریجانی پیرامون عهد شکنی طرف مقابل

علی لاریجانی در همایش گرامیداشت هفته قوه قضاییه گفت: به نظر می‌رسد غربی‌ها در اجرای برجام نقاط ضعفی را جا گذاشتند که برخی از این نقاط ضعف مربوط به برچیدن تحریم‌ها علیه ایران می‌شود که بخشی از این عدم برچیدن تحریم‌ها را در بانک‌های بزرگ کشور شاهدیم.

رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: «یک اضطرابی هم برای سرمایه‌گذاری در ایران ایجاد می‌کنند و در پشت صحنه خزانه‌داری آمریکا اضطراب‌هایی را به وجود می‌آورد تا سرمایه‌گذاری در ایران انجام نشود. آن‌ها همزمان با توافق هسته‌ای، عملیات دیگری را هم از نظر سیاسی سامان دادند تا نفوذ نظامی‌شان را در منطقه بیشتر جلوه دهند، گاه می‌گویند نباید بگذاریم نفوذ ایران در منطقه گسترش یابد به همین دلیل تدارکاتی دیدند، می‌خواهند نوعی از تحریم‌های دیگری را علیه ایران ساماندهی کنند، با توجه به همه این موارد ما باید واکنش نشان دهیم، هرچند در برجام هم این موضوع دیده شده است که اگر طرف مقابل به تعهداتش عمل نکرد، ما می‌توانیم اقداماتی را متقابلاً انجام دهیم، باید این طراحی غربی‌ها را بشناسیم، ما باید بدانیم این‌یک امر تاکتیکی نیست بلکه یک استراتژی است که مقاصدی را در امور ایران پیگیری می‌کنند.»[1]

۵۲ طرح و لایحه‌ی ضد ایرانی پس از برجام

لاریجانی که یکی از حامیان اصلی برجام به شمار می‌آید، در واکنش به اظهارات بان کی مون علیه ایران، لب به اعتراف علیه برجام و ناکارآمدی آن گشود و سخن از ۵۲ طرح ضد ایرانی پس از برجام در امریکا گشود. وی گفت: آقای دبیرکل پس از توافق هسته‌ای تاکنون ۵۲ لایحه و قطعنامه در کمیته‌های مختلف مجلس نمایندگان و سنای آمریکا علیه کشور ما طرح شده که اکثر قریب به اتفاق آن کاملا با روح برجام مخالف است. گرچه همه آن‌ها مسیر تصویب را طی نکرده اما سه مصوبه اخیر در مجلس نمایندگان آنقدر صراحت در مخالفت با برجام دارد که مقامات کاخ سفید هم با آن اعلام مخالفت کردند. چطور در این زمینه‌ها سکوت کردید. آیا مصوبه مجلس آمریکا در مورد روادید مخالف روح برجام نبود؟ چرا در گزارش خود آن را ذکر نکردید؟[2]

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۰۸۰۰۰۴۷۳

۲- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۳۰۰۰۰۱۰۰

اظهارات محسن رضایی پیرامون سوئیفت، برجام و بدعهدی امریکا

محسن رضایی گفت: «سوئیفت یعنی همان کانال مبادلات ارزی، ظاهراً باز شده، ولی آبی که از آن عبور می‌کند قطره‌چکانی است، درواقع تبادلاتی که پیش‌ازاین با برخی از بانک‌ها از طرق مختلف مقدور بود اکنون از کانال رایج سوئیفت انجام می‌شود. اما بانک‌های بزرگ بین‌المللی همکاری مجدد و فراگیر با ایران را راه‌اندازی نکرده‌اند زیرا دعواهای پشت صحنه آن هنوز به پایان نرسیده است و امکان استفاده از باز شدن سوئیفت نمی‌دهند. یک علت آن نیز نگرانی بانک‌های جهانی از رفتار دوگانه آمریکایی‌ها و شبکه پیچیده تحری‌های اعمالی اتحادیه اروپا و آمریکا است. اخیراً رئیس مجلس نمایندگان کنگره آمریکا گفته است که با ورود ایران به نظام بانکی و گردش دلار آمریکا مخالفت می‌کنیم. اگر این تهدیدات عملی شود تحریم‌هایی که توسط برجام برداشته شد دوباره از طریق دیگری اعمال می‌شود.»[1]

محسن رضایی در سخنانی دیگر گفت: در سه سال گذشته صبر و انتظار بیش از حد برای تحقق برجام، بسیاری از فرصت‌ها را از ما گرفت. این انتظار برای تحقق برجام به رؤیایی کردن جامعه منجر شد. این انتظار باعث شد که رکود دو سال دیگر ادامه پیدا کند.[2]

محسن رضایی تلویحاً سخن از دو بار نقض برجام به میان آورد. وی در سخنرانی در جمع سپاهیان استان البرز گفت: بخش اقتصادی معطل چند دستور اقتصادی است. کمیته نظارت بر برجام می‌تواند به‌خاطر عدم تعهدات آمریکا و ۲ بار نقض تعهدات برجام توسط آمریکا، اعتراض کند و پرونده‌های سنگینی بسازند. باید شکایت کرد و آمریکا را تحت فشار گذاشت. نمی‌شود به آمریکایی‌ها برادرانه نگاه کرد. خزانه‌داری آمریکا می‌توانست سه بخشنامه برای خودشان، اروپایی‌ها و طرف‌های آسیایی ما صادر کند. اگر این دستور عمل موجود بود به اقتصاد ما کمک می‌شد.[3]

اعترافات عضو تیم مذاکره‌کننده

گام بعدی اعترافات تخت روانچی، عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و معاون وزیر خارجه بود. معاون وزیر امور خارجه ایران با بیان «از دید ما برجام به‌طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده است» گفت: «دولت آمریکا آن‌طور که باید به وظایف خود عمل نکرده است و بانک‌های اروپایی مته به خشخاش می‌گذارند.»

---

1 - http: www.irna.ir /fa /News /82038055

۲- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۳۰۲۰۰۰۳۵

۳- تسنیم، کد خبر: ۱۱۳۷۹۴۹

مجید تخت‌روانچی در نخستین همایش مشترک ایران و ایتالیا در خصوص مسائل بانکی و وضعیت اجرای برجام اظهار کرد: «آن چیزی که مدنظر ایران بوده تا به امروز به‌طور کامل مشاهده نشده و ما اجرای برجام را به‌طور کامل ندیده‌ایم.»
وی افزود: «دلیل مهم در این ارتباط آن است که دولت آمریکا آن‌طور که باید به وظایف خود عمل نکرده است و برجام از دید ما به‌طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده است.»
وی در ادامه سخنان خود در خصوص مبادلات بانکی ایران با کشورهای اروپایی گفت: «بانک‌های اروپایی نباید بیش از حد مته به خشخاش بگذارند. برخی از بانک‌های اروپایی اطلاع ندارند که تحریم‌ها لغو شدند.»[1]

لغو تحریم ها برروی کاغذ[2]

تخت‌روانچی در پاسخ به این پرسش که اما آن‌طور که انتظار داشتیم گشایشی در رفع و لغو تحریم‌ها مشاهده نشده است؟ اظهار کرد: برای همین است که می‌گوییم تحریم‌ها روی کاغذ برداشته شده است که این بحث برمی‌گردد به موضوع توازن که در بالا گفتم؛ یعنی توازن روی کاغذ وجود دارد اما در عمل با اجرایی شدن برجام با مشکلاتی رو به رو شدیم.

از واشنگتن دو پیام متفاوت می‌آید...

این مقام وزارت امور خارجه افزود: مقداری از این مشکلات بر می‌گردد به این‌که تحریم‌های دیگری هم به جز تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای (تحریم‌های اولیه آمریکا) وجود دارد که باعث نگرانی برخی مؤسسات مالی اروپایی می‌شود که ما هم به آن منتقد هستیم و به آمریکایی‌ها هم این را گفته‌ایم که آن‌ها بر اساس برجام باید فضای لازم را ایجاد کنند تا این نگرانی رفع شود و از دید ما این کار را انجام نمی‌دهند. از دید ما از واشنگتن دو پیام می‌آید؛ یکی از وزارت خارجه آمریکا که می‌گوید در انجام کارهای بانکی و مالی با ایران هیچ مشکلی وجود ندارد و پیام دوم از سوی اوفک می‌آید که ناقض پیام اول است.
وی خاطرنشان کرد: در تمام جلساتی که بعد از اجرایی شدن برجام با آمریکایی‌ها در سطح وزیر و معاونان داشتیم بر این نکته تأکید کردیم، پیامی که از سوی آن‌ها می‌آید نه تنها یک پیام نیست بله این پیام مثبت هم نیست.

مشکل بانک‌های بزرگ مربوط به «پروژه‌های بزرگ» است

وی خاطرنشان کرد: به طور شفاف و صریح می‌توانم بگویم که مشکل بانک‌های بزرگ مربوط به پروژه‌های بزرگ است. بانک‌های کوچک و متوسط از عهده پروژه‌های بزرگ بر نمی‌آیند.

1- http://www.mostazafin.tv/video/6861

۲- ۹ صبح، کد خبر: ۸۷۱۷۶

اینکه چرا تا الان مشکل بانک‌های بزرگ و تعامل آنها با ایران بعد از شش ماه حل نشده است؛ یک دلیلش ترس بانک‌های بزرگ به خاطر تحریم‌های اولیه آمریکاست که نگرانند دوباره تنبیه شده و مورد جریمه‌های سنگین از سوی آمریکا قرار گیرند و اتفاقا ایراد ما به آمریکایی‌ها این است که وقتی در دوران تحریم آن فضای منفی بین‌المللی را علیه ایران ایجاد کردند به طوری که حتی در زمینه معاملات دارویی مشکل پیدا کردیم، الان هم موظفند این فضای منفی را بشکنند. آنها (آمریکایی‌ها) یک قول‌هایی داده‌اند اما ما هنوز راضی نیستیم.

ابراز پشیمانی دانشمند برجسته‌ی حامی برجام[1]

پیروز مجتهد زاده کارشناس مسائل سیاست خارجی کشورمان در گفتگو با شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا با بیان اینکه باید امروز بابت اتفاقات رخ داده و بدعهدی‌های آمریکا به آقایان ظریف و روحانی تبریک گفت، اظهار داشت: برجام جز قهرمان بازی‌های این آقایان حاصلی برای کشور و مملکت نداشت. امروز به آن دسته از افرادی که به دنبال ساخت مجسمه ظریف هستند می‌گویم که آیا تلاش ما در انتقادات علمی جز این است که آقایان را از بردن حیثیت ملی کشور و مردم به راه درست هدایت کنیم؟

این بود حاصل تفاهم گسترده ظریف و کری؟

این کارشناس سیاست خارجی کشورمان در ادامه خاطر نشان کرد: آقایان بر اساس تساهل و تسامح همه حیثیت، منافع و دارایی ما را به باد دادند. آقای ظریف در سوریه اعلام کرد که با جان کری وزیر امور خارجه آمریکا به تفاهم‌های گسترده‌ای دست یافته است، بدون اینکه حد و حدود این تفاهم گسترده روشن باشد. پس چه شد این تفاهم گسترده؟ اینکه امروز اموال ایران به غارت می‌رود حاصل آن تفاهم گسترده شماست؟ این چه تفاهمی بوده که اوباما به عنوان رئیس جان کری در سفر خود به عربستان بعد از گذشت ۱۰۰ روز از اجرای برجام، ایران را یک کشور تروریسّت معرفی می‌کند.

وی با انتقاد از رفتار منفعلانه وزارت خارجه افزود: درباره این نوع رفتارها، تروریست خواندن ایران توسط اوباما و غارت اموال ما توسط آن‌ها فقط می‌توان به روحانی و ظریف تبریک گفت.

تفهیم غارت‌گربودن آمریکا از یک دستگاه دیپلماسی فعال و هوشیار برمی‌آید

مجتهدزاده در ادامه تصریح کرد: اگر ما یک وزارت خارجه فعال، دانا و هوشیار داشتیم به دولت ایالات متحده آمریکا تفهیم می‌کردیم که دستگاه‌های امنیتی خودتان مسئولیت اعمال

۱- شبکه راه دانا، کد خبر: ۷۱۲۷۳۶

تروریستی که امروز بابت آن اموال ایران را غارت می‌کنید را به عربستان و اتباع وابسته به آن نسبت داده‌اند، پس چگونه است که ایران در این زمینه متهم شناخته می‌شود و اموال ملت ایران به غارت می‌رود. دستگاه‌های امنیتی آمریکایی اعلام کردند که حتی یک نفر شیعه و ایرانی در عملیات‌های تروریستی علیه آمریکا شرکت نداشته‌اند، اما حالا با شعبده بازی‌هایی که آمریکا و آل سعود راه انداخته‌اند، تاوان این مسائل را از ما گرفته و ایران در این ماجرا متهم می‌شود؛ این در حالی است که دستگاه دیپلماسی ما نیز نمی‌تواند جلوی این تجاوزهای بی‌حد و اندازه را بگیرد. اما صد افسوس که آقایان در وزارت خارجه فقط به دنبال قهرمان بازی‌های خودشان هستند. در چنین شرایطی یک عده انسان هم کنار گود نشسته‌اند و می‌گویند باید مجسمه ظریف را بسازیم.

آبرویم را برای دفاع از برجام گذاشتم

این کارشناس مسائل بین‌المللی در بخش پایانی اظهارات خود عنوان کرد: سؤال من این است که در این برجام آیا دارایی‌های بلوکه شده ما به ما برگشت و آزاد شد؟ آیا تحریم‌ها به معنای واقعی و آزادی فعالیت‌های بانک‌های ایرانی از بین رفت؟ من خودم جزو افرادی بودم که زحمت کشیدم و از جان خود مایه گذاشتم تا از اصل مذاکرات دفاع کنم و آبروی خود را به خاطر دفاع از برجام به خطر انداختم اما حالا من همان انسان هستم و می‌گویم که همه آن دفاعیات و همه آن حمایت‌های من بیهوده بوده است. چراکه الان حاصل کار را می‌بینم که جز یک مشت نمایش‌های عوام فریبانه، چیزی به دست نیامده است.

روح برجام کاملا نابود شده است[1]

وی در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری تسنیم درباره وضعیت اجرای برجام توسط طرفین توافق، با تأکید بر اینکه دولت ایالات متحده آمریکا تا این لحظه روح قرارداد و تفاهم برجام را به‌کلی از بین برده است، ادامه داد: منظور من از روح قرارداد یک جنبه‌اش این است که وزیر خارجه ما در یک مقطعی گفت «من با وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا یا با آمریکایی‌ها به تفاهم گسترده رسیدم.»، این تفاهم گسترده یعنی چه؟ یعنی تفاهم فراتر از آنچه روی کاغذ امضا کرده‌ایم، در حالی که می‌بینیم در محدوده همان کاغذی که امضاء شده است، ما وظایف خودمان را انجام دادیم و از آن طرف هیچ‌یک از وظایف را نمی‌خواهند انجام بدهند. وی خاطرنشان کرد: فهمی را که از این برجام داریم این است که تحریم‌های ایران برداشته شود، ثروت و دارایی بلوکه شده ایران آزاد شود، اما این ظاهر قضیه است؛ وقتی به عمل می‌رسیم، می‌بینیم وزارت دادگستری به یک نوعی ما را محکوم می‌کند و صورت‌حساب برای

۱- تسنیم، کد خبر: ۱۱۴۷۲۵۷

ما می‌فرستد، کاخ سفید بحث‌های دیگری را مطرح می‌کنند، این‌ها مخالف برجام نیستند؟ ما قراردادی که می‌بندیم یک امضاء دارد و یک سند است و یک روح دارد، همان‌طور که نباید به قرارداد لطمه بزنیم و نباید نسبت به خود قرارداد و سند امضاءشده، تخطی کنیم همان‌طور هم نباید به روح قرارداد صدمه بزنیم.

این کارشناس روابط بین‌الملل افزود: درباره بازگرداندن سرمایه‌های بلوکه شده ایران در آمریکا هم من از روز اول گفتم خیلی جالب است، یک عده از مخالفین حکومت جمهوری اسلامی ایران در خارج قالب تهی می‌کردند که اگر این‌همه پول به دست نظام برسد تکلیف آن‌ها چه خواهد شد؟ بنده گفتم که، آمریکایی که من می‌شناسم در انتها از ما طلبکار هم خواهند شد! و الآن ما داریم به آنجا می‌رسیم. ارسال صورت‌حساب‌ها چند وقتی است که شروع شده است.

مجتهدزاده با اشاره به ماجرای «تعجب‌آور و خنده‌دار» جریمه ایران به‌جای آل سعود در موضوع ۱۱ سپتامبر، گفت: عربستان سعودی به‌کمک القاعده برج دوقلوی ۲۰۰ طبقه آمریکا را در نیویورک منفجر می‌کنند ولی آمریکایی‌ها از ما طلبکار می‌شوند و خسارتش را از ما می‌خواهند! (خنده) این کار گوینده این است که روح تفاهم قرارداد، مورد احترام آمریکاست؟ ابداً.

وی با یادآوری برخی توجیهات در آمریکا مبنی بر اینکه دولت به‌دنبال برداشته شدن برخی تحریم‌های ایران است اما جناح رقیب دولت و کنگره در این باره سنگ‌اندازی می‌کند، تأکید کرد: یعنی آقای اوباما که الآن دست به این حرف‌ها و حرکات می‌زند یادش نبود چیزی که با ما به تفاهم می‌رسد و قرارداد می‌بندد باید تمام ساختار حکومتی آمریکا را همراه خودش داشته باشد؟ یا در غیاب آن‌ها این قرارداد را امضا کرد که در این صورت قرارداد از نظر مقررات داخلی خودشان بی‌اعتبار است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه گفت‌وگو با تسنیم متذکر شد: ملت ما برای رسیدن به این برجام زحمت زیادی کشید، شدائد زیادی را تحمل کرد و ما به کسی بدهی نداریم. روابط خارجی زمانی سالم است که در توازن و تعادل صورت بگیرد. اگر بدهکاری در کار است، باید نصف به نصف باشد، اگر طلبکاری در کار است باید نصف به نصف باشد، نه اینکه شما حق حرف‌زدن ندارید و من هرچه دوست داشته باشم بگویم. اگر کسی مقصر است و برجام را تهدید می‌کند، آقای رئیس‌جمهور محترم با احترام می‌گویم، دنبال آن در داخل ایران نباشید، تقصیر در طرف مقابل است.

مجتهدزاده همچنین با تأکید بر ضرورت دفاع مقتدرانه از منافع ملی در عرصه بین‌الملل،

تصریح کرد: با خواهش و تمنا نمی‌شود از منافع ملی کشور در خارج از مرزها دفاع کرد. کلامی که از زبان دیپلمات خارج می‌شود، باید این کلام نشان‌دهنده قدرت و اراده ملی باشد وگرنه با خواهش و التماس کار به جایی نمی‌رسد.

وی با اشاره به بهانه‌جویی‌های دولت آمریکا در موضوعات مربوط به امور دفاعی جمهوری اسلامی ایران و موضع‌گیری آنان علیه آزمایش‌های موشکی کشورمان و ارتباط دادن آن به برجام خاطرنشان کرد: این مسائل فقط می‌تواند برای ناظران خیرخواه تأسف ایجاد کند. ما یک نگاه مختصری بیندازیم به برجام، هر دو طرف امضاءکنندۀ برجام گفته‌اند این تفاهم‌نامه هیچ ربطی به وضعیت تسلیحاتی ایران ندارد، هر دو طرف تأکید کردند که از این سکو نباید وارد بحث موشکی ایران شوند؛ لذا حرف‌های امروز اوباما مستقیماً ناقض آن چیزی است که از برجام و توافق دوطرفه درک کرده‌ایم.

فصل پنجم: فرجامِ برجام

بخش سوم:

فهرست عهد شکنی ها و دشمنی های آمریکا

در پسابرجام

رفتارهای خصمانه‌ی امریکا علیه ایران در دوران پسابرجام

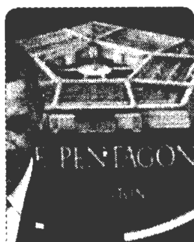
همان‌گونه که طی دو سال مذاکرات هسته‌ای مقام معظم رهبری بارها فرمودند آمریکایی‌ها اهل نقض عهد و پیمان‌شکنی هستند و با مذاکرات هسته‌ای دست از دشمنی با ملت ایران برنمی‌دارند، دیری نگذشت که این پیش‌بینی حکیمانه، تحقق پیدا کرد.

مقام معظم رهبری بارها فرمودند پایان پرونده هسته‌ای به معنای پایان دشمنی امریکا نیست و اساساً دشمنی امریکا با ایران نشأت گرفته از مسئله‌ی هسته‌ای نیست، بلکه آن‌ها با اصل نظام اسلامی مخالف‌اند، اما عده‌ای ساده‌اندیش بازهم چشم امید به‌سوی کدخدای خود داشتند.

با وجود همه‌ی تذکرات و راهنمایی‌ها و رهنمودها، دولت یازدهم گام در مسیر اعتماد به غرب نهاد، و همانطور که رهبری فرمودند این مذاکرات نیز موجب تجربه‌ای جدید برای ملت ایران خواهد شد، تجربه‌ای بزرگ و البته باهزینه‌هایی سنگین برای ملت رقم زد.

در طول دو سال و نیم مذاکره با امریکا و گام‌های به‌اصطلاح اعتمادساز فراوانی که دولت یازدهم در مقابل امریکا و غرب برداشت، بارها با تحریم‌های جدید و سوء رفتارهای امریکا و اروپا مواجه شدیم که بیان آن‌ها به مجالی وسیع نیاز دارد، حتی در همین دوران حسن نیت ایران در برابر غرب بود که طی تنها دو سال و نیم، ۳۰ طرح ضد ایرانی در کنگره امریکا مطرح شد.

پس از برجام نیز روند نقض عهدها و دشمنی‌ها ادامه یافت. در ادامه به بیان تنها برخی از موارد از رفتارهای خصمانه امریکا در دوران پسا برجام اشاره می‌کنیم.



افزایش تهدیدهای نظامی آمریکا پس از برجام[1]

پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای، به‌خلاف برخی تحلیل‌ها که عنوان می‌شود آمریکایی‌ها پس از توافق احتمالی هسته‌ای در سیاست خارجه خود در قبال جمهوری اسلامی ایران بازنگری خواهند کرد، شاهد افزایش تهدیدهای روانی و نظامی از سوی مقامات عالی‌رتبه آمریکا علیه ملت ایران بوده‌ایم، تهدیدهایی که تحلیل تغییر رفتار آمریکا بعد از توافق را نقض می‌کند.

تنها یک روز پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات بود که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با تکرار اظهارات ضدایرانی خود، گفت: ما همچنان با ایران بر کمک تسلیحاتی به گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله لبنان مشکل داریم. ایران هنوز چالشی برای منافع و ارزش‌های ماست.

رئیس‌جمهور آمریکا که پس از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای، مباحث و ادبیات نظامی را جایگزین مباحث فنی و حقوقی کرده بود، با تهدید مجدد و مستقیم ایران به حمله نظامی، گفت: ایرانی‌ها از تمایل برای اقدام نظامی در جایی که برای منافع و امنیت ملی آمریکا مهم باشد، باخبر هستند. ما می‌توانیم اگر بخواهیم و انتخاب کنیم ارتش آن‌ها را از بین ببریم.

گرچه تهدید نظامی ایران توسط رئیس‌جمهور آمریکا با واکنش دندان‌شکن فرمانده کل قوا، فرمانده کل ارتش و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بی‌پاسخ نماند، اما نباید فراموش کرد که این اولین بار بود که آمریکا به‌طور مستقیم از طرح نظامی خود برای نابودی ارتش ایران سخن گفته است.

اما در تهدید نظامی و اظهارات ضدایرانی، مقامات سیاسی، نظامی، امنیتی و حتی برخی نمایندگان سنا و کنگره، باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا را همراهی کردند و «ارنست جاش» سخنگوی کاخ سفید به‌عنوان سخنگوی دولت آمریکا پا را فراتر از تهدید نظامی گذاشته و

۱- مهدی مشکینی، تسنیم، تاریخ:۱۳۹۴/۴/۳۱، کد خبر: ۸۰۶۷۸۹

مدعی می‌شود: «پس از توافق، گزینه‌های متعددی را که حالا هم در اختیار داریم، در اختیار خواهیم داشت، خواه بازگرداندن فوری تحریم‌ها باشد یا استفاده از گزینه نظامی.»
سخنگوی کاخ سفید در اظهارات قابل تأمل خود می‌افزاید: نکته کلیدی این است که گزینه نظامی تقویت هم می‌شود، چراکه طی این سال‌ها ما جزئیات بیشتری از برنامه هسته‌ای ایران جمع‌آوری خواهیم کرد.
«اشتون کارتر» وزیر دفاع آمریکا نیز با اشاره به جمع‌بندی مذاکرات، اذعان می‌کند: آمریکا سال‌هاست که در مورد گزینه نظامی (علیه ایران) با اسرائیل رایزنی دارد.
وی در ادامه می‌گوید: یکی از دلایلی که این‌یک توافق خوب است، این است که هیچ کاری در جهت پیشگیری از گزینه نظامی، گزینه نظامی ایالات متحده که من مسئول آن هستم، انجام نمی‌دهد.
تهدید ایران به حمله نظامی از سوی سناتورهای آمریکایی نیز تشدید شد و «راو استوری» سناتور تازه‌کار جمهوری‌خواه ایالت آکانزاس آمریکا با تهدید ایران به حمله نظامی، تأکید کرد: بمباران ایران نسبتاً سریع و بی‌درد خواهد بود و باعث تسهیل مذاکرات خواهد شد. اقدام نظامی بر ضد تأسیسات هسته‌ای ایران در مقایسه با ورود به توافقی که دولت باراک اوباما درباره آن مذاکره می‌کند، ارجحیت دارد.
هیلاری و بیل کلینتون زن و شوهری که از مقامات سابق دولت آمریکا هستند نیز پس از جمع‌بندی مذاکرات به اظهارات ضدایرانی و تهدید حمله نظامی ایران پرداختند.
هیلاری کلینتون نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آتی آمریکا با طرح اتهامات گسترده علیه مردم ایران در اظهارات ضدایرانی خود، گفت: من به ایرانی‌ها اعتماد ندارم و مطمئنم آن‌ها از رفتارهای بد خود دست نخواهند کشید.
و همسرش که روزگاری رئیس‌جمهور آمریکا بود، می‌گوید: باید به ایران حمله کنیم.
و اما جان‌کری وزیر خارجه آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه الشرق الاوسط بر اراده کشورش برای هماهنگ کردن یک راهبرد با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس برای مقابله با ایران تأکید و بدون اشاره به اثبات حسن نیت ایران در مذاکرات هسته‌ای، ایران را به حمایت از آنچه او تروریسم می‌خواند متهم کرده و می‌گوید: آمریکا برای مقابله با ایران در منطقه جدی است.
این‌ها نمونه‌هایی از کلکسیون تهدید نظامی و اظهارات ضدایرانی است که پس از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای خطاب به ملت ایران عنوان شده است؛ اظهاراتی که با برخی اظهارات مبنی بر تغییر رفتار آمریکا در قبال ایران، منظومه‌ای از اجتماع نقیضین را به‌وضوح اثبات می‌کند.

اینکه چرا برخی از تغییر رفتار آمریکا در قبال ایران پس از توافق احتمالی سخن می‌گویند، تحلیلی است که به‌گفته محمد کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی «حاصل نوعی وادادگی سیاسی و البته اشتباه استراتژیک است.»

کوثری در همین باره می‌گوید: از اینکه برخی تهدیدهای نظامی و اظهارات ضدایرانی مقامات آمریکا را نشنیده می‌گیرند و ادعای تغییر رفتار آمریکا در قبال مردم ایران را مطرح می‌کنند، نمی‌توان تعجب کرد، چراکه برخی نمی‌خواهند حقیقت دشمنی آمریکا با مردم ایران را بپذیرند.

اما این سؤال را «چرا آمریکایی‌ها پس از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای زبان به تهدید نظامی ایران نبسته‌اند؟» با سعدالله زارعی کارشناس روابط بین‌الملل به بحث گذاشتیم.

سعدالله زارعی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم با طبیعی دانستن تهدیدهای نظامی بعد از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای، می‌گوید: وقتی در همان قطعنامه صادره و در برجام محدودیت نظامی علیه ایران گنجانده می‌شود و ایران به‌عنوان کشوری که به‌گفته آن‌ها مخالف صلح و امنیت بین‌المللی است ذیل بند ۴۱ قرار می‌گیرد و به‌صراحت گفته می‌شود که این شرایط تنها درباره ایران است، طبیعی است که تهدیدهای نظامی پشت سر هم مطرح شود.

زارعی می‌گوید: به‌نظرم در روزها و ماه‌های آینده تهدیدهای نظامی علیه ایران گسترده‌تر خواهد شد و ضرب‌آهنگ تهدید نظامی علیه ایران تشدید خواهد شد و با توجه به جمع‌بندی مذاکرات نمی‌توان انتظاری غیر از این داشته باشیم.

به هر تقدیر اینکه چرا بعد از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای، پاسخ حسن نیت ایران را با تهدید نظامی و اظهارات ضدایرانی می‌دهند، خودش گویای آن است که این کدخدا، کدخدای بی‌اعتمادی و نیرنگ است.



طرح تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی[۱]

در ادامه طرح‌های ضد ایرانی مطرح شده در کنگره آمریکا و ناقض تعهدات غرب در برجام، در روزهای پس از برجام، بازهم دو طرح جدید علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مجلس نمایندگان آمریکا ارائه شده است.

پیش‌ازاین مقامات آمریکایی گفته بودند که قصد دارند پس از توافق هسته‌ای فشار را بر متحدان فعالیت‌های منطقه‌ای ایران افزایش دهند. به نظر می‌رسد با آغاز اقدامات بی‌بازگشت ایران در زمینه هسته‌ای، این سناریو کلید خورده است.

«قانون تحریم سپاه»

یکی از دو طرح جدید با عنوان «قانون تحریم سپاه پاسداران انقلاب ایران» است که «دیون نونز» عضو جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آن را در تاریخ ۱۵ دسامبر به کنگره ارائه کرده است.

نونز در ابتدای طرح، هدف خود را «محافظت از مردم آمریکا و ایران و همچنین اقتصاد جهانی در برابر نقض استانداردهای قانونی جهانی در زمینه حقوق بشری و شهروندی توسط ایران و حمایت این کشور از تروریسم بین‌المللی و تخلفات اقتصادی مخرب سپاه پاسداران انقلاب ایران» اعلام کرده است.

این طرح اتباع ایالات متحده را از هرگونه معامله اقتصادی، همکاری و تراکنش مالی با سپاه پاسداران و شرکت‌های تحت مالکیت یا وابسته به سپاه ممنوع کرده و به رئیس‌جمهور آمریکا این اختیار را می‌دهد که در صورت نقض این قانون، افراد یا شرکت‌های متخلف را در فهرست سیاه قرار دهد.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۱۰۰۱۰۰۱۰۳۵

طرح تحریم سپاه همچنین دولت آمریکا را ملزم می‌کند نهایتاً ظرف ۹۰ روز پس از نهایی شدن قانون، در مورد «نقش سپاه در اقتصاد ایران» به کنگره گزارش دهد و پس از آن‌هم به‌صورت فصلی این گزارش‌دهی را ادامه دهد.

دولت آمریکا همچنین ملزم خواهد شد که «لیست نظارت» تهیه کرده و فعالیت مقامات ارشد سپاه، مدیران شرکت‌های وابسته و تحت مالکیت سپاه که در لیست تحریم‌ها قرار ندارند یا به واسطه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و برجام از فهرست تحریم‌ها خارج شدند را زیر نظر بگیرد.

پس از اجرایی شدن قانون تحریم‌های سپاه، این افراد دو حالت خواهند داشت، یا در لیست تحریم قرار خواهند گرفت و کلیه افراد و شرکت‌های آمریکایی از معامله اقتصادی با آن‌ها منع می‌شوند، یا اینکه وضعیت آن‌ها تغییر کرده و دیگر جزو افراد همکار سپاه نخواهند بود و در لیست تحریم هم قرار نخواهد گرفت.

۲۷ عضو کنگره که تمامی آن‌ها جمهوری‌خواه هستند از این طرح حمایت کرده‌اند. این طرح به ۴ کمیته امور خارجی، قوانین، تأمین مالی و خدمات مالی ارائه شده و در نوبت بررسی قرار دارد.

«قانون اجرا و بازنگری تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب ایران»

طرح موسوم به «قانون اجرا و بازنگری تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب ایران» را «برد شرمن» هم‌حزبی رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا به مجلس نمایندگان ارائه کرده است.

شرمن هدف از این طرح را «اعمال تحریم‌هایی موثرتر علیه سپاه پاسداران ایران یا هریک از مقامات، عوامل یا وابستگان آن برای مقابله با حمایت آن از تروریسم بین‌المللی و کمک به رژیم (بشار) اسد در سوریه» اعلام کرده است.

در این طرح به شدت سخت‌گیرانه، مسئول دفتر حسابرسی کنگره آمریکا ملزم شده است نهایتاً ظرف ۱۸۰ روز پس از نهایی شدن این قانون، گزارشی را به رئیس‌جمهور و کمیته‌های مربوطه در کنگره ارائه دهد.

در این گزارش وی باید دو گروه را مشخص کند، یک گروه «اتباع خارجی» که در لیست تحریم‌های آمریکا نیستند و گزارش شده است که «طی سه سال گذشته به سپاه پاسداران کمک مادی کرده‌اند یا مبادله مالی با آن داشته‌اند» و گروه دوم «اتباع خارجی» که در لیست تحریم‌های آمریکا نیستند و «گزارش شده است که طی سه سال گذشته تحت امر یا کنترل سپاه پاسداران انقلاب ایران بوده یا گزارش شده است که یک پوشش، عامل یا وابسته سپاه پاسداران انقلاب ایران بوده، ازجمله افراد خارجی که افسران، مقامات یا کسانی که به آن‌ها

دستور می‌دهند، جزو افسران، مقامات یا اشخاصی هستند که به نمایندگی از سپاه پاسداران یا پوشش‌ها، عوامل و وابستگان آن، عمل می‌کنند.»

بر اساس این طرح، رئیس‌جمهور آمریکا ملزم خواهد بود نهایتاً ظرف ۱۸۰ روز بعد از دریافت گزارش دفتر حسابرسی کنگره، به بررسی کامل این گزارش پرداخته و با استفاده از تمام امکانات در دسترس صحت گزارش را موردبررسی قرار دهد.

در نهایتاً رئیس‌جمهور آمریکا باید تمام افراد این لیست را در فهرست تحریم قرار دهد، مگر افرادی که کاخ سفید در یک نامه رسمی اعلام کرده مدارک کافی برای صحت گزارش‌ها در مورد آن‌ها نیافته است.

این طرح که روز ۱۸ دسامبر به کنگره ارائه شده، از سوی ۵ عضو مجلس نمایندگان ازجمله «اد رویس» رئیس کمیته امور خارجی و «ایلنا رأس لیتینن» عضو ارشد مجلس نمایندگان مورد حمایت قرارگرفته است.

طرح پیشنهادی برد شرمن نیز در پنج کمیته امور خارجی، خدمات مالی، نظارت و اصلاحات دولت، قضایی و تأمین مالی در نوبت بررسی قرار دارد.

پیش‌ازاین هم کنگره طرحی را برای افزایش گستره شرکت‌هایی که به واسطه همکاری با سپاه تحریم می‌شوند، در دستور کار دارد.

نویسندگان آن طرح می‌گویند: هدف از آن «اعمال تحریم علیه هر مجموعه‌ای است که سپاه پاسداران انقلاب ایران، به هر دلیلی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بیش از ۲۰ درصد در آن ذینفع است.»

این در حالی است که پیش‌ازاین، آمریکا شرکت‌هایی و مجموعه‌هایی را تحریم می‌کرد که سپاه بیش از ۵۰ درصد در آن‌ها سهم داشت.

همه این طرح‌ها ابتدا باید در کمیته‌ها تصویب شود و پس از اصلاحات لازم به صحن دو مجلس نمایندگان و سنا ارائه شوند. در صورت تصویب نهایی در کنگره، رئیس‌جمهور آمریکا باید در رابطه با آن‌ها تصمیم‌گیری کند.



تحریم‌های جدید علیه ایران، تنها یک روز پس از برجام[1]

یک روز بعد از اعلام اجرای توافق هسته‌ای، وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌های تازه‌ای را در واکنش به آزمایش موشکی اخیر ایران وضع کرد.

جک لو، وزیر خزانه‌داری آمریکا دیروز گفته بود که «ما به ادامه تحریم فعالیت‌های ایران خارج از چارچوب برجام ادامه می‌دهیم. این تحریم‌ها شامل فعالیت‌های ایران در حمایت از تروریسم، فعالیت‌های بی‌ثبات کننده منطقه، اقدامات ناقض حقوق بشر و برنامه موشکی ایران است. همچنین لازم است متذکر شوم که به‌جز برخی موارد استثناء «مثل خرید فرش از ایران» سایر روابط اقتصادی ایران و آمریکا همچنان ممنوع است و اشخاص آمریکایی ازجمله بانک‌های آمریکایی نمی‌توانند وارد تراکنش و معامله با اشخاص ایرانی شوند.»

بر اساس بیانیه‌ای که وزارت خزانه‌داری آمریکا امروز یکشنبه ۱۷ ژانویه (۲۷ دی) صادر کرده نشان می‌دهد هفت فرد و سه موسسه به فهرست تحریم‌های موشکی اضافه شده‌اند.

علاوه بر شش ایرانی، نام یک شهروند چینی هم در فهرست تازه تحریم‌ها دیده می‌شود. دو شرکت از میان سه موسسه تحریم‌شده در چین و سومی در امارات متحده عربی ثبت شده است. افراد و شرکت‌هایی که به بهانه ارتباط با برنامه موشکی ایران در فهرست تحریم قرارگرفته‌اند، عبارت‌اند از:

۱- سید مهدی فرحی
۲- رحیم رضا فرقدانی
۳- سید محمد هاشمی
۴- سید جواد موسوی
۵- سید میر احمد نوشین

۱- تسنیم، تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ کد خبر: ۹۷۴۰۳۲

۶- حسین پورنقشبند
۷- مینگفو چن (تبعه چین)
۸- شرکت لند آنهوی
۹- شرکت بازرگانی کاندید جنرال
۱۰- شرکت بازرگانی مبروکه

همچنین اطلاعات مربوط به «مهرداد کتابچی» که پیش‌ازاین در فهرست تحریم‌ها بوده نیز به روز شده است.

واشنگتن می‌گوید با وجود توافق هسته‌ای، حق اعمال تحریم در زمینه موشکی، تروریسم و حقوق بشر را برای خود حفظ کرده است.

آدام زوبین معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: برنامه موشکی بالستیک ایران تهدیدی قابل توجه برای امنیت منطقه و جهان است و همچنان تحت تحریم‌های بین‌المللی خواهد بود.

خبرگزاری رویترز شب گذشته در گزارشی نوشته بود که آمریکا پیش‌ازاین قصد داشت ایران را به خاطر آزمایش‌های جدید موشکی‌اش تحریم کند که بحث تبادل زندانیان در این بین باعث به تأخیر افتادن وضع تحریم‌های جدید ضدایرانی شده بود. این خبرگزاری در این رابطه نوشته بود: یک روز پیش از آنکه دولت اوباما در ماه گذشته تحریم‌های جدید علیه ایران را اعمال کند، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به جان کری، همتای آمریکایی خود هشدار داد که این اقدام می‌تواند توافق بر سر تبادل زندانیان را که دو طرف ماه‌ها بر سر آن مذاکره کرده‌اند از مسیر خود خارج کند.

پس از این تماس، کری و دیگر دستیاران ارشد باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا که برای تعطیلات در هاوایی به سر می‌بردند، سلسله تماس‌ها و کنفرانس‌های تلفنی برگزار کرده به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند شانس آزاد کردن آمریکایی‌ها را به خطر بیندازند.

در دقیقه آخر نیز، مقامات دولت اوباما تصمیم گرفتند تا مجموعه تحریم‌های محدود و هدفمند برای تنبیه ایران به‌خاطر انجام آزمایش موشک‌های بالستیک را به تأخیر بیندازند.

این قصدِ پیشینی که قبلاً از آن سخنی به میان نیامده بود از سوی دو تن که از ماجرا آگاه بوده‌اند بیان شده است.

رویترز نوشت که انتظار می‌رفت این تحریم‌های یک‌جانبه، حال که چهار آمریکایی - شامل جیسون رضائیان خبرنگار واشنگتن‌پست - از سوی ایران در روز شنبه آزاد شدند، به‌سرعت اعمال شوند.



طرح محدودیت ویزا برای تردد سفرکنندگان به ایران[۱]

مجلس نمایندگان آمریکا روز سه‌شنبه به بهانه مقابله با تهدید تروریسم، طرحی را تصویب کرد که در صورت تبدیل به قانون، سفر افرادی را که اخیراً در یکی از چهار کشور ایران، عراق، سوریه و سودان حضور داشته‌اند به آمریکا، محدود می‌کند.

به نوشته خبرگزاری آسوشیتدپرس، این طرح با ۴۰۷ رأی مثبت در برابر تنها ۱۹ رأی منفی به تصویب رسید.

پیش‌ازاین روزنامه «لس آنجلس تایمز» گزارش داده بود که طرح مجلس نمایندگان بعد از گفت‌وگوهای مخفیانه میان مقامات کاخ سفید و رهبران کنگره تهیه شده است.

بر اساس این طرح، شهروندان ۳۸ کشور «دوست آمریکا» که مطابق قوانین این کشور در حال حاضر بدون اخذ روادید تا سقف ۹۰ روز می‌توانستند وارد خاک آمریکا می‌شوند، در صورتی که در ۵ سال گذشته به ایران، سوریه، عراق یا سودان سفر کرده باشند، بایستی موردبررسی قرار گیرند.

قوانین جدید آمریکا در زمینه ویزا، همچنین از تمامی این ۳۸ کشور می‌خواهد اطلاعات مربوط به مسافران به خاک آمریکا را در اختیار کاخ سفید قرار دهد. کشورهایی که در همکاری در این زمینه قصور به خرج دهند، از برنامه سفر بدون روادید به آمریکا اخراج خواهند شد.

«باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی روز یکشنبه خود خواستار بررسی دقیق‌تر کسانی شده بود که از طریق برنامه مذکور به این کشور سفر می‌کنند.

واشنگتن تغییرات جدید در برنامه معافیت از روادید را به بهانه حملات تروریستی پاریس و همچنین تیراندازی‌های «سن‌برناردینو» در ایالت کالیفرنیا اعمال کرده است.

هرچند این طرح در سنا مخالفانی دارد، اما با توجه به گزارش‌های منتشرشده در مورد حمایت

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۹۱۸۰۰۰۰۲۳

کاخ سفید از این مصوبه، انتظار می‌رود این طرح نهایتاً به قانون تبدیل شود.
پیش‌ازاین بسیاری از کارشناسان اروپایی با این طرح مخالفت کرده بودند، چراکه عملاً اتباع اروپایی ازجمله کشورهایی چون فرانسه، آلمان و انگلستان که برای کار یا گردشگری به این کشورها سفر کرده باشند، برای ورود به آمریکا با مانع مواجه شده و باید درگیر فرآیند صدور روادید شوند.
تصویب این طرح می‌تواند برای ایران نیز که با رفع احتمالی تحریم‌ها انتظار افزایش مناسبات تجاری و گردشگری با اروپا را دارد، تبعات منفی داشته باشد.
از این رو، تصویب این طرح را می‌توان تحریمی غیرمسقیم برای ایران به شمار آورد.
در این طرح در حالی نام ایران به‌عنوان یکی از ۴ کشور تهدیدآمیز مطرح شده که بر اساس آمارهای مؤسسات غربی، اتباع این کشور نه در میان اعضای داعش و نه در میان هواداران آن در فضای مجازی، جایگاهی ندارند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تونس، عربستان، کویت، امارات، قطر، لیبی و حتی چند کشور اروپایی بیشترین اتباع را در میان اعضا و طرفداران داعش دارند.
نکته قابل توجه اینکه، معاونین وزیر خارجه‌ی ایران، در مصاحبه‌های تلویزیونی، این طرح را نقض صریح برجام برشمردند.



۱۲ اقدام ضد ایرانی امریکا پس از برجام به روایت آمریکایی‌ها[۱]

پایگاه اینترنتی «موسسه صلح ایالات متحده آمریکا» در صفحه مربوط به ایران، ۱۲ مورد از اقدامات کنگره بر ضد ایران طی چند ماه اخیر را فهرست کرد.

به گزارش رجانیوز به نقل از مونیتورینگ خبرگزاری صدا و سیما، پایگاه اینترنتی موسسه «صلح ایالات متحده» نوشت: از اواخر سال ۲۰۱۵ به بعد، قانونگذاران آمریکا ۱۲ اقدام ضد ایرانی اتخاذ کرده‌اند که بیشتر آن‌ها مربوط به مسائل غیرهسته‌ای است.

مؤسسه «صلح ایالات متحده آمریکا» ۱۲ قانون کنگره بر ضد ایران که ماه‌های اخیر به تصویب رسیده‌اند بدین شرح فهرست کرده است:

الف- قانون شفافیت تأمین مالی تروریسم ایران (The Iran Terror Finance Transparency Act)

این لایحه به حمایت استیو راسل و ۲۰ نماینده جمهوری‌خواه دیگر در تاریخ اول اکتبر ۲۰۱۵ در کنگره مطرح شد. این لایحه در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۶ به تصویب رسید، اما سخنگوی اکثریت جمهوری‌خواه مجلس، کوین مک کارتی، رأی‌گیری را لغو کرد، زیرا ۱۳۷ نماینده در رأی‌گیری شرکت نکرده بودند. دوم فوریه، بار دیگر رأی‌گیری شد و این لایحه به تصویب رسید. در مجموع ۲۴۳ جمهوری‌خواه و سه دموکرات به این قانون رأی دادند. سوم فوریه این قانون به کمیته بانکی سنا ارجاع داده شد.

ب- قانون بهبود برنامه لغو روادید و جلوگیری از سفر تروریستی (The Visa Waiver Program Improvement and Terrorist Travel Prevention Act):

لایحه این طرح را کانداس مایلر و مایکل مک کاول در ششم ژانویه ۲۰۱۵ به کنگره معرفی کردند. این لایحه بعداً اصلاح و در ۸ دسامبر ۲۰۱۵ به تصویب رسید؛ این رأی‌گیری با نسبت

۱- رجا، تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶، کد خبر: ۲۳۴۶۲۰

آرای ۴۰۷ به ۱۹ به‌عنوان بخشی از «قانون تخصیص تلفیقی» تصویب شد.

ج- قانون عدم تسامح در مقابل تروریسم (The Zero Tolerance for Terror Act):

این لایحه را جوزف کندی، تد داچ و پنج نماینده دیگر در ششم ژانویه در سنا مطرح کردند. یک روز بعد، قانون دیگری به نام «قانون منع و تحریم موشک‌های بالستیک ایران» با حمایت کندی و جان دیلانی تصویب شد.

د- قانون نظارت بر لغو تحریم‌های ایران (Iran Sanctions Relief Oversight Act):

مارک کیرک و رابرت منندز این لایحه را در بیست و پنجم ژوئن ۲۰۱۶ به مجلس سنا معرفی کردند و هدفشان در اصل اصلاح قانون بودجه دفاعی کشور در سال ۲۰۱۶ بود.

هـ- قانونی که رئیس‌جمهور آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را مجبور کرد متن پیوست‌ها و توافق‌های جانبی برجام را در اختیار کنگره قرار دهند. این لایحه را رایان زینک و ۳۰ نماینده دیگر حمایت کردند و در تاریخ سوم دسامبر ۲۰۱۵ به مجلس نمایندگان معرفی شد و به تصویب رسید.

و- قانون نظارت بر سیاست ایران (Iran Policy Oversight Act):

این لایحه در روز اول اکتبر ۲۰۱۵ وارد سنا شد و بن کاردین و چاک شومر و هفت دموکرات دیگر حامی آن بودند.

ز- قانون پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران قبل از لغو تحریم‌ها (Ending Iran apostrophe s Nuclear Weapon Program Before Sanctions Relief Act):

این لایحه در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵ وارد سنا شد و کلی آیوت و ۱۲ جمهوری‌خواه دیگر از آن حمایت کردند؛ این لایحه در هفتم ژانویه ۲۰۱۶ توسط مایک پامپو، پیتر روسکام و دو جمهوری‌خواه دیگر به مجلس نمایندگان معرفی شد.

ح- قانون اجرا و نظارت بر تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب ایران (Iran apostrophe s Revolutionary Guard Corps Sanctions Implementation and Review Act):

این لایحه برای نخستین بار در هجدهم دسامبر ۲۰۱۵ توسط براد شرمن و پنج دموکرات دیگر معرفی شد و درواقع اصلاحیه‌ای بر قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» بود.

ت- قانون قرنطینه کردن تهاجم و جنگ‌طلبی دولتی مورد حمایت آیت‌الله (Quarantining the Ayatollah apostrophe s State-Sponsored Aggression and Militancy):

این لایحه را پیتر روسکام و سه جمهوری‌خواه دیگر در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ به مجلس نمایندگان معرفی کردند. این قانون با هدف تحریم هر شرکت یا مؤسسه‌ای که سپاه پاسداران دست کم

۲۰ درصد از سهام آن را مالک بود وضع شد.

ی- قانون تحریم‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC Sanctions Act):

این لایحه در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ توسط دوین نانس و ۱۹ جمهوری‌خواه دیگر مطرح شد. این قانون درواقع قصد داشت سه قانون موجود را در زمینه حذف کشورها از فهرست تحریم‌ها اصلاح کند و برای حذف یک کشور حامی تروریسم از فهرست تحریم‌ها به مجوز کنگره نیاز باشد.

ک- قانون تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC Terrorist Designation Act):

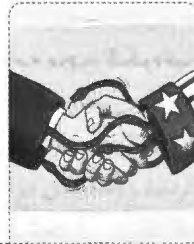
این لایحه را مایکل مک کاول و ۱۳ نماینده دیگر در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ در مجلس نمایندگان مطرح کردند؛ همچنین تد کروز این لایحه را در مجلس سنا طرح کرد. بر اساس این قانون، وزارت امور خارجه آمریکا باید سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی بخواند.

ل- قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ایران (Justice for Victims of Iranian Terrorism Act):

این لایحه در ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ توسط پاتریک میهان و دو جمهوری‌خواه دیگر به مجلس نمایندگان معرفی شد و در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵ توسط پت تومی و دو جمهوری‌خواه دیگر در مجلس سنا طرح گشت. بر اساس این قانون، تا زمانی که ایران در پرونده‌های قربانیان گروه‌های تروریستی که با حمایت این کشور صورت گرفته‌اند پاسخگو نباشد نباید تحریم‌های آن لغو کرد.

م- قطعنامه بازتأیید حق آمریکا برای استفاده از گزینه‌های موجود، ازجمله نیروی نظامی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای:

این قطعنامه را ست مولتون، جوزف کندی، رید ریبل و دو نفر دیگر در مجلس نمایندگان در سوم فوریه ۲۰۱۶ مطرح کردند. در این قطعنامه بر حق آمریکا برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران تأکید شده است. در این قطعنامه همچنین آمده است که توافق هسته‌ای ایران مانع تحریم‌های بیشتر علیه این کشور به خاطر مسائل تروریسم، موشک‌های بالستیک و نقض حقوق بشر نمی‌شود.



تمدید «وضعیت اضطراری ملی» و ثابت ماندن ماهیت آمریکا در دوره پسابرجام[1]

با وجود توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های ایران، باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا «وضعیت اضطراری ملی» علیه ایران را یک سال دیگر تمدید کرد. این موضوع مؤید ثابت ماندن ماهیت آمریکا در دوره پسابرجام و تلاش دشمن برای امتداد تحریم‌ها علیه ایران است.

با وجود توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های ایران، باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا «وضعیت اضطراری ملی» علیه ایران را یک سال دیگر تمدید کرد.

باراک اوباما روز چهارشنبه در فرمانی، دستور اجرایی ۱۲۹۵۷ را که بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۹۵، برای تشدید تحریم‌ها علیه صنعت نفت ایران صادر کرده بود، یک سال دیگر تمدید کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در متن این فرمان گفته است که بعضی اقدامات و سیاست‌های دولت ایران همچنان «تهدیدی فوق‌العاده و غیر معمول برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا» محسوب می‌شود. اوباما می‌گوید به همین دلیل تصمیم گرفته که وضعیت فوق‌العاده ملی علیه ایران را با هدف اعمال تحریم‌هایی مشخص در واکنش به «تهدیدهای» این کشور تمدید کند. وی در نامه‌ای جداگانه به رؤسای مجلس نمایندگان و سنای آمریکا به اجرای توافق جامع هسته‌ای با ایران و رفع تحریم‌های هسته‌ای علیه تهران اشاره کرده اما تأکید کرده است که تحریم‌های غیرهسته‌ای ایران همچنان پابرجا خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان رهبر انقلاب در جمع مردم آذربایجان شرقی در ۲۸ بهمن ۹۴، تأکید ایشان بر ثابت ماندن ماهیت آمریکا در دوره پسابرجام و تلاش دشمن برای امتداد تحریم‌ها و مشکلات علیه ایران بود. ایشان فرمودند: «بعد از جریان طولانی مذاکرات و سپس توافق هسته‌ای، بار دیگر، یک مسئول آمریکایی در روزهای اخیر گفته است، کاری می‌کنیم

۱- http://www.presstv.ir/ ، کد خبر: ۴۵۴۸۷۶

که سرمایه‌داران دنیا جرئت حضور در ایران را نداشته باشند»

ایشان با تأکید بر اینکه این‌گونه اظهارات نشان‌دهنده‌ی عمق دشمنی آمریکا با ملت ایران است، افزودند: «یکی از اهداف کسانی که در دو سال اخیر به‌دنبال مذاکرات هسته‌ای بودند و انصافاً نیز زحمت کشیدند، گشایش اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی بود اما آمریکایی‌ها اکنون جلوی همین موضوع را هم می‌خواهند بگیرند. اینکه بارها گفته شد که آمریکایی‌ها غیرقابل اعتمادند، معنایش همین است.»

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: «واقعیت آن است که بعد از مذاکرات طولانی و بستن قرارداد و تمام شدن قضایا، حالا می‌گویند نمی‌گذاریم و صراحتاً تهدید به تحریم جدید می‌کنند. این، واقعیتِ آمریکا است و در مقابل این دشمن، نمی‌توان چشم خود را بست و حمل بر صحت کرد. ملت عزیز ایران! طرف مقابل شما یک چنین عنصری است، بنابراین باید بیدار و هوشیار باشید.»

به‌رغم اجرای برجام و تعهدات متعدد آمریکا به ایران مبنی بر تغییر رفتار بنیادین با جمهوری اسلامی، تاکنون اقدامات متعددی از سوی امریکا علیه ایران انجام شده که هر یک از آن‌ها مصداقی از پیش‌بینی رهبر انقلاب نسبت به چرایی خوش‌بین نبودن به مذاکره با آمریکاست. در چنین فضایی، برخی از مسئولان که پیش‌ازاین تصور می‌کردند از طریق مذاکره با آمریکا یا عقب‌نشینی، می‌توان گشایش اقتصادی در داخل کشور ایجاد کرد، به تدریج و با گذشت زمان در عمل متوجه خواهند شد که چنین مسئله‌ای امکان‌پذیر نیست و یگانه مسیر بهبود وضع اقتصاد کشور، توجه به ظرفیت‌های درونی است.

قانون ضد ایرانی	تاریخ تصویب
قانون شفافیت تأمین مالی تروریسم ایران	۲ فوریه، ۲۰۱۶
قانون بهبود برنامه لغو روادید و جلوگیری از سفر تروریستی	۸ دسامبر، ۲۰۱۵
قانون عدم تسامح در مقابل تروریسم / قانون منع و تحریم موشک‌های بالستیک ایران	۷ ژانویه، ۲۰۱۶

همچنین به رغم این‌که بیش از پنجاه روز از اجرای برجام می‌گذرد و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به اجرای تعهدات از سوی ایران تأکید کرده است با این حال طرف مقابل از انجام تعهداتش سرباز می‌زند.

	گزاره	منبع
لاریجانی: طرف مقابل در برجام به تعهدات خود عمل نکرده است.	مدتی است که از امضای توافق‌نامه هسته‌ای می‌گذرد و در این مدت ایران به تمام تعهدات خود عمل کرده است، اما متأسفانه هنوز از طرف مقابل این تعهدات به‌طور کامل اجرایی نشده است. لاریجانی با اشاره به ادامه روند تحریم در مبادلات بانکی، افزود: پیش زمینه انجام مراودات اقتصادی و تجاری میان ایران و کشورهای دیگر، تسهیل در مبادلات و امور بانکی است که این امر هنوز در حد مطلوب صورت نگرفته و امیدوارم که این مشکل هرچه سریع‌تر برطرف شود.	لاریجانی در دیدار وزیر خارجه رومانی ۱۳۹۴/۱۲/۱۲
صالحی: غرب در اجرای تعهدات برجام تأخیر دارد.	«غرب در اجرای تعهدات خود بر اساس برجام، تأخیر دارد و هنوز برخی تحریم‌ها برداشته نشده است. تهران به آنچه باید، متعهد است، اما تأخیری در طرف مقابل هست که مسئولیتش هم با خودش است. هیچ مانع مشخصی وجود ندارد اما منظورم اینجا، تأخیرشان در اجرای برخی نقاط به شکل کامل است. تا الان برخی بانک‌های بزرگ اروپایی تحریم‌هایش را به‌طور کامل پایان نداده است چراکه قبلاً تعهد داده که با ایران مراوده تجاری نداشته باشد. ما هنوز منتظر هستیم که وزارت خارجه ایران با اتحادیه اروپا تماس بگیرد و این بحران را حل کند».	صالحی در گفتگو با وبگاه «العربی الجدید» ۱۳۹۴/۱۲/۱۱
ظریف: در عمل تحریم‌ها برداشته نشده است.	«آمریکا باید تعدادی تحریم را روی کاغذ لغو می‌کرد که انجام دادند اما این یک روند است و باید ببینیم آن‌چه در روی کاغذ لغو کردند در عمل هم کمک می‌کند تحریم‌ها برداشته شود یا خیر. البته این روند مقداری کند بوده است. علت این‌که هنوز با آمریکایی‌ها مذاکره می‌کنیم از جمله در حاشیه اجلاس مونیخ یا لندن به همین دلیل است. فکر می‌کنم روند اجرای برجام بد نبوده است اما آن‌قدر هم که ایجاد اعتماد کند، جدی نبوده است. شاید مقداری از این مسئله به خاطر مجموعه تار عنکبوتی تحریم‌ها است که آمریکایی‌ها دور خود تنیده‌اند و الان خودشان هم در این تار عنکبوت گیر کرده‌اند».	ظریف در گفتگو با خبرگزاری ایسنا ۱۳۹۴/۱۲/۹

	گزاره	منبع
ادامه روند تحریم انتقال پول فروش نفت به ایران	با وجود گذشت بیش از یک ماه از اجرایی شدن توافق هسته‌ای بانک‌های اروپایی همچنان از برقراری ارتباط با سیستم بانکی ایران خودداری می‌کنند و به همین دلیل ایران خواستار تهاتر نفت خام در برابر فرآورده‌های نفتی شده است. سه مقام آگاه با تأیید این موضوع گفتند شرکت ملی نفت ایران به دلیل محدودیت‌های مالی به عملیات تهاتر روی آورده است. به گفته یکی از این افراد شرکت یونانی هلنیک پترولیوم به دلیل خودداری بانک‌های اروپایی از انجام مبادلات مالی مرتبط با ایران با مشکل در زمینه خرید نفت این کشور مواجه شده است. رأس دنتون از موسسه بیکر و مکنزی دراین‌باره گفت: بانک‌ها بسیار محتاط هستند چون می‌خواهند همچنان به بازار آمریکا دسترسی داشته باشند و قوانین آمریکا در مورد این‌که این بانک‌ها تا چه حد مجاز به معامله با ایران هستند کنگ و پرابهام تهیه شده است. وی افزود: تنها نهادها و شرکت‌هایی می‌توانند با ایران معامله کنند که ارتباط مستقیم با آمریکا ندارند. همه بانک‌های اروپایی که شرکت هلنیک به آن‌ها مراجعه‌کرده و خواستار مشارکت در صادرات نفت ایران شده است از انجام این کار خودداری کرده‌اند. این شرکت یونانی ۸۰۰ میلیون دلار بابت خرید نفت به ایران بدهکار است. معاملات تهاتری نفت روشی بود که دولت ایران در دوران تحریم‌ها و برای دور زدن محدودیت‌های آمریکا به کار گرفته بود و اکنون پس از رفع تحریم‌ها نیز مجبور است از این روش استفاده کند.	گزارش بلومبرگ درباره مبادله نفت ایران با بنزین bloomberg.com/news/articles/2016-02-25/iran-seeks-oil-barter-deals-as-european-buyers-face-bank-hurdles

	گزاره	منبع
باقی ماندن تحریم تراکنش‌های نفتی در برجام	در برجام در قسمتی که به رفع تحریم‌های آمریکا اشاره شده هیچ اشاره‌ای به قانون IFCA بند ۱۲۴۷ (d) که مربوط به تحریم تراکنش‌های نفتی است، اشاره نشده. با باقی ماندن بند ۱۲۴۷ (d) قانون IFCA ، درآمدهای نفتی ایران همچنان در تحریم باقی می‌مانند.	
تحریم یک شرکت ارتباطاتی چینی به اتهام دور زدن تحریم‌ها علیه ایران	آمریکا یک شرکت بزرگ ارتباطی چین را به دلیل معامله با مخابرات ایران تحریم می‌کند. شرکت زد.تی.ای که به فروش غیرقانونی محصولات آمریکایی به مخابرات ایران متهم شده، احتمالاً از روز سه‌شنبه در فهرست تحریم‌های وزارت بازرگانی آمریکا قرار می‌گیرد.	خبرگزاری فارس ۱۳۹۴/۱۲/۱۶



حکم ۱۰/۵ میلیارد دلاری آمریکا علیه ایران![1]

یکی از دادگاه‌های آمریکا با صدور حکم غیابی ایران را محکوم به پرداخت نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار بابت ماجرای ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ کرد.

قاضی یکی از دادگاه‌های آمریکا با صدور حکمی ایران را محکوم به پرداخت نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار بابت ماجرای ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ کرد.

در همین حال، پایگاه خبری بلومبرگ در گزارشی نوشت: «جورج دنیلز» قاضی دادگاه نیویورک آمریکا حکمی غیابی را صادر کرده است که براساس آن ایران باید به خانواده‌های قربانیان انفجار مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در ماجرای ۱۱ سپتامبر پول پرداخت کند.

در ادامه گزارش آمده است: قاضی دنیلز همچنین خواهان پرداخت ۳ میلیارد دلار دیگر به شرکت‌های بیمه‌ای که پرداخت خسارت‌ها و توقف فعالیت‌های تجاری ناشی از این ماجرا را بر عهده گرفتند، پرداخت نماید.

حکم دنیلز درواقع تصویب دیگر حکم قاضی دادگاه ناحیه‌ای آمریکا در دسامبر سال گذشته پیرامون خسارت‌های وارده در این زمینه است.

به گزارش فارس، در حالی‌که گرفتن خسارت از یک کشور خارجی مخالف آمریکا دشوار است، احتمال دارد شاکیان این پرونده از قانونی پیگری کنند که به دولت اجازه می‌دهد از اموال مسدود شده تروریست‌ها در آمریکا برای جبران مافات این مسئله استفاده شود.

این ادعای مضحک در حالی از سوی دادگاه آمریکا صادر شده است که تاکنون اسناد متعدد و متقنی از جزییات حادثه یازده سپتامبر منتشر شده است.

«اسکات بنت» افسر سابق ارتش آمریکا در زمینه جنگ روانی پیش‌ازاین در مصاحبه با پرستی وی در واکنش به این حکم گفت: طراحان اصلی حملات یازده سپتامبر، خود آمریکا، سازمان

۱- تسنیم، تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۱، کد خبر: ۱۰۲۵۲۳۶

اطلاعـات مرکـزی آمریـکا «سـیا»، اسـرائیل و سـازمان جاسوسـی ایـن کشـور «موسـاد» و عربسـتان سعودی بـوده است.

از سـوی دیگـر، اسپوتنیک در گزارشـی نوشـت: ۵۰ نماینـده کنگـره آمریـکا اعـلام کردنـد وزیـر امـور خارجـه ایـن کشـور بایـد دربـاره پرداخـت یک‌جانبـه ۱/۷ میلیـارد دلار بـه ایـران پاسـخگو باشـد.



بیانیه وزارت خزانه‌داری امریکا برای تحریم‌های جدید موشکی و منطقه‌ای[1]

وزارت خزانه‌داری امریکا با صدرو بیانیه‌ای تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به بهانه برنامه موشکی و منطقه‌ای، اعمال کرد.

این تحریم‌ها روز پنج شنبه ۵ فروردین ۱۳۹۵ (۲۴ مارس ۲۰۱۶) توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری امریکا اعمال شده است.

اعمال این تحریم‌ها از دید ایران نقض برجام است ولی دولت و کمیته ناظر بر اجرای برجام هنوز به این موضوع واکنشی نشان نداده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا امروز اشخاص و شرکت‌هایی را به خاطر حمایت از برنامه موشکی ایران و حمایت از شرکت هواپیمایی ماهان ایر، در فهرست تحریم‌ها قرارداد.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری دو شرکت در ایران را به خاطر دخالت مستقیم در برنامه موشک بالستیک در فهرست تحریم‌ها قرارداد و فهرست تحریم‌های مخصوص اشخاص و اتباع تحریم شده را به روز کرد و یک شرکت را که کنترل عملیاتی بر موشک بالستیک ایران دارد، در این فهرست قرارداد.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری همچنین دو شخص و دو شرکت مستقر در لندن و دو شرکت مستقر در امارات متحده عربی را که تلاش‌های هواپیمایی ماهان برای دور زدن تحریم‌ها را تسهیل کرده‌اند، در فهرست تحریم‌ها قرارداد.

این اقدامات بر اساس دستورات اجرایی ۱۳۲۲۴ و ۱۳۳۸۲ اتخاذ شد و هر نوع دارایی و منافع حاصل از دارایی برای اشخاص و شرکت‌های در فهرست تحریم‌ها قرارگرفته شده را بر اساس نظام قضایی آمریکا مسدود می‌کند. علاوه بر این، نهادهای مالی خارجی یا اشخاصی که

۱- ایران هسته‌ای، کد خبر: ۲۸۹۴

موجب تسهیل در معاملات مهم شوند یا حمایت مادی یا دیگر حمایت‌ها را برای اشخاص و شرکت‌های در فهرست تحریم‌ها فراهم کنند درخطر تحریم‌هایی قرار می‌گیرند که ممکن است دسترسی آن‌ها به سیستم مالی آمریکا را قطع کند یا موجب مسدود شدن اموال آن‌ها و منافع آن‌ها در اموال بر اساس رویه قضایی آمریکا گردد.

اقدام امروز در اضافه کردن این افراد و شرکت‌ها در فهرست تحریم‌ها نشان‌دهنده تعهد استوار آمریکا برای مقابله با توسعه موشک بالستیک ایران و حمایت این کشور از تروریسم است.

ادام زوبین کفیل معاون وزارت خزانه‌داری و اطلاعات مالی گفت: برنامه موشک بالستیک ایران و حمایت این کشور از تروریسم همچنان تهدیدی علیه منطقه، آمریکا و شرکا در سراسر جهان است.

وی افزود: ما به استفاده از همه ابزارها برای مقابله با برنامه موشک بالستیک ایران و حمایت این کشور از تروریسم ازجمله از طریق تحریم‌ها ادامه خواهیم داد.

وزارت خزانه‌داری اعلام کرد افراد و شرکت‌های زیر به فهرست تحریم‌های دفتر کنترل دارایی‌های خارجی این وزارت اضافه شدند:

گروه صنعتی شهید همت

دو شرکت تابعه گروه صنعتی شهید همت به نام‌های شرکت صنایع شهید نوری و شهید موحد بر اساس دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ به خاطر در مالکیت قرار گرفتن یا تحت کنترل بودن یا اقدام یا تلاش برای اقدام به نمایندگی یا به‌صورت مستقیم برای گروه صنعتی شهید همت در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. گروه صنعتی شهید همت در ضمیمه دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت و مسئول سوخت‌رسانی به برنامه موشک بالستیک ایران است.

فرماندهی موشکی الغدیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری همچنین فهرست فرماندهی موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را به‌روز کرد و نام‌های فرماندهی موشک الغدیر سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی و فرماندهی موشک الغدیر نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به آن‌ها اضافه کرد. فرماندهی موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

فرماندهی موشک الغدیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنصری خاص در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که ظاهراً شرکتی است که کنترل عملیاتی موشک بالستیک را در اختیار دارد. مسئولان فرماندهی موشک الغدیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ در

آزمایش موشک میان برد بالستیک دخالت داشتند.
مسئولان فرماندهی موشک الغدیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سال ۲۰۰۸ تاکنون در دیگر آزمایشات موشک میان برد بالستیک دخالت داشتند.
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۸ و ۹ مارس ۲۰۱۶ دو آزمایش موفقیت‌آمیز موشک بالستیک انجام داد. یک فرمانده ارشد موشکی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۹ مارس گفت که برنامه موشکی ایران تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد.

افراد و شرکت‌های مستقر در انگلیس به خاطر حمایت از هواپیمائی ماهان

جفری جان جیمز اشفیلد، شرکت هواپیمایی کیپتال سولوشنز، و شرکت هوانوردی، قطعات، قطعات الکترونیکی و پشتیبانی (شرکت ای‌ای پی اس) براساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به خاطر فراهم کردن حمایت مالی، مادی یا فناوری یا دیگر خدمات به هواپیمایی ماهان در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. جان ادوارد میدوز براساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به خاطر فعالیت به نمایندگی از شرکت ای‌ای پی اس در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.
جفری جان جیمز اشفیلد یک تاجر در انگلیس است که در اواخر ۲۰۱۵ به‌صورت مستقیم در مذاکره برای خرید موتور هواپیمای ساخت آمریکا به نمایندگی از هواپیمایی ماهان دخالت داشت که این شرکت هواپیمایی بر اساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ در اکتبر ۲۰۱۱ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.
اشفیلد مالک یا نماینده شرکت هواپیمایی کپیتال سولوشنز است که خرید موتور هواپیما و دیگر خدمات به نمایندگی از ماهان را تسهیل کرده است.
شرکت ای‌ای پی اس برای فراهم کردن قطعات هواپیمایی و حمایت مالی از هواپیمایی ماهان تلاش کرده است. ای‌ای پی اس انتقال میلیون‌ها دلار را در معاملات مالی با شرکت‌های مرتبط با هواپیمایی ماهان ازجمله شرکت تجاری جنرال گرندور که خود این شرکت نیز امروز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت و شرکت تجاری سیرجان که در مه ۲۰۱۳ به خاطر فعالیت به نمایندگی از هواپیمایی ماهان در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت، تسهیل کرده است.
جان ادوارد میدوز رئیس شرکت ای‌ای پی اس مستقر در انگلیس است و به همراه این شرکت برای فراهم کردن قطعات هواپیمایی و حمایت مالی از هواپیمایی ماهان تلاش کرده است.

شرکت‌های حامی هواپیمایی ماهان در امارات متحده عربی

شرکت تجاری گرندور جنرال و شرکت تجاری اچ اس آی بر اساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به خاطر فراهم کردن حمایت‌های مالی، مادی و فناوری و خدمات برای هواپیمایی ماهان در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

شرکت تجاری گرندور جنرال از اوایل ۲۰۱۱ به‌عنوان نماینده برای توافق‌های مربوط به تعمیر و نگهداری، مذاکره برای خرید هواپیما و پرداخت پول به نمایندگی از هواپیمایی ماهان فعالیت کرده است.
شرکت تجاری اچ اس آی مستقر در امارات متحده عربی از ۲۰۱۵ برای فراهم کردن کمک‌های مالی به هواپیمایی ماهانان از طریق انتقال وجوه فعالیت کرده است. این شرکت همچنین در مذاکره برای خرید هواپیما به نمایندگی از هواپیمایی ماهان نقش واسطه را داشته است.

سابقه هواپیمایی ماهان

هواپیمایی ماهان در اکتبر ۲۰۱۱ بر اساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به خاطر فراهم کردن حمایت مالی، مادی و فناوری به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت. نیروی قدس سپاه پاسداران در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷ بر اساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ به خاطر حمایت از گروه‌های متعدد تروریستی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت. تحریم‌هایی که علیه هواپیمایی ماهان، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر اشخاص در ارتباط با حمایت ایران از تروریسم یا تکثیر تسلیحات کشتار جمعی و ابزارهای پرتاب آن اعمال شد در حوزه کاهش تحریم‌ها در برنامه جامع اقدام مشترک قرار نگرفت و در روز اجرا برداشته نشد. علاوه بر این، تحریم‌های ثانویه برای اشخاص غیرآمریکایی که آگاهانه معاملات مالی مهمی را برای ایرانی‌های در فهرست تحریم‌ها تسریع می‌کنند یا حمایت مادی و حمایت خاص دیگر از اشخاص ایرانی در فهرست تحریم انجام می‌دهند، همچنان اعمال می‌شود.
شرکت هواپیمایی ماهان مستقر در تهران معاملات نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و انتقال تسلیحات و وجوه را تسریع کرده است. هواپیمایی ماهان همچنین به حمایت از اقدامات دولت ایران در برهم زدن ثبات در منطقه از طریق پروازها به سوریه برای انتقال جنگجویان ادامه می‌دهد. هواپیمایی ماهان همواره از همان هواپیمایی که برای پرواز به سوریه استفاده می‌کند در جابجایی مسافران به مقصدهای بین‌المللی در اروپا، خاورمیانه (غرب آسیا) و آسیا استفاده می‌کند.
هواپیمایی ماهان به منظور پشتیبانی از فعالیت غیرقانونی خود اغلب از معاملات پیچیده از طریق شرکت ها و اشخاص واسطه استفاده می‌کند که امثال آن، افراد و شرکت‌های فوق‌الذکر هستند که برای قراردادهای فروش مذاکره می‌کنند و این شرکت‌ها نامی از هواپیمایی ماهان به‌عنوان استفاده کننده نهایی این تجهیزات خریداری شده یاد نمی‌کنند. مثلاً این شرکت‌ها یا اشخاص واسطه ممکن است از فاکتورهای جعلی برای بدست آوردن خدمات تعمیر و نگهداری برای هواپیمایی ماهان استفاده کنند.



اقدام «امریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه» علیه برنامه موشکی ایران[1]

خبرگزاری «رویترز» نوشت که آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی آن در نامه‌ای مشترک به بان کی‌مون مدعی شدند که ایران با آزمایش موشک‌های بالستیک در تقابل با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل کرده است.
آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان در این نامه خطاب به «بان کی‌مون» دبیر کل سازمان ملل متحد و «رومان اویارزون مارشسی» سفیر اسپانیا در سازمان ملل، آمده است آزمایش‌های موشکی بالستیک اخیر ایران «در تقابل» و «ناسازگار» با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است.
در ادامه این نامه با بیان این ادعا که موشک‌های آزمایش شده ایران «ذاتاً قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را دارد»، از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته شده است که «پاسخ‌های مناسب» به آزمایش موشکی اخیر ایران را بررسی کند.
در زمان تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ مقرر شد که دولت اسپانیا مأمور هماهنگی امور مربوط به این قطعنامه باشد.
بر اساس این قطعنامه که در تائید توافق هسته‌ای ایران و گروه موسوم به ۱+۵ صادر شد، محدودیت‌های موشکی ایران برای ۸ سال دیگر پابرجا ماند، با این حال ادبیات قطعنامه در مقایسه با قطعنامه ۱۹۲۹ که پیش‌تر برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تصویب شده بود، تفاوت کرده است. در قطعنامه جدید تنها «از ایران خواسته» شده که روی موشک‌هایی «که برای داشتن توانایی حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند» کار نکنند. این در حالی است که در قطعنامه پیشین گفته شده بود که شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد که ایران نباید» بر روی «موشک‌های دارای توان حمل سلاح هسته‌ای» کار کند.
همین تغییر ادبیات قطعنامه موجب شده تا آمریکا و متحدانش برای پیشبرد تصویب

۱- رجا، کدخبر: ۲۳۷۶۹۲

تحریم‌های تازه علیه برنامه موشکی ایران از مسیر شورای امنیت با مشکل مواجه شوند، چراکه آنطور که مسکو می‌گوید، در قطعنامه تنها از ایران درخواست شده و یک درخواست قابل نقض نیست، بلکه یک کشور می‌تواند این درخواست را بپذیرد یا نه.

ایران اواخر سال گذشته رزمایش موشکی‌ای را برگزار کرد که کشورهای غربی مدعی هستند ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ است. شورای امنیت اندکی بعد به درخواست آمریکا برای بررسی این رزمایش تشکیل جلسه داد، اما این نشست بدون نتیجه خاصی به پایان رسید.

به نوشته رویترز، دیپلمات‌های شورای امنیت نیز خود اذعان دارند که توجیهات مطرح شده برای اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران به بهانه رزمایش موشکی، ضعیف است، چراکه با متن قطعنامه همخوانی ندارد.

چهار کشور تدوین کننده این نامه نیز آنطور که رویترز نوشته، کاملاً در نگارش این نامه دقت کرده‌اند و در آن مدعی «نقض» قطعنامه نشده‌اند، بلکه مدعی شده‌اند که آزمایش موشکی ایران «در تقابل» با قطعنامه است.

رویترز به نقل از دیپلمات‌ها نوشته است که اعضای شورای امنیت می‌دانند که درخواست از ایران از لحاظ قانونی الزام‌آور نیست و نمی‌توان از آن برای اعمال تنبیهات فصل هفتمی ازجمله تحریم یا به کارگیری نیروی نظامی استفاده کرد. با این حال کشورهای غربی می‌گویند ایران تعهدی سیاسی برای پایبندی به این محدودیت دارد.

در این نامه همچنین از اینکه ایران عنوان کرده است که این موشک‌ها تهدیدی مستقیم برای اسرائیل هستند، ابراز نگرانی شده است.

به نوشته رویترز، چندین دیپلمات به این خبرگزاری گفته‌اند که نهایت واکنش شورای امنیت علیه ایران، محکوم کردن آزمایش‌های موشکی باشد. بر اساس توافق هسته‌ای، تنها در صورت نقض تعهدات هسته‌ای ایران است که امکان بازگشت تحریم‌ها وجود دارد.

با این حال دیپلمات‌های غربی می‌گویند محکومیت از سوی شورای امنیت می‌تواند سکوی پرتاب قانونی‌ای در اختیار کشورهای اروپایی قرار دهد تا تحریم‌های جدید یکجانبه علیه ایران را موردبررسی قرار دهند.



مصادره ۲ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران در آمریکا[۱]

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم به نقل از رویترز، دیوان عالی آمریکا روز چهارشنبه (اول اردیبهشت ۱۳۹۵) حکم داد حدود دو میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران باید به خانواده‌های قربانیان آمریکایی که در بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ در مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت و دیگر حملات منسوب به ایران کشته شدند، پرداخت شود.
حکم این دادگاه که با ۶ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف صادر شد شکستی برای بانک مرکزی ایران بود. دیوان عالی آمریکا در حکم خود اعلام کرد کنگره آمریکا با تصویب قانونی در سال ۲۰۱۲ که می‌گوید از دارایی‌های بلوکه شده ایران باید برای پرداخت ۲٫۶۵ میلیارد دلار به خانواده‌های قربانیان آمریکایی استفاده شود، اختیارات دادگاه‌های آمریکا را غصب نکرده است.
دادگاه فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۷ حکم داده بود که چنین مبلغی باید به این خانواده‌ها پرداخت شود.
بانک مرکزی ایران از طریق دادگاه استیناف دوم آمریکا در نیویورک با حکمی که در سال ۲۰۱۴ صادر شده بود مخالفت کرده بود. در این حکم اعلام شده بود پولی که در حساب امانی سیتی بنک در نیویورک نگهداری می‌شود، باید به شکات آمریکایی واگذار شود.
دراین‌باره توجه به چند نکته ضروری است:[۲]
۱- روند خرید اوراق بهادار توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، از سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳ میلادی) و در «دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی» آغاز می‌شود، اما آنچه در این میان اهمیت پیدا می‌کند خرید اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی)

۱- تسنیم، کدخبر: ۱۰۵۴۲۹۷
۲- رجا، کد خبر: ۲۴۰۸۳۵

توسط بانک مرکزی «دولت اصلاحات» است.

اصل سرمایه‌گذاری دلاری و اشتباه بزرگ دراین‌باره در سال ۱۳۸۲ و توسط دولتی اصلاحاتی انجام گرفت که در پی خوش‌بینی و تنش‌زدایی با آمریکا بود و از این جهت نیز طبیعی بود که اساساً سرمایه‌گذاری دلاری را به‌عنوان یک تهدید ارزیابی نکند. آن‌ها باید نسبت به این مسئله پاسخ‌گو باشند. کسانی که اولاً در سال ۸۲ علیرغم آگاهی به خصومت‌های دیرینه ایالات متحده با ایران، این حجم از اموال کشور را به دلار سرمایه‌گذاری کردند تا زمینه دست‌اندازی به آن از سوی دشمن فراهم شود.

۲- تا قبل از سال ۲۰۰۸ بانک‌های ایرانی با واسطه بانک‌های خارجی (مانند بانک‌های سوئیسی) از چرخه دلار استفاده می‌کردند و بانک‌های ایرانی بدون داشتن ارتباط مستقیم با سیستم بانکی آمریکا و با استفاده از بانک‌های دیگر از خدمات دلاری بهره می‌بردند. چراکه هرگونه استفاده از دلار در نظام بانکی در هرکجای جهان نیازمند اخذ مجوز لازم از نظام بانکی آمریکاست اما از نوامبر ۲۰۰۸ این مقررات تغییر کرد و بر اساس مصوبه وزارت خزانه‌داری آمریکا، استفاده بانک‌های ایرانی از این خدمت ممنوع شد و اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) طی یک فدرال رجیستر (Federal Register) که در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۸ منتشر شد، به بهانه موضوع هسته‌ای ایران، اعلام کرد که مقررات قبلی مربوط به تراکنش‌های مالی ایرانی اصلاح شده و در نتیجه اختیارات قبلی مبنی بر اجازه استفاده از U-Turn لغو (revoking) می‌شود.

بر این مبنا در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) امریکا به بهانه موضوع هسته‌ای، با لغو اجازه استفاده ایران از چرخه دلار (U-Turn) عملاً باعث می‌شود تا ضمن عدم دسترسی ایران به چرخه دلار، ۲ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هم که تحت عنوان اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری دلاری خریداری شده بود، بلوکه شود.

۳- اما شاید مهم‌ترین مسئله در این بین که این روزها کمتر مورد توجه قرارگرفته این باشد که اساساً تحریم چرخه دلار و U-turn در سال ۱۳۸۷، بر اساس اعلام رسمی اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری امریکا (OFAC) علت «هسته‌ای» داشته و بر این اساس امروز این مطالبه و پرسش باید پاسخ داده شود که علیرغم دو سال مذاکرات دولت یازدهم با مقامات آمریکا درباره پرونده هسته‌ای و توافق طرفین در برجام، چرا این تحریم که ازجمله تحریم‌های هسته‌ای است، لغو و یا حداقل متوقف هم نشد، تا مقامات امریکا نتوانند با استناد به آن، ۲ میلیارد دلار آر اموال ایران را غارت کنند؟

دراین‌باره دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی درباره منشأ هسته‌ای بودن تحریم چرخه دلار ایران

اعلام کرده بود:

The reasons OFAC is revoking this authorization include the need to further protect the U.S. financial system from the threat of illicit finance posed by Iran and its banks. This threat was highlighted in March of 2008 when the United Nations Security Council adopted Resolution 1803, which calls upon all states "to exercise vigilance over the activities of financial institutions in their territories with all banks domiciled in Iran... in order to avoid such activities contributing to the proliferation [of] sensitive nuclear activities, or to the development of nuclear weapon delivery systems * * *.

با این حال علیرغم اینکه در دو سال گذشته تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای وظیفه داشت تا تمام تحریم‌های مالی- بانکی مرتبط با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را لغو کند، در عمل اقدامی به عمل نیاوردند و این خط قرمز مذاکراتی را نیز زیر پا گذاشته و صدمه‌ای بزرگ به منافع ملی ایران وارد گردید و علیرغم تمام امتیازات داده شده به غرب در برجام، همچنان تحریم چرخه دلار علیه ایران باقی ماند تا یکی از نتایج آن امروز خود را در قالب غارت ۲ میلیارد از اموال بانک مرکزی ایران توسط امریکا نشان دهد.

بر این مبنا پرسشی اساسی منتظر پاسخ است و آن اینکه چرا تحریمی که بر اساس گزارش رسمی OFAC به علت موضوع هسته‌ای در سال ۲۰۰۸ بر ایران اعمال شد، پس از دو سال مذاکرات هسته‌ای دولت آقای روحانی با آمریکا و برجام، کماکان باقی ماند تا زمینه دست‌اندازی دولت امریکا به اموال ایران باقی بماند؟

۴- از همه مهم‌تر؛ چرا علیرغم اینکه از سال ۲۰۰۸ امریکا با تحریم جدید چرخه دلار علیه ایران، می‌توانست زودتر از این و در همان دوره دولت قبل به غارت ۲ میلیارد دلار از اموال ایران بپردازد، این اقدام را در دوره پسابرجام و دقیقاً زمانی انجام داد که بیشترین مراودات و چراغ سبزهای همکاری با این کشور از سوی برخی مقامات ایرانی انجام گرفته بود و علاوه بر این تیم مذاکراتی آقای ظریف و مقامات دولت آقای روحانی از «تغییر بنیادین در روابط ایران با جهان بویژه با آمریکا Fundamental Shift در پسابرجام خبر می‌دادند؟ مفهوم دقیق این تغییر بنیادین را نیز در غارت اموال جمهوری اسلامی ایران درک کردیم! در این مدت چه تغییری در رفتار مسئولان ایران بوجود آمده که آمریکایی‌ها در محاسبات و اقدامات خود بی‌پرواتر عمل می‌کنند؟

در دوره پسابرجام و دقیقاً در زمانی که دولت اوباما هدف خود در خالی ساختن دست ایران از اهرم راهبردی هسته‌ای را انجام داده، دیوان عالی آمریکا وارد میدان شده و حکم بر تأیید

قانون کنگره نموده است. با این حکم عملاً منابع ایران به خانواده مدعیان پرداخت خواهد شد.

در ایام مذاکرات هسته‌ای و علی‌رغم اصرار منتقدان مبنی بر لزوم لغو و توقف قوانین تحریمی کنگره، این اتفاق محقق نشد. چند ماده مشخص از قوانین تحریمی کنگره آمریکا با پیشنهاد طرف آمریکایی به‌طور موقت متوقف گردید (تعلیق شد) و سایر مواد ازجمله ماده ۵۰۲ به قوت خود باقی ماند.

قرار بود نتیجه مذاکرات رفع تحریم‌های هسته‌ای و آزادی دارایی‌های توقیفی ایران باشد. با این وجود به دلیل باقی ماندن این دو تحریم، تحریم یوترن دلار و تحریم انسداد دارایی بانک مرکزی ایران در آمریکا (دستور اجرایی ۱۳۵۹۹) از موضوع برجام خارج شد و همچنان در دوره پسابرجام قربانی می‌گیرد. گرچه اصل توقیف اوراق دلاری بر اساس حکم دادگاه بود اما در مرحله بعد تحت پوشش تحریم دلاری و بعد تحریم دارایی بانک مرکزی ایران قرار گرفت و باعث شد دیگر افقی برای آزادسازی وجوه باقی نماند.[1]

۱- رجا، کد خبر: ۲۴۰۸۳۵



پیش‌نویس قطعنامه ضد ایرانی کنگره آمریکا به بهانه حضور نظامی ایران در خلیج‌فارس[1]

«رندی فوربس» نماینده جمهوری‌خواهان ویرجینیا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به کنگره ارائه داده که در صورت تصویب، حضور نظامیان ایران در خلیج‌فارس به‌عنوان اقدامی تنش‌آفرین، محکوم خواهد شد.

بر اساس گزارش مرکز اطلاع‌رسانی کنگره، در متن این قطعنامه برای اشاره به خلیج‌فارس از عبارت مجعول رایج در برخی کشورهای عربی حاشیه جنوبی این آبراهه استفاده شده و از ایران به دلیل «عدم پایبندی به قوانین بین‌المللی دریانوردی و بی‌توجهی به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد» انتقاد شده است.

دلیل این انتقاد به حضور نظامیان ایران در آب‌های خلیج‌فارس گره زده شده و دقیقاً این‌گونه بیان شده است: «عملیات نظامی ایران به گونه‌ای انجام می‌شود که تنش‌ها را افزایش می‌دهد، موجبات لطمه زدن به ثبات شده، خطر اوج گرفتن ناخواسته تنش‌ها را افزایش داده و باعث بالا رفتن ریسک برای نیروهای مسلح ایالات‌متحده در فراسوی مرزها شده است.»

تمرین آتش شناورهای ایرانی در فاصله ۱۵۰۰ یاردی ناو هواپیمابر ترومن در دسامبر ۲۰۱۵، پرواز هواپیمای نظامی ایران بر فراز این ناو در ژانویه ۲۰۱۶ و «سوار شدن غیرقانونی بر ۲ شناور گشتی آمریکایی و دستگیری خدمه آن با تهدید اسلحه» به‌عنوان دیگر مستندات این پیش‌نویس برای محکومیت حضور نظامیان ایران در آب‌های خلیج‌فارس مطرح شده است.

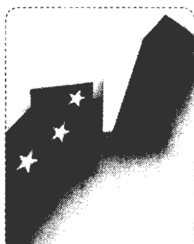
در ادامه این قطعنامه ادعا شده است که «نیروهای آمریکا مکرر بر اساس قوانین بین‌المللی دریانوردی به ملوانان ایرانی گرفتار کمک کرده ولی ایران با زیر پا گذاشتن همین قوانین، در ۱۲ ژانویه امسال، حق ایمنی شناورهای متعلق به کشورهای دارای حاکمیت ملی را نقض کرد.»

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۲۱۱۰۰۱۶۶۳

ادعای این قطعنامه مبنی بر کمک مکرر نیروهای آمریکا به ملوانان ایرانی در حالی است که در حادثه شلیک موشک هدایت‌شونده ناو وینسنس به پرواز شماره ۶۵۵ ایران‌ایر در سال ۱۳۶۷ دویست و نود نفر سوختند.

در پایان پیش‌نویس این قطعنامه از دولت آمریکا خواسته شده که «به رفتارهای خطرناک و غیرحرفه‌ای پیشین و آینده ایران، پاسخی قوی دهد.»

نماینده فوربس در بخش درخواست‌های این قطعنامه، پایِ کنگره و تحریم‌های ایران را هم پیش کشیده و گفته «قول می‌دهیم به هنگام بررسی قوانین مربوط به ایران ازجمله قوانین تحریمی و کنترل تسلیحاتی، رفتار نیروهای نظامی و شبه‌نظامی ایران را مطرح کنیم.»



تحریم چند شرکت روسی به دلیل همکاری با ایران[1]

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده است که واشنگتن چندین شرکت روسی دیگر را نیز به فهرست تحریم‌های اعمال شده علیه مسکو افزوده است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، در حالی که قرار است فهرست شرکت‌ها و افرادی که به تازگی از سوی آمریکا تحریم شده‌اند، ۵ جولای یعنی سه‌شنبه منتشر شود، وزارت خارجه آمریکا نام تعدادی از شرکت‌های روسی را که تحریم شده‌اند، اعلام نموده است.

بر اساس این گزارش، آمریکا علاوه بر اعمال تحریم علیه شرکت‌های جدید روسی، تحریم‌ها علیه ۲ شرکت دیگر را که در سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی وضع شده بود، تمدید کرده است.

شرکت‌های روسی متهم به عرضه و فروش فناوری‌های ممنوع به ایران، کره شمالی و سوریه هستند که از آن‌ها می‌توان در تولید تسلیحات یا سامانه‌های موشک بالستیک استفاده کرد.

فهرست تحریم‌های جدید آمریکا در چارچوب تدابیر منع اشاعه تسلیحات بوده و شامل ۴۰ شرکت و فرد حقیقی از چین، ایران، مالزی، کره شمالی، سودان، سوریه و اوگاندا می‌شود.

وزارت خارجه آمریکا علاوه بر تحریم شرکت‌های روسی، یک شرکت مستقر در بلاروس را نیز تحریم کرده است.

هیچ وزارتخانه یا نهاد دولت آمریکا اجازه وارد شدن به هیچ قراردادی با این شرکت‌ها در زمینه کالا، خدمات و فناوری را نخواهد داشت.

دولت آمریکا نیز از ارائه کمک به این شرکت‌ها منع می‌شود و شرکت‌های تحریم شده اجازه مشارکت در برنامه‌های کمک دولت ایالات متحده را نخواهد داشت. این تحریم‌ها برای مدت ۲ سال اعمال خواهد شد.

۱- تسنیم، کد خبر: ۱۱۲۱۴۱۷



وزارت خارجه امریکا، ایران را «اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان» معرفی کرد[1]

وزارت خارجه آمریکا در گزارش تازه‌ای که روز پنجشنبه منتشر کرده با تکرار ادعاهای اثبات‌نشده ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، گزارش سالانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا ایران را علی‌رغم امضای توافق هسته‌ای با گروه ۱+۵ به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حمایت از تروریسم قلمداد کرده است.

در بخشی از این گزارش عنوان شده است که ایران «در سال ۲۰۱۵ هم اصلی‌ترین حامی دولتی تروریسم در جهان باقی مانده و مجموعه‌ای از حمایت‌ها ازجمله حمایت‌های مالی، آموزش و تجهیزات را به گروه‌هایی در سرتاسر جهان ارائه می‌کند.»

حمایت از حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی و گروه‌های عراقی ازجمله مواردی است که در این گزارش از آن‌ها تحت عنوان حمایت از تروریسم یاد شده است.

واشنگتن، در این گزارش علاوه بر این، مدعی شده که علی‌رغم گسترش دامنه فعالیت داعش بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵، وقوع حملات تروریستی به نسبت سال گذشته کاهش یافته است.

جمهوری اسلامی ایران، قاطعانه ادعاها درباره حمایت از فعالیت‌های تروریستی را رد می‌کند.

تهران ضمن یادآوری کمک‌های آمریکا به صدام، دیکتاتور عراق در جریان حمله شیمیایی به روستای حلبچه می‌گوید که خود قربانی تروریسم است.

نشریه «فارین پالیسی» چند سال پیش در گزارشی اختصاصی با استناد به اسناد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) فاش کرد که آمریکا از حملات شیمیایی عراق به ایران مطلع بوده و حتی با دادن تصاویر ماهواره‌ای به «صدام حسین» در این حملات کمک می‌کرده است.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۳۱۴۰۰۰۷۹۳



دستگیری یک ایرانی در امریکا به اتهام دور زدن تحریم‌ها

مقامات فدرال یک شهروند ایرانی را اوایل هفته به اتهام قاچاق قطعات هواپیما از آمریکا به ایران و نقض تحریم‌های آمریکا در «کلرادو» دستگیر کردند.
به گزارش فارس، کانال تلویزیونی «دنور» گزارش کرد که مقامات فدرال، یک ایرانی به نام «منصور مقتدری زاده» را روز شنبه هفته جاری در «دنور» مرکز ایالت «کلرادو» به اتهام قاچاق کالا برای ایران دستگیر کرده‌اند.
طبق این گزارش، دادستان‌ها روز دوشنبه (دیروز) در یک کیفرخواست ۳۹ فقره‌ای فدرال، مدعی شدند که مقتدری زاده قطعات هواپیما و دیگر تجهیزات مورد استفاده صنعت هوانوردی را در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ از آمریکا به ایران قاچاق کرده و درواقع در آن زمان تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نقض کرده است.
دادستان‌های آمریکایی این کیفرخواست را در سال ۲۰۱۰ مطرح کرده‌اند. مقتدری زاده که یک شهروند ایرانی است، اخیراً برای دریافت روادید سفر به آمریکا به منظور مراسم فارغ التحصیلی یکی از اعضای خانواده‌اش در «دنور» درخواست داده بود.
مقتدری زاده بعدازظهر پنجشنبه هفته گذشته وارد فرودگاه بین‌المللی «دنور» شد و به چندین نفری که منتظر ورود او بودند پیوست.
طبق اسناد دادگاه، مقامات دولت فدرال روز شنبه مقتدری زاده را در کلرادو دستگیر کردند. کیفرخواست مدعی است که مقتدری زاده کالاهایی را در آمریکا از طرف مشتریانی «ازجمله کاربران نظامی در ایران» تهیه کرده بود.
کیفرخواست، مقتدری زاده را به قاچاق عقربه نشان‌دهنده مسیر هوایی، صفحات و میله‌های فلزی هواپیما، رنگ استتار، درزگیر، رزین و مواد شیمیایی و دیگر اقلام ساخت آمریکا برای استفاده در ایران متهم کرده است. این کیفرخواست می‌گوید که فرد مظنون و شرکت وی،

اسناد حمل و نقل ساختگی برای برخی از این اقلام ایجاد کرده بودند.
طبق این گزارش، مقتدری زاده قرار است روز ۱۶ ژوئن (۲۷ خردادماه) بار دیگر در دادگاه فدرال حاضر شود. وکیل وی حاضر نشد در خصوص اتهاماتی که در جلسه اول دادگاه مقتدری زاده در بعدازظهر روز گذشته مطرح شد، حرفی بزند.[1]

۱- دیپلماسی ایرانی، کد خبر: ۱۹۶۰۰۰۰



طرح دوباره ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران PMD

قانون‌گذاران آمریکایی از محافل بین‌المللی خواسته‌اند بار دیگر پرونده تحقیقات درباره فعالیت‌های ادعایی گذشته ایران برای ساخت سلاح‌های اتمی (یا «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران؛ PMD) گشوده شود.

واشنگتن‌فری‌بیکن، وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکایی این خبر را روز جمعه بر اساس گفت‌وگو با منابع متعدد منتشر کرده است.

درخواست‌ها دراین‌باره بعدازآن مطرح می‌شود که هفته گذشته روزنامه وال‌استریت‌ژورنال به نقل از مقامات فعلی و پیشین آمریکایی مدعی شد که آژانس در نمونه‌برداری‌های محیطی سال گذشته از سایت نظامی پارچین، ذرات اورانیومی کشف کرده که با فعالیت‌های ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای مرتبط بوده‌اند. این ادعا در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش‌ازاین پرونده PMD ایران را مختومه اعلام کرده بود.

این ادعا موجب شده قانون‌گذاران آمریکایی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخواهند پرونده PMD که اکنون خاتمه‌یافته اعلام شده را بار دیگر به جریان بیندازند.

مایک پامپئو، عضو کمیته اطلاعاتی مجلس نمایندگان آمریکا به واشنگتن فری‌بیکن گفت: «تناقض‌های دولت اوباما درباره ایران و آژانس در این موضوع اورانیوم، مستلزم بررسی مجدد گزارش ابعاد نظامی احتمالی است.

«یوکیا آمانو»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آذرماه سال گذشته گزارش خود را درباره موضوع ادعایی «جنبه‌های نظامی احتمالی» در برنامه هسته‌ای ایران منتشر کرد. کشورهای عضو شورای حکام آژانس پس از آن با تصویب قطعنامه‌ای از گروه ۱+۵ پرونده مربوط به این موضوع را مختومه اعلام کرد.

منظور از «ابعاد نظامی احتمالی» ادعاهایی هستند مبنی بر اینکه ایران قبل از سال ۲۰۰۳ اقدام

به انجام آزمایش‌هایی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای در برخی از سایت‌های خود کرده است. کشورهای غربی ادعا می‌کنند شواهد مربوط به این تحقیقات از اسنادی به دست آمده‌اند که در لپ‌تاپی متعلق به یکی از فعالان برنامه هسته‌ای ایران وجود داشته است.
بسیاری از کارشناسان ازجمله «محمد البرادعی»، مدیر کل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در صحت و اعتبار این اسناد ادعایی تردید وارد کرده‌اند.
پامپئو گفت: «آژانس نمی‌تواند وقتی که درباره ذرات هسته‌ای تحقیق نشده ادعا کند که شناخت دقیقی از وضعیت دارد.»
این نماینده کنگره اضافه کرد: «حتی مقام‌های دولت اوباما هم حالا که ۶ ماه گذشته با نتیجه‌گیری‌های گزارش آژانس مخالف‌اند. عقل سلیم حکم می‌کند وقتی مشکلی پیدا می‌شود درباره آن تا زمان پیدا شدن راه حل تحقیق شود. حالا همه موافق هستند که یک واقعیت جدید پیدا شده. عدم تحقیق درباره آنچه در برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران رخ داده، رویه خطرناکی را پی‌ریزی می‌کند.»
ماکر کرک، یکی دیگر از سناتورهای مخالف برجام هم در اظهاراتی مشابه مدعی شده که تحقیقات آژانس به دلیل فشارهای وارد شده بر این نهاد از جانب «نیروهای طرفدار ایران»، کامل نبوده است.
وی گفت: «بسیار تأسف‌بار است که نهاد دیده‌بان هسته‌ای جهان، یعنی آژانس استقلالش را به خاطر توافق هسته‌ای ایران از دست داده باشد.»
یک منبع که در حال همکاری با کنگره بر سر موضوع ایران است به واشنگتن فری‌بیکن گفته که مسائل جدیداً مطرح شده درباره PMD گزارش‌ها مبنی بر اینکه ایران تمامی فعالیت‌های هسته‌ای را متوقف کرده را زیر سؤال می‌برد.
وی همچنین گفت: «اکنون وقت آن است که پرونده PMD را یک بار دیگر باز کنیم تا متوجه شویم ایران روی چه سلاح‌هایی کار می‌کرده است.»[۱]

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۰۵۰۰۰۰۳۵



شرط جدید امریکا برای برداشتن تحریم‌ها

سخنگوی کاخ سفید، روز دوشنبه ضمن بیان ادعاها علیه گروه حزب‌الله لبنان، گفت حمایت ایران از این گروه، باعث ایجاد مشکل برای این کشور در بازارهای بین‌المللی خواهد شد.
به گزارش خبرگزاری کویت، «اریک شولتز»، سخنگوی کاخ سفید گفت: «عاملان مالی نمی‌خواهند با کشوری تجارت کنند که برای تروریسم تأمین مالی انجام می‌دهد.»
وی افزود: «بنابراین ما از ایران می‌خواهیم این کار را نه‌تنها به دلیل آنکه برای امنیت ملی خوب نیست - و آن‌ها دارند از تروریسم حمایت می‌کنند - بلکه، به این دلیل که در راستای منافعشان هم نیست، متوقف کنند.»
سخنگوی کاخ سفید اضافه کرد واشنگتن از تمامی ابزارهایی که در اختیار دارد، ازجمله تحریم‌ها برای مقابله با حزب‌الله استفاده خواهد کرد.
«شولتز» در بخش دیگری از اظهاراتش ادعا کرد که تحریم‌های قبلی آمریکا با هدف قراردادن کانال‌های خرید حزب‌الله و شرکت‌های تجاری مرتبط با آن، تا اندازه زیادی مؤثر عمل کرده‌اند.
وی در ادامه خاطرنشان کرد: «اما اگر ایران از حزب‌الله حمایت بکند، این گروه همچنان، منبعی برای تأمین پول و منابع دارد. به همین دلیل است که اگر ایران خواستار دسترسی به بازارهای بین‌المللی است، لازم است رفتارهای خودش را کنترل کند.»[1]

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۰۸۰۰۰۰۵۹



تصویب طرح ممنوعیت فروش هواپیمای بوئینگ به ایران

به گزارش عصر ایران به نقل از بی‌بی‌سی، نمایندگان بعد از ظهر پنجشنبه طی یک رأی‌گیری شفاهی دو متمم در این زمینه که به لایحه بودجه خدمات مالی پیوست شده بود را تصویب کردند.

دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، گفته است هر گونه مصوبه‌ای که باعث تضعیف توافق اتمی با ایران شود را وتو خواهد کرد.

ایران ماه قبل رسماً تأیید کرد که برای خریداری هواپیما با بوئینگ به توافق رسیده است.

پیتر روسکام نماینده اهل ایلینوی که تهیه کننده این متمم‌ها بود گفت که این هواپیماهای مسافربری ممکن است مورد استفاده سپاه پاسداران ایران قرار گیرد.

به گزارش آسوشیتدپرس او گفت: «دادن این نوع هواپیماها به رژیم ایران، که هنوز بزرگ‌ترین حامی دولتی تروریسم در جهان است، به این معنی است که کالایی در اختیار آن‌ها می‌گذاریم که می‌تواند برای مقاصد نظامی استفاده شود.»

او ادعا کرد می‌توان هواپیماهای بوئینگ را طوری بازطراحی کرد که ۱۰۰ موشک بالستیک یا ۱۵ هزار گلوله آرپی‌جی را حمل کنند.

یک مدیر بوئینگ ماه پیش‌گفته بود که دولت اوباما اجرای توافق اتمی را برای امنیت ملی «بسیار مهم» می‌داند. توافق با بوئینگ اگر عملی شود به دلیل توافق اتمی (برجام) امکان‌پذیر می‌شود.

ایران و قدرت‌ها نزدیک به یک سال قبل، روز ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵، در مورد مهار برنامه اتمی ایران در قبال رفع تحریم‌های هسته‌ای به توافق رسیده بودند که از ژانویه گذشته به اجرا درآمد.

به گزارش آسوشیتدپرس خوزه سرانو نماینده دمکرات اهل نیویورک در مخالفت با این متمم‌ها

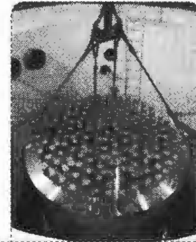
گفت که هدف جمهوری خواهان تعضیف برجام است.

علی عابدزاده، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، روز ۱۹ ژوئن تعداد هواپیماهای مورد توافق را «۱۰۰ هواپیما» اعلام کرد و گفت که «شرکت بوئینگ درخواست رسمی خود برای کسب مجوز نهایی فروش هواپیما را به خزانه‌داری آمریکا ارائه کرده و قرار است پس از کسب این مجوز، متن قرارداد نهایی بین دو طرف منعقد شود.»

گزارش شد که اگر طرح تازه در کنگره تبدیل به قانون شود - یعنی رئیس‌جمهور آمریکا آن را امضا کند - می‌تواند بر سایر شرکت‌هایی که قصد فروش هواپیما به ایران را دارند اثر بگذارد چون تقریباً همه جت‌های امروز حاوی بیش از ۱۰ درصد قطعات آمریکایی هستند و بنابراین به مجوز صادراتی آمریکا نیاز دارند.[1]

این در حالی است که محمد جواد ظریف خرداد ماه امسال با حضور در صحن علنی مجلس با اشاره به اینکه قدر نعمت حاصل شده از برجام را باید بدانیم گفت: «ناوگان هوایی، کشتیرانی و ریلی در حال بازسازی است. فراموش نکنیم در شرایط عادی مذاکره، انعقاد و اجرای یک قرارداد چند میلیاردی سال‌ها طول می‌کشد نه حتی ماه‌ها بروید مطالعه کنید. اما امروز این زمان کوتاه شده است.»

۱- عصر ایران، کد خبر: ۴۷۸۶۶۸



تصویب طرح ممنوعیت خرید آب سنگین از ایران[1]

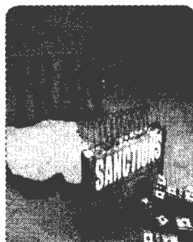
به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم به نقل از اسپوتنیک، کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه قانون ممنوعیت خرید آب سنگین از ایران را تصویب کرده است.

در ماه آوریل وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که به توافق ۸،۶ میلیون دلاری برای خرید ۳۰ تن آب سنگین از سازمان انرژی اتمی ایران دست یافته است.

اد رویس رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با انتشار این بیانیه اعلام کرد: خریدهایی مثل این تنها ایران را ترغیب می‌کند تا تولید این مواد حساس را که نقش مهمی در تولید پلوتونیم در سطح ساخت تسلیحات دارد، ادامه دهد.

این طرح وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی آمریکا را برای استفاده از منابع مالی فدرال با هدف خرید آب سنگین از ایران منع خواهد کرد.

۱- تسنیم، کد خبر: ۱۱۲۹۶۸۸



تصویب دو طرح ضد ایرانی ممنوعیت دسترسی ایران به سیستم مالی امریکا[۱]

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری رویترز، مجلس نمایندگان آمریکا یک لایحه ضدایرانی دیگر را دیشب گذشته مورد تصویب قرار داد.

به نوشته خبرگزاری «رویترز»[۲] مجلس نمایندگان آمریکا ساعات پایانی پنجشنبه (دیروز) دو لایحه مرتبط با توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی که یک سال قبل بدست آمد، تصویب کرد که امکان وتو از سوی «باراک اوباما» رئیس جمهور این کشور را دارد.

این دو لایحه که با تعداد بالای آرای موافق تصویب شد شامل یک سری تحریم‌های جدید و همچنین ممانعت از دسترسی ایران به سیستم اقتصادی آمریکا و واحد پول دلار می‌شوند.

این لوایح جزو آخرین اقدامات ضد ایرانی است که مجلس نمایندگان قبل از شروع تعطیلات تابستانی ۷ هفته‌ای کنگره آمریکاست. هیچ صحبتی نیز درباره اینکه چه زمانی این لوایح در سنا مطرح می‌شوند، به میان نیامد.

از زمان حصول برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و گروه ۵+۱ و همچنین تصویب آن در کنگره آمریکا، جمهوری‌خواهان این کشور تلاش می‌کنند تا با تصویب لوایح و قوانین مختلف از اجرای صحیح و کامل این توافق جلوگیری کرده و تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کردند.

پیش از این کوین مک‌کارتی رهبر اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا گفته بود، قرار است ۳ طرح مرتبط با ایران را تا پیش از ۱۴ جولای یعنی پنجشنبه ارائه کند، دقیقاً یک سال بعد از اعلام توافق هسته‌ای ایران. پیش‌بینی می‌شود هر ۳ طرح با رأی مثبت نمایندگان تصویب

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۲۵۰۰۰۰۶۲

2- http://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-usa-congress-idUSKCN0ZU2P9?utm_campaign=trueAnthem:+Trending+Content&utm_content=57886efe04d30154caa344f5&utm_medium=trueAnthem&utm_source=twitter

خواهد شد. فعلاً قرار نیست سنای آمریکا به این طرح‌ها رسیدگی کند. زمان ارائه این طرح‌ها مطابق با گزارش‌های جدید سرویس‌های اطلاعاتی آلمان است که مدعی شده‌اند ایران به فعالیت‌های حساس و غیرقانونی در زمینه اشاعه تسلیحات ادامه می‌دهد.

مهم‌ترین طرح که از سوی مک‌کارتی مورد حمایت واقع شده، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران و هر کشوری که از فعالیت‌های ادعایی غیرقانونی تهران در توسعه و آزمایش موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم و ادامه نقض حقوق بشر، پشتیبانی می‌کند، وضع خواهد کرد. این قانون دولت آمریکا را ملزم می‌کند تا شرکت‌هایی را که به برنامه موشک بالستیک ایران کمک می‌کنند، تحریم کند و تحریم‌های تروریسم را علیه نیروی قدس سپاه و همین‌طور شرکت‌هایی که به آن کمک می‌کنند از جمله هواپیمایی ماهان، اعمال نماید.

مک‌کارتی در این باره گفت: دولت نشان داده است که تمایلی برای پاسخگو کردن ایران به‌خاطر اقدامات خطرناک و بی‌ثبات کننده‌اش، برنامه موشک بالستیک، تروریسم جهانی و نقض حقوق بشر که علیه شهروندانش مرتکب می‌شود، ندارد. ما می‌خواهیم دولت ایران را به‌خاطر ادامه فعالیت‌های غیرقانونی مجازات کنیم.

طرح دوم که مجلس نمایندگان قرار است با حمایت اد رویس رئیس کمیته روابط خارجی رأی‌گیری کند، اشاره می‌کند که سیاست آمریکا این است که از دسترسی دولت ایران و بانک‌های ایرانی به دلارهای آمریکایی جلوگیری کند. دولت اعلام کرده است که به ایران اجازه نخواهد داد تا با دلار مبادلاتی را از طریق سیستم مالی آمریکا انجام دهد ولی طرح رویس مانع از استفاده ایران از دلارهای آمریکا حتی در خارج از این کشور می‌شود.

رویس افزود: ایران نباید هیچ‌گونه دسترسی به دلار آمریکا داشته باشد. رهبر ایران نباید در حالی که دلارهای آمریکا را در جیب خود دارد، به‌دنبال مرگ بر آمریکا باشد.[۱]

۱- تسنیم، کد خبر: ۱۱۲۷۶۹۸



افشای روش‌های آمریکا در جلوگیری از تعلیق واقعی تحریم‌ها[1]

خبرگزاری رویترز در گزارش مهمی از دبی و لندن، شیوه‌های دقیق کارشکنی امریکا در مسیر رفع واقعی تحریم‌ها علیه ایران را افشا کرد.

این گزارش چند روز پس از آن منتشر می‌شود که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان روز اول فروردین در مشهد فرمودند امریکا تقریباً هیچ اقدامی برای تعلیق واقعی تحریم‌ها علیه ایران انجام نداده است.

متن کامل این گزارش که روز ۴ فروردین ۱۳۹۵ و به قلم «تام آرنولد TOM ARNOLD» و «جاناتان ساول JONATHAN SAUL» نوشته شده در ادامه می‌آید.

درحالی‌که دو ماه از لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران سپری می‌شود، ناامیدی‌ها به بهبود شرایط در حال افزایش است، زیرا با توجه به خودداری بانک‌های خارجی از انجام تراکنش‌های مالی با ایران، موافقتنامه‌های تجاری اندکی با این کشور در حال پیگیری است.

امیدهای مردم ایران به پایان سریع انزوای اقتصادی این کشور در حال رنگ باختن است، زیرا بانک‌های خارجی، به ویژه بانک‌های اروپایی - که برخی از آن‌ها به واسطه جریمه‌های سنگین آمریکا بابت نقض تحریم‌های ایران به شدت آسیب دیده‌اند- از این موضع نگران هستند که محدودیت‌های متعدد اعمال شده توسط واشنگتن علیه ایران را نقض کنند. بسیاری از این محدودیت‌ها علیه ایران همچنان به قوت خود باقی است.

آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر معظم ایران، آمریکا را به بی میلی در اجرای موافقتنامه هسته‌ای ماه ژانویه میان ایران و کشورهای قدرتمند غربی متهم کرد.

وی در سخنرانی خود که روز یکشنبه از تلویزیون ایران پخش شد گفت: «آمریکایی‌ها به وعده‌های خود عمل نکرده‌اند، و تنها روی کاغذ اقدام به لغو تحریم‌ها کرده‌اند.» وی

۱- ایران هسته‌ای، کد خبر: ۲۸۹۳

همچنین از این موضوع شکایت کرد که تراکنش‌های مالی بین‌المللی ایران با مشکل روبرو است، زیرا بانک‌های بین‌المللی «از آمریکایی‌ها می‌ترسند».

بسیاری از تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران زمانی که موافقتنامه هسته‌ای ۲۰۱۵ در تاریخ هفدهم ژانویه به اجرا گذاشته شد، پایان یافت. ازجمله این تحریم‌ها می‌توان به اقدامات اعمال شده توسط اتحادیه اروپا و همچنین قوانینی اشاره کرد که بر اساس آن‌ها مقامات آمریکایی اجازه پیدا می‌کردند شرکت‌ها و اشخاص خارجی را که با ایران همکاری می‌کردند، مورد پیگرد قضایی قرار دهند.

موافقتنامه‌ها در خصوص چند قرارداد عمده به‌صورت گسترده در رسانه‌های ایران پوشش داده شد و ایران ابراز امیدواری کرد رهایی از تحریم‌های فلج کننده علیه این کشور بتواند باعث بهبود تجارت و سرمایه گذاری‌های خارجی به ارزش چندین میلیارد دلار شود. بدین ترتیب اقتصاد ایران دوباره احیا خواهد شد و شرایط زندگی ایرانی‌ها بهبود پیدا خواهد کرد. با این وجود، هنوز مبالغ کلانی (به‌صورت قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری) وارد ایران نشده است.

بانک‌های آمریکایی هنوز هم اجازه انجام فعالیت تجاری با ایران را ندارند، و درحالی که وام دهندگان در دیگر کشورها متأثر از این ممنوعیت‌ها نمی‌شوند، همچنان مشکلات بسیار زیادی در این زمینه باقی مانده است. از مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به قوانینی اشاره کرد که تراکنش با ایران را با استفاده از واحد پولی دلار در نظام مالی آمریکا ممنوع می‌کند. دلار، مهم‌ترین واحد پولی تجاری در جهان است.

جامعه تجار ایران بر این باور است که آمریکا نتوانسته است به وضوح اعلام کند که چه اقدامی (در قبال ایران) مجاز است و چه اقدامی مجاز نیست. این موضوع باعث به وجود آمدن شرایطی غیر قطعی شده است که بی‌میلی بانک‌های خارجی را به انجام تراکنش مالی با ایران در پی دارد.

«فریال مستوفی» رئیس شرکت خصوصی مدیریت پروژه «کی دی دی گروپ KDD Group» دراین‌باره گفت: «ما باید تلاش کنیم و به آمریکا فشار بیاوریم تا این موضوع را شفاف کند. در غیر این صورت، لغو تحریم‌ها هیچ معنایی نخواهد داشت.»

وی افزود «کی دی دی گروپ» در بخش‌های مختلفی ازجمله آهن، فولاد و معدن فعال است و شاهد تمایل زیاد شرکت‌های خارجی به همکاری با ایران بوده است، اما تاکنون هیچ موافقتنامه‌ای میان طرفین نهایی نشده است.

مستوفی که ریاست «کمیسیون سرمایه‌گذاری» در اتاق بازرگانی ایران را نیز به عهده دارد

دراین‌باره گفت: «در صورتی که شرایط بانکداری همانند امروز باقی بماند و تغییری نکند، قطعاً با مشکلاتی در پرداخت‌ها روبرو خواهیم شد.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا که مسئولیت اجرای تحریم‌ها علیه ایران را به عهده دارد، تاکنون به درخواست‌های خبرگزاری رویترز برای اظهار نظر درباره این موضوع پاسخی نداده است.

دبی یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری دیرینه ایران است و ایرانی‌های مقیم دبی، از این موضوع شکایت دارند که نمی‌توانند اعتبارهای اسنادی را به منظور تأمین مالی مبادلات با ایران افتتاح کنند. حتی برخی از این تاجران اعلام کردند حسّاب‌های بانکی شرکت‌های آن‌ها طی هفته‌های اخیر مسدود شده است.

این مشکلات همچنین باعث پیچیده شدن طرح‌های ایران مبنی بر فروش نفت خام بیشتر می‌شود. ایران همچنین قصد دارد ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های خود را که به واسطه تحریم‌های بین‌المللی در حساب‌های بانک‌های خارجی مسدود شده بود، مورد استفاده قرار دهد و این مشکلات باعث پیچیده شدن فرآیند مذکور می‌شود.

از ماه ژانویه تاکنون، ایران اقدام به امضای چند موافقتنامه به ارزش تقریبی ۵۰ میلیارد دلار با کشورهای مختلف کرده است. ازجمله این کشورها می‌توان به ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، روسیه، آلمان و دیگر کشورهایی اشاره کرد که با ایران مراوده تجاری، تأمین مالی و سایر انواع سرمایه‌گذاری را دارند.

برخی از این توافقنامه‌ها شامل امضای قرارداد خرید ۱۱۸ فروند هواپیمای جت ایرباس به ارزش ۲۷ میلیارد دلار می‌شود. با وجود این، تأمین مالی مورد نیاز برای تبدیل این موافقتنامه‌ها به قراردادهای محکم و استوار، یک مشکل دیگر است.

یک مدیر اجرایی شرکت ایرباس دراین‌باره در کنفرانسی که ماه گذشته در پاریس برگزار شد اعلام کرد: «ما در حال حاضر تنها شاهد پشت کردن بانک‌ها و خارج شدن آن‌ها از صحنه هستیم. ما به آن‌ها می‌گوییم نترسید»!

جریمه نه میلیارد دلاری بانک «ب ان پ پاریبا BNP Paribas» در سال ۲۰۱۴ توسط آمریکا باعث شده است بسیاری از بانک‌ها از انجام فعالیت‌های تجاری با ایران هراس داشته باشند. این جریمه بابت نقض تحریم‌های مالی آمریکا علیه بانک مذکور اعمال شد. رئیس فدراسیون بانکدرای فرانسه نیز در کنفرانسی اعلام کرد وام‌دهندگان باید از «امنیت و شفافیت قضایی کامل» اطمینان پیدا کنند.

کسب این اطمینان، اقدام بسیار دشواری خواهد بود، زیرا واشنگتن همچنان ممنوعیت انجام تراکنش‌های ایران را با واحد پولی دلار، در نظام بانکی خود حفظ کرده است.

«جرج بوث George Booth» از کارشناسان موسسه حقوقی «پینسنت میسونز Pinsent Masons» دراین‌باره گفت: «تا زمانی که تحریم‌های آمریکا علیه ایران برداشته نشود، بانک‌های اروپایی که عملیات کلانی در آمریکا دارند - و بسیاری از بانک‌های اروپایی شامل این مقوله می‌شوند- همچنان با محدودیت‌های تجاری گسترده و خسته‌کننده‌ای روبرو خواهند بود، مگر آنکه بتوانند فعالیت‌های تجاری خود را به‌صورت کامل از اروپا و آمریکا مجزا کنند.»

وی که اقدام به ارائه مشاوره به شرکت‌ها برای انجام مراودات تجاری با ایران می‌کند، در ادامه گفت: «سخن گفتن درباره این موضوع، بسیار آسان‌تر از عمل کردن به آن است. سطح ساختاردهی دوباره مورد نیاز برای تحقق این معیار، بسیار زیاد است و نباید آن را به هیچ وجه دست کم گرفت.»

«سید آرش شهرآیینی» معاون مدیر اجرایی ارشد «صندوق ضمانت صادرات ایران» که یک آژانس دولتی ایران است دراین‌باره گفت تاکنون تنها بانک‌های کوچک تمایل داشته‌اند تا در این جریان مشارکت کنند، و تراکنش‌ها محدود به رقم ۵۰ میلیون دلار بوده است.

وی افزود: «برخی از تراکنش‌ها با مبلغ کم انجام شده است، اما مبالغ کلان نیازمند مشارکت بانک‌های خارجی بزرگ خواهد بود که پیش از اعمال تحریم‌ها علیه ایران در این کشور فعال بودند. آن‌ها هنوز هم تمایلی به آغاز رابطه تجاری با ایران ندارند.»

شبکه جهانی پرداخت «سوییفت» طی هفته‌های اخیر، چندین بانک ایرانی را دوباره به نظام خود متصل کرد. بدین ترتیب این بانک‌ها اجازه پیدا کرده‌اند تراکنش‌های برون مرزی با بانک‌های خارجی را پس از چهار سال قطع ارتباط، دوباره از سر بگیرند.

این اقدام، گامی مهم در مسیر اتصال دوباره ایران به نظام مالی جهانی شمرده می‌شود، اما نتیجه آن تاکنون چندان چشمگیر نبوده است.

دو منبع آگاه بانکی دراین‌باره اعلام کردند بیشتر بانک‌های بین‌المللی همچنان از پذیرفتن چک از صاحبان حساب‌ها در بانک‌های تجاری مهم ایران که دوباره به نظام مالی جهانی متصل شده‌اند، خودداری می‌کنند.

«علی سنگینیان» مدیر اجرایی ارشد «بانک سرمایه‌گذاری امین» که بزرگ‌ترین بانک سرمایه‌گذاری این کشور شمرده می‌شود، عامل تأخیر در اتصال دوباره بانک‌های ایرانی را تحریم‌های باقی مانده علیه این کشور، اضطراب بانک‌های خارجی و فناوری‌های قدیمی مورد استفاده در ایران دانست.

یک بانکدار بین‌المللی در منطقه نیز دراین‌باره گفت بی‌میلی بانک تحت مدیریت وی از انجام تراکنش‌های مالی با ایران، تغییری نکرده است. وی افزود: «نزدیک به ۸۵ درصد تجارت با

ایران به واحد پولی دلار انجام می‌شود و اگر با این واحد پولی معامله کنید، نمی‌توانید خطر مشارکت با ایران را بپذیرید.»

از میان تراکنش‌هایی که اکنون با ایران انجام می‌شود، برخی از آن‌ها با استفاده از واحد پولی یورو یا دیگر واحدهای پولی است. این موضوع بر اساس توافق‌های کنونی، مجاز شمرده می‌شود.

«جیمز کیدول James Kidwell» مدیر اجرایی گروه کشتیرانی «برائمار Braemar» دراین‌باره گفت: «با وجود بهتر شدن اوضاع، هنوز هم مشخص نیست اگر با واحد پولی دلار آمریکا اقدام به تراکنش (با ایران) کنید، این تراکنش‌ها در نظام بانکی با مشکل روبرو خواهد شد یا نه. برخی افراد احتمالاً ترجیح می‌دهند تراکنش‌ها را با واحد پولی یورو انجام دهند تا از بروز هر گونه مشکلی جلوگیری شود.»

ایران توانسته است نفت خود را با استفاده از واحد پولی یورو، به هند و دیگر خریداران بفروشد. خبرگزاری رویترز ماه گذشته در گزارشی به نقل از یک منبع آگاه در شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد مقامات ایران به شرکای تجاری خود که میلیاردها دلار به این کشور بدهکار هستند، اعلام کردند خواستار دریافت این بدهی‌ها به یورو هستند.



۳ گام آمریکا برای نگه‌داشتن تحریم‌های ثانویه علیه ایران

رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام درباره وضعیت تحریم‌ها فرمودند: «خب وظیفه طرف مقابل این بود که تحریم‌ها را برطرف کند، برطرف نکرده؛ تحریم‌ها برطرف نشده. بخشی از تحریم‌ها را این‌ها به یک نحوی برداشته‌اند، منتها در عمل برداشته نشده.»
شاید این سؤال برای افراد ایجاد شود که منظور رهبری از این جمله دقیقاً چیست و چرا ایشان معتقدند تحریم‌ها در عمل برداشته نشده است. برای توضیح این مسئله ابتدا به بررسی تعهد آمریکا در برداشتن تحریم‌ها که در برجام تشریح شده و سپس به اقدامات آمریکا در اجرای تعهداتش پرداخته می‌شود.

تعهدات دولت آمریکا بر اساس برجام چه بود؟

بر اساس برجام قرار بود پس از روز اجرا آثار مشخصی از برداشته شدن تحریم‌ها مشاهده شود. آثار رفع تحریم‌ها در بخش بانکی و مالی در صفحه ۴۷ قطعنامه ۲۲۳۱ تشریح شده است.[۱] این آثار تمامی عملیات بانکی را شامل شده و هیچ منعی نباید برای فعالیت‌های بانکی وجود داشته باشد. تنها دو ممنوعیت در همکاری بانک‌های خارجی با ایران در برجام مشخص شده است، یکی بانک‌های آمریکایی و دیگری افراد باقی مانده در لیست تحریم‌های آمریکا (SDN List)؛ اما پس از روز اجرا برای بانک‌های غیرآمریکایی و افراد خارج شده از لیست تحریمی

۱- شامل عملیات مالی و بانکی، با دولت ایران، بانک مرکزی ایران، مؤسسات مالی ایرانی و سایر اشخاص ایرانی مشخص شده در الحاقیه شماره ۳ این پیوست، شامل اعطای وام، نقل و انتقال، حساب بانکی (شامل افتتاح حساب و ایجاد روابط کارگزاری و پرداخت از طریق حساب بین بانکی (PTA) در مؤسسات مالی غیرآمریکایی)، سرمایه گذاری، خدید و فروش اوراق بهادار، ضمانت نامه، خرید و فروش ارزهای خارجی (شامل نقل و انتقالات مرتبط با ریال)، صدور اعتبارات اسنادی و معاملات بازارهای آتی کالا و اختیار، ارائه خدمات پیام رسانی تخصصی مالی و تسهیل دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به آن‌ها، خرید یا تحصیل اسکناس بانکی آمریکایی توسط دولت ایران و خرید، پذیره نویسی، یا ارائه خدمات مربوط به صدور اوراق قرضه دولت ایران.

آمریکا، هیچگونه ممنوعیتی برای فعالیت‌های بانکی نباید وجود داشته باشد.
اما پس از روز اجرا خلل و فرج موجود در برجام یک به یک خود را نمایان ساخت. آمریکایی‌ها با بهانه باقی‌ماندن تحریم‌های غیرهسته‌ای و اینکه برجام هیچ اثری در اجرای تحریم‌های حقوق بشر، تروریسم و موشکی ندارد، قواعد سخت‌گیرانه‌ای در اجرای برجام وضع کردند که در نتیجه آن همکاری با ایرانی‌ها بسیار سخت و تقریباً ناممکن شده است.
آمریکایی‌ها سه گام اصلی در اجرای برجام برداشته‌اند که عملاً هیچ‌گونه تحریمی برداشته نشده است. در ادامه این سه‌گام را تبیین خواهیم کرد.

۱- حفظ ساختار حقوقی و سازوکارهای اجرایی تحریم‌های ثانویه:

آمریکا هرچند در برجام متعهد شده است که تحریم‌های ثانویه را به‌صورت موقت متوقف کند، اما در عمل آنچه که انجام داده است تنها کم کردن مصادیق اعمال تحریم ثانویه است و هیچ‌گونه سازوکار تحریمی را متوقف نکرده است. به عبارت دیگر تحریم‌های ثانویه آمریکا کماکان اجرایی است و امکان دارد دامن هر فعال اقتصادی غیرآمریکایی را بگیرد و این‌گونه نیست که این جریان متوقف شده باشد. آمریکا در اجرای برجام تنها اعمال تحریم‌ها را برای آن دسته از افراد، نهادها و بانک‌های ایرانی که از لیست تحریمی آمریکا خارج شده‌اند متوقف کرده است (در حدود ۴۰۰ فرد، نهاد و بانک ایرانی). در نتیجه سازوکار اعمال تحریم‌ها کاملاً پابرجا بوده و عمل می‌کند. به عبارت صریح‌تر می‌توان گفت آمریکا ساختار تحریم‌های خود را کاملاً حفظ کرده است.
این وضعیت در خود برجام زیاد قابل تشخیص نیست و یکی از بخش‌های مبهم برجام است. اما زمانی که وزیر امور خارجه آمریکا به نیابت از رئیس‌جمهور آمریکا، نامه توقف موقت اجرای تحریم‌ها را در روز پذیرش برجام (۲۶ مهر ۱۳۹۴) به کنگره ارسال می‌کند، این موضوع بیش از پیش شفاف می‌شود. این نامه با عنوان «Waiver Determinations and Findings»[1] منتشر شده است. در نامه فوق درخواست توقف موقت تحریم‌های ثانویه مصوب کنگره مطرح می‌شود. در تمامی بندهای این نامه تأکید می‌شود که توقف موقت اجرای تحریم‌های ثانویه شامل حال افراد باقی مانده در لیست تحریمی نمی‌شود. برای نمونه عکس زیر که بخشی از این نامه است را مشاهده کنید:

2.Section 1244(d) of IFCA for transactions by non-U.S. persons, **excluding** any transactions involving persons on the SDN List;

3. Section 1244(h)(2) of IFCA for transactions by foreign financial institutions, **excluding**

---

1 - www.state.gov/documents/organization/248501.pdf

any transactions involving persons on the SDN List;

4. Sections 1245 (a)(1)(A) of IFCA for transactions by non-U.S. persons, **excluding** any transactions involving persons on the SDN List;

5. Sections 1245(a)(l)(B) of IFCA for transactions by non-U.S. persons, **excludig** any transactions involving persons on the SDN List;

مشاهده می‌شود که کلیدواژه excluding «به استثنای» در تمامی بندها تکرار و تأکید شده است که افراد لیست تحریمی (SDN List) شامل این توقف اجرای تحریم نمی‌شوند. افراد باقی مانده در لیست تحریمی شامل ۲۰۰ فرد، نهاد و بانک می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، قرارگاه خاتم‌الانبیا، دانشگاه امام حسین (ع)، بانک صادرات و صادرات پی‌ال‌سی، بانک انصار، بانک مهر و ...

۲- وضع قواعد سخت‌گیرانه برای بانک‌های غیرآمریکایی که می‌خواهند با ایران همکاری داشته باشند

شاید این مسئله در نگاه اول مهم نباشد و با خود بگوییم که بالاخره بیش از ۴۰۰ فرد، نهاد و بانک از لیست تحریمی خارج شده‌اند که می‌توانند به راحتی از برداشته شدن تحریم‌ها استفاده کنند و تنها باقی ۲۰۰ فرد، نهاد و بانک باقی‌مانده در لیست تحریم در شرایط قبلی باقی می‌مانند.

اما زمانی که دستورالعمل اجرایی وزارت خزانه‌داری آمریکا را به دقت مطالعه کنیم مشاهده می‌شود که این وضعیت بسیار هم خطرناک و غیرقابل قبول است و مانع بهره‌مندی افراد خارج شده از لیست تحریم از فضای پسابرجام می‌شود.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در روز اجرا، دستورالعمل (Guideline) رفع تحریم‌ها را تنظیم کرده و برای اطلاع‌رسانی بیشتر نیز مجموعه پرسش و پاسخ‌های متداول را با ادبیاتی روان‌تر منتشر کرده است[1] وقتی یک نفر این مجموعه را مطالعه می‌کند مشاهده می‌کند که بخش زیادی از رفع تحریم‌ها مشروط شده است. برای مثال در همکاری بانک‌ها و به‌طور خاص بانک مرکزی اینگونه پاسخ می‌دهد:

For exemple, a European-headquartered bank that transacts with the CBI or any other non-designated Iranian financial institution is not subject to secondary sanctions - even if the CBI separately has banking relationships with individuals or entities on the SDN

1- www.treasury.gov/resourcecenter/sanctions/Programs/Documents/jcpoa_faqs.pdf

List – provided that the European bank is not involved with any of the CBI's transactions [involving individuals or entities that remain on the SDN List. [01-16-2016

ترجمه: برای مثال یک شعبه مرکزی بانک اروپایی که با بانک مرکزی ایران یا هرکدام از بانک‌های ایرانی غیرتحریمی تراکنش مالی انجام می‌دهد، موضوع تحریم ثانویه نیست -حتی اگر بانک مرکزی ایران به‌صورت جداگانه با افراد و نهادهای قرارگرفته در لیست تحریم (SDN List) ارتباط داشته باشد- مشروط به اینکه بانک اروپایی درگیر هیچ‌یک از تراکنش‌های بانک مرکزی ایران با افراد و نهادهای باقی مانده در لیست نباشد.

یعنی اگر بانک اروپایی در تراکنشی که بانک مرکزی ایران برای یکی از افراد و نهادهای باقی مانده در لیست تحریمی (حدود ۲۰۰ فرد، نهاد و بانک) درگیر باشد از تحریم‌های ثانویه آمریکا تخلف کرده و لذا با تنبیهات آمریکا مواجه می‌شود.

نکته فنی این مقررات آن است که مسئولیت تمام این اقدامات متوجه بانک‌های همکار ایران هست؛ یعنی بانک است که باید متوجه شود آیا تراکنشی که در حال هدایت و انجام آن است مرتبط با یکی از افراد باقی مانده در لیست تحریمی است یا نه. از آنجا که این شناسایی کمی سخت و دشوار است، بانک خارجی ترجیح می‌دهد که این تراکنش را هدایت و انجام ندهد.

۳- ترساندن بانک‌های خارجی از هرگونه تخلف از تحریم‌ها

گام دیگری که آمریکایی‌ها در ادامه دو گام قبلی برداشته‌اند تقویت ترس درون بانک‌های خارجی است. در سال‌های گذشته و خصوصاً پس از توافق ژنو آمریکایی‌ها تعداد قابل توجهی از بانک‌های خارجی را جریمه کردند که بزرگ‌ترین آن‌ها بانک پاریباس فرانسه بود با جریمه ۹/۸ میلیارد دلاری. بانک‌های آلمانی، انگلیسی و حتی ژاپنی نیز مورد تنبیه قرار گرفتند که در مجموع نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار دریافتی دولت آمریکا از این مسیر بود. این جرائم سنگین سابقه بسیار تیره‌ای در ذهن مدیران بانک‌های خارجی ایجاد کرده است و در نتیجه از هرگونه فعالیتی که احتمال مواجه شدن با جرائم آمریکا را داشته باشد پرهیز می‌کنند. در کنار این هشدارهای متعدد دولتمردان آمریکایی مبنی بر باقی‌ماندن تحریم‌های ثانویه در سایر حوزه‌ها و برخورد شدید دولت آمریکا با تخلف از آن تحریم‌ها ترس را در بانک‌های خارجی نهادینه می‌کند و نتیجه آن عدم همکاری با بانک‌های ایران است.

استوارت لوی، مدیر حقوقی بانک اچ‌اس‌بی‌سی از بانک‌های جریمه شده در سال ۹۳، بزرگ‌ترین بانک بریتانیا و اروپا و چهارمین بانک بزرگ جهان، ۲۴ اردیبهشت ماه در وال استریت ژورنال می‌نویسد: دولت‌های غربی می‌توانند تحریم‌های ایران را بردارند، اما در نهایت اگر مشکلی در زمینه پولشویی یا فعالیت‌های مالی در حمایت از تروریسم پیش بیاید،

این بخش خصوصی است که باید پاسخگو باشد، و بخش خصوصی خود ریسک فعالیت‌هایش را ارزیابی می‌کند. وزارت دارایی آمریکا و «کارگروه اقدام مالی» (FATF)، نهاد بین‌المللی مبارزه با پولشویی، هنوز از بازار ایران ارزیابی منفی دارند و هنگام معامله با ایران خطر درگیر شدن در مبادلاتی که با پولشویی ارتباط دارند بالا است. وی یادآوری می‌کند که دولت آمریکا مکرراً درباره تسلط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اقتصاد ایران هشدار می‌دهد.[1]

مشاهده می‌شود هرچند دولت آمریکا در برجام متعهد به برداشتن تحریم‌های ثانویه بود اما در عمل به گونه‌ای رفتار کرده است که همان میزان تحریم‌ها نیز برداشته نشده و در نتیجه ایران نتوانسته است از برداشتن تحریم‌ها استفاده‌ای ببرد. دولت آمریکا و به‌طور خاص وزارت خزانه‌داری آمریکا برای انجام تعهدات برجام لازم است دو تضمین کتبی بدهد. تضمین اول اینکه هیچ بانک غیرآمریکایی و غیرایرانی به دلیل همکاری با ایران با جریمه آمریکا مواجه نشود. و تضمین دوم اینکه برای بانک‌های غیرآمریکایی همکاری مستقیم با بانک‌ها و افراد باقی مانده در لیست تحریمی ممنوع بوده و در صورت همکاری غیرمستقیم هیچ مشکلی برایشان پیش نخواهد آمد. در غیر این صورت وضعیت فعلی تغییر نخواهد کرد و می‌توان گفت دولت آمریکا به تعهداتش در برجام پایبند نبوده است.[2]

---

1 - www.wsj.com/articles/kerrys-peculiar-message-about-iran-for-european-banks-1463093348

۲- تسنیم، شناسه خبر: ۱۱۱۴۲۷۸



تمام طرح‌های کنگره علیه ایران در دوران پسابرجام به روایت کنگره امریکا[1]

مرکز پژوهش‌های کنگره ایالات متحده آمریکا گزارشی را از طرح‌های ضد ایرانی مطرح شده در کنگره پس از حصول توافق هسته‌ای وین منتشر ساخته است. در ذیل به بخشی از این گزارش مبسوط که شامل پیشنهادهای تحریمی است، اشاره شده است:

قانون تحریم‌های ایران

بر اساس برجام، مادامی که ایران به تعهدات خود در برجام بطور کامل عمل می‌نماید، تحریم‌های لغو یا تعلیق شده نباید در سایر مسائل ـ مانند تروریسم یا حقوق بشر ـ مجدداً اعمال گردد. دولت در اظهارات و بیانیه‌های خود عنوان کرده که به این بند عمل خواهد کرد اما تحریم‌های جدید می‌تواند بدون آنکه نقض برجام باشد با هدف تلاش برای محدودسازی توان نظامی ایران، موارد نقض حقوق بشر در این کشور و یا حمایت آن از گروه‌های شبه‌نظامی اعمال گردد.

پس از نهایی‌شدن برجام، برخی لوایح که شامل اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران است، (به دولت) ارسال شده است. حامیان این لوایح مدعی هستند که این کار می‌تواند نقاط ضعف توافق را جبران و یا سایر مسائل مربوط به ایران را مدنظر قرار دهد. دولت معتقد است بخشی از این قانون پیشنهادی ممکن است از سوی ایران نقض برجام تفسیر شده و منجر به نابودی کامل آن گردد. در ذیل به برخی از بندهای اصلی این لایحه اشاره شده است:

قانون نظارت برسیاست در قبال ایران.

این لایحه شامل بندی است که بر اساس آن ملزومات معتبر برای دولت به منظور حذف نام نهادهای ایرانی مورد تحریم به علت همکاری یا توسعه فعالیت‌های تروریستی تأمین می‌گردد.

۱- فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۷۱۲۰۰۰۳۰۸

قانون تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

این قانون نیازمند ارائه گزارش در این باره است که آیا سپاه پاسداران دارای معیارهای معرفی به‌عنوان یک نهاد تروریستی خارجی هست یا خیر. دولت معتقد است قانونی که یک سازمان را سازمان تروریستی خارجی می‌داند مختص گروه‌هاست و نه نیروهای مسلح یک دولت-ملت.

منع کمک به قانون ایران هسته‌ای

بر اساس این لایحه استفاده از سرمایه‌های آمریکا به منظور ارائه کمک فنی به برنامه هسته‌ای ایران ممنوع می‌باشد. این بند احتمالاً در تضاد با بندی از برجام است که از اعضای ۵+۱ می‌خواهد با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران همکاری داشته باشند. این بند همچنین می‌تواند مشکلاتی در حوزه تأمین بودجه برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایجاد نماید چرا که این نهاد ناظر اصلی بر مطابقت عملکرد ایران (با برجام) به شمار می‌آید.

قانون اجرای عدالت برای قربانیان تروریسم ایران

بر اساس این لایحه رئیس‌جمهور (آمریکا) حق لغو تحریم‌های ضد ایرانی بر اساس برجام را ندارد تا زمانی که تهران پرداخت غرامت‌های قضایی را به قربانیان تروریسم ایرانی یا موردحمایت ایران تکمیل نماید. مجلس نمایندگان این لایحه را در اول اکتبر ۲۰۱۵ در حالی به تصویب رساند که به اعتقاد دولت، ملزومات لغو تحریم‌ها در این لایحه در تضاد با برجام است.

H.R. 3728

این لایحه اصلاحی بر قانون حقوق بشر سوریه و کاهش تهدید ایران (ITRSHRA) بوده که در آن به‌اجبار (و نه داوطلبانه) بانک‌های ایرانی از استفاده از سیستم‌های انتقال بانکی الکترونیک نظیر سوئیفت تحریم می‌شوند. برجام دسترسی مجدد ایران به سوئیفت و سایر سیستم‌های پرداخت الکترونیکی را امکان‌پذیر کرده است.

قانون شفافیت در تأمین تروریسم توسط ایران

این لایحه شامل ملزومات معتبری برای دولت است که لیست مجددی از نهادهای ایرانی مورد تحریم تهیه می‌نماید. بر اساس گزارش‌ها، این لایحه در مجلس نمایندگان تصویب اما نتایج آرا نهایتاً غیرقابل قبول بوده است.

قانون تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

این لایحه نیازمند اقدام کنگره برای تصویب درخواست دولت مبنی بر حذف ایران از لیست کشورهای تروریستی می‌باشد. لایحه مذکور همچنین نیازمند تائید دولت درباره این مسئله است که هر نهادی که از «لیست تحریم‌ها» حذف شده، یکی از اعضا، عوامل، وابسته یا متعلق به سپاه نباشد.

قانون تحریم و ممانعت (از توسعه) برنامه موشکی بالستیک ایران ۲۰۱۶

این لایحه شامل اعمال تحریم‌های «قانون تحریم‌های ایران (ISA)» علیه هر شخصی است که قصد انتقال تسلیحات پیشرفته متعارف یا هر فناوری و اطلاعات مرتبط با این برنامه‌ها را به یا از ایران داشته باشد. برخی ممکن است این لایحه را افراط در بخش تسلیحات کشتارجمعی و تسلیحات متعارف ISA بدانند.

قانون تحریم علیه برنامه موشکی بالستیک ایران ۲۰۱۶

این لایحه ISA را تا سال ۲۰۳۱ تمدید کرده و در آن به بخش‌های ویژه‌ای از اقتصاد ایران (خودروسازی، صنایع شیمیایی، علوم کامپیوتری، ساخت و ساز، بخش‌های الکترونیک، متالوژی انرژی، معادن، پتروشیمی، واحدهای تحقیقاتی و ارتباطات از راه دور) اشاره شده که در صورتی که هر یک از این بخش‌ها به‌عنوان حامی برنامه موشکی بالستیک شناخته شوند، باید مورد تحریم‌های آمریکا قرار گیرند. بندهای این لایحه لزوماً نقض برجام نیست چراکه تحریم‌های ذکرشده در آن تنها تحریم علیه اشخاص آمریکایی است، اما چنین محدودیتی موجب کاهش نفوذ لایحه علیه ایران نیز می‌گردد.

قانون تحریم علیه حقوق بشر و تروریسم ایران ۲۰۱۶

این لایحه شامل تحریم‌های بیشتر علیه ایران به واسطه اقدام این کشور در نقض حقوق بشر و تأمین تسلیحات برای بشار اسد و سایر بازیگران منطقه‌ای است؛ از جمله آن می‌توان به استفاده از هواپیمایی‌های خصوصی مانند ماهان ایر به همین منظور اشاره کرد.

قانون نظارت برلغو تحریم‌های ایران ۲۰۱۵

این لایحه ISA را تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ تمدید کرده و دولت را ملزم به ارائه گزارش درباره این مسئله می‌نماید که «نحوه استفاده ایران از منابع مالی‌ای که به واسطه لغو تحریم‌ها بدست آورده، چگونه است.»

H.R. 4992

این لایحه که در ۱۴ ژوئیه در مجلس نمایندگان به تصویب رسیده، بانک‌های خارجی و dollar clearinghouses را ملزم به دریافت مجوز از ایالات‌متحده به منظور انجام هرگونه معامله‌ای با دلار که مرتبط با ایران است، می‌نماید. چنین لایحه‌ای اعمال محدودیت‌های جدید در انجام معامله‌های خارجی با ایران بوده و دولت نیز با آن مخالف است چرا که آن را در تناقض با برجام می‌داند.

لایحه کمیته روابط خارجی سنا

در اواسط ژوئیه، کورکر رئیس کمیته روابط خارجی سنا لایحه مشترک خود با منندز را اعلام نمود.

این لایحه شامل مقررات متعددی می‌باشد. بر اساس یکی از این قوانین، توانایی رئیس جمهور در اصلاح مقررات موجود برای انجام معاملات دلاری با ایران در حوزه پاکسازی دریایی محدود شده و مجازات نهادهای خارجی‌ای که با برنامه موشکی بالستیک ایران همکاری دارند را تشدید می‌کند. هنوز مشخص نیست که این محدودیت رئیس جمهور در اعطای مجوز به نهادهای خارجی فعال در حوزه پاکسازی برای انجام معامله دلاری با ایران ـ موضوعی که به طور ویژه نیز در برجام به آن اشاره نشده ـ نقض توافق است یا خیر. ایران معتقد است که امتناع ایالات متحده از انجام این کار ناقض آن بخش از برجام است که در آن آمده: «تحریم‌های باقی‌مانده نباید مانع دستیابی ایران به مزایای لغو تحریم‌ها گردد.»

R.H. 5631

این لایحه نیز که در تاریخ ۱۴ ژوئیه با ۱۷۹ رأی از ۲۴۶ رأی در مجلس نمایندگان به تصویب رسید، بخشی از چشم‌پوشی‌های قانونی از مقررات خاصی از تحریم‌های ضدایرانی را حذف کرده و اعمال تحریم بر بخش‌هایی از اقتصاد غیرنظامی ایران که از برنامه موشکی بالستیک حمایت می‌کند را لازم می‌نماید. بخش دوم این لایحه را می‌توان در تناقض با برجام دانست که بر اساس آن تحریم‌هایی که لغو شده نباید به دلایل غیرهسته‌ای مجدد اعمال شوند.

H.R. 5119

بر اساس این لایحه که با ۱۷۶ رأی در مجلس نمایندگان به تصویب رسید، دولت ایالات متحده از خرید آب سنگین اضافی از ایران ممنوع می‌گردد. لایحه مذکور با هدف ممانعت خریدهای آمریکا مشابه آنچه در آوریل ۲۰۱۶ انجام گرفت در نظر گرفته شده است که در آن ایالات متحده ۳۲ تن (آب سنگین) را به هزینه تقریبی ۸٫۶ میلیون دلار از ایران خریداری نمود. این خرید به ایران کمک می‌کند تا انطباق خود با مقدار تعیین‌شده ذخیره آب سنگین خود بر اساس برجام را حفظ نماید.

چندین لایحه و اصلاحات آن با هدف مسدود و ممنوع نمودن فروش هواپیماهای بوئینگ به ایران از طریق ممنوعیت صدور مجوز، تأمین مالی و یا ارائه ضمانت‌های وام بانکی برای فروش (Ex-Im Bank loan guarantees for the sale)

این لوایح شامل H.R.5715 و H.R. 5711 و چندین اصلاحیه بوده که در قانون تخصیص بودجه‌های عمومی دولت و خدمات مالی FY2017 به تصویب رسیده است. این قانون در تاریخ ۱۷ ژوئیه و با ۱۸۵ رأی از ۲۳۹ رأی در مجلس نمایندگان تصویب گردید.

قانون جلوگیری از اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران در عراق ۲۰۱۵

این لایحه اعمال تحریم علیه اشخاصی را ملزم می‌داند که صلح و ثبات و اصلاحات اقتصادی و سیاسی در عراق را تهدید می‌کنند. این لایحه نمودی از دستور اجرایی ۱۳۴۳۸ (که در بالا به آن

اشاره شد) محسوب می‌گردد.

H.R. 5931

این لایحه شامل ممانعت از انتقال هرگونه پول نقد به ایران توسط هر بانکی می‌باشد؛ از جمله با هدف پرداخت‌های قضایی آمریکا به نفع ایران یا سایر حل و فصل‌های مالی میان دو طرف. به نظر نمی‌رسد که این لایحه در تضاد با برجام باشد چرا که در برجام به این مسئله اشاره نشده که آمریکا و ایران چگونه باید اختلافات مالی یا سایر اختلافات خود را حل و فصل کنند.

قانون تمدید تحریم‌های ایران

چندین لایحه با هدف تمدید ISA که ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶ بطور کامل منقضی می‌شود، ارائه شده است. چندین لایحه دیگر- S. 3281 S. 2988 ,S. 825 ,H.R. 1540, و S. 3267 -نیز با همین هدف مطرح گردیده است. لایحه دوم که توسط هری‌رید، رهبر اقلیت سنا ارائه شد شامل تمدید قانون تحریم تا پایان ۲۰۲۶ می‌باشد.

S.2988 اعلام می‌دارد که اجرای این قانون هنگامی به پایان می‌رسد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به «نتیجه‌گیری مبسوط» دراین‌باره دست یابد که تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تنها در راستای اهداف صلح‌آمیز انجام می‌گیرد. سناتور لیندسی گراهام در تاریخ ۱۹ سپتامبر اعلام کرد که در حال آماده‌سازی (پیش‌نویس) قانونی است که علاوه بر ارائه کمک‌های بیشتر به اسرائیل، شامل تمدید ISA نیز می‌باشد. مقامات دولتی نیز معتقدند که تمدید ISA با فرض بر مشمولیت تمامی معافیت‌های قانونی، لزوماً نقض برجام به شمار نمی‌آید درعین حال برای این تمدید باید تا تثبیت برجام منتظر بود.

دولت همچنین هیچ‌گونه تهدید آشکاری برای وتوی تمدید ISA نداشته است. با این حال نامه ایران به شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ نشان‌دهنده دیدگاه این کشور است که «اعلام و اعمال مجدد تحریم از جمله از طریق تمدید آن‌ها و محدودسازی اقدامات عدم اجرای تعهدات محسوب شده و ایران را به کاهش پایبندی کلی یا جزئی به تعهداتش وادار خواهد کرد.» حامیان این تمدید معتقدند تمدید این قانون با اطمینان از فرآیند «بازگشت تحریم‌ها» تأثیر قابل‌توجهی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. دولت مدعی است در صورت نقض برجام توسط ایران، چنانچه ISA منقضی شده بود به‌آسانی می‌توان با فرمان اجرایی و یا اقدام کنگره آن را احیا نموده و از سرگرفت.

سایر تحریم‌های بین‌المللی یا آمریکایی

در ذیل به برخی تحریم‌های دیگر که ممکن است به تصویب برسد اشاره شده است-شاید در

چارچوبی بین‌المللی- که در صورت لغو احتمالی برجام بواسطه عدم اجرای تعهدات توسط هر یک از طرفین می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

تحریم کلی تجارت با ایران

برخی سازمان‌ها مانند «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» خواستار اعمال تحریمی کلی علیه تجارت با ایران است؛ البته به استثنای محصولات غذایی و دارویی. ممنوعیت تجارت جهانی با ایران فاقد هرگونه حمایت در شورای امنیت سازمان ملل بوده و متحدان آمریکا قویاً مخالف اقداماتی از سوی واشنگتن هستند که آن‌ها را وادار می‌سازد روابط تجاری خود با ایران در حوزه‌های صرفاً غیرنظامی و کالاهای غیراستراتژیک را قطع نمایند.

ممنوعیت جامع در قبال انجام هرگونه معامله با ایران در حوزه انرژی

بسیاری از کارشناسان معتقدند که ممنوعیت جهانی به رهبری سازمان ملل علیه خرید نفت خام از ایران فشار قابل توجهی بر این کشور وارد خواهد آورد. این بند به احتمال فراوان به حمایت از سوی شورای امنیت سازمان ملل نیازمند است. برخی خواهان اعمال ممنوعیت از سوی شورای امنیت در قبال هرگونه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و فروش ادوات به بخش انرژی ایران هستند. طی دهه ۱۹۹۰، تحریم‌های سازمان ملل علیه لیبی فروش تجهیزات حوزه انرژی را به این کشور ممنوع کرد.

منطقه آزاد نفت ایران

پیش از تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران، این بحث مطرح بود که نتیجه‌ای مشابه از طریق مسدودنمودن راه‌گریز در ممنوعیت تجارت آمریکا ایجاد شود که در آن نفت خام ایران، هنگامی که با نفت سایر کشورها در پالایشگاه‌های اروپا یا هر نقطه دیگری مخلوط شود می‌تواند بعنوان یک محصول تصفیه‌شده وارد آمریکا شود. برخی معتقدند این کار در تحریم نفتی اروپا ذکر شده در حالی که برخی دیگر این گونه استدلال می‌کنند که این مرحله ارزش حصول اطمینان از این مسئله را دارد که تحریم نفتی اتحادیه اروپا علیه ایران نه لغو شده و نه تغییر یافته است.

کاهش اجباری در مبادلات دیپلماتیک با ایران یا منع سفر مقامات ایرانی

برخی پیشنهاد می‌کنند که ایالات‌متحده ممنوعیتی جهانی علیه سفر مقامات ارشد غیرنظامی ایران سازماندهی نماید؛ سفرهای جدا از همه مأموریت‌های دیپلماتیک. همچنین اخراج تمام دیپلمات‌های ایرانی از سراسر جهان نیز پیشنهاد می‌شود. اتحادیه اروپا از تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱ و در پی حمله به سفارت انگلیس در تهران به اجرای چنین رویکردی گرایش یافته است.

منع ایران از حضور در رویدادهای بین‌المللی ورزشی

این گزینه مبادلات فرهنگی یا ورزشی با ایران را محدود می‌نماید؛ مانند شرکت ایران در بازی‌های جام جهانی فوتبال. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان با استفاده از رویدادهای ورزشی

برای دستیابی به اهداف سیاسی مخالف هستند.

تحریم سودجویان ایرانی و دیگر سوءاستفاده‌گران (Sanctioning Iranian Profiteers and Other Abusers)

برخلاف بند P.L. 112-239 که پیش‌تر به آن اشاره شد، برخی کارشناسان معتقدند ایالات‌متحده و جامعه جهانی باید آن دسته از مقامات ایرانی را که از حقوق ویژه و انحصاری برخوردار بوده یا دارای ارتباطات سیاسی در راستای منافع مالی‌شان هستند، با شدت بیشتری مورد تحریم قرار دهند. برخی دیگر معتقدند تحریم‌های حقوق بشری باید به آن دستۀ از مقامات ایرانی تسری داده شود که مسئول امور زنان ایرانی محروم یا سایر گروه‌هایی هستند که حقوق آن‌ها از دیدگاه بین‌المللی پذیرفته‌شده است.

ممنوعیت پروازهای مسافری به و از ایران

اعمال تحریم علیه پرواز به و از لیبی در پاسخ به اقدام عوامل این کشور در بمب‌گذاری ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ صورت گرفت. به‌عنوان نسخه دیگری از این ایده می‌توان به اعمال تحریم علیه خطوط هوایی‌ای اشاره کرد که دارای سرمایه‌گذاری یا کدبندی‌های مشترک با خطوط هوایی ایرانی هستند.

محدودیت وام‌دهی به ایران از سوی مؤسسات مالی بین‌المللی

قطعنامه ۱۷۴۷ شامل کاهش و نه ممنوعیت اعطای وام‌های بین‌المللی به ایران است. می‌توان اعطای چنین وام‌هایی را به ایران ممنوع کرد. برخی گروه‌ها در ایالات‌متحده از صندوق بین‌المللی پول می‌خواهند که تمام سرمایه‌های خود در بانک مرکزی ایران را خارج کرده و عضویت این کشور در ساختار صندوق را نیز به حالت تعلیق درآورد.

ممنوعیت در تأمین مالی تجارت یا بیمه‌های رسمی آن

یکی دیگر از گزینه‌ها دستور ایجاد یک ممنوعیت جهانی علیه ضمانت‌های اعتباری در تجارت‌های رسمی می‌باشد. این ممنوعیت در قطعنامه ۱۹۲۹ الزامی نشده اما برخی کشورها این تحریم را اعمال نموده‌اند. منع سرمایه‌گذاری در بخش اوراق قرضه ایران نیز مدنظر بود اما به منظور جلب حمایت روسیه و چین حذف گردید.

اعمال محدودیت در عملیات و بیمه کشتی‌رانی ایران

یکی از گزینه‌هایی که از مدت‌ها پیش برای اعمال مدنظر بوده، ممنوعیت جهانی در ارائه بیمه یا بیمه‌مجدد هرگونه حمل و نقل دریایی به یا از ایران است. درخواست برای کاهش ارائه بیمه در قطعنامه ۱۹۲۹ آورده شده اما الزام‌آور نیست. در ۱ ژوئیه ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا ارائه چنین بیمه‌ای را ممنوع کرد؛ بسیاری از شرکت‌های بزرگ بیمه‌ای جهان در اروپا قرار دارند.



تحریم سنگین و ۳۰ ساله اتحادیه اروپا علیه شرکت ملی نفت ایران[1]

شرکت ملی نفتکش از طرف دادگاهی در اتحادیه اروپا وارد تحریم بسیار سنگینی شده است. بر اساس این حکم که در یک لایحه ۲۷ صفحه‌ای به شرکت ملی نفتکش ابلاغ شده است، هیچ دادگاهی در اتحادیه اروپا حق فسخ این حکم را تا ۳۰ سال آینده ندارد و از این پس، بیمه‌های اروپایی نیز حق بیمه کردن نفتکش‌های ایرانی را ندارند.

مهم‌ترین و عجیب‌ترین بخش حکم این دادگاه اروپایی، تحریم سهامداران شرکت ملی نفتکش یعنی شستا، صندوق بازنشستگی نفت و صندوق بازنشستگی کشوری است.

بر اساس این گزارش، پیش‌تر دادگاهی در اروپا حکم به لغو تحریم‌های شرکت ملی نفتکش داده بود که حکم اخیر دادگاه اروپایی، نقض حکم قبلی در دادگاه‌های اتحادیه اروپا تلقی می‌شود.

به گزارش فارس، یکی از مهم‌ترین تحریم‌های وضع شده از سال‌های گذشته بر علیه ایران، تحریم نفتکش‌های ایرانی و به خصوص بیمه این نفتکش‌ها بود که برای تردد این نفتکش‌ها و پهلو گرفتن آن‌ها در بنادر جهان مشکلات زیادی ایجاد می‌کرد.

تحریم شرکت ملی نفتکش همواره در رسانه‌ها به عنوان بخشی از تحریم فروش نفت ایران تلقی شده است.

شرکت ملی نفتکش در ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۲ مطابق با ۲۴ مهرماه سال ۱۳۹۱ مورد تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفت.

بر این اساس با اقداماتی که از طریق وکلای شرکت ملی نفتکش انجام شد، در تاریخ ۳ جولای سال ۲۰۱۴ دادگاه لوکزامبورگ حکم لغو تحریم شرکت ملی نفتکش ایران را صادر کرد. حکم

۱-کیهان، کد خبر: ۸۷۸۴۲

اخیر نقض حکم دادگاه لوکزامبورگ محسوب می‌شود.
علی‌اکبر صفایی مدیرعامل شرکت ملی نفتکش در مهرماه ۹۳ پس از اعلام قطعی شدن رفع تحریم شرکت ملی نفتکش در اتحادیه اروپا گفت: «ما دو نوع تحریم داریم که نوع اول تحریم‌های عمومی است و هم اکنون این تحریم‌ها پابرجاست، بنابراین در شرایط فعلی نمی‌توانیم از بیمه‌های بین‌المللی استفاده کنیم، اما آنچه دادگاه لوکزامبورگ اعلام کرده لغو تحریم خاص از شرکت ملی نفت‌کش ایران است که بر اینِ اساس مانند گذشته می‌توانیم از خدمات بیمه‌های داخلی استفاده کنیم.»
این در حالی است که قرار بود پس از برجام همه تحریم‌های مرتبط با فروش نفت ایران و دریافت پول حاصل از آن برطرف شود.

لغو خیالی تحریم‌ها

رئیس‌جمهور در ۲۴ مرداد ماه گذشته در سفر به استان کهگیلویه و بویراحمد گفته بود: «بیمه که در تحریم بود، امروز کشتی‌های نفتکش ما می‌توانند با بیمه در سراسر جهان حرکت کنند و علی‌رغم اراده دشمن امروز کشتی‌های ایران در کنار بندرهای بزرگ جهان پهلو می‌گیرند.»
اما چند ماه پیش از آن، در اردیبهشت ماه یک منبع آگاه در گفت‌وگو با فارس با اشاره به لغو تحریم شرکت ملی نفتکش ایران از سوی دادگاه عمومی اتحادیه اروپا گفته بود: «هنوز حکم قطعی در این مورد به شرکت ملی نفتکش ارسال نشده است.»
وی با تائید این خبر تصریح کرده بود: «اما نکته مهم فرصت ۲ ماهه فرجام‌خواهی اتحادیه اروپا است که می‌تواند نسبت به این حکم اعتراض کند.» و گویا این فرجام‌خواهی توسط اتحادیه اروپا به ثمر نشسته و تحریم سنگین و ۳۰ ساله شرکت ملی نفتکش ایران صادر شده است.

همصدایی به سبک اروپایی!

در آغازین روزهای مهر بود که محمد نهاوندیان، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در مصاحبه با برنامه نگاه یک تلویزیون از اعتراضات رسمی ایران به آمریکا درباره کارشکنی‌های این کشور در روند اجرای برجام خبر داد و گفت: «در جلساتی که تیم مذاکره‌کننده کشورمان در سطح معاون وزیر و وزیر داشت، این موضوع را پیگیری کرد تا اینکه بالاخره ایران به این تصمیم رسید که به طور رسمی این اعتراض را مطرح کند. ایران در زمانی این تصمیم را گرفت که اروپایی‌ها هم با ما همنوا و هم‌سخن شدند.»
وی در ادامه با اشاره به یکی از دستاوردهای برجام گفت: «این یکی از دستاوردهای ما است اروپایی‌ها هم به آمریکا معترض هستند که چرا همکاری لازم را نمی‌کند و چرا تحریم‌های

یک‌جانبه و غیرهسته‌ای را مرتب به رخ می‌کشند.» رئیس‌جمهور نیز پس از بازگشت از سفر به سازمان ملل این موضوع را از دستاوردهای برجام خوانده بود!

عراقچی/ فروردین ۹۴: در روز اجرای توافق، تمامی تحریم‌های نفتی لغو می‌شود

پیش از این دولتمردان و اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در اظهارات جداگانه بر لغو تمامی تحریم‌ها در روز اجرای برجام- دی‌ماه ۹۴- تأکید کردند. برای نمونه، عباس عراقچی معاون وزیر خارجه و عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در فروردین ۹۴ در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری گفت: «در قبال اقدامات اعتمادسازی که ایران انجام می‌دهد، در روز نخست اجرای توافق تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی که شامل تحریم‌های بانکی، تحریم‌های مربوط به انتقال پول، سوئیفت، تحریم‌های نفتی، گازی، فروش نفت، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، آزاد شدن دارایی‌های ایران در خارج از کشور، کشتیرانی، بیمه حمل و نقل و تمامی مباحثی که به خاطر برنامه هسته‌ای ایران تحریم‌هایی بر روی آن قرار داده شده در مرحله اول لغو خواهد شد».

ضمیمه

کتابشناسی پرونده هسته‌ای در دولت یازدهم





کتابشناسی پرونده هسته‌ای در دولت یازدهم

■ محمد فاطمی

نویسنده و پژوهشگر

موضوع، محدوده و شیوه کتابشناسی

موضوع و محدوده کتابشناسی حاضر، توصیف و معرفی کتاب‌های فارسی از سال ۱۳۹۲ تا اوایل سال ۱۳۹۵ است که به بررسی عملکرد دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی با تأکید بر موضوع دیپلماسی هسته‌ای و مذاکرات آن در دوره ریاست جمهوری آقای حسن روحانی پرداخته‌اند. در کتاب‌های معرفی‌شده نویسندگان به بررسی دیدگاه‌های رهبر انقلاب در محدوده موضوعی و زمانی فوق، توافق‌های هسته‌ای ژنو، لوزان، وین و برجام، تحریم، فناوری هسته‌ای، مذاکره و پیامدهایِ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی روابطِ خارجیِ دولتِ یازدهم پرداخته‌اند، کتاب‌هایی که به بررسی صنعت هسته‌ای، دانش هسته‌ای، حقوق و قوانین هسته‌ای بدون نگرش به روابط دیپلماتیک دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تولیدشده در این کتابشناسی معرفی نشده است، کتاب‌هایی که تنها به بررسی عملکرد دولت‌های قبل در موضوع هسته‌ای پرداخته‌اند اگرچه تعداد بسیاری را در برمی‌گیرد اما معرفی نشده است، همچنین بدون توجه به گرایش سیاسی نویسنده کتاب سعی شده است همه کتاب‌های موافقان و مخالفان روند مذاکرات در دولت یازدهم معرفی شود. منبع مورد استفاده کتابشناسی ملی و خانه کتاب بوده است و تنها کتاب‌های فارسی در داخل کشور با بررسی شناسنامه، فهرست، مقدمه و محتوای داخلی کتاب و نقد و توصیف‌های منتشر شده، معرفی شده است. ترتیب کتابشناسی، حروف الفبای عنوان کتاب است و پس از نام پدیدآورندگان، شهر، ناشر، نوبت چاپ، تاریخ چاپ، صفحات، قطع و قیمت آمده است، سپس حتی‌الامکان موضوع کتاب و معرفی کتاب شامل موضوع کلی یا انگیزه و هدف کتاب و

عناوین اصلی کتاب آمده است.

نتایج بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد فعال‌ترین پدیدآورندگان در محدوده موضوعی پیش‌گفته، دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی با تولید و حمایت از ۷ کتاب است، همچنین حجت‌الاسلام مهدی مطلبی سه اثر و محمد سعید احدیان، محمد حسن دریایی هر کدام دو اثر نگاشته‌اند و در میان ناشران نیز موسسه سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی، نشر مجد اسلام و موسسه فرهنگی هنری خراسان بیشترین آثار را به چاپ رسانده‌اند. از میان ۲۷ کتاب منتشر شده در موضوع این کتابشناسی، ۸ کتاب رویکرد موافق با روند سیاست خارجی دولت یازدهم در پرونده هسته‌ای دارند، ۳ کتاب سعی کرده‌اند موضع بی‌طرف اتخاذ کنند و ۱۶ کتاب به نقد سیاست‌های دولت یازدهم در مذاکرات هسته‌ای پرداخته‌اند.

فهرست و معرفی کتاب‌ها:

از سعدآباد تا لوزان: تحلیلی برگذشته، حال و آینده پرونده هسته‌ای ایران

احدیان، محمد سعید. مشهد. انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان. چاپ اول، ۱۳۹۴. ۱۶۴ ص. ۵۵۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر تحلیلی سیاسی بر گذشته، حال و آینده پرونده هسته‌ای ایران است. این اثر که به قلم محمد سعید احدیان، مدیر مسئول روزنامه خراسان، به نگارش درآمده است، به کارنامه دولت‌ها و مسئولین در مذاکرات هسته‌ای ایران از ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ با رویکرد محافظه‌کارانه نسبت به عملکرد دولت یازدهم و کشورهای دیگر و بدون توجه دقیق به مسائل فنی و حقوقی متن توافقنامه‌ها پرداخته است چنانچه در مقدمه نیز آمده است «می‌شد این محتوا با دقت بیشتر، با استنادات دقیق و ویرایش مناسب‌تر مطرح شود». نویسنده معتقد است با بررسی این کتاب می‌توان تا حدودی به نقش و عملکرد آقایان خاتمی، احمدی‌نژاد، لاریجانی، جلیلی، ظریف و روحانی در ماجرای هسته‌ای دست‌یافت. نویسنده در کتاب دومش با عنوان «برجام در تحلیل خرد و کلان» نیز دیدگاه‌هایش را بیان کرده است. مطالب کتاب در چهار فصل سامان یافته است که مربوط به سخنرانی، خلاصه تحلیل‌ها و اخبار نویسند در روزنامه خراسان است. فصل اول «پرونده هسته‌ای ایران تحلیلی بر گذشته، حال و آینده» نام دارد، در فصل دوم از «نیویورک تا ژنو، از ژنو تا وین ...»؛ عملکرد دولت یازدهم در دیپلماسی لبخند و امید و هدایت‌های رهبری را با عنوان «نرمش و بدبینی» و خنثی کردن حربهٔ توافق دو مرحله‌ای را آورده است. فصل سوم «از وین تا لوزان ...» و فصل چهارم «افق آینده» نام دارد. در آخر نیز

مقاله‌ای با عنوان «ره‌آوردهای بازی بزدل» درج شده است در این مقاله با تحلیل مختصر محتوای توافق‌های بیانیه سعدآباد، بیانیه بروکسل، توافق‌نامه مدالیته، توافق‌نامه ایران، برزیل، ترکیه و توافق‌نامه ژنو تلاش شده با استفاده از الگوی «بازی بزدل» به‌عنوان یکی از الگوهای نظریه بازی‌ها، به تحلیل ابعاد پرونده هسته‌ای ایران بپردازد.

انحلال انقلاب در نظام استکباری

زیباکلام، سعید؛ باهمکاری موسسه شهید کاظمی. قم؛ انتشارات شهید کاظمی، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۱۷۶ ص، ۳۰۰۰ نسخه، رقعی، ۷۵۰۰۰ ریال.

زیباکلام، سعید، ۱۳۳۲ - مصاحبه‌ها / ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۹۲ - نقد و تفسیر / ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - نقد و تفسیر / ایران - روابط خارجی.

آنچه در این کتاب می‌یابید مجموعه‌ای از مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های دکتر سعید زیباکلام است که در فاصله‌ی تیر ۱۳۹۳ تا تیر ۱۳۹۴ درباره‌ی سیاست خارجی دولت یازدهم، مذاکرات هسته‌ای، توافقنامه‌ی لوزان، رویکرد رسانه‌ای دولت، مبنای رویکرد آمریکا به انقلاب اسلامی و گفتمان عدالت‌خواهی نوشته‌شده است. اصلی‌ترین محور این مجموعه، تحلیل چگونگی انحلال انقلاب در نظام استکباری است که برگرفته از یکی از یادداشت‌های این استاد دانشگاه است که از منتقدان اصلی دولت یازدهم به شمار می‌آید. سرفصل‌های این کتاب عبارتست از: شما نباید انقلاب می‌کردید! چهره فرهیخته و آرام رئیس‌جمهور! اضمحلال و پوسیدگی انقلاب در دو عرصه، انحلال انقلاب در نظام استکباری، مبانی سیاست خارجی دولت تدبیر و راستگویی، این همه هیاهو برای اختفای توافقنامه لوزان! کاروان تدبیرهای دولت به کجا می‌رود؟ گفتمان عدالتخواهی، چرا آمریکایی‌ها نظام تحریم‌ها را برنمی‌چینند.

ایران پس از برجام (برنامهٔ جامع اقدام مشترک)

موسوی بجنوردی، محمدکاظم، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۹۵ ص.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی / ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۹۲ / ایران - روابط خارجی - ۱۳۹۲.

کتاچه حاضر اظهارات رئیس مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی در دفاع جانبدارانه از سیاست خارجی دولت یازدهم و نقد سیاسی گذشته است. نویسنده هرچند معتقد است برجام نیاز به دفاع ندارد و «آفتاب آمد دلیل آفتاب» اما چنانچه در مقدمه در دفاع از برجام آورده است

مخالفان توافق صدها میلیون دلار در خارج کشور هزینه کرده‌اند و کاسبان تحریم در داخل فرصت طلایی ثروت اندوزی را از دست داده‌اند، دوران پیش از برجام دوره انزوای ایران و ایران هراسی در جهان بود و اکنون دوران خروج از انزوا کسب اعتبار بین‌المللی است و توافق را فرصتی برای توسعه غربی ایران می‌داند. وی مدعی است سایه سنگین تصمیم‌های غیر علمی در دوره هشت ساله‌ی هسته‌ای شدن ایران ۸۴-۹۲ بر سر دولت روحانی خواهد بود و برداشتن تحریم‌ها موجب جلوگیری از آشوب و فروپاشی اجتماعی است. او کتابش را حاصل جمع بندی نظرات بزرگان می‌داند. برخی عناوین و موضوعات کتاب عبارت‌اند از: اهمیت برجام و افق‌های پس از آن، مذاکره هسته‌ای الگویی برای حل مسائل کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مدیریت هسته‌ای الگویی برای حل بحران مدیریت در ایران، آنچه در سالهای ۸۴-۹۲ بر ایران گذشت، پیشنهادات در حوزه داخلی و خارجی در حوزه توسعه اقتصادی و اجتماعی.

برجام در تحلیل کلان و خرد

احدیان، محمد سعید. مشهد، انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۴۸ ص ۵۵، ۵۵۰۰۰ ریال.

ایران - روابط خارجی - قرن ۱۴ / برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه.

این دومین کتاب نویسنده در موضوع پرونده هسته‌ای ایران است که در چهار بخش تنظیم شده برجام در نگاهی کلان، اجزای برجام در نگاهی خرد، برجام و خط قرمزها و اختتام ارائه شده است. نویسنده سعی کرده است برجام را در یک فرایند دوازده ساله بر اساس آنچه هست نه آنچه می‌توانستیم به آن برسیم تحلیل کند اما درعین‌حال معتقد است رویکرد آرمان‌خواهانه را لحاظ کرده و با روش هزینه و منفعت به ماجرا نگریسته و خطوط قرمز، نقاط ضعف را هم برشمرده است هرچند در نوشته زودهنگام خود، قبل از توافق نهایی برجام و قبل از بررسی واقعیت اجرای آن در بخش اول کتاب با بررسی داده‌ها و ستانده‌های برجام در روی کاغذ، در مجموع مدعی است برآیند ستانده‌ها بیشتر از داده‌ها است، اما معتقد است برجام دارای حفره‌های ضعف استراتژیکی است که ممکن است ضربه‌های جبران‌ناپذیری به منافع ملی بزند، در فصل دیگر این بخش سعی کرده است با مبنا قراردادن مقاله نیویورک‌تایمز، عقب‌نشینی‌های آمریکا نسبت به مواضع ابتدایی خود را برشمارد. بخش دوم که به تحلیل خرد اختصاص دارد و به نقاط قوت و ضعف متناظر بودن اقدامات، مکانیزم ماشه و هزینه منفعت بازگشت‌پذیری و مسائل مربوط به قطعنامه، ارجاع اختلاف بین ایران و آژانس به

کمیسیون به‌عنوان پاشنه آشیل حقوقی برجام برای ایران. در بخش خط قرمزها نیز روش علمی بررسی خط قرمزها، خطوط قرمز حیاتی و غیر حیاتی در برجام و خط قرمزهای تعیین شده توسط رهبر انقلاب تحلیل شده است. در بخش اختتام عوامل مؤثر در نتایج به‌دست‌آمده و اهمیت، اجرای برجام را برشمرده. کتاب شامل جداول و خلاصه مباحث به‌صورت چکیده برای جمع‌بندی بهتر مباحث توسط خواننده است.

برجام دروازه نفوذ: بررسی تخصصی متن برجام در ابعادمختلف

معاونت علمی و پژوهشی سازمان بسیج دانشجویی. قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف. چاپ اول، ۱۳۹۴، ۱۷۶ ص مصور (رنگی).

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه، انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت.

نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند متن توافق برجام را از منظر حقوقی، فنی، نظامی و امنیتی مورد تحلیل مستند قرار دهند متن کتاب با طرح ۷۵ پرسش و پاسخ تنظیم شده است، در پاسخ هر پرسش، بخشی از متن انگلیسی توافق مربوط به آن پرسش، ترجمه وزارت خارجه بر آن بخش و توضیحات کارشناسان داخلی در ذیل هر پرسش آمده است تا به‌صورت مستند و قابل فهم برای همه مخاطبان باشد و نقاط ضعف در ساختار و متن توافق به‌صورت مستند و سریع تبیین شود، نویسندگان سعی کرده‌اند با رنگی کردن بخش‌های کوتاهی از متن توافق و پاسخ خود، مخاطبان را به سرعت به مقصود خود نزدیک کنند. مطالب کتاب در چهار فصل تنظیم شده است، فصل اول بررسی حقوقی توافق، فصل دوم: بررسی سرنوشت تحریم‌ها، فصل سوم: بررسی فنی توافق، فصل چهارم: بررسی نظامی امنیتی توافق.

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

زیر نظر پژوهشکده حقوقی شهر دانش. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۵. ۲۸۷ ص، رقعی، ۱۰۰۰۰۰ ریال.

برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت / ایران - روابط خارجی - قرن ۱۴ / ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۴.

پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد سیاسی یا حقوقی؟ بررسی ابعاد سیاسی و حقوقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد

بخشی‌نژاد، سجاد. تهران: هدف نوین، چاپ اول، ۱۳۹۴. ۱۵۹ ص، ۱۴۰۰۰۰ ریال

موضوع: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، انرژی اتمی - ایران - تاریخ، انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت، تحریم اقتصادی آمریکا - ایران.

بیش از یک دهه از طرح پرونده هسته‌ای ایران به‌عنوان محور چالش با ایالات متحده آمریکا و غرب می‌گذرد. در طی این مدت جمهوری اسلامی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌صورت فعالانه‌ای و فراتر از تعهدات قانونی همکاری کرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدون وجود هیچ انحراف اثبات‌شده‌ای پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد. شورای امنیت هم با صدور قطعنامه‌های شدیدی بر علیه ایران خواستار تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. در کتاب حاضر تلاش شده که ابعاد سیاسی و حقوقی پرونده هسته‌ای ایران بررسی شود.

پرونده هسته‌ای و ابعاد پیدا و پنهان آن

غضنفری، کامران. تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴، ۳۲۰ ص، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰۰۰ ریال.

در این کتاب ضمن مروری اجمالی مذاکرات هسته‌ای در دولت خاتمی و دولت احمدی‌نژاد، به رویکرد هسته‌ای دولت روحانی - ازجمله برخی ابعاد پنهان آن که مسئولین دولتی مایل نیستند مردم از آن‌ها آگاه شوند - پرداخته‌شده و نیز مذاکرات ژنو و مسائل پیرامونی آن موردبررسی و کنکاش قرارگرفته است. کتاب مذکور در چهار فصل گردآوری شده است. فصل اول و دوم به روند پرونده هسته‌ای در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد می‌پردازد و وقایعی همچون بیانیه سعدآباد، وقایع سال ۸۴، تفاهم‌نامه بروکسل، تغییر سیاست هسته‌ای در دولت نهم، گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا و قطعنامه شورای امنیت در اسفند ۸۶ را موردبررسی قرارداده است. فصل سوم به‌طور کامل به موضوع مذاکره و رابطه با آمریکا از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد. فصل آخر کتاب مربوط به دولت روحانی است؛ پنهان‌کاری تیم مذاکره کننده، جوسازی‌های تبلیغاتی، برشمردن تعهدات ایران و غربی‌ها در مذاکرات ژنو، ادعای ترک برداشتن ساختار تحریم‌ها! عدم لغو تحریم‌های غیر هسته‌ای، برکناری مدیران مؤثر صنعت هسته‌ای، بررسی سوابق ظریف شامل نقش وی در تصویب قطعنامه ۵۹۸، در کمک به آمریکا در حمله به افغانستان، تأیید دروغ هلوکاست، ترس از قدرت نظامی آمریکا، حمایت از سران فتنه، انفعال در برابر عربستان، همسویی با مخالفان سوریه و ...، تبلیغات دولت علیه منتقدان ژنو و مقاومت راه‌حل اساسی برخی از موضوعات و عناوین این فصل است.

توافقنامه ژنو از منظر نخبگان

شریفی، منصور؛ [به سفارش] دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. قم، نشر اشراق حکمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ۱۹۹ ص، رقعی، ۶۰۰۰۰ ریال.

موضوع: توافق نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳ م. ۲۴ نوامبر / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت / انرژی اتمی - ایران.

کتاب «*توافقنامه از منظر نخبگان*» سومین اثر دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی است که شامل ۱۴ مقاله از نخبگان سیاسی و دانشگاهی است. این اثر می‌کوشد با چینشی از نظرات نخبگان مخالف و موافق توافقنامه و با رویکردی تخصصی، از منظر حقوقی و استراتژیک توافقنامه ژنو را موردبررسی و تحلیل قرار دهد. عناوین مقالات، مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها و نویسندگان آن عبارت‌اند از: چند پرسش مهم: دکتر سعید زیبا کلام (دکترای فلسفه علم دانشگاه لیدز انگلستان، از مسئولین سابق ارشد وزارت خارجه)، امتیازات داده شده به ایران هم به سود غربی‌هاست: دکتر منوچهر محمدی (دکترای مطالعات بین‌الملل از دانشگاه کارولینای امریکا، معاون اسبق وزارت خارجه)، نه کلاهک نه کلاه! حسین شریعتمداری، گره زدن مذاکرات ایران با مذاکرات هسته‌ای بازی در زمین آمریکاست: دکتر فؤاد ایزدی (دکترای ارتباطات جمعی از دانشگاه لوئیزیانای آمریکا و صاحب کتاب‌های متعدد ازجمله دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران)، پنج اصل برای عبور از کداخداهراسی: مهدی محمدی (۱)، برچیدن غنی سازی صنعتی دستور کار مذاکرات آینده: مهدی محمدی (۲)، نامه سرگشاده صادق زیباکلام به حمید رسایی، جوابیه رسایی به صادق زیبا کلام، برهم خوردن توان استراتژیک ایران و آمریکا: دکتر ناصر نوبری (رئیس سابق اداره سیاسی وزارت خارجه، سفیر سابق ایران در شوروی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، واکاوی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا و چشم‌انداز آینده: دکتر ابوالفضل صدقی (رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات راهبرد بین‌الملل)، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی توافق‌نامه: دکتر رضا سراج (رئیس مرکز مطالعات استراتژیک تابان)، گفتگو با دکتر اسماعیل حسین زاده (استاد دانشگاه دریک آمریکا)، کالبدشکافی توافقنامه ژنو: دکتر محمود نبویان (نماینده مجلس شورای اسلامی)، توافق ژنو مقدمه‌ای برای از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران: کریستوف هورتسل سیاست‌مدار آلمانی.

جامعه‌شناسی مذاکرات هسته‌ای: با تأکید بر پیامدهای آن در حوزه عرفی شدن

اداره کل رصد و تعاملات راهبردی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۹۲ ص، پالتویی، ۵۰۰۰۰ ریال.

توافق‌نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳ م. ۲۴ نوامبر / مذاکرات سیاسی / مذاکرات سیاسی - نمونه‌پژوهی / جامعه‌شناسی سیاسی.

نویسندگان این کتاب سعی کرده‌اند به‌جای تحلیل سیاسی و حقوقی درباره مذاکرات و توافق هسته‌ای، ابعاد معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی، فقهی، اخلاقی و ارزشی آن را مورد توجه قرار دهند. زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی مذاکرات و توافق هسته‌ای و هم‌چنین پیامدها و تبعات اجتماعی آن، ازجمله مواردی است که در حوزه جامعه‌شناسی مذاکرات و توافق هسته‌ای قابل بررسی شده است. کتاب حاضر مذاکرات هسته‌ای را تنها از دیدگاه یک پدیده سیاسی - اجتماعی مورد مطالعه قرارداده که می‌تواند بر پدیده عرفی شدن تأثیر بگذارد. این کتاب در چهار بخش و در قالب چهار مقاله نگارش یافته که هر مقاله، با قلم یکی از فرهیختگان به رشته تحریر درآمده است. عناوین بخش‌ها و نویسندگان آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- عرفی شدن ایران در پیچ توافق؛ تألیف دکتر علیرضا شجاعی زند ۲- بررسی توافق هسته‌ای از منظر جامعه‌شناسی سیاسی؛ تألیف حجت‌الاسلام دکتر داود مهدوی زادگان ۳- بررسی مذاکرات هسته‌ای عطف به تاریخ مواجهه ایران و غرب با رویکرد تمدنی؛ تألیف حجت‌الاسلام دکتر احمد رهدار ۴- جامعه‌شناسی سیاسی مذاکرات هسته‌ای؛ تألیف دکتر پرویز امینی.

جستارهایی در ایران پساتوافق

[تهیه‌کننده] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ به سفارش شورای اجتماعی کشور. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، چاپ اول ۱۳۹۴، ۲۱۵ ص مصور، جدول، نمودار، رقعی.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴ - مقاله‌ها و خطابه‌ها / ایران - اوضاع اقتصادی - ۱۳۹۴ - مقاله‌ها و خطابه‌ها.

در این کتاب که به سفارش وزارت کشور دولت یازدهم تهیه شده است ۲۶ یادداشت و مقاله با هدف رصد فضای فکری و فرهنگیِ متخصصان در حوزه‌های مختلف در موضوع پیامدهای پس از توافق هسته‌ای در چهار بخش فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست منتشر شده است. هرچند تهیه‌کنندگان مدعی استفاده از نظرات صاحب‌نظران مختلف هستند اما این کتاب با نگرش موافق با روند سیاست‌های دولت یازدهم به سفارش شورای اجتماعی وزارت کشور و در مرحله اول برای مسئولین وزارت کشور و اعضای این شورا تهیه شده است. عناوین برخی از جستارهای کتاب به این شرح‌اند:

فرهنگ و اجتماع: حسین پاینده: توافق هسته‌ای و اسطوره‌ای شدن شخصیت ظریف. ناصر فکوهی: نگاهی بر تأثیرات فرهنگی احتمالی توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها. نوح منوری:

فرصتی برای شناخت جهانِ ایرانی؛ مروری بر لطیفه‌های توافق هسته‌ای، راضیه یاسینی: هنر ایران در دوران پساتوافق، عبدالله بیچرانلو: رویکرد تلویزیون به ایران پساتوافق و هادی خانیکی: «ایران پساتحریم» و مطالبات جامعه مدنی.
اقتصاد: رضا امیدی: رشد بدون اشتغال؛ نگرانی دورهٔ پس از رکود، سایرا رفیعی: فقر، طردشدگان و شرایط پساتحریم، علی سرزعیم: اقتصاد ایران در دوران پس از تحریم، فرشاد مؤمنی: بایسته‌های اقتصادی . اجتماعی دوره پس از رفع تحریم‌ها و ...
سیاست: ریحانه جوادی: «دلواپسان»؛ نگاهی تطبیقی بَه استدلال‌های مخالفان قرارنامه رویتر و توافق هسته‌ای، سجاد صفار هرندی: چند تخمین و برداشت اولیه از تأثیر توافق وین بر آینده سیاسی ایران، عباس عبدی: برداشتن آجرهای بی‌اعتمادی، ممکن و بهترین راه؛ بررسی احتمالات رابطه با آمریکا و پیامدهای آن، رضا مختاری: دیپلماسی ایرانی؛ از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی و ...

خط قرمز: بررسی مستند نقض خطوط قرمز در توافق وین و متن برجام

دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. قم، انتشارات موسسه شهید احمد کاظمی، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۸ ص، خشتی کوچک، ۲۰۰۰۰ ریال.

در این کتابچه خطوط قرمز مذاکرات که توسط رهبر معظم انقلاب ترسیم شده و موارد نقض آن در مذاکرات مسئولین سیاست خارجی دولت یازدهم بر اساس متن توافقنامه و بیانات رهبر انقلاب تبیین شده است. در مقدمه این کتابچه درباره محتوای آن آمده است: «رهبری معظم انقلاب در دو سال اخیر حدود ۲۰ خط قرمز برای مذاکرات ترسیم کرده‌اند که در این مجال تنها به بررسی ۹ مورد از خطوط قرمز نقض شده در جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای وین را بررسی می‌کنیم.» برخی از عناوین این کتابچه عبارت‌اند از: عدم دخالت رهبری در جزئیات مذاکرات، خط قرمز اول؛ محدودیت‌های بلندمدت، خط قرمز دوم؛ بازرسی‌های غیرمتعارف، خط قرمز سوم؛ محدودیت غنی‌سازی و حفظ فردو، خط قرمز چهارم، لغو همه تحریم‌ها در روز امضای توافق و ... .

خورشید از غرب طلوع نمی‌کند: از سیر تا پیاز نیم قرن پرونده فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

لیالی، محمدعلی. تهران، انتشارات رواق اندیشه، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۴، ۴۱۴ ص، ۲۵۰۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر نوشته دکتر محمد علی لیالی و جمعی از همکاران در موضوع پرونده فعالیت

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. کتاب شامل پیشگفتار و پنج فصل به شرح ذیل تنظیم یافته است: فصل اول؛ «مسیر»: کلیاتی در باب فناوری هسته‌ای است؛ از مطالب این فصل می‌توان به سخنان مهم رهبر معظم انقلاب درباره مذاکرات هسته‌ای لوزان در ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۴، مرور سخنان رهبر انقلاب درباره مذاکرات از ژنو تا لوزان و ... اشاره کرد. فصل دوم؛ «سرگذشت» به فن‌آوری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون با موضوعاتی همچون مروری بر کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای دکتر حسن روحانی، گزارشی از رویدادهای هسته‌ای ایران در دولت نهم، گزارشی از فکت شیت کاخ سفید از توافق لوزان و ... . در فصل سوم با عنوان «بازتاب»: مروری بر آرای منتقدان و موافقان توافق لوزان مانند آیت‌الله جوادی آملی، حجت‌الاسلام ذوالنور، حمید رسایی، سید محمود نبویان، آیت‌الله علم الهدی و ... انجام شده است. فصل چهارم: «ضرورت» (کاربردهای صلح‌آمیز فن‌آوری هسته‌ای در جهان امروز). فصل پنجم؛ «اصطلاحات و شخصیت‌ها»، مانند رادیو دارو، آب سبک و سنگین، سو، سانتریفیوژ، کیک زرد، جنبش عدم تعهد، پیمان NPT، موافقت‌نامه پادمانی آژانس و ... تشریح شده‌اند.

رازآنچه مرقوم داشته‌اند ...: نقد و بررسی توافق ژنو و سوئیس به همراه بررسی تاریخچه مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹٤

مطلبی، مهدی؛ [برای دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی]؛ با حمایت مرکز گفتمان انقلاب اسلامی. قم، انتشارات مجد اسلام؛ موسسه شهید احمد کاظمی، چاپ سوم، ۱۳۹۴. ۴۶۲ ص، رقعی، ۱۷۰۰۰۰ ریال.

موضوع: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی / خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دیدگاه درباره انرژی اتمی / برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / توافق‌نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳ م. ۲۴ نوامبر / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت / مذاکرات سیاسی، تحریم اقتصادی - ایران.

کتاب حاضر به قلم طلبه مجاهد شهید مهدی مطلبی در یک بررسی جامع از تاریخ مذاکرات و برنامه هسته‌ای ایران، پرده از راز نامه تاریخی رئیس‌جمهور در ۳ آذر ۱۳۹۲ به رهبر معظم انقلاب درباره توافق ژنو برمی‌دارد، نامه‌ای که رئیس‌جمهور در آن به پیروزی و دستاوردهای بزرگ توافق ژنو روی کاغذ اشاره کرده و برای رهبر انقلاب ارسال کرده بود و رهبری نیز نامه خویش را با عبارت حکیمانه «دستیابی به آنچه مرقوم داشته‌اید در خور تقدیر و تشکر از هیئت مذاکرات هسته‌ای و دیگر دست اندر کاران است...» آغاز کردند. نویسنده در پی آن است تا

نشان دهد که تنها این دستاوردها بر روی کاغذ و از دیدگاه رئیس‌جمهور است و واقعیت ندارد. کتاب در مدت کوتاهی به چاپ ششم رسید.
محتوای کتاب در ۶ فصل سامان یافته است، در مقدمه نویسنده فقید، به دلیل اهمیت یافتن ایران در جهان به علت برهم زدن انحصارت مستکبرین و به چالش کشیدن چهره فریبنده نظام سلطه اشاره کرده و سپس خلاصه‌ای از پرونده هسته‌ای ایران را آورده است. در فصل اول تاریخچه مذاکرات ایران مسائل صورت گرفته در ۲۸ نشست و توافق صورت گرفته میان ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا از توافق سعدآباد (مهر ۸۲) وَ توافق بروکسل (اسفند ۸۲)، توافق پاریس (آبان ۸۳) تا توافق لوزان موردبررسی قرارگرفته است. نویسنده در فصل دوم به بررسی نامه تاریخی رئیس‌جمهور پس از توافقنامه ژنو و پاسخ تاریخی رهبر انقلاب به وی پرداخته و نقد دستاوردهای ادعایی رئیس‌جمهور در این نامه را موضوع فصل‌های بعدی قرارداده است. فصل سوم: با عنوان «به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران» به‌عنوان یکی از دستاوردهای بیان شده از سوی روحانی، با واکاوی دقیق مفهوم «حقوق هسته‌ای» و مراجع قانونی و قوانین بین‌المللی حقوق هسته‌ای و بررسی حقوق هسته‌ای لحاظ شده در توافقنامه ژنو و کنکاش پیرامون متن توافق و اظهارت مسئولان ایران و آمریکا به نقد این دستاورد پرداخته است. فصل چهارم، «شکستن دیوار تحریم‌ها در توافق ژنو» دستاورد ادعایی دیگر رئیس‌جمهور را در توافقنامه ژنو به چالش کشیده است. نویسنده در این فصل انواع تحریم‌ها، تحریم‌های مورد اشاره در متن توافق، فرایند توقف یا لغو برخی از تحریم‌ها را موردبررسی دقیق قرارداده است. فصل پنجم با عنوان «بررسی بیانیه سوئیس (توافق لوزان)» به بررسی متن توافق، خطوط قرمز نقض شده، تعهدات سنگین ایران در این توافق و تعهدات کشورهای ۵+۱ را بررسی کرده است. موضوع فصل ششم، «بررسی نظرات و خطوط قرمز مقام معظم رهبری درباره مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم» هست این فصل با موضوع حصول تجربه دوباره ملت ایران به‌عنوان علت عدم مخالفت با مذاکرات، آغاز شده و سپس به خطوط قرمز رهبری و مواضع ایشان درباره تیم مذاکره‌کننده (حمایت‌ها، نقدها و توصیه‌ها) می‌پردازد.

شام آخر در وین: روایتِ یک خبرنگار هسته‌ای از مذاکرات ایران با گروه ۵+۱

محمدی، حسن، شیراز، بامداد نو، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۱۹۲ ص، ۲۰۰۰۰۰ ریال.

موضوع: محمدی، حسن، ۱۳۵۹ □ خاطرات / خبرنگاران و خبرنگاری - ایران □ خاطرات.

نویسنده کتاب حسن محمدی به‌عنوان سردبیر پایگاه «امید هسته‌ای ایرانیان» همراه تیم رسانه‌ای دولت در مذاکرات وین خاطراتش را در این کتاب نوشته است، او درباره کتابش آورده

است: «سعی شده است علاوه بر مرور خاطراتی از اتفاقات و رخدادهای حاشیه‌ای مذاکرات که تاکنون در هیچ رسانه‌ای منتشر نشده است، نگاهی آسیب‌شناسانه به فرایند رسانه‌ای مذاکرات هم لحاظ شود.» در ابتدای کتاب نیز یادداشت کوتاه علی اکبر صالحی و تقدیر وی از نویسنده آمده است.

عقب‌نشینی ممنوع!: بررسی نظرات مقام معظم رهبری درباره مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم از مرداد ۹۲ تا مرداد ۹٤ (ویراست سوم)

مهدی مطلبی؛ [برای] دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. قم، مجد اسلام، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۵، ۲۴۰ ص، رقعی.۵۰۰۰۰ ریال.

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دیدگاه درباره انرژی اتمی / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت.

نویسنده کتاب شهید حجت‌الاسلام مهدی مطلّبی، در راستای فهم بهتر مواضع رهبری درباره مذاکرات اخیر هسته‌ای در دولت یازدهم با بررسی جامع بیانات و مکتوبات ایشان به تدوین و دسته‌بندی دیدگاه‌های رهبر انقلاب پرداخته است. از این نویسنده کتاب دیگری نیز تحت عنوان راز آنچه مرقوم داشته‌اند در موضوع نقد و بررسی توافق ژنو و سوئیس منتشر شده است. ویراست سوم کتاب حاضر حاوی بیانات مقام معظم رهبری از مرداد ۹۲ تا مرداد ۹۴ در زمینه مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم، همچنین بررسی ۹ مورد از خطوط قرمز رهبری و نقض آن‌ها در برجام است. کتاب عقب‌نشینی ممنوع در مدت کوتاهی به دوازده چاپ رسیده است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: «در این مقال سعی داریم به بررسی نظرات ایشان درباره مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم پرداخته و دستاوردهای آن را از نگاه ایشان بررسی نماییم. مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که نظرات خویش را در بیانات عمومی مطرح می‌نمایند و موضع صریح ایشان را می‌توان در همَین بیانات پیدا نمود. در این راستا با تحلیل فرمایشات ایشان در دوره دولت یازدهم، ابعاد مختلف این مذاکرات را در نگاه معظم له بررسی می‌نماییم تا همگان با عمق نگاه ایشان در مورد این مذاکرات آشنا گردند.»

عناوین اصلی کتاب عبارت‌اند است: علل عدم خوش‌بینی رهبری به مذاکرات هسته‌ای اخیر، علت اصلی عدم مخالفت با مذاکرات: حصول دوباره تجربه برای ملت، شرط حصول تجربه دوباره: بیداری و آگاهی مردم، نتایج و دستاوردهای مذاکرات اخیر برای مردم و کشور، تنها راه علاج و مقابله با دشمنی‌ها: تکیه بر توان و نیروی داخلی، بررسی برخی از مسائل مطرح شده در مذاکرات هسته‌ای، خطوط قرمز مذاکرات در بیانات رهبر معظم انقلاب، موضع رهبری

درباره تیم مذاکره کننده هسته‌ای، اختلال در نظام محاسباتی ما، رهنمودهای راهبردی رهبر انقلاب درباره مسائل ایران و جهان، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بیانات رهبر انقلاب.

قرآن و مذاکرات هسته‌ای

نوروزی شالی، رضاعلی، قم، آوای منجی، چاپ اول ۱۸۰،۱۳۹۳ ص، رقعی، ۷۰۰۰۰ ریال.

مذاکره - جنبه‌های قرآنی / دشمنان در قرآن / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت.

این کتاب به بررسی موضوع مذاکره با دشمن از دیدگاه قرآن می‌پردازد و توصیه‌هایی به مسئولان سیاست خارجی بخصوص مذاکره‌کنندگان دولت یازدهم در موضوع مذاکرات هسته‌ای با استفاده از شواهد تاریخی صدر اسلام و آیات قرآن دارد. برخی از عناوین محتوای کتاب عبارت‌اند از: عدم مشروعیت مذاکرات از روی ترس و خفّت، عبرت از جنگ بدر، از تحریم نباید ترسید، عبرت از نبرد حُنین، نخستین آموزه قرآن در نشست مذاکرات، وعده کوتاه شدن دست دشمن، عبرت از صلح حدیبیه، پیامبر (ص) به علی (ع) فرمودند بنویس، موقتی بودن توافقنامه حدیبیه، خط قرمز رهبری، با کفار دوستی نکنید، دشمن از شما می‌ترسد، هدف متعالی در مذاکرات، عقب‌نشینی دشمن در برابر مقاومت.

کالبدشکافی ژنو ۳: بررسی ابعاد و پیامدهای فنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و راهبردی توافق‌نامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱

مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی تابان با حمایت دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. تهران، مرکز آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی تابان، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۵۲ ص، رقعی، ۵۰۰۰۰ ریال.

این کتاب درباره توافق هسته‌ای ژنو است که در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ در دولت یازدهم میان ایران و کشورهای ۵+۱ با عنوان «Joint Plan of Action» «برنامه اقدام مشترك» منعقد شده است. کتاب از هفت فصل و چند پیوست تشکیل شده است: در فصل نخست کتاب، با نگاهی اجمالی به برنامه‌ی هسته‌ای ایران، به تحلیل چرایی نیاز جمهوری اسلامی ایران به فناوری هسته‌ای، تاریخچه و اجزای برنامه‌ی هسته‌ای ایران و روند تحولات این پرونده‌ی حساس پرداخته شده است. فصل دوم این کتاب به داده‌ها و ستانده‌های توافق ژنو اختصاص داده شده است که در آن‌ها امتیازهای طرفین، خصوصاً طرف غربی در حوزه‌ی تحریم‌ها، موردبررسی قرارگرفته است. در فصل سوم، جوانب حقوقی بیانیه‌ی ۲۴ نوامبر ژنو، از منظر حقوق بین‌الملل، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در فصل چهارم، ابعاد و تبعات امنیتی توافقنامه‌ی ژنو و نیز پذیرش پروتکل الحاقی، مورد بحث و بررسی قرارگرفته است و در فصل پنجم، تأثیر مذاکرات هسته‌ای

بر مسائل سیاسی-اجتماعی داخلی کشورمان ارزیابی گردیده است. موضوع فصل ششم این کتاب به بررسی و ارزیابی‌راهبردی مذاکرات هسته‌ای و توافقنامه‌ی ژنو اختصاص داده شده و بر این مبنا، در فصل هفتم، به آینده‌پژوهی و واکاوی سناریوهای آتی مذاکرات هسته‌ای پرداخته شده است. در انتهای کتاب و در قسمت پیوست‌ها، ترجمه کامل متن توافق‌نامه ژنو، بیانیه تفسیر رسمی آمریکا از توافق‌نامه ژنو و نیز مفاد پروتکل الحاقی آورده شده است.

گام به گام با برجام، از آغاز تا فرجام

بعیدی‌نژاد، حمید. تهران، نشر مخاطب، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۴، ۱۰۰۰ نسخه، ۳۹۳ ص، مصور، ۲۵۰۰۰۰ ریال.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت.

نویسنده‌ی این کتاب حمید بعیدی‌ژاد از اعضای مذاکره‌کننده‌ی تیم هسته‌ای دولت و مدیر کل امور سیاسی و امنیت بین‌المللی وزارت خارجه است. کتاب شامل گفتارها و نوشتارهای نویسنده در دفاع از عملکرد سیاست خارجی دولت است که در یک مقدمه و ٤ فصل تنظیم شده و شامل بخش ضمائم است، نویسنده در مقدمه‌ی کتاب با اشاره به ارجاع پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه برای سرعت یافتن مذاکرات در ادامه به تشریح شرایط مذاکرات و توافقات هسته‌ای پرداخته است. ٤ فصلِ کتاب در ٤ گام عبارت‌اند از: گام اول؛ برنامه‌ی اقدام مشترک (توافق ژنو)، گام دوم مذاکرات برای تفاهم مشترک سیاسی بر سر عناصر اساسی توافق جامع (بیانیه لوزان)، گام سوم مذاکرات برای تدوین متن نهایی شامل مرور فهرست تحریم‌های اقتصادی و مالی و بررسی ابهامات ایجاد شده پیرامون این موضوع و نیز پروتکل الحاقی و PMD (ابعاد احتمالی نظامی)، و گام چهارم برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ است. در بخش ضمائم نیز متن توافقنامه‌ها و بیانیه‌ها آمده است.

گام به گام تا برجام

علی‌بیگلو، ابوذر، زنجان، نیکان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۳۵۷ ص مصور (رنگی)، رقعی، ۲۳۰۰۰۰ ریال.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت / ایران - روابط خارجی - قرن ۱۴.

گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر: بررسی مستند دستاوردهای واقعی تعهدات ۵+۱ در توافق ژنو

میرزایی، افشین؛ سید محمد حسین صاحب فصول: علی الهیاری پور (پدیدآور)، پژوهشکده صدق (صاحب اثر). قم، مجد اسلام: موسسه سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی، چاپ اول ۱۳۹۴، ۵۴۴ ص.

کتاب «*گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر*» با موضوع بررسی مستند و جامع تحریم‌های کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی و با هدف روشن نمودن سرانجام مسیر مذاکره تألیف شده است. کتاب در سه بخش و ضمائم تنظیم شده و اسناد فراوان استفاده شده در کتاب (۱۳۵۰ سند و منبع) در پایگاه اینترنتی اختصاصی کتاب[۱] منتشر شده است.

بخش اول این کتاب با عنوان «ساختار تحریم‌های کشور و کارنامه‌ی توافق ژنو در رفع آن‌ها»، شامل ۹ فصل است، به ساختار تحریم‌های اقتصادی کشورمان در حوزه‌های اصلی، یعنی حوزه‌های مالی-بانکی، نفتی، کالاهای اساسی، پتروشیمی، خودروسازی، هواپیمایی، کشتیرانی و فلزات گران‌بها پرداخته، و در هر حوزه، علاوه بر احصاء و دسته‌بندی قوانین تحریمیِ مختلفِ اعمال‌شده، سابقه، اهمیت و تأثیرات عملی آن‌ها را موردبررسی قرارداده و برخی راهکارهای فعالین اقتصادی و مسئولین حوزه‌ی مربوطه برای بی‌اثر نمودن آن تحریم‌ها را ذکر نموده است.

در بخش دوم کتاب، با عنوان «مفاد، اهمیت و علل وضع قوانین تحریم ایران» نقشه‌ی تحریم‌های صورت گرفته علیه کشورمان از ابتدای انقلاب تاکنون تبیین گردیده است. این بخش ابتدا در سه فصل، به قوانین تحریمی وضع شده علیه کشورمان توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت می‌پردازد. اهداف، مفاد، سیر تاریخی، ویژگی‌ها، علل وضع، میزان اهمیت و شرایط لغو این تحریم‌ها و ارتباط این سه مجموعه تحریم با یکدیگر و در فصل چهارم از بخش دوم کتاب، تحریم‌های «مرتبط با هسته‌ای» که در صورت انجام توافق نهایی تنها احتمال برداشته شدن آن‌ها وجود دارد مورد واکاوی قرارگرفته است.

بخش آخر کتاب نیز حاوی پنج ضمیمه است. «جدول اسناد رسمی منتشر شده توافق ژنو»، «ترجمه‌ی رسمی وزارت خارجه از برنامه مشترک اقدام، به همراه اشکالات آن»، «فهرست تعهدات ایران در توافق ژنو و وضعیت اجرای آن‌ها»، «جدول تطبیقی مرکز تحقیقات کنگره آمریکا از تحریم‌های ایران»، «گزارش تصویری از صفحات اول روزنامه‌های کشور در ایام پس از توافق ژنو».

۱- www.gozaresh-nakhande.ir

مجموعه اسناد مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱

دریایی، محمدحسن؛ گردآوری و تنظیم اداره نشر وزارت امور خارجه؛ [به سفارش] مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه. تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۵۶۰ ص، ۲۰۰۰۰۰ ریال.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه.

کتاب حاضر مجموعه اسناد مربوط به مذاکرات هسته‌ای انجام شده با کشورهای عضو ۵+۱ در دولت یازدهم هست و در برگیرنده متن فارسی و انگلیسی اسناد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و ضمائم آن، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد مربوط به برجام در شورای امنیت سازمان ملل متحد، بیانیه جمهوری اسلامی ایران مربوط به برجام توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، گزاره برگ جمهوری اسلامی ایران بعد از نهایی شدن برجام، تفاهم ژنو در زمینه برنامه اقدام مشترک و بیانیه مشترک سوئیس (لوزان) است.

با توجه به اینکه مجموعه اسناد حاضر بدون متن قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل متحد مجموعه‌ای کامل نبود و از این‌رو متن فارسی و انگلیسی قطعنامه‌های ظالمانه قبلی شورای امنیت علیه کشورمان نیز در این مجموعه درج شده است. همچنین در این کتاب به‌صورت خلاصه، گاه شمار ۴۰ دور مذاکرات بین ایران و کشورهای ۵+۱ که تا برجام در کتاب آمده است.

مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ توافق ژنو

دریایی، محمدحسن، تهران، انتشارات روزنامه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۹۲، ۲۸۳ ص، ۹۰۰۰۰ ریال.

توافق‌نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳ م. ۲۴ نوامبر/ انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت / انرژی اتمی - ایران.

در کتاب حاضر تلاش شده تصویری مثبت از مذاکرات هسته‌ای ژنو در سال ۹۲ و در دولت یازدهم با گروه ۵+۱ ارائه شود. دکتر دریایی کتاب دیگری نیز شامل اسناد مذاکرات در وزرات خارجه دولت یازدهم نوشته است. وی معتقد است با روند یک‌طرفه انتقاد از این برنامه مواجهیم و پاسخگویی به انتقادات نیز ناقص صورت گرفته است لذا با ادعای عدم نگرش جناحی و با اعتقاد به نیاز به نقدهای دلسوزانه، درصدد پاسخ به نقدهای موجود در زمینه ساختار و روش مذاکره، محتوای توافق ژنو و کنکاشی در لغو تحریم‌ها برآمده است. عناوین فصول کتاب عبارت‌اند از: فصل اول: مقدمه و طرح موضوع، فصل دوم: دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در مورد فناوری هسته‌ای و مذاکرات، فصل سوم: حقوق بین‌الملل و انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، فصل پنجم: دولت یازدهم

و برنامه اقدام ژنو، فصل پنجم: نقد سؤالات و ابهامات در ساختار و روش مذاکره، فصل هفتم: واکاوی اقدام در زمینه برنامه هسته‌ای، فصل هشتم: کنکاشی در چگونگی نقد تحریم‌ها، فصل نهم: اثرات بین‌المللی و منطقه‌ای توافق ژنو، فصل دهم: ضمائم.

من دیپلمات نیستم من انقلابی‌ام

جعفرزاده، محمد حسن، دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی (سفارش و ویراستاری). قم، دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۳۶ ص، رقعی، ۴۰۰۰۰ ریال.

موضوع کتاب دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در حوزه سیاست خارجی، استکبار، مذاکره با آمریکا و تحریم است. کتاب حاضر؛ دومین کتاب از مجموعه منشورات «دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی» است که پس از دور جدید روابط سیاست خارجی توسط دولت یازدهم از سوی کارگروه گفتمانِ استکبارستیزیِ دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی در قم منتشر شده است، عنوان کتاب از بیانات رهبر انقلاب گرفته شده است «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه می‌گویم. دیپلمات یک کلمه‌ای را می‌گوید، معنای دیگری را اراده می‌کند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را می‌زنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را می‌زنیم.»

این کتاب در چهار بخش با سرفصل‌های اصلی زیر تنظیم شده است: فصل اول؛ استکبار: مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی استکبار، شاخص‌های رفتاری نظام استکباریِ امروزِ دنیا، تاریخچه، نتیجه و درس‌های مبارزه ایران و آمریکا. فصل دوم؛ تحریم: علل تحریم، آثار و برکات تحریم، راهکارهای مقابله با تحریم. فصل سوم؛ مذاکره: تدبیر اول قبل از سال ۹۲؛ مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند، تدبیر دوم قبل از دولت یازدهم؛ به مذاکره خوش‌بین نیستم؛ اما مخالفتی ندارم، تدبیر سوم بعد از دولت یازدهم؛ مذاکره در چارچوب نرمش قهرمانانه، فصل چهارم؛ توصیه‌ها: به مسئولان و به مردم.

نقد و بررسی متن توافقنامه ژنو: حقیقت توافقنامه ژنو از رؤیا تا واقعیت

مطلبی، مهدی، زیر نظر دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. قم، دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۹۲، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۱۲ ص، رقعی، ۳۰۰۰۰ ریال.

دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی. قم، دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۹۲، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۱۲ ص، رقعی، ۳۰۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر نقد و بررسی اولین مرحله توافق در دولت یازدهم بین کشورهای ۱+۵ و جمهوری

اسلامی ایـران در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ بـا عنـوان (Joint Plan of Action)؛ «برنامـه اقـدام مشـترك» در ژنـو اسـت. ایـن اثـر اولیـن کتـاب در موضـوع خـود در کشـور اسـت و همچنیـن اولیـن کتـاب از مجموعـه منشـورات «دفتـر مطالعـات گفتمـان انقـلاب اسـلامی» اسـت کـه توسـط کارگروه گفتمـانِ استکبارستیزی دفتـر مطالعـات گفتمـان انقـلاب اسـلامی در قـم منتشـر شـده اسـت. در مقدمـه کتـاب دربـاره علـت و انگیـزه تولیـد کتـاب آمـده اسـت: «دفتـر مطالعـات گفتمـان انقـلاب اسـلامی درصـدد ترجمـه صحیـح و توضیـح حقوقـی متـن توافقنامـه ژنـو برآمـد. توضیـح حقوقـی، فنـی و علمـی کـه تنهـا روشـنگر واقعیت‌هـای توافقنامـه اسـت و در آن هیـچ سـخنی کـه رنـگ و بـوی سیاسـت‌زدگی داشـته باشـد بـه چشـم نمی‌خـورد چراکـه تنهـا هـدف، تبییـن دسـتاوردها و نقـاط قـوت و ضعـف ایـن رویـداد مهـم اسـت تـا مخاطبـان ارجمنـد بـا رویکـردی بی‌طرفانـه و حقیقـت طلبانـه، خـود بـه قضـاوت بنشـینند، چراکـه «دانسـتن حـق مـردم اسـت»».

عناویـن بخش‌هـای کتـاب عبارت‌انـد از: کلیـات توافقنامـه ژنـو، بررسـی مقدمـه توافقنامـه ژنـو، بررسـی گام اول توافقنامـه ژنـو، بررسـی گام دوم توافقنامـه ژنـو، بررسـی گام نهایـی توافقنامـه ژنـو، بررسـی گام بعـدی توافقنامـه ژنـو، بررسـی برخـی شـبهات موجـود، پیوسـت‌ها شـامل متـن کامـل انگلیسـی توافقنامـه ژنـو، ترجمـه فارسـی توافقنامـه ژنـو، متـن کامـل ترجمـه بیانیـه توجیهـی آمریـکا از توافـق ژنـو Fact Sheet.

هشدار! خطر نفوذ جدی است: مقالات، گفتارها و گفتگوهای اساتید و کارشناسان فرهنگی - سیاسی

تهیه و تدوین دفتر نشر و پژوهش رویش. قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه / فرهنگ‌زدایی - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها / ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸- دخالت خارجی - مقاله‌ها و خطابه‌ها / ایران - تاریخ -

هلی بُرن از پشت میز: اهداف راهبردی ایالات متحده از پیگیری مذاکرات دوجانبه با ایران در موضوع هسته‌ای

افرازگنجین، مهدی: سید محمدجواد زمانیان. قم، موسسه شهید کاظمی، ۱۱۰۰۰۰ ریال

کتـاب حاضـر، بـا موضـوع بررسـی اهـداف راهبـردی آمریـکا در مذاکـرات دوجانبـه بـا ایـران اسـت، ایـن کتـاب در دوازده فصـل بـا محوریـت قراردادن مواضـع و تحلیل‌هـای رسـمیِ مقامـات، اندیشـکده‌ها و نهادهـای تصمیم‌سـاز در کشـور آمریـکا، بـه دنبـال روشـن نمـودن انگیزه‌هـای اساسـی کاخ سـفید

از پیگیری گفت وگوهای هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران هست. عناوین فصول کتاب که همان اهداف راهبردی آمریکا از مذاکره با ایران است؛ عبارت‌اند از: مدیریت قدرت منطقه‌ای ایران، بازسازی الگوی فروپاشی شوروی، تقویت جریان غرب‌گرا، تقویت گزینه نظامی، تقویت جریان صدور انقلاب، هضم اقتصاد ایران در ساختار جهانی، احیای سنت رهبر آمریکا، تحدید توان موشکی و دفاعی ایران، حفظ اجماع جهانی علیه ایران، مدیریت موازنه تسلیحات اتمی، برچیدن صنعت هسته‌ای، تأمین امنیت اسرائیل.

در مقدمه این کتاب آمده است؛ «یکی از مقاطع پرمحتوای تاریخ انقلاب اسلامی، روند تعاملات آن با دنیای غرب در مسئله هسته‌ای بوده است. بی‌شک طرف اصلی جمهوری اسلامی در این مناقشه تاریخی، دستگاه حاکمه ایالات متحده آمریکا هست. کشوری که داعیه رهبری همه تحولات کره خاکی را در سر دارد، چه ظرفیت ویژه‌ای در بستر گفتگوهای هسته‌ای با ایران یافته است که با چنین قوّت و دقّتی پیگیر در به نتیجه رساندن این مذاکرات هست؟ مسیر توافقات صورت گرفته چگونه زمینه مدیریت جمهوری اسلامی توسط حاکمیت آمریکا را فراهم خواهد آورد؟ چه أبعادی از سیاست‌های جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات هسته‌ای مورد چالش قرارگرفته است؟ توافق هسته‌ای با چه سازوکاری مقدمات لازم برای ورود مقامات کاخ سفید به فضای تصمیم سازی ایران را فراهم خواهد آورد؟

منابع

کتب

۱. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: ۱۳۷۸

۲. افراز، مهدی، هلی برن از پشت میز؛ بررسی اهداف راهبردی امریکا از مذاکرات هسته‌ای، نشر شهید کاظمی، قم:۱۳۹۴

۳. جعفرزاده، محمد حسن، من انقلابی‌ام؛ بیانات مقام معظم رهبری پیرامون مذاکره و تحریم در سال‌های ۹۰ تا ۲»، کاری از دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی، قم: ۱۳۹۲

۴. مطلبی، مهدی، عقب نشینی ممنوع؛ بیانات مقام معظم رهبری پیرامون مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم، کاری از دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی، نشر شهید کاظمی، قم: ۱۳۹۴

سایت‌ها

۱. خبرگزاری تسنیم www.tasnimnews.com

۲. خبرگزاری فارس www.farsnews.com

۳. خبرگزاری پرستی وی www.presstv.ir

۴. خبرگزاری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران www.iribnews.ir

۵. سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری www.khamenei.ir

۶. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری www.president.ir

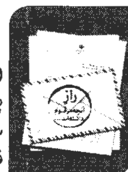
۷. خبرگزاری نسیم www.nasimonline.ir
۸. سایت رجانیوز www.rajanews.com
۹. سایت جهان نیوز www.jahannews.com
۱۰. سایت (۵۹۸) www.598.ir
۱۱. سایت کمیته صیانت از منافع ملی ایران www.sianat.org
۱۲. سایت تابناک www.tabnak.ir
۱۳. سایت انتخاب www.entekhab.ir
۱۴. سایت ایران هسته‌ای www.irannuc.ir
۱۵. سایت عصر ایران www.asriran.com
۱۶. سایت شبکه اطلاع رسانی راه دانا www.dana.ir
۱۷. سایت رسمی دکتر مظفر نامدار namdar335.persianblog.ir
۱۸. سایت رسمی آیت‌الله سیفی مازندرانی www.seyfi.ir
۱۹. روزنامه کیهان www.kayhan.ir
۲۰. روزنامه وطن امروز www.vatanemrooz.ir

از این ناشر منتشر شده است



عقب نشینی ممنـوع
پدید آورنده: مهدی مطلبی
سال نشر: ۱۳۹۳ ششم ۱۳۹۴
قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

معرفی اثر
بررسی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم (ازمرداد۹۲ تافروردین۹۴) و دستاوردهای آن از منظر معظم‌له.



راز آنچه مرقوم داشتند
پدیدآورنده: مهدی مطلبی
سال نشر: ۱۳۹۴ چهارم ۱۳۹۵
قیمت: ۱۷۰۰۰۰ریال

معرفی اثر
این کتاب پرده از راز نامه تاریخی رئیس جمهور در ۳ آذر ۱۳۹۲ به رهبر معظم انقلاب درباره توافق ژنو برمی‌دارد.



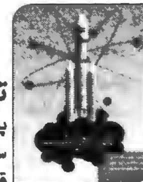
گزارش ناخوانده
پدیدآورنده: اندیشکده صدق
چاپ سوم: ۱۳۹۵
قیمت : ۲۲۵۰۰۰ ریال

معرفی اثر
بررسی وضعیت فعلی تحریم‌ها و کارنامه‌ی توافق ژنو در رفع تحریم‌ها و روشن کردن سرنوشت این مسیر در آینده.



خط قرمز
پدید آورنده: دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی
سال نشر: ۱۳۹۴
قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

معرفی اثر
بررسی مستند نقض خطوط قرمز در توافق وین و متن برجام



تا ثریا راهی نیست

پدیدآورنده: محمد حسین علیجان

سال نشر: ۱۳۹۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

معرفی اثر

جستاری درکلمات رهبر معظم انقلاب درباب اصل راهبردی خودباوری به‌همراه کلماتی از امام راحل و گزارشی از دستاوردهای سی وپنج ساله انقلاب.



توقف ممنوع

پدید آورنده : اسماء حیدری

چاپ اول: ۱۳۹۱ دهم۱۳۹۵

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

معرفی اثر

بیانات مقام معظم رهبری در قالب یک مدل مفهومی برای رسیدن به تولید علم که در سه فصل مجزا به ارائه بیانات معظم له و انتظارات ایشان از جوان ونوجوان ایرانی پرداخته شده است.



کار باید تشکیلاتی باشد

پدیدآورنده: محمود زارعی

سال نشر: ۱۳۹۳ دهم ۱۳۹۵

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

معرفی اثر

کتابی که گره‌گشای فعالیت‌های تشکیلاتی و فرهنگی است، این کتاب مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره تشکل و کار تشکیلاتی می‌باشد.



چاله‌های زندگی

پدیدآورنده: سیدمهدی جوادی

سال نشر: ۱۳۹۳

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

معرفی اثر

آسیب‌شناسی در ۲۰ چالش سبک زندگی که مقام معظم رهبری این چالش ها را ذکر نموده‌اند و تأکید خاصی بر آن‌ها دارند

مراکز پخش و نمایندگی‌های توزیع محصولات نشر شهید کاظمی

مراکز پخش

- قم / پاتوق کتاب خیابان صفائیه، کوی ۳۲، پلاک ۳، جنب بانک کشاورزی، ۰۲۵۷۷۴۰۰۰۴

- قم / کتابستان خیابان ارم مقابل بانک ملی شعبه حجتیه، ساختمان کوثر، ۰۲۵۳۷۸۳۹۴۰۲

-تهران / قدیم‌الحسان میدان قیام، بلوار قیام، تقاطع مشهدی رحیم، فروشگاه قدیم‌الاحسان، ۰۲۱۳۳۴۴۲۲۵۴

- تهران / اشکذر میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان شهدای ژاندارمری، پاساژ کوثر، ۰۲۱۶۶۹۷۱۹۷۳

- اصفهان / کتاب‌سرای فدک خیابان مسجد سید، ۰۹۱۳۳۱۳۵۳۲۸ و ۰۳۱۳۲۲۰۵۴۸۵

- مشهد / کتاب‌پردازان خیابان توحید ۱-۱۹، شماره ۵، ۰۹۱۲۰۷۵۵۹۵۵ و ۰۵۱۳۷۱۱۲۲۱۲

- آفتاب پنهان ۰۲۵۳۷۸۳۵۳۱۵ و ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

نمایندگی‌ها

- آذربایجان شرقی / تبریز / پاتوق کتاب میدان ساعت، مقابل بازار تربیت، ۰۹۱۲۸۳۶۹۸۴۰ و ۰۴۱۳۵۵۷۶۰۰۰

- آذربایجان غربی / ارومیه، پاتوق کتاب تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نبش چهارراه مافی ۰۹۱۴۳۴۷۷۸۲۳ و ۰۴۴۳۲۳۵۴۵۲۲

- اردبیل / مجتمع فرهنگی ولایت شهرک کارشناسان، میدان شفا، ۰۹۱۴۴۵۱۶۲۷۲ و ۰۴۵۳۳۷۴۷۷۷۷

- اصفهان / فروشگاه امام خمینی(ره) خیابان مسجد سید، خیابان پنج رمضان، ۰۹۱۳۳۶۸۱۳۸۰ و ۰۳۱۳۳۳۶۰۶۸۶

- اصفهان / کاشان / فروشگاه بهشت کتاب میدان ۱۵خرداد، خیابان ۲۲بهمن، مقابل ستوران خاتون، ۰۹۱۳۶۸۹۲۵۴۸ و ۰۳۱۵۵۴۷۲۱۹۱

- اصفهان / نجف‌آباد / مرکز توزیع کتاب و ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی نون و القلم ۰۹۱۳۹۲۸۰۱۳۸ و ۰۳۱۴۲۶۱۶۶۸۸

- ایلام / پاتوق کتاب خیابان ولایت بالاتر از مدرسه شهید احمد کرمی، ۰۹۱۹۹۲۷۷۵۵۶

- بابل / پاتوق کتاب خیابان امام‌خمینی(ره)، چهارسوق، ایثار دوازدهم، ۰۹۱۲۶۸۹۱۷۲۵

- بوشهر / کتاب سرای باران خیابان امام، پل پوردرویش، کوچه دوم، سمت راست، ۰۹۱۷۶۶۷۱۵۵۴ و ۰۷۷۳۳۳۳۶۰۱۸

- تهران / فروشگاه کیهان خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، ۰۹۳۵۸۱۶۴۰۹۸ و ۰۲۱۶۶۴۰۳۴۷۹

- تهران / پاتوق کتاب چهارراه کالج، ۰۹۳۵۴۳۴۰۶۰۲ و ۰۲۱۸۸۹۱۱۲۱۲

- تهران / ترنجستان سروش خیابان انقلاب اسلامی، بین ابوریحان و فلسطین، ۰۹۱۲۶۱۱۹۶۴۵ و ۰۲۱۶۶۴۹۳۶۲۰

- چهارمحال و بختیاری / شهرکرد / پاتوق کتاب خیابان ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بالاتر از سه راه سینما، ۰۹۳۶۴۷۵۲۱۱۲ و ۰۳۸۳۲۲۴۳۲۲۲

- خراسان رضوی / مشهد / پاتوق کتاب چهارراه شهدا، خیابان آیت‌ا... بهجت، نبش بهجت ۷، ۰۹۱۵۱۱۲۶۳۵۴ و ۰۵۱۳۲۲۲۰۱۱۹

- خراسان رضوی / سبزوار / کتاب آسمان اسرار شمالی، روبروی بانک مهر ایران، ۰۹۳۵۹۳۵۳۹۱۵ و ۰۵۱۴۴۲۲۹۶۳۳

- خراسان رضوی / کاشمر / فروشگاه امام‌خمینی خیابان شهید بهبودی، روبروی بهبودی ۶، ۰۹۳۵۵۰۲۷۹۰۳ و ۰۵۱۵۵۲۲۰۴۹۰

- خوزستان / اهواز / کتاب اسود خیابان حافظ، بین سیروس و نادری، ۰۹۱۶۳۱۹۵۴۴۲ و ۰۶۱۳۲۹۲۳۳۱۵

- خوزستان / اهواز / رسانه بیداری خیابان خوانساری، نبش کافی، روبروی پاساژ نظامی، ۰۹۳۸۷۶۱۰۸۷۲ و ۰۶۱۳۲۲۱۱۷۲۵

- زنجان / فروشگاه کمیل خیابان صفا، جنب ستاد اقامه نماز، ۰۹۱۲۶۴۱۹۳۱۹ و ۰۲۴۳۳۴۵۴۳۰۰

- فارس / شیراز / بچه‌های کتاب خیابان ملاصدرا، خیابان معدل، نبش کوچه ۱۱، پلاک ۲۵۴، ۰۹۱۷۳۱۸۷۶۳۰ و ۰۷۱۳۲۳۱۹۷۰۷

- فارس / شیراز / پاتوق کتاب خیابان صورتگر (شهید فقیهی)، نبش خیابان معدل، ۰۹۱۷۳۰۹۶۰۵۸ و ۰۷۱۳۲۳۴۴۶۱۴

- فارس / فسا / جبهه کتاب ضلع غربی میدان مصلی (زیر زمین)، ۰۹۱۷۸۴۰۵۹۶۳ و ۰۷۱۵۳۳۴۵۳۰۰

- قم / کتاب فردا میدان بسیج، خیابان ایرانی، کوی ۴، پلاک ۲۱، ۰۹۱۲۷۴۸۵۶۶۳ و ۰۲۵۳۷۸۴۰۹۶۹

- کرمان / کتاب میعاد خیابان فلسطین، خیابان ابن سینا، مجتمع قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۰۹۱۳۲۹۹۵۲۹۸ و ۰۳۴۳۲۲۶۶۲۶۴

- کرمانشاه / پاتوق کتاب چهارراه مدرس، خیابان پزشکان، پلاک ۲۲، ۰۹۱۸۹۲۹۰۵۴۶ و ۰۸۳۳۷۲۳۸۴۱۱

- کهکیلویه و بویر احمد / یاسوج / پاتوق کتاب میدان هفت‌تیر، خیابان فردوسی، خیابان هجرت، ۰۹۱۷۷۴۱۰۷۱۷

- لرستان / خرم‌آباد / ستارگان آسمان خیابان علوی، نرسیده به میدان شقایق، طبقه پایین دانشگاه امام حسین، ۰۹۱۶۶۶۱۱۶۵۷ و ۰۶۶۳۳۴۱۸۸۱۵

- مرکزی / اراک / پاتوق کتاب امام خمینی(ره)، خیابان میرزای شیرازی (مسجد سیدها)، حوزه علمیه، ۰۹۱۸۹۶۴۰۱۶۳ و ۰۸۶۳۳۶۷۵۵۹۲

- هرمزگان / بندرعباس / پاتوق کتاب خیابان دانشگاه، جنب موسسه اعتباری عسگریه، پاساژ کاکتوس، ۰۹۱۷۱۶۱۳۸۴۳ و ۰۷۶۳۳۶۱۷۵۵۷

- همدان / رواق انتهای خیابان مهدیه، جنب دانشکده علوم پایه دانشگاه بو علی سینا، ۰۹۱۸۸۱۷۴۴۳۸ و ۰۸۱۳۸۳۸۱۳۹۲

- یزد / پاتوق کتاب بلوار منتظر القائم، چهارراه فاطمی، کوی گلشن، ۰۹۱۵۵۲۲۱۸۲۸ و ۰۳۵۳۶۲۴۰۵۵۰